

# فراموشخانه و فراماسوئری در ایران

جلد دوم

نوشته: اسماعیل رائین



مؤسسه انتشارات امیرکبیر  
تهران، ۱۳۵۷

استفاده از متن کتاب، اسناد و فیلمها، عکسها و تصاویر،  
بدون اجازه کتبی نگارنده ممنوع است.



دانشگاه اسامیل

فراموشخانه و فراماسواری در ایران (جلد دوم)

چاپ اول: ۱۹۶۸ ایتالیا

چاپ دوم: ۱۳۴۷ ایران

چاپ سوم: ۱۳۵۲

چاپ و معارف، چاپخانه سپهر، تهران

حق چاپ محفوظ است.

# فهرست مندرجات

فصل پانزدهم	لترهای اولیه فراماسونها در ایران	۴۱ -
فصل شانزدهم	لتربیداری ایران - گرانداوریان (شرق اعظم)	۴۳ - ۱۴۷
	فرانسه	
فصل هفدهم	فراماسنها و انقلاب مشروطیت ایران	۱۴۸ - ۲۱۸
فصل هجدهم	فراماسونها و انجمنهای مخفی و علنی در ایران	۲۱۹ - ۲۶۰
فصل نوزدهم	اتابک و فراماسونها	۲۶۱ - ۲۸۷
فصل بیستم	اقشاء اسرار ماسونی	۲۸۸ - ۳۱۸
فصل بیست و یکم	شاهزادگان قاجار در فراموشخانه و فراماسونی	۳۱۹ - ۳۵۷
فصل بیست و دوم	افتتاحات ماسونی	۳۵۸ - ۳۷۲
فصل بیست و سوم	لتر خزعل خان	۳۷۳ - ۴۰۹
فصل بیست و چهارم	فراماسونها و معروف در شهرهای مختلف	۴۱۰ - ۴۴۴
ضمائم :	۱ - اساسی اعضای لتربیداری ایران	۴۴۶ - ۴۵۳
	۲ - منظومه آئین فراماسونی	۴۵۴ - ۴۹۳
	۳ - قانون اساسی گرانداوریان	۴۹۴ - ۶۳۵
	ترجمه کامل لتربیداری ایران	
۴ - معرفی ۱۳۶۰ جلد کتاب فراماسونری		۶۳۷ - ۸۳۸

# فصل پانزدهم

## لژهای اولیه فراماسونها در ایران

با وجودیکه یکصد و شصت سال<sup>۱</sup> از عضویت نخستین ایرانی به مجمع فراماسن فرانسه می‌گذرد، معذالك هیچیک از نویسندگان ماسن یا غیرماسن<sup>۲</sup> یا مورخین درباره تاریخ قطعی تأسیس لژهای فراماسن در ایران یا ایرانیانی که در این راه پیشقدم بودند، سند جالب و قطعی انتشار نداده‌اند.

فراماسنها مدعی هستند که تاکنون پنجاهزار جلد کتاب موافق و مخالف و بیطرف درباره فراماسنی به السنة مختلف در جهان برشته تحریر در آمده و دودوره دائرةالمعارف نیز بوسیله لژهای فراماسنی چاپ و منتشر شده است<sup>۳</sup>، ولی در این دو دائرةالمعارف فقط چند سطر درباره فراماسونری در ایران نوشته شده که رویهمرفته اطلاعات مبسوط و جامعی درباره این تشکیلات در ایران بدست ما نمی‌دهد. و حال آنکه در بسیاری از تشریفات و آداب و رسوم فراماسونری کنونی اعمالی از گذشته و حال ایران اقتباس شده و نسبت کارهای خود را بدوران باستانی ایران می‌رسانند که برای نمونه چند فقره از آنها را نقل می‌کنیم:

۱ - در معابد ماسونی و بخصوص در درجات عالی ماسونی آداب و رسوم موبدان

۱ - تاریخ عضویت میرزا عسگرخان نخستین ایرانی در لژ فراماسنی فرانسه در

سال ۱۸۰۸ .

2- Encyclopaedi of Freemasonry and its kindred sciences

- Mackeys Encyclopaedia of Freemasonry .

و زرتشتیان به خوبی منعکس است .

۲ - در ریتولهای ماسونی که بعد از سال ۱۷۲۰ (۱۱۳۲ هـ) متداول شده، بسیاری از آداب مذهبی ایرانیان دوره ساسانی و هخامنشی مشاهده میشود .

۳ - در مراسم درجات بالای فراماسونی کنونی که شایتر Chapter نامیده میشود، بسیاری از مراسمی که برگزار میگردد تقلیدی از عملیات مؤبدان و درباریان ایران دوران ساسانی است .

۴ - بعقیده فراماسونری کنونی، کورش کبیر که باعث آزادی یهودیان از اسارت بابلیها شد و معبد بزرگ را در اورشلیم ساخته است طبق تعلیمات درجات عالیۀ فراماسونی «ماسون اول» یعنی جزء سازندگان و بنایان معبد بشمار میرفته است . زیرا معبدی که او ساخته مطابق همان اسلوبی است که حضرت سلیمان بنا کرده است و به این جهت ماسونها او را هم «بنا» یا به اصطلاح امروزی «ماسون» میدانند .

۵ - بعضی از سلاهما، علائم شناسائی و کارهای دیگری که ماسونهای کنونی انجام میدهند با بسیاری از عملیاتی که ما روزانه در ایران عمل می‌کنیم مطابقت دارد مثلاً در موقع اذان گفتن ما دست راست را روی سینه می‌گذاریم و دست چپ را به - بناگوش، این اعمال عیناً مراسمی است که در درجه دوم ماسونی وجود دارد .

جیمس هوریه معروف ، رکوع و تعظیم ایرانیها را که هنگام انجام آن دستها روی سینه و زانوهی گذارند و خم میشوند منتسب به حرکات بنایان ایران باستان کرده و آنرا نمایشی از گویا و مثلث میداند . او معتقد است که این دو حرکت رمز بنایان ایران بوده که هم اکنون در مراسم ماسونی عیناً تکرار می‌شود .

۶ - طرز سلام و تعظیم و شاعر متعددی که در اویش ایران انجام میدهند نیز شباهت فراوانی با مراسم ماسونها دارد .

علی مشیری محقق ایرانی<sup>۱</sup> متقیم لندن که خود از فراماسونهای لژهای انگلیسی

۱ - ایشان در دو لژ انگلیسی در لندن عضویت دارند که یکی از آنها لژ معروف Wilsteadon است، او همچنین در ژانویه ۱۹۶۴ دارد Royal arch شده است. وی در نامه‌ای به دکتر فرخ ارفع السلطنه مینویسد : « در ریتولها خیلی پیشرفت کرده‌ام و از خیلی از -

است می نویسد: «بنا به بعضی قرائن فراماسونری در ایران بشکل و صورتهای مختلف در زمان ساسانیان وجود داشته است و پیدایش آن در ایران در زمان سلطنت کورش کبیر بوده و حتی بعضی از مراسم رموز آنان پس از تسلط اعراب و قبول دین مبین اسلام در میان ایرانیان معمول گردید. گروهی از مردمان هم بدون اینکه خودشان بدانند تعالیم بشردوستی و نوع پرستی فراماسونی و همچنین رموز و علائم آنان را تحت عناوین مختلف و گوناگونی جزو مراسم ملی و مذهبی خود قرار داده اند.

از جمله قسمت بزرگی از سنن و تعالیم برجسته مذهب شیعه که پایه و اساس تمدن اسلامی می باشد به توسط علمای ایرانی الاصل و پاک نژاد در زمان صلاح الدین ایوبی و حسن صباح به شام و مصر گشاییده شد و پس از جنگهای صلیبی از آنجا به اروپا سرایت نمود و نیز گروهی از مسافرینی که به هندوستان رفته اند بوجود بعضی از علائم و رموزات ماسونی در اغلب مساجد و قبور اشخاص بزرگ که در دوره فرمانروائی سلاطین مغول بوسیله استادان و معماران بزرگ ایرانی ساخته شده است پی برده اند...»

در ایران فقط تعداد کمی از فراماسونهای ایرانی از آداب عالمیه ماسونی اطلاع دارند. ارفع السلطنه خان فرخ که مدت شصت سال فراماسون بود ازین اسرار و علائم آگاهی داشت که آنها را حتی به برادران خود نمی گفت. پس از آن مرحوم، دکتر سعید مالک که بعد از سید حسن تقی زاده کهنسازترین فراماسون ایرانی است از این رموز اطلاع دارد و بدین مقام ماسونی رسیده که باید معتقد باشد که «یهوه خدای یهودیان» مسلماً «معمار اعظم» و مبدأ آفرینش جهانیان است و فقط او را یعنی خدای یهودیان را باید پرستش کرد و پس. بنابراین برای دانستن سابقه و قدمت ماسونیک در ایران

۱ - مجله خواندنیها شماره ۹۵ سال ۲۲.

→ برادران انگلیسی جلوتر افتاده ام زیرا ایمان کامل و اعتقاد قوی همیشه در کارها مؤثر است. مسأله برادری در اروپا و مخصوصاً در انگلستان عالم دیگری است، صفا و محبت و تقدس از سر و پای برادران همواره میبارد. و همه میل دارند دست بدست هم داده و یاری از دوش همدیگر بردارند برعکس ماسونهای ایران که حتی از جناب عالی هم کلاهبرداری کرده و بطوریکه نوشتید دکتر جعفر... موجبات محکومیت شما را فراهم آورد.

بایستی از اقوال دیگران استفاده کنیم . اگر گفته مورخین فراماسون بخصوص «برنارد جونز»<sup>۱</sup> که کتاب بسیار جامع و کاملی در باره بنایان شرق و ایران نوشته است<sup>۲</sup> قبول کنیم باید اذعان نمائیم که در ایران قدیم نیز سازمانهای بنائی وجود داشته است . اشمیت یکی از باستانشناسان معروف که مدت زیادی در تخت جمشید کار کرده است مینویسد : «اطاقی در این کاخ عظیم بوده که همه آلات و ادوات بنائی و سنگتراشی در آن نگهداری میشده است . اینجا محفل و محل اجتماع بنایان و سنگتراشان ایرانی بوده که پس از فراغت کار بدور هم جمع میشدند و در باره حرفه بنائی سخن میگفتند» . اگر این نظریات را قبول کنیم میبایستی وجود سازمان بنایانی را که حمزه اصفهانی متولد (۵۲۷۰ هـ - ۸۸۳ م) در کتاب خود موسوم به «سنی ملوک الارض» مینویسد ، دنباله همین مراکز قدیمی بدانیم . حمزه اصفهانی مینویسد : «... همای چهر آزاد از ملوک پیشدادیان چون بکشور روم لشکر فرستاد و اسیرانی از آنجا بایران آورد در میان اسیران بنایان خوبی بودند که بساختن صد عمارت بزرگ دست بردند این عمارتها را بفارسی هزار ستون گویند . یکی از آن عمارتها در استخر و دیگری در داراب و سومی در راه خراسان بود شهر زیبائی نیز در حوالی اصفهان ساختند که اسکندر آنرا خراب کرد ...» اگر این نوشته با حقایق تاریخی مطابقت نماید باید بگوئیم که بنایان در روزگار قدیم یعنی حتی پیش از حمله اسکندر به ایران ، در ایران تشکیلاتی داشته و صنف بزرگی بوده اند .

علاوه بر این فراماسونها از پاره‌جهات بامتصوفین و طبقات صوفیه در ایران بی‌شبهت نیستند و شاید روی همین وجه تشابه باشد که عده زیادی از فراماسونها ی قدیمی ایران جزو دستجات صوفی و دراویش بودند . همانگونه که در میان صوفیه «مرید» ، «مرشد» و «خانقاه» وجود دارد در فراماسونری نیز «شاگرد» ، «استاد» ، «لژ» موجود است .

مرشد و استاد «دستگیر» شاگرد و مریدند و به اصطلاح دراویش «اورا از تاریکی خودپرستی به روشنائی نوع دوستی و صفای باطن راهنما می‌شوند ، خانقاه بزم محبت

1- Bernard E. Jones.

2 - Freemasons Guide And Compendium .

است و آنجا گدائی به شاهی مقابل نشینند<sup>۱</sup> محمود عرفان می نویسد: «... لژ هم وقتی بمعنی اجتماع فراماسونها باشد مقام انس و الفت است و در آن اجتماع توانگری که در کاخ رفیع خود آرمیده، با دهقانی که در کوخ روستائی منزل گزیده یار است و دمساز، هر دو طایفه افراد فرقه خود را «برادر» خطاب می کنند و می گویند با همه خلق خدا محبت کنید و صفا و هر دو معتقدند که:

مرد باید که جفا بیند و منت دارد      نه بنالد که مرا طاقت بد خویان نیست

تفاوت عمده فراماسون با صوفی در این است که اساس طریقه صوفیه بر اعراض از دنیا و مافیهاست و اساس فرقه ماسونری بر توجه بدنی و تنظیم امور دنیوی بوسیله تعاون و اجرای اصول اخلاقی است والا فراماسون با صوفی در این شعار هم آواز است که: «بترس از خدا و میازار کس»<sup>۲</sup> با وجودیکه فراماسونری جهان آداب و رسوم و اسرار خود را مرهون بنیان فرق مذهبی و اسرار و آئین مراسم متداول در ایران و سایر ممالک خاورمیانه میدانند و با وجودیکه یکصد و شصت سال از آغاز فعالیت فراماسونی سیاسی کنونی در ایران می گذرد معینا تا کنون نه خود فراماسونهای ایران و نه الهام دهندگان آنها هیچگاه درصدد مطالعه در سازمانهای بنائی و یا لژها و احوال فراماسونها و سیر آن در ایران بر نیامده اند. نخستین بار روبرت فردریک گاولد<sup>۳</sup> انگلیسی که تاریخ فراماسونری خود را در سال ۱۸۷۹ م (۱۲۹۶ هـ) نوشته و تا کنون این کتاب نیز بارها چاپ شده، در باره تأسیس نخستین لژ فراماسونری در ایران اشاره ای کرده و آنرا بتاريخ ۱۸۱۰ م (۱۲۲۴ هـ) در شهر اصفهان میدانند، گاولد میگوید که یکی از نویسندگان ماسون بنام «توری»<sup>۴</sup> مدعی است که در این سال فرمان تأسیس لژ در اصفهان صادر شده، اما هیچگونه دلیل و مدرکی که حکایت از تشکیل لژ در این شهر و فعالیت ماسونها نماید در دست نیست.

نویسنده دیگر فراماسونری در دائرة المعارف سلطنتی ماسونیک می نویسد :  
 «اطلاعاتی که از وضع اجتماعی مملکت ایران در آن زمان رسیده ضد و نقیض و غیر  
 قابل اطمینان است . بهمین جهت با وجود تذکراتی که در نشریه های ماسونیک درباره  
 تأسیس لژ در اصفهان چاپ شده نمی توان با قطعیت وجود این لژ را در اصفهان تأیید  
 کرد<sup>۱</sup> همین نویسنده زیر نام ایران در دائرة المعارف مذکور می نویسد : «در همین  
 تاریخ یک صاحب منصب ماسونی از لژ Ishmael در ایران بوده است» ولی اوهیچگونه  
 توضیح بیشتری در باره این لژ و یا سایر فعالین آن نمی دهد .

نویسنده دیگر فراماسونری ضمن تشریح تشریفات ورود میرزا عسکرخان اردوی افشار  
 به لژ فراماسونری در پاریس که در ۲۴ نوامبر ۱۸۰۸ صورت گرفته می نویسد : «... ولی  
 بهر حال محتمل است که آقای سفیر در بازگشت بوطن بین دوستان مورد اطمینان  
 خود اطلاعات چندی درباره تأسیس لژ منتشر کرده و توجهشان را به عقاید مساعد خود  
 بآن جلب کرده باشد . زیرا از کلیه حوادث و اطلاعات بعدی چنین بر می آید که از آن  
 تاریخ به بعد در ایران مردم طبقه عالی درباره فراماسونری و لژهای ماسونی اطلاعاتی  
 داشته اند»<sup>۲</sup> .

بنظر میرسد این ادعای نویسنده دائرة المعارف ماسونیک تا حدودی صحیح باشد  
 زیرا «هولمز»<sup>۳</sup> انگلیسی که کتابی بنام «بررسی و نقشه سواحل بحر خزر»<sup>۴</sup> نوشته درباره  
 اندیشه های ایرانیان و اخذ فراماسونری در میان آنان اطلاعات جالبی از گفتگوی  
 خودش با حاکم رشت داده و می نویسد : «... صبح آقای فرماندار که بنظر میرسد شخص  
 فوق العاده کودن و درعین حال مؤدب و با تمدن است از ما دیدن کرد . ایشان سئوالات  
 فراوانی در باره فراماسونری از ما کرد که خود او بدان نام «فراموشخانه» میداد .

۱ - دائرة المعارف سلطنتی ماسونیک ص ۵۵۸ .

۲ - تاریخ فراماسونری گاولد جلد ششم .

۳ - Holmes .

۴ - Sketches on the shore of the Caspian, (London, 1845) B. 182.

البته باید گفت که ایرانیان به «فریمسن هال لندن»<sup>۱</sup> فراموشخانه می‌گویند این لغت در نظر ایرانیان بسیار کلمه حیرت انگیز و عجیب بوده و عموماً برای ایرانیان که از آن اطلاعاتی شنیده‌اند خیلی جالب است. سئوالاتی که در این باره از ما شد باین شرح است :

در فراموشخانه چه می‌کنند ؟

فراموشخانه اصولاً چیست ؟

ایرانیان معمولاً خیال می‌کردند که این مکان بسیار عجیب جایی است که در آن يك شخص ممکن است در يك روز نتیجه فهم و درك هزار سال تحصیل و علوم دیگران را بیاموزد، ولی هرکس خصوصیت مطالب آموخته را برای شخص خود نگاهداشته و به کس دیگر چیزی نمی‌گوید. بعضی از ایرانیان که به انگلستان سفر کرده‌اند فراماسون شده‌اند و رفقایشان از آنها کله می‌کنند که در بازگشت به وطن به هیچوجه حاضر نیستند چیزی درباره مجمع فراموشخانه به زبان بیاورند علاوه ابدأ نمی‌توان به اینعده فهماند که چرا فراماسونهای ایران تا این حد گوشه‌گیر و غیرقابل جوش و ساکتند و با مردم ارتباط ندارند ؟ علاقه طبقات مختلف به کسب اطلاع از درون لژها و محافل ماسونی حتی در بین علمای نیز رایج بوده «جوزف ولف»<sup>۲</sup> عضو گروه سیار هیئت کلیسای آنجیلی و یا «کلیسای مسطوریان» در خاطرات هشت ساله اقامتش در ایران مینویسد :

« در سال ۱۸۲۴ (۱۲۳۹ هـ) وقتی از شیراز می‌گذشتم با مجتهدی بنام شیخ حسن آشنا شدم که برخلاف سایر علماء از مذاکره با خارجیها خاصه فراماسونها امتناع نداشت و حتی مارا پذیرفت زیرا بنا بر گفته او این مذاکرات موجب تفاهم بیشتری میشد. »<sup>۳</sup> همین نویسنده هفت سال بعد هنگامی که به آذربایجان غربی میرسد و با سلیمان

1- Freemasons Hall in London.

2- Joseph Wolff.

۳- رجوع شود به کتاب :

Missionary Journal of the Reverend, (London, 1829) و III.87

پاشا حاکم شهر خوی در آذربایجان شرقی برخورد می کند می نویسد :

... او علاوه بر اینکه با فراماسوئری نوین به خوبی آشنائی داشت ادعای کرد که يك فراماسوئر است . او همچنان می گفت که بنیاد فراماسوئری در فصل چهارم مکاشفه «سن جان» بنیاد نهاده شده است ...<sup>۱</sup>

یکی دیگر از کشیشان اعزامی به ایران بنام «پرکینز»<sup>۲</sup> که عضو يك هیئت مذهبی مسیحی به ایران داشته و در سال ۱۸۴۳ (۱۲۵۸ هـ) به ایران آمده ضمن گزارشی که به مقامات کلیسای خود میدهد می نویسد : «... این علاقه زایده «جوهر فلسفه شکاکون پیمان شکنی و الحاد است ...»<sup>۳</sup> بنا بنوشته حمد الگار ، جیمز موریه نیز در حاشیه ای که برداستان مشهور و پر ماجرایش بنام «سرگذشت حاجی بابا اصفهانی» نوشته بهمن گونه شهادت میدهد .

سند بسیار ارزنده و جالب دیگری که از تأسیس لژهای اولیه ماسونیک در ایران بدست آمده وجود يك لژ فراماسوئری مجاز را در تهران تأیید میکند . نویسنده آمریکائی «دائرة المعارف ماسونیک»<sup>۴</sup> برای اولین بار اشاره بوجود يك لژ ماسونیک در ایران میکند . این نویسنده مدعی است که «تشکیل این لژ براساس طریقت فلسفی «بنایان در ایران» بوده و بهمن جهت هم نام آنرا Persian Philosophical Ritel گذاشته اند . بعقیده نویسنده مذکور «آئین فلسفی فراماسوئری ایران اولین بار در الرزته الروم و در سال ۱۷۱۸م (۱۲۳۳ هـ) پایه گذاری شده است . در آن ایام ارزروم قسمتی از خاک ایران بوده و لژی که در آن تشکیل شد در سال ۱۸۱۹ به فرانسه معرفی شده است ...»

با توجه به اینکه در آن ایام لژ گرانداوریان فرانسه در سرزمین عثمانی فعالیت

1- Researcher And Missionary Labours Among The Jews . Mohammedans and other Sects (London), 1835, P. 41 .

2- Perkins.

3-A. Residence of Eight years in Persia among the nestorian christians (andoyer, 1843), P. 41

۴- شورای طریقت فراماسوئری آمریکائی با ارسال يك فتو کپی از کتاب تاریخ فراماسوئری ←

داشته چنین بنظر میرسد که طریقت مذکور از طرف این گرانند لژ بوجود آمده باشد. در تأیید آنچه گفته شد بایستی یادآور شویم که در کتاب «دیکسیونر فراماسونری بین المللی» Internationales Freimaurer Lexikon که در سال ۱۹۳۶ به زبان آلمانی در آلمان چاپ شده و در سالهای اخیر سازمانهای «فراماسونری آبی» آنرا تجدید چاپ کرده، ازین «طریقت فلسفی ایران» ذکری شده است. نویسنده این دائرةالمعارف ماسونی ضمن نقل هفت درجه و سمبل اجراء شده در طریقت مذکور مدعی است که «این طریقت فراماسونری از فرانسه به سرزمین عثمانی منتقل شده است»<sup>۱</sup> یکی از فراماسونهای کنونی که در این رشته مطالعات فراوان دارد و خود نیز مدتی در ترکیه مشغول مطالعه بود مدعی است که «هم اکنون در شهر قویه یک دسته از درویش که خود را فراماسون میدانند ولی به هیچیک از دستجات و سازمانهای فراماسونی جهان بستگی ندارد طریقت ماسونی مذکور را شدیداً اجرا میکنند. این درویش فراماسون به هیچوجه خارجیان و حتی بزرگترین صاحبان مقام و مناصب ماسونی جهان را بدرون لژهای خود راه نمیدهند. اینان هنگام اجراء تشریفات و آداب و رسوم همه اعمال را به زبان فارسی و کلمات متداول و معمول فارسی در قرن نوزدهم اجراء می کنند بدون اینکه اعضاء آن زبان فارسی بدانند و یا بدین زبان صحبت کنند.

این دسته از فراماسونها علائم و رموز و اشاراتی که عیاران ایرانی در دوران سلطنت شاهان صفویه در ایران بین خود داشتند عیناً اجرا می کنند و با این علائم همدیگر را می شناسند و حتی بوسیله آنها در اجتماعات باهم سخن می گویند. طریقت

---

— جهان این اطلاعات را در اختیار نویسنده گذاشته است. همچنین در دائرةالمعارف سلطنتی فراماسونری نیز درباره طریقت مذکور اطلاعاتی داده شده است، رجوع شود به صفحه ۵۵۸ این کتاب.

۱- رجوع شود به ص ۱۳۱۸ زیر نام Persian - چاپ دوم کتاب «دیکسیونر فراماسونری بین المللی» فوق الذکر که در فراماسونری آلمان به دائرةالمعارف فراماسونری آبی نیز معروف است.

مذکور درین مرشدها و پیران در اویش مولوی سه شهر قویه ، ارزروم و ازمیر متداول است و این سه لژ با هیچیک از اجتماعات و سازمانهای ماسونی ترکیه کنونی ارتباط ندارد . آنان نام محل اجتماعات خود را « میدان علی » گذارده اند . در آخر هر تشریفاتی پیر بزرگ و قطب که در سدر همه نشسته شراب « طریقت » مینوشد و اطرافیان او هنگامی که می خواهند « میدان علی » را ترک گویند دست او را میبوسند . در دست قطب بزرگ بجای چکشی که استاد هر لژ هنگام اداره محفل بدست میگیرد تبر زین قرار دارد و از این نظر نیز اعمالی که انجام می شود در همه لژهای ماسونی جهان معمول است . بموجب مطالبی که یک نویسنده آلمانی بنام « دان سبوتندرف » در کتاب خود بنام « کیمیا - گران قدیم خاور میانه » منتشر کرده ، « ... فراماسونری و سازمانهای بنائی همیشه در سرزمینهای ایران و عثمانی وجود داشته است و بنایان این ناحیه از خاور میانه مشترکاً فعالیت هائی داشته اند » . نویسنده مدعی است که کیمیاگران این منطقه علائم بنائی را که هم اکنون در لژهای فراماسونری جهانی رواج دارد ، بکار می بردند و برای اینکه اسرار حرفه آنها محفوظ باشد ، علائم و اشاراتی بین آنها وجود داشته که دیگران از آنها چیزی نمی فهمیدند .

« دان سبوتندرف » از بحث خود چنین نتیجه میگیرد که سازمانهای بنائی در دوران سلاجقه در عثمانی و ایران رواج داشته ، ملک شاه و وزیر او نظام الملک از سازمانهای بنایان بی اطلاع نبوده اند . « سبوتندرف » میگوید : مردم ایران و عثمانی همیشه از آداب و تشریفات بنائی و سازمانهای حرفه ای برخوردار بودند .

اگر نوشته ها و اظهار عقیده محقق آلمانی صحیح باشد باید این نکته را قبول کرد که « طریقت فلسفی ایران » مورد ادعای او ، زیر نظر ایرانیانی که از اسرار و رموز و علائم بنائی اطلاعاتی داشته اند تأسیس گردیده و سپس از ازمیر به ایران منتقل شده است .

متأسفانه در هیچیک از تواریخ دیگر ماسونسی در باره طریقت مذکور ذکری نشده ، و از تشکیل این لژ در ایران حتی اشاره ای بمیان نیامده است . در سالهایی که

من باب : سر پرستاری : باب :  
 بزرگوار : باب : در حق الهی و انبیاء  
 ترجمه کرده : باب : در بیان راز و رموز  
 در علم : باب : در تقسیم و تفریق  
 در علم : باب : در تقسیم و تفریق

دستخط ادیب المعالک در  
 مقدمه رساله لاتین و یونانی

ماه گذشته ب. خطیب این وظیفه را بر عهده گرفت و شرحی در باب حکمت و اهمیت  
 سرپوشی که یکی از نخستین تکالیف م. بی است اظهار نمود .  
 اینکه من نیز اجازه خواسته‌ام که این تکلیف را بتوبت خود اداء کنم و موضوع  
 لطف خود را (تعاون) که يك تکلیف دیگر م. بی است قرار میدهم . چه من این تکلیف  
 را از تکالیف دیگر حتی از سکوت و سرپوشی نیز واجب ندانم و هم تر دانسته شرح و تفسیر آنرا  
 نیز دشوار تر تصور میکنم . زیرا این تکلیف دارای صور و ظهورات متعدده است که ایفای  
 هر يك از آنها در غایت صعوبت و مستلزم يك ملكه راسخه و تربیت عمیق م. بی است . و در  
 حقیقت اثبات این معنی نفی يك مثل ماثور که نه است که آثار حقیقتاً حزن انگیز آن  
 هنوز در جریان تمام ترقیات انفرادی و اجتماعی عالم بشریت باقی و آن مثل این است :  
 آدمی گرگ است برای آدمی .

اولاً باید دانست تعاون چیست ؟ تعاون يك عقد و اتحاد در رابطه اتصال محکمی  
 است که مابین و نعمیم آنرا در تمام نوع بشر آرزو میکنیم . ولی من باب قصور استعداد  
 و نواقص آداب و اخلاق امروزه مجبوریم علی العجله این معنی را بطور تمامیت و کمال

در میان قسمت کوچکی از نوع بشر یعنی ف. م. ی بکار بریم .

تعاون يك پيمان معاوضت متقابل و حمايت متبادلي است كه بايد تمام ف. م. هارا در حيات دنيا مانند برگهای يك درخت و اعضاء يك عائله متحد نمايد . بالاخره تعاون عبارت است از مجموع خيالات و حيات و افعالي كه بواسطه آنها مخاطبه بنام ب. م. كه میان ف. م. م. حاصل است بايد تعبير نام يك اتصال حقيقي و مواحدت متين و محكم باشد و مجرد تلفقه لسان و الفاظ خالی از مغز و مقدار .

از فحوای کلمات سابقه اجمالاً معلوم میشود که تعاون بعقیده من اساس و بنیان ف. م. ی. است . اينك سعی میکنم که این دعوی را اثبات نمایم : اگر در رساله اولیّیات شاگردی که همه شماها در دست داشته اید در همین کتابچه مختصر که مندرجات آن برای ما باید خیلی گرانها باشد تعریف ف. م. را بجوئیم این عبارت را خواهیم یافت .

ف. م. مردی است آزاد و صاحب ملکات نيك که عدالت و حقیقت را بر همه چیز ترجیح دهد و بواسطه وارسنگی از او هام پست عادی غنی و فقیر را یکسان دوست بدارد و در صورتیکه متقی و پرهیزگار باشند اکنون بپندیشیم ب. م. ن من که چرا این آزاد مردان و خداوندان سیرتهای پاک که سلطنت عدل و استیلاى حق را گرامی ترین آمال خود میدانند ایجاد این اساس را که ما بعضویت آن افتخار میکنیم لازم شمرده و ضرورت چنین اتحادی را حس کرده اند ؟

آیا میتوان تصور کرد که این اشخاص جز مبادله نظریات فلسفی و رسائل خیالیه خود مقصودی نداشته فقط باین امید که تدریجاً افکار آنها در عالم خیال و وجود ذهنی گسب حالات و صور جدید کند بضرورت چنین تأسیس قائل شده اند ؟ من چنین فرضی را معتقد نیستم . چه این نکته را نباید از نظر دور کرد که مجامعی که کم یا بیش تعداد اعضا در آنها معتبر باشد برای تولد و تکوین خيالات فلسفی جایگاه مستعدی نیست . خیال در حالت وحدت و انقطاع بهتر شکسته میشود . بعلاوه این خود لافی گزاف و زیاده طلبی جسورانه ایست که پس از پنجاه قرن که اسان متفکر در عالم هست اکنون تنی

چند از اشخاص هر قدر خود را متبحر و صاحب نظر تصور کنند انجمن کنند تا برای معانی عدالت و مساوات اجتماعی و امثال آنها صور فکریه بدیع تر و زیبا تر از آنچه تا کنون بنظر دانشمندان سلف رسیده است بیندیشند . یا جهد کنند که فضیلت راستی را بر دروغ یا عدل را بر ظلام یا بردباری را بر تعصب یا درستی بر تقلب یا عفو و رحمت را بر فضالت و قساوت . یا بجمله مزیت تمام فضائل را بر ذائل بهتر از پیشینیان ثابت و روشن نمایند .

ب. ن از این بیانات من تصور نکنند که ف. م. م. مکلف بادای يك وظیفه ارشادی و تعلیمی نیست . بالعکس هر کس طالب وسایل حسن استعمال قوای انسانی و حسن تفهم تکالیف خود باشد این وسائل را در معابد ما خواهد یافت ، و از این راه بکمالات نفسانی و مقامات اخلاقی خواهد رسید . در معابد ماست که هر انسان عاقل و معتدلی باطمینان قلب و سکون خاطر به تناول حظ اوفی و سهم اتم از خطوط روحانیه موفق تواند شد .

لکن باید در نظر داشت که کثیری از اعظم فلاسفه نام معانی و مدرکاتی را که برای اصلاح افراد و اجتماعات بشری مفید دانسته اند در نصیقات خود با اشارات فائده تأیید و تخلیه کرده اند و تکلیف تعلیمی ما نسبت با معانی و مدرکات [يك کلمه خوانده نشد] از حدود شرح و تفسیر تجاوز نتواند کرد و بالجمله تکلیف ارشادی و تعلیمی ف. م. م. ی هر چند تکلیفی نغز و نجیب و مهم است ولی تکلیفی دیگر اجل و العطف و انسی بر ف. م. م. دارد است که مزیت آن بر نخستین مزیت وجود خارجی بر وجود ذهنی و مزیت فعل بر قوه و عمل بر اندیشه و حقیقت بر توهم است .

این تکلیف ثانوی يك جبهه مبرم و کوشش دائمی است برای بنیان تدریجی دوره حقیقت و عدالت و برادری که گراهی ترین وسیله آمال ماست و برای ظهور رسائل استکمالانی که درجات نازله آنها نیز با حرارت و عشق بسیار آرزو میشود و با خون دل و تعصب مفرط بدست میآید . بالجمله ب. ن. فی. ن. من هر چند در خود مقام ف. م. م. ی است که مدرسه عالی تریه و تعلیم اخلاقی باشد اما باید بیشتر در ایجاد کارگرهای جدی و فعال سعی کند نه آنکه اهم خود را به تکثیر خود دانشمندان صاحب نظر و خیال آفرین مقصود گرداند . چه اگر ف. م. م. ی مدارك مریدین خود را فقط بر حسب اصول

هالیه فلسفی و نکات حسنه اخلاقی تربیت کند و از آن حث و بعث حاصل خیزی که باید در عالم اجتماع بشری این جماعت را جدمشهور و عمله عاشق فتح و نصرت افکار م. م. نی کند غافل نشیند کار خود را ناقص و اعرج گذاشته است .

اینجاست ب. م. ن عزیز من که مابین افراد جمعیتی که می خواهد کار خود را بطریقات عادی از عمل و مفاهیم اعتباریه ذهنی محدود کند بلکه مدعی است که انسانیت را بجای يك آئیه نورانی که سعادت و کمال مطلوب اوست سوق کند ضرورت يك تعاون محکم و تزلزل ناپذیر با يك وضوح ساطع و لامعی احساس می شود .

پیش از این گفتیم که افکار بدیمه و اندیشه های باریك و بارور کمتر از مجامع کثیر الاعضاء حاصل می شود بلکه عادتاً از شخص واحد یا جماعت قلیل به صدور می رسد . همانطور که عقیده مذکور علی الظاهر دور از صحت نیست يك قانون قلیل الاستثنای دیگر بما می آموزد که آن ابداعات و تجدیدات سیاسی که باید بوجود خارجی و ظهور للنس الامر مخصوص شوند جز از جمعیتی کثیر الافراد مرکب از اشخاص صاحب عزم و لابت العقیده بطور مفید و ثمر بخش حاصل نتواند شد .

شخص واحد انسانی که در دارالملک خیال قوی است ، در مقابل حقایق خارجی که مانع ترقیات بشری هستند ضعیف است و تقریباً بالضرورة در عملیات اصلاحیه سیاسی که اقدامات يك جمعیت متحد ممکن است کسب موفقیت کند ، آدم تنها و بی کس به یأس و نومیدی محکوم است . همین است دلیل باریك و محکمی که ما را بسوی تعاون و تظاهر حقیقی مجبور می نماید .

جدوجهد متفرق و غیر منظم ما هر قدر از روی خلوص نیت و صفای قلب باشد عقیم و بی حاصل می ماند ، همین که مانع نظم و ترتیب و متوجه بمقصد واحد شد غالباً بحسن نتیجه و کمال توفیق و مصارمه می کشد .

اکنون که علل وجودیه تعاون م. م. نی را بر حسب نظریات خود بسمع ب. م. ن رساندم سعی می کنم که کیفیت بکار بردن این مواحدت برادرانه و ترتیب اجرای این عهدنامه مظاهرت نامه را که انتاج عملیات ما فقط متوقف بر حسن اعمال آن است نیز

برای شما تجزیه کرده بساط ضروریه آنرا بشما ارائه کنم .

اولا بدانید این همکاری و همدمی دائم ، این توازن و تقابل در عملیات که سرچشمه تمام قوای ماست با کمال سطوت و استیلا بر ما ایجاب می کند که ما ف . م . ها اتم و اکمل انواع اعتماد و حسن ظن نسبت بیکدیگر اعمال کنیم .

منحصراً این نکته را نباید فراموش کنیم که کار ف . م . ی بالتام در معابد انجام نمی گیرد چه معبد در حکم مدرسه است و زندگانی در حکم میدان وسیع عملیات که ف . م . باید رفتار خود را در این میدان با تعلیماتی که فرا گرفته است منطبق نماید . از همین نقطه نظر است که اگر کسی اعتقاد کند که تعلیمات يك سال . برای تمام مواقع زندگانی متضمن يك دستورالعمل صریح معینی است ، تصویری طفلانه کرده است .

بسا خیال ها و طرح ها ، بسا اصلاحات و ابداعات ف . م . ها خیال خود را در خارج برای تقویت و تائید یا منع و نظاره با آنها صرف می کنند ، در صورتی که هیچوقت حتی در اساس و کلیات آنها نیز صحبتی در کار . نه های م . نی بعمل نیامده است .

در امثال این احوال اگر صراط حق مشکوک یا مخفی باشد تکلیف يك ف . م . حقیقی چیست ؟ اگر ف . م . در چنین موقعی به تنهایی خط حرکت و رفتار خود را معین کرده به مشاورت و استقامت از فکر و تجربه ب . ن مبادلات نکند خطرانی را که کمتر قابل عفو است مرتکب شده . چه اینگونه رفتار ممکن است در صورت عدم اصابت يك حرکت استکمالی طبیعی و مفید را فاش و بی اثر کند یا يك نمو و خیمه لاثری را تسریع و ترویج نماید و بر فرض اصابت و یاعدات نیز ممکن است ب . نی را که معاونت و معاضدت آنها صاحب این رفتار یا مفید و صمیمی توانستی بود در صراط باطل متوقف گذارد ، تا از روی غفلت و بی خبری آنها نیز برخلاف صلاح کار کنند و خیر و فلاح در میانه این کشمکش مغفول غیر معمول بماند . بنابراین نخستین کلام جامعی که دارای معنی تعاون مطلوب باشد ، چنین خواهد بود : موقع استفاده از دانش و تجربه ب . ن را از دست ندادن و از [چند کلمه لوشته شده] افکار و نظریات خود بر آنها غفلت روا

نداشتن پس هر وقت در بیرون معا بدم. بی عده از ب. ن بر حسب اتفاق در شغل و عمل شریک شوند اولین وظیفه آنها این است که هم در نتیجه مطلوبه از عمل هم در اختیار خط حرکتی که مؤدی به مطلوب تواند شد از روی اعتماد صادق و کامل با یکدیگر متفق و هم رأی شوند.

همین مطلب است که چندین بار در این کتاب. نه از ب. ن وکیل خود درخواست کرده ایم اما بد بختانه باید اقرار کنیم که نتیجه بزرگی برای این درخواست ما مترتب نشده است. چرا؟ زیرا که عنصر اصلی این همکاری و همدمی خالصانه که حسن ظن و اعتمادات در میان ب. ن مفقود بوده است و بهمین دلیل هر وقت مجامع شوریه داشته اند چیز مبادله الفاظی خالی از حقیقت حاصلی نداشته است در این مجامع به جای آنکه چنانکه رفتار ب. ن باب مقتضی است بی شائبه خودداری و امساک خیالات و آمال و طرحهای خود را در دامن ریخته بیکدیگر تسلیم کنند. غالباً يك صمیمیت و سکونی با احتیاط که باید دشمن در میان خود مراعات کند بکار برده اند.

پس قدم اول در شاهراه تعاون حسن ظن و اعتماد است و من هر چند گمان می کنم که از اثبات فقدان این خاصیت در میان ب. ن کسی را متعجب نکرده باشم. یقیناً راسخ دارم که این نقیصه قابل اصلاح و علاج است چه موافق يك قانون طبیعی که در علم نفس و قوای نفسانیه مقرر و مسطور است حسن ظن و اعتماد خود مولد حسن ظن و اعتماد است چنانکه ترقی با اسائه ظن و مذاجات نیز موجب شیوع و سریان همین صفات است. آنان که در میان شما سخنان مرا بعلائم صحت مقرون دیده اند اگر عادت کنند هر وقت در حالات زندگی اجتماعی و جدان ف. م. بی آنها دچار دغدغه و نردیدی شود.

ب. ن را که در آنها صلاحیت اضافیه و ارشاد می بینند باز هسته شبهات خود را بر آنها عرضه دارند و دلائلی که موجب حیرت و تذبذب آنهاست باز گفته با وسواسی که آنها را در احدی الطریقین متوقف دارد اظهار نمایند و بالعمله از آنها يك کسکاش برادرانه مشتت کنند بوجه تعیین مزد این زحمت را باز خواهند یافت و این ترتیب حسن ظن مطلق و اعتماد تام را که برای افاضه يك صورت وجدانی جمعی بر کا. نه وسیله واحد

است به تدریج محقق تواند نمود .

بنابراین زنهار ، ای برادران از اجتماعات مخفی و مستور از یکدیگر و مکیدت به سیاه دلی نسبت بهم حتی از احتیاط و مبالغه در تحفظ و امساك كلام كه این جمله موجب سلب اعتماد متقابل ب . بن از یکدیگر می شود .

بدانید ب . بن كه سلامت و رجات از این راه بیرون نیست و تعیین كنید كه اگر یکی از ماها در حالت حاضری فریفته و متخدد شده یا گرفتار رنج و عذاب باشد آن فریفتگی و رنج و زحمت در آن واحد به جملگی ماها فرداً و جمعاً عاید و متوجه شده است .

پس ، درست شد كه اعمال حسن ظن از لوازم اعمال تعاون است بلکه انفكاك این دو عملاً و تصوراً از یکدیگر ممكن نیست ، لکن باید بدانیم كه برای تحقق تعاون حسن ظن تنها نیز كافی نیست چه هیچكس از شخص متردد و متزلزلی كه از یمین و یسار خود استشاره کرده علی الظاهر با هر عقیده متعایل شده اما چون قدر و قیمت سخنهای عاقلانه را كه لفظاً تصدیق می كند بر حسب حقیقت هستشعر نیست شاید بالاخره پس از استشاره از این و آن برای شخص خودكار می كنند غائب تر و خاسر تر نیست .

هنوز برای آنكه يك گروه آدمی بتوانند حقیقهٔ بر اصول تعاون كار كنند ، آزاد است كه علاوه بر حسن ظن و اعتماد متقابل يك دستور العمل عمومی و يك نظام هیئتی را دارا باشند . من نمی خواهم اکنون در باب نظام هیئت م . . فی شرح و بسط زیاد بدهم همینقدر گفتن كافی است كه بعقیده من آن دستور انتظامی كه فرا گرفتن آن در غایت دشواری است و احكام آن دور از قطعیت است و سهو و غفلت در مراعات آن بسیار واقع می شود دستور و نظامی است كه باید اشخاص كثیر العدد را تابع خویش كند . من تصور می كنم یکی از علل و اسباب عظیم عملیات ما كه نظیر آن را در استرضای كامل مشروطیت ایران نیز مشاهده می كنیم عدم غایت و توجهی است كه نسبت به تصمیم اكثری كه روح و اساس جمله نظامات اجتماعی و عنصر اصلی حكومت مشروطه است مرعی می داریم .

مملکت ایران که در طول قرون متکاثره در تحت فشار اصول استبداد وارد شده مطلقه شخص واحد اسیر بوده است عجب نیست اگر از فرط عطش و آلهایی که برای آزادی اظهار می کنند و نظر به عکس العملی که نتیجه تضییقات سابقه است متوقع امری شده باشد که هیچ قومی در تحت هیچ قاعده ای بدان نائل نتواند شد. و آن اداره امور مملکتی است به توسط مجموع اهالی اجتماعاً و به توسط هر يك از آنها انفراداً .

اختیاراتی که در حکومت های ملی به افکار عمومی تفویض و در پارلمان متمرکز می شود ، مقوم و مشخص این حکومت هاست پس اگر کسی این اختیارات را از اختیاراتی که ملوک و سلاطین در حکومت های استبدادی غصب می کنند اولی باطاعت و انقیاد نداند يك خطای خطرناك بلکه يك خیانت عظیم نسبت به وطن او تکاب کرده است . چه نتیجه این خیال که بدبختانه در بعضی اشخاص طبیعی است جز به هرج و مرج و نفی مطلق حکومت یعنی به يك ترتیب یا بی ترتیبی که مستلزم تفویض اختیارات به عموم افراد یعنی سلب اختیارات از تمام افراد باشد مؤدی تواند شد .

این مسئله نیز واضح و مسلم است که اطاعت نام نسبت باکثریت برای تمام اهالی مملکت ثمره يك تربیت و تعلیم سیاسی طولانی است . هنوز فرانسه ها به طور کمال این قاعده را رعایت نمی کنند و در میان اقوام اروپ فقط انگلیسها به کمال ، اهمیت این قاعده اعتراف دارند .

اما من آرزو می کنم که در نزد جمعیت کوچک برای استکمال اخلاق و تحصیل شرافت و سعادت حقیقه در این خانه جمع می شوند این اصل که حقیقت و روح حکومت عالی به بیشتر مقبول و محترم باشد . یعنی وقتی که ف . م . : . های يك ك . : . نه به اکثریت قطع و تصمیمی کردند به جای آنکه همه آن را مانند يك وظیفه مشافه و تکلیف معتبر تلقی کرده دائم در فکر آن باشند که معافیت خود را از آن اختلاس نمایند ، جملگی آن قطع و تصمیم را چون يك فریضه مقدمه و شغل محبوب استقبال نمایند ، چه این اراده ایست که بر شائبه اگر اه و اجباراً از اکثریت جمعیتی صالح که هر يك بر حسب وجدان خود رأی دادند صادر شده و بنا بر این مغایرت آن با صحت و اصابت بیشتر

تواند بود .

قبل از آنکه در مسئله تعاون که بدون آن اساس ف . م . ی ها ممکن نیست ( به همین دلیل باید از صمیم قلب متوجه آن باشیم ) نتیجه بگیریم لازم است يك وجه دیگر از این تکلیف اساسی را که شاید در بادی نظر به اوج اولی متناقص به نظر بیاید و با هم‌دستی تام در امور مشترك که تا کنون از آن سخن رانده‌ایم منافی فرض شود نیز به سمع ب . ن . برسانم .

تام این وجه تعاون که از انضمام دو کلمه متباعد آن مفهوم به یکدیگر حاصل می‌شود ( تعاون انفرادی ) است و برای اینکه خوب مفهوم می‌شود از این کلمه مبهمه چه قسم تکالیفی در نظر داریم . اندك توضیحی لازم است :

در التزام تامه م . ن . ی که تمام ماها در موقع وصول بروشنائی امضا کرده‌ایم و مطالعه دقیق آن تمام تکالیفی را که بر ما وارد است بطور صریح ایضاح مینماید این دو جمله مندرج است :

یکی آنکه « من وعده میدهم که با غیرت و ثبات و نظم در کار ف . م . ی بکوشم »  
دیگر آنکه « من وعده میدهم دوست داشته باشم برادران خود را و با آنها بتمام قوه خود معاشرت کنم و در هر موقع قانون بزرگ تعاون انسانی را که مسلك اخلاقی ف . م . ی است بکار برم . »

نخستین این دو جمله که تکلیف فاعلیت و عاملیت م . ن . ی را اعلام میکند . مشکل اول تعاون را که تا کنون از آن بحث میکردیم و میتوانیم آنرا تعاون اجتماعی بنامیم متضمن است ، و من در اثبات این معنی که فعلیت م . ن . ی جز با رعایت اعتماد و نظم و ترتیب که همکاری و هم‌دستی نتیجه آن است عملاً و تصوراً از قوه بفعل نمی‌آید بقدر کافی سخن راندم .

جمله ثانی که بیشتر مربوط است بتعاونی که فعلاً از آن سخن می‌گوئیم معنی آنرا بصورت دیگر در نظر ما جلوه می‌دهد : در این جمله می‌بینم بدون اینکه بتکالیف اجتماعی ف . م . ی اشارتی شده باشد بما امر شده و بطور صریح وعده داده‌ایم که يك دیگر را

دوست بداریم و با تمام قوه خود با هم معاضدت و مساعدت کنیم . اکنون باید دید که کدام است آن مساعدت دائم و جدی که هر ف . م . ب . به ب . ن خود مدیون است و حق دارد بنوبت خود از آنها متوقع باشد؟ آیا مراد همین دستگیری اولی و فطری انسانی است که روابط نوعیت رعایت آن را بدرماندگان و مصیبت زدگان الزام میکند یا همان اعانتی است که غنی به فقیر مدیون است زیرا که روح انسانی اواز مشاهده فقر و فاقه متألم میشود یا همان احسان اقویا به ضعیفاست که ضعف و بی چارگی آنها آنرا جلب میکند؟ البته هرگاه يك . م . ن در مقابل م . ب . دیگر با این قانون بزرگ انسانی که دستگیری ضعیفا و کشف هموم درماندگان را بر ما واجب میکند مخالفت نماید از رتبه و مقام خود منحط و تنزل میشود .

اما سخن اینجاست که تکلیف ف . م . ب . باینقدر محدود نیست و چون خود را باین مقدار قانع کند بیشتر از یکی از صور تعاون را که رأفت و رحمت م . ب . ن و بمقتضای من لازل ترین مراتب تعاون است بکار برده . تعاون متضمن مقدمه رأفت و رحمت هست ولی عموم و استیجاب آن چند بیشتر است چرا که فقط بدین حد توقف نیست که اغنیا را بمعاضدت فقرا و مقتدرین را بحمايت عجزه یا اقویا را با رفاه ضعیفا تحریر می کند ، بلکه کمک ها و همدستی مادی و معنوی را که ممکن است در حالات مختلفه زندگانی توانگران از توانگران واقویا و متنفذین از امثال خود متوقع باشد نیز مانند يك . م . ب . تکلیف اساسی واجب میکند . من مدعی هستم که اجرای این شرط جدید عهدنامه از بکار بردن رحم و رأفت خیلی دشوارتر است زیرا در حالتی که رحم و رأفت نتیجه دقت است که یکی از حیثیات طبیعی انسانی است مساعدت شخص با عدیل خود ممکن الحصول نیست جز بنیروی قنوع و نصرت قوه عاقله انسانی بر خصلت حسد که هر چند اقرار و اعتراف بدان دشوار است ولی بدبختانه شیوع آن از دیگر خصایل معتبر تر است ، باید بخود بگویند : که هر چه مقدار اعتبارات اجتماعی یکی از ب . ن را زیاد کنند بر نفوذ هیئت ما می افزاید و شخصیت و عظمت هیئت ما را ترقی میدهد چرا که تمام ف . م . ب . ها در زندگانی معا هدین مدافعین و حمایت یکدیگر هستند .

مشغول تحقیق در این باره بودم نیز هیچیک از نویسندگان فراماسونری جهان اطلاعاتی در این باره نداشتند و فقط يك نویسنده فرانسوی وابسته به لژگرانند اوربان که محقق پاریس است، در تأیید آنچه در این دو منبع ذکر کرده‌اند، اشاره بوجود يك سند جالب در آرشیو لژ مذکور کرد که بنوبه خود اهمیت شایانی دارد.

جالب اینجاست که در طریقت فلسفی بنایان ایران یعنی سازمانیکه ظاهراً در ازمیر و ارزنة الروم تشکیل شده، درجات هفتگانه‌ای وجود داشته که بعدها بعضی از لژهای کنونی جهان از آن تقلید کرده‌اند. طریقت مذکور که شاید ایرانیان در وجود آوردن آن بی تأثیر نبوده‌اند بهمین جهت بنام طریقت فلسفی ایران مشهور شده چهارست از:

1- Symbolical - J. Listening Apprentice.

2- F.C. , adept. Esquire of Benevolenc.

3- Master, Knight of the sun, II Capitular.

4- Architect of all Rites , and Knight of the Philosophy of the Heart.

5- Knight of ecicism and Truth, III. Arco Pagata.

6- Master good shepherd.

7- Venerbl Grand elect.

حمدا لکار محقق و شرق شناس انگلیسی الاصل و آمریکائی الموطن که در دانشگاه برکلی کالیفرنیا امریکا به تدریس مشغول است درباره این طریقت ایرانی و وابستگی آن به ایران و ایرانیان شک کرده و چنین می نویسد: «... در سال ۱۸۱۹ (۱۲۳۴ هـ) در پاریس يك آئین ایرانی که ظاهراً سال پیش از این تاریخ در ازروم بنیاد شده بود وجود آمد اما بنظر میرسد که در ادعای بستگی آن بعنوان «ایرانی» بیشتر نشانه‌ای از انعکاس تمایل مرسوم به یافتن ریشه‌های شرقی برای فراماسونری باشد. این فرض اشتباه که ارز روم يك شهر ایرانی است جعلی بودن آن ادعا را ثابت میکند...»<sup>۱</sup>

۱ - مقاله تاریخ فراماسونری در ایران ص ۷ بقلم حمدا لکار. باید دانست که نویسنده زبانهای فارسی - عربی و ترکی را بسیار خوب و صحیح می نویسد و می خواند و پایان نامه تحمیلی اش در باره نقش علماء ایران در انقلاب مشروطیت می باشد وی همچنین کتابی درباره میرزا ملکم خان زیر چاپ دارد و مقاله «فراماسونری در ایران» او نیز منتشر شده است.

من در این موضوع این شرح و تفسیرها را بیایان میرسانم و امیدوارم با ثبات این دعوی موفق شده باشم که میان تمام وظایف م. م. نی تعاون و وظیفه ایست که هم شرح و هم تفسیر و هم اعمال و اجرای آن دشوارتر از سایر تکالیف است و هم اهمیت مقامش بالاتر از آنهاست بلکه وظایف دیگر را بنوع و وحدت و بساطت دارد است چه از آنجا که مستلزم معنی اعتماد و حسن ظن است متضمن سرپوشی تام نیز هست و نظریه تضمین معنی همدستی مستتبغ يك نظام محکم و لازم الرعایه است که باید دستور رفتار ف. م. م. ها باشد و نظر با اتحاد محکمی که در روابط اشخاص بما وصیت میکنند مستدعی وفای کامل بقول وعده و مترجم انم معانی عشق و برادری است.

پس ای ب. م. ن عزیز من بهترین مقطع کلام من این تواند بود که باز از این وضعیت خود را اعاده و این التماس را تکرار کنم که هر چند قانون تعاون از نظرهای ماصعب التناول و مستلزم مشاق نفسانی بسیار است ولی جهد کنیم تا اقصی درجه امکان مطیع آن باشیم و اگر وجدان ماها به صمیمت حکم میکند که فقدان سرپوشی، سوءظن، بی نظامی، بدگامانی و سیاه دلی ما نسبت یکدیگر و بالعمله نفاق و شقاقهای داخلی ما قابل علاج نیستند، پس بیاثید در این معبد را بر خود بسته و این مقام قدس را بنفاق و اختلاف خود آلوده و لاپاک نکنیم و نام زیبای ف. م. م. را که لایق نیستیم زودتر از خود خلع کنیم بهتر است. آری ب. م. ن من اگر کسی از ترقیات دیگران که در درجات مادون وی واقع میشود احساس نفرت نکند چقدر معدود و نادرا الوجود هستند دلهای صاف و پاکی که از ترقی امثال و مهتران خود نیز احساس يك نوع آزرده گی رشك آمیز نمایند.

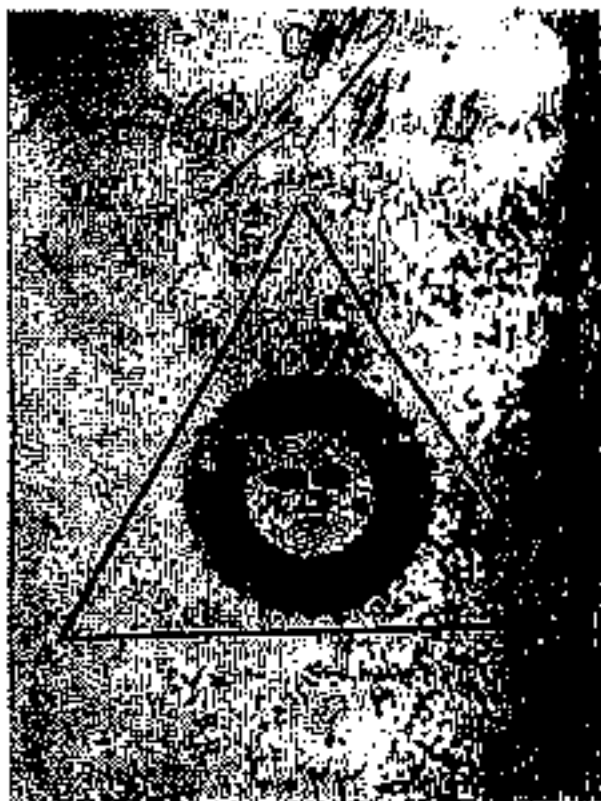
بهین جهت است که رحم و رأفت از تعاون حقیقی شایعتر و فراوان تر است و بهین نظریکی از بزرگترین صور تعلیمات م. م. نی این است که شخص مستخلق شود باینکه حس است رقابت را که غالباً حسیات ما حتی نسبت به ب. م. ن نیز ناشی از این حس است در خود اخمداد و اطغاء کند و خود را مجبور کند که بر هر تقدیر ب. م. ن خود را از صمیم قلب از حملات دشمنان مدافعه و حمایت نماید. اما نباید تصور کرد که بکار بردن این نحو از تعاون که من عمداً پرده از روی اشکالات آن برداشتم مستلزم ترك کردن خودی خود و

تشخصات آن انسانی است چه لازم نیست برای آنکه کسی يك ف.م.م. صالح بشود يك وجود مقدس معصوم از زلات انسانی با يك روح مجرد از علائق عنصری باشد. فقط لازم است چنین شخص انسان باشد ولی انسان عاقل خیرخواه چه اگر تعاون م.م. نی يك اتحادی است که عمل بشرایط آن خالی از صعوبت نیست ولی بر اساس انصاف نهاده شده و چون رعایت تقابل و تکافو در آن ملحوظ است صعوبت و اشکال آن نیز قابل تحمل است و برای ما این هر اری که شخص بالطبع از قدرت و افتخار و اعتباری که بدیگران نصیب و از وی منع شده است احساس میکند يك ف.م.م. دیگری که از وی<sup>۱</sup>...

---

۱- نسخه‌ای که در اختیار نویسنده است و خان ملک-اسانی چندی آنرا به امانت گرفته و از آن رونوشتی برداشته، ناقص است که عیناً نقل شد. جالب اینکه نسخه دیگری از این ترجمه هلق ویز یوز که در اختیار یکی از فراماسونه‌های قدیمی است از صفحه پانزده به بعد آن قطع شده و شاید حاوی مطالبی بوده که بعداً انتشار آن ممنوع گردیده است.

پشت جلد نخستین ترجمه قانون اساسی  
 زیربیداری ایران که به عضو شماره ۳۳  
 داده شد.



دکتر امامت فروشی - حاج سید نصرالله تقوی - دبیر الملک پسر  
 مترجمین دومین قانون اساسی زیربیداری ایران

## قانون اساسی فراماسونری



این تصویر که در عوزه فراماسونری بزرگ لندن (در انگلستان) وجود دارد ، صفحه اول و با اصطلاح صفحه مفتاح کتاب قانون اساسی فراماسونری انگلستان است ، که اولین قانون اساسی جهان می باشد .

در سال ۱۷۲۳ (۱۱۳۶ هـ) دکتر «ژ. اندرسن» با کمک «تئوفیل دزاگولیه» قانون اساسی فراماسونری را نوشت و منتشر کرد. این قانون اساسی که در هر صفحه آن طرز فکر «دزاگولیه» دیده میشود، پس از انتشار، غوغائی از طرف مجامع مذهبی علیه خود پیاورد. رؤساء مذهبی انگلستان اشارات دکتر اندرسن را به «دینی که همه مردم بر آن اتفاق داشته باشند» برای بدور افکندن مسیحیت تلقی کردند و هدف اصلی فراماسونری را نابود ساختن تعلیمات دینی دانستند.

دکتر اندرسن در قانون اساسی خود مینویسد: «بنای آزاد بحکم صنعتی که داراست، لازم باین است که بیرو قانون اخلاق باشد و هرگاه توانست که حقاً این فن را نفهم کند هیچگاه ملحدی احمق یا فاسقی زندیق نخواهد شد...»

او در باره قدرت فراماسنی و عقاید بنایان اولیه مینویسد:

«... بنایان در روزگار باستان، دین و کیش این کشور و ملت را هر چه که بود، گردن مینهادند ولی اکنون نیک بختی را در این یافتند که دین و کیشی را گردن نهند که تمام مردم بر آن اتفاق داشته باشند و آراء و عقاید خاص خود را کنار نهاده ترك گویند. یعنی اینکه مرد باید با فضیلت و حاذق و دارای عفت و شرف باشد و از این رو «بناء» مهد اتحاد گردیده است و شاهراهی است برای نشر صداقت و درستی خالصانه بین مردم. این کتاب که با موافقت استاد اعظم گراندر «دوک دو وارتون» تدوین شده بود جنبه رسمی داشت. قانون اساسی مزبور بعدها رشته ارتباطی شد که تمام محافل ماسنی جهان و تمام فراماسونها را یکدیگر و به محفل خودشان مرتبط میساخت. هر عضو جدید مجامع فراماسنی موظف است این قانون را مطالعه کند و هنگام انجام تشریفات اولیه «شاگردی» آفرای خواند.

بطوریکه فای نویسنده فرانسوی مینویسد: «طرز تحریر این کتاب باندازه ای با موضوع آن و با ذوق آن روزگار سازگار بود که تشکیلات و اتحادیه های رقیب فراماسونی

بدون ملاحظه آنرا تقلید و از آن استنساخ میکردند<sup>۱</sup>...

در طی قرن هیجدهم محفل‌های بیشمار و فراماسونریهای مختلف پیدا شد. همهٔ لژها قانون اساسی فراماسونری را ترجمه کرده و با عین آنرا چاپ می نمودند، و در اختیار ماسنها می گذاشتند.

قانون اساسی فراماسونها بدین ترتیب در ۱۷۴۵ م (۱۱۵۷ هـ) به فرانسه در ۱۷۴۱ (۱۱۵۳ هـ) به آلمانی در ۱۷۳۰ (۱۱۴۲ هـ) در ایرلند و در ۱۷۳۴ (۱۱۴۶ هـ) توسط بنیامین فرانکلین در آمریکا تجدید چاپ گردید و پس از آن لاینقطع ترجمه و پی در پی چاپ شد. بطوریکه هم‌اکنون به بیش از ۸۳ زبان متداول در جهان ترجمه شده و در دسترس اعضاء لژهاست.

این کتاب مشتمل بر يك قسمت تاریخی و بیان منظم تکالیف ماسونی میباشد. قسمت دوم با آنکه زیاد تحت مطالعه واقع نشده ولی از آن صحبت زیاد بمیان آمده است.

اما قسمت اول آن خواندنی و جالب است زیرا مقدمه آن چنین شروع میشود: «آدم جد اعلای ما مانند پروردگار «معمار بزرگ عالم» علوم عقلی را میدانسته و مخصوصاً علم هندسه نقش سینه وی بوده است. زیرا پس از «گناه آدم» اصول این علم در قلوب اخلاف وی ریخته میشود.

بطوری که با مرور زمان به کمک قوانین نسبت ها که در هیکانیک ملاحظه می گردد يك سلسله مباحث علمی به دست آمد و علماء به وسیله فنون مکانیکی اصول هندسه را در يك دستگاه منظم جا دادند و بالاخره علم شریفی که بدین هیچ به وجود آمد مایه تمام هنرها گردید و مخصوصاً هنر بنائی و معماری از آن متفرع شد.

قواعد مخصوصی که برای اعمال این هنر و توسعه آن به کار می رود زائیده علم هندسه است. این علم از آدم ابوالبشر به پسرانش مخصوصاً به «قایل و شیست» رسید. شیست پسر سوم آدم (پس از قایل و هایل) شهر خنوج را بداسم پسرش بنا کرد.

ظاهر آهیل فرست تکمیل معلومات را نیافت و سوابق ( بنائی ) وی درخشان بود . در صورتی که قابیل يك شهر ساخت و بنا (ماسون)ی عالیقدری بود . سپس پیامبران و ملت اسرائیل و شاه آنان سلیمان نبی معماری (ماسونی) را توسعه دادند .<sup>۱</sup> دکتر اندرسن در قانون اساسی که برای مجامع فراماسونی نوشته ، برخلاف معماران حرفه‌ای برای تشریح مسئله «خدا» و «دین» روش خاصی به کار برده است . در مجامع بنایان و ماسوهای حرفه‌ای توجه مخصوصی به ادیان و مذاهب شده و حتی اذکار و اورادی به نام « تثلیث » و اولیاء بهشتی داشتند . در حالیکه در فراماسنی از ۱۷۱۷ ( ۱۱۲۹ هـ ) به بعد ادعیه‌ای خطاب به اولیاء اله نیست .

در قانون اساسی فراماسنی جدید انگلستان که اصلاح شده می باشد ، دکتر اندرسن فقط بحث مختصری راجع به خدا و مذهب به میان آورده که بسیار محتاطانه و در عین حال جسورانه است .

در قانون اساسی مزبور گفته شده است : « يك ماسون » به علت حرفه اش مجبور به اطاعت از قوانین اخلاقی می باشد و هر گاه مفهوم صحیح حرفه را درك کرده باشد هرگز يك ملحد نهی مغزی یا يك لامذهب افسار گسیخته نمی شود با آنکه سابقاً ماسونها اجبار داشتند در هر کشوری که هستند وابسته به مذهب محلی باشند اما اکنون بجاست که در انتخاب عقیده شخصی آزاد گذاشته شوند و فقط مذهبی را قبول کنند که مورد قبول تمام افراد بشر است .

بدین معنی که کافی است ایشان مرد خیر و درست و با شرف و درستکاری باشند و از اینها گذشته وابسته به هر مذهب و فرقه‌ای که می خواهند باشند . بدین ترتیب فراماسنی کانون اتحاد و وسیله ایجاد رفاقت بین مردم خواهد شد .<sup>۲</sup>

دکتر اندرسن در حالیکه « مذاهب » و « فرق دینی » را رها کرده و فراماسونهای جدید را از حیث داشتن مذاهب مختلف آزاد گذاشت ، « رفاقت » و « کانون اتحاد » را

۱ - ترجمه قانون اساسی انگلند سال ۱۷۸۰ .

۲ - مقدمه قانون اساسی چاپ ۱۹۲۷ .

جانشین «اتحاد مذهبی» کرده و معتقد است که فقط از این راه ممکن است صاحبان مذاهب مختلف را در يك لڑ جمع کرد .

تنها قید اخلاقی که فراماسوئری جدید آن را تصدیق و در عین حال ترویج می کند «مذهب طبیعی و عمومی است» قای نویسنده فرانسوی می نویسد: «... فراموشخانه جدید از وحی و الهام و از اصول مذهبی دفاع نمی کند و اخلاقی که ترویج می نماید اجتماعی است ، و قیاسی را که بین عالم ارضی و عالم فوق الطبیعه بوده از بین می برد و دیندار و مقدس کسی را می داند که حقیقت را صحیحاً درك کرده باشد و بالاخره به جای يك (مذهب روحانی) يك (مذهب عقلی) را پیشنهاد و ترویج می نماید . این فراماسوئری کلیساهای را خراب نمی کند لیکن به وسیله ترقی دادن افکار و اذهان خود را مهای جانشینی آنها می سازد .

مقام آن همانطور که عالتر از معنویات و عقاید مذهبی است ، از حکومتها هم رفیع تر و بلند پایه تر می باشد . فراموشخانه قدیم همانطور که خادم وفادار شاهزادگان بود ، لااقل نظراً از پاپ اطاعت می نمود ، در صورتیکه فراموشخانه جدید رویه دیگری دارد و مدعای خود را با مضامین دقیق سنجیده و بسیار معنی دار بیان می کند...»<sup>۱</sup>

ملاحظه می شود که این نویسنده «فراماسن» چگونه جملات قانون اساسی فراماسنی را بجای «مذهب روحانی» گذارده و حکومت جهانی فراماسنی را بالاتر و بالاتر از «حکومت های کشورها» می داند .

نکته ای که فراماسونها روی آن انکاء دارند مسئله حکومت جهانی است . ناسیونالیستها معمولاً «حکومت جهانی» را به هر طریق و شکلی محکوم می کنند و به نظر آنان «حکومت جهانی فراماسنی» و تزه های شبیه آن که به ملت ها و حکومت ها و سرحدات بی اعتناست ، دشمن استقلال و حاکمیت ملل مختلف می دانند و پیردان این افکار را در ردیف «کمونست ها» می شمارند . به همین جهت در بسیاری از کشورها که افکار ناسیونالیستی رواج پیدا می کند ، سلول های مخفی فراماسوئری نیز تعطیل می شود.

پیدایش سیاستهای مستقل ملی در کشورهایی که قدمت تاریخی دارند در برچیدن  
لژها تأثیر فراوان دارد. امید است در کشورها نیز از این رویه مقدس پیروی گردد و سازمانهای  
ماسونی را منحل و نابود نمایند.

در مورد مذهب، فراماسونی بریتانیا و قانون اساسی دکتر

فراماسونها مذهب اندرسن تا اندازه‌ای حفظ ظاهر در دو قرن اخیر کرده است.  
و خدا را هر دود محمد عثمان فراماسن عرب می‌نویسد: «اساس در بنای آزاد  
می‌دانند، همانا آزادی اعتقاد و تضامن در عالم انسانیت است. این نوعی  
تجاوز به محفل بریتانیائی بود که در آزادی اعتقاد تا حد الحاد  
و انکار پیش نمی‌رود و به طور قطع مقرر می‌دارد که هر بنائی حریمی دارد برای خود  
و روی میز اینگونه محافل کتاب مقدس خود را هیچکدارد. در انگلستان انجیل، در  
محافل یهودی تورات، در کشورهای اسلامی قرآن...»<sup>۱</sup>

ولی گرانداورین فرانسه بی‌پروا قانون اساسی فوق‌الذکر را تفسیر کرده مقررات جدیدی  
در باره «مذهب» وضع نمود، که در سال ۱۸۷۸ (۱۲۹۴ م) از طرف محفل بریتانیارد  
شد و محفل مزبور رابطه خود را با آن قطع کرد.

بنایان آزاد فرانسوی بعد از انقلاب کبیر فرانسه هدف‌های لزگرانداورین را  
در يك نشریه رسمی اعلام کردند «... فراماسونی مطلقاً در مسائل دولتی یا قانونگزاری  
مدنی و دینی مداخله نمی‌کند و اعضای خود را وادار می‌نماید در ترقی تمام علوم شرکت  
جویند ولی کسانی را که در دورشته از زیباترین شاخه‌های دانش، کار می‌کنند مستثنی  
می‌سازد.

این دو رشته «سیاست» و «دین» است زیرا که این دو علم بین افراد ملل جدائی  
می‌اندازند و بنای آزاد بالعکس برای اتحاد افراد و ملل کار می‌کند نه تفرقه آنها»<sup>۲</sup>  
این جملات مدلل می‌سازد که فراماسونهای فرانسوی در حالیکه «دین» را کنار

می‌گذارند، مسئله اتحاد ملل و فکر «انترناسیونال» بودن را فراموش نمی‌کنند، بلکه به اعضای خود توصیه می‌نمایند که حکومت جهانی و اتحاد ملل را جایگزین نظام کنونی کنند. حتی «فرمان موریس» فراماسن فرانسوی در سال ۱۸۹۰ (۱۳۰۷ هـ) بالصراحه گفت: «بایستی در فرانسه هیچ کاری نشود مگر اینکه بنای آزاد اثری مخفی در آن کار داشته باشد و چنانچه بنای آزاد تصمیم بگیرد که خویش را بساطک انتظام آورد و خود را منظم کنند ده سال بیشتر طول نخواهد کشید که هیچکس در فرانسه بدون اشارت وی (ها) نمی‌تواند حرکت و فعالیت کند»<sup>۱</sup>.

در نتیجه این وضع گرانده اوریان بدون پروا به دشمنی با کلیسای کاتولیک برخاست و یکی از فراماسونهای فرانسوی به نام «پانسیلی» رسماً اعلام کرد که «کلیسای کاتولیک، کلیسای الحاد و کفر می‌باشد».

مجله گرانده اوریان در سال ۱۸۸۵ (۱۳۰۲ هـ) علناً نوشت:

«ما بنایان آزاد بایستی بقصد انهدام کاتولیک‌ها و محو کلی آنها اقدام کنیم». گرانده اوریان با از کلیسای کاتولیک فراتر نهاده اعلام کرد که نه تنها با مذهب کاتولیک دشمنی دارد بلکه تمام مذاهب و ادیان و هر نوع عقیده دینی را دشمن می‌داند.

گرانده اوریان در دشمنی با «ادیان» به این حد اکتفا نکرد بلکه از هر يك از اعضا خود خواست که اعلان کنند، به اینکه مهندس اعظم «خدا» خیال و خرافه‌ای بیش نیست و محافل در طعن دین به صورت حاد و تند و انتقاد از آن و انهدام و تسمیخ مبادی و نظرات دینی تصریح نمایند<sup>۲</sup>. یکی از فراماسونهای دیگر به نام (دلش) که عضو لژ گرانده اوریان فرانسه بوده در سال ۱۹۰۲ (۱۳۱۹ هـ) یعنی همان روزهایی که فراماسونهای ایرانی در ایران انقلاب مشروطیت را پی‌ریزی می‌کردند و حتی جامعه روحانیت را به داخل محافل خود کشایدند، به آنان اعلام نمود: (...خدای دروغین به توبه خود مخفی می‌شود و می‌رود و در غبار قرون گذشته در کنار آله هند، مصر، یونان و روم جای

۱ - فراموشخانه و انقلابهای قرن هیجدهم ص ۱۲۲.

۲ - جمعبنهای سری و تخریبی ص ۱۲۲.

با وجود اینکه این محقق نظریه‌ای صریح درباره غیرایرانی بودن «آئین ایرانی» فوق‌الذکر می‌دهد معینا میبایستی انتخاب نام «طریقت ایران» را در روی این تشکیلات ماسونی بی‌پایه ندانست و بنظر میرسد که لااقل ایرانیان فراماسون در بوجود آوردن آن سهم بوده‌اند.

همین نویسنده بدنبال اظهار نظر فوق اضافه می‌کند: «... با وجود این شواهدی وجود دارد که حتی در نیمه اول قرن شانزدهم فراماسونری بهیچ وجه در خود ایران ناشناخته نبوده است. ایرانیانی که در اروپا سفر کرده بودند بدون توجه به ترغیب میر با نشان که انگیزه سیاسی داشتند به قبول فراماسونری مشتاق بودند. این اشتیاق از علاقه کلی آنها به موضوعی سرچشمه می‌گرفت که مورد تأیید چندین اروپائی سفر کرده به ایران در آن دوران بود...»<sup>۱</sup>

بهر حال جا دارد در باره این طریقت ایرانی در فراماسونری جهانی مطالعات بیشتری صورت گیرد تا شاید راز تشکیل آن فاش شود.

نوشته دیگری که در تواریخ فراماسونری به گرات از آن یاد **يك افسر ایرانی** شده عضویت یکی از افسران ایرانی در لژ فراماسونری برلن در لژ برلن است. بموجب نوشته مجله «لندن فراماسونری»<sup>۲</sup> مورخ ۲۸ ژوئن ۱۸۷۳ - (۱۲۸۹ هـ) در آن تاریخ در ایران عده کثیری از اعضاء دربار قاجاریه عضو لژ فراماسونری بودند و نویسنده مدعی است «... یکی از افسران ایرانی که در برلن اقامت دارد و مشغول ادامه تحصیل در فنون و عملیات نظامی میباشد داوطلبانه وارد سازمان فراماسونری Myalia order شده است» تا آن تاریخ هیچیک از مسلمانان وارد لژ فراماسونری آلمان نشده بودند و بنظر میرسد که ورود او به لژ کرافت برلن،<sup>۳</sup> از این لحاظ دارای اهمیت فراوان بوده که این افسر هنگام ادای سوگند ماسونی به قرآن کریم سوگند خورده است. تقاضای عضویت افسر مذکور

۱- مقاله فراماسونری در ایران ص ۷.

۲- یا مجله فراماسونری ۱۸۷۳، Freemason's Magazine.

می‌گیرد. این ملل اقوام وامی بودند که شاید ساختن و پرداختن بسیاری از این مخلوقات را شایع بوده‌اند ... ولی بنایان آزاد از قرون گذشته تا حال گرچه از لحاظ سیاسی با هم اختلاف پیدا می‌کردند، معذالاینان در تمام اعصار این مبدء و اصل را که عبارتست از مبارزه با هرگونه خرافه دینی و هرگونه تعصب مذهبی است وجهه همت خود قرار دادند ...<sup>۱</sup>

گراوند لژ فرانسوی گرانداوریان در حالیکه فریاد «بی‌دینی» و برداشتن مرزهای «بین‌ممالک» و دخالت در امور سیاسی می‌زد، عده‌ای از افراد برجسته محفل پاریس را امثال دکتر مرل، پرینی، ویزیوز، لکفر و غیره را به عناوین و مشاغل مختلف به ایران فرستاد تا آنان در ایران شعبه لژ گرانداوریان را تشکیل دهند. این استادان لژهای ماسونی، ابتدا بدون اینکه مسائل دین، ملیت، مرزها و غیره را به اعضای لژبیداری ایران دیکنه‌کنند، به تدریج موفق شدند، مندرجات قانون اساسی خویش را به‌اعضاء وفادار و قسم‌خورده خود بقبولانند و آنان را با اعمالی که فرمان می‌دادند، بگمارند.

قانون اساسی شرق اعظم (گرانداوریان) فرانسه که تا امروز نیز کماکان مورد قبول فراماسونهای فرانسوی است، در **قانون اساسی فراماسونری ایران** دوره اجلاس سال ۱۸۸۴ (۱۳۰۱ هـ) به تصویب مجمع عمومی شورای عالی فراماسونری شرق اعظم رسیده است. این قانون اساسی برای فراماسونهای (فرانسه و مستملکات آن) نوشته شده و به تصویب رسیده، مورد قبول کلیه لژهای موجود در آن زمان واقع شده و در ۱۵ فوریه ۱۸۸۵ (۱۳۰۲) رسمیت یافته است. ولی در تاریخ ۱۲۷۰ پریل ۱۸۸۵ پس از تصویب از طرف شورای طریقت و بعداً در ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۹ از جانب مجمع عمومی تصرفاتی در آن به عمل آمده است. قانون اساسی مزبور در سال ۱۹۰۸ (۱۳۲۴ هـ) در اختیار لژ بیداری ایران گذارده شد و لژ مذکور مجاز گردید که آن را به فارسی ترجمه کند.

این قانون اساسی سه بار ترجمه و چاپ شده است که بار اول به وسیله وثوق الدوله،

دبیرالملک و سید نصراله نقوی بوده و نخستین چاپ آن در حدود فقط ۱۵۰ نسخه بوده که شامل شش باب و چهل و هشت ماده است و آن را به وسیله چاپ ژلاتینی طبع و بین اعضاء توزیع کرده اند .

در سال ۱۹۰۸ (۱۳۲۵ هـ) بار دیگر همین قانون اساسی که به طور اختصار ترجمه شده بود ، در چاپخانه کوچک فراماسونری با قطع جیبی چاپ و گویا در حدود ۵۰۰ نسخه از آن توزیع شده . این خلاصه که دوست دانش پژوه نویسنده حسین یزدانیان آنرا در اختیار دارد ، دومین قانون اساسی با پشت جلد مخصوصی است که روی آن جملات (ل . ل . بیداری ایران - شرق اعظم - ۲۳ - ۰۰۰) نوشته شده و يك صورت خورشید در يك مثلث زیبائی در آن به نظر می رسد و سه حرف اختصاری (آزادی - برادری - برابری) نیز در آن وجود دارد ، ظاهراً يك نفر عضو مسئول فرانسوی لژ در آن زمان شماره و مشخصات هر يك از اعضائی را که آن قانون اساسی را می خریدند یادداشت و آنرا اعضاء می کرده و به او می داده است .

سومین قانون اساسی فراماسونی در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰ هـ) و پس از استوار شدن رژیم مشروطیت در ایران ترجمه و چاپ شده است <sup>۱</sup> این قانون اساسی به وسیله سه تن از اعضاء لژ که هر يك دارای مقامات مختلف درجات مخصوص بودند ترجمه شده و در صفحه دوم آن در زیر عکس مترجمین اسامی و شماره های مخصوص آنان بدین شرح درج گردیده است :

۱ - میرزا محمد علیخان ذکاءالملک شماره ردیف ۲

۲ - حاجی سید نصراله نقوی شماره ردیف ۳

۳ - میرزا حسینخان دبیرالملک شماره ردیف ۱۸

محیط طباطبائی در این باره می نویسد : «مسیو ویزیوز با ترجمه و طبع قانون اساسی محفل شرق اعظم فرانسه بهمدستی مرحومان دبیرالملک و ذکاءالملک و حاج

۱ - شاید هم این قانون اساسی در کتابخانه فاروس چاپ شده بود .

سید نصراله اخوی و تعلیم اصول و مقررات دیرینه فراماسنی از سابقه اعتبار پنجاه ساله فراموشخانه ملکم ... کاست...<sup>۱</sup>

بهر حال قانون اساسی مزبور که یکی از مطلعین آن را در اختیار نویسنده گذاشته است در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰ هـ) در مطبعه خصوصی فراماسونها در تهران چاپ شده است و به قطع جیبی در ۲۴۶ صفحه و شامل فصول زیر است :

- ۱ - قانون اساسی
- ۲ - نظامنامه عمومی شرق اعظم فرانسه
- ۳ - فهرست
- ۴ - نظامنامه خصوصی
- ۵ - ماده شصت نظامنامه عمومی
- ۶ - غلط نامه

در مقدمه کتاب قانون اساسی مذکور ، از طرف لژ یداری ایران تقریظی نوشته شده که در آن مترجمین را بدین شرح ستوده اند :

ل . . . محترم ب . . . ا . . . ش . . . طهران از مساعی جمیله برادران حاجی سید نصراله و میرزا محمد علیخان ذکاءالملک و میرزا حسین خان دبیرالملک که باهمت و غیرت برادرانه خدمت خود را در ترجمه قانون اساسی و نظامنامه عمومی و آئین نامه ها و دفاتر به بهترین اسلوب و عبارت و نیکوترین وضع و ترتیب به پایان برده و به زیور طبع آراسته اند و بالاخص برادر میرزا حسین خان بدر (دبیرالملک) که در این کمک برادرانه از بذل مال و صرف وقت و فراهم ساختن وسائل انجام کار دقیقه ای فروگذار نکرده . موافق قانون همبستگی متفقاً به این خدمت بزرگ که مفتاح تعلیمات و اسرار ماسونی و اساس حقیقت جوئی است موفق گشته اند در مقام قدرشناسی تشکرمی کند و محض تذکر از این اثر مشکور و تشویق سایر برادران از طرف عموم حاضرین جلسه ۱۴ شهر رمضان ۱۳۳۰ مطابق با ۲۷ اوت ۱۹۱۲ اجازه داده شد که این تقریظ به نام

لامی این سه برادر گرامی همواره در مفتوح نظامنامه طبع شود و پیاپی با روزگار برادران به یادگار بماند .

اینک ابتدا خلاصه قانون اساسی فراحسونی و نظامنامه لژی بیداری ایران را که اولین بار در ایران چاپ و منتشر شده، نقل می نمائیم و سپس ترجمه کامل آنرا با آخرین تغییرات مصوبه گرانددوریان در آخر جلد دوم بنظر خواننده گرام می رسانیم :

## اولین ترجمه قانون اساسی لژی بیداری ایران

### باب اول

#### در اصول فی :-

ماده اول- بنای فی :- اختصاصاً نوع پرستی و فیلسوفی و طلب ترقی است . مقصودش جستجوی حقیقت و تهذیب اخلاق و بکار بردن اتحاد و اتفاق است . کارش اصلاح امور مادی و اخلاقی و تکمیل قوای عقلیه و مدینه عالم انسانیت است . مسلکش انغماض از خورده بینی در باره برادران و حفظ شرف خود و سایرین و آزادی مطلق وجدان . چون ادراک حکمتهای فوق الطبیعه منوط فهم شخصی است ، لهادفی :- درصدد اثبات احکام و سنن بر نمی آید .

شعار فی :- آزادی :- برابری :- برادری :- است .

ماده دوم - وظیفه فی :- آن است که دائرة اخوتی که تمام برادران این طریقت را در کره ارض بهم مربوط و متصل نموده است توسعه دهد ، و نوع بشر را از آن منتفع نماید .

فی :- بمعنای اسرار خود توصیه می نماید که تلقین و انتشار این مسلک را بنمایند . چه به واسطه اعمال حسنه که سرمشق واقع شود چه به واسطه نطق چه به واسطه تحریرات و تألیفات به شرط اینکه اسرار فی :- محفوظ بماند .

ماده سیم - تکلیف فی :- در هر موقعی که هدایت و همراهی و حمایت از برادران

خود است اگر چه زندگانی خود را به مخاطره بیندازد . و نیز اگر در حق برادری ظلم شده باشد تکلیف او مدافعه خواهد بود .

ماده چهارم - فی . . کار کردن رایگی از تکالیف خاصه انسان می داند . قدر کارهای یدی و دماغی در نظرفی . . یکی است و هر دو را محترم می شمارد .

## باب دوم

در باب م . . ها و کارخانه های ایشان

### فصل اول

در باب م . . ها

ماده پنجم - حکومت مطلقه فی . . متعلق است به مفهوم م . . هائی که در کار هستند . چنانکه در این قانون اساسی معین شده این حکومت مطلقه اجرا می شود به واسطه ادای عمومیه .

ماده ششم - قبول اشخاص در فی . . به موجب قرعه می شود . تمام برادرانی که حاضر هستند حق رأی دارند به شرط آنکه منظم باشد ( شرایط نظم در نظامنامه عمومی شرح داده خواهد شد ) .

ماده هفتم - فی . . دارای علاماتی و رموزی است که نمی توان برای احدی توضیح نمود ، جز اشخاصی که به برادری قبول شده اند . این علامات و رموز به اشکالی که معین شده اند سرآمد اعمال ف . . ها و وسائل شناسائی و معاونت آنها به یکدیگر در تمام کره ارض خواهند بود . دخول به فی . . شامل چندین درجه یا منصب است .

درجات اولیه - شاگردی ، رفاقت ، استادی است . هر کس به درجه استادی رسید دارای حقوق کامله فی . . خواهد شد هیچکس نمی تواند از امتحانات متدرجه که در کتاب و آئین فی . . نوشته شده است معاف شود .

ماده هشتم - شرایط دخول در دائره فی . . و دارائی حقوقی مستلزمه آن از قرار

تفصیل ذیل است :

- ۱ - باید اقلاً بیست و یک سال داشته باشند.
  - ۲ - ایرادی با عیادت و اخلاق او وارد نشود .
  - ۳ - همیشه خود را بقدر کافی بطور شرافتمندانه تحصیل کند .
  - ۴ - سواد کافی برای فهم مطالب فی .<sup>\*</sup> داشته باشد .
  - ۵ - اقلاً ششماه در شهری کحل .<sup>\*</sup> در آن واقع است متوقف باشد .
- اشخاصیکه در شهر آنها ل .<sup>\*</sup> تأسیس شده است .
- پسرهای م .<sup>\*</sup> ها در سن هیجده سالگی می توان با رضایت پدر و مادر و قیم خود فقط بر تبه شاگردی قبول کرد ولی قبل از بیست و یک سال به درجه رفاقت و استادی پذیرفته نخواهد شد .

از شرط اقامت در مرکز ل .<sup>\*</sup> معاف اند .

صاحب منصبان یری و بحری و مباشرین امور عامه اشخاصیکه به واسطه شغل خود مجبور به تغییر مقر هستند .

ماده نهم - سمت فی .<sup>\*</sup> حقوق و امتیازاتی را که با آن همراهند سلب می شود .  
 بواسطه ارتکاب اعمال ذیل :

- ۱ - فعلی که مخالف ناموس باشد.
- ۲ - شغلی که منافی شرف باشد.
- ۳ - تخطی و تجاوز از تعهداتی که در موقع پذیرفتن کرده هیچکس از دائره فی .<sup>\*</sup> خارج نمی شود مگر بعد از محاکمه که ترتیب و شرایط آن موافق اصول قانون اساسی فی .<sup>\*</sup> باشد .

## فصل دوم

در باب کارخانه های فی .<sup>\*</sup>

ماده دهم - مجمعی که م .<sup>\*</sup> ها برای کار در آنجا حاضر میشود کارخانه ایشان

نامیده میشود. کارخانه‌هایی که مخصوص درجات سه گانه اولیه باشند آنها را محفل فی. می نامند. کارخانه‌هایی که مخصوص سایر درجات فی. تا درجه ۳۰ هستند آنها را مجلس روحانی Chapitra و دارالشورای می. Consill مینامند. کارخانه‌های اعلائی که به تنهایی حق قبول م. ها را تا آخرین درجه دارند موسوم به مدرسه بزرگ امین می. Grande Colleg De Rito خواهند بود.

ماده یازدهم - کارخانه‌های فی. شخصاً امور راجعه به خود را به آزادی اداره مینمایند، از قراحدود و تربیتی که در این قانون اساسی و در نظامنامه عمومی مندرج است. برای اقداماتی که راجع به منافع عمومی می. است باید از آنها مشورت کرد. ماده دوازدهم - در مجامع می. تمام م. ها با یکدیگر مقام مساوات کامله دارند. هیچ امتیازی مابین آنها نیست جز از طریق برتری رتبه می. ایشان.

ماده سیزدهم - تمام مشاغل می. به اکثریت آراء داده میشود و تماماً موقتی هستند. در مواقعی که نظامنامه عمومی تعیین میکند ممکن است که کمک خرجی بصاحبان مشاغل داده شود. کارخانه‌ها سالی یک مرتبه ارکان خود را به اکثریت آراء انتخاب مینمایند. عنوان و عدد مشاغل و وظائف خاصه آنها و شرایط قابلیت انتخاب و موقع ترتیب انتخاب ایشان در نظامنامه عمومی معین شده است.

ماده چهاردهم - فقط اعضای دائمی و التزامی کارخانه‌ها میتوانند برای مشاغل انتخاب شوند و فقط اعضای دائمی حق دارند که ارکان کارخانه را انتخاب نمایند. شرایط دائمی بودن م. ها در نظامنامه عمومی درج شده است.

ماده پانزدهم - کارخانه‌ها حق تنظیم و تأدیب با اعضای خود و تمام م. هاییکه در اوقات کار آنها حاضر میشوند دارند. مباحثات راجعه باعمال قوای بدیه و دخالت در منازعات مسالك پلتیکی در کارخانه‌های می. قدغن است و نظم هر مجلس باریس مجلس است.

ماده شانزدهم - چندین کارخانه چه از يك مشرف باشند و چه از مشایخ مختلفه میتوانند جمع شوند در باب منافع عمومی می. متفقاً مذاکره نمایند. ممکن است

تمام آنها خودشان جمع شوند و ممکن است وکالت جمعی از م. ها بدهند که از طرف ایشان گفتگو نمایند. برای انعقاد این مجلس باید اقل هشت روز قبل کارخانه‌های مذکوره به شورای م. اطلاع دهند. قرارهایی که نتایج این اجتماعات میشوند و در هیچ صورت و بهیچوجه نباید مخالف قانون اساسی و قوانین م. باشند.

## باب سوم

در اقتدارات م.

### فصل اول

#### در باب شرق اعظم فرانسه

ماده هفدهم - کارخانه‌ها چنانکه ترتیب آنها بواسطه این قانون اساسی و بواسطه نظامنامه‌های عمومی م. و نظامنامه‌های خصوصی که از آن مشتق می‌شوند مقرر شده است باهم تشکیل يك هیئت متفقه می‌نمایند. این هیئت متفقه موسوم به شرق اعظم و شورای عالی فرانسه و مستملکات فرانسه است کرسی شرق اعظم در پاریس است.

ماده هیجدهم - هر م. که عضو یکی از کارخانه‌های شرق اعظم فرانسه باشد میتواند عضو یکی یا چندین کارخانه که به قوه مقتدره م. دیگر متعلق است بوده به شرط اینکه قوانین آن قوه مقتدره نیز به برادران خود همین اجازه را بدهند ولی قدغن است که در يك سال در دو هیئت متفقه مختلفه داخل مذاکرات قانونی شوند.

ماده نوزدهم - کارخانه‌هایی که جزو هیئت متفقه شرق اعظم و شورای عالی م. فرانسه و مستملکات هستند در اعمال خود یکی از دو مناسکی را که قبول شده است پیروی می‌نمایند.

ماده بیستم - مخارج عمومی شرق اعظم را ل. ها و م. ها متحمل می‌شوند به واسطه مالیات سرانه و خراجی که از ل. ها گرفته می‌شود. مقدار مالیات سرانه و خراج ل. ها را مجمع عمومی م. معین می‌نماید.

## فصل دوم

### در باب مجمع عمومی می .

ماده بیست و یکم - مجمع عمومی شرق اعظم فرانسه مرکب است : اولاً از تمام وکلای ل . های این هیئت که به اکثریت آراء به قرعه مخفی معین شده باشد . ثانیاً از اعضاء شورای می . این اعضاء نمی توانند از طرف ل . هانمایند شوند .

هر ل . بیش از يك نماینده در مجمع عمومی نخواهد داشت حق وکالت نماینده دائمی تامدنی که کسی برای جانشینی او معین نشده برقرار خواهد بود .

ماده بیست و دوم - در صورتیکه نماینده مانع داشته باشد ل . های می توانند در جلسه مخصوصی که برای انتخاب او تشکیل می شود يك نفر نایب به جای او انتخاب کرده به مجمع عمومی بفرستند . هیچ م . نمی تواند در مجمع عمومی بیش از يك ل . نماینده ل . های متعدد باشد .

ماده بیست و سوم - وکلا باید از میان اعضاء دائمی ل . انتخاب شوند و اقلاً دو سال باشد که دارای مرتبه استادی شده باشند و اقلاً یکسال باشد که در ل . یکه از طرف اوسمت نمایندگی دارد عضویت یافته باشند . شغل ریاست ل . مانع از نمایندگی شدن نیست . ل . الجزایر و مستملکات فرانسه و ممالک خارجه که تابع شرق اعظم فرانسه می باشند می توانند وکلای خود را از میان اعضاء سایر ل . های هیئت متفق انتخاب نمایند به شرط اینکه نماینده منتخب اقلاً دو سال باشد که به رتبه استادی رسیده باشد و اقلاً يكسال باشد که به عضویت دائمی يك ل . منظم افتخار یافته باشد .

ل . هائیکه مدت تأسیسشان به دو سال رسیده است همین حق را دارند در صورتیکه هیچ يك از اعضاء ایشان استاد دو ساله نباشد .

ماده بیست و چهارم - مجمع عمومی هر سال در روزی که نظامنامه عمومی معین کرده است به ترتیب معمول منعقد می شود .

ماده بیست و پنجم - مجمع عمومی منعقد می شود به طور فوق العاده ، در موقعی

که شمه‌ای می‌باشد باید دعوت انعقاد این مجمع را شروع کنند .

ماده بیست و هشتم - این مجمع از میان اعضای خود به اکثریت آراء رئیس ، نگهبان ناطق ، دبیر ، مخبر بزرگ ، را انتخاب کرده سایر صاحب منصبان به حکم قرعه معین خواهند شد .

ماده بیست و نهم - اختیار واقدار از وضع قوانین اساسی و سایر قوانین هیئت متفق با مجمع عمومی شرق اعظم است .

مجمع عمومی شرق اعظم از باب اظهارات اساسی وقانونی می‌باشد . قبل از استشاره از لایحه ها حکمی نمی‌کند .

مجمع عمومی به مفاد و خلاصه اقوال می‌رسیدگی نموده حکم می‌کند . این احکام به واسطه شورای می‌باشد به مجمع عمومی داده میشود . مجمع عمومی حساب سال گذشته را جرح و تعدیل و تصفیه کرده بودجه دخل و خرج سال آینده را معین می‌نماید تمام اعضای مجمع عمومی حق استفتاء و مطالبه جواب دارند . مجمع عمومی میتواند به موجب اظهار شورای می‌باشد مجازات و اسقاط حق که به برادران یا به کارخانه های هیئت متفق وارد شده است به تعویق بیندازد .

## فصل سوم

در باب شورای می‌باشد .

ماده بیست و هشتم - شورای می‌باشد مرکب است از ۳۳ عضو که مجمع عمومی شرق اعظم آنها را از میان اعضای خود انتخاب نماید . اعضای شورای می‌باشد برای سه سال انتخاب می‌شوند .

اسم اشخاص در روی کاغذهای قرعه نوشته و به رئیس اطلاق انتخابات داده می‌شود برای انتخاب شخص منتخب و در دفعه اول و دوم باید دارای قبول اکثریت تام باشد . و در دفعه سوم اکثریت آراء نسبی کفایت می‌کند در صورت تساوی آراء قدمت رتبه استادی نتیجه انتخابات را معین می‌نماید .

پس از گذراندن امتحانات ماسونی و انجام همه تشریفات بطور صحیح مورد قبول واقع شد. تشریفه مزبور در این باره مینویسد: «... پس از طی امتحانات که برادران فراماسونری آلمان از او بعمل آوردند با رضایت کامل عضویت او را تأیید کردند و او را جزء برادران خود شناختند. ظاهراً این افسر ایرانی ادعا میکرد که اغلب درباریان قاجار عضو این سازمان هستند و همچنین که ماسونری آلمان به عضویت امپراطور و ولیعهد افتخار می‌کنند فراماسونهای ایران هم سازمان ماسونیک خود را وابسته به دربار میدانند»

نویسنده مجله بدون اینکه نام افسر فراماسون شده و یا درباریانی را که عضو آن بودند پیرد اضافه می‌کند: «عضویت این ماسون مسلمان ساکن برلن در میان برادران آنها اسباب اعجاب شده زیرا آنها تصور نمی‌کردند که اندیشه فراماسونری در تمام روی زمین توسعه یافته باشد»<sup>۱</sup>. علی مشیری محقق و نویسنده‌ای که دوران بازنشستگی را در انگلستان می‌گذراند ضمن تحقیقاتی که درباره اولین فراماسونهای ایرانی در اوایل قرن نوزدهم نموده‌اند درباره لژی که افسر مذکور مدعی است دربار ایران را مجذوب خود کرده مینویسد:

«... باید گفت سازمان فراماسونری بشکل جدید کنونی تا سال ۱۸۷۳ میلادی که قانوناً میبایستی تابع یکی از منشورهای انگلند، اسکاتلند یا فرانسه باشد در ایران به هیچوجه من‌الوجوه سابقه نداشته است»<sup>۲</sup>

اولین نویسنده‌ای که اظهارات افسر ایرانی مقیم برلن را به نقل از مجله فراماسونری لندن درج کرده گاولد نخستین نویسنده تاریخ شش جلدی فراماسونری است که بعداً نیز سایر نویسندگان ماسونی نوشته‌های او را نقل کردند. او می‌نویسد:

«تظهور این فراماسون مسلمان در برلن بنظر میرسد که تا حدی سبب ایجاد اعجاب برادران ماسون او در لژ بوده. غافلگیری ویی اطلاعاتی متوجه آن‌ها از فراماسونها بوده که از پیشرفت و توسعه نفوذ (بنایان) در دنیا چیزی نمیدانند. حقیقت اینست که مسلماً

۱- تاریخ فراماسونری گاولد جلد ششم قسمت ایران.

۲- مجله خواندنیها شماره ۹۵ سال ۲۴.

هر سال ثلث اعضای می. تجدید می شوند. اشخاصیکه از عضویت شورای می. خارج می شوند نمی توانند منتخب شوند مگر بعد از فاصله يك سال.

ماده بیست و نهم - هر سال بعد از تجدیدی که در ماده فوق ذکر شد شورای می. رئیس خود و دو نفر نایب رئیس و دو منشی و يك خازن مهر و تمهر شرق اعظم فرانسه را معین می نمایند. شورای می. نظامنامه خود را نیز ترتیب می دهد.

ماده سیام - شورای می. حافظ، اساس می. است فراهم کردن اجرای قوانین می. و تصمیمات مجمع عمومی می. و احکام عدالت می. نیز با شورای می. است. شورای می. مأمور روابط شرق اعظم باقوای مدنی و باحکومتهای می. فرانسه و خارجه است.

سفرای [يك کلمه خوانده شد] که شرق اعظم نزد هیئتهای متفقه می. می فرستد به واسطه شورای می. معین می شوند.

ماده سی و یکم - اداره کارهای می. با شورای می. است. قرارهای نظم اداره می. و اعلان رسمی و تصمیمات مجمع عمومی و اشعار و اخبار آراء و احکام اولیای خبرت با شورای می. است.

شورای می. کارهای خود را هر ساله به مجمع عرضه می دارد. شورای می. بودجه سالیانه را مرتب ساخته اقلاً دو ماه قبل از انعقاد مجمع عمومی به ل. ها می فرستد. اعضای شورای می. يکان يکان در پیشگاه مجمع عمومی مسئول اجرای مأموریت خود هستند.

ماده سی و دوم - شورای م. رسیدگی و حکومت می کند و در سئوالات راجعه به اساس می. و اعلان بیداری کارخانه ها و قسمت انتخابات ایشان. شورای می. اقدامات لازمه خود را باید در تدارك تأسیس ل. های تازه یا بیداری ل. های خفته به جای آورد شورای می. کارخانه هائی را که خارج از هیئت متفقه به ترتیب تشکیل شده و موافق این قانون اساسی و نظام نامه عمومی رفتار می نمایند و نظام نامه خصوصی ایشان بهیچوجه مخالف نظام نامه عمومی شرق اعظم نیست. به عضویت هیئت متفقه شرق اعظم قبول می نماید.

شورای می. شهادت نامه ها و احکامات حقوقی (گذرنامه ها) و تذکره هائیکه کارخانه های متعدد استدعا می نمایند اعضا کرده به ایشان تسلیم می نماید .

ماده سی و سیم - شورای می. مأمور اصلاح و اختلافات است چه این اختلافات مابین کارخانه ها واقع شود و چه مابین می. و شورای می. شکایات هائیکه از برادران یا از کارخانه ها می شود قبول کرده به محکمه تمیز می. ارائه می نماید و نیز می تواند شخصاً شکایت از تقصیر کسی کرده و به محکمه تمیز رجوع نماید.

ماده سی و چهارم - در موارد فوق العاده و فقط برای نظم عمومی شورای می. حق دارد که کارخانه ها را توقیف نماید ولی مسئولیت این کار در پیشگاه مجمع عمومی بر شورای می. وارد می شود و مدت این توقیف تا روزی است که حکم محکمه می. صادر شود این محکمه به عجله دعوت می شود و باید رأی خود را همان روز اظهار نماید .

## باب چهارم

در تشکیل عدلیه می.

### فصل اول قوای عدلیه

ماده سی و پنجم - قوای عدلیه می. جاری می شود در درجه اول به وساطت ل. ها به وسیله برادران عدول که از میان آنها انتخاب می شوند .

در درجه هائی به وساطت محکمه های استیناف که کتباً از وکلای ل. ها قطع نظر از قوه انضباطیه که متعلق به کارخانه ها است و به واسطه ایشان مجری می شود (چنانچه در نظامنامه عمومی معین شده است) .

### فصل دوم

عدول کارخانه ها و محکمه استیناف

ماده سی و ششم - کارخانه هائیکه مقصود از محاکمه می شوند به واسطه عدولیکه

مرکبند از نمایندگان ل. ه. ها

ماده سی و هشتم - تصمیحات ل. ه. ها و محاکمه استیناف و عدول کارخانها باید معین باشند .

ماده سی و هشتم - تصمیحات محاکم استیناف و عدول کارخانها ممکن است به محکمه تمیز رجوع شوند این استیناف ممکنست به تأخیر افتد .

ماده سی و نهم - ترتیب محاکمه و استیناف و مجازات قانونیه به واسطه نظامنامه عمومی معین شده است .

## فصل سوم

### محکمه تمیز

ماده چهل - محکمه تمیزی که تشکیل شده است در موقع اشتباه یا اشکال در محاکمات یا خطای در اجرای قوانین یا تجاوز از قانون حکم محکمه ها را نقض می نماید . و کار را به محکمه استیناف دیگر یا عدول برادران ل. ه. دیگری رجوع میکند .

ماده چهل و یکم - محکمه تمیز مرکب است از پانزده تن اعضاء که به واسطه مجمع عمومی بر حسب قرعه مخفی همه ساله انتخاب می شوند . هر سال ثلث اعضاء محکمه تمیز تجدید می شوند و ممکن است که اعضاء محکمه تمیز مکرر انتخاب شوند این انتخاب بعد از انتخاب شورای می. ه. واقع می شود بهمان شکل و بهمان ترتیب .

ماده چهل و دوم - هیچ کس نمی تواند عضویت محکمه تمیزی می. ه. و نمایندگی عدلیه می. ه. و عضویت شورای می. ه. را معادارا شود .

اعضای محکمه تمیز در مدت مأموریت خود که در ماده فوق معین شده اند نمی توانند به عضویت شورای می. ه. انتخاب شوند .

ماده چهل و سیم - گرسی محکمه تمیز در پاریس شرق اعظم فرانسه است .

محکمه تمیز در موقع تشکیل مجمع عمومی مجبوراً باید منعقد شود و در وقتی

که به واسطه جهتی انعقاد آن لازم شود رئیس محکمه حکم انعقاد به آن مینماید در وقتی که اعضای محکمه تمیز برای محاکم باید جمع شوند عده اعضائی که احضار می شوند هفت تن خواهد بود و به موجب قرعه که در مجلس شورای می. با حضور رئیس محکمه تمیز یا نایب او کشیده خواهد شد برای مشوره محکمه تمیز حضور پنج تن از اعضا لازم است .

ماده چهل و چهارم - هر سال محکمه تمیز در جلسه ماه سپتامبر بعد از تجدید ثلث اعضای خود رئیس و نایب رئیس و منشی خود را انتخاب می نماید . در قسمت رسمی صورت مذاکرات و اقوال شرق اعظم این انتخاب ذکر خواهد شد .

### باب پنجم

روابط شرق اعظم با ممالك خارجه

ماده چهل و پنجم - شرق اعظم فرانسه در ممالك خارجه که دارای اقتدار منظم می. باشند و با شرق اعظم مراودات برادرانه دارند تأسیس کارخانه نمی کند و هیچ تغییری در ترتیب ل. هائی که الحال در ممالك خارجه موجود هستند داده نمی شود . شرق اعظم کارخانهائی را که در فرانسه یا مستملکات فرانسه به واسطه قوه متفق می. تأسیس شده باشد تصدیق نمی نماید .

### باب ششم

در تدقیق و تغییر م . .

ماده چهل و ششم - هر گونه اظهاری راجع به تدقیق در کلیات یا جزئیات اساسی می. یا راجع به حذف یا تغییر يك قانون می. یا باظمانامه عمومی می. یا شد بعد از آنکه به مجمع عمومی تقدیم شد و مجمع عمومی آن را پذیرفته و رسیدگی آن اظهار از طرف مجمع عمومی به ضمیمه رأی شورای می. در این خصوص قبل از انقضای مدت سه ماه

به ل. ه. فرستاده می شود که در آن مذاکره و مذاقه نمایند و مجمع عمومی در جلسه آتیه در باب آن اظهار حکم خواهد نمود.

ماده چهل و هفتم - مجمع عمومی ممکن است مرجع اظهارات قانونی شورای می. ه. واقع شود به شرطیکه این اظهارات در جلسه اجتماعیه شورای می. ه. شده باشند این اظهارات باید در پانزده روز اول به از ختم کنوان Convent کوچکی که در مدت انعقاد آن قبول شده اند به ل. ه. ها رجوع شوند که مذاکرات لازمه در آنها بعمل آید . ماده چهل و هشتم - اصول موقتی این قانون اساسی تابع تصدیق ل. ه. های هیئت متفق است . برای آنکه تصدیق شود باید اکثر ل. ه. های شرق اعظم این قانون اساسی ساکت باشند و جوابی ندهند مثل این است که این قانون اساسی را قبول نموده باشند . علاوه بر ترجمه قانون اساسی لژ گرانند اوریان فراسه که فوقاً نقل شد ، لژ بیداری ایران ، يك نظامنامه خصوصی نیز ، در شش فصل تنظیم و با تصویب لژ تهران و مرکز گرانند اوریان به موقع اجراء گذاردند . که عیناً در زیر نقل می شود<sup>۱</sup>

## نظامنامه خصوصی ل. ب. ب. :

### فصل اول

#### ترتیب قبول بیگانگان

۱ - علاوه بر ترتیبی که برای قبول بیگانگان در نظامنامه عمومی مقرر است در ل. ب. ب. ه. ترتیبات ذیل نیز مراعات شود .

۲ - هر گاه یکی از برادران بیگانه را لایق آشناسیدن بسیر ماسنی بداند باید قبل از آنکه با آن بیگانه هیچگونه محبتی از وجود ل. ه. در ایران بنماید به طریق ذیل

۱ - نظامنامه مزبور را خانواده يك فراماسون که در ۲۵ سال قبل در گذشته در اختیارم گذارده .

رفتار شود<sup>۱</sup>.

۳ - تحصیل اجازه برای مذاکره با بیگانه باید محض به امضای سه نفر استاد باشد ارجمند<sup>۲</sup> موافق آئین ورقه را می سوزاند و معرفین مزبور حق ندارند معرفی خود را به برادران دیگر معلوم کنند.

۴ - اسامی بیگانگانی که معرفی شده اند باید در لوحه<sup>۳</sup> مخصوصی به خط جلی و معرفی کامل یازده روز قبل از آنکه بخواهند برای تحصیل اجازه رأی بگیرند نوشته و اعلان شده باشد.

۵ - پس از آنکه بیگانه معرفی شد دو یا سه نفر از برادران را معین می کنند در باره چند ماده بخصوص از ورقه تفتیش که لازم به تحقیق از شخص بیگانه نیست تحقیقات خارجی نموده را پورت بدهند.

۶ - همه برادران حاضر حق مذاکره دارند اما حق رأی فقط برای استادان و یاران است هرگاه عده مهره های سیاه کمتر از خمس عده کلیه مهره ها بوده باشد اجازه داده می شود.

۷ - عده کلیه رأی دهندگان نباید کمتر از یازده باشد.

۸ - هرگاه يك ورقه از اوراق تفتیش مقرر در نظامنامه عمومی در جواب یکی از سئوالات ساکت یا مبهم باشد ارجمندان ورقه را بتوسط برادر دیگر تجدید کرده و بعد از اكمال آن رأی گرفته می شود.

۹ - ورقه تفتیش مخصوصاً در باب سابقه اعمال و ترجمه احوال باید بسط و تحقیق کامل بعمل آید تا برادران از اعمال گذشته بیگانه بتوانند عقیده روشنی حاصل نمایند.

۱ - در نسخه دیگری که یکی از فراماسنهای قدیمی در اختیار نویسنده گذاشت در قسمت دوم روی کلمات ( به طریق ذیل رفتار شود ) خط کشیده شده و بامداد جمله مزبور چنین تصحیح شده بود ( از وجود ل. در ایران بنماید از ل. : تحصیل اجازه شود ) .

۲ - در نسخه ای که مورد استفاده قرار گرفته بر بالای کلمات ( باشد ارجمند ) کلمه ( والا ) بامداد تصحیح شده .

۳ - در همین نسخه در بالای دو کلمه ( لوحه مخصوص ) چنین نوشته شده ( بتوسط نویسنده ها ) این تصحیح هم بامداد شده .

۱۰ - مفتشین که از طرف ارجمند مأمور تفتیش احوال بیگانگان می شوند نباید سمت مأموریت خود را بسایر برادران بفرمایند .

## فصل دوم

### غیبت اعضاء رسمی

۱۱ - هر برادر يک به دون عذر موجه در جلسه متوالی غیبت کند يك ماه ارتقاء رتبه او بتأخیر می افتد .

۱۲ - غیبت هر يك از اعضاء رسمی سه ماه هر يك مرتبه اعلان در صورت مجلس قید می شود .

۱۳ - صورت غیبت سالیانه هر يك از اعضاء رسمی لزّ باید در موقع انتخابات عمومی قرائت شود تا برادران دقت کرده در موقع انتخابات سالاران برادران مراقب را ترجیح دهند .

۱۴ - برادران غائب برای غیبت بدون عذر هر جلسه باید مبلغ دو قران به عنوان اعانه به امین خبریه بدهند .

## فصل سوم

### سالاران

۱۵ - برادران يک به از سالاران در اجرای وظائف مسامحه و غفلت یا تقصیری مشاهده می کنند باید ارجمند را متذکر سازند تا ایشان را تنبیه نماید .

۱۶ - ارجمند همینکه از یکی از سالاران مسامحه و غفلت یا تقصیری احساس کند در صورت يک خطای او طوری نباشد که محتاج به محاکمه باشد ابتداء برادرانه او را به ادای وظائف خود دعوت می کند هر گاه پس از این یادآوری سالار مذکور تنبیه نشد ارجمند يک دفعه هم در جلسه کله و شکایت برادرانه می کند اگر نتیجه حاصل نشد از لزّ در خصوص بقای آن برادر به سالاری کسب رأی می نماید .

## فصل چهارم

### روابط برادرانه و همبستگی

۱۷ - هیچ برادری حق ندارد در غیاب برادری از وی بدگوئی کند .

۱۸ - هر برادری که نسبت به برادر سوءظن یا شکایتی در امور شخصی یا نوعی داشته باشد باید بدو به ارجمند اظهار نماید تا اقدامات برادرانه درین باب بنماید هر گاه ارجمند اقدامی نکرد می تواند به لژ شکایت خود را اظهار دارد تا لژ در این خصوص فراری بگذارد و این ترتیب غیر از تظلم ماسونی است که به موجب آن برادران می توانند یکدیگر را در تحت محاکمه در آورند و آن ترتیب به جای خود باقی و منظور تواند بود .

۱۹ - حمایت و رعایت برادرانه در باره برادری محتوم است که او نیز در موقع لزوم از حمایت و رعایت برادران خود مضایقه نکرده باشد .

۲۰ - تکلیف هر يك از اعضای رسمی یا افتخاری است که هر گاه از برادری نسبت به برادر دیگر بدگوئی بشنود یا اقدامی برسد یکدیگر ببینند فوراً به ارجمند اظهار نماید .

## فصل پنجم

### مجازات

۲۱ - برادرانی که رعایت مواد این نظامنامه را نمایند مانند برادرانی مجازات خواهند شد که رعایت مواد نظامنامه عمومی را نکرده باشند .

۲۲ - هر برادری که علناً و عمداً برخلاف مقررات نظامنامه عمومی و این نظامنامه خصوصی اقدامی بر ضد برادری کند موقتاً از لژ خارج و محاکمه می شود تعیین مدت اخراج با لژ است .

۲۳ - هرگاه برادری که خدمتی را رسماً در لژ بعهده گرفت ، به انجام نرساند مورد سرزنش برادرانه خواهد شد و ذکر آن در قاعده اعمال ماسونی او می شود .

## فصل ششم

### مکافات برادرانه

۲۲ - هر برادری که به واسطه خدمات شایان مستحق اظهار قدردانی از طرف لژ بشود بر حسب درجات خدمت مکافات برادرانه ذیل در باره او مبدول می شود .

۱ - شادی بنام برادر

۲ - قید در صورت مجلس

۳ - قید در نامه اعمال ماسونی

۴ - شادخواری بنام آن برادر در مهمانی ماسونی

در ۱۹۱۴ (۱۳۳۲ هـ) در قانون اساسی و نظامنامه گرانند

تغییرات در اوریان تغییراتی داده شد و هنگام وقوع این تغییرات نماینده

قانون اساسی لژ بیداری ایران نیز شرکت داشت . پس از اینکه شورای عالی

گرانند اوریان ، تغییرات کنوانسیون را تصویب و ابلاغ کرد<sup>۱</sup>

این دستور از طرف مرکز لژ گرانند اوریان به لژ بیداری ایران تأکید گردید :

شرکت فراماسونهای لژ بیداری ایران در شورای عالی طریقت ، گرانند اوریان

در آن ایام با اهمیت فراوانی تلقی شد . زیرا تا آنروز ، فراماسونری جهانی ، ایرانیان

فراماسون را قابل اعتماد و یا لایق شرکت در مجامع بین المللی نمی دانستند . به همین

جهت شرکت فراماسون ایران در کنوانسیون گرانند اوریان را پیروزی بزرگی برای

لژ بیداری می دانستند . اینک متن کامل تغییرات کنوانسیون را نقل می کنیم :

۱ - متن دستور فوق از مضمندی گرفته شده که با تشریح نقل شد

## آزادی - برابری - برادری

شرق اعظم فرانسه - شورای عالی فرانسه و مستملکات

س . س . س .

شرق پاریس هفتم دسامبر ۱۹۱۴

برادران خیلی عزیز .

کنوانسیون ۱۹۱۳ بعضی تغییرات در مواد ۹ داد و از ۳۳ تا ۵۳ قانون اساسی که راجع به عدالت ماسونی است قبول کرد و بواسطه متحدالعالی که سابقاً برای شما فرستادم این تغییرات را تصدیق و امضای کارخانه هاینرمانیم نتیجه این تغییرات معلوم است تغییر بعضی از مندرجات نظامنامه عمومی راجع باصل درمیدگی در شکایات و تشکیلات تفاوتی میگردد .

از این جهت تغییراتی در مواد ۱۳۲ تا ۱۳۷ و از ۱۸۱ تا ۱۸۳ مکرر و از ۲۷۵ تا ۳۴۰ مکرر نظامنامه عمومی به دفتر ( کنوان ) پیشنهاد کردیم . چون این تغییرات را کنوان قابل توجه دانست مطابق ماده چهل و ششم قانون اساسی این تغییرات را برای مباحثه به ل . س . ها میفرستیم :

### سقه VI در انتظام

ماده ۱۳۲ - رئیس کارخانه حق دارد بهر برادری که اسباب انقطاع مذاکرات میشود با اظهاراتی با صدای بلند میکند و اطاعت به صاحب منصبانی که مشغول ادای

این گروه مرموز (بنایان) در مشرق زمین از سالها پیش وجود داشتند، تقریباً اکثریت ساختمانهای مسلمین در هندوستان از قبیل مقابر، مساجد و بقاع متبرکه و غیره، با علائم ماسونیک مشخص گردیده‌اند. بسیاری از این علائم که هنوز هم بطور واضح و کمال باقی مانده‌اند و بخصوص ساختمانهایی که در هند در زمان اکبرخان امپراطور مغول که در سال ۱۶۰۵ (۱۰۱۳ هـ) وفات یافته بنا شده‌اند. بدینسان میتوان گفت که فراماسونری از آسیای وسطی به هندوستان سرایت کرده و عامل آن مسلمین در صدها سال پیش از این بوده‌اند.

بدنبال تحقیقات گاولد، نویسندگان دائرةالمعارف فراماسونری در امریکا اضافه می‌کنند «از این تاریخ به بعد فقط علائم اختصاری و سری یک ایرانی در لژ آمیتیه فرانسه Loge Clemente Amitie در پاریس دیده می‌شود ولی البته در تهران لژی وجود دارد که بسیاری از ایرانیان محلی عضو آن هستند<sup>۱</sup>، این اطلاعات فارسانا مفهوم نکات تاریک فراماسونری ایران و وجود لژ در تهران و یا درباریانی را که فراماسون بوده‌اند روشن نمی‌کند. در حالیکه عده‌ای از دیپلماتهای ایرانی منجمله میرزا یوسفخان مستشار الدوله عضو لژ «کلمانت آمیتیه» پاریس بوده‌اند.

تحقیقاتی که از خانواده‌های قدیمی افسران ارتش ایران بعمل آمده حاکیست که در آن ایام یکی از افراد خانواده (گرافمایه) و شاید هم خود (مؤید السلطنه) در آلمان اقامت داشته است. اما آیا افسری که وارد لژ «گرافت آلمان» شده خود او بوده یا نه؟ اطلاع صحیحی در دست نیست. در آن سالها در ایران و بخصوص در طبقه حاکمه عده‌ای فراماسون بوده‌اند که فعالیت کاملاً سری داشته‌اند و تشخیص آنها بسیار دشوار است.

مقارن همین ایام گرانداوریان در ایران لژی تشکیل داد ولی اولین گرانداوریان چون در کمال اختفا کار میکرد بهیچوجه اثری از آن در اسناد دولتی و نوشته‌های فارسی مشاهده نشده است. تنها اثری که از وجود این لژ دیده می‌شود چند جمله ایست که در سالنامه

وظیفه خود هستند نمی نمایند یا بواسطه حملات شخصی خارج از ترتیب انعامات برادرانه که باید در هر کارخانه منظور شود رفتار نمایند با نظرات برادرانه اخطار نماید - این اخطار ممکن است در صورت مجلس قید شود .

ماده ۱۳۳ - اگر برادر خطا کار به اخطار اطاعت نکند باز نظم و ترتیب مشورت برادران را برهم بزند رئیس باو امر مینماید که از کارخانه خارج شود ، اثر این حکم فقط برای مدت یک جلسه خواهد بود . ولی برادران میتوانند رأی بدهند که برادر خطا کار منتها تا مدت ششماه در کارخانه داخل نشود .

ماده ۱۳۴ - بواسطه این منع دخول حقوق و وظائف ماسونی ذایل نمیکرد ولی اسباب میشود که مطابق ماده ۲۷۹ نظامنامه با وی برادر خطا کار در حضور کمیته صلاحیه و تحقیق حاضر شود .

ماده ۱۳۵ - اگر کمیته صلاحیه و تحقیق حکم کند که تشکیل هیئت منصفه برادرانه لازم است این منع دخول موقوف میشود .

ماده ۱۳۶ - تکرار مخالفت با نظامات جلسات از قبیل حملات سخت و بی ادبی نسبت بکارخانه و یا صاحب منصبهای کارخانه نسبت بمشاغل آنها ممکن است موافق ماده ۲۷۹ نظامنامه عمومی اسباب شکایت شود .

ماده ۱۳۷ - اگر یک مهمانی نسبت به نظم کارخانه قصوری نماید رئیس میتواند نظر به اهمیت اقدام او را تخدیر برادرانه بنماید و یا از کارخانه خارج کند . در صورت لزوم کارخانه میتواند بر رئیس اجازه بدهد که کارخانه که آن مهمان در او عضو است تقاضای مجازات او را بنماید . این تقاضا باید خلاصه صورت آن مجلس را که این حادثه در آن رخ داده همراه داشته باشد - در آن صورت مجلس شرح جزئیات آن حادثه خواهد بود . بطوریکه سابقاً بشما در متحدالامال نمره ۱۹ اطلاع داده بودیم شما پیشنهاد میکنیم که اگر یک ماسنی اسباب اغتشاش کارخانه بشود کارخانه حق داشته باشد که کافی بداند باو قدغن نماید که در کارخانه حضور بهم رساند . عجلأً بموجب قوانین موجوده

کارخانه که بواسطه يك ماسن نامطیعی نتواند کار کند اجازه ندارد جز اینکه در برخورد را به بند و تعطیل نماید و بعد بواسطه چندین نفر از برادران باز شدن کارخانه را استدعا نماید. هیچ نمیشود تحمل کرد که يك لژی بواسطه حرکات ناشایسته عمدی یا سهوی یکی از اعضاء مجبور بموقوف داشتن کار خود بشود.

و فورمی که پیشنهاد میشود به ل. ه. ها اجازه دهید که يك ماسن را ششماه ازل. ه. بخارج نمایند. این ترتیب گمان نمیکند که اسباب اشکالی بشود بواسطه اینکه از يك طرف حقوق ماسنی شخص محکوم بجای خود باقی میماند از طرف دیگر بغیریت نیست منصفه برادرانه رئیس و برادر محکوم میتواند در حضور این هیئت از خود دفاع نماید.

بواسطه ترکیب ماده ۱۳۳ نظامنامه عمومی و ماده ۳۴ قانون اساسی يك ل. ه. میتواند از يك برادر که بواسطه تندی وی نظمی مانع کار او بشود جلوگیری نماید. دیگر مجبور نخواهد بود که بوسیله [يك کلمه خوانده نشد] که بستن ل. ه. باشد متوسل بشود. چون بستن ل. ه. شایان بسی تأسف است ل. ه. میتواند کارهای خود را تعقیب نماید و قوای قضائیه ماسنی هم مشغول رسیدگی و حکم قضیه باشد حقوق برادر متهم هم متزلزل نشده.



از باب کینخسرو شاهرخ آخرین دبیر ژبهداری ایران

فراماسونهای ایرانی، اگرچه با تکیه به تشکیلات منظم خویش  
مبارزه پنهانی و رعایت دقیق اصول پنهانکاری و هم‌چنین بعزت عدم آشنائی  
انحلال لژ بیداری مردم با سازمان و هدفها و مقاصد فراماسونها، میدان را برای  
ایران فعالیت‌های خود کاملاً باز و بلا مانع میدیدند، ولی دخالت آنان  
در کار دستگاه‌های حاکمه و بخصوص نقشه‌های محرمانه و جسارت  
آمیزی که برای نفوذ در دربار پادشاهان قاجار طرح میکردند. باعث شد که يك مبارزه  
پنهانی بین سلاطین قاجار و فراماسونها درگیر شود. مبارزهای که سرانجام با انحلال و  
پایان کار دوره اول فعالیت در لژ بیداری ایران، منجر شد.

اعضای لژ بیداری ایران و فراماسونهای ایرانی، از نخستین روز ایجاد سازمانها  
و آغاز فعالیت فراماسونی، بمنظور کسب قدرت و انجام مقاصد و نیات خود، همواره سعی  
داشتند در دستگاه حکومتی ایران رخنه کنند. بهمین جهت هر روز نقشه‌های گوناگون و  
تازه‌ای برای نفوذ و رسوخ در دربار ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه، محمد علی‌شاه، و بالاخره  
احمد شاه طرح میکردند.

اعضای لژ باکمک برادران فراماسون خود، سعی میکردند، در رأس مقامات  
حساس مملکتی قرار گیرند و همه امور کشور را قبضه کنند، و برای رسیدن به این هدف،  
نخست میکوشیدند، تا آنجا که امکان داشت، پست‌های مهم و مشاغل عالی را شخصاً  
عهده‌دار شوند، در غیر این صورت یاران و خویشاوندان، و بستگان مورد اعتماد خویش را  
باین پستهای حساس بگمارفند. طبعاً چنین برنامه‌ای برای چهار پادشاه نامبرده قاجار  
که همه آنها از سازمانهای فراماسونی وحشت داشتند - خوشایند نبود و بهمین جهت  
درخفا با این سازمان مبارزه میکردند و میکوشیدند قبلاً از طرح‌ها و اقدامات آنان باخبر  
شده و اعمال و تصمیم آنها را خنثی کنند. فراماسونها نیز برای مقابله با این اقدام پادشاهان  
قاجار، برنامه دیگری تدارك دیده و از نخستین روز آغاز فعالیت در ایران سعی داشتند،  
تشکیلات و سازمانهای علنی و با اصطلاح مستقلی ایجاد کنند که بظاهر هیچگونه وابستگی  
به تشکیلات فراماسونری نداشته باشد. آنگاه در پناه این سرپوش اطمینان مقاصد خود

را عملی سازند. تا چنانچه پادشاهان قاجار قصد تشدید مبارزه و یا تعطیل لژها را داشته باشند، این سازمانهای علمی-که در حقیقت همان تشکیلات فراماسونری بودند-کماکان بکار خود ادامه دهند.

نخستین تصمیمی که در این زمینه از طرف فراماسونها اتخاذ شد، با عکس العمل شدید ناصرالدینشاه مواجه گردید. عاجرا چنین بود که فراماسونها با کمک بعضی از درباریان سعی کردند اجازه تأسیس انجمنی را که به ظاهر هیچ ارتباطی با مجمع ماسونی نداشته باشد، از پادشاه قاجار بگیرند و برای این منظور نامه‌ای بدون امضاء پشاه نوشته و از او تقاضا کردند که اجازه تشکیل چنین انجمنی را بدهد. عرفان مینویسد:

«... در پایان مقال بذکر حکایتی میپردازیم که فداکاری آزادخواهان قبل از مشروطیت را نشان میدهد. در بین این مردان فداکار فراماسونها سلسله جنبانی داشتند و هر جا دلی امیدوار و سری پر شور می یافتند، آرام آرام در آن رخنه میکردند و او را برای روزگار نوبی آماده میساختند. مخفیانه انجمن داشتند و بند شکنجه را بجان میخریدند...»

پیرمردی بود در شیراز لقبش مسعود السلطنه و جدش میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان، میگفت: من از غلام بچه‌های ناصرالدین شاه بودم، وقتی که ناصرالدین شاه از سفر فرنگستان بازگشت ملازمان او که بایران بازگردیدند، شب‌ها درباریان دیگر بکرد آنها جمع شده، از اوضاع فرنگستان پرسش‌ها میکردند و این پرسشها و پاسخ‌ها اجتماع آنان را گرم مینمود و امید و آرزوی اینکه کارهای خوب فرنگستان در ایران هم معمول شود، در دل آنها ایجاد میکردید و با شوق و رغبت در این اجتماع حضور می یافتند. بعدی که مایل شدند، این اجتماع بیشتر اوقات دایر باشد و از این مطالب گفتگو بمیان آید، ولی مصلحت ندانستند، بدون اطلاع شاه اجتماع آنها درست شود. عربضه‌ای پشاه نوشتند و استدعا کردند همان‌گونه که در فرنگستان هر طبقه‌ای انجمن دارند، درباریها هم انجمنی داشته باشند، که هر هفته تشکیل شود و در مطالبی که مصلحت اقتضا کند، حرف بزنند. گفتند بهتر این است تو که هم بچه هستی و هم پدر بزرگت

صاحب دیوان نزد شاه معتمد و مقرب است عریضه را تو بشاه تقدیم کنی ، من قبول کردم .  
 شاه معمولاً صبح ها بعد از فراغت از کار ، در حیاط راه میرفت و بخوردن نعل و مغز  
 بادام و فندق و پسته که گاه بگاه پیشخدمتها بجیب او میریختند مشغول میشد ، روزیکه  
 خوشحال بنظر می آمد ، در گوشه ای ایستاد و شاه که خواست از جا او من بگذرد ، عریضه  
 را به او داد .

شاه پس از خواندن عریضه خشمناك شد ، نوك عصائی که در دست داشت روی  
 گونه وزیر چشم من گذارده بسختی فشار داد . من طاقت نیاورده عقب رفتم . ولی او فشار  
 بعضی می آورد ، تا من بدیوار رسیدم و پشت بدیوار دادم و شاه با عصا بگونه من فشار  
 می آورد ، بعدیکه نزدیک بود چشمم بترکد . فریاد زدم و گفتم اگر حکم کنید سرم را  
 ببرند گوارا نر باشد ... شاه عصای خود را برداشت و بسر و صورت من زد ، تا جسانی که  
 عصا شکست و گفت من از کسانی که این عریضه را تحریر کردم اند ، از انجمنهای  
 فرنگستان بیشتر و بهتر آگاه هستم ، صلاح ملك و ملت ایران نیست این انجمنها را داشته  
 باشد . اگر کسی بعد از این اسم انجمن را بپاورد شکمش را باره میکنم .

پس از قتل ناصرالدین شاه و به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه سلیم النفس ، همینکه  
 دهشت استبداد اندکی کاهش یافت و آزادی جان تازه ای گرفت ، فراماسونها که خود  
 را آماده فعالیت میکردند ، در صدد برآمدند ، ابتدا يك سری تشکیلات غیر ماسونی  
 بوجود آورند و این سازمان ها را کانونی برای جلب اعضای جدید ، انتخاب آنها و  
 فعالیت های خود تبدیل کنند .

یکی از مراکزی که فراماسونها در تأسیس آن پیشقدم شدند ، انجمن اخوت  
 بود . از یکصد و ده نفری که مؤسس این انجمن بظاهر مستقل بودند ، بدون شك هفتاد  
 نفرشان از سران فراماسونی ایران بودند . بطوریکه خواهد آمد ، انجمن اخوت در راه  
 توسعه فراماسونیزم ، پیشرفت مقاصد سیاسی و استقرار مشروطیت نقش موثری داشت .  
 بدین جهت محمدعلی شاه که خود با پرداخت یک هزار اشرفی به افتخار عضویت در لژ

فراماسونری جامع آدمیت در آمده بود ، محو و نابودی انجمن اخوت را در رأس برنامه ها و جزء نخستین کارهای خود قرارداد و روزیکه مجلس را به توپ بست ، دستور داد خانه صفی علیشاه ظهیرالدوله را که داماد ناصرالدینشاه و خانه اش هم مرکز از بیداری ایران و هم محل تشکیل جلسات انجمن اخوت بود ، ویران کنند . ولی یکی از اعضای فراماسونری که در خدمت شاه مستبد قاجار بود ، شب قبل از حمله به این محل ، نصیم محمدعلیشاه را به اطلاع کارگردانان لژ بیداری رسانید ، رؤسای لژ شبانه همه اسناد و مدارک لژ را بوسیله ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) به سفارت فرانسه برده ، با کمک میرزا محمود و خان منشی سفارت (سناتور محمودچم کنونی) آنها را در یکی از اطاق های سفارت به امانت گذاشتند . در نتیجه روز بعد وقتی سر بازان سیلاخوری با توپ های «شر-پنیل» خانه داماد شاه را ویران کردند ، و همه جواهرات و لوازم خانه را به یغما بردند ، نتوانستند به اسناد لژ بیداری دست یابند . محمود محموددرین باره می نویسد :

«... علاوه بر محافل لندنی ، از طرف لژ داران پاریس نیز در تهران لژ ایرانی

دایر گردید .

دستگاه مرحوم ظهیرالدوله مربوط به فراماسون فرانسه بود . اینکه در زمان سلطنت محمد علی میرزا خانه ظهیرالدوله را غارت کردند ، به این دلیل بود که محفل فراماسون را در آنجا سراغ کرده بودند ولی مرحوم ظهیرالدوله قبلاً خبردار شده ، اثاثیه ماسونی را از آنجا به سفارت فرانسه برده بودند ، ولی خانه غارت شد و عمارت نیز ویران گردید و دیگر آباد نشد . شاید حال هم بهمان حال باقی مانده باشد ...»<sup>۱</sup> در جای دیگر می نویسد : «... چون قبلاً اطلاع رسید بود که محمد علی میرزا چنین قصدی دارد شبانه وزیر مختار فرانسه را دیده بودند و هر چه که متعلق به ماسونهای فرانسه بود به سفارت فرانسه بردند و شاید تا امروز هم همانجا باشد از قرا و اطلاعی که دارم دیگر محفل آنها دایر نگردید»<sup>۲</sup>.

بعد از عزل محمد علیشاه از مقام سلطنت و پیروزی مشروطه خواهان ، فراماسونها

۱- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ص ۱۸۳۹

۲- ایضا ص ۱۸۴۰

که در این دوران از مبارزات مردم ایران شرکت فعالانه داشتند و رهبری انقلاب را پنهانی عهده دار بودند؛ این بار محل مخصوصی را که در خیابان پسته‌خانه بود، مرکز فعالیت خود قرار دادند و در روز ۱۴ دسامبر ۱۹۰۹ (سه‌شنبه سلخ ذی‌قعدة ۱۳۲۷) مجدداً لژیون‌داری را با همه تشریفات رسمی تنصیب کردند. لژیون‌داری تا سال ۱۳۱۰ - ش (۱۹۳۱-م) کماکان ماهی یکبار جلسات خود را تشکیل میداد. ولی در بین سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۰ که ارباب کیخسرو شاهرخ منشی‌گری لژیون را به عهده داشت، بدستور پلیس جلسات لژیون تعطیل شد. يك نشریه نیمه مخفی فراماسون‌ها می‌نویسد:

«... لژیون‌داری ایران تا بیست سال پیش [سال ۱۳۱۲] مشغول فعالیت بود. لیکن پس از آنکه سختگیری‌های دولت رو به‌شدت نهاد، ناچار از فعالیت آنان کاسته شد، مخصوصاً همینکه مرحوم ارباب کیخسرو که سمت دبیری لژیون را دارا بود، تحت نظر قرار گرفت و سپس فوت شد، لژیون به یکبار از کار خود باز ماند و فرو خوابید...»<sup>۱</sup> و بدین ترتیب به فعالیت نخستین لژیون رسمی و با اجازه يك سازمان فراماسونی جهانی خاتمه داده شد.

## فصل هفدهم

### فراماسنها و انقلاب مشروطیت ایران

در باره اینکه ماسونها تا چه حد در نهضت مشروطیت ایران سهم داشتند ، نظرهای مختلف بیان گردیده است که گاه اغراق آمیز به نظر می رسد. لیکن حقیقت آنست که نمی توان دخالت علنی و مخفی و سهم آنها را در کار مشروطیت اغراق آمیز دانست. در اینکه این گروه در هیجان و غلیان افکار بخصوص در سالهای آخر حکومت مستبدانه محمد علی شاه مؤثر بودند تردیدی نیست. ولی تعیین حدود و اثر عملیات آنان مستلزم منجش دقیق تری است.

متأسفانه تاریخ نویسان بخصوص «کسروی» که حقا مطالعات ارزنده ای در باره دوران مشروطیت دارد ، در این باره سکوت کرده و کمتر ملکزاده نیز که خود «ماسن» و «ماسن زاده» بوده است ، در حالیکه خود را به بی اطلاعی می زنند ، فقط چند جمله در باره «حزب فراماسون» نگاشته است. و فقط محیط طباطبائی در مقاله خود موسوم به «مشروطه ستم دیده» می نویسد :

«در میان مشروطه طلبان اول افراد سرشناسی بودند که پیش یا پس از اعلام مشروطیت کم و بیش با مبانی فراماسونی آشنائی یافته بودند یا با برخی افکار و عقاید اجتماعی کم و بیش سابقه انس داشته اند ولی میزان دخالت و ارزش شخصیت آنها به اعتبار بستگی با فراماسون یا مسلک دیگری در جنبش مشروطه و تحول وضع و دفاع

مردانهای که بعد در برابر هجوم استبداد صغیر شد چندان قابل توجه بلکه در خورد ذکر نیست ... و آزادیخواهی سعدالدوله با عضویت قدیمی او در لژ فراماسون بلژیک ارتباطی نداشت ...<sup>۱</sup>

در واقع نقش فراماسونها در انقلاب مشروطیت ایران قابل انکار نیست ، لیکن به علت آنکه مأخذ و مدارك صریحی در این باره در دسترس نبوده ، بررسی صحیح درین باره صورت نگرفته است . بعلاوه این نکته مسلم است که روزی که ناصرالدین شاه کشته شد ، فراماسونها به طور علنی وارد جرگه مشروطه خواهان ایران شده و از آزاد مردان مشروطیت انقلابی تر شدند .

اکنون لازم است قبل از آنکه به تشریح اعمال و کردار و فعالیت ماسونهای ایرانی در انقلاب مشروطیت بپردازیم ، قدری از گذشته و علل دخالت ماسونها در انقلابات مختلف جهانی بحث کنیم .

پس از انتشار قانون اساسی فراماسواری در سال ۱۷۲۳ ( ۱۱۳۶ هـ ) همواره فراماسونهای « فلسفی و سیاسی » سه کلمه : آزادی ، برادری ، برابری را شعار گفتارهای خود قرار می دهند و به آن تکیه می کنند .

در درون لژهای ماسنی جهان این سه کلمه با حروف درشت نقش شده و سرفصل سخنرانیهاست . تاکنون هزاران سخنران ماسن در باره مفهوم هر یک از این کلمات سخنرانیهای طولانی نموده اند و هر عضوی که وارد محافل آنها می شود ، اهمیت این شعار را به او تذکر می دهند ولی در حقیقت در زیر ماسک این کلمات مقاصد « استاد اعظم » انجام می شود . شاید اگر گفته شود که شرکت فعالان ماسونها در انقلابهای بزرگ جهان نظیر ( انقلاب کبیر فرانسه ، انقلاب آمریکا ، انقلابهای اسپانیا و ایتالیا ) به بهانه حفظ و توسعه همین سه کلمه بوده ، سخنی بیهوده نباشد .

مرحوم محمود محمود می نویسد : ... کلمات سه گانه موهوم که عبارت از آزادی

فراماسونری گرانداوریان مصر چاپ شده است. در این سالنامه زیرعنوان «گراندا لژ ایران» این جملات به چشم می خورد: «گراندا لژ ایران در سال ۱۸۷۹ (۱۲۹۶ هـ) تأسیس شده و هنوز هم فعالیت آن ادامه دارد»<sup>۱</sup> این سالنامه که در سال فراماسونری ۱۸۸۹-۹۰ چاپ شده اسامی همه لژهای وابسته به گرانداوریان را منتشر کرده و وجود يك لژ اصلی و مجاز را در ایران تأیید می کند و همچنین فعالیت ده ساله گراندا لژ ایران را منعکس مینماید. منتها چون این لژ در شرایط کاملاً مخفی بوده، اسامی مؤسسين و رؤساء آنرا منتشر نمی سازد و در تهران هیچگونه اثر و اطلاعی از فعالیت این لژ مشهود نبوده است.

در تأیید نوشته سالنامه مذکور دبیرخانه «گرانداوریان» نامه ای بتاريخ ۲۸ آوریل ۱۹۶۱ در جواب تقاضای نویسنده ارسال داشته و نوشته است: «گراندا لژ ایران که در سال ۱۸۷۹ در ایران تأسیس شده فقط در مدت خیلی کوتاه فعالیت کرده و عملیاتی انجام داده و تا سال ۱۸۸۹ اسماً وجود داشتند ولی فعالیت زیادی نداشته است» بنابراین از اواخر نیمه دوم قرن نوزدهم فعالیت فراماسونها در ایران به اندازه ای مخفی و سری بوده که حتی يك ناظر و پادپلمات خارجی یا مأموران عادی دولت هم نمی توانستند از مجامع آنها و فعالیت اعضایشان چیزی درك و یا کسب کنند.

اکثر نویسندگان و مورخان و رجال دولتی ایران که عضو لژ فراماسونی نبودند با نظر سوءظن و بغض و حتی عداوت به آن می نگریستند و محافل ماسونی را شعبه جاسوس و یا مثلاً دایره تخریبی و اطلاعاتی سفارت انگلیس در ایران می پنداشتند و حال آنکه چه در آاموقع و چه هم اکنون ماسونهای خارجی با ایرانی (در ایران) مستقیماً با سفارت انگلیس و مؤسسات سیاسی وابسته به آن و غیره تماسی ندارند و مستقیماً دستورات خود را از مراکز لژهای خود دریافت میدارند. گرچه به کرات دیده شده که رؤساء لژها

۱- در سال ۱۳۴۰ شمسی که برای مبارجه به سوئد رفته بودم در کتابخانه لژ استکهلم که برخلاف همه لژهای انگلیسی سری و مخفی نبود این سالنامه در اختیارم گذاشته شد که با تمکین از مدیر کتابخانه، قسمت ایران آن نقل شد.

برابری ، برادری می باشد ، يك آتشی در سال ۱۷۸۹ در اروپا به وجود آورد كه خشك و تر هر چه بود سوخت و روح ملت فرانسه را طوری مسموم نمود كه هنوز هم كه هست از اثرات آن سم مهلك خلاص نشده است و ملت فرانسه به حال طبیعی خود عود نكرده است . روشن كننده این آتش همان اعضاء مجامع و محافل فراماسون بودند كه بعدها رفته رفته شراره این آتش به تمام عمالك عالم سرایت نمود دنیائی را به آتش بیداد خود سوزانید . امروز هم این سه كلمه دام بسیار خطرناكى است كه تمام ملل مقتدر و غیر مقتدر را به وحشت انداخته است . من بیش از این نمی خواهم در سر این موضوع معطل بشوم فقط می گویم همین آتش بعدها به خرمین هستی ایرانی اتحاد و ملت ایران را سالها گرفتار انواع مصائب و محن نموده است . پس از آن دودمان آل عثمان را به خاكستر سیاه نشاید روسیه يكصد و شصت ملیون نفوس را با شعله های سوزان خود غافلگیر کرده هستی آن ملت غیر مجرب را بباد فنا داد و هنوز هم خاتمه پیدا نكرده است .

من این تذکر مختصر را به هموطنان خود می دهم كه بعدها بیدار و هوشیار شده گول این شیاطین شاید را نخورند و به الفاظ فریب دهنده آنها گوش ندهند و به كتابهای شیرین و عبارات نغز آنها مفتون نشوند . مجذوب نویسندگان آنها كه دارای عناوین قاضلان و عالمانه و غیره هستند نگردند این الفاظ و این عبارات و این نویسندگان عالم و فاضل آنها بی هستند كه دنیا را با كلمات شیرین و فریب دهنده اغفال نموده آتش فتنه و انقلاب را در هر سرزمینی دامن زده و اسباب اسارت دائمی سکنه آنها را فراهم می آورند . باور بكنید از آن روزی كه عنوان فراماسون در این مملكت پیدا شده و محفل سری آنها به اشاره لندن در این سرزمین تشكيل گردید . از همان روز بدبختی و سیه روزی ملت ایران شروع شده است . همینكه ناراضی ها و ساده لوحان و طبقه شیاد و ماجراجو در اطراف این محفل گرد آمدند از آن روز اساس حكومت ایران متزلزل گردید و امنیت از مملكت ایران رخت برپست ...»<sup>۱</sup>

در کتابی نیمه مخفی که بعدها از وقایع شهربور ۱۳۲۰ (اوت ۱۹۴۲ م) به وسیله یکی از سازمانهای فراماسنی ایران منتشر شده است، هنگام بحث در باره انقلابهای جهانی و نقش فراماسونها چنین نوشته شده است:

«... و نیز در تاریخ عصر جدید، فعالیت دامنهدار انجمنهای سری فراماسونی در اروپا بود که زمینه انقلاب کبیر فراهم را آماده کرد و این انقلاب عظیم منجر به صدور اعلامیه حقوق بشر گردید که در حقیقت موادی از آراء و نظریات فلسفه ماسونی است.

شرکت لافایت که در جرگه برادران بنای فرانسوی بوده در جنگهای آزادی آمریکا نیز مثال دیگری است برای اثبات این نظریه...»<sup>۱</sup>

فراماسونهای بعد از سال ۱۷۱۷ م. (۱۱۲۹ ه) نه تنها در انقلابهای داخلی ممالک اروپائی بلکه در حوادث و انقلابهای آسیائی نیز رخنه کرده اند. در انقلابهایی که در مصر، مراکش، فلسطین، عثمانی، ایران و هند و سایر ممالک خاور زمین روی داده، فراماسنها و لژهای ماسنی نقشهای مؤثری داشته اند. تشریه نیمه مخفی ماسنهای ایرانی می نویسد:

«... بعلاوه در تاریخ انقلاب مشروطیت عثمانی (منظور تدوین قانون اساسی مشروطیت به وسیله مدحت پاشا است)<sup>۲</sup> و ایران سایه دست انجمنهای فراماسنی در آماده کردن زمینه انقلاب و رهبری آن آشکارا نمایان است...»<sup>۳</sup>

همین کتاب در باره نقش فراماسنها در انقلاب مشروطیت ایران می نویسد:

«... باید اعتراف کرد که در زبان فارسی با همه اینکه در ایران از اینگونه جمعیتها نظیر اخوان الصفاء، باطنیه، قرامطه و اسماعیلیه از خیلی قدیم پدید آمده بود و نیز فراماسنها که در عصر جدید بوده اند و در جنبش مشروطیت ایران دستی فعال

۱ - تاریخچه مختصر جمعیتهای سری از قدیم تا جدید ص ۹

۲ - مدحت پاشا، معاصر میرزا حسینخان سپهسالار است که هر دو در يك دوره اقدام به تدوین قوانین کردند و فراماسون و عضو لژ اسلامبول بودند.

۳ - تاریخچه مختصر جمعیتهای سری از قدیم تا جدید ص ۹ تشریه لژ مایون

داشته اند کتب و رسائلی در این زمینه نوشته شده و کسی به فکر تتبع در این رشته از تاریخ بر نیامده است...<sup>۱</sup>

نویسنده دیگری<sup>۲</sup> که اجداد و خویشانش اغلب در سازمانهای فراماسنی بوده اند در باره انقلابهای جهانی و مشروطیت ایران و نقش فراماسنها می نویسد :

«... در ایران و ممالک شرق شیوع دارد که سازمان فراماسونی را انگلیسها اداره می کنند و مجامع فراماسونی فقط مجری و پشتیبان سیاست انگلستان هستند. اما خود فراماسونها می گویند هدف و مرام فراماسونی آدمیت است یعنی کمک به تهذیب اخلاق و از میان بردن اختلافات مذهبی میان ملتها که جای اختلافات و کشمکش مذهبی قوای خود را برای تربیت و تهذیب متمرکز و متحد سازند.

ولی در این نکته تردیدی نیست که دیپلماسی انگلستان در طی قرنهای هفدهم تا اواخر نوزدهم از وجود سازمانهای فراماسونی انتفاع فراوان برده و قسمت عمده نهضت های آزادیخواهی در ممالک دنیا که رژیم سلطنت استبداد او را درهم کوبیده است فراماسونها دخالت مؤثر داشته اند مثل همین مشروطیت ایران که فراماسونها در مساعد ساختن زمینه و متوجه ساختن مردم به مزایای مشروطیت نقش خیلی مؤثری داشتند...»<sup>۳</sup>

فراماسنهای جهان نه تنها در جنگهای داخلی، انقلابات و تغییر رژیمهای ممالک

۱- تاریخچه مختصر جمعیت های سری از قدیم تا جدید ص ۱۰

۲- روزنامه واهمه شماره ۱۳۲ - اردیبهشت ۱۳۳۳ - صاحب امتیاز و مدیر این روزنامه و نویسنده این مقاله علی سپهر هستند که از روزنامه نگاران بنام و خوشنام ایران می باشند. مرحوم لسان الملك ، سپهر از افراد سرسلسله همین خانواده درلز فراماسنی میرزا ملکم خان ناظم الدوله نقش مؤثری داشت و مدت ها لژ مزبور در خانه او تشکیل می شد . همچنین نبیل الدوله از رؤسای بهائیت که سالها مقیم آمریکا بود و در لژ فراماسنی آمریکا مقام شامخی بدست آورد و همیشه انگشتر استاد اعظم را در دست می کرد از افراد همین خانواده است . مورخ الدوله سپهر ، سیاستمدار وزیر و مدیر بانک بیمه ملی آخرین فرد این خانواده است که یک لژ فراماسنی ( بدون اجازه از مراکز ماسنی جهان ) در تهران تشکیل داد که مورد اعتراض واقع شد و پس از مدتی مجبور به تعطیل آن گردید .

۳ - روزنامه واهمه شماره ۱۳۲

شرکت داشتند بلکه در جنگهای بین‌المللی نیز مؤثر بودند. در جنگ بین‌المللی اول که به شکست آلمان تمام شد، فراماسونها و یهودیه‌ای آلمان که از انگلستان، فرانسه و متحدین آنها جابجاری می‌کردند، نقش اساسی داشتند. یهودیه‌ها که در مجامع فراماسنی دنیا نقش مهمی دارند، حتی علامت شش گوشه خود را جزو علائم ماسنی کرده و از وجود کلیمیان آواره جهان برای توسعه فعالیت ماسنی استفاده کرده و می‌کنند. هیتلر که از علل شکست قوای آلمان در جنگ بین‌الملل اول به وسیله یهودیه‌ها و فراماسنها واقف بود، همینکه قدرت پیدا کرد و حکومت دیکتاتوری را در آلمان تشکیل داد، کلیه مجامع فراماسنی آن کشور را منحل و ارتباط آنها را به ظاهر با (انگلستان و فرانسه) قطع کرد. هیتلر چندین بار علناً گفت که (یهودیه‌ها و فراماسنها) از بزرگترین عوامل شکست آلمان در جنگ بین‌الملل اول بودند. پس از اشغال پاریس، قوای هیتلر مرکز لژهای (گراوند اوریان) و (گراوند لژ ناسیونال دو فرانس) را اشغال کرده، کلیه اسناد و مدارك آنها را به برلین حمل کرد<sup>۱</sup>

ماسنهای اصیل و حرفه‌ای قبل از الحاق به سازمان فراماسونری انگلستان، همواره (برادران) خود را از شرکت در حوادث و توطئه‌ها و انقلابهای ممالک منع کرده و حتی در ماده ۲ مرامنامه خود تأکید کرده بودند که به مقام سلطنت و حکومت‌های وقت وفادار باشند و توطئه‌ها را خنثی کنند؛ «به سلطنت خود و به وارثین و جانشینان قانونی آن وفادار باشید و هیچگاه مرتکب غدیر و خیانت نشوید و هرگاه بشنوید یا ببینید کسی مرتکب خیانت شود وظیفه دارید که فوراً به اعلیه حضرت یا مشاورین مخصوص وی یا هر مقامی که وظیفه رسیدگی به این امور را داشته باشد خبر دهید».<sup>۲</sup>

۱ - این اسناد به وسیله يك واگن به برلین حمل شد ولی مجال بهره‌برداری و استفاده از آن دست نداد. پس از شکست آلمان و اشغال برلین، قوای فرانسه واگن حامل اسناد را پیدا کرده به پاریس برگرداند. این اسناد ابتدا تحویل کتابخانه ملی پاریس شد ولی پس از چند ماه مراکز فراماسنی فرانسه اسناد را پس گرفتند. مقداری از اسناد قدیمی که قابل استفاده بود مجدداً به بایگانی تحویل شده و بقیه که غیر قابل استفاده بود بکارخانه مقواسازی حمل و به صورت خمیر و ماده اولیه کاغذ درآمد.

۲ - انقلابهای فراماسونری - فرای س ۱۷۲

اما فراماسونری جدید و سازمانی که در آن شاهان ، شاهزادگان ، سیاستمداران انگلیسی و حتی وزارتخانه‌های این دولت مؤثر بوده هستند ، همواره بر حکومت‌های مخالف خود به وسیلهٔ لژهای ماستی پیروز می‌شوند . در فراماسنی جدید (حفظ اسرار و یاغیگری برادران) و (کماک به یاغیان همچون کماک به بیتوایان) فرض شده ، در حالیکه در فراماسنی حرفه‌ای ماسونها موظف بودند که اسرار یاغیان را افشاء کنند و آنها را به دولت و دربار انگلیس معرفی نمایند .

در قانون اساسی دکتر آلدرسن جملاتی دیده می‌شود که بکلی مغایر عمل ماسنها از قرن هیجدهم به بعد است. آلدرسن می‌نویسد :

« يك ماسون عبارت است از يك فرد آرامش طلب و مطيع مقامات رسمي محلي ، که در آن سکوت دارد و کلامی نکند ، باشد . ماسون هیچوقت نباید در دشمنی و پیمانهای عصبانی که ضد صلح و سعادت ملت بسته می‌شود دخالت کند و نباید نسبت به اولیاء امور صاحب منصبان تابع بی انضباط و نافرمان باشد زیرا جنگها و قتل عامها و بی نظمیها همیشه به ضرر تشکیلات فراماسونی تمام شده است .

شاهان و شاهزادگان قدیم به علت صحت عمل و آرامش طلبی ماسونها همواره فراموشخانه را تقویت و تشویق کرده اند و بدین ترتیب ماسونها توانسته اند افتراات مخالفین را رد کرده و برای دسته خودشان که در موقع صلح بیشتر زمینه ترقی دارد، بیش از پیش تحصیل افتخارات کنند .

پس اگر یکی از برادران ماسون نسبت به دولت عیان نمود نباید وی را تقویت و کماک کرد لیکن ممکن است او را چون بینوایی مورد شفقت قرار داد و اگر به خیانت دیگری محکوم نشده است ، با آنکه ماسون صحیح العمل هرگز نباید روابط خود را با دولت موجود در کشور یا شائبه عدم اعتماد کند و لکه دار سازد ، معذالک نمی‌توان وی را از محفل خارج کرد زیرا رابطهٔ وی با جمعیت قطع نشدنی است ...»

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود فراماسونی جدید خود را بالائی از اجتماع می‌داند.

در صورتیکه فراماسونی قدیم (حرفه‌ای) خود را بعنوان عضوی از هیئت اجتماع فرض می‌نمود. فراماسونی جدید در عمل معارضه با اجتماع را منطقی نمی‌داند زیرا جنگ و بی‌نظمی در هر صورت مضر است، لیکن مأموریت حفظ نظم را در اجتماع بعهده نمی‌گیرد و اعضاء خود را فدای «منافع مشترک» نمی‌کند، از مضرات اجتماع می‌پرهیزد و در عین حال خود را مافوق دولت و ملت می‌داند. بعلاوه در مقررات آن، بردن نام «شاهزاده و والی» را منع می‌کند و در قانون اساسی نامی از آنها نمی‌برد و در عوض صحبت از ملت و صاحب‌منصبان یا داوران تابع را مجاز می‌داند.

زمینه و پایه فراماسونری حفظ مقررات و قوانین رژیم‌های موجود نیست، بدین جهت تنها ارتباطی را که با مقامات دولتی می‌پذیرد همانا رابطه اجتماعی است. ماسنها ظاهراً خود را از عالم سیاست دور می‌دارند، لیکن هرگز راضی نمی‌شوند که سیاست آنها را از انجام مراعاتشان باز دارد. ماسونها به همین جهت محافل خود را از نظارت دولتها مستور می‌دارند. اختفاء محافل ماسنی جدید در سالهای اولیه تأسیس سبب شد که سلاطین و شاهزادگان قرن هیجدهم در نزدیکی با آنان، اصرار بورزند و با آنها حسن ارتباط داشته باشند. در بعضی از کشورها، شاهان و شاهزادگان نیز چون می‌فرمودند که محافل ماسنی برضد آنها اقدام کنند ماسن می‌شدند.

فای نویسنده فراماسونی می‌نویسد:

«منظور و هدف فراموشخانه انگلستان جنگ داخلی نیست بلکه برعکس به قدرت حاکمه، به سلسله هانوری که «ستوارتها» را خارج از انگلستان نگاه می‌دارد و با «بورژوازی» ها رقابت می‌کند و بکمک شما هنگام آزادی طلبی سیاسی و مذهبی و ایجاد اتحاد ملی متکی است.

افکار اولیه فراموشخانه با سیاست جرج‌ها توافق دارد و به این جهت شاهان هانوری با آن همکاری می‌کنند ولی چون تشکیلات آن جنبه بین‌المللی دارد. ممکن است اگر ببینند که برخی دولتهای دیگر از اشاعه افکار «ماسنی» جلوگیری می‌نمایند، یا در راه منافع حقیقی ملت خود کار نمی‌کنند و یا برای انگلستان هانوری ایجاد خطر می‌نمایند،

با این دولتها ابراز مخالفت کنند. با آنکه فراموشخانه طبق قواعد و سنن طبیعت خود می تواند به وسایل خشونت آمیز متوسل شود، از آنجا که نوعی ابزار تبلیغاتی است، می تواند مبارزه کند...<sup>۱</sup> از این جملات می توان استنباط کرد که مجامع فراماسنی خود را بالاتر و برتر از دولتها، علنها، شاهان، ادیان و طبقات مختلف دانسته و در صورت لزوم در مبارزات مخفی و علنی با آنها شرکت می کنند.

در ایران هم از روزیکه نخستین ایرانی به عضویت فراماسونری نظرات و فعالیت های در آمد، فراماسنها همیشه، در حوادث دست داشتند و یا مؤثر ماسنی ایران در بوده اند. فراماسنهای ایرانی در مدت یکصد و پنجاه سال همواره یکصد و پنجاه سال سعی داشتند خود را حامی و مدافع آزادی و آزادیخواهی و حکومت قانون و ترقی و توسعه تمدن جدید نشان دهند. در طول قرن هجدهم تقریباً همه کسانی که بعنوان محصل، سیاستمدار، بازرگان و یا سیاح به اروپا رفته بودند فراماسون شدند. و تماس آنها با دنیای هترقی اروپا و رفت و آمد آنها به ممالک اروپائی در حال رشد و توسعه سبب شد تا آنها نیز با اتکاء به کلمات فریبنده آزادی و ترویج آئین حکومت دموکراسی و پارلمانی در ایران متوسل شوند. فراماسنها همه جا می گفتند بقاء حیات ایران مستلزم آنست که:

اولاً - تمدن غربی در آن راه یابد و ترقیات جدید این کشور رواج پیدا کنند.

ثانیاً - اصول حکومت بر پایه قانون قرار گیرد.

آنها خوب فهمیده بودند که در آن دوران خواب خرگوشی، این کلمات ظاهر فریب یگانه وسیله رسیدن به هدفهای «استاد اعظم» و مراکز فراماسونری جهانی نخواهد بود.

مهندس میرزا صالح شیرازی سومین فراماسون ایرانی است که در سفرنامه اش درباره حکومت پارلمانی و «ترقیات جدید» بحث کرده است. او شرح مفصلی درباره پارلمان انگلیس و حکومت انتخابی و مشروطه نوشته است و آرزومی کننده که در ایران

۱ - فراموشخانه و انقلابهای قرن هجدهم ص ۱۲۳

۲ - این سفرنامه را نگارنده به چاپ رسانیده و اصل سفرنامه در موزه بریتانیاست.

لیز ترفیات جدید رواج پیدا کند .

ولی قبل از اینکه «فراماسنهای ایرانی» و فرنگ رفتنها به فکر «اخذ تهران غربی و اصلاح و ترقی» باشند ، میرزا تقی خان امیرکبیر به فکر اصلاح و ترقی ایران افتاد و حرفهائی که بعدها لژ نشینان میزدند ، او به مرحله عمل نزدیک کرد . اما افسوس که دشمنان ایران و از بابان لژ نشینان ، او را از پای در آوردند . امیرکبیر که میرزترین نماینده مکتب اصلاح و ترقی بود ، در مدت کوتاه زمامداریش ، اصلاحات بزرگی در کار حکومت و امور اقتصاد و اجتماع ایران بوجود آورد که هنوز هم پس از گذشت یکصد سال اجرای نیات او برای بهبود مملکت لازم و ضروری است . ولی ناصرالدینشاه نمیخواست در ایران وضع عوض شود . میگویند وقتی دارالفنون افتتاح شد و عدهای از جوانها تربیت شدند ، صدراعظم از ناصرالدینشاه خواست تا یکروز بمدرسه بیاید و از نزدیک وضع شاگردان را ببیند .

پس از اینکه چندین بار این تقاضا تکرار شد ، یکروز که قبله عالم بیکار بود به اتفاق عدهای از درباریان به دارالفنون رفت . در ضمن بازدید از نخستین مؤسسه فرهنگی ایران ، صدراعظم از شاه تقاضا کرد تا شخصاً از شاگردان سئوالاتی بنماید . شاه با اصرار صدراعظم از یکی از شاگردان پرسید: «پسر بلجیک کجاست ؟ و چطور جائی است ؟» شاگرد مزبور در مدت نیمساعت شرح مفصلی درباره تاریخ ، جغرافیا و وضع اجتماعی «بلژیک» «نه بلجیک» بیان کرد .

در این مدت شاه سرش را زیر انداخته و با حالت غیظ و غضب به جوابها گوش میداد . همینکه جواب شاگرد تمام شد ، شاه با عصبانیت دارالفنون را ترک گفت . صدراعظم و همراهانش که منتظر احسن و آفرین شاه بودند ، با بهت و حیرت بهم لگرسنند ، هیچکس نتوانست علت عصبانیت شاه را بفهمد . چند هفته بعد ، روزی صدراعظم از شاه علت عصبانیت و ناراحتی اش را دو آروز پرسید . ناصرالدینشاه به او گفت:

داین چه دکائی است ، که باز کرده‌ای . اگر مردم بفهمند « بلجیک » چه جایی است بعدها چه کسی بمن و تو سواری میدهد و مرا شاه و تورا وزیر میکنند ! »

دومین صدراعظمی که به تقلید از امیرکبیر افکار ترقی خواهانه داشت ، میرزا حسینخان سپهسالار بود . او در مدتی که سفیر ایران در اسلامبول بود لژ فراماسنی شده بود و حتی یکبار به ریاست لژ انتخاب گشته و مقام « استاد اعظم » به او داده شده بود . بارها میرزا حسینخان در مدتی که سفیر ایران در اسلامبول بود ، بدستور لژ نشینان اسلامبول توجه زمامداران ایران را با ایجاد حکومت قانون و مشروطیت که در عثمانی با هدایت فراماسنها و مدحت پاشا آغاز شده بود جلب کرد .

هم او بود که برای نخستین بار اصلاح ایران را منوط به کشیدن راه آهن ، تأسیس مدارس جدید و تشکیل « مجلس شورای دولت » دانست . میرزا حسینخان در اساسنامه‌ای که برای مجلس شورای دولت نوشت ، نظر داد که کلیه قوانین مدنی و اجتماعی مملکت باید با تصویب « مجلس شورای دولت » باشد . در همین وقت سید جمال الدین اسدآبادی ، استاد لژهای فراماسنی انگلستان و مصر و مؤسس محافل ماسنی ایران بنای فعالیت برای ایجاد (مشروطیت) در ایران را گذارد .

بدون شك سیدطبق دستور لژها سوئری انگلستان بخصوص ولف و برادن و با حمایت ماسونهای انگلیس در مناطق نفوذ انگلستان تشنه آزادی را بلند کرد ، تا جاده استعمار انگلستان هموار شود .

پس از وی میرزا ملکم خان ناظم الدوله فکر اخذ تمدن غربی را اشاعه داد که از نظر سیاسی و حتی نفع شخصی مرتکب اشتباهات بزرگ گردید . در زیر پرده « فراموشخانه » عده زیادی از جوانان پرشور و تشنه آزادی را آماده مبارزه با دربار مستبد قاجار و ناصرالدینشاه کرد . ملکم خود « فکر تسلیم مطلق تمدن خارجی » را اشاعه داد و در مدت ۵۰ سال رساله‌های متعددی در اصلاح حکومت و اخذ تمدن خارجی و استقرار

قانون و عقاید مربوط به مساوات و آزادی در ایران نوشت که توسط مریدانش منتشر شد. عقاید معروف «اگوست کنت فیلسوف بزرگ» را درباره (دموکراسی و بشردوستی) سر لوحه عمل امضاء قرارداد بود.

قانون عقاید غیر نگرفته ها و تمدن خارجی که بوسیله فراماسنها ایجاد شده بود، بوسیله امضاء فراموشخانه به دربار ناصرالدینشاه نیز رسوخ کرده و حتی «مرکزی» بوجود آورد. در این مرکز جمعی از شاهزادگان، درباریان و خدمه نزدیک شاه وارد شدند. در قانون مزبور مأمورین دولت و اروپا رفته ها که اکثراً در لژهای ماسنی انگلیس و فرانسه و حتی هندای که در بلژیک فراماسون شده بودند شرکت داشتند.

دکتر ملکزاده که پدرش (شاید هم خودش) عضو لژ فراماسنی ایران بوده است، در تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، نقش همه مردان آزادیخواه ایران و حتی شیفتگان «اصلاحات و ترقی ایران» را فراموش کرده و همه حوادث و حتی انقلابات فکری را مرمون فراماسونری دانسته چنین می نویسد:

«تا قبل از پیدایش حزب فراماسن در ایران، ایرانیان از افکار نوین و فلسفه جدید و عقاید احزاب متمدنی اروپا و علل اختلافات فکری و انقلابات اجتماعی اطلاعی نداشتند و اگر هم کم و بیش از طرفی که در فصول پیش بدان اشاره کردیم اطلاعاتی پیدا کرده بودند خیلی سطحی و کم عمق بود و مسموعاتی بیشتر نبود. ولی پیدایش حزب فراماسون در ایران و شرکت عمده ای از مردان روشنفکر و آرزوهند تغییرات اجتماعی در این جمعیت، جمعی از ایرانیان را به فلسفه نوین دنیای متمدنی آشنا کرد و آرزوها را در روی یک پایه محکمتری استوار نمود. عمده ای از رهبران بزرگ، مشروطیت و مؤسسه انقلاب ملی چنانچه پس از مرگشان معلوم شد در آن حزب شرکت داشتند.

تأمین کنندگان طریقه فراماسونری در ایران بطور تحقیق معلوم نیست ولی بطوریکه شهرت دارد موجد این حزب میرزا ملکم خان بود که برای برقراری قانون و عدالت در ایران کوشش بسیار نموده بود و تألیفات سودمندی از خود بیادگار گذاشته که ما

LIBERTÉ  
ÉGALETTÉ - FRATERNITÉ



10, RUE CADET  
PARIS-IX

GRAND ORIENT DE FRANCE

JAB

## Grand Orient de France

PUISSANCE SYMBOLIQUE SOUVERAINE  
POUR LA FRANCE MÉTROPOLITAINE ET OUTRE-MER

COMMUNIQUEMENT  
1738 22 4 4 12

1738 22 4 4 12  
MÉTROPOLITAINE-OUTRE-MER

1738 22 4 4 12  
MÉTROPOLITAINE-OUTRE-MER

DE PARIS LE 28 Avril 1961 12  
12 12

Monsieur Ismail RAYIN  
11, Ashraf Abad Ziba Shafi  
TEHRAN IRAN

Dear Sir,

In answer to your letter dated April 25th, 1961, we made some research in our records, but we are sorry for we just found a very few indications.

- 1°) As far as Askar-khan is concerned, we did not find any mention of him as a member of the Free-Masonry and especially of his belonging to the Grand Orient de France.
- 2°) We could not trace neither a lodge of the Grand Orient de France that would have been founded in Persia between 1800 and 1900. There is nothing of the like in our records.

The only indication we have is in the "Annuaire Magique Universelle" of 1889, where we have the following indications :

- Persia : Grande Loge, founded in year 1879, had a very short existence was not active anymore in 1889.

قسمتی از نامه دبیرخانه «گرایان» به نویسنده

در موقع خود بشرح آن خواهیم پرداخت<sup>۱</sup>...

وی نقش خارجیان را در رواج محافل فراماسنی در ایران مؤثر دانسته و در این باره چنین می نویسد :

«... ولیکن عده‌ای از مطلقین سرچشمه این فکر نوین و مسلک تازه را از ناحیه اروپائیان که در ایران بوده‌اند میدانند .

آنچه مسلم است حزب فراماسون در زمان سلطنت ناصرالدینشاه در ایران تأسیس گردید و عده‌ای در آن شرکت داشتند ولی پس از گذشته شدن ناصرالدینشاه حزب مذکور رواج بیشتری پیدا کرد و بعضی از فراماسنها از جمله دکتر کارل در توسعه آن همت گماشته و جمعی از معاویف عضویت آن حزب را پذیرفتند<sup>۲</sup>...

ملك الشعراء بهار در کتاب سبک‌شناسی هنگامیکه درباره آغاز «صداهای آزادی» و «آزادخواهی» بحث می‌کند ، اشاره به فعالیت فراماسنها کرده ، چنین مینویسد :

«... در واسط پادشاهی ناصرالدینشاه سروصداهای از داخل و خارج مبتنی بر لزوم قانون و شعور در امور تقسیم مسئولیتها و انتظام مالیاتها شروع گردید .

در این عهد چند نویسنده در داخل و خارج ایران بنویشتن آستین بر زدند آئشی از افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی در قلوب در گرفت فتنه‌باب و کشتاری که از آنها شد نیز مردم را به تفکر واداشت ، در قفقاز نیز افرادی از ایرانیان پیدا شدند مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده و طالبوف و حاج زین‌العابدین مراغه‌ای که نگران اوضاع ایران بودند و خود به اصول تمدن خارجی و جدید آشنا و مایل به آشنائی دیگران ، مقاله و تیاتر نویس و کاهن پرامنی از داخل و خارج آغاز گردید ، فراماسون بوسیله میرزا صالح شیرازی و بنا به مشهور بوسیله میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله عضو وزارت خارجه که مردی تحصیل کرده و ادیب و قانون‌خواه بود در تهران باز شد روزنامه (قانون) بوسیله ملکم در لندن به طبع رسید - ترجمه و مقالات وینا ترهای آخوندزاده در تهران و قفقاز انتشار یافت رساله‌های میرزا آقاخان کرمانی منتشر گردید ، طالبوف کتاب احمد را که اصول علمی جدید را بوسیله

«صحبت» بزبان ساده می نوشت درخسارچ چاپ کرد. (مسالك المحسنين)<sup>۱</sup> کتابی به اسم «ابراهيم بيگ» در چگونگی اوضاع اجتماعی به قلم حاج زین العابدین ناهبرده نیز منتشر گشت.

سیدجمال در اسلامبول نشست و گروهی پیرامون او به کاغذ پرانی سرگرم شدند رجال تربیت شده ایران نیز داخل فراماسون شدند و در اطراف دربار به گفتگو برخاستند و رقابتهای درباری هم گاهی به آنها دامن می زد - قدرت و تسلط حوزه اجتهاد به اعلی درجه رسیده بود، اما تشکیلات سیاسی نداشت و میرزا حسن شیرازی که در سامره بود بسیار با احتیاط راه می رفت و علمای داخل ایران هم بین خودشان رقابتهائی بود و بالاخره آلت دست رجال و اعیان بودند و چون گفتگوی اصلاح هنوز از خواص به عوام نرسیده بود این طایفه یعنی (رؤسای عوام) نیز نیمه خواب و بدون اندک توجه به عاقبت کارها خیر خود را می راندند و این مصراع را می خواندند (دنیا پس مرگ ما چه دریا چه سراب ...<sup>۲</sup>

در چنین اوضاع و احوالی، فراماسنهای ایرانی که هنوز لژ مستقلى که وابسته به لژهای شناخته شده دنیا باشد تشکیل نداده بودند، تنها راه چاره را از میان بردن ناصرالدین شاه و قتل وی می دانستند. زیرا ناصرالدین شاه که مدت پنجاه سال با اقتدار سلطنت می کرد نمی خواست از امتیازات (استبدادی) خود صرف نظر کند و نفوذ وسیع تزاری نیز هر روز در دربار زیادتر می شد و اقدامات رقیب تازه نفس (انگلستان) را با کمک شاه و درباریان خنثی می کرد.

بنابراین از نظر «گراوند لژ انگلستان» تنها راه رسیدن به مقصود در برداشتن سلطان وقت «و قتل وی و سپس انقلاب برای سرنگون کردن (دربار مستبد) و ایجاد محیط مناسبتر و فعالتر برای استوار کردن سیاست انگلیس در ایران بود. آزمایشی که گراوند لژ

۱ - مسالك المحسنين را ملا عبد الرحيم طالبوف نوشته ولی کتاب «ابراهيم بيگ» نوشته حاج زین العابدین مراغه ای است.

۲ - بيگ شناسی - جلد سوم ص ۳۷۲.

انگلستان در فرانسه کرده بود ، می بایستی در ایران نیز تکرار شود .

موريس تالمير<sup>۱</sup> در سالهای که در سال ۱۹۰۴م (۱۳۲۱هـ)

آيا قتل ناصرالدینشاه به چاپ رسانیده درباره فراماسونری و ارتباط آن با انقلاب

به فرمان فرانسه در سالهای ۱۷۸۹ و ۱۷۹۲ و ۱۷۹۳ م که تاحدودی

لژ فراماسونها بود ؟ با وضع ایران و انقلاب مشروطیت تطبیق می کند می نویسد:

« ... انقلاب فرانسه از مدتی پیش با کمال مهارت مانند

يك نمایشنامه طرح ریزی شده بود و تمام تغییرات و توطئههایی که در اثر انقلاب به

وجود آمد نتیجه فعالیتهای فراماسونری بوده است .

فراماسونها کار را طوری شروع می کنند که اسرار آنها در آینده به کلی مخفی و

در پشت پرده بماند و عملیات ایشان همیشه به قتل پادشاه وقت خاتمه میافته است .

اسناد معتبری از طرف خود فراماسنها در این باب ابدأ نشر نیافته زیرا که معجام

آنها همیشه سری و مخفی بوده است ...<sup>۲</sup> .

در انقلاب مشروطیت ایران هم ، لژ فراماسنی ایران مثل لژ ماسنی فرانسه فرمان

قتل ناصرالدینشاه را صادر کرد و به همین جهت برای اینکه حقایق مربوط به این وقایع

را که هر دو به فرمان لژهای ماسونی فرانسوی آغاز و خاتمه یافته بشناسیم و بدانیم

ناصرالدینشاه چرا کشته شد؟ ناچار باید قسمتی از اقدامات ماسنهای فرانسه را در قتل

لوئی شانزدهم تشریح کنیم .

در فرانسه با قتل لوئی شانزدهم ، تغییر رژیم عملی شد ، در ایران هم با قتل

ناصرالدینشاه مشروطیت بنیان گرفت و در هر دو انقلاب حکم قتل را لژهای گراند

اوریان صادر کردند . در بحبوحه جنگ داخلی فرانسه ، فراماسنها فرمان منع تیر -

اندازی را از طرف لوئی شانزدهم جعل نمودند و برای مدافعین آوردند . به محض اینکه

تصمیم اقامت دادن لوئی شانزدهم در معبد اجراء گردید عده کثیری از فراماسنها در

1- Maurice . Talmeyr

2- La . Franc . Maçonnerie et la Révolution

پاریس متفرق شده و در همه جا جهت ایجاد وحشت عمومی با کمال خوشحالی و مسرت اعلام می نمودند که لوئی توقیف گردیده است. حالا عموم مردان، آزاد و با یکدیگر برابر هستند، دیگر سرتاسر فرانسه چیزی جز يك لژ بزرگ نیست. همه فرانسویان فراماسون هستند و بزودی سرتاسر عالم فراماسون خواهند شد.<sup>۱</sup>

قتل پادشاه تا این تاریخ هنوز انجام نگردیده بود ولی نقشه آن در جریان بود اما نه بدست کنوانسیون.

بنا به عقیده محمود محمود فرمان قتل لوئی شانزدهم را لژ فراماسونری فرانکفورت صادر کرد نه شورای انقلاب... در حقیقت پادشاه فرانسه جز در فرانکفورت در جای دیگر محکوم نگردید و گرچه این حرف زیاد تعجب آور است ولی رأی به مرگ او اصلاً وجود خارجی نداشته است و این یائسرای ساختگی و اختراعی بوده است.

برای دادن رأی کنوانسیون و داشتن يك کرسی در آنجا و شرکت کردن در محکمه های که ادعا می کنند تشکیل گردیده است سه شرط ضروری بود که هر کس واجد آن سه شرط بوده می تواند شرکت کند.

۱ - بیست و پنج ساله باشد.

۲ - فرانسوی باشد

۳ - به عنوان نماینده نامش ثبت شده باشد.

ولی مابین رأی دهندگان که رأی به قتل شاه دادند یکی بیست و پنج ساله نیست، دیگری فرانسوی نیست و پنج نفر دیگر نامشان ثبت نشده است...<sup>۲</sup>

در ایران هم ناصرالدینشاه پنجاه سال مانده لوئی شانزدهم در فرانسه حکومت مطلقه داشت. ایام سلطنت ناصرالدینشاه نیز به عیش و شادمانی خود و اطرافیان تمام شد. در این ایام شوم، افغانستان، بلوچستان و مجمع الجزایر بحرین

۱ - صفحه ۸۳۳ جلد ۷ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس نقل از اظهارات :

Barruel, Memoires

۲ - صفحه ۱۸۳۵ جلد ۵ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس.

از دست رفت و سرانجام هم ناصرالدینشاه به دستور مستقیم سیدجمالالدین اسدآبادی که مؤسس فراماسونری در مصر و ایران بود، کشته شد.

روزی که سیدجمالالدین دستور قتل ناصرالدینشاه را در اسلامبول صادر کرد و میرزا رضا کرمانی را به تهران فرستاد، به موجب اظهار معاونان الوزراء که در آن تاریخ رئیس واردات پست خارجه بوده پاکت سفارشی به تهران می‌رسد که در آن خبر حرکت میرزا رضا کرمانی و فرمان قتل شاه داده شده بود ولی این پاکت بعلی باز نشد و پس از مرگ ناصرالدینشاه از مندرجات آن اطلاع حاصل گردید.

قتل ناصرالدینشاه نخستین گامی بود که برای تغییر رژیم (استبدادی) برداشته شد. در مدت پنجاه سالی که سلطنت می‌کرد، هیچ قدرتی در مقابل او وجود نداشت و فرمان او با ضربات چماق‌داران شاهی، سر نیزه قزاقها و شلاق فراشان بدون اندک مقاومتی اجرا میشد. تلاشهایی که در بیست سال آخر حکومت مطلقه و ظالمانه ناصرالدینشاه بوسیله عناصر آزادیخواه و اروپا رفته و بالاخره دسته فراماسونها و از همه مهمتر دیپلماتی انگلستان و عوامل بومی اینتلیجنس سرویس میشد همه با قتل و شکنجه و تبعید و تاراج پایان می‌یافت فراماسونهایی که در ربع قرن دوم سلطنت ناصرالدینشاه از اروپا به ایران آمدند، به فرمان لژهایی که در آنها عضویت داشتند همه برای تغییر رژیم و خروج نفوذ روسیه از دربار تلاش می‌کردند. در آن ایام تاریک و شوم، ناصرالدینشاه و درباریانش طرفدار روسیه تزاری بودند و بهیچوجه حاضر نمی‌شدند کوچکترین امتیازی به طلبقات محروم و حتی متجددین و آزادی طلبان بدهند. فراماسنها از این عدم رضایت عمومی استفاده کرده ابتدا دسته متشکلی بوجود آوردند و سپس نخستین گام در آنها راه علاج را در قتل وی دانستند.

سید جمالالدین اسدآبادی که خود مؤسس فراماسنی در ایران بود و سالها در دربار عثمانی برای «خلیفه مسلمین» یعنی سلطان عثمانی کوشش می‌کرد، از وجود مرد

۱- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد پنجم ص ۱۸۳۵

۲- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد پنجم ص ۱۸۳۸

رجدیده‌ای مثل میرزا رضای کرمانی<sup>۱</sup> که چندین بار در سیاه چالهای دربار زندانهای مخوف تا پرتگاه مرگ و لیستی رفته بود استفاده نمود و او را مأمور قتل ناصرالدین‌شاه ساخت .

اگر مطالب کتاب خطی « تاریخ فراهاموری در ایران » نوشته دانشمند فقید خان ملک‌ساسانی را قبول کنیم که درین ایام لژ ماسنی اسلامبول در ایران نیز فعالیت می‌کرد

۱- میرزا رضا کرمانی فرزند ملا حسین عقدائی معروف به الاحسین پدر بوده . در سلین جوانی محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک ، ملک او را گرفته بملا جعفر میدهد . او مجبور می‌شود از کرمان به یزد رود مدتی طلبه بود پس به تهران می‌آید و شغل دستفروشی پیشه میکند در تهران نایب‌السلطنه هزار و صد تومان شال و خز از او می‌خرد پس از مدتها سیصد تومان را کم کرده و با کتک و پس گردنی از خانه بیرونش می‌کنند . در واقعه تنباکو وکیل‌الدوله او را احضار کرده می‌گوید حضرت والا نایب‌السلطنه شما را احضار کرده است . در آنجا به او می‌گویند نامه‌ای بنویس بدون امضاء که با دادن امتیاز تنباکو ، قند ، راه اهواز و غیره دین از دست رفت و مملکت نابود شد . میرزا رضا می‌گوید من میدانم مردم این محبتها می‌کنند و نوشتن ضرورت ندارد . وکیل‌الدوله پس از اینکه قسم می‌خورد که متفاوتی در بین نیست و ما می‌خواهیم مدرکی تهیه کنیم تا نایب‌السلطنه بتواند ناراضایی مردم را به‌شاه بگوید او را راضی می‌کنند که به‌خانه نایب‌السلطنه بروند . در آنجا میرزا رضا حرفهایی که مردم درباره شاه و درباریان می‌گفتند برای نایب‌السلطنه نقل می‌کند . نایب‌السلطنه به او می‌گوید شما نامه‌ای بنویسید و هرچه مردم می‌گویند در آن به‌تفصیل شرح دهید ، من به‌شاه می‌گویم که در مسجد شاه پیدا کرده‌ام . امیدوارم دولتخواهی شما ثابت شود . روز بعد مجدداً میرزا رضا کرمانی را به‌منزل وکیل‌الدوله می‌برند در آنجا نامه می‌نویسد . همینکه نامه از او می‌گیرند ، سیخ و درفش و سه‌پایه سربلزی و وسایل شکنجه آماده می‌کنند و به او می‌گویند هم‌دستانات را بگو . میرزا رضا استقامت می‌کند و با قیچی شکم خود را پاره می‌کند . پس از اینکه او را ممالجه می‌کنند شش سال در زندانهای تهران ، قم و قزوین شکنجه می‌دهند . پس از آزادی از زندان به اسلامبول می‌رود در آنجا سید جمال‌الدین پس از شنیدن شرح حالش به او می‌گوید تو چقدر حب زندگی داشتی چرا شاه با نایب‌السلطنه را نکشتی ؟ و او را با توصیه و دستور العمل روانه تهران کرده مأمور قتل شاه می‌کند .

و اغلب از ایرانیان عضو همین لژ<sup>۱</sup> بودند، بایستی گفت که سید جمال‌الدین بدون دستور لژ مزبور فرمان قتل شاه را نداده است. سید جمال‌الدین از این اقدام خود دو نتیجه مهم گرفت، یکی از میان بردن پادشاه مستبدی که سد راه اعمال و اقدامات فراماسنها بود و دیگر راضی و خشنود ساختن سلطان عبدالحمید، پادشاه عثمانی. زیرا به موجب اظهارات میرزا رضا کرمانی: «وقتی قتل سامره برپا شد و میان شیعیان اتباع میرزای شیرازی و اهل سامره گفتگو و جنگ به میان آمد، سلطان عبدالحمید همه تحریکات و جنگهای بین شیعیان و سنیها را از تحریکات ناصرالدین‌شاه دانسته و به سید گفته بود در حق ناصرالدین‌شاه هر چه از دست می‌آید بکن و خاطر جمع باش»<sup>۲</sup>.

میرزا رضای کرمانی در تحقیقاتی که در نظمیه از او بعمل آمده به تفصیل شرح مصیبتها و بلایائی که از طرف حکام، درباریان و صاحبان قدرت و زور باو وارد آمده بود ذکر کرد و صریحاً گفت که از جانب سید و بدستور شخص او مأمور قتل ناصرالدین‌شاه و نایب السلطنه شده است و اظهار داشت: «... وقتی شرح مصیبتها، صدمه‌ها و حبسها و عذابهای خود را می‌گفتم به من گفت تو چقدر بی‌غیرت بودی و حبس حیات داشتی ظالم را بایست کشت، چرا نکشتی و ظالم در این میان غیر از شاه و نایب السلطنه کسی دیگر نبود، اگر چه در خیال نایب السلطنه هم بودم دیگر آنروز خیالم در باره شاه مسمم شد، گفتم شجره ظلم را از بیخ باید انداخت و شاخ و برگ باطبع خشک میشوند...»<sup>۳</sup>

در تحقیقات از او سؤال شد چرا سید جمال فقط تورا انتخاب کرد و او جواب داد:

«... شما میدانید وقتی که سید جمال‌الدین در این شهر آمد تمام مردم از هر

۱- تا قبل از افتتاح لژ بیداری ایران در تهران، لژ فراماسونی اسلامبول محفل و مرکز فراماسنهای ایران بود و مدت ۱۲ سال میرزا محسن‌خان مشیرالدوله سفیر ایران در دربار عثمانی استاد اعظم این لژ بود.

۲- تاریخ بیداری ایرانیان چاپ اول ص ۱۵۲

۳- تاریخ بیداری ایرانیان چاپ دوم صفحه ۹۵.

دسته و هر طبقه چه در نهران چه در حضرت عبدالعظیم به زیارت و ملاقات او رفتند و مقالات او را شنیدند. چون هر چه می گفت لله و محض خیر عامه مردم بود همه کس استغیث و شیفته مقالات او شدند و تخم این خیالات بلند را در مضارع قلوب پاشید مردم بیدار بودند، هوشیار شدند، حالا همه کس با من هم عقیده است ولی بخدای قادر متعال که خالق سید جمال الدین و همه مردم است قسم از این خیال من و نیت گشتن شاه اسدی غیر از خودم و سید اطلاع نداشت میدهم در اسلامبول است هرکاری بخواهید با او بکنید ...<sup>۱</sup>

گرچه میرزا رضا کرمانی قسم می خورد که جز او کسی از جریان قتل ناصر - الدین شاه اطلاع نداشته ولی در تحقیقات اعتراف نمود که قبل از اقدام به ترور وی با شیخ هادی نجم آبادی که یکی دیگر از فراماسنهای راسخ العقیده و از مؤثرین فراموشخانه بوده ملاقات کرد و از او برای پناهندگی و محل اختفای کمک خواسته است ولی مرحوم نجم آبادی چون از هدف و نیت و مأموریت میرزا رضا اطلاع داشته به او کمک نمی کند. میرزا رضا کرمانی در این باره می گوید :

« ... قبل از تحویل به حضرت عبدالعظیم آمدم . در این مدت هم غیر از دو شب که به شهر آمده منزل حاج شیخ هادی ماندم و از ایشان سفارش نامه خواستم و گفتم شنیدم امین همایون مرد است از من نگاهداری خواهد کرد ، سفارش نامه به او بنویسد حاج شیخ هادی گفت من اطمینان ندارم و نمی نویسم دوباره مراجعت کردم ... »<sup>۲</sup>

لیکن ، همین حاج شیخ هادی نجم آبادی که حاضر به نوشتن سفارش نامه برای میرزا نشد و بعدها نیز منکر اطلاع از هدف و نقشه او گردید روز ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۴ یعنی چهل روز بعد از به دار آویختن میرزا رضا کرمانی ، مراسم چهلم او را برگزار ساخت . ۱ نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان می نویسد : « روز ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۴ که چهل روز بعد از قتل میرزا رضا بود در نزدیکی خانه حاج شیخ هادی نجم آبادی ،

۱ - تاریخ بیداری ایرانیان چاپ دوم ص ۹۲ .

۲ - روزنامه ایران نو .

آقا میرزا حسن کرمانی با آقا شیخ محمدعلی دزفولی که امروز به شغل عطاری مشغول است و بعضی از اجزاء حاجی شیخ هادی چهلم میرزا را گرفتند ... طعام حاضرین این مجلس بادعجان بریان کرده و نان و نمک بود و فقط در این نقطه بود که طلب مغفرت برای میرزا رضا کردند ...<sup>۱</sup> نجم آبادی بار دیگر، روزیکه مصادف با سال میرزا بود مجلس یادبودی گرفت که در آن مراسم فقط سه نفر بودند مؤید اسلام می نویسد:

«... سال میرزا رضا را مرحوم حاج شیخ هادی نجم آبادی گرفت که از امین الدوله دعوت نمود و در ساعت پنج از شب گذشته مجلسی که حاضرین آن سه نفر بودند شخص حاج شیخ هادی و امین الدوله و یکی از محارم ... حاج شیخ هادی شخصاً طعام مجلس را تهیه کرد... و طلب رحمت و مغفرت نمودند ...»<sup>۲</sup>

پس از قتل ناصرالدین شاه، همینکه حکومت به دست مظفرالدین شاه ملایان در محافل که مردی سلیم النفس بود رسید و از شدت دهشت استبداد کاسته فراماسونی شد «فکر آزادی» در بین مردم آزاده طلب ایران که جان نازم ای گرفته بودند آغاز و علنی گردید. از یک طرف آزادیخواهان روشنفکر که قبلاً افکارشان آماده شده بود، در نشر عقاید حکومت مشروطیت به فعالیت پرداختند و از طرف دیگر بعضی از روحانیون در بیداری افکار مردم کوشیدند و عوام را از نظر (تقیح ظلم و ستم) به مقاومت علیه اعمال استبداد تشویق نمودند. ولی متأسفانه در این میان روحانیون هم مثل روشنفکران و تحصیل کرده ها بدام فراماسنها افتاده در تار و پود محافل و لژها گرفتار شدند.

میرزا ملکم خان در مصاحبه ای که در مصر با ویلرود اسکاون بلانت مؤلف کتاب (تاریخچه مخفی اشغال مصر بوسیله انگلیسیها) نموده بود به وی گفت: «من هایل بودم اصول تمدن غربی را در ایران شیوع دهم و برای اینکار از جامعه دیانت استفاده

۱- روزنامه ایران نو.

۲- تاریخ بیداری ایران ص ۲-۱

۲- تاریخ بیداری ص ۱۳۲

نمودم<sup>۱</sup> روحانیون و مجتهدین که در کشاکش مبارزات (استبداد و آزادی) سکوت کرده بودند، همینکه چند تن از آنها داخل لژهای فراماسنی شدند، یکباره به جنبش درآمدند و در تقبیح ظلم و ستم سخنی گفته و عوام را با خود همراه نمودند.

روحانیون تا قبل از آنکه میرسید محمد طباطبائی وارد لژ فراماسنی بشود از مجالست و مؤانست با «فراماسنها» امتناع داشتند حتی نشست و برخاست با آنها را بر خود (حرام) می‌دانستند. ولی همینکه او وارد لژ ماسنی شد، میرزا ملکم خان ارمنی توانست هلتاً با مرحوم طباطبائی ملاقات و با وی مراوده پیدا کند. مؤید الاسلام کرمانی که از مریدان مرحوم آقاسید محمد طباطبائی بوده در این باره مینویسد:

«... میرزا ملکم خان زمانی که در تهران بود از مرحوم آقاسید محمد طباطبائی وقت ملاقات خواست ولی آن مرحوم وقت تمديد و به عمامه می‌گذراند و شاید ملاقات و مجالست میرزا ملکم خان را بر خود حرام میدانست ... وقتی مرحوم آقاسید محمد بشیرانات رفتند در دربند به خانه آقاسید علی دربندی ورود فرموده بود پیشخدمت خبر داد که میرزا ملکم خان حاضر و ربع ساعت وقت برای ملاقات حضرت آقامیخواهد در این هنگام خود میرزا ملکم خان در روی مینایی در مقابل حضرتش دیده شد که حضرت آقا ناگزیر از پذیرائی گردیده مشارالیه با حضرت حجت اسلامی خلوت نموده و در را بروی اغیار بستند ربع ساعت وقت منجر به شش ساعت گردید در این اثنا کراراً میرزا ملکم خان عازم رفتن میشد و حضرت آقا او را مانع می‌گردید. مذاکرات آن دورا کسی ندانست لکن از آن روز حالات حجت الاسلام تهران بکلی تغییر نمود و در راه مقصود میرزا ملکم خان هم خود را داد و هم پسرش را - از این رو گویند مرحوم آقاسید صادق و خلف عالی‌مقامش آقا میرزا سید محمد را نسبتی به فراماسون است چنانکه از حالات و اقدامات حضرت آقای آقامیرسید محمد طباطبائی می‌توان استنباط نمود که این رئیس بزرگ اسلام را چه مسلکی و چه مقصودی در نظر است ...»<sup>۲</sup>

۱ - رساله مجامع مخفی در انقلاب مشروطیت به قلم حبیب لیبزنی.

۲ - تاریخ بیداری ایرانیان چاپ اول ص ۱۹۸

ترجمه نامه دبیر کل گرانداوریان به نویسنده کتاب

۲۸ اپریل ۱۹۶۱ پاریس

آقای اسماعیل رائین - تهران

آقای عزیز

باسخ نامه ۲۵ اپریل ۱۹۶۱ شما در سوابق خود تحقیقاتی کردیم ولی متأسفیم که آثار خیلی معدودی پیدا نمودیم :

۱- در مورد عسکر خان ما اشاره‌ای در باره عضویت او در قراماسوئی بیافیم ، بخصوص در باره بستگی او به اوریانت بزرگ فرانسه .

۲- ما نتوانستیم ردیابی کنیم که گرانداوریان فرانسه در بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ در ایران تشکیلاتی داشته باشد و چیزی درین زمینه در سوابق و پرونده‌های ما نیست . تنها اشاره‌ای که داریم در *Annuaire Maconni Que Universelle* (سالنامه سال ۱۸۸۹ ماسونی جهانی است) که چنین نوشته شده :

ایران - لژ بزرگ در سال ۱۸۷۹ تأسیس گردید . مدت کوتاهی به حیات خود ادامه داد و در سال ۱۸۸۹ دیگر فعالیتی نداشت .

۳- لژ بیداری ایران که مرکز آن در تهران بوده است ، در ششم نوامبر ۱۹۰۷ تأسیس شده و ما برای اولین بار آنرا در راهنمای سال ۱۹۱۳ گرانداوریان ، پیدا کردیم .

مرکز این محفل در خیابان پست‌خانه کوچه جلال الدوله شماره ۸ بود . برادران در روزهای دوشنبه بایکدیگر ملاقات میکردند . برای شما به ضمیمه این نامه فتوکپی نشان و علامت لژ ارسال می‌گردد .

اگر ما نتوانستیم اطلاعات دیگری بدست آوریم ، اطمینان داشته باشید که برای شما خواهیم فرستاد . متأسفیم که نتوانستیم تفصیل بیشتری درین موضوع بشما بدهم .

با احترام

ارادت‌مند - دبیر کل ام - پانه تی پر

دکتر محمد حسین میمندهی لژ را به نگارنده می گفت : «در یکی از ملاقاتها ، سید محمد صادق طباطبائی به نویسنده گفت که در جریان انقلاب مشروطیت پدرم و من وارد لژ فراماسنی فرانسه شدیم . پس از خاتمه انقلاب ناگهان احساس کردیم که دست انگلیس از آستین لژ فراماسنی فرانسه بدرآمده و قصد استعمار کشور ما را دارد . بلافاصله پدرم و من از لژ خارج شدیم»

با قتل ناصرالدینشاه و پیروزی بزرگی که از این راه نصیب نفوذ ماسنها در فراماسنها شده بود ، فعالیت علنی و مخفی آنها شدت یافت .  
 دربار در آغاز فکر ایجاد مشروطیت که ابتدا خواست مردم آزادیخواه انقلاب مشروطیت بود ناگهان از درون لژهای فراماسونی به محافل سری و انجمنهای علنی و حتی مردم کوچه و بازار کشیده شد .

رؤسای انجمنهای مشروطه طلبان که بعضی از آنها ماسون شده بودند ، در تأسیس انجمنهای مخفی که در انقلاب مشروطیت مؤثر بود ، شرکت داشتند . بنا بنوشته های لبین و ... یکی از مجامع دسته مخفی فراماسنها بودند که لژ آنها اصطلاحاً فراموشخانه نامیده میشد عده ای از اشخاصی که بعداً رهبری انقلاب مشروطیت را عهده دار شدند جزو دسته فراماسنها بودند ...»<sup>۱</sup>

گرچه فراماسنها تاکنون در باره شرکت محافل و لژها در انقلاب مشروطیت نوشته های منتشر نکرده اند معذالک بایستی نوشته های محمود عرفان را در مجله یغمار باره ( انقلاب مشروطیت و فراماسونری ) اطلاعیه کوچکی از طرف آنها دانست . زیرا بطوریکه گذشت ، عرفان قاضی عالی مقام دادگستری در نطقی که در نیمه سال ۱۳۴۸ در حزب عامیون ایراد کرد ، و برای نخستین بار در یک مجمع علنی لباس ماسونی پوشید<sup>۲</sup> درباره مشروطیت می نویسد :

«... علت اینکه بنویشتن این موضوع اقدام کردم اینست که تاریخ فراماسنها در

۱- رساله انجمن های مخفی در انقلاب مشروطیت .

۲- خلق عرفان ، بعد از چند هفته در مجله یغما به صورت مقالاتی منتشر شد .

ایران با تاریخ مشروطیت ما بی ارتباط نیست و مشروطیت ایران یکی از وقایع بزرگ تاریخ ماست و هر چه که مربوط به این واقعه باشد شایسته توجه و دلبستگی است و تحقیق در آن ضروری ...<sup>۱</sup>

حکومت آرام و ملاحظه کار مظفرالدینشاه بهترین موقعیت را برای توسعه محافل ماسنی و رشد فکر آزادی در بین طبقات مختلف بدست می داد .

درباریان مستبد که هر يك دارای افکار مخصوصی بودند ، حکومت این پادشاه مریض را به هرج و مرج کشانیدند . هیچکس نمی توانست حقیقت اوضاع مملکت را بهیچ بگوید و هر يك از رجال دولتی و درباری بستگی به یکی از سیاستهای خارجی داشتند . بهترین توصیفی که از دربار مظفرالدینشاه در چنین حالی شده در کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس اثر مرحوم محمود محمود است وی می نویسد :

«... در سلطنت چنین پادشاهی هیچ نوع اصلاح در امور مملکت نبود . برای

مردمان شریف عرصه تنگ می شود ، میدان بدست اراذل و اوباش می افتد و کارهای مملکتی از محور خود دور می افتد و میدان برای فتنه جویان باز می شود . در چنین مواقعی است که احزاب و مجامع ستری مانند علف هرزه از هر گوشه سر بلند می کنند . کار مملکت بدست اراذل و اوباش می افتد ، همان محافل ستری که اسباب انقلاب فرانسه و فتنه و آشوب سایر ممالک را برای سود خویش فراهم آوردند . همان محافل و مجامع اسباب هرج و مرج و فتنه و فساد در ایران را فراهم آوردند . این آشوب را نهضت ملی خوانند ، انقلاب مصنوعی بوجود آوردند که روح ملت ایران خبر نداشت ، نام این آشوب را باید ( آشوب فتنه انگیزان ) نامید که محافل ستری ایران بسودن نشینان سواحل رود تیمس بر پا کردند که روسها را ترسانیده از نفوذ انگلیسیها در ایران بر حذر کنند .

گلهوار به سفارت انگلیس ، مهاجرت ساختگی به قم که جرج چرچیل هم در لباس زهد و تقوی بنام ( آخوند طالقانی ) در این سفر همراه او بود ، ...<sup>۲</sup>

۱- مجله یقین شماره ۶۰ سال ۲ دیماه ۱۳۲۸ .

۲- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد هفتم ص ۸۳۷ .

در چنین وضع و حالی بنا باعتراف عرفان « نه تنها فراماسنها مستقیماً در مشروطیت دخالت داشتند بلکه انجمنهای فرعی و وابسته آنها که شکل ظاهریشان شباهتی با سازمانهای ماسنی داشتند نیز علناً در مشروطیت دخالت داشتند که از همه مهمتر «انجمن اخوت» را می توان نام برد...»<sup>۱</sup>

انجمن اخوت که تا امروز نیز دایر و همه هفته روزهای پنجشنبه در خانقاه واقع در روبروی در بزرگ بانك ملی در خیابان فردوسی تشکیل جلسه می دهند مرکز تجمع فراماسنها و جلسات سری آنها بود . انجمن اخوت که از روز تأسیس تا امروز حسب الظاهر همیشه سعی داشت و دارد که از دخالت در امور سیاسی پرهیز کند حتی در مجله «مجموعه اخلاق»<sup>۲</sup> که به تقلید از سازمانهای فراماسونری<sup>۳</sup> منتشر میشد و ارگان

۱- مجله یمن شماره ۱۱ سال ۲ .

۲- در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در باره مجله اخلاق چنین نوشته شده :  
مجموعه اخلاق در تهران بهمدیری و نگارندگی ( میرزا علی اکبر خان ) تأسیس و جزوه اول آن در هشت صفحه بطبع کوچک خشتی در «طبعه سری» ( مطبعه خودشید تهران خیابان ناسریه ) طبع و در سال ۱۳۲۲ قمری منتشر شده است . از جزوه اول مجموعه اخلاق تا جزوه هفدهم فقط سال (۱۳۲۳) در زیر اسم مجله چاپ شده و تا این جزوه مجموعه در هر ماه دو مرتبه یکی در غره و مرتبه دیگر در ۱۵ هرماه طبع و توزیع میشده ولی از جزوه ۱۷ که ضمناً روی پشت جلد تاریخ ( غره ذیقعد ۱۳۲۳ ) ثبت شده مجموعه اخلاق در هرماه سه نمره ( نمره دهم - بیستم ) طبع و توزیع شده است . در هر جزوه پشت جلد مجموعه اخلاق بدین قسم معرفی گردیده است : « این جزوه که بهمال کتابی خواهد شد بنام مجموعه اخلاق چنانکه اسمش حکایت می کند رسمش بر تهذیب اخلاق و ادب است از پلئوک و سیاسی و مذهبی سخن نمی گوید و کس راجع به اخلاق و علم و ادب فصلی بنگارند پذیرفته و درج خواهد شد . »

از جزوه چهارم تا شماره بعد این رباعی که ماده تاریخ تأسیس مجموعه روی پشت جلد درج شده است :

لوحی به مثل همجو کتاب مسطور از انجمن اخوت آمد بظهور

دیدش چو سروش از پی تاریخش گفت مجموعه اخلاق ایامطلع نور ۱۳۲۳

۳- سازمانهای فراماسنی جهان ، مجلات مخصوص بخود دارند که در سرلوحه آن می نویسند ( مطالب سیاسی در آن نوشته نمی شود )

انجمن اخوت بود رسماً نوشته شده بود که « این مجله از دخالت در امور سیاسی و مذهبی خودداری میکند »

ولی بسیاری از اعضای انجمن اخوت از رجال سیاسی تهران بودند بعلاوه خود ظهیر الدوله شخصیت برجسته آن داماد شاه بود، و مقامات حساس دولتی داشت، دخالت او و یارانش که همه به هم « برادر » خطاب می کردند و می کنند<sup>۱</sup>، در امور سیاسی واضح و آشکار است. هر حرم ظهیر الدوله یکی از بزرگترین عوامل مشروطیت و مشروطه خواه بزرگی بود، پیشتر اعضاء انجمن اخوت نیز در مسلك مشروطه خواهان بودند. دشمنی علنی ظهیر الدوله با مستبدین و محمدعلیشاه بجائی رسید که با وجودیکه خواهر شاه، همسر ظهیر الدوله بود، در گیر و دار انقلاب صغیر حتی اثنائاً خانه اش هم غارت شد و جواهرات زن او را بدربار بردند.

دومین انجمن مهمی که با کمک پنهانی لژ فراماسنی و (مشروطه انجمن مخفی خواهان) تشکیل شد، « انجمن مخفی » در تهران بود. این فراماسنها که در انجمن که نامی نداشت بوسیله ملک المتکلمین و سید جمال آن مشروطه طلبان الدین واعظ که هر دو از اعضاء برجسته لژ فراماسونری ایران عضویت داشتند بودند، رهبری و اداره می شد.

انجمن مزبور در حقیقت نیمه مخفی بود و روز ۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۲ (۸ ژوئیه ۱۹۰۴م) در باغ هیرزا سلیمانخان میکده در خیابان گمرک که در آن زمان محل کم جمعیتی بود و بغیر از در عمومی يك در متروك كوچك در اراضی معروف امین الملك داشت، تشکیل شد.

در آن روز به مدعوین گوشزد شده بود که با کمال احتیاط یکی یکی از در باغ وارد شوند و نیز به آنها دستور داده شده بود که هرگاه محل مجمع از طرف مأمورین دولتی کشف شود و اشخاص مورد بازپرسی قرار گیرند، همگی بدون اختلاف بگویند که حضور آنها در آن جلسه برای بسط معارف و تکمیل کتابخانه ملی بوده است. ملکزاده می نویسد:

۱- فراماسنهای جهان همدیگر را (برادر) خطاب می کنند.

« برای احتیاط صورت ظاهر کلر ، طوری فراهم شده بود و دفتری وجود داشت که در سر لوحه آن (جمله برای توسعه معارف) نوشته شد و در ذیل آن اسامی اشخاص ذکر گردیده بود و این دفتر روی میزی در نزدیکی مدخل باغ قرار داشت . »

میرزا سلیمانخان میگوید در این باره می نویسد : « ... در روزمعهود همان ساعتی که معین شده بود مدعوین یکی بعد از دیگری از در کوچک وارد باغ شدند و ذکر نام و شای خود را در دفتر مخصوص امضاء نمودند . »

مدعوین به استثنای حاجی میرزا یحیی دولت آبادی که مریض بود و مرشد آقا که غایب بود بواسطه عشق و علاقه ای که به مقصود بلکه به مطلوب و محبوب خود داشتند بدون بیم و اندیشه سر ساعت مقرر حضور یافتند و مرشد آقا هم در آخر جلسه وارد شدند علت تأخیر خود را چنین بیان نمود :

« چون از خانه بیرون آمدم و گاهی چند در کوچه برداشتم حس کردم که مردفاشناسی مرا تعقیب می کند برای گمراه کردن او از کوچه های مختلف گذشتم ولی او همچنان مرا تعقیب می کرد ناچار به خانه یکی از دوستان رفتم و ساعتی در آنجا توقف کردم تا آنکه مطمئن شدم آن جاسوس راه خود را پیش گرفته و رفته است سپس با عجله خود را برای کسب فیض ملاقات دوستان بجمع رساندم . » ملک زاده مینویسد : « پس از اینکه همه حاضر شدند ، در اطراف يك میز بزرگ که در وسط باغ قرار داشت و در روی آن قرآن مجید بود مجتمع گردیدند . سید جمال الدین از زیر عبای خود يك پرچم ایران که در روی آن با خط درشت نوشته بود قانون - عدالت بیرون آورد و در کنار قرآن مجید نهاد . »

سپس هر يك از حاضرین با يك دست کلام الله مجید و با دست دیگر پرچم ایران را بلند کرده و در مقابل خداوند که قرآن کریم نماینده آن بود و وطن که پرچم ایران مظهر آن شناخته میشد قسم یاد کردند که در کتمان اسرار جمعیت استوار باشند .

این مراسم که تا اندازه ای شبیه (قسم ورودیه) هر قراماسنی به لژ قراماسنها بود در

۱- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد دوم .

۲- شرح این واقعه را دکتر ملکزاده به تفصیل بیان کرده است رجوع شود به جلد ۲ تاریخ مشروطیت ایران .

واقع نکرار شد و همانطوریکه در اثرهای ماسنی هر يك از صاحبان ادیان به کتاب آسمانی خود سوگند می خورند در جمعیت مزبور نیز مدعوین به قرآن مجید سوگند یاد کردند.<sup>۱</sup> پس از خاتمه تشریفات سوگند، ملك المتكلمين شروع به صحبت نمود گفت:

«... برادران وقت تنگ است دشمن در کمین، ما جان خود را در کف نهاده و تقدیرات آینده ایران عزیز را عهده دار شده ایم باید زودتر شروع بکار کرد و از فرصت استفاده نمود و آرزوهای دیرینه که در دل های همه ما نهفته است و گاه گاهی با اشک چشم و آه های سوزناك تظاهر می کرده و با فداکاری و خون موجودیت بدهیم و پرچم آزادی را به اهتزاز در آوریم.

اینك با اجازه آن برادران به تعلیم خط مشی و راهی که باید پیش گرفت می پردازیم...»<sup>۲</sup>

پس از تطق ملك المتكلمين، مرحوم سيد جمال واعظ، ميرزا عبد الخالق سدهی گیوه دوز، ميرزا محسن، حاج شيخ مهدی و حاجی میرزا علیمحمد دولت آبادی صحبت کردند. در اینجا يك نكته جالب است و آن بکار بردن کلمه (برادران) در نطق های ملك المتكلمين و سيد جمال الدين است.

همانطوریکه فراماسنها همیشه خود را (برادر) خطاب می کنند در اینجا نیز این افراد یکدیگر را (برادر) خوانده بودند. نه تنها در نطق ها بلکه در مرامنامه ای که قبلاً نوشته و با کتویس شده بود و در همان جلسه بدون مخالفت به تصویب رسید کلمه (برادران) در چندین ماده ذکر شده است.

در مرامنامه ۱۸ ماده ای که در جلسه مزبور به صورت قطعنامه تصویب شد پس از ذکر مقدمه مفصل مواد هجده گانه چنین تنظیم شده بود:

اول - اشخاص متنفذ و پاك نیت را در جرگه آزادخواهان وارد کنیم.  
دوم - در این اختلاف و در دستگی میان پیروان عین الدوله و طرفداران میرزا علی اسفرخان اتابك حداکثر استفاده را برای پیشرفت منظوری که داریم بنمائیم.

۱ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد دوم.

۲ - ایضاً همین کتاب.

سوم - آتش اختلافی که میان دو دسته مذکور شعله ور شده دامن بزریم و مخالفین همین الدوله را گمک نموده تشویق به پایداری بنمائیم .

چهارم - اشخاص جاه طلب را به مخالفت با دولت و دستگاه فعلی تشویق نماییم .  
پنجم - با حوزه علمیه نجف ارتباط پیدا کرده و مقاصد دستگاه کنونی و مخاطراتی که برای مملکت در پیش است به آنها خاطر نشان کنیم .

ششم - در میان شاهزادگان و رجال دولت کسانی که ناراضی هستند جمع کرده و با خود همفکر نماییم .

هفتم - در میان روحانیون متنفذ تهران با آنها تکیه جسارت و شجاعت دارند بدون اینکه از منظور ما آگاه شوند همفکری کنیم .

هشتم - اگر چه مردان روشنفکری که در میان دولتیان هستند ترسو و محافظه کار می باشند ولی چون اطلاعاتی از سیاست جهان دارند باید با آنها بطور متغیانه مشورت کرد و نظامنامه اصلاحی که پس از موفقیت باید اجرا نمود اول تهیه و آماده کرد .

نهم - کلیه افراد این جمعیت موظفند با تمام وسایل ممکنه در روشن کردن افکار مردم و بسط معارف کوشش کنند و مخاطرات و معایب حکومت استبدادی را و منافع بسط قانون را بمردم بنمایند .

دهم - نویسندگان این جمعیت موظفند مقالات چند از اوضاع ایران و مفاسد دستگاه حاکمه نگاشته بچراغ مهم دنیا مخصوصاً روزنامه هائی که در مالک آزاد منتشر میشود بفرستند .

یازدهم - رفقا مکلفند دستگاه ژلاتین تهیه نموده شب نامه های مهیج در میان مردم منتشر کنند و آسایشی که ملای متمنعن جهان در بر توفان دارند گوشزد نمایند و از ترقیات کشور هائی که دارای حکومت ملی هستند سخن گویند .

دوازدهم - کسانی که یازبان خارجه آشنا هستند موظفند که تاریخ انقلابات امم مرفقی را ترجمه نموده و منتشر نمایند .

سیزدهم - خطباء و وعظاء باید پیش از پیش در پیدار کردن مردم و نشان دادن راه

صلاح کوشش نمایند .

چهاردهم - برای اینکه از اول کار دچار حمله مخالفین و مستبدین و ملامت‌های ریاکار بشویم رفقا باید تمام مطالبی را که بوسائل مختلفه منتشر می‌کنند با احکام اسلام مطابق کنند و چیزی که حربه تکفیر بدست بدخواهان بدهند ننویسند.

پانزدهم - برادران باید بوسائل ممکنه اطلاعات از دربار سلطنتی و حوزه‌مصدات و مقامات مهم دولتی بدست آورده و در اختیار مجمع دوستان بگذارند.

شانزدهم - به برادران تذکر داده می‌شود که در کشورهای آسیائی و شرقی بیش از هر چیز از جاه طلبی اشخاص می‌توان استفاده نمود و چون در میان روحانیون و رجال دولت و شاهزادگان مردان جاه طلب و خودخواه بسیارند ما باید با تشویق و تحریک آنها حداکثر استفاده را برای بوجود آوردن انقلاب و رسیدن بنقصودی که داریم بنمائیم.

هفدهم - گرچه در سرلوحه مرام آزادیخواهان جهان آزادی عقیده است ولی بواسطه مشکلاتی که در پیش است اکیداً به برادران توصیه می‌کنیم که از این بی‌عذر حضور در مجالس دینی و مذهبی غیر از مجلس اسلامی خودداری نمایند و وسیله بدست بد - خواهان ندهند .

هیجدهم - ما باید با آزادیخواهان مملکت و کسانی که در خارج هستند رابطه پیدا کرده و آنانرا به همفکری با خود و قیام دادن بر ضد ظالمین تشویق نمائیم .

این هیجده ماده بدون اینکه کوچکترین مخالفتی درباره مواد آن بشود به تصویب رسید و بنا به پیشنهاد کارگردانان مجمع قرار شد نه نفر برای سرپرستی و اداره جمعیت انتخاب شوند تا هر هفته جلسه خصوصی تشکیل دهند و در صورت لزوم بار دیگر جلسه عمومی را با حضور افرادیکه در همین جلسه حضور داشتند برگزار نمایند .

در نتیجه نه نفر زیر انتخاب شدند :

ملك المتكلمين - سيد جمال واعظ - سيد محمد رضا مساوات - سيد اسدالله

خرفائی - شيخ الرئيس ابوالحسن میرزا - آقا میرزا محسن برادر صدرالعلماء - میرزا سلیمانخان میکنه - حاجی میرزا یحیی دولت آبادی - میرزا محمدعلیخان نصره السلطان.

کمیته انتخابی هفته‌ای یکبار در منزل حاج شیخ مهدی شریف کاشانی که هشتاد سال داشت تشکیل میشد. اعضاء مؤسس و کسانی که در اولین جلسه حضور داشتند بر طبق نوشته دکتر ملکزاده به شرح زیر بودند :

- ۱- ملک المتکلمین
- ۲- سید جمال الدین واعظ
- ۳- ابوالحسن میرزا شیخ رئیس
- ۴- حاجی میرزا یحیی دولت آبادی
- ۵- حاجی سید نصرالله تقوی
- ۶- میرزا سلیمانخان میکنه
- ۷- سید محمد رضا مساوات
- ۸- میرزا محمد حسین ذکاءالملک
- ۹- میرزا محسن برادر صدر العلماء
- ۱۰- میرزا ابراهیم خان منشی سفارت فرانسه
- ۱۱- حاج میرزا مهدی دولت آبادی
- ۱۲- حاجی میرزا علیمحمد دولت آبادی
- ۱۳- سید اسدالله خرقانی
- ۱۴- یمین السلطنه اخوی آقای منقح
- ۱۵- میرزا محمد علیخان نصره السلطان
- ۱۶- میرزا حیدرعلی زردوز
- ۱۷- یحیی میرزا
- ۱۸- جلال الممالک ایرج
- ۱۹- میرزا علی اکبر- حکیمی ساعت ساز
- ۲۰- حاج شیخ مهدی کاشی
- ۲۱- منجد الاسلام کرمانی

- ۲۲- مجلسی اصفهانی  
 ۲۳- جناب اصفهانی  
 ۲۴- سید عبدالوهاب اصفهانی  
 ۲۵- حاج علی نقی خان سردار اسعد بختیاری  
 ۲۶- بحر العلوم کرمانی (برادر روحی کرمانی)  
 ۲۷- سید عبدالوهاب معین العلماء  
 ۲۸- اردشیر جی زردشتی  
 ۲۹- ارباب گیوزردشتی  
 ۳۰- سلطان العلماء زواره‌ای  
 ۳۱- میرزا جهانگیر خان  
 ۳۲- حاجی سیاح  
 ۳۳- امین الاطباء رشتی  
 ۳۴- میرزا محمد حسین اعتضادالحکماء  
 ۳۵- حاجی نایب الصدر شیرازی  
 ۳۶- قاضی قزوینی  
 ۳۷- آقا محمد حسین تاجر (معروف بخياط)  
 ۳۸- مرشد آقا  
 ۳۹- میرزا نورالمخان مذوی  
 ۴۰- حاجی شیخ محمد رفیع  
 ۴۱- میرزا حسنخان مذوی  
 ۴۲- نصرالمخان ناظم العلوم  
 ۴۳- آقا میرزا محمد تقی محرر صدر العلماء  
 ۴۴- لواء الملک  
 ۴۵- میرزا عبدالخالق سندهی

و اعضاء لژ در ایران از کارکنان سفارت انگلیس و با اتباع انگلستان هستند. لیکن باید دانست که سازمانهای فراماسونری ایران همیشه دستورات لازم را مستقیماً از مراکز خود دریافت میدارند و حتی ساعات تشکیل لژ و نحوه مذاکرات و جزئیات کارهای داخلی آنها از مرکز به آنان ابلاغ می گردد. متأسفانه اعمالی که ماسونهای ایرانی در گذشته انجام دادند سبب شده تا این سازمان در نظر ایرانیان شکل خاصی بخود بگیرد و اکثریت مردم با سوءظن به فراماسونها بنگرند. بدبینی و شک و تردید ایرانیان حتی به نویسندگان خارجی نیز که بعضی اوقات دوباره فراماسونری در ایران مطالبی نوشته اند رسوخ کرده تا جاییکه در پیچارد. و. کوتم<sup>۱</sup> نویسنده امریکائی در کتاب «ناسیونالیزم در ایران»<sup>۲</sup> چنین نوشته است:

«... اعتقاد عمومی ایرانیان این است که دستگاه فراماسونری از ابزار ابر یا لیزم انگلستان است و دیگر اینکه تشکیلات فراماسونری در ایران مرکب است از عده زیادی از ایرانیان که حمایت انگلستان را قبول کرده اند و همین امر وسیله پیشرفت و ترقی زندگی سیاسی آنها شده است. وجهه نظر مردم عادی و متعارفی ایران نسبت به تأسیسات فراماسونری شبیه نظر مردم عادی امریکان نسبت به کمونیزم میباشد. از این جهت توجه سیاست بافان ایران نسبت به فراماسونری عیناً شبیه همان طبقه سیاست بافان امریکائی نسبت به جبهه کمونیزم است...»<sup>۳</sup>

درین نویسندگان ایرانی محمود محمودیش از همه نسبت به ماسونها سوء ظن دارد و آنها را عوامل سیاسی (انگلیس) میداند. وی مینویسد: «تأسیس محفل فراماسون در ایران باید از صد سال پیشتر باشد در اوایل قرن نوزدهم مگر از انگلیسها بیش از هر انگلیسی دیگر با ایران سرو سری داشتند. سر هارد جونس - جیمز موریه و جیمز فریزر ... باید گفت بدون تردید اینان یکی از اولین دسته مبلغین محفل فراماسون لندن بودند

1 - Richard w. colton

2 Nationalism in Iran piltisburgh ' 1964, 23 - 5

۳ - س ۲۳۵ ناسیونالیزم در ایران.

- ۴۶- شیخ غلام حسینی  
 ۴۷- میرزا حسن رشیدیه  
 ۴۸- سید عبدالرحیم کاشانی  
 ۴۹- سید عبدالرحیم اصفهانی  
 ۵۰- میرزا محمود اخلاقی  
 ۵۱- میرزا محمود شیرازی  
 ۵۲- حامدالملک شیرازی  
 ۵۳- خان شوکت  
 ۵۴- شیخ عبدالله مفید  
 ۵۵- شیخ علی زرندی لاطق‌الملک  
 ۵۶- معین نظام

با صدور فرمان مشروطیت، جنبش‌هایی از طرف دستجات کمیته انقلاب ملی و کسانی که طالب آزادی بودند، بوجود آمد. در این میان فراماسون‌هایی که در خارج از ایران وارد محافل شده بودند و یا آزادیخواهانی که در لژهای غیر مجاز و بدون اجازه خود را فراماسون می‌دانستند، بیش از همه فعالیت می‌کردند. و طبعاً این گونه جنبش‌های پراکنده، برخورد هائی بین اعضای آنها بوجود آورد و هر دسته خود را وارث آزادی و مشروطیت می‌دانستند. فراماسون‌های عضو لژ بیداری ایران که با اجازه گراند اوربان فعالیت کرده بودند، برای از بین بردن سازماني‌های غیر مجاز نظیر «مجمع آدمیت»، باقیماندگان فراموشخانه و اعضاء لژ خلق‌الساعه فراماسونری ناظم دفتر تبریزی، در صدور تأسیس يك کمیته سري بنام «کمیته انقلاب ملی» برآمدند. این کمیته که به موجب اظهارات حکیم‌الملک برای شناخته شدن هویت ماسونیک آن بنام «کمیته سري» خوانده می‌شد، در دوران استبداد صغیر مبارزات مؤثری کرد، که هنوز قسمت مهمی از اسرار آن فاش نشده است. تنها سندی که در این باره در دست است اظهارات حکیم‌الملک است

که برای اولین بار در سال ۱۳۲۷ شمسی (۱۹۴۸م) شرح مختصری در باره این کمیته و کلوپی که بنام لژ بیداری ایران « کلوپ بیداری ایران » نامیده می‌شد، بیان کرده است.

حکیم‌الملک در شرح حال خود نکات جالب زندگی خویش را که بیشتر دربارهٔ «انقلاب مشروطیت» بوده شرح داده و چنین می‌نویسد:

«... در آن زمان که محمد علی‌شاه قاجار راه نفاق و دورویی با مشروطه‌خواهان پیش گرفته بود و زعمای انقلاب ایران از دسایس او و اطرافیان بدخواهش در امان نبودند همه روزه از اذان صبح تا طلوع آفتاب يك جلسه مهم‌سری از جمعی سران انقلاب ایران در منزل آقای حکیم‌الملک واقع در خیابان بستخانه تشکیل می‌شد کسانی که در این جلسه سری حضور می‌یافتند عبارت بودند از:

تقی‌زاده - مرحوم میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل - مرحوم ملک‌المستکلمین - مرحوم سیدجمال واعظ اصفهانی - مرحوم خلخالی - مرحوم مساوات - و آقای پرویز هدیر کتابخانه تهران هم در این جلسات شرکت می‌کردند.

در این جلسات سری بود که نقشه‌های مبارزه با مستبدین طرح می‌گردید و بالاخره همین جلسات بود که پس از مدتی تبدیل به هسته اصلی حزب دموکرات ایران گردید ...»<sup>۱</sup>

ملکزاده بدین کمیته سری نام (کمیته انقلاب ملی) داده و در باره افراد عضو و مؤسسان آن نیز اسامی بیشتری را ذکر نموده و علت تشکیل (کمیته انقلاب ملی) را چنین ذکر کرده است: «... سران آزادیخواهان واقعی و موجودین حقیقی مشروطیت که اوضاع را روشنتر از دیگران می‌دیدند و حقایق را بهتر از دیگران درک می‌کردند یقین داشتند که این رشته سر دراز دارد و این شاه با تکیه روسها و درباریان و شاهزادگان هیچوقت تمکین از مشروطیت و قانون نخواهند کرد و بهر وسیله که ممکن شود کفک مشروطیت را خواهند کند ... بالاخر از همه

تکیه این شاه مستبد بدولت مقتدر استبدادی روسیه بود و از پترزبورگ دستور می گرفت و بسازر سفیر روس و فرمانده قفقاز می رقصید و دائماً با صاحب منصبان روسی و سفیر روس و شاپشال در تماس بود و هر چه می کرد با مشورت و نظر آنها بود<sup>۱</sup> ... محمد علی شاه مکرر گفته بود اجدادش سلطنت مستبدانه را با شمشیر بدست آورده اند و او با شمشیر آنرا حفظ خواهد کرد .

مهمتر از آنچه گفته شد این است که محمد علی شاه ملت را بنده و برده خود می پنداشت و آنها را لایق برای مداخله در امور کشور و مشورت در سیاست نمی دانست ...

کمیته انقلاب از پانزده نفر رهبران مشروطه تشکیل یافته بود و ما برای اینکه فرزندان آینده ایران فائدين انقلاب و رهبران مقاومت را بشناسند به ذکر اسامی آنها مبادرت می جوئیم - ملك المتكلمين - سيد جمال الدين - ميرزا جهانگیرخان - سيد محمد رضا مساوات - تقی زاده - حکيم الملك - سيد عبدالرحيم خلخالی - سيد جليل اردبیلی - معاضد السلطنه - ميرزا سليمان خان میکنم - ميرزا علی اکبر خان دهنخدا - حاجی ميرزا ابراهيم آقا - ميرزا داودخان - ادیب السلطنه و نصره السلطان .

جلسه کمیته هر نیمه شب در خانه حکيم الملك واقع در خیابان پستخانه تشکیل میشد و قبل از طلوع آفتاب اعضاء آن متفرق میشدند. ميرزا محمد نجات - حسین آقا پرویز - ميرزا محسن نجم آبادی سه نفر از جوانان روشنفکر و آزادیخواه آن زمان را بط کمیته بودند و ابلاغات و نوشتجات و تلگرافات و دستورات کمیته را بخارج می رسانیدند ...<sup>۲</sup>

مرحوم حکيم الملك در شرح حال خود اشاره به تأسیس کلوب پیداری ایران کرده و آنرا مرکز اجتماع آزادیخواهان و احرار صدر مشروطه ایران و در حقیقت ستاد آزادی ایران میدانند و میگویند: از همین کلوب بود که مشعل آزادیخواهی همواره شعله ور بود و تمام ایران را

۱- شاید گناه نابخشودنی محمد علی شاه همین نزدیکی او با روسها بود و همین امر سبب سقوط سلطنتش شد .

۲- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد ۲ ص ۲۱۸

حکیم الملك هر وقت از این کلوب یاد می‌کند می‌گوید «آرزو دارم این نام زنده گردد و آن شور و حرارت و عشق و ایمان صادقانه‌ای را که در آن کلوب می‌دیدم، یکبار دیگر در این کشور بینم...»<sup>۲</sup>

با اشاره صریح و روشنی که حکیمی درباره فعالیت «کلوب بیداری ایران» نمود و با توجه به اسامی مندرج در مقاله اطلاعات ماهانه و نوشته ملکزاده، هر نوع ابهامی که درباره شرکت فعالانه ماسونهای ایران در انقلاب مشروطیت ایران وجود داشته باشد از بین می‌رود و مسلم می‌گردد که لژ بیداری ایران پس از اطمینان به پیروزی انقلاب مردم، چگونه انقلاب را هدایت و رهبری کرده و مقاصد استاد اعظم را اجرا نموده است. همین لژ بود که سران بختیاری را عضو خود ساخت و بوسیله آنها قوای مسلح جمع‌آوری کرد و برای مبارزه با مستبدین گسیل داشت، مسلح کردن مردم و پنهان نگهداشتن اسراری که ماسونها در اواخر انقلاب مشروطیت ایران انجام دادند، خاطره انقلاب فرانسه و فعالیت فراماسونها را در حوادث انقلابی بیاد می‌آورد.

ولتر انقلابی معروف فراماسنی فرانسه در یکی از نامه‌هایش مینویسد: «بایستی بر حسب توطئه چینی‌های قبلی اقدام کرد نه از روی تعصب شخصی... فلاسفه حقیقی نباید مانند فراماسنها يك اتحاد برادرانه مابین خود بوجود آورند... بایستی اسرار (میترا) فاش نگردد... بزیند و دستهای خود را پنهان نمائید... فراماسنها در انقلاب فرانسه، فرماندهان نظامی را وارد تشکیلات خود کرده بآنها «سقف فولادین»<sup>۳</sup> لقب داده بودند و نمونه آن واقعه‌ایست که در روز ۱۴ ژوئیه و فتح باستیل روی داد و در روز ۱۴ ژوئیه يك مرد ناشناس در اول صبح خود را به «بارون دو بشتن وال» معرفی کرده می‌گوید: آقای بارون امروز موانع را آتش خواهند زد از ایشان ممانعتی بعمل

۱- فراماسنها همواره خود را مشعلدار آزادی و منبع نور و روشنائی میدانند.

۲- اطلاعات ماهانه سال ۱۳۲۷

۳- voule d'Acier

یاد و پند زیرا در این صورت عدم یاری قربایی خواهید داد بدون اینکه بتوانید کوچکترین شعله آتش را خاموش سازید.<sup>۱</sup>

پس از ۱۳ روزه مرتباً انقلاب در فرانسه توسعه میافت. حتی لژهایی که در حدود ۱۵۰ و ۲۰۰ فرسنگ از یکدیگر فاصله داشتند و در ترس و وحشت بسر می بردند به سرعت عجیبی همه مسلح می شدند ولی هیچکس نمی فهمید چه کسانی آنها را زیر سلاح در می آورد. در «اورلئان» دهاقین بطوری تهییج شده بودند که همه آنها با داس و شن کش مجهز گشته و از هر طرف می گریختند.<sup>۲</sup>

فولک برتانو نویسنده کتاب راهزنان مینویسد:

«يك غوغای وحشتناکی در سراسر مملکت پریا گردید و بهمه نقاط - آن راه یافت می گفتند دزدان و راهزنان می آیند و همه مساکن را غارت می کنند. حاصل وزراعت ها را آتش میزند - زنان و بچه ها را سر میبرند - در بعضی ولایات مثلاً مغرب که بدریا بر میخورد هجوم از طرف همین راهزنانی که ذکر آن گذشت انجام نمی گرفت بلکه حمله از طرف انگلیسها بود. گفته میشد که انگلیسیها در مملکت جلومیا آیند و غارت می کنند تاراج و تاخت و تاز مینمایند و سرها را می برند ... در انگولم می گفتند ۱۵۰۰۰۰ بشهر راهزن ریخته است در رسن اتین دو فرزند می گفتند ۴۰۰۰ نفر هجوم آوردند ... این صدا همه جا یکسان بود، ترس و وحشت همه را فرا گرفته و مردم به اعلا درجه تحریک و تهییج شدند همه این اعمال را فراماسونها انجام میدادند»<sup>۳</sup>

بنابر این وقتی در تاریخ انقلاب مشروطیت ملکزاده، اولین قدم (کمیته انقلاب) را (ایجاد يك نیروی ملی برای حفظ آزادی و مقابله با استبداد می داند) نباید آن را سرسری گرفت و با این اقدام را نتیجه تهییج عمومی دانست. زیرا تا آنوقت هنوز عامه مردم ایران و حتی طبقات دوم و سوم شاه را «ظلال الله» می دانستند و حاضر نبودند کوچکترین قدمی علیه خاندان قاجار بردارند. ولی ناگهان بدستور (کمیته انقلاب) لژ بیداری

۱- کتاب لوئی بلان ص ۱۹۵

۳۵۲ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ص ۱۸۲۹

ایران هزارها جوان مشروطه خواه و حتی پیرمردان در سلك مجاهدین و سربازان ملی در آمدند و بازحمت زیاد اسلحه تهیه کرده و مسلح شدند . ملكزاده می نویسد :

« ... مجاهدینی که دست از کار کشیده بودند به فرا گرفتن فنون نظامی و جنگی پرداختند . عده‌ای از جوانان از قبیل تیمور تاش و یار محمدخان افشار و چند نفر از صاحب منصبهای مشروطه خواه چون ابوالفتح زاده و منشی زاده که از تیپ قزاق استعفا داده بودند به آموختن و مشق دادن سربازان ملی همت گماشتند . از میان انجمنهای ملی عده‌ای داوطلب داخل قشون ملی شدند و روزها در مقابل مجلس و انجمنها رژه می رفتند و در روزهای خطرناك برای حفظ مجلس و رهبران ملت از هجوم مستبدین كشيك می دادند . عده‌ای از مشروطه خواهان انانیه خانه‌های خود را فروختند و تفنگ و فشنگ خریدند و خود را برای دفاع از آزادی مجهز کردند ... »<sup>۱</sup>

در دوران استبداد صغیر و در روزهایی که محمد علی میرزا مردم

دکتر مرل فرانسوی را به گلوله بسته بود ، ریاست لژ فراماسنی بیداری ایران در تهران با دکتر مرل فراماسون عضو لژ گراند اوریان بود . او در

روزهائی که لژ باز بود و ( قانون اساسی فراماسنی ) را به فراماسنها می آموخت ، خودش علناً مواد ( قانون اساسی ماسنی ) را زیر پا گذاشته و علناً دستور طغیان و سرپیچی علیه حکومت وقت ، به برادرانش می داد و حتی خود در جنگهای خیابانی شرکت می کرد .

او جملات قانون اساسی ماسونی را که می گوید ماسون هیچوقت نباید در دسائس و پیمانهای عسائی که ضد صلح و سعادت ملت بسته می شود دخالت کند ... زیرا جنگها و قتل عامها و بی نظمیها همیشه بضرر تشکیلات فراماسنی تمام شده است ...<sup>۲</sup> فراموش کرده و نه تنها به این جملات توجهی نمی نمود ، بلکه خود نیز موجد « دسائس » و « عسائنها » شد و از جمله اداره کنندة انقلاب و محرکین اصلی بود .

دکتر مرل چون می دانست جنگها و قتل عامهای مشروطیت ایران با نقشه صحیحی پی ریزی شده و نتیجه آن ( بضرر تشکیلات فراماسنی ) نخواهد شد ، روزی که محمد

۱ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد دوم ص ۲۲۲

۲ - قانون اساسی گراند اوریان نسخه فرانسه چاپ سال ۱۸۹۲ ص ۲۰



ادیب الممالک قراقرانی

علی میرزا مجلس را به توپ بست ، به عنوان کمک به قزاقان مجروح وارد معرکه شد و با درشکه در یاری اسلحه به مجاهدین می‌رسانید و از دادن آب و نان به مشروطه طلبان و معالجه آنها کوتاهی نمی‌کرد .

ادیب الممالک در یادداشت‌هایی که در پرونده فراماسنی‌اش موجود است درباره

اقدامات دکتر مرل در روز بمباران مجلس می نویسد : « آن روز برادر دکتر مرل از همه روزها فعالتر، با نشاط تر بود، او بدون پروا به جنگجویان اسلحه، غذا و دوا می رساند. دکتر مرل صفوف قزاقان را شکافته، خود را به برادرانی که محاصره شده بودند رسانیده موجبات فرار آنها را فراهم می کرد،<sup>۱</sup> دکتر مرل علاوه بر طبابت مدیر روزنامه «اکودوپرس» یا «صدای ایران» بود که در تهران بهزیان فرانسه منتشر می شد. شماره اول این روزنامه در ۱۲ مارس ۱۸۸۵ (۱۳۰۲ قمری) در تهران منتشر شده است. قبلاً روزنامه «فرانس» دیگری بنام «لپاتری» (وطن) در ایران انتشار می یافت که مدیر آن «بارون دورهان» بلژیکی بود. از این روزنامه فقط يك شماره در ۹ محرم ۱۲۹۳ (فوریه ۱۸۷۶) منتشر شد که به دستور ناصرالدین شاه توقیف و تعطیل گردید. علت توقیف روزنامه مزبور مقاله ای در باره «آزادی» بوده که مطابق طبع شاه نبود و منجر به صدور دستور توقیف آن گردید.

ناصرالدین شاه در سفر فرنگستان مطابق فرانسه را دید و تصمیم گرفت در ایران نیز مطبعه ای که حروف لاتین داشته باشد دایر کند. بدین منظور هنگامیکه از ترکیه عبور می کرد در اسلامبول مطبعه ای خرید و با يك حروفچین به تهران آورد. در همین مطبعه بود که دوروزنامه «فرانسوی منجمله» روزنامه صدای ایران وابسته به لژ بیداری ایران، طبع می شد. دکتر مرل روز ۵ سپتامبر ۱۹۱۰ م (۱۳۲۷ هـ) در تهران درگذشت و کلیه فراماسنها جنازه او را با آئین فراماسنی تشییع کردند و سپس در لژ بیداری ایران مجلس یادبودی برای او منعقد ساختند که در آن عده ای از فراماسنها در باره او سخنرانی نمودند و ادیب الممالک نیز قطعه زیر را در باره او قرائت نمود :

در شب دوشنبه سلخ شهر شعبان ۱۳۲۸ هجری مطابق پنجم سپتامبر ۱۹۱۰ میلادی که محفل عزای مرحوم ب. دکتر مرل منعقد بود در ل. ا. این قطعه را انشاء و قرائت نمودم<sup>۲</sup>:

۱ - این یادداشتها در اختیار نویسنده است.

۲ - در صفحه ۱۸۸ - ۱۸۹ دیوان ادیب الممالک در پاورقی این قطعه نوشته شده «دکتر مرل از اعضای حزب فراماسیون ایران بوده ادیب الممالک هم از بزرگان این حزب بوده به شهادت دفاتر او - حروف و نقله و موز و اشارات حزبیست»

برادران به جهان اعتماد کی شاید  
 زمین عمارت خاکبست پی نهاده بر آب  
 بقا ز نام طلب نی ز عمر تا تشوی  
 بر این ودیعه که بخشیدت آسمان کبود  
 بیاورد پی آسایش عزیزان کسوش  
 شب تو حامل مرگ است و لاجرم بکروز  
 درون خاک بخسبد چو زر در آخر کار  
 ولی جدائی دکنر مرل از این مجمع  
 بشد برادر ما ای دریغ در دل خاک  
 روان فرخ آن محترم چو سر تا پای<sup>۱</sup>  
 درود باید بر وی تبار کردن از آنک  
 امیدوار چنانم ز کردگار بزرگ  
 برادران را بخشد ز لطف دلداری  
 زهی جلالت معمار اعظم آنکه بفضل  
 ز خاک و سنگ اساسی نهاده در گیتی  
 بنان معتقدش خساره ای کند بطور  
 بخوان به نکته توحید سر (الاله)  
 الف به شکل عمود است و لام الف پرگار  
 بود وظیفه «ماسن» که بر روان مرل  
 که چون خدای پند ددری ز حکمت خویش  
 تو هم چو سروی و عتبا چنانچه خواهی کرد  
 تو خشت خام و خدا اوستاد خانه طراز  
 رواق تبستین و چرخ لاجوردی را  
 اگر تو خادم بزم (روی دو لیرانی)

که می بکاهد شادی و غم بیفزاید  
 اساس<sup>۱</sup> خاک چو بر آب شد کجا پاید  
 نظیر آن که مگر ماهتاب پیماید  
 میند دل که شبی این ودیعه بر باید  
 که در زمانه کسی جاودان نیاساید  
 زنی که حامله شد بچه را همی زاید  
 شبی که افسر زرین بر آسمان ساید  
 غمی بود کسه تن کوه را بفرساید  
 بسوگواری او خون گریستن باید  
 ز نور بود به پنجاه نور بگراید  
 درود ما چو رود نور او فرود آید  
 که زنگ غم ز دل باین گروه بزدايد  
 بخاندان «مرل» اجر و صبر بخشاید  
 نهد بنا و به عدلش همی بیاراید  
 که سنگ و خاک مرا در ابدست بستانید  
 دهان منکر او سنگ خاره می خاید  
 که رمزهای نهان را صریح بنماید  
 دو لام سطح وزها گونیا بدید آید  
 درود خواند و شکر خدای بر آید  
 بروی بنده دو صد در ز فضل بگشاید  
 کسه اره گیرد و شاخ ترا بپیراید  
 مکن درنگ بنه سر کجا که فرماید  
 گهی به مشک میه که بزر بینداید  
 صبور باش به غم تا که غمگسار آید



که در ایران محفل فراماسون را دایر کردند . . . در مدت این پنجاه سال دو همسایه مقتدر ایران نگذاشتند قدمی برای ترقی ایران برداشته شود . هر کس آمد بفکر ترقی ایران افتاد به او فرصت نداده از بین بردند . کسانی بر ایران حکومت کردند که دست نشانده خودشان بودند ، فقط در سالهای اخیر سلطنت ناصرالدین شاه بود که شاه و صدر اعظم متوجه شدند سرکار آنها باچه شیادانی است . هر کس را می شناختند از دربار رانده محافل آنها را بستند به فتنه جویان دیگر راه ندادند ولی عمر این مدت بسیار کوتاه بود ، در همین ایام کوتاه بود که ناصرالدین شاه باتیر میرزا رضا کرمانی به تحریک سپید جمال الدین فراماسون کشته شد . . . و این همان دورانی است که لژهای ماسونی گرانند اوریان و فراماسونهای وابسته به لژهای انگلیسی در دربار و دستگاه حاکمه مملکتی مشغول فعالیت بودند که شرح فعالیت آنها به اختصار گفته شد .

تنها نشانه ای که از فعالیت لژ فراماسونی در این ایام  
 گزارش سفیر انگلیس بدست آمده در قسمتی از گزارش مفصل سرارتور هاردینگک  
 و فراماسونها وزیر مختار انگلیس در ایران است که در آن صریحاً  
 اشاره به لژ فراماسونری ایران و اعضاء آن شده است .  
 وزیر مختار انگلیس مبارزه طایفه روشنفکر و بورژوازی پایتخت را علیه قرصه خارجی  
 با الهام از یک مجمع سری و سازمان فراماسونری میداند و مینویسد :

«پیر و گزارش شماره ۱۲۴ مورخ ۱۸ اوت به استحضار می رساند که در چند روز اخیر عده ای به جرم انتشار اوراق ضد دولتی بازداشت گردیده اند . اولین کسی که دستگیر گردید مستخدم موقر السلطنه (یکی از دامادهای اعلیحضرت شاه) بود . وی در حالیکه یکی از این اوراق همراه داشت و بقولی دیگر حامل نامه ای بود که شرکت او را در تحریکات محرر میداشت در یک قهوه خانه واقع در درازشیب قریه ای در چند کیلومتری قلهک دستگیر شد .

این شخص پس از توفیق مورد شکنجه قرار گرفت و محل چاپ اوراق معلوم شد

پس از پیروزی مشروطه طلبان و شکست مستبدین ،  
سازمان لژ فراماسنی  
فراامتنهای ایران یکه تاز میدان سیاست و اجتماع  
در مجلس شورای ملی ایران شدند .

یکی از قدمهای برجسته لژ فراماسنی اداره مجلس شورای  
ملی و سازمان دادن به امور داخلی آن بود . بطوریکه سید حسن تقی زاده در يك  
جلسه خصوصی با حضور احمد فرامرزی به نگارنده گفت :

« کلیه سازمانهای جلسه علنی و حتی ادارات مجلس شورای ملی تقلیدی از  
نظامنامه لژ بیداری ایران و تشکیلات داخلی لژ مزبور بود ، هنگام تشکیل جلسه  
علنی همانطوریکه در محافل ماسنی رئیس و دو نایب رئیس جلسه را اداره می کنند در  
مجلس شورای ملی نیز همین سازمان داده شد .

چهار منشی جلسه علنی مجلس شورای ملی که اطراف رئیس نشسته اند و وظائف  
حضور و غیاب ، قرائت لوایح و صورت مذاکرات و مصوبات ، شمارش آراء ، قرائت  
پیشهادات همه عیناً کارهای استاد اعظم ، دو معاون ، منشی و خزانه دار ، مهماندار و  
ممتحن را انجام می دهند .

در داخل مجلس شورای ملی شش محل برای نشستن افرادی غیر از نمایندگان  
وجود دارد که کلمه « لژ » در باره آنها استعمال شده ، و از دوره دوم تا کنون بدین نام  
نامیده می شوند ،

لژها عبارتند از : لژ جراید - لژ پرخیده ( مخصوص دیپلماتها ) - لژ رؤسا و  
سلطنتی - لژ بانوان - لژ ویژه .

ذیر نویسی صفحه ۱۸۸

۱ - در نسخه خطی به خط شاعر حکمه « اساس » نوشته شده ولی در دیوان چاپی « بنای »  
خالک چاپ شده

۲ - در نسخه خطی « بنای » نوشته شده .

طرفین محل اجتماع نمایندگان مجلس شورای ملی دو لژ عمومی برای تماشاچیان هادیست که نظیر این دو لژ در داخل سازمان ماسنی برای « ویزیتورهای فراماسون » وجود دارد . مقام « خطیب » در لژ ماسنی با جای سخنران در تالار علنی مجلس شورای ملی کمی فرق دارد ولی بهر حال این محل نیز در سازمان مجلس فراغوش نشده است . همانطوریکه در محافل فراماسنی نگهبانان داخلی و خارجی ورود و خروج اعضا را به « لژ » ها کنترل می کنند . در مجلس شورای ملی نیز دو نوع نگهبان وجود دارد . نگهبانان خارجی تالارها ، درهای ورودی لژها ، درهای کاخ مجلس شورای ملی همه سربازان گارد مخصوص هستند که تحت نظر مستقیم رئیس مجلس شورای ملی قرار دارند . ولی در جلوه داخل تالارها ، اطاقهای کمیسیونها و سایر اماکن هیئت رئیسه نگهبانان داخلی مجلس شورای ملی قرار می گیرند که همه با البسه مخصوصی مجلس هستند . ( همچنانکه نگهبانان لژهای ماسنی لباس مخصوص دارند ) سه کارپرداز انتخاباتی مجلس شورای ملی نیز کارهای خزانه دار ، رئیس تشریفات و دفتردار لژهای ماسنی را اداره می کنند .

همانطوریکه در معابد و محافل ماسونی شخص مخصوصی حافظ و نگهبان تالار محفل است ، در مجلس شورای ملی نیز « رئیس بازرسی » مجلس عیناً همان کارها را اداره می کند . اداره بازرسی مجلس در کار گارد انتظامی ، کنترل ورود و خروج افراد به محوطه داخلی مجلس ، بازرسی بدنی واردین که اسلحه سرد یا گرم همراه نداشته باشند و حفاظت درهای ورودی به عهده اداره بازرسی و زیر نظر رئیس بازرسی است . در محافل فراماسنی طبق یک سنت قدیمی ورود هر نوع لوازم فلزی حتی دسته کلید و فلزات دیگر ( بجز نشانها و سلاحهای نگهبانان داخلی و خارجی ) ممنوع است . در داخل معابد ماسونی محلی است که در لژ پنداری ایران به نام ( انبار لباس و غیره ) و محلی نیز به نام « رخت کن » وجود داشته است . در این دو محل فراماسنها موظف بودند کلیه سلاحها و لوازم فلزی خود را بگذارند و پس از پوشیدن لباس و

حمایل مخصوص از کرباس عبور کرده وارد سرسرا بشوند، و پس از اینکه کنترل شدند به داخل تالار بروند. در مجلس شورای ملی نیز دو سرسرا وجود دارد که نمایندگان فقط پس از عبور از آنها می‌توانند وارد تالار جلسه علنی بشوند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که فراماسنها حتی سازمان داخلی مجلس شورای ملی را نیز شبیه تشکیلات داخلی خود کرده‌اند، که در جلد پنجم این کتاب تفصیل بیشتری در این باره داده شده‌است.

نوشتن قانون اساسی ایران هم یکی دیگر از اعمالی است تأثیر فراماسونی که تحت تأثیر لژ فراماسونی انجام گرفت. در این مورد لژ ایران در نوشتن متمم به اعمال و اعضاء خود دستور داد تا در تغییر و تبدیل مواد قانون قانون اساسی ایران اساسی دخالت کرده، آنچه را که «استاد اعظم» می‌خواهد انجام دهند. چنانکه می‌دانیم پس از صدور دستخط مشروطیت قانون اساسی اول مشروطیت ایران در ۵۱ ماده تنظیم گردید و سپس اصول آن در مجلس اول ضمن متمم قانون اساسی بطور مفصل تدوین شد.

ولی در همان مرحله اول راجع به تشکیل مجلس سنا بین نمایندگان اختلاف شدید بروز کرد و این امر باعث تأخیر در توشیح قانون اساسی گشت. وزیر مختار وقت انگلیس در ایران که «سیسیل اسپرینگ ریس» نام داشت جریان آخرین روز توشیح قانون را به نقل از اظهارات یکی از اعمال مخفی سفارت که در کنار تخت خواب مظفرالدین شاه بوده طی گزارشی که روز ۴ ژانویه ۱۹۰۷ به سر «ادوارد گری» وزیر امور خارجه وقت خود داده، چنین نوشته است:

«در امر اختلاف مجلس سنا یکی از نمایندگان در جلسه مذاکرات گفته است هر اختلاف و مشاجره‌ای به نفع دشمنان آزادی تمام می‌شود و از این رو بهتر است آن اختلاف را کنار بگذاریم.

مظفرالدین شاه که در این وقت بیمار و غلیل بود گفته است که: که اراده‌اش مثل خود او مریض است.

ضمناً عریضه‌ای به مظفرالدین‌شاه نوشته شد که اگر قانون اساسی توشیح نگردد در سراسر کشور اغتشاش بر پا خواهد شد و لعنت خدا بر کسی خواهد بود که خون مردم را به هدر دهد. این نامه رایکی از درباریان پاره کرد ولی به اسرار شاه مطلب آن را به اطلاع وی رسانده است. مظفرالدین‌شاه گفته است: «فردا قانون را امضاء خواهد کرد» ولی چون حال او بسیار وخیم بود و احتمال میرفته است که روز بعد زنده نباشد، یکی از حاضرین دربار موقع را مقتنم شمرد و همان وقت به شاه توصیه کرده است که قانون اساسی را خود امضاء نماید و به فردا موکول نکند. مظفرالدین‌شاه این پیشنهاد را پذیرفته و محمد علی میرزا و لعل‌محمد و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدر اعظم را احضار کرد و در حضور آنها این قانون را توشیح نموده است.

اطلاع رسید که مظفرالدین‌شاه به محض گذاشتن امضای خود پای متمم قانون اساسی گفته است که «حالا به آسودگی می‌میرم»<sup>۱</sup>

سیسیل اسپرینگ رابینسون وزیر مختار انگلیس در تهران به سر ادوارد گری در روز ۲۴ ژانویه ۱۹۰۷ چنین مینویسد:

دشاید گزارش زیر راجع به وضع و شرایطی که تحت آن مشروطیت آن اعطاء شد و نگارنده جریان آن را از یکی از بازیگران اصلی این واقعه شنیده است قابل توجه باشد:

پس از خاتمه شورا که در آن ما اعضاء انجمن به توافق رسیده بودیم تصور می‌کردیم کلیه مشکلات خاتمه یافته است اما هنگامیکه نمایندگان به اتفاق ما به مجلس برگشتند و تصمیم متخذه را (راجع به قانون سنا) اعلام کردند نخست سکوت حکمفرما شد و بعد يك نفر از میان نماشاچیان فریاد زد که به مجلس خیانت شده است. تردید و ابهام عظیمی بر محیط سایه انداخت و ناراحتی به جمعیتی که در خارج اجتماع کرده بودند سرایت نمود و بزودی مسلم شد که مردم پیشنهاد ما را نخواهند پذیرفت.

۱ - اطرافیان آن روز مظفرالدین‌شاه در تواریخ معرفی شده‌اند. چون گزارش دهند و جاسوس، سفیر انگلیس و احتمالاً یکی از فراماسنها بود. از معرفی وی خودداری شده است. ولی نظری کوتاه به نام اطرافیان شاه در آن روز جاسوس مذکور شناخته می‌شود.

بین ما و اعضای انجمن بحث و مشاجره شدیدتر گرفت و ما فکر کردیم این شکاف وسیعتر از آنست که بتوان مسدودش کرد .

اما اشخاصی از میان روحانیون آمدند و گفتند که اگر ما بمشاجره و اختلاف ادامه بدهیم فقط دشمنان آزادی استفاده خواهند کرد بنا براین ما موافقت کردیم که پیشنهادهای خود را تغییر بدهیم و ولیعهد نیز در پذیرفتن آنچه که ما لازم می دانستیم اشکالی بوجود نیاورد . مردم هم آنچه را که بین ما توافق شده بود پذیرفتند و بمشاجره و اختلاف خاتمه داده شد .

بنابرین همه چیز برای امضای شاه آماده بود . ولیعهد کاغذ را نزد شاه فرستاد . اعلیحضرت روی صندلی مخصوص خود نشسته و خیلی خسته بود و با وجود این می توانست صحبت و استدلال کند . اما موقعیکه پیغامبر با کاغذ وارد شد و اعلیحضرت دریافت که آن فرمائی است که بایستی گفت ( باز کر یک ضرب المثل فارسی ) مرد بیمار خواست و اراده اش هم بیمار است ، و از توشیح خودداری نمود . بعداً معلوم شد که این واقعه روز یکشنبه اتفاق افتاده بود . آنگاه برخی از روحانیون طراز اول نامه ای نوشتند و در آن ذکر کردند که اگر شاه فرمان را امضاء نکند در سراسر ایران آشوب برپا خواهد شد و این گناه شاه خواهد بود . و نفرین و غضب خداوند گریبان او را خواهد گرفت و تا داخل گور همراه او خواهد بود مخصوصاً اگر خون مردم که خداوند آنها را تحت مراقبت او قرار داده است بخاطر خطای او ریخته شود . این نامه به کاخ سلطنتی رسید و بدست یکی از درباریان افتاد که آن را خواند . شاه از او پرسید در نامه چه نوشته شده ؟ او نامه را نکه تکه کرد و گفت این مطلبی نیست که شاه بشنود . شاه هراسان شد و اصرار کرد که باید بفهمد در نامه چه نوشته شده . سرانجام وقتی که موضوع را شنید و گفت « فردا امضاء خواهم کرد » اما چند نفری که آنجا نشسته بودند گفتند بهتر است همان شب امضاء کند . بنا براین شاه بدقبال ولیعهد و صدر اعظم فرستاد و در حضور آنها فرمان را امضاء کرد . موقعیکه امضای خود را پای فرمان گذاشت گفت : « حالا دیگر به آسودگی

میسیرم ، (امضاء) سیسیل اسپرینگ رابیس <sup>۱</sup> (۲۳۰۵ ایکس - ۱۵)

اما قانون اساسی تنظیمی دارای نقایص فراوانی بود که تکمیل آن احساس میشد. کارگردانان لژ بیداری ایران وقتی زمینه را مستعد دیدند ، بهنگام تشکیل مجلس اول ، میرزا جوادخان سعدالدوله را که از تبعید مراجعت کرد و بعنوان ابوالمله داخل مجلس شده بود مأمور نمودند تا این نقایص را رفع و قانون اساسی را تکمیل کند .

میرزا جوادخان که در بلژیک به عضویت لژ فراماسنی درآمد <sup>۲</sup> بود می گفت : «قانون اساسی ۵۱ ماده ای شامل تمام حقوق اساسی و مسئله تفکیک قوای سه گانه نیست و باید اصلاح گردد و در آن زمان گفتار او بیشتر از هر شرطه خواه دیگری در افراد لغوز داشت <sup>۳</sup> .

وقتی «ابوالمله» نقایص اساسی را در مجلس مطرح کرد ، دیگران با او همصدا شده و اینجمنهای مخفی و علنی آزاد و وابسته به جمعیتها و فرق مختلف ، منجمله فراماسن ها با او هم آهنگ گردیدند . هر چند این انجمنها و جمعیتها درست نمی داشتند و نمی فهمیدند که نقص قانون اساسی ۵۱ ماده ای در چیست و چه باید بر آن افزوده گردد ، معذک از گفته هاسنها پشتیبانی می کردند . و سر انجام نتیجه فشار افکار عمومی و اصرار نمایندگان مجلس شورای ملی سبب شد تا مجلس يك کمیسیون هفت نفری را به ریاست سعدالدوله مأمور تنظیم متمم قانون اساسی نماید . سعدالدوله و محقق الدوله (معلم مدرسه سیاسی) از سایر اعضاء کمیسیون با تفکرات اروپائی بیشتر آشنا بودند و به اینجهت توانستند دیگران را تحت تأثیر قرار دهند و در نتیجه باید مهم آنان را در تهیه متمم قانون اساسی به مراتب بیش از دیگران دانست . تقی زاده ، سید نصراله تقوی و حاج امین الضرب که هر سه عضو لژ بیداری ایران و مأمور كمك به سعدالدوله و پیش بردن او امر استاد اعظم ،

۱ - اسناد بایگانی عمومی انگلستان آرشیو شماره ۳ - ۲۱ ژانویه ، قسمت ۱۵ شماره

۲۲۱۵ .

۲ - مقاله مشروطه متعدیده به قلم محیط طباطبائی ۱۱/۲۸/۱۳۴۰ مجله تهرانصور

شماره ۹۶۴ .

۳ - در این دوره سعدالدوله مشروطه خواه درجه اول بود و همه را تحت الشعاع قرار داده بود و به اکثر از مشروطه خواهان بی اعتنائی می کرد .

بودند ، مأموریت داشتند حوادث و ماجراهای ساختگی برای هیجان مردم بوجود آورند تا شاه قاجار را با نوشتن قانون اساسی جدید موافق کنند . تقی زاده درباره نقش خویش در این حوادث مینویسد :

در موقعیکه مجلس از بابت اعمال سپهبدان تنکابن و طفره وزراء از حضور در مجلس و قبول مسئولیت و سایر اتفاقات ناموافق و بی اعتنائی<sup>۱</sup> تام به مجلس در هیجان بود من کاغذی راجع به این اوضاع و عدم استحکام مشروطیت و عدم ثروت آثار بران و اسم و بی رسم بودنش به آقا میرزا محمد علی تربیت [عضو لژ فراماسنی در تبریز و مؤسس شعبه لژ در آن شهر] در تبریز نوشتم که حسب المعمول هر هفته مکاتیب شخصی راجع به احوال خود و اوضاع می نوشتم .

کاغذیکه در این موقع نوشتم در شدت نگرانی از وضع و تاریکی افق سیاست بود ، یعنی مطابق همان روزها که مجلس اتمام حجت به دولت فرستاد و تقریباً امید به قبول شدن آرا نداشت . این مکتوب را با شرح و بسطی نوشته بودم .

پس از ده روز که مکتوب به تبریز رسید در تهران همه چیز رو برآه شده بود ولی وقتی که مشارالیه کاغذ مرا خواند خیلی از اوضاع دلگیر شده و یکی دو نفر از پیشروان مشروطیت در تبریز نشان داده بود ، آنها فوق العاده برآشفته و اصرار کردند که باید کاغذ علناً در انجمن خوانده شود ، و اقدامات لازمه بعمل آیند . بالاخره مشارالیه مسوده کاغذ مرا بدون نام و نشان و با حذف مطالب شخصی و امضاء به آنها داد که تقریباً مثل یک مقاله میشد که نویسنده اش مجهول است و فقط یکی دو نفر می دانستند که این کاغذ در انجمن خوانده شد و تأثیر عظیم کرد . مردم سخت بهیجان آمدند . ولوله عظیمی برپا شد . ناطقین فریاد کشیدند و بعضی خود را از پنجره به حیاط انداخته و به بازار دویدند و در یک ساعت بازار و دکان بسته شد و انقلاب سختی برپا گشت<sup>۲</sup> با وجودیکه خود سید حسن تقی زاده اقرار می کند که (در تهران همه چیز رو برآه شده) و کلیه مسائلی که نشان میداد که فراماسنها بدان متوسل شده اند از میان رفته است ، معذالک انجمنی که کار

گردانان اصلی آن فراماسنها بودند بر حسب دستور کسی یا کسانی که میخواستند مملکت  
مشتعل باشد، شروع به اقدام کرده و شهر تبریز را در یک روز چهار هیجان و انقلاب شد. اهالی  
نهریات شده تبریز که فقط يك مقاله (بدون عنوان و امضاء) خوانده بودند<sup>۱</sup> به  
تلگرافخانه رفته تقاضای مخاברה حضوری یا وکلای آذربایجان کردند.

در آن تاریخ در تهران فقط تقی زاده وکیل تبریز بود، او عده ای از وکلای  
آذربایجانی الاصل را از قبیل حاجی محمد اسمعیل مغازه، حاجی میرزا احمد مرتضوی  
و سعدالدوله را به تلگرافخانه برد تا با متحصنین مذاکره کنند و اینکار نیز انجام گرفت  
لیکن، وکلای که به تلگرافخانه رفته بودند و همچنین سایر وکلای مجلس از علت  
تعمین و هیجان بی اطلاع بودند و اساساً نمی دانستند چرا آذربایجانیها بار دیگر انقلاب  
کرده اند و جواب آنها چه خواهد بود.

خود مردم تبریز و متحصنین هم نمی دانستند چه می خواهند به همین جهت در  
تلگرافات خود موضوع مشخصی را عنوان نکرده بودند. وکلای مجلس در جواب آنها  
گفتند «سبب شکایت نیست و مجلس مستحکم و مشروطیت پابرجاست» ولی تبریزیها در  
جواب گفتند «از قرار معلوم اساس مشروطیت در تهران محکم نیست و دولت خودش  
را رسماً و حقیقه مشروطه ندانسته و اعتنائی به مجلس ندارد»<sup>۲</sup> تقی زاده که خود می دانست  
چه می خواهد به وکلا گفت که مردم تبریز قانون اساسی می خواهند و باید با آنها همراهی  
کرد.

وی می نویسد: «... این فقره را نمی شد رد کرد و در حقیقت مشروطیت درست  
محکم نشده بود و قانون اساسی مختصری که نوشته بود [در نوشتن اولین قانون اساسی  
فراماسونها نقش اصلی و مؤثر نداشتند] حقوق دولت و ملت را جمع نموده و يك چیز  
ابتدائی بود لهذا بعضی از وکلا با شورشیان تبریز همراه شده و گفتند که باید بهمین  
وسیله شورش تبریز تمام نقایص کلا را برطرف کرده و بنای امور را به اساس محکمی

۱ - مجله یغما شماره مسلسل ۱۵۸

۲ - مجله یغما شماره مسلسل ۱۵۸.

گذاشت<sup>۱</sup>. ملاعظمه می‌شود تقی‌زاده که در چند سفر قبل کتاب انقلاب ایران می‌نویسد: «در تهران همه چیز رو برآه شده بود» چند سفر بعد می‌گویند: «حال باید از این شورش برای رفع نواقص استفاده کرد».

اما در همان اثنا سعدالدوله که با مسیونوز بلژیکی و مسیوپریم دشمنی می‌کرد چون در مجلس نفوذ داشت و نطقهای او همه وکلای تازه‌کار را مسحور می‌کرد از موقع استفاده نموده عزل آنها را نیز خواست.

روز ۲۴ ذیحجه که دو روز از انقلاب مصنوعی تبریز می‌گذشت کلیه وکلای آذربایجایی بجز دو نفر به تهران آمده در خانه حاج محمد اسمعیل مغازه‌ای منزل کردند. آنها بعد از ورود به تهران با افسون وکلای فراماسون به تلگرافخانه رفتند و با متحصنین تبریز مذاکره و آنها را تشویق به پایداری نمودند. دولت که بار دیگر با موضوع مخصوصی روبرو شده بود تشکیل جلسه داد و پس از شور و مذاکره قرارداد میرزا نصراله خان نائینی مشیرالدوله که خود از رؤساء لژیون‌های ایران بود با پیشروان وکلا ملاقات و مذاکره کند.

در اولین جلسه ملاقات مشیرالدوله، قدری تنیدی کرد و به وکلاء گفت دولت همه چیز داده است و حالا شما باید مردم را ساکت کنید.

ولی ناگهان نطقهای آتشین تقی‌زاده و حاجی امین‌الضرب (حاجی حسین آقا) اعضاء لژیون‌های و سعدالدوله که فراماسن بلژیک بود و نظریات شخصی داشت، آغاز شد. و در مجلس ناگهان بین وکلا و دولتیان مشاجره در گرفت و صدراعظم که خودش فراماسن بود و از کینه موضوع اطلاع داشت برای اینکه زمینه را آماده کند و مردم را منقلب سازد گفت: «دولت بشما مشروطه نداده بلکه مجلس مرحمت کرده که مشاوره بکنید» این گفته او همه را عصبانی کرد. تقی‌زاده به حاضرین گفت: «تا مشروطیت رسماً اعلان نشود داخل مذاکره نگردند».

فردای آن روز در تهران نیز تعطیل عمومی شد و مردم به تحریک انجمن مغنی

فراماسونها به مجلس ریخته و صراحتاً نأید و تصدیق مشروطیت را مطالبه کردند .  
 بالاخره پس از چهار پنج روز غوغا و کشمکش و مذاکرات سخت با دربار لژ  
 فراماسنی چون دید نزدیک است شکست بخورد ، حاج مخبرالسلطنه هدایت را که از  
 استادان لژ بود پیش شاه فرستاد و او را واسطه قرار داد .

حاج مخبرالسلطنه چندین بار بین شاه و مجلس واسطه مذاکره شد . و شاه که  
 از تحریکات انگلیسیها و فراماسنها آگاه بود برای اینکه بین مشروطه طلبان تفاق  
 پیاپا نهد و قانون اساسی تنظیم نشود پیشنهاد جالبی کرد . او گفت کلمه «مقننه» بجای  
 «مشروطه» بدنبال کلمه مجلس نوشته شود .

وی گفته بود ترجمه صحیح «کونستی نویسون» مقننه می باشد نه مشروطه که  
 به زعم بعضیها ترجمه سهوی ( Conditione lle ) بوده است ۱

ولی معترضین و فراماسنها فقط کلمه «مشروطه» را می خواستند و مجلسیان هم  
 همین کلمه را خواستار شدند . محمد علی شاه بار دیگر بیرنگی بکار برده گفت بعضی  
 «مشروطه» «حکومت مشروعه» گفته شود . این حيله اثر خود را کرد کلیه علماء موافق  
 شدند ولی فراماسونها همچنان کلمه «مشروطه» را خواستند . در اینوقت یکی از جوانهای  
 فرنگی مآب که از تاریخ انقلاب فرانسه و نقش ماسنها در انقلاب آگاه بود به دستور  
 لژ ماسنی ایران تاریخ لوئی شانزدهم و برانداختن او را از سلطنت عنوان کرده و  
 چندین نطق آبدار در این باره برای مردم ایراد نمود . این نطقها که مینوت آنها  
 بدست ماسنهای فرانسوی عضو لژ ایران نوشته شده بود مؤثر واقع شد و محمد علی شاه  
 را برآورد آورد .<sup>۱</sup>

در نتیجه روز ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۴ - ( ۱۹۰۶ م ) شاه دستخطی صادر کرده نوشت:  
 «که ایران در عداد دول مشروطه و دارای کونستی نویسون است» بر اثر این وضع بعضی  
 از مقاصد دیگر نیز از قبیل عزل بلژیکیها برآورده شده بود و دولت همان روز اعلام  
 ۱ - یادداشت های ادیب الممالک فراماسنی .

و در نتیجه موقر السلطنه بازداشت و نام عده‌ای از شخصیت‌های تقریباً مهم که در انتشار این اوراق شرکت داشتند بدست آمده خانه‌های مورد نظر در شب اول ماه چساری تحت محاصره قرار گرفت و افراد پلیس وارد یکی از خانه‌ها شدند. شخصی بنام سید محمد علی خان چاپ‌کننده اعلامیه‌ها از پشت بام این خانه خود را پرت و در نتیجه دچار شکستگی پا و کتک خوردن از دست افراد پلیس پس از چند ساعت فوت شد. در حدود چهل نفر دیگر در این گیرداز دستگیر شدند که یکی از آنها وزیر همایون بود این شخص اگرچه از طبقه ممتاز میباشد ولی از خانواده اعیان قدیم ایرانی بشمار میرود و چند ماه قبل وزیر پست و ممتی هم منشی شاه بود و تظاهر به شام دوستی مینمود. یکی دیگر از دستگیرشدگان قوام‌الدوله رئیس امور مالی ارتش است که چندی قبل باعث نزاع با سپهسالار از کار برکنار گردید و مراتب ضمن گزارش شماره ۱۰۸ مورخه ۶ ژوئیه بعرض رسید.

بین دستگیرشدگان عده‌ای سادات روحانی و معلمین مدارس نیز می‌باشند که ذکر اسمی آنها باعث تصدیح خاطر شریف می‌گردد.

بدیهی است توطئه چینی و ارتباط اینان با ناراضیها که از طبقه تحصیلکرده و مجتهدین میباشند درخور اهمیت است. وزیر همایون به اتفاق عمویش حبیب‌الدخان به‌کاشان تبعید و بقیه زندانی شده‌اند. قوام‌الدوله که یکی از ثروتمندترین اهالی تهرانست بدون شك با دادن رشوه خود را آزاد خواهد ساخت. بطوریکه گزارش میدهند شاه بی‌نهایت از دامادش خشمگین گردیده و قصد قتل او را داشته است که بعداً دستور شلاق زدن و بریدن دست راست او را صادر کرده است. ولی صدراعظم و بانوان حرم از او شفاعت کردند. اعلی‌حضرت مخصوصاً از قوام‌الدوله خشمگین بودند و موقعی که از خانه بیلاقی خود در شمیران قصد حرکت به شهر داشت جعبه‌ای مملو از نامه‌های ضد دولتی در کالسکه او مکشوف و دستگیر گردید. هنگامیکه در حضور شاه تحت بازجویی قرار گرفت کوشش نمود که این جملات را علیه اتابک‌اعظم توجیه نماید و به اندازه‌ای شاه را غضبناک ساخت که فرمان قتل او را فوری صادر نمود. در حال اتابک

کرد که کمیسیونی برای نوشتن متمم قانون اساسی تشکیل شده است .

روز ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۲۴ هـ (۱۹۰۶ م) سرانجام کمیسیونی تحت ریاست سعدالدوله با شرکت تقی‌زاده، مستشارالدوله، حاجی‌امین‌الضرب، حاجی سید نصراله و مشارالملک و چند نفر دیگر برای نوشتن متمم قانون اساسی تشکیل شد و در همان روزهای پراز افشاش مسوده چند ماده از قانون اساسی که حقوق شاه و ملت را تعیین می‌کرد تهیه گردید و شاه نیز همه را تصدیق کرد .

ولی چون لژها سنی ایران در نوشتن قانون اساسی نظر بخصوصی داشت و می‌خواست چند ماده از قانون اساسی فراماسنی را نیز در قانون اساسی بگنجانند، جلسات را طولانی کرد و سرانجام وضع را طوری پیش آورد که فقط چند فراماسنی که از لژ بیداری ایران مأموریت شرکت در تنظیم مواد قانون را پیدا کرده بودند شروع بنوشتن قانون اساسی نمودند .<sup>۱</sup>

سید حسن تقی‌زاده در این باره چنین می‌نویسد: «... کمیسیون تحریر متمم قانون اساسی یکی دو جلسه منعقد شد و سپس شروع به نوشتن آن کرد . سعدالدوله نیز در این یکی دو جلسه حاضر شده و با کمال تکبر سیکار خود را بدهن گرفته و گوش داد .

بعد حاضر نشد و همه را سه چهار نفر از وکلا نوشته و تمام کردند . عمده اعضای آنها میرزا صادق‌خان مستشارالدوله و تقی‌زاده و حاج سید نصراله اخوی بودند .

برای نوشتن قانون مأخذ و کتب لازمه در دست نبود و فقط يك جلد قانون اساسی بلژیک که آنرا سعدالدوله<sup>۲</sup> از میرزا اسمعیل خان منشی سفارت بلژیک به عاریت

۱ - یادداشت‌های ادیب‌الممالک فراهانی ،

۲ - میرزا جواد خان سعدالدوله اصلاً از تبریز بود . پندش میرزا جبارناظم‌المهام و جدش صفرعلی تاجر و از اهل خوی بود . در جوانی در تبریز تحصیلات جدید کرده و بعداً در حدود ۱۲۷۷ هجری با دو جوان دیگر برای یاد گرفتن فن تلگراف به تغلیس رفت و دو سال در آنجا بود .

پس از ورود به ایران عضو تلگرافخانه شد و مدتی در دستگاه علی‌نقی‌خان مخبرالدوله -

گرفته بود در دست کمیسیون بود که آنرا اساس قرار دادند و بعدها از قانون اساسی فرانسه و دول بالکان نیز بعضی چیزها بر آن افزودند، و نوشتند و بدین ترتیب لژ فراماسنی ایران پیروزی دیگری کسب نمود و منویات و تصمیمات خود را به مرحله عمل در آورد.

رؤسا و کارگرداهان لژ بیداری ایران که خود را سردمداران انقلاب فراماسنها و مشروطیت ایران می دانستند و مدعی بودند که رهبری انقلاب قوانین دادگستری ایران را در دوران سلطنت محمد علی شاه بعهده داشته اند، در سال های آرامش و سکون نیز همچنان فعالیت پنهانی را برای بدست گرفتن زمام کارهای مملکتی ادامه می دادند.

فراماسنهای ایرانی عضو لژ بیداری که تحت تأثیر «برادران فراماسوی» خود قرار داشتند، پس از رسوخ در مجلس شورای ملی، مجالس ایالتی و ولایتی و سازمانهای دولتی، سعی کردند در تدوین قوانین مملکتی نیز شرکت کنند. در آن زمان تحصیل کرده ها و فرنگ رفته ها بیشتر در دربار و از وفاداران سلطنت بودند. اینها گریه شیفته آزادی و حکومت قانون بشمار می رفتند، ولی نمی خواستند با کسانی که علناً با شاه و دربار مخالفت کرده و به حکومت سلطنتی به چشم دشمن می نگریستند موافقت کنند.

بعلاوه در دوران استبداد کبیر و صغیر، دسته ای که با دربار دشمنی داشتند همه متمایل به سیاست انگلیس بودند و با افکار عمومی جامعه، آنها را مجریان دستور سفارت بریتانیا در تهران می دانست. به همین جهت آن دسته از افراد که می توانستند در تدوین قوانین و تنظیم نظامات و آئین نامه های مملکتی شرکت فعالانه داشته باشند، خود را کنار کشیده و علاقه ای نشان نمی دادند. ازروا و گوشه گیری این دسته از روشنفکران

پدر صنیع الدوله که وزارت را داشت بسر برد و ترقی کرد.

میرزا جواد خان چندی «معلم خان» دولتی تبریز و تلگرافخانه آنجا را داشت. هنگامی که در وزارت تلگراف و پست بود دختر مخبرالدوله را به زنی گرفت. بنا به اظهار تقی زاده در کتاب تاریخ انقلاب ایران او را اذیت و آزاد می داد. این حرکات سبب شد که مخبرالدوله وی را وادار به طلاق دخترش کند ولی سعدالدوله راضی نمی شد. مخبرالدوله او را به چوب بسته و مجبور به طلاق کرد، و در نتیجه همیشه بین آنها عداوت شدید وجود داشت.

سبب شد تا فراماسنها هر چه می‌خواهند بکشند و همه قوانین و نظامات موضوعه را خود و یا با کمک فراماسنهای فرانسوی انجام دهند .

تنظیم آئین دادرسی جزائی که در سال ۱۳۳۰ هـ. ق ( ۱۹۱۱ م ) بپایان رسید زیر نظر لژ بیداری ایران ، با همکاری چهار فراماسون ایرانی انجام گردید . از این عده سه فراماسون ایرانی : مشیرالدوله - ذکاء الملک - تقوی ویک فراماسون فرانسوی [ مسیو پرلی ]<sup>۱</sup> بودند .

پرلی که در فرانسه تحصیل علم حقوق کرده بود به اتفاق چند همکار فراماسنی دیگر به عنوان مستشار عدلیه استخدام و به ایران آمده بود .

قانون محاکمات جزائی که چهار فراماسون عضو لژ بیداری ایران نوشته بودند دارای ۵۰۶ ماده بود که بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری ایران به کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی ، در دوره اول پیشنهاد شد . در کمیسیون مذکور که شاید هیچیک از اعضایش از مواد آن چیزی نفهمیدند ، شور اول آن به اتمام رسید . شور ثانی آن نیز تا ماده ۱۷۰ تمام شده بود که تعطیل مجلس شورای ملی پیش آمد و تصویب قانون موقتاً متوقف گردید . فراماسنها که در آن ایام در عدلیه نفوذ فراوان داشتند ، برای پیش بردن نظرات و دستورات محفل فراماسونری در سال ۱۳۳۰ ق ( ۱۹۱۱ م ) مواد پانصد و شش گانه را به ضمیمه مقدمه‌ای به هیئت دولت وقت پیشنهاد کردند . آنها برای آنکه نظریات لژ را با شعار اسلامی تطبیق داده باشند ، مرحوم سید محمد حسن مدرس را به ریاست کمیسیون عدلیه انتخاب کرده و بدینوسیله موافقت او را نیز جلب

---

۱ - آدلف پرلی دادیار دادستان پاریس بنا به تقاضای میرزا حسنخان مشیرالدوله وزیر عدلیه که فراماسون بود و با معرفی و کمک مؤثر گرانداوریان پاریس بوسیله احمدخان ممتازالسلطنه سفیر ایران در پاریس استخدام و بنام مستشار عدلیه به ایران آمد ، همراه او میولانس دیزیز که او هم فراماسون بود به اتفاق لوبلان به ایران آمدند و هر دو مستشار وزارت معارف شدند .

در مقدمه قانون مذکور نوشته شده: «... نظر به اهمیت و فوریت قانون مزبور و لزوم و کثرت احتیاج عمومی به آن از طرف وزارت جلیله عدلیه از امضاءکنندگان حاج سید نصراله نقوی - ذکاءالملک - میرزا رضاخان طباطبائی تقاضا شد به معاونت و مشاورت حضرتین آقای سید محمد حسن مدرس و آقای مشیرالدوله و با جلب نظریات جناب مسیو پرینی پرکو در دولت قوی شوکت جمهوری فرانسه و مستشار عدلیه شور دوم قانون مزبور را به انجام برسانیم که از طرف هیئت جلیله وزراء موقتاً به موقع اجراء گذاشته شود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی پیشنهاد به مقام هیئت مقننه شده بعد از جرح و تعدیل و تحصیل نظریات نمایندگان ملت از آن مقام منبع گذشته قانونیت کامله حاصل کند لہذا در مدت دو ماه با حضور آقایان مدرس و مشیرالدوله و جلب نظریات جناب مستشار شور دوم آنرا به اتمام رسانیدیم و موافقت آن با قوانین مقدسه اسلامیہ و عادات و اخلاق مملکت نیز بقدر مقدور رعایت شده است. نصرالله نقوی - ذکاءالملک - رضا طباطبائی نائینی»

قوانین و مقررات نظامات خلق الساعه ای که فراماسنهای ایرانی و فرانسوی به مردم کشور ما تحمیل کردند، آنقدر عجولانه و ناشیانه و خلاف عرف و شرع و عادات و آداب مردم بود که هنوز هم پس از گذشت نیم قرن اسباب فساد و تباهی است. باوجود این قوانین و مقررات بسیار سنگینی که به تدریج برای کیفر متخلفین از قانون و مجرمین وضع و به موقع اجراء گذارده شده و با وجود مراقبت و دقتی که از طرف مأمورین مربوطه بعمل آمده و کمیسیونهایی که بمنظور اصلاح قوانین و بهبود اوضاع اجتماعی مرتباً تشکیل میشود، متأسفانه نه تنها ارتکاب جرائم و مخصوصاً تکرار جرم کم نشده

۱ - مرحوم مدرس در زیر قانون مذکور می نویسد: «حقیر در کمیسیون مجلس دارالشوری و کمیسیون خارج حاضر بودم و بقدر امکان سعی نمودم الضرورات تسبیح المحذورات امور جزائی که بمحاکم صلحیه و محاکم جنائی اختصاصی که بر طبق قانون تشکیلات باشد ارجاع می شود موافق شرع انور است و مواد متعلقه به امور اداری مخالفتی با قوانین اسلامیہ ندارد فی ۲۳ رجب ۱۳۳۰ امضاء سید حسن مدرس محل مهر»

بلکه بصورت وحشتناکی بالا می‌رود. زندانیهای شهرهای بزرگ مانند تهران، اهواز، تبریز، اصفهان و شیراز پر از متهم و مجرم است. روی میز محاکم جزائی و جنائی آنقدر پرورده انباشته شده که با وجود کار طاقت فرسای دادرسان باز از حجم آنها کاسته نمی‌شود و این همه مجازاتهای سنگین اعدام و حبس ابد و غرامت‌های سنگین نه در تقلیل جرائم و نه در وقوع و تکرار جرم تأثیری ندارد.<sup>۱</sup>

شاید بتوان گفت که مشکلات موجود در عدلیه ما بیشتر ناشی از دخالت چند فراماسون و مستشار بی‌اطلاع‌تر از، فراماسون بوده است و قوانین موضوعه ماسونها نه تنها درد اجتماع را کم نکرده بلکه موجب فساد و تباهی نیز شده است.

با وجودیکه قضات پیر و جوان و حقوقدانان و وکلای دادگستری در سالهای متوالی به قوانین موضوعه فراماسنها ایرادات متوالی وارد آورده‌اند<sup>۲</sup>، با اینحال دستهای مرموز و قدرتمند ناهرشی تا مدهای زیادی مانع از تغییر قوانین مذکور بودند.

سیستم آئین دادرسی جزائی که فراماسنهای ایرانی و فرانسوی برای ما تدوین کردند با (روش اتهامی) جاری است. از روز اول که ژاندارم یا پلیس در کار دخالت می‌کند تا روزی که متهم بدادگاه می‌رود، نه او در حمایت و پناه است و نه جامعه ایران از متهم جانبداری می‌کند. در محاکم متهمان جهان که مردم کشور در پناه قانون هستند سازمانها و دستگاههای علمی که دارد اصول جزائی و روانی هستند از آنها حمایت می‌کنند. در حالیکه در ایران متهم گرفتار چرخهای زنگ زده اداری و اتهامی که فراماسونها پنجاه سال قبل درست کرده‌اند می‌باشند.

دکتر محمد شاهکار حقوقدان معروف می‌نویسد: «درست است که از بدو آئین دادرسی جزائی تا کنون بسیاری از مواد حذف شده و تعداد زیاد دیگر مواد اضافه شد. درست است که محاکمه فصلی جنائی که در سال دو ماه تشکیل می‌شد تبدیل به

۱ - مجله قانون و کلا شماره مسلسل ۹۲ سال شانزدهم.

۲ - مقاله دکتر شاهکار تحت عنوان «سیاست جزائی و آئین دادرسی جزائی و قانون مجازات عمومی ما و لزوم تغییر آنها» مجله قانون و کلا شماره ۹۲.

محاكم دائمی شده و عوض يك دادگاه در مركز پنج دادگاه جنائی درست شد . درست است كه هر روز و هر زمان كه دچار اشكالی شدیم قانونی بر روی قانون افزوده بعنوان تبصره - ماده الحاقی - مواد اضافی - مواد آزمایشی - مواد موقتی و غیره بر آن اضافه كردیم اما اصل پارچه باقی ماند فقط وصله های رنگارنگ ناجووی بر آن لباس اضافه شد كه در حال حاضر آئین دادرسی جزائی ما كه بقول مقنن برای «كشف و تحقیق جرائم و تعیین مسئولیت وضع شده» نه سبك قدیم تفتیش آراء و عقاید دارد و نه روش جدید اتهامی و اختیارات وسیع قاضی و جلب نظر هیئت منصفه و رسیدگی كامل در دادگاه و تجدید صحنه اتهام و رسیدگی به دلائل مادی رسیدگی به وضعیت روحی و معنوی مرتكب جرم بیشتر مواد دست قاضی را بسته و باوجود آنكه می داند فلان مجازات برای مرتكب زیاد و غیر عادلانه است ماده ملحقه به آئین دادرسی جزائی مانع است یا بكلی اگر مطلب بر او روشن نباشد و بخواهد واقعاً در دادگاه رسیدگی كند ، و مدارك واقعی را به بیند مواد مربوط به تشكيل دادگاه جنائی كه حتماً باید این مدارك و اسناد قبل از جلسهٔ مقدماتی تقدیم شده باشد مانع میشود .

تمام ممالك دنیا در این پنجاه سال اخیر بكلی قوانین جزائی و آئین دادرسی جزائی خود را زیر و رو كردند و نتایج خوب آن را دیدند . عرض نمی كنم ارتكاب جرم از بین رفت ، عرض اینست كه هم حرمت بشری و آزادی افراد را در نظر داشتند و هم دفاع و حمایت اجتماع را و اگر این دو اصل به موازات يكدیگر مورد توجه باشد و مخصوصاً علم جزا را صرفاً از جنبهٔ قضائی و حقوقی خارج نكرده و به آن جنبهٔ اجتماعی ندهند بهبودی در اوضاع پیدا نخواهد شد ...<sup>۱</sup>

فراماسونهای ایران ، حتی در دوران كنونی نیز «عدلیه» تاریخیهٔ عدلیه و ایران را كه تغییر نام داده و «دادگستری» شده است ، رها فراماسونهای كنونی نكرده و كسان در صدد نفوذ و رخنه در آن هستند . اینسان اگر نتوانند در قوانین و لوایح موضوعه دولت دخالت كنند ،

در صدد برمیآیند از راه‌های دیگر در کارهای قضائی بوسیلهٔ اعضائی که در دادگستری و محاکم دارند، داخل شوند. فراماسنها حتی در نوشتن «تاریخ دادگستری ایران» نیز خود را وارد کرد و موسس داشتند که در تنظیم و تألیف این کار علمی دخالت کنند. در سال ۱۳۴۳ دکتر باقر عاملی وزیر دادگستری که خود از استادان لژ «خیام» وابسته به گراندر لژ اسکاتلند میباشد، در صدد برمیآید «تاریخ دادگستری ایران» را تألیف کند. وی دعوتی از قضات عالی‌مقام، وکلای نامدار عدلیه و تنی چند که در دادگستری نبوده، نمود و با آنها در باره نوشتن تاریخ مذکور گفتگو کرد. پس از چند جلسه مذاکره قرار شد، برنامه‌ای برای تنظیم کتاب مذکور تهیه شود و چند نفر که صلاحیت نوشتن و شرکت در تاریخ دادگستری را دارند انتخاب شوند. بموجب برنامه مصوبه مقرر گردید تاریخ قضاوت ایران به سه - مرحله مهم تقسیم شود که بترتیب عبارت بودند از قبل از اسلام - بعد از اسلام - بعد از مشروطه.

قسمت سوم که در درجهٔ اول منظور نظر وزیر وقت دادگستری و عضو لژ فراماسونری خیام<sup>۱</sup> بود بدو بخش قبل از الغاء کاپیتولاسیون و بعد از الغای کاپیتولاسیون تقسیم شده است. قسمت قبل از اسلام را دکتر پرویز کاظمی عضو لژ فراماسونری «تهران»<sup>۲</sup> تعهد کرد که از قرار معلوم در آن باب کاری از پیش انجام داده بود و قسمت مربوط به اواخر قاجاریه و اوایل مشروطه را محمود هدایت<sup>۳</sup> مستشار دیوان کشور تقبل نمود. و محمود عرفان<sup>۴</sup> مستشار دیوان کشور فصل مربوط به قبل از الغاء کاپیتولاسیون را بر عهده گرفت (بخصوص کارهایی که در دوره وزارت عدلیه مرحوم پیرنیا<sup>۵</sup> انجام گرفته بود) و قسمتهائی بعد از

۱ - سند چاپ و پلی کپی سال ۱۳۴۳-۱۳۴۴ لژ خیام که در اختیار نگارنده است.

۲ - دعوت نامهٔ لژ فراماسونری پلی کپی و منتشر شده که اصل آن موجود است.

۳ - از عضویت محمود هدایت در لژ ماسونی سندی بدست نیامده اما مرحوم حاج مخبر السلطنه هدایت و چند تن دیگر عضو لژ بیداری ایران بوده‌اند. و محمود هدایت نیز عضو لژ (مزد) والیقه وابسته به گراندر لژ ناسیونال دو فرانس می‌باشد.

۴ - محمود عرفان عضو لژ فراماسونری مستقل مهر، نویسنده و ناظر فراماسونری در ایران می‌باشد که با حمایل والیقه فراماسونری در سال ۱۳۲۷ شمسی در جمعیت عامیون ایران که اکثر مؤسسين آن فراماسون بودند شرکت کرد.

۵ - مرحوم پیرنیا عضو لژ بیداری ایران بود.

آن را شخص دکتر عاملی استاد لژ ماسونی خیام قبول کرده که با همکاری دکتر یگانه وزیر مشاور کابینه هویدا (در سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶) و ارسلان خلعتبری (که در هیچیک<sup>۱</sup> از لژها شرکت ندارد) و به کمک دستگاه وزارت دادگستری تنظیم آنرا به انجام رساند. تنظیم دوره اسلام تاریخ قضائی ایران بر عهده نویسنده و استاد معروف محیط طباطبائی<sup>۲</sup> نویسنده کتاب میرزا ملکم خان (مؤسس لژ فراموشخانه ملکم) می باشد که شخصاً می نویسد: «چون عجله در تنظیم این کار میشد و مدارک موجود در تهران جهت استیفای حق بحث کفایت نمی کرد، این جانب که قسمت مربوط به دوره اسلام بر عهده ام گذارده شده بود فوراً به تهیه اسناد بحث از فارسی و عربی و فرانسه و انگلیسی همت گماشته و در مدت بسیار کوتاهی، کتابخانه کوچکی جهت تهیه مقدمات فراهم آورد و تقریباً تمام فصل تابستان سال ۱۳۴۴ را در تهران با تحمل گرمای شدید کوشید تا در آغاز شهریور ماه قسمت مربوط ... تهیه و تنظیم و تدوین و تحویل دادگستری داد... در آن موقع زمینه کلی کتاب منظور، بیش از سیصد صفحه فراهم آمده بود ولی احتیاج به يك تجدید نظر و ترتیب توحید شکلی داشت که آقای دکتر عاملی خود بر عهده گرفت که با همراهی دستگاه دادگستری آن را صورت تکمیل بدهند، استاد محیط طباطبائی اضافه میکند: «طبع و نشر این اثر مشترک و بی سابقه که قرار بود پیش از پایان سال ۱۳۴۴ انجام پذیرد به سبب غیر معینی تا ترمیم هیئت دولت و تغییر وزیر دادگستری، عملی نشد... و بعداً از طرف وزیر جدید در جواب استفساری که شد، معلوم گردید که انجام چنین امری از دستور کارهای جاری آن وزارت، حذف شده است...»<sup>۳</sup>

۱- عضو لژ مولوی و تهران

۲- استاد محیط طباطبائی هیچگاه بدرون لژهای فراماسونری پا نگذاشته و مقام فضل و ادب و معلومات ایشان بالاتر و بالاتر از شرکت در این مجامع است. اگر نویسندگان فراماسون قصد داشته اند ایشان را در نوشتن کتاب تاریخ دادگستری ایران شرکت دهند، فقط بخاطر مقام علمی و اطلاعات عمیق اسنادی باشد. محیط طباطبائی پس از نوشتن کتاب (ملکم خان) صدماتی از فراماسونها و وابستگان این مجمع سری نیز دیده است.

۳- مجله وحید شماره ۲۱ سال ۱۳۴۶

بعد از برکناری دکتر عاملی، وزیر دادگستری عضو لژ فراماسوئری خیام، بلافاصله انتشار «تاریخ دادگستری ایران» تعویق افتاد. و با وجود انتشار چنین کتابی باکمالی معنی از عوامل فراماسوئری، یکی دیگر از دستورات لژ فراماسوئری ایران بود، که حوادث زمان آنرا متوقف کرد.

با خروج محمد علیشاه از ایران و پیروزی واقعی که نصیب فراماسنها لیکه گردانندگان مشروطیت شد اعضای لژ بیداری ایران و به مجلس رفتند فراماسنهای دیگر قدم مهم و برجسته دیگری در راه تحکیم موقعیت خود برداشتند که عبارت بود از فرستادن عده‌ای از فراماسنهای «عضو شده در خارج از کشور و در لژ بیداری به مجلس بوده» به تحقیق نمی‌توان گفت که آنها با چه وسائل موفقی شدند ایندسته از اعضاء لژ را به مجلس شورای ملی بفرستند. زیرا در دوره دوم قانونگذاری ایران هنوز اعتقاد مردم نسبت به مشروطیت کم نشده بود و عوام الناس که رأی دهندگان حقیقی بودند مثل دوران بعد از شهریور ۱۳۲۰ گرفتار فساد، تباهی نبودند.

با وجود این اگر فقط اسامی انتخاب شدگان تهران را مورد مطالعه قرار دهیم می‌بینیم که از بین شانزده نماینده‌ای که از تهران انتخاب شده اند سیزده نفر آنها فراماسن هستند که با علامت «ستاره» مشخص است:

- ۱- حاج سید نصرالله سادات اخوی با ۳۳۱۵ رأی \*
- ۲- حسنعلیخان نواب ۲۱۰۲ \*
- ۳- میرزا محمد علیخان ذکاءالملک ۲۰۸۹ \*
- ۴- شیخ محمد حسین یزدی ۱۷۰۳ \*
- ۵- مرتضی قلیخان صنیع الدوله ۱۵۱۳ \*

۱- مرتضی قلیخان صنیع الدوله در فرانسه فراماسن شده و بنا به اظهار آقای مختارالملک صبا از مؤسسين جمعيت «ترقي» بود که بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ تغییر نام پیدا کرده و حزب عامیون شد.

- ۶- میرزا حسنخان وثوق الدوله ۱۰۴۵ رأی ✱  
 ۷- حسنعلیخان ۳۹۵ ✱  
 ۸- میرزا محمد خان صدیق حضرت ✱ ۹۸۶ ✱  
 ۹- اسدالله میرزا ۷۶۴ ✱  
 ۱۰- میرزا حسنخان معتمدالممالك ۳۷۲ ✱  
 ۱۱- دکتر امیر خان امیراعلم ۲۹۳ ✱  
 ۱۲- یحیی میرزا لسان الحکماء ۲۷۹ ✱  
 ۱۳- حاجی میرزا عبدالعزیز خان وحیدالملک ۲۷۴ ✱  
 ۱۴- میرزا داودخان ۱۷۰ ✱  
 ۱۵- میرزا محمدخان احتشام السلطنه ۱۶۰ ✱  
 ۱۶- شاهزاده یحیی میرزا (اسکندری) ۱۶۲ ✱

علاوه بر کسانی که از تهران انتخاب شدند، عددهای از فراماسنها نیز از ولایات انتخاب شده و به مجلس رفتند.

سید حسن تقی زاده دو سخنرانی در باره (مشروطیت ایران) يك سؤال بلا (اخذ تمدن خارجی) در سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ ش. (۱۹۶۰ و جواب از سید (۱۹۶۱ م) در باشگاه مهرگان ایراد کرد که در هیچیک از آنها حسن تقی زاده با مقالات مصاحبه‌ها و حتی گفتاری که در مجله یغما<sup>۱</sup> بصورت سلسله مقالات جداگانه چاپ شده، در باره نقش فراماسنها و لزوم بیداری ایران در انقلاب مشروطیت ایران اظهار نمود و سکوت مطلق کرده است. تقی زاده در آخرین روز سخنرانی خود در باره (اخذ تمدن خارجی)<sup>۲</sup> وقتی نوبت به سؤال و جوابها رسید، از طرف نگارنده مورد سؤال و جوابی قرار گرفت که اطلاع از آن لازم است.

۱- سؤال اول در باره نفوذ و رسوخ افکار خارجیها و اقدامات آنها در مشروطیت بود.

۱- تهیه مقدمات مشروطیت در آذربایجان مجله یغما ۱۴۴ - تیرماه ۱۳۳۹

۲- مجله یغما شماره مسلسل ۱۴۹ - سال سیزدهم اخذ تمدن خارجی ۱۳۳۹

اعظم از شاه استند و نمودند که جان قوام را ببخشند و بزندانی نمودن ایشان اکتفا فرمایند. قوام الدوله را بجای آنکه مثل سایر تحریر کنندگان مظلومین با شخصیت با کالسکه شخصی روانه زندان نمایند مورد توهین فراوان قرار گرفت. بعد از آنکه او را کتک زدند و بازرسی بدنی از وی نمودند او را به قاطر سوار و پاهایش را زیر شکم قاطر بستند و نجیری برگردش انداختند، با این وضع زنده او را در کوچه و بازار گردانیدند در حالیکه میر غضب در کنار او راه میرفت. او فعلاً در زندان بسر میبرد تا اراده ملوکانه هر فردور یابد يك ناظر اروپائی که شاهد ورود او به شهر بوده اظهار میدارد که وضع او اندازه ای وقت آور بود که مردن بر زنده بودن برایش بهتر بود. همچنین شنیده میشود از طرف عده ای از مردم که در زمان قدرتش شاهد اعمال قساوتمندانه او بوده اند بی نهایت مورد تحقیر قرار گرفته عده ای از شخصیتهای طبقه اول از این رفتار خشن درباره یکنفر ممتاز که تا چند هفته قبل یکی از بانفوذترین وزرای کشور بوده بی نهایت دجار حیرت شده اند. از منابع دولتی و سایر مراجع گزارش میرسد که اوراق بدست آمده همه حاکی از توطئه ریشماری میباشد. در نظر بوده است که اغتشاشانی به بهانه بدی وضع آب و گرانای خواربار صورت گیرد و عده ای از ملاها آشوب طلبان را تحریک به هجوم به کاخ شاه در شیران نمایند (بقول مسیونر تقلید از انقلابیون فراسه در ورسای در زمان لوئی شانزدهم بوده است) و تقاضای برکناری صدر اعظم و برقراری حکومت ملی نمایند. اگر این توطئه کشف نمی گردید اغتشاشات دو روز قبل صورت میگرفت و عقیده بر این است که اگر اغتشاشات خنثی نمی گردید خونریزیهای واقع می گردید. از قرار معلوم مقداری اسلحه بین اشخاص ناراضی بخش شده بود و تنها مریزانی که دولت بر روی آنها حساب میکرد قزاقهای زنده پوشی بودند که آنها هم بعلت عقب افتادن حقوق خود ناراضی بودند و چند صد نفر آنها که جزء سواره نظام بودند چند روز قبل نیز در حال اعتصاب بسر میبردند.

شخص بسیار مطلعی که در مورد توطئه با او مذاکره کرده ام چنین استنباط می کند که بدون شك این اقدام مشترکاً از طرف عده ای مأمورین دولتی طبقه اشراف مخالف

تقی زاده در جواب گفت: «بدون شك اندیشه ها و افكار خارجيان وحتى كمكهاى آنان در انقلاب مشروطيت ايران مؤثر بوده و هيچكس نمى تواند اين مسئله را نادیده بگيرد و انكار كند.»

۲- سؤال دوم در باره نقش لژ بيدارى ايران در انقلاب مشروطيت بود.

تقی زاده بلافاصله به اين سؤال پاسخ داد و پس از اينكه به سئوالات ديگران پاسخ گفت، در آخرين لحظاتی كه جلسه سخنرانی تمام ميشد، پس از خواندن سؤال اظهار داشت: «منظور سؤال كننده از فعاليت لژ فراماسنى است كه من اطلاعى ندارم» از اين جواب همه خنديدند و چون بلافاصله مجلس سخنرانی خاتمه يافت مجال سؤال و جواب ديگرى باقى نماند.

قبلاً گفته شد كه هيچيك از نويسندگان فارسى وحتى محققين نظريه وزير دولت در خارجى كه در باره مشروطيت ايران «مطالعه و تحقيق باره انقلاب مشروطيت» كرده اند، ذكرى از فراماسنها و نقش آنها در انقلاب مشروطيت و فراماسنها ننموده اند. با وجوديكه سيد حسن تقى زاده معروف و مشهور به عضويت در سازمان فراماسنى جهانى و ايران است، و تاكنون چندين خطابه و مقاله در باره انقلاب مشروطيت ايران نوشته، معذراك همچنان سكوت را حفظ كرده و اسرار درون لژ بيدارى ايران و برادران فراماسون خویش را در جريان انقلاب مشروطيت مخفى نگه داشته است.

ننها مقام دولتى كه اين سكوت پنجاه ساله را شكسته است، دكتور حسن ارسنجانى وزير كشاورزى كابينه دكتور على امينى و اسداله علم است. وى ضمن نطقى كه روز دو شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۴۰ ش (۱۵ فوریه ۱۹۶۲ م) از راديو تهران ايراد كرد در باره انقلاب مشروطيت و نقش فراماسنها چنين گفت:

چون صحبت از تأثیر محور آثار خود فتودالیت در تحکیم مشروطیت دموکراسی ایران بعین آوردم و ذکر کردیم که انقلاب مشروطیت ایران يك انقلاب سیاسی نوأم با افکار اجتماعی از طرف یکمده قلیل مردم متوسط ایران بود، برای اینکه مطلب بیشتر روشن بشود و برای اینکه داشته بشود هدف ما از این توضیحات چیست و چرا اعتقاد داریم تا وقتی که قدرت فتودالی در يك مملکت باقی و برقرار است انتخابات آزاد و مجلس ملی نمی تواند وجود پیدا کند و راه علاج ما آن راهی را که همه دنبال آن هستیم برای ایجاد دموکراسی در ایران برای نجات از شر تقلب در امر انتخابات برای استقرار حاکمیت ملی بوسیله ملت و بدست خود ملت تنها راه نجات توسل به اجرای قانون اصلاحات ارضی و ازین بردن اصول فتودالی است؛ برای اینکه بهتر مطلب توجیه شده باشد من تاریخچه‌ای از نظر انقلابات مشروطیت ایران ذکر می‌کنم.

در بین هموطنان من شاید کسانی که مستحضر باشند انقلاب مشروطیت ایران از جهت تبلیغ افکار سیاسی بجه و سالی به ایران منتقل شد خیلی زیاد نباشند. کسانی که تاریخ مشروطیت ایران را بدقت مطالعه کردند انتشارات جراید و مقالات را در صدر مشروطیت دیدند مطالبی که در خارج از ایران به زبان فارسی چاپ می‌شد از قدمهای اولیه سید جمال الدین اسدآبادی و مرحوم پرنس ملک‌خان و بعد بانیان دیگر مشروطیت در ایران که بعدالدوله بنمایندگی آنها در ایران اقداماتی می‌کرد اطلاعاتی دارند

۱ - مجله خوشه از شماره ۲۹ بهمن ۱۳۴۰ درباره این نطق چنین می‌نویسد: «نطق مهم اردشجانی که رادیو تهران آنرا انتشار داد اولین نطق و سخنی است که از دستگاه حاکمه ایران به زبان فراماسونری گفته شده و در تاریخ ایران این اولین باری است که به این دسته خیلی قوی و نیرومند در هیئت حاکمه ایران از طرف يك مقام مهم رسمی در هیئت حاکمه، حمله می‌شود و شمه‌ای در باره آنها گفته می‌شود یکبار دیگر در تاریخ اخیر ایران به فراماسونری حمله شده است اما نه از طرف مقام رسمی هیئت حاکمه، و آنهم آقای رضا افشار بود که در حکومت آقای علاء در مجلس در اقلیت بود و شرحی از اعمال نفوذ فراماسونری در کارهای اقتصادی کشور بیان کرد که آنهم در روزنامه‌های کثیرالانتشار درج نشد و فقط در صورت مذاکرات مجلس است.»

دکتر حسن اردشجانی تا این تاریخ عضو لژ فراماسونری نشده و یا لاقلاً نگارنده از آن بی اطلاع است.



دکتر آرسنجانی ، نخستین  
وزیر ایرانی که در پاره  
فراماسونری اظهار نظر  
کرده است .

بخوبی این مطلب را می‌دانند که نفوذ قطعی تبلیغ مشروطیت بمعنی تحول حکومت استبدادی به حکومتی که در دست مردم متوسط باشد ناشی از تبلیغاتی بود که در درجه اول فراماسونها از راه لژهای خودشان در ایران انجام می‌دادند؛ البته شاید کلمه فراماسونری که همان فراموشخانه خود ما باشد در نظر جوانهای امروزی که یادگارهای تلخی را از بعضی از شعب فراماسونری در ایران و دنیا داشته‌اند و در نیمه دوم قرن بیستم دارند زندگی می‌کنند خیلی تعجب آور باشد که چطور نهضت فراماسونری نهضتی که ما در ایران بنام فراموشخانه عنوان می‌کردیم این نهضت توانسته باشد به مشروطیت ایران کمک بکند ولی برای اینکه بیشتر روشن باشند این مطلب را اضافه می‌کنم که انقلاب مشروطیت و انقلاب کبیر فرانسه را هم فراماسونها در فرانسه بوجود آوردند . در بین اسنادی که امروز منتشر شده و دیگر در دسترس همه هست نشان داده می‌شود که نه تنها

نویسندگان بزرگ فرانسه از قبیل ولتر، ژان ژاک روسو، متفکرینی از قبیل دالانور، موتسکیو حتی انقلابیون بزرگ فرانسه مثل روبسپیر، دانتون مارا و خود میرابو تمام اینها اعضای لژ فراماسونری بودند.

در آن زمان فراماسونری نهضت مترقی زمان خودشان محسوب می‌شد. اقدامی بود قیامی بود علیه قدرت فئودالیت در تمام ممالك اروپائی به نفع طبقه متوسط که حکومت بورژوازی را بعد بوجود آورد؛ بنابراین وقتی که در انقلاب فرانسه به موجب اسناد منتشره ما می‌بینیم که پیش از انقلاب دوئیست لژ وجود داشته که ژاکوبین اسمش بوده بلافاصله بعد از انقلاب همین دوئیست لژ به اسم لژ ژاکوبین‌ها مصدر امور انقلابی فرانسه می‌شوند یا اینکه فینه فرمزی که فراماسونها در جلسات خودشان سرشان می‌گذاشتند بلافاصله بعد از انقلاب کلاه مخصوص انقلابیون فرانسه می‌شود، یا شعار معروف فراماسونها به اسم اگالیته، فراتر نیت لیبرته آزادی برابری و برادری بلافاصله شعار انقلابیون فرانسه قرار می‌گیرد. زیاد تعجب نمی‌کنیم این نهضت در تمام دنیا دامنه پیدا کرده بعد از انقلاب کبیر فرانسه و بعد از انقلاب آمریکا که در آنهم همین نهضت وجود داشته و اقدام می‌کرده همین ریشه‌ها در آنجا هم بوده به ممالك دیگری کم‌کم رخنه پیدا کرده البته وقتی که این نهضت به شرق رسیده جنبه خاصی توأم با آن شده. آن عبارت از اعمال نفوذ سیاسی بعضی از ممالك مقتدر جهان در ممالك عقب مانده آنروز دنیا محسوب می‌شده و از اینجاست که آلودگی نام نهضت فراماسونری که در روز خودش نهضت مترقی بوده و دوره خودش را با خاتمه یافتن انقلابات بورژوازی در اروپا خاتمه داده و باید طبعاً از بین می‌رفته در آنروز نهضت پیشرو و مترقی زمان محسوب می‌شده، کسانی که از ایران وسیله انتقال افکار فراماسونری در ایران شدند در درجه اول پرنس ملکم خان بوده که در لندن سفیر ایران بوده کتائبائی که نوشته تحت عنوان آدمیت یا شرایط آدمیت که آدمیت ترجمه دومانیسم فراماسونری است، تمام اصطلاحاتی که در این کتابها بکار برده شده اصطلاحات خاص فراماسونریست که به زبان فارسی در آمده حتی ما وقتی روزنامه حبل‌المتین هندوستان را که یکی از روزنامه‌های مؤثر در مشروطیت ایران

بوده نگاه می‌کنیم سرمقاله‌هایش با شرایط آدمیت شروع می‌شود کسانی‌که البته وارد به‌این اصطلاحات نیستند توجه ندارند حالا با توجه به‌این اصطلاحات وقتی رجوع می‌کند به سرمقاله‌های روزنامه حبل‌المثین با سایر جراید آزادیخواه که در خارج از ایران آن‌روز منتشر می‌شده نگاه می‌کنند می‌بینند که این اصطلاحات در تمام صفحات و مطالب این جراید معلو و پر است .

سید جمال‌الدین اسدآبادی و نظایر او در امر فراماسوئری مسلماً با اطلاع بودند تمام کسانی‌که در نهضت مشروطیت ایران قدم اول را بر می‌داشتند آشنا با اصول فراماسوئری بودند یا کسانی بودند که از طریق آنها به‌این افکار توانسته بودند پی ببرند و رخنه کنند از طریق عثمانی این افکار را به ایران انتقال بدهند .

در صدر مشروطیت حزب دمکراتی که تشکیل شده بود که با اوئیما توم روسها در ۱۹۱۱ از بین رفت و حکومت وقت این را برجید و افرادش از ایران گریختند رفتند در لندن اجتماع کردند غالب اینها از اعضای فراماسوئری عصر خودشان بودند بنا بر این انقلاب مشروطیت ایران يك انقلاب سیاسی و ادبی بود بیشتر به‌این معنی که از نقطه نظر رسیدن افکار از نقطه نظر آن لحظه، اقتصادی آن لحظه اجتماعی که يك طبقه اقتصادی می‌رود جای طبقه اقتصادی دیگر را بگیرد از آن لحاظ فوراً ماسیون و ترکیب جامعه ما تکوین نشده بود بلکه تحت تأثیر شرایط بین‌المللی تحت تأثیر امواج انقلابی آزادیخواهی که سر بازار فرانسه تا وسط روسیه پیش برده بودند تحت تأثیر افکار انقلابی که در ممالک امپراطوری عثمانی منتشر شده بود و ارتباطی که ما با فرانسه آن‌زمان داشتیم این افکار بوجود آمده بود خیلی تعجب آور است که در بین شاهزاده‌های قاجار در بین متعصبین از استبداد دوره قاجار کسانی را ما می‌بینیم از بین شاهزاده‌ها که در فرانسه تحصیل کردند به ایران آمدند نهضت‌های آزادی در خانه اینها سرچشمه گرفته همانطور که در دوره پیش از انقلاب کبیر فرانسه خود درباریها، خود شاهزاده‌های دربار فرانسه خانه‌شان مرکز نویسندگان بزرگ مبلّغ انقلابی بود یعنی انقلاب در این دوره يك جنبه فائز و ایده‌آلیستی برای کسانی داشت که هدف انقلاب را خودشان تشخیص می‌دادند انقلاب

های بورژوازی برای از بین رفتن استبداد و دوره فئودالیتة بود ولی بعضی از فئودالها و بعضی از همین مستبدین خوش نیت و خوش باطن که بر اثر مرور در کتب بر اثر دانستن ادبیات تاریخ و روانشناسی محیط تبدیل به آدمهای خوبی شده بودند خود اینها مبلغ افکار تازه انقلابی در فرانسه میشدند. همینطور که در تمام معالک شدند و در ایران هم همین ها مبلغ اولیه این افکار بودند پس تعجب نمی کنیم وقتی که می بینیم در بین مبلغین مشروطیت ایران کسانی هستند از بزرگان زمان از شاهزادگان زمان از کسانی که از خوان نعمت استبداد بهره میبردند خود اینها مبلغ آزادی و دموکراسی در مملکت بودند بدون اینکه توجه به نتایج اجتماعی و اقتصادی این کار داشته باشند شاید در بین اینها ناراضی های دربار قاجار بودند که می خواستند از طریق انتقال توارث، انتقال تخت و تاج یک سلسله دیگر از خانواده قاجار از راه استمداد از انقلابیون و مشروطه خواهان هدف خودشان را بدست بیاورند بهمین دلیل اینها در انقلاب مشروطیت دخالت کردند ولی خارج از اینها ایده آلیست ها، اشخاص مترقی اشخاص دانشمندی، بتعداد معدود در مملکت ما بودند که اینها از حسن نیت یا از مقاصد شخصی این قبیل افراد خوب دستگاه بالا استفاده می کردند، افکار خودشان را توسعه می دادند، در تمام طبقات مختلف این طبقات مختلف کسانی که لبیک می گفتند به دعوتی که آزادیخواهان ایران می کردند چندرسته بودند، درجه اول آنها شهرنشین ها بازرگانان، کاسب ها و خلاصه کسانی بودند که زندگی بورژوازی را بنحوی از انحاء می فهمیدند و حس می کردند در درجه دوم مالکین جزئی بودند که در خارج از ایران تحصیل کرده بودند افکار تازه را یاد گرفته بودند یا تحت تأثیر مبلغین افکار نو قرار داشتند رعایای خودشان را بسیج می کردند برای مبارزه بعنوان مجاهد در راه مشروطیت ایران و به تعداد زیاد از روحانیون ایران بودند بدلائل خیلی زیاد قدم اول را اینها برداشتند، همینطور که می دانیم برای گرفتن مشروطیت قدم اول را سیدالدین که نام آنها را گذاشتند مرحومان بهبهانی و طباطبائی این دو نفر اولین قدم را در راه گرفتن مشروطیت ایران برداشتند، از حسن نیت سلطان وقت استفاده کردند وقتی که خطابه مظفرالدین

شاه را در اولین مجلسی که برای تأسیس عدالتخانه یا مجلس شورایملی بپایان کرده می‌خواستیم می‌بینیم که شاهزاده‌های قاجار تا چه اندازه مظفرالدین‌شاه را حتی تهدید کردند که نباید مشروطه بدهد. بیانات او در آن جلسه که خطاب به بزرگان قاجار بوده واقعاً عبرت‌آور است و نشان می‌دهد که این مرد با حسن نیت کامل متوجه خطرات زمان خود شده و اقدام بسدور فرمان مشروطیت کرده ولی مشروطیت ایران که تقریباً با قیمت ارزانی بنحمت آزادیخواهان ایران آمد همانطور که عرض کردم آن شکل خاص طبقاتی، شکل خاص اقتصادی و اجتماعی خودش را پیدا نکرده بود؛ همین دلیل فتوایهایی که باید مشروطیت در مقابل آنها رشد و نمو بکند و اسباب از بین رفتن نفوذ آنها بشود خودشان در مشروطیت جای گرفتند و آمدند لژهای اول مشروطیت را در دست گرفتند خیلی جالب است که عباسقلی آدمیت کسیکه بعد از سعدالدوله اجاقدار کارفراماسوئری بوده و فراماسونها همانطور که عرض کردم مبلغ افکار مشروطه‌طلبی بودند.

اینها سعی کردند محمد علی شاه قاجار را به عضویت فراماسوئری در بیاورند و او را یکمرتبه به جلسه خودشان دعوت کردند و از او حق عضویت گرفتند و بعد از آن چراغ فراماسوئری به تبلیغ و تقویت محمد علی میرزا مطالبی نوشتند.

پس بنابراین افکار انقلابی و مشروطه‌طلبی آزادیخواهان ایران افکار فرم گرفته و سالم به معنای اقتصادی و اجتماعی خودش نبوده. یک سلسله تخیلات و افکار ادبی توأم با رشادت و انسان دوستی نوع پرستی و شرافت ذاتی این افراد بوده که اینها را محرک شده در بین اینها هم کسانی بودند که واقعاً مفهوم مشروطیت را می‌دانستند می‌فهمیدند مشروطیت یعنی چه، از احساسات مردم استفاده می‌کردند و بهر صورت اولین تکان را به ملت ایران دادند، نوع حکومت را عوض کردند و مجلس شورای ملی ایران را بوجود آوردند حکومت ایران را به صورت حکومت مشروطه درآوردند همین آزادیخواهان که در نهایت سلامت و شرافت در جبهه جنگ جنگیدند بعد در صندلیهای پارلمان ایران مبارزه کردند برای استقرار مشروطیت بعد از استبداد صغیر باز هم ادامه به کار خودشان دادند با همان افکار ساده و شرافتمندانه خودشان بدون اینکه توجه به حقایق

اقتصادی و اجتماعی شرایط انقلابی زمان خودشان بکنند، بهمان رویه و به همان سیره ادامه دادند. در نتیجه ملت ایران بعد از اینکه به مشروطیت رسید بعد از اینکه مردم شهرنشین ایران تشنهٔ مواهبی بودند که در دنیا مشروطیت بمردم داده بود و تفویض کرده بود نتوانستند به این آرزوها برسند وقتی که مواجهه بایک چنین شکستی شدند همهٔ اینها بفکر فرو رفتند هر کس دلیل شکست مشروطه طلبی را بر اثر عدم صداقت یا صمیمیت بعضی از افرادی میدانست که در مشروطیت دخالت کرده بودند؛ بعضی‌ها نسبت دادند که مردم ایران رشید نیستند برای گرفتن مشروطیت بعضی‌ها گفتند که ملت ایران لایق آزادی نیست. ولی واقع و نفس الامر حقیقت مطلب هیچکدام از اینها نبود آرزو مشروطه خواهان ایران که از اصول اقتصادی زمان قدیمی دورتر بودند تحت تأثیر افکار خاص انقلابی قرار داشتند نمی‌توانستند درک کنند که نه ملت ایران تقصیر در داشتن یا نداشتن آزادی داشته‌ونه خیانت بعضی از مشروطه‌طلبان تراسته تأثیری در بی‌اثر ماندن مشروطیت ایران بگذارد بلکه علت‌العلل علت غائی علت واقعی تمام این تحولات و عقیم ماندن این تحولات یک چیز بوده و آن استقرار فتوٰدالینه حتی در دوره مشروطیت همانطور که در تمام دنیا بعد از استقرار مشروطیت و دموکراسی حکومت از دست ده‌نشین‌ها از دست فتوٰدالهای مالک کسانی که تعدادی رعیت داشتند تعدادی غلام مسلح داشتند منتقل شد به حکومت مردم متوسط که یا در شهر و یا در دهات بودند تبدیل شد حکومت عمدهٔ مالکین به حکومت مالکین جزء تبدیل شد حکومت روحانیون بزرگ و متنفذ مسیحی به حکومت کسانی که در طبقات پائین تر روحانیت قرار داشتند همینطور در ایران باید بعد از انقلاب مشروطیت که روحانیون ما پیشقدم بودند تجار ایران یعنی طبقه متوسط مردم پیشقدم نهضت مشروطه طلبی بودند شهرنشین پیشقدم بودند و باید اساس مالکیت عمده را حل می‌کردند تا بتوانند مشروطیت را در مملکت مستقر کنند بدون توجه به این مفاهیم متأسفانه خیال کردند مشروطیت عبارت از انتخابات صنفی عبارت از اینست که چند نفر شریف و با حسن نیت و یا انساندوست از اصناف انتخاب بشوند بیایند در مجلس بنشینند حتی رجال آروز که منتسب به طبقات قدیمی بود با نهایت شرافت فداکاری بکنند و بخواهند با افکار ادبی با افکار سوفسطائی با افکار صوفی منشانه بخواهند توانست انقلاب

مشروطیت ایران را بایدار بکنند. آن روز این مطلب را توجه نداشتند در نتیجه از وقتی که انتخابات عمومی اعلام کردند فوراً قدرت مالکیت یعنی قدرتی که استبداد در ایران مورد استثمار خودش حتی قرار داده بود همانها مجلس را در دست گرفتند آنرا در تمام نقاط ایران فتودالها زارعین را وادار کردند بنفع آنها یا بنفع نمایندگان آنها رأی بدهند و مجلس را قبضه خودشان بکنند و از راه مجلس توفیق پیدا کردند حکومت را در دست خودشان بگیرند تا پیش از کودتای سوم اسفند در ایران این وضع ادامه داشت حکومت خان خانی در تمام ایران با وجود استقرار مشروطیت وجود داشت حتی در دوره سلطنت رضا شاه فقید در غالب نقاط ایران کردن کشتهای فتودال وجود داشتند بیست سال طول کشید تا رضا شاه فقید با نیروی نظامی توانست قسمت به قسمت ایران این فتودالهای به معنای خودش را یعنی خانهای که دارای افراد مسلح بودند از بین ببرد و مملکت را یکپارچه بکند حکومت متمرکز ملی را در ایران بوجود بیاورد.

وظیفه نسل بعد بود که اقدامات رضا شاه کبیر را تکمیل بکنند و حکومت ایران را بر پایه استقرار دموکراسی به معنای خودش قویم و استقرار بکنند و اساس مشروطیت که اساس تشکیلات ملی ایران باید باشد قویم و بایدار نگاه بدارند.

## فصل هیجدهم

### فراماسونها و انجمنهای مخفی و علنی در ایران

فراماسنهای دنیا مثل همه جمعیت‌های سری و مخفی عالم از مجامع مخفی ماسنی بدو تشکیل سازمانهای ماسنی، سعی داشتند در پشت پرده دنیا و ایجاد انقلابات انجمنهای مخفی و علنی باقی بمانند و بازیگر اصلی باشند و برای نیل به هدفهای مرام خود از این انجمنها، استفاده کنند. انجمنهای مخفی و علنی، کلوپها و حتی کتابخانه‌هایی که فراماسنها در کشورهای بزرگ اروپا و آسیا تشکیل دادند، همواره در ایجاد انقلابات، حوادث خونین و تغییر رژیمها مؤثر بوده‌اند.

آشوب ایتالیا و فتنه اسپانیا در قرن شانزدهم را فراماسونها رهبری می‌کردند. کارل تون هایس در جلد اول تاریخ خود می‌نویسد: «... لژهای فراماسون مراکز مناسب و امنی برای تبلیغات بود. آزادیخواهان که روابط بسیار نزدیکی در میان ملت اسپانیا قبول پیدا کرده بودند، می‌توانستند بواسطه علائم و اشارات و طرز مخصوص دست دادن و اسامی و الفاظ سری و رموز، بدین وسائل آزادی- برابری و برادری را به ملت اسپانیا قبول تعلیم بدهند. در میان عناصر لامذهب و ضد روحانیون حتی در میان صاحب منصبان قشون این نهضت توسعه یافت تا اینکه در کشور اسپانیا جنگ داخلی شروع گردید...»<sup>۱</sup>

صدر اعظم فعلی و همچنین مجامع بان اسلامی که از طرف شیخ جمال الدین پایه گذاری شده در صدد برانداختن دستگاه صدر اعظم و در فکر انقراض رژیم قاجاریه و برقراری رژیم جمهوری اسلامی و اتحادیه نزدیک با کشور عثمانی است.

بعقیده اطلاع دهند این اتحاد همبستگی با ژفراماسوئری که از طرف مرحوم محسن خان (مشیرالدوله) سفیر ایران در قسطنطنیه که بعداً وزیر امور خارجه گردیده پایه گذاری شده بود.

محسن خان هنگام اقامت در قسطنطنیه ریاست لژ مسلمین را عهده دار بود و به آن ایمان داشت و با شیخ جمال الدین هم مناسبات نزدیکی داشت. علت این نزدیکی عضویت شیخ در لژ فراماسوئری بود و دیگر آنکه چون سلطان عثمانی تحت نفوذ جمال الدین بود محسن خان علاقمند بود که محبت سلطان را بخود جلب نماید.

یکی دیگر از دوستان شیخ، ملکم خان سفیر سابق ایران در لندن و سفیر فعلی در رم میباشد که پس از قضایای معتضخانه معاملات لاناری با شیخ ارتباط پیدا کرد و با شیخ در حملات ضد ناصر الدین شاه فقید و جرأید اروپا و اسلامی همکاری می نمود و با وجودیکه یک کفر مسیحی بود تبلیغات ضد مذهبی علیه رژیم قاجار بعمل می آورد.

عالیجناب مسکن است بخاطر داشته باشند که محسن خان پس از تبعید شیخ از ایران با او ارتباط پیدا نمود و بهمین جهت شاه مرحوم او را از سفیر کبیری ایران در قسطنطنیه معزول و به جرم خیانت به تهران احضار نمود ولی با وساطت دوستان متنفذ خود در دربار و مخصوصاً نریمان خان وزیر مختار ایران دروین مورد عفو قرار گرفت و بترتیب وزیر عدلیه و وزیر امور خارجه ایران گردید. ملکم خان نیز به همین طریق بخشوده شد. تصور نمیرود درباره نقشی که بعداً جمال الدین در سیاست ایران به عهده داشت لزومی به گفتار باشد. میرزا رضا قاتل شاه فقید همانطور که استحضار دارید از دوستان و نوکران فدائی شیخ بود و از نقطه نظر تعصب مذهبی مرتکب قتل شاه نگردید بلکه ضمن انتقامجویی او را دادر بقتل شاه نمود. میرزا رضا در دروین زندانی و مورد آزار قرار گرفته بود از قراریکه به من گفته شد جلوی چشمش فرزندش را شقه و زش را

انقلاب فرانسه نیز به تحقیق درائر فعالیت و کار مداوم انجمنهای مخفی و علنی از فراماسنی فرانسه آغاز و پایان یافت .

موریس تالمیر<sup>۱</sup> در رساله‌ای که در سال ۱۹۰۴ به چاپ رسانیده است ، درخصوص فراماسونری و ارتباط آن با انقلاب فرانسه در سالهای ۱۷۸۹-۱۷۹۲-۱۷۹۳ (۱۲۰۳-۱۲۰۷) چنین مینویسد : ... انقلاب فرانسه آزمونی پیش با کمال مهارت مانند ... اما به پشنامه طرح ریزی شده بود و تمام تغییرات و توطئه‌هایی که در اثر انقلاب بوجود آمد نتیجه فعالیت‌های فراماسونری بوده است .

فراماسونها کار را طوری شروع می‌کنند که اسرار آینده آنها بسکلی مخفی و در پشت پرده بماند و عملیات ایشان همیشه به قتل پادشاه خاتمه میافته است . اسناد معتبری از طرف خود فراماسنها در این باب ابدآ نشر نیافته زیرا که مجامع آنها همیشه سری و مخفی بوده است ...<sup>۲</sup>

کمیته سری که نظامیان انقلابی ، حتی افسران گارد شاهی فرانسه در آن شرکت داشتند ، یکی از کمیته‌های فراماسنها بود .

«لیروی» افسر گارد و شکارگاه سلطنتی در سر میز شامی گفت : «... من منشی کمیته‌ای بودم که این انقلاب از آنجا سرچشمه گرفت و این رنج و ندامت مرا خواهد گشت !  
این کمیته در منزل بارون هولباخ تشکیل می‌شد و اعضای برجسته ماعبارت بودند از المبرت-تورگو-کندورسه-دبئور-لاهارپ و لاهوانیون که در قصر خودشان در مدت انقلاب کشته شدند .

اغلب این کنا بهائی که می‌بینید از چندی قبل علیه مذهب - اخلاق اجتماعی و علیه دولت انتشار یافته است همه از تألیفات ما بوده است . و ما آنها را مجازاً یا به قیمت بسیار ارزان که در حکم مجانی بوده به تجار دوره گرد میدادیم که به بهای بسیار ارزان به مردم بدهند . اینهاست عللی که ملت را تغییر داده و آنها را به جائی که امروز

1- Maurice Talmeyr .

2 - La francé Maçonneriet La Revolution Française.

ملاحظه مینمائید کشاید...<sup>۱</sup>

تاریخ دوستان و پنجاه ساله فراماسونری نشان داده که همواره ماسنها بدون اینکه ماهیت خود را نشان دهند در اجتماعات و مؤسسات مختلف ظاهر میشوند. در انقلاب کبیر فرانسه نیز فراماسنها چنین اقداماتی می کردند.

مرحوم محمود محمدی نویسد: «... تمام اشخاصی که در لژهای پاریس بودند دو سه سال انقلاب آنها را در کلوبها - در مجامع - کمیته ها - روزنامه ها و سایر اجتماعات مشاهده می نمائیم.

مثلاً کندیورسه - بریو - گارا - بای پی کامیل دمرلن - فورکروی - دانتن - شنیه - لاعتری - رابوسن اتین<sup>۲</sup>. اینها همه در لژ (نه خواهران)<sup>۳</sup> بوده اند و عده کثیر دیگری نیز<sup>۴</sup> منجمه میرابو، فوشه، روپسیر متعلق به سایر لژهای معروف فعالیت میکردند و نیز عده قابل توجهی از اعیان و اشراف و دوکها (کنت ها و شاهزادگان) که در صحنه های انقلاب نقش هائی را ایفا کرده اند با اشخاص فوق الذکر بودند...

در این دوره تغییر فاحش در طریقه انتخاب اعضای فراماسونری و ثبت نام آنها به عمل آمد به این معنی که تا تاریخ مزبور در لژها فقط صاحبان منصب و مقام و نجیبها - آریست ها - خطباء - نویسندگان - بورژواهای بزرگ و کوچک راه داشتند و از این پایه تنزل نمی کرد.

ناگهان در سال ۱۷۸۷ (۱۱۳۸ هـ) عده ای حمال و قایقران و نیز طبقه ارادله و او باش کوچه گرد و قاچاقچی و راهزن - قاتل و جانی که از این راه امرار معاش می کردند داخل لژهای فراماسنها شدند.

حتی بطور ناگهانی و طبق فرمان استاد بزرگ ماسونری تمام دسته گارد فرانسه با

۱ - جلد ۷ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ص ۱۸۲۳

۲ - Brissot . Garat . Camille dmionlins . Fourcroy . Danton . Chenier . Lamettrie . Rabud - Saint - Etienne .

۳ - Loge des Neufsoeurs

۴ - Robaspierre - Fauchot - Mirabeau

صاحب‌منصبان آنها که از مدتی قبل فراماسون شده بودند ولی برای اینکه شناخته نشوند در آنجا رفت و آمد نمی‌کردند، تظاهرات علنی بنفع ماسونها شروع کردند.

در این موقع همه‌جزء این‌دسته ظاهر شدند، بدین طریق فراماسونری به آخرین درجه توسعه و قدرت رسیده بود و کاملاً در همه جا مرکزیت داشت. در لژ پاریس کسانی جمع بودند که همه آنها از رجال انقلاب بودند و اینها با لژهای «ایلمومی نیست»ها ارتباط دائم داشتند...<sup>۱</sup>

در انقلاب فرانسه علاوه بر تظاهر مخفی و علنی فراماسنی، کمیته‌های سری و تعداد زیادی انجمنها، کلوپها و مجامع علنی و اجتماعی وجود داشت که بوسیله فراماسنها اداره میشدند و از مهمترین آنها بایستی کلوپ «ژاکوبین»ها را نام برد.<sup>۲</sup>

کلوپ مرکزی ژاکوبین‌ها در شهر پاریس و شعب آن در ۲۸۲ شهر فرانسه که لژهای فراماسونری وجود داشت دایر بود.

این کلوپ بمنظور اینکه کسی از اسرار آن آگاه نشود نام خود را کلوپ «ژاکوبین»ها نهاده بود.

انتخاب نام ژاکوبین از آن جهت بود که اولین دسته فراماسونهای فرانسه در دیر «ژاکوبین» بودند و همین ژاکوبیت‌ها<sup>۳</sup> بودند که فراماسونری را در این کشور رواج دادند. ژاکوبیتها بر سر مریدان و شاگردان خود شب کلاه قرمزی میگذاشتند، فراماسنها و اعضاء کلوپ ژاکوبین هم در سرتاسر فرانسه کلاه قرمز بر سر می‌گذاشتند.

فراماسنهای فرانسه مؤسسه مهم دیگری نیز داشتند که به موجب اسنادی که از میان اوراق «کاردینال دو برنیس»<sup>۴</sup> کشف شد و «دشان»<sup>۵</sup> نویسنده فرانسوی در کتاب (اجتماعات سری و جامعه)<sup>۶</sup> نوشته «کلوپ تبلیغات» بوده است.

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ص ۱۸۲۷

2 - Le Club des Jacobins .

3 - Les Jacobites .

4 - Cardinal de Bernis.

5 - P. Deschamps.

6 - Les Socie. Tie Secretes et La Socie. Te

شاید بتوان این کلوپ را مرکز «فرماندهی» مجمع فراماسنهای فرانسه دانست زیرا کاردرینال «دوبرنیس» که مدت‌ها استاد اعظم لژ فراماسنها بوده می‌نویسد: «... توجهی به صورت اعضای محترمی که کلوپ تبلیغات را تشکیل می‌دهند، هدف این کلوپ را روشن میکند. بطوریکه همه کس میدانند منظور نهائی این کلوپ نه فقط قوام دادن فرانسه است، بلکه رخنه‌دادن آن مابین تمام ملل اروپاست و واژگون ساختن کلیه دولتهائی که فعلاً بر روی کاراند» اکنون که تا اندازه‌ای از سوابق پنهانی فراماسونها در انجمنها و مجامع آگاه شدیم، بد نیست، بدانیم آنان در کشور ما چه می‌کردند؟

قبل از اینکه بدانیم انجمنهای مخفی فراماسنی در ایران انجمنهای مخفی و بخصوص در «انقلاب مشروطیت» چه نقشی داشتند، لازم علل تشکیل آنها در است که از سابقه انجمنهای مخفی اطلاعاتی داشته باشیم.

ایران خاور زمین از روزگاران کهن شاهد تشکیل انواع مختلف جمعیت‌های مخفی بوده است. این جمعیت‌ها یا در تاریخ ممالک این سرزمین تأثیر داشته‌اند و یا سعی می‌کرده‌اند که در حوادث مؤثر واقع گردند. ایران دوره اسلامی نیز از این حیث مستثنی نبوده است. مجامع و دستجات مختلف گاه‌بگاه سعی نموده‌اند با تشکیل جلسات سری، حقوقی را که متعلق به خود میدانستند و به وسیله حکومت‌های مطلقه و استبدادی پایمال گردیده بود دوباره بدست آورند.

ایرانیان موفق شدند با عضویت در این گونه مجامع و شرکت در فعالیت‌های مخفی تجریات و پیروزی‌های سودمندی بدست آورده و به مقاصدی که در زمینه‌های دیگر داشتند تأثیر شونده.

بنا بر این تعجبی ندارد اگر ادعا کنیم که وجود فعالیت جمعیت‌های مخفی در نخستین مراحل نهضت ترقی‌خواهانه و مدرنیزه ساختن کشور ایران که منجر به انقلاب مشروطه ۱۲۸۵-۱۲۸۴ ش. (۱۹۰۶-۱۹۰۵ م) گردید، سهم مهمی داشتند و عبارت دیگر انقلاب مشروطیت و جنبش ترقی خواهانه ایران تا حدود زیادی مدیون فعالیت‌های جمعیت‌های مخفی ملی بوده است.

باید داشت که ساختمان و شالوده اجتماعی ایران در قرن نوزدهم بر اثر فعالیتهای دولتهای خارجی تضعیف گردید ، ممیزا وفاداری مردم نسبت بدستجات ومجامع محلی و گروههای مختلفه مذهبی و صنفی ادامه یافت و این وفاداری بصورت معتقدات مردم درآمد .

ناسیونالیسم بمفهوم تمامیت ارضی تقریباً نامعلوم بود و میهن پرستی جز در مورد امور مذهبی بشعرت محسوس می گردید . در اینجا بدنبست متذکر شویم که در آن سالها نویسندگان و خطباء ایرانی هنوز کشور ایران را «ممالک اسلامی» می نامیدند و «شاه ایران» را نیز «شاهنشاه اسلام» خطاب می کردند . و علاوه براین اعتراضات اشخاصی که نقش عمده ای در تحولات تاریخی ایران و انقلاب مشروطیت بر عهده داشتند ، مستقیماً متوجه بیگانگانی بود که بحدود و ثغور کشورهای اسلامی و مذهب اسلام تجاوز می نمودند نه به کشور ایران و ایرانیها . رابطه بین مراد و مرید که عبارت از رابطه يك روحانی و شاگرد وی باشد ، همواره جنبه مطلق و آمرانه داشت و این ارتباط به جامعه نیز سرایت فراوانی نموده بود .

دولت ایران در آن زمان دولت مستبدی بود . مردانی که نمی توانستند با رژیم استبدادی موافق باشند چاره ای نداشتند جز اینکه یا از کارکناره گیری کنند و یا موجبات واژگون ساختن حکومت را فراهم آورند .

همین پدیده اجتماعی ، تاحدودی موجبات توسعه جمعیت های مخفی را که اغلب بادستجات افراطی مذهبی ارتباط داشتند فراهم آورد و قتل و ترور تنها اسلحه دستجات برای لیل به قدرت سیاسی بود<sup>۱</sup> .

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه ۱۲۲۷-۱۲۷۵ ش (۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶ م) برای نخستین بار فراماسونهای عضو سازمان ( میرزا یعقوب و میرزا ملکم خان ) که اقلیت کوچکی را تشکیل داده بودند ، با احتیاط و علائمت خاصی مسئله اختیارات نامحدود

۱ - برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب دانجمن های سری در انقلاب مشروطیت ایران، تألیف نگارنده .

پادشاه را مورد انتقاد، قرار داده و مراتب اترجار خود را نسبت به اجحافات طبقه حاکمه و دوزوئی و تملق روحانی نمایان اعلام داشت.

فرااماسنهای آن زمان که بعقیده خانم لمبتن «فرااماسنهای انگلیسی و فرانسه اصولاً آنها را نمی شناختند» اوضاع کشور خود را در آن زمان با سایر کشورها مخصوصاً کشورهای اروپای غربی مورد مقایسه نامطلوبی قرار می دادند، و برای اینکه برآز موفقیت کشورهای اروپائی پی ببرند، علاقه زیادی نسبت به نوع حکومت کشورهای اروپائی نشان می دادند.

فرااماسنها به تدریج معتقد شدند که با اتخاذ اصول و رویه حکومتهای اروپائی خواهند توانست از تجاوزات و دخالت بیگانگان که فساد حکومت موجب تسهیل آن گردیده بود، جلوگیری نمایند، و همچنین از مزایا و جنبه های مثبت تمدن غرب برخوردار شوند. در این هنگام حوادث و جریانات مختلفی نیز به تدریج موجب بیداری سایر طبقات مردم ایران می گردد.

از دست رفتن قسمتی از خاک ایران و الحاق آن به روسیه و عدم توانائی ایران در مقابله با تجاوزات بیگانگان و بحران مالی کشور و تفویض امتیازات به کشورها و اتباع خارجی از جمله این عوامل مختلف بود. در نتیجه این وقایع فرااماسنهای ایرانی از حوادث و افکار ترقیخواهانه مردم حداکثر استفاده را نمودند و هر جا نفع آزادی بلند می شد، خود را به آنجا می رساندند.

در سال ۱۲۶۹ ش (۱۸۹۰ م) که مخالفت عامه مردم و طبقه روحانی با سلطنت استبدادی جنبه صریح و آشکار بخود گرفت، مردمی که بهیچان آمده بودند بر اثر تشویق (میرزا ملکم خان و سید جمال الدین اسدآبادی دو پایه اصلی و اساسی فراماسوئری در ایران) و به بهانه لغو امتیاز تنباکو<sup>۱</sup> بنای مخالفت با استبداد را گذاردند

۱- مبارزه با امتیاز تنباکو که ناصرالدینشاه به یک شرکت انگلیسی داده بود، نخستین مقاومت منفی مردم در دوران سلطنت قاجاریه است، در این مبارزه مردم، حاجی میرزا حسن شیرازی که از علمای مذهبی مقیم سامره بودند نقش اساسی داشت و هم او بود که فرمان تحریم تنباکو را داد.

و اظهار نمودند که تفویض امتیازات به خارجیها موجب تهدید دنیای اسلام و استقلال ایران است.<sup>۱</sup>

این مخالفت در جنبه داشت، یکی مبارزه با فساد و دیگری با نفوذ بیگانگان. نخستین آثار مخالفت در یزد و تهران و سپس در تبریز و اسفهان و شیراز پدیدار گردید. و به تدریج این جنبه ترقیخواهی به علماء نیز سرایت کرد، و آنها به بهانه آشنائی با فقه اسلامی طلاب را وادار می نمودند که با علوم جدید آشنا شوند و در جریانات اجتماعی شرکت کنند.

اساساً در آن زمان جامعه مرفی و روشنفکر و حتی مردم طبقه دوم بیدار شده بودند، کسانی که شیفته آزادی و رهائی از چنگال فراشان بیرحم دربار قاجار، بجمّاقداران حکام جابر و ظالم بودند مجتمع گردیدند و علیه کسانی که «فرمان حکومتی» را با پول گزافی می خریدند به مبارزه برخاستند.

مردم بیدار که به تدریج به آنها نام «آزادیخواهان» و بعدها «مشروطه طلب» داده شده، بیش از هر چیز می خواستند اصول تمدن غربی را در ایران شیوع دهند و برای انجام این هدف به جامعه دیانت و روحانیت روی آوردند و در پناه آن به فعالیت پرداختند.

مجموع نیمه مخفی که از اواخر سلطنت ناصرالدینشاه در تهران و سایر شهرستانها بوجود آمد (و بسیاری از آنها بدون اینکه شناخته شود از بین رفت) عموماً به نام «انجمنهای ملی» معروف شدند. انجمنهای مخفی در آغاز فعالیتهای خود را منحصرأ به رهائی از استبداد و بهره مند شدن از آزادی و عدالت و بخصوص فرهنگ استوار می گردانیدند.

انجمنهای مخفی ایده ثلوثی و یا برنامه خاصی نداشتند ولی در خلال سلطور مراحمهها، شب نامهها و مقالاتی که انتشار می دادند، دستورات مذهبی و کمی هم مفاد

۱- ملک خان بعدها امتیاز «لاطاری» در ایران برای شاه گرفت که داستان افشاج آمیز آن مفصل و شیرین است.

مراعاتنامه‌های احزاب سیاسی غرب دیده می‌شد.<sup>۱</sup>

پرفسور لمبتن انگلیسی معتقد است که: «مراتب و همبستگی این جمعیتها به جمعیتهای مذهبی افراطی و واسطه اسلام و جمعیتهای ادبی که در زمان سلطنت فتحعلیشاه تأسیس گردیده بیشتر بود.»

هم آرمی نویسد: «... یکی از این مجامع مخفی دسته فراماسنها بودند که لزماً آنها اصطلاحاً «فراموشخانه» نامیده می‌شد و عده‌ای از اشخاص که بعداً رهبری انقلاب مشروطیت را عهده‌دار شدند جزو دسته فراماسنها می‌باشند.»

تأسیس فراموشخانه را به میرزا ملکم خان نسبت می‌دهند و اغلب از اعضاء اصلی آن از شاگردان قدیمی مدرسه دارالفنون بودند که در ربیع الاول ۱۲۶۸ مطابق با دسامبر ۱۸۵۱ احداث گردیده بود...»

شاید از این به بعد بتوان نقش رهبری «انجمنهای ملی» را بوسیله فراماسنها قبول کرد زیرا پس از ترو ناصرالدینشاه بوسیله میرزا رضای کرمانی در سال ۱۳۱۳ هـ (۱۸۹۶ م)، فعالیت انجمنهای ملیون بیشتر شد.

اعضاء این انجمن را بغیر از مردمانی که حقیقتاً شیفته آزادی بودند، اغلب افراد متوسط طبقه علما تشکیل می‌دادند که در پشت پرده تعداد زیادی از این انجمنها مرکب از افراد فراماسون بودند. در اوایل کار «انجمنها» و در روزهاییکه هنوز تعداد آنها به ادعای ایوانف روسی<sup>۲</sup> «تنها در تهران به ۱۴۰» نرسیده بود، توسل بزور و انقلاب و واژگون ساختن حکومت برای نیل به نظریات ترقیخواهانه لازم شمرده نمی‌شد و انجمنها حتی حاضر به شنیدن انتقاد ساده از اوضاع رقت بار و جابرانه روزهم نبودند.

اسولاً طبقه حاکمه و اعیان و حتی برخی از ملاها و مجتهدین متنفذ که وجودشان برای پیشرفت انجمنها لازم و ضروری بود، مادامی که مقرری آنها از طرف دربار میرسید کاری به این کارها و شرکت در مجامع مخفی نداشتند و حتی حاضر نبودند یکبار هم در جلسات

۱- در آرشیو نگارنده دو دست و هفتاد نسخه رساله مخفی، شبنامه و اعلامیه آغاز

نهضت بیداری و دوران مشروطیت موجود است.

۲- صفحه ۳۴ تاریخ مشروطیت ایوانف.

سلام ما بر شما ای سر بازهای مظلوم و ای برادرهای  
 رزندگان محروم یعنی بیدارند و رسول خدا بجال شما  
 ترابان است و حشههای ملائکه مغربین بر کرسی و برهنه  
 شما خون گریه میکنند خدا و او شما مظلومین را از ظالمین بگریه  
 این ظالمین چون شما را پیش ما میبردند و از حقوق شما عمارت  
 عالی میسازند و مشعل مشغول مشربا با خود و چون وفادار  
 هستند... از و فتنه ما الهی شهر شنیدیم که شما بعلت  
 از دین میکنند و بگرز فتنه کی بر ما حرام شد از برای حال  
 شما خواب و خوردن را نداریم و فتنه خدایتان حجت الاسلام  
 آقا سید عبداللہ و رئیس المسلمین آقا سید محمد و عرض حال  
 شما را با ایشان نمودیم و مورد دندما که چند ماه است  
 گفتگو ما در و لث میکنیم برای کارهایی سر بازهای  
 بیچاره است که چرا پولی که دولت از وعده برای سر باز  
 بگریبان بیچاره ها نمیدهد حال ما حاضریم که روزی  
 ستم خزان از کعبه خود مان سر بازها بدیم که این  
 بیچاره ها از کرسی منبرند ما فکر اصلاح کار آنها با شما



مورد تجاوز قرار داده بودند علت زندانی شدن او شرکت در توطئه‌های قبلی روحانیون علیه شاه بود .

دولت ایران از دولت ترکیه تقاضای تسلیم جمال‌الدین را بعلت شرکت در توطئه قتل ناصرالدین شاه نمود ولی قبل از تسلیم بطور اسرار آمیزی فوت نمود و از قرائن چنین استنباط می‌شود که مرگ او در اثر نوشیدن زهر به امر سلطان عثمانی بوده است .

جمال‌الدین طرفداران زیادی از خود باقی گذاشت که در بین آنها دشمنان رژیم آگاه و یا مسلمانان متعصب بودند و افکار آنها بطور مرتب در بعضی جراید فارسی و انگلیسی هندوستان و مصر منعکس و علیرغم سانسور پلیس و به‌طور قاچاق به ایران می‌رسید . در این دسته برخی از سران مذهب تشیع شرکت داشتند و گویا دو نفر از مجتهدین بزرگ از این دسته طرفداری می‌کردند و بطوریکه من شنیدم ام از این دسته از مذہبها روز بروز قوی‌تر میشدند نفوذ قدرت آنها از موقعی بیشتر شده که تنفر مردم از عملیات روسها و بغزونی نهاده است . در بین محصلین مدارس مذهبی افکار سوغستانیان قسطنطنیه با احساسات دمکراتی توأم گردیده است . گفته شده که یلدیزیهای عثمانی بطور سری به طلاب و مدارس علوم دینی کمک می‌کنند من می‌توانم اظهار عقیده کنم که همه ساله ۱۲ هزار نفر از طلاب دینی از طرف سلطان عثمانی برای تبلیغ مرام پان اسلامیزم و خلافت آل عثمانی در میان مردم ایران پراکنده میشوند گرچه ممکن است که این عقیده شخصی خودم باشد و یا قبول کنم که گزارش دهند به این اطلاعات صادق است .

سازمان برادری فراماسونری که توسط شیخ محسن خان (مشیرالدوله) در ایران تشکیل گردیده بیشتر به منظور انجام خواسته‌های شخصی و سیاسی او بوده . در این تشکیلات حکیم‌الملک و قوام‌الدوله (که اخیراً بازداشت شده) و نصرالملک (هدایت) که همگی مخالف رئیس‌الوزرا هستند و همچنین مشیرالدوله (میرزا نصراله‌خان) و مشیرالدوله عضویت داشته‌اند .

گرچه پس از فوت محسن خان (مشیرالدوله) تاکنون لژی در ایران نبوده است با اینحال در میان باقیمانده‌گان لژ مذکور اشخاصی هستند که هنوز وابستگی خود را به لژ

مخفی شرکت کنند و گفتارهای انقلابی و انتقادی بشنوند. چنانکه در یکی از جلسات «انجمن مخفی» که بعداً ذکر آن خواهد آمد، همینکه سخنگوی انجمن شروع به انتقاد کرد و برخی از مشکلات زندگی مردم را برشمرد، عده‌ای تصمیم گرفتند از آنجا بروند تا نظم الاسلام می‌تویسد:

«اول آنکه همه اهالی آن مجلس جرأت استماع اینگونه مذاکرات را نداشتند و از ترس آنکه شاید خبر به عین الدوله برسد در شرف حرکت کردن و رفتن بودند»<sup>۴</sup> تا نظم الاسلام که یکی از کارگردانان ظاهری انجمن بود برای اینکه سایرین را از وحشت برهاند و حاضر به شرکت در انجمن مخفی کند، در جلسه اول متوسل به پیشوای مذهبی بزرگ آن زمان میرزا سید محمد مجتهد طباطبائی شده و گفت: «... در این عصر و زمان عالم و رئیس روحانی هم مانند جناب آقا میرزا سید محمد مجتهد طباطبائی داریم که تاکنون عالمی باین خوبی و آگاهی و صحت و انصاف نداریم، سیاسی می‌داند، خطوط خارجه را می‌خواند، به حقوق ملل عارف و...»

فراماسنها و کارگردانان پشت پرده وحشی ظاهری (انجمن مخفی) و سایر انجمن‌های مخفی و علنی و آزادیخواهاندهمواره رهبران و پیشروان اقدامات آزادیخواهانرا از طبقه علماء انتخاب کرده و این طبقه را به عنوان سپری در برابر تجاوزات طبقات حاکمه نسبت به مردم قرار می‌دادند.

زیرا طبقه علماء و مجتهدین و حتی ملایان درجه دوم و سوم تنها دسته‌ای از اجتماع بودند که می‌توانستند علم و دانش را در میان مردم بسط و توسعه بدهند و به‌لایه اعتقاد عامه نسبت به مذهب شیعه موجب شده بود که مردم علماء را رهبران واقعی خود بشناسند.

انجمن‌ها تنها وظیفه خود را بیداری مردم و آگاه ساختن آنها از مضار استبداد و تشریح خیرهای نیک آزادی می‌داستند. و اغلب در شب نامه‌هایی که منتشر می‌ساختند جنبه ترقی خواهانه و تجدیدطلبی را نیز فراغوش نمی‌کردند و از دولت می‌خواستند

۱- انجمن مخفی فوق‌الذکر کارگردانانش ملاها بودند.

۲- کتاب بیداری ایران چاپ دوم سن ۱۳۵۵.

تا مدارس جدیدی ایجاد نماید و علوم و دانش جدید را به مردم بیاموزد. پرفسور لمبتن انگلیسی معتقد است که: «قسمت عمده‌ای از اطلاعات خود را از اعضاء انجمنها در باره ترقیات خارج مدیون نشریات فارسی بود که در خارج از ایران به چاپ می‌رسید که از جمله می‌توان روزنامه اختر در اسلامبول و حبل‌المثین در کلکته و قانون را در لندن نام برد. در سال ۱۳۲۲ (۱۹۰۴م) نخستین کتابخانه ملی با کوشش اشخاصی مانند میرزا آقای اصفهانی، ملک‌المتکلمین و سید نصراله تقوی و نصرت‌السلطنه تأسیس گردید و این کتابخانه مرکز تجمع اصلاح‌طلبان به‌شمار می‌رفت.»

قبلاً گفته شد که سازمانهای فرامasonری حتی در تأسیس قرائنخانه‌ها و کتابخانه‌ها و سازمانهای انتشارات برای پیش بردن مقاصد خود بخصوص هنگامیکه هدفهای انقلابی وجود داشت استفاده می‌کردند.

در ایران هم فراماسنها در تأسیس اینگونه مراکز اقدام کرده‌اند، بطوریکه پرفسور لمبتن اشاره کرده است نخستین کتابخانه ملی در ایران بوسیله ملک‌المتکلمین، سید نصراله تقوی و نصرت‌السلطنه تأسیس گردید، چنانکه قبلاً اشاره شد<sup>۱</sup> سید نصراله تقوی یکی از ارکان لژ بیداری ایران و هم‌او بود که در ترجمه قانون اساسی ماسنی شرکت داشت و ملک‌المتکلمین نیز جزو همین دسته بود.

حاج سید نصراله تقوی بنا به‌مأموریتی که از طرف سازمان ماسنی ایران داشت «کتابخانه ملی» را یکی دیگر از پایگاههای تجدیدطلبی و آزادیخواهی فراماسنها قرارداد و خانم لمبتن اعتراف می‌کند «این کتابخانه مرکز تجمع اصلاح‌طلبان بشمار می‌رفت» همینکه تأسیس انجمنها رواج یافت و بخصوص بعد از قتل ناصرالدین‌شاه بر تعداد انجمنهای تهران و ولایات سرعت افزوده شد، بطوریکه ایوانف روسی با استفاده از اسناد بایگانی راكد وزارت خارجه روسیه تراری می‌نویسد:

«تنها در تهران ۱۴۰ انجمن وجود داشت و در ولایات نیز جمعاً ۱۱۰ انجمن تأسیس و منحل شد.»<sup>۲</sup>

۱- رجوع شود به فصل لژ بیداری ایران همین کتاب -

۲- تاریخ مشروطیت ایوانف ص ۹۸.

مرحوم کسروی در تاریخ مشروطیت هنگامی که حادثه روز ۹ جمادی الاول ۱۳۲۳ هـ (۱۹۰۶ م) و جنب و جوش انجمنها را بیان می کند رقم انجمنها را در تهران به ۱۸۰ رسانیده چنین مینویسد: «... انجمنهای تهران به جنب و جوش پرداخته باز به مدرسه سیه سالاری آمدند».

نخست انجمن شاه آباد که از انجمنهای بزرگ و بنامی بود با افزایش جنگ و رده و شکوه آمده سپس انجمنهای دیگر پیروی نمودند، و هر انجمن یکی از حبره ها را گرفته لوحه خود را بر سر در آن آویخت. روزنامه مجلس مینویسد: یکصد و هشتاد لوحه به شمار آمد از اینجامیتوان دانست که چه ابوهی در میان می بوده...<sup>۱</sup> دکتر ملکزاده تعداد انجمنها را تا ۲۰۰ کمیته در تهران می داند. در تأسیس تعداد زیادی از این انجمنها فرااستهای ایران دخالت مستقیم داشتند. بطوریکه می توان گفت يك یاد و نفر آنها مستقیماً عضو مؤسس این گونه انجمنها بودند. ولی در عدمای از انجمنها نیز بهیچ وجه اسمی از اعضاء فرااستهائی بهمیان نیامده و گمان می رود ماسنها از پشت پرده اینگونه انجمنها را که اکثراً افراطی بودند اداره می کردند<sup>۲</sup>.

مرحوم کسروی در کتاب تاریخ مشروطه ایران چندین بار از فعالیت «انجمن بهائی» و «مرکز غیبی» یاد می کند. او در تاریخ مشروطه و کتابها و رساله های دیگری که نوشته، همواره در باره سازمان فرااستهائی ایران سکوت کرده و فقط در کتاب «زندگی من» اشاره مختصری به فرااستها نموده<sup>۳</sup> است و بهمین علت عدمای از دوستان

۱ - تاریخ مشروطیت کسروی ص ۱۶ جلد سوم چاپ اول.

۲ - اشاره به رهبری آقای تقی زاده در کمیته دهشت است.

۳ - کسروی در این کتاب می نویسد: «کمیسیون ترفیع در دست آقایان حاجی سید نصراله رئیس تمیز و سید حبیب اله مدعی العموم تمیز و سید الاشراف و دیگران می بود، من با آنان سلام و علیک هم نمی داشتم و همیشه دوری گزیده بودم».

آنگاه چنین شناخته می بود که آنان از کسان با فهم و دانش بسیار بدشان آید و تا نتوانند جلو پیشرفت آنان را در کارهای وزارت عدلیه گیرند... اینها را دانسته بودم و يك چیز که سپس دانستم آنست که این آقایان از پیرامونیان فروغی و خود از «دسته بدخواه» می بوده اند. و این از پرگرام کار آنان می بوده که تا نتوانند کسان با فهم و جریده را خود دارند و جلو پیشرفتشان گرفته دچار نومیدی سازند...» (صفحه ۲۵۰ چاپ دوم زندگی من یاده سال در عدلیه).

کسروی سکوت مطلق او را دلیل همبستگی در سازمان فراماسونری (ایران یا عراق) دانسته و او را ملزم به حفظ اسرار و سوگندی که در بدو ورود یاد کرده بود می‌دانند... با توجه به اهمیت فعالیت و اقدامات فراماسنها در مشروطیت، می‌توان اشارات او را در مورد «انجمن نهانی» و «مرکز غیبی» منطبق با فعالیت فراماسنها که تنها دسته متشکل و رهبری کننده انقلاب مشروطیت ایران بخصوص در سالهای آخر دوره استبداد صغیر بودند، دانست.

نویسنده تاریخ مشروطه ایران می‌نویسد: «... يك انجمن نهانی که برای دشمنی با اتابك و کوشش در راه برانداختن او پیا شده بود... شیخ یحیی کاشانی که مقاله‌ای در باره نادرستی‌های انجمن معارف و بدخواهی با اتابك در روزنامه جلال‌المتین نوشته بود خواست و او یاز گفتارهایی نوشت و به جلال‌المتین فرستاد و کم‌کم روزنامه ثریا نیز به زبان آمد و او هم سخنانی نوشت...»<sup>۱</sup>

در جای دیگر می‌نویسد: «... سید حسن برادر دارنده جلال‌المتین و مثر الملك از باشندگان انجمن نهانی نیز به اینجا می‌آمدند و همیشه تکویش از اتابك می‌نمودند...»<sup>۲</sup> هنگام تشریح عملیات انجمن تبریز کسروی می‌نویسد:

«در تبریز آزادخواهان فیروزانه میکوشیدند؛ در بیرون انجمن (یا چنانکه خود می‌نامیدند مجلس ملی) و در نهان مرکز غیبی کارها را پیش می‌برد.

مرکز غیبی که بیشتر در خانه شادروان علی‌مسیو برپا شدی با دو چشم باز کارهای محمد علی میززا و پیرامونیان او را می‌پایید و به راه بردن دسته مجاهدان که تازه پدید می‌آمدند می‌پرداخت... حاجی مشیر دفتر که می‌بایست دستورهای انجمن را به کار بندد و بی‌پروائی نشان می‌داد، مرکز غیبی باز فرصت یافت به کار برخاست و روز سوم آذر (۸ شوال) يك دسته از مجاهدان به انجمن رفته از نابسامانی کارها و ناامنی پیرامون شهر و بی‌پروائی حکمران گله کردند...»<sup>۳</sup>

۱ - تاریخ مشروطه ایران جلد اول ص ۳۴.

۲ - تاریخ مشروطه ایران جلد اول ص ۳۵.

۳ - ایضاً صفحه ۲۵۱ همین کتاب.

اینك تا آنجاكه مقدور بوده با استفاده از اطلاعات ذهنی و عینی سالخوردگانی كه در قید حیات هستند و یا اسناد و مدارك محدودی كه بدست آمده است ، از چند انجمن مخفی و علنی كه بنحوی از انحاء فراماسنهای ایران در تأسیس آنها دخالت داشته ، و یا اداره كنینه آنها بودند به تفصیل یاد می كنیم .

باید دانست كه فراماسنهای ایرانی به شیوه گذشتگان خود در حفظ آداب و رسوم و اسرار سازمان های اصلی و فرعی لژها كوشش فراوان می كنند و كمتر دیده شده است كه از اسرار و تصمیمات درون لژها چیزی بگویند و یا بنویسند . بهمین جهت برای يك ناظر بیطرف و یا فرد غیر ماسن كسب اطلاع از تصمیمات درون لژها مشكل است و تنها گذشت زمان ممكن است كمكی به بیطرفها بنماید .

هنوز به تحقیق معلوم نیست كه کدام يك از فراماسونهای نخستین انجمن مخفی ایرانی نخستین جمعیت مخفی را تشكيل و یا اداره کرده اند در بار سه فراماسنها زیرا از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه به تدریج ماسنهایی كه در آن نفوذ داشتند در فرانسه ، انگلیس و بلژيك به عضویت این فرقه قبول شده بودند ، در مراجعت به ایران يكدیگر را پیدا کرده پس از مجالست با هم حلقه های محكمی تشكيل می دادند كه گاهی نیز نام «انجمن مخفی» بدانها می گذاشتند .

در نخستین سفری كه ناصرالدین شاه از سفر فرنگستان برگشت ، عده ای از درباریان روشنفكر كه شیفته تمدن غرب بودند ، از ملازمان شاه خواش كردند تا آنچه را در فرنگستان دیده اند برای آنها بازگویند .

داستان های شورانگیز و دیدنیهای حیرت آور ملازمان شاهی آن چنان در دل این افراد شور و هیجانی بپا کرده بود كه اكثر درباریان آوزو می كردند كارهای خوب فرنگستان در ایران هم معمول شود . در دل های بیدار این عده از درباریان به تدریج آرزوی اصلاح اوضاع ایران پیدا شد و به همین جهت ماهها بعد از ورود شاه به ایران جلسات شبانه همچنان ادامه داشت و درباریان با شوق و رغبت در این اجتماع حضور می یافتند .

بنا به گفته محمود عرفان این شور و هیجان و رغبتها به حدی رسید که درباریان ... مایل شدند این اجتماع بیشتر اوقات دائر باشد و از این مطالب گفتگو به میان آید.<sup>۱</sup>

در آن ایام در بین درباریان چند فراماسون متنفذ وجود داشتند که به دستور دوستان خارج از دربار همیشه برای ایجاد «آزادی بیشتر» و با تشویق شاه به عمران و آبادی ایران تلاش می کردند.

فعالیت چند فراماسون درباری و «غیردباری» در این اجتماعات شبانه به جایی رسید که بتدریج از «مجموعه» شبانه، انجمنی مخفی ساختند. محمود عرفان هنگام بحث درباره «فداکاری آزادیخواهان قبل از مشروطیت» می نویسد:<sup>۲</sup>

«... در پایان مقال بذکر حکایتی می پردازیم که فداکاری آزادیخواهان قبل از مشروطیت را نشانه ایست.

در بین این مردان فداکار فراماسونها سلسله جنبانی داشتند و هر جادلی امیدوار و سری پر شور می یافتند آرام آرام در آن رخنه می کردند و او را برای روزگار توی آماده می ساختند. متغیانه انجمن داشتند و بند شکنجه را به جان می خریدند»

عرفان سپس به ذکر داستانی می پردازد که به تفصیل آن در یادداشتهای میرزا حسینخان مسعود السلطنه شیرازی که جدش میرزا فتحعلیخان صاحب دیوانی بوده برمی خوریم.

میرزا حسینخان که در سال ۱۲۳۴ ش - (۱۸۵۵ م) متولد شده و در سال ۱۳۲۰ ش - (۱۹۴۱ م) وفات کرده است وی تحصیلات خود را در تبریز شروع کرد و تاهوقمی که جدش ایالت آذربایجان را داشت با او در مرکز آذربایجان زندگی می کرد، سپس به تهران آمد و در دارالقانون به تحصیل پرداخت. در یست سالگی وارد خدمات دولتی شد و در حوزه مرکزی ایران حاکم گردید.

۱ - صفحه ۵۵۱ مجله پنا شماره ۱۲

۲ - ایضا همین شماره

در سفر دوم ناصرالدین شاه به فرنگستان دستور داد تا میرزا حسین‌خان را جزو ملازمان درباری کنند ولی میرزا علی اصغر خان اتابك با این انتصاب مخالفت کرد و مانع رفتن او شد. اما پس از اینکه شاه به فرنگستان رفت، میرزا نیز فراراً از راه روسیه عازم اروپا گردید و سرانجام خود را به شاه رسانید.<sup>۱</sup>

او در این سفر به کشورهای آلمان، فرانسه، بلژیک و انگلستان رفت و آمد کرده و بنا به اظهار میرزا فتح‌علی‌خان فانی (خان بابا خان - مدیرالدوله) به عضویت یکی از لژهای فراماسونی درآمد.

در مراجعت به وطن، ناصرالدین شاه دستور داد او را (به جرم مسافرت بدون اجازه) چوب بزنند. میرزا مدتها محققی بود تا اینکه به اتفاق میرزا احمدخان مؤید الملك (نوه حاج ابراهیم خان) بحضور شاه رسید و طلب بخشایش نمود.

شاه نسبت به او تغییر کرده و حتی چند ناسزا نثار او نمود و پرسید چرا به اروپا رفتی؟ «مسعودالسلطنه جواب داد: وقتی سفرنامه اعلیحضرت همایونی را خواندم در دلم شوری پیدا شد و به اروپا رفتم، شاه پس از شنیدن این جمله مدتی بفکر فرورفت و بعد او را بخشید و دستور داد همچنان در دربار باشد.

میرزا حسین‌خان خود در یادداشت‌هایش می‌نویسد: «... در سفر اول شاه به فرنگستان عده‌ای از احرار که بعدها من آنها را شناختم انجمنی تشکیل داده بودند که محرمانه پادشاهان تماس داشتند این عده که دستورات خود را از محل‌ناشناس می‌گرفتند عبارت بودند از:

میرزا حسن عکاس، میرزا نصراله خان و فرج‌الله خان معروف به گل و بلبل و میرزا رضا کرمانی و در مدتی که سید جمال‌الدین اسدآبادی در تهران اقامت داشت او هم با این عده همکاری محرمانه داشت.

در ایام جوانی روزی این عده نامه‌ای به من دادند که به شاه بدهم. یک‌روز که شاه قلیان خواست، نامه را به اودادم وقتی نامه را خواند عیاشی را به سر و رویم شکست

۱ - نقل از اظهارات خان بابا خان فانی به نویسنده.

و گفت: اگر تو قوم و خویش نبودی می‌دادم تو را بکشند، به آن پدر سوخته‌ها بگو این... خوربها زود است»

در جای دیگر به نقل از خاطرات صاحب دیوان چنین می‌نویسد: «من از غلام بچه‌های ناصرالدین‌شاه بودم، وقتی که ناصرالدین‌شاه از سفر فرنگستان بازگشت ملازمان او که به ایران بازگردیدند شبها درباریان دیگر بگرد آنها جمع شده از اوضاع فرنگستان پرسشها می‌کردند... آنها حایل شدند این اجتماع بیشتر اوقات دائر باشد و از این مطالب گفتگو به میان آید ولی مصلحت نداستند بدون اطلاع شاه اجتماع آنها درست شود.

عریضه‌ای به شاه نوشتند و استدعا کردند همانگونه که در فرنگستان هر طبقه انجمن دارند دربارها هم انجمن داشته باشند که هر هفته تشکیل شود و دربارمطالبی که مصلحت اقتضا کند حرف بزنند. گفتند بهترین است که تو چون هم بچه هستی و هم پدر بزرگت صاحب دیوان و نزد شاه معتمد و مقرب است عریضه را به شاه تقدیم کن. من قبول کردم. شاه معمولا صبحها بعد از فراغت از کار در حیاط راه می‌رفت و بخوردن نقل و مغز بادام و فندق و پسته که گاه بگاه پیش خدمتها به جیب اومی ریختند مشغول می‌شد. روزی که شاه خوشحال بنظر می‌آمد در گوشه‌ای ایستادم و شاه که خواست از جلوم بگذرد عریضه را به او دادم ولی با فحش و کتک مواجه شدم<sup>۱</sup>.

از تاریخ تأسیس و خاتمه فعالیت این انجمن درباری و نفوذی که فراماسنها در آن داشتند هیچگونه سند و مدرک و حتی یادداشتی درست نیست ولی با توجه به اشاره‌ای که محمود عرفان در نطق مختصر فراماسنی خود می‌کند، «در بین این مردان قداکار [منظور آزادیخواهان قبل از مشروطیت است] فراماسنها سلسله جنبانی داشتند... مخفیانه انجمن داشتند و بند شکنجه را بجان می‌خریدند<sup>۲</sup>» می‌توان تا اندازه‌ای به صحت یادداشت‌های مسعود السلطنه و اظهارات دیگری که درباره آن شده پی برد.

۱- تفصیل این واقعه در همین کتاب آمده است.

۲- مجله پنما شماره ۱۲ ص ۵۵۱

سند دیگری که در تأیید نوشته‌های فوق در دست است، اظهارات میرزا رضای کرمانی در محضر بازپرس راجع به «انجمن مخفی» می‌باشد که در باره مظفرالدین‌شاه بوده و نظمی برای کشف و اطلاع از آن تلاش و فعالیت می‌کردند.

میرزا رضای کرمانی در جواب سؤال راجع به انجمن مخفی چنین می‌گوید: «... آقا سید جمال‌الدین که اینجا آمده بود بعضیها تقریرات او را می‌شنیدند مثل میرزا عبدالله طبیب، میرزا نصرالله خان و میرزا فرج‌الله گرم می‌شدند. می‌رفتند. بعضی کاغذها می‌نوشتند به ولایات می‌فرستادند که از خارج تعمیر پست می‌خورد و بر می‌گشت. منجمع آنها را میرزا حسین‌خان تواد صاحب دیوان گرم نگاه می‌داشت به جهت اینکه میدرا دیده کلماتش را شنیده بودند.

بعضی از وقفاشان مشغول کلاه درست کردن بودند مثل حاج سیاح که می‌خواست ظل‌السلطان را شاه کند و یکی دیگر را سدر اعظم<sup>۱</sup>، این اظهارات میرزا رضای کرمانی دلیل دیگری است بر وجود «انجمن مخفی» که بوسیله سید جمال‌الدین پی‌ریزی و رهبری می‌شد و میرزا حسین‌خان مسعود السلطنه نیز یکی از اداره‌کنندگان آن بود.

بعد از شکست «فراموشخانه» های میرزا یعقوب و میرزا انجمن‌های مخفی بی‌نام ملک‌خان و فرار پدر به روسیه و تبعید پسر به خاک عثمانی تا مدت‌ها هیچ‌یک از سر جنبانان پایتخت و شهرستانها جرأت ابراز وجود و یا تشکیل معافل مخفی را نکردند.

در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه عمده‌ای که می‌خواستند «انجمن مخفی» در تهران تشکیل دهند، گرفتار قوای استبداد شده بدستور پادشاه کشته شدند. تفصیل این واقعه را مؤیدالاسلام کرمانی چنین نقل می‌کند:

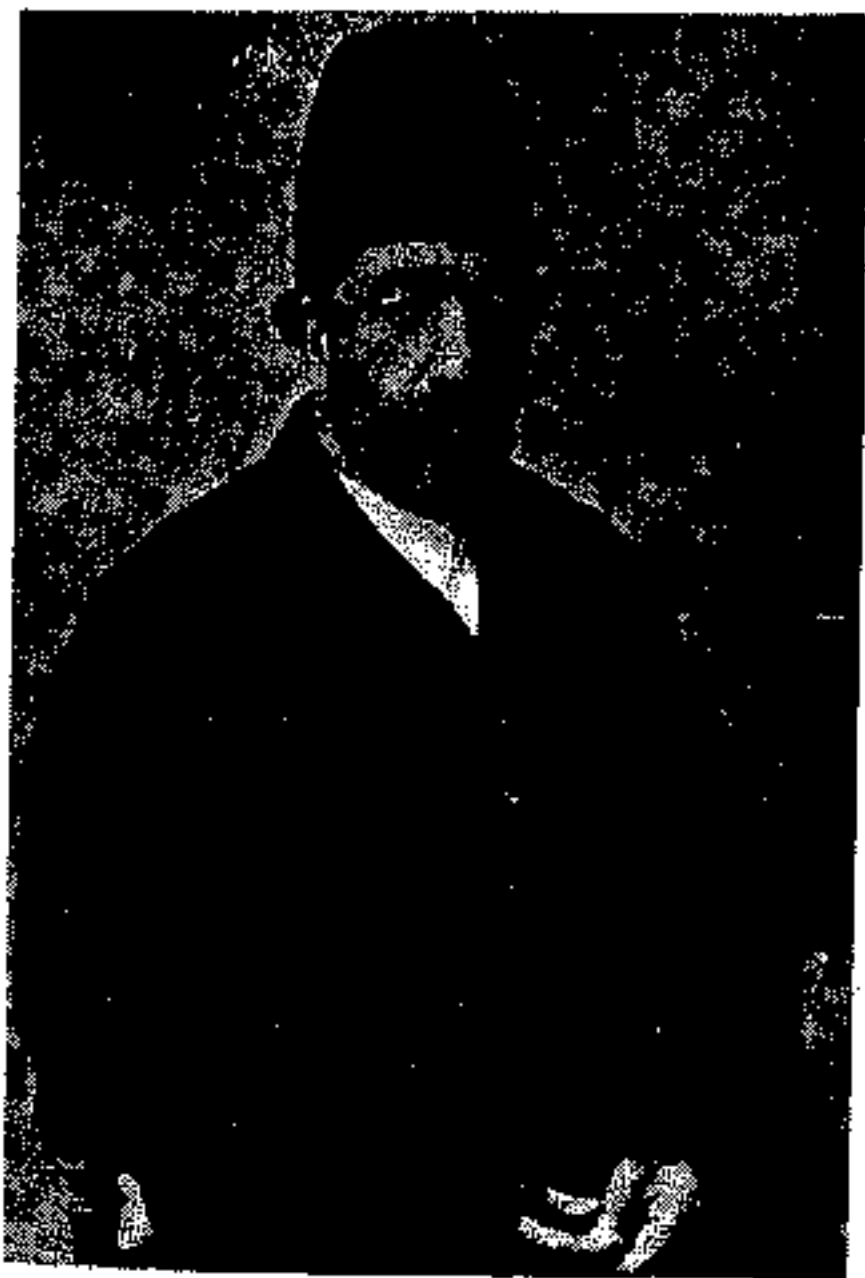
«... چند سال قبل بناصرالدین‌شاه را پوین دادند که شبها جمعی در محله سنگلج در یک خانه اجتماع کرده و در امر مملکت و اصلاح مذاکره می‌کنند پادشاه جمعی را فرستاد شش هفت نفر از اصلاح خواهان که دور هم نشسته بودند مأخون و شبانه آنها را

به حضور شاه بردند ، چاهی که در اندرون حفر کرده بودند که برف در آن می ریختند و با برای همین بجزر کارها مهیا بود سنگ سر آن را برداشته مآخوژین را در آن چاه انداختند آن وقت خود پادشاه تفنگ را بدست گرفته متجاوز از سی فشنگ از بی آنان فرستاد که به اعتقاد خود زود تر آنها را به اسفل السافلین رساند و به حاضرین هر کدامی يك انحرافی انعام داد برای شکرانه موفقیت بر قتل آنها ...<sup>۱</sup> و بعد از این حادثه که اطلاع بیشتری از آن در دست نیست ، تشکیل محافل سری و انجمنهای اصلاح طلبانه در ایران را بین رفت .

پس از قتل ناصرالدین شاه و به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه بتدریج مردم آزاده دور هم جمع شدند چون شاه مردی ، علیل و سلیم النفس بود آزاد یخواهان نیز جرأت یافته فعالیت خود را علنی کردند . هنگامیکه مظفرالدین شاه می خواست از روسیه برای سفر اروپا پول قرض کند ، تظاهرات ناسیونالیستها و مردان آزاده و اصلاح طلب بعدا کثر خود در میدان . همچنین در سال ۱۳۲۱ هـ (۱۹۰۳ م) بعضی از دستجاتیکه جلساتی تشکیل می دادند ، بر این عقیده شدند که موقع مناسب برای واژگون ساختن دستگاه استبداد پیش آمده است . به همین لحاظ روز ۲۹ مه ۱۹۰۴ م جلسه ای مرکب از شصت نفر تشکیل شد . بیشتر اعضای این جلسه را افراد طبقه روحانی تشکیل می دادند . ولی در بین آنها از سایر طبقات از قبیل بازرگانان ، اصناف ، اعضای ادارات ، دو نفر زرتشتی و سران ایالات نیز وجود داشت . در این جلسه برنامه عمل و یا به اصطلاح اساسنامه ای مرکب از ۱۸ ماده تدوین گردید و با آنکه طبق ماده ۱۶ موضوع آغاز انقلاب رسماً ذکر گردیده بود ، معینا اقدامات جمعیت فقط محدود به توسعه و نشر افکار ترقی خواهانه گردید . در سایر موارد پیش بینی شده بود که برای جلوگیری از اکاذیب و افترای بدخواهان<sup>۲</sup> اقدامات جمعیت باید در چهارچوب مقررات و قوانین شرع اسلام باشد آنان از مرحومین میرزا سید محمد

۱ - تاریخ بیداری ایرانیان ص ۱۷۰

۲ - در آن زمان مردمان آزاده و آزادیخواه را بی دین ، یهودی ، بابی و ازلی مرفی و اغلب از پیشوایان دینی که جبهه خوار دربار قاجار بودند اینگونه اشخاص را « مهدودالدم » می نامیدند .



قوام‌السلطنه که شاه دستور اعدام او را داد

فراماسونری اعلام کرده و از این راه سوء استفاده می نمایند ، اینها که فقط عضویت لژ فراماسونری داشته اند تلاش می کنند که اتحاد و همبستگی با مالکین بزرگ مخالفین و امنای درباری یا انقلابیون و مرتجعین که هدف و نظریاتشان کاملاً مخالف یکدیگر هستند ایجاد کنند. توقیف مدیران جراید و تعطیل چاپخانه های آنها که مطالب علیه دستگاه حاکمه منتشر میکنند موقتاً از تحریکات جلوگیری مینماید .

چندین مورد ناز و دیگر پس از تقدیم گزارش شماره ۱۲۴ مورخه ۱۸ ماه گذشته

طبایع لطیفی و آقا سید عبداله بهبهانی که هر دو از پیشروان مشروطیت ایران هستند خواستند که برای تحقق یافتن به خواسته‌های جمعیت بایکدیگر همکاری نمایند.

از تشکیل این جمعیت که خواستار «واژگون ساختن دستگاه استبداد» بود، اطلاعات و معلومات بیشتری در دست نیست. تنها منبعی که در باره این حادثه ذکر کرده رساله «الجمع‌های سری در انقلاب مشروطیت» خانم لمبتن است.<sup>۱</sup>

در اغلب یادداشت‌های کسانی که فراماسون بودند و یا بعدها کمیته سریایی نام دارد از فراماسونی (بیداری ایران) شدد، ذکر می‌شود که این کمیته سری بدون نام شده است. این کمیته که مدت دو سال در تهران دایر بوده و هفته‌ای یکبار در خانه یکی از اعضاء تشکیل می‌شد مذاکراتی داشته است که بیشتر بر محور درهائی از استبداد و ایجاد محیط آزادی دور می‌زده. سرهنگ ابوالحسن خان برزین‌افسر بازداشت‌ارشد در باره جلساتی که در خانه پدرش تشکیل می‌شد چنین می‌گوید:

«پدرم میرزا حسین‌خان مؤتمن نظام که بعدها «شهاب الدوله» لقب گرفت و مدت‌ها امیرنظام قشون بود، هنگامی که در تهران اقامت داشت اکثراً در جلسات آزادپسواهان شرکت می‌کرد و از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۹ قمری (۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲ م) نیز هفته‌ای یکبار جلساتی در خانه ما که در سرچشمه بود تشکیل می‌شد.

کسانی که در این جلسات بیش از سایرین شرکت می‌کردند و من اسامی آنها را خوب به خاطر دارم عبارتند از:

- ۱- ملک‌المتکلمین اصفهانی ۲- میرزا طاهر تنکابنی ۳- سعید العلماء
  - ۴- انتظام‌الحکماء ۵- دکتر هادی‌خان ۶- میرزا مرتضی‌خان اصفهانی خواجوی.
- این اشخاص تک‌تک به منزل ما می‌آمدند و بهمان وضع هم از خانه ما خارج می‌شدند بطوریکه می‌توانم بگویم که آمد و رفت این عده مجموعاً نیم ساعت طول

۱- کتاب جریانات خاورمیانه رساله «الجمع‌های سری انقلاب مشروطیت» این رساله در سال ۱۹۵۸ در لندن چاپ شده است.

می کشید . بنظر می رسید که این جلسات در خانه دیگران هم بود زیرا اغلب پدرم روزها و شبها به منزل نمی آمد و می گفتند که بخانه همین اشخاص می رود .

هنگامیکه جلسات در خانه ما تشکیل می شد ، هیچیک از اهل خانه جز من که طفل خردسالی بودم ، حق ورود به اطاق پذیرائی خانه نداشتند . تنها کسیکه حق داشت بهای و آب و خوراکی تا دم در اطاق ببرد من بودم و حتی برادرم که چند سال از من بزرگتر بود در آن روزها اکثراً در خانه نمی ماند و بدستور پدرم بخانه اقوام می رفت . پس از دو سال بتدریج جلسات مزبور ترك شد و هنگامیکه پدرم در قزوین سكونت داشت مستبدین او را به جرم آزادیخواهی مسموم کرده ، کشتند . دوستاش که باقی مانده بودند در انقلاب مشروطیت و استبداد سفیر شرکت کردند و بارها به من گفتند که تلافی خون پدرم را نموده اند .

در ذیقعد ۱۳۲۲ ( فوریه ۱۹۰۵ م ) انجمن دیگری زیر نظر **انجمن مخفی اول** مستقیم سید محمد طباطبائی که از رؤساء لژ بیداری ایران و از فراماسنهای راسخ المعقیده بود بنام « انجمن مخفی » تشکیل شد .

اعضاء این انجمن که رهبری اصلی آن با سید محمد طباطبائی بود و ناظم - الاسلام کرمانی بدستور مستقیم وی آنرا اداره می کرد ، اکثراً از افراد طبقه روحانی تشکیل شده بودند و بطوریکه ناظم الاسلام می نویسد در جریان سه ساله که این انجمن فعالیت می کرد ۱۵ نفر زیر در آن نقش اساسی را داشتند :

ناظم الاسلام کرمانی - آقا سید برهان خلخالی - حسینعلی ادیب بهبهانی -  
 ذوالریاستین کرمانی - سید محمد تقی<sup>۱</sup> - سید احمد ناظم الشریعه کرمانی - سید یوسف میرجانی - مجد الاسلام مدیر روزنامه ادب - حاج شیخ محمد سلطان المحدثین واعظ اصفهانی - شیخ مهدی سلطان المتکلمین - شیخ یحیی کاشانی - سید حسن کاشانی برادر مؤید الاسلام - میرزا محمد گلپایگانی - حاج ملا عباسعلی واعظ .

۱- سید محمد تقی یکی از محارم آیت الله بهبهانی و در انجمن مخفی مأمور ارتباط و ایجاد محیط مناسب و حسنه بین آیت الله طباطبائی و آیت الله بهبهانی بود .

ناظم الاسلام خود در کتاب تاریخ‌پیداری ایرانیان، جزئیات جلسات این گروه مخفی و اقدامات و عملیاتی را که زیر نظر مرحوم طباطبائی انجام داده تشریح نموده و مطالبی می‌نویسد که گرچه نمودار ارتباط انجمن با فراماسونری نیست ولی قراینی درباره این ارتباط مشاهده می‌شود که حداقل آن وجود شخص آقا سید محمد طباطبائی عضو لژ پیداری ایران بوده است.

شادروان طباطبائی شب ۲ ذی‌الحجه (۷ فوریه ۱۹۰۵ م) ناظم الاسلام کرمانی را مأمور تشکیل این انجمن مخفی کرده و او روز بعد ۱۴ نفر از دوستان و یاران خود که مرحوم طباطبائی عضویت آنها را تصویب کرده بود برای تشکیل انجمن مخفی دعوت نموده. نخستین جلسه انجمن روز هیجدهم ذیحجه ۱۲۸۳ (۲۱ فوریه ۱۹۰۵ م) که مصادف با عید غدیر بود، در خانه ناظم الاسلام تشکیل شد.<sup>۱</sup> در جلسه مذکور یکی از کارهایی که آغاز گردید، قرائت سیاحتنامه ابراهیم بگ، مقالات روزنامه حبل‌المتین با نطق مفصل ناظم الاسلام بود.

قرائت این مقالات که معرف ترقی کشورهای غربی در زمینه‌های مختلف بود هیجان زیادی در حضار برانگیخت، تا جائیکه تمام اعضاء معتقد شدند که علت عقب‌افتادگی ایرانیان بر اثر جهالت و نقص تعلیم و تربیت می‌باشد. در نخستین جلسه وقتی ناظم الاسلام شروع به سخن می‌کند، عده‌ای از حضار از ترس عین‌الدوله دیکتاتور وقت، قصد رفتن می‌نمایند و او وقتی می‌بیند یارانش جرأت شنیدن جملات انتقادی علیه شاه و سدر اعظم را ندارند، فوراً کتاب سیاحتنامه ابراهیم بگ را باز کرده صفحه ۶۶ آنرا قرائت می‌نماید.

جلسه دوم انجمن روز ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۲ (۳ مارس ۱۹۰۵ م) در منزل ذوالریا - ستین کرمانی تشکیل گردید. در این جلسه ابتدا مسئله جهالت و بیسوادی مردم مطرح

۱- سازمان‌های فراماسونی در جهان، از نفوذ افراد برجسته عضو لژها برای جلب مردم و رهبری افکار عمومی استفاده می‌کنند. و آنان را در رأس تشکیلات، انجمن‌ها، جمعیت‌های خیریه و غیره می‌گماردند. استفاده از شخصیت طباطبائی هم بدین نظر صورت گرفت.

شد و سپس مسئله عوارض و مالیاتهای که نیول درباریان ، متنفذین و حکام بود مورد مذاکره قرار گرفت ، و برای مثال گرفتن روزی هزار تومان تعارف از خبازخانه و تصایفخانه تهران بوسیله عینالدوله شرح داده شد . و سخنگویان اصرار ورزیدند که بوسیله متنفذین و آزادیخواهان بدربار و دولت فشار آورند تا مجموعه قوانین جامعی بشکلی بر وظایف وزرا و حکام و حقوق و وظایف کلیه طبقات ، تشکیل شرکتها و انجمنهای تجاری و همچنین رفتار بیگانگان تدوین شود . سخنگوی جلسه گفت : « اگر قانون در مملکت حکومت می کرد » انواع شرکتهای تجاری تشکیل و سد و باز بسته و خط آهن کشیده می شد . »

عنوان کردن « تنظیم قوانین » یکی از هدفهای فراماسنهای ایرانی بود . زیرا از هم فراماسنها کلمه « قانون » را همیشه بر زبان می آوردند و بخصوص در دوران ایلیت ملکم و پدرش احتیاج مردم بداشتن قوانین جدید عنوان شده بود . بهمین لحاظ انجمنهای مخفی قبل و بعد از صدور فرمان مشروطیت همواره فکر تدوین قوانین را در سر و این امر را بین مردم شیوع می دادند .

از صورت جلسات « انجمن مخفی » که ناظم الاسلام آنها را مفصلاً ذکر کرده ، معلوم می شود که ترس از استبداد ، برانداختن نفوذ دولتهای خارجی بخصوص روس و انگلیس و اعتقاد به اصلاح فرهنگ و ایجاد مدارس از مهمترین مسائل مورد بحث است . ناظم الاسلام در پایان صورت مجلس دوم می نویسد : « ... این مجلس گرچه از ابتدا به مجلس اول بهتر و خوبتر بود ولی بواسطه عدم وثوق و اطمینان کامل هنوز نتوان اظهار مقصود نموده است و باید در دوسه جلسه دیگر باز کتابخوانی کرد تا اثر و حرارت وطن در همگی بروز و ظهور نماید والا هنوز حبس و قتل امر یقین است و راهپورت دادن به عینالدوله را نسبت به بعضی از اجزاء احتمال می دهیم » وی می نویسد : « ... راهپورت این مجلس را کماهی خدمت حضرت حجة الاسلام داده بود امیدوارم که اقدامات خیرخواهانه و اهتمامات مجدانه غیر تمندانه امثال آنها اثری بخشد و دست غیبی نیز مددی فرماید »

معلوم نیست اشاره مرحوم طباطبائی دربارهٔ «دست‌غیبی» همان مرکز غیبی است که کسروی بدان اشاره کرده یا نه ؟

بهر حال جلسهٔ سوم انجمن روز ۲۹ ذیحجه (۶ مارس ۱۹۰۵) در مسجد سپهسالار در حجرهٔ شیخ محمد شیرازی مشهور به فیلسوف تشکیل شد در این جلسه همانطوری که ناظم الاسلام اشاره کرده است، خواندن متروک شد و خود او بنام اینکه شیخ فیلسوف، سیاحتنامهٔ ابراهیم بک را از حفظ می‌داند مطالبی در بارهٔ مظالم درباریان و خانوادهٔ قاجار بیان کرد و از ارتش بی‌جیره و مواجب و بی‌توب و تفنگک صحبت نمود. در همین جلسه دربارهٔ صدها میربنج، سرتیپ، امیر تومان و سپهسالار گفتگو شده و حضار از سخنگوی جلسه تقاضا کردند که علیه این افراد قیام شود. صحبت‌های محرمانه‌ای نیز شده که در صورت جلسه قید نگردیده است.

جلسهٔ ششم - این انجمن روز ۱۲ محرم ۱۳۲۳ (۲۰ مارس ۱۹۰۵) در خانهٔ شخص ناظم الاسلام تشکیل گردید. در این جلسه موضوع وابستگی و الحاق آقا سید عبدالله بهبهانی به جمعیت، و همکاری صمیمانهٔ او مورد مذاکره قرار گرفت و قرار شد آقا سید محمد تقی که یکی از معارم آقا بود مأمور این اقدام شود. در جلسهٔ مزبور مقرر شد هرگاه تعداد اعضای انجمن به سی نفر رسید، هر يك از اعضاء مأمور شوند تا به توبهٔ خود انجمنی تشکیل دهند. و هر يك از انجمن‌های فرعی نیز که اعضاء آن به سی نفر رسید مأمور تشکیل انجمن فرعی دیگری شود. همچنانکه رسم قراعه اسنهابت قرار شد هیچ‌یک از اعضاء انجمن‌ها، اعضاء انجمن‌های دیگر را نشانند و فقط مرشدهای خود را محرك و تشکیل دهند انجمن بدانند.

جلسهٔ هفتم - انجمن روز ۱۵ محرم ۱۳۲۳ (۲۳ مارس ۱۹۰۵) در خانهٔ ناظم الشریعه کرمانی تشکیل گردید.

در این جلسه برای اولین بار اعضاء «سرف نهار» کردند و به نظر می‌رسد که بتدریج «پول» بطرف انجمن - رازیر شده است، زیرا در همین جلسه وقتی صحبت از مخارج طلاب و غیره می‌شود، سید محمد تقی فیلسوف در جواب می‌گوید:

... عیب کار اینست که جناب آقا (منظور مرحوم طباطبائی بوده) پول ندارد که خرج طلاب کند و تا به طلاب، پول ندهند جمع نخواهند شد، حتی آنکه چند شب قبل پول برای جای وقلیان مجلس طلاب نداشتند.

آقا سید احمد گفت: غصه پول را نخورید عجباً قریباً جناب آقا صاحب پول خواهد شد، آنکه باید برساند خواهد رسانید... چند نفر از هوخواهان اسلامیت حاضر شده اند که پول بدهند تا ده هزار تومان هم مستقبل شده و آوردند لیکن جناب آقا قبول نکردند و می فرمایند من جز رفاهیت و آسودگی مردم مقصودی ندارم گرفتن پول منافی است با این غرض مشروع و مقدس...

جلسه هشتم - انجمن روز ۲۱ محرم ۱۳۲۳ (۲۹ مارس ۱۹۰۵) در خانه ذوالریاستین تشکیل شد. در این جلسه پس از قرائت راپورت های مخفی وقتی صحبت سیاسی آغاز گردید، مهماندار اعضاء انجمن گفت که حضرت امام حسین (ع) نخستین نمونه فداکاری انجمن های مخفی بوده است، وی اظهار داشت: «... اول کسی که انجمن را تأسیس نمود در اسلام و مردم را امر بدعوت و احقاق حق فرمود مقنن قوانین عدالت و مؤسس آزادی و حریت دومین فرزند پیغمبر و سومین امام ما حسین بن علی (ع) بود. آن حضرت اول کسی بود که برای پیشرفت مقصود در انجام تکالیف الهی انجمن مخفی را تأسیس نمود، اول کسی بود که داعی به اطراف فرستاد، و اول کسی بود که قبول ظلمت و ظلم نمود، اگر آن حضرت تأسیس انجمن مخفی فرموده بود اسلام یا المرء ازین رفته بود...» ناطق در این جلسه بیش از همه حرارت بخرج می داد، مسئله انقلاب را برای اولین بار مطرح کرده گفت: «... تا انقلاب نبینید اصلاح نتوانید کرد، طالب باشید انقلاب را که بیداری در انقلاب است، جوینده باشید انقلاب را که به اصلاح خواهید رسید، سعی کنید در انقلابات تا عدالت طلبان بیدار شوند...»

در همین جلسه مواد اساسنامه انجمن مخفی در ۱۵ ماده بوسیله ذوالریاستین قرائت شد که خلاصه آن اینست:

۱ - اعتقاد این انجمن برای بیداری برادران وطنی رفع ظلم، حفظ حقوق و اصلاح مفاسد مملکت است.

۲ - در این انجمن مسلمان ، زرتشتی - یهود - مسیحی به شرط ایرانی بودن پذیرفته می شوند .

۳ - واردین و اعضاء انجمن باید به کتاب آسمانی خود قسم بخورند که جز نوع پرستی و خدمت بوطن هدف دیگر نداشته باشند .

۴ - در انجمن مزبور ریاست با صاحب الزمان است و همه در حکم شخص واحد هستند .

۵ - در هر جلسه انجمن باید روضه بخوانند و مجلس بنام روضه خوانی ختم شود .

۶ - اعضاء انجمن مکلف بحفظ و حراست یکدیگر هستند ولی حق تکلیف شاق بر دیگران ندارد .

۷ - دروغ ، مجادله ، استعمال الفاظ رکیک ، شوخی ، افترا و بدخلقی ممنوع .

۸ - مذاکرات انجمن باید راجع به بیداری مردم ، خیر و صلاح مردم ، رفع ظلم و ظالمین و چاره جوئی برای استخلاص مظلومین باشد .

۹ - توقیر علماء چهارمذهب فوق الذکر بکلی ممنوع خواهد بود .

جالب اینجاست که ناظم الاسلامش ماده دیگر که از اسرار غیر قابل افشاء بوده ، طبق دستوری که داشته افشاء نموده و در باره آنها چنین می نویسد :

« از ماده دهم تا پانزدهم چون با رموز و اسرار انجمن بستگی داشته و نویسنده قسم خورده است که مادام العمر آنها را ابراز نکند نوشته نشده است . »

نکته ای که جالب توجه است ، قبول صاحبان مذاهب زرتشتی ، یهودی و مسیحی در انجمن مزبور است . در آن زمان در ایران فقط قراهاینها بودند که با زرتشتیان ، کلیسیان و مسیحیان در یک لڑ و مانند یک برادر می نشستند . و همه ادیان صاحب کتاب را محترم می شمردند . علاوه بر این قراهاینها جهان از روز تشکیل تا کنون فقط صاحبان ادیانی را که خدا پرست هستند و کتب آسمانی دارند به عضویت قبول می کنند و آنها را به پیغمبر خود و کتب مقدسه قسم می دهند .

انجمن منافی مرحوم طباطبائی نیز به پیروی از همین قانون و شیوه قدیمی ماسنها ،

واردین را ملزم به شهادت و قسم بکتاب آسمانی کرده و در ماده سوم اساسنامه چنین نوشته بود :

«... هر کس وارد این انجمن می شود اول باید شهادت بذات باری تعالی و رساله پیغمبر خود بدهد و به کتب آسمانی بهر کدام که معتقد است قسم یاد کند که تا دم هر که از این انجمن غرضی جز نوع پرستی نداشته باشد و هم خود را مصروف بخدمت نوع و وطن نماید»

باری ، جلسه نهم - انجمن در روز ۱۲ صفر ۱۳۲۳ (۱۹ آوریل ۱۹۰۵) در خانه باظم الاسلام تشکیل شد . در این جلسه موضوع «مشروطیت» و تطبیق آن با قوانین اسلام مورد بحث قرار گرفت و جمعیت آماده شد که هر يك بنوبه خود و طبق دستوری که داده خواهد شد ، مردم را بیدار کرده ، برای مقابله با ظلم و استبداد دربار قاجاریه آماده نمایند . در این جلسه بار دیگر مسئله «چهل و بیسواد» عمومی و مخالفت درباریان با افتتاح مدارس مورد بحث قرار گرفت و چنین نتیجه گرفته شد «مادام که اساس مقدس مشروطیت فراهم نیاید نور علم بر تو افکن ساخت ایران نخواهد شد»<sup>۱</sup>

موضوع جالب دیگری که وحشت واضطراب اعضاء انجمن را آشکار می کند ، «موعظه ذوالریاستین در روز ۷ صفر (۱۳ آوریل ۱۹۰۵) است . در آن روز ذوالریاستین در حضور مقامات دولتی و درباریان بشدت از دستگاه استبدادی وقت انتقاد کرده بود . اعضاء انجمن پس از مشورت او را مجبور کردند تا مدتی سکوت اختیار کند و حتی برای روضه خوانی نیز نرود .

متعاقب این موعظه شدید عدم ای از تجار بزاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم رفته و روز ۱۹ صفر (۲۶ آوریل ۱۹۰۵) بدانجا پناهنده شدند . علت تحصن و بست تجار لارستانی طبقات مردم از دستگاه گمرك و مسیو نوز رئیس بلژیکی آن و تعدیات گمرك چیان به تجار بود .

محمد علی میرزا ولیعهد که بمناسبت مسافرت مظفرالدینشاه به اروپا موقتاً به

تهران آمدن بود به مردم قول داد که مسیو نو زرا از کار برکنار خواهند نمود. و مردم نیز باطمینان حرف وی دست از تحصن برداشتند و این جریان برای انجمن مخفی که انتظار زیادی از تحصن تجار و ارضایتی مردم داشت، شکست بزرگی محسوب گردید، و اعضای انجمن برای جبران این شکست در ربیع الاول ۱۳۲۳ (مه ۱۹۰۵) هنگام تصدات عین الدوله طی اعلامیه‌ای خطاب با و پس از شرح عدم امنیت و بی نظمی مملکت و فساد طبقه حاکمه تقاضا نمودند که مبانی زیر در کشور ایجاد شود.

- ۱ - ایجاد عدالتخانه و قوانین عدلیه.
  - ۲ - قانون ثبت اسناد و املاک و مساحی، اراضی.
  - ۳ - تعدیل مالیات بر پایه صحیح.
  - ۴ - نظم قشون.
  - ۵ - اصول انتخاب حکومت و تعیین حق حاکم و محکوم.
  - ۶ - اصلاح و ترویج تجارت داخله.
  - ۷ - تصفیه عمل گمرک.
  - ۸ - تصحیح عمل ارزاق و اجناس.
  - ۹ - تأسیس مدارس علمی - تشکیل کارخانجات و معادن.
  - ۱۰ - وظائف وزارت خارجه.
  - ۱۱ - اصلاح مقرری و حقوق و مستمریهای دولتی.
  - ۱۲ - محدود نمودن حدود وزراء - وزارتخانه‌ها و نمایان به قانون شرع.
- در خاتمه اعلامیه، مزبور نوشته شده بود: «... اگر همین فصول دوازده گانه مرتب و بموقع اجراء آید دولت ایران در عرض بیست سال از ژاپون می گذرد...»<sup>۱</sup>
- ولی ورق حوادث طور دیگری برگشت. هنگامی که متحصنین در زاویه مقدسه بودند، عین الدوله تصمیم گرفت آنها را با قوه قهریه از تحصن خارج کند. او ابتدا امیرخان سردار، برادرزاده خود را حاکم شهر ری کرد. ولی چون او در باطن با مشروطه طلبان

بود و اقدام شدیدی نمی نمود ، تاجار امیر بهادر با ۲۵۰ سرباز مأمور اخراج متحصنین شد . اتفاقاً روز ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۳ ( ۱۰ ژانویه ۱۹۰۶ ) شاه در خانه امیر بهادر مهمان بود . مشروطه طلبان عده ای زن را مأمور کردند که سر راه مظفرالدین شاه شیون کنند و انجمن مخفی بوسیله یکتازن ناشناس نامه ای به شخص شاه رسانید که مضمون آن چنین بود:

«... ای کسیکه تاج سلطنت را بر سر تو گذارده و عصای سلطنت را بدست تو داده بشرس از وقتیکه تاج را از سرتو و عصا را از دستت بگیریم...»<sup>۱</sup> همانروز پیشخدمت خاصه که از طرف «مرکز غیبی» مأموریت داشت به شاه اطلاع داد که مردم بازارها را بسته اند و خیال شورش و بلوا را دارند و مظفرالدین شاه از شنیدن این خبر ناراحت شده کالسکه شخصی خود را بزائیه مقدسه فرستاد و متحصنین را به شهر باز گردانید .

پس از خاتمه تحصن نامهاجرت علماء و تجار به قم بعلمی که معلوم نیست فعالیتهای «انجمن مخفی» بتدریج کم شد و در واقع منحل گردید . خانم دکتر لمبتن در رساله خود می نویسد:

«... پس از صدور اعلامیه مزبور ، جلسات انجمن مخفی بازم ادامه پیدا نمود و تصمیم گرفته شد نماینده ای در هریک از شهرها و ایالات مملکت انتخاب و منصوب شود تا بتواند نظریات و منویات اصلاح طلبانه انجمن را در بین مردم توسعه دهند . شکی نیست که فعالیتهای انجمن در بروز انقلاب مشروطیت و آگاهی مردم از حال مفاسد و بدبختی و فساد و جهل و تکلیت سهم بسزائی داشته است...»<sup>۲</sup>

گروه مخفی دیگری که در اوایل سال ۱۳۲۳ هـ ( ۱۹۰۶ م ) انجمن مخفی ثانوی یا مستقیماً زیر نظر فراماسنها و لژیون بیداری ایران بوجود آمد . در تاریخ بیداری ایرانیان بنام «انجمن مخفی ثانوی»

۱- تاریخ بیداری ایرانیان ص ۳۰۰ .

۲- کتاب جریانات خاورمیانه مقاله انجمنهای سری .

نخاری



به حضور عالی جناب معروض گردیده ، پیش آمده که يك نمونه آنرا از نقطه نظر ما  
از علاقه و بستگی نسبت تقدیم میشود ، در این نشریات نظریات نویسندگان آنها  
در باره مناسبات و سیاست انگلستان در ایران به خوبی آشکار می سازد .

بهر حال صرف نظر از تحریکات دربار و درباریان مقدار بسیار زیادی از  
اطلاعاتی های حقیقی در کلیه مردم موجود است که علت عمده آنها در اثر ترقی روزانه  
همیشه زندگی مردم میباشد .

بسیاری از مردم و معلمین که به این کشور آشنائی دارند و با من صحبت کرده اند  
اعتقادند که مرئوسین که در شاه نخست وزیر رفون دارند همین چند روز آینده حوادثی  
پوشیده می آورند .

نامیده شده است.<sup>۱</sup>

مؤسس این گروه مخفی آقای سید محمد صادق<sup>۲</sup> دومین فرزند شادروان سید محمد طباطبائی، یکی از ارکان مشروطیت ایران است.

بطوریکه گذشت، مرحوم طباطبائی و فرزند وی سید محمد صادق طباطبائی هر دو عضو لژ بیداری ایران بودند.

و فراماسنه‌های آن زمان بوجود این دو عنصر برجسته افتخار می‌کردند و حقاً بایستی آنها را از ارکان «انقلاب مشروطیت» و فعالیتهای علنی و مخفی دانست.

ناظم الاسلام کرمایی که از مریدان مرحوم سید محمد طباطبائی بود درباره عضویت آن مرحوم در مجمع فراماسنها می‌نویسد: «... مرحوم آقا سید صادق و خلف عالیمقامش

۱- در یادداشت‌های ادیب الممالک اشاره به این انجمن و دخالت فراماسنها و رهبری آنها شده است. این یادداشت‌ها از جمله مجموعه اسناد خطی خان ملک ساسانی است که آنرا در اختیار نگذاشتند.

۲- سید محمد صادق طباطبائی در ۱۲۵۸ ش (۱۸۷۹ م) در تهران متولد شده در ۱۲۶۱ ش (۱۸۸۲ م) با بستگانش به عنایات عالیات مشرف گردید ده سال در سامره بود و در ۱۲۷۲ ش (۱۸۹۳ م) به تهران مراجعت کردند. علوم قدیم و جدید، ادبیات فارسی، حساب و هندسه، جغرافیا را فراگرفت، زبان فرانسه، ترکی سرپانی و عبری را محرمانه آموخت در ۱۲۷۸ ش (۱۸۹۹ م) پدرش را تشویق کرد که مدرسه‌ای بنام «مدرسه اسلام» تأسیس کند و هشت سال در رآن این مدرسه بود. در ۱۲۷۹ ش - ۱۹۰۰ م کارخانه قالببانی و عبا یافی و دو سال بعد هم شرکت منسوجات وطنی را در تهران تأسیس کرد.

در بین ۱۲۷۹ ش تا ۱۲۸۷ ش - (۱۹۰۰ تا ۱۹۰۷ م) درجه اجتهاد گرفت. در همین سال به اتفاق پدرش بزاده مقدس عبدالعظیم و سال بعد به قم مهاجرت کرد. در ۱۲۸۵ - و (۱۹۰۷ م) دوزنامه مجلس را تأسیس نمود. سال بعد محمد علیشاه او را دستگیر و زندان کرد و با سایر مشروطه طلبان به زندان باغشاه برد و سپس به خارج از کشور تبعید شد. پس از عزل محمد علیشاه به ایران آمد و وکیل مجلس شورای ملی شد. او حزب داعتدالیون اجتماعیهون را تشکیل داد. در دوره پنجم از وکالت مجلس مستعفی به سفارت ترکیه رفت و پس از سه سال مراجعت کرده در دوره ۱۴ تا ۱۶ وکیل و رئیس مجلس در ۱۳۲۷ رئیس مجلس مؤسسان شد در ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۹ شمسی سناتور انتصابی مجلس سنا بود.

آقا میرزا سید محمد را نسبتی بود به فراماسون چنانچه از حالات و اقدامات حضرت آقای آقا میرزا سید محمد طباطبائی می توان استنباط نمود که این رئیس بزرگ اسلام را چه مسلکی و چه مقصودی در نظر است...<sup>۱</sup>

هم او در جای دیگر، در شرح حال مرحوم سید محمد صادق طباطبائی می نویسد: «... با اعضاء منتسبین به فراماسون مراودت و معاشرت داشته که چون سرست بطریق حدس و ظن و عقاد (يعرف المرء باقرانه) می توان گفت که در آن مجمع انسایت داخل شده و در مسافرت به خارجه هم دلیلی است بر این احتمال تغییر اخلاق و تبدیل افکار یعنی تکمیل هر دو مؤید این حسن ظن خواهد بود در زهد و ورع و تقوی و قدس از حسن سلوك و خوبی رفتار به حدیست که مسلم عندالکلی و قولی است که چهلگی بر آند...»<sup>۲</sup>

نگارنده در ملاقاتی<sup>۳</sup> که با شادروان سید محمد صادق طباطبائی در حضور فرهادپور مدیر روزنامه آسیای دهکرات نمود، ایشان در باره عضویت خود در لژ فراماسونی ایران گفتند:

«در جریان حوادث مشروطیت مرحوم طباطبائی والد من وارد مجمع فراماسونی تهران که بنام «لژیونری ایران» بود شدیم. عضویت ما در مجمع مزبور تا چند سال پس از استقرار مشروطیت در ایران ادامه داشت. در این مدت برای حصول آزادی، تأسیس عدالتخانه، تشکیل مجلس شورای ملی و بالاخره استقرار مشروطیت آنچه لازمه فداکاری بود بعمل آوردیم. پس از تشکیل مجلس شورای ملی و خلع محمد علیشاه از سلطنت، چون به تدریج احساس شد که وجود ما در لژ لازم نیست از شرکت در جلسات خودداری کردیم...»<sup>۴</sup>

مرحوم سید محمد صادق طباطبائی سپس در باره مسافرت خود به ایتالیا و شرکت در مجمع فراماسونی رم مطالبی بیان کرد و گفت: «وقتی به سفر ایتالیا رفتم، انتظام

۱- تاریخ بیداری ایرانیان ص ۱۲۰

۲- ایضاً صفحه ۲۱۱ همین کتاب.

۳- روز ۲۱ مهر سال ۱۳۲۹ در خانه شخصی آقای طباطبائی واقع در سنگلج.

السلطنه ( داماد معاون الدوله ) که در آنوقت مستشار سفارت ایران در رم و خودش هم ماسن بود ، به لژ فراماسنی گراشد اوریان رم اطلاع داد که من فرزند لیدر انقلاب مشروطیت ایران و از فراماسنهای تهران هستم که به پایتخت ایتالیا مسافرت کرده‌ام . رئیس لژ ماسنی رم به افتخارم ضیافتی داد که در آن ۲۰۰ نفر شرکت داشتند و اکثراً ماسن بودند .

در مجلس ضیافت پس از انجام نطقها ، از من پرسیدند که آیا راست است که آخوندزاده و ملا هستم ؟ وقتی جواب مثبت دادم همه تعجب کردند و گفتند چطور ملاها و روساء مذهبی ایران طرفدار حریت و آزادی هستند ، در صورتیکه کشیشهای ما مخالف آزادی و ضد ماسن هم هستند ؟ به آنها گفتم در باره کشیشهای شما و اینکه آنها مخالف آزادی هستند من اطلاعی ندارم ولی در باره مذهب اسلام لازم است که توضیحی بشما بدهم :

اساساً اسلام مذهب حریت و آزادی است و وظیفه هر فرد مسلمان رفع ظلم و دفع ظالم است ، و در این باره اسلام تأکیدات زیادی دارد . بعلاوه در انقلاب برای آزادی و مشروطیت ایران ، ملاها همه همصدا بودند و فقط آخر کار یکتفر مخالف شد که آنهم در اثر اختلاف شخصی بود . آنها وقتی فهمیدند که مراجع تقلید و مجتهدین ایران در کارهای سیاسی هم دخالت می کنند بیشتر متعجب شده می پرسیدند چطور مذهب شما اجازه شرکت در امور سیاسی و اجتماعی به شما داده است ؟

من در جواب آنها می گفتم : اساس فلسفه مذهب اسلام روی خدمت به مردم ، حفظ اصول اجتماعی و شرکت در فعالیتهایی که مبتنی بر حفظ صلح ، آزادی و استقلال ممالک مسلمان است می باشد و برعکس گوشه گیری و انزوا ، تنبلی و سر بار اجتماع بودن را گناه میداند .

سید محمد صادق طباطبائی که در دوران انقلاب مشروطیت یکی از معتمدین با فضل و ترقیخواه بود و شاید نخستین معمم ایرانی باشد ، که زبان خارجی می دانست و می توانست به زبان فرانسه نامه بنویسد ، او مؤسس مدرسه و روزنامه و ناشر افکار آزادیخواهان بود .

پس از صدور فرمان مشروطیت، چون انجمن مخفی اولی منحل شده بود، سید محمد صادق در صدر تشکیل انجمن دیگری برآمد تا کارهای مشروطیت و مجلس شورای ملی را کنترل و نظارت کند. این انجمن در نیمه دوم سال ۱۳۲۴ هـ (۱۹۰۶ م) تشکیل شد و اعضاء آن عبارت بودند از بازده نفر مفصلته الاسامی زیر:

میرزا کاظم خان مستعان السلطان - شوکت الوزراء - آقا سید نصرالله اخوی - ناظم الاسلام - آقا شیخ محمد مازندرانی ولد آخوند ملا عبدالله - حاج جلال معالک - نواز الدوله - میرزا محمود اصفهانی - میرزا حسن خان پدر زن شعاع السلطنه - آقا سید ریش - آقا میرزا مهدی پسر بزرگ حاج شیخ فضل اله - اسداله خان سرتیپ قزاقخانه - سیداله خان سرهنگ قزاقخانه - بهاء دفتر.

در بین اینعده چند فراماسن فعال که اسامی آنها در لیست اعضاء اثر بیداری ایران نیز ثبت شده است دیده می شود. این عده هفته ای دو شب دور هم جمع می شدند و هر جلسه آنها در خانه یکی از اعضاء تشکیل می شد. انجمن مزبور نظام نامعلوم و مراسم نامی برای کارهای اعضاء نوشت. این انجمن تصمیماتی برای مبارزه با شیخ فضل الله نوری گرفت ولی چون این اقدام ممکن بود در بین علماء ایجاد اختلاف و شکاف بنماید از اجراء آن خودداری شد.

یکی از اقدامات مهم این انجمن رخنه در بریگاد قزاق و جلب نظر قزاقها و کوشش شوریت آنها در انجمن های مخفی و شرکت در حوادث انقلابی بود. اسداله خان سرتیپ اولین افسر قزاقخانه بود که علناً و بدون وحشت، تقاضای برقراری «بندل و مساوات و قانون» را در قزاقخانه نمود.

او در یکی از روزها در حضور عده زیادی از افسران و افراد قزاق اظهارات تهدیدی علیه افسران مافوق کرده و گفت:

«... چرا نظام و قزاقخانه عدالت نخواهند، چرا ساکت باشیم و ببینیم که رئیس ما حقوق ما را بخورد و تازیانه استبداد را بر ما بزند، پس بیاید اتفاق کنید اتحاد کنید شما هم مجلس داشته باشید که رئیس شما نتواند شما را تحکیم کند و شما را بدون جهت با

ملت طرفه کند ... حالا وقت آنست که ماهم مجلس معدلت بنخواهیم و خودمانرا شریک ملت و هواخواه وطن دانیم پادشاه خود را مقتدر کنیم و خود را دشمن استبداد نمائیم ماهم چه ضرر دارد مجلس معدلت داشته باشیم تا رئیس ما نتواند به ما ظلمی کند ...<sup>۱</sup> اظهارات اسدالله خان سرتیپ در بین افسران قزاقخانه اثر فوق العاده کرده ، و افسران را بتدریج دورهم مجتمع ساخت و به عقیده نویسنده بیداری ایرانیان ... عموم قزاق بیدار شدند .<sup>۲</sup>

خبر اجتماع افسران و افراد قزاق رؤسای قزاقخانه را متوحش کرد . یکروز که همه افسران احضار شده بودند ، رئیس قزاقخانه اسدالله خان را احضار کرد و دستور توقیف او را داد . سرتیپ اسداله خان به حکم توقیفش اعتراض کرده و گفت باید علت توقیف و زندان مرا بگوئید و در غیر این صورت بزندان نمی روم .

رئیس قزاقخانه و یک افسر روسی به روی اسداله خان شمشیر کشیدند ، اسداله خان خواست با شمشیر با آنها مقابله کند ، افسران ایرانی مانع شدند و به او گفتند تو باید سکوت کنی تا تقصیرت ثابت شود .

دومین روزی که اسداله خان در زندان بود ، لژی بیداری ایران از ماجرای قزاقخانه مطلع شد و شروع به اقدام برای آزادی او کرده و آقا سید محمد طباطبائی هم که بعد از صدور فرمان مشروطیت نفوذ فوق العاده ای پیدا کرده بود نامه ای به نایب السلطنه که وزیر جنگ بود نوشت و علت توقیف اسداله خان و سایر افسران آزادخواه را خواست . و رسماً گفت که بایستی جلو تعذبات افسران مافوق و بیعدالتی آنها گرفته شود . همینکه این نامه به نایب السلطنه رسید . فوراً رئیس قزاقخانه را احضار کرده و دستور استخلاص سرتیپ اسداله خان و تنظیم قانون محاکمه و مجازات افسران را داد . همان روز رئیس قزاقخانه ، اسداله خان را از زندان خارج ساخت و در حضور کلیه رؤسای قزاقخانه عذرخواهی کرد . سپس رؤساء را احضار نمود و آنها نظامنامه مخصوصی نوشتند که قرار شد منبعی برای مجازات افسران « مجلس مشورت نظامی »

۱- تاریخ بیداری ایران چاپ دوم ص ۴۹۸ .

۲- ایضاً ص ۴۹۹ .

تأسیس کنند .

پس از اینکه نظامنامه مخصوص محاکمات نوشته شد ، بین افسران مشاجره و اختلاف افتاد و در نتیجه این مشاجره «کتابچه قانون» پاره گردید ولی يك مرکز غیبی بوسیله اسداله خان و برادرش اختلافات را مرتفع و با نوشتن نظامنامه و قانونی بین افسران اتحاد و اتفاقی بوجود آورد و با موافقت همه افسران قزاقخانه موافقت شد که مجلس نظامی خاصی در بریگاد قزاق تشکیل شود .<sup>۱</sup>

در نیمه سال ۱۳۲۴ هـ (۱۹۰۷ م) منحل شد و از آن به بعد فعالیتی

انجمن مخفی دوم نکرد .

بعد از تعطیل انجمن مخفی دوم و سایر انجمنهایی که فراماسنها در تشکیل آن نقش اساسی داشتند ، تا مدتی انجمن مستقلی بوسیله ماسنها وجود نیامد و بناویسنده از آن اطلاعی ندارد . اما چند انجمن کوچک دیگر که در آنها فراماسنها عضویت داشتند ، فعالیتهای پنهانی و علنی بنفع لژ نشینان می کردند که بطور اختصار از آنها ذکر می شود :

انجمن غیرت به تحقیق یکی از انجمنهای فرعی فراماسوئری

۱- انجمن غیرت ایرانی است . زیرا مدیریت آنرا مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا وکیل تبریز داشت . این شخص که از اعضاء لژ بیداری

ایران بود ، انجمن غیرت را با مرحوم منشی زاده که نایب دوم انجمن بود و سرتیب است-  
اله خان ابولفتح زاده نایب اول و محمد نظر خان مشکوة المعالک (سندوقدار لژ بیداری  
ایران) تشکیل داد .

۱- عهدنامه بریگاد قزاق روز ۳ رجب ۱۳۲۴ ( ۲ شهریور ۱۲۸۵ ش - ۲۵ اوت ۱۹۰۶ م) امضاء و منتشر شد که عیناً در کتاب بیداری ایرانیان درج شده و ... تاریخ ۳ رجب ۱۳۲۴ اتفاق و اتحاد نمودیم کما فی السابق براسستی و درستی بدولت و ملت خدمت و جانفشانی نمائیم چنانکه از ابتدای انعقاد بریگاد هم تاکنون خدمات جانفشانه این چاکران پراولاه دولت و ملت مکشوفه و مبرهن است... این اتحادنامه يك سرمغی است که بر سهیل وصیت نامه برای اولاد و اعتاب خود می گذاریم بهمین قسم که پندشان اتحاد داشته اند آنها هم این رشته اتحاد را محکم و استوار نمایند ...»

انجمن سواد اعظم یکی از انجمنهایی بوده که بنا به ادعای حسین  
 ۲- انجمن سواد اعظم نقی اعزاز<sup>۱</sup> یوسيلة دکترا علم الدوله ثقفی در تهران تشکیل شد.  
 در سال ۱۳۲۵ هـ (۱۹۰۸ م) محمدعلیشاه اموال و دارائی  
 دکترا علم الدوله را ضبط نمود و خودش را نیز تحت فشار قرار  
 داد و اعلم الدوله چون اوضاع را نامساعد دید، انجمن (سواد اعظم) را به شیخ محمد  
 علی نهرانی رهبر «انجمن علمی» واگذار نموده و یکماه در منزل شخصی خویش پنهان  
 شد و سپس به اروپا رفت.

در پاریس عده‌ای از ایرانیان که به عضویت ماسنی فرانسه در-  
 ۳- انجمن ایران آمده بودند انجمن «ایران جوان» را تشکیل دادند. فریدون  
 جوان پاریس خان ملکم پسر ملکم خان ناظم الدوله که در زمان حیات پدر  
 عضو انجمن فراماسوئری شرق اعظم پاریس شده بود به اتفاق  
 دکتر جلیل خان دبیر الدوله (ندیم السلطان) (دبیر انجمن) «اوراق و قطعنامه‌هایی علیه  
 محمدعلیشاه نوشت و شخصاً ژانین کرده برای جراید اروپا و فرانسه و حتی مشروطه  
 خواهان ایران فرستاد و این کار را مدتی ادامه داد، بطوریکه نوشته شده است که:  
 «یکروز ژانین که در آنوقت در پاریس بود، به این انجمن رفت و از اقدامات آزادیخواهان  
 ایران اظهار خوشوقتی کرده نزدیک یک ساعت با رئیس انجمن مذاکره کرده بود، یکی  
 از هدفهای انجمن جلوگیری از گرفتن قرضه محمدعلیشاه به اعتبار جواهر سلطنتی  
 ایران بود که اعلان آن در همان اوقات در جراید پاریس منتشر شده بود.<sup>۲</sup>»

انجمن با «ژان ژورس» لیبر مقتول حزب سوسیالیست فرانسه و اولین مدیر  
 روزنامه «آرماتیه» همکاری زیادی داشت و حتی اعضای انجمن (ایران جوان) مقالاتی  
 نوشته به «ژان ژورس» می‌دادند و او تحت عنوان «بیداری آنها و انقلاب ایران» و

۱- مجله یادگار صفحه ۲۶ شماره هفتم سال چهارم.

۲- مجله یادگار شماره ۷ ص ۲۸

۳- مجله یادگار شماره ۷ ص ۲۸

در ایران چه می گذرد « مقالاتی می نوشت و در روزنامه خود انتشار می داد .

پس از فوت مظفرالدین شاه ، همینکه محمد علیشاه به  
 انحلال انجمنها ، سلطنت رسید ، بلافاصله در صدد کسب قدرت و تشدید فشار  
 حکومت و سلطنت دیکتاتوری برآمد . ولی یکی از موانع مهم  
 تخریب قابل شکستی که محمد علی شاه با آن مواجه شد وجود انجمن های تهران و  
 لایات بود .

محمد علی شاه در زمان ولیعهدی و تا واپسین مرگ پدرش هیچگاه تصور نمی کرد  
 که روساء انجمنها و یابه اصطلاح خودش « يك مشت رجاله هرج و مرج » بتوانند در  
 مقابل اراده و استبداد او مقاومت کنند .

ولی وقتی برای درهم شکستن قدرت مشروطه خواهان و انحلال انجمنها شروع  
 به کار کرد ، فهمید که اشتباه بزرگی کرده است و بهمین جهت ابتدا در صدد برآمد  
 انجمنها را منحل سازد و به قول دکتر ملکزاده « به هر قیمتی که بود شاخ و برگ  
 مشروطیت را ببرد و بال و پر آزادیخواهان را بکند تا مشروطه بدون حامی و  
 نگهدارنده ضعیف و ناتوان گردد و به خودی خود از میان برود این بود که از برای  
 این منظور هر روز نیرنگی روی کار می آورد و دامی تازه می گسترد ... »

ولی از طرفی عده انجمنها که تعداد آنها را تا ۲۸۰ هم نوشته اند ، او را به تفکر  
 وامیداشت . به خصوص که بعضی از اعضاء این انجمنها چون اسیران از بند رهائی  
 یافته بی اختیار حرکاتی می کردند که با موازین عقل و احتیاط وفق نمی داد و اعضاء  
 انجمن که اکثرشان از مردمان ستمدیده و رنج کشیده بودند سری پر شور و دلی سوخته  
 داشتند و از اصول مشروطیت و وظائف افراد مردم در کشور مشروطه و حقوق و حدود  
 قانون کاملاً آگاه نبودند خودسرانه در کارهای وزارتخانه ها و هیئت حاکمه مداخله  
 می کردند و بهانه هایی به دست محمد علیشاه می دادند که مناسب نبود . مع هذا این  
 اقدامات انجمنها تا حدی کار ادارات دولتی را فلج کرده بود . مثلاً همینکه تلگرافی  
 از یکی شهرستانها مبنی بر شکایت از حاکم یا مأمور مالیه یکی از آنها می رسید ،

روساء آن انجمن جلسه عمومی با شرکت چند انجمن دیگر تشکیل داده و دسته جمعی بطرف مجلس یا وزارتخانه مزبور حرکت می کردند .

گاهی اوقات اعضاء انجمنها مستقیماً بالای سر مأمور دولتی که از او شکایت شده بود رفته با تهدید به اسلحه و زور او را منفصل و یا مطیع خود می نمودند .

این رفتار انجمنها و شیوه کار خودسرانه آنها ، بهانه به دست محمد علیشاد داده بود و هر وقت یکی از سران مشروطه و یا وکلای مجلس را ملاقات می کرد ، بنای سخنگیری از انجمنها را می گذارد و آنها را هرج و مرج طلب و آشوبگر می خواند و انحلال انجمنها را برای نظم عمومی لازم می دانست ، و حتی چند بار مستقیماً از مجلس محدود کردن کار آنها را خواست .

چندین ماه قبل از به توپ بستن مجلس شورایی ، محمد علیشاه به وسیله وزراء به مجلس پیغام داد که انجمنها موجب اغتشاش شده اند و مانع اجراء اوامر دولت اند . هرگاه مجلس آنها را حامی مشروطیت تصور می کند باید بداند که حافظ مشروطیت و حقوق ملت خود من هستم نه این جماعت و نه این يك مشت رجاله هرج و مرج طلب که بنام انجمن گرد هم جمع شده و موجب اختلال شده اند .

محمد علیشاه از انحلال انجمنها دو نتیجه می گرفت ، یکی از بین بردن قدرت مشروطیت و مشروطه خواهان و دیگری ایجاد نفاق بین مردمی که صادقانه در انجمنها فعالیت می کردند با مشروطه طلبان و مجلسیان .

ولی مجلسیان و رهبران مشروطیت که از نقشه شیطانی وی آگاهی داشتند با مشورت ( مرکز غیبی ) و فراماسنهائی که در انجمنها رخنه کرده بودند ، به او جواب دادند که مطابق نص صریح قانون اساسی اجتماعات در مملکت مشروطه آزاد است و مجلس نمی تواند قانوناً اجتماعات ملت را منحل و از فعالیت آنها جلوگیری کند .<sup>۱</sup> محمد علیشاه گرچه موفق به انحلال انجمنها و یا محدود

انجمن مرکزی کردن اعمال و افعال کارگردانان آنها نشد ولی با اعزام عده ای از همدستان خود ( که همگی لباس مشروطه خواهی به تن

داشتند) بداخل انجمنها موفق شد بنام تشکیل «انجمن مرکزی» تا اندازه‌ای از فعالیت آنها بکاهد. در یکی از شب‌نامه‌ها که شاید به وسیله فراماسونها منتشر شده، تقویت این انجمن‌ها به آزادیخواهان توصیه شده. به همین سبب شهرت دارد که تشکیل «انجمن مرکزی» یکی از نقشه‌های سازمان فراماسنی ایران برای اداره این نیروی عظیم در پایتخت بوده. زیرا در اواخر حکومت محمدعلیشاه، فراماسنها در اتحادیه طلاب، انجمن آذربایجان، انجمن مظفری، انجمن برادران دروازه قزوین که چندین هزار عضو داشت نفوذ کامل داشتند در سایر انجمنها گرچه چند نفری طرفدار ماستها بودند ولی اکثریت از بی طرفها و (اسیران از بند رسته) تشکیل می‌شد. اما به تدریج کار انجمنهای ملی حتی عرصه دایرگرددان پشت پرده مشروطیت نیز تنگ کرد، بطوریکه دکتر ملکزاده ناچار به اعتراف شده می‌نویسد: «... هر گاه امر مهمی در یکی از ولایات پیش می‌آمد و یا خود سری از طرف مستبدین و دولتیان دیده می‌شد همگی راه بهارستان را پیش گرفته و در آنجا جمع می‌شدند و نطقهای آتشین و بیانات انقلابی و فریادهای تهدید آمیز اجرای قانون و محدود کردن خود سری زمامداران را تقاضا می‌کردند.

یکی از معایب انجمنها این بود که چون به وظایف خود در کشور مشروطه آگاه نبودند در کارهای قوه مجریه مداخله می‌کردند و نمایندگان به وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی فرستاده توضیحات می‌خواستند و تاحدی کارها را مشکل کرده بودند...<sup>۱</sup>

به همین جهت و منظور بود که به قول ملکزاده «... پس از چندین قانندین ملت تصمیم گرفتند که انجمنی از نمایندگان کلیه انجمنهای تهران بنام (انجمن مرکزی) تشکیل نمایند و انجمنها نظریات اصلاح طلبانه خود را به انجمن مرکزی پیشنهاد کنند...»<sup>۲</sup> مستبدین و طرفداران محمدعلی شاه که خود تعدادی انجمن ساخته بودند بلافاصله وارد ممر که شدند و خود را داخل انجمن مرکزی کردند «... عده زیادی از مستبدین

بهر حال گزارشهایی که به من رسیده حاکی از آنست که بازداشتها هنوز ادامه دارد و تاکنون به هشتاد نفر رسیده است. درباریان صورتی از مظنونین از هر طبقه بعرض شاه رسانیدند این صورت را زندانیانی که بازداشت شده اند اظهار داشته اند. یکی از وزرای معزول معاون الدوله و یکی دو نفر از شاهزادگان مظنون در منازلشان تحت مراقبت قرار گرفته اند یکی از ملاهای متنفذ که بنا بود امروز عصر به اینجا بملاقات من بیاید از طرف فرماندار تهران احضار شده و مورد مؤاخذه سخت واقع گردیده است. شاه و اتابك اعظم هر دو از نهضتی که پیش آمده بی نهایت عصبانی هستند. اعلیحضرت طرفدار خشونت میباشد ولی نخست وزیر او مایل است که باشیوه مسالمت آمیز و بهر نحوی که امکان پذیر باشد نسبت به خواسته های مردم رویه معتدلی پیش گیرد.

همکار روسی من در مورد این دسته بندیها امروز عصر با من مذاکره میکرد او سعی داشت که چنین وانمود کند که نسبت به این اوضاع بی اعتناست. او عقیده داشت که تهریکات بعضی از درباریان و مأمورین معزول که شخصاً با نخست وزیر مخالف هستند و نسبت به او حسادت میورزند برای سقوط کابینه میباشد.

وزیر مختار روسیه مسلماً مایل نیست اعتراف کند که ناراضیاتی مردم و مخالفت آنها با حکومت در اثر این است که وزرای مردم ایران این کشور را همه از عوامل روسی میدانند این احتمال را دارد که شاه و اتابك اعظم از اینکه بسر سپردگی بروسها تنهم شده اند ترغیب شوند که بیشتر از هر وقت دیگر برای حمایت و حصول کمک همسایه بزرگشان تلاش کنند و در آئیه نزدیکی آنها بصورت د روس مآب خیلی بزرگ در خواهند آمد بهر حال طرز تفکر شرقی با تفکر ما خیلی فرق دارد و ممکن نیست که پیشگویی را نمود.

با احترامات فائقه

هاردینگ<sup>۱</sup>

۱- اسناد بایگانی عمومی انگلستان ۶۳۷-۶۰ این گزارش قبلاً در کتاب انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت ایران ص ۵۵ تألیف نگارنده چاپ شده.

و درباریان که لباس مشروطیت در بر کردند و ارد این انجمنها شدند و خیانتها کردند...<sup>۱</sup> ارشدالدوله که مردی فعال و جسور بود و در باطن بادرباریان و مستبدین همکاری می کرد، به جدی خود را طرفدار مشروطیت نشان می داد و اظهار علاقمندی به آزادی و عدالت می کرد که به عضویت انجمن مرکزی و سپس ریاست انجمن انتخاب شد و از راه نفوذی که میان مشروطه طلبان پیدا کرده بود و آمیزشی که با رهبران ملت داشت صناعات جبران ناپذیری به حکومت ملی وارد آورد و عامل مهم انهدام مشروطیت شد. انجمن مرکزی و سایر انجمنها پس از خلع محمد علی شاه به تدریج از بین رفت و تنها انجمن فراماسنها باقی ماند که از پشت پرده مجلس را اداره می کرد و با اراده لیدرهای احزاب که جانشین (انجمنها) شده بودند به کار خود ادامه می داد.

# فصل نوزدهم

اتابك و فراماسونها



میرزا علی اصغر خان امین السلطان در لباس صدارت

WWW.BOOKBAZ.IR

## ارتباط قتل اتابك با فراماسنهای ایران

یکی از مردان سیاسی ایران که احتمال دارد به دستور مستبد با اصلاح طلب لژ فراماسونری به قتل رسیده باشد، میرزا علی اصغر خان اتابك «امین السلطان» است.

اتابك یکی از سیاستمداران باهوش و شاید هم وطن پرستی بود، که در نیمه دوم قرن نوزدهم و ده سال اول قرن بیستم میلادی حکومت مطلقه می کرد. در آن ایام در رأس مقامات حکومتی ایران و دربار سلطنتی دو دسته مشخص و متمایز «روس مآب» و «انگلیس مآب» قرار داشتند.

چون اغلب اقداماتی که اتابك به اعتقاد خودش برای سعادت مردم ایران می کرد، به منافع انگلیسیها صدمه می زد، سفارت انگلیس او را روس مآب قلمداد می نمود و در دوران آخر حکومتش که به «ولاسف» وزیر مختار روس اختلاف پیدا کرد<sup>۱</sup>، روسها او را انگلوفیل می دانستند و درباریان حریص و طماع قاجار او را «شمن شاه و درباریان و شاهزادگان» محسوب می کردند.

دشمنی علنی او با میرزا ملکم خان رئیس فراموشخانه ایران تا قبل از سفرش به یورپ و احتمالاً عضویت او در لژ فراماسنی آلمان و همچنین تنفری که او از ناصرالملک قراقرزلو «گراند ماستر» فراماسن ایرانی داشت با ستیزه جوئی و دشمنی علنی که با سید حسن تقی زاده و سایر فراماسنهای ایرانی عضو لژ بیداری ایران نشان می داد، سبب شد تا سرانجام فراماسنهای ایرانی فرمان قتل او را صادر کنند و «کمیته مدعنه» آنرا اجرا کند. اتابك که در دوران طولانی حکومتش متوجه تحریکات دائمی فراماسنهای ایرانی و بستگی نزدیک آنها با انگلیسیها شده بود، در سفری که به اروپا کرد، در آلمان بنا به توصیه میرزا ملکم خان و حاج مخبر السلطنه هدایت در شهر (کارلسباد) عضویت لژ فراماسنی در آمد<sup>۲</sup>.

۱ - اسناد وزارت خارجه انگلستان مجلد ۶۶۶ و ۶۰ نامۀ ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۳.

۲ - عضویت اتابك فقط بنا به ادعا و نوشته باقیمانده عون المماليك است و هیچگونه سندی در دست نیست. عون المماليك معتقد است که خود او هم از جمله اعضاء جامع آدمیت شد. گرچه در بین اسناد موجود، قسم نامه عضویت او نیست. پیامد، ولی دو قسم نامه از خویشان او در دست است که عیناً گزاف شده.

با اینحال فراماسنهای ایرانی که با لژهای آلمان ارتباط نداشتند، عضویت او را نادیده گرفتند و به (کمیته دهشت) یا (کمیته مدهشه) که برای قتل مخالفین خود بوجود آورده بودند، فرمان قتل او را صادر کردند. دشمنی آتابک با انگلیسیها در سالهای اول زمامداریش و نزدیک شدن او با روسها، پس از حادثه لغو انحصار تنباکو و مطالبه پانصد هزار لیره بعنوان خسارت از کمپانی انحصار توتون و تنباکوی ایران بیشتر شده و موجبات قتل او را فراهم آورد.

مطالبه پانصد هزار لیره خسارت از طرف انگلیسیها، شاه و صدراعظم را مجبور کرد که در مقابل به وثیقه گذاشتن گمرکات جنوب مبلغ مورد ادعای کمپانی را با سود شش درصد از بانک شاهی قرض کنند و به کمپانی مذکور بپردازند. این حادثه تفر شاه و آتابک را از انگلیسیها بیشتر کرد و آنها را به روسها نزدیک ساخت.

ناصرالدین شاه زنده بود و میرزا علی اصغر خان به کرسی صدارت عظمی تکیه داشت، مناسبات ایران با انگلیسیها باطناً بسیار بد بود. و با تجربیات تلخی که ناصرالدین شاه در دوره سلطنت طولانی خود از سیاستهای خارجی نسبت به ایران داشت، ظاهراً دوا بطش را با انگلیسیها حتمه جلو می داد. ولی بعد از حادثه رژی، گاهی شاه و صدراعظم علناً با انگلیسیها مخالفت می کردند. حادثه تنباکو اولیای امور انگلستان را مطمئن کرد که نمی توانند دربار را از وجود طرفداران روس پاک کنند و عوامل خود را بجای آنها بگمارند. بهمین جهت فکر از بین بردن ناصرالدین شاه پیدا شد تا جائیکه سید جمال الدین اسدآبادی مؤسس لژهای فراماسونری در ایران و مصر و عضو لژهای انگلیسی همه جا می گفت: «باید ریشه فساد از بین برود» و صریحاً نیز دستور قتل ویرابه میرزا رضا کرمانی داد. در ایران هم تقی زاده او را «خائن السلطان» لقب داده بود.<sup>۱</sup>

ناصرالدین شاه روز ۲۷ ذی قعدة ۱۳۱۳ (۱ مه ۱۸۹۶) به قتل رسید و به جای

او مظفرالدین شاه علیل و ضعیف النفس پادشاه ایران شد.

با خاتمه سلطنت مطلقه پنجاه ساله ناصرالدین شاه، سفارت انگلیس سعی کرد خود را درست و حامی مظفرالدین شاه معرفی نماید و به این حساب بانک شاهي به مظفرالدین شاه مبلغ کلانی وام داد. علاوه بر این نیروی دریائی انگلیس يك كشتی حامل اسلحه را در خلیج فارس توقیف نمود و مهمات آن را بحاکم ایران در بوشهر تحویل داد. در مقابل این مساعدت ها مقامات انگلیسی به شاه قاجار فشار آوردند تا اتابك را معزول کند. شاه سرانجام به خواهش سفير انگلیس و پس از ۱۵ سال، صدراعظم را معزول و او را به قم تبعید کرد. اتابك که بعد از قتل ناصرالدین شاه بیشتر جانب انگلیسیها را می گرفت و از دشمنی با آنها خودداری می کرد، هیچده ماه در قم و در حرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام بدعاگوئی مشغول بود و در این مدت همواره می گفت: «کسی جز من نمی تواند ایران را اداره کند» و همیشه منتظر فرمان «احضار» بود و سرانجام نیز مظفرالدین شاه او را احضار نمود.

بازگشت او بپایتخت با جلال و شکوه خاصی صورت گرفت و صدراعظم نخستین قدمی که برداشت، طرد سه تن از افراد مؤثر سیاسی سیاست انگلستان و سازمان فراماسونری ایران از دربار بود. او قوام الدوله، ناصرالملک، علاءالملک را که در لژ فراماسونری میرزا محسن خان مشیرالدوله عضویت داشتند<sup>۱</sup> از تهران خارج کرد<sup>۲</sup>. و ترتیباتی داد که برای حقوق درباریان و مخارج سفر شاه به اروپا پول تهیه کنند. و به این حساب در سال ۱۳۱۵ هـ (۱۸۹۸) سه نفر بلژیکی برای گمرک ایران استخدام کرد. چون شاه برای سفر به اروپا بی تایی می کرد، محرمانه با

۱ - مجموعه اسناد وزارت خارجه انگلستان مجلد ۶۳۷ و ۶۰۶

۲ - دانشمند فقید محمود محمود می نویسد: «میرزا علی اصغر خان با بدخواهان خود معامله بسیار بدی کرد. تمام آنها را از اطراف شاه پراکنده نمود و هر یکی را بطرفی فرستاد. فرمانفرما را که بیش از هر کس حرارت داشت به بغداد تبعید کرد. میرزا محمدعلیخان قوام الدوله را به خراسان فرستاد. ناصرالملک را بتمام حکومت به کردستان روانه کرد و علاءالملک را به کرمان ... ( صفحه ۱۶۴۸ جلد هشتم تاریخ روابط سیاسی ایران با انگلیس )»

روسها وارد مذاکره شده و بیست و دو میلیون مبنات طلا از آنها فرض کرد. گرچه انگلیسیها در آن موقع گرفتار جنگهای آفریقا بودند و توجهی به تحریرات در ایران نداشتند، معذک نگران رقیب دیرینه خود بودند و اقدامات اتابک را زیر نظر داشتند. سر والنین چرول می نویسد: «... من باید با ترس و لرز اعتراف کنم که رقابت روسها تفوق تجارتی ما را که مدتها بازار ایران را در دست داشتیم از انگلیسیها ربوده بود...»<sup>۱</sup>

روابط اتابک با انگلیسیها در سال ۱۳۱۷ هـ (۱۹۰۰ م) به منتهی درجه‌ای رسید زیرا اتابک موفق شده بود موجبات احضار «سرمار تیمر دوراند» سفیر انگلیس در تهران را به لندن فراهم آورد و چنان قیافه جدی بگیرد که روابطش با جانشین وی نیز خوب نشود. بر اثر این اقدامات دولت انگلستان جانشین «تیمر» را نیز به لندن فراخواند و «سر آرتور هاردینگ» دیپلمات ورزیده با هوش خویش را به تهران فرستاد.<sup>۲</sup> هاردینگ روابطش با اتابک خیلی صمیمانه بود تا جائیکه موفق شد امتیاز نفت خوزستان را در سال ۱۹۰۱ م (۱۳۱۹ هـ) برای ارسای بگیرد.

اتابک با دادن این امتیاز تصور می کرد، انگلیسیها از او راضی شده اند و از نهایت عوامل خود در ایران دست می کشند ولی تحریرات علنی و مخفی انگلیسیها و اعمال آنها همچنان ادامه داشت. اتابک تا سال ۱۳۲۱ هـ (۱۹۰۳ م) در مقابل سیاست داخلی و شیطانی خارجی مقاومت کرد. ولی قتل ناگهانی حکیم الملک استاد نظامی در رشت، مظفرالدین شاه را به وحشت انداخت، بطوریکه مجبور شد او را عزل کند.

حسین اغرا از تقفی در مقاله‌ای که در باره تاریخ مشروطیت نوشته، می نویسد:

۱ - کتاب مسئله آسیا ص ۶۶

۲ - هاردینگ برخلاف همکاران سابقش با اتابک رابطه بسیار صمیمانه برقرار کرده با او بریج بازی می کرد، آزادانه در باره همه چیز صحبت می نمود و حتی از سفرای پیشین و اغشاهات آنها بدون پروا بدگویی می کرد.

« اتابك مدركى بمظفر الدين شاه نشان داد كه ثابت مى‌گردد حكيم الملك به تحريك انگليسيها عليه شاه اقداماتى مى‌كند و چون عضو مؤثر فراعسونرى بود و در اين مؤسسه نفوذ داشت تحريكاتش مؤثر و خطرناك بود . اتابك شاه را متقاعد كرد كه او را بكشند . حكيم الملك و نوكرش پس از ارائه اين شاهد در مدت دو ساعت كشته شدند . محمود محمود نيز در اين باره مى‌نويسد : « ... در او ايل ماه سپتامبر ۱۹۰۷ م ( ۱۳۲۵ هـ ) در رشت حكيم الملك و نوكر معتمد او در عرض چند ساعت با يك موضع مجيبى كه ايجاد سوء ظن مى‌كرد فوت كردند و بعد از دو هفته ديگر اتابك نيز معزول و تبعيد گرديد . او نه تنها از پاي تخت بلکه از قلمرو شاهنشاه اخراج شده<sup>۱</sup> سياست تحبيب هاردينگ از اتابك آنقدر پيشرفت كرده بود كه اين شخص بعد از عزل از صدارت هم او را رها نكرد . در حاليكه در مدت هيچده ماهى كه اتابك در گذشته در قم تبعيد بود ، سفير انگليس حتى يكبار هم بديدنش نرفت . ولى هاردينگ او را فراموش نمى‌كرد تا جائيكه اتابك با سفير مملكتى كه هميشه با او دشمن بود در باره رفتن به مصر و مطالعه درباره مشكلات اين کشور و ملاقات با لرد «كرومر» مشورت مى‌نمود . هاردينگ شخصاً مى‌نويسد : « اتابك » از اينكه استعفائش پذيرفته شده بود خوشحال است و مى‌خواهد به وين برود كه يكي از پسر هايش كه در آنجا درس مى‌خواند ببيند و از آنجا به مصر برود و با لرد كرومر آشنائى پيدا كند و در اين خصوص مطالعه كند كه بچه وسيله‌اى لرد كرومر توانسته وضع مالى مصر را از ورشكستگى كامل نجات دهد و آنرا احيا كند.<sup>۲</sup> »

او در گزارش ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۳ مطلب قابل تعمق را بيان مى‌كند : « از نقطه نظر ما [ انگلستان ] سقوط اتابك رويهم رفته باعث تأسف نيست . هر چند كه در عالم واقعيت و حقيقت آنقدرها هم كه معمولاً تصور مى‌رود او با انگلستان مخالفت نمى‌كند . بلكه از يكطرف بر اثر اختلاف او با ولاسف (وزير مختار روس)

۱ - نسخه خطى كتابخانه تقى .

۲ - تاريخ روابط سياسى ايران و انگليس م ۱۶۸۹

۳ - اسناد وزارت خارجه انگليس مجلد ۶۰ ر P.O. ۶۰ ر گزارش ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۳

و از طرف دیگر برای اینکه خلاف این عقیده عمومی را ثابت کند که او طرفدار روس نیست در این ماههای اخیر او بیشتر بطرف ما [انگلستان] گرائیده است.<sup>۱</sup> هارودینگ در گزارش رسمی که به وزارت خارجه انگلستان فرستاده، بی طرفی آتابک را می ستاید ولی در کتاب «دیپلمات در شرق» در باره گناه نابخشودنی آتابک از اخراج رئیس فراماسنها از تهران می نویسد: «... متفرق کردن طرفداران جدی انگلیس از دربار یکی از گناهان آتابک به شمار می رفت مخصوصاً ناصرالملک که باره محفل فراماسنها هم با او بود و درجه گرانده ماستری داشت ... شاه تصمیم گرفت آتابک را معزول کند. او را احضار کرد، پس از صرف یک فنجان قهوه (خالی و خطر) و تشکر از خدمات او باکمال نزاکت، صلاح اندیشی کرد، که یک چندی استراحت کند و به مسافرت برود و در یک محیط آرام و بی سروصدا اقامت کند...»<sup>۲</sup> سرانجام میرزا علی اصغر خان همراه حاج مخبر السلطنه هدایت عضو لژ فراماسوئری ایران<sup>۳</sup> به خارج از کشور سفر کرد. ابتدا به ژاپن رفت، سپس به تشویق مخبر - السلطنه برای قبول عضویت فراماسوئری بشهر کارلسباد عزیمت نمود. در آنجا امیرزا ملکم خان رئیس فراموشخانه و مؤثرترین فراماسن ایرانی از در صلح

۱ - اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۶۶۶، ۶۰۶ گزارش ۲۵ - سپتامبر ۱۹۰۳

«From our own point of view the Fall of Atabek is of course not altogether to be regretted. for though he was in reality much less unfriendly to England than was commonly supposed, and had partly owing to personal friction with M. Vlassoff, and partly from a desire to disprove the popular belief that he was the slave of Russia, been drawing steadily nearer to us during the last few months.»

2 - one prominent persian statesman, the anglophile Nasrullmulk, had been initiated at oxford and might I think have made a good Begonina as grand Master - p.77. A Diplomatist in the East.

۳ - رجوع شود به فصل پانزدهم همین کتاب.

در آمده و با واسطه حاج مخبر السلطنه طرفین تعهد کردند که دشمنیهای دیرینه را فراموش کنند و میرزا علی اصغر خان با تشویق ملکم و هدایت عضو لژ فراماسنی آلمان شد. عون الممالك که محرر اظهارات اتابك بوده، در خاطر اتش می نویسد: «... در فرنگه گردش کردم. در مسافرتهاى سابق در ملازمت سلاطین با آنکه همه نوع استراحت و سیاحتها برای من موجود بود ولی آزاد نبودم، تمام بطور رسمی دولتی بوده است. این سفر به اختیار خود و به آزادی سیاحت کردم. در واقع دیدم تا حال همه را خبط و خطا می کردم، تکلیف من نه این بود که رفتار می نمودیم و تکلیف مردم ایران نه آن بود که در تحت قید اطاعت من بودند. چندی در این بین ها شرف خدمت مردم بزرگ دنیا را حاصل کردم، گاهی در کارخانجات [فراماسنهای ایرانی محافل و لژهای ماسنی را کارخانه ترجمه کرده اند] به اصلاح امور تمام کره ارض و اصلاح وجود می پرداختم، تمام دول را سیاحت کردم، مسافرت زیارت بیت الله الحرام بسرافتاد. در موقعش رفتم، چندی در آن اماکن مقدسه بسر بردم به شرف حج نائل آمدم در مراجعت پایم دردی داشت که خیال «کارلس باد» کردم...»<sup>۱</sup>

میرزا علی اصغر خان سپس جریان ورود به کارلس باد چگونه فراماسن شدم را شرح داده می گوید: «... به زاین رفته دولت و ملت و سلطنت ژاپن را تماشا کردم. حال دگرگون شد، دیدم خودم را که به هیچوجه من علی اصغر یکسال قبل نیستم. از ملک ژاپن بحال انقلاب برای کارلس باد حرکت کردم. به اشاره عقل و علم ایران پرنس ملکم خان راهی می رفتم که تا رسیدم به کارلس باد. چون اشخاصی که در تمام کره ارض خود را اول عقل می دانند و در تمام سال مشغول کار و خدمت به تمام بنی بشر هستند اعم از اینکه هند باشند یا سند، اروپا باشند یا آسیا یا آمریکا یا آفریقا، کلیه آنها نقشه مدار زندگی بنی نوع بشر را می کشند. این اشخاص سالی یکمرتبه به عنوان رفع خستگی مغز و دماغ خود، در این مکان برسم و اسم گردش و استراحت جمع می شوند، من جمله

مع آداب هر دو عالم مختصراً عرض كنيم و مع احوال چه در اين دو عالم و خارج

بنا بر این که هرگاه انسان بصورت خود را نبیند و به هم حیرت آید

که بعد از مدتی در محضر ایشان تشریف فرما شد و در آن محضر

سُورَةُ الْاَنْعَامِ النِّعَمِ

سلطنت کی دل دیکھ کر بعد ازگار اہل بیت و خاندان محمد

یہاں دیکھو کہ بعد ازاں انہیں کھانا دیا گیا اور انہیں جمع کر کے

وہی ہے جس نے اس کو پیدا کیا۔ وہی ہے جس نے اس کو پالیا۔ وہی ہے جس نے اس کو بڑھا دیا۔ وہی ہے جس نے اس کو مرادے گا۔

دیس میں مسعود علیہ السلام کی لحد روضہ حضرت علیہ السلام

درضا حقیقه - در حُسن است و ذات انبیا است هر چه در وی معلوم

از طرف کبریا معلوم شد که حضرت امام که در غایت امان و

[illegible]

۱۳۱۰ - کتب و نسخه های موجود در کتابخانه

وَلَا يَكْمُلُ حَتَّى يَرَى دَعْوَةَ مَرْءٍ مِنْكُمْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى اللَّهِ

نمود ایمان خداوند است را بوقتیکه که از هر دو عالم هر چه است در  
برای رسیدن به هر دو طرف و از هر دو طرف و از هر دو طرف و از هر دو طرف

موت در استان های مرغوبی است باشند و اگر فرستادند

حضرت ذبیحہ دہلوی نے لکھا ہے کہ میں نے اس کا نام (ابو) دیکھا ہے

و تاکید داشتند که باید بر زبان ایران چه در دهان است

دعوت در طهران به تمام مباحث و غیر سلطان ایران باشند زیرا که مقتضای

دستگاه خبری ایران : بالاتر از آنچه تصور بود در خطر است

اگرچه منہ این کتاب مستحقاً بطهران می رسم (از منظر دهم این کتاب)

با وجودیکه وزیر مختار انگلیس با قاطعیت درباره سازمان فراماسونری آلمان نظریه می‌دهد، با اینحال حمدالکار استاد شرقشناس انگلیسی باشک و تردید گفته‌های او را نقل کرده و می‌نویسد:

... هاردینگک با وجود ابراز اطمینانی که به خبر گزار خود کرده به احتمال قوی در مورد انتساب تأسیس لژ فراما سونری در تهران به میرزا محسن خان [مشیر - الموله چهارم] گرفتار اشتباه شده است. زیرا لژی که با فراماسونری اروپا مربوط است و مورد شناسائی لژهای جهانی قرار گرفته باشد در ایران نبوده، بیشتر احتمال دارد که گروهی از فراماسونهای ایران که همگی در خارج از ایران به عضویت فراماسونری درآمده بودند علاقه سیاسی مشترکی به تأسیس فراماسونی داشتند و میرزا محسن خان بر این گروه سرپرستی داشت، اما نه در مقام استاد اعظم به احتمال قوی (همین اعضای لژ ایران) <sup>۱</sup> بود که هاردینگک درباره آن میگوید: «مرا برای مربوط ساختن آن با لژ بزرگمان دعوت کردند و برای همین گروه بود که من درخواست کمک کردم. جرایبی که رسید تقریباً مایوس کننده بود بعلاوه دوری مسافت و مشکل نظارت بر یک لژ جوان و جدیدالتأسیس و در کشوری که تازه با فراماسونری آشنا شده این امر ممکن نبود بخصوص که امکان داشت سوء استفاده هائی که ممکن است از آن بشود. همین جهت مقامات فراماسونری انگلستان بدین نتیجه رسید که بهتر است آنها هیچ مسئولیتی در ایران نپذیرند» <sup>۲</sup> يك سیاستمدار برجسته ایران بنام ناصرالملک [قراکوزلو - نایب السلطنه] که تمایلات جانبدارانه نسبت به انگلیسها داشت و در انگلورد به عضویت فراماسونری پذیرفته شده بود فکر می‌کنم که او «گراشد ماستر» طوبی برای آغاز کار بود» <sup>۳</sup>

1- ( Referred to as the members of A Persian lodge )

رجوع شود به ص ۲۷ مقاله فراماسونری در ایران .

۲- يك دیپلمات در شرق ۷۷ و ۷۸.

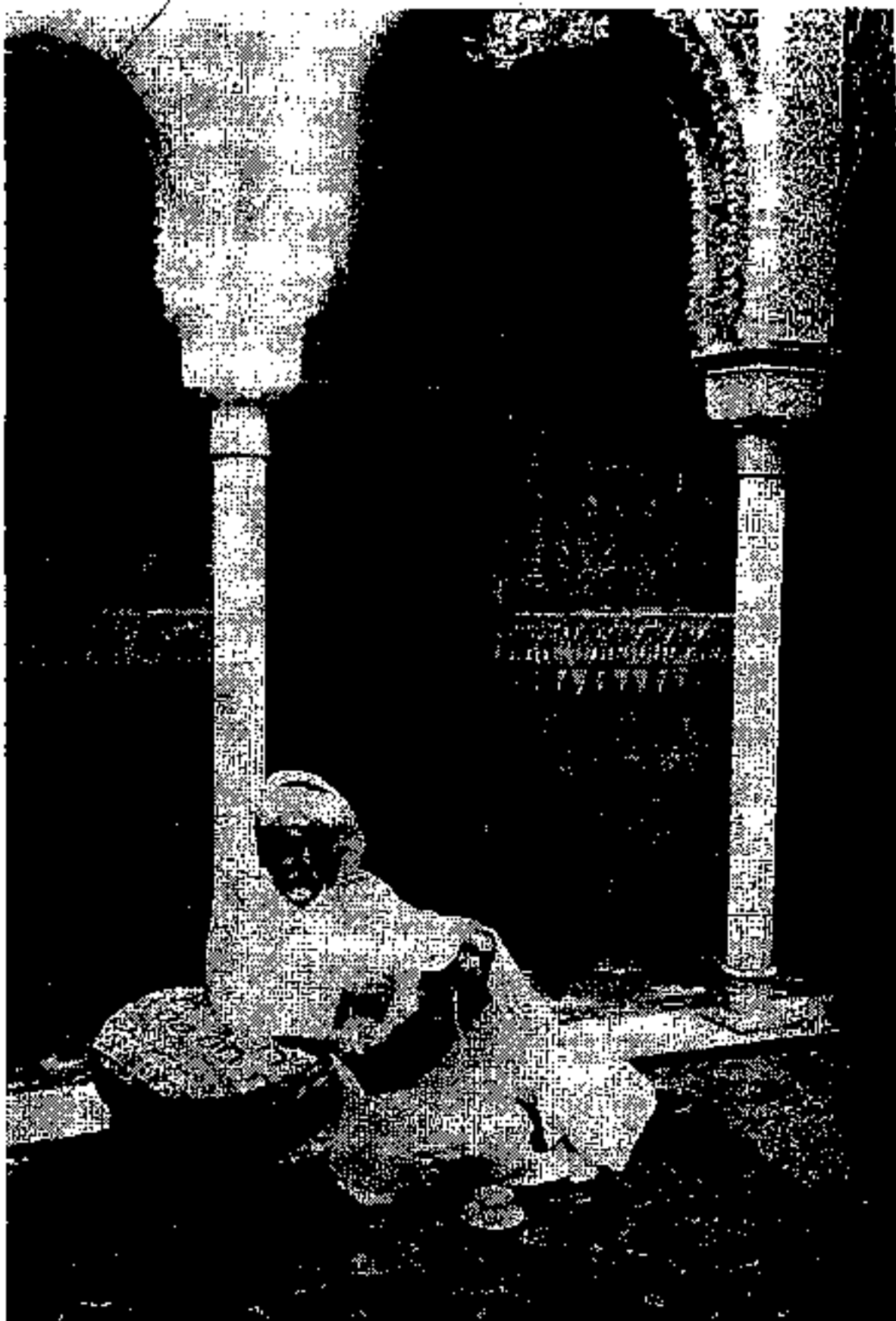
A diplomatist in the East (London, 1820)

۳- مقاله فراماسونری در ایران ص ۲۸.

این موقع هم همان موقع بود. یکی از آن بزرگان دیا پرس ملکم بود. چند نفر دیگر را در مسافرتهاى سابق خود دیده بودم و شناسائی و آشنائی هم داشتم می شناختم، ولی نه به این اسم و معنی. بعضی را به اسم و رسم وزارت فلان دولت بعضی را به حکیمی فلان ملت، بعضی را به حکمیت فلان مملکت می دیدم. دیدار این مسافرت و امروز خبرهای دیگری نشان داده است که درمخیله من بلکه در مخیله تمام ایرانی خطور نمی کرد. زیرا ایرانی کجا، نقشه امور بشری کجا؟ اعتقاد ما ایرانیها این است امروز بگذرد فردا لاجول و لا قوة الا بالله، یا من از سیلاب و آتش بگذرم برادرم و پدرم به درك. عالمی دیگر سیر کردم که به گفتار نمی گنجد، عالمی وجدانی و تحقیقی و رأی العینی آنهم برای علمای فن. بهر حال در این مکان مرا در بوته آهن گدازی گذاشتند و آنچه می بایست از نو ساختند. به عبارت آخری آدم گردند و به من گفتند: رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند.

این رفتار و گفتار و سیاحت برای من واقع شد، در سال ۱۳۲۲ هجری نبوی [۱۹۰۴] در این ایام شهرت غوغای ایران و مشروطیت ایران منتشر به عالم شد، این مردم و مجمع در «کارلس باد» بی طرف با تمام کره ارض هستند. بلکه بعضی هستند که هیچ نمی دانند ایرانی در دنیا هست یا نه. فقط موافق نقشه عالم شش سمت یا هشت سمت کره ارض را می بینند...<sup>۱</sup>

درباره عزیمت به ایران و مأموریتی که فراماسنهاى کارلس فراماسنها اقبالک را باد به او دادند عون الممالك نوشت: چون ایران یکی از نقاط مجبور به عزیمت به عالم است و واجب می دانند که آن مردان بزرگ دنیا که تمام ایران کردند بشر را تربیت نمایند و فهمیدند که من مدتی در ایران صدارت و سلطنت داشتم گفتند تو باید به ایران بروی. از قضا در این موقع از ایران احضارم فرموده بودند. یکی دوم سه پیغام دادند جواب دادم، کتبی نوشتند جواب دادم عصاره شد با این حکایت، ملزم کردند که برو به ایران و ایجاد قانون عدل باید



میرزا علی اصغر خان آقا بیگ در لباس عربی در سفر زیارت خاتمه خدا

بکنی اجرای این قانون باید بدست تو باشد، مأمور و محکومم کردند. حرکت کردم، آمدم، رسیدم به انزلی. آن ازدحام جلوگیری از من شد.<sup>۱</sup> اگر من خیال کجی داشتم آن هنگامه را که دیدم بر می گشتم ولی چون مأموریتی داشتم آن حرکات وحشیانه را باکی نکرده و قمی نگذاشتم...»<sup>۲</sup>

بازگشت میرزا علی (اصغر خان) به ایران مصادف با ابراز ورود اتابک به ایران نظریات مختلفی درباره او شد، درباریان و محمد علیشاه تصور میکردند، که بوسیله میرزا علی اصغر خان خواهند توانست بساط فراماسونها و مشروطه خواهان را براندازند و بار دیگر سلطنت مطلقه برقرار کنند. فراماسنهای ایران هم که از افکار جدید او بی اطلاع بودند بنای مخالفت با او را گذاردند. اتابک با وجودیکه از افکار عمومی اطلاع داشت و می دانست که هنوز اثر تبلیغات انگلیسیها بیجاست، در بدو ورود خویش ابراز نگرانی کرد و، به غلامحسین خان صاحب اختیار که به دستور شاه به استقبالش رفته بود گفت: «... ما را برای کشتن از فرنگ احضار کرده اند...»<sup>۳</sup>

بهر حال در اولین ملاقاتی که اتابک با محمد علیشاه کرد از نیات حقیقی او مطلع شده و شاه به او گفت:

«... من با توسوای عمل سلطنتی آشنائی و دوستی و سابقه داشتم و دارم و امروز تو را برای معاونت خود می خواهم، باید با من همدست شده برای رفع معایب امورات نقشه کشیده، کار بکنی. تو غیرت قبول می کنی من ذلیل زبون و عارف و بقال ایران و تهران باشم؟ آخر من سلطانم، نه اینکه اطاعت هر... بکنم...» میرزا علی اصغر خان جواب داد: «من علی اصغر دوسال یا ده سال قبل نیستم، قلب ماهیت

۱ - هنگام ورود اتابک به انزلی عده ای از آزادیخواهان و مشروطه خواهان در جلو بندر ازدحام کرده علیه او تظاهرات نمودند. آنها میخواستند دیرا به روسیه برگرداند ولی حاکم گیلان او را به تهران حرکت داد.

۲ - خاطرات عون الصالح سال ۱۳۲۳

۳ - شماره ۴ سال ۳ ص ۴۹ مجله یادگار مقاله و غلطهای مشهور تاریخی

در این مسافرت شد، من جز خیر و آبادی مملکت تقاع ندارم<sup>۱</sup> و چون متوجه شد این اظهارات آهن سردکوبیدن است از صدارت استعفی شد. ولی محمد علیشاه موافقت نکرد و فقط نظریات او را در اداره دسته جمعی مملکت قبول نمود.

اتابك هشت نفر را بعنوان وزیر انتخاب کرده آنها را بشاه معرفی نمود.<sup>۲</sup> محمد علی میرزا همه آنها را پسندیده و صدراعظم نیز پس از آنکه همه را دسته جمعی در صاحبقرانیه سوگند داد به مجلس معرفی کرد. وی تصویری کرد که به این ترتیب می تواند، شاه را وادار به همراهی با مشروطیت سازد ولی مخالفین او منجمله نایب السلطنه شروع به تحریک علیه وی کردند و حتی به محمد علیشاه اطلاع دادند که مشروطه خواهان زنجیر طلایی ساخته اند که بگردن او انداخته و او را در خیابانها بگردانند.

انگلیسی ها که مراقب کوچکترین اعمال اتابك بودند، با اقبال او هیچگاه

۱- شماره ۴ سال ۳ ص ۴۹ مجله یادگار مقاله «غلطهای مشهور تاریخی».

۲- روز ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵ میرزا علی اسر خان اتابك دومین کابینه (بعد از استقرار مشروطیت) را به این شرح معرفی کرد.

۱- وزیر داخله - علی اسر اتابك.

۲- وزیر جنگ - شاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه.

۳- وزیر عدلیه - عبدالحسن میرزا فرما فرما.

۴- وزیر مالیه - ابوالقاسم ناصر الملك.

۵- وزیر خارجه - محمد علی علاء السلطنه.

۶- وزیر تجارت - مهدی صفاری وزیر همایون.

۷- وزیر علوم و اوقاف - مهدیقلی هدایت مخبر السلطنه.

۸- وزیر فوائد عامه - نظام الدین مهندس السالك.

معاون رئیس الوزراء - حسن اسفندیاری محتشم السلطنه.

معاون وزارت جنگ - جعفرقلی جلیلود سهام الدوله.

معاون وزارت تجارت عبدالرزاق اعتبار الدوله.

این کابینه چهار ماه و يك روز حکومت کرد و با قتل اتابك، احمد مشیر السلطنه رئیس الوزراء شد.

ملت ایران ای بادکار عهد ساسانیان نظر چارچرخ قدیم خود کنید و از کرده های آباء و اجداد  
 زیاد آوری و مرداکی آخارا سر مشق کنید قتل را در دست چه پیه تاکی خفت و عاری  
 کی پستی و کم نای فرغانه گویند ایرانیهای قدیم همیشه بپندت در مرداکی سودت جهان برده  
 میزد با عکس؛ علی و شبلی مشهور افان شده اند تاکی دست روی دست انداخته بتوکل منو سل مشهور  
 ایلان امور را در عهد مات به اینم تاکی خدی و جنگی و نخل کینم و مرمت خرابیها را در این و آن در  
 نیم چهل سال است مدت انگلیس بنکی و بر دگی ندر میان پرورشته و ما بنو زنده و برده و تو سری  
 بهیم ایامهای دور و این دور و اخیر خرابی مانده چه تاریخ شروع شده ۱۰۰ بینا علی هنر خان بی  
 انقب و به انوس ناصر الدین شاه مدی کار آید و از آبه اری؛ کیوان دوسر رسیده برای پیش  
 به کنون خود جمعی ندر بی نارسان بی شکت را با خود به دست کرده و از اذاع ظلم و بی شرفی و  
 دیشی منایند کردند از روزیکه آن خاتن صحره کار شده دست علم از خاک تا کوتاه و باز در  
 فن داد و با طبع دشمن اعلی علم بود چنانچه در زبان عداوتش صاحبان علم شکوب و مخدول  
 آورده و سرگردان بودند و بعضی که جزون وطن پرستی در سرشای بود برای نردن حرف حق  
 و مقتول ظلم اد شدند بچ است دولت و ملت را که کاریای او پس نبود که دو بار نکر  
 انصار بیکند اگر مقصود خرابی رعبت و دیرانی ملک است ما را کفایت می نماید و اگر مقصود  
 نردش و رعبت خارج است آنهم ما را کافی است رعیت ایران آتش روی پا و ملک ویرانی  
 است که دست یاری غیری محتاج نیستیم فقط چیزی که دارا شده ایم و تمام امید اصداعات آیند  
 در مجلس ملی است بک شکت خاتین ملک دعت و سلطنت که خود را بلباس دولتی در آورده  
 اند اند میز این مجلس را ندر میان برده و با آن خانه ان سلطنت را یکی منورن و ملک ایران  
 کرده اند که در شکت آنکه بخواهد و فریاد را از دست بردارد (نور و نور)

## اعلان

ای ملت ایران ای یادگار عهد ساسانیان بشاریخ قدیمه خود نگاه کنید و از کرده های آباء و اجداد خود بیاد آورید مردی و مردانگی آنها را سرمشق کنید تنبلی را از دست بدهید تا کی خفت و خاری و تا کی پستی و کم نامی. فرنگان گویند ایرانیهای قدیم همیشه بشجاعت و مردانگی معروف جهان بودند و امروز بالعکس بضمه ملی و تنبلی مشهور آفاق شده اند، تا کی دست روی دست انداخته بشوکل متوصل می شویم و اصلاح امور را از مقتدرات بنادیم تا کی غلامی و بندگی و تملق بکنیم و مرمت خرابیهارا از این و آن درخواست نمائیم چهل سال است دولت انگلیس بندگی و بردگی را از میان برداشته و ما هنوز بنده و برده و تو سری خور هستیم آیا میدانید در این دوره اخیر خرابی ما از چه تاریخ شروع شده ؟ میرزا علی اصغر بی اصل بی نسب به بوالهوسی ناصرالدین شاه روی کار آمد و از آبداری به کیوان داری رسید برای پیش رفت مقاصد مکتونه خود جنبی از بی ناموسان بی شرف را با خود هم دست کرده و از انواع ظلم و بی شرفی و مملکت فروشی مضایقه نکردند، از روزیکه آن خائن مصدر کار شد دست علم از خاک ما کوتاه و بازار جهل را رونق داد و بالطبع دشمن اهل علم بود چنانکه در زمان صدارتش صاحبان علم منکوب و مضطرب در دیار غربت آواره و سرگردان بودند و بعضی که جنون وطن پرستی در سرشان بود برای زدن حرف حق شهید ملت و مقتول ظلم او شدند عجب است دولت و ملت را که کاریهای [کذا] او بس نبود که دوباره تلگرافاً او را احضار می کنند . اگر مقصود خرابی رعیت و ویرانی مملکت است ما را کفایت می نماید و اگر مقصود مملکت فروشی و رفیت خارجه است آنهم ما را کافی است، رعیت ایران آنقدر بی یا و ملک ویران و ملت گداست که بدست یاری غیری محتاج نیستیم فقط چیزی که دارا شده ایم و تمام امید اصلاحات آتی را از آن داریم مجلس ملی است يك مشت خائنین ملك و ملت و سلطنت که خود را بلباس دولتی درآوردند و شرف ندارند میخواهند مجلس را از میان ببرند و با آن خاندان سلطنت را بکلی منقرض و مملکت ایران به اجاب و گذار کنند و شایسته انجام این مقاصد بی غیرتانه را امین السلطان دانسته اند .

موافقت نکردند. گزارشهای وزیر مختار انگلیس تصریح می‌کند که اتابك در مراجعت از اروپا در زمان محمد علی شاه و قبول ریاست وزراء اولین کاری که می‌خواست بکند، تنظیم مالیات و اصلاح امور مالیه مملکت بود و این فکر در اوقوت یافت که بانكی تأسیس کنند او محمد علی شاه را حاضر کرده بود که برای تأسیس بانك هفتصد هزار تومان بدهد و از بانك آلمان<sup>۱</sup> هم تقاضای كمك كرد و مخبر السلطنه را از طرف خود برای مذاکره به سفارت آلمان فرستاده بود. بعلاوه اتابك در صدد برآمد از يك بانك سوئیسی بنام «کانتونال بانك»<sup>۲</sup> در لوزان كمك مالی برای بانك ملی ایران بگیرد.<sup>۳</sup> «سراسپرنسک رایس» سفیر وقت انگلیس در ایران در یکی از گزارشهای خود درباره اقدامات اتابك می‌نویسد:

«اتابك از سفارت انگلیس تقاضا دارد که اقدام شود، بانك شاهنشاهی نیز مبلغ دوست هزار لیره انگلیسی قرض بدهد که برای تأسیس بانك ملی ایران كمك شود و این كمك موجب تشكر مردم ایران خواهد بود»  
اینطور به نظر می‌رسد که اتابك می‌خواست با جمع‌آوری سرمایه از منابع مختلف در ایران بانك ملی تأسیس کند.

سراسپرنسک رایس در گزارشی دیگری که به وزارت خارجه انگلستان داده می‌نویسد: «به اتابك گفتم ما با دولت روس يك موافقت شفاهی کرده‌ایم که بدون موافقت و همکاری با آن دولت به ایران قرض ندهیم. اتابك گفت قرض يك امر سیاسی نیست بلکه تجارتي است. اظهار تأسف کردم و گفتم قرض قرض است و موافقت موافقت...»<sup>۴</sup> و مقصود او از این جمله آن بوده است که چون دولت انگلیس با روسها موافقتی درباره ایران کرده در هر حال آنرا محترم می‌شمارد. همانطور که

German. Bank - ۱

Cantonal . Bank - ۲

۳ - اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۴، ۳۰۴ و ۳۷۱ تلگرام اسپرنسک رایس به‌دو دارد

گری مورخ يك ژوئیه ۱۹۰۷

۴ - اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۲، ۳۷۱ نامه اسپرنسک رایس.

گذشت اتابك در آخرین روزهای عمر خویش واقعاً بفکر اصلاح ایران بود. **اسیرینگ** راپس در گزارش ماهانه خود حتی خبر احضار احتشام السلطنه را از اروپا منعکس کرده و می نویسد: «**اتابك** احتشام السلطنه را برای مشاوره در اصلاح تشکیلات مملکتی از عثمانی و کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی بتهران خواسته بود و پیخواست از فکر او در این کار استفاده کند. ولی احتشام السلطنه روزی به تهران رسید که آن شب **اتابك** را بقتل رساندند»<sup>۱</sup>

**اتابك** در ایام آخر زندگی خود، در وضع سیاسی بسیار حساسی قرار داشت. بروی آزادی جان گرفته و اعتقاد عامه مردم به سرکوبی مستبدین و کوتاه کردن دست درباریان زیاد شده بود. ولی از طرفی روس و انگلیس با هم سازش کرده زار داد معروف ۱۹۰۷ را مابین خود امضاء کرده و ایران را به قسمت نموده بودند. از طرف دیگر عوامل انگلیسی: فراماسنهای فرانسوی و دسته های افراطی که با کمک خارجیان و سفارت انگلیس موفقیت هایی بدست آورده بودند، حاضر نمی شدند عقب نشینی کنند. عامل مهم دیگری که در این بین وجود داشت، دشمنی دو دستگی دسته افراطی مشروطه خواهان، انجمن آذربایجان و کمیته دهشت از يك طرف و دستجات دیگری که افکار اعتدالی داشتند از طرف دیگر بود. در بسته اول عده زیادی از فراماسنهای لژ جدید التأسيس بیداری ایران وجود داشتند که می خواستند بساط فراموشخانه ها، مجامع شبه فراماسنی و سازمان های غیر قانونی (Glandastine) عاسنی را از بین ببرند و سازمان نوین را جایگزین تشکیلات قدیمی کنند.

شایعه حضور **اتابك** در سازمان های شبه ماسونی و همکاری او با فراماسنهایی که طرفدار محمد علی شاه بودند سبب شد تا سرانجام فراماسنهای تند رو فرمان قتل **اتابك** را صادر نمایند. سید احمد کسروی سفارت انگلیس را آرزو مند قتل

۱ - اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۳۰۷ ر ۳۷۱ نامه اسیرینگ راپس به ادوارد

## قسم نامه محمد قاسم وکیل السلطنه

بسم الله الرحمن الرحیم

شماره ۱۳۲۵ اتابک کرامت میرزا علی اصغر اتابک در عهد آقامیرزا  
 زمرینه در دی ماه محرم بنه سینه در روز دوشنبه ۱۳۲۵ اتابک کرامت میرزا علی اصغر اتابک  
 و در روز شنبه ۱۳۲۵ اتابک کرامت میرزا علی اصغر اتابک در عهد آقامیرزا  
 قسم محمد شاه و حقوق آید رتبه زلف و در مقام مملکت با تمام قوای خود  
 در عهد محمد شاه در عهد محمد شاه در عهد محمد شاه در عهد محمد شاه  
 ضامن آید فوق در عهد محمد شاه



پس از اینکه میرزا علی اصغر اتابک در کلان آباد، غرامسون شد، در مراجعت  
 به ایران با سازمان شبه فراماسونری و غیر قانونی «جامع آدمیت» تماس گرفت.  
 بطوریکه عون الممالک در یادداشتهاش مینویسد، وی از طرف «جامع آدمیت»  
 مأمور ملاقات و مذاکره با اتابک شده بود. اتابک پس از تماس با عون الممالک و  
 ملاقاتهای بعدی، برای توسعه و تقویت جمعیت مذکور کوشش فراوان بکار برد،  
 تا جائیکه به دولفر از خویانش نیز دستور داد، داخل «جامع آدمیت» بشوند.  
 دو قسم نامه و ضمانت نامه ابن درتن یعنی «محمد قاسم وکیل السلطنه» پسر ابراهیم  
 امین السلطان، و «عبدالله پسر علی اصغر امین السلطان» که در بین اسناد و مدارک  
 «جامع آدمیت» باقی مانده است، و عیناً نقل می شود، نموداری از نزدیکی،  
 صدر اعظم مقتدر ایران با سازمان فراماسونری جامع آدمیت و رهبران «میرزا  
 عباسقلیخان آدمیت» است.

در  
درین باب همه به این معنی است  
از همین قلب و با نیت یک تنه و یک  
در این درودها و عالم من آزار میگویم  
بر اوست این منت عطا فرستاده و درود  
حق و نام هر هست باریکته خدا  
بر قدر که که ما هم اهل حق و  
دینی را در قدرت عطا کرد  
قسم میگویم و حق و حقوق را  
در این مقام با کلام احوال تمام  
محفوظ و محفوظ است  
از شهر و کول نام در دنیا و آخرت

در این باب همه به این معنی است  
از همین قلب و با نیت یک تنه و یک  
در این درودها و عالم من آزار میگویم  
بر اوست این منت عطا فرستاده و درود  
حق و نام هر هست باریکته خدا  
بر قدر که که ما هم اهل حق و  
دینی را در قدرت عطا کرد  
قسم میگویم و حق و حقوق را  
در این مقام با کلام احوال تمام  
محفوظ و محفوظ است  
از شهر و کول نام در دنیا و آخرت

این استاد انگلیسی اظهار عقیده میکند «... پیشنهاد ارتباط گروه فراماسونری ایران با لژ بزرگ بریتانیا ممکن است توسط خود هاردینگک عنوان شده باشد نه از طرف فراماسونری ایران. هاردینگک در جلب اشخاص و گروه‌های مختلف، خاصه علما بخدعت دیپلماتی بریتانیا کوشش وسیعی داشت<sup>۱</sup> بهین لحاظ میتوان گفت که انتقاد و خرده‌گیری او که میگفت «اشخاص معینی بخاطر مقاصد کاملاً متفاوتی با اصول فراماسونری از رابطه‌شان با برادری فراماسونری بهره‌برداری می‌کردند» تاحدزیادی مسخره است. اگرچه کوشش هاردینگک برای ارتباط گروه فراماسونری ایران با لژ بزرگ انگلستان در سال ۱۹۰۸ م [۱۳۲۵ ه] موفقیت‌آمیز نبود ولی سه سال بعد<sup>۲</sup> گراند اوربان در تهران لژ بیداری ایران را تأسیس کرد...»<sup>۳</sup>.

آنچه که یادآوری آن در اینجا لازم است، اینست که در قرن نوزدهم و از اوایی که فراماسونری انگلیس و فرانسه تصمیم به فراماسون کردن ایرانیان گرفتند مسیحیان ایرانی را برای دخیل در مجامع فراماسونری بهتر و آماده‌تر از مسلمانان می‌دانستند.

چنانکه در رأس فراموشخانه ایران میرزا یعقوب و میرزا ملکم خان مسیحیان ارمنی قرار داشتند و پس از آنها نیز نریمان خان ارمنی و بعد نظر آقا آسوری در بین فراماسونهای ایرانی مقام شامخی داشتند. چنانکه خواهد آمد در تشکیل اولین لژ رسمی و با اجازه و باقاعده فراماسونری در ایران (لژ بیداری ایران) نیز مسیحیان مقیم

۱- این نویسنده کتابی درباره علماء ایران نوشته که دانشگاه کالیفرنیا آنرا چاپ کرده و بنام :

Religion and state in iran , The role of the ulama in the Qajar period  
منتشر ساخته است .

۲- لژ بیداری در سال ۱۹۰۸ تشکیل شد نه ۱۹۱۱ نویسنده در این باره دچار اشتباه شده .

۳- مقاله فراماسونری س ۲۸

اتابك و تقی زاده را هم مطلع از جریان سوء قصد قتل او دانسته و می نویسد: «يك چیز می باید در پایان گفتارم بیفزایم اینست که انگلیسیها چون اتابك را افزار دست سیاست روس می شناختند از او آزرده بودند و باشد که دشمنی کشته شدن او را آرزو می کردند، و به دستگیری آقای تقی زاده از پیش آگاهی می داشتند.»<sup>۱</sup> بهر حال نباید این نکته را فراموش کرد که فراماسنهای انگلیسی و فرانسوی در آن زمان در امور داخلی کشور ما با یکدیگر مخالف بودند، و مبارزه داخلی و خصومت های شخصی را از یاد نمی بردند. اتابك هم که شهرت داشت در شهر کارلسباد آلمان فراماسون شده بود، شاید می خواست دسته (فراماسن) دیگری تشکیل بدهد. و همان طوریکه اکنون بین لژهای انگلیسی وابسته به «گراندد لژ اسکاتلند»، لژهای فرانسوی وابسته به «گراندد لژ ناسیونال دفرانس» و لژ مهر وابسته به «گراندد لژ آلمان» اختلاف شدید وجود دارد، آنها نیز در آن روز با هم مبارزه می کردند و در نتیجه این اختلافات دستور قتل اتابك بوسیله لژ فراماسنی صادر شد و یا لاقلاً با این فرمان موافقت یکی از کارگردانان لژیوناری ایران داده شد. حیدر عمو اوغلی معروف به «حیدر برقی» و «حیدر بمبی» در یادداشت های خود در این باره چنین می نویسد: «... حوزه مخفی اجتماعيون عاميون تهران که مرحوم حاجی ملك المنكلمين و آقا سید جمال واعظ نیز در آن حوزه عضویت داشتند اعدام اتابك را رأی داده به «کمیته مجری» حکم اعدام اتابك را فرستادند. کمیته مجری هم حکم را به هیئت مدهش که عبارت از دوازده نفر تروریست تقسیم به جوخه چهار نفری و در تحت ریاست من بودند فرستادند. کمیون مخصوص از برای تعیین اسلحه یعنی ایشکه ترور با بمب بشود یا با اسلحه دیگر منعقد گردید. پس از مشورت زیاد تعیین اسلحه شد و با اکثریت آراء بمب و اسلحه دیگر را اصلاح ندیده بنا شد که بارولور این کار انجام پذیرد. در هیئت مدهش قرعه کشیده شد بنام عباس آقا بیرون آمد، دو نفر هم برای او محافظ قرار داده شد. چندین دفعه

به فیطریه عمارت بیلاقی اتابك در شمیران رفتیم که منہم با آنها بودم و ممکن شد که کار انجام پذیرد.

خبر داده شد که فردا ۲۲ رجب اتابك به پارلمان خواهد آمد. روز جمعه ۲۱ من و عباس آقا و میرزا علی اکبر و حسن آقا برادر عباس آقا به حمام رفتیم. فردا به پارلمان رفته بلیطی برای عباس آقا گرفته شد که در جزء تماشاچیان به پارلمان رفت ولی ما در حیاط و در مجلس راه رفته صحبت می کردیم؟ دو ساعت و نیم از شب اتابك بیرون آمده با سید عبدالله مجتهد صحبت کنان بطرف در می آمدند. تقریباً شش قدم بدر نمائند سیدی برای تظلم سید عبدالله را نگاهداشت ولی اتابك جلو آمد در حالیکه چندین لاله در جلوش می آوردند. همینکه دو قدم و نیم...<sup>۱</sup> یادداشت های حیدر عمو او غلی در اینجا قطع می شود. مرحوم اقبال می نویسد: «... نگارنده ندانستم که آیا او آن را همچنین ناتمام گذاشته یا نه سخه ای که دست ماست ناتمام است.»

بهر جهت اتابك را روز شنبه ۲۱ رجب در جلو مجلس کشتند. قاتل پس از زدن سه تیر فرار کرد. سر بازی او را تعقیب نمود بطوریکه او، تیری هم به سر باز انداخت. در اینجا دو عقیده مختلف وجود دارد، دسته ای می گویند کسانی که دستور قتل داده بودند بدو نفر مر اقب عباس آقا من جمله خود حیدر عمو او غلی دستور داده بودند تا او را بکشند. ولی کسروی می نویسد: «... سر بازی از نگهبانان در مجلس او را دنبال کرد جوان زخمی نیز به او زد ولی از سر اسیمگی یا چون میدان را بخود تنگ می دید تیری هم بروی خود تپی کرد که به مغزش رسید و دو زمان افتاد و جان داد...»<sup>۲</sup> این قول صحیح است و اسنادی که بعداً منتشر گردیده آن را تأیید می کند. در جیب عباس آقا چهار کیسول استرکین و یک قطعه کاغذ یافته شد که روی آن نوشته شده بود: «عباس آقا عضو انجمن فدائی ملت به شماره ۴۱»

کسروی بدنبال داستان قتل اتابك می نویسد: «هر چه هست این حیدر عمو اوغلی کشتن اتابك را به کردن می گیرد و چنین می گویند که تقی زاده هم آگاهی میداشته، و برای ایشکار عباس آقا را که جوان خون گرم غیر تمندی می بود بر می گزیند و دستور کار را می دهد ...»<sup>۱</sup>

بهر نحوی بود طر فداران انگلیسیها موفق شدند دشمن **علل قتل اتابك و** بزرگ خود را از بین ببرند. گناه اتابك بنظر مورخین و به بازداشت میرزا . خصوص محمود محمود و حاج مخبر السلطنه هدایت و کسروی عباسقلیخان این بوده است که:

۱ - با روسها رابطه حسنه داشته و علیه انگلیسیها فعالیت می کرده است کسروی می نویسد:

« انگلیسیها چون اتابك را افزار دست سیاست روس می شناختند از او آزرده می بودند و باشد که کشته شدن او را آرزو می کردند »<sup>۲</sup>

۲ - اتابك دستور قتل محمود حکیم الملك عضو مؤثر سازمان فراماسونری داده<sup>۳</sup> و ناصر الملك فراگوزلو رئیس محفل فراماسونری را از تهران اخراج کرده بود.<sup>۴</sup>

۳ - بنظر حوزه مخفی اجتماعيون عاميون « محمد علی شاه اتابك را برای انهدام اساس مشروطیت از فرنگ به ایران آورده بود »<sup>۵</sup>

در حالیکه اتابك در اثر مجالست چند ماهه با حاج مخبر السلطنه هدایت متوجه مرکز خطر شده بود و به تدریج خود را با آنجا نزدیک می کرد. در سفر دور دنیا فهمیده بود که « انگلیسیها جایگزین روسها خواهند شد » و بهمین جهت

۱ - تاریخ مشروطیت ایران ص ۴۴۹

۲ - ایضا ص ۴۵۱ .

۳ - یادداشت های خطی حسین تقی .

۴ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ص ۱۷۲۴ و ۱۶۸۹

۵ - مجله یادگار سال سوم شماره چهارم ص ۴۹

تغییر عقیده و فکر داده بود. اما او نمیخواست یکباره از «روس» روی بگرداند و خود را به دامن انگلیسیها بیندازد. از این رو شاید برای بقاء مشروطیت و تغییر کلاس سیاسی دربار ایران از «روس» به «انگلیس» بتهران آمد.

۴ - محمد علیشاه پس از چند جلسه مذاکره با اتابک فهمید که او با مشروطه خواهان همدست شده و بوسیله او نمی تواند آنان را سرکوبی کند. و به همین جهت وقتی خبر ترور او را شنید در حضور جمعی از درباریان اظهار بشاشت کرد. محمد علیشاه حتی خود را بی خبر از قتل اتابک ندانسته و به خان ملک ساسانی که در اسلامبول وزیر مختار ایران بود در باره قتل اتابک گفت: «وقتی اتابک را از اروپا احضار کردم، امید داشتم او با من همکاری و کمک کند ولی وقتی برگشت دیدم او هم فراماسن شده و هم ضد شاه، به همین جهت از کشته شدن او خوشحال شدم و دستور قتل او را دادم»<sup>۱</sup>

حاج مخبر السلطنه هدایت نیز در این باره می نویسد: «بعدها از اورنگ که در ادسا محمد علی میرزا را ملاقات کرده بود شنیدم که محمد علی میرزا در دو دیوبت تأسف بر قتل اتابک خورده بود که ضبط کردم. دبیر السلطان هم در موقع فوت آرزو اورنگ اقرار بمداخله در قتل اتابک نموده بوده است که در جبران چه چاره کند»<sup>۲</sup> با وجودیکه محمد علیشاه خود را در قتل اتابک سهیم و خوشحال میدانسته، معذرت یادداشت های صریح و روشن حیدر عمو او غلی که عیناً در مجله یادگار نقل شده و در سطور قبل به آنها اشاره گردید، ثابت می کند که (کمیتة دهشت) وابسته به حزب اجتماعیون (عامیون) در قتل اتابک دست داشته است.

۵ - این سؤال پیش می آید که با وجود آنکه اتابک از روس برگشته بود، چرا طرفداران انگلیس و با قبول کسروی (انگلیسیها کشته او را آرزو می نمودند) و سرانجام او را از پای در آوردند.

۱ - یادداشت های خطی و سال در خدمت احمد شاه - محمد علی شاه در این هنگام در اسلامبول

بعالت تبعید بسر می برد.

۲ - خاطرات و خطرات ص ۲۰۷

جواب این سؤال را فقط سید حسن تقی‌زاده می‌تواند بدهد. زیرای بنا بگفته دانشمند فقید محمود محمود که بنقل قول اوازحیدر عمو اوغلی فوقاً اشاره شد، تقی‌زاده از پشت پرده ماجرای این قتل بی اطلاع نبوده است.<sup>۱</sup>

اما آنچه را که می‌توان به ظاهر قضاوت کرد، اینست که در آن زمان انگلیسی‌ها در ایران دستجات مختلفی داشتند که هر یک به نحوی فعالیت می‌کردند. این دستجات با آنکه همگی خواهان «آزادی» و «رهائی از ظلم و جور درباریان» بودند، در تغییر سیاست دربار وقت از «روس به انگلیس» نیز اثر داشتند. لیکن دستجات مزبور بجای اینکه همه با هم متحد و یکقول و فعل باشند، شاید هم به تدریج انگلیسها و طبق سنت دیرین و استعماری که همیشه «نفاق پیانداز و حکومت کن» را شعار خود قرار داده‌اند، این باز هم بوسیله عوامل خود دستجات مختلف را با هم از در ضدیت و عناد و حتی مخالفت در آورده و آنانرا وادار بمبارزه با هم می‌کردند تا در فردای پیروزی صفوف متشکلی در برابر آنها قد علم نکنند. انعکاس این وضع در لژهای فراماسنی بسیار عجیب بود: در مبارزات داخلی آنروز ایران، فراماسونیهائی که طبق سنن و آداب و رسوم و تشریفات مخصوصی وارد لژها شده بودند با دیگر دستجاتی که سازمانهای شبه ماسنی داشتند، نیز در جدال بودند. این جماعت هر چه بدخاتمه نهضت مشروطیت و استبداد صغیر نزدیکتر می‌شدند، دامنه مبارزه با دستجات دیگر را شدیدتر می‌کردند، تا در روزی پیروزی بدون رقیب و فارغ البال بکار خود ادامه دهند.

در آن موقع در تهران دو دسته قوی و مجهز که هر دو طرفدار آزادی و دشمن ظلم و استبداد بودند فعالیت می‌کردند:

دسته اول مرکب از آزادیخواهان (روز) و (خلق الساعه) و عده‌ای مؤمن با آزادی و دافع ظلم بودند که فراماسونیهائی عضو لژیوناری ایران، آنانرا رهبری می‌کردند.

۱ - جلد نهم تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس که چاپ شده است.

در دسته دوم رجال تحصیل کرده و کسانی که درده ساله آخر عمر ناصرالدینشاه برای بسط عدالت و گسترش آزادی و تغییر رژیم مملکت از استبداد به مشروطیت فعالیت می کردند شرکت داشتند، ورود اتابک به صحنه سیاست ایران به این دسته امکان داد که به او نزدیک شوند و او را در روش و نظریات جدیدی که پیش گرفته بود یاری کنند. ولی قتل اتابک فعالیت آنان را متوقف کرد.

وقوع قتل صدر اعظم سبب شد تا دو دسته فراماسونری «با اجازه» و «بی اجازه» بجان هم افتند و حتی دسته فراماسون عضو لژیونری ایران اسباب توقیف میرزا عباسقلیخان آدمیت را بر طبق اظهار پسرش صادقخان فراهم نماید: ... یاسی از نیمه شب یکشنبه ۲۲ رجب ۱۳۲۵ گذشته بود که رئیس جامع آدمیت را گرفتند و در لباس خواب به مجلس بردند. پس از یک روز وی را به نظمی منتقل کردند و بعد از دو روز دیگر بدون استنطاق و محاکمه آزادش ساختند...»

دستگیری و زندانی کردن وی، بدون اطلاع محمد علیشاه صورت گرفت. میرزا پلیس نمی دانست که شاه هم عضو سازمان فراماسونری آدمیت شده و از او حمایت می کند. محمد علیشاه بدون اینکه علناً از آدمیت حمایت کند موجباتی را انگیزت که وی را آزاد کردند. جرج چرچیل دبیر شرقی سفارت انگلیس در ایران در گزارشی که به وزیر مختار انگلیس، داده خلاصه ای از گفتگوی خود را با مستشار نظمی تهران نوشته است. در این گزارش که به ضمیمه راپورت ماهانه وزیر مختار انگلیس در ایران برای وزیر خارجه انگلیس فرستاده شد، چرچیل از قول «پولاکا» چنین می نویسد: «... در مورد هویت اشخاص توقیف شده و مدارکی که از پیش آنها کشف گردیده، پولاکا اطلاعاتی را که صنیع الدوله بمن داده بود تأیید کرد و گفت هر نوع برگه ای، که ممکن بوده است سرپوشی از روی واقعیت قضیه بر دارد، ضبط شده. هیچگونه بازجویی مؤثری که منجر به فاش شدن هویت بازیگران حقیقی توطئه گردد، صورت نخواهد گرفت. شاه به ظاهر، امر اکید

صادر کرده که ادارهٔ نظمیه تهران هر طور که مجلس شورای ملی دستور داد رفتار کنند و کسانی را که مظنون به شرکت در واقعهٔ قتل نخست وزیر فقید هستند توقیف و از آنها بازجوئی کند. ولی در عمل، نه وزیر عدلیه و نه حاکم تهران هیچکدام حاضر نیستند در این گونه بازجوئیها که می‌دانشد مورد مخالفت باطنی مقام سلطنت است شرکت جویند و نتیجه این شد که تمام اشخاص که تاکنون از طرف نظمیه بازداشت شده بودند آزاد شده‌اند. علت حقیقی آزاد شدن اینان چیزی جز این نیست که مقامات بالانتر مایل نیستند مساعی پلیس برای کشف سرانگیزان حقیقی توطئه به جاهای باریک بکشد و از هویت بعضی از رجال عالیرتبه کشور که در این قضیه خونین دست داشتند پرده برداشته شود.<sup>۱</sup>

متأسفانه بایستی گفت که تا به امروز هم مسئله قتل اتابک حل نشده، زیرا یکی از اسناد مهم راجع به آن یادداشت‌های شخصی حیدر عمو اوغلی بوده که قسمتی از آن در مجلهٔ یادگار چاپ شده ولی در آنجا که به قتل اتابک رسیده، قطع گردیده است. بهر حال اتابک روس‌آب مستبد و سرانجام اصلاح طلب که نفی زاده در جلسات مجلس گفته بود: «... امین السلطان لقب او نیست بلکه باید گفت خائن السلطان است...»<sup>۲</sup> به موجب نوشتهٔ مورخان و همچنین گزارش سفیر انگلیس «... به دستور یک انجمن انقلابی به قتل رسید...»<sup>۳</sup>

در حالیکه همین سفیر بعد از مرگ او به وزیر خارجه انگلیس گزارش می‌دهد: «... پس از قتل اتابک وضع ایران بدتر شده و به هر ج و مرج رسیده است...»<sup>۴</sup> و این بود ماجرایی نخستین قتل سیاسی که یک عضو مؤثر فراخسوسری ایران در آن دست داشت ولی به علت عدم دسترسی به اسناد ژریداری ایران نمی‌توان گفت که آیا اثر

۱ - اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۳۱۲ - ۳۷۱

۲ - اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۳۱۱ - ۳۷۱ تلگراف ۴ سپتامبر ۱۹۰۷

۳ - همین جمله گزارش وزیر مختار چین است:

By The other of A Revolutionary Socitey

۴ - اسناد بایگانی مجلد ۳۱۲ - ۳۷۱

فرمان قتل را صادر کرده و یا فراهم‌سویهای عضو رأساً در این کار شرکت داشته‌اند .  
 از امین‌السلطان هم ، یادداشت‌هایی باقی نمانده . فقط در سال‌های اخیر بازماندگان  
 قوی با انتشار اسناد بوسیله بعضی از نویسندگان و احیاناً کمک مالی به آنها در صدد  
 پرئنه‌کسی که با قدرت حکومت می‌کرد برآمده‌اند . ولی چون انتشار این اسناد از  
 دیدگاه باقی‌ماندگان این «ارمنی زاده» است ، در شناخت اقبال‌کمکی نکرده‌است ،  
 بلکه به عکس سوءظن عمومی را برانگیخته است .

## فصل بیستم

### افشاء اسرار ماسونی

از روزیکه سازمان نوین فراماسونری در دنیا شروع به کار و فعالیت کرده است، لژهای فراماسونی برای حفظ اسرار، گفتگوها، اقدامات و عملیاتی که در داخل لژها انجام می شود و بخصوص بجواها و مذاکرات سری، مقررات شدیدی وضع کرده اند و کوچکترین مجازات و تقصیر کسانی را که اسرار پنهانی را افشاء می کنند «اعدام» و «نرور» قرار داده اند.

فراماسونهای دنیا تا کنون عده زیادی از «برادران» خود را فدای عقیده و مقررات و مندرجات قانون اساسی فراماسونری و نظامنامه خود ساخته اند. هرگاه یکی از ماسونها، از لژها و سازمانهای فراماسونری مستعفی و یا اخراج می شد، اگر اسرار درون لژها را افشاء و بر ملا می ساخت و یا کتب و مقالاتی می نوشت، او را به وسائل مختلف می کشتند و سر نوشت وی را برای عبرت سایرین بصورت مقالات و نشریات منتشر می کردند. تاکنون کتب زیادی از طرف فراماسونها و یا مخالفین آنها درباره «فریبان افشاء اسرار ماسونی» منتشر شده که بنظر مخالفین قصه های جعلی و عاری از حقیقت بوده و صرفاً برای ارعاب و وحشت اعضاء و مخالفین منتشر گردیده است، در حالیکه خود ماسونها به حقیقی بودن این گونه نوشته ها اعتقاد و ایمان دارند و آنها را حقیقت محض می دانند، و یا لااقل با این قصه ها تظاهر می کنند.



فرماندهای فراماسونی در ورودی پارلمان

معروفترین حادثه‌ای که در اکثر کتب فراماسونی ذکر شده و حضور ناپلئون  
 در لژ فراماسونی کرات اوربان فرانسه است می‌گویند ناپلئون مطلع شده  
 رئیس جمعیت سری فراماسونری وجود دارد که اعضای آن مخفیانه گرد هم  
 می‌نشینند و علیه حکومت و سلطنت او توطئه می‌کنند. او گمان کرد که اجتماع سری  
 جمعیت به زبان او عمل می‌کنند و در صدد اعاده رژیم سلطنتی قدیم فرانسه است  
 او خبر داده شد که یکی از وزیران کابینه عضو آن جمعیت است. ناپلئون بنای  
 فعالیت خاطر، آن وزیر را گذارد و او را بوغده و توید زیاد خوشدل و راضی ساخت.

ایران کارگردان بودند، اما پس از شرکت مسلمانان مصری و ترك در مجامع و لژهای فراماسونری بتدریج سازمانهای ماسونی جهان رغبت بیشتری به قبول ایرانیان مسلمان نشان دادند. زیرا همکاری صمیمانه‌ای که در درون لژها بین مسیحیان و مسلمانان به وجود کارگردانان جهانی لژها را بر آن داشت تا با تقاضای عضویت مسلمانان موافقت کنند، در اوایل کار مسیحیان ایرانی در لژهای ماسونیک بر ایرانیان ترجیح داشتند.

عبدالکامی نوید :

«... فقط در سازمان‌های دیپلماتیک ایران در خارج از کشور بود که مسیحیان می‌توانستند به لژهای فراماسونری مزیت‌هایی داشتند و همین امر باعث کم اهمیت یافتن اقلیت مسیحی در ایران ممکن است، دلیلی برای تأخیر در تأسیس لژهای ماسونیک در ایران اعتماد و با اجازه درین کشور باشد...» اگر این نظریه را قبول کنیم و عدم نفوذ و حتی نفرت مردم ایران را در آمیزش با غیرمسلمانان در نظر بگیریم باید دلیل عدم استقبال از فراماسونری در ایران را همین برتری دینی بدانیم در حال حاضر هم در رأس هیأت‌های فراماسونری انگلیس در ایران یک نفر یهودی الاصل تبعه انگلیسی بنام کریستوفر-الزبت فری قرار دارد که در حدود ۵۵۰ ایرانی بردست او بوسه می‌زنند و همین امر علت اصلی نفوذ مردم این کشور از فراماسونری جهانی و فراماسونهای ایرانی است.

در این بین عنای از درویش و صوفیهای ترك و ایرانی را می‌بینیم که از فراماسونری استقبال کردند و خود را وارد مجامع آنها نمودند. البته تظاهرات آزاد اندیشی و آزادی که فراماسونها در قرن نوزدهم در ایران می‌نمودند سبب دیگر برای پذیرش صاحبان این فرقه شرقی «درویش» با فراماسونها می‌باشد. بموجب نظری که ارائه شده «... پیروان طریقت تصوف در ایران رویه‌های مذهبی خود را با رویه‌های مذهبی مورد ادعای فراماسونری مقایسه کرده‌اند از نظر این افراد لژ فراماسونری احتمالاً شکل ایده‌آل سازمانی بنظر می‌آمده است که امکان آمیختگی صوری اسلام و مذهب السائیت را عرضه می‌داشت...»<sup>۲</sup> بهر حال سوءظن طبقه متعصب مذهبی

۱- مقاله فراماسونری در ایران ص ۳۷.

۲- مقاله فراماسونری الکاد ص ۳۸.

او پس از مدتها موفق شد، پاره‌ای از آداب و رسوم سری فراماسونری را که فقط درون لژها انجام می‌شد و استادان ماسنی از آن با اطلاع بودند، بداند. وی پس از اطلاع از «رمز» ورود به محفل پاریس، لباس وزیر مذکور را بهاریت گرفت و پنهانی وارد یکی از جلسات جمعیت شد. ناپلئون تصور می‌کرد هیچکس از این اقدامات و عملیات او آگاهی ندارد ولی همیشه با دادن علامت رمز وارد محل مخفی لژ شد و در صندلی نشست «استاد اعظم» لژ با صدای بلند حضور شخصیت بزرگ فرانسه را بین اعضا اعلام کرد و پس از ذکر اسم بناپارت گفت:

«فراماسونها بسی مفتخرند که شخص بزرگ و اول فرانسه، بهدفعهای عالیه ماسونها پیوسته و «منظم» شده است.» ناپلئون در میان جمعیت بلند شده خود را بهمه نشان داد و خشنودی خود را از دخول در جمعیت فراماسونری اظهار کرد.

رئیس محفل با موافقت بناپارت، خشنودی امپراتور را از دخول در انجمن ابراز نمود و مراسم انتصاب در همان جلسه بعمل آمد و او عضو مجمع فراماسونری شد. پس از انجام تشریفات رئیس محفل گفت:

«حال که شما ماسون شدید، بدین مناسبت ما نیز هدیه مختصری را بشما تقدیم می‌کنیم» رئیس اشاره به یکی از نگهبانان کرده یکی از ماسونها یک سینی طلا که سرپوش روی آن انداخته شده بود بجلو ناپلئون آورده تقدیم پادشاه کرد. ناپلئون همینکه روپوش را از روی سینی برداشت سر بریده وزیر خود را که رازهای درونی لژ را افشاء کرده و شاه را به داخل لژ راهنمایی کرده بود دید و قتی سر وزیر را جلو ناپلئون گذاشتند هنوز قطرات خون از آن می‌چکید.»

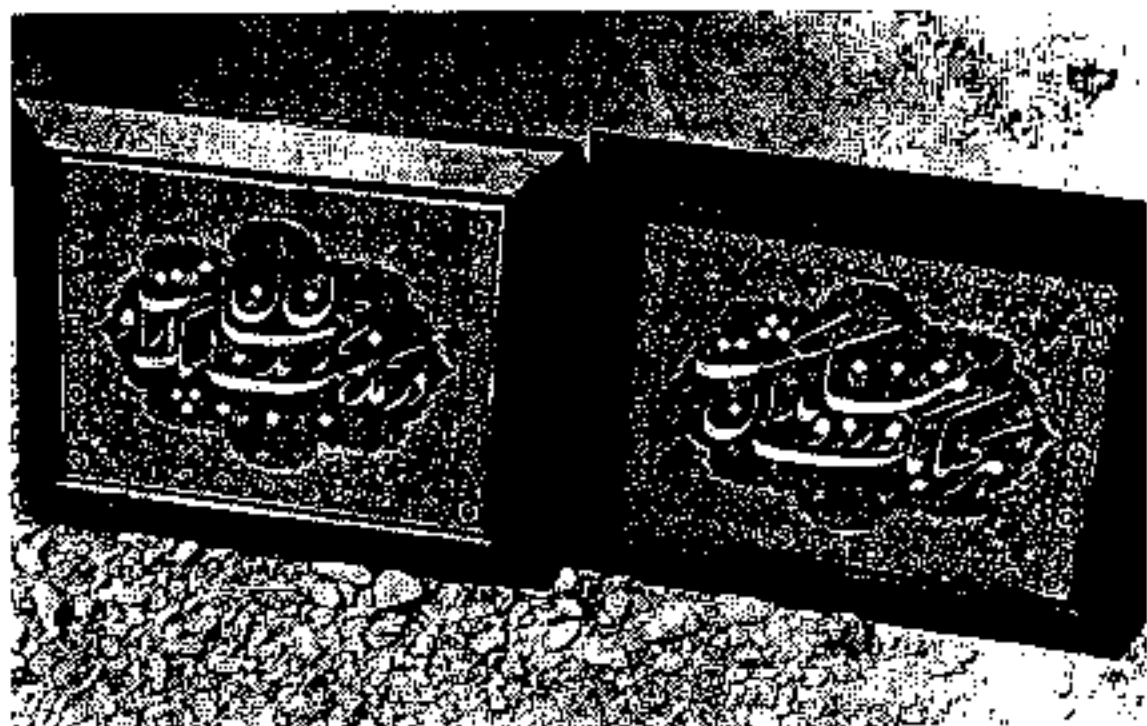
این داستان را اکثر مورخین فراماسونی و حتی بیطرفها در مقالات و کتب خود نوشته و یاد کرده‌اند و بدینوسیله دستگاه فراماسونی را نسبت به ناپلئون برتر جلوه داده‌اند. حال این داستان تا چه پایه صحیح است؟ جواب آنرا بایستی اسناد ماسونی فرانسه بدهد.

در ایران نیز فراماسنی با «راز داری» و «سرپوشی»  
 حفظ اسرار و رازداری آغاز شد و چون فراماسونها در دوران استبداد قاجار  
 در مجامع ماسونی ایران قبول عضویت در مجامع فراماسنی کرده و همیشه در  
 درون لژهای خود درباره استبداد و رهائی از ظلم و جور  
 مال قاجار صحبت و گفتگویی نمودند، بالطبع رازداری و حفظ اسرار از مهمترین  
 کف آنها قرار گرفت و تا کنون نیز ادامه دارد. کسانی که بدرون لژهای فراماسنی  
 همعافل آنها راه یافته اند بارها به شعارها، کلمات و جملات کوتاه و اشعاری که همه  
 آگهی از رازداری و تقبیح افشاء اسرار بوده به خود نسبت داده اند. در اصفهان در  
 خانه سرکیس تروسکانیان که از ماسونهای ساکن جلفا بوده دو کاشی ۶۰ در ۴۰ در  
 قلاب چوبی بدیوار نصب بوده که پس از مرگ او به دکتر کارومیناسیان پزشک ساکن  
 اصفهان فروخته شده است. در این دو قطعه کاشی این بیت با خط زیبایی مشاهده  
 میشود:

«هر کس که نمک خورد و نمکدان بشکست

در مذهب رندان جهان سگ به از اوست»

دکتر کارومیناسیان که متخصص آثار عتیقه است درباره این تابلو می گفت:  
 «از سراینده بیت فوق هیچگونه اطلاعی ندارم و نمی دانم این شاعر در کجا  
 زیسته و بقیه این بیت چیست. همینطور درباره تاریخ ساختن این کاشی و استادی  
 که آنرا ساخته است نشانی بدست نیاوردم و استادان کاشی کاری فعلی اصفهان هم  
 نتوانستند سازنده آنرا معرفی کنند. ولی آنچه مسلم است دو کاشی مزبور به  
 شبکه کاشیهائی است که در دوره صفویه در اصفهان می ساخته اند. استادان فعلی  
 کاشیکار اصفهانی و عتیقه شناسان که هم اکنون در اصفهان زندگی می کنند نظر  
 مرا درباره نوع پخت و رنگ دو کاشی مزبور قبول کرده اند. بنظر من می رسد که  
 استعمال اینگونه رنگها و طرز پخت دو کاشی مزبور در دوران سلطنت قاجاریه  
 بخصوص در اواخر سلطنت فتحعلیشاه در اصفهان نیز مرسوم بوده و تا آخر سلطنت



این الواح در موزه دکتر کار و میناسیان در اصفهان نگهداری می‌شود.

مظفرالدین‌شاه هم شبیه اینها می‌ساخته‌اند. چند کاشی دیگر که از حیث رنگ و پخت با این دو کاشی برابر است مربوط به دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و در حدود ۱۳۰۰ (۱۸۸۲ م) در اصفهان دیده شده است. بنابراین، میتوان گفت: این دو کاشی که شاید از شعارهای درون یک لڑ فراماسنی در اصفهان بوده در دوران سلطنت پادشاهان قاجارید در اصفهان ساخته شده و حتماً هم استاد سازنده آنها اصفهانی بوده است زیرا تمام ریز کارهای استادان اصفهانی در دوران شاهان قاجارید در این کاشیها دیده می‌شود.

نویسنده خود در شیراز در خانه یکی از فراماسنیهای قدیمی نیز تابلو مذهبی دیدم که شاید مربوط به هشتاد تا یکصد سال قبل باشد. روی این تابلو که در قاب چوبی بود و آنرا یک استاد مذهبکار شیرازی با رنگ و آب طلا مذهب کاری کرده بود به خط یک خوشنویس شیرازی این بیت سعدی مشاهده می‌شد:

هزار مرتبه سعدی تو را نصیحت کرد

که حرف محفل ما را به مجلسی نبری

این تابلو هم اکنون در اختیار نسل دوم یک فراماسون قدیمی است و متأسفانه از افشاء اسم صاحب اصلی تابلو و خانواده‌ای که هم اکنون آنرا در اختیار دارد منعزوریم. در تهران هم در خانه یکی از فراماسنهای عضو لژ بیداری ایران که شاید از جمله ۱۱۰ نفر عضو انجمن اخوت طهیرالدوله بوده. این بیت در روی یک صفحه مذهب نوشته شده بود<sup>۱</sup>

هر که را اسرار حق آموختند  
مهر کردند و دهانش دوختند



وجود این سه تابلو در خانه فراماسنها، نشانه‌ای از «حفظ اسرار» و «رازداری» به پند آنهاست.

فراماسونهای ایرانی برای اینکه هیچگاه ازین وظیفه خطیر و مهم خود غفلت نکنند با استفاده از اشعار شعرای ایرانی «حفظ اسرار» را همواره نصب العین قرار داده و بدینوسیله دستور مهم این قرقه عظیم جهانی را یاد آور می‌شوند.

۱ - تابلو مزبور در اختیار نگارنده است.

علاوه بر اینها، در نظامنامه‌ای که لژ بیداری ایران تحت عنوان «مجازات» دریا تزرده ماده تنظیم کرده، کیفر گناهانی که ماسونها مرتکب می‌شوند به تفصیل ذکر شده و در پایان ماده پانزدهم ماده واحده‌ای تحت عنوان «افشای سر و خیانت» وجود دارد که در آن چنین نوشته شده است:

«اگر برادری مرتکب این گناه عظیم شد قول و شرف خود را باخت و برضد قسمهای خود رفتار کرده است آن برادر بیگانه است و ظالم و از درجه انسانیت ساقط ل. در او بنظر حیوان درنده و حشرات مضره خواهد نگریست مع هذا جمع برادران می. در اخذ انتقام هر یک فرداً فرد بر قسمهایی که یاد کرده‌اند عمل خواهند نمود یعنی پس از تحقیقات عمیق و محکامات دقیقه و ثبوت خیانت بهر وسیله که شده و هر جائیکه باشد او را راحت نخواهند گذاشت. در اجرای اعدام معنوی او خواهند کوشید خلاصه از سر خائنین بهیچ وجه دست نخواهند کشید.»

در ترجمه قانون اساسی فراماسنی که بوسیله لژ بیداری ایران صورت گرفته است در این باره چنین نوشته شده است:

«... بگروندگان خود سفارش می‌کند که بواسطه سرمشق نیکوکاری و گفتن و نوشتن این مسلک را انتشار دهند با رعایت راز داری ماسنی...»<sup>۱</sup>  
اینک آئین نامه لژ بیداری ایران که درباره «مجازات فراماسنها» و تخلفات آنها در سال ۱۳۲۳ (۱۹۰۶ م) چاپ و ژلاتین شده عیناً نقل می‌شود:

### در مجازات

ل. مسئول حرکات و طرز رفتار اعضای خود است زیرا که حق دارد م. هائی را که سزاوار و لایق این مقام مقدس نیستند بر وفق قوانین اساسیه می. تنبیه و مجازات نماید.

۱ - جمیع برادران را فرض است که در اجتماعات ل. حضور بهمزسانند

۱ - قانون اساسی چاپ ۱۹۰۹ م ص ۲۱.

اگر برادری را امر مهمی روی دهد که نتواند در ل. ح حاضر شود باید پیش از وقت علت نیامدن خود را کتباً و یا بتوسط برادری به رئیس اطلاع بدهد تا ایشان سایر برادران را مستحضّر دارند.

۲ - هر یک از برادران که در ل. ح حاضر نشد و علت نیامدن خود را اطلاع ائداد مسئول خواهد بود.

۳ - دفعه اول رئیس از جانب ل. ح کاغذی به آن برادری می نویسد و یا بتوسط برادری پیغام زبانی می دهد که از قوانین می. ح انحراف ننماید و دوری نجویید به حضور داشتن در ل. ح از او امر مؤکده می. ح است.

۴ - اگر برادر مسئول طرز رفتار خود را تغییر داد و تنبیه شد فیها المرام و الا دفعه ثانی رئیس کاغذی می نویسد و بتوسط دو نفر از برادران که در ل. ح معین می شوند می فرستند که لساناً نیز نصایح لازمه بعمل آمده باشد.

۵ - دفعه ثالث اگر مقصود حاصل نشد بعلاوه اقدامات مذکور در فوق جزای نقدینه قرار می دهند مقدار آن را ل. ح تعیین می کند.

۶ - اگر برادری به اخطارات ل. ح اعتنا نکرده سه مرتبه اتصالاً در ل. ح حاضر نشد و علت نیامدنش را اطلاع نداد و یا آنکه علتی که برای نیامدن خود بیان کرده در محضر ل. ح مقبول نیفتاد آن برادر در حکم استعفا کرده محسوب نخواهد شد.

۷ - این قسم برادران اگر چه از می. ح خارج نمی شوند ولی ل. ح به اعضای خود قدغن می کند که به نظر خارجی در آنها بنگرند و بهیچوجه از مذاکرات ل. ح اطلاعی به آنها ندهند و در معبد نامحرمشان دانسته قبول نکنند.

۸ - اگر برادری برخلاف قرارداد ل. ح برادرانیکه از معبد خارجند از کار و مذاکرات ل. ح مطلع کند خود او مسئول خواهد بود.

۹ - برادری که مسئولیت فوق را بر خود وارد آورد از سه الی شش ماه بر حسب قرارداد ل. ح در مذاکرات می. ح قبول نخواهد شد.

۱۰ - برادران مسئول که از ل. دور شده‌اند اگر بخواهند دوباره قبول شوند باید پشیمانی خود را کتباً به رئیس عرضه دارند و استدعای دخول در ل. را نمایند.

۱۱ - رئیس عرضه را در ل. می‌خواند و رأی می‌طلبد اگر ل. به اکثریت اراء استدعای برادر خارج شده را پذیرفت در مجلس به عنوان برادر می‌تواند حاضر بشود و باید در محضر مقدس ل. علناً عذرخواهی نماید ولی اگر استدعای برادر مذکور مقبول نیفتاد رئیس کتباً یا لساناً جواب می‌دهد که تا فلان مدت حق دخول نخواهد داشت (مدت را ل. تعیین می‌کند).

۱۲ - در ختام مدت مذکور برادر خارج شده در باب قبولی خود در ل. باید مجدداً عرضه عرض کند ولی ل. بهمان ترتیب اول رفتار خواهد کرد.

۱۳ - برادرانیکه به ملاحظات امور پلیسی مملکت لابد و ناچار از حضور در ل. محروم خواهند ماند باید علت مجبورت خود را به ل. عرضه دارند اگر ل. رأی داد برادران مشارالیه مسئول نخواهند بود و سایر برادران می‌توانند از مذاکرات ل. اطلاعات لازمه را به آنها بدهند ولی اگر عذرشان در ل. حسن قبول پذیرفت باید در اجتماعات ل. حاضر شوند والا مسئول خواهند بود.

۱۴ - برادرانیکه بر حسب قرارداد ل. از ل. موقتاً خارج شده اند از تأدیه حقوق صندوق معاف نمی‌باشند.

۱۵ - برادرانیکه در مدت دوری از ل. اقساط خود را بصندوق نپرداخته‌اند باید اگر استدعای تجدید قبولی آنها پذیرفته شد قبل از حاضر شدن در معبد بازمانده اقساط را کاملاً بپردازند.

۱۶ - اگر مدت تبعید از ل. ششماه کشید و برادر مسئول حقوق صندوق را نپرداخت برادر صندوقدار باید مطالبه نماید.

۱۷ - از تاریخ مطالبه صندوقدار الی یکماه اگر حقوق صندوق تأدیه نشود ل. حق دارد بر حسب قوانین اساسی می. اسم آن برادر را از دفتر بکلی

الخراج نماید .

۱۸ - برادرانیکه بر حسب قرارداد ل . . از معبد دور می‌شوند در تحت نظارت و تفتیش ل . . خواهند بود یعنی اعضای محترم ل . . فرداً فرد در اعمال و افعال و گفتار آنها از دور و نزدیک مراقبت و مواظبت تامه را خواهند داشت و اگر حرکتی مخالف قوانین مقدسه می . . از آنها بروز کند در مقام انتقام مجاز خواهند آمد .

۱۹ - درمی . . تفصیل حد معینی ندارد ولی بطور عموم مغایرت با قوانین الهیه می . . بر دو نوع است :

اول عدم اطاعت بر قراردادهای ل . . و عدم اجرای شرایط آدمیت و انسانیت اصل مبنای می . . بر آن است .

دوم افشای سر یعنی خیانت بر تمام هیئت مقدسه می . . عالم و مخالف با بهائی که یاد کرده است .

### عدم اطاعت به قراردادهای ل . .

#### و عدم اجرای قوانین انسانیت

۱ - هر مطلبی که در ل . . مذاکره و قبول گردید برگشت ندارد و اطاعت تمام برادران را فرض .

۲ - برادران غالب حق اعتراض نخواهند داشت .

۳ - هر اعتراض و ایرادی باشد باید در ل . . در اثنای مذاکرات گفته شود و وقتی که مطلبی را ل . . قبول کرد دیگر احدی حق گفتگو نخواهد داشت .

۴ - برادرانیکه اطاعت قراردادهای ل . . را قبول می‌نمایند مسئولند دفعه اول تو بیخنامه از جانب ل . . بر علیه آنها نوشته می‌شود و دو نفر از اعضاء مأمور به ابلاغ آن می‌گردند .

۵ - اگر به آن وسیله برادران سرکش رفتار خود را تغییر ندهند ل . . مجلس لوق العاده قرار داده برادران مشارالیه را احضار می‌نماید و در حق آنها تو بیخ

علنی و حضوری مجری می نماید .

۶ - در صورتیکه به احضارنامه ل. . اطاعت نکنند و یا اطاعت کرده بیایند ولی باز موخراً در قبول قراردادها ل. . اهمالی ورزند آن برادران در ششماه الی دوسال از ل. . خارج خواهند شد در این مدت از مذاکرات ل. . به آنها ابد اطلاع نخواهند داد .

۷ - در ظرف مدت تبعید از معبد در اعمال و اقوال آنها مخالفتی با قوانین مقدسه می . دیده می شود و بعد از ثبوت محکمه ل. . برادران مذکور را از سمت می . بکلی طرد خواهد کرد .

۸ - برادرانیکه برخلاف قوانین اساسی می . بر حقوق مسلم برادران خود و یا شرف شخصی و یا صفتی و امور شخصی آنها صدمه رسانند در محضر مقدس ل. . مسئول خواهند بود .

۹ - از آنجائیکه قوانین مقدسه می . منیع انسانیت است باید اعمال شخص م. . در خیر خواهی عموم بمنزله سرمشق باشد لهذا برادرانیکه از قوه و اقتدار خود استفاده نمود حقوق زیرستان را خواه م. . خواه بیگانه یا اعمال یا ابطال نمایند مسئول خواهند بود و طرز تنبیه این برادران را ل. . به اکثریت معین خواهد کرد .

۱۰ - برادرانیکه بیشتر از ششماه از ل. . خارج می شوند باید تمام اوراقی که در نزد خود دارند و اسناد می . آنهاست به برادر دبیر ل. . بسپارند و الا بر مسئولیتشان خواهد افزود .

۱۱ - اگر ل. . برادری را از می . طرد کرد قرار خود را بتمام ل. . های می . خارجه و یا رأساً و یا بتوسط شرق اعظم فرانسه اطلاع خواهد داد .

۱۲ - هر برادری که در ل. . امری را متعهد شد و یا برای خدمت به می . وعده داد مجبور بر ایفای آن است باید حتماً از عهده بر آید .

۱۳ - در معبد مقدس می . رودربایستی و ملاحظه و خود نمایی و بغیر

از حقیقت سخنرانی گناه محض است لهذا از تعهدات و وعده و وعیدهای ظاهری برادران محترم باید همیشه احتراز نمایند .

چنانچه تعهدات وعده و وعیدها را اگر در سر وعده و وعیدی نشویند . . . کذب گوئی ندانسته مرتکب آنرا مدت غیر معینی از معبد دور خواهد کرد .

۱۴ - هیچیک از برادران حق ندارد بدون اجازه ل . . . کسی را دعوت به . . . نماید اگر دعوت کند مسئول خواهد بود و مورد مؤاخذه و توبیخ خواهد شد .  
۱۵ - هر یک از برادران منافع شخصی خود را بر منافع عامه ترجیح دهد باید امید معاونت از ل . . . داشته باشد .

### اولین فراماسون ایرانی که مجازات شد

اولین فراماسن ایرانی که به جرم «خیانت» و «افشاء اسرار ماسنی» غیاباً در لژ ماسنی محاکمه و محکوم به اعدام شد، موقر السلطنه بود. او که از فراماسونهای قداکار از خود گذشته بود و یکبار به دستور مظفرالدینشاه به جرم «خیانت به شاه» و کمک به آزادیخواهان مجازات و به چوب بسته شده بود و همسرش را هم بزور مطلقه ساخته به زوجیت امام جمعه تهران در آورده بودند، در دوران استبداد صغیر به علت جشهایی که از لژیونری ایران و فراماسونهای عضو آن حاصل کرده بود بطرف احمد علیشاه رفت و اسرار درون لژیونری را افشاء نمود و به هم مسلکان خود خیانت کرد و بهمین جرم نیز محکوم به اعدام شد.

موقر السلطنه نوۀ محمدرحیم خان کشیکچی باشی امیر نظام پسر ناظم السلطنه بود . ناظم السلطنه چهار فرزند ذکور بنامهای حاجی معین الدوله - علاء الدوله - هاشم السلطنه - موقر السلطنه داشت . از روزیکه او وارد دربار شد همواره با پسر ز اعلی اصغر خان اتابک همراه و همفکر بود .

مظفرالدینشاه دختر خود شکوه الدوله را به موقر السلطنه داد و او علاوه بر این که داماد شاه بود ، چون با آزادیخواهان و مشروطه طلبان همکاری و همفکری

در ایران خاصه علما از فراماسونری نا آشنا بود که حتی از ملاقات با فراماسونهای شناخته شده مسیحی خودداری می کردند. چنانکه ملکم خان بارها تلاش میکرد که با سید محمد طباطبائی پیشوای مشروطیت ایران ملاقات کند ولی او حاضر به دیدنش نمیشد. تا اینکه یکروز خود را پخانه اورساید و موفق شد ساعتی با او صحبت کند. در آن ملاقات ملکم خان با افسون و حیلی که داشت پیشوای مذهبی ایران را با خودش همدست کرد ولی او هیچگاه عضو فراموشخانه نشد. اما بعدها که لژ بیداری ایران تشکیل شد وی عضویت این لژ ماسونی درآمد. ولی وقتی کار مشروطیت ایران پایان یافت و فراماسونری ایران در خدمت استعمار و انگلستان درآمد بطوریکه خواهد آمد سید محمد طباطبائی و فرزندش سید محمد صادق ازین سازمان بیرون آمدند. و بعد ازین علماء مذهبی ایران از دخول در لژهای ماسونی بعزت و اعتقاد بودن فراماسونها به خدا و تخطئه کردن مذاهب و رسانیدن استادان اعظم لژها بمقام و منصب «معمار بزرگ جهان»، یعنی «خدا» و «داره کنندگان جهان» خودداری می کردند و هیچ کدام از آنها به عضویت سلولهای مخفی در نیامدند. تا اینکه در سالهای اخیر دکتر سید حسن امامی امام جمعه تهران ابتداء به افتخار عضویت در لژ فراماسونری فراسه و سپس انتقال به لژ انگلیسی وابسته به اسکاتلند درآمد و سرانجام استاد اعظم لژ «نور» وابسته بگروه انگلیسی شد که در فصول آینده شرح آن خواهد آمد. اینک برمی گردیم به تأسیس لژهای ماسونی در قرن نوزدهم در ایران.

یکی از مدارك مستند و قابل اطمینان که وجود لژ فراماسونری

**رپورت** ایران را با اطلاعات گرانبهاثر دیگری تأیید می کند، راپورتی **فراماسونیکری** است که شخصی بنام «دیرالملک» درباره فراماسونری برای میرزا علی اصغر خان امین السلطان تهیه کرده است. در این

گزارش که متأسفانه تاریخ نگارش ندارد وجود يك سازمان فراماسونری که شیخ محسن خان مشیرالدوله و میرزا محمودخان حکیم الملک در آن عضویت دارند تأیید می شود. دیرالملک در گزارش خویش مدعی می شود که لژ فراماسونری ایران ابتدا

موقر السلطنه عضو لژ  
فراماسونی که حکم اعتماد  
او را استادان ماسونی  
صادر کردند.



داشت مورد اعتماد و وثوق آنها واقع شد، و اغلب واسطه گفتگوها و مذاکرات سری آنان با شاه بود. در آخرین سفر مظفرالدینشاه به اروپا، هنگامیکه محمد علی میرزا، ولیعهد و نایب السلطنه بود، چون از ارتباط موقر السلطنه با آزادیخواهان و عضویت او در فراماسونری اطلاع داشت، بعنوان اینکه وی با زنی بد رفتاری می کند او را وادار کرد که همسرش را طلاق بدهد. و چون موقر السلطنه حاضر به اینکار نبود، در بار قاجار با کمک شیخ فضل الله اجباراً او را مطلقه ساخت، بطوریکه حتی همسرش دختر مظفرالدینشاه هم به این طلاق راضی نبود. مجریان این مجازات این شکنجه را هم کافی ندانسته و در روزهاییکه مظفرالدینشاه از اروپا

بر می گشت و سائلی فراهم کردند که شکوه الدوله همسر سابق او را بعقد و ازدواج میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران در آوردند .

موقر السلطنه پس از این وقایع و بر اثر ناراحتی شدید ، خود را بیشتر به سازمان فراماسنی و سازمانهای علنی و مخفی آزاد بخوانان نزدیک کرد تا جائیکه رسانیدن شب نامه های فراماسونها و سازمانهای آزاد بخوانان را بعهده گرفت . در یکی از روزها که می خواست شب نامه ای را در اطلاق شاه بگذارد ، مظفرالدین شاه او را دید و دستور داد به چوبش ببندند . جریان این واقعه مهم که شاید بتوان آنرا یکی دیگر از نقش های لژ فراماسنی ایران در راه مبارزه با دربار قاجار دانست توسط نورخین چنین نقل شده است :

در سال ۱۳۱۸ هـ (۱۹۰۱ م) که مظفرالدین شاه اتابک را **النجمن سّری و ارسال** مأمور گرفتن «وام» با شرایطی سنگین از دولت روسیه شب نامه بخوابگاه نیاوران تزاری نمود ، فراماسنهای ایران که در آنوقت يك تشکیلات مخفی وابسته سّری بنام «انجمن سّری»<sup>۱</sup> داشتند شروع به فعالیت علیه اخذ «وام» نمودند . بر اثر این فعالیتها مجدداً ناراضیاتی مردم و اعتراض عمومی آغاز شد .<sup>۲</sup> اعتراضات مردم که ابتدا بصورت شایعات و سخنان نارازی شروع شد ، بتدریج با صدور اعلامیه های مخفی و شب نامه های شدیدالحنی رسعت گرفت و فراماسنها بوسیله موقر السلطنه و دیگران که همگی از اعضاء «انجمن سّری» بودند ، اعلامیه ها را حتی به خرم شاه می رسانیدند . مندرجات شب نامه ها بیشتر علیه امین السلطان (صدر اعظم) بود و آنها او را به وطن فروشی و خیانت و

۱- مجله یغما سال سیزدهم مقاله «نخسین شاعر آزاد بخوان ایران» ص ۱۴۸

۲- در تاریخ انقلاب ایران بران در این باره چنین مینویسد :

۳- سپتامبر ۱۹۰۱ کلننتن زیتویك ۱۳ اگست، يك آشوب داحنه داری منبث از ناراضیاتی

از حکومت بویژه افتتاح باب مذاکره درباره وام جدیدی از روسیه را گزارش میدهد.

## موقر السلطنه در بالای چوبه دار

### موقر السلطنه در بالای چوبه دار

خودداری از اصلاحات کشور متهم می کردند. در این شب نامه‌ها مطالب و تهدیدهای نیز درباره گرفتن وام از روسیه ذکر شده بود. در یکی از شب نامه‌های ژلاتینی قصیده‌ای که شهید احمد فخر الواعظین کاشانی متخلص به خاوری سروده و مضمون آن علیه امین السلطان بود، چنین درج شده بود:

ارمنی زاده می‌آزار مسلمانان را	بکف کفر مده سلطنت ایمانرا
غاقبت خسانه ظلم تو کند شاه خراب	پس چه حاجت که بر افلاک کشی ایوان را
دامن بغیرت چه شود در کف ملت ظاهری	پاک از لوث و جنود تو کند بستانرا
کاسه لیس تو از روس ندارد ثمری	کاین سیه کاسه در آخر بکشد مهمانرا

باری، در یکی از روزها که شام در خوابگاه کلخ نیاوران در برابر آئینه ایستاده بود، موقر السلطنه که مأموریت داشت این شب نامه را پیدا کند در بار برساند پاکت حاوی آنرا در روی میز تحریر شاه گذاشت. ولی بعضی اینکه خواست خارج شود، شاه که در برابر آئینه ایستاده بود، او را دید و از چگونگی رسیدن شبنامه‌ها به

در بارو حتی روی میز تحریر وزیر بالش خود مطلع شد. او چنان عصبانی گردید که هماندم به موقر السلطنه گفت: «پس معلوم شد که ریشه فساد در خانه خود من است» و سپس فرمان داد او را به چوب بستند و آنقدر تازیانه بر پایش زدند که، مجبور شد اسامی اعضاء انجمن سّری را که در نوشتن شب نامه ها دخالت داشته اند افشاء کند. ولی با این وصف موقر السلطنه طبق دستور مرکز فراماسو لری فقط اسامی اعضاء انجمن سّری را ذکر نمود و حتی اسم یکنفر از ماسنهارا به زبان نیاورد.

وقتی شاه از وجود انجمن سّری و فعالیت های علیه خود مطلع شد به آقا بالاخان سردار دستور توقیف و دستگیری نویسندگان شب نامه ها را که همه در صفوف آزاد یخواهان و مشروطه طلبان قرار داشتند صادر نمود و رئیس نظمیّه وقت طهران شاه این عده را در جمادی الاخر سال ۱۳۱۹ (سپتامبر ۱۹۰۱) دستگیر و زندانی کرد:

۱- شیخ یحیی کاشانی نویسنده و تهیه کننده شب نامه ها.

۲- سید احمد فخر الواعظین کاشانی سراینده اشعار.

۳- سید حسن برادر سید جمال الدین مدیر روزنامه حبل المتین.

۴- میرزا مهدیخان وزیر همایون که وزیر و در سفر شاه به اروپا همراه او بود.

۵- میرزا محمد علیخان قوام الدوله که از درباریان بنام و مردی توانگرو دشمن سرسخت امین السلطان بود.

۶- متمر الملك که از مردم قفقاز بود و چون از میوه ها کنسرو میساخته، شاه لقب متمر الملك به او اعطاء و حقوق ماهانه به او میداده است.

۷- میرزا سید محمد مؤتمن لشکر نوری.

۸- میرزا محمد علیخان نوری.

۹- حاجی میرزا حسن رشیدی.

۱۰- موقر السلطنه.

۱۱- شیخ عبدالعلی مؤید بیدگلی .

در جریان این دستگیری واقعه تأثر انگیزی نیز رخ داد، و آن این بود که مأمورین پلیس وقتی برای دستگیری میرزا محمد علیخان نوری میروند او بالای پشت بام خوابیده بود. همینکه سروصدای مأمورین نظمیه را شنید، هراسان و سراسیمه بیدار شده و از فرط دستپاچگی از پشت بام بزمیر افتاد و پس از چندی در زندان شهربانی درگذشت!

سایر دستگیرشدگان پس از مدتی هریک بنقطه‌ای تبعید و یا متواری شدند و در بین آنها فقط میرزا حسن رشیدی که بخانه حاج شیخ هادی نجم آبادی پناهنده شد تا زمان مرگ مظفرالدینشاه در آنجا زندگی می‌کرد. کسروی می‌نویسد: «... اگر نرم دلی مظفرالدینشاه نبود هیچیک از آنان زنده نمی‌ماندند ... شیخ یحیی را دست بسته بر اسبی سوار کردند و به اردبیل فرستادند. سید حسن رایپاس برادرش و میانجیگری عین‌الدوله بخشیده بمبارک آباد ده عین‌الدوله فرستادند» موقر السلطنه نیز مدتی زندانی بود و سپس با وساطت بعضی از دوستان خود در دربار آزاد شد. ولی پس از آزادی مورد بی‌مهری فراماسونها واقع گردید زیرا قسمتی از اسرار آنها را بروز داده بود و فراماسونها اغلب به او نظر خوشی نداشتند و در نتیجه موقر السلطنه که خود را از هر طرف «رانده» میدید، اجباراً بطرف محمد علیشاه رو کرد و در خفا با او سازش نمود. بطوریکه از آن پس اسرار فراماسونها را بطور وسیعتری به او اطلاع می‌داد. کسروی می‌نویسد: «... پس از استقرار مشروطیت، گویا موقر السلطنه از روی ناچاری یا جهالتیکه کشف نشده، در دربار محمد علیشاه وارد و عامل تباہکاریهای دربار بشمار آمده و از طرف ملیون رانده شد ... علت رانده شدن وی را از جرگه آزادیخواهان تقی زاده به احمد پثویه مترجم کتاب (انقلاب ایران) پروفیسور ادوارد براون انگلیسی چنین نقل کرده است:

«... شادروان ظهیرالدوله رئیس انجمن اخوان‌الصفا با مشورت و صلاح دید

دوستانیکه همه از مردان بنام، فهیم و از زمره اعیان شاهزادگان، معارف دانشمند و بالجمله همه آزادیخواه و مشروطه طلب بودند ترتیب نمایشی بر سر می‌فاسوم<sup>۱</sup> آورد.

سن نمایش در تالارخانه ظهیرالدوله آراسته و همه پیروان و هم‌مسلمان به اثره اعضاء اخوان الصفا حاضر و مبلغ هنگفتی در آمد بدست آمد که بمصرف نیکوکاری و هنگه رسیده بود. موضوع نمایش که ایفاء کنندگان رلهایی صداکار خود را انجام می‌دادند این بود که اوضاع سیاسی کشور را در آن موقع مجسم می‌ساخت و چنین بود: پرده بالا می‌رود، محمد علی‌شاه که از هر حیث مانند خودش بود - روی تخت عظمت آرمیده و یک جنازه در چند قدمی تخت روی زمین دراز کشیده، در این رفیع پیشخدمت داخل شده، پس از تعظیم به شاه خبر می‌دهد که سفیر انگلیس آمده، پروانه شرفیابی می‌خواهد شاه اجازه می‌دهد.

سفیر وارد شده بسوی شاه می‌رود زانوی او را می‌بوسد و مطلب خود را آهسته بیون اینکه کسی بشنود بعرض می‌رساند. پیداست که شاه درخواست او را پذیرفته پس سفیر بسیار شنگول شده، سوی جنازه رفته کلاه او را برداشته از در بیرون می‌رود.

طولی نمی‌کشد که پیشخدمت آمدن سفیر روس را بشاه عرض می‌نماید، اجازه شرفیابی می‌دهد، سفیر روس مثل همکارش شرفیاب و پس از نجوا، خندان قدم به جنازه نزدیک گشته کفش او را در آورده بیرون می‌رود.

بهمین سان کسان دیگر از نمایندگان خارجه و بزرگان داخله شرفیاب، هر یک چیزی از لباس و آنچه در جنازه یافت می‌شده برداشته می‌روند. سرانجام جنازه برهنه و از هستی ساقط می‌گردد، در اینوقت چند نفر از وطن پرستان و غیرخواهان دولت و ملت آمده اجازه شرفیابی می‌خواهند و شاه را از خواب بگریز بیدار و جنازه را که نقش ایران بوده نشان می‌دهند که چگونه برهنه

و ناتوان گردیده و می‌فهمانند که اگر شاه پشت به پشت او دهد، بیاری یکدیگر دفع دشمن بدخواه توانند کرد. شاه متنبه شده برمی‌خیزد، جنازه نیز اندام‌راست کرده بشاه دست می‌دهد، هردو پشتها بهم داده، در این هنگام، همان اشخاص کلاهبردار و لغت‌کن‌ظاهر می‌گردند، این بار دیگر شاه هوشیار و نیرومند است، از یکطرف، او از سوی دیگر وطن با مشیت و لکدینماگران را دور می‌سازند و برآه می‌افتد»<sup>۱</sup>

مترجم کتاب انقلاب ایران دردنباله این داستان می‌نویسد: «... موقر السلطنه که از گروه اخوان‌الصفاء بود و بظهورالدوله ارادت می‌ورزیده و در این نمایش تماشاچی بوده، گزارش چگونگی را بشاه می‌دهد و از سوی شاه، اشخاصی بنام تماشاچی این نمایش، مورد تعقیب و سرزنش قرار می‌گیرند بویژه ظهیرالدوله شوهر عمه خود وی مورد عتاب واقع می‌شود. گزارش دهنده شناخته شد و از مجمع برادران [منظور فراماسونه‌هاست] نیز رانده می‌گردد. می‌گویند علت بتوپ بستن خانه ظهیرالدوله همین بوده که شاه‌کینه او را بدل گرفته و خانه‌اش را در استبداد صغیر بتوپ بسته و ویران کرده است»

روزنامه ایران نو<sup>۲</sup> که از جراید پیشرو و تندرو دوران استبداد صغیر بود در باره خیابانهای موقر السلطنه «بگروه آزادیخواهان» و «انجمن سری» سلسله مقالاتی بقلم عبدالوهاب زاده نوشته و در آن چنین تذکر داده است: «... همین

۱ - انقلاب مشروطیت ایران براون - چاپ اول ص ۴۲۰

۲ - روزنامه ایران نو در ۷ رجب ۱۳۲۷ ق (۲۸ ژوئیه ۱۰۰۹) در تهران بمدیریت سید محمود شبستری آذربایجانی ملقب به ابوالغضایه برای اولین بار در تاریخ جراید ایران بطبع بزرگ منتشر شد. این روزنامه ارگان حزب مستقل دموکرات ایران بود و سبک‌نوین روزنامه‌نگاری را بوجود آورد در شماره ۱۰۲ توقیف شد پس از یک هفته بمدیریت سید مهدی افجه‌ای و بدون نام شبستری و مدتی نیز بمدیریت محمد امین رسول‌زاده که از انقلابیون معروف ایران و ضد کمونیست معروف و با استالین و لینن دوستی داشت در دوره دوم پس از سیزده سال روز ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۲ منتشر شده است.

موقر السلطنه ظاهر أعضو انجمن آذربایجان بود ولی در باطن را پورتچی محمدعلی میرزا بود که در این اواخر اعضاء انجمن فساد اخلاق او را فهمیده و در مجامع سرّی انجمن راهش نمی دادند. شبها همه شب هم خیال و تدبیر و محرك محمدعلی میرزا بود و روزها در محافل و مجامع غم ملت می خورد و وطن و وطن می گفت تاجائی انجمن آذربایجان پس از اینکه سوء اعمال او را کاملاً ملتفت شد از عضویت کاملاً خارجش نموده به اسم مشروطه طلبی علت العلل تفاق و کسورت بین انجمنها ...<sup>۱</sup> و در جای دیگر می نویسد: «... در بدو تأسیس انجمن قنوت که سردار شد و مفاخر الملک و مجلل السلطان و همین موقر السلطنه اعضاء آن بودند چه بهار محبت و همدردی خارق العاده از آنان نسبت به ملت ایران به سمع می رسید. شاه همین انجمن برای کشیدن نقشه های استقلال کش از جاده قنوت منحرف شده با لقب متحد المال خود از قبیل محفل آزادگان، انجمن آل محمد، جامع رعیت، انجمن حسن آباد و کمیته های سرّی و انجمن گلستان همدست شده و نسبت مادر وطن را دستخوش شهوت رانی سبغان درباری نمودند...»<sup>۲</sup>

موقر السلطنه در دوران استبداد صغیر و هنگامی که محمد علیشاه مجلس مشروطیت بست و آزادیخواهان را دستگیر، محاکمه و اعدام کرد، همچنان در صف یارینان مستبد بود و علناً با همکاران و یاران خود ستیزه می کرد پس از شکست محمدعلی میرزا و پناهنده شدن او به سفارت روس (۲۸ ژوئیه ۱۹۱۰) فاتحین ملی مشروطه خواهان به وسیله در یارینان او را در فشار گذاشتند تا از سلطنت مستعفی شود. او که با خود مقداری از جواهرات سلطنتی برده بود باعده ای از درباریان به روسیه تبعید شدند و قرار شد سالی ۷۵ هزار تومان مستعری بیادشاه مخلوع پرداختند. یکی از همراهان شاه، موقر السلطنه بود که در اثر نزاع با مجلل السلطان، مجلل السلطنه و امیر بهادر مجبور به ترك آنها شد. موقر السلطنه وقتی از دسته

۱- روزنامه ایران نو شماره ۱۳۰

۲- سلسله مقالات عبدالوهاب زاده که شاید نام مستعار یکی از مشروطه خواهان بوده از

محمد علیشاه طرد شد ، به فکر مراجعت ایران افتاد . او که در میان مشروطه خواهان و کارگردانان آئروز مملکت دوستان زیادی داشت ، به آنها نامه نوشته موضوع مراجعت به ایران را مطرح کرد و چون جواب مساعد به او دادند ، به امید جوابها و پیغامهایی که دریافت داشت به ایران بازگشت و غافل از این بود که دوستان فراماسونش باصلاحدید و نظر مرکز لژ ایران او را اغفال کرده و به ایران دعوتش کردند .

معظم السلطنه دولت که اطلاعات مبسوط و مهمی در باره سازمان فراماسونری ایران داشت در این باره بشکارنده می گفت :

« پس از اینکه نامه ها و پیغامهای موقر السلطنه به دوستان فراماسونری او که بعضی از آنها هم اکنون در قید حیات هستند رسید ، آنها عین نامه ها را به مرکز لژ تسلیم کردند . لژ بیداری ایران جلسه محاکمه غیابی تشکیل داده ، پس از گفتگو در باره عملیات و اقدامات خائنانه اش و اینکه اسرار سازمان را به محمد علیشاه افشاء کرده و در دستگیری و اعدام فراماسنها دست داشته ، او را غیاباً محکوم به مرگ نمودند . »

سرانجام روز ۱۳ محرم ۱۳۱۳ ( ۲۱ ژانویه ۱۹۱۰ )

**مراجعت به ایران**      موقر السلطنه از راه خراسان به تهران مراجعت نمود و  
**و دستگیری و**      لدی الورود به منزل سپهدار اعظم رفته در خانه او متحصن  
**محاکمه**      شد . وقتی وکلای مجلس از ورودش مطلع شدند ، به دوات فشار آوردند تا او را محاکمه و دستگیر کنند . سه روز بعد مأمورین پلیس وی را در خانه سپهدار اعظم دستگیر کرده و به شهربانی بردند و به بازجوئی از او پرداختند و موقر السلطنه در بازجوئی مقدماتی علت ورود خود را به ایران چنین بیان کرد :

« ... چون در یکی از جراید ایران خواندم که مراهم جزو متهمین و خائنین وطن نوشته اند ، منهم محض رفع این تهمت به ایران آمدم و خود را از

لغت سلطه و اقتدار روس و انگلیس نجات داده و حاضر شده‌ام که اگر خیانتی از من سرزده مجازات شوم<sup>۱</sup>»

پلیس تهران با اجازه شعبه اول محکمه جزا، خانه او را بازرسی کرد و در زرسی خانه‌اش، کلیه اوراق و اسنادی که در مدت مسافرتش به اروپا به‌اونوشته به‌بود و همچنین اسناد و اوراق قدیمی‌اش پیدا شد. بین این اوراق و اسناد تعداد آدی از شب‌نامه‌ها و دستگاه چاپ ژلاتین و نوشته‌هایی مربوط به دوره عضویت در تشکیلات فراماسونری بود که به قول روزنامه ایران نو: «... همه اینها بی اثبات بی‌تقصیری وی گواه کاذب بود زیرا کاغذجات مزبور را هر کدام از گوشه و کناری به لطایف الحیل بچنگ آوردند که مثلاً بعضی کاغذجات در زیر پلهای مشارالیه در توی صندوق رخت بوده، بعضی‌ها در توی صندوق قند و چای و پاکت بسته هم توی کاغذجات مشارالیه بوده که معلوم نیست چه مطلبی در آن نهفته شده است».

پاکت سر بسته‌ای که روزنامه ایران نو بدان اشاره کرده است، بطوریکه در خواسته‌های خصوصی معظم السلطنه دولت دیده شده، اوراق و اسناد فراماسونری و شب‌نامه‌ها و دستوراتی بوده است که از مرکز ماسنی به او می‌داده‌اند. اغلب این شب‌نامه‌ها را موقر السلطنه در دورانی که با ماسنها کار می‌کرد شخصاً ژلاتین کرده و بطور مخفی در دربار منتشر می‌ساخت.

محاكمة موقر السلطنه روز چهارشنبه ۷ بهمن ۱۲۸۸

**محاكمة موقر السلطنه** (۲۶ ژانویه ۱۹۱۰) در شعبه اول محکمه جزا با حضور هیئت منصفه که از افراد زیر تشکیل شده بود انجام گرفت: مستعان الملك، حامد الملك آقا سید عبدالرحیم، میرزا

سپه‌نخان کسمائی، ابوالضیاء، مدیر ایران نو، صدیق حرم، مدحت السلطنه، آقا میرزا مهدی نوری، آقا میرزا محسن نجم آبادی، حشمت نظام، میر محمد علیخان



دادیان رئیس تعلیم که سازمان  
آموزشی را کشف کرده و بلافاصله  
معزول شد

مرد غیر قانونی و بدون اجازه مقامات فراماسونری جهان تشکیل شده اما پس  
از آنکه هفت استاد فراماسونی گرانداوریان در تهران دور هم جمع می‌شوند از  
گن‌اندازیان تقاضای وابستگی آنرا می‌کنند و چنین اجازه‌ای نیز از طرف لژ مزبور  
صادر می‌شود. وقتی فرمان تأسیس لژ به ایران می‌رسد سی و شش نفر از فراماسون‌های  
ایران در تأسیس لژ مذکور شرکت می‌نمایند که در رأس آنها مشیرالدوله و حکیم  
الملک قرار می‌گیرند. در این اوقات پرنس دادیان شاهزاده ارمنستان<sup>۱</sup> که از عثمانی

۱- پرنس دادیان شاهزاده ارمنستان که ریاست انبار دولت عثمانی را عهده دار بوده  
در اوتل هام یک میلیون نفری ارمنه از عثمانی فرار کرده به ایران آمد. سلطان عبدالحمید  
پادشاه از ناصرالدین شاه خواست تا او را به عثمانی مسترد کند. ولی ناصرالدین شاه نه تنها او  
را بدولت عثمانی پس نداد بلکه مقامات پلیس و امور قضائی پایتخت را بوی واکذار کرد.  
همسر پرنس یک بانوی زیبای مجارستانی بود. شاه به دادیان لقب (پرنس) داده بود و او در  
سلام‌های رسمی بالباس نظامی حاضر میشد و تا اواخر دوران سلطنت احمد شاه زنده بود.  
مردا هلی‌امیرخان اتابک که خود ارمنی زاده بود در کمک و همراهی به او دریغ نمی‌کرد.

کلوپ ، میرزا تقی خان .

موقر السلطنه در محضر دادگاه داستان خروج و مراجعت خویش را حکایت کرده اظهار داشت :

« روز ۲۱ رمضان ۱۳۲۷ از انزلی و به همراهی امیر بهادر و مجلل به راستف رفتیم . از آنجا مستقیماً به پاریس رفتیم . ارشدالدوله و عیال او و اجزای امیر بهادر از قبیل لیثالدوله و غیره در تاراسف ماندند و من با میل خود مراجعت کردم و برای اینکه بدانید در راه توقف نکرده‌ام تذکره‌ام را نشان می‌دهم . در خاک روسیه از والایچسکی تا بادکوبه چهار روز در راه بودم و بهیچوجه با محمد علی میرزا ملاقات نکردم در عشق آباد ، چون اموال و اثاثیه‌ام را دزد برد به پلیس مراجعه کردم که سند آنرا نیز همراه دارم . از پاریس تا عشق آباد تذکره‌ای که بنام خودم بود مسافرت می‌کردم . در عشق آباد از میرزا محمد تقی وکیل سابق اصفهان که گویا اسم فعلی او میرزا احمد جواهری است تذکره‌ای گرفتم و به اسم روضه - خوان خودم را به او معرفی کردم . از عشق آباد تا مشهد ۵ روز در راه بودم ، هنگام ورود به مشهد در خانه میرزا علی اکبر که اطافهای مخصوص زوار دارد خانه گرفتم از خراسان تا شاهرود با سه نفر از غلامهای بانک انگلیس که پول به خراسان برده بودند با يك گاری که گویا مال عسکر افندی است مسافرت کردم .

چون سابقاً در سمنان حاکم بودم و مرا می‌شناختند به استرآباد و محله جزو اشرف رفته به ساری رسیدم از شاهرود تا تهران ۲۴ روز در راه بودم ، در طول راه سعی می‌کردم که همچنان مخفی باشم و با لباس مبدل بودم و به محض ورود به تهران به خانه سپهدار رفته متحصن شدم »<sup>۱</sup>

پس از اینکه محکمه و هیئت منصفه به اتفاق آراء به اعدام او رأی دادند ، مجدداً نظمیّه او را جلب کرده و به تحقیقات خود ادامه داد . در تحقیقات مجدد اقتدار السلطنه نماینده حکومت ، نظام السلطان ، سردار محبی و مرآت السلطان

رئیس اداره تفتیش و وثوق نظام نیز حضور داشتند و بنا به نوشته روزنامه ایران نو: «... پاره‌ای مطالب هم از او کشف شده که استتار آن نظر به اهمیت مسئله اصلی بود و ما آنچه را که مقتضی است درج می‌کنیم و خانمه آن را طبیعت به موقع بوشزد خواهد کرد»<sup>۱</sup>

اسراری که موقر السلطنه برای اعضاء کمیسیون افشاء کرد پس از انجام يك سلسله تعهدات و قسم‌هایی بود که بین متهم و اعضاء دولتی رد و بدل شده. در اولین جلسه بازجوئی، پس از خاتمه دادرسی، موقر السلطنه که می‌خواست بهر نحوی نت جان خویش را نجات دهد از اعضاء کمیسیون پرسید: «... اگر من آنچه را که بدانم بگویم، شما به مردم می‌رسانید؟ و آیا ممکن است از گناه من چشم‌پوشی کرد و مرا نکشید و بلکه در کیفرم تخفیف داده شود؟ اعضاء کمیسیون به او جواب دادند: «... اگر شما همه حقایق را باز گسوئید، ملت نجیب ایران قطعاً مجازات سنگین شما را سنگین نخواهد گرفت...» موقر السلطنه گفت: «... منهم سوگند به انجمن جهان یاد می‌کنم آنچه را می‌دانم بدون يك کلمه ناحق و دروغ به شما بگویم. شما هم آنرا به مردم ابلاغ نمائید...» ولی مأموران بازجوئی اظهارات او را به ابلاغ افکار عمومی نرسانیدند و حتی بعدها اوراق پرونده او را هم از بین بردند.

در تحقیقات مجدد موقر السلطنه جریان کامل اقدامات محمد علی میرزا از روز خروج به ایران شرح داد و مدعی شد که محمد علی میرزا منتظر اقدامات واره‌های اقبال السلطنه ماکوئی و رحیم خان بود. ملیون و مشروطه طلبان می‌گفتند موقر السلطنه به دستور محمد علی میرزا برای ایجاد انقلاب به نفع او به تهران آمده در حالیکه یادداشت‌های یکی از همکاران ماسنی موقر السلطنه (که از ذکر نام می‌معدوریم) حاکیست که موقر السلطنه پس از اختلافی که با همراهانش پیدا کرد نامه‌هایی به همکاران سابق خویش نوشته و از آنها خواست که برای مراجعت به ایران برایش وساطت کنند. این نامه‌ها در مرکز فراماسوئری ایران مطرح شد.

رؤساء فراماسونری ایران که همواره می‌خواستند این (ماسن خیانتکار) را به مجازات برسانند تا بعدها کسی به خیال خیانت و افشاء اسرار نیافتد بظاهر به او امان دادند و با مراجعتش موافقت کردند.

اگر نامه‌ها و اسنادی که از او کشف شد بدست می‌آمد یقیناً واسطهٔ لژیونری ایران و کسانی که از طرف لژیون به او اطمینان داده و نامه‌هایی به پاریس نوشته بودند شناخته می‌شدند. ولی متأسفانه پروندهٔ محاکمه او در دادگستری مفقود گردیده بود با وجود آنکه هنگام مراجعه نویسنده به دکتراهدایتی وزیر دادگستری وقت نامه‌ای به بایگانی راكد وزارت خانه خویش نوشته و از مأمورین آن خواست که در پیدا کردن این پرونده کوشش کنند، معذلك پرونده مزبور بدست نیامد و فقط حکم اعدام موقر السلطنه در پرونده یافته شد. بهر حال موقر السلطنه علت مراجعت خود را به ایران در ادارهٔ شهر بانی چنین بیان نمود: «... باری من از همان جاهل از شاه جدا شده با امیر بهادر و مجلل السلطان و ارشد الدوله به طرف پاریس رفتم. در یکی از منازل بین راه توی يك مهمانخانه شب در سر قمار با مجلل نزاع کردیم نسبت به من خیلی فحاشی کرد توی گوش من زد من هم او را زدم و به او فحش دادم از همان شب طبعاً از او متنفر گشدم. همراهان او هم از او حمایت می‌کردند و كتك مفصل و مصفايي به من زدند و فردای آن روز از ایشان جدا شده بطرف پاریس رفتم...» روزنامهٔ ایران نو در پایان می‌نویسد: «... بدینجاکه رسیدم محبوس رازهای را افشاء نمود که ما شتاب در بازگویی آنرا روا نمی‌داریم، حتی در پای دار هم پرسشهای بیشتری از او شد و پاسخ‌هایی داد که وظیفهٔ کتونی ما اجازهٔ افشاء آنرا نمی‌دهد.

اعدام این مرد تیره بخت به وضع بسیار وحشیانه‌ای انجام یافت و تأثیر دردناکی نمود این رفتار وقتی در برابر پرونده شایان تحسین مشروطیت عرض اندام می‌کند مایهٔ بسیار تأسف است چه بسیار ظالمانه و بهر تقدیر غفلتی در خور سرزنش بوده است.»

احمد پزوه درباره علت اعدام موقر السلطنه چنین می نویسد:  
 «... اما برای تکمیل آگاهی خواننده و این داستان، نگارنده  
 کوشیدم از رازهایی که موقر هنگام اعدام پرده برداشته و  
 زلف هم افشای آنرا روا ندیده<sup>۱</sup>، چیزی دستگیرم شود.

از هر که پرسیدم چیزی نمی دانست و شاید آنکه می دانند و من نمی شناسم  
 نمی دانم کیانند ولی نتیجه استقراء خودم این است که: موقر السلطنه بی شک از  
 شاه فریمسن (فراموشخانه) بوده و همگی مجامع آزادیخواهان به ویژه انجمنهای  
 مخفی یا سری که در این کتاب از آنها سخن رفته، از همین کانون (فریمسن) آب  
 خورده و بدون هیچگونه تردیدی مشروطیت ایران میوه آن است و می گویند  
 که سران نهضت به ویژه شادروان سید محمد طباطبائی و چه بسا مرحوم حاج  
 میرزا هادی نجم آبادی و چند تن که هنوز می زنند و شاید بردن نامشان را خوش  
 داشته باشند رؤساء شعبه تهران این کانون بوده و بنیاد آن بدست بیگانه و چه  
 با پیش از مرحوم ملکم خان هسته شده باشد و بدیهی است که ایرانیها منظورشان  
 از ملت به کشور خود بوده ولی دستورشان از مرکز اروپا مخصوصاً سوئیس می رسیده.<sup>۲</sup>  
 بنا به اظهار احمد هرگز، نویسنده و محقق معاصر که خود آنرا از دیگری  
 ندیده است «موقر السلطنه اسرار فریمسن را به محمد علی شاه بازگو کرده و اسباب  
 افتاری چند تن از مأمورین دولت را (پس از بمباران کردن مجلس) فراهم ساخته  
 است که از ذکر اسمی آنان معذوریم. و آنچه مسلم است او اگر گناه چندان هم نداشته  
 همین بازگوئی راز، بزرگترین گناه او محسوب و باید اعدام می شد.

بهر حال کسانی که در فریمسن تربیت شده و اصول آنرا محترم می شمردند  
 و به نفع نهضت آزادی خدماتی کرده، حال اگر ملت ما در این پنجاه سال  
 پیش رشد سیاسی نداشته و هنوز هم حاضر و آماده اینکه اسرار زندگی و اصول ترقی

۱- منظور او دارد بر این است که در این باره سکوت کرده است.

۲- انقلاب مشروطیت ایران پرده را دارد بر این چاپ دوم س ۴۱ و ۱۱۹

را بشنود نیست ایرادی متوجه واقفین به رموز صدر مشروطیت نمی‌کند<sup>۱</sup>

با این تفصیل کاملاً می‌توان فهمید که موقر السلطنه نخستین عضو هیئت حاکمه و دربار ایران و اولین فراماسنی بود که به جرم خیانت و افشاء اسرار بوسیله «عدلیه» و «قوه قضائیه» یعنی قوای متکی به مردم، محاکمه و محکوم شده به مجازات رسید. شاید بتوان در تاریخ مشروطیت ایران او را اولین «فریانی» دانست و تا امروز هم هیچگاه شنیده نشده که یکی از اعضاء حاکمه و دربار قاجار را علناً در محاکم محاکمه و اعدام کنند.

بنابر این می‌توان گفت که فقط دستگاه فراماسنی ایران بوده و هست که قدرت اعدام «موقر السلطنه» و همکارش «شیخ فضل الله نوری» را داشته است. زیرا از آن بعد هیچیک از ماسنها یا اعضاء دستگاه هیئت حاکمه و درباریان قاجار که عموماً یا فراماسن بودند و یا وابسته و خویشاوند اعضاء این فرقه بشمار می‌رفتند به مجازات اعدام نرسیدند.

در کتاب انقلاب مشروطیت ایران که نویسنده آن مشهور بغضویت لژماسونی ایران میباشد، درباره فراماسون بودن موقر السلطنه سکوت کرده است. نویسنده حتی خدمات او را به لژ فراماسنی و آزادیخواهان صدر مشروطیت فراموش کرده و وقتی در باره علت چوب خوردن موقر السلطنه در زمان سلطنت مظفرالدینشاه مطلبی می‌نویسد از او چنین یاد می‌کند: «موقر السلطنه پسر ناظم السلطنه برادر زاده علاءالدوله و داماد مظفرالدینشاه به واسطه جاسوسی که در دربار کرده بود به امر مظفرالدینشاه چوب خورد و از دربار رانده شد»<sup>۲</sup>

دکتر ملکزاده سپس به بحث درباره علت اعدام او پرداخته و چنین می‌نویسد: «... پس از آنکه محمدعلیشاه به سلطنت رسید چون موقر السلطنه در پی رحمی و خبیث طینت دست کمی از او نداشت از متعهدین و محارم او گشت و مأمور قتل انا بک گردید. پس از بتوپ بستن مجلس و پایان دوره اقتدار محمدعلیشاه به همدستی با صنایع حضرت

۱- انقلاب مشروطیت ایران چاپ دوم س ۱۱۹

۲- اعاده مشروطیت - جلد ششم س ۲۲۰

و سید کمال و مفاخر الملک و شیخ محمود و رامینی از هر نوع آزار و اذیت نسبت به مشروطه خواهان کوتاهی نکرد و پس از فتح تهران در سفارت روس پناهنده شد و به همراه محمد علی شاه به خارج ایران تبعید گردید.

پس از چند ماه بدون سابقه و انتظار و بر خلاف نص صریح پرتکل منعقد میان دولت ایران و شاه مخلوع و سفارتین روس و انگلیس که حاکی بر این بود کسانی که با محمد علی شاه تبعید شده اند حق مراجعت به ایران را ندارند و در روسی که بدون اجازه دولت ایران به ایران مراجعت کنند محکوم به اعدام خواهند بود وارد ایران گردید.

در آن زمان عده ای از کسانی که با محمد علی شاه تبعید شده بودند از جمله ملل السلطان به آذربایجان رفته بودند و در میان ایلات و عشایر برای اعاده سلطنت محمد علی شاه زمینه چینی می کردند بر طبق اسناد و مدارکی که به دست ملت و مأمورین انتظامی افتاد مسلم شد که موقر السلطنه به امر محمد علی شاه برای تهیه زمینه مراجعت او به ایران آمده و با مستبدینی که در سفارت روس پناهنده بودند و شب و روز برای بازگردانیدن شاه مخلوع تلاش می نمودند همدست هم پیمان می باشد.

موقر السلطنه از طرف نظمیہ دستگیر و برای محاکمه به مقامات قضائی تحویل داده شد. بر خلاف معمول محاکمه و مجازات موقر السلطنه با سرعت غیر نظریه ای انجام یافت و علت این بود که دولتی ها می ترسیدند که روسها مداخله در امور آزادی او را تقاضا کنند علت دیگر این بود که رجال مهم آن زمان اکثرشان در دوستان میرزا علی اصغر خان اتابک بودند مخصوصاً سردار اسعد که علاقه خصوصی به خانواده اتابک داشت و یقین داشتند که اتابک به دست موقر السلطنه کشته شده و او را قاتل اتابک می دانستند.<sup>۱</sup>

۱ - شاید علت سرعت در محاکمه با افشا اسراری که درباره فراماسنها می داشتارنباط

موقر السلطنه در عدلیه نتوانست از خود دفاع کند و در مقابل مدارك قطعی که در دست بود جان خود را نجات دهد و محکوم به اعدام شد. موقر السلطنه در مدافعاتی که از خود کرده گفته بود علت مراجعت به ایران خست محمد علی شاه بوده و او بشتر کافی که در اروپا زندگی کنم بمن کمک نمی کرد و از حیث معاش در مضیقه بودم.

از طرف وزیر داخله شکر الله خان (معمد خاقان) تهران مأمور اجرای حکم محاکمه شد، دار بلندی در میدان توپخانه پیا گردید و موقر السلطنه را در میان هزار هائش جمعیت که چون مور و ملخ سطح میدان و پشت بامها را پوشیده بودند بیای دار آوردند و طناب دار را بگردنش انداختند و بالا کشیدند اما بواسطه وزن محکوم یا بواسطه پوسیدگی طناب، طناب دار پاره شد و محکوم به زمین افتاد و با عجله از جا برخاست و می خواست خود را میان جمعیت انداخته فرار کند اما دور او را گرفتند و يك نفر مجاهد با ته تفنگ ضربتی بس او زد که خون جاری شد و همه مردم از این رفتار وحشیانه مجاهد مذکور اظهار تنفر نمودند پس از آنکه طناب را استوار نمودند مجدداً محکوم را در میان هلله شادی و کف زدن مردم بدار کشیدند.<sup>۱</sup>

سید حسن تقی زاده که از راویان حوادث مشروطیت ایران است درباره قتل موقر السلطنه بنویسنده گفت:<sup>۲</sup>

«با خروج محمد علی شاه از ایران، عده ای از مشروطه طلبان و حتی کسانی که کارگردانان اصلی بودند تصور می کردند که او برای همیشه از سلطنت ایران چشم پوشید و دیگر در کار مشروطه و مشروطه طلبان دخالت و تحریکاتی ندارد ولی خیلی زود، همه فهمیدند که او به این سادگی از سلطنت ایران دست نمی کشد. به همین جهت مشروطه طلبان و کسانی که دارای افکار عالیترو روشنتری بودند همواره

۱ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ص ۲۲۰

۲ - این مطالب را تقی زاده روز ۳۰ خرداد ۱۳۳۹ در باغ شخصی خود در قلعه با حضور احمد فرامرزى به نگارنده اظهار کرد.

هم و گوششان باز بود و مترصد ورود و خروج مستبدین و کسانی که با محمد شاه تماس داشتند بودند.

روزی که خبر ورود موقر السلطنه به تهران رسید، بار دیگر مشروطه طلبان همه فعالیت محمد علی شاه شده و از ترس اینکه مبادا اوها موریت مخصوصی داشته باشد، لدی الورود به پایتخت دستگیر و زندانی شد.

متأسفانه باید بگویم که محاکمه او بدون مطالعه و عجله صورت گرفت و کسی که دادگاه صادر کرد بیشتر جنبه (عصبانیت و ناراحتی از اقدام مستبدین) داشت. عصر روزیکه موقر السلطنه اعدام شد، بر حسب اتفاق به خانه سردار بهشتیاری رفتم.

مستخدمین او مرا به اطاق پذیرائی مرحوم سردار هدایت کردند. وقتی اطاق مذکور شدم، گوشه‌ای از اطاق شخصی را دیدم که روی زمین نشسته و در نوشتن مطالبی است. وقتی وارد اطاق شدم، یکی از فرزندان سردار اسعد را عجله از آن اطاق خارج کرده و با عذرخواهی گفت: چون سردار در خانه نبود و این شخص هم چند روز است که متوالیاً بدینجا می‌آید، خواهش کردم تا یکی دیگری تشریف بیاورید و سپس مرا به اطاق دیگری هدایت کرد. وقتی آنجا آمدم، گفت لابد شخصی که در آن اطاق نشسته شناختید، به او گفتم چون پیش‌تر زیر و مشغول نوشتن مطالبی بود نتوانستم او را بشناسم. مرحوم سردار گفت: «او ناظم السلطنه پدر موقر السلطنه است.»

از روزیکه پسرش دستگیر شد، هر روز بمن مراجعه کرده و تقاضای کرد تا سلطنت کرده از اعدامش جلوگیری کنم ولی من به او گفتم که در حکم قضات آن دخالت کرد. تا اینکه امروز صبح او اعدام شد وقتی بخانه آمدم باز هم در همین جا دیدم. با تعجب و تأثر او را تسلیت و دل‌داری دادم ولی او بدون گریه کند و یا متأثر باشد، ناهای را که برای درج در روزنامه‌ها نوشته بودند، منضم داد. مرحوم سردار اسعد نامه‌ای را که چند دقیقه قبل پدر موقر السلطنه

نوشته بود بمن ارائه داد وقتی مندرجات آنرا خواندم نتوانستم از تعجب خودداری کنم . با وجودیکه مضمون نامه صریح و روشن بود ولی من نتوانستم هیچگونه نظریه‌ای ابراز نمایم و تا امروز هم همچنان متعجب هستم .

این داستان که سید حسن تقی‌زاده آنرا برای نگارنده نقل کردند ، عیناً بازگو شد ، منتهی قضاوت درباره آن به آتیه‌ای که اسناد و مدارك حقیقی این واقعه منتشر شود واگذار می‌گردد و بعید بنظر می‌رسد ، پدری بعد از اعدام فرزندش چنین عملی بنماید . و بدین ترتیب زندگی سیاسی نخستین فراماسون اعدام شده ، پایان یافت .

# فصل بیست و یکم

## شاهزادگان قاجار در فراموشخانه و فراماسونی

یکی از اقدامات جالب و شنیدنی فراموشخانه ملکم، جامع آدمیت و لژیوناری ایران و سازمانهای فراماسونری اروپا در اواخر دوران سلطنت قاجاریه، تولد عضویت شاهزادگان مستبد و جاهطلب قاجار در این مجامع بود.


شاهزادگانی که همه آنها دشمن آزادی برادری و مساوات بودند، به خیال ادامه سلطه مطلقه حکومت قاجاریه و یارسیدن به سلطنت وارد سازمانهای ماسونی شدند. از جمله این شاهزادگان دو نفر یعنی ملک منصور میرزا شجاع السلطنه پسر قلی محمد شاه و شاهزاده مستبد و مغرور مسعود میرزا ظل السلطان را می توان نام برد که به لژیوناری ایران گرویدند.

آنها چون می دانستند که انگلیسها برای قبضه کردن دربار و دستگاه سلطنت ایران طرفدار آزادیخواهان و مشروطه طلبان و مخالف درباریان روس مآب هستند خود را به سفارت انگلیس در تهران و حتی به دسته های مختلفی که با انگلیسها ارتباط داشتند نزدیک کردند.

شجاع السلطنه بعلمت اینکه همیشه در پایتخت سکونت داشت، بیشتر به انگلیسها (انگلیس مآب) وابستگی داشت، در حالی که ظل السلطان فقط با کنسول انگلیس در اصفهان مربوط بود و بوسیله آنها به اعمال این دولت در تهران، که در سلك

۱۱۰  
فرمانش بنگیر

چنانکه بر حضرت تعجب نپذیرد معلوم است در تمام عالم منتشر و نامزد هر چه هستند  
و متعلق باشد و اگر نزنند وضع سلف یک مکتب و تغییر و نه به وقت و لا غیر دارند  
نفر با یکدیگر کثرت جمع کثیر از جهانی و در محاسن هر چه در فزونی آورد و عرب میشوند  
مستوفی این شرکت و کثیر بر یکسر معلوم است و لا آنچه در حال امانیه و حرکت که کسی  
و که شتر آنها در بر طرف کردن و بن و نه به سلف مستقیم است

کثیر از افراد دارند به هم شواهد و کثیر به محاسن و نه به آنها داشته نیست و از نفر که بر روی  
داشتن و شغلی است و حرف  در وسط آن که سنی آن که نام و بنون است یعنی  
و لا و عظم و بر در بعضی آن (و غیر است) و نیز یکی بر رزی سنی رئیس  
هر قسمی هر آن که به یک در این شواهد و لا سلف و لا تقی که بنام و به به است که کسی  
نامی ناید و در ای کشش آن کسی که دشمن زبان و سبکی و غیر است و در ای و در ای  
شیخ و آینه و نیز که است و آینه و سیم و غیر از آن بود و در آنکه سلف بر وقت کرده  
حرکت که این شرکت و بر طرف سازد خیال و در وقت شد و در ای و لا بر سر و سنی که  
شده و در ای و به کثرت و در ای که به هر طریقی و به هر طریقی و به هر طریقی و به هر طریقی  
آدم و لا که در سنی و قه غانه و در ای که به هر طریقی و به هر طریقی و به هر طریقی و به هر طریقی  
و در ای و غیر و به ای که به هر طریقی و به هر طریقی و به هر طریقی و به هر طریقی

مزارش فراماسونیکری دبیر الملک  
به امین السلطان صدر اعظم

فراراً بتهران آمده و رئیس پلیس ایران شده بود از تشکیلات مخفی فراماسونها مطلع  
گردیده و چون از خطرات تشکیلات سری ماسونها و عملیاتی که در اروپا و سایر نقاط  
جهان مرتکب شده بودند مطلع شده بود با مشیر الدوله و حکیم الملک ملاقات کرد و  
از آنها خواست که تشکیلات نظمیه را در جریان فعالیتهای لژ ایران قرار دهند. ولی  
این دو نفر با نفوذی که در شخص شاه داشتند موفق شدند او را معزول و مورد غضب

آزادخواهان و از زعمای مشروطه طلبان بودند ارتباط داشته، بقصد رسیدن به تخت سلطنت تلاش می کرد. دکتر ملک زاده در تاریخ مشروطیت ایران می نویسد: «... و نیز چند نفر از شاهزادگان مستبد برای آنکه تکیه گاهی داشته باشند و بکمک فراماسونها به اندیشه هائی که در دل داشتند برسند در آن حزب (منظور محفل فراماسونی بیداری ایران است) عضویت یافتند...»

شاهزاده شعاع السلطنه از حیث فهم و کمال برتر از محمد علی میرزا و سایر مدعیان تاج و تخت سلطنت بود. او شاهزاده ای درس خوان و هوشیار و بسیار قابل بود و بقول نویسنده روزنامه دمکرات ایران (... رقیب محمد علی میرزا بشمار می رفت و بسیار هم در این راه تلاش کرد تا ولیعهد ایران بشود.)<sup>(۱)</sup> ولی بعلمت مخالفت های سیاسی همسایه شمالی با شعاع السلطنه و فشار مداوم روس ها به دربار، شامو درباریان در این زمینه و همچنین در نتیجه تماس دائم و علاقه ای که محمد علی میرزا نسبت به دربار تزار روسیه نشان می داد مظفرالدین شاه مجبور شد او (محمد علی میرزا) را به ولایت مهدی خود برگزیند.

شعاع السلطنه مانند رجال اروپائی عادت داشت که وقایع روزانه را در دفترچه هائی که اکثر اوقات عبارت از يك تقویم فرنگی بود - یادداشت کند و این یادداشتها پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ - در روز نامه های نو بهار، دمکرات ایران و دیپلمات ایران بتدریج و بطور پراکنده، چاپ و منتشر شد.

ملک منصور میرزا یکی از فرزندان شعاع السلطنه که در قید حیات است در باره یادداشت های پدرش و چگونگی چاپ آنها بنگارنده گفت: «این یادداشتها را بعلمی در اختیار مرحوم ملک الشعرای بهار گذاشتم و قرار شد که همه آنها را در يك مجلد چاپ و منتشر کند ولی آن مرحوم فقط قسمتهای برجسته یادداشتها را پراکنده چاپ کرد.» بطوریکه از قرائن امر استنباط میشود، پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ - بعضی از افراد خاندان قاجار که در دوران حکومت بیست ساله اعلیحضرت فقید



شعاع السلطنة عضو لژیون داری ایران

شاه کمینر بطور گمنام میزبستند محیط را برای فعالیت میچند و اظهار وجود مناسب نمی داده و برای اینکه بار دیگر شهرتی بدست آورند، تصمیم به انتشار اسناد و کتابی که از اسلاف خود به ارث برده بودند، گرفتند و بدین منظور آنها را در اختیار الشعراء و بشارتگذاران گذاشتند، تا او کتابی در باره سقوط قاجاریه بنویسند. و ظاهراً کتاب «تاریخ احزاب سیاسی در ایران» که انتشار آن ناتمام ماند، در اثر تشویق خانان قاجار صورت گرفته است.

یادداشت‌های شعاع السلطنه هم به همین علت به ملک الشعراء تسلیم شده بود ولی در اثر تبرگی روابطی که بین خاندان قاجار و بهار پیش آمد، این منظور عملی نشد و یادداشت‌ها در کتابخانه شخصی بهار باقی ماند.

ملک الشعراء در مقدمه قسمتی از یادداشت‌های شاهزاده شعاع السلطنه که انتشار یافته چنین می‌نویسد:

«... این یادداشت‌های مزحوم شعاع السلطنه شخص را متأثر می‌سازد. این شاهزاده چنانکه اشاره کردیم، نامزد ولیعهدی ایران بود و اگر مشارالیه با این همه فکر و معلومات و هوش و استعداد و مخصوصاً با عضویت او در جمعیت (ماسونی) پیادشاهی ایران می‌رسید و بجای او محمد علی میرزا که نقطه مقابل او بود ولیعهدی انتخاب نمی‌شد حتماً وضع مملکت ایران تغییر نمی‌کرد و شاید مشروطه با فجایعی دچار نمی‌گشت...»<sup>۱</sup>

نوشته صریح بهار که متکی به مطالب نسخه منحصر بفرد یادداشت‌های شعاع السلطنه است، این نکته را روشن می‌سازد که سازمان قراماسونی ایران در عضویت شعاع السلطنه نظر مخصوص داشته و شاید می‌خواسته است وی را به سلطنت برساند.

بنظر می‌رسد همانطور که میرزا ملکم خان و میرزا عباسقلی خان<sup>۲</sup> در نظر داشتند که با اتکال به شاهزادگان قاجار و حتی محمدعلیشاه سازمانهای قراماسونی را در ایران توسعه دهند و بوسیله آنان (حکومت پادشاهان قاجار ایران) را اداره کنند، قراماسونهای عضو لژیونری ایران نیز با عضویت شعاع السلطنه و ظل السلطان همین فکر را دنبال می‌کردند.

۱ - روزنامه - یوبهار شماره - ۸۸ سال سی و سوم - چاپ این یادداشت‌ها بار دیگر از شماره ۸۲ سال اول روزنامه دمکرات ایران - ۱۸ بهمن ۱۳۲۵ - شروع شد و متأسفانه ناتمام مانده.

۲ - بطوریکه در فصول قبل گفته شد میرزا ملکم خان شاهزاده جلال الدوله را که داعیه سلطنت ایران را در سر می‌پرورانید وارد لژیون فراموشخانه کرده و حتی چندی محفل را نیز در خانه او تشکیل میداده است.

کارگردانان لژ معتقد بودند همانطور که در انگلیس پادشاهان رئیس و استاد اعظم لژهای فراماسونی اسکاتلند و ایرلند هستند، آنها نیز باید شاهان و شاهزادگان قاجار را به عضویت سازمانهای فراماسونری در آورند. فراماسونها از نخستین کسانی که در ایران تشکیلات رسمی و یا غیرقانونی بوجود آوردند قصد داشتند با نام کشیدن شاهزادگان و بطور کلی تسلط بر دستگاه سلطنت و دربار قاجار منظور اصلی خود را تأمین کنند تا:

اولاً - حکومت قاجار به را از زیر نفوذ روس ها خارج سازند.

ثانیاً - تا آنجا که می توانند از مظالم و اعمال استبدادی درباریان جلوگیری

ثالثاً - نظرات و افکار فراماسونری را بوسیله این افراد به مرحله اجرا

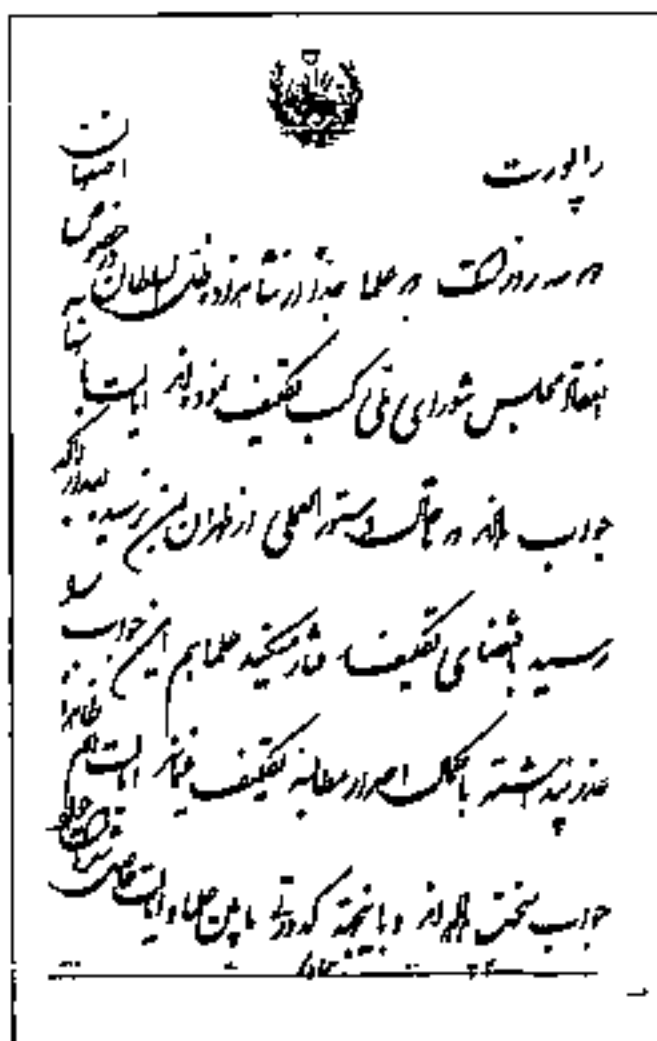
آورند.

چنانکه در فصول پیشین گذشت میرزا املکم خان و پدرش، شاهزاده جلال الدوله از تشکیلات خود کردند که پس از انحلال فراموشخانه، شاهزاده مفضوب ولد شد - میرزا عباسقلی خان آدمیت نیز بپذیرفتن عضویت شاهزادگان و حتی اسون کردن محمد علی شاه میخواست فکر ملکم و پدرش را تعقیب کند ولی او هم نتوانست. شاهزاده شعاع السلطنه در یادداشتهای روزانه خویش که در اختیار اشعراء بهار بوده، چندین جا اشاره به (فراماسون) بودن و حتی تشکیل شعبه فراماسونی ایران در خراسان کرده است. از آنجمله در یادداشت روز ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۳ خود درباره لژ فراماسونی مینویسد: «باقوام الدوله در باب برقراری بحث کردم ... قرار لژ را بخانه مسیو پیریم دادیم ...»<sup>۱</sup>

با اینکه شعاع السلطنه و ظل السلطان هر دو عضو لژیونری ایران بودند ولی هیچ از محفل فراماسونها هیچگونه تظاهری بوابستگی به فراماسونها نمی کردند.

۱ - یادداشت های شعاع السلطنه در بخش مربوطه به سازمان فراماسواری خراسان به تفصیل

آمده است.



راپورت تنگرافی تنگرافخانه اصفهان به شاه

و حتی بارها دیده شد که ظل السلطان و شعاع السلطنه با افکار و اقدامات مشروطه طلبان و آزادیخواهان مخالفت کرده و با آنها به ضدیت و مبارزه بر می خاستند.

در باره ضدیت ظل السلطان با مشروطه خواهان و آزادیخواهان و اعمال مستبدانه این شاهزاده نوشته های فراوانی وجود دارد ولی اسنادی که در بایگانی راکد وزارت خارجه ایران موجود است و یکی از آنها، قبلا برای اولین بار نقل می شود، تا اندازه ای ماهیت این شاهزاده را روشن و اثبات می کند، که چگونه او دوسره بازی می کرده است.

متن این سند بشرح زیر است:

« راپورت اداره تلگرافی خانه اصفهان حاکیست که : دوسه روز است که علما جداً از شاهزاده ظل السلطان در خصوص انعقاد مجلس شورایی ملی کسب تکلیف نموده اند. ایالت به آنها جواب داده اند که تاحال دستور العملی از تهران بمن نرسیده، بعد از آنکه رسید به اقتضای تکلیف رفتار می کند. علما هم این جواب را عذر نداشته با کمال اصرار مطالبه تکلیف می نمایند. ایالت هم ظاهراً جواب سخت خواهد داد و به این جهت کنسورتنی مابین علما و ایالت حاصل شده است. جواد<sup>۱</sup> »

در جواب این راپورت تلگرافی که روز ۲۴ شعبان ۱۳۲۴ هجری مخابره شده تلگراف در روز بیست و هفتم از طرف رئیس الوزراء مخابره گردیده است :

« از قرار خبر تلگرافی که بعرض بجا پای مبارک شاهنشاهی ارواحنا فداء نموده علمای اصفهان در خصوص مجلس ملی از حضرت اشرف اسعد والا کسب تکلیف نموده اند و جواب سخت شنیده اند. ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداء امر فرمودند که البته مسبوق هستند که ما مجلس ملی را قبول فرمودیم و با انعقاد آن هم امر فرمودیم دیگر در اصفهان هم نباید غیر از آن معامله بشود و در اصفهان مقرر بفرمائید که بر طبق اوامر ملوکانه و نظامنامه انتخابات در آنجا هم به ایفای مقرر این کار شروع نموده و به آقایان علماء هم بذل عواطف کامله علیه اطمینان داده رفع نگرانی ایشان را از این بابت فرموده به اجرای نظامنامه انتخابات و مقرر خواهید فرمود. »

ظل السلطان در حالی که با مشروطه خواهان بظاهر دشمنی نشان داد، در باطن با آنان همدست بود و در لژ فراماسونری عضویت داشت و فعالیت می کرد. دکتر محمد حسین میمندهی نژاد، درباره اجتماع کسانی که در صدر مشروطیت نظر عوام مستبد و یا «آزاد بخواه» بوده اند و همگی در لژ فراماسونی ایران فعالیت می کردند چنین می نویسد :

« یکی از پسر مردانی<sup>۱</sup> که روزی وارد در سیاست این کشور بوده و امروز در گوشه‌ای نشسته و به بازیهای امروزی نظاره می‌کند چون از ماهیت تمام این بزرگواران خبر دارد چندی قبل این طور برایم تعریف می‌کرد:

يك روزی... آمد بسراغ من و پس از بیان مقدمه‌ای از من دعوت کرد و وارد فرقه فراماسون شوم، اینقدر اصرار کرد و تعریف نمود که بالاخره راضی شدم که در یکی از جلسات آنها شرکت کنم تا ببینم چه می‌گویند.

قرار گذاشتیم و مرا در شب موعود به محلی هدایت کرد. چشمهایم را بستند به اطاقی وارد کردند و بر صندلی نشاندند. يك سلسله سئوالات از من کردند. پس از خاتمه سئوالات چشم‌هایم را باز کردند. از دیدن اشخاصی که در آن جلسه جمع شده بودند حات و مبهوت و متحیر شدم زیرا [در اینجا گویینده اسامی چند نفر را می‌برد] در آنجا جمعند. با دیدن آنها گیج شدم و از خود پرسیدم:

این چه حسایی است؟ اینها که در خارج با یکدیگر این قدر ضدیت می‌کنند، چطور اینجا دور هم جمع شده و تا این حد چون جونی هستند؟

آخر تقی زاده به اصطلاح آزاد بخواه چگونه ممکن است با ظل السلطان مستبد یکجا جمع شوند و اینطور شخصیت خود را فراموش کنند؟ خلاصه وقتی که دیدم فروغی - نواب حکیم الملک و امثال اینها در رأس این محفل هستند و با ظل السلطان انیس و مونس می‌باشند متوجه شدم جای من اینجا نیست و البته آنچه از خوبیها برایم تعریف شده بود بر باد رفت...<sup>۲</sup>

با وجود اقامت دائمی شاهزاده شجاع السلطنه در تهران  
**شاهزاده**  
 و تماس دائمی که وی با سفارتخانه‌های خارجی و ماسونهای  
**ظل السلطان**  
 ایران داشت، معذالك فعالیت او برای به سلطنت رسیدن کمتر  
 از شاهزاده ظل السلطان بود.

۱ - دکتر میمندهی نژادشاه‌آ بنگارنده گفتند که این شخصی حاج مخبر السلطنه هدایت

بوده.

۲ - کتاب روسپاهان ص ۱۰۰

شاهزاده محمود میرزا ظل السلطان پسر ناصرالدینشاه و برادر اعیانی سلطان حسین میرزا ملقب به جلال الدوله است، او روز ۲۰ صفر ۱۲۶۶ - هجری (۱ ژانویه ۱۸۵۰ - م) تولد یافت. ابتدا لقب عین الدوله گرفت و حاکم فارس شد. سپس ملقب به ظل السلطان گردید و چندین بار در اثر سوء ظن شدیدی که ناصرالدینشاه به او داشت از حکومت‌های حومه مرکزی و جنوب ایران معزول و مجدداً به این مشاغل منصوب شد.

ظل السلطان در سال ۱۲۸۶ هـ (۱۸۶۹ - م) حاکم فارس و سپس در ۱۳۰۰ هـ (۱۸۸۴ - م) حاکم مطلق اصفهان، یزد، فارس، عراق، بروجرد، خوزستان، لرستان، کردستان، کرمانشاه، گلیایکان و خوانسار گردید. در سال ۱۳۰۷ هـ (۱۸۸۹ - م) قصد برآمدن روس‌ها را برای به سلطنت رسیدن خود جلب کند. از آن روسید جمال‌الدین اسدآبادی را با مبلغ هنگفتی به روسیه فرستاد، تا با امپراتور روسیه مذاکره کند و موافقت او را به نفع سلطنت خویش جلب نماید. ولی تزار روسیه نه تنها با این درخواست موافقت نکرد بلکه چون روس‌ها می‌دانستند که او با انگلیس‌ها رابطه نزدیک و محرمانه دارد، پیام وی را بوسیله پست به اطلاع ناصرالدینشاه رسانیدند.<sup>۱</sup> حسین سعادت نوری که تحقیقات مستدل و عالمانه‌ای درباره ظل السلطان کرده، می‌نویسد: «... بی‌مناسبت نیست تذکر داده بود که میرزا آقاخان کرمانی هم که از مظالم سلطان عبدالعزیز میرزا فرمانفرمای کرمان فراری بود در اصفهان با ظل السلطان ملاقات و شاهزاده به او کمک مالی کرد. این میرزا آقاخان همان کسی است که بعدها در اسلامبول با شیخ احمد روحی کرمانی گردوبه سید جمال‌الدین سرسپردند و میرزا رضای کرمانی را بقتل ناصرالدین‌شاه

۱ - ظل السلطان که مست از باده غرور بود مرکز بخیالش خطوطی نمی‌کرد که چه سرلشتری در انتظار اوست یا خوارات امین السلطان که سیصد هزار تومان پیشکش شاه کنعروقی نهاد و دستورات او جواب سر بالا داد. در همین اوان نشان ستاد هند از طرف دولت انگلیس به ظل السلطان اعطا گردیده (ظل السلطان - ص ۲۹۶ - از انتشارات مجله وحید)



شاهزاده ظل السلطان آماده رسیدن به تخت سلطنت



سعود میرزا ظل السلطان در ایام جوانی

اینک بسیار بجاست که همه سطور گزارش دبیر الملک<sup>۱</sup> را که تاکنون متن کامل هیچ جا ذکر نشده ، نقل کنیم :

چنانکه بر حضرت مستطاب اشرف معلوم است در تمام عالم منتشر الماسونیکری و امروز بدرجه استعداد و استقلال یافته که اگر بخواهند وضع سلطنت يك مملکتی را تغییر دهند استطاعت مالی عظیمی دارند . اینک کلیه جمع کنیری از اعیان و اعظم مردوئی هم در جزء آن اداره محسوب

مقصود اصلی این شرکت عالمگیر بر همه کس معلوم نیست ولی آنچه که تا حال در دنیا آست که سعی و کوشش آنها در بر طرف کردن دین و مذهب و سلطنت مستقله است . از اجرائی دارند باسم شوالیه کادوش که علاقت رتبه آنها دشنه است از نقره که می بسته آن مثلثی است با حرف G در وسط آن که معنی آن کواندادینون است . اتحاد عظیم و بر روی غلاف آن (ظفر یا موت) منقوش است و برابر هر لژی یعنی بر قسمتی هر آئیکه بهر يك از این شوالیه کادوشها امر بقتل کسی بنماید او مجبور است که سعی نامی نماید از برای کشتن آن کسیکه دشمن فران ماسونیکری بنظر آمده و از برای دلیل این مطلب شرح واقعه ذیل کافی است - ناپلئون سیم خودش الماسون بود بعد از آنکه به سلطنت برقرار گردید خواست که این شرکت را بر طرف سازد و حال او را ملتفت شد بر شوالیه کادوش مسیوار سینی حکم شد که امپراطور را بکشد . روز بعد که امپراطور با امپراطریس و ولیعهد به تیاتر میرفتند هنگام باین آمدن کالسکه آرسینی از قهوه خاله رو برو بیرون آمده سه نارنجك پی در پی انداخت کالسکه

۱- دوران سلطنت قاجاریه چهار نفر از افراد طبقه حاکم لقب دبیر الملک داشته اند :

۱- میرزا احمد حسین فراهانی عموزاده قائم مقام .

۲- میرزا نصراله شیرازی از خانواد بدرها .

۳- میرزا محمد حسین پسر میرزا نصراله بعد از فوت پدرش .

۴- سید مسطقی خان کاظمی برادر سنا و پرویز کاظمی .



شاهزاده خلیل سلطان حاکم هفده ایالت و ولایت ایران

لعل یکتا نمودند . البته ظل السلطان شاید راضی به کشته شدن پدرش نبود ولی ارتباط ابوابا اعضای جبهه‌ای که علیه ناصرالدین‌شاه تشکیل گردیده بود و کمکهای مالی او به ارگردانان قطب مخالف دربار، محصل تردید نیست . میرزا رضا کرمانی ضمن ازجولای هائی که از او شده است در جواب مستنطق میگوید :

«حاج سیاح محلاتی آب گل می‌کرد که برای ظل السلطان ماهی بگیرد و خیالش بود ، بلکه ظل السلطان شاه بشود ، و امین الدوله صدراعظم و خودش مکنئی تا کند ...»<sup>۱</sup>

پس از شکست مأموریت میدجمال‌الدین و اطلاع ناصرالدین‌شاه از خیالات ظل السلطان مراقبت مخفی و علنی علیه او شدیدتر شد . خود ظل السلطان درین باره می‌نویسد :

«... پنجماه برای رسیدگی به امور استانها و ولایات یازده گانه و قشون ابواباجمعی اصفهان بودم و بقیه ایام سال بتهران آمده در رکاب مبارک در شکارگاهها و در شهر راست دارالشورا و مجلس دولتی برقرار بودم و مشغول خدمت چنانکه مکرر بر پدرم می‌فرمودند هیچ کاری را من بدون شور فلانی نمی‌کنم تنها پسر من نیست که وزیر عاقل من است ... منهم ... جز پاکی و صدق نفسی نکشیدم و قدمی نداشتم .»

این سفر من اگرچه ظاهرآ از تمام اسفار با شکوه‌تر و بهتر بود ولی بدبختی این سفر دچار من شد که اگر هزار بار زنده می‌شدم و می‌مردم و مرا قطعه قطعه کردند برای من گوارا تر و بهتر بود . حاجی معتمد الدوله که قلمی زهر آلود مالی از صرة اول عالم بود ، کتابچه ها جمع کرد از خودش و اینهمه خدمات اسفار پیایی مرا و نظمهائی که من داده بودم در این ولایات و خطر اینکه دیده بوم بشکل و ترتیب دیگر به پدر بزرگوار من حالی کرد ... من می‌دیدم ظاهرآ که بمن مهربانی بیش از همه سفر می‌کند ولی باطنآ در فکر و خیال است .

او اغلب با من خلوت می‌کند و می‌خواهد با من صحبتی بدارد ولی خود را نگاه داشته و مطلب را پنهان کرده دزدیده بمن نگاه می‌کند. وقتی در خلوت پای مبارك را بوسیده عرض کردم آنچه می‌خواهید بفرمائید ... شاه گفت :

باباید پدر و خانواده ات را ببخوای و یا اینکه دانسته معدوم صرف بشوی ... آن اظهارات و فرمایشات زیاد است فقط بدبختی من و قضا و قدر حکم تقدیر مرا بر آن داشت که سکوت کردم و بعد کتابچه‌هایی که حاجی معتمد الدوله و حاجی نایب و حاجی نجم الدوله نوشته بودند بمن داده گفتند ... بخوان و بفهم ... زمین بوسیده از خلوت بیرون آمدم ...<sup>۱</sup>

ظل السلطان سپس می‌نویسد که پدرم بمن گفت : « ... مطلب و لفظ آخری این بود که امروز تخت سلطنت و تاج قاجار يك موئی بسته است و این مو در دست تو است و يك قیچی بسیار تندی حسینقلی خان [نواب ماسنی سفارت انگلیس] گرفته و می‌خواهد این مو را قطع کند. تو تقریباً همه کاره هستی چه می‌گویی و چه خیال داری و صلاح دولت چیست ؟

من شبانه آمدم تا يك هفته تمام این کتابچه‌ها را مفصلاً خواندم دیدم تمام ابطالیل است ...<sup>۲</sup>

ظل السلطان تصمیم می‌گیرد که با طپاچه انتحار کرده و یا فرار کند ولی پس از مشورت با سیمرخ و دوستان فراماسونش بشاه می‌گوید : « ... معتمد الدوله همان است که هزار خیانت بشخص تو کرد بخانه وزیر مختار انگلیس پناهنده شد اینهم یکنوع خیانتی است که بتو می‌کنند که لازم نیست بنویسم و صلاح شخصی خودم نبود در طهران متوقف بشوم. قبول نکرده‌است دعا کردم مشاغل مرا بناصر الملك وحسین خان حسام الملك بدهند.<sup>۳</sup>

و سپس به شرح چگونگی از بین رفتن فراماسونهایی که با او هم عقیده بودند، پرداخته می‌نویسد :

۱ - ظل السلطان نوشته سعادت نوری ص ۲۰۶

۲ - تاریخ مسعودی ص ۳۱۳

و... ظل السلطان از جوانی و تفهمی مدرسه برپا کرد و روزنامه مشهور فرنگه  
 را انداخت در تربیت قشون کوشید. افواج معدوم لرستان و کرمانشاه و عراق را  
 بر تحت قاعده آورد، که هیکل سر بازی پیدا کردند... آنهاییکه مختصری می گفتند  
 از قبیل من و میرزا ملکم خان ناظم الملک که بعدها ناظم الدوله شد امین الدوله،  
 ناصر الملک و وزیر امور خارجه بقسمی زمین خوردیم که شرحی غیر از برای مطالعه  
 شده وقت بیاورد چیز دیگر نیست... خلاصه این کلام جمیع رفقای ما از قبیل  
 میرزا عباس قوام الدوله و غیره از میدان در رفتند. ما چهار نفر هم قول و هم عهده  
 قرار شدیم که بمضموم و جلالی و شاهپرستی و وطن دوستی پناه خدمت کنیم این  
 کار چهار احمق را واداشت که مطالب را بی پرده بشاه بگوئیم<sup>۱</sup>

نوشته ظل السلطان با تأکید روی نام چند نفری که از فراماسونهای ایران  
 بودند و نامشان در گزارش سفیر انگلیس به تفصیل برده شده است. این حقیقت را  
 روشن می کند، که او با ماسون ها همدمت بوده است (مقصود این است که ظل السلطان  
 از اعضای جبهه مخالف ناصرالدینشاه دانسته و یا ندانسته و شاید بدون اینکه از  
 ناصد واقعی آنان اطلاعی داشته باشد دوستی و اتحادیه داشته است)<sup>۲</sup>

بهر حال ظل السلطان در تاریخ مسعودی شرح مفصلی در باره قانون پارلمان  
 آزادی و سلطنت مشروطه بیان کرده و مدعی است که دوستانش بی پرده همه چیز  
 را بشاه بگویند ولی چون او خوی پدر را بهتر می دانسته مانع می شود پس انجام  
 این مأموریت را به امین الدوله محول می کنند لیکن در نتیجه همگی مغضوب و  
 از روی میشوند و ظل السلطان نیز گاهی در اصفهان و زمانی در تهران بسر می برده است.  
 رایامی که ناصرالدینشاه به سن شصت سالگی رسیده بود در فارس بین صاحب دیوان و  
 قوام نزاعی بر پا شد و سید علی اکبر فال اسیری شورش کرد. اتفاقاً در آن روزها

واکنش وزیر مختار انگلیس در اصفهان و فارس بر میبرد. وی هنگامی که به ملاقات ناصرالدینشاه می‌آید از نظم اصفهان و اقدامات ظل‌السلطان تعریف می‌کند و ناصرالدینشاه مجدداً به پرسش‌های ظنین شده او را به تهرآن احضار می‌نماید: شاهزاده مستبد و مغرور وقتی بحضور پدرش می‌رسد به پای او افتاد و تقاضای می‌کند که یا از را بکشد و یا از ایران اخراج کنند. ناصرالدینشاه فرزند را ملاحت کرده و جریان مذاکره خویش را با پرنس دالگورکی وزیر مختار روس برای او نقل می‌نماید. و به او چنین می‌گوید: «... من ریشم در سلطنت سفید شده و شصت سال از عمرم رفته امروز خیر و شر خودم و مملکت را تمیز می‌دهم. آنوقت جوان بودم... و بیچه، مرا فریفتند و قدر نوکری مثل میرزا تقیخان و وزیر می‌مثل میرزا آقاخان را ندانستم و بر خودم و مملکت آوردم آنچه آوردم و خیال دارم روز بروز به کار شغل و زحمت تو نیفزایم. راحتی خودم و یکتایی مملکت باشد»<sup>۱</sup>

ظل‌السلطان بار دیگر مورد عفو قرار می‌گیرد. ولی پس از دو سال امین - السلطان از طرف شاه با او ملاقات کرده و با گرفتن نامه‌ای وی را از کلیه مشاغل معزول و تا پایان عمر خانه نشین می‌سازد.

۱ - خان ملک ساسانی در یادداشت‌های خطی‌اش مطالبی در این زمینه نقل کرده و چنین نوشته است: «سفیر روس با ناصرالدینشاه ملاقات کرده و می‌گوید از طرف امپراطور روسیه دو پیام دارد. یکی در ستانه و دیگری رسمی دالگورکی ابتداء دوستانه را شرح داده می‌گوید: امپراطور روس مطلع شده که انگلیسها در جنوب ۲۵ هزار قشون تربیت کرده‌اند. آنها بوسیله این قشون می‌خواهند ظل‌السلطان را شاه کنند و سفر (واکنش) به جنوب هم برای همین مطلب بوده. سپس سفیر روس پیام رسمی را برای شاه شرح داده می‌گوید: اگر در زمان سلطنت خود می‌خواهید ظل‌السلطان را شاه کنید و تاج بر او بگذارید و سماً بنا بگوئید تا تکلیف خود را با شما تعیین کنیم...»

پس از قتل ناصرالدینشاه و به سلطنت رسیدن مظفرالدینشاه  
 که مردی علیل المزاج و ضعیف بود - ظل السلطان باز هم  
 مورد سوءظن پادشاه جدید قرار می گیرد، تا آنجا که حتی قتل  
 پدرش را هم به تحریک او می داند. بطوریکه میرزا ابوتراب  
 خان نظم الدوله خواجه نوری معاون رئیس نظمیه گفت دو  
 مرتبه فوراً و مأمور بازجویی از میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدینشاه اظهار  
 افته است: «میرزا رضا خان در ضمن استنطاق میگوید: «امین الدوله و حاجی سیاح و  
 فراموشخانه و حتی سید جمال الدین برای پادشاهی ظل السلطان فعالیت میکردند.  
 حتی این خبر بمیرزا علی اصغر خان اتابک میرسد بمیرزا ابوتراب خان نظم الدوله  
 خودش از جمله اعضاء فراموشخانه ملکم و از یاران حاجی سیاح بوده فشار می آورد تا  
 این باره از میرزا رضا سئوالات زیادتری بکنند و او را شکنجه دهد. ولی نظم الدوله  
 میدانسته است میرزا علی اصغر خان قصد آزار امین الدوله و فراموشخانه را دارد  
 بنابراین به این دستور نمیکند و حتی به میرزا رضا میگوید دیگر در این باره حرفی  
 نزن»

دوران سلطنت مظفرالدینشاه که میتوان آنرا پایان دوران کار و فعالیت  
 فراموشخانه و تجدید فعالیت و حتی دوران طلایی فراموشنری در ایران دانست ،  
 ظل السلطان را بار دیگر بفکر سلطنت می اندازد ظاهراً او قصد داشته است بوسیله  
 فراموشها و حتی یکی از ملایان صدر مشروطیت که (استاد) لژیونری ایران نیز بود،  
 بمبلغی پول خرج کند و زمینه را برای سلطنت خود آماده سازد. خسان ملک  
 ساسانی در کتاب تاریخ فراموشنری بنقل از گفته محمد علیشاه در این باره چنین  
 می نویسد :

«... دو ماه قبل از اینکه مجلس را به توپ به بندم، یکی از فراموشها بمن  
 اطلاع داد که در لژ دربار شاه شدن ظل السلطان مذاکره شده راوی که موقر السلطنه

بود می گفت ظل السلطان یکصد و پنجاه هزار تومان در اختیار طباطبائی گذارده است. در لژ که آن روز در منزل ظهیرالدوله تشکیل شده بود حکیم الملک مأمور می شود پول را به طباطبائی برساند. و او مبلغ دریافتی را بین آخوندها و طلبه ها و بازار بها خرج کند. گویا ظل السلطان پنجاه هزار تومان هم پرداخت ولی بقیه را نداد. زیرا من جلو اعمال او را گرفتم. ولی ظل السلطان دست بردار نبود و همچنان بوسیله انگلیسها فعالیت می کرد...<sup>۱</sup>

و چون از فعالیت در تهران نتیجه نگرفت و رقیبش شعاع السلطنه نیز که محبوبتر از او بود، با توصیه برادران فراماسونش پیاریس رفته بود، تا موافقت رؤسای لژ گرانند او ریان را جلب کند، او نیز با اتفاق فرزندان و طیب مخصوصش دکتر سوریل<sup>۲</sup> که او نیز عضو سازمانهای فراماسونی بود بفرانسه رفت.

روز ۱۹ شعبان ۱۳۲۳ - (۱۹ اکتبر ۱۹۰۵ - م) سرانجام ظل السلطان از طریق روسیه رهیار اروپا شد او در فرانسه با شعاع السلطنه ملاقات کرد. و با اتفاق مختار السلطنه که او نیز عضو گرانند او ریان بود - چندین بار به لژ رفت. خود ظل السلطان درباره ملاقاتش با شعاع السلطنه و حتی مذاکرات سیاسی پاریس سکوت مطلق کرد و فقط اشاره مختصری به مذاکره سیاسی و رسمی ایلچی انگلیس و ملاقات با او در فرانسه می نماید. و از آن جمله در باره ملاقات با شعاع السلطنه می نویسد: «... در الیزه پاری حضرت والا شعاع السلطنه اینجا تشریف آوردند. نزد من آمده قدری با هم صحبت داشتیم بعد با هم رقتیم صرف ناهار شد ساعت پنج بعد از ظهر من بمنزل حضرت والا رفتم بعد یکساعت از همه بابت صحبت شد. روز یکشنبه صبحی که چهارم ذیقعد باشد صبح حضرت والا شعاع السلطنه آمد منزل من با هم بموزه (لوور) رقتیم. عصر باز هم بگردش (بواند بولون) رقتیم. دیگر توقف در پاریس را روز بروز نخواهم نوشت. عمده وقایع را در روز حرکت از پاریس انشاء اله

۱ - کتاب خطی - صفحه ۱۴

۲ - تاریخ مسودی ص ۹۵ - قسمت دوم خاطرات.

بخواست خدا خواهم نوشت...<sup>۱</sup> بدین ترتیب ظل السلطان و شعاع السلطنه فراماسون که هر دو مدعی سلطنت و هر دو هم عضو لژ فراماسونی ایران و وابسته بگرافنداوریان فرانسه بودند، در پاریس با یکدیگر ملاقات می کنند ولی پس از این ملاقات ظل السلطان بکلی سکوت کرده و نوشته است «دیگر جریان توقف در پاریس را روزی روزخواهم نوشت».

پس از مراجعت این دو شاهزاده به ایران هر دو برای رسیدن بسلطنت فعالیت خود را آغاز کردند و از عجایب آنکه هر دو نیز در راه استقرار مشروطیت پافشاری کردند.

محمد علیشاه در اسلامبول به مرحوم خان ملك ساسانی می گوید :  
«ملك المتكلمين وسيد جمال واعظ<sup>۲</sup> هر دو از ظل السلطان پول می گرفتند و من فحش می دادند. آنها می خواستند. باكم كنسول انگليس در اصفهان و وزير مختار در تهران و عمال مخفی و فراماسونها او را شاه کنند...»<sup>۳</sup>

نویسنده تاریخ مشروطیت ایران نیز در تائید گفته محمد علیشاه چنین می نویسد:  
«پس از استعفای کابینه نظام السلطنه که گویا در تاریخ ۱۴ ربیع الثانی رویداد عهد علیشاه باردیگر بدون توجه به تمایلات نمایندگان مجلس میرزا احمدخان پیر السلطنه را مامور زمامداری کرد... در دنبال وقایعی که در اواخر دوره کابینه نظام السلطنه، رویداد باردیگر اعیان و روسای ایل قاجار در صدد برآمدند که کمورت بن شاه و مجلس را بر طرف نمایند و روز شنبه ۲۹ ربیع الآخر در خانه عضد الملك به شیخ و پیر ایل قاجار بود جلسه ای تشکیل دادند و در آنجا پس از گفتگوهای بسیار باین نتیجه رسیدند که راه نجات و سلامت اینست که شاه دل خود را با مجلس مشروطه خواهان صاف کند و هر کینه و بغضی که دارد دور بریزد و برای انجام این

۱ - تاریخ معنوی ص ۷۵.

۲ - پدران آقایان دکتر ملکزاده و جمال زاده.

۳ - خاطرات خطی مرحوم خان ملك ساسانی ص ۱۱۲.

مقصود باید چندتن از درباریان که دائماً شاه را اغوا می‌کنند و بدشمنی با مشروطه خواهان تحریک می‌نمایند از دربار دور شوند و تصمیم گرفتند این جلسه را در خانه عضدالملک ادامه دهند، تا مقصود آنها انجام گیرد...<sup>۱</sup> حقیقت هم همین بود زیرا در آن هنگام طرفداران روسیه در دربار ایران که اغلب از مستبدین بودند بدستور شاپشال و سفیر روس دائماً شاه را علیه مشروطه خواهان و فراماسون‌ها تحریک می‌کردند. و چون در همان زمان در خفا بین روس و انگلیس بر سر تقسیم ایران موافقت شده بود، انگلیسها جرأت نداشتند که علناً در کارها مداخله کنند، لذا فراماسون‌ها و عمال مخفی آنها فعالیت خود را تشدید کردند. از طرفی روسها هم که دستشان باز شده بود و سفارت انگلیس را نیز در مقابل اقدامات و فعالیت‌های خود ساکت می‌دیدند بوسیله جیره خواران قدیمی خویش یعنی درباریان روس مآب و مستبد شاه قاجار را علیه مشروطه خواهان و ماسون‌ها تحریک می‌کردند. چنانکه در جلسه‌ای که روز سی‌ام ربیع‌الآخر در خانه عضدالملک تشکیل شد ناگهان سیل نمایندگان انجمن‌های تهران بخانه (پیرایل قاجار) سرازیر گردید.

نویسنده کتاب دولتهای بعد از مشروطیت ایران نوشته است:

«... محمد علی‌شاه وقتی این واقعه را شنید آنرا هم از دسایس و نیرنگ‌های ظل‌السلطان پنداشت. زیرا در این هنگام ظل‌السلطان در سن ۶۵ سالگی و با آن سوابق داعیه سلطنت داشت و پولها خرج می‌کرد و سر منشاء بعضی از تحریکات بر علیه محمد علی‌شاه هم در حقیقت او بود...»<sup>۲</sup>

محمد علی‌شاه از روسها شنیده بود که انگلیسها می‌خواهند یاران وفادار او را از اطرافش پراکنده و دور سازند. به همین جهت از ترس تنها ماندن از شهر بیرون رفت و در باغشاه زیر سایه شاپشال و لیاخف سکونت گزید. با وجود این مشیرالطنه با مساعدت شاه اعلامیه زیر را صادر کرد:

۱ - مجله اطلاعات ماهانه شماره ۵ سال اول مقاله دولتهای ایران از آغاز مشروطیت

تا امروز

۲ - مجله اطلاعات ماهانه شماره ۶

... این بنده مشیر السلطنه که رئیس الوزراء هستم در خدمت حضرت اشرف آقای عضد السلطنه اعلام می‌کنم . . . که مستدعیات راجع بتصفیه دربار در حضور همایونی مقبول افتاد و اشخاص مفصله الاسامی زیر را :

امیر بهادر جنک - شاپشال - علی بیگ - موقر السلطنه - امین الملك - مفاخر الملك را از نوکری معزول فرموده، امیدواریم بعد از رفع این سوانح کلیه امور مملکتی در دربار معدلت مدار اصلاح شود .

بعد از صدور این اعلامیه بین کارگردانان فراماسونی دربار فعالیت ظل السلطان، اختلاف نظر بروز کرد . با اینکه او با مخارج هنگفت عده‌ای را با سلطنت خود موافق کرده بود، معذک چندین نفر از فراماسون‌های ایرانی که در رأس آنها میرزا حسین‌خان قزوینی - مشیر الدوله - و سپس ابوالحسن خان فروغی قرار داشتند، با سلطنت وی بشدت مخالفت کردند .

مرحوم سید محمد صادق طباطبائی به نقل از خاطرات پدرش بنکارنده گفت : میرزا ابوالحسن خان فروغی پس از طرح مسئله سلطنت ظل السلطان در محفل فراماسونی از عضویت لژ مستعفی شد و در نتیجه مدتها وقت جلسات لژ صرف بحث در باره سلطنت ظل السلطان میشد . در نتیجه مخالفت فروغی و مشیر الدوله ظل السلطان بتدریج از فکر رسیدن به سلطنت باکمک ماسونهای ایرانی، مایوس شد و انصراف حاصل کرده ، تا جائیکه از عضویت لژ ماسونی ایران نیز مستعفی شد . و بعدها به محمد علی‌شاه نزدیک گشت.<sup>۱</sup>

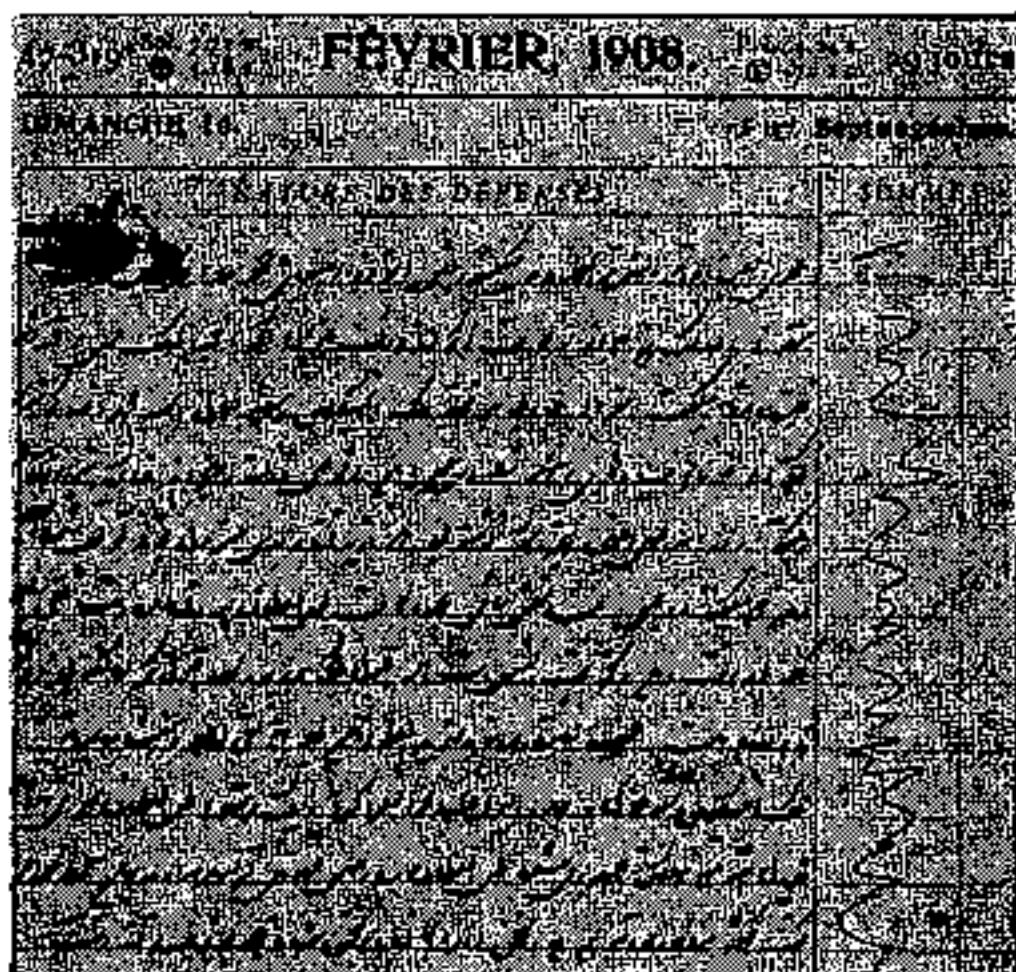
سند دیگری که همراهی فراماسونهای ایرانی را با ظل السلطان تأیید می‌کند. هندرجان یادداشتهای روزانه شماع السلطنه است.<sup>۲</sup> بطوریکه قبلا گذشت این شاهزاده که عضو لژ فراماسونری بیداری ایران و خود داعید سلطنت داشت، می‌خواست به همدستی برادران فراماسونش (شاه) بشود . وی در یادداشت‌های روزانه خویش در باره فعالیت چندین از فراماسونها بنفع ظل السلطان چنین می‌نویسد :

۱ - این مصاحبه در حضور فرهاد پور مدبر روزنامه دموکرات صورت گرفت.  
۲ - قسمتی از یادداشتهای شماع السلطنه که در اختیار مرحوم ملک الشعراء بوده در سال ۱۳۴۶ هجری به کتابخانه مجلس شورای ملی فروخته شده است.

خورد شد و یازده نفر آجودان و سرباز هلاک شدند ولی از تقدیر الهی ناپلئون باولیمهد و ملکه از مرگ نجات یافتند همان شب سلطان مجبور گردید برایشکه بمحبس رفته و بتوسط ارسینی از فراماسونها عذرخواهی نماید و التزام دهد که منبع دیگر مخالفت و ضدیت با فراماسونیکری نخواهد نمود از آن بعد امپراطور را عفو کرده آسوده اش گذاشتند پادشاه حالیه انگلستان ادوارد هفتم در زمان ولایت عهدیش رئیس فراماسونها بود همینکه بسلطنت نایل شد مجبور گردید که از فراماسونیکری استعفا دهد و متعهد گردد که هیچگونه اذیت و دردمندی بآنها نخواهد داد .

شروع و تحصیل تمام قوانین این شرکت خیلی مطول است همینقدر باید دانست که قوت آنها بمنتهی درجه است .

اما در ایران چنانکه بر حضرت مستطاب اشرف نیز آشکار است مشیرالدوله مرحوم اساس این مساله را در تهران بنا کرده باستحکام و ترویج آن پرداخت که شاید بدینوسیله بتواند اشخاص مخالف این طریقه را از عمل و مأموریت خلع نموده مناصب عمده و دخل کثیره را مابین خودشان تقسیم نمایند ولی چون از دایره پاریس اجازه تحصیل نکرده بودند و خودشان هم علامت نداشتند لهذا در تحت قوانین و علامات فراماسونیکری با سی و شش نفر شرکعی ترتیب دادند که به آن هشت نفر از فراماسونهای فرنگی نیز ملحق گشتند چون در آن اوقات پرس دادیان مقتضی کل وزارتخانه ها بود و مستحفظ مخصوص اعلیحضرت همایون و سرئیپ اداره پلیس بود قبل از هر کسی از این امر مطلع گشته لازم داشت که بمشیرالدوله مرحوم و جناب حکیم الملک که روسای کل بودند اظهار نماید که بهینند هر آینه این شرکت نخواهد برخلاف ملت و سلطنت عمل نمایند فوراً باعلیحضرت شهرباری و حضرت مستطاب اشرف اطلاع داده تمام اجزاء را دستگیر خواهد نمود جناب حکیم الملک و مشیرالدوله فوراً بحضور مهر ظهور همایون مشرف شده پرس دادیان را از شغل و کار خود معزول نموده بطوریکه مجال و فرصت ندادند شرحی از این مقدمه بعرض برساند و هرگاه توجه و مرحمت حضرت مستطاب اجل اکرم نبود مستعد این بودند که او را اخراج بلد



### صفحه‌ای از دفترچه خاطرات شجاع السلطنه

(از مجموعه اسناد ابراهیم صفایی)

دسیزدهم محرم [۱۳۲۶] عصری نصره الدوله و موید السلطنه آمدند و می‌گفتند: رئیس دیروز استعفای خود را با مهر مجلس به مجلس فرستاده است. مستوفی الممالک هم که از وکالت اگراه داشت قبول کرده با مجدالملک به مجلس رفتند. کسرت الدوله می‌گفت: سفراء خارجه بر ضد ملک المتکلمین و سید جمال و سید محمد رضا اتفاق کرده‌اند که تمام فسادهای این شهر را راجع به این اشخاص دانسته و می‌خواهند مذاکره تبعید آنها را بکنند.

روزنامه حبل‌المتین تحت اینکه نوشته بود که وزیر مختار روس معزول بشود، توقیف شده است و هر دو می‌گفتند در مجلس بیست و شش رأی بجهة وکالت

نمایند یا اینکه بکشتن دهند و باین واسطه بود که تا امروز هم بدون يك شغل و با امور بی بحالت فقر و پریشانی بسر میبرد در این سفر هیمنت اثر همایونی اجزائی که در رکاب مبارك بودند با دانه «گراند او نیون» ربط بهرسانیده مهر و علامت تحصیل شرکت مزبور را بر يك پایه مستحکم قرار داده بعد از مراجعت بایران برخلاف این و مملکت رفتار نمودند تا خیانت با علی حضرت شهر یاری نمایند و مساعی کلیه باین بود که حضرت مستطاب اشرف را از امورات مملکتی خلع نموده مابین حضرت اقدس همایونی و آن پرستار امین ایران جدائی انداخته مقاصد خودشان را به نام برسانند بعضی از آنها دستگیر شده بعضی مقضوب گشته اما اکنون عدل این بخش نفر چنانکه ذکر شد قریب بششصد و هفتصد نفر رسیده است و خیال دارند با دولت بای ها هم دست و متحد گردند و اگر این مطلب سر بگیرد خدای نخواسته دولت آن بکلی منهدم خواهد گشت با اینکه حضرت مستطاب اشرف بعمداله عقل کل میداند چون محض افتخار جان نثار عقیده شخصی از فدوی خواسته اند لهذا جسارت بده معروض میدارد .

باید بدون تأمل و درنگ شخص امینی را سر تپ کل وزارت تنظیمه قرار داد خود او با امور پلیسی مربوط باشد و فرنگی بودن این شخص نمری نخواهد داشت اگر غالباً فرانماسون هستند و تا اینکه از تمام اوضاع و ترتیبات مملکت و معرفت حال مردم و مخصوصاً تقلبات واقعه را بدقت و فرصت درك و ملتفت بشوند اقلاسه باین سال وقت لازم است. باید تنظیمه را کلیتاً مرتب کرد پلیس مخفی و کنترل پلیس است که صحت راپورتهای مرسوله را تحقیق نمایند که بی جهت و ناحق اذیت بمردم بکنند و بیگناه نشود — باید از چگونگی و چه کاره بودن و شخصیت کسانی که از درنگ رفت و آمد مینمایند دانسته شود و متدرجاً باید از رعیت اخذ اسلحه نمود .

بتمام اعمال و اقدامات فرانماسونیا و بای ها و ازلی ها می بایست يك يك سیر و مرور شود بدون اینکه يك نفر دستگیر نمود و آنها را در يك قلعه و محبسی در هنگام اجتماع با اسناد و مهر و علامات و غیره دستگیر نمایند و تا بکلی شیوع و کثرت بهم

نرسانیده‌اند باید جلوگیری از این امر بشود و برای تمام این اقدامات در سال شش هزار تومان کافی است و بخوبی اداره خواهد شد .

بعقیده فدوی این وسائل را که معروض داشت هرگاه بزودی انجام نگیرد نه فقط خطر بزرگی برای دولت ملحوظ است بلکه خدای بخواسته خطر عمده از برای وجود مبارک شهر یاری و حضرت مستطاب اشرف محتمل است پلیس و مستحفظین حالیه به هیچوجه کفایت لازمه را از برای دفع این مخاطرات ندارند و باید دانست که شخص نه تنها بواسطه خنجر یا طمانچه بقتل میرسد بلکه ممکن است که گماشته یا پیشخدمت کسی را تطبیع نموده دارو یا سمی در خوراک یا مشروب او داخل کرده شخص مطلوب را بهلاکت رسانند و از اینگونه وسائل بسیار است مخصوصاً ترنپ و تکمیل پلیس از برای شخص اعلیحضرت همایونی خیلی واجب و اهمیت تامه دارد چنانکه حضرت مستطاب اشرف مسبوق هستند که سالون که در پاریس باعلیحضرت همایونی تیر انداخته بود این اواخر در مجلس فوت کرد طبیعی است که از رفقای افارشینست او چند نفر به ایران آمده بخواهند تعاضی از مرگ او بنمایند و کسیکه از امریکا بیاریس می‌آید بدیهی است که باسانی از پاریس بایران خواهد آمد و پولیس بی کفایت حالیه چگونه میتواند تفتیش و کشف اینگونه مسائل را بنماید اگر چه لیلاً و نهاراً دعاگو و از حضرت ایزد متعال استقامت و دوام عمر اعلیحضرت شهر یازی و حضرت اشرف را خواهانیم و امیدواریم که خدا بتعالی خودش این دو وجود مبارک را از هرگونه آفات و مخاطرات محفوظ خواهد داشت ولی مهم‌المكن طریقه احتیاط را نباید از دست داد علاج واقعه را پیش از وقوع باید کرد امر امر مبارک است .

متأسفانه با همه تحقیق و مطالعاتی که شد تاریخ نوشتن این گزارش و مشخصات کامل نویسنده بدست نیامد . این سند که در بین اسناد دولتی میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان بوده ، اصل آن در اختیار تنها بازمانده او میباشد و امید است در آتی بتوان اطلاعات کاملتری بدست آورد .

دولت سند دیگر  
 بهاره لژ ایران  
 سند دیگری که دو سال پس از تأسیس لژ فوق‌الذکر نوشته شده و وجود لژ ماسونی را در تهران تأیید می‌کند مربوط به دکتر «فوریه» طبیب مخصوص ناصرالدین شاه می‌باشد که در خاطرات روز ۱۹ مه ۱۸۹۱ (۱۰ شوال ۱۳۰۸) او نقل شده. فوریه می‌نویسد: ... امروز در جلسه سالیانه انجمن «الیانس فرانسه» بود و من بار دیگر بر بابت اشغال شدن خطری بزرگی از بیخ گوش این انجمن بیچاره گذشت به این معنی که این همه سر و صدای توطئه رئیس تنظیمیه هم از حال نگرانی شاه استفاده کرده و درش مخصوص انجمن ما را در ردیف انجمنهای سری و فراموشخانه بنظم آورده و مجالس بایه آنرا خطرناک معرفی نموده بود ...<sup>۱</sup> با توضیحاتی که دکتر فوریه داده او را قانع کرد که این انجمن یهودیان با فراماسونها ارتباط ندارد، در حالیکه آن ایام عدمای از روماء آن فراماسون بودند.

یکی دیگر از افراد لژ فراماسونری ایران که در آن هنگام عملیاتش باعث یکی شاه و دولت شد شاهزاده حاجی شیخ‌الرئیس است. شاهزاده شیخ‌الرئیس از افراد خانواده سلطنتی قاجار بود که با سفارت انگلیس ارتباط داشت و در مواقع حمایت آنان برخوردار میشد. چنانکه داف‌گرانت - شازدادر سفارت انگلیس می‌نویسد: «شیخ‌الرئیس که با این سفارت روابط دوستانه دارد در موقع حساس پسوی ما روی آورد اما خوشبختانه لزومی پیدا نشد که اقدام غیررسمی در این جهت آیند زیرا ما از این هم مسلک او به اندازه‌ای بیرومند بودیم که از او حمایت نکنند...»<sup>۲</sup> شیخ‌الرئیس که در اسلامبول وارد لژ گرانداوریان شده بود هنگامیکه بحالت زند در این شهر بسر میبرد علیه ناصرالدین شاه فعالیتهایی میکرد. بر اثر این فعالیتها دولت دربار ایران در عثمانی نامه‌ای بسیار محرمانه بشاه نوشت و در آن ضمن آنکه به علت ترس از شیخ‌الرئیس از شاه تقاضا نموده است نامه‌اش را پس از فراتر از آنکه چنان اعلام داشت:

۱ - سه سال در دربار ایران ترجمه عباس اقبال ص ۱۹۲

۲ - گزارش ۲۵ اپریل ۱۹۰۶ - 100 - 371 - F. O. بایگانی راکد انگلستان.



شاهزاده شیخ الرئيس  
عضو لژ فراموشخانه  
وفراها سو فري

و خیلی معرمانه استعدا دارد بعد از ملاحظه یا باره فرمائید یا بنخود چاکر  
اعاده دهند .

تصدقت شوم عریضه علیحده در باب حاجی شیخ الرئيس معروض حضور مبارک  
داشته‌ام خودش هم همان عریضه را دیده است لکن محرمانه عرض مینماید که این مرد  
عمامه را وسیله فتنه و فساد قرار داده آدم ناراحت و بی لجام است مالک زبان و قلم هم  
نمیباشد اوقاتی که جناب مشیرالدوله در اسلامبول ریاست فراموشخانه اسلامبول را



و حالاً شایسته شأن دولت و مقتضی بولطیك مستقیم نمی باشد باید بهر نحوی که ممکن است او را از اینجا تطمیع کرده برد میدانیم تولیت آستانه مقدسه را بچنین شخصی که خالی از عیوبات شرعی و عرفی نیست نمیتوان تفویض کرد اما میتوان بمراحم علوگاه امیدوار کرده به تهران برود و آنجا نگاه داشت - در تهران مصدر هیچگونه شرارت نمیتواند بشود - چه ضرر دارد اولیای دولت علیه مبلغی مدد معاش داده خودشان را از چندین محذورات محفوظ نمایند اگر رأی مبارک اولیای دولت علیه باعاده او قرار بگیرد تعلیقه مرحمت آمیزی بنویسند و از مستقبل حال بمراحم خسروانده مطمئن فرموده مبلغی هم مخارج راه بفرستند که این بنده تعلیقه را بامخارج عرض راه داده و امیدوار کرده روانه نمایم که بیشتر از این ماندن او در اسلامبول حسنی ندارد و بشأن و شوکت دولت برمیخورد - زیاده عرضی لیست ۴ شهر شیعیان المعظم ۱۳۱۰ هـ

میس اسدخان ناظم الدوله بدنیال عریضه مذکور شخصاً می نویسد: «عریضه مفصله را تقریباً خودش مسوده داده و بعضی تهدیدات را هم داشت که بناسوه ادب دانسته قلم کشیده عرض نکردم رقعہ دیگر هم خط خود اوست عیناً می فرستد شکم گرسنه بهر کار قادر است .

ناصرالدین شاه در حاشیه این نامه چنین نوشت: «هر طور هست شیخ را بتهران بیاورند خرجی هم بدهند توسعه معاش هم بدهند ضرری ندارد کاغذ هم بنویسد که او را روانه کنند» و بدین ترتیب بتشریح فعالیت لڑهای اولیه و فراموشی هایی که علیه سلطنت قاجار و شخص ناصرالدین شاه و امین السلطان اقداماتی مینمودند خاتمه میدهم .

در فصل شانزدهم کتاب بارها به پاره‌ای حروف فارسی برخورد می‌کنیم، که با سه نقطه «مثلث» مشخص شده‌اند، این حروف با نقاط مثلثی که در سمت چپ يك حرف یا بین دو حرف قرار گرفته، هر يك معرف يك کلمه یا اصطلاح فراماسونری در لژ بیداری تهران است و در حقیقت حرف رمز یا بهتر بگوییم مخفف کلمات و اصطلاحات اصلی هستند. در اینجا جهت اطلاع خوانندگان ارجحند همه حروف مورد نظر و معانی اصلی آنها را عیناً نقل می‌کنیم:

ب. . = برادر

ب. . ن = برادران

م. . = ماسون

م. . م = ماسونی

م. . نی = ماسونی

ک. . نه = کابینه

ف. . م. . ی = فراماسونری

ف. . م = فراماسون



لژ بیداری ایران  
سمراند اوریان (شرق اعظم) فرانسه

از انحلال فراموشخانه وشکست میرزا ملکم خان و یارانش، ضربت بزرگی  
لائقاری به حیثیت و اعتبار ملکم وارد کرد ، عددای از هموطنان ما که  
ازاد مخفی فراماسونری بودند، به جانب «جامع آدمیت» که میرزا عباسقلیخان  
وجود آورده بود ، روی آوردند ، دلی بطوریکه گفته شد بعلمت اختلافات و دو  
تبا و اتهاماتیکه به مؤسس این سازمان شبه فراماسونری وارد آمد ، این مجمع  
سراوشت دو سازمان دیگر «فراموشخانه» و «مجمع آدمیت» گرفتار گردید و  
تاریب سه سازمان فراموشخانه ایران که از لحاظ فراماسونری جهانی غیر مجاز  
انمیرفتند ، منحل شدند .

اما فعالیت کوتاه این سه سازمان و تقلید ناقصی که از کارهای فراماسونها صورت  
گرفت و تأثیری که در اجتماع ایران باقی گذاشت ، باعث گردید تا گردانندگان

فرااماسونی جهانی، تشکیلات منظم و با قاعده‌ای «Regular» در ایران بوجود آوردند و زیر نظر یکی از ارگان‌های «پذیرفته شده» در پایتخت فعالیت نمایند.

مبارزه پنهانی که بین روس و انگلیس بر سر بدست گرفتن قدرت و نفوذ در بار و دستگاه حاکمه ایران در جریان بود، سبب شد تا فکر تأسیس شعبه فرااماسونری فرانسه بجای فرااماسونری انگلیس در ایران قوت گیرد. زیرا سیاست منفور و منحوس انگلیس در آن ایام، همه جا را فرا گرفته بود و طبقات مختلف از انگلیسها نفرت داشتند و به اعمال آنها بشکل جاسوس و خائن مینگریستند.

علت دیگر انتخاب لژ فرااماسونری وابسته به فرانسه، از آن جهت بود که در آن ایام عده‌ای از ایرانیان و فرانسویان عضولژهای فرااماسونری، در تهران سکونت داشتند و اینان در اداره دستگاه حاکمه و دولت ایران مؤثر بودند، بعلاوه در آخر قرن نوزدهم مردم روشنفکر و تحصیلکرده ایران و درباریان و عمال دولت کشور ما به فرانسه و فرانسویان عشق و علاقه بیشتری داشتند. و بعلمت اشتیاقی که برای رهایی از شر دو سیاست منحوس (روس و انگلیس) نشان میدادند، نزدیکی به فرانسویان را بعلمت حسن شهرت و دوری از سیاست استعماری جایز می‌شمردند.

شاید بتوان قبول کرد که این افکار و عقاید تا آغاز جنگ بین‌المللی دوم اعتقاد مردم و طبقه روشنفکر را به فرانسه بیشتر کرده بود. سعید نفیسی مینویسد:

«... از روزیکه صحبت فرااماسون در ایران شده، طبقات عالی ایران و کسانی که مورد نظر و توجه فرااماسونهای انگلیس واقع میشدند، بیشتر مایل بودند از (لژ لندن) فرار کرده و به (لژ فرانسه) روی آورند. به همین جهت از روزیکه اولین هسته لژ فرااماسونری فرانسه در ایران شروع به فعالیت کرد، بیشتر ایرانیان بدان روی آوردند.» نویسنده مذکور پس از بحث درباره سیاست انگلستان در اوایل قرن نوزدهم اضافه میکند:

«... از زمان فتح‌ملی‌شاه که انگلیسها مشغول دست و پا کردن در ایران شده بودند و شرکت هند شرقی کاپیتن ملکم را با اعتبار هنگفت برای جلب ایرانیان فرستاده بود، رشوه‌های گزافی به میرزا شفیع صدراعظم و حاج محمد ابراهیم خان اعتمادالدوله

برازی صدر اعظم و میرزا حسن خان امین الدوله اصفهانی و مستوفی الممالک وزیر  
 که بعدها او نیز صدر اعظم شد داده بود. اصلاً طرفداری از سیاست انگلیسها را  
 هم اول در ایران با رشوه خواری توأم کرده بودند و بهمین جهت مردم آبرودوست  
 حضور بیکالکان از فساد و تباهی شرم می کردند و نمی خواستند خانواده ی خود و  
 خویش را لکه دار و بدنام کنند از اینکه آشکارا با انگلیسها راه داشته باشند  
 خیل می کردند و همین امر سبب شد که کاپیتن ملکم با همه کوششی که کرد  
 ایرانیان را بفراماسوئی انگلیس جلب کند و آنها برخی که به هند رفته بودند  
 بهرومیری پیدا کرده بودند ...<sup>۱</sup>

نخستین نفیسی از این بحث خود چنین نتیجه می گیرد که انگلیسها از لزوم پیداری  
 همان استفاده ای را که از لژ رسمی انگلستان در ایران میکردند بعمل آوردند  
 از این می نویسد :

... انگلیسها همواره در این مدت نه تنها کاملاً فراماسونهای فرانسوی را در  
 عمل کردند بلکه آشکارا هم پشتیبان آنها بوده و به همین وسیله از آنها نفع سیاسی  
 و به همین جهت صدها فراماسون ایرانی هستند که خالصاً و مخلصاً و عبیدانه و با  
 از ذهن و امانت و صداقت به سیاست نابکارانه انگلیس در ایران خدمت کرده اند و  
 دانستند که چه میکنند و با اصلاح این خوش خدمتی و خوش رقصی را ننگ  
 شده اند. روسهای تساری در آن زمان بالعکس عملیات فراماسونها را همواره  
 در خود میدانستند و همیشه در ایران از همکاری با این گروه خودداری کرده و  
 آنها نیز زیان دیدند و این اوضاع همچنان تا روزگار ما دوام دارد ...<sup>۲</sup>

شاید يك چنین قضاوت قاطع و يك جانبه در حق کسانی چون سید محمد طباطبائی ،  
 و عدای از آزادگان دیگر که در لژ بیداری گرد آمده بودند، دور از انصاف باشد.  
 اما پستی این نکته را قبول کرد که پس از استقرار مشروطیت در ایران ، عدای از  
 شاه همین لژ به سیاست انگلیس گرویدند . تمایل این دسته از انگلیس هاب ها که

در لژ بیداری ایران بودند ، بعدها این شائبه را تقویت کرد که اشخاص مزبور هنگامیکه وارد لژ بیداری میشدند ، میدانستند که بچه سیاستی بستگی دارند .

اکنون که به افکار و محیط زمان تأسیس لژ بیداری ایران آگاه تاریخ تأسیس لژ شدیم ، می‌کوشیم از مؤسسين لژ و تاریخ افتتاح آن و فعاليتهاي بیداری ایران که داشته است ، اطلاع حاصل کنیم . بموجب یادداشتی که از اوراق ابراهیم حکیمی ( حکیم الملک ) باقیمانده است ، اولین کسیکه از جانب گراند اوریان به ایران آمد تا در باره تشکیل لژ در ایران مطالعه کند . شخصی بنام «سوئی» اسپانیائی بود . وی از جانب استاد اعظم گراند اوریان به شرق آمده بود ، تا ضمن بازدید از مصر ، عثمانی و ایران مقدمات تشکیل شعب لژ را در این کشورها فراهم سازد .<sup>۱</sup>

یك محقق شوروی عقیده دارد : «... در سال ۱۹۰۹ نیزوزنام فرانسوی ، فراماسونری دیگری در ایران تشکیل داد که بزودی به فراماسون نوع اروپائی مبدل شد و وسیله به زنجیر کشیدن کشور توسط امپریالیستهای انگلیسی گردید ... »<sup>۲</sup>

محیط طباطبائی نیز عقیده دارد : «... مسیو ویزیوز فرانسوی سرپرست الیانس فرانسه که مؤسس محفل شرق اعظم فرانسه در ایران بوده غالب رجال تهران را بدین محفل آورده است ... »<sup>۳</sup> محیط از نوشته خود نتیجه می‌گیرد که با تأسیس لژ بیداری ایران ، بساط فراموشخانه ملکم برجیده شد و افتتاح آن در تهران به پرده‌گشائی از چهره فراماسونری مجعول ملکمی کمک و اسرار فراوانی کرد و در نتیجه میرزا ملکم‌خان را همانطور که عباسقلی‌خان آدمیت از راه آدم‌سازی و پول‌گیری مرشد کلاه برداری خویش معرفی کرد مسیو ویزیوز هم با ترجمه و طبع قانون اساسی محفل شرق

۱- مجموعه اسناد حکیم الملک خریداری شده از ورثه آن مرحوم .

۲- آثار منتخبه فلسفی آخونداف بررسی چاپ مسکو ۱۹۶۲- { شاید منظور نویسنده لائس ویزیوز استاد فراماسونی گراند اوریان در اروپا بوده که با احتیاط تذکر این نکته ضروری بنظر رسید ، نویسنده }

۳- آثار میرزا ملکم خان م (ک)

فراماسه به همدستی مرحومان دیرالملک و ذکاءالملک و حاج سید نصرالله اخوی و تعلیم و مقررات دیرینه فراماسونری از سابقه اعتبار پنجاه ساله فراموشخانه ملکم که همچون امین الدوله و سعدالدوله و فریدالملک در آن مکتب تربیت شده بودند دارای کاست که فراماسونهای جدید ایران آنرا يك قسم تقلید غیر مجاز و یا فراماسونری شناختند.<sup>۱</sup>

راهیم حکیمی در ایامیکه نویسنده عضو هیأت تحریریه مجله آسیای جوان ماهی تحت عنوان «من مؤسس فراماسونری در ایران هستم» چنین اعلام

کرد: «من در آن زمان که در فرنگ مشغول تحصیل بودم جسته و گریخته با این به این جمعیت آشنائی پیدا کرده نوع کار و طرز فکر آنها را بسیار پسندیدم برآمدم چون بکشور خود باز میگردم تشکیلاتی شبیه بآن تشکیلات در بلاد بدم زیرا مجمع آدمیت را برای وضع آئین و ایران بسیار سودمند می بینم بهترین وسیله آشنا ساختن مردم ایران به اسلوب غرب تشخیص داده بودم چون به ایران بازگشتم به کمک جمعی از دوستان یکدل و باوفای خود که همچون من تشنه اصلاحات ایران بودند نظیر آن تشکیلات را در ایران دایر از قضا سود بسیار هم عاید مملکت شد، حال دشمنان ایران هر چه میخواهند بولی ترفیات نیم قرن اخیر مرهون جانشانیها و معاضدتهای فراماسونهای پاک است که دست اتحاد یکدیگر داده در پیشرفت منظور مقدس و محترم خود دمی نشسته اند».<sup>۲</sup>

بهر حال بدون اینکه بدانیم چه کسانی مؤسسين اولیه لژ بوده اند، باید بگوئیم که هفت نفر از استادان ممتاز فراماسونری فرانسوی و ایرانی عضو گرانداوربان آمادگی را برای تأسیس لژ در ایران اعلام داشتند و تقاضای تشکیل لژی را در تهران دادند، فرمان تأسیس لژ در ششم نوامبر ۱۹۰۷ (۱۳۲۴ هـ) صادر شده و به اصطلاح

۱- آثار میرزا ملکم خان ص (کا).

۲- آسیای جوان چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۳۱

فراماسونها « نور » از پاریس به تهران آورده شده<sup>۱</sup> و با وجودیکه این لژ تا سال ۱۹۱۳ ( ۱۳۳۱ هـ ) در ایران کار میکرده ، مع الوصف فقط درین سال برای اولین بار در سالنامه گرانددوریان اسمی از آن بمیان آمده . شاید اختفا کامل این امر از آن جهت صورت می گرفت که در ایران زمینه مساعدی برای تشکیل لژ در ایران نداشته است . و با وجود دستگاه مستبد سلطنتی و اداری و حکومتی سبب ترس و وحشت گردانندگان از افشاء نام لژ و اعضاء آن شده بوده .

بهر حال تنهاسندی که در دست است ، توضیحی در حاشیه منظومه « آئین فراماسونری شاعر معروف « ادیب الممالک فراهانی » است که اصل آن به مرحوم « اشراق » محضر دار مقیم تهران تعلق داشته و بدست حسین هاشمی حائری نویسنده معروف رسیده است . در حاشیه این منظومه چنین نوشته شد : « ... افتتاح این محفل مبارک و معبد مقدس در دارالخلافت بطور رسمی و با اجازه شرق اعظم و شورای عالی ماسنی فرانسه در شب سه شنبه ۱۹ ربیع الاول سنه ۱۳۲۶ هجری ۲۱ ماه آوریل سنه ۱۹۰۸ میلادی هشتم ماه اپریل روسی و هشتم نisan رومی دوم ماه اردیبهشت جلالی سنه ۸۰۳ یکم ماه نور تأسیس یافت » .

علاوه بر این در جلد سمت راست دیپلم ماسونی ادیب الممالک که مشخصات لژی بیداری شرح داده شده این جملات با خط کاتب گرانددور در پاریس درباره عضویت وی ضبط گردیده است :

پیشنهاد شده از لژی بیداری ایران - لژ تهران

تقاضای پذیرش - ۱ - اپریل ۱۹۰۷

قبول پیشنهاد ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۷

پذیرفته شدن عضویت ۱۹ ژانویه ۱۹۰۸

با توجه به این اسناد و مدارک میتوان گفت که لژی بیداری ایران در اواخر سال ۱۹۰۷

( ۱۳۲۵ هـ ) شروع بکار کرده و در ژانویه ۱۹۰۸ ( ۱۳۲۶ هـ ) اولین عضو خود را در تهران

۱- نقل از نامه ۲۸ اپریل ۱۹۶۱ دبیر کل گرانددوریان بنویسند

است. زیرا ادیب‌الاموالک در پرونده ماسونی اش که در اختیار ماست، ادعای کند  
این عضو لژیوناری ایران میباشد.

حال به بینیم چه کسانی اداره کننده اولیه این لژ بوده اند. در جلد چپ مقوایی  
الاموالک که به اصل دیپلم وصل است، اسامی امضاء کنندگان دیپلم او در تهران  
مشاهده میشود:

دکتر روح‌و رئیس کل<sup>۱</sup>

دکتر امیرخان ناظم دوم

شکوه ناظم اول<sup>۲</sup>

ذکاء‌الملک خطیب

رضاقلیخان منشی

بنظر میرسد این‌عهده جزو اولین دسته اداره کننده لژیوناری و یا به اصطلاح کنونی  
انها «اعضاء کرمی لژ» بوده باشند. از رؤساء و اعضاء دوسال فعالیت لژیوناری  
آن دو عکس در دست است، که در آنها این اشخاص مشاهده میشوند:

دور عکس اول که در مارس ۱۹۱۴ (۱۳۳۲ هـ) برداشته شده این اشخاص هستند:  
کمال‌الملک غفاری - حاج سید نصرالله تقوی - شیخ مرتضی نجم آبادی - حاج  
ابراهیم زنجانی - دبیرالملک بدر - محمد علی فروغی ذکاء‌الملک - عز‌الملک  
- عباسقلی خان قریب - وفار السلطنه وصال - همایون سیاح - میرزا ابوالحسن  
- ارباب کیخسرو شاهرخ.

در عکس دوم:

کمال‌الملک غفاری - حکیم‌الملک حکیمی - سید نصرالله تقوی - محمد علی  
ذکاء‌الملک - دبیرالملک شیرازی - شیخ ابراهیم زنجانی - همایون سیاح -  
میرزا حسینخان - عباسقلی قریب - ابوالحسن فروغی - ارباب کیخسرو شاهرخ -  
ذکاء‌الملک کردستانی.

۱- این شخص شناخته نشد

۲- حسین شکوه، شکوه‌الملک

استادان و کارگروهان

تو پنداری در سال

۱۳۴۳ - ۱۳۹۴ هـ

کمال الملک فردوسی

استاد ارجمند، تو نشسته

روی پله

استاده از راست

بجپ، ارباب کینخسرو

شاهرخ - میرزا همايون

سياح - مياستقلخان قروي

- ذكاء الملک فردوسی - شيخ

ابراهيم زنجاني - سيد

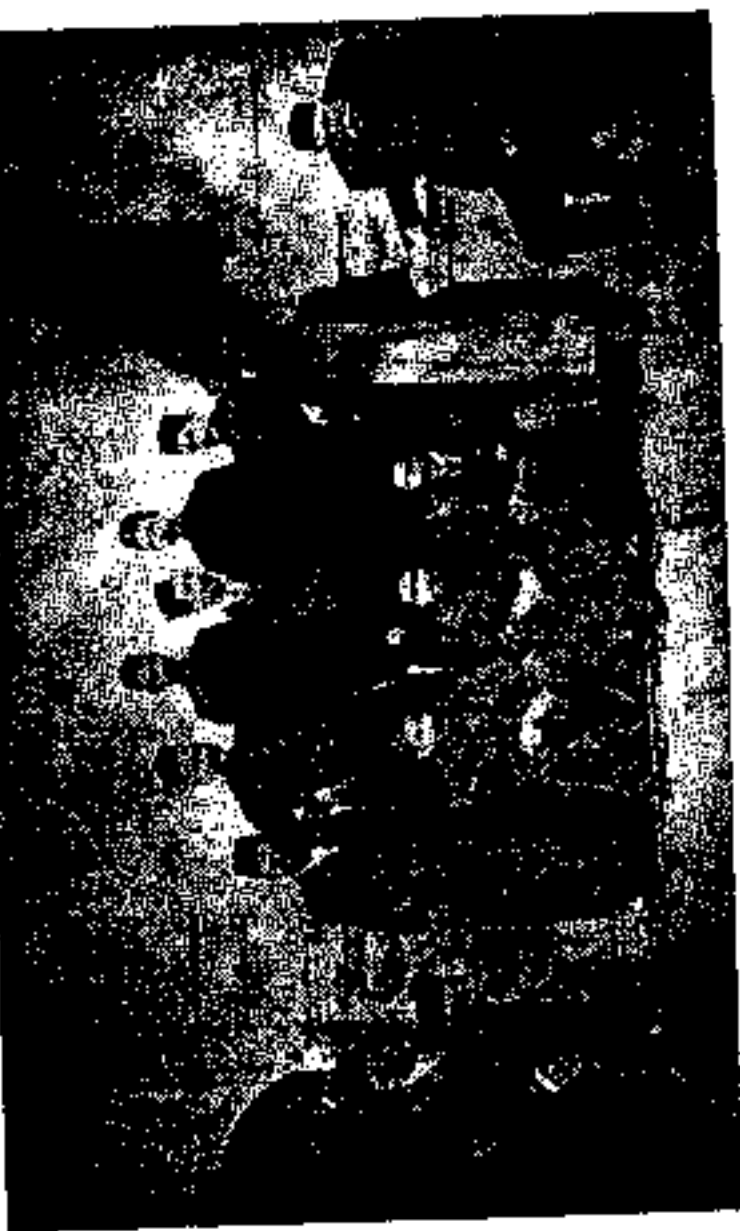
عصر الله تقوي - شيخ مرزفي

نجم آبادي - سيد الملک بدر

من الملک اذلان -

وقار السلطه وصال - ميرزا

ابوالحسن فردوسی



استادان و کارگروهان یکدوره یکنااله تو پنداری ایران

نشسته از راست بجپ ، کمال الملک - حکیم الملک حکیمی -

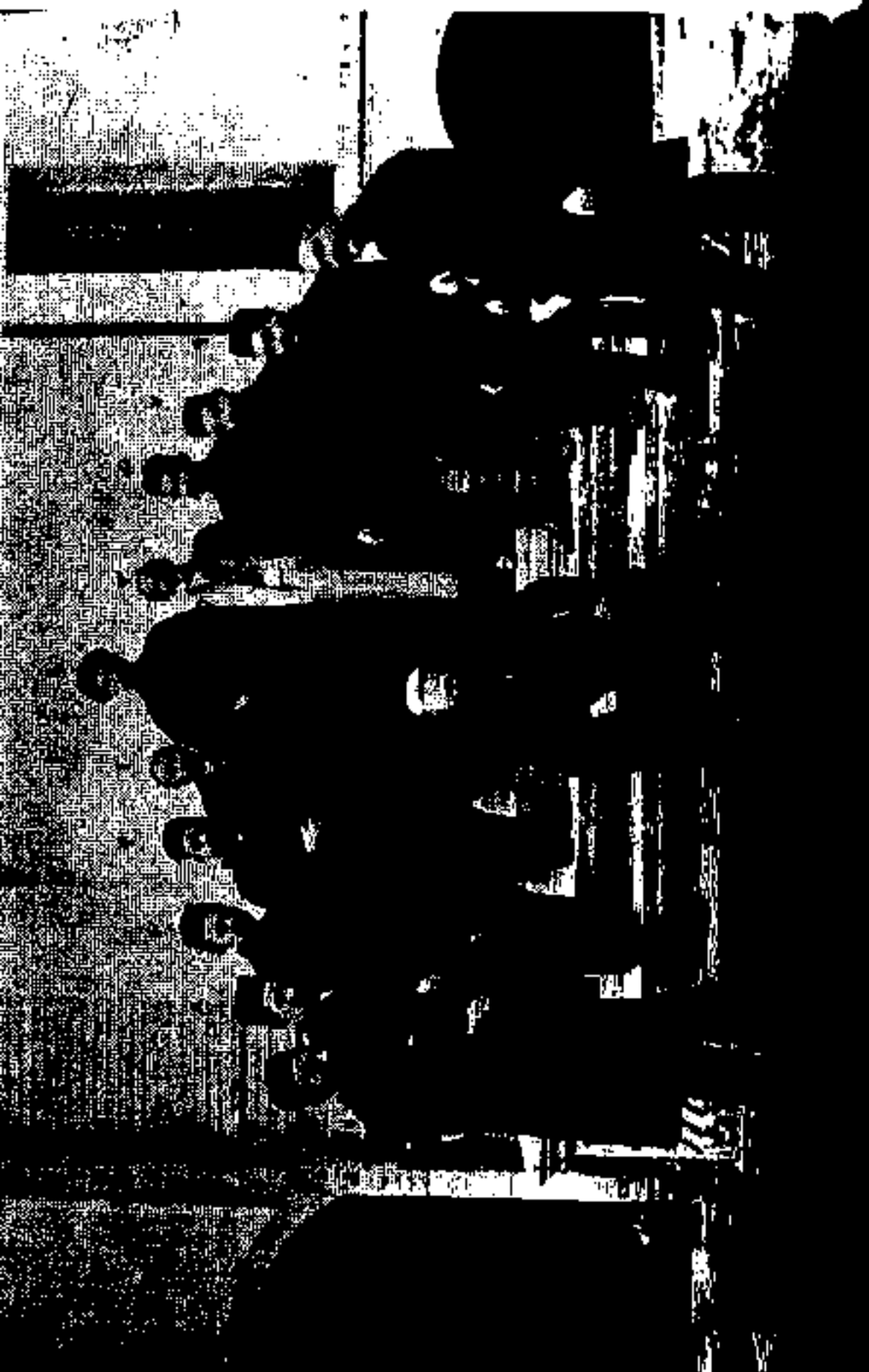
حاتج سياح - سيد عصر الله تقوي - محمد علي ذكاء الملک فردوسی -

ديبر الملک شیرازی

استاده از راست بجپ ، شيخ ابراهيم زنجاني - همايون

سياح - ميرزا حسينخان کمال - مياستقلی قروي - ابوالحسن فردوسی -

ارباب کينخسرو - من الملک کي دستاني





ایزادیم حکیمی - حکیم الملک استاد اعظم مادام البقر



سید، تلخیان فروغی ذکاء الملک استاد اعظم

در این دو عکس که یقیناً یادگاری ازدودوره از رواء لژیرداری ایران میباشد، يك نكته جالب وجود دارد و آن اینست که هیچيك از خارجیان عضو لژیرداری دیده نمیشوند، درحالیکه در جلد دیپلم ماسونی ادیب الممالك نام دکتر (رومبو) وجود دارد و بطوریکه خواهد آمد در سالهایی که لژ در ایران کار میکرد مجموعاً هفده ماسون خارجی که اکثر آنها فرانسوی بودند در آن عضویت داشته اند.

... محمود عرفان درباره لژ تأسیس آن مینویسد:

«در اواخر سلطنت مظفرالدینشاه ایرانیانی که بفراشه و بلژیک مسافرت کرده و در آنجا وارد فراماسونری شده بودند بایران که بازگشتند، این فرقه را در تهران تأسیس نمودند و بقول ادیب الممالك فراهایی آنها «لژیرداری ایران» نامیدند<sup>۱</sup>. همین نویسندگان در نطقی که در جمعیت عامیون ایراد کرد اشخاص ذیل را بعنوان افراد قدیمی و پیش کسوت فرقه فراماسونری در ایران معرفی کرد:

«میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه - میرزا سید محمد طباطبائی - سنگلجی - میرزا ابوترابخان نظم الدوله - علیخان ظهیر الدوله - شیخ هادی نجم آبادی - دبیر المملك شیرازی - علیقلیخان سردار اسعد - مسعود میرزای ظل السلطان و لیزبوز رئیس مدرسه الیاس - میرزا حسینخان کحال - مشاور المملك محمود - سید نصرالله تقوی - میرزا - حسنخان مستوفی الممالك - میرزا ملکمخان - کمال المملك نقاش - میرزا محمدعلیخان ذکاء المملك - مشیر الدوله پیرنیا - ارباب کیخسرو شاهرخ - فرزین - ادیب الممالك فراهایی - مرتضی نجم آبادی - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - میرزا فضل اله حکیم الهی».

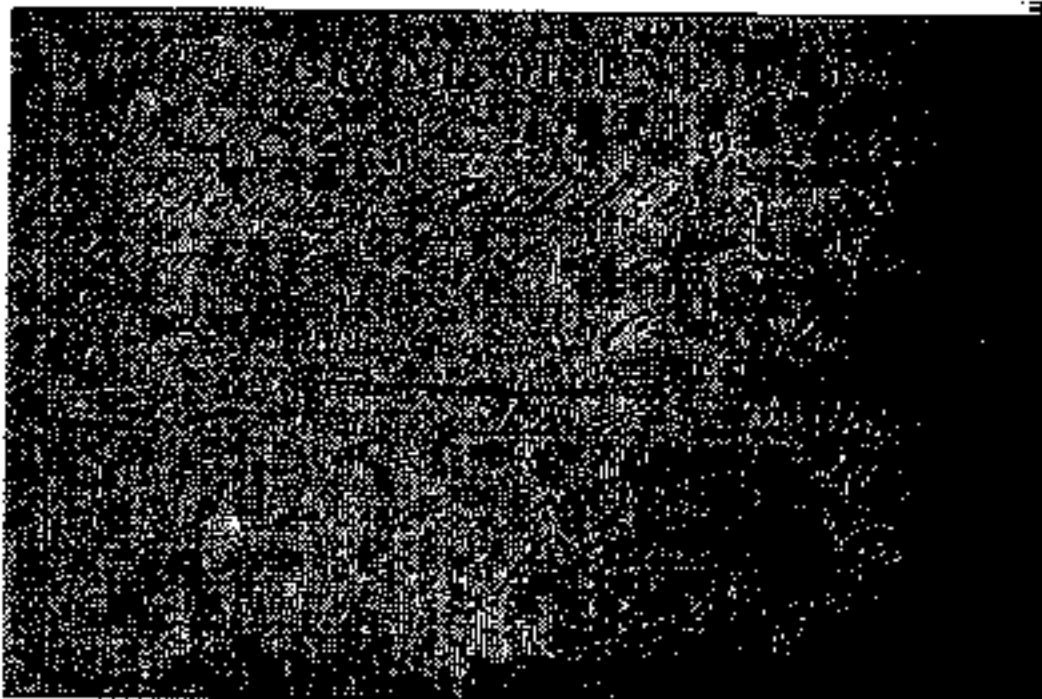
میرزا صادقخان ادیب الممالك فراهایی<sup>۲</sup> که خود را نخستین نخستین عضو لژیرداری عضو لژیرداری ایران شمرده است، در قصیده ۵۳۰ مبنی که بنام «آئین فراماسونری» سروده در این باره چنین میگوید:

۱ - مجله یمنه سال ۱۳ ص ۵۴۸

۲ - میرزا محمد صادقخان ادیب الممالك کنیش (ابوعیسی) و مسقط الرأسش قریه «کازران» از قرای بلوک «شرا» توابع اراک است. وقتی ۱۵ ساله بود پدرش درگذشت و



امیر خاں قزاقان در لباس  
 نظامی در تهریز  
 امیر خاں قزاقان  
 بود



دولت ایران به امضاء همایون  
 سیاح خزانه دار

LE GRAND

ORIENT

DE FRANCE

HERB

FRANCO

MAISON FONDÉE EN 1858

10, RUE DE LA Vierge, PARIS

1

2

3

4

5

6

7

8

9

10

11

12

13

14

15

16

17

18

19

20

21

Amir Kuchak Khan  
Sahib-i-Mamalat

Ata Tahan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan

Amir Khan



درآمد دیپلم فراماسوری ادیب المعالي امضاء شکوه الملک ذکاء الملک امیر اعظم  
روماه او بهداری ایران در سال ۱۹۰۷ م. و همچنین امضاء روساء فرانسوی اثر  
ایران در پاریس به چشم میخورد.

شد ز در این سینه مالامال      شب یکشنبه سوم شوال  
رفته از هجرت شه ابرار      سیصد و بیست و پنج بعد هزار  
سال میلاد ده ز پانزده رفت      از شهود هزار و نه صد و هفت  
مه بزرگاله مهر در کژدم      آن دوم بود و این به هیفدم

وی ظاهراً نخستین عضو عادیست که بعد از مؤسسين وارد لژیوناری شده و علاوه بر اعضاء کرسی لژ تهران که جلد چپ دیپلم او را اعضاء کرده اند . در جلد راست آن نیز از طرف رئیس شورای جمعیت گرانداوریان فرانسه ، اعضای شورای جمعیت ، نماینده لژیوناری در مرکز گرانداوریان فرانسه و منشی شورای جمعیت در پاریس اعضاء و عضویت او تصدیق گردیده است و بالاخره در متن دیپلم او در زیر شعار آزادی - برابری و برادری این جملات به چشم میخورد :

« لژ شرق اعظم - شورای عالی برای کشور فرانسه و متصرفات - برای تمام اعضای - فراماسونری - سلامتی ، قدرت و اتحاد خواستار است »  
و متن دیپلم بقراردیل است :

« بنا به تقاضائی که از طرف R. L. و لژیوناری ایران از تهران شده و بنا به شهادت این شعبه ، فراماسون میرزا صادقخان ادیبالممالک رئیس عدلیه متولد در تهران ۱۴ محرم ۱۲۷۷ و ساکن کاشان از طرف لژ پذیرفته و بدرجه Maitre قبول شده » .

→

در سال ۱۲۹۳ با اتفاق برادرش پنهان آمد که از حاکم شکایت کند . اوقصیده ای در شکایت از روزگار و بردن املاکش ساخته به شاهزاده طهماسب میرزای مؤیدالدوله تقدیم کرد . شاهزاده از شعر او خوشش آمد و از آن روز در محفل شعرا و ادبا وارد شد . خیلی زود مبتلا به تریاک ، مرفین و عرق شده در ۱۳۰۷ همراه حسینقلیخان امیر نظام به تبریز رفت و در ۱۳۱۶ در مدرسه لقمانیه نایب رئیس شد . در همین سال روزنامه « ادب » را منتشر کرد .

در ۱۳۱۸ از تبریز به قفقاز و خوارزم رفت و نزد پسر محمد امین خان خیوه بسر برد . درین سال به مشهد رفت و دو سال بعد مجدداً روزنامه ادب را در همین شهر منتشر ساخت . در ۱۳۲۱ سردیر روزنامه ( ایران سلطانی ) شد . در ۱۳۲۴ سردیر روزنامه ( مجلس ) و در ۱۳۲۵ روزنامه عراق هجوم را در تهران تأسیس نمود . در ۱۳۲۶ وارد وزارت عدلیه شده ریاست عدلیه عراق و سمعان را هم داشت . در ۱۳۳۲ مدیر روزنامه ( آفتاب ) و همان سال مجدداً رئیس صلیحیه ساوجبلاغ و یزد شد . در یزد سکنه ناقص کرد و در ۱۳۳۶ در سن ۵۸ سالگی در تهران در فقر و گرسنگی بمرد .

در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۰۸ با امضاء کنندگان گرانداوریان فرانسه این دیپلم را  
صادق خان ادیب‌الممالک تسلیم کردیم ، برای اینکه وی از کلیه مزایا و حقوق  
استفاده نماید. و تمام فراموشیهای ممالک خارجه نیز او را بعنوان برادر قبول  
نمایم استادی Maitre را باو میدهم .

اینست که با وجودیکه ادیب‌الممالک در روزهای آخر عمر به چند قران  
و در فقر و گمنامی در گذشت ، با اینحال بموجب قبوضی که در پرونده  
باقیمانده مبالغ زیر را به ما بون سیاح صندوقدار لژ و مسیولان ویزیزور  
داد :

رای درجه C. M مبلغ یکصد قران .

سال ۱۳۰۸ شصت قران .

سال ۱۳۰۹ یکصد قران .

سال ۱۳۱۰ یکصد قران .

این قبوض ، چند قبض دیگر نیز که وی برای خرید نسخه قانون اساسی  
در ۲۹ محرم ۱۳۲۹ و سایر مخارج پرداخته موجود است . در پروندهای که  
اساسی از همسر او خریداری کرده يك نامه از دژول درك ، يك نظامنامه  
پستداری ایران و تعدادی شعر که بخط شخص وی میباشد وجود دارد .  
این نامه ای که در این پرونده ضبط است با آنچه که نگارنده از استاد حکیم الممالک  
تطبیق میکند .

این پرونده نامه دژول درك ، رئیس گرانداوریان در ۲۴ مارس ۱۳۰۸ وجود  
خان ممالک آنرا ترجمه نموده و عیناً نقل میشود :

اولا سید صادق خان ادیب‌الممالک

دژول درك که در ۱۳۰۷ در پاریس استاد اعظم و دبیر کل گرانداوریان بوده در  
پاریس مقامات گوناگونی نقایم : ممیزی دفاتر محاسبات - عضویت محکمه بدایت  
محکمه حکومت پاریس - حکم در محکمه تجارتی عدلیه پاریس را داشته است . اصل عکس  
ادیب‌الممالک داده شده ، نزد نویسنده است .



در اسله مورخ ۲۰ ژانویه شما که يك قطعه عكس خودتان را فرستاده بودید  
 الى المكر گردید. اگر شما شاهزاده عبدالله میرزا را<sup>۱</sup> بعد از مراجعتش از اروپا  
 به ما باشید بهجانبهائی گفته است که چقدر از این محبت شما احساس دوستی  
 نگامیکه او را ملاقات نمودم از عکسهای خودم حاضر نداشتم که برای  
 هم ردلبل تأخیر در عرض جواب هم همین بود ولی چون میدانم که شما  
 در بنا بر این شاگرد مکتب گذشت و انعام میباشید از اینک که امروز جواب  
 بخواهید بخشید.

ازم خیلی خوشحالم که يك مردی بمقام و رتبه ادبی شما بخوبی منافع  
 ملی ما را درك کرده است. تردید ندارم که اگر برادران ماسن مادر تهران  
 هم بکدیگر را از راه کار و عمل صمیمانه یاری کنند میتوانند همچون مشعل  
 روشن و عقب مانده ترین مردم را روشن نمایند. رسیدن باین نتیجه يك  
 تازه و آن این است که در عمل نمونه حسن اخلاق مدنی و خدمت  
 از ماسنی در قالب مشرق زمین میتواند با انتشار اصول جاویدان اعضای با  
 دو همنند پارلمان در مملکت ایران تجدید حیات نمایند. رئیس محترم يك  
 منشی لژ شما باید کاملاً مورد اعتماد و احترام برادرانش باشند و نسبت  
 از او احترامات لازم منظور دارند.

آن همه مفید است. بنا بر این اتحادش به منفعت عموم است نه استفاده شخصی.  
 برادران يك مأموریت سیاسی مربوط بمنافع ملت بدهد و یا يك خدمت  
 عموم کنند باید باین اصل معتقد باشد که این خدمت از طرف مردان فداکاری  
 عموم با او گذار شده است.

برادر عزیزم جرأت و صمیمیت و اعتماد بین برادران ماسن که لایق این اسم  
 عبدالله میرزا عکاس فرزند سیفاله میرزا نوه فتحعلشاه است و اعقاب او سپهبد  
 میباشد.

باشند لازم است .

در همه عالم اشخاص ناسزاگو و متعصب یافت میشود که پیشرفت ما را جلوگیری میکنند و گاهی بهترین خدمتگذاران ما یوس میشوند. با اعتقاد من ضرر اشخاص ناسزاگو برای مؤسسه حکمت شعار و انسان دوست ما بیشتر است تا خود متعصبین . زیرا باشکال میتوان به عملیات اشخاص ناسزاگویی پی برد . در صورتیکه اشخاص صمیمی متعصب قابل عفو میباشند شناختن آنها هم آسان است و میتوان جلو ضرباتشان را گرفت .

نبریکات من برادران ماسن . . برای دور هم جمع شدن کوشش کنید کلیه همشهریها را بخودنان معتقد سازید و آنها را تحت دیسپلین دریاورید و با آنها تکالیفشان را بقبولانید. وقت آن رسیده که بدیای متمدن بنمائید که ایران لیاقت زندگی دارد میتواند منابع ثروت خود را بکار بیندازد افکار افراد را آزاد بگذارد و هر کس مطابق لیاقت و استعداد خود کسب دارائی نماید. بقسمی که مزدورین و خیانتکاران شرمسار شوند و نتوانند بهیم نوع خود ضرر برسانند .

با صدای بلند فریاد کنید که ما نهضیات معنوی و مادی آزادی میخواهیم در برابر قانون مطابق لیاقت و استعداد حق تساوی میخواهیم و با همه مردم مطابق طبقه و مقام و هوش و فراست برادری میخواهیم و این سه اصل را به آزادی فکر و اتحاد بتمام آنها تکیه موجب پیشرفت وطن هستند کم کم کنید .

برادر عزیز آرزوی من از قریب ده سال با یشطرف که با برادران ایران در مکاتبه هشتم همین است . زیرا تا آنجائی که من میدانم شما ملتی با هوش هستید منابع ثروت بسیار دارید باید دسته ای با عملیات فکری و اخلاقی و دسته ای با عملیات مادی که ضرر اخلاقی برای دیگران نداشته باشد به نتیجه برسید .

برای تمام اینکارها باید چند نفر با هوش و دقت و عایدی وجود خود را برای بنیان گذاشتن صمیمیت و اعتماد لایتناهی و وطنپرستی و شهامت بین اشخاص مصر و وفادارند نتیجه افکار خوب ، گفتار خوب و اعمال خوب است .

برادر عزیزم شکر می‌کنم که برای من وسیله‌ای فراهم آورد بد که این چند کلمه را بشما امیدوارم که این مکاتبات ادامه داشته باشد در انتظار وصول نامه‌ها و یک روزی بنام - خواهشمندم مراتب احترامات برادرانه مرا بپذیرید .

زول درك

اکنون به بینیم چرا فراماسونری کشورهای انگلیس و

فرانسه در سدد تشکیل لژ ماسونی در ایران برآمدند و این  
دولت بزرگ از تشکیل شعب خود در این کشور چه نظری  
داشتند و دارند . بطوریکه قبلاً گفته شد ، فراماسونری

خود را يك سازمان جهانی میداند و اساس فعالیت خود را  
در تشکیل « حکومت جهانی » و نوعی « حکومت انترناسیونالی » که کمیستها  
تلقاض دارند ، قرار داده است . کارگزاران این سازمان جهانی از بدو فعالیت  
رای توسعه این مرام در جهان ، تا آنجا که امکان پذیر بوده و هست ، میکوشند .  
سنت سازمانهای فراماسونری فرانسه « گرانددوریان » و سازمان « اسکاتلند » هر  
رای تشکیل شعب خود در ایران کوشیدند و هر دو نیز موفق شدند ، گروهی از افراد  
ای مملکت را وارد در سازمانهای خود کنند .

در چه قانون اساسی فرانسوی و انگلستان و آلمان هر سه اعضاء خود را از  
بامور سیاسی منع میکنند ولی وجود افراد مؤثر و سیاسی کشور ما در این  
بالمطبع « سیاست » را وارد محافل آنها کرده و میکند . محمود عرفان در این -  
مینویسد :

مکتبم که لژ تهران انجمن بیداری ایران نیز نام داشت و اگر چه سنت فراماسونری  
مکتب در امور سیاسی است ولی چون تقریباً تمام فراماسونهای تهران از رجال  
تولد اجتماع آنها و گفتگو و صحبت آنان طبعاً بامور سیاسی ارتباط پیدا میکرده  
اینکه لژ تهران در بیداری مردم و آشنا کردن عامه ملت بنحقوق خود سعی  
و دامت و بهمین مناسبت لژ تهران انجمن بیداری ایران نامیده شد و در دوره

ناصرالدین‌شاه و بعد از آن هم که این گفتگوها ممنوع بود فراماسونها بودند که انجمن سری داشتند و عهد کرده بودند سراجتماع و فرقه خود را بروزندهند. و تعلیمات استادان و بزرگان خود را پیروی نمایند و بزرگان آنها همه با تمدن مغرب زمین آشنائی داشتند و میخواستند ایران را از استبداد و بی قانونی نجات دهند که مانند فرنگستان قانون بین شاه و رعیت و بین تمام مردم حکومت کند.

هر فراماسونی در قلب دوستان و آشنایان و خویشان خود تخم این تعلیمات را میکاشت و با آنها می فهمانید که غیر از پادشاهان قاجار و اوضاع دربار ایران حکومتها و ملت‌های دیگر نیز هستند و امور عامه بشکل دیگری غیر از آنچه در ایران معمول بود ممکن است اداره شود.

ناشتاس بودن فراماسونها باین مقصود بیشتر کمک میکرد علاوه فراماسونها همه از مردمان بانفوذ بودند و حرف آنها در دلها تأثیر داشت ...<sup>۱</sup>

يك نویسنده دیگر فراماسونری در باره علل و هدف تأسیس ماسونیم در ایران آن زمان، نوشته است:

«... بنایان آزاده از تأسیس لژ فراماسونری در ایران چند مقصود را وجهه همت خود قرار داده بودند:

اول - میخواستند پشتیبانی محافل ماسونی جهان را که در سیاست بین‌المللی نفوذ فراوانی میدارند نسبت بنفوذ ایران جلب کنند تا بتوانند از دسیسه کاری عمال استبداد که مخصوصاً از طرف دولت روسیه تزاری جداً تقویت میشدند جلوگیری و در برابر آنان مقاومت کنند.

دوم - حفظ استقلال کشور در برابر مظالم خارجی.  
در آن روزها چنگال روسیه چنان گلوی ایران را فشرده بود که دیگر کسی امیدی ببقای استقلال کشور نداشت. بنایان آزاده میکوشیدند با کمک نيك خواهان جهانی مانع شوند از دزدی روسیه لقمه‌ای را که تاییخ فرورده بود بخورد.

مردم میخواستند برای اداره امور کشور پس از بارور شدن نهال آزادی افرادی را که با بنده ابعبانی اخلاقی تربیت کنند که در عین حال واقف باوضاع عمومی کشور باشند. از این نظر لژ فراماسون در حقیقت مکتبی برای پرورش افراد فرهیخته‌های مختلف اجتماعی بوده تا آن تربیت شدگان بتوانند کشور را با لایق مطابق سنن دموکراسی اداره کنند.

تعداد زحمات نیکخواهانه آن بیشروان در هر سه نظر فرین کاهیبی شد آزادی ایران روز بروز فروزنده‌تر میگردید و هم استقلال کشور در برابر دشمن محفوظ ماند. همچنین در اروپا کمیته‌هایی از آزاد مردان بجهت استقلال ایران تشکیل شد که برخی از آنها بجهت حمایت از ایران با گشتمکش کردند...

احتراف کرد که اکثریت اعضاء لژ بیداری ایران در دوران حیات سیاسی چهار لژشهای سیاسی و اخلاقی شدند، و عدد کثیری از ماسونهای عضو آن در این مملکت حکومت میگردند، به ارزشهای اخلاقی خویش اکتفا، منتهمی در بین بعضی از آنها سنجش این ارزشها، مقیاسهای دیگری آنچه که دیگران بدان اعتقاد داشتند متفاوت بود. آنچه که همیشه طرف دشمن عامه مردم بخصوص طبقه روشنفکر و نسل فعلی قرار می‌گیرد اینست که ماسونهای عضو لژ بیداری از سیاست انگلستان و پیروی از خواستهای آن از آن جانبداری می‌کردند، شاهد و مثالهای متعددی از افراد سرشناس لژ بودند.

در تمام از آنوقت بوجود آمد که انگلیسها علناً به مخالفت با دربار قاجاریه و برای بیرون راندن دروשה از ایران از هیچگونه تلاشی و اقدامی خودداری

نمیکردند. نهضت مشروطیت و حتی نهضت آزادیخواهی و مبارزه با استبداد دستگاه

فاجاریه، انگلیسها که خود را آزادیخواه و حامی آزادی مردم ایران معرفی میکردند بدون پرده و بطور علنی از اینگونه افکار پشتیبانی می کردند و بر اثر همین اقدام جسورانه آنها بود که طرفداران استبداد موفق شدند مشروطه خواهان و آزادی طلبان را بصورت عناصر وابسته به انگلستان بجامعه معرفی کنند. اساساً ایده ها و افکاری که جنبه بین المللی دارد هنگام گسترش و توسعه نمیتوانند از جانبداری و یا همبستگی با یکدسته و یا یک دولت و ملت برهیز کنند.

فراماسونها و کمونیستها که هر دو دارای نزاع ناسیونالیسم بوده هستند و هر دو در راه بین المللی کردن افکار خود گام برمیدارند، در واقع اینان با عقیده «هراکلیتوس» موافق میباشند که گفت: «راه فراز و راه نشیب هر دو یکی است» بنا بر عقیده هراکلیتوس شخصی که از تپه ای بالا میرود و یا کسی که از تپه ای فرود می آید هر دو آنها یک مقصد میرسند منتهی از لحاظ مسیر باهم اختلاف دارند.

کمونیستها میگویند که کارگران جهان که مالکان اصلی و حقیقی دنیا هستند و چرخهای صنعت اجتماع را بحرکت درمی آورند، باید زمام امور کشورها را بدست گیرند و کشورها را اداره کنند. ماسونها نیز میگویند طبقات عالیه و روشنفکر و افرادی که از هر گونه لغزش اخلاقی و اجتماعی مصون می باشند برای هدایت و راهنمایی جهان و اداره کشورها شایسته می باشند و اینها جماعتی هستند که باید بشریت را در راه (آزادی - برابری - برادری) پیش ببرند. و در نتیجه پیروان هر دو دسته برای رسیدن بمقصود خود از هیچگونه کوششی خودداری نمی کنند و شاید از هیچگونه بستگی هراس نداشته باشند.

برای نمونه میبایستی از اقدام و توقاالدوله در انعقاد قرارداد معروف ۱۹۱۹ (۱۳۳۷ ه) نام برد. بطوریکه خواهد آمد وی یکی از چهره های درخشان لزبنداری ایران بود که در ترجمه اسناد و ریتول های فراماسونری و آزاره فن سخن گفتن و نوشتن برای بیداری برادران ماسونش تلاش می کرد. او که در دوران نخست وزیری قرارداد معروف ۱۹۱۹ را منعقد ساخته بود در توجیه عمل خود مقیاس خاصی برای سنجش

که شاید از نظر خود وی و بعضی از برادران ماسونش صحیح بنظر می آید ولی  
الانکار عمومی مردود و غیر قابل بخشایش بشمار میرفته است .

آن ایام چون انگلیسها بقلط مشهور به آزادیخواهی و آزادی طلبی شده بودند  
ماسونهای عضو لژ بیداری ایران جانبداری از آندولت را عملی صحیح می-  
سال آنکه همین رجال دیده بودند که سیاستمداران فراماسون انگلیس  
سال ۱۹۰۷ (۱۳۲۴ هـ) بخاطر انعقاد قرارداد شوم و تقسیم ایران بین خود و  
الموداد .

از فراماسونهای عضو لژ بیداری ایران که در آن زمان سعی داشتند نسبت  
و حمایت از انگلیسها و خیانت بمردم و مملکت به آنها داده نشود، پس از  
یاد نشکین سال ۱۹۱۹ بنای انتقاد از «برادر وثوق الدوله» را که روزی یکی  
از تابناک لژ بیداری بود، گذاشتند. از جمله حاج سید نصراله تقوی که یکی  
از بیداری ایران بود هنگامیکه اسم وثوق الدوله را می شنید عصبانی می شد  
الطیر قابل بخشایش میداد است. سناتور سید مهدی فرخ در شرح حال خانواده  
همین می نویسد :

روز ریاست وزراء دوم آقای وثوق الدوله روزی به آقای اورنگ فرمودند از قرار  
که آقای سید نصراله ( منظور حاج سید نصراله تقوی است ) در مجلسی از  
تعمید کرده و از من تکذیب نموده است علت چیست؟ با ایشان صحبت کرده  
من بفهمانید .

نگاه روز بعد آقای اورنگ ایشان را ملاقات می نماید میگوید با آقای حاج  
اگره کردم. ایشان گفتند «آقای وثوق الدوله دارای محسنات زیادی است .  
من باهوش و در این قسمت حتی به مشیرالدوله برتری دارد ، معلوماتش هم  
رای مشیرالدوله شخص درست و صحیح العملی است وثوق الدوله دستش پلشت  
بناک است و مقصود اینست که شما پول میگیرید و مشیرالدوله مرد بی طمع و

درستکاری است.<sup>۱</sup>

و ثوق الدوله در جواب میگوید :

از طرف من به آقای حاج سید نصرالله سلام برسانید و بگوئید درستی و بیطمعی آقای مشیرالدوله در زمان تصدی خود جوال جوال نشان شیر و خورشید به فرنگستان فرستاد و وجوه مأخوذه از اینراه را ذخیره نموده و نیز تمام امتیازات به اجانب به امضای ایشان است و از اینراه تعول زیادی جمع آوری نموده و سهام نفت برای ورئه ذخیره کرده است . به این جهت آقایان مشیرالدوله و مؤتمن الملک دستشان چسبناک نیست ولی من از میرزا ابراهیم معتمد السلطنه دیناری ارث نبردهام ناچار من حالا پول می گیرم هر کس هر چه می خواهد بگوید بعدها پسر من هم مشیرالدوله و مؤتمن الملک خواهند شد . باید تصدیق کرد که آقای وثوق الدوله این پروگرام را دقیقاً به موقع به عمل گذاردند . . . .<sup>۲</sup>

باید دانست که از لحاظ سیاسی بکنوع مبارزه پنهانی در تهران مبارزه پنهانی بین دیپلماتهای انگلیس و فراسه و ایرانیانی که طرفدار یکی با انگلیسها از این دو سیاست بودند وجود داشت که در موارد متعدد مبارزه آنها بداخل لژ فراماسونری نیز کشیده میشد و گاه در گزارشهای رسمی سفارتخانهها منعکس می گردید . مثلاً در گزارشی که در همان اوان وزیر مختار انگلیس در تهران به «سراود اردگری» وزیر امور خارجه فرستاده نوشته شده است : «مخالفت هایی که دیپلماتهای فرانسوی علیه عملیات ما در ایران می کنند ، بتدریج صورت جدی بخود می گیرد .

همه عوامل آنها حتی کسانی که در لژ فراماسونری بیداری ایران به این مبارزه کشایده شده اند در این امر شرکت دارند گرچه اعضاء سفارت وجود مخالفت پنهانی و

۱- خانواده خیانت یا شجره خبیثه ص ۳۸

۲- این شرح برای بار دوم در خاطرات سید مهدی فرخ در مجله سپید و سیاه یاگز

۱۳۴۲ نیز نقل و تجدید چاپ شده است .

عربی را نایب نمی‌کنند ولی شواهدی در دست است که نمیتوان منکر این حقیقت شد.<sup>۱</sup> علاوه بر گزارش فوق «بالتور» انگلیسی که برای اجرای قرارداد ۱۹۱۹ به ایران آمده بود در کتاب مشهور خود مینویسد: «بعضی دلایل و مدارک در دست است که بحسب آنها از نظر مرام و مسلکی فرانسویهای مقیم ایران و اگر واضعتر بگوئیم پهلماهای فرانسوی تا آنجا که در قوه دارند، میکوشند در برابر انگلیسها مقاومت کنند و آنها را در مضیقه قرار دهند. علاقه فرانسویها در این کشور بیشتر متوجه تلاش آلبان عتیقه و حمایت از پروفیسورهای باستان شناس و اطباء و متخصصان دولتی است. خیلی مشکل است که بتوان انگیزه آنان را در مبارزه با انگلیسها فهمید. هیچ جای بحث نرود نیست که حتی پای فراماسونهای فرانسوی هم در تبلیغات علیه انگلیسها بمیان کشیده شده و آنان در این راه مشغول فعالیت اند»<sup>۲</sup>

کتاب «بالتور» که در موقع انتشار در انگلیس توقیف شده، در عین حال مبارزات پهلماهای انگلیسها را با روسها و فرانسویها و سایر منابع قدرت روشن می‌کند. در بین اعضاء لژیوناری ایران سران ایالات بختیاری، عده‌ای از صاحبان القاب و سیاستمداران مرفه‌ای و تنی چند از مشروطه خواهان طرفدار انگلیسها بودند. در حالیکه بقیه اعضاء لژ در صف مخالف جای داشتند و پیروی از سیاست‌های گوناگون برای عده دیگری کاملاً بی‌تفاوت بود.

هیچگونه مدرک و سندی در دست نیست که نشان دهد شعب لژ در شهرستانها در شهرستانهای ایران نیز تشکیل شده است با وجود این «هائری رنه» آلمانی در سفرنامه خویش درباره فعالیت لژ فراماسونری در مشهد مینویسد: «از سال ۱۹۰۶ [۱۳۲۴ هـ] در شهر مشهد يك فراموشخانه‌ای هم در این شهر تأسیس شده که اعضاء آن میخواهند در صفوف ملاها شکافی ایجاد نمایند و از قدرت و نفوذ آنها بکاهند. شعار اعضاء آن هم مانند شعار فراموشخانه‌های اروپائی میباشد که عبارت است از يك مثلث و يك برگار ولی آنان رابطه مستقیمی با فراموشخانه

۱- اسناد بایگانی انگلیس ۳۶۱-۶۰.

های اروپا ندارند<sup>۱</sup>...

حالت می‌پردازیم به یکی از مهمترین بحث‌های ژبیداری  
ایران و اینکه چه کسانی در آن طی پانزده سالی که لز  
عضو لز بیداری فعالانه کار میکرد شرکت داشتند.

در این باره چهارلیست از اسامی اعضاء لز وجود دارد که  
در آنها یکصد و شصت نفر ایرانی و هفده خارجی مقیم تهران عضو لز بیداری ایران  
معرفی شده‌اند. و بدیست از مندرجات هر يك از این لیست‌ها اطلاع حاصل کنیم.

۱- نخست از اسامی ژلاتینی شده موجود در اسناد حکیم‌الملک حکیمی یاد می‌کنیم.  
در این لیست نام یکصد و بیست و چهار نفر از اعضاء ایرانی و خارجی لز که از ابتدا وارد  
آن بودند، وجود دارد. بنظر می‌رسد که صاحبان این اسامی در چهار سال اول تشکیل  
لز وارد شده باشند. زیرا دیپلم آخرین نفر آنها که میرزا فتح‌الله سردار منصور بوده و  
مسیو «برنارد» فرانسوی او را معرفی کرده است در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰ هـ) صادر شده.  
و علاوه بر این در فهرست مزبور نام سی و یک نفر دیگر وجود دارد که در سه لیست دیگر  
نیست.

۲- دومین صورت اسامی، شامل نام یکصد و پانزده نفر است که در خاتمه رساله  
خطی آئین فراماسونی «ادب الممالك» متعلق به مرحوم اشراق محضردار، ضبط شده  
است.<sup>۲</sup> همه اسامی که در این رساله نوشته شده در صورت ژلاتینی حکیم‌الملک  
وجود دارد منتهی در برابر اشخاص زیر توضیحاتی داده شده است که شرح آن چنین  
است:

۱- میرزا محمد علیخان قوام‌الدوله<sup>۳</sup> رحلت فرموده

۱- سفرنامه از خراسان تا بختیاری ترجمه قره‌وشی ص ۶۱۸

۲- این رساله اکنون در تصرف هاشمی حائری، است.

۳- میرزا محمد علیخان قوام‌الدوله پسر میرزا عباس قوام‌الدوله آشتیانی پدرباوالقاسم

و غلامحسین فروهر.

- ۲- میرزا اسمعیل خان ثقة الملك<sup>۱</sup> رحلت فرموده
- ۳- حاج میرزا محسن مظفر الملك<sup>۲</sup> جامعه تهی ساخت
- ۴- نصرت الله خان عمید السلطنه سردار امجد طالش<sup>۳</sup> رحلت فرموده
- ۵- میرزا فضل الله خان لواء الملك<sup>۴</sup> بر حمت ایزدی پیوست
- ۶- دوست محمد خان معیر الممالک<sup>۵</sup> بر حمت ایزدی پیوست
- ۷- دکتر حسین خان کحال<sup>۶</sup> بر حمت ایزدی پیوست
- ۸- مسیو پیرم خان<sup>۷</sup> در جنگ همدان شهادت یافت جمادی الاول ۱۳۳۰
- ۹- حاج میرزا ابراهیم آقای تبریزی<sup>۸</sup> در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ در موقع بمباران مجلس در بارک امین الدوله شهید شد.
- ۱۰- شاهزاده امان اله میرزا ضیاء الدوله<sup>۹</sup> در موقع هرج و مرج آذربایجان و استیلای روس خود را مخلوع نمود.
- ۱۱- محمد نفی خان احتساب الملك<sup>۱۰</sup> استعفا داده است.

- ۱- میرزا اسمعیل خان ثقة الملك رشتی - پسر میرزا محمد علی ثقة الملك از رؤسای لواء سمیمی نوه حاج میرزا سمیع رشتی.
- ۲- حاج محسن خان مظفر الملك از اطرافیان ظل السلطان و حاکم یزد و هروجرود.
- ۳- نصرت اله خان عمید السلطنه ، حاکم طالش و گرگان رود. اهل تسنن بوده و در دوران حکومتش ظلم و ستم فراوان بر مردم کرده است.
- ۴- شناخته نشد.
- ۵- دوست محمد خان معیر الممالک از خانواده معیر، داماد ناصرالدین شاه بوده.
- ۶- دکتر حسین خان کحال از چشم پزشکان معروف است که همسرش خواهر کلنل کاکام خان سیاح و فرزندانش نام خانوادگی کمال دارند.
- ۷- پیرم خان از منی عضو اشناک از سرداران مشروطیت.
- ۸- حاج میرزا ابراهیم آقا تبریزی از سران مشروطیت بود. در انقلاب ستیز پیش از سایر آذربایجانیها فعالیت میکرد و به محمد علی شاه ناسزا میگفت.
- ۹- شاهزاده امان اله میرزا هنگامیکه قوای روس آذربایجان را اشغال کردند چون سالها باروسها مبارزه میکرد به کنسولگری انگلیس رفته با هفت تیر خودکشی کرد.
- ۱۰- میرزا محمد نفی خان احتساب اله لك نام خانوادگی مقدم پدر محسن مقدم استاد دانشگاه.

۱۲- آقا سید جمال الدین واعظ در پروچرد در مجلس زین العابدین امیر افخم شهادت یافت.<sup>۱</sup>

۱۳- دکتر مورل در شعبان ۱۳۲۸ در انزلی رحلت فرمود.<sup>۲</sup>

۳- سومین صورتی که بدست آمد، در آوشیو معتمدی نگهداری میشود. در این لیست اسامی شصت و هشت نفر با ژلاتین نوشته شده و گویا از ناظم الدوله دیبا به ایشان رسیده است. اسامی که در این صورت نوشته در سه لیست دیگر نیز هست.

۴- چهارمین صورت را علی مشیری محقق و عضو فعلی یکی از لژهای انگلستان در اختیار نویسنده گذارد. در این لیست تعداد کثیری از اعضاء لژ بیداری معرفی شده اند و فقط نام یکنفر (میرزا یوسفخان وصالی متولد ۱۸۸۵) (۱۳۰۲ هـ) در آن آمده که در سه صورت دیگر نبوده است.

اینک اسامی فراموشیهای ایرانی، مندرج در چهار لیست را به تفکیک عیناً نقل می‌کنم:

- 
- ۱- آقا سید جمال الدین واعظ پدر سید مجید علی جمال زاده از مشروطه خواهان معروف است که بدست طرفداران محمد علی شاه کشته شد.
  - ۲- دکتر مرل فرانسوی طبیب دربار قاجاریه و شاهزادگان بود، یکبار رئیس لژ بیداری ایران شد و در انزلی فوت کرد.

اسامی	حکیم املک و اشراق	معتمدی	علی هشیری	تاریخ تولد که فتنه در لیست معتمدی بوده
الملک میرزا حسنخان	الح	+	+	
دکتر امیرخان	+	+	+	
میرزا سید	-	+	+	۱۲۹۹ تهران
خان حاجی	+	+	+	۱۲۹۷
حاجی سید	-	+	+	۱۳۰۰ تهران
ان حاجی خان	-	+	+	۱۳۰۶
الملک میرزا صادقخان	+	+	+	۱۸۶۵ بمبئی
حاج میرزا آقاییک زاده	+	+	-	۱۲۷۷ تهران
میرزا	+	+	-	۱۲۹۶ تهران
خان میرزا سید	+	+	-	۱۸۸۶ تهران
ملک حسنخان	-	+	-	سرتیپ قزو خان
الملک میرزا سید محمد خان	-	+	-	۱۳۰۵
ملک حاج حسین آقا	+	+	-	۱۲۸۶
الملک حاج میرزا علی	+	-	-	وفات یافت
ملک میرزا نصراله خان	+	-	-	
ملک محمد تقیخان	+	-	-	استعفادادم
میرزا عیسی خان	+	-	-	
الملک دکتر میرزا علیخان	+	-	-	
میرزا محمد علیخان	+	-	+	
میرزا سید حسن	+	-	+	
میرزا آقا فرشی	+	-	-	
میرزا ابراهیم آقا	+	-	-	

تاریخ تولد که فقط درایت معمدی بوده	علی مشیری	معمدی	حکیم الملک و اشراق	اسامی
	-	-	«	تریت - میرزا محمدعلیخان ث :
	«	«	«	نقت الملک - اسمعیلخان ج :
	«	«	-	جوادخان - میرزا موتمن الممالک جمالالدین واعظ - آقا سید ح :
	«	«	«	حکیم الملک - ابراهیم خان حسن خان - میرزا خ :
	«	«	-	خان خانها - حسنعلیخان د :
	«	-	«	دعبلدا - میرزا علی اکبر
۱۲۹۲ تهران	«	-	«	دیر محسوس - میرزا حسنخان
« ۱۸۸۷	«	-	-	دقت الملک - محسن خان
« ۱۲۹۰	«	«	«	دیر الملک - میرزا حسنخان
	-	-	«	دیر حنود
				ذ :
۱۲۹۴ تهران	«	«	«	ذکاء الملک - میرزا محمدعلیخان
				ر :
۱۲۸۵ تهران	«	«	«	رضوان - سید نسراله تقوی
« ۱۳۸۹	«	«	«	رضا یوف - حاجی میرزا محمد پسر محمد باقر
« ۱۳۰۴	«	«	-	رجبعلی خان
« ۱۳۰۰	«	«	-	ریاضی - غلامحسین خان
	-	-	«	رئیس القمار - میرزا غلامرضا
	«	-	«	رضا خان - میرزا متشی وزارت خارجه
	-	-	«	رشتی - دکتر اسمعیل خان [مرزبان]

اسامی	حکیم الملک واشراق	معتقدی	علی عشیری	تاریخ تولد که فقط در لیست معتقدی بوده
۱	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴
۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴
۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴
۶۹	۱	۲	۳	۴
۷۰	۱	۲	۳	۴
۷۱	۱	۲	۳	۴
۷۲	۱	۲	۳	۴
۷۳	۱	۲	۳	۴
۷۴	۱	۲	۳	۴
۷۵	۱	۲	۳	۴
۷۶	۱	۲	۳	۴
۷۷	۱	۲	۳	۴
۷۸	۱	۲	۳	۴
۷۹	۱	۲	۳	۴
۸۰	۱	۲	۳	۴
۸۱	۱	۲	۳	۴
۸۲	۱	۲	۳	۴
۸۳	۱	۲	۳	۴
۸۴	۱	۲	۳	۴
۸۵	۱	۲	۳	۴
۸۶	۱	۲	۳	۴
۸۷	۱	۲	۳	۴
۸۸	۱	۲	۳	۴
۸۹	۱	۲	۳	۴
۹۰	۱	۲	۳	۴
۹۱	۱	۲	۳	۴
۹۲	۱	۲	۳	۴
۹۳	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴
۹۵	۱	۲	۳	۴
۹۶	۱	۲	۳	۴
۹۷	۱	۲	۳	۴
۹۸	۱	۲	۳	۴
۹۹	۱	۲	۳	۴
۱۰۰	۱	۲	۳	۴

تاریخ تولد که افتاد در لیست معتمدی بوده	تعلی عشیری	معتمدی	حکیم الملک و اشراقی	اسامی
۱۳۰۴ همدان	+	+	-	پ - میرزا محمد علیخان
	-	-	+	آ - دکتر حسینیخان
۱۸۶۱ تهران (بر حمت ایزدی پیوست)	+	-	+	الملک - میرزا فضل اله خان
۱۳۰۵ تبریز	+	-	+	الملک - دکتر سعیدخان
۱۲۹۹ تهران	+	+	+	ملکمی - دکتر
۱۲۹۷ رشت	+	+	-	الملک - میرزا عباسخان
	-	-	+	الملک - میرزا اسمعیل خان
	-	-	+	امعالمک دوم - دکتر صالح خان
	-	-	+	
۱۲۹۶ خراسان	+	+	+	الملک - میرزا ابوالحسن خان
۱۲۹۷ تهران	+	+	+	الدوله - میرزا رضاخان
۱۲۹۱ تبریز	+	+	+	الدوله - اسمعیل خان
	+	+	+	امعالمک - عباسقلیخان
تبریز	+	+	+	الدوله - میرزا حسنخان
۱۲۸۰ تهران	+	+	+	السلطنه - مهدی قلیخان
۱۲۷۷ تهران	+	+	+	الدوله - میرزا ابراهیم خان
۱۲۹۹ تبریز	+	+	+	روخان [جم] میرزا
	+	+	+	السلطنه
	+	+	-	روخان (منشی وزارت خارجه)
۱۲۹۳ تبریز	+	-	+	الامام - میرزا محسن
۱۸۲۰ تهران	+	-	+	روخان - دکتر
۱۸۸۶	+	-	+	میرزا حسین خان - میرزا
۱۸۷۸	+	-	+	ساج السلطان - حاج میرزا عباس
۱۲۸۶ شیراز	+	-	+	روخان - میرزا
۱۸۷۲ تبریز	+	-	+	السلطنه - میرزا محمد علیخان
۱۲۹۲	+	-	+	روانی قلیخان
۱۸۶۸	-	+	+	میرزا یاس - یوسف
	-	-	+	عبد السلطنه - میرزا ابوالحسن خان
	-	-	+	امام الدوله - میرزا صادقخان
	-	-	+	الدوله - حسینیخان

اسامی	حکیم الملک واشراق	معمدی	علی مشیری	تاریخ تولد که فقط در لیست معمدی بوده
ط :		*		
طباطبائی - میرزا سید محمد	•	-	•	۱۸۸۷ تهران
طباطبائی - میرزا سید محمد سادق	•	•	•	
ظ :				
ظهیرالسلطان - محمد ناصر خان	•	-	-	
ظهیرالدوله - میرزا علیخان صفا علیشاه	•	•	•	
ظهیرالاعیان - مهدی خان	•	-	•	
ظل السلطان - شاهزاده سلطان مسعود میرزا	•	-	-	
ظ :				
زا الملك - عزت اله خان	-	•	•	۱۲۸۹ سقر
عهدالحکماء - میرزا سید ابراهیم خان	-	•	•	۱۲۹۲ تهران
هابیخان - دکتر [پرتو اعظم]	-	•	•	• ۱۸۷۷
عبد الرحیم - میرزا	•	•	•	• ۱۲۹۶ ، مستخدم و امین از
عبداله میرزا - عکاس	•	-	•	• ۱۲۶۲
عبدالعظیم - حاجی میرزا آقا حسین زاده	-	-	•	۱۲۸۸ تبریز
همیدالسلطنه سردار طالش - نصراله خان	•	-	-	۱۲۹۲ تهران (برحمت ایزدی پیوست)
ح :				
خفاری - محمد خان - کمال الملك	•	-	•	۱۸۵۷ تهران
خ :				
خروغی - میرزا ابوالحسن	•	•	•	
لهمیم الدوله مصطفی قلیخان پسر مخبر الدوله	•	-	-	۱۲۹۱ تهران
ق :				
قوام السلطنه - احمد خان	•	•	•	۱۲۹۳ تهران
قوام الدوله - میرزا محمد علی	•	-	•	
قائمقام - میرزا مهدیخان	•	-	•	۱۲۸۲ کاشان
ک :				
کتابچی خان - پل	-	-	•	۱۸۷۲ قزوین
کتابچی خان - ادوارد	•	•	•	
کاشان السلطنه - محمد میرزا	•	•	•	۱۲۸۸ ابریشم جودریه

تاریخ تولد و مقام فقط در لیست مستندی بوده	علی مشیری	مستندی	حکیم الملک واشرافی	اسامی
بر حمت ایزدی پیوست  جامعہ ای ساخت	-	-	«	مشاور الملک - میرزا محمود خان
	-	-	«	مستوفی الممالک - میرزا حسین خان
	-	-	«	میر الممالک - دوست محمد خان
	-	-	«	مہمد سیاسی - میرزا عباس خان
	-	-	«	مساعدا السلطنہ
	-	-	«	مظفر الملک - حاج میرزا محسن
	-	-	«	مویدا السلطنہ - حاج میرزا صادق خان
ن :				
۱۲۸۶ شیراز	«	«	«	لواء - حسینقلیخان
۱۲۹۴	«	«	-	« عباسقلیخان
۱۲۹۳ تهران	«	«	«	اجم آبادی - آقامرضی
« ۱۲۸۹	«	«	«	ناظم الملوک - محمد تقیخان
۱۲۹۳ کاشان	«	«	«	لصر - دکتر ولی الہ خان
۱۲۸۷ تبریز	«	-	«	ناظم السلطنہ - میرزا موسی خان (۱)
			«	نصر الملک - حسنعلیخان پسر مخیرالدوله
			«	ناصر الملک - میرزا ابوالقاسم خان
			«	ندیم السلطان - میرزا محمد
و :				
۱۲۹۲ تهران	«	«	«	وثوق الدولہ
۱۸۸۵ شیراز	«			وصالی - میرزا یوسف خان
ز :				
۱۲۸۸ تهران	«	«	«	هدایت - رضا قلیخان
« ۱۸۸۲	«	«	«	« دکتر کریمخان
« ۱۲۸۹	«	«	«	« هدایت قلیخان
ی :				
۱۸۵۶ تهران	«	-		یمین الملک

(۱) در لیست مشیری ناظم السلطنہ است ولی لیست ادیب الممالک نظم السلطنہ .

در لژ بیداری ایران هفده نفر خارجی نیز وجود داشتند که  
 خارجی‌ان عضو اکثر تبعه فرانسه بودند. از تطبیق چهار صورتی که از این لژ  
 لژ بیداری ایران بدست آمده اسامی خارجی‌ان عضو لژ بدین شرح استخراج  
 میشود :

### حکیم‌الملک و اشراق مشیری معتمدی

لانس ویزیوز متولد ۱۸۷۱	،	،	،
پامین جولین ۱۸۵۳ نیس	-	،	،
آلبرت جیمس ۱۸۷۵ لوند	،	،	،
گومبولت اندر ۱۸۸۵	-	،	،
آلفرد ادرین لوئیس ۱۸۸۶	-	،	،
بون	،	،	،
لکفر	،	،	،
وبه	،	،	،
کمپیو	،	،	،
دکتر مورل - پل هنری	،	،	،
سکن <sup>۱</sup>	،	،	،
فراکیان <sup>۲</sup> دکتر الفرد (۱۸۸۳)	،	،	،
برنارد <sup>۳</sup>	،	،	،
پری	،	،	،
دومرینسک	،	،	،

۱- مسیو سکن منشی سفارت روسیه تزاری در ایران بوده که در لیست معتمدی‌بنام  
 (سوگون) با ژلاتین چاپ شده.

۲- در لیست مشیری بنام (فراسنها) نوشته شده.

۳- ضامن ارتباطات لژ بیداری ایران با مرکز گراند اورپان پاریس و در واقع  
 گرداننده اصلی لژ بیداری ایران بود.

دو نامی که در آخر این صورت ذکر شده فقط در لیست معتمدی می باشد و چون باز لاتین است و واضح هم نوشته شده هم صحیح است و هم قابل اعتماد .

بموجب قوانین جهانی فراماسونری بعد از خاتمه جلسات رسمی يك صورت جلسه محافل ماسونی صورت مجلسی تنظیم میشود . و نسخه ای از آن بمراکزی که لژ تابع آن است ارسال میگردد . از لژیاری  
ایران يك صندوق اسناد و مدارك باقی مانده بود که متأسفانه «خانم سیاح» همسر «همایون سیاح» همه آنها را آتش زد . همچنین ابراهیم حکیمی «حکیم‌الملک» تعدادی از این اسناد را که منعکس کننده عملیات و اقدامات لژ در ایام انقلاب مشروطیت ایران بود به دبیرخانه «گرانداوریان» پاریس برگردانید و شخصاً آرا تسلیم لژ نموده که قهراً به آنها دسترسی نیست . معذاسی و نه سند دیگر در ایران باقی مانده که از بین آنها صورت جلسه یکی از شب های تشکیل محفل که نمودار طرز کار لژ است عیناً نقل میشود .

صورت مذاکرات سه شنبه ششم محرم ۱۳۴۸ مطابق ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰

صورت مذاکرات شب سه شنبه ۲۱ ذیحجه خوانده و پس از تصحیح قبول شد .  
چهار نفر از ب. ب. ب. دکتر امیرخان ناظم العلوم کاشف الساطعه عبدالله میرزا عذر حضور خواسته بودند و هر کدام تقدیم خیریه فرستاده بودند . و چندین ورقه دستورالعمل و تغییرات فصول قوانین ماسونی که در مدت تعطیل ل. ب. ب. ا. از طرف شرق اعظم رسیده بود بجهت ب. ب. ب. قرائت و توضیح نمود . از جمله مطالبی که بر حسب این اختیارات جدید توضیح شد این بود برادرانی که عضو رسمی و مقرر کارخانه میشوند و منظمأ در جلسات حاضر نمیشوند مجبور به پرداخت وجه اشتراك سالیانه نخواهند بود و نیز مکنون یکی از اوراق این بود که فران ماسونی هر چند اساساً در کلیه مسائل قانونی و سیاسی مملکت با اجتماعات صرف وقت مینماید ولی

همچو وجه داخل مقاصد پولتیکی دسته شخصی و اشخاص نمیتواند و نباید شود. و نیز مسئله عمده که بر حسب این اوراق طرف میشود مسئله ارتباط و بستگی ل. ب. ب. با شرق اعظم فرانسه است که بر حسب این اوراق تقسیمات این کارخانه داخل تمام يك از آن تقسیمات میتواند بشود و مناسبات او با شرق اعظم بچه عنوان خواهد بود و مذاکره شد که در این خصوص توضیحات و کسب تکلیف از شرق اعظم فرانسه خواسته شود.

ب. ذکاء الملك بر حسب دعوت و مخصوصاً تأکيدات هیأت مشاوره شرق اعظم ارجاع به کتمان اسامی ب. ب. و مخفی داشتن اسرار ماسونی از اشخاص نامحرم به بتذویر میخواهند بعضی از آن رموز را از اهل طریقت دریابند برای برادران ترجمه نمود.

اخطار دیگر راجع به رأی هیئت مشاوره قوانین ماسونی این بود که بر حسب قانون استادها نیز میبایست پیش کمر به بندند و یکی از برادران اروپائی همین مسئله را بطرح نموده بود ولی چون عادت بر این جاری شده است که استادها حمایت میکنند حالاً نیز نظر بهمان عبارت استعمال پیش کمر بند را نمیتوان اجباری قرار داد بلکه استادها در استعمال حمایت و پیش کمر بند مختارند.

بر حسب تخمین در تمام لژهای تابع شرق اعظم فرانسه در سنه ۱۹۵۹ سه هزار بیست و یک نفری شده و از این عدد در همین سال ۲۳۰۰ نفر قبول شده اند و از طرف دیگر بواسطه ندادن وجه اشتراك ۶۳۰ نفر خارج شده اند و ملاحظه شرق اعظم در این خصوص این است که اگر از ابتدا در قبول اشخاص بیشتر دقت شود اولاً ۲۴۰۰ نفر از ۳۰۰۰ نفر میبایست قبول شود و ثانیاً ۶۳۰ نفر بواسطه ندادن وجه اشتراك خارج نمیشدند.

و نیز گراند اوربان اخطار کرده بود که کارخانجات مختلف باشند و به بعضی توقعات کمک و اعانه که از طرف بعضی مسافران و دوره گردان مستقیماً بآنها میشود اعتبار نکنند.

و نیز ورقه دیگر شرق اعظم راجع به قتل فررد اسپانیولی که از ماسونهای صدیق

بود و در سال گذشته از طرف حکومت اسپانیول بیرحمانه بقتل رسیده شرق اعظم اظهار افسوس و اندوه خود را بهمراه برادران و ماسونهای دنیا اظهار نمود .

ورقه دیگری راجع به وضع قوانین جدید و تفسیرات بعضی فصول قوانین ماسونی بود که از طرف شرق اعظم برای کارخانجات مختلفه در خصوص آنها خواسته بود از آنجمله این مسئله است که برحسب ترتیب هر ماسونی که ۱۵ سال عضو منظم کارخانه باشد یا اینکه ۲۵ سال در طریقه ماسونی ساعی و مجاهد بوده باشد میتواند عضو افتخاری آن کارخانه انتخاب شود یا نمیتواند . در این مورد مذاکرات شورقرار گردید برادران حسینقلیخان<sup>۱</sup> ولانس و یزیوز در این خصوص در جلسه آینده توضیحاتی نوشته ارائه دهند .

و نیز بموجب تاکید شرق اعظم مقرر شده که برحسب ترتیب در يك جلسه و يك شب بیش از ۵ نفر بیگانه در کارخانه قبول نکنند و جلسات تجدید شود .

ورقه دیگر محتوی چند فقره تحقیق بود که بعضی از آنها راجع باروپ و خارج از وقت کارخانه ماست ولی يك مسئله آن که راجع بتحقیقات در خصوص عقاید و اخلاق جمعی است از روی موازین علمی و عرفی اند نه مذهبی چون خیلی عمده و محل توجه است اظهار شد که کارخانه ها نیز در این باب صرف همت نمایند قرار شد ب . . لانس در این خصوص راپورتی نوشته و اظهار دارد تا برادران رأی خود را بدهند .

ب . . ادیب السلطنه لایحه راجع به ماسونی حاضر کرده بود قرار شد در جلسه آینده قرائت شود و یادآوری نمود که از تکالیف ماسونی است . برای برادرانی که از میان میروند مخصوصاً وقتی که منشاء پروژات ماسونی شده باشند جلسه عزاداری مخصوصاً برای آنها به آئین ماسونی بعمل آید و ابتدا قرار شد برای ب . . مرحوم آقا سید جمال در جلسه ۱۵ روز بعد نطقی و تذکره بعمل آید و نیز برای حاجی میرزا ابولقاسم آقا نیز همین رسم معمول شود که همه برادران باتفاق رأی دادند .

در خصوص قرر ب . . آقا سید میرزا محمد صادق همین پیشنهاد را نمود ولی چون این اسم مخصوص اعضای هر کارخانه است ب . . لانس همینقدر مناسب دانست که

۱- حسینقلیخان نواب تبعه انگلیس و وزیر خارجه و سلمه ایران در برلین .

بر جمعه حالی از او در شب معهود ایراد شود و اینکار برای شب دیگر معین شد و خود او ائمه آن نطق را قبول کرد. بجهت نطق راجع به آقا سید جمال و حاجی میرزا آقا بر حسب خواهش و... ب... حکیم الملك مأمور شد از ب... تقی زاده و آقا سید نصراله خواهش کنند هر کدام نطقی برای یکی از آنها حاضر کنند. ب... عباسقلیخان یادآوری نمود که چون عده برادران کم است مناسب است بعضی اشخاص صحیح که لایق مقام هستند داخل شوند. دکتر علی خان که در پاریس داخل طریقه شده بود کاغذ توسط... حکیم الملك به و... نوشته خواهش کرده بود که عضو مقرر قبول شود. ب... پیر الملك در خصوص آقا سید محمد رضا که سابق به ل... اظهار شده بود یادآوری نمود محول به تحقیق در جلسه بعد شد.

کیسه اظهارات و کیسه اعانه به برادران عرضه شد در کیسه اظهار يك رقعہ بدست آمد ب... ادیب السلطنه ترفیع درجه رفاقت تمنا کرده بود. در کیسه خبریه چهارده قرآن و هشت شاهی جمع شده بود که بامین خبریه تحویل گردید.

از نخستین روزیکه «لژ تهران» بنا به اجازه مرکز «گراوند لژ محمد لژ تهران و شرق اعظم» در تهران تشکیل شد، بموجب آئین قدیمی ماسونها تشریفات و درجات محل آن مخفی ماند و چون تاکنون کتاب و نشریه‌ای در این باره منتشر نشده در باره نخستین محل مرکز ماسونها هیچگونه اطلاعی که مستند بسند و مدرک باشد در دست نیست ولی بطوریکه يك ماسون قدیمی به نویسنده گفت: «شاید اولین لژ در تهران در بارک شعاع السلطنه تشکیل شده است». به موجب اظهار همین ماسون: «در زیر زمینهای بارک مزبور، چند اطاق و راهروییج در بیچ مخصوص آزمایشهای اولیه بود که با شله‌های قرمز و شمشیر و سلاحهای مختلف دست و پای مرده مزین شده بود.

در آخرین اطاق که به تالار وصل بود در روی يك میز يك اسکلت مرده با شمشیر

و قرآن باز بود و تازه وارد پس از ادای سوگند وارد تالار که بشکل معابد ماسونی بود ، میشد .

علاوه بر این دو محل بطوریکه ماسونها می گویند « يك محل دیگر که باید آنرا (محل رسمی لژ تهران) نامید نیز وجود داشت که بالا خانه‌ای در منتهی‌الیه خیابان لاله‌زار جنوبی بوده و اکنون معازنه زنبور عسل در زیر آن واقع شده و بچهار راه مخبرالدوله متصل می شود »<sup>۱</sup>

پس از اینکه لژ بیداری ایران بطور رسمی و با حضور نماینده گرانداوریان فرانسه تشکیل شد ، آنرا به محل جدیدی واقع در کوچه اجلال‌الدوله خیابان فعلی اکباتان منتقل کردند<sup>۲</sup>.

پس از استقرار مشروطیت و توسعه نفوذ لژ تهران محل لژ به خانقاه ظهیرالدوله (معلی که هم اکنون انجمن اخوت ساخته شده و بروی در بزرگ ساختمان پانك ملی در خیابان فردوسی) منتقل گردید .

روزی که مجلس شورای ملی بوسیله محمد علیشاه بتوب بسته شد و خانقاه و خانه ظهیرالدوله هم بوسیله سربازان ویران گردید ، اسناد لژ تهران مدتی در سفارت فرانسه در تهران بود و پس از خلع محمد علیشاه به محل دیگری که در خیابان قوام‌السلطنه کوچه ارباب کیخسرو بود منتقل شد . این محل پس از وقایع شهریور به ملکیت رسمی فراماسونری تهران درآمد<sup>۳</sup>.

فراماسونهای ایران مطابق دستورات و قواعد بین‌المللی ، برای درجات و مقامات اعضای خود درجات و تشریفات و مقامات خاصی قائل شدند که و تشریفات عیناً شبیه تشریفات معابد و لژهای ماسونی فرانسه در جهان بود . ماسونهای ایران به رئیس خود « برادر ارجمند » می گفتند . رونویس کننده

۱- مجله یفما سال سیزدهم ص ۵۲۸

۲- نامه دبیر کل گرانداوریان به نویسنده .

۳- مجله یفما ص ۴۸ سال سیزدهم ص ۵۲۸

رساله خطی آئین ماسونی در این باره چنین می نویسد :

« ... در سنه ۶۲۰ میلادی چون جماعات فراماسونیان اهتمام کامل در ترویج شرایع دین بجا آورده و مرکز اجتماعات خود را در معابد و کتابس قرار می دادند لهذا برادران ف. ب. [فراماسونی] رئیس انجمن خود را او. ب. (V. ب.) خطاب کردند که بمعنی (محترم) باشد و ما در ل. ب. ا. ب. این کلمه را به لفظ Arijamind (ارجمند) تفسیر کردیم.<sup>۱</sup> »

سایر درجات ماسونی بر طبق اشارات و کلماتی که ادیب الممالک در منظومه آئین فراماسونری بکار برده و همچنین در نظامنامه و آئین لژ بیداری ایران آمده به این شرح است :

- |             |                |
|-------------|----------------|
| ۱- رئیس     | ۸- دبیر        |
| ۲- خطیب     | ۹- مبصر        |
| ۳- مهانددار | ۱۰- نگهبان     |
| ۴- امین     | ۱۱- رفیق       |
| ۵- ممیز     | ۱۲- رفیق ستوده |
| ۶- معمار    | ۱۳- ناطق       |

۷- برادر کاخدار ماسونی

علاوه بر این در نظامنامه خصوصی لژ بیداری ایران اسامی دیگری به این شرح بکار برده شده:<sup>۲</sup>

- |                   |                  |
|-------------------|------------------|
| ۱- برادران ییگانه | ۵- سالاران       |
| ۲- ارجمند         | ۶- اعضاء افتخاری |
| ۳- برادران        | ۷- اعضاء رسمی    |
| ۴- یاران          |                  |

۱- رساله خطی ادیب الممالک ص ۹۳.

۲- رجوع شود به نظامنامه خصوصی همین فصل.

در ترجمه قانون اساسی گرانداوریان به فارسی درجات و القاب اداره کنندگان لژی ماسونی ایران را که فروغی ، تقوی و بدرآ را ترجمه کرده اند ، به این شرح نامیده اند :

۱- برادر ارجمند

۲- نگهبان اول و دوم

۳- خطیب

۴- نویسنده

۵- ممیز بزرگ

۶- خزانه دار

۷- امین خیریه

۸- مهر دار

۹- کتابدار و دفتر دار

۱۰- رئیس اول و دوم تشریفات

۱۱- معمار

۱۲- ممیز دوم و سوم

۱۳- دربان

۱۴- خواستار

۱۵- بیرق دار

پنج نفر اول که در اصطلاح ماسونی به (سالاران پنجگانه) معروف هستند بنام و عنوان خاص «چراغ دار» نامیده میشوند .

تشریفات داخلی در داخل محفل و معبد لژیبنداری ایران تشریفاتی وجود داشته که شبیه معابد ماسونی درجه دوم گرانداوریان درجهان بوده است . اداره کنندگان این لژ هفت ماسون بودند که همیشه سه نفرشان استاد بشمار میرفتند و درجات و مقامات کسانی که کرسی لژ را اداره میکردند بدین شرح بود :

يك رئيس

دو مبصر

يك دبیر

يك ناطق

يك امین یا خزانه دار

يك نگهبان

در عرف فراماسونی گرانداوریان در شهرهائی که سه نفر ماسون وجود داشته «محفل ساده» و یا «محفل هادی» تشکیل میشود . ولی در نقاطی که هفت ماسون و بیشتر

وجود دارند محفل درجه دوم تأسیس می گردد. در لژ نیداری هنگام ورود اعضاء به لژ افراد جدید یا تازه واردین با این اشخاص رو برو میشدند :

نگهبان - رفیق استاد.

اشارات و علائمی که در لژ مذکور بکار برده میشد :

(علامت رمز و اشاره - لمس - حرکت دست ها) بود .

تزیینات داخلی لژ عبارت از :

گونیا - شاقول - برگار - خط کش - دو گوی آتشین و ستونهایی که بر بالای آنها  
 علامتهای نصب بوده و مخصوصاً «چشم خدا» بود .<sup>۱</sup>

مرحومین ادیب الممالك فرامانی و کاشف السلطنه در اوراقی که از خود باقی  
 گذارده اند واصل آنها در اختیار نویسنده است ، اعمال و افعال و رموز و دستورات لژ  
 نیداری ایران را بدین شرح بیان می کنند :

علامت و رمز مخصوصی که استاد بشاگردش یاد میدهد فقط باید بخود او گفت و  
 اگر کسی غیر از او باشد ، ماسن حق ایراز رمز ندارد ، اگر چه سرش را از دست بدهد .  
 «ليك سربكس بدهد» اگر بیگانه ای اصرار در افشاء رمز کند دست راست را بشکل گونیا  
 بزیر گلو می کنند . این علامت آن است که اگر سرم را بزنند ، اسرارم افشاء نمیکم .  
 هنگامیکه يك بیگانه وارد لژ ماسونی شده و عضویت قبول میشود او را در  
 قبری تنها میگذارند . این عمل برای آن است که در آن مکان خلوت ماسون بر نفس  
 خویش غالب آید و مثل یوسف از چاه بیرون بیاید .

هر يك از ماسونها وقتی بخواهند وارد معبد ماسونی بشوند باید هر گونه فلزی  
 را از خود دور کنند و اولین باریمه عریان وارد لژ میشوند . بدین ترتیب که قسمتی از

۱ - فراماسونها در داخل يك مثلث يك چشم نقاشی میکنند و آنرا بدیوار معابد خود  
 آویزان مینمایند . این چشم را ، چشم خدا مینامند . در بعضی از لژها بجای چشم حروف  
 G که اول اسم خدا بزبان انگلیسی است نصب میکنند . این چشم اشاره باین است که معمار  
 بزرگ همیشه ناظر اعمال شماست .

سینه و شکم برهنه شده و پاچه راست شلوار تا بالای زانوی کشیده شده و از زانو تا کف پا برهنه خواهد بود و کفش پای چپ نیز از پا بیرون میکشند. از فاصله در معبد تا محراب سه بار دق الباب می کنند. معنی این سه بار دق الباب این است که :

اول - بخوان تا بتوبه دلت .

دوم - بجوئید تا بیابید .

سوم - در بزد تا باز کنند، اگر در نگویند، در بروی تو می بندند.

این سه شعار اشاره به گفته پیغمبر (ص) است که میفرماید:

من طلب شیئی وجد، وجد - ومن قرع باباً ولج، ولج .

(کسیکه چیزی را بجوید و بکوشد آنرا بیابد و کسیکه دری بکوبد و پا فشاری کند آن در باز خواهد شد).

گفت پیغمبر که گر کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری

ادیب الممالك در منظومه خود، چند بار اشاره به عدد ۳ کرده و از (سه بار دق الباب) و (سه سفر) و (سه مرحله) که یادآور سه شعار اصلی ماسونها «آزادی - برابری - برادری» است ابیاتی سروده است ..

بطوریکه از ابیات او مستفاد میشود و همچنین از تعلیمات و سنتهای متداول این فرقه پیدا است عدد ۳ نزد آنان بسیار پر معنی و رموز است و راه بجایهای دور و درازی دارد. ادیب الممالك ریشه این عدد را در همه ادیان و مذاهب و فرق عالم دانسته و حتی اساس خلقت را برین عدد میداند، منتهی عدد يك را مبنا می شمارد که همان «واحد» و «ذات احدیت» باشد و باقی اعداد را تکرار آن میداند. بعد در ملت ها و مذاهب دنبال این عدد که بنظر او مبناست میگردد و می گوید : هندوان سه ادراک داشته اند «خلقت - حیات - هلاک» و مصریان در «مثلث منشور» شان سه صنم مظهر نور «هرمخیس» - «دع - توم» داشته اند و عیسویان به سه «اقتوم» معتقدند «آب - ابن روح القدس» او سپس اشاره بدین اسلام و شریعت ما کرده پایه دادگری را با سه اصل «برابری - آزادی - برادری» تطبیق میکند. ادیب الممالك سه بنیاد اخلاقی و اساسی زرتشت نیز «گفتار -

گردار- پندار، يك، اشاره‌ای به اصل فراماسونها دانسته است. اگر براه خطا نرفته باشیم باید گفت: آنچه را که او در منظومه اش ذکر کرده، از استدلالات شعریست و مبنا و سند تاریخی و علمی ندارد.

ادیب الممالک سپس داخل معبد فراماسونی لژ بیداری ایران را تشریح کرده میگوید داخل «معبد سلیمان»، مانند درخت ایمان راست است، داخل معبد ما نیز چنین است. ستون راست «یاکین» و ستون چپ بنام «بوعز» است و دریای این ستونها، سازنده معبد مزدکارگران را میداده، در معبد تهران نیز دو ستون است که حرف «Z» در پای ستونها نوشته شده و این حرف: رمز بوجود آوردن، خلق کردن و مرکز کار است.

لژ تهران طولش از شرق به مغرب و عرض آن از شمال به جنوب و در ورودی در مغرب کار گذاشته شده. ساختن معبد به این شکل اشاره به نفوذ در مشرق و غرب عالم است. در معابد فراماسونری خطی از وسط معبد میگذرد و این خط تقلیدی از خط معبر معبد سلیمان است که با خط استوا برابر بوده. و در داخل معبد ها سه ستون است که علامت دانائی - توانائی و زیبایی است، این سه ستون مظهر آفتاب، ماه و زهره است. سه ستون مزبور سه مظهر صنعت ایجاد عالم بوسیله «دانائی و قرزائی» است که «توانائی» آنرا کامل میکند.

فراماسونها برای پذیرفتن عضو جدید، از روز نخست مقررات تشریفات قبول ورود شدیدی داشتند و همواره سعی می کردند که در انتخاب اعضاء عضو جدید بیدار و مراقب باشند. پنج سال پس از تأسیس لژ بیداری ایران در تهران مرکز فراماسونی پاریس این دستور را برای استاد اعظم لژ تهران فرستاد که او نیز ترجمه آنرا بوسیله ژلانتین تکثیر نموده و بین اعضاء توزیع کرد<sup>۱</sup>.

۱- این تشریه لژ بیداری ایران از مجموعه های اسناد حکیم المملک (حکیمی) و کاشف السلطنه نقل شده است.



ما این است که در آزمایش و قبول یگانگان یا برادرانی که می‌خواهند مجدداً در ماسویری داخل شوند دقت و سختگیری معقولی بکار رود. هرگاه عدم ما قلیل باشد ضرری ندارد ما همقطاران خود را باید با کمال دقت انتخاب کنیم هر سال مجبور می‌شویم اسامی بسیاری از برادران خودمان را محو کنیم و این باعث فاسد و از طرفی نیز موجب اشتیاق ما بوقوع دقت در قبول یگانگان است علاوه بر این توقف در درجه اول بقدر کفایت طولانی است برای اینکه قبل از اعطای درجه دوم و سیم به ب. ب. ل. ب. آنان را بخوبی شناخته باشیم. پایه استادی نباید داد مگر به آنانکه صمیمی و بااستقامتند. باید ما بین اعضای خود همبستگی حقیقی برقرار بکنیم تا این همبستگی که نزد برادرانی که با مشاغل و مناصب دولتی می‌رسند باعث شود که در حال و عقیده اولیه خود باقی بمانند. در اول ژانویه ۱۸۹۴ نوشته شده است :

لازم است دائماً بخاطر داشته باشیم که تمام آداب و رسمی که قوانین ما درباره همسر یگانگان اختیار نموده برای این مدت است که هر کس درباره داوطلبان تحصیل اطلاع بتواند کرد و از روی بصیرت رأی بدهد بواسطه مسامحه در آن تعلیمات مفیده غالباً اشخاص داخل طریقت ما شده‌اند که بهتر آن بود از آن طریقت دور باشند و قایع ناگواری که گاهی اوقات در کارخانه‌های ما واقع میشود عموماً ناشی از این است که بعضی از اجزاء کارخانه‌ها بواسطه مسامحه در آنجا وارد شده‌اند .

نصایح و توصیه‌های فوق که شورای طریقت مقرر نموده است بیفایده نبوده زیرا که بسیاری از ماسوئها را آگاه ساخته است بر خطری که ممکن است متوجه کلیه طریقت ما بشود . بواسطه خطر لزوماً که کمیت اعضاء را بر کیفیت آنها ترجیح دهند و مجمع ۱۹۱۱ - این حال را از روی تکرانی نظر کرده است زیرا که اراء سابق الذکر را بدون مباحثه اختیار نموده است مسئله اکنون بدرستی طرح شده حالا باید دید راه عمران کدام است . بنظر ما مقصود مجمع عمومی این نبوده است که ما تعلیمات و دلالت‌های جدید به شما توصیه بنمائیم برای اینکه اعضای تازه که اختیار می‌کند بی‌عیب باشد بلکه نیت مجمع این بوده است که هر لژی را چاره دردی را که ممکن است عارض

شده باشد تفتیش کند. اولاً مناسب است حال معرفین یسکانکان را در نظر آوریم و معلوم کنیم که قبل از قبول مسئولیت وارد کردن عضو جدیدی چه باید رعایت کند و چه وسایل اطمینانی باید در این باب در دست باشد. آنگاه باید تکلیف ارجمنده را در تعیین مفتشین معلوم کرد.

پس از آن مأموریتی را که مفتشین داده میشود باید تصریح نموده و دانست که برای تسهیل کار آنها چه نوع نصایح و سفارشات باید به آنها کرد و خوب است بنخاطر داشته باشیم که مسئله تفتیش جزء این موضوع است که کمال مراقبت را در آن باب باید داشت زیرا که خوبی و بدی اعضای جدید بیشتر راجع به حسن تفتیش است بالاخره باید مسئولیتی را که در تعیین قابلیت داوطلب و رأی قطعی بر قبول او بر عهده خود اثر وارد میشود بنظر در آورد.

در اشارات فوق مقصود این نیست که تحقیقات شما را محدود کنیم چه آنها فقط جزء مختصری است از مسئله مهمی که مطرح شده است برعکس کمال آرزو را داریم که شما دایره تحقیقات خود را بسط دهید و امیدواریم که تحقیقاتی که کارخانه ها خواهند کرد حاوی تعلیمات و اشارات م. م. خواهد بود که بعد تمام هیئت ما از آن منتفع خواهند شد.

فراماسونها مطابق قواعد و آداب و رسوم که از قدیم آنرا حفظ آرمایشات حضوری کرده اند برای پذیرفتن عضو جدید، علاوه بر امتحانات متعددی **و لغظی** که در داخل لژ مینمایند چند جلسه سؤال و جواب نیز داشته و دارند که از طرف رئیس «ارجمنده» از تازه وارد بعمل میآید.

در لژ بیداری ایران نیز امتحانات شفاهی انجام میگرفت و سؤال و جوابهایی که قبلاً چاپ شده بود در اختیار تازه واردین می گذاردند. عین این سئوالات به نقل از نشریه

لزبیداری ایران چنین است<sup>۱</sup>:

س - اسباب ارتباط ما چه چیز است ؟

ج - فی . . . است .

س - فی . . . چیست ؟

ج - دایره اتفاق و اتحادی است که باعضای خود علم تفکر را می آموزد .

س - آیا شما م . . . هستید ؟

ج - برادران من مرا به این صفت می شناسند .

س - چرا اینطور جواب می دهید ؟

ج - برای اینکه یکنفر شاگرد باید بخود اعتماد نکند و برحذر باشد از اینکه قبل از تصدیق برادران بر صحت خود حکم کند .

س - م . . . چگونه کسی است ؟

ج - کسی است که تولد شده باشد به آزادی و دارای اخلاق حمیده باشد و غنی و فقیر را مثل هم دوست بدارد و باید با تقوی باشد .

س - تولد به آزادی و داشتن اخلاق پسندیده چیست ؟

ج - ولادت به آزادی آن است که انسان از عالم رذائل رحلت کرده بواسطه هدایت در این مقام خود را دارای حیات با سعادت تازه مشاهده نماید .

برای اینکه دارای اخلاق پسندیده شود باید عدالت و حقیقت را بر همه چیز ترجیح دهد، و افعال خود را باین امور مطابقه نماید .

س - چرا میگوئیم م . . . باید غنی و فقیر را که با تقوی باشند بالسویه دوست بدارد ؟

ج - برای اینکه م . . . حقیقی باید قدر و فضیلت انسانی را بواسطه اخلاق او

گرامی بدارد . سرمایه عقلانی اکتسابی یا دولتهای ظاهری که بکار می بریم ، اینها همه خارجی هستند ، قسمت مشخص باین چیزی است که همیشه با اوست آن ثبات و عزمی

۱ - از اسناد خصوصی حسین یزدانیان محقق جوان ، با تشکر فراوان مورد استفاده قرار گرفت .

است که در اینان بامور حسنه بکار میبرد .

س - تکلیفم . چیست ؟

ج - گریختن از رذائل و بکار بردن فضائل .

س - فضائل را چگونه بکار باید برد ؟

ج - در دائمی پرداختن بوظایف می .

س - این وظایف کدامند ؟

ج - کار بزرگ می . ساختمان جهان است سعادت آخری بنیاد ترقی عالمان

است بالعمامی قوای فاعله و عامه انسانی .

س - م . باید بچه کار سعی کند ؟

ج - باید خود را بطوری منشاء آثار و فواید عامه کند که نتایج اعمال خیریه

او در همه جا و همه کس لاینقطع عاید شود .

س - شما در کجا به می . پذیرفته شده اید ؟

ج - در يك ل . عادل کاملی .

س - ل . چگونه عادل و کامل میشود ؟

ج - (۳) او را نظم میدهد (۵) روشن مینماید (۷) عادل و کامل میکنند .

س - این جواب را تفسیر کنید .

ج - آن (۳) عبارتست این سه آرگان با پنج چراغ ل . هستند ولی اقلا ....

عضو جمع باشد تا بتواند از روی اصول صحیح و آردین تاز را پذیرائی کنند .

از این اعضا اقلا باید سه تن دارای رتبه استادی باشد و دو نفر دارای رتبه رفاقت . سه نفر

از ماسن که اقلا یکی از آنها استاد باشد يك ل . ساده را که فقط لایق مشورت باشد

میتواند تشکیل کند . از اجتماع ۵ نفر م . که سه نفرشان استاد و یکی رفیق باشد

ل . عادل تشکیل میشود و این ل . میتواند قضاوت و محاکمه نماید بالاخره ل .

کامل مرکب است از (۷) عضو چنانکه در فوق ذکر شد و فقط دارای حکومت مطلقه

می . میشود .

س - چند وقت است که شما ... هستید ؟

ج - از وقتی که بروشنائی رسیدم .

س - این جواب چه معنی دارد ؟

ج - حقیقتاً ... . نمیشویم مگر در آنوقتیکه عقلمان بحقایق می ... گشوده شود .

س - بچه بشناسیم که شما ... هستید ؟

ج - بعلامات و اقوال و لمس .

این جواب را توجیه کنید ؟

ج - بک ... . از رفتار منصفانه و صادقانه و بگفتار صدق و حق . و بالاخره

اقدامات برادرانه و همدستی در تعهدات جانی و مالی (لژ) خود را می شناساند .

س - علامت می ... را نشان بدهید ؟

ج - علامت را نشان می دهد .

س - یعنی ترجیح می دهیم که هم ... بدیم ... که بمن سپرده ... نکنم .

س - کلمه رمز دخول چیست ؟

ج - (در اینجا بایستی رمز تفهیم شده بکار برده شود)

س - مفهوم این کلمه چیست ؟

ج - موافق تورات این کلمه اسم اول کسی است که طریق حدادی و استعمال

فلذات را منکشف نمود .

س - ل ... چیست ؟

ج - ل ... مقام است .

س - چرا ... ها کارهای خود را با اشاره و حروف انجام می دهند ؟

ج - به این دلیل که تمام قوای عامه که باید در خارج منشأ اثر و نتیجه شوند

لازم است . که نخست در یکجا مجتمع و متراکم گردند تا پس از آن که بواسطه فشار

و تراکم قوت و قدرت عاملیت آنها باعلی درجه رسید آنوقت بطوری به خارج منبسط

شوند که هیچ مانعی با آنها مقاومت نتواند کرد .

س.م . را بچه میتوان تشبیه کرد ؟

ج. يك سلول اجسام آلی و خاصیت تغم مرغ که در اندرون خود موجودی را که منشاء قوه و اثر است پرورانده پس از رسیدن و تکمیل خارج میکند همین مفر کلمه انسانی به منزله کارخانه پوشیده مستوری است که بتوان آنرا مظهر [يك کلمه خوانده نشد] غیر منتهای عالم امکان فرض کرد .

س. در صورتیکه افعال می . در محل غیر محفوظی جاری شوند آنرا بچه اصطلاح و عبارت بیان میکنند ؟

ج. از این اصطلاح و عبارت م . ها ملتفت میشوند که مقام ایشان محفوظ نیست و اقوال و افعال ایشان را ممکن است که اشخاص خارجی دریابند .

س. تکمیلان و قوائم . شما کدامند ؟

ج. سه قائمه فرزانهگی . توانائی . زیبایی . که نماینده و مظهر آنها ( پیر . و سزابل ) و دو ( سوریان ) او میباشد .

س. چگونه این سه قائمه . و مجازی تکمیلان ل . یا عبارت آخری ریاست اعمال موحد م . ها را بعهده میگیرند ؟

ج. فرزانهگی . پدیدار میکند توانائی . انجام میدهد ، زیبایی . آرایش می نماید .

س. چه شمارا واداشت که طریقه می . را اختیار کنید ؟

ج. تیره گی - نادانی - طلب نور بینش و آگاهی .

س. بچه هیئت محرم اسرار می . شدید ؟

ج. بهیشتی که به برهنه بودم و نه دستور و وضعی میان این دو حال داشته و هیچ نوع فلزی همراه من نبود .

س. نکته عرفان این هیئت را بیان کنید ؟

ج. علامت آن است که شخص محرم باید با صداقت و اعتماد کامل در حضور

برادران طریقت خود حاضر شود .

و آن می‌رساند فروتنی و خضوع را که در طلب حقیقت باید بخود هموار نماید .

و آن علامت است از اینکه از نزدیکی عمل و مقام مقدس شخص محرم باید لازمه ادب و احترام را بجای آورد .

و آن کنایه است از بی طمع و تجرد و اینکه باید در مقام نیل مراتب تکمیل بی مضائقه و دریغ خود را از دوا بر هضه دور نماید .

س - بچه ترتیب اجازه دخول در ل . . . حاصل گردید ؟

ج - ... دق الباب

س - دق الباب کنایه از چیست ؟

ج - بطلب تا بتو بدهند . جستجوکن تا بیایی . در بکوب تا برویت باز کنند .

س - بعد از دخول در معبد بشما چه روی داد ؟

ج - پس از امتحانات متعدد با تصویب برادران م . ل . . . همراه می . پذیرفت .

س - این امتحانات کدامند و حکمت آنها چیست ؟

ج - این امتحانات مشتمل بر سه مسافرت و حکمت آنها هدایت من بود به سپردن شاهراه اصلی در طلب حقیقت .

س - بعد از تحمل آزمایش دیگر چه کردی ؟

ج - پیمان بستم و سوگند یاد کردم که اسرار طریقه را پنهان دارم در هر زمان و هر حال اطاعت احکام طریقه را با راستی و دوستی تمام بکار بندم .

س - در چه ساعت م . . . ها کارهای خود را افتتاح می‌نمایند

ج - بر حسب استفاده و کنایه به کارهای م . . . ها در وقت شروع و در ساعت ... انجام می‌گیرد .

س - این ساعات استعاری و کنایتی یعنی چه ؟

ج - این ساعات کنایه از آن است که انسان قبل از آنکه وجودش منشاء اثری بشود نیمه زندگانی خود (یا روزگار خود را) می‌پیماید ولی ازین به بعد تا آخر عمر

بدون درنگ بتدارك ایام گذشته بکوشند .

سعی نمایند که آمایش و رفاهیت و خوشبختی ابنای جنس بشر را باندازه‌ئی که مقدور است فراهم نمایند .

س - این که م. . . ها قبل از شروع بکار عادتاً وقت را می‌پرسند چه حکمت دارد ؟  
ج - این سؤال کنایه این نکته است که برای آنکه قوه و توانائی شخص با فایده و نتیجه به‌صرف برسد باید بموقع و بجا باشد و دسترسی و وصول بترقی ممکن نمی‌شود مگر بوقت و ساعات مناسب پس برای اقدام بهر کار خیلی اهمیت دارد که تشخیص موقع مناسب مساعد را غنیمت شمارد و بپرهیزد از اینکه دیرتر از موقع یا زودتر از موقع مناسب بهر کار دست به آن کار زند که هر دو صورت موجب پشیمانی و ناکامی خواهد بود .

س - من شعا چیست ؟

ج - ... سال .

س - این چه معنی دارد ؟

ج - چون از م. . . طریقه او را سؤال کنند در واقع طریقه او را پرسیده‌اند و چون شاگرد م. . . در ابتدای کار باید سعی کند که به سه ( . . ) عدد اول واقف شود پس سنین عمر اول . . . سال است .

س - از تأمل و تفکر در خصوص کشف خواص عدد ( . . ) چه نتیجه حاصل گردید ؟  
ج - معلوم کردم که هر چیزی ( . . ) است زیرا که افراد جزوی هستند از يك کل که شامل . . . و خارج نیست .

س - از تأمل در حقیقت و کیفیت ( . . ) چه استنباط گردید ؟

ج - معلوم کردم که بواسطه حضور ادراك انسان بلفظ ( . . ) یعنی شئی غیر محدود را می‌خواهد محدود نماید . بنابراین ( . . ) واقع می‌شود ما بین دو غایت بی‌اصل موهوم که فقط الفاظ ظاهره مصنوعه صورت وجود به آن می‌دهند .

چنین استنباط می‌شود که مظهر یا تمثال مجسم هستی یا حقیقت در عالم خارج

هند (۱) است.

س - چرا ؟

ج - بعلمت اینکه هستی یا (موجود) در نظر ثالث حد واسطه ایست که ریاست  
فصله بر آن صدق مینماید یا در آن جلوه گر می شوند .

فراماسونها هنگامی که جلسات رسمی خود را تشکیل  
میدهند ، اغلب سخنرانیهائی در باره مسائل اجتماعی ، سیاسی  
لژ تهران و مرامی ایراد مینمایند . اکثر سخنرانیهائی است و پس از  
آنکه چاپ و توزیع می شود فقط به نظراعضاء لژ می رسد ، بهمین جهت تا کنون هیچ  
کس غیر از خود ماسونها نتوانستند از مضمون آنها مطلع شوند . از بین ۱۵ رساله ای  
که جمع آوری شده یکی از آنها را که مسیولاتس و نیز یوز رئیس مدرسه الیسانس بفرانسه  
نوشته و پس از ترجمه در یکی از جلسات لژ بیداری ایران خوانده شده عیناً نقل می نمائیم .  
مقدمه این رساله که عین آن در اختیار نگارنده است و به خط ادیب الممالک می باشد  
چنین نوشته شده :

« این رساله را ب . . مسیولاتس و نیز یوز در ل . . ب . . [ ۲ ] بفرانسه  
الشاہ کرده و ب . . وثوق الدوله آن را به فارسی ترجمه کرده و ب . . دبیر الممالک  
بطلبع ژلاتینی مطبوع نموده و به عموم ب . . ن [ برادران ] متحد م . . تقسیم شده به تاریخ  
سه شنبه هفتم شهر جمادی الاول ۱۳۲۹ مطابق ۱۶ جوزاء .  
تعاون م فی . .

ب - عزیز من

این قاعده در میان ما معمول شده است که در جلساتی که ب . . ن تازه در معبد  
قبول میشوند یکی از اعضاء کا . . نه [ کابینه ] برای ارشاد و تکمیل ملکات اخلاقی  
ب . . ن نکته از نکات طریقه م . . بی را شرح و تفسیر کند و دیگر برادران اصفاء  
نمایند .

۱ - ب : بمعنی برادر .

۲ و ۳ و ۴ ل . . ب . . ۱ . . بمعنی لژ بیداری ایران .

لال السلطان بیرون آمده است، تقی زاده گفته بوده است این اکثریت نسبی است نه قبول کرد. سایر وکلا قبول نکرده، گفته بودند اکثریت نام لازم است.

عقیده نصرت الدوله ومؤید السلطنته این بود که تقی زاده و مستشار الدوله و المتکلمین و سید جمال و صوراسرافیل و بحر العلوم کرمانی و یک دسته با السلطان همراهی و در این خیال هستند که مملکت جمهوری شده و ظل السلطان رئیس جمهوری قرار بدهند و در این خط کار می کنند. گفتند سالار الدوله هم به این آند بایجان و انجمن شاه آباد به روضه رفته است...<sup>۱</sup>

با اینکه فراماسونهای ایران، نتوانستند ظل السلطان را به مقام شاهی برند و بطوریکه گشتیم مشیر الدوله فراماسون هم دشمن بزرگ او بود، با این روی در وصیت نامه اش مطالب جالبی می نویسد. او پسرانش را به محسنات و نی از آئین و افعال ماسونی امیدوار ساخته و به آنها توصیه می کند که پس از پیرستی و قبول ذات حق، این آئین را بپذیرند و در این باره می گوید:

«... نصیحت می کنم فرزندان خودم را بخصوص جلال الدوله این رفتار پسندیده اسباب برکت عالم و طول عمر است، هیچوقت از دست ندهند. ظلم و بی عدالتی و غیره که حرکات وحشیانه است نکنند. و از خدا بترسند که پنجه قدرت بآید بر کار خود کرده و می کند. و پروردگار بهمان ترتیبی که آورد بمرور اگر بپذیرد می برد».

در نیمه شبی ناله مظلوم کند به خدا گریه خنجر مسموم کند چشم و گوشه را باز کرده این صابح مرا که بهترین ارث هاست برای شماها بگذارم بشرط قبول این همه چیزها برای شما می ماند. اگر غفلت کنید هیچ ماند که سهل است، جاثقان هم روی اینکار می رود...<sup>۲</sup>

ظل السلطان سپس شرح حادثه ای که در شکارگاه مازندران برای او روی

داده پرداخته و چنین ابر از عقیده می‌کند که فقط خداوند او را نجات داده است . ظل‌السلطان پس از آنکه نجات خود را از این حادثه در اثر حمایت خداوندگار می‌داند ، چنین نتیجه می‌گیرد که فراماسونها نیز در اثر پیروی از مذهب همیشه موفق هستند و به فرزندانش توصیه می‌کند که مسلک فراماسونی را که ملك خدا پرستی است قبول کنند و این آخرین کلمات سفارش اوست به فرزندانش :

«...چنانچه اهالی فراموشخانه اشخاص بی‌دین را فراموشخانه قبول نمی‌کند ، اول شخص فراموشخانه بادین و متدین است .

فرزندان عزیز من تدین داشته باشید و خدا را بشناسید . مرا همان توسل از این خطور خلاص کرد ...»

در حالی که ظل‌السلطان و شعاع‌السلطنه از طریق ورود

به لژهای فراماسنی برای رسیدن به تخت سلطنت تلاش

می‌کردند ، سالارالدوله پسر سوم مظفرالدینشاه نیز بدون

اینکه به لژهای ماسونی ایران پیوسته باشد بوسیله فراماسنها

حمایت می‌شد و ماسونها او را برای رسیدن به سلطنت آماده

می‌کردند . اگر عملیات فراماسونها را از نخستین روزهایی

که نغمه آزادی خواهی بر ایران طنین افکند ، زیر ذره بین دقت و موشکافی قرار

دهیم ، شاید با جسارت بتوان گفت که فراماسونهاى ایرانى در نظر داشتند تمام

پسران مظفرالدینشاه را وارد لژهای ماسونی ایران کنند تا هر يك از آنها که به

مقام سلطنت رسیدند در عین حال فراماسون هم باشند .

چنانکه گذشت محمد علی شاه و سالارالدوله بوسیله ( جامع آدمیت ) و

شاهزاده جلال الدوله و ظل‌السلطان ابتدا بوسیله فراموشخانه ملکپوس پس ظل‌السلطان

و شعاع‌السلطنه با کمک جمعی از مشروطه خواهان در لژ بیداری ایران فراماسون

شدند .



سالارالدوله<sup>۱</sup> در ستیزه و نبرد با آزادخواهان معروف است، تا زمانی که در ایران بود، هیچگاه عضو لژهای رسمی فراماسونی جهان نشد. و چون سودای ختم حکومت استبدادی را در سر داشت، فراماسونها از آن نظر که خود را آزادخواه می‌دانستند، از وی دوری می‌کردند، ولی همانطور که گذشت او را کاملاً نیزرها ساخته و از طریق نزدیکی با «ملك المتكلمين» سعی داشتند افکار وی را دگرگون سازند. و یا لاقلاً اعمال او را مورد کنترل قرار دهند.

سالارالدوله از آغاز جوانی به جاه‌طلبی و غرور شهرت داشت و از همان زمان سودای سلطنت را در سر می‌پروراند و مدعی بود که وی از برادرش برای تصدی مقام فرمانروایی ایران شایسته‌تر و برازنده‌تر است. و اولین باری که توانست این فکر را علناً ابراز کند کمی پیش از انقلاب مشروطیت ایران یعنی در اواخر دوران سلطنت پدرش مظفرالدین‌شاه بود.

در آن ایام مظفرالدین‌شاه، پسرش را با عنوان «والی» بقرب فرستاده بود و چون سالارالدوله در آن زمان خردسال بود، مظفرالدین‌شاه نصیرالملک شیرازی را به پیشکاری وی گماشت.

نصیرالملک که از جمله فراماسونهای ایران بود که با ملك المتكلمين دریک لژ فعالیت می‌کرد و در نتیجه با وی روابط دوستانه نیز داشت. او با استفاده از این روابط، واسطه‌آشنائی ملك المتكلمين با سالارالدوله شد و پس از عزیمت سالارالدوله به کردستان ملك را نیز به این سامان دعوت کرد. ملك المتكلمين ظاهراً برای ارشاد کردهای آزادخواه به کردستان عزیمت کرد و در آنجا با سالارالدوله قول و قرارهایی گذاشت و قرار شد که او با آزادی‌خواهان همراه شود و آنها هم مجاهدت کنند که

۱ - شاهزاده ابوالفتح میرزا ملقب به سالارالدوله پسر سوم مظفرالدین‌شاه بود. و مادرش نورالدوله لقب داشت. محمد علی میرزا پسر ارشد مظفرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۹ - ه (۱۸۷۲ - م) به دیار آمد و ملك منصور میرزا ملقب به شجاع السلطنه سال بعد و سالارالدوله در ۱۲۹۱ - ه (۱۸۷۴ - م) متولد شد.

الارالدوله رابجای محمد علی میرزا با ولیعهدی یکماریند<sup>۱</sup>.

دبیر اکرم منشی سالارالدوله می گوید: «پس از این جریانات [و وعده های بعضی که بنا بنوشتۀ ادیب الممالک ماسونها از تهران بوسیلهٔ پیک برای او فرستادند] سالارالدوله بقدری زمینه را برای سلطنت خود مساعد می دید که لباس پادشاهیش را نیز تهیه کرده بود و شبها در مجالس خصوصی آن لباس را بپوشید و جقه بسر می گذاشت و خود را شاهنشاه می خواند. در همین موقع برادر او شجاع السلطنه با عین الدوله و صدر اعظم وقت - مشغول بند و بست بود ای محمد علی میرزا ولیعهدشود. بالاخره سالارالدوله که شتاب زیادی برای بدست آوردن به سلطنت داشت از کردستان بطرف تهران حرکت کرد تا پدر خود مظفرالدین را باطلع کند و بجای او بر تخت بنشیند. ولی از قشون دولتی شکست خورده، گریز کرد و در قصر عشرت آباد تهران تحت الحفظ قرار گرفت. ولی در همان هنگام که در عشرت آباد محبوس بود تا حدود امکان با مشروطه خواهان همراهی می کرد. ای کسانی که در سفارت و حضرت عبدالعظیم متحصن شده بودند، پول می فرستاد. سالارالدوله این بود که ارتباط خود را به هیچوجه از دست ندهد، تا مبادا موقع تغییر اوضاع او را از یاد ببرند.

سرانجام مظفرالدینشاه درگذشت و محمد علیشاه به تخت سلطنت نشست و از ارتباط سالارالدوله با آزادیخواهان و فراماسونها و بلند پروازی های وی بجزیره بود او را به فرنگستان تبعید کرد.

سالارالدوله در ایام تبعید نیز با مشروطه خواهان و دوستانش که در لژ ماسونی بودند، بوسیلهٔ ملك المتكلمین در تماس بود و با آنان همراهی می کرد و بعد از به بستن مجلس این دوستی و ارتباط فزونی گرفت و در همین موقعیت بود، رسماً به لژ فراماسونی فرانسه (گرانند اوریان) وارد شد و نشانهائی نیز گرفت.

۱ - مجلهٔ یقینا مهرماه ۱۳۴۰ شمارهٔ مسلسل ۱۵۹ ص ۳۱۳

۲ - یادداشت های خطی آن مرحوم - از اسناد خان ملك ساسانی.

سالارالدوله امیدوار بود پس از استبداد صغیر و استقرار مجدد مشروطیت به آرزوی خود یعنی «سلطنت ایران» میرسد و یا لااقل نایب‌السلطنه شود. اما وقتی مشروطه‌خواهان تهران را فتح و محمدعلیشاه را از سلطنت خلع کردند، پسرش احمد شاه را بجای او نشاندند و عضدالملک را به نیابت سلطنت برگزیدند. این حوادث سبب شد که سالارالدوله و شعاع‌السلطنه که هر دو از رسیدن به سلطنت مأیوس شده بودند کینه مشروطه را بدل گیرند و درصدد مبارزه با مشروطه طلبان بر آیند. پس از این مقدمات بود که شاه مخلوع و شاهزادگان نوید درویشانه اجتماع کرده و با کمک روسها درصدد حمله به ایران برآمدند شعاع‌السلطنه چند ماهی فرماندهی قسمتی از قوای طرفدار استبداد را که از راه روسیه به ایران حمله کرده بودند، پییده گرفت، ولی شکست خورده و متواری شد. ولی سالارالدوله بدون اینکه از شکست برادرانش بهراسد، وارد کرمانشاه شده و به جمع آوری قوای پارتیزان برای آغاز بردهای چریکی پرداخت.

حسن عنایت می نویسد: «... مرحوم میرزا حسین خان مخابرالملک عموی جواهرالکلام که آن موقع رئیس تلگراف کردستان بود بمشاریه گفته است: سالارالدوله را آنروزها دیده که روی کلاه خود جقه می زد و مبالغی پول طلا و نقره باسم خود سکه زده بود که روی آن سکه ها این عبارت دیده می شد:

«سکه برزرمی زند سالار دین یاورش باشد امیر المؤمنین ...»

سالارالدوله پس از تسخیر کرمانشاه و کردستان به همدان آمد و در آنجا سواران بختیاری را که برای مقابله و جلوگیری او آمده بودند شکست داد و از راه قم و ساوه به تهران عزیمت کرد. دولت مرکزی بازحمت زیاد دو هزار سوار مسلح فراهم کرد و بسرکردگی یفرم، سردار جنگ و سردار بهادر بمقابله او فرستاد. سالارالدوله در آن هنگام شش هزار سوار همراه داشت و چندین عراده توپ از کردستان و کرمانشاه با خود آورده بود. طرفین در قریه باغ شاه میان قم

و نوهران در نود میلی جنوب شرق تهران با هم رو برو شدند و جنگ سختی در گرفت. از قوای دولت مشروطه دو نفر کشته و شش نفر مجروح شدند، ولی سالارالدوله با دادن پانصد نفر تلفات شکست فاحشی خورد و شتابان سرحد عراق ریختند و از آنجا به بغداد متواری شد.

شوستر که در آن موقع خزانه‌دار بود، دستور داد املاک شعاع السلطنه و سالارالدوله را مصادره کنند.

از جمله این املاک مردآباد و شهریار بود که به سالارالدوله تعلق داشت. سفارت روس بعنوان اینکه شعاع السلطنه و سالارالدوله تبعه روس هستند<sup>۱</sup> مورین شوستر را رانده و از مصادره این املاک جلوگیری کرد.

از آن به بعد سالارالدوله فراهموش شد و چون آوارگان در خارج از ایران بیشتر در سوئیس) می زیست. تا اینکه در پائیز سال ۱۳۴۲ - ه (۱۹۲۴ - م)

۱ - خان ملک ساسانی در کتاب دست پنهان سیاست انگلیس در ایران می نویسد :  
... اما شاهزاده ابوالفتح میرزا سالارالدوله که کلیه قتل و غارت مترب ایران را بدستور انگلیس ها انجام می داد ، همیشه مثل شیر ( به بشید ) زنجیر کرده در خارج از مرز ایران نگاهش می داشتند . هر وقت سیاست شان اقتضا می کرد می خواستند برای قبول تقاضای نامشروع ایران را در حقیقه و لگرائی بگذارند و دولت وقت را متاصل کنند قسود انگلیس در بغداد لافه از گردن حضرت اقدس والا بر می داشت و روبرو ایران کیش کیش می کرد ... دولت بریتانیای انجمن به چنین شرفی گذرنامه انگلیسی داده و به او وعده تسلیم تاج تخت ایران کرده بود . در ناهمی که اسلامبول بودم روزی سالارالدوله به سفارت آمده تقاضای گذرنامه ایرانی کرد . مطابق قانون تذکره گذرنامه سابقش را برای تجدید خواستم تذکره انگلیسیش را درآورد . گفتم با این گذرنامه نمی توانم تذکره ایرانی به شما بدهم . گفت : آری من پسر مظفرالدین شاه هستم ؟ گفتم : چرا . در شاهزاده بودن شما حرفی نیست اما قانون اجازه نمی دهد که به این شاه کنی تذکره انگلیسی را با گذرنامه ایرانی عوض کنم . اگر اصرار دارید به تهران الکراف کنم هر طور اجازه دادند . رفتار شود .

سالارالدوله با نفیشر نشد از مفارت ایران بیرون رفت . چند روز بعد از طرف سفارت گیری انگلیس در اسلامبول توسط فرستاده ای این تقاضا را تجدید کردند لیکن من از انجام آن معذور بودم ...

که شیخ خزعل علم طغیان برافراشت ، ناگهان وارد اهواز شد و به خزعل پیوست و بعد از تسلیم خزعل و رفع غائله خوزستان به سرعت از ایران خارج شد و یک بار دیگر متواری گردید .

وی در سوئیس ازدواج کرد و از همسر سوئسی خود چهار فرزند داشت . سه دختر و یک پسر بنام ناصرالدین<sup>۱</sup> علاوه بر اینها در ایران هم دو پسر و چهار دختر داشت که از همسران متعدد ایرانی او بودند . در واقعه شهر یور ۱۳۲۰ - ( ۱۹۴۱ م ) انگلیس ها تصمیم گرفتند بار دیگر او را به ایران بازگردانند تا با قوای چریک از راه عراق به ایران حمله کند .

ولی سالارالدوله این بار از دستور انگلیس ها اطاعت نکرد و محمد علی پاشا که از سرشناس های مصر بود و تا آخر عمر به او کمک مالی می کرد ، او را از اینکار بازداشت . ناصرالدین پسر سالارالدوله در سال ۱۳۲۱ به ایران آمد و مدتی تلاش کرد تا شاید بتواند ملك مصر دآباد را پس بگیرد ولی موفق نشد .

اما از طرف دربار شاهنشاهی مرتباً به او ویدرش کمک و مساعدت می شد در حالی که هیچیک از افراد خاندان قاجار تا پایان عمر حتی يك نامه عادی هم به او نداشتند .

سالارالدوله سرانجام در اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ - ( می ۱۹۵۹ - م ) در نتیجه عارضه قلبی - که در سالهای آخر عمر به آن مبتلا شده بود - در شهر اسکندریه درگذشت . بطوریکه عنایت می نویسد :

« ... تا آنجائی که بخاطر دارم مجلس تذکر و ترحیمی از طرف هیچیک از اقوام و کسان نزدیک او که هر يك دارای شخصیت بزرگی هستند برای این شاهزاده که روزی دعوی سلطنت و پادشاهی ایران می نمود اقامه شد ... »

هنگامی که سالارالدوله در اسکندریه درگذشت ، لژ فراماسونی و دوستان فراماسون او وی را طبق آداب و رسوم آئین نامه ماسونی بخاک سپردند .

فکر داخل شدن شاهزادگان قاجار در جرگه فراماسونها،  
 سالارالدوله و ابتدا پس از انحلال فراموشخانه ملکم و علنی شدن مقام  
 مالیت فراماسونری شاهزاده جلال الدوله بوجود آمد.

قتل ناصرالدینشاه بدست میرزا رضای کرمانی که طبق  
 رائن و شواهد با نظر فراماسونهای ایرانی و عثمانی و شخص سید جمال الدین  
 صدآبادی صورت گرفته بوده و هم چنین ضعف دربار مظفرالدینشاه و رقابتی که بین  
 چهار مدعی سلطنت (محمد علی میرزا - شعاع السلطنه - ظل السلطان - سالارالدوله)  
 برای رسیدن بمقام سلطنت بوجود آمده بود، زمینه را برای ورود شاهزادگان جاه  
 لب قاجاریه به لژهای فراماسنی آماده و مستعد ساخت.

همانطوریکه اشاره کردیم، در حقیقت فراماسونهای ایران به تبعیت از  
 اماسونهای انگلیس و سایر کشورهای جهان می خواستند، رئیس مملکت و دولت  
 آن آنها و از جمله (برادران) باشد و از همه مهمتر عدم اطلاع شاهزادگان  
 چهار از هدفها و مقاصد سازمان های فراماسونی سبب شده بود که پسران مستبد  
 و بظاهر لباس آزادیخواهی پوشیده و در عین حال خود را به سازمان فراماسونی  
 ایران و یابیکی از کشورهای جهان وارد کنند.

بنظر شاهزادگان قاجار و حتی درباریان مستبد، لژ فراماسونری به منزله  
 منبع مخفی سفارت انگلیس بود و عقیده داشتند که انگلیس ها بوسیله ماسون ها،  
 ناصرالدین شاه را کشته اند. آنان چنین می پنداشتند که صدور فرمان مشروطیت  
 درخواست سفارت انگلیس است و همه کسانی که در این راه تلاش کرده بودند، عامل  
 سفارت انگلیس و ماسون ها می دانستند. شاهزادگان قاجار بارها علناً گفته بودند که  
 انگلیسها برای پاک کردن دربار از عمال روس سازمان ماسونی را بوجود آوردند و  
 الان همه سازمان بود که محمد علی شاه را خلع و با کمک سفارت انگلیس از  
 ایران اخراج کردند<sup>۱</sup> آنان حاضر نبودند، حتی يك لحظه در باره سیر آزادی

۱- نقل از یادداشت های منتشر شده و مکاتبات یکی از شاهزادگان که در کتابخانه خان  
 ملک موجود است.

در سال‌های آخر عمر ناصرالدین شاه و عواملی که بعدها منجر به صدور فرمان مشروطیت شده بود، بیاندا شدند و این حوادث را ناشی از غلیان افکار و نتیجه ظلم و ستم‌های خود و درباریان بدانند. و به همین جهت بود که بعد از شکست محمد علی‌شاه و عزیمت او و مستبدین به اروپا فکر ورود شاهزادگان و درباریان به لژهای ماسونی قوت گرفت و به مرحله عمل درآمد.

شاهزادگان فراری با کمک ایرانیانی که در اروپا ماسون شده بودند و شاید هم پادان مقداری پول به فراماسنهای ایرانی مقیم اروپا وارد سازمانهای فراماسونی شدند.

آنها می‌خواستند بدینوسیله برگزیده سیاه خود پرده استتاری بکشند و در زیر شعار (آزادی - برادری - برابری) که شعار ظاهری و دستاویز سازمانهای فراماسونری بود خود را وارد جرگه آزادیخواهان کرده بار دیگر به ایران باز کردند.

شخص سالارالدوله در سال ۱۳۳۷ - ش (۱۹۵۸ - م) در سفری که به مصر کردم به نگارنده گفت که او می‌خواسته است بدینوسیله خود را به انگلیسها نزدیک کند و حتی بعد از شکست جنگهای غرب و فرار به بغداد، تذکره انگلیسی گرفته است. او اظهار داشت:

«چندین بار بوسیله دوستان انگلیسیم در بغداد، اسلامبول و برن با لژ بیداری ایران و فراماسنهای ایرانی برای حفظ منافع و املاک خود در ایران و حتی مراجعت به طهران اقدام کردم» ولی فراماسونها از ترس افکار عمومی و مشروطه‌طلبان حقیقی نتوانستند با تقاضای او موافقت کنند.

در دوران استبداد کبیر و صغیر مستبدین و شاهزادگان بهیچوجه حاضر نبودند، طغیان توده‌های مردم را قبول کنند آنها نمی‌توانستند فشار و ظلمی را که از طرف درباریان و حکام و عمال دولت می‌شد، بادیده حقیقت بشکری و مردم را از جنگال ظالمین رهائی بخشند. مستبدین و درباریان با اطمینان و اعتماد فراوان معتقد

دند که مشروطیت (دکان) و (دستگاهی) است که سفارت انگلیس درست کرده و  
 سبیل (سازمان فراماسونری) و (فراموشخانه ملکم) تشکیلات انقلاب و عصیان  
 می راز هبری و اداره می کند. همانها می گفتند که «محل مخفی و اصلی فراماسونری  
 آن در سفارت انگلیس است و روی همین ایده و فکر اقدامات سیاسی خود را  
 بجه انگلیسها کرده و در هر مورد از آنان یاری می طلبیدند. آنها انقلاب مشروطیت  
 ایده اقدامات و تحریکات کارکنان سفارت انگلیس و کنسولگریهای آن دولت  
 ایران می دانستند.»<sup>۱</sup>

محمدعلی شاه می گفت: «همه روزه نظمیه و سفارت روس رفتار و اعمال فراماسونها  
 کلیسها را به من راپورت می دادند و من می دانستم مشروطه یعنی چه؟!»<sup>۲</sup>  
 زادگان قاجار که همراه محمدعلی شاه به اروپا رفته بودند هر يك سعی داشتند  
 یکی از لژهای ماسونی فرانسه، انگلستان، سوئیس و حتی عثمانی شوند.  
 همانطوریکه قبلاً گفته شد، اینعه فقط برای حفظ مقام و اموال خود وارد  
 تشکیلات شده بودند و امیدوار بودند که بدینوسیله بتوانند موقعیت از دست  
 آنها حفظ کنند.

دکتر ملکزاده پسر ملک المتکلمین که پدرش می خواست سالارالدوله را به  
 سبیل فراماسونها به سلطنت برساند و به طوریکه گذشت همواره هشیر و مشاور  
 بود، در این باره چنین می نویسد: «چند نفر از شاهزادگان مستبد برای اینکه  
 یکگاهی داشته باشند و به کمک آن به اندیشه هائی که در دل داشتند برسند، در  
 آن حزب [فراماسون] عضویت یافته بودند ...»<sup>۳</sup>

سالارالدوله نا در ایران بود، به عضویت لژ فراماسونی در نیامد ولی ملک-  
 المتکلمین افکار او را برای ورود باین فرقه آماده کرده بود. به خصوص اینکه او

۱- یادداشت های خان ملک ساسانی.

۲- ایضاً یادداشت های خطی و چاپ شده خان ملک به نقل از اظهارات محمدعلی شاه.

۳- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد ششم ص ۱۱۹

و سایر پسران مظفرالدینشاه چنین می‌پنداشتند که سازمان فراماسونی بشابه یکی از ادارات سفارت انگلیس و وزارت خارجه ایندولت است .

در باره ورود سالارالدوله به لژ ماسونی سویس داستانهایی بسیاری از اشخاص مختلف شنیده شده است ولی هیچکدام مدرك و سندی ارائه نداده‌اند که بتوان به آنها اتکاء کرد .

شاهزاده ملك منصور پسر شعاع السلطنه در ملاقاتی که با او انجام گرفت گفت : « پدرم سالها عضو فراماسون بود و در یادداشتهایی که از او باقیماند و عیناً به مرحوم ملك الشعراء بهار دادیم ، اشارت زیادی به عضویش در لژ تهران می‌کنند . بعلاوه سالارالدوله نیز وارد لژ ماسونی شد ولی من نمی‌دانم در کدام لژ و چه کشوری به عضویت پذیرفته شد . همینقدر می‌دانم که آن مرحوم به علت سادگی و زود باوری که داشت ، اغلب آلات دست مغرضین و مفسدین قرار می‌گرفت . مادام که در ایران بود همواره این اشخاص از جمله ملك المتكلمین از وجودش استفاده می‌کردند و هنگامیکه به اروپا رفت و باز هم نظیر همین اشخاص او را آلات دست قرار می‌دادند . تا آنجا که من اطلاع دارم در مصر تا پایان عمر در لژ ماسونی باقیماند .<sup>۱</sup> »

نگارنده در سفری که به مصر کردم ، بوسیله خیر الله آذربایجانی که مه‌مافخانه‌ای در اسکندریه دارد و سالها در خانه سالارالدوله آشپزی می‌کرده و در خانه وی بارها جریان تشکیل لژ فراماسونری و جلسات آنرا دیده‌است ، به ملاقات سالارالدوله رفتم . خیر الله که می‌دانست سالارالدوله فراماسون است ، به نویسنده گفت که وی در لژ اسکندریه مقامی عالی دارد و اغلب ماسونها به او كمك می‌کنند .

سالارالدوله که در گفتگوی خود کلماتی نظیر : فرمودیم ، می‌فرمائیم ، چنین تصمیم گرفته‌ایم ، به شاهزادگان تهرانی دستخط فرمودیم و مانند اینها را به کار می‌برد ، به نگارنده اظهار داشت که عضو لژ اسکندریه است و درجه ۳۳ هم دارد ،

۱- یادداشتهای خان ملك ساسانی - خاطرات سفر اسلامبول - فصل گفتگو با محمد علی‌شاه .

لی حاضر نشد مشروح جریان ورودش را برايم شرح دهد. فقط گفت: «ايکاش ما  
 لایمی‌داستیم فراماسونی چیست و فراماسون کیت. ما در تهران باشیادانی که  
 چون بند ماسونی به گردن می‌انداختند محسور بودیم، ولی آنها از فاسدین و  
 بران خارجی بودند.

در حالیکه ماسون حقیقی آزادگی، برادری و برابری را شعار خود می‌داند  
 آن عمل می‌کند. آنها از ما مرتباً پول، تیول، خالصه و خلعت می‌گرفتند و  
 اینک لژچنین و چنان گفته دروغهائی می‌یافتند، امروز می‌فهمم که همه دروغ  
 و ریا بوده است. افسوس که پیر شده‌ام و روی بازگشتن به وطن را هم  
 نمی‌خواهم حتی نزدیکانم را که به من پشت کرده‌اند به بینم در دو جمله  
 نمی‌توانم به شما بگویم که فراماسونی در ایران هم مثل احزاب قلابی و رهبران  
 شای شیادان، دکان بندوبست سیاسی است و فراماسون ایرانی فعلاً در دنیا  
 بی‌لدارد.»

سالارالدوله تأکید کرد، عین جملات فوق را بنویسم و روز بعد که بدیدنش  
 بود، برای او بخوانم. هنگامیکه به ملاقاتش رفتم، آنچه را که نوشته بودم،  
 را به وقت خواند و روی چند جمله که شاید بنظرش حاوی اسرار ماسونی بود،  
 کشید و توصیه کرد، آنها را جایی بازگو نکنم. در اینجا روی تعهد اخلاقی  
 من آنس حوم دادم، از چاپ آن جملات خودداری می‌کنم.

به موجب نوشته دوائر المعارف فراماسونی آلمانی، سالارالدوله پس از  
 آج از ایران ابتداء در سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۳ هـ) وارد لژ فراماسونی فلسطین  
 است. این لژ که بین مسلمانان و یهودیان مشترك بود، سالارالدوله را نامقام  
 وی ارتقاء مقام داد. سپس هنگامیکه به مصر رفت در لژهای دیگری شروع  
 بآلایت کرد.<sup>۱</sup>

دو سال پس از مسافرت به مصر، مقاله‌ای در مجله یغما به قلم (حسن عنایت)

منتشر شد، که در آن نویسنده ماجرای ملاقات و گفتگوی خود را با سالارالدوله شرح داده و نامه‌ای را هم از او گراور کرده بود. پس از درج مقاله مزبور، در ملاقاتی که با ایشان به عمل آمد، در باره عضویت سالارالدوله در لژ ماسونی مصر، اطلاعات بیشتری بدست آمد که در اینجا عین گفته‌های وی را نقل می‌کنم:

سالارالدوله در ضمن گفتگو اظهار می‌داشت که در لژ مصر مقامی عالی دارد. او کتابچه‌ای به من داد که در آن اسامی فراماسنهای عالیه مقام مصری نوشته شده بود و آن کتابچه را هم اکنون دارم. مقام سالارالدوله (استاد اعظم) بود و با اینکه در روزهای آخر عمر پیر و شکسته شده بود، معذک رفتن به لژ و ملاقات با برادران فراماسون را فراموش نمی‌کرد.

او هیچوقت در باره اینکه کی و کجا و چگونه وارد لژ فراماسونری شده، اظهاری نمی‌کرد، ولی محققاً در لژ مصر مقامی عالی داشت چنانکه نام او نیز در ردیف بزرگان مصری نوشته شده است.

پس از پایان فتنه محمد علی‌شاه و پیروزی مشروطه خواهان،  
**عین الدوله هم** شاهزادگان و مستبدین بدنبال شاه به اروپا رفتند و سپس با  
**فراماسون شده !!** پرداخت مبالغی هنگفت به ایرانیانی که فراماسون بودند  
وارد سازمانهای فراماسونری انگلستان و فرانسه شدند. در

این میان از همه جالبتر ورود شاهزاده عین الدوله به لژ فراماسونری انگلستان بود. او که در ایران مظهر ظلم و ستم و بیداد و دشمن (آزادی - برادری - برابری) شناخته می‌شد، در لندن در سلك فراماسونها درآمد. در کتابخانه آقای حسین اعزاز تقفی سند جالب و حیرت‌آوری وجود دارد که نشانه همکاری و همفکری فراماسنهای انگلیسی با این عنصر ضد ملی است که نقل آن حائز اهمیت فوق - العاده‌ای است سند مذکور که عیناً ترجمه شده است در اینجا منعکس می‌شود.<sup>۱</sup>

۱ - چند سال بعد شنیدیم که کتابخانه مرکزی دانشگاه از روی این سند فیلم تهیه کرده که در کتابخانه نگهداری می‌شود.



عین‌الدوله صدر اعظم  
مستبد و دشمن آزادی و  
مشروطیت هم فراماسن  
شد.

نمره ۷۹۴ - ۲۵ فوریه ۱۹۱۴

به افتخار معمار بزرگ کائنات - مارئیس المؤمنین نمره ۲۵۲۰

نظر به تعهدنامه که شخص داوطلب امضاء نمود .

نظر به رأی مساعد نماینده ما در تهران .

نظر به اطلاعیکه بعضی از اعضاء پس از شناختن شخص داوطلب از روی

نگرش دادند ، نظر به شوری که در جلسه هفدهم فوریه ۱۹۱۴ بعمل آمد ،

نظر به فصل ۳۴ نظامنامه اساسی :

مقرر داشته و می‌داریم

ماده واحده

از تاریخ اول ماه مارس ۱۹۱۴ شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله که از

رجال مملکت ایران هستند عضو نمره ۲۵۲۰ شناخته خواهند شد .

در مرکز ۲۵۲۰ نگاشته شد به تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۱۴ از طرف رئیس المؤمنین معاون مؤسس وود .

بطوریکه در متن سند قید شده است قبول عضویت ( عین الدوله ) با اجازه نماینده لژ فراماسونری در ایران و حتی گواهی فراماسونهای که اورا می شناختند ، صورت گرفته است .

عضویت عین الدوله مستبد در لژ فراماسونری این نکته را مسلم می دارد که رؤسای فراماسونری در ایران از روز نخست ، بهیچوجه پای بند نام نیک ، آزادی و آزادیخواهی و شرافت اعضای خود نبوده اند و اطاعت محض از دستورات صادره ( مراکز ماسنی ) را از همه چیز ضروری تر و بالاتر می دانسته اند . وقتی خبر ورود عین الدوله و سایر مستبدین به لژهای فراماسونری به تهران رسید ، در بین چندتن از اعضای لژ بیداری ایران جنب و جوش و مخالفتهایی بوجود آمد .

مخالفین هسته ای در داخل لژها و محافل ماسونی تشکیل دادند و از اینکه دشمنان آزادی و ظالمین لقب ( برادران ) گرفته بودند ، به مراکز ماسونی اعتراض کردند .

روزی در حضور دکتر محمد حسین میمندی نژاد از مرحوم سید محمد صادق طباطبائی درباره عضویت ( عین الدوله ) سؤال شد . آن مرحوم پس از مدتی تأمل و اصرار در جواب دکتر میمندی نژاد گفت : وقتی پدرم و من وارد لژ فراماسونری فرانسه شدیم ، امید داشتیم که در سایه اتحاد و طرفداری از ( آزادی ) با کمک مراکز فراماسونی فرانسوی ها بتوانیم از ظلم و ستم مستبدین و خفقان انگلیسها و روسها و نفوذ آنها جلوگیری کنیم . ولی مدتی که از ورود ما گذشت فهمیدیم که اشتباه کرده ایم .

زیرا آنجا هم دکان سیاسی انگلستان بود ، و هم مرکز جمع اضداد . در آنجا ظل السلطان مستبد با پدرم در يك ردیف می نشست . خبر دخول عین الدوله به لژ

فراماسونری، عده زیادی را نصیبانی و فی الواقع پایهٔ لژیونری ایران را بست زد. خوب به خاطر دارم که حکیم الملک در این باره در محفل اعتراض رسمی کرد و طبق اعتراضیه او به مرکز لژ در پاریس ارسال شد.

همچنین سید حسن تقی زاده در این باره به نویسنده می گفت: «بطوریکه شنیدم، می خبر ورود مستبدین به لژهای خارج از ایران به تهران رسید، مرکز لژ آری ایران نامه های اعتراض آمیزی به گرانده اوریان نوشت و از آنها خواست منبعد هیچک از ایرانیان را بدون موافقت لژ تهران به عضویت نپذیرد.»  
 اقباعترض لژ تهران، از طرف گرانده اوریان فرانسه به کلیه لژها اطلاع داده که بهیچوجه ایرانیان را بدون انجام تشریفات اولیه، از طرف لژیونری ایران لژهای خود راه ندهند. و مادام که موافقت کتبی لژ ایران ابلاغ نشده است نمی که عملیات ایرانی دارد به تشکیلات پذیرفته نشود.

این اقدام اواز ورود ایرانیان (مقیم خارج) به لژهای ماسونی دنیا جلوگیری و ولی مستبدین تا روزیکه زنده بودند، همچنان در لژهای خود باقی ماندند، بلکه سالارالدوله پس از گذشت نیم قرن همچنان در لژ مصر مقامی عالی داشت.

## فصل بیست و دوم

### افتضاحات ماسونی

سازمان فراماسونی نیز مثل همه جمعیتها، همیشه گرفتار افتضاحات و اعمال زشتی بوده که پوشانیدن و انکار آن بی نتیجه است. از سال ۱۷۲۰ م (۱۱۳۲ هـ) این عقیده در همه جا انتشار یافت که فراموشخانه اتحادیه بیعاران و کفرگویان و یاهو سرایان و بی عقمان است که از هیچ فقی روگردان نیستند و از سَرّی بودن جمعیت استفاده می کنند و گردهم جمع شده و تنگ آورترین اعمال را مرتکب می شوند.<sup>۱</sup> حکایاتی که در افواه افتاده، متأسفانه بعضی از آنها با همه زشتی و شناعتی که دارد حقیقت داشته است. از آنجمله داستانی است که در سالهای بین ۱۷۳۰ و ۱۷۴۰ م (۱۱۴۲ - ۱۱۵۲ هـ) در فیلادلفی روی داده و هنگامی در آمریکای اتفاق افتاده که جامعه پاک و منزله آن روز از شهوترانی و خوشگذرانی های اروپائی بوئی نبرده بوده است. نویسنده کتاب (دویستمین سال تولد فرانکلین) در باره این واقعه عجیب چنین می نویسد:

«... بین سالهای ۱۷۳۰ و ۱۷۴۰ م [۱۱۴۲ - ۱۱۵۲ هـ] در فیلادلفی داروساز خوشگذران و نسبتاً معتبری موسوم به دکتر «اوان جونس» سکونت داشت. شاگرد وی پسری جوان و زیبا و بسیار ابله بنام «دانیل ریز» بود. دو ساز خنده را دوست میداشت و شاگردش اسباب خنده وی میشد. بدبختانه این شاگرد در عین حال جنبه

مندی داشت و حتی جاه طلب هم بود. می خواست در زندگی کامیاب شود و چون صحبت فراماسونری را زیاد شنیده بود و کم و بیش مطالبی از اسرار ظلمانی و قدرت روحانی و نفوذ اجتماعی آن بد گوشش رسیده بود خیلی میل داشت عضو این مؤسسه شود. به ارباب خود و دوستانش سماجت و اصرار میکرد که وی را عضو فراماسونری کنند. بالاخره آنها تصمیم گرفتند از سادگی او استفاده کرده تفریح کنند. چند نفر از ماسونهایی که او آنها را می شناخت در باغ دکتر اوآن جنونس مجلسی با لباس پندل تشکیل دادند و دستور تشریفات آن بوسیله يك ماسون قدیمی بنام «تیکر» بموری تنظیم شد. بموری قسم نامه ای نوشته بود که پسر جوان آنرا حفظ کرده و هنگام ورود به محفل ماسنی برانو در آمده و چشم بسته آنرا خواند. در این قسم نامه او روح خود را تسلیم شیطان کرده و به ماسون ها ابراز وفاداری نموده بود.

صاحبان مجلس سپس ظرف مقدس را به وی دادند که در آن بجای «شراب شوق» يك مسهل بسیار قوی ریخته شده بود. پسرک جوان به منظور انجام آئین «فداس» آنرا تا ته سر کشید و پس از آن ویرا مجبور کردند که کارهای زشت مختلفی انجام دهد. پسرک جوان تکالیف و وظائف محوله را بخوبی انجام داد و از گذراندن آئین ورود به فراماسونری بسیار خوشحال گردید.

حاجت بگفتن نیست که حاضرین مجلس نیز تفریح را بسیار شیرین و باب طبع خویش یافتند، بطوریکه تصمیم گرفتند بعنوان ارتقاء رتبه ماسونی این مجلس را باز تکرار کنند. ماسونها دسته جمعی به قهوه خانه های مختلف می رفتند و همه با قسم نامه اختراعی خود را می خواندند و رفقای خود و حتی بعضی از ماسونهای مؤمن را صاحب عقیده را به خنده می انداختند و باز هم وعده میدادند که هفته آینده مجلس را تکرار خواهند کرد. شب موعود پسر جوان را چشم می بستند و عریان میکردند و او با شدت هر چه تمامتر شلاقت میزدند. این شلاقها اگر چه عقل وی را زیاد نمی کرد ولی لااقل او را دل خوش میداشت که درجه ماسونی وی ارتقاء می یابد. حتی

کار این شوخی بجائی رسید که بمناسبت این جشنها دعوتنامه‌ای پخش و برخی آئین‌های آنرا تکمیل می‌کردند، چنانکه در مجلس آینده چشمهای پسر جوان را بستند و او را وارد يك زیرزمین تاریك ساختند و در کنار وی يك پياله الكل را آتش زدند و ناگهان چشم او را باز کردند. در عقب شعله‌های الكل يکی از کارگردانان محفل ملبس بطیلسان سیاه فراخی ایستاده بود. او صورت خود را بارنگهای سیاه و قرمز آرایش نموده و بر روی سر خود دو شاخ گاو قرار داده و اطوار و حرکات يك شیطان واقعی را داشت. ولی اتفاقاً این شیطان نقش خود را خوب بازی نکرد زیرا «دانیل ریز» که با کمال بلاهت هرچه را میشنید باور می‌کرد، شیطان را دید و باور نکرد و سخت ناشیگری نمود و حتی در جواب سؤوالهای پی‌درپی که از او میشد جواب داد که بهیچوجه نمی‌ترسد. برای اینکه وی را بشناسند الكل بظرف مشتعل اضافه کردند و باز چون دانیل نمی‌ترسید مایع را روی بدن او ریختند بقسمی که از شانه تا ران وی از الكل مشتعل سوخت.

اینجا دیگر جای شوخی نبود و با قبول روزنامه‌های فیلادلفی و قاضی محکمه اعمال و آئین تشریفات ماسنی رسمی خاتمه پذیرفت، زیرا «دانیل ریز» پس از سه روز احتضار و حشتناك بدون اینکه لحظه‌ای بحال ر هوش آید مرد. مرگ او سبب هیجان افکار عمومی شد و قاتل را به محکمه کشانید. در تمام مدت ۱۵ ساعتی که محاکمه او ادامه داشت طالار محکمه از جمعیت لبریز بود و بالاخره «اوان جونس» محکوم شد و طبق رسوم و قوانین ایالت پنسیلوانی جلاد دست راست وی را تماماً بسوخت. اما تنفر عمومی هنوز باقی مانده بود و مردم همچنان فراماسونری و محفل فیلادلفی را مقصر و مرتکب این عمل می‌دانست.

ماسونها خیلی سعی کردند که از خود رفع اتهام کنند و تشریح کردند که این کار آموزی از نظر ماسونی صحیح نبوده است و اشخاصی که مرتکب این جنایت شده‌اند هرگز ماسون نبوده‌اند. با اینهمه شهرتهای زشت و زننده داده شده بود و بدبینی عمومی نسبت بدیشان روز بروز بیشتر می‌گردید. از ۱۷۳۴ تا ۱۷۴۰ م

(۱۱۴۶ - ۱۱۵۲ هـ) مردم در همه جا سعی می کردند اسرار آنها را افشا کنند. در پاریس مردم بر ضد فراماسونها تصنیف ساخته و اشعار هجائی زیاد می سرودند.<sup>۱</sup> در عید میلاد مسیح ۱۷۳۷ (۱۱۴۹ هـ) بر ضد ماسونها شعری منتشر شد که در آن از تمام اشخاصی که بمناسبت جشن مذهبی به کلیسا می آمدند صحبت می شود و بالاخره از ماسونها بنحو زیر سخن می رفت:

از تمام نقاط کشور ما.

بطرز فنگینی بیرون شدند،

این جماعت سقراط مآب آمدند،

با شور و غوغا،

طفلی فریاد زد، ایندسته کیستند؟

باو جواب داده شد، اینها فراماسونها هستند.

که اگر ما در اینجا بودیم

دستی بسر و گوش تو می کشیدند.<sup>۲</sup>

حتی در انگلستان که مظهر فراماسونی و مبدأ حکومت جهانی ماسونی است، انتقادات شدیدی از این سازمان می شود. در سال ۱۷۲۳ م (۱۱۳۵ هـ) کتاب «کشف راز بزرگ فراماسونها» منتشر شد. نویسنده ماسونها را متهم کرد بدینکه از زویرت هائی هستند با لباس مبدل. اندکی پس از آن کتاب «ساموئل پریچارد» بنام (بطون ماسونی) که مطالب تحسین آمیز نسبت به ملك ماسونی نداشت منتشر شد. این کتاب مشتری و خواننده زیادی پیدا کرد، بطوریکه در اکتبر ۱۷۳۰ م (۱۱۴۲ هـ) پی در پی سه مرتبه از این کتاب تجدید چاپ بعمل آمد. راجع به «الم الخمر» بودن ماسونها نیز کتاب جداگانه ای بنام (مدح مستی دائم) منتشر گردید که شامل دو بخش بود:

۱ - فراموشخانه و انقلاب های قرن هجدهم ص ۹۷

۲ - رجوع شود بکتاب Raunie تصنیف ساز تاریخی جلد ششم ص ۱۷۴ و ۱۷۹

۱ - لزوم مستی دائمی

۲ - خمر دائم عادت قدیمی و اصلی مذهب کاتولیک است .

برای جوابگوئی به این حملات هر قدر « دز اگولیه » فعالیت و کوشش نمود و برای این منظور کتاب معروف « دفاع از فراماسونری ۱۷۳۰ م » را منتشر کرد ، مفید واقع نشد و توده مردم بیش از پیش به اتهامات وارده معتقد می شدند . در سال ۱۷۳۷ ( ۱۱۴۹ هـ ) یکی از مجلات مهم مؤثر لندن موسوم به ( لندن ماگازین ) مقاله مفصلی به فراماسونری اختصاص داد و چنین نوشت :

« این اتحادیه مخفی شباهت زیادی به محاکم انگیزیسون Inquisition دارد . انگیزیسون محاکم مخفی مذهبی است که در قرون ۱۲ تا ۱۹ میلادی در کشورهای مختلف کاتولیک برقرار بوده و مخصوصاً قبل از قرن نوزده در ایتالیا و اسپانیا ضد آزادی عقیده فعالیت می نمود و به قول خودشان کفار و زنادقه را محبوس و اعدام می کردند . »

نویسنده مقاله « ماسونها را دسته ای از اشخاص تنبل و بیکاره ای که جشنهایی منعقد می کنند و ضمن این اعیاد کارهای سنگ و تقلیدهای مضحاک و مسخره در می آورند می دانست و در خاتمه از دولت تقاضا کرد آنها را تحت مراقبت قرار داده و در صورت لزوم عقوبت و مجازات کند .<sup>۱</sup> »

فراماسونری به شهرتهای زشت آلوده شده بود و چون اشراف آنروز بسیار فاسد بودند و فراماسونری با آنها اشتراك منافع پیدا کرده بود به هیچوجه نمی توانستند از بدبینی مردم جلوگیری کنند . مردم می دیدند که « سرور بزرگ » فراماسونی از سال ۱۷۴۷ تا ۱۷۵۲ ( ۱۱۵۹ - ۱۱۶۵ هـ ) لرد بایرون است . او که لقب « بایرون بیعار » داشت و مشهور بود که از او ان جوانی با پسران تازه سال هم آغوش می شود ، مدت هفت سال در رأس فراماسونی قرار داشت درحالیکه مردم انگلیس او را از زشت کارترین افراد و رجال کشور می دانستند . او در یکی از مجالس

شرابخواری، بدمستی را بجاهای زشتی رسانیده تاجائیکه یکی از اقوام خود را گشت. محاکم انگلیسی که تحت انقیاد دولت و فراماسونها بودند، بایرون را فقط بیک جریمه نقدی مجازات کردند. قاضی نویسنده فرانسوی می نویسد: « کمی مجازات سرور بزرگ فراماسونری انگلستان را به بدنامی مشهور ساخت. در این مورد نمی توان فرض کرد که فراماسونها از عیوب اخلاقی رئیسشان بی اطلاع بودند. »<sup>۱</sup> یا اینکه لرد بایرون (دوک دووآرتن) بدون مقدمه و برخلاف انتظار پیم جمعیت شده بود، معذلت نمی توان گفت که آنها نمی دانستند او چه می کند. هندا ویرا سرور خود کرده بودند. « قاضی می نویسد:

«... فراماسونها معتقد بودند که امرای بزرگ با وجود معایبشان و با آنکه مثال آنها ضرر بزرگی به حسن شهرت جمعیت می زند، برای پیشرفت منظور آموشخانه بسیار مفید و لازم هستند [!!] البته منظور فراموشخانه هدف اخلاقی نیک و ساده حکمت و فضیلت مطلق و خیالی نبود... »<sup>۲</sup>

در ایران هم از روزیکه میرزا یعقوب خان و میرزا نیکار و گفته های مردم ملکم خان لژ فراموشخانه دایر کردند، شایعات فراوانی دربارۀ ماسونری دربارۀ جمعیت سرّی آنها در افواه افتاد. سرّی بودن این جمعیت با فردستی هائی که میرزا ملکم خان در رویا آموخته بود و در مجامع رجال و افراد سرشناس می کرد، سبب شد که دربارۀ آموشخانه و بعداً فراماسونری نیز در ایران حکایات عجیب که ناشی از بی اطلاعی عمومی بود منتشر شود.

بعلاوه وجود عده ای از شاهزادگان و درباریان عیاش و خوشگذران و فسی القلب بدآزادی، به حسن شهرت فراماسونری لطمه زد.

موقعیکه نگارنده مشغول نگارش این کتاب بودم، به اتفاق خان ملک ساسانی به

۱- فراموشخانه و انقلابهای قرن هیجدهم ص ۱۲۷

۲- ایضاً ص ۱۲۹

دیدن یکی از درباریان سابق که جدش و پدرش و حتی سایر اقوامش جزو فراماسونری و فراموشخانه بودند و خود او نیز از نویسندگان و سرمایه داران بنام است. رفتیم. وقتی از او درباره فراموشخانه و اعمال شنیع وزشتی که آنجا انجام می شد پرسیدیم؛ با کمال صراحت گفت: «در آنجا اعمال شنیع وزشتی صورت می گرفت» در اینجا ناچار از تکرار جملات آن مرد محترم خودداری می شود ولی نمی توان از تذکر ایش که جملات او جزئی از افکار عمومی آن زمان در باره ماسونری بود خودداری کرد. میرزا عبدالله کلاه که خود یکی از اعضاء فراموشخانه ملکم بوده داستانی در رساله «تقلب طرح جدید» درباره جوانی که خانواده اش از روسپیها بوده و می خواسته فراماسن بشود، نقل می کند. سرگذشت این جوان و عملی که میرزا ملکم خان در باره او کرده تقریباً شبیه، داستان جوان داروساز است که اینک عیناً و بدون تصرف نقل می گردد:

«... یکی از هموطنان به خیال فهم مسئله، و یا امتحان قوه حافظه خود داخل فراموشخانه می شود. از این جمله حسن آقا نامی که به پلیدی و بلاهت معروف و در ظرافت و سفاکت ضرب المثل همعصران خود بود. چون از مالیه دنیایی بهره و دست خالی بود به خیال دخول در فراموشخانه و عضو شدن در جامع آدمیت افتاد، که شاید به این وسیله گشایشی در امور معاشیه پیدا کرده و ضمناً خود را در جرگه آدمی جلوه داده باشد. این حسن آقا پسر رضاقلیخان نامی بود که در سن ۶۰ یا ۷۰ سالگی گرفتار به مرض فلج و استرخا شده زمین گیر و قادر به حرکت نبود و از کثرت استیصال و بی بضاعتی زن و دو دخترش ناچار از راه حرام کسب معاش می کردند. این پیرمرد فقیر بی بضاعت هم بواسطه مسدود بودن مهر و راه معاش لاعلاج تن به بی شرافتی داده و به قضاء آسمانی راضی شده اگر فرضاً هم ادراک مطلبی کرده می فهمید مهر خاموشی بر لب نهاده ابداً لا ونعم حرفی نمی زد و فقط به قوت و غذای آماده که شاید از پس مانده رنود و واردین بود قناعت کرده خشنود بود. اعمال

ناشایست آن زن و دخترها و رزبان اجامر و او باش قهوه خانه ها شده همواره بر عده واردین می افزود تا عاقبت کار بالا گرفت و دسته ای از دزدان شهر بارفاقت و دستیاری آنان شبها از نقاط مختلفه دستبرد زده بخانه رضا قلیخان که در جنب تکیه رضا قلی است می آوردند و در زیر زمینی که درب معبر آن در زیر توشک پیر مرد مفلوج و مسترخی بود انباشته و مضبوط می داشتند تا در موقع به مقام بیع در آورده و به آن را هر يك سهمی برداشته به مصرف گذران شخصی می رساندند . اتفاقاً شبی از دکان توتون فروشی واقعه در تکیه رضا قلیخان کیسه توتونی دستبرد زده به خانه منظور آورده و در زیر زمین معبود مضبوط نمودند . صبح آن شب صاحب دکه خبر دزدی و حادثه اتفاقیه را به عمله شب گرد اطلاع داد . عملیات تفتیش در صدد جستجو و تحقیق برآمدند . غفلتاً از ریزش توتون از سوراخ ته کیسه در موقع حمل و نقل بر روی زمین ریخته بود ، مشاهده کردند . این علامت را فوزی عظیم شمرده بر اثر علامت ریزش توتون آمده همینطور تا درب خانه رضا قلیخان رسیدند چون این خانه به بدنامی اشتہار داشت البته گرمه ها از حال واردین مختلف این خانه به لرزید و شك بودند خاصه اثر علامت توتون تا درب این خانه مستقیماً سیر کرده بهر نحو بود داخل خانه شدند . علامت ریزش توتون که در کریاس و دالان خانه االب توشک رضا قلیخان بخوبی بر روی زمین نمایان بود و اهالی خانه بواسطه تجری در عمل دزدی و قبی به علامت نگذارده اعتنائی نکرده بودند و یا اینکه بجهت غفلت و سوء اتفاق که علامت قهر خداوند است که گفته اند :

لطف حق با تو مداراها کند

چونکه از حد بگذرد رسوا کند

بهمینچوجه ریخته توتون را ندیده بودند بالاخره عملیات تفتیش و گرمه ها بهمان علامت تا نزدیک توشک پیر مرد مفلوج آمده و در آنجا بحالت بهت و حیرت ایستاده بنای استنطاق گذاردند . پس از سؤال و جواب زیاد آراء بر این قرار گرفت که پیر مرد مسترخی را حرکت داده که زیر توشک راهم احتیاطاً کنجکاو

و تحقیق کرده باشند همیشه پیرمرد را حرکت داده نوازش را بلند کردند در برابر زیرزمین معهود نمایان گردید در داخل زیرزمین اسباب و اشیاء مسروقه چندین ساله پیدا کردند و در چنین حالی هموطنان عزیزم می دانند که وضع سلوک گزیده ها عملجات احتساب به اهالی خانه از چه قرار و بچه منوال بوده ، همینقدر است که اسباب و اشیاء ضبط و اثاث البیت تاراج و خانه توقیف و ضبط دیوان اعلی اهالی محبوس شدند . در آن موقع حسن آقای سابق الذکر طفلی به سن دهم دوازده سال بیشتر نبود این بیچاره بی گناه هم در جزء محبوسین توقیف و به محبس رفت رضا قلیخان و زنش پس از چندی در محبس مردند .

حسن آقا و دو همشیره مکرماهش بعد از چند سال حبس مستخلص شدند ولی حسن آقا بعد از بیرون آمدن از محبس خیلی از این حادثه متألم و متأثر بود و از آن تاریخ بعد لقب خانی را که تا آن زمان به او حسن خان می گفتند از خود دور کرده خود را حسن آقا نامید و بکلی مراوده با فامیل خود را قطع نمود به خیال کلبه ای افتاد چندی دستفروشی و دوره گردی می کرد تا اینکه متدرجاً صاحب دکه مختصر کوچکی در غرب سبزه میدان گردید . تا اینکه شنید پرنس ملکم خان تأسیس فراموشخانه نموده با آن خیالات عالی که در وجود این شخص بود روزی در فراموشخانه پرنس ملکم خان وارد شد اظهار میل ورود به فراموشخانه و اقبال دخول در انجمن سری نمود . ملاحظه فرمائید شخصی را به سن بیست و دو یا بیست و سه با قاضی طویل ، قبا ی سه چاکی ، صورتی دراز ، پیشانی و پس گردن پهن ، دماغی درشت ، گوشهای بزرگ که تمام علامت بلاهت است به پرنس ملکم ورود نماید ، عنوان اقبال دخول در انجمن سری هم بکند . پرنس ملکم پس از ملاقات اندکی با عقل دورین و فراست جبلی از هیکل حسن آقا بدقت آثار بدایع خلقت خداوندی را مشاهده کرده به هوش فطری دریافت که باید با او چگونه رفتار نمود . بدو آ قهوه و قلیانی خواست پس از مصرف قهوه و قلیان عنوان صحبت کرد که بسیار خوب خیالی کرده ای برای دخول به فراموشخانه مبلغ دوازده تومان برای سرمایه صندوق جامع آدمیت ۷۰ م است .

این بدبخت هم برای پیشرفت مقصود باطنی مبلغ دوازده تومان تقدیم داشته اسم خود را ثبت در کتابچه آدمیت نمود و پس از آن ملکم خان برخاست خدا حافظی کرده حسن آقا هم از در بیرون آمد ولی همینکه چند قدمی رفت خیال فوری سبب معاودت حسن آقا گردیده مجدداً در اطاق اولیه داخل شده ملکم خان را خواست به پرنس اطلاع دادند حاضر شد. دید حسن آقا ست. علت معاودت فوری را سؤال کرد حسن آقا با کمال بلاهت و کنندی دست بدست مالیده اظهار داشت بلی مقصودی داشتیم بفرمائید قهوه و قلیانی بیاورند البته نیت خود را به عرض می‌رسانم. نزدیک بود که پرنس فتوری در دانش و ذکاوت خود پیدا کند که حسن آقا شروع به صحبت کرده عنوان نمود که مقصود از مزاحمت ثانوی این بود که می‌خواستم از جناب عالی تحقیق نمایم بهر حمت فرموده اسامی اشخاصیکه داخل فراموشخانه شده‌اند بهمن بخوانید. ملکم با کمال طمأنینه اظهار داشت که البته در موقع اسامی برادران انجمن و آنهاییکه داخل در فراموشخانه هستند خواهید دانست ولی فعلاً مقتضی نیست. مجدداً حسن آقا عرض می‌کند پس خوبست دستوری یا علامتی که ممکن است با آن علامت همدیگر را شناخت بهمن تعلیم فرمائید که در موقع برادران انجمن و اخوان سَری بخود را بشناسم. باز پرنس به وقت دیگر حواله نمودند که اموردنیا تدویر الحاصل است در مقام و جای خود یا مقتضی وقت خواهید ملتفت شد. در این بین قهوه و قلیان آوردند صرف شد.

حسن آقا در پیش خود خیال کرد که اگر سایرین برای دخول در جامع آدمیت ۱۲ تومان داده و قهوه و قلیانی صرف نمودند لله الحمد ۱۲ تومان من صرف دو قهوه و دو قلیان شد. اندکی گذشت پرنس ملاحظه کرد این شخص ۱۲ تومان داده و مدتی از وقت او را صرف بیهوده گوئی نموده. خواست بر خیزد و بقیه خیالات حسن آقا را به موقع دیگر بگذارد که باز حسن آقا اصرار کرد مستدعیم اقلاً علامتی از اصرار و علامات سَری را بهمن بفرمائید پرنس ملکم باطناً متغیر شد ولی در ظاهر خیلی خود را حفظ کرده فوراً مزاحی به خاطرش رسید که شاید

با این شوخی و مزاح عجالتاً از گیر این نافهم بیشعور مستخلص شود. این بودرو را به طرف حسن آقا کرده گفت در این انجمن سَرّی و فراموشخانه علامات بسیار است که حالیه ممکن نیست تمام آنها را به شما گفت ولیکن من یکی دو علامت بزرگ خیلی مهم را که اظهار آن بهیچکس و در هیچ موقعی نباید بشود به شما می گویم. اما باید بدانید که اظهار این علامت که بزرگترین علامات فراموشخانه است حتی المقدور به قوه متخیله نباید آورد و به زبان نباید رانده شود مگر وقتی و یا موقعیکه نهایت اهمیت را داراست که اگر بالفرض آن علامت را به زبان نیاوری خطر بزرگی و یا اتفاق و حادثه غریبی رخ خواهد داد. در آن وقت آن علامت را باید بی پرده اظهار نمائی ولیکن اکیداً شما را غرض می نمائیم که مبادا در غیر موقع و غیر محل استعمال این علامت که البته نتیجه وخیم خواهد داشت بنمائید. صحبت را که با تمام رسانده اندکی توقف کرده فرموده بلی دیگر لازم نمی دانند که در این باب بیشتر از این تأکید نمایم ولی به شما هم می گویم که اگر در غیر این مورد این علامت را اظهار داشتید محققاً با جان خود بازی کرده اید چون شما تازه داخل در فراموشخانه شده اید نباید بر این علامت بزرگ اطلاع پیدا کنید ولی برای اینکه خیلی اصرار کردید مجبوراً به شما می گویم و آن علامت عبارت از این دو جمله است: «که نخورد» را بگذار! این را گفته به سرعت با حسن آقا خدا حافظ کرده به اطاق دیگر رفت. حسن آقا با وجدی فوق التصور از فراموشخانه بیرون آمده همیشه این دو جمله عبارت را یواش یواش ورد زبان ساخته و با خود مکرر می گفت که مبادا فراموش نماید (این مسئله را هم نباید نگفته گذاشت که در موقع تاراج خانه رضا قلیخان پدر حسن آقا را هم از طرف دولت توقیف داشتند ولی قبالة آن خانه در نزد یکی از اقوام و بستگان حسن آقا بود که پس از خروج حسن آقا از محبس به او دادند و با مشورت و پیش بینی اینطور مقرر شد که محض سرمایه و به دست آوردن مختصر وجهی قبالة آن خانه را به گرو و رهن در نزد ابوطالب ناعمی که پول

منفعت می داد گذارده مبلغ سیصد و پنجاه تومان به مدت یکسال با فرع توهانی  
 دوپست و پنجاه دینار بگیرند ، به این دستور عمل کردند . لیکن پس از انقضای  
 مدت ، حسن آقا از عهده ادای طلب ابوطالب نتوانست بر آید . مدتی به طفره و لیت و  
 لعل گذرانید . ابوطالب همین که از مطالبه خسته شد و مدتی گذشت چاره کار را در  
 ضبط خانه دانست ولی بدبختانه وقتی به سر وقت خانه رفت معلوم داشت که خانه  
 را مدتهای مدیدی است دیوان ضبط کرده لاعلاج به دیوان عدلیه تظام برد از دیوان  
 عدالت حسن آقا را خواسته در این باب تحقیقات به میان آمد ولی عاقبت الامر مقرر شد  
 که برای ترافع و محاکمه به خانه یکی از حجج الاسلام بروند ، حسن آقا در این مورد  
 قصه ورود حضرت حجة الاسلام آقا سید صادق را به فراموشخانه به خاطر آورده  
 راه بر طرف نمودن این غائله و رفع این اشکال را اینطور با خود خیال کرد که ترافع  
 و محاکمه بهتر آنست به درب خانه آقا سید صادق باشد تا از همراهی و معاونت آن  
 برادر سری خود از شر ابوطالب محفوظ بماند . از امنای عدالتخانه خواش کرد  
 که خوب است مقرر دارید به خانه حجت الاسلام آقا سید صادق برویم . چون تعیین محل  
 ترافع باید به میل مدعی باشد و لیای دیوان عدالت قبول کرده نوشتند که هر دو به خانه آقا  
 برای محاکمه و ترافع حاضر شوند . روز اول و دوم مرافعه به ثبوت رسیده معلوم  
 و محقق گردید حق ابوطالب است و حسن آقا باید مبلغ سیصد و پنجاه تومان با  
 تنزیل یکساله داده سند خود را با قبالة خانه موهوم گرفته بعد در محضر آقا ثابت  
 نماید ، خانه مذکور که به اسم پدرش رضا قلیخان و مدعی است که پدر او بوده  
 فعلا متعلق به اوست آنوقت خانه را به حکم شرع بدست هر که هست گرفته تسلیم  
 نمایند . حسن آقا خیلی به حضرت آقا عجز و لایه کرد که اگر خانه را نگیرند و به  
 من ندهند من از ادای این دین عاجز میکنم نیست بتوانم این پول را بپردازم .  
 آقا فرمودند این صحبت و ادعا ربطی به دین توبه ابوطالب ندارد . مبلغ سیصد و  
 پنجاه تومان با اجرت المثل خانه حسن آقا را باید پرداخت و بعد حق خود را  
 ثابت کرد . حسن آقا امروزه با کمال یأس از همراهی نکردن آقا بر خاسته رفت چند

روزی گذشت مجدداً فراش دیوانخانه به مطالبه پول ابوطالب آمد . حسن آقا را به محضر آقا حاضر ساخت . حسن آقا عرض کرد بنده بعضی عرایض به حضور مبارک دارم حضرت آقا به تصور آنکه این شخص اطلاعاتی بررد ثبوت ابوطالب دارد یا اینکه . . به حضور مبارک آورده فرمودند بسیار خوب هر چه می دانی بگو . حسن آقا دست به دست مالیده عرض کرد بفرمائید قهوه و قلیانی بیاورند تا مطالب خود را به عرض رسانم . حضرت حجت الاسلام به خیال فرمود از برای ارباب قهوه و قلیانی بیاورید فوراً چشم حسن آقا از وجد و خوشحالی برق زده اینطور احساس کرد . لله الحمد که اظهار علائم کوچک به حضرت آقا گرفت و محتاج به گفتن علائم بزرگ نشدیم . قهوه و قلیانی آوردند صرف شد حضرت آقا قلیل مدتی منتظر و مترصد شنیدن اطلاعات حسن آقا شد . حسن آقا چون حرفی نزد آقا هم مشغول انجام و انجاء سایر امور مرجوعه شد . حسن آقا هم به تصور اینکه علامت کوچک ثمر خود را بخشیده از محضر آقا برخاست و رفت . چند روزی که گذشت مجدداً از طرف ابوطالب از دیوانخانه عدالت مطالبه پول و نتیجه عمل شد و مأمور به خانه حضرت آقا رفت که از دیوانخانه نتیجه عمل ابوطالب و حسن آقا را می خواهند . حضرت آقا امر فرمودند که حکم صریح بر ثبوت دین حتمی حسن آقا که مبلغ سیصد و پنجاه تومان با اجرت المثل خانه است نوشته شود و باید لاکلام این مبلغ را بپردازد . فراش حکم را گرفته به دیوانخانه آورده و بعد حکمی مطابق حکم آقا از طرف عدلیه نوشته شده به دست فراش مأمور دادند تا از حسن آقا جداً مطالبه آن وجه را نماید . حسن آقا درب دکه خود نشسته بی خیال در این چندروزه خیلی از پیش آمد کار و نتیجه عمل بواسطه دادن دوازده تومان و فهمیدن علامت علامات کوچک و بزرگ فراموشخانه و بکار بردن علامت کوچک خوشوقت و مسرور بود . یکمرتبه دید فراش مأمور دیوانخانه با حکمی سخت در دست آمده باکمال تشدد و سختی چهارصد و کسری پول و مبلغی قلق و حق الزحمه مطالبه می کند با نهایت تحیر سؤال کرد که این حکم را خود حضرت حجة الاسلام آقای سید صادق

دادند. فراش با تندی جواب داد مگر کوری خط و مهر آقا را نمی بینم. حسن آقا فکری کرده جز اینکه خود به حضور مبارك آقا برود چاره ندیده لاعلاجاً برخاسته بهمراهی فراش به خانه حضرت حجة الاسلام آمده داخل اطاق شده با نهایت احترام سلام غرائی کرده با اینکه جمع کثیری در خدمت آقا حضور داشتند ممکن بود که شاید حضرت آقا چندین ملتفت او نشود معذالک پس از جواب سلام جائی بادست برای حسن آقا تعیین کرده تعارفی هم فرمودند. محضر آقا به واسطه ورود حسن آقا مختصر سکوتی در حصار مجلس حاصل نموده که یکمرتبه از جلوارسی، فراش دیوانخانه بلند عرض کرد حضرت آقا ما که خسته شدیم از بس رفتیم و آمدیم این آدم پول نمی دهد همه روزه طفره می رود گاه می گوید این خط و مهر آقا نیست گاه می گوید مدیون این پول نیستم استدعا دارم امروز این کار را تمام کنید، تکلیف ما هم معلوم شود. حضرت آقا فرمودند ارباب به شما گفتم این پول دین شماست باید پرداخت ولیکن در خصوص خانه باید اولاً ثابت نمائید که رضاقلیخان پدر شماست ثانیاً ثابت نمائید که این خانه رضاقلیخان پدر شما را دیوان بدون جهة ضبط کرده تا حکم داده شود حسن آقای بیچاره دید کاری اندازه مشکل شد دست بدست مالیده گفت حضرت آقا عرض کردم بنده عرایض به حضور مبارك دارم. ضمناً در پیش خود خیال کرد که شاید آقا به واسطه طول مدت علامت کوچک را فراموش فرموده اند آقا فرمودند اگر مطلبی بر رد ثبوت این دین داری بی پرده اظهار کن والا باید این پول را بدون حرف بدهی. باز حسن آقا مطلب پیش را تکرار کرده که بنده عرایض سری دارم که باید به حضرت آقا بگویم، حضرت آقا باز فرمودند مطلب سری کدام است هیچ چاره ندارد بدون گفتگو این پول را باید پرداخت در این بین هم فراش از خارج اطاق فریاد کسود آقا بینید ما از دست این مرد چه می کشیم که یکمرتبه حسن آقای اختیار شده گفت «که نخور... در... را بگذار» این گفتار بر تغیر آقا افزوده با کمال تشدد فرمودند این فضولها یعنی چه... مجدداً حسن آقا بلند گفت: «که نخور در... را بگذار» بلی «که نخور در...

را بگذار، آقا بی اندازه متغیر گردیده امر کردند این مرد که بی معنی را از اینجا بیرون کنند و لکن بر خوف حسن آقا افزوده بدون اینکه بفهمد چه می گوید مکرر می گفت بزرگ مبارک آقا علامت بزرگ است که نخور در ...<sup>۱</sup> را بگذار ...  
 بعدها معلوم شد که ملک خان بدینوسیله کلاه عدیه زیادی از مردم ساده لوح را برداشته و به آنها رمز مهم فراموشخانه که حلقه ارتباط با بزرگان مملکت است گفته و این خود یکی دیگر از افتضاحات ماسونی و دکان کلاهبرداری به نام فراموشخانه و فراماسونی در ایران است.

# فصل بیست و سوم

## لژ خزعل خان

لژ «خزعل خان» تنها لژ تابع «کراند لژ مصر» در ایران است که در اواخر جنگ جهانی اول تشکیل شده. این لژ دویست و شصت و سومین لژی است که «لژ بزرگ وطنی مصر» در آن کشور و سایر ممالک عربی، افریقائی و آسیائی تأسیس کرده. و مدت کوتاهی نیز در شهر خرمشهر و در فیصر «فیلید» شیخ خزعل فعالیت داشت. لژ بزرگ وطنی مصر یکی از گرانند لژهای مقتدر و با نفوذی بود که در سال ۱۲۲۵ هـ (۱۸۱۱- م) در قاهره تشکیل شد.

لژ «خزعل خان» را بابستی يك لژ خانوادگی فراماسونی شخصیت خزعل دانست. زیرا اگر چه تمام شرایط و اصول و مقررات ماسونی در تشکیل آن رعایت شده و با اجازه نامه رسمی و در حضور نماینده اعزامی لژ مصر افتتاح شده بود، معذکدر مدتی که لژ مزبور در خرمشهر فعالیت می کرد، اعضاء آن منحصرأ مربوطه بدستگاه حکومتی شیخ خزعل بودند، و در لژ مزبور تعداد کمی از سرشناسان محمره و اهواز عضویت داشتند.

شیخ خزعل رئیس قبیله محیسن در سال ۱۲۷۷ هـ (۱۸۶۱- م) بدنیا آمده و در سال ۱۳۱۴ (۱۸۹۷- م) بجای برادر مقتولش شیخ مزعل حکمران خوزستان شد. بطوری که نویسنده کتاب «آدمیت» می نویسد: شیخ خزعل قبل از رسیدن



شیخ خزعل سردار اقدس  
بنائیان و حمایت دولت  
بریتانیا .

به حکومت عربستان و نشستن بر مسند ریاست ، انگلستان را مطمئن ساخت که از قدرت و اقدامات خودش برای پیشرفت و ترویج مقاصد بریتانیا استفاده خواهد کرد و بعدها هم به وعده‌های خود کاملاً وفا کرد.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۲۶ هـ ( ۱۹۰۹ - م ) از دولت انگلیس لقب (کی - سی - آئی - یی)<sup>۲</sup> گرفت و در سال ۱۳۳۳ هـ ( ۱۹۱۵ - م ) از طرف فرمانروای کل هندوستان به رتبه<sup>۳</sup> ( کی - سی - ای - اس ) ارتقاء یافت .<sup>۳</sup>

در بهار سال ۱۳۳۳ - ( ۱۹۱۵ - م ) طوایفی که در خوزستان زندگی می‌کردند ، به تحریک آلمانها و ترکها دست بیک شورش دسته جمعی علیه انگلیسها زدند ، و بمنظور قطع لوله‌های نفت جنوب ایران قیام مسلحانه‌ای را آغاز کردند . ولی قوای مسلح و چریک شیخ خزعل ، با کمک دیویزیون ۱۲ ارتش انگلیس در عراق و ایران ،

۱ - کتاب آدمیت به زبان عربی چاپ بغداد ص ۳۹

۲ - K . C . i . E - ۲

۳ - k . C . i . S - ۳

شورشیان را سرکوب ساختند .

شیخ خزعل که از طرف شاهان قاجار بدریافت لقب « سردار ارفع » و « سردار اقدس » مفتخر شده بود، در خوزستان و سواحل عربی خلیج فارس و حتی قسمتی از مغرب و جنوب عراق که در آن زمان تحت تسلط عثمانیها بود ، سلطه زیادی داشت . بطوری که می توان او را با نفوذترین و معروفترین حکمرانان ایران دانست . خزعل با اینکه ملیت عربی داشت ، معذلتك همیشه نسبت به دولت ایران وفادار بود و در حفظ و حراست مرزهای ایران در عین داشتن (حکومت مطلقه) می کوشید .

شاید روی همین نفوذ و اعتبار فراوان بود که لژ  
تشکیل لژ فراماسونری مصر در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۳۱۷ هـ ( ۱۸۹۵ -  
خزعل خان ۱۹۰۰ - م ) او را در بغداد وارد یکی از لژهای خود ساخت .  
در سال ۱۳۴۰ هـ ( ۱۹۲۲ - م ) که او بدرجه استادی رسید  
و شرایط ریاست و استادی کرسی يك لژ ماسونی را احراز کرد پیشنهادش را برای  
تأسیس لژی به نام خود وی در خرمشهر پذیرفتند .

معلوم نیست که چه کسانی اعضای مؤسس لژ (خزعل خان) بوده اند ولی محققاً  
از طرف لژ بیروت یکی از استادان فراماسونی به نام «رزق الله الحاج» لبنانی که درجه  
«استاد اعظم» داشته ، به نام نماینده و ناظر لژ بزرگ وطنی مصر ، از مرکز لژ  
مأمور شده بود که به محرمه آمده و تشریفات تأسیس لژ را انجام دهد .

بطوری که نگارنده در یادداشتهای خصوصی یکی از متنفذین جنوب دیده است<sup>۱</sup>  
در سال ۱۳۳۹ هـ ( ۱۹۲۱ - م ) شیخ خزعل و حاجی محمد علی بهبهانی که در  
بغداد و مصر فراماسون شده بودند ، با اتفاق پنج نفر دیگر که آنها هم از ماسونهای  
عرب بودند ، پیشنهادی برای تأسیس لژ در محرمه (خرمشهر) به گرانددلتر مصر  
تسلیم می کنند .

۱ - پدر این شخص عضو لژ فراماسونری نجفای بهره بوده و در خوزستان نفوذ فراوان



شیخ خزعل سردار اقدس در لباس استادی قراماسونها. بانسان وحصایل ماسوتی، این تصویر از داخل کتبی قاضی خزعل خان گرفته شده. عکس از: دکتر کاروانیناسیان

پیشنهاد این هفت ماسون به دو لژ ماسونی مصری در بغداد و بصره احاله شده، و پس از اینکه این دو لژ شخصیت شیخ خزعل و مراتب صحت شش ماسون دیگر و صلاحیت آنها را در تأسیس لژ تصدیق نمودند، موافقت خود را بگراوندلژ با تشکیل لژ جدید مصر در خرمشهر اعلام داشتند.

گراوند لژ مصر، پیشنهاد خزعل و موافقت دو لژ مجاور و نزدیک به لژ خزعل را در کمیته گراوند لژ مورد بررسی و تأیید قرار داد و فرمان تأسیس لژ خزعل خان را تأیید و صادر کرد.

نویسنده یادداشتها هیچگونه تصریحی در باره تاریخ تأسیس لژ مزبور و یا ذکری از اسامی اعضای مؤسس نمی‌کند. بهمین جهت به طور تحقیق و قطعی نمی‌توان گفت که فرمان تأسیس این لژ در چه روز و چه سالی صادر شد و چه کسانی عضو مؤسس بوده‌اند.

پس از تشکیل لژ که محل آن در سه سالن مستقل کاخ فیلیه در کنار شط العرب بود، شیخ خزعل فرزندان و اقوام و نزدیکان صمیمی و وفادار خود را وارد لژ ساخت و بهر يك از آنها یکی از مقامات لژ را تفویض کرد.

فرزند بزرگ او شیخ جانب که در ۱۳۰۸ هـ (۱۸۹۱ - م) متولد شده بود، بعادت خشونت‌ی که داشت در لژ جانشین و مقام سرپرست اول را نداشت و دو مقام مهم:

۱ - سرپرست اول را به حاج محمد علی بهبهانی رئیس‌التجار خرمشهری

۲ - سرپرست دوم را حاجی مشیر پسر حاج محمد علی بهبهانی

عهددار شده بودند.

غیر از افراد فامیل اود و نفر دیگر که در شیخ خزعل نفوذ فراوان داشته‌اند، در لژ مزبور موثر بوده‌اند؛ اولی میرزا سید حسنخان رئیس مالید خوزستان است، که حتی از اسرار داخلی قصور شیخ اطلاع داشت و دومی سرهنگ ارغون نام

دارد که هر دوی آنها طرف اعتماد و وثوق سردار ارفع بوده اند . لژ مصر به علت خدماتی که شیخ خزعل در تأسیس و تشکیل لژ محمره ، کرده بود ، روز ۲۸ نوامبر ۱۹۲۳ م ( ۱۳۴۱ - ه ) يك نشان طلا به وی اعطاء نمود و همراه با آن فرمان زیر را نیز بنام او صادر کرد :

محفل بزرگ ملی مصر

مرکز فراماسونهای آزاده و درستکار

شماره ۳۲ - ۲

چون برادر محترم شیخ خزعل خان دارنده درجه ریاست و از اعضای محفل خزعل خان شماره ۲۹۳ تابع محفل بزرگ مصر خدمات شایان توجهی برای عشیره ، انجام داده است . از این نظر به دریافت امتیاز مخصوص (شرف) نائل می آید . روی این اصل به مناسبت این خدمات بزرگ محفل بزرگ ملی مصر نشان طلا به او اعطاء می کند و اجازه مخصوص از طرف ما صادره شد که برادر مورد اشاره این نشان را در جشن ها و سنتهای فاسونی مورد استفاده قرار دهد و این فرمان بدین مناسبت تحریر شده است .

در شهر قاهره روز ۲۸ نوامبر ۱۹۲۳ کتابدار بزرگ محمد رفعت - استاد بزرگ سید علی .



لأن الأسماء منهم شيخ مصرى عالم الخائز لدرجته الشاسعة ومن أعضاء مجلس مصرى  
 ١٩٢٤ التابع للمصرى مصرى، قد أدى خدمات جليلة للعلم برفقته استحق بها  
 أن ينال امتيازاً خاصاً من امتيازات الشرف. ولذلك منحه المجلس بغير  
 تردد مصرى الشرف. مكافأة له على تلك الخدمات العظيمة  
 وقدر الترخيص من الأسماء من إليه أن يحصل هذا الترخيص في الاحتفالات  
 والبرامج المأسومية وقد حررت له هذه البراءة في ذلك  
 في مدينة القاهرة في ٢٠ من شهر ١٩٢٤

الأستاذ الأعظم

مكتب مصر الأعظم



بسم الله  
مبدع الكون الأعظم



محفل

رقم ٣ ش . بيروت

نحت رعاية

المحفل الأكبر الوطني للشورى الإسلامية

## ( طلب التعاق )

حضرات الاعزاد رؤس وأعضاء محفل الجمعية الترميز

تحية أخوية وسلاماً مثلاً . وبعد فاني أقدم أبناء محفل ..... التابع .....  
قد تكبرست في الدرجة الأولى بتاريخ ..... ثم وبيت إلى الدرجة .....  
بتاريخ ..... ولعلك الشهادة التي تشعرك بالي عالم بجميع واجباتي تجاه عظمي الأبوي، ولقد  
يشت ملناً قبولي في عطفكم الموقر مثلاً خضوعي التام لقوانين المحفل الأكبر القومي السوري اللبناني  
ومبدع الكون الأعظم يحفظكم  
اترفع

الحزب

افترائي الاعزاد رؤس وأعضاء محفل الجمعية الترميز

تحية أخوية وسلاماً مثلاً . وبعد فاني أقدم إلى المحفل الأخ ..... مسترقاً .....  
بحقيقة جميع ما جاني كتاب طلب الانعاق أعلاه ، واجياً لبراء المراسيم القانونية بحقه  
ومبدع الكون الأعظم يحفظكم

الأخ

سنة ١٩٩١

في

تقاضا ناماً وروود داوطلبين به محفل قواما سورى مصر وسورية

# الشرق الأكبر اللبناني السوري

ل سوريا ولبنان وامصارهما

حفلة تنصيب الموظفين والضباط

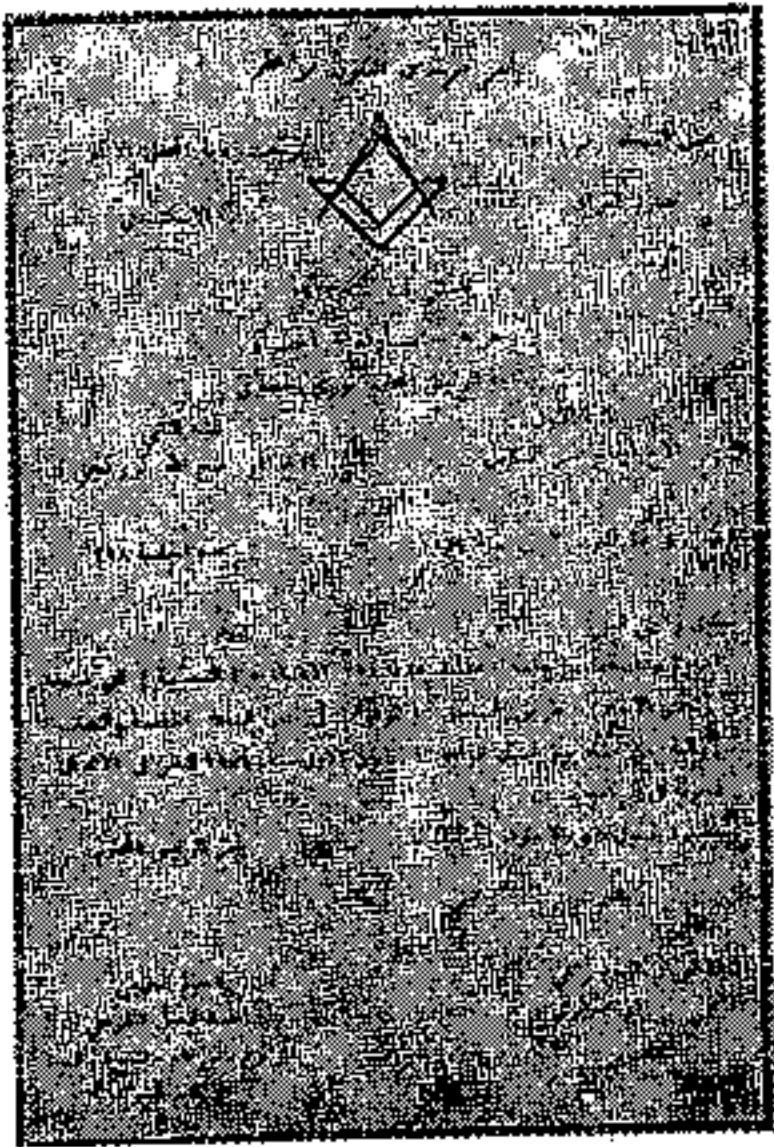
المظام

الاستاذ الاعظم السابق والمنحجب

سمو الداعار احمد نامي بك

رئيس دولة سوريا سابقاً

بيروت: ٦ شباط سنة ١٩٣٦



یکی از اسناد نثر قیجای عراق که در ذیل آن امضاء احمد فیصل خزعل دیده می‌شود.

توسعه روز افزون نفوذ شیخ خزعل در جنوب ایران  
مخالفت انگلیسها و اقتداری که او در کنار لوله‌های نفت بهم زده بود، بتدریج  
با خزعل انگلیسها را به وحشت انداخت و به همین مناسبت باوجود  
اینکه از نخستین روزا بر از قدرت و از زمانی که جانشین برادرش شد، طبق نوشته  
خود انگلیسها<sup>۱</sup> همواره جانب احتیاط و وفاداری را نسبت به آنها رعایت می‌کرده،  
معدك انگلیسها از او روی برگردانند.

خزعل در نامه‌ای که به قوام‌الدوله نوشته است در این باره چنین می‌نویسد:  
«... به خوبی ملتفت هستم که سیاست انگلیسها را جمع بمن صورت انحرافی  
به خود گرفته و رفته رفته می‌یشم عوامل کمپانی نفت مخالفت‌های کوچکی را نسبت  
به اعمال من نشان می‌دهند. و با اینکه کوچکترین کارهای کمپانی نفت جنوب بایستی  
به من مراجعه شده حل و فصل شود، مع الوصف دیده می‌شود که مستقیماً خودشان دخالت  
کرده غالباً قضایای مربوطه را از من پوشیده و مکتوم می‌دارند...»<sup>۲</sup>

مقارن همین وقت شیخ خزعل هم که از روز اول کودتا از سردار سپه  
(اعلیحضرت فقید - رضاشاه کبیر) بی‌مناك بود و او را برهم زن اساس حکومت  
مطلقه خود در خوزستان می‌دانست، نسبت به وصول مالیات دولتی متعرض شده  
تلگراف شدیدالحنی به وزارت مالیه - رونوشت به سردار سپه مخابره کرد.

جریان واقعه از اینقرار بود که در این زمان دکتر میلپوک که سمت ریاست  
مالیه ایران را داشت، مشغول جمع‌آوری مالیات عقب افتاده رؤساء و گردن کلفت‌های  
ایالات و ولایات بود و می‌خواست چهار صد و سی هزار تومان مالیات عقب افتاده  
بخزعل را وصول کند:

«... دکتر میلپوک مفخم السلطنه رئیس مالیه خوزستان را تلگراف پیچ کرد

۱ - یادداشت‌های سری رضا شاه ص ۹۱

۲ - تاریخ بیست ساله جلوسوم ص ۵۹

که بدهی خزعل را باید وصول کنی . مفتخر السلطنه تلگرافها را به خزعل نشان داد و همانطوریکه انتظار می رفت خزعل بی نهایت عصبانی شده ، به وزیر مالیه و سردار سپه تلگراف کرد . « این مرد که اجنبی کیست که از من مطالبه پول می کند ! من نه تنها بدولت بدهکار نیستم بلکه طلب هم دارم »

سردار سپه در جواب تلگراف شیخ ، تلگراف بسیار متین و مؤدبانهای مغایره کرده ، نوشت : « با کمال تأسف این اقدام بدون اطلاع من صورت گرفته است و من خودم آنرا اصلاح می کنم . »

با مغایره جواب تلگراف از طرف شیخ خزعل ، رابطه حسنه سردار سپه و شیخ قطع و در سرتاسر خوزستان ناسور شدیدی برقرار شده ، ضمناً بلافاصله « کمیته قیام سعادت » بوسیله شیخ خزعل و سرداران بختیاری تشکیل شده و شیخ برای تهیه عشایر و قبایل خود و تجدید عهد و بیعت با لباس رسمی شیخوخت که عبارت از : ( عمامه معروف به عمامه عباسیان و لباس مشکی شیخ المشایخی ) است به طرف منطقه عشایر کعب و باوی و غیره حرکت کرد و پس از دوازده روز به ناصری ( اهواز فعلی ) باز گشت . از فردای آن روز ، ورود اعراب سواره و پیاده به اهواز آغاز گردید ، به طوری که در ظرف دوازده روز قریب ۲۰ هزار نفر عرب مسلح به ناصری وارد شده و غوغای غریبی برپا کردند .

شیخ خزعل در تهران با مدرس و محمد حسن میرزا « ولیعهد » تماس گرفته و نماینده ای با يك میلیون تومان پول به پاریس اعزام داشت تا احمد شاه را وادار به مراجعت کند . در این میان امیر مجاهد بختیاری هم به او ملحق شده ، ضمناً سید ضیاء الدین هم از بغداد به بصره آمده ، چندین بار با خزعل و پسرانش ملاقات کرد . سردار سپه که وضع خوزستان را وخیم دید ، بدون اطلاع دولت و مجلس ، به اسم مسافرت به اصفهان و شیراز به طرف بوشهر و زیدون حرکت

کرده و با قشونی که جمع کرده بود، برای سرکوبی خزعل عازم محمره (خرمشهر) شد.

در بین راه کنسولگری‌های انگلیس سعی کردند ایشان را از حرکت به محمره منصرف سازند، ولی سردار سپه اعتنایی به آنها نکرد، در میان ترس و وحشت خزعل و یارانش و حتی نظامیان و اطرافیان خود وارد ناصری (اهواز) و سپس محمره شد. دو روز پس از ورود سردار سپه به محمره شیخ خزعل تلگرافی به مجلس مخابره کرده نوشت: «... فعلاً که بهمر احم حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا دامت عظمه امنیت حاصل گشته مخصوصاً عفو انعامی که از پیش آمدهای گذشته فرمودند حقیقتاً لازمه بزرگواری و سرپرستی را فرمودند قلباً از واقعیتی که بواسطه فساد مفسده جوینان پیش آمد کرده بود اظهار ندامت و تأسف می نمایم». فردای آن روز شیخ خزعل بدیدن سردار سپه رفته و ضمن ابراز تأسف از حوادث گذشته گفت: «... چون کسالتی شدت کرده وضعف پیری نیز مزید بر علت شده است. استدعا دارم اجازه فرمائید. در ناصری بمانم و یکی از پسرانم در نقاطی که سرکشی خواهید کرد در خدمت باشد».

سردار سپه تقاضای او را پذیرفت و همانروز حکومت نظامی خوزستان به ریاست سرتیپ فضل‌الزاهدی برقرار شده پس از عزیمت سردار سپه از خوزستان، سرتیپ فضل‌الزاهدی، يك روز بدون اطلاع داخل کشتی (ناصری) که شیخ خزعل در آنجا بسر می‌برد شده او را توقیف کرده و پس از چند روز به اتفاق فرزندان او به تهران آوردند.

با دستگیری شیخ خزعل خان به تحقیق لژ خزعل خان هم  
**انحلال لژ** تعطیل شد. زیرا تشکیل لژ مزبور فقط در اثر (اقتدار  
**خزعل خان** و نفوذ) شخص شیخ خزعل خان بود، و لژ (بزرگ وطنی  
 مصر) بخاطر جلب نظر و استفاده از نفوذ شیخ در جنوب

۱- در این کشتی اقلب جلمات محفل لژ (خزعل خان) تشکیل می‌شد.

بین النهرین، جنوب ایران و سواحل عربی خلیج فارس، موافقت و اقدام به تأسیس لژ شماره ۲۶۳ بشام خزعل خان کرده بود.

در تمام مدتی که لژ خزعل خان در محصره دایر بود، عده‌ای از رؤسای ایلات متنفذ و شیوخ - به خصوص شیخ مبارک حاکم کویت - و چند تاجر و صاحب نفوذ خوزستانی وارد لژ مزبور شدند.

پس از دستگیری شیخ خزعل لژ مصر از لژ فیحای بصره تقاضا کرد تا کلیه اثاثیه و لوازم، نشانه‌ها و حمایل و فرامین لژ مزبور را تحویل گرفته، اسناد و مدارک و نشانه‌های خصوصی را در بایگانی خود ضبط کند. و بقیه که قسمت اعظم آن اشیاء قیمتی و با ارزش بود، در لژ فیحا مورد استفاده قرار گیرد.

لژ فیحا - تابع لژ اسکاتلند در اگست ۱۹۲۳ - (۱۳۴۰ هـ) در بصره تشکیل شده بود و به واسطه ارتباطی که لژ اسکاتلند با لژ مصر داشت و یکدیگر را به رسمیت شناخته بودند، لژ فیحا نیز لژ خزعل خان را قبول کرده و به رسمیت می‌شناخت و به همین جهت به محض وصول دستور گراند لژ اسکاتلند لژ مصر فوراً چند نماینده و مأمور مخصوص به محصره فرستاده، کلیه اموال و اثاثیه و مدارک لژ خزعل خان را تحویل گرفت. همه این اموال به بصره منتقل شده و هم‌اکنون نیز قسمتی از بایگانی راگد لژ فیحا مخصوص ضبط «لژ خزعل» است.

نام فیحا که اسم قدیمی شهر بصره است. به اولین لژ اسکاتلند در شهر بصره داده شده، و این لژ هزار و سیصد و یازدهمین لژ اسکاتلند در دنیا است. این لژ از سال ۱۳۴۱ هـ (۱۹۲۳ م) تاکنون همواره در قسمت غربی شط‌العرب و سواحل عربی خلیج فارس و حتی خوزستان و قسمتی از لرستان فعالیت زیادی داشته و دارد و عده کثیری از رجال ایرانی و شیوخ عربی را وارد سازمان خود کرده است. در این لژ احمد خزعلی، خزعل، شیخ عبدالکریم خزعل و سایر افراد این خانواده نفوذ فراوان دارند. و چندین دوره قسمتهای حماس لژ در اختیار فراماسونهای

عضو خانواده خزعل بوده. چون قصد نوشتن تاریخ و جزئیات لث (فیحا) را نداریم و از طرفی به منظور جلوگیری از طول کلام فقط به ذکر اسامی رؤساء و محترمین لث فیحا از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۷۳ هـ (۱۹۲۳ تا ۱۹۵۴ - م) می پردازیم:

۱- برادر شیخ محمد امین باش اعیان

۲- برادر دواد سکر

۳- برادر شیخ عبدالقادر باش اعیان

۴- برادر ابراهیم ریحان

۵- برادر اسکندر منصور

۶- برادر الحاج مصطفی طه سلمان

۷- برادر توفیق نقیب

۸- برادر عبدالوهاب نعمه

۹- برادر رزوق سیقا

۱۰- برادر حقی حبیبه جی

۱۱- برادر احمد فیصل خزعلی

۱۲- برادر نوری خصیری<sup>۱</sup>

به موجب سندی که نگارنده، دیده است<sup>۲</sup> اداره کنندگان لث را در سالهای

۱۳۳۳ - ۱۳۳۳ - (۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ - م) اشخاص زیر تشکیل می داده اند:

۱ - احمد فیصل خزعل با مقام و عنوان حضرت استاد ارجمند

۲ - نوری خصیری - رئیس محترم قبلی

۱- اصناء مؤسس این لث به نقل از رساله دعوتنامه لث فیحای باشد.

۲ - نقل از مصوبات جلسه ۲۹۸ سال ۱۹۵۴

- ۳ - مظفر احمد - سرپرست اول
  - ۴ - زکریای انصاری - سرپرست دوم
  - ۵ - هنری پیو - کتاب پر
  - ۶ - دکتر جورج غریب - دبیر
  - ۷ - حسین علی منصور - خزانه‌دار
  - ۸ - ابراهیم ربحان - مدیر نشریات
  - ۹ - توفیق نقیب - خطیب
  - ۱۰ - عبدالکریم خصیری - راهنمای اول
  - ۱۱ - یعقوب ساده - راهنمای دوم
  - ۱۲ - مزعل شیخ عبدالکریم خزعل - مدیر
  - ۱۳ - سامی هاشم خصیری - نگهبان داخلی
  - ۱۴ - محمد شیخ جابر - نگهبان خارجی
- کمیته و محفل دائمی سال ۱۳۳۳ - (۱۹۵۴ - م) لث فیحا از فراماسوهای عراقی زیر تشکیل شده بود :

۱ - شیخ عبدالقادر رباش اعیان

۲ - ابراهیم ربحان

۳ - احمد خزعلی

۴ - توفیق نقیب

۵ - حاج عامر کامل

۶ - ادوارد فتح الله

۷ - سامی خصیری

۸ - ذکر یا انصاری

بازرسین محاسبات : نوری خصیری - هنری پیو - مزعل - شیخ خزعل.

به موجب قوانینی که در مؤسسات فراماسونری جهان  
استرداد فرامین وجود دارد، هرگاه یکی از ماسونها فوت کند، لژی که آن  
ماسون عضویتش را داشته است، به ورثه و بازماندگان ماسون  
خزعل مزبور پیشنهاد می‌کند که اگر میل داشته باشند حمایل،  
نشانه‌ها، ایرن و سایر اسناد خصوصی او را نگهداری کنند.  
در غیر این صورت اسناد و اشیاء و البسه را در لژ مخصوص محفوظ می‌دارند.  
پس از وقایع شهر یور ۱۳۲۰ - لژ فیحا نامدای به همسر شیخ خزعل خان  
بخته و به او اطلاع داد که می‌تواند اشیاء و فرامین و اسناد خصوصی شیخ را از  
پیر لژ تحویل بگیرد و در خانواده خود نگهداری کند.

همسر و خانواده شیخ خزعل که در ایران بودند نماینده‌ای به بصره فرستاده  
حوال و اثاثیه و اسناد شخصی فراماسونی خزعل را تحویل گرفتند و بدین ترتیب  
پس از آنکه لژ خزعل تشکیل و تعطیل شد.

شیخ خزعل مردی که زمانی ادعای خدائی در خوزستان  
خانواده خزعل می‌کرد، از خود خانواده‌ای باقی گذاشت که در آن بیست و  
پنج فرزند و هشتاد و دو زندگی می‌کنند. قصور افسانه‌ای شیخ در خوزستان و دارائی  
آن وقت که چندین میلیون لیره انگلیسی تخمین زده‌اند، هنوز زیاتر از مردم این  
منطقه است.

از خانواده شیخ خزعل گمان می‌رود که عدد زیادی در ایران بسر نمی‌برند  
اما ما آنجا که ما تحقیق کردیم تنها یکی از دخترهای شیخ خزعل به نام خیره  
با بچه‌هایش در ایران زندگی می‌کنند و این دختر در آنها با بود پدرش یعنی (قصر  
تمپله) خزعل بسر می‌برد. قصر مذکور در زمان آبادانی خود نزدیک به ۵۰۰ مطلق  
تالار داشت.

گمان می‌کنم اکنون بهترین فرصتی باشد که راجع به خود شیخ خزعل گفتگو  
کنیم و بهتر است که زندگی «عقاب خوزستان» را از زبان دخترش «خیریده» بشنویم:



حاجیه خیره یکی از دختران خزعل

پدر بزرگ من حاجی جابر که  
او نیز بر خوزستان فرمانروایی  
داشت، در سال ۱۲۹۷ قمری درگذشت،  
و پس از او عموی بزرگ من شیخ  
مزعل فرمانروا شد و پس از مرگ  
او در سال ۱۳۱۴ قمری شیخ خزعل  
حاکم خوزستان گردید.

پدر من در زمان حیات خود  
چهار زن عقدی و چندین زن صیغه  
گرفت و به خاطر یکی از اعاذریه‌های  
من به نام «جمبله» آغاز به ساختن  
قصری کرد که می‌خواست در جهان  
نظیر نداشته باشد.

هر گوشه از این قصر را به  
سبکی آراسته بودند. سنگ‌های  
مرمر از سواحل بحر الروم و  
معماران تیز دست از یونان و آن  
سنگ‌های تراشیده از سواحل خلیج  
فارس، درازاء تالان‌های زر به  
محصره آورده شدند، پدرم آن قدر  
پول خرج کرد که خودش گاه‌گاهی

می‌گفت چنانچه پول‌هایی را که برای ساختن این قصر داده است، جمع می‌شد یک تالا  
ده متری را پرمی کرد.

این قصر با سرسراهای باشکوه، ایوان‌های مرمرین و تالارهای وسیع و



چشم گیر در کناره اروندرود ، جائیکه فاصله مرز ایران و عراق به کمترین حد خود می رسد بنا گردید تا عروسی که از ساحل بصره به محمره آورده می شد از همان لحظه اول به میزان ثروت و تشخص خزعل پی ببرد و علاوه بر آن کشتی های انگلیسی و پرتغالی و عراقی که بدعانه شط العرب می آمدند بتوانند شکوه و جبروت دستگاه خزعل را از نزدیک به بینند .

پدرم بر فراز این قصر دکلی برافراشته بود و بر فراز آن پرچم ایران را نصب کرده بود تا هر کشتی خارجی که می گذرد به احترام پرچم ۲۱ گلوله توپ شلیک کند. و چنانچه یکی از کشتی ها از ادای احترام، خودداری می کرد، مأموران خزعل ناخدای آن را دستگیر کرده و او را به جرم عدم احترام به حکومت جریمه می کردند .

### حرمسرای خزعل

حرمسرای خزعل در همین قصر قرار داشت و قسمت بزرگی از آنرا اشغال می کرد . هر يك از زنان عقدی خزعل در ساختمان جداگانه ای که مخصوص بخود آنها بود زندگی می کردند و کاخ جمیله در میان همه ساختمانها ابهت و جلالت دیگری داشت .

جز قسمت حرمسرا یا اندرون ، بخش عمده دیگر قصر تالار های هیئت دوات و اطاقهای متعددی بود که اختصاص به امور فرمانروائی خزعل داشت .

اطاق مخصوص خود خزعل بسیار زیبا و جالب توجه بود، خزعل در این اطاق که به آخرین وسایل روز حتی تلفن هم مجهز بود اوامر خود را صادر می کرد و يك رشته سیم تلفن مستقیماً اطاق کار او را به اطاق حاجی رئیس وزیر مشاور خزعل مرتبط می ساخت .

تزیینات و کلکاری این قصر در اختیار عده ای از هنرمندان فرانسوی و انگلیسی و متخصصین کلکاری هلندی گذاشته شده بود بطوری که هر کس وارد محوطه قصر می شد فراموش می کرد که درخوزستان خشت و ستون بر سر می برد.

در قصر خزعل همیشه يك دسته ارکستر عربی آماده بود و چون پدرم به موسیقی و طرب علاقه فراوان داشت هر شب در حرّ مسرای او بساط عیش برپا بود و زیباترین رقاصه‌های لبنانی و مصری که توسط مأموران مخصوص اواز کاباره‌های بیروت و تماشاخانه‌های قاهره گلچین شده بودند به پایکوبی بر می‌خاستند.

دختر خزعل ادامه می‌دهد: شبی که جمیله سوگلی حرم خزعل را به قصر آوردند، قصر چنان غرق در تور بود که من در زندگی خود چنین زیبایی را دوباره ندیده‌ام.

يك دسته موزيك از ارکستر مخصوص قصر به پیشواز عروس رفتند و او را که غرق در جواهرات و شالهای کشمیر بود به قصر آوردند...

شیخ خزعل چندین کشتی مخصوص بخود داشت که زیباترین آنها يك ناوچه نظریه‌چی بود به نام جاسبی که در زیبایی و جلال نظیر و مانند نداشت.

آخرین زنی که شیخ خزعل گرفت ابرانی و از خانواده نظام‌السلطنه مافی بود که از او فرزندی بنام نظام پا بدنیانها. نظام تحصیلات خود را در انگلستان گذرانید و در همانجا با دختر یکی از بازرگانان انگلیسی ازدواج کرد.

نظام پس از آگاهی از مرگ پدر خود به ایران آمد ولی زن و چند فرزند او در همان انگلستان باقی ماندند و هنوز هم در آنجا بسر می‌برند اما خود نظام در سال ۱۳۱۵ شمسی در ایران درگذشت.

دختر خزعل در باره جریان مرگ پدر خود توضیحات زیادی نداد و گفت: فقط بخاطر دارم که در سال ۱۳۰۳ توسط سر هنگ مصطفی خان به اهواز نزد «سپید زاهدی» برده شد و سپس او را به تهران فرستادند. او دیگر به خانه باز نگشت و پس از مدتی خبر مرگش را برای ما آوردند.

پس از اعلام مرگ شیخ خزعل املاك او توسط فرزندانش تقسیم و تصاحب و فروخته شد.

شیخ خزعل به روی هم ۲۶ فرزند از خود بجای گذاشت که به جز چند نفر

بقیه در خارج از ایران بسر می‌برند و یکی از آنها در کویت معاون شرکت نفت کویت است.

به گفته خیریه دختر خزعل. از ۲۶ تن فرزندان خزعل بیش از ۸۰ نوه پابه‌پا به وجود گذاشته است که هر کدام از آنها اینک در گوشه‌ای از جهان به زندگی مشغولند. بیشتر فرزندان شیخ خزعل در ممالک عربی و بقیه در انگلستان به سر می‌برند.

در جریان جمع‌آوری اسناد و مدارک کتاب حاضر و دست یافتن به بسیاری از اسرار معرمانه سازمانهای فراماسونری، نگارنده در میان یادداشتها، کتب و اسناد «میرزا حسین ذرمنی» پدر «مجید موقر» که خود عضو تئو فراماسونری «خزعل خان» بود، «آئین ورود و قبول عضو جدید» تازه‌ای از این سازمان بدست آورد که با همه اسانامه‌ها و آئین نامه‌های پیشین تفاوت داشت. زیرا مطالب آن باتری مغلق، مخلوط از کلمات عربی و فارسی نگاشته شده بود. در اینجا متن این اسانامه بخاطر تازگی نوع قبول عضو و پرسش‌های گوناگون و اثر غیر عادی آن، عیناً از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

### هرتبه دومیم ماسونیه<sup>۱</sup>

بر حسب طریقه مجلس بزرگ اورشلیمی

همت گماشت به طبعش

شاهین بك مكارمویس

استاد بزرگ مجلس اعظم اورشلیمی

و رئیس بزرگ شرف مقام عقد ملوکی بالینویس در ولایات متحده امریکا و استاد بزرگ شرف مجلس اعظم در فیلالدقیسا و رئیس سوم اعظم مقام عقد ملوکی بزرگ در مصر سابق و عضو شرف در جمعیت رجال ماسونیه پیشینیان در سیکاغور عضو شرف در هریک از دو محفل لوءکوء در امریکا و محفل سائیک امیرکی و محفل

۱- بناء به معنی عمارتیکه تماماً از سنگهای سخت بنا می‌شود این رمزی است اشاره به بنای محکم اسالیت که به دست معمار بشری بر قائده مشین بنا نماید؛ عالمی از او بیاید ساختن ر دو آدمی.

ماری لند بزرگ در امریکا و محفل سلیمان ملوکی در قدس و محفل سوریه در شام و محفل ملک سلیمان امیرکی و محفل بل ایتالیا به مصر و محفل لبنان و فلسطین در بیروت و محفل اسکله سلیمان سافاورئیس شرف مجلس عدل فرانسوی در مصر و مقام کوکب شرق انگلیسی و مجمع کرنک فرانسوی از برای درجه ۱۸ و رئیس مؤسس مجلس طائف و مقام لطائف و محفل فنیقیه و محفل بدر حلوان و مقام بدر حلوان و محفل بدر حلوان کمالی و رئیس و مؤسس مجلس سکاریوس از برای درجه استادهاى معلمین ملوک و مجلس بزرگ و عضو محفل اخلاص ملوک انگلیسی و دارای نجل و صدق و درجه ۳۳ و غیره . و رئیس شرف مجلس نبات و محفل صفا و محفل بنی یوسف و محفل حکمت و محفل ادریس و آگاه کنند اول شرف در محفل بزرگ وطنی مصری و سنه اول شرق بزرگ وطنی و مصری در سابق .

طبع شده در مطبعه معطف در مصر سنه ۱۹۰۵

## فصل اول

باز شدن محفلها در درجه دویم رمزی

در نزد آنمجالس جمع می شوند برادران بطور نظم، می زنند رئیس زنک با شکشی که در دست او است، پس جواب می دهند رئیس دو آگاه کنند . (همچنین زنک می زنند رئیس وقت بستن مجلس) بعد از آن اعلان می کند مبتدئین را به برگشتن . پس می گوید: رئیس یاری کنید مرا ای برادران من بر باز شدن مجلس ... به درجه دویم رمزیه (پس می ایستند همه).

رئیس می گوید: چه چیز است اول چیزیکه واجب است در مجالس ای آگاه کنند اول . می گوید: آگاه کننده اول تحقیق اگر بوده باشد مجلس بسته .

رئیس تاکیدکن این مطلب را ای برادر .

آگاه کننده اول برادر نگاهبان داخل نگاه کن هرگاه مجلس بسته است، می رود نگاهبان داخلی بنوی نگاهبان خارجی نگاه می کنند که آیا درها بسته است و بر می گردند و می زند زنگ را پنجم رتبه و جواب می دهد او را نگاهبان خارجی به مثل بسته می گوید ما پنهانیم ای حضرت آگاه کننده اول .

آگاه کننده اول ما پنهانیم ای حضرت رئیس محترم

رم - چه چیز است واجب دوم ای برادر آگاه کننده دوم

آگاه کننده دوم می باشند همه حاضرین بناها اصرار و کارکنان

رم ای دو برادر آگاه کننده. نگاه کنید هرگاه بوده باشند تمام برادران

آنچنانی که بر صف شما ایستادند آزادگان کارگر درجه دوم.

پس فرود می آیند دو آگاه کننده از کرسیشان و می گذرند بر دو صف و مشاهده

می کنند نظم برادران را و بر می گردند به مرکز خودشان و می زند زنگ را یکم رتبه

و می گویند همه حاضرین بناهای کارگر و می گوید رئیس همچنین در شرق - بعد

می ایستد رئیس و زنگ می زند یکم رتبه و می گوید در حد نظم پس همه می ایستند

و سوال می کند رئیس:

رم - برادر م ث آیا تو کارگری؟

م ث - در زاویه قائمه.

رم - چه چیز است زاویه قائمه و چقدر است اندازه او .

م ث - زاویه قائمه نود درجه است و مقدار او برابر با ربع محیط دایره است.

رم - برادر م ث به چه چیز تو کارگری پس محقق است هرگاه باشند برادران

حاضر کارکن .

م ث - برادران من به کار محترم بیان کنید اینکه شما کار کنید .

( ادا می کنند برادران با اشاره و می بیند آگاه کننده دوم صحت اشاره را )

م ث - برادر محترم برادران حاضر کارگرند .

( می ایستد بنظام و عطا می کند اشاره درجه دوم را )

م ۱ - برادر م ث من تصدیق می کنم بر این اشاره (و عطا می کند اشارات را)  
 م - برادران عزیز بیش از باز شدن مجلس در درجه دوم توسل  
 به ما به مهندس کون بزرگ برگرداند روی خود را بطرف ما و اشاره کند ما  
 را بر افضلیت و معرفت.

م - بنام مهندس کون بزرگ در تحت رعایت مجلس بزرگ اورشلیمی  
 اعلان کن باز شدن مجلسه ا.... در درجه دوم رهزی

پس زنگ می زند رئیس محترم پنج مرتبه و جواب می دهند دو آگاه کننده  
 نگاهبان بعد پیش می آید رئیس سابق. و باز می کند کتاب مقدس را و می گذارد  
 راویه و اسباب بنائی را بر حسب اصول حرکت می دهد آگاه کننده اول عمود را  
 و می گذارد آگاه کننده دوم عمود را افقی. بعد که نشستند برادران می خواهد  
 رئیس نویسنده اسرار را اینکه بخواند خلاصه کارهای جلسه گذشته را پس میخواند  
 پس می گوید رئیس دو برادر آگاه کننده اول و دوم. دانا کنید برادرانی را که در  
 صف شما هستند هر که از برای او ملاحظه بر کارهای جلسه گذشته پس آشکار کند  
 آنها را و آگاه کند دو آگاه کننده را و کسیکه از برادران از برای اوست ملاحظه یا سخنی  
 بگوید او را بشأن آن خلاصه طلب کند و او را از مبنی که بر صف او است و اشخاصی که  
 بر لز هستند پس طلب کنند کلمه را از رئیس فقط و هر گاه باشد برای دو آگاه کننده کلمه  
 بگوید یکی زنگ را و بایستد و سخن راند در موضوع هر گاه شروع نکند احدی ملاحظه  
 را می گویند دو آگاه کننده.

سکوت عام تو ای حضرت محترم پس می گوید و همچنین در شرق، پس  
 می گوید اینکه دوستی برادران بر خلاصه اعمال تمام می شود به بلند کردن دست راست  
 و زند سوم زنگ از کرسی ریاست.

می زند سه زنگ بعد از برداشتن برادران دست خودشان را می آوردن و بنده  
 اسرار دفتر اعمال را پس واقع می سازند بر او رئیس و کاتب اعضاء خود را هر گاه باشد  
 به تصحیح در چیزی می گذارند در حاشیه و اعضاء می کند رئیس به مهر خود پس امر

می‌کند مرشد اول با حضار دفتر زائرین و آگاه می‌شود منیه دویم بر اسمهایشان و اسم محله‌هایشان و درجاتشان و شهادتشان و اعلان می‌کند به آن در محفل بعد داخل می‌شوند ایشان بر حسب درجات دویم و سیم الی آخر .

آگاه ساختن می‌آیند رؤساء زنجیر و وار مسلح از جهت تعظیم مقاماتشان و می‌نشینند در شرق و اما مبتدئین از محفل بزرگ اورشلیم پس می‌نشینند در شرق فقط هرگاه نبوده باشند دارای درجه ریاست .

پس دور می‌دهند کیسه و رفته‌های سری را بر حضور و می‌خوانند مراسلات وارده را در محفل پیش می‌اندازند از آنها آنچه را که دید رئیس و جوب تاجیل از آنچه نباید خواند در درجه دویم یا در پیش واردین تازه و شبیه به تازه تمام آنها را تسلیم می‌کنند به کاتب اسرار پس از انتشار اعمال بر حسب ترتیب اوراق دعوت .

پس اجازه می‌دهد سخن را از برای حضور در موضوعهای ماسوئیه .

### فصل دویم

رسوم بستن محفلها در درجه دویم

رم - زنک می‌زند رئیس و می‌ایستد پس می‌ایستند همه

رم - ای برادر آگاه کننده دویم چه چیز است واجب بر هر بنای آزاد.

م ث - ثبوت قدم هرگاه پنهان باشند.

رم - آیا ما همچنینیم؟

م ث - بلی.

رم - ای برادر آگاه کننده اول چه چیز است دویم واجب در مجلس؟

ما - مشاهده کردن برادران منظمأ در درجه کارگران.

رم - نظم ای برادران مثل کارگران

رم - برادر م ث چه چیز کشف کرد در این مکان م ث علامت پاک

م - برادر م ا . کجا است جای آن م ا . در مرکز بنای آزادی.

م - برادر م ا . بسوی چه چیز اشاره می کنی م ا . بسوی مهندس کون بزرگ

م - برادران من بخاطر بیاورید که کجا هستیم و چطور بجا بیاوریم خدا با ما است و چشم او نگاه می کند بسوی ما و مادامی که ما بکنیم و اجتناب خود را پس او حفظ می کند ما را بغایت خود هر گاه به آخر برسد کارهای این درجه را پس متکفل باش توای برادر آگاه کننده اول بستن محفل را.

م ا - به اسم مهندس کون بزرگ و به امر رئیس محترم به بند مجلس کارگران را .

پس رئیس سابق نقل می کند آلت بنائی را در تحت زاویه.

م ه - جمع شدیم بخوشی و گذرانیدیم به خوبی و بر میگردیم به این اجتماع هر روز میزند زنگها را و می آیند دو نگهبان

ترقی دادن مستبد را به درجه کارگران

دویم و ناعیده می شود درجه رفیق

در نزد ترقی به درجه کارگران دویم بسته می شود در محفل چهار لوح

اول - نهاده می شود در جبهه غرب و نوشته شده بر او حواس پنجگانه داد

هشتم است و گوش و لمس و ذوق.

دویم گذاشته شده در جنوب و نوشته شده بر او اسمهای بعضی فنون کارگری

و آنها یکی نوسکائی و در یکی یونانی و کورنشیانی و کومبتوریتی و مثل آنها.

سیم - گذاشته شده در شرق و نوشته شده بر او اسمهای فنون ادبیه داد

نحو بیان منطق حساب هندسه موسیقی و هیئت.

چهارم - گذاشته شده در شمال و نوشته شده بود و بعضی اسمهای فلاسفه

مشهور مانند اصولون سقراط لیکوریه فیثاغورس.

و گذاشته شده بالای سر رئیس يك ستاره که در وسط او حرف G و بجانب

او در مشرق دو کره که مثل نمودند آسمان و زمین و تمام رموز بنائی را .

بعد باز می شود محفل در درجه اول پس می گویند رئیس ای برادران حاضر از کارگران در این شب ترقی دادن برادر مبتدی است ... به درجه دوم و درجه کارگران آزاد مثل اینکه مقرر شد در جلسه گذشته پس حاضر شود و حالادو سؤال شود از معلومات او :

در اول در ماسونیه پس جلب می کند او را مرشد اول و می ایستد به طرف چپ منبه اول و سؤال می کند رئیس سئوالهایی که طبع شده است بر صفحه - از کراسی درجه اول و بودنش دانا که منتهی میشود از آنها امر می کند که خارج بشوند ابتدائیه موقتاً و سؤال می شود مبتدی در حال قیام .

رم . برادر ... آیا تو مایلی در ترقی به درجه دوم و آیا قسم می خوری ؟  
بشرف و عهده در سابق به اینکه اظهار نکنی از برای احدی اسرار درجه اول را و به اسراری که ظاهر بشود بر تو الان و آیا متحمل خواهی شد اجراء سوم ترقی را به تمام اسرار و ثبات قدم - مبتدی بلی رم . به اعتماد من به امانت تو و صدق تو کشف می کنم بر تو به آنچه جایز نیست از برای تو داخل شدن محفل کارگران .  
پس تعالیم می کنم تو را بر مزمرور داد ... و کلمه عبور دان ... و این رمز است به سنبله بجوامصب آب و از برای تو است اینکه بروی با برادر مرشد اول به فرقه تفکر بعجله و انتظام ترقی به درجه دوم ( می کرد او را مرشد اول با انتظام و حاضر می کند او را مثل درجه اول می آورد او را بدرب محفل به غیر پرده بر چشم و از برای او حاملی است افتاده بر کتفش اشاره به شغل و می گوید در را )

رم - برادر آگاه کننده دوم کیست بیاب ؟

م ث - برادری که ... پیشی گرفت اقرار بر ترقی درجه نانی .

حاضر می شود با برادر مرشد اول به این درجه

رم - آیا او مستعد است و به چه بر می گردد این مطلب ؟

م ث - به معاونت خدا و مساعدت زاویه قائمه و مسئولش بر کلمه مرور .

رم - ما مسروریم به معاونت خدا از برای ادای برادران مرشد بخوانید او را داخل شود بر حسب اصول پس رد می شود نگاهبان داخلی مبتدی را میگذارد و نیز شمشیر را بر سینه اش و بلند می کند او را تا فرق سرش تا به بیند او را محترم و مرشد اول نگاه می دارد دست طالب را بدست راست و چپ و می برد به پیش محراب.

رم - زنگ میزند و می ایستند جمیع و می گویند از برای مبتدی رکوع کن بر دو زانو به جهت استمداد بر کت خدا بر کارها مان.

### دعا

خداوند ای ارحم الراحمین نفع می کنیم به تو این که حفظ بکنی بقایت خودت برادر ما را که به ادب نشسته است پیش تو و قرار بده اعمال ما را که شروع شده به اسم تو در جو عشق به تمجید تو است. و ثابت بدار ما را بر حفظ رعایای خودت و دوری نواهی تو آمین.

رم - برخیز ای برادر... برادر مرشد اول سلام کن بد برادرت ... چند قدم همراهی و رفاقت کن در سیاحت اول او می گیرد مرشد اول دستور را از مبتدی و سلام می کند به طرف او چند قدم و همراهی و طواف می دهد او را از جنوب بغرب و می ایستند بین دو عمود بعد از آنکه می نمایند او را لوح اول مروری که گذشت.

رم - بدان ای برادر که این سیاحت رهنماست به سال اول از درسهای کارگران و آلانیکه به دست تو است مساعدت می کند تو را بر کندن سنگها تا بگردشایسته از برای بنا و برپاداشتن عمود محبت و اتحاد و اشاره است به حواس خمس که دیدی آنها را بر لوح.

پس مبصر با چشم بهترین اشیاء و نیکوترین و کاملترین آنها است و اصل فکر است و به آنها می بینی کون را بدغیر آنها نمی باشد مجالی در مقولات و گوش و اسطه است بین ما و بین عالم و به این تمیز داده می شود صوتها و می شنویم حرکات را و او دلیل است بر صدای باطن که می شنویم صوت سری را شریا خیر و او دوست ماست

در خوشحالی و حزن و در حیات ادبیه و عقلیه و لمس از لطف حواس و رفیق تر آنها است و به آن واقف می‌شود ایشان بر متفرقه و نفس و غیره و ذوق رمز است باحساس امور مقبوله و غیر مقبوله و شم دلیل مدارك مختلفه است متولد می‌شود در قلب شخص و اوشبیه است بر بوهای خوش که میدهد اخلاق انسان را باز می‌کند بر فعل خیر و رحمت .

و این حواس پنجگانه محبوب است در نزد ماسونی علامت قوه نفسانی که سزاوار است بوده باشد سالم تا بلند کند مرتبه ما را به استعمال وسائل ادبیه صالحه .  
 رم - برادر مرشد اول طواف بده برادر را ... سیاحت دویم از شمال به جنوب و بایست با او در مغرب بین دو عمود دایره لوح دویم و بهار بده مسطره را .

مرشد اول می‌کند این کار را و می‌گوید تمام کردم و حله دوم را ای حضرت محترم .  
 رم - برادر .... در روایت تو اسمهای فنون بنائی رمز است به اشخاصی که ارث برده از آنها اسم بناء را متذکر است از برای آثار نافع ایشان و ایشانند آقای معبد ها بزرگ و بناهای سترگ و کوشش بکنند ایشان را و اراده داریم اقتدار انسان را بر عمل هر چیز نیکو و مفید و از مطالعه تو است کتابها و توارین ماسونیه را بقلم بگیر بزرگی اجتهاد را در بنائی که شروع می‌کنم او را الان رمز است به بناء انسانی که زیور ناک می‌کند او را فضائل و آداب و مسطره رمز است به خطوط مستقیمه که سزاوار است که تطبیق کنیم بنا خود را بر او .

رم - برادر مرشد اول تمام کن سیاحت سیم را و بنمای برادر ... لوح سوم را که نوشته شده بر او اسماء ادبیه و بده به او مسطره را و عتله را و طواف بده او را از جنوب به شرق و بایست بین دو عمود .

مرشد اول می‌کند اینکار را و می‌گوید تمام نمودم مرحله سیم را ای حضرت محترم .

رم - برادر ... این سیاحت رمز است بوجوب پیروی عالم و معرفه آن چنانی که زیور ناک می‌شود به او ماسونی به جهه اینکه علوم منبع فضائل و کمالات است ، و در

زمان قدیم نبود که شنیده شود به قبول کارگر مگر بعد از محکم شدن او از معارف و فضائل و المثل که در دست تو است رمز بر تأثیر صفت در حالت هیئت اجتماعی. رم - برادر مرشد اول تمام کن سیاحت چهارم در محفل و نمایان به برادر لوح چهارم را و دو کره که در دست او است و مطره و زاویه و برسان او را به غرب بین دو عمود

مرشد اول می کند این کار را و می گوید تمام کردم مرحله چهارم را ای حضرت محترم رم - برادر ... سیاحت چهارم که تمام کردی بعد از درسهای فنون ادبیه رمز است به اینکه در زندگانی ما سزاوار است که اقتدا کنیم به اشخاصی که فداکاری کردند در بشریت هر جا بودند و هر طور که توجه کردند و دو کره رمز است به زمین آسمان و اینکه ما ساکنیم در این دنیا بر ما است کار نیکو کردن به جهت اینکه چشم قادر ناظر است به اعمال ما.

رم - برادر مرشد اول طواف برادر را ... سیاحت پنجم و نیست در دست او چیزی (طواف می کند و به او می گوید به آخر رساند سیاحت پنجم ای حضرت محترم) رم - برادر ... سیاحت پنجم سیاحت شد و تودست خالی هستی و لکن همیشه حامل وزره هستی و این علامت شغل است پس فراموش نکن که ما کار کردیم همیشه و کار ما سزاوار است که باشد با امانت و سعی و تحصیل بکنیم نتیجه پر منفعت را و این سیاحت رمز است بسوی آزادی که سزاوار است اینکه شناخته بشود به آن به آنچه مادر او نیم و بر او نیم و اینکه بر خوردار بشویم بدون ضرر به غیر باقی نمائید بر تو غیر حفظ آنچه دیدی و آنچه شنیدی به جهت اینکه متمکن بشوی از تعلیم دادن بغیر خودت از کسی که می آید بعد تواز برادرانت بجهت اینکه قصد ما فائد و نشر معارف است و بزرگ کردن جنس بشر به اخلاق حمیده که نتیجه می دهد از هر عملی به اندازه خود رم . برادر آگاه کننده اول را که تعلیم کند طالب را تقدم به شرق به طریق واجب .

م ۱ - برادر مرشد اول به امر محترم امیدوارم که تعلیم کنی برادر را ...

تقدم به شرق به طریق واجب مرشد اول تعلیم می دهد مبتدی را طریق تقدم از غرب به شرق و در ایندرجه می باشد قدم راست را بروی غرب و قدم چپ به طرف جنوب بطوریکه می باشد طرف چپ به جانب رئیس. مرشد اول می گوید مطالب که طریقه مشتمل است بر پنجقدم شروع کن به قدم چپ.

رم - ای برادر و قتیکه در درجات ماسونیه واجب است اینکه حفظ کنی و تمیز دهی پس طلب می شود از تو اینکه متعهد بشوی يك تعهد دیگری که شبیه است به تعهد سابق تو آیا قابلی این مبتدی را بلی.

رم - هرگاه آیا تو بر دو زانویت راست و گذارنده. قدم چپ را بر هیئت زاویه قائمه و دست راست تو بر کتاب مقدس و بازوی چپ تو بر بیکار و ذکر می کنی اسم خود را و پیروی می کنی آنچه می گویم.

و می زند زنگ و می ایستند برادران

### قسم نامه

من ... قسم می خورم بخدای بزرگ و اسم بر کتاب مقدس است پیش برادرانم که حاضرند در محفل کارگران از راه و متعهد می شوم اینکه حفظ کنم اسراریکه امین شده ام و زود باشد که امین بشوم بر آنها و ظاهر نکنم به غیر ماسونسی و غیر وارد و درجه کارگران را و متعهد می شوم که قیام کنم به کارهای رفقای کارگران آزاده به راستی و امانت.

و همراهی کنم برادرانم را بهر چه طاقت دارم و اگر بشکنم قسم را بیرون بیاورند دلم را از سینه ام و انداخته شود جسد من پیش و حوش درنده پس یاری کن مرا ایخدای قادر بر وفای این قسم بزرگ امین.

رم - قسمیکه صادر شد از من شمرده می شود وعده صادق و عهد اکید و امید. وارم نورا اینکه خاتمه بدهی و ببوسیدن کتاب مقدس دو مرتبه.

بدان اینکه صلاح تو و تقدم تو در ماسونیه که اشاره می شود باو به نهادن

زاویه فائمه بیکاری پس می باشد سقبات او پوشید .

در وقتی که تو مبتدی هستی در این درجه ظاهر می شود از برای تو یکی از آنها و اینکه تو در وسط راه ماسونیه بزرگتر از درجه مبتدی و پائین تر از درجه که من امیدوارم که حاصل شود بر آنها در بعد به کمال جهت تو و حسن استقامت تو (بعد می گیرد او را از دست راست و می گوید حرکت کن ای کارگران ماسونی و رفیق تازه).

و وقتی که قسم خوردید بطور لزوم از برای کارگران بودیعه دادم تو را اسرار این درجه را پس مقدم شو چنانکه مقدم شدی در اثناء تکریس تو و بردار گام دیگری کوتاه به قدم چپ و بیا به عقب بطرف راست چنانکه قدم زدی و این است گام دوم به طور انتظام در ماسونیه دور توقف تو در این توقف آشکار می کنم برای تو اسرار این درجه را و این عبارت از اشاره و لمس و کلمه لکن اشاره این درجه عبارت از سه اشاره است :

اول نامیده می شود اشاره امانت و این رمز است به معنای حفظ اسرار تو و این. و دوم نامیده می شود اشاره سلام و استغاثه و این ... و منشاء این اشاره اینکه یسوع بن نون چونکه بود مجاهد در راه خدا در وادی ... مشوال کرد خدا اینکه طولانی کند روز را تا تمام کند در نور آفتاب و نصرت دهد او را بر دشمنان در حالی که تضرع می کند به این اشاره و اما اشاره سوم نامیده می شود اشاره قصاص و این ...

اشاره است به آنچه متعهد شده به او از اینکه تو تفصیل می دهی شکافتن سینه ات بر افشای اسرار ماسونی .

و اما لمس پس همچنین ... و کلمه این ... و این اسم ... و صفای آنها ... و به اجتماع آنها با کلمه درجه اول مفید معنای ... و جایز نیست لفظ آنها مگر بحروف

مقطعه پس رئیس امر می‌کند مرشد اول را و او آگاه‌کننده را اینکه برگردند بر رفیق تازه آنچه تعلیم داد او را پس عمل میکنند آنها خطوط و اشارات را و لمس کلمات را چنانچه تعلیم دادند او را اسرار درجه اول .

م ۱ - ای حضرت محترم اقدام کرد از برای تو برادر بیکه در شرقی درجه نالیه بود به اینکه کرم کنی برادر ارشادهای دیگر .

ر م - و متعهد شد بتو اینکه تقلید کند او را نشان ممیز کارگران بنای آزاد.

م ۱ - امر میکنند رئیس محترم تقلید کن باین دو نشان اشاره به تقدم تو در معارف ماسونیه.

ر م - و زیاد میکنم بر آنچه بیان شد لذا برای تو و نمود منبه اول اینکه ایشان که تراشیده می‌شود الان لازمه شغل تو است به فنون و علوم از حالا پس بالاتر زیرا که به این استطاعت بهم میرسانی که ادا کنی واجبات خود را در ماسونیه و بزرگ بشماری کارهای بزرگ عجیب حق بزرگی.

ر م - برادر مرشد اول نشان برادر را ... درجه جنوب شرقی از محفل.

ر م - برادر چونکه میبایستی ماسونی از روی علم در حال فراموشی در هنگامی که تو مبتدی هستی نشستی در شمال شرقی از محفل و نشستی حالا در جنوب شرقی تا دانسته شود که تو مقدم شدی و گردیدی کارگر بنای آزاد عادل مستقیم و وصیت میکنم تو را که مستمر باشی بر ملازمت ادب و فضیلت و صدق تاریخ و ناک شود انسان و جایز است برای تو حالا اطلاع بر اسرار طبقه و علوم می‌که بود مخفی از تو.

مرشد اول مقدم میکند رفیق را پیش رئیس به نزدیک محراب.

ر م - و من مقدم کردم از برای تو الان آلات عمل محنقه به کار کردن و این زاویه قائمه را و میزان و خط و شاقول پس اولی نظام می‌دهی و ضبط میکنی تمام

زوایاراء بناها را و به او میگردد ماده پراکنده به شکل مطلوب و دویم برای تسویه و تحقیق و اوضاع افقی و سوم ضبط میشود اوضاع را سید و تمکین آنها بر اساسشان و برای آنکه ماحضات ماسونیه نیستیم بناء مادی و لکن ما بناهای رمزیم پس در نزد ما زاویه قائمه رمز به ادب و تہذیب است و میزان از برای ماده و خیط شاقول از برای علامت و استغاثه در اعمال مدت حیات و به ادب و تہذیب و استقامت و حسن قصد ثرقی میکنیم بمنازل جاوید که مصادر اعمال صالحه است.

پس مقدم میشود بد پیش کرسی ریاست (پس مقدم میشود)

رئیس محترم و نگاه میدارد شمشیر را بدست چپ و چکش را بدست راست و یث دفعه می زند و می ایستند برادران و نگاه میدارند شمشیر را و می گذارد بالای سر رفیق و میزند بر او پنج دفعه و میگذارد او را بر سر رفیق و بر دو دوش و میگوید بنام مهندس کون بزرگ در تحت رعایه محفل بزرگ اورشلیمی شرقی دادم تو را بدرجۃ کارگران در محفل ... و امره میکند او را بجلوس او و کل برادران را بعد اعلان می کند دو منبه گوینده است دو برادر منبه اول و دویم اعلان کنید برادران که بر صف شمایند اینکه بشناسند برادر فلانی را برادر کارگر و عضودر محفل .... در درجۃ دویم رمزید.

پس اعلان میکند دو منبه مطلب را.

رم - از برای نواست الان ای برادر تازه اینکه منصرف بشوی برای تلبس بلہایت و بعد رجوع تو ارشاد میکنم بارشادهای دیگر اگر یاری کنی وقت.

بیرون میرود طالب و میپوشد و بر میگردد میایستد پیش رئیس بعد از او از اسلام ماسونی بدرجۃ اول بعدیہ دویم و ظاهر می کند شکر او را به جمعیت که عضو آنها است پس تهنیت می گویند او را برادران به پورا کشیدن

## خطاب رئیس

من تمثیل می‌گویم تو را ای برادر به ارتقاء تو بدرجۀ ثانیه و آرزو دارم اینکه تو باستقامت خود و جهد خود ترقی کنی باعلی درجات ادبیه بسمی باشی پیشرو برای دیگران به فضائل و ادابت و فخر جمعیتی که از آنهایی و به حفظ تو بر مبادی ماسونی صاحب استطاعت کردی که افاده بر آن برادران و همسالان تو هر گاه به بینی کسی را که مخالف است طریقه ما را از برادران چشم می‌پوش از او بلکه سؤال میکنم تو را با اوراه ارشاد را و نصیحت خالص و شجاعت مجاهد کافی امین و مسالح خطاکار و بوده باشی مثل از برای صلاح و مصدر خیر و نیکوئی و خدای رحمت و احسان کفایت میکند تو را بخیر و مکرر می‌کنم برای تو مبارک باد را سؤال کننده ام خدای سبحان را اینکه محکم بکند ستونهای آزادی را و مساوات و برادری را در تو.

### سؤالاتی که لازم است حفظ کنند کارگر

از برای ترقی بدرجۀ استادها

س - چگونه مستعد میشوی تا بوده باشی کارگر؟

ج - بکیفیت که شبیه است درجۀ اول را و نیست بر چشم پرده و میباشد صفت استعداد من بر این اسلوب و او.

س - چگونه می‌باشند دخول تو؟

ج - بر زاویه قائمه که مقدارش ۵۹° و مساوی است ربع محیط دایره

س - از چه چیزی می‌بایستی که بحث می‌کنی؟

ج - از اسرار خفیه طبیعه یا علمیه.

س - کجا می‌روند برادران ماسابین از برای استیلاء بر اجرشان؟

ج - بسوی غرفه وسط در هیکل ملک سلیمان.

س - چگونه میگیرند آنها را؟

ج - بدون شك و نقصان.

س - از برای چه می باشند باین صفت مخصوصه ؟

ج - بدون شك چون آنها می دانند استحقاق آنها را و بدون نقصان نسبه به اعتمادشان به امانت و سلوك كارگرانشان در این ایام.

س - چه چیز است اسم دو عباد که در مدخل هیکل سلیمان است ؟

ج - آنچه بر چپ است اسم او... و آنچه بر راست است اسم او.

س - چه چیز است معنی هر يك از دو اسم علحده و معنای آنها باهم ؟

ج - چپ بمعنای او ... راست ... و معنای هر دو باهم.

# فصل بیست و چهارم

## فراماسونهای معروف در شهرهای مختلف

می‌دانیم که سازمانهای فراماسونی، تشکیلات کاملاً مخفی و محرمانه‌اند، که تلاشی فوق‌العاده در رعایت اصول پنهانکاری و مخفی نگاهداشتن تشکیلات و چگونگی فعالیت‌های خود مبذول می‌دارند.

به‌همین جهت، شاید این نخستین بار است که بدنبال يك كوشش چندده ساله و به قیمت يك عمر تحقیق و كوشش در این كتاب پسرده از اسرار سازمانهای فراماسونی- نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان - برداشته شده و «استادان اعظم» و اعضای لژها، از بدو پیدایش و آغاز فعالیت این سازمان مرموز در ایران تا به امروز به تفصیل معرفی شده و راز زندگی و چگونگی فعالیت‌های پنهانی آنان با همه جنبه‌های مثبت و منفی آن و اثری که در تحولات این سرزمین داشته‌اند فاش می‌شود.

با اینکه طی مجلدات این كتاب كوشش شده است که هیچ سخنی در باره فراماسونها ناکفته نماند، متأسفانه پاره‌ای موارد جزئی، از جمله تاریخ دقیق تأسیس لژهای منظم و رسمی در تهران بعلمت عدم دسترسی باسناد و مدارك لازم روشن نشده است. طبعاً همانطوریکه تاریخ صحیح و دقیق تأسیس لژهای رسمی و با اجازه‌گراند لژهای ماسونی در تهران معلوم نیست هیچگونه سند و مدرکی از تأسیس لژهای «منظم یا با اجازه» و بداه اصطلاح ماسونها با قاعده<sup>۱</sup> «Reglar» در

۱ - اگر لژ ماسنی با انجام کلیه دستورات، تشریفات، اجازه و غیره تشکیل شود فراماسونها بدان نام نامنظم Clandestine و یا «Irregular» می‌دهند.

شهرهای ایران در دوران‌های اولیه ماسونی در ایران، در دست نیست.

معتبرترین کتابی که درباره تاریخ ماسونی در جهان نوشته شده، دائرة المعارف فراماسونری است که قبلاً به آن اشاره کردیم. در این کتاب، هنگام بحث درباره تاریخ لژهای ماسونی در ایران، نوشته شده است که «عسکرخان سفیر ایران در دربار ناپلئون در سلك فراماسون نهاد آمده و با برادران فراماسونری خود، اولین شالوده لژ اصفهان را پی‌ریزی کرده، ولی قرائنی در دست نیست که این تصمیم به مرحله عمل درآمده باشد»<sup>۱</sup> دائرة المعارف فراماسونری هیچ ذکر دیگری از لژهای ماسونی در شهرهای ایران نمی‌کند و در این باره نیز استناد بنوشته‌ای که در «اکتالاتا مورم» شده مینماید.

در نوشته‌های فارسی هم کمتر اشاره‌ای به لژهای شهرها شده و دو کتاب که بنظر می‌رسد مأخذ هر دو آنها یکی باشد، در این باره فقط چند جمله کوتاه نوشته‌اند. عباس اسکندری در کتاب (نفث و بحرین) می‌نویسد:

«... فراماسون یا فراماسیون يك جمعیت و سازمان مجرمانه‌ایست که از قرن های پیش در شرق و غرب وجود داشته در ابتدا مروج يك نوع نهضت اخلاقی بوده و بعداً عامل سیاست گشته است. این نهضت زمان فتح علی‌شاه [منظور لژ اصفهان است] توسط انگلیسها به ایران سرایت کرده و هدف اصلی آن مبارزه با نفوذ روس در ایران بوده است. رجال عضو فراماسون ایران برای انجام منظور خود در ایران از سفارت انگلیس الهام می‌گرفتند و نا قبل از مشروطه و کمی هم بعد از مشروطه مبارزه آنان با دربار ایران و دستگاه تزاری کم و بیش بنفع ملت ایران تمام میشد. اما بعد از مشروطه که پای روسها از میان رفت فراماسونهای ایران یکسره تسلیم انگلیسها گشتند و منافع ایران را از نظر دور داشته و در واقع مبارزه خود را با ترقی و تعالی ملت ایران آغاز کردند... آنها با نهضت‌های ملی و استقلال طلبی ایران جداً مخالفت می‌کنند...»<sup>۲</sup>

۱ - دائرة المعارف فراماسونری جلد ششم ص ۳۸۱

۲ - نفث و بحرین عباس اسکندری ص ۱۶۲

در کتاب دیگری که دکتر شیدفر معلم دانشگاه تهران برای محصلین دانشکده حقوق نوشته است و «اقتصاد اجتماعی» نام دارد، هنگام بحث در باره «تشکیلات صنفی در فرانسه» مینویسد: «واژه «فراماسون» بعدها بین اروپائیان برای انجمنهای سری و پنهانی اصطلاح و اسم علم شده امروز هم در زبان فرانسه زیاد استعمال می شود و مترادف با مجامع فراموشخانه ایست که در حدود پنجاه سال قبل در ایران فعالیت داشت»<sup>۱</sup>

نویسنده در زیر نویس این بحث می نویسد: «در سال ۱۸۰۰ [۱۱۷۹ ش] در یازدهمین سال سلطنت فتحعلی شاه سه مرکز فراماسون در اصفهان و طهران تأسیس شد ولی در آنوقت و نفی نداشته از ۱۹۰۴ به اینطرف پیشرفت شایانی نمود، متأسفانه نویسنده کتاب «نفث و بحرین» در گذشته و دکتر شیدفر هم در ملاقاتی که نگارنده با ایشان نمود و توضیحات بیشتر در باره مأخذ این جملات خواسته شد نتوانستند مأخذ کتابی که از آن استنساخ کرده اند، بیان کنند. بنابراین با توجه بنظریهائی که دائرةالمعارف فراماسونری ذکر کرده شاید بتوان گفت که مأخذ هر دو نویسنده ایرانی همین کتاب بوده است.

نویسنده دیگری که تصور می رود دسترسی زیادی به اسناد و مدارك و کتب سازمانهای فراماسنی در ایران داشته است هنگام بحث در باره لژهای ماسنی در شهرهای ایران و ماسنهایی که در شهرهای مختلف زندگی می کرده اند مینویسد: «در سایر شهرها هر چند که لژ نبود ولی فراماسنها بودند و به اوضاع جاهای دیگر دنیا فی الجمله آشنائی داشتند. در خراسان میرزا یعقوب صدرالعلماء بود، در شیراز محمد تقی شانگهای که چندین دوره از فارس در مجلس شورای ملی نمایندگی داشت و در هشتاد سالگی فوت شد، و حاج محمد حسن نمازی بودند. حاج محمد نمازی که اکنون در نیویورک اقامت دارد چون لوله کشی آب شیراز را بانی گردیده بر همه بازرگانان عصر خود در عمل خیر سبقت گرفته، پس این حاج محمد حسن میباشد. در همدان حسینعلی خان ضیاءالملک قراگوزلو و در اصفهان

بنیان الملك منشی ظل السلطان بودند<sup>۱</sup>

اکنون که تا حدودی به فعالیت‌های اولیه ماسونهای شهرهای مختلف آشنا شدیم، به معرفی آنها میپردازیم، تا از این راه به احوال آنان واقف شویم :

### فراماسونها در شیراز

همانطوریکه قبلاً گفته شد، استانها و شهرهای جنوبی ایران، از جمله مناطق حساسی است، که همواره مورد توجه خاص سازمان‌های مختلف انگلیسی قرار داشته است. شهر شیراز که برای نخستین بار لژ فراماسونری انگلیسی بنام « روشنائی در ایران » در آنجا تشکیل شد، از آن زمان تاکنون کماکان اهمیت خود را از نظر فراماسونها حفظ کرده است. فعالیت‌های انفرادی و دسته جمعی فراماسونها نخست بخاطر ارتباط دائمی و نزدیکی استانهای جنوبی ایران با هندوستان سالهای قبل از جنگ جهانی دوم، و در سالهای بعد از جنگ، از نظر اهمیت مناطق نفتی جنوب، در شهر شیراز ادامه دارد. پس از تشکیل سازمان‌های فراماسونری جدید در ایران، اولین بار لژ «حافظ» نیز از طرف فراماسونهای فرانسوی که عبودیت و برتری لژهای انگلیس را پذیرفته‌اند، در این شهر تشکیل شد، که تفصیل آن بعداً خواهد آمد<sup>۲</sup>. و در اینجا فقط بمعرفی چند فراماسونی که سال‌ها در شهر شیراز فعالیت‌های بزرگ و چشم‌گیری داشته‌اند، میپردازیم :

حاجی میرزا محمد تقی شانگهای شیرازی، یکی از

**حاجی شانگهای** فارسیانی است که در سازمان‌های فراماسونری عضویت یافته و شرح زندگی و چگونگی فعالیت‌های او را ملاحظه می‌کنید.

حاجی میرزا محمد تقی، در ایام جوانی از شیراز به بوشهر رفت و از آنجا با کشتیهای تجاری به هندوستان سفر کرد. پس از مدتی اقامت در کلکته، بمبئی و کراچی به «مانیلا» رفته در این شهر یک معدن زغال سنگ را اجاره کرد و سالها به استخراج و فروش زغال سنگ اشتغال داشت. سپس در شهر «سیو» با

۱ - مجله بنما سال دوم ص ۵۵۰

۲ - رجوع شود به فصل بیست و نهم همین کتاب.



حاج محمدآقی شاهرنگالی (شیرازی) استاد فراغسویزی



دینلم استادی. فراماسونری. حاجی شاکهائی صادره  
ارثر فراماسونری مالیا و ایسته بدعمر اندلر انگلند

شرکت حاج محمد حسن نمازی يك معدن طلا را اجاره کرده و مدتی نیز به استخراج و فروش طلا مشغول بود. در اوایل جنگ جهانی اول، در شانگهای تجارخانه‌ای دایر کرد، و با شرکت نمازی‌ها به تجارت تریاک پرداخت. بدین ترتیب که چندین هزار تن تریاک از ایرانی خریداری کرده و در چین بفروش می‌رسانید. از همین زمان لقب «حاجی شانگهای» را پیدا کرد که آن را عنوان رسمی خود قرارداد. مخالفان خانواده شانگهای و نمازی، این دوره از معاملات علنی و مخفی تریاک این دو خانواده را بدستور استعمارگران انگلیسی دانسته و آنان را مروجین تریاک در جنوب شرقی آسیا میدانند.

حاجی شانگهای در سال ۱۳۰۸ شمسی (۱۹۲۹ - م) پس از سی و پنج سال دوری از وطن به شیراز بازگشت و در سال ۱۳۱۲ تن (۱۹۳۳ - م) از شهر شیراز نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و پس از آن از دوره‌های نهم تا سیزدهم مجلس هم‌چنان از شهر شیراز وکیل بود. و در همین دوران چون اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر از بکار بردن کلمات خارجی تنفر داشتند، او کلمه «شانگهای» را از نام‌خویش حذف کرده و نام خانوادگی «شیرازی» را برای خود برگزید.

بموجب دیپلمی که از لژ فراماسونری «مانیلا - فیلیپین» بنام حاجی شانگهای صادر شده است، او در این شهر عضویت سازمان فراماسونری «مانیلا» را پذیرفته و تا درجه استادی نیز ترقی کرده است. وی در مدت اقامت در ایران، در هیچیک از لژهای فراماسونری وارد نشد و لی با اکثر فراماسونهای فارسی و سایر نقاط که در تهران بودند، روابط صمیمانه و بسیار نزدیک داشت.

در دیپلم فراماسونری او تاریخ صدور قید نشده ولی با شماره ۱۹۵۵۹۸ به ثبت رسید و با مهر و امضای سه مسئول لژ و خود حاجی محمد تقی شانگهای ممهور شده است. فرمان فراماسونری مزبور توسط خانواده او حفظ و نگهداری میشود و یکی از منسوبین او (که چون ممکن است مایل به افشاء نامش نباشد. در اینجا از بردن اسم او خودداری می‌کنیم) این فرمان را در اختیار نگارنده گذاشت. مرحوم شانگهای يك فرزند ذکور و يك فرزند اناث دارد.



حاج محمد نمازی با پیش‌بند استادی.  
عضو لژ «روشنائی در ایران»

حاج محمد نمازی شیرازی که هم اکنون در تهران اقامت دارد، از با نفوذترین فراماسنه‌های امریکائیست که بدعت انجام خدمات بزرگ چون ایجاد بیمارستان نمازی و لوله کشی آب شهر شیراز، یکی از درجات عالی فراماسونی به او اهداء شده است.

حاج محمد نمازی در هندوستان وارد سازمان ماسونی هند - شعبه اسکاتلند شد، ولی از روزیکه قدم به امریکانهاد، عضویت سازمان ماسونی امریکائی را پذیرفت.

حاج محمد نمازی فرزند مرحوم حاج محمد حسن نمازی، بازرگان است، که در سال ۱۳۷۴ - ش (۱۸۹۵ - م) در بمبئی متولد شده و در این شهر تحصیلات خود را تمام کرد، و پس از خاتمه تحصیلات، در انجارتخاند پدرفی، به کار پرداخت و مرتباً بین هندوستان و ژاپن در مسافرت بود.

وی قبل از جنگ جهانی دوم یکبار به ایران آمد، سپس در سال ۱۳۲۰-ش (۱۹۴۰-م) به آمریکا سفر کرده و در نیویورک به تجارت پرداخت. حاج محمد نمازی که دارای چند کشتی بزرگ و ثروت قابل ملاحظه است، سه سال وابسته اقتصادی ایران در آمریکا بود. او در سال ۱۳۲۷-ش (۱۹۴۸-م) مؤسسه‌ای که با کمک سرمایه‌داران آمریکائی تشکیل شده و «بنیاد ایران» نام دارد، تشکیل داد. این مؤسسه مأمور تهیه نقشه‌های عمرانی برای ایران است. نقشه‌یارسرستان نمازی را نیز همین مؤسسه تهیه کرده است.

در سال ۱۳۳۲-ش (۱۹۵۶-م) نمازی مشاور نفتی تیمسار فقید سپهبدزاهدی و سپس وزیر مشاور شد و در ۱۳۳۵-ش (۱۹۵۶-م) بار دیگر به آمریکا مراجعت کرد، پس از چند سال بار دیگر به تهران برگشت.

«مارتیروس سرکیس» فرزند «جوهانس» یکی از قدیمی مارتیروس سرکیس. ترین فراماسنهای ساکن شیراز است که هنوز هم در شهر شیراز سکونت دارد.

سرکیس که به شغل تجارت مشغول است، نه سال بیشتر نداشت که از شیراز به هند مسافرت کرد و در آنجا به تحصیلات مقدماتی و سپس عالی پرداخت. در ۲۰ سالگی وارد دانشگاه دارجلینگ Saint Paul Darteeeling شد که چون با درجه امتیاز دوره دانشگاه را به پایان رسانیده با درجه عالی قبول شد و سپس برای تحصیلات عالی به دانشگاه کمبریج انگلستان رفت. در آنجا رشته زبان انگلیسی را با درجه G. E. C تمام کرد و برای انجام امور تجارتي به شیراز بازگشت و مشغول کار شد.

مارتیروس در شیراز، به نگارنده گفت: در سیام مارس ۱۹۲۲ (۸ فروردین ۱۳۰۲-ش م) در لژ فراماسونی انگلستان «United Grand Lodge» به عضویت محفل فراماسونها درآمد و فرمان او در اطلاق پذیرائی خانه‌اش نصب شده است.

سرکیس می‌گوید: «در آثرمان من تنها فرد ایرانی بودم که تا آنوقت وارد سازمان فراماسویری «یونایتد گران لژ انگلستان» شده بودم. او پس از ورود به تهران، وارد خدمت (اس. پی. ار) شده و بطوریکه از اسناد موجود در خانه او

استنباط می‌شود، در لژ نظامیان (روشنائی در ایران) نیز عضویت داشته است. پس از انحلال لژ (روشنائی در ایران) در شیراز و ادامه کار این لژ در تهران، او به عضویت لژ تهران، در آمدوهم اکنون نیز پس از ۳۸ سال در لژ «روشنائی در ایران» تهران عضویت دارد و همه ساله در مواقع انعقاد جلسات رسمی لژ در تهران برای او «دعوتنامه می‌فرستند و وی برای شرکت در بعضی جلسات و انتخابات به تهران می‌آید. سرکیس در شیراز با دختر شیرازی ازدواج کرده است از این ازدواج یک پسر و یک دختر دارد که سالهاست با مادرشان در اروپا و امریکا زندگی می‌کنند. حاج محمد خلیل کشمیری یکی دیگر از بزرگان با اعتبار

**محمد خلیل کشمیری** شیرازی است که در حدود سال ۱۸۹۰ در لندن وارد لژ فراماسونی شده است. او پس از مراجعت به شیراز علناً عضویت خود را در مجمع فراماسونی انگلستان تأکید می‌کرد. در حوادث مشروطیت عده‌ای از تجار شیراز که به رونق تجارت کشمیری غبطه می‌خوردند، او را در جامعه فارس طرفدار انگلیس و مخالف مشروطیت معرفی می‌کردند، در حالیکه در آن هنگام دولت انگلستان طرفدار مشروطه خواهان بود، ولی مخالفین کشمیری در جریان تمام حوادث سعی داشتند افکار عمومی را علیه او برانگیزند.

در سال ۱۲۸۲-ش (۱۹۰۳-م) که در شیراز حادثه‌ای رویداد و به اصطلاح شیرازیها (بلوا) شد، مخالفین کشمیری بلواچیان را به خانه آن مرحوم هدایت کرده، قصد کشتن او و افراد خانواده‌اش را داشتند.

کشمیری و خانواده‌اش به خانه یکی از علماء پناهنده شدند ولی بلواکنندگان تمام دارائی و اموال او را به بهانه مخالفت با مشروطه غارت کردند، اما پشتیبانی کنسول انگلیس او و خانواده‌اش را از مرگ حتمی نجات داد.

مرحوم کشمیری پس از مدتی به عراق رفت و در مجاورت حضرت علی علیه السلام سکونت گزید و چند سال بعد در همانجا درگذشت.

### فراماسنهای اصفهان

شهر اصفهان - پایتخت بزرگ و آباد پادشاهان صفوی یکی از بزرگترین شهرهای

ایران، چهارراه کاروانهای بازرگانی شرق و غرب، شهر تاریخی و صنعتی ایران و مرکز اصلی استقرار اقلیت آرامنه، با خصوصیتی که اشاره شد، طبعاً همواره مورد توجه خاص سازمان فراماسونری انگلیسی بوده است. گذشته از همه اینها شهر اصفهان از نظر جغرافیائی تقریباً در مرکز ایران قرار دارد و فاصله آن از سواحل دریای خزر، شهر بزرگ و مذهبی مشهد، استان آذربایجان، مرزهای افغانستان، ترکیه و عراق و بالاخره تا مناطق نفت خیز جنوب و بلوچستان و دروازه هندوستان با اندکی اختلاف بیک اندازه است.

بدیهی است، ایجاد يك مرکز بزرگ فراماسونی در این شهر، برای سازمانهای اصلی که می‌خواهند همواره بر همه سازمانهای خود در نقاط اشاره شده تسلط و ارتباط دائمی و نزدیک داشته باشند، امری ایده‌آل است.

با این مقدمات شهر اصفهان، پس از شیراز بصورت یکی از مهم‌ترین مراکز مورد توجه ماسونها در آمده. وجود اقلیت آرامنه، بازرگانی که به قصد تجارت، به اطراف و اکناف عالم سفر می‌کردند و فراماسونهای که در خارج از کشور وارد لژها شده بودند، تشکیل چنین سازمانی را در این منطقه مرکزی که حائز اهمیت فوق‌العاده سیاسی و اقتصادی نیز بود تسهیل کرد و فعالیت ماسونهای انگلیسی در اصفهان آغاز شد هم‌اکنون نیز يك لژ انگلیسی در این شهر فعالیت دارد... و مادر اینجا به چگونگی فعالیت این سازمان و معرفی چند فراماسون معروف اصفهان می‌پردازیم: گفتیم که شهر زیبای اصفهان از بدو جنبش فراماسونهای انگلیسی، همواره مورد توجه سازمان فراماسونی انگلند بود. در دائرة المعارف، در زیر کلمه ایران «اجازه تأسیس» لژی در اصفهان ذکر شده است، ولی از چگونگی و شرح «فعالیت» لژی که اجازه داشته باشد، هیچگونه ذکر و حتی نشانه‌ای نیست.

از آغاز قرن نوزدهم، بتدریج ایرانیانی که از اصفهان برای تجارت به هندوستان می‌رفتند، بخصوص اقلیت ارمنی در مراجعت به ایران (ماسون) بودند. این عده اگر چه لژ مستقل و فعالی نداشتند، ولی همیشه دور هم گرد آمده و اتحاد و یگانگی خود را حفظ می‌کردند. روزی که میرزا یعقوب ارمنی و میرزا ملکم خان ناظم الدوله، شروع به

فعالیت کرده و فراموشخانه را گسترش دادند ، در جریان فعالیت خود از شهر اصفهان غافل نبودند میرزا یعقوب معلم زبان فرانسه شاهزاده ظل السلطان بود و اولین فرزند شاه را که توانست وارد حلقه ماسونها کند ، همان «ظل السلطان» بود. ظل السلطان شرح این واقعه و فراموشخانه ملکم را به تفصیل در تاریخ مسعودی نوشته که قسمتهایی از آن نقل شده است . او در باره ملکم مطالب اغراق آمیزی نوشته و حتی او را همردیف ارسطو و افلاطون دانسته است... در سفرنامه فرنگستان می نویسد : «... منتظر دوست قدیمی خودم که پیش پدرش یعقوبخان فرانسه میخواندم - در پنجاه سال قبل - بودم . میرزا ملکم خان که امروز وزیر مختار ایتالیا است این شخص از نجبای ایران است . خانواده ملکم ها در ایران مشهور و معروف هستند . این شخص فیلسوف اول و معلم اول است . خالی از اغراق ، به عقیده من مثل ارسکاتالیس و افلاطون است...»

چون دنیا همیشه با پاکن و نیکن برخلاف عدل و انصاف راه می رود ، این پیچاره در تمام عمر در عوض علم خود جز ندامت ، حاصلی ندید . شرح او طولانی است...»<sup>۱</sup>

شاهزاده ظل السلطان که در نظر عامه مردم از مستبدین خاندان قاجار است ، پس از معاشرت و مجالست با ( خانواده ملکم ها ) تغییر عقیده داد . او در چند جای کتابش درباره محسنات حکومت های پارلمانی و مشروطه بحث می کند . از جمله می گوید : اگر حکومت سلطنت مشروطه و پارلمانی در کشور رایج بود ، هیچگاه مملکت ایران مثل امروز نبود . سلاطین اروپائی اگر پیرو حکومت مطلقه و استبدادی می شدند و اگر قانون بمردم حکومت نمی کرد ، مثل امروز ترقی نمی کردند . ظل السلطان می نویسد : «... محسنات مشروطه زیاده از فهم من است که بفهمم و یا بتوانم بفهمانم...»<sup>۲</sup>

گرچه ناصرالدین شاه بشدت با رسوخ تمدن اروپائی در ایران مخالف بود ،

معدله اعضای لژ فراموشخانه موفق شدند با توصیه‌ای که همه روزه درباریان به او میکردند، فکر مجلس و شورای دولتی را بشاه تحمیل کنند.

ناصرالدینشاه ظاهراً افکار اعضای فراموشخانه را قبول کرد و مقرر داشت کمیونی به این کار رسیدگی کند.

ایندستور که ظل‌السلطان بیشتر مشوق آن بود، به مرحله عمل درآمد و سه هفته جلساتی درخانه‌اش تشکیل میشد... او مینویسد: «... در این وقت میرزا ملکم خان ناظم‌الملک، سفیر کبیر مادر انگلیس، بطهران احضار شد - چون سابقه با من داشت، اغلب منزل من بود - بحکم همیونی به قرب سه هفته در عمارت مسعودیه [وزارت فرهنگ فعلی] خانه شخصی من با وزیرای عظام مشغول مذاکره بودیم، با حضور ملکم خان که چه بکنیم پلتیک دولت از چه ترتیب باشد...؟ پدر بزرگوار من وحشتی غریب و نفرتی عجیب از ترتیب اروپا و دخول ترتیب اروپا به خاک ایران و بدربار خودش داشت... ولی ناصرالدینشاه یکباره بساط تجدید خواهان و ظل‌السلطان را درهم پیچید.

ظل‌السلطان هنگامیکه در اصفهان بود، اعضای فراموشخانه را دور خود جمع میکرد، طبق نامه‌ای که از فرزندش اکبر مسعود صارم‌الدوله<sup>۱</sup> در دست است، در اصفهان فراموشخانه وجود نداشته، اما در اسناد و مدارک باقیمانده از شاهزاده ظل‌السلطان، قراین و شواهد مستحکمی که دال بر فعالیت فراماسونها در اصفهان باشد، موجود است - که متأسفانه در جریان تدوین کتاب نتوانستیم به آن اسناد و مدارک دسترسی پیدا کنیم.

۱ - شاهزاده صارم‌الدوله در جواب نامه‌ای به نگارنده در تاریخ ۱۱۲ ر ۱۳۳۹ چنین مینویسد: «... آنچه مسلم است در اصفهان فراموشخانه وجود نداشته و البته در مراسلات و نامه‌های باقیمانده مرحوم مفور شاهزاده ظل‌السلطان جستجو و کاوش خواهم نمود، چنانچه مدرکی پیدا شد، با کمال میل برای استفاده جنابعالی در دسترستان خواهم گذارد»

نخستین سندی که از يك فراماسون قدیمی در اصفهان به سرکیس هارتین دست آمده، نشانها، حمایل و پیش‌بند سرکیس تروسکانیان تروسکانیان ارمنی است که در سال ۱۲۹۱ ش (۱۹۱۲-م) در جلفا در گذشته است.

سرکیس در سال ۱۲۳۱ ش (۱۸۵۲-م) در جلفای اصفهان متولد شد، پس از فراگرفتن زبان و خط ارمنی و تحصیلات مقدماتی به هندوستان رفت و در مدرسه ارامنه کلکته تحصیلات خود را با تمام رسانید.

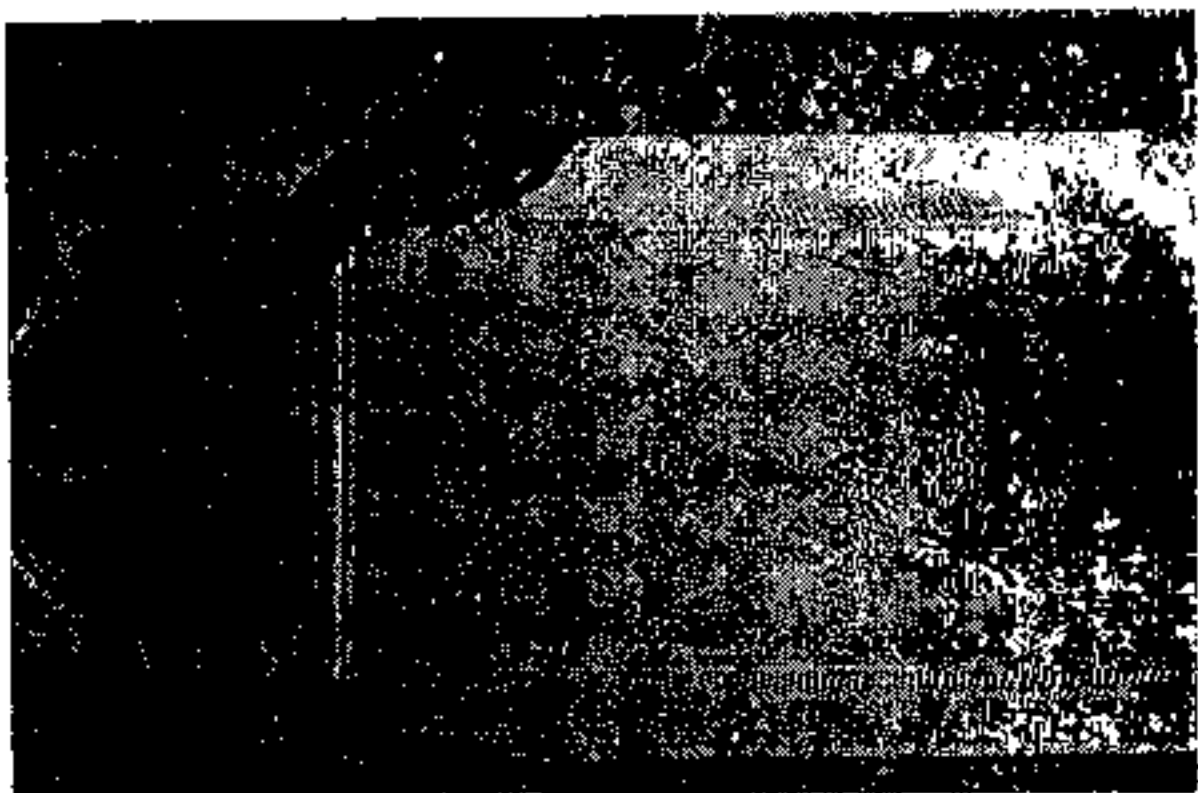
پس از خاتمه تحصیلات در شرکت‌های کشتیرانی شروع بکار کرد و چون مهندس برق و ماشین بود، سنین جوانی عمر خود را بین هند و برمه در آمد و شد گذرانید. در ۱۵ سال آخر اقامتش در خارج از کشور، در برمه و رانگون سکونت گزید و سه هتل بزرگ در این مناطق دایر کرده است. در همین وقت بود که وارد مجمع فراماسنهای برمه در شهر رانگون شد و به درجه استادی نیز رسید.

دو پیش‌بندی که جزو اثاثیه او بوده و هم اکنون در بایگانی و موزه دکتر کارو میناسیان موجود است، درجات ماسونی او را مشخص می‌کند.

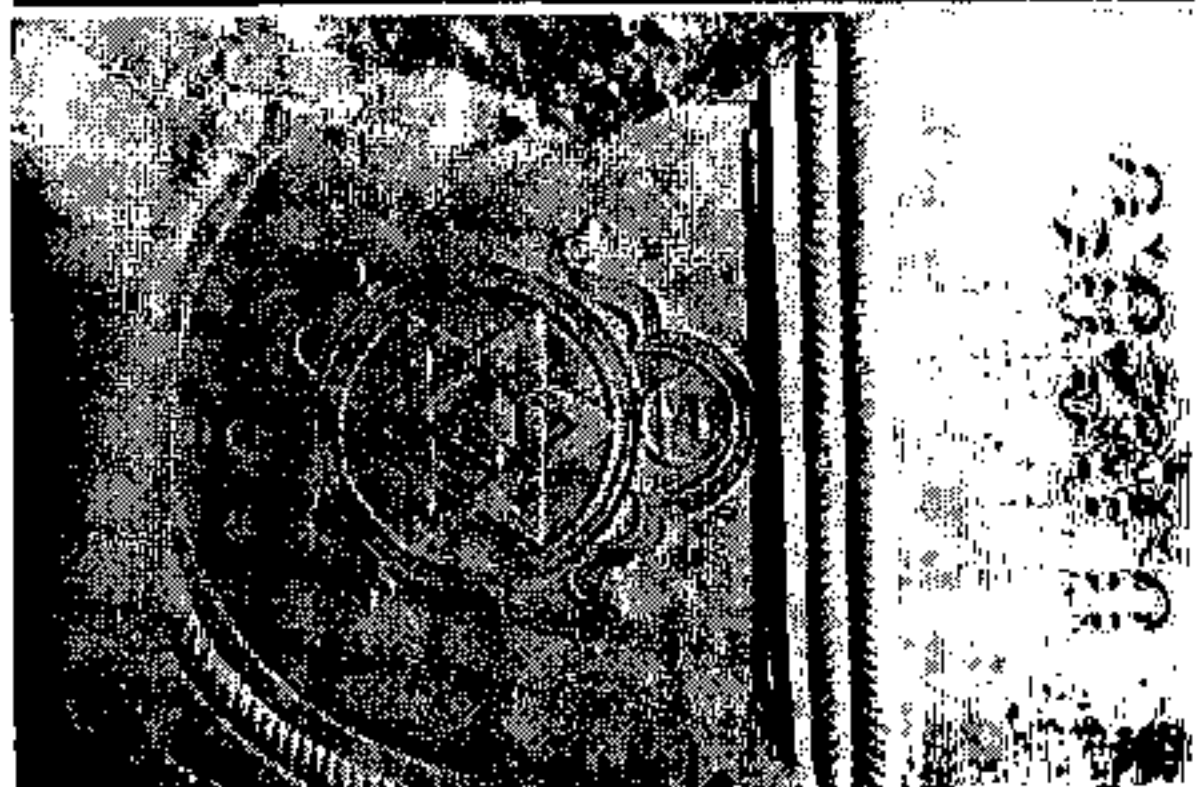
يك پیش‌بند (ایرون) او که از پوست بره سفید است، دارای نوارهای ابریشمی بهن برنگ آبی موج دار، دو قطعه باریك با ۱۴ آویزه ابریشمی و طلائی و سه گل‌گرد که با گلابتون دوخته شده است می‌باشد.

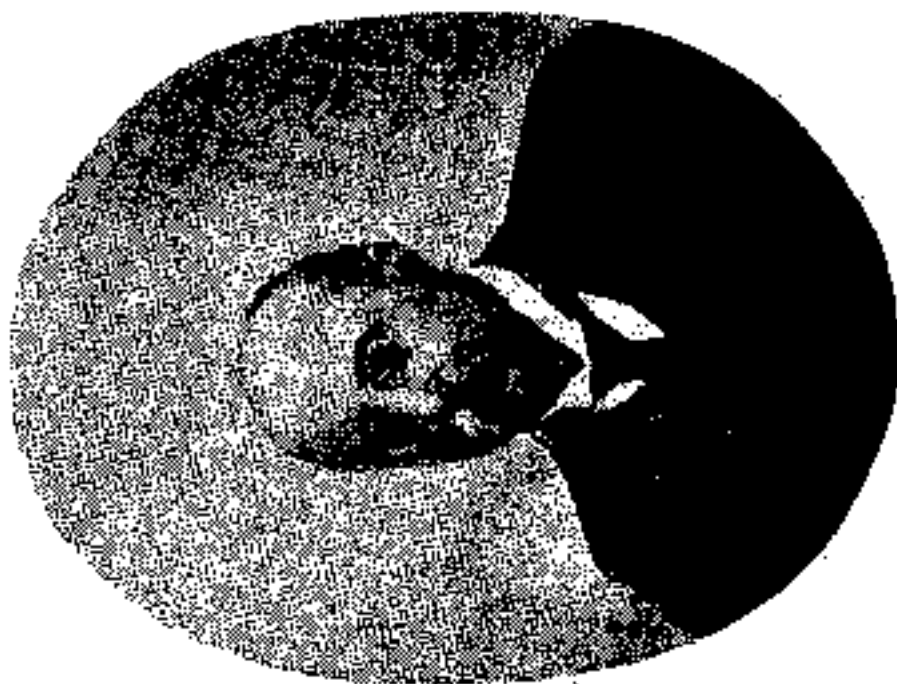
پیش‌بند دیگر دارای حاشیه بنفش و آبی سیر است که يك حمایل و دو مثلث طلائی رنگ که یکی بر روی انتهای حمایل و دیگری روی لبه مثلث شکل پیش‌بند نقش شده، مزین است.

دکتر کارو میناسیان، روی این دو پیش‌بند یادداشت مختصری بزبان انگلیسی نوشته و تاربخچه مختصر زندگی سرکیس و طرز بدست آوردن آنرا تشریح کرده است. علاوه بر این، در خانه او، دو لوحه کاشی نیز بدست آمده که در فصل «اسرار فراماسونی» به تفصیل درباره آنها سخن گفته‌ایم.

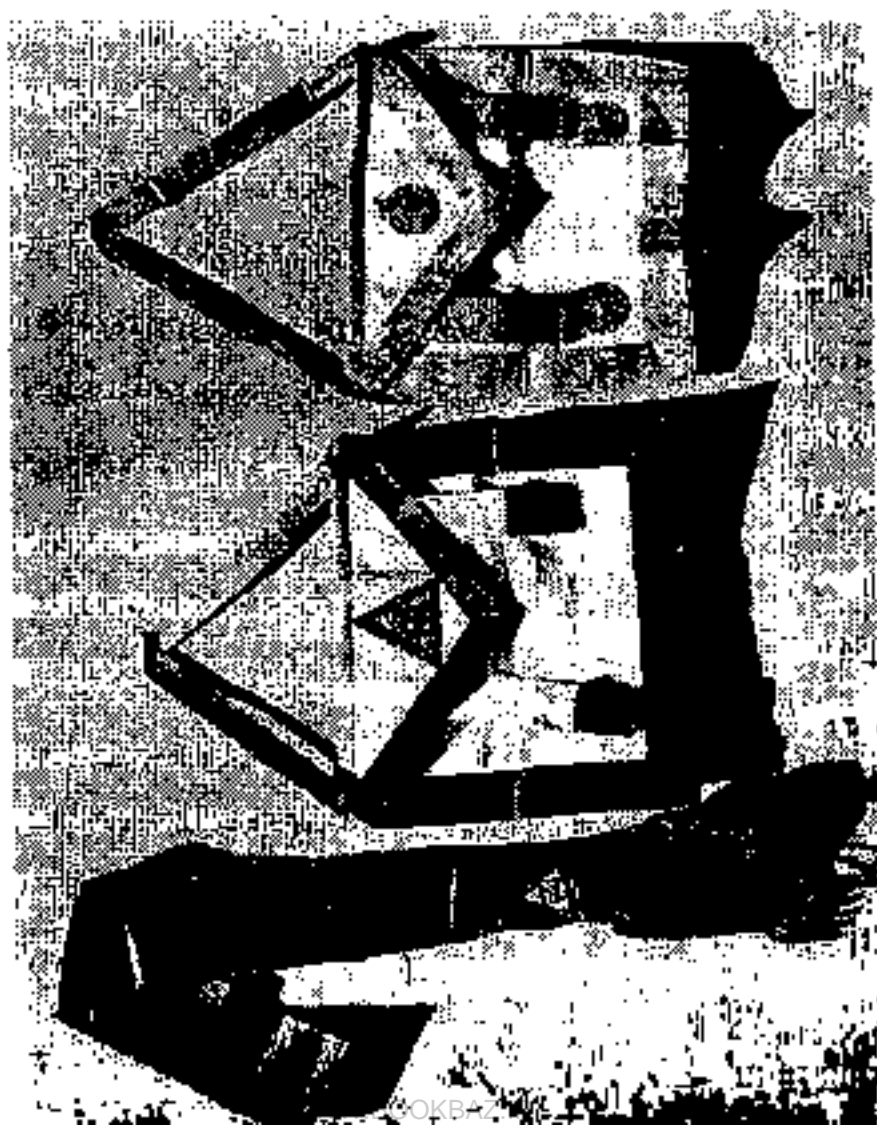


علامت قرمط و نوری بر روی سنگ قبر ترومکائیانی در قبرستان ارامنه در جلفا





میر کبیر مازنی، نویسنده کتاب «معماری و مین»



پیشینه‌های شاهزادی و استادی کرب و کرب

مارتین سرکیس در سال ۱۲۶۹ ش (۱۸۹۰ - م) به ایران آمد و در جلفا سکونت گزید. در سال ۱۲۷۰ - ش (۱۸۹۱ - م) با يك خانواده بزرگ ارمنی در جلفا وصلت کرد که يك پسر نتیجه این وصلت است.

سرکیس در مدت اقامت در جلفا، اغلب در باره عقاید و فعالیت‌های فراماسونی با ارامنه و دوستان مسلمانش صحبت می‌کرد ولی در تحقیقات مفصلی که نگارنده در اصفهان و جلفا کردم، هیچگونه اثری از وجود لژی که سرکیس در آن عضویت داشته و یا توسط خود او دایر شده باشد بدست نیامد.

بعضی‌ها عقیده دارند: آن لوحه‌های کاشی که در منزل وی بدست آمده، قبلاً در يك معبد فراماسونی که در اصفهان وجود داشته، نصب بوده است و این دو لوحه را دلیل وجود همان لژ در اصفهان می‌دانند. متخصصین کاشی‌کاری اصفهان پس از دیدن نقش و نگار، رنگ و جنس لوحه‌های کاشی اظهار عقیده کرده‌اند که لوحه‌های مزبور، سبك کار استادان کاشی‌کار اصفهانی در اواخر دوره قاجاریه تا اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه است.

آنچه محقق است آثار و علائم و مدارك دیگری که وجود يك لژ ماسونی را در دوران حیات سرکیس، در اصفهان ثابت کند، تا کنون بدست نیامده است و تنها يك نشان ماسونی طلا، از سرکیس باقی‌مانده که هم اکنون نزد خانم «روزی اسائی»<sup>۱</sup>، یکی از بستگان اوست.

مارتین سرکیس در سال ۱۲۹۱ - ش (۱۹۱۲ - م) در جلفا درگذشت و او را در قبرستان ارامنه که در پائین کوه صفه واقع است، دفن کردند.

سنگ قبر او، بنا به وصیتی که در زمان حیاتش کرده، مشخص است و در روی آن هویتش با علائم ماسونی نقش شده<sup>۲</sup> روی سنگ قبر مزبور، به زبان ارمنی تاریخ تولد او ۲۷ سپتامبر ۱۸۵۲ - (۳ مهر ۱۲۳۱) و تاریخ فوت او ۲۸ اپریل ۱۹۱۲ (۷ اردیبهشت ۱۲۹۱) قید شده است.

ماسون دیگری که او هم در «برمه» به عضویت لژ  
امیرخان بولدی فراماسونی درآمده و در دوران حیات سرکیس می زیسته  
است «امیرخان بولدی» نام دارد.

امیرخان بولدی از دوستان صمیمی سرکیس بوده و این دو نفر همواره با  
یکدیگر روابط نزدیک داشته اند.

نکارنده از امیرخان بولدی یک دیپلم ماسونی، با دو پیش بند و یک نشان  
مربوط به شاگردی وی را دیده است، که در خانواده او ضبط است ولی اجازه  
تکثیرداری از آنها را ندادند.

سومین ارمنی فراماسون مقیم جلفا که با سرکیس و بولدی رابطه داشته،  
میرزا یوسف میرزا یانس نماینده آرامنه در مجلس شورای ملی - در دوره های دوم  
و سوم است (۱۲۸۸ ش - ۱۹۱۰ م تا ۱۲۹۴ - ش ۱۹۱۵ م) یوسف میرزا یانس که از  
دانشگاههای متعصب ایران بوده در مجلس شورای ملی بنام یوسفخان میرزا یانس در  
دوره ای که نمایندگی داشته ثبت نام کرده است.

او پس از ورود دکتر هیلپیو امریکائی به ایران یکی از معاونین او بود و  
چون انگلیسی را خوب می خوانده و می نوشت (میرزا یانس زبان ارمنی هم خوب  
می دانسته) کتابهای زیر را ترجمه کرده است:

۱- دیوان عمر خیام

۲- خلاصه کلیات سعدی

۳- جنگ رستم و سهراب

۴- کتاب شعر لرد بایرن انگلیسی

میرزا یانس در سالهای آخر عمر به علت اختلافات داخلی که با آرامنه  
دانشان و کارگردانان این سازمان منظم حزبی پیدا کرد، از جرگه دانشاگاهان اخراج  
شد و مدتی نیز با افرادی که عهده دار سازمان مرکزی دانشان در تهران بودند،  
مبارزه می کرد، ولی هیچگاه نسبت به مرام و هدف حزب دانشان عکس العملی  
نشان نداد.

پسرش «زاون» که نویسنده ارمنی و فارسی است اغلب در جراید تهران و يك روزنامه چپ ارمنی مقالاتی می‌نوشت و با كتاب و مقالاتی ترجمه می‌کرد .

شیخ محمد باقر الفت یکی از ماسونهای قدیمی شهر اصفهان است که سال قبل در قاهره موارد لژ ماسونی «اکوسه» آقاجقی اصفهانی شد . شیخ محمد باقر الفت یکی از شانزده اولاد<sup>۱</sup> آقاجقی مجتهد و ملای بانفوذ عهد ناصری و مظفرالدینشاه است ، که در شهر اصفهان دارای نفوذ و قدرت زیادی بود و اغلب با ظل‌السلطان و شاهزادگان قاجار و حکام مستبد اصفهان مبارزه می‌کرد .

شیخ محمد باقر الفت در سال ۱۳۰۱ هـ ( ۱۸۸۲ - م ) در شهر اصفهان متولد شده و در سال ۱۲۸۲ - ش ( ۱۹۰۳ - م ) برای ادامه تحصیلات به بغداد رفت . وی هشت سال در نجف ، کربلا و کاظمین به تحصیل اشتغال داشت و در همین دوران بود که با لژ فراماسونی مصر<sup>۲</sup> که در عراق تأسیس شده فعالیت می‌کرده است مربوط شده ، وارد این سازمان گردید .

در ملاقاتی که نگارنده روز ۵ امرداد ۱۳۳۹ - ش ( ۱۰ اوت ۱۹۶۰ - م ) با شیخ محمد باقر الفت در خانه شخصی‌اش در اصفهان به عمل آورد ، وی درباره عضویتش در مجمع ماسونها گفت :

۱ - مرحوم حاج آقا نجفی سه زن گرفته :

۱ - از همسر اولش دویس داشته

۲ - از همسر دوم که مادر شیخ محمد باقر الفت است ، هشت فرزند دو پسر و شش دختر ... همسر دوم او در سال ۱۳۱۸ قمری فوت میکنند

۳ - از همسر سوم سه پسر و سه دختر

۲ - در صفحه ۱۴۰ کتاب کلیات دستی فراماسونری Petit Manuel de la Franc Maconnerie در جدول لژهای شرق قید شده که در عراق دو گران لژ فراماسونی وجود داشته ( این کتاب در سال ۱۹۳۳ نوشته شده است )



آقای محمد باقر الفت فرزند آقا نجفی  
مجتهد اصفهانی عضو لژهای فراماسونی  
انگلیم در اصفهان .

« هنگامیکه در عراق مشغول تحصیل بودم ، بتدریج با فراماسونها و افکار  
و اندیشه‌های آنان ، ایده‌ها و مرام فراماسونی آشنا شدم .

قبل از اینکه از حقیقت مرام و مسلک ماسونها مطلع شوم ، خیال می‌کردم  
فراماسونی یک دستگاہ تربیت ساحران و جادوگران است... چون در اصفهان فراماسونها  
را ساحران و رمالان خطرناک می‌دانستند و منهم از کودکی جز این مطالبی در باره  
آنها نشنیده و یادخوانده بودم . از اینجهت تا روزیکه با اولین ماسون عراقی  
مواجه شدم ، همواره تصورات کودکی در مغزم بود و ماسونها را که در آنوقت  
« فراموشخانه‌ای‌ها » می‌گفتند ، ساحر و جادوگر می‌شناختم .

هنگامیکه ۱۲ ساله بودم ، روزی در محضر پدرم صحبت از فراموشخانه  
شهر اصفهان شد ، گوینده می‌گفت : در خاندهای که بدان « فراموشخانه » می‌گویند

فراماسونها جلو الاغ «گوشت» و جلو سگ «کاه» گذاشته اند !

فراماسونها با سحر و جادو گوشت را کاه و کاه را گوشت می کنند و الاغ را با گوشت سیر و سگ را با کاه زنده نگه میدارند !

وقتی با ماسونها محشور شدم ، آنها را در لباس ، آئین و آداب دیگر دیدم و دانستم که همه آنها دارای اخلاق حسنه هستند و هدفشان مبارزه با جهل و استبداد است .

من در عراق شاهد فداکاری ماسونها برای رهایی از ظلم و استبداد عثمانیها بودم و به تدریج و بدون اینکه بدانم یکبار خود را در آغوش برادران ماسونی دیدم . من نمی توانم بگویم که چرا ؟ چگونه ؟ چه وقت و بوسیله چه کسانی ؟ وارد سازمان فراماسونی شدم ، ولی صریحاً می گویم که پنجاه سال قبل وارد یکی از لژهای تابع گرانند لژ لندن شدم و کلیه کسانی که مرا معرفی کردند ، همه از مردان نیک بودند و بازده نقری که به تقاضای عضویت رسیدگی کردند ، همه به اتفاق صلاحیت مرا مسلم دانستند .

وقتی که برگشتم ، تنها بودم و هنوز هم که هست خود را تنها حس می کنم . هنگامیکه در عراق بودم ، یکسال به کاظمین رفتم و از آنجا سفری به مصر کرده مدتی در قاهره سکونت کردم . در قاهره در لژ «اکوسه» با جرجی زیدان نویسنده مشهور عرب ملاقات کردم . سه بار که او را دیدم حقاً بدو دلباخته شدم ، شیخ محمد باقر به کتابخانه اش رفت و یک کتاب فرانسه را آورده به من نشان داد و گفت :

« چندین سال قبل یکی از فراماسنها که در شهر اصفهان سکونت داشت ، این کتاب را به من داد و گفت : « این کتاب بطور امانت پیش شما باشد هر وقت یکی از ماسونها را دیدید ، کتاب را به او بدهید ... » .

من به هیچ وجه از اشارات و رموزی که در این کتاب نوشته شده چیزی نفهمیدم شاید شما بتوانید از مطالب آن مطلع شوید و چیزی بفهمید ...

کتاب مزبور که در سال ۱۸۶۰ میلادی (۱۲۳۹ - ش) ، در پاریس چاپ شده دارای ۲۸۴ صفحه بود . فصولش را اغلب به رمز نوشته بودند و در صفحه آخر کتاب ، در آنجا که يك برگ سفید بکتاب الصاق شده بود ، مطالبی بامداد نگاشته شده و نویسنده‌ای که نام خود را ننوشتہ است ( ولی علامت ماسونی خود را به رمز نوشته است ) ذیل سطور مزبور امضاء کرده است .

در بالای این صفحه کلمه ( محمد سعید ) و جمله ( اصحاب کحف ) به فارسی نوشته شده .

بنظر می‌رسید که محمد سعید کسی بوده که مرخوم شیخ محمد باقر الفت را دارد لئ ماسونی کرده است و نام لژی که در آن عضویت داشته ( اصحاب کحف ) می‌باشد .

او گفت : این کتاب از جمله ۱۰۰۰ جلد کتابی است که در سال ۱۳۳۵ - ش ( ۱۹۵۶ - م ) در زمان حیات خودم وقف مردم اصفهان کردم و در وصیت‌نامه‌ای که نوشته‌ام از معارف یا شهرداری اصفهان خواسته‌ام که کتابها را در کتابخانه عمومی نگهداری کرده و در دسترس همه بگذارند . وقتی از او خواستم تا کتاب مذکور را برای مطالعه در اختیارم بگذارد ، گفت بعزت تعهد اخلاقی که دارم ، نمی‌توانم این کتاب و باقر امین ، علائم ، البسه و نشانه‌های ماسونی خود را بشما نشان بدهم ، ولی اجازه داد که مشخصات کتاب مزبور را یادداشت کنم .<sup>۲</sup>

آقای الفت پس از ورود به ایران ، مدتی به اتفاق محمدسنجری مجله « آفتاب »

۱ - آقای الفت هم اکنون ۴۰۰۰ جلد کتاب دارد که ۱۰۰۰ جلد فارسی ، عربی و فرانسه آنرا وقف کرده در بین کتب وقفی چندین کتاب خطی یا ارزشی وجود دارد .

۲ - مشخصات کتاب مزبور به شرح زیر است :

**Le pantheon Maconique**

**Instrugtion Generale pour tous lesrites par**

**Lef .<sup>ss</sup> Jacques - etienne Maeconis on sabonne a paris**

**Chez Lef .<sup>ss</sup> eschederman Administ rateur**

**12 ' Rue de Mdntmorency ' 1800**

را منتشر میکرده و در اصفهان نیز در جراید محل مقالاتی ترجمه کرده و یا شخصاً می‌نوشته است.

هنگامیکه مرحوم داور وزیر عدلیه شد، او را بخدعت وزارت عدلیه دعوت کرد وی مدتی قاضی دیوان کشور شد، ولی بعلمت مشاهده بعضی خلاف کاریها، مستعفی شده، به اصفهان برگشت و بقیه ایام عمر را با استفاده از درآمد املاک و مستغلات و حق الارث پدرش زندگی می‌کند.

اکنون سالهاست گوشه‌گیری اختیار کرده، با هیچکس معاشر نیست و به طوری که می‌گفت، چندین بار یادداشت‌های دوران زندگیش را نوشته و پاره کرده است.

او در سن ۸۰ سالگی دارای هوش فوق‌العاده‌ای است، چشمانش خوب می‌بیند، مرتباً کتاب و روزنامه می‌خواند و گوشه‌هایش شنوائی کامل دارد.

وقتی اطلاع یافت که نگارنده برای اطلاع از تاریخچه زندگی و جریان ورودش به لژ فراماسونی بدیدنش رفته‌ام بادست راستش علامتی داده و در حالی که دستش را کاملاً باز کرده بود، بزیر گلویش برد و موقع خداحافظی و دست دادن هم سه بار علامتی داد. گرچه نگارنده متوجه علائم او شدم ولی چون فراماسون نبودم و معنی آن علائم را نمی‌دانستم نخواستم بدروغ خودم را به او معرفی کنم، از اینجهت درباره علائم مزبور هیچ استوایی مطرح نشد.

شیخ الفت در باره ملک‌خان و لژی که در اصفهان تأسیس کرده بود گفت: «محققاً ملک‌خان عضو لژ اکوسه بوده و علت ورود ظل‌السلطان به فراموشخانه ملک، حفظ مقام و منصبش در ایران و جمع آوری و حفاظت دارائی و ثروتش بوده است، در باره فراماسونیهائی که در اصفهان دیده بود گفت:

«چهل و پنج سال قبل با شیخ‌الملک کرمانی رئیس عدلیه اصفهان که از اساتید لژ فراماسونی بود آشنا شدم، او شرح حال و مشخصات لژش را بمن گفت و مادام

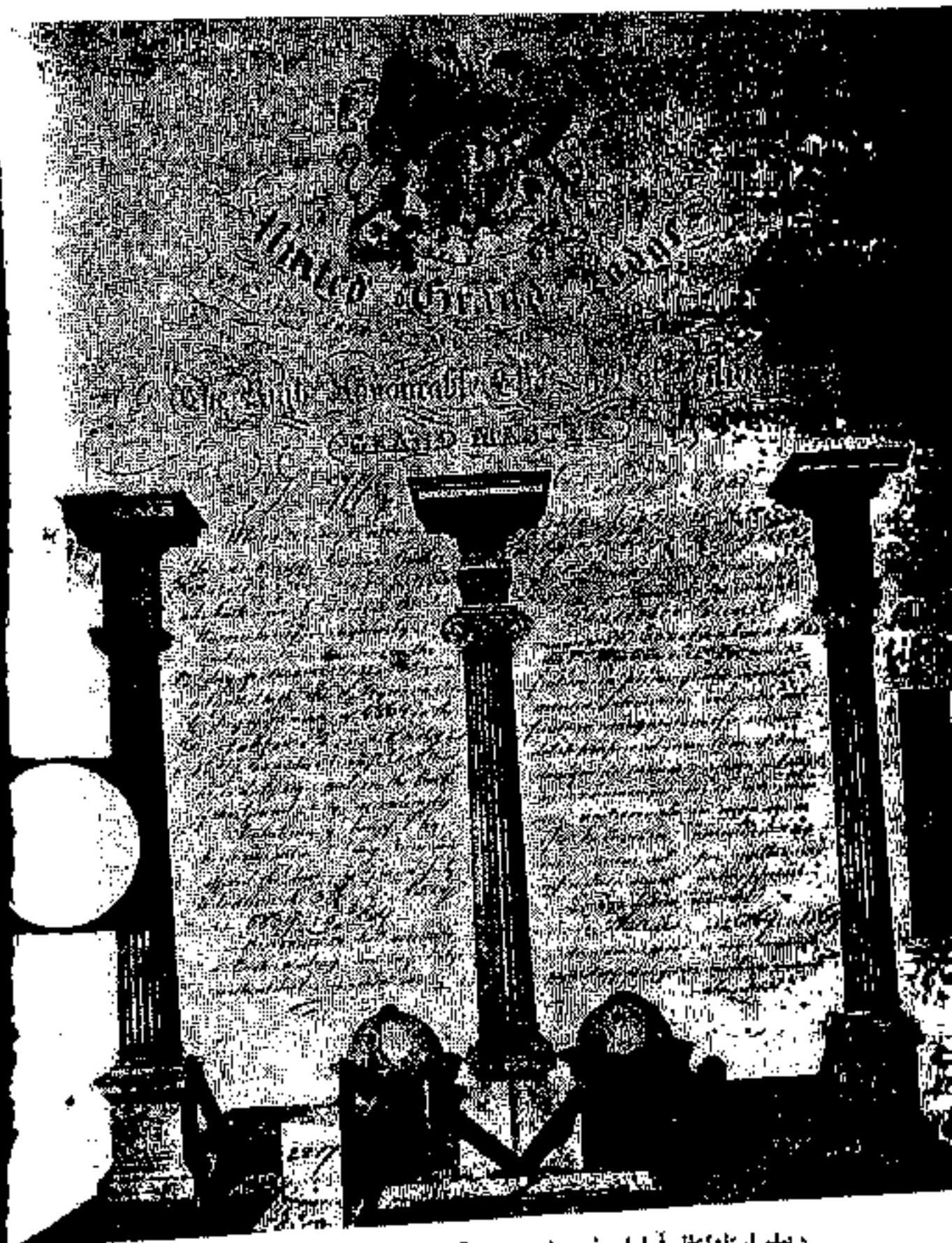
که در اصفهان بود مرتباً با او معاشرت کرده ، در تماس بودم .

فراماسون دیگری که شناختم ، یکی از شاهزادگان قاجار رئیس تلگرافخانه اصفهان بود [ این شخص شاهزاده محمد رضا میرزا ] است که مردم از او دوری نمی کردند و می گفتند او ( فراموشخانه ) است . او کمتر حرف می زد ، مردی ساکت و آرام و بی آزار و نیک نفس بود .

یکی دیگر از قدیمی ترین فراماسونهای ایرانی ، حاج محمد باقر اصفهانی حاج محمد باقر اصفهانی است ، که در لژ « Deutscher Bund » نمره ۸۱۹ انگلستان عضویت داشت . او که فرزند حاج عبدالعلی اصفهانی است ، در نوامبر ۱۸۶۸ عضویتش در لژ مذکور که وابسته به گراند لژ انگلستان است پذیرفته شد و در بیست و ششم ژانویه سال بعد ، دیپلم ماسونی او صادر گردید . در دیپلم ماسونی شماره ۲۸۱۷ لژ نامبرده خطاب به همه ماسون های جهان نوشته شده است :

« استادان و معماران این لژ گواهی می کنند که برادر حاجی محمد باقر ، که در ذیل این دیپلم امضای او دیده می شود ، با طی قواعد ماسونی عضویت این لژ در آمده است . او در نوامبر ۵۸۶۸ [ سال یهودی ] عضویت در آمده و در ۲۶ ژانویه ۵۸۶۹ با درجه سوم در این لژ قبول شده و عضویت او در دفتر گراند لژ انگلند به ثبت رسیده است . ( اصل دیپلم در اختیار مصطفی اصفهانی کارمند وزارت پست و تلگراف و نوه حاج محمد باقر اصفهانی است )

حاجی محمد باقر هنگام اقامت در اسلامبول با سید جمال الدین اسدآبادی ، میرزا ملکم خان ، شیخ محسن خان و میرزا حسین خان تماس داشته و در لژهایی که اینان عضو بودند ، آمد و شد می کرده است . وی مسافرت هایی به فرانسه و انگلستان کرده و در این سفرها مورد مراجعه عده ای از ایرانیان بوده است . هنگام اقامت در اسلامبول خانه و حجره او محل دید و بازدیدهای سیاسی و اجتماعی ترک و خارجیان بوده و در تحریک ایرانیان به قیام علیه رژیم استبدادی سلاطین



دیپلم استاد اعظم فراماسونی حاج محمد باقر اصلهائی بنادره (از انگلستان)

فاجار ، نقش اساسی داشته است .

با اینکه حاج محمد باقر ، اصفهانی بود ، خاندای بزرگ نیز در رضائیه داشته و افراد خانواده او و پدرش همگی ساکن آذربایجان بودند . از حاج عبدالعلی چهار فرزند ذکور باقی مانده است که با خانواده های مختلف وصلت کرده و با نام خانوادگی های گوناگون بر خود نهاده اند ، که از آن جمله این افراد را می توان نام برد: شریف العلماء - غفوری تبریزی - هشرودی - علی بیگ - سپهبد کوششی - هنگ آلب - ناصرالایاله و بالاخره میرزا عباس اصفهانی که پسری به نام مصطفی اصفهانی ، دارد که نام خانوادگی جد خود را حفظ کرده اند . خانه این خانواده در حوادث و آشوب های مختلف در رضائیه غارت و طعمه حریق شد و یکی از این آتش سوزیها ، اسناد و مدارک و کتب و یادداشت های حاج عبدالعلی اصفهانی و پسران او ، تبدیل به خاکستر شده و از میان رفته است .

تأسیس لژ فراماسونی در خراسان یکی از هدفهای مهم سازمان ماسونی ایران بود ، ولی تاچه اندازه در این راه موفقیت نصیب لژ مزبور شده باشد؟ نکته ایست که فقط دسترسی به اسناد لژها می تواند حقیقت این هدف را آشکار کند .

در فاصله سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۲۳ هجری قمری ( ۱۸۹۲ - ۱۹۰۵ - م - ۱۲۷۱ - ۱۲۸۳ - ش ) لژ فراماسونی ایران در صدد ایجاد شعبه ای در خراسان برآمد .

محقق محترم ابوالفضل قاسمی تأسیس لژ ماسونی در خراسان را با سوء ظن فراوان تلقی کرده ، آنرا نتیجه سیاست عمومی انگلستان در این ناحیه میدانند . او که خراسان را « شمشیر ایران » و « سپر بالای هندوستان » میدانند ، بین تأسیس لژ ماسونی در خراسان و سازمان ایستادگی جنس سرریس و سیاست نایب السلطنه هندارتباطی قائل شده است .

نویسنده کتاب « حکومت خانواده ها در ایران » مینویسد :

۱ - صفحه ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ جلد سوم خانواده قوام السلطنه .

«... بریگادیر جان ملکم، اولین فرستاده مطلع انگلستان در زمان فتحعلی شاه به ایران که گزارشات و مطالعات عمیق او، شالوده سیاست استعماری انگلستان را در ایران پایه می‌گذارد. در کتاب تاریخ و راپورت سیاسی خود خراسان را شمشر ایران یعنی نگهبان استقلال و آزادی ایران معرفی مینماید.

چه آنروز زادگاه نادر و فردوسی و ابومسلم، مرکز بیداری و هشیاری ایران بشمار رفته، نر مومتر وطن پرستی در خراسان بیشتر از همه جا صعود کرده بود. گزارشات و یادداشت‌های مأمورین سیاسی خارجی که در موقع از آنها یاد میشود این مطلب را تأیید می‌کند.

طبق گزارش سر جان ملکم و نظر کمپانی شرق، برای بلع صیدهای شکارگاه هند و ایران و افغان باید ایران خلع سلاح شده، یعنی خراسان شمشر ایران از دست ایرانی گرفته شود و یا لااقل از کار افتد، تا ملت ایران در هنگام دفاع و مبارزه سلاحی در دست نداشته باشد، که با دزدان دریائی پیکار نماید.

گویا لرد جرج کرزن، نایب السلطنه هندوستان در مسافرت سیاسی خود در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه بخراسان، دستورات و گزارشات جدیدی در این باره بسازمان نو بنیاد اینتلیجنس سرویس میدهند. از این جهت فعالیت جدیدی برای تکمیل نقشه استعمار و عقب ماندگی در خراسان شروع میشود...<sup>۱</sup> مأمور تشکیل لژ ماسونی در خراسان میرزا محمد قوام الدوله بود که عامل شکست جنگ مرو و یکی از بنیاد گزاران اولیه فراماسون در ایران است.

قوام الدوله در زمان صدارت عبدالمجید میرزا عین الدوله مأمور تشکیل لژ ماسونی خراسان شد. او نخست با شاهزاده شعاع السلطنه پسر مظفرالدینشاه تماس گرفت، و با او درباره تأسیس لژ ماسونی در خراسان مذاکره کرد. قوام الدوله به او پیشنهاد نمود که ضمن پذیرفتن والیگری خراسان لژ فراماسونی را در خراسان تشکیل دهد.

شاهزاده شعاع السلطنه روز ۲۰ فوریه ۱۹۰۶ ( ۱۶ محرم ۱۳۲۶ هـ ۳۰ بهمن ۱۲۸۶ - ش ) در تقویم روزانه‌ای که داشته چنین مینویسد :

« امروز نایب السلطنه در میدان توپخانه جلوس کرد . صاحب منصبان به تبریک آمده بودند . می بینم که عنقریب شاه و صدراعظم ( عین الدوله عبدالمجید میرزا ) از این کار جاهلان خودشان پشیمان خواهند شد .

صبح حسین آقا [ منظور از حسین آقا - حسین آقا امین الضرب دوم است ] آمده ، اصرار می کرد که من حکومت خراسان را قبول کنم .

بعد شرح مشروحی در باب برقراری لژ فراماسونی گفتگو کردم و همچنین بعد از ظهر قوام الدوله آمد ، او نیز در این باب مذاکره کرد .

شاهزاده شعاع السلطنه به آنها جواب میدهد که روز بعد جلسه مخفی فراماسونی را در خانه اش تشکیل دهند ، تا در این باره گفتگو و مذاکره شود .

مدتی لژ فراماسونی در خانه او تشکیل میشد و پیشکار دیوانش لطفعلیخان اعتماد دیوان که مورد اعتمادش بود ، مأموریت داشت که محفل فراماسونی را که در قسمتی از باغش واقع شده بود ، نگهداری و اداره کند .

روز بعد ، پس از مذاکره با رؤسای لژ فراماسونی و کسان دیگری که مأمور مذاکره با او بودند ، در یادداشت‌هایش چنین می نویسد : « در ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۳ و ۲۱ فوریه ۱۹۰۶ با حاجی حسین آقا و قوام الدوله [ منظور میرزا محمدخان قوام الدوله است . نه شکرالله خان که بعداً لقب قوام الدوله گرفت ] در باب برقراری لژ صحبت کردم .

حاجی حسین آقا باطناً طرفدار امین السلطان است . عین الدوله هم بدرفتار است و هم بدبخت اگر بغلط در حق کسی هم نیکی بکند ، آنکس ممنون نمی شود . حاجی مرا ترغیب به حکومت خراسان می کرد ، به کلی آب پاکی روی دستش ریختم . »

با اینکه شاهزاده شعاع السلطنه مأموریت برقراری لژ را پذیرفت، معذک طبق دستور لژ قرار شد، کارهای لژ خراسان زیر نظر او انجام شود و در یادداشت‌های روز ۱۴ صفر ۱۳۲۴ (۹ آوریل ۱۹۰۶) چنین مینویسد:

«اتهابك اعظم از دیروز تا بحال در مبارك آباد است - شهرت استعفاى وزیر مخصوص همه جا پراست .

بعد از ظهر بیاض رفتیم، قوام الدوله، حاج حسین آقا، حاج سیاح آمدند مذاکرات کرده، قرار لژ را بخانه مسیو «پیرم» دادیم، ... انتظام خیانتکار است هر چه می‌شود به ظهیر الدوله می‌گویید، ملک الشعراء اضافه می‌کند:

«باید دانست انتظام السلطنه و ظهیر الدوله نیز هر دو عضو فراماسون هستند. بعد هاجم بریاست لژ فراماسونی در تهران رسیدند. اگر اختلافی بین آنها دیده می‌شود این اختلاف داخلی بوده است ...»<sup>۱</sup>

از اینجا به بعد شعاع السلطنه هیچگونه اشاره‌ای به (لژ خراسان) نمی‌کند، ولی از یادداشت‌های محمود عرفان چنین برمی‌آید که صدرالعلماء خراسانی از رؤسای سازمان فراماسونی در استان خراسان می‌شود. فراماسون دیگری که در خراسان فعالیت می‌کرد، قوام الدوله بود. ابوالفضل قاسمی نویسنده حکومت خانواده‌ها در باره او می‌نویسد:<sup>۲</sup> «... قوام الدوله که از عمال سرشناس و معروف انگلستان در ایران بود، مأمور تشکیل لژ فراماسون در خراسان می‌شود ... قوام الدوله در زمان صدارت عبدالمجید میرزا عین الدوله به این مأموریت مشغول می‌شود ...

بدینوسیله اولین خشت بنای يك كانون فساد و اتريك را كه پنجاه سال است طراح نقشه‌های خطرناك و بلواهای مصنوعی در خراسان می‌باشد، می‌گذارد . الان هم این آشیانه فساد در خراسان بسته نشده، چند نفر از طرف

۱- روزنامه دمکرات ایران .

۲- صفحه ۱۴۱ و ۱۴۲ جلد سوم خانواده قوام السلطنه از سلسله انتشارات حکومت

خانواده‌ها.

فراماسونری خراسان بعنوان رابط بین لژ فراماسون خراسان و تهران شده به  
 مابین آن و تخریب مشغول هستند ...»

در بوشهر، هیچگونه آثاری از تشکیل لژهای فراماسونی  
 اماکنهای بوشهر وجود ندارد، ولی آنچه محقق است، وجود عده‌ای از  
 فراماسون‌ها در این شهر است.

بندر بوشهر، چون در شاهراه جنوبی ایران واقع شده، از اوایل قرن  
 هجدهم تا نیمه اول قرن بیستم، همواره محل عبور سپاهیان انگلیسی، بازرگانان  
 مال‌التجاره‌های خارجی و بالعکس بوده است.

علاوه بر این وجود ژنرال کنسولگری انگلیس و سکونت نماینده حکومت  
 و وزارت خارجه انگلیس در بوشهر (که عربها او را «رئیس الخلیج» و انگلیسها  
 او را «Political Resident in the Persian Gulf» می‌نامیدند) باعث شده  
 بود که اکثر اوقات در این شهر فراماسونهای نظامی و دیپلمات و گاهی نیز بازرگان  
 فعالیت پیدا کنند. بطوریکه ششیده شد، در دوران اشغال بوشهر بوسیله قوای  
 انگلیس، که بین سالهای (۱۹۱۴-۱۹۱۸) رویداد، یک لژ نظامی فراماسونری  
 که مرکز آن در (دستک<sup>۱</sup>) بوده، وجود داشته است.

قوای انگلیس هنگام اشغال بوشهر، این ده را مرکز فرماندهی و سپاهیان  
 خود قرار داده و تأسیسات عظیمی، منجمله، کارخانه تصفیه آب و خانه‌های بزرگ سنگی  
 سه طبقه و آسایشگاههای تخته‌ای موقتی بنا کردند. در یکی از همین ساختمانها که  
 بعدها در اختیار تلگرافخانه هند و اروپا گذارده شد، و در این بندروده کوچک،  
 لژی وابسته به لژ فراماسونری بمبئی تشکیل شده بود که در آن افسران قوای  
 انگلیسی و دیپلماتهای عضو ژنرال کنسولگری انگلیسی در بوشهر عضویت داشتند  
 و پس از خروج قوای انگلیسی از بوشهر و جنوب ایران، این لژ نیز تعطیل شد.

۱- دستک نام دهی است که خلیج طبیعی کوچکی دارد و در ۱۴ کیلومتری بوشهر  
 واقع است. در کنار این ده قلعه معروف (ربشهر) که عربها آنرا (زیمهر) می‌گفتند و تا حمله  
 اعراب به سواحل خلیج فارس معصور و آباد و محل تمرکز نیرو بوده، قرار دارد.

از نام این لژ و سایر مشخصات و تاریخ تأسیس و انحلال آن هیچگونه سند و مدرکی بدست نیامد، ولی نگارنده مرکز این لژ را در دستک و ساختمانهای موجود در ده (بهمن فعلی) مشاهده کردم.

از جمله فراماسونهای معروف انگلیسی مقیم بوشهر که مقام استادی داشت و دیپلم او از «اتحادیه گراند لژ انگلستان» صادر شده بود، «آلفرد جان گاردنر» کنسولیاری انگلیس در بوشهر است. این شخص از سال ۱۳۰۲ ش - (۱۹۲۳ - م) تا ۱۳۰۵ - (۱۹۲۶ - م) در بوشهر کنسولیاری کنسول و حتی ژنرال کنسول شده، چند سال نیز در شیراز و اهواز همین سمت را داشت. او علناً به فراماسون بودن تظاهر کرده در جشنها و سلامهای رسمی علائم ماسونی خود را بکار می برد و با فراماسونهای شیراز و تهران ارتباط داشت.

فراماسون دیگری که عضویکی از لژهای ماسونی هند بود «اسکات» تلگرافچی تلگرافخانه هند و اروپا در بوشهر بود. او نیز اغلب لباس و نشان مخصوص ماسونهای هند را می پوشید و پس از اینکه در سال ۱۳۱۶ - (۱۹۳۷ - م) در بوشهر فوت کرد، نگارنده شخصاً دیپلم، نشانها و اسناد ماسونی او را دیدم این اسناد در سال ۱۳۱۶ - (۱۹۳۷ - م) برای خانواده او فرستاده شد.

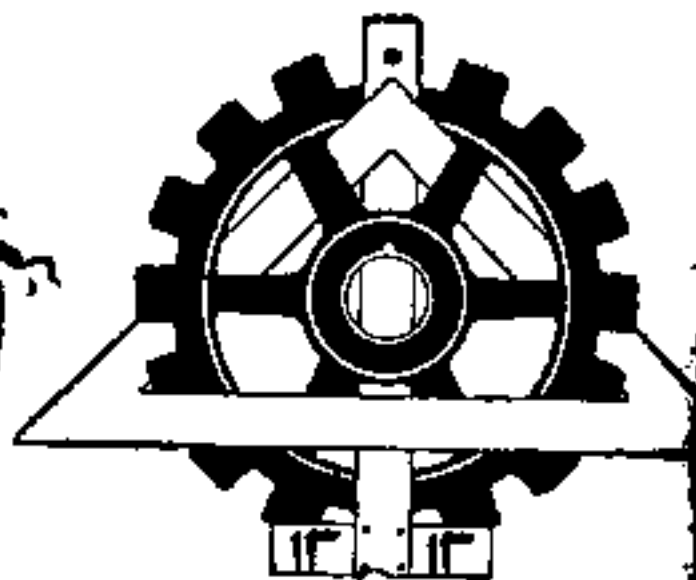
از جمله ایرانیانی که در بوشهر معروف به فراماسونی بودند، مرحوم شیخ محمد تقی فیلسوف شادروان را باید نام برد.

وی سالها مدیر مدرسه متوسطه سعادت در بوشهر بود و چون مردی دانشمند، معارف پرور و علاقمند به حرقه مقدس تعلیم و تربیت بود، مورد حسد همکارانش واقع شده، در اثر سعایت و کارشکنی از بوشهر اخراج شد و به شیراز رفت.

فیلسوف از روزی که وارد بوشهر شد، علامت مخصوص (عیناً کسر آورده است) که در آن پرگار، نقاله، گویا، دو خط کش و دو قلم به چشم می خورد، بعنوان



آرم مدرسه سعادت بوشهر



آرم دانشکده فنی دانشگاه تهران

۱. نشان مخصوص مدرسه « بکار برده » در روی قابلو در ورودی مدرسه سعادت ۱

۱ - مدرسه سعادت بوشهر در سال ۱۳۱۷ ق (۱۲۷۸ ش - ۱۸۹۹ م) در زمان حکمرانی مرحوم احمدخان دریایی که بشدریج منصب میرینجی و امیر نوایی گرفت تأسیس شد . مرحوم دریایی که خود از شاگردان مدرسه دارالفنون تهران و در رشته مهندسی و فن نظام فارغ التحصیل شده بود هنگام تأسیس مدرسه از انجمن معارف که در تهران تأسیس شده بود ، کمک خواست و انجمن معارف بدستور وزیر علوم مرحوم شیخ محمدحسین سعادت را بعدریت مدرسه منصوب کرد .

از مدرسه مزبور در سال اول استقبالی نشد ، ولی سال بعد ۳۵۰۰ محصل داشت و بشدریج مباحثمائی برای مدرسه ساخته شد . پس از عزل دریایی و انتصاب رضاقلیخان سالار معظم که بعدها نظام السلطنه شد تا اندازه ای در کار مدرسه وقفه حاصل شد و حتی صحبت انحلال مدرسه پیش آمد ، ولی در همین موقع گمرک در تحت اداره بلژیکیها درآمد و مسو سیم بلژیکی موافقت کرد که از سدور هر عددی کالایم شاهی و ورود يك شاهی برای اداره مدرسه وصول شود و بصرف امور مدرسه برسد . این درآمد ثابت وضع مدرسه را مثبت کرد و خود اهالی شهر نیز کسبتهای برای اداره مدرسه بوجود آوردند . مدرسه سعادت چندین مدرسه در بشدرعباس ، لنکه ، بحرین ، خرمسهر ، اهواز و کازمین تأسیس کرد . ( نقل از سائنامه فرهنگ جنوب ) علامت فراماسونی دیگری نیز که در يك مؤسسه فرهنگی ایران بکار برده شده در « آرم » دانشکده فنی وابسته بدانشگاه است .

در علامت مخصوص دانشکده فنی يك چرخ دندانه دار با خط کش ، رسم در يك گویاست که وسیله مهندس فروغی ( فرزند مرحوم ذکاءالملک فردغی که از رؤسای فراماسون ایران و از مؤسسين لژ بیداری ایران است ) بکار برده شده که بنظر مطلعین شاید به منظور خاصی تنظیم گردیده باشد .

تصدیق و کارنامه کلاسهای مدرسه ، کاغذ مارکدار و حتی روی پاکات مدرسه که جمله «مدرسه مبارکه سعادت» را داشت ، این علامت را بکار میبرد .

مرحوم فیلسوف هیچگاه تظاهر به ماسون بودن خود نمی کرد و معلوم نشد که وی در ایران و یا کدام کشور خارجی به عضویت لژ ماسونی درآمده ، ولی بظن قوی باید او در فرانسه و یا بلژیک وارد سازمان های ماسونی شده باشد .

زیرا بطوریکه سابقه نشان میدهد و اسناد و مدارک موجود نیز ثابت می کند ، عده زیادی از ایرانیان هنگام مسافرت باین دو کشور وارد لژهای ماسونی شده اند . بخصوص که مرحوم فیلسوف تحصیلات خود را در کشور فرانسه پایان رسانیده و سفرهایی نیز به هلند ، بلژیک و سایر کشورهای اروپائی کرده بود .

مرحوم فیلسوف را حقاً بایستی زنده کننده و بسط دهنده فرهنگ و علوم جدید در بوشهر دانست زیرا در دوران ریاست مدرسه آن مرحوم ، برای اولین بار آزمایشگاههای متعدد شیمی ، موزه طبیعی و جانورشناسی تأسیس شده و در دورانی که در هیچیک از مدارس ایران برنامه های آموزش حرفه ای وجود نداشت در بوشهر شاگردان مدارس اکثراً مجبور به فراگرفتن کارهای حرفه ای و حتی ساختن لوازم اولیه زندگی و لوازم تحصیلی بودند ، ساختن واکس کفش ، مرکب ، گچ ، تابلو ، میز و صندلی و تخته سیاه اکثر بدست محصلین و به راهنمایی آن مرحوم و سایر معلمین علوم جدید انجام میشد .

مرحوم فیلسوف با آزادخواهان بوشهر و دشتستان و تنگستان که عموماً به نام «احرار» خوانده میشدند ، همکاری صمیمانه داشت و در انجمنهای مخفی نیز شرکت می کرد .

علامت مزبور تا سال ۱۳۱۳ ش - ( ۱۹۳۴ - م ) که مدرسه مزبور دولتی شد ، همچنان در بالای اسناد رسمی ، تصدیقها و تابلو مدرسه باقی بود و بتدریج منسوخ شد و از بین رفت .

یکی دیگر از فراماسونهای که پنجاه سال در بوشهر  
اقامت دائمی داشت هاراطون لیو ملکم بازرگان و  
نماینده کشتیرانی « استریک » انگلیس در بوشهر  
بود .

## لیو ملکم فراماسون گمنام

او در سال ۱۲۷۵ ش ( ۱۸۹۶-م ) در لندن در « گراند لژ لندن » به عضویت  
لیو ماسونی این شهر در آمده ، تا درجه استادی ترقی کرد . فرمان فراماسونی او  
که در منزلش بود تاریخ صدور دیپلمش را ۴ فوریه ۱۹۰۵ ( ۱۵ اسفند ۱۲۸۳ ش )  
درجه ماسونی او را « استاد » قید کرده است .

لیو ملکم تا پایان عمرش با مرکز فراماسونی ارتباط داشت و دو بار که به  
انگلستان مسافرت کرد ، بنابه اظهار خودش در جلسات لژ مزبور شرکت می-  
کرده است .

هنگامیکه آلفرد جان گاردنر کنسولیاری انگلیس در بوشهر بود ، با او  
همدم بود و معاشرت داشت و چون هر دو آنها عضو یک لژ بودند بیشتر اوقات  
نیمگاری را باهم می گذرانیدند و این تنها اقدام او در مدت اقامتش در بوشهر بود .  
مادر هاراطون لیو ملکم اصفهانی و پدرش انگلیسی بود که در زمان سلطنت  
محمد شاه قاجار به ایران آمده ، و در اصفهان ازدواج کرده بودند . هاراطون در  
لندن متولد شده و تحصیلات مقدماتی و عالییه را در این شهر گذرانیده و از دانشگاه  
کمبریج در رشته پزشکی فارغ التحصیل شد پس از گذراندن تز دکترای خود گرچه  
در رشته جراحی متخصص شده بود ، ولی از جراحی بیزار بود و بهمین سبب هم  
رشته پزشکی را ترک کرد ، با گرفتن نمایندگی کشتیرانی شرکت استریک به بوشهر  
آمد و مدت پنجاه سال در این شهر اقامت کرد .

او در انگلستان ازدواج کرده و از ثمره این ازدواج دو پسر و یک دختر  
داشت که هر سه در انگلستان اقامت کردند .

وی با اینکه تبعه دولت ایران بود و شناسنامه ایرانی داشت معذک تا

پایان عمر گذرانده انگلیسی هم داشت .

هاراپتون لیو ملکم تا پایان عمر زندگی آرام و یکنواختی داشت ، در خرج کردن خیلی مسک بود ، ولی در کلیه کارهای خیریه و کمک به فقرا و یتیمیان شرکت می کرد .

در مدت چهل سال آخر عمرش ، بیدرم اجازه داده بود که در هر مجلس و محفل دولتی و ملی اگر برای کارهای خیریه کمکهای نقدی و جنسی برای یتیمیان بخواهند بدون تظاهر و بدون اینکه اسم او را ببرد ، هر مبلغی که لازم است تعهد نماید . و همین کار را تا پایان عمر انجام می داد . او همیشه می گفت مسک فراماسونی مرا مجبور می کند تا به کمک مستمندان بشتابم . لیو ملکم که در سال ۱۸۶۱ م [ ۱۲۴۰ ش ] متولد شده بود در سال ۱۹۴۸-۱۳۲۶ ش در نوشهر فوت کرد .

# ضمائم

۱- اساسی اعضاء لژ بیداری ایران

۲- منظومه آئین فراماسونری ادیب -  
الممالك فراهانی

۳- ترجمه قانون اساسی گراتد اوریان  
فرانسه یوسیمه لژ بیداری ایران

۴- معرفی ۱۸۶۹ کتاب فراماسونری

## ضمیمه اول

پس از اینکه چاپ فصل پانزدهم کتاب حاضر در باره «لث بیداری ایران» میابان رسید، یکی از افراد يك خانواده قدیمی آذربایجانی که مقداری از کتب مرحوم ابراهیم حکیمی «حکیم الملک» را خریداری کرده بود، کتابچه‌ای را در اختیار نگارنده گذاشت، که تصویر می‌رود این کتابچه قبلاً در پرونده فراماسونری «حکیم الملک» بوده است. این کتابچه، دفترچه بغلی خط‌داری است که مرحوم حکیم الملک با بریدن گوشه راست آن و نوشتن سی و دو حرف الفباء در کنار هر يك از صفحات، آنرا بصورت راهنمای یکصد و بیست عضو لث‌بیداری ایران به ترتیب حروف الفبا در آورده است.

مطالب کتابچه از حروف «الف» تا «ج»، به خط ناشناسی است که نه مرحوم حکیمی توضیحی در باره نویسنده این صفحات داده و نه مالک آن اطلاعی از خط نویسنده دارد. از حروف (ح) به بعد، اسامی همه به خط مرحوم حکیمی است.

با اینکه در فصل پانزدهم از اسامی ژلاتین شده، پرونده فراماسونری حکیم الملك استفاده شده و با تلفیق اسامی ثبت شده در آخر منطومه فراماسونری ادیب المعالک متعلق به مرحوم اشراق، لیست مستقلی عرضه شده است، با اینحال در اینجا لازم فریدیم که عین اسامی کتابچه مذکور را نقل کنیم، زیرا بنظر می‌رسد این کتابچه متعلق به بایگانی لژیون بیداری بوده است. و مالک آن نیز چنین عقیده‌ای دارد، مخصوص که کتابچه مذکور از بین اسناد و کتب مرحوم حکیمی بدست آمده است. در این کتابچه در جلو هر يك از اسامی شماره «کارتن» و «دوسیه» اعضا بوضوح نوشته شده است. بنا بر این اسامی این دفتر چه صد درصد صحیح و کامل به نظر می‌رسد و بر چهار لیست دیگری که بدست آورده‌ایم (وقلاً آنها را نقل کردیم) ارجحیت دارد.

در کتابچه مذکور، اسامی اول اعضای لژیون بیداری ایران، در زیر حروفی دو گانه ذکر گردیده است. در این دفتر چه فقط صفحات مربوط به حروف (پ-چ-خ-ژ-ش-ظ-ه) سفید و خالیست و در آنها اسمی نوشته نشده.

از جمله کسانی که اسامی آنها در کتابچه راهنمای لژیون بیداری نوشته و در قید حیات هستند «تقی زاده - میرزا محمودخان منشی سفارت فرانسه (سناتور جم) - دکتر سعیدمالک لقمان الملك - دکتر کریمخان مخبري (سر لشکر کریم هدایت) ضیاء - الملك فرمند» می‌باشند. اگر اشتباه نکرده باشیم در بین اسامی این عده رجبعلی نمان (منصور الملك)، (منصور) فعلی نیز نوشته شده که ایشان هم در قید حیات هستند. اینک اسامی یکصد و بیست نفر، ثبت شده در دفتر راهنمای مرحوم حکیمی، هیناً نقل می‌گردد:

۱ - از مالک محترم کتابچه مذکور متشکریم که آنها را برای استفاده در اختیار نگارنده

فرار دادند.

الف	کارتن	دوسیه
ابوالحسن فروغی	۳	۶۳
سید ابوالقاسم خان	۳	۸۱
ابراہیم زنجانی	۳	۵۳
ابوالقاسم سروش	۳	۵۱
دکتر امیر خان	۳	۱۵
اورنگ وصالی محمود	۳	۱۰۲
ادیب السلطنہ	۳	۳۳۳
سید ابوالحسن	-	-
حاج میرزا احمد خان	-	۴۶
اعتماد الملک	۳	۳۰
ادیب الممالک فراہانی	-	۲۳
انتظام السلطنہ	۳	۲
حاجی ابوالفتح خان	۳	۷
افتخارالتجار	۵	۳
اردشیر جی	-	۲۶
امان اللہ میرزا ضیاء الدولہ	۵	۴۴
ابراہیم سرتیب توپخانہ	-	۵۲
امین خلوت	-	۷۵
امان اللہ خان عین خاقان	۳	۱۰۸
حاج سید ابوالحسن ارفع الدولہ	۳	۱۰۶
ارفع الدولہ	۳	۱۲
ب		
بقاء الملک	۳	۱۰۴

۳	۳	مسیو بتن
		ت
۲۵	-	لقی زاده
		ث
۶	۵	القت الملك
۱۲۱	۳	القت الملك محسن خان پسر ثقت الملك
		ث
۱۰۱	۲	جمال تقوی
۸۷	۳	میرزا جوادخان
		ث
۵	۳	حکیم الملك میرزا ابراهیم خان
۱۶	۳	حسنعلی خان مخبری - نصر الملك
۴۱	۳	حسینقلی خان نواب
۸۰	۵	حسینخان کحال
۱۱۴	۳	محمد محمد حسینخان
۱۱۸	۳	میرزا مهید خان
		ث
۳۹	۳	میر الملك میرزا محمد حسین خان بدر
۹۳	۳	ملکین
۱۰۵	۳	دوبروک
		ث
۳۰۵	۳	زکاء الملك میرزا محمد علی
		ث
۱۰۰	۳	رجب علی خان
۳۰	۳	رضاقلی خان رئیس

رضایوف میرزا احمد ۳ ۵۶  
س

سردار ظفر بختیاری ۳ ۶۸

سردار بهادر جعفر قلی خان بختیاری ۳ ۲۵

حاجی ... ۳ ۱

میوسکن ۳ ۶۴

سردار اسعد ۳ ۵۹

سردار امجد طالش - ۱۴

ساعد الوزاره - ۳۶

حاجی سید ایوبی ۳ ۱۰۶

ص

صمصام السلطنه بختیاری علیقلی خان بختیاری ۳ ۶۰

صدر العلماء خراسانی ۳ ۹۸

صدر الممالك - -

صنیع الدوله ۵ ۷۴ مرحوم شد

ض

ضیاء الله خان قراگوزلو ۳ ۲۷

ضیاء السلطنه میرزا علیخان ۳ ۱۱۹

ظ

ظہیر السلطان ۳ ۱۳

ظہیر الملك (رئیس) ۳ ۴۰

ظہیر الاعیان - ۳۱

ع

عزالملك کردستانی ۳ ۹۴

۴۵	۳	هباسقلیخان قریب
۶۰	۳	دکتر علیخان پرنو اعظم
۶۰	۳	عمیدالحکماء میرزا ابراهیم خان
۴۷	۳	میرزا عبدالرحیم خلخالی
۶۷	۳	میرزا عیسی خان علی آبادی
۴۸	۵	علی اکبر خان دخو
۱۱ مرحوم شد	-	عبدالله میرزا تنکابنی
۱۰۳	۳	الام علیخان ریاضی
۸۳	۶	دکتر فراسکینا
۱۱۱	۳	سلطان الملک
۷۸	۳	لواء السلطنه میرزا احمد خان
۶۲	۴	میرزا قاسم شیرازی
۱۰	۵	لواء الدوله
۱۹	-	عالم مقام غفاری
۷۶	۴	ارباب کیخسرو شاهرخ
۹۲	۳	کنال الملک محمدخان غفاری
۱۷	۴	دکشف السلطنه
۱۸	۴	دکتر کریمخان مخبری
۵۷	-	دکتر کمبو
۸۹	۴	کتابچی خان پل

## ک

میرزا گشتاسب فریدون ۳ ۱۲۰

## ل

دکتر لقمان الملك دکتر سعیدخان ۳ ۹۹

دکتر لقمان حکیمی نهورای - ۵۸

مسیو لانس - ۸

مسیو لکفر - ۳۲

مسیو رایس<sup>۱</sup> - ۱۰۲

## م

مصطفی قلی خان مخبری فهیم الدوله ۳ ۳۴

محمد صادق طباطبائی ۳ ۲۸

معاون الدوله ابراهیم خان غفاری ۳ ۱۸

مختبر السلطنه مهدیقلیخان ۳ ۱۶

آقا شیخ مرتضی نجم آبادی ۳ ۹۷

مرتضی قلیخان بختیاری ۳ ۶۵

ممتاز الدوله میرزا اسمعیل خان ۳ ۲۱

معاوضه السلطنه پیرنیا ۳ ۲۹

مدحت الممالک ۳ ۸۸

مؤید السلطنه میرزا رضا خان - -

محمد رضا خان ۳ ۷۹

محمد علیخان کلوب ۳ ۸۶

محمد علیخان تربیت ۳ ۸۶

۱- مرحوم حکیم الملك مسیو و رایس « را در صفحه حرف ( ل ) نوشته بود که حیناً

۷۲	۳	مشیرالدوله میرزا حسنخان
۸۲	۳	میرزا محمود خان هنشی سفارت فرانسه
۴	۵	مسیو مرل
۲۴	۳	آقا سید محمد مجتهد
۲۸	۳	منتخبالدوله
۵۰	۳	میرزا آقا خان تبریزی
۵۰	۳	میرزا موسی خان امیر پنجه
۵۵	۳	محمدالتجار
۷۰	۳	میرزا الملك سردار معزز
۱۱۳	۳	میرزا سید محمد خان
۱۱۵	۳	میرزا محمودخان دکتر شیمی
۲۱۷	۳	دکتر مهذب السلطنه
۱۱۰	۳	صباح السلطان
۴۹	۳	آخ سید نصرالله تقوی
۴۲	۳	اسم العلوم محمد صفی خان
۶۹	۳	آلوقالدوله میرزا حسنخان
۷۷	۳	دکتر ولیالله خان
۷۳	۳	مسیو ویزوز
۸۵	۳	میرزا یالس یوسف ارمنی
۹۱	۵	لهرمخان سردار ارمنی
۱۰۹	۳	حاجی یمن الملك
۱۱۶	۳	میرزا یوسفخان وصالی

## ضمیمه دوم

### منظومه آئین فراماسونری

ادیب الممالک فراهانی، یکی از فراماسونهای معتقد و علاقمند به آئین این فرقه پنهانی بود. او که با وجود تهی دستی و فقر مالی، بگواهی اسناد موجود، مقرری ماهانه و مخارج دیگر لژ بیداری ایران را در تمام طول مدت عضویت خود مرتباً پرداخت کرده است، در آثاری که از وی بجای مانده، همه جا آئین فراماسونری را ستوده و این سازمان و هدفهای آنرا تحسین می کند. او در دوران عضویت خود در لژ، علاوه بر قصائدی که در بارهٔ دکتر «مرل» و تشکیل جلسهٔ عالی سالانه سروده بود، قصیده‌ای نیز در بارهٔ «آئین فراماسونری» ساخت که در آن زمان شهرت و افری یافت، زیرا علاوه بر مضمون بکر قصیده که تا آن وقت هیچ سراینده‌ای در بارهٔ این اثر سخن نگفته بود بخاطر آوردن کلمات و اصطلاحات بدیع، در محافل ادبی نیز یکموقع «نوآوری» در کار قصیده سرایی تلقی شد.

شادروان خان ملک ساسانی نسخهٔ اصلی این قصیده را در اختیار وحید دستگردی مدیر مجلهٔ وحید قرارداد و او قصیده را در دیوان ادیب الممالک چاپ کرده و خود نیز «رجا که توضیحی لازم بنظر می رسیده، شرحی بدان افزوده است. قصیده «آئین فراماسونری» نخستین اثری است که در بارهٔ لژ بیداری ایران، در سال‌های قبل انتشار یافته است. بدین سبب در اینجا متن کامل همهٔ منظومه را با اضافه توضیحاتی که سراینده در بارهٔ بعضی از کلمات داده، با زیرنویسی که خود ما به آن افزوده ایم و همچنین توضیحاتی که از نسخهٔ خطی آئین منظومه گرفته شده، عیناً نقل می کنیم:

۱ - نسخهٔ خطی منظومه «آئین فراماسونری» که قبلاً متعلق به مرحوم اشراق محضرداد بوده، اکنون در اختیار دانشمند محترم هاشمی خاوری است. بعضی از صفحات اولیه منظومه نیز در پرونده ماسونی وی باقی مانده که نگارنده آنها را در اختیار دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

که برافروختن آتش همدار	سه نام نه نام آتش همدار
اوست تبار دین تندرست	اوست تبار دین گشیده رود
کاف کن گویند و زن پرگار	کرده است گم طبع دین آثار
برودان پیران جاوید	بادله ما نه دود و دود فرید
اوستاران ما سبب بودند	که همه روشن دین بودند
نوح و خنده پر تبار	آدم آن اوستار تبار
لَوْ بَطِیْعُ الْعَبِیْقِ رَأَى بَنی	بر نوا همدار شین کله
بیت تبار و عبید و اور	مهری تبار فید المهر
هر او و آهی اماخ	که باورش و خفت خیمه کاج
مهر رازش بحمیت عهد	ز راب و سنگان زده
بیت اقصی گشت بهر آنکه	تسلیمان ز روی آن خرگاه
گشت ساجه بکوی خانی ناس	مصطفی در آن مهر
که را قبلگاه خلق نو	گاه و لوا و جو حکم در

سرنامه به نام آن معمار\*  
 اوست معمار این کشیده رواق  
 کرده هنگام طرح این آثار  
 باد از ما درود و مهر و نوید  
 که همه روشن و سنی بودند  
 آدم آن استاد معماران  
 بر پراهمیم شیخ کلدانی  
 موسی استاد قبة المحضر<sup>۱</sup>  
 که با مرش فراخت خیمه و کاخ  
 زیر بال فرشتگان<sup>۲</sup> زد مهد  
 تا سلیمان ز روی آن خرگاه  
 مصطفی در رواق هر دو اساس  
 گاه (ولوا وجوهکم) فرمود  
 گاه از کعبه شد بقدر خلیل  
 پور عمران علی که از مردی  
 اوستاد کر و بیان خدا  
 تا نگهدار راز داور شد  
 پسرانش همه به استادی  
 همه هنگام راز و گفت و شفت  
 راز داران سر و نکته غیب  
 باد از ما درود بر زرتشت

که بر افراشت این بلند حصار  
 اوست بنای این مقرنس طاق  
 «کافی» کن گونیو «نون» پرگار  
 بر روان پیامبران جاوید  
 اوستادان ماسنی بودند  
 نوح فرخنده پیر نجاران  
 لث بیت العتیق را بانی  
 بیت سبار و معبد داور  
 پسر اوری<sup>۳</sup> و احی ساماخ<sup>۴</sup>  
 مخزن راز حق بخیمه عهد<sup>۵</sup>  
 بیت اقصی نگاشت بهر اله  
 گشت شاجد بسوی خالق ناس  
 کعبه را قبله گاه خلق نمود  
 یافت (اسری بعده) تنزیل  
 جبرئیلش رود به شاگردی  
 پیشوای فرشتگان سما  
 با پسر عم خود برادر شد  
 صاحب بیت و سید نادی  
 جانشان با رفیق اعلی جفت  
 اوستادان دانیال و شعیب  
 کش بدی آب و آذر اندر مشیت

۵ - این مثنوی را با براعت استهلال شروع کرده است زیرا میدانیم این فرقه بنام «بنایان آزاد» هم هستند از این جهت او شروع کلام را در توحید، با صفت «معمار» شروع میکند و خدا را معمار دیا میباید.

بست کشتی سدا<sup>۶</sup> بدور کمر  
 پنج فرجود<sup>۷</sup> از او پدید آمد  
 هفت امشاسپند را بشناخت  
 بر مسیح خجسته پیر نبیل  
 مظهر لطف کردگار و دود  
 در سه اقنوم کشف کرد آیات  
 هم به داود شهریار گرام  
 باد از من سلام بر رخ پیر  
 هم چنین بر دو مبصر بینا  
 که درین کاخ فروغ از چپ در است  
 بر دبیر و خطیب و مهماندار  
 بر عموم برادران صفا  
 پرده داران کاخ ماسنری  
 بر در و بام و شمع و پرده و طاق  
 مشرق و مغرب و شمال و جنوب  
 آسمان و زمین و اقیانوس<sup>۸</sup>  
 لقطه و خط و دائره یرگار  
 راز یرخیده<sup>۹</sup> و ابرخیده<sup>۱۰</sup>  
 آفتاب و مثلث و شمشیر  
 آیه الکرسی و صحیفه نور  
 بر رموز و معانی و آیات  
 هست پیدا بر اهل دانش و ور  
 در فرانسه ز شرق اعظم تافت

پنج گات<sup>۱</sup> خجسته خوانند از بر  
 روشنی بخش اهل دید آمد  
 دین حق بر سه پایه محکم ساخت<sup>۲</sup>  
 روح حق صاحب مقام جلیل  
 ساجد حق و خلق را مسجود  
 از رموز حیات و ذات و صفات  
 بر سلیمان پاک و بر خیرام  
 صاحب شرق و رشک مهر منیر  
 ماه و خورشید گنبد مینا  
 دستگیری کنند بی کم و کاست  
 بر امین و ممیز و معمار  
 سالکان طریق مهر و وفا  
 پی تسخیر وحش و دیو و پری  
 بر سریر و ستون و سقف و رواق  
 چشم بینا و پیکر محبوب  
 کوشش و جهد و غیرت ناهوس  
 قلم و گویا و زاویه عمود و مدار  
 که رسد از لب و کف و دیده  
 نور خورشید و زور مرد دلیر  
 اختر مشتعل<sup>۳</sup> طلعه هور  
 همه من بدوها الی الغایات  
 که درین قرن نابناک از دیر  
 آفتابی که قلب نره شکافت

دز خطوط شعاعی آن مهر  
نور بگرفت سطح عالم را  
تا ازان نور سنگها بگداخت  
و ندران معبد ستوده پاک  
بنده را هم برادران ز کرم  
راز پنهان بگوش من گفتند  
تا به فضل خدا و همت پیر  
خواستم تا بجای این اکرام  
لاجرم این چکامه بر بستم  
رشته رازهای پنهان را  
خواهم از فضل ایزدی توفیق  
که به مقصود کامگار شوم

سازم اینک شروع در مقصود

با عنایات کردگار و دود

گشت روشن بساط خاک و سپهر  
روشنی داد آل آدم را  
«لزبیداریش»<sup>۱۴</sup> در «ایران» ساخت  
پس گهرها برون شد از دل خاک  
ساختمند السدران سرا محرم  
سنگ سختم چو زر پذیرفتند  
یار اصحاب کهف شد قطمیر<sup>۱۵</sup>  
خدمت لایقی دهم انجام  
عقدی از لعل و در پیوستم  
بستم انسان که در و مرجان را  
وز رئیس و نگاهبان و رفیق  
خادم کهف و یار غار شوم

وز (فراماسنی) ز من بشنو  
غیر ازین نکته نیست چیز دیگر  
که بجا مانده از زمان کهن  
بی ریا بر برادران سلیم  
که نوهستی برادر ماسنی؟  
خواننده اند اینچنین مرا بجهان  
گو مرا بر خود اعتمادی نیست  
که بکردار خویش غرّه شود  
فکر تو حزم را کند پیشه  
آزمونی کنند در شأنش

ای برادر یار دل بگرو  
سبب ارتباط ما یکسر  
مجمع فرقه فراماسن  
فکر و دانش همی کند تعلیم  
گر بگوید کسی تو را بسخن  
پاسخش ده که زمره اخوان  
در بگوید که این جواب از چیست  
حق شاگرد ماسنی نبود  
بلکه با خاطری پر اندیشه  
زان بترسد که جمع اخوانش

سپس از گفته شرمناك شود  
 و ر بگوید که ماسنی چو نیست؟  
 یگشته دهقان برای آبادی  
 همه اخلاق او خجسته بود  
 دوست باشد به دوستدار خدا  
 و ر بپرسد ز زاد آزادی ؟  
 پاسخش ده که چون بعیر دمرد  
 پس در آید در این مقام بلند  
 رو نهد سوی زندگانی نو  
 اینست باشد ولادتی تازه  
 و ر بخواهد که نیکخو باشد  
 این دورا بر نری دهد بامور  
 کار خود را بدین دوسازد جفت  
 گر کسی قصه غیر ازین گوید  
 در جوابش بگو که ماسن پاك  
 شرف و قدر مرد را ز اخلاق  
 دولت و مال و ثروت و مایه  
 ارزش آدمی بدان گهر است  
 وین گهر در وجود انسانی است  
 غرض از این گهر اراده تست  
 که بدان کارهای نيك کنی  
 آدمی زین گهر شرف یابد  
 کرر تکلیف ماسنی خواهی ؟

زنده ناگشته خود هلاك شود  
 گو یکی فخله همیون است  
 ریشه اش در بهشت آزادی  
 تنش از تنگ عیب رسته بود  
 فرق نشد به مالدار و گدا  
 هم ز آئین مردی و رادی  
 زان رذائل که هست مایه درد  
 بری از زحمت و نهی زگزند  
 پای کوبد به تخت کیخسرو  
 عمر و عیشی فزون ز اندازه  
 عدل و حق را بجستجو باشد  
 هر بدی را ز خویش سازد دور  
 پاك باشد به آشکار و نهفت  
 با دلیلی بر این عمل جوید  
 که بود ز اهل دانش و ادراك  
 می شناسد نه از سرای و وثاق  
 همه آرایشند و پیرایه  
 که بهر حال ندهدش از دست  
 زین ره او باقی و جهان فانی است  
 جنبش و عزم پر افاده تست  
 خویش را چون زر سبك کنی  
 آدمیت ازین گهر تابد  
 بشنو از من که یابی آگاهی

از رذائل گریز و می پرهیز  
 راه کسب فضائل آن باشد  
 از نکوکاری و نکوخواهی  
 گر بخواهی و نلیفه ماسن  
 هست کار بزرگ ماسنی آن  
 در اساس تشریف عالم  
 وین بنا را همی شود بانی  
 از تو پرسند اگر که در اقطار  
 گو بدان کار سعی باید کرد  
 همه جا و همیشه بر همه کس  
 و برپرسند از آن مکان که نهفت  
 پاسخ ده که در لژی عادل  
 سه به تنظیم آن شتابنده  
 هفت ارکان عدل و اصل کمال  
 رمز ایشان به معصیت اقدس  
 هفت و پنج و سه را اگر خواهی  
 سه بود یک رئیس و دو معسر  
 پنج شعبند این سه تن استاد  
 وین کتاب المبین ما بالطبع  
 تن دل و گریه هفت پیکر داشت  
 و در ثابده شعاع هفت اختر  
 باید از هفت تن سه استاد  
 تا بسی کارهای نگر کنند

زی فضائل شتاب و می امیر  
 که کسی تا در اینجهان باشد  
 نکند یک دقیقه کوتاهی  
 سخن من بصدق اصفا کن  
 که نهد بر زمین اساس جهان  
 کوشد و دیو را کند آدم  
 با تمام قوای انسانی  
 سعی (م. م.) همی بود بچه کار  
 که شود باغ فیض خاطر مرد  
 فیض بخشد بمهر و نی بهوس  
 به فراهاستی ترا پذیرفت  
 کامل از مردمان صاحب دل  
 پنج روشن چراغ تابنده  
 همه معمار کاخ عز و جلال  
 شدمه و مهر و خنس و کنس<sup>۱۶</sup>  
 که بیایی ز سرش آگاهی  
 که بود قلبشان خزانه سر  
 با همایون دبیر و ناطق راد  
 ناگزیر است از مثنای سبع  
 نتواند لوای داد افراشت  
 خانه تاراست و میهمان بر در  
 دو رفیق ستوده آزاد  
 جستجو از درون و مغز کنند

علم داوری درین ایوان  
 از ۳۰۰ م. کز آن یکی استاد  
 که بجز مشورت در آن کاری  
 از سه استاد را دو يك انباز  
 میتواند کسی بطوع و رضا  
 ليك تا ۷ تن نباشد جمع  
 گر نباشند هفت تن بوثاق  
 و بر پیرسد ترا رفیق کهن  
 گو از آن دم که ره نور دیدم  
 وردهند پاسخت کز این گفتار  
 پاسخش ده که چشم ما کور است  
 م. واقعی نگردد کم  
 تا نمیرد در اول حاجت و خشم  
 چون بدین نور دیده بگشاید  
 م. واقعی شود آنگاه  
 گریگویدت که از تو بهر اسم  
 گو اشارات ما چو شمس بود  
 باز اگر گوید آن رفیق نبیه  
 گو نخستین نشانه «رفتارم»  
 دومین «قول» صدق و حق باشد  
 سومین در بلندی و پستی  
 با برادر بجان و مال یار  
 گر ز نو طرح گفتگو فکند  
 گو علامات ما شود مشهود

سایه گسترده است بر کیوان  
 محفل ساده‌ای شود بنیاد  
 نتواند نمود دیاری  
 معبد آراسته است بهر نماز  
 آید آنجا به پیشگاه قضا  
 نشود روشن از حکومت شمع  
 کی حکومت شود علی الاطلاق  
 گرچه هنگام گشته‌ای م. م.  
 در شب نیره نور حق دیدم  
 پرده بردار و فاش کن اسرار  
 عقل ما در حجاب مستور است  
 تا بخود نشگرد ز پیش و ز پس  
 نگشاید سوی حقایق چشم  
 در ره عدل و حق فرود آید  
 که سپارد سوی حقایق راه  
 تا ترا با نشانه شناسم  
 بعلامات و قول و لمس بود  
 کاین سخن را بصدق کن توجیه  
 که به انصاف و عدل شد کارم  
 که برون از خط و ورق باشد  
 عهد همراهی است و همدستی  
 «لمس دست» آمده است شاهد کار  
 وز علامات آن سؤال کند  
 بر نو از گویا و سطح و عمود

ز آنکه اعمال فکر ماز آغاز  
 پس به تسطیح خویش پردازیم  
 پس فرازیم بر زمین پایه  
 یعنی اندر زمین نهیم اساس  
 گر بپرسد علامت م .  
 آن علامت که داری از استاد  
 سر آن از نوکر همی پرسد  
 هر که در این طریقه پای نهاد  
 گر از این راز معنی دیگر  
 « بدیعنی به منتهای گلو »  
 یعنی این دست بر هوا و هوس  
 تا نجوشد درون دل شهوات  
 این علامت چو دیدی از شاگرد  
 کاین منم چیره بر طبیعت دون  
 سعی دارم که در جهان جاوید  
 بشوم ز اعتدال هرگز دور  
 گر بپرسد ترا ز رمزدخول  
 لفظ تو « بالکن »<sup>۱۸</sup> ارجه مستور است  
 گر ز مفهوم آن سؤال کنی  
 که من این راز روی یقین  
 کاین بود نام آنکیکه به حس  
 شرح آنرا درست اگر خواهی  
 داشت « قایل » بیسعادت شوخ  
 نام پور خنوخ شد « عیراد »

سوی عدل و حقیقت آید باز  
 کثرو کوثری زین براندازیم  
 زان بناکش بر آسمان سایه  
 از تمدن بعون خالق ناس  
 که برون باشد از کتاب و سخن  
 آشکارا بنزد او کن یناد  
 گو خدا جو زبده کی ترسد  
 « سردهد لیک سر بکس ندهد »  
 از تو پرسد بگوی واضعتر  
 « که شود گویا پدید از او »  
 غالب آید بسینه گوید بس  
 شهریار خرد نگردد مات  
 یقین دان که گشته او را ورد  
 بکف اندر زمام نفس حرون<sup>۱۷</sup>  
 فارغ از زهر بیم و شهید امید  
 نکنم جز به راه صدق عبور  
 که بیاموختی ز بعد قبول  
 آشکارا بگو که دستور است  
 پاسخ ده تو با دلیل و سند  
 خواندم از « فصل چهارم نکون »<sup>۱۹</sup>  
 صانع آلت است از آهن و مس  
 گوش ده تا بیابی آگاهی  
 پسری نامور بنام « خنوخ »  
 پس « محویائیل » از عراد براد

هم یدید آمد از محو یا نیل  
 «لعلک» از این پدر هویدا شد  
 در سرا داشت دو پری زاده  
 عاده «یا بال» را همی شد تمام  
 نیز «یو بال» را که زاد از وی  
 زاده از ظله نیز «تو بالکن»

نام آن نقش گشته بر دل ما

«مد پاس» است در محافل ما

ور پیرسد ترا رفیق صفی  
 پاسخ ده که این کمین بنده  
 جز هجی بیغیر ز هر هنرم  
 تو بگو حرف اولش ز آغاز  
 سپس او ابتدا کند به سخن  
 در سوال و جواب این اسرار  
 معنی این کلام اگر جوید  
 که ز مفهوم آن مرا دریاد  
 مدخل معبد سلیمان راست  
 مزد مزدور خویش را استاد  
 نام آن استن است این کلمه  
 گر بگوید رفیق روحانی  
 در دبستان مگر نداد اسناد  
 در جوابش بگو که طالب حق  
 این اشارتو این رسوم و رموز  
 هم بکنه حقایق این راه

زان کلام مقدس مخفی  
 نه نویسنده ام نه خواننده  
 چکنم نیست دانش دگرم  
 تا من از پی همی سرایم باز  
 نوز دنبال آن قرائت کن  
 I و K - A و N بشمار  
 پاسخ م. اینچنین گوید  
 نیست غیر از عمارت و بنیاد  
 استنی چون درخت ایمان راست  
 روزها پای این ستون میداد  
 که بود نقش در ضمیر همه<sup>۲۰</sup>  
 کز چه پوئی طریق نادانی؟  
 هیچت از خواندن و بشنن یاد؟  
 درک هر نکته کی کند به ورق  
 که بهر دل کند ظهور و بروز؟  
 دل شاگرد کی شود آگاه؟

که کند بالبداهه سازسخن  
هرچه باشد سخنور و نامی  
باز اگر گفتو بر تو در نگریست  
پاسخش ده که آنچه در آئین  
هست دستوری آنچنانکه بر از  
ناکه شاگرد سوی راه درست  
پس در این کار جِد و جهد آرد  
باز حرف سوم بیاموزد  
چهارمین حرف را ز پرده فکر  
و بر بگوید مزد تو چیست ؟  
که پیاداش زحمت مزدور  
هر کسی را درین سرای سپنج  
هیچ کس اندرین جهان بی مزد  
باز اگر گوید آن خجسته رفیق  
یعنی از حیث صورت و معنی  
پاسخش ده که در طریقت داد  
مزد او بهترین فتوح بود  
که بتدریج بسهر مزدوران  
گر بگوید که گاه بخشش و اجر  
از چه پای ستون «Z» آزد ؟  
کو ستون «Z» آیتی است عظیم  
رمز کانون حسّ ایجاد است  
گر بگوید که چیست آن کانون ؟  
مطلع الشمس قبل دینائی است

از پس پرده فراماسن ؟  
هست بی شبهه جاهل و عامی  
کز تهجی مراد م.، چیست ؟  
به فراماسنی شده تلقین  
حرف اول بیان شود ز آغاز  
ره سپارد بر راستی ز نفست  
از دوم حرف پرده بردارد  
شمع دانش به محفل افروزد  
اندر آرد چون عروسی بکر  
گو مرادم ز مزد جز این نیست  
رحمت آید بر او ز مطلع نور  
گنج باشد نصیب از پی رنج  
بنماید چه پاسبان و چه دزد  
مزد مزدور چیست بالتحقیق ؟  
چيست این اجر چون شود اجری ؟  
آنچه شاگرد دیده از استاد  
ز آنکه تکمیل نفس و روح بود  
حاصل آید ز گنج گنجوران  
مزد مزدور را ز مطلع فجر  
زین کنایت چه مدعی دارند ؟  
از عنایات کردگار حکیم  
مرکز کار و شغل امجاد است  
گو بود مرکز عقول و شئون  
مجمع النور و فضل روانائی است

آدمی بیند اندر بن مرآت  
کسب ادر الوعقل و هوش و حواس  
با طبیعت مجاهدات کند  
هر چه بیند بفکر پردازد  
باشد از نفس خویش ناراضی  
کار خود بر خرد رجوع کند  
(اینکه شاگرد را نخستین بار  
بهر آن است کاندر آن خلوت  
یوسف آسا بقعر چاه شود  
از حقیقت بیاید آگاهی  
وضع و شکل دل: «از تو مگر خواهند  
گو دل: «ما مربع است و دراز  
طولش از سمت شرق سوی غروب  
از ارتفاع از مذیت<sup>۲۱</sup> تا نادبر<sup>۲۲</sup>  
راز ابعاد اگر کسی جوید ؟  
آشکارا شود از این ابعاد  
ابدالدهر از در و دیوار  
در جنوب و شمال و مغرب و شرق  
بفقر و غنی و کودک و پیر  
مگر بگوید که وضع دل: «ز چهاروی  
گواز آنجا که گر بینی ژرف  
لگری امتدادشان زین سمت  
مطلع نور شمس شرق آمد  
و جهه چون مشرق است دم: «را

همه تکلیف روزگار حیات  
همه را اندر آن کند احساس  
وز تفکر مشاهدات کند  
داور عدل را حکم سازد  
عقل و انصاف را کند قاضی  
پس باجرای آن شروع کند  
در درون زمین دهند قرار)  
چیره گردد بنفس دون همت  
پس بر آید بتخت و شاه شود  
پایه بر مه فرازد از ماهی  
اوستادان که جمله آگاهند  
باب فضلش بسوی مغرب باز  
عرض آن از شمال تا بجنوب  
زاوین نقطه زبر سوی زیر  
مرد ماسن به یاسخش گوید  
که بخرگاه عالم ایجاد  
تا بد از شمس ماسنی انوار  
بر همه مردمان ز پا تا فرق  
نور آن شایع است و عالمگیر  
رفته در باختر ز خاور سوی ؟  
در بیوتی که اقدسند و شگرف  
نه در ایشان عوج پدید و نه امت<sup>۲۳</sup>  
مقبل آن بنور غرق آمد  
بنگرد پرتو تمدن را

متذکر شود ز تابش نور  
 دیده از خواب جهل بگشاید  
 «پس روان طریقت عباس  
 معبد خویش را بدان ترتیب  
 کاندرا آنجا خطی که محور بود  
 گر بگوید که دل... چگونه وجهت  
 که بود حافظ فراها سن  
 باز اگر گویدت بگفت و شتفت  
 گو از این که در همه اطوار  
 از درون چشمهای هر هنرند  
 این قوی را سزد که ابر آسا  
 تا شوند از فشار یکدیگر  
 بطریقی که چون برون تازند  
 گریکی را دو صد رقیب از پی  
 چون بخاری که از زمین خیزد  
 هنراکم شود بیکدیگر  
 این اثر را اجتماع پنهانی است  
 گر نه این اجتماع و خلوت بود  
 از تو گر پرسد او استاد نبیه  
 یعنی آن محفلی که محفوظ است  
 گو به سلول بیکری آلی  
 یا یکی تخم مرغ را مانند  
 در ضمیرش بود یکی موجود  
 پروراند و را بخانه دل

شمس حق را در آسمان ظهور  
 بحقیقت رسیده بگراید  
 که بجا مانده از زمان کهن  
 ساختندی و هم بدان ترکیب  
 با خط استوا برابر بود  
 گو مقامی منیع و خاص و خفی است  
 نزد تا محرمان زکار و سخن  
 کارم... چرا بود به نهفت  
 آن قوائی که عاملند بکار  
 وز برون منشأ بسی اثرند  
 هنراکم شود در یکجا  
 لایق کار و مستعد اثر  
 پنجه با شیر تر در اندازند  
 نتوانند پنجه زد با وی  
 اندک اندک بهم درآمیزد  
 آورد رعد و برق تلخ و مطر  
 کاندرا آن بارگاه روحانی است  
 ابر بودی بخار و باران ، دود  
 که «ل...» منتظم به چیست شبیه  
 «م...» آنجا زکار محفوظ است  
 که بنائی است محکم و عالی  
 که درویش کسی نمیداند  
 منشأ قوه و اثر بوجود  
 تربیت سازدش در آن محفل

تا بود ناقص و ضعیف و نثرند  
 چون تنو مند گشت و بالافراخت  
 همچنین مغز کلد انسان  
 در ب آن بسته سقف پوشیده  
 گوئی آنجا نهاده مرغ وجود  
 که از آن جوجه ها برون آیند  
 گر پیرسد از آن لژی که دران  
 رمز آنکس چسان پدید آرد؟  
 (این اشارت بود که در خانه  
 گر پیرسند از نگهبانان  
 زود بگشای از آن سه قائمه راز  
 که دو دانائی و «توانائی» است  
 مظهر این سه «پیر و الاجام»  
 گر بگویند کاین سه قائمه چون  
 کم و کیف قوای موجوده را  
 بچه نیرو نهاده برگردن؟  
 کارشان چیست؟ در اثر چو نند؟  
 راز بگشا که صنعت «ایجاد»  
 «ختم و انجام» با توانائی است  
 این سه اصل قوی بهالم کون  
 گر پیرسد کسی که در این راه  
 چه برانگیخت در سرت سودا  
 در جوابش بگو که ظلمت جهل  
 نور عقل و شعاع آگاهی

اندر آن محبس است بسته بند  
 در گشادش که سوی بیرون تاخت  
 که بود کارخانه پنهان  
 ساکنانش به کار کوشیده  
 بیضه های درشت نامحدود  
 بال زرین بچرخ بگشایند  
 نیست اسرار ماسنی پنهان  
 در جوابش بگو که «میسارد»  
 هست حاضر وجود بیگانه)  
 وز ستون و قوائم ایوان  
 و آنچه دانی بشرح کن آغاز  
 رکن سوم ستون «زیبائی» است  
 «دو نگهبان» جوشش و زهره و ماه  
 اندرین ره شدند راهنمون  
 انسر قوه مولده را  
 از چه شاه دلند و مالک تن؟  
 در کمالات و در هنر چو نند؟  
 کار «فرز انگی» بود بیلا  
 «دلربائی» نشان زیبائی است  
 جزء را حافظند و کل را عون  
 از چه سالک شدی بلا کراه؟  
 که شدی سوی ماسنی پویا؟  
 کرده نا اهل را مسخر اهل  
 به گدا داده رتبه شاهی

بسکه زندان جهل بد تیره  
 لاجرم سوی نور بینائی  
 ور بگوید چگونه بعد قبول  
 گوئم ز خود فلزها دور  
 (اینکه کردم برون لباس از تن  
 شد کنایت از آنکه بیدعوی  
 هست مستغنی از زر و زیور  
 (سینه و دل برهنه بود مرا)  
 شخص محرم به اعتماد تمام  
 زانوی راستم بدی عریان  
 که چو سالک براه حق آید  
 (موزه کردم ز پای چپ بیرون)  
 زانکه در بار قدس و معبد رب  
 دور کردم ز خویشتن زروسیم  
 این کنایت بود ز سلب طمع  
 زانکه چون مرد شد بطی سبیل  
 سیم و زر را ز خویش سازد دور  
 ور بگوید که در مقام قبول  
 گوسه نوبت نموده دق الباب  
 معنی این سه پرسد از اعتماد  
 که بخوان این سه نکته را ز سه بیت  
 اولاً - باز خواه تا بدهند  
 ثانیاً - در بزن که باز کنند  
 زمین مسبب گفته آن شه امجد

دیدم ام کور گشت و دل تیره  
 تاختم بر سپهر مینائی  
 محرم دل شدی بگام دخول؟  
 نه تم عور بود و نه مستور  
 دور کردم ز خود زر و آهن  
 مرد چون یافت جامه تقوی  
 زیور او پس است فضل و هنر  
 زانکه نزد برادران صفا  
 اندر آید بصدق و بنهد گام  
 تا بدانند زمره اخوان  
 به خضوع و نیاز بگراید  
 پا برهنه در آیدم بدرون  
 محرم آید به احترام و ادب  
 وز تجرد بهمن وزید نسیم  
 در مقامی ز آسمان ارفع  
 در طریق مراتب تکمیل  
 که وجوه مضره نیست ضرور  
 بیچه سان یافتی تواذن دخول؟  
 راه چشم ز باب در محراب  
 پاسخ را چنین بیاید داد  
 کن سه قندیل روشن از این زیت  
 بی طلب در کف تو زر ننهند  
 ور نکوبی برخ فراز کنند  
 طلب الیثی نسیم جد وجد

سعی و کوشش بود کلید فرج  
 و ربگوید پس از دخول به کاخ  
 گوئیس از آزمایش بسیار  
 کرد رأی برادران تصویب  
 تا که در معبد فراماسن  
 گر پیرسد چه بد در آن خلوت؟  
 گو در آن بارگاه مینو فر  
 از پی آنکه تا بود نفسم  
 گوید از بعد آزمون دراز  
 باز گوکاندر آن و نساق بلند  
 که نگهدار سرشوم بنهفت  
 نیز در هر مقام و هر هنگام  
 از تو گر پرسد اوستاد شفیق  
 گو نجومی است زیر ابر نهان  
 آن حقایق که معنویت داشت  
 همه رموزهای تمثالی  
 چون نیوشد معاهدات تو را  
 که چه دیدی در آن مقام شگرف  
 گو در آن بارگاه روشن پاک  
 آنچه در عقل کس نمیگنجد  
 و آنچه بیرون ز دانش و فهم است  
 فکرت و عقل و هوش هر موجود  
 خاصه آدم کداین تن پثرمان  
 گفتی اندر فراز دیدم من

فرع الباب ثم لج و لج  
 خود چه دیدی در آن مکان فراخ؟  
 که ز هر کس همیشود ناچار  
 دستگیر شدند پیرو خطیب  
 محرم سر شدم به کار و سخن  
 امتحان تو و چنانش حکمت؟  
 بار بستم سه بار سوی سفر  
 به حقیقت دویده باز رسم  
 اندر آن بارگاه چه کردی باز؟  
 کرده ام عهد و خورده ام سوگند  
 نکم زان بخلق گفت و شنفست  
 باشم از صدق تابع احکام  
 شرح اسرار و رازهای طریق  
 نورشان علم بر حقایق دان  
 (م. م.) از لوحشان عقیده نگاشت  
 نکته ای زان حقایق عالی  
 باز پرسد مشاهدات تو را  
 و ز حقایق چگونه بستی طرف؟  
 دیدم آنها که برتر از ادراک  
 بش از وی فکس کی سنجید  
 هر که فهمش گمان کند و هم است  
 باز ماند ز کنه آن مقصود  
 حائل روح شد در آن ایوان  
 پرده ای زفت بود سایه فکن

گردهای غلیظ و دود سطر  
تابش نور را حجاب شده  
گر بگویند که این بیان فصیح  
گویند مرد پیش تابش حق  
نیست کافی برای دیدن نور  
دیده باید که روشنی یابد  
تا نداری حجاب نادانی  
تا به زنجیر وهم های کهن  
لکنی درك این فنون و علوم  
ظلمت غفلت از وثاق حیات  
تابه بینی جهان پر از انوار  
گر بگویند که بخت میمون شد  
کویدیدم جمال شمس و قمر  
این سهراندر آن سپهر بلند  
گر بگویند که پیرماز چه روی؟  
بطریق که آن مه و خورشید  
چشمه تابناک فکر تواند  
همچنین اوستاد دانشمند  
که بود منشأ نمایشها  
اوست مصداق عقل انسانی  
چون ز شمس و قمر بر آید نور  
وجه او هادی خلائق شد  
گر بیرسد که اوستاد رئیس  
در کجا می نهد کلاه بفرق؟

روی خورشید را گرفته چو ابر  
مانع از درك آفتاب شده  
هست محتاج شرح یا توضیح  
می نگردد به روشنی ملحق  
یافتن در بر چراغ حضور  
پای باید به راه بشتابد  
نرهمی از مقام ظلمانی  
بسته ای روح را به محبس تن  
وز حقایق همی شوی محروم  
بر طرف کن بدر شو از ظلمات  
وسنا البرق یخطف الابصار  
چون رسیدی به روشنی چون شد  
پیر روشن دل ستوده سیر  
دیدم ورستم از بلا و گزند  
جفت خورشید و ماه گشته بگوی  
در شب تیره و بهروز امید  
منبع هوش پاک و ذکر تواند  
به مقامی رسیده است بلند  
مبدأ عقلها و دانشها  
کارگاه حیات را بانی  
در رخوی کند طلوع و ظهور  
ذات او کاشف حقایق شد  
اندر آن کاخ واجب التقدیس  
در جواش بگو بنقطه شرق؟

ز آنکه قایم مقام خورشید است  
 همچنان کافتاب اول روز  
 گردش روز و شب کند تازه  
 پیر ما نیز اندرین محضر  
 فتح و ختم امور درید اوست  
 اوست در کارخانه فرمانده  
 گر بگوید که آن نگهبانان  
 گودوتن مبصر صدیق محب  
 باور اوستاد میموند  
 هزد شاگرد اگر چه با بناست  
 ز آنکه ایشان وسیط در کارند  
 گر بگویند شرق و غرب استاد  
 گو عیان است این لطیفه که نور  
 پس بود مشرق آن جهت که از آن  
 مغرب آنجا بود که گاه و خوب<sup>۲۴</sup>  
 نور مشرق همیشه موجود است  
 شرق سر چشمه است و غرب مصب  
 میتوان گفت قسمتی ز اکوان  
 یعنی این عالم امید و غرض  
 مغرب شمس عقل انسانی است  
 قسم دیگر که شد مجرد و پاک  
 خارج از ماده است موجودش  
 درك آن منکب است جز بنیر  
 گر بگوید که جای شاگردان

برتر از کعباد و جمشید است  
 شود از فر خود جهان افروز  
 یاس ها را گذارد اندازه  
 جانشین خور است در خاور  
 چشم شاگرد سوی مسند اوست  
 همه فرمان پذیرش از که و مه  
 در کدامین جهت کنند مکان ؟  
 دو سه یلند طالع از مغرب  
 استن خرگه همایونند  
 ليك از ایشان همی بیاید خواست  
 بر ز شاگرد و کم ز معمارند  
 چیست مقصودش و چه داشت مراد  
 باشد از شرق در طلوع و ظهور  
 تابش ضوء و نور گشته عیان  
 آفتاب اندر آن نموده غروب  
 ليك در سمت غرب محدود است  
 نور جاری در آن بروز و شب  
 که به حس درك آن کند انسان  
 کز جواهر مر کب است و غرض  
 که در آن نور معرفت فانی است  
 نشود با حواس ما ادراك  
 لایزال است بر جهان جودش  
 شغل آن را جمع است بر تقدیر  
 در کدامین طرف شده است عیان ؟

گواز آنجا که در عمل شاگرد  
 دلشان آنچنانکه معمول است  
 در دبستان عقل شاگردند  
 چون در این خانه نام برده شود  
 لاجرم هست جایشان به شمال  
 زانکه باریکتر از آن جائی  
 گر فرایرسد اوستاد اجل  
 گو به رمز و کنایه مستور  
 ظهر آید بکار خود معمار  
 گر بگوید ترا که این ساعات  
 در جوابش بگو که نوع بشر  
 نیمی از عمر خود به پیماید  
 سپس آید درون معبد حق  
 ز اول نیمروز خواهد مرد  
 لاجرم تا به آخرینه نفس  
 خدمت نوع را کمر بندد  
 از (زراشت) مانده این دستور  
 روشنی یادگار حکمت اوست  
 گرز فرقان نشان آن پرسی  
 موبد پارسای پاریسان  
 راز زرتشت را به استادی  
 ناچواحمد به کعبه راند کمیت  
 چون نمایند حقایق بود  
 چون خرد باب و داد مادر شد

می نیاورده مایهها را گرد  
 تهی از درك نور معقول است  
 که نوآموز اولین وردند  
 ابتدایی همی شمرده شوند  
 وسیع مسکن بقدر وسیع کمال  
 نیست اندروثاق و صحرایی<sup>۳۵</sup>  
 از گه افتتاح و ختسم عمل  
 هم به قانون حکمت و دستور  
 نیشب دست میکشد از کار  
 از چه باشد کنایه در اوقات  
 پیش از آن کاید از وجودش اثر  
 بامدادش به نیمروز آید  
 در نماز از دلوك تا بغسق<sup>۳۶</sup>  
 کار بگذشته را تلافی کرد  
 پاک سازد دل از هوا و هوس  
 جز نکوئی بخلق نیستند  
 کوبیا و خست سز ظلمت و نور  
 کوه همه فقر بود و مردم پوست  
 هست روشن ز (آیه الکرسی)<sup>۳۷</sup>  
 پیر دستور رازدان «سلیمان»  
 برد در کعبه مه آبادی  
 دیدم ردی به بیت از اهل البیت  
 برگزیدش چنانکه لایق بود  
 تازی و پارسی برادر شد

شد ز گوگرد پارسی روشن  
 کرد فرغان بیان حکمت زند  
 مژمکی گروز شهید گرفت  
 اوستا نبی اوستا خواند  
 شد دل و چشم پیر کلدانی  
 گنگه دژ موخت<sup>۲۹</sup> پیش کمبه ستاد  
 اگر بگوید ترا که قبل شروع  
 پیشش وقت را سبب چه بود؟  
 پاسخش ده که در زمانه مدام  
 کار را موقعی است شایسته  
 پاسی از وقت کار چون گذرد  
 در عمل راز وقت رانی پیش  
 نیم شب گر نماز فجر کنی  
 وز لپی بامداد فرض پسین  
 زشت باشد درون بر زن و بام  
 رونگهبان وقت باش و شناس  
 پیسخن واجبست بر همه کس  
 در همه شغل و خدمت و طاعت  
 تا یشیمان نگردد از کردار  
 گر پیر صد کسی که سن و چیت؟  
 و ربگوید که چیست معنی آن  
 که ز سن طریقت مزدور  
 زمین سبب باید از درستی عهد  
 بطلب نزد پیر بشتابد  
 زمین سبب عمر خود سه سال بود

خاک ماهاوران<sup>۲۸</sup> چو در عدن  
 خیمه زد بوقیس برالوند  
 اصفهان از حجاز عهد گرفت  
 تخت سلمان بر از سلیمان ماند  
 روشن از سرمد صفاهانی  
 عکس حیرام<sup>۳۰</sup> در حرم افتاد  
 اندرین امر دلکش مشروع  
 امر معلوم را طلب چه بود؟  
 خوبی کار بسته بر هنگام  
 که رواجش بدان بود بسته  
 عامل از رنج خود عمر نبرد  
 نبری فایدت ز کرده خویش  
 جان خود در شکنج و زجر کنی  
 نیست کار تو در خور تحسین  
 طفل بیگانه و مرغ بی هنگام  
 حرمت وقت بهر طاعت و پاس  
 که نه پیش افتد از زمان و نه پس  
 باشد از جان مراقب ساعت  
 شود از سعی خویش بر خوردار  
 باز گوگز سه سال افزون نیست؟  
 بی تأمل گشای لب به بیان  
 پایه منصبش رسد به ظهور  
 پی فهم سه سعی سازد و جهد  
 تا ز سر سه آگهی باید  
 بر سه مولودش اتصال بود

گویند ارجیست گاه کشف خواص  
 پاسخش ده که در جهان وجوه  
 ذات واحد که مظهر احد است  
 در تعدد چه بیش و چه اندک  
 نزد اهل خرد چه جای شک است  
 گر نبود یکی نبود عدد  
 هیئت کل مرکب از اجزاست  
 کل ز هر حیث شامل جزو است  
 گر بگویند که عقل و دانش تو  
 گو از آنجا که آدمی ز خرد  
 همه جا از قصور ادراکش  
 خواهند اندر سرای جود وجود  
 بغلط کل بجزو شد تابع  
 در میان دو غایت موهوم  
 صورت و لفظ خارج از معنی  
 شبهه «بن کمونه» از اینجاست<sup>۲۱</sup>  
 چون یکی را دو چشم احول دید  
 پس دویی را زین برافکن و گو  
 گر بگویند از این بیان شگرف  
 گو خرد در تعقل هستی  
 تا چنان درک کرده ایم بعقل  
 که سه شد مظهر جمال وجود  
 زانکه چون مصدر وجود بخویش  
 چشم ناظر چو روی او بیند

از «یکی» معنی و نتیجه خاص؟  
 شد یکی اصل و بین هر موجود  
 نه عدد بلکه مصدر عدد است  
 همه اعداد شد مظاهر يك  
 که هزار تو خود هزار يك است  
 کو عدد راست اصل و ریشه وحد  
 پیکر ما مرتب از اعضاست  
 تن هر شیئی حامل عضو است  
 چه کند درك از حقیقت «دو»؟  
 بنکات دقیقه راه برد  
 به خطا رفته دیده پاکش  
 غیر محدود را کند محدود  
 واحد از وهم ما شده واقع  
 بای بند دو اصل نا معلوم  
 کاندرایشان یکی حقیقت نی  
 که از آن شبهه شرکها برخاست  
 رشته شرک را مسلسل دید  
 «وحدہ لاله الاھو»  
 غرض چیست و ز چه بستی طرف  
 کرده با ما ز فضل همدستی  
 گر چه خارج شد از حکایت و نقل  
 یا که تمثال اصل هر موجود  
 جلوه حسن سازد از پس و پیش  
 سه کل از باغ معرفت چنبد

ناری از وحدت و زکثرت شمع  
 گرچه این شمع و نار و نور یکیست  
 لیاك در چشم ما سه می آید  
 هندوان کرده زمین سه چیز ادراك  
 مصریان از مثلث منشور  
 نامشان در کتابشان مرقوم  
 در سه اقنوم عیسی زنده  
 گه به تعبیر دیگر این کلمات  
 مصطفی گفته این مثلث را  
 پایه داد در شریعت ما  
 که دو آزادی و برابری است  
 رمز زرتشت شده گات و به یشت<sup>۳۲</sup>  
 معنی این سه واضح و روشن  
 با سه چیزت درین جهان کار است  
 این سه گر نیاك نیکی ار بد بد  
 گر پیرسد از آن (مثلث) باز  
 گو (مثلث) علامت علم است  
 (چشم بازش) نشانه خرد است  
 هندیان این نشانه ساخته اند  
 گر بگوید ترا چه فایده داشت؟  
 گو بود یادگار آن دو ستون  
 دو ستون میان تهی ز فلز  
 گنجها را در او نشان بنهاد  
 گر سراید خلیفه «م. م.»

نوری اندر مقام جمع الجمع  
 مظهر و ظاهر و ظهور یکی است  
 از سه منظر قمر سه بنماید  
 مصدر خلقت و حیات و هلاك<sup>۳۳</sup>  
 سه صنم داشتند مظهر نور  
 هر مغیسی<sup>۳۴</sup> است و انگهی در عورت  
 آب و این است روح پاینده  
 رمز ذات و صفات گشت و حیات  
 لائتنی و قد تثلث را  
 بر سه چیز است از طریق صفا  
 سومین پایه برادری است  
 همت نیاك و هوخت با هورشت  
 منشن دادن و گوشن و کنشن  
 وین سه اندیشه گفت و کردار است  
 یا چو افراشته ای تویا چون دد  
 که در آن نصب گشته دیده باز  
 علم طوهار حکمت و حلم است  
 کلامی زان جدا ز دیوود داست  
 پس (کشیشان گل) شناخته اند  
 دو ستونی که اوستاد افراشت  
 که سلیمان فراشت برگردون  
 ساخت آن آسمان حشمت و عز  
 مزد شاگرد هم در آنجا داد<sup>۳۵</sup>  
 از افار دهان گشوده سخن ؟

بجوابش بگو که در دل نار  
 درو دیوار و بام آن حجرات  
 دانه هائی منظم و هم رنگ  
 شده با هم درون بزم صفا  
 می نماید بما اخوت را  
 گر پیرسد کسی که این شمشیر  
 پاسخش ده که بی کنایه و غمز  
 اولاً آنکه در فرانسه تیغ  
 جز بزرگان و فرقه نجبا  
 هیچکس را نبود زهره آن  
 تاچه غدفیل (۱۷۸۹) گذشت از میلاد  
 که باخوان محترم ز ادب  
 امتیاز از میانه بردارند  
 چون مقام برادری دارند  
 لاجرم هر که یافت آنجا راه  
 تا به لوح خیال بشکارد  
 ثانیاً چون حمام مینارنگ  
 جنگ دانا برای حق باشد  
 مرد ماسن فزون ز بیگانه  
 سعی دارد به دفع ظلم و فساد  
 هست شمشیر آلت این کار  
 گر بگوید که پیشگیر چرا؟  
 گو ازین سر بنزد اهل و داد  
 بخون بدست آوری وظیفه خویش

حجراتی بود بیک هنجار  
 همه آکنده و پیر از ثمرات  
 یکدگر را گرفته در بر تنگ  
 در اخوت قرین مهر و وفا  
 معنی اتحاد و قوت را  
 از چه شد بر میان مرد دلیر  
 هست پنهان در این لطیفه دور  
 بود از سوقه و ز عامه دریغ  
 صاحبان مناصب و اعرا  
 که کشد تیغ و بندش بمیان  
 در «ل. م. م. ماسنی» شد این میعاد  
 نه حسب برتری دهد نه نسب  
 همه را بالسویه پندارند  
 همه با هم برابری دارند  
 بست شمشیر و کج نهاد کلاه  
 که برادر برادری دارد  
 هست اندر جهان علامت جنگ  
 نظرش اندرین ورق باشد  
 قدمش ثابت است و مردانه  
 کوشد اندر طریق عدل و سداد  
 بمیان بست بایندش ناچار  
 بندی اندر که دخول سرا  
 کار عقلایی و یدی است مراد  
 کار شایسته گیری اندر پیش

پیشگیر تو آرد اندر یاد  
 گر بپرسد ز کار شاگردان  
 گو بود در سرشت ماهموار  
 که گل ما از آن تپا شده  
 باید آن سنگ را بزحمت و رنج  
 تا شود روشن و درخشنده  
 سنگ ما لعل شاهوار شود  
 گر بگوید چگونه در دل ما  
 گو به چاه طبیعت از نگری  
 هست این سنگ ناتراشیده  
 که به نیروی دست شاگردان  
 عقل سازد بعدل همدستی  
 بتراشند جمله اعضایش  
 شکل او نغزو چهره شاد شود  
 گوید اردر ترانش سنگ گران  
 گو دو آلت که هر یکی طلاق است  
 گر بگوید کزین دو آلت کار  
 گو قلم هست فکر ثابت ما  
 هست تخمق آن اراده سخت  
 کوه خارا اگر ز جا جنبید  
 گر بگوید بگاه رفتن و ایست  
 گو کنایت ز جهد و جد باشد  
 تا بر آید ز خانه تاریک  
 که بود هادش بخر که نور

آنچه استاد کرده پیشنهاد  
 که چه باشد وظیفه ایشان؟  
 قطعه سنگ سخت ماهموار  
 آبغان تیره و سیاه شده  
 همچو گوهر کنیم لایق گنج  
 صاف و شفاف و نغزو درخشنده  
 در خور تاج شهریار شود  
 سنگ خاره است صخره صما؟  
 سوی آن سنگ خاره راه بری  
 فطرت پست ناخراشیده  
 زیر چرخ عمل شود گردان  
 تا برد ز آن بلندی و پستی  
 تا که روشن شود سرپایش  
 خاتم دست کیقباد شود  
 چیست افزار دست کارگران  
 قلم آهنین و تخمق است  
 چیست قصدت چه باشد این افزار  
 ناطق از او درون صامت ما  
 که بگوید بر آن قلم يك لخت<sup>۳۶</sup>  
 این همی گوید آن همی سبید  
 مشی و رفتارشان اشاره بچیز است  
 یعنی اندر عمل مجتد باشد  
 بمقام کسی شود نزدیک  
 روشنی بخشدش بدیده کور

گر همی پرسد آن خدای پرست  
یا سخنده ز روی عقل و ادب  
گر اجازت دهد دلیل بطریق  
سر به اوج فلک بر افرازم  
چون بدینجا رسید حد سخن  
گوید آن در عمل بکوش و بجهد  
برهان طبع خود ز بوالهوسی



شکر لله که این نهفته رموز  
این گهر زاد این یم کلکم  
شد ز در این سفینه مالا مال  
رفته از هجرت شه ابرار  
سال میلادده زیارده رفت<sup>۳۷</sup>  
مه بیزغاله مهر در کردم  
ناظم این عقود رخشنده  
بنده خاندان مصطفوی  
که ادیب الممالکش لقب است  
خواهد از دولت قراماسن

که ترا در دل آرزویی هست  
نیستم آرزو بجز منصب  
که شود بنده اش معین و رفیق  
بمه و مهر فرقدان لازم  
پیر روشندل قراماسن  
صادق اللهجه باش و ثابت عهد  
سعی کن تا بکام دل برسی

یافت از طبع من ظهور و بروز  
که بگوهر قرین و همسلکم  
شب یکشنبه سوم شوال  
سیصد و بیست و پنج بعد هزار  
از شهر هزار و نهصد و هفت  
آن دوم بود و این به هیفدهم<sup>۳۸</sup>  
آرزومند عفو بخشنده  
احقر الخلق صادق العلوی  
چون هواخواه دانش و ادب است  
جهل را بر کند زیخ و زین

بجز این که در این کلام

در این کلام از سبب و علت و اثر و معلول و غیره

گاه از کعبه شد خدای قلیل	فت اسر عیبه تریر
نوعی از علی و از کوی	حرملش عیبه گری
استاد کرد باین خدا	بزرگش گری
تا کعبه از راز دارد شد	با تیرم جود برادر شد
بهرش همه با ستادی	رحمت بسته نادی
همه بکام راز دگفت شوق	جانیان با دقت اعلیٰ محبت
راز داران سر دگفت غیب	اوست دان دانیال و شعیب
با کلام در خود برزگشت	کلی بر آب و از زهر ش
دگفتی سه تا دور کمر	چنگات عیبه خواند زور
چرخ فرجود از او بدید	روش بخواهر دید
بر هیچ عیبه بر نیر	روح حق صعب تمام حیدر
نملطف کرد و گارود	ساجد و غلر و غلر
در سه اقوز کشف کرد	نوروز حیات و ذات و صفات
با دامن مسلم بر رخ پیکر	صاحب شوق در رنگ مهر
همین بر منظر بنیا	ماه و خورشید گسبند خیا

در این کلام از سبب و علت و اثر و معلول و غیره

سده خله و کعبه سینا

## زیر نویس های منظومه آئین فراماسونری بقلم ادیب الممالک فرانسه‌ای

ادیب الممالک در پایان منظومه فراماسونی که به خط خودش و در ۳۶ صفحه در دفترچه‌ای نوشته است، سی و هشت زیر نویس برای کلماتی که توضیح بیشتر لازم داشته، نگاشته است. توضیحات وی در نوع خود بسیار جالب و قابل استناد و مطالعه می باشد که عیناً نقل میگردد:

۱- قبة المحضر: خيمة المحضر: قبة الزمان: قبة الشهادة: در دعای مبارک «سمات» مکرر بدان اشارت شده است از آنجمله آنجا که فرماید (و بمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران عليه السلام على قبة الزمان) یه فرانسه آن را «تابر ناگل» Taber Nacl خوانند و Chez Les Israelites تصویر آن را یهود و نصاری در محراب عبادت خود نقش کنند: چنانکه در تاریخ لوی ۱۴ پادشاه فرانسه نوشته اند که در اواخر عمر خود این تمثال را در غار عبادت خود رسم کرده بود: بزبان عبری آن را «اوהל موعده» گویند یعنی خیمه موعده:

در جلد اول ناسخ التواریخ مبطور است [در شرح اربعین میقات] اشارتی رفت که خدایتعالی با موسی فرمود که یاره آلات و ادوات فراهم کند پس آن حضرت چون از اربعین شفاعت و ضراعت فراغت جست به فرمان یزدان «بسلامت بن ادوری بن حور» را که در صنعت زرگری میان بنی اسرائیل بیعیدیل بود بخواست و او مردی دانشمند از اولاد یهودا بود: و همچنین «اهالیاب بن احیاماک» را (در توریة بن احی، ساماط و احی ساماخ باختلاف نسخ مرقوم است) که از خاندان «دان» نژاد داشت حاضر نمود او نیز مردی کاردان و هنرمند بود: پس بفرمود تا صندوقی از چوب شمشاد ساختند که طولش دو ذراع و نیم و یک ذراع و نیم عرض داشت ارتفاع آن هم معادل عرضش بود محفوف به زرخالص باکنگره های زر و حلقه های زرین تا جای لوح های عهد نامه باشد و آن را (صندوق الشهادت) گفتند:

آنگاه فرمود تختی از زر خالص ساختند که آنرا (تخت مرحمت) می گفتند دو ذراع  
 نیم طول داشت و یکذراع و نیم عرض. (دو فرشته زرین) بر فراز آن رو بروی  
 یکدیگر نصب کردند که پیرهای ایشان تمام تخت را فرا گرفته بود و آنرا بر سر  
 صندوق شهادت جای دادند. آنگاه خوانی از زرناب ساختند که دو ذراع طول داشت  
 یکذراع عرض و ارتفاعش یکذراع و نیم بود با گنگره های زر و حلقه های  
 زرین. از آن پس ادوات والانی مانند جامها و دوسکانها و شمعدان ها و غیر ذلک  
 ساختند که یک فیظ زر خالص صرف آن جمله شد. آنگاه سراپرده را راست  
 کردند که قبه آن را «هیکل» و نشیمنگاهش را «مسکن» گفتند چهل ذراع طول  
 با بود و بیست و هشت ذراع عرض داشت و آن قبه از پشم نر بود با حلقه های  
 زرین و قلابهای زر و پوششی بر زیر آن از پشم فوج سرخ برافراشتند و برای  
 آنکه از باران و باد هیچ آسیب نبیند از پوست مواشی خود پوششی دیگر تعبیه  
 کردند و آن پوستها را نیلگون کردند و بر زیر آن دو پوشش برافراختند.  
 آنگاه چهارستون معلق بود و آنرا «قدس الاقداس» «قدس القدس» نام کردند. و  
 صندوق شهادت را در میان قدس القدس جای داده تخت مرحمت را بر سر صندوق  
 نهادند. و از بیرون خیمه خوان زر را بطرف شمال و شمعدانی زرین که شش  
 شاخه داشت بطرف جنوب جای دادند. و صحنی برای مسکن از بافتهای باریک  
 نرهم کردند که آنرا صد ذراع طول و پنج ذراع ارتفاع بود. و از هر طرف بیست  
 ستون شبه (برنج - یرتز) برپا داشتند. آنگاه مذبحی با پنج ذراع طول و پنج  
 ذراع عرض و سه ذراع ارتفاع از همان فلز مرتب داشتند. خدمت خیمه مجمع  
 را حضرت موسی با «هرون» و «یران وی» «ناراب» و «اییهو» و «العازار» و «ابشامار»  
 مقرر فرمود. و حوضی از یرتز بساختند و بر آب نمودند تا هرگاه موسی و هرون  
 و اولاد هرون بخیمه مجللی در آیند دست و پای خویشان بشویند. آنگاه جامه

هرون را بزینت آراستند. نخست «سینه بندی» برای وی مرتب کردند که از هر جانب یکی بود. و چهار قطار جواهر شاداب چون یاقوت و الماس و غیر ذلک بر آن نصب کردند. که هر قطاری موافق عدد اسباط بنی اسرائیل دوازده دانه بود. پس بر هر سنگی نام یکی از اسباط ثبت کردند و از دور جامه اوزنگهای زرین بپاویختند و گلی از زر ناب ممیزی پیشاپیش معلق ساختند و تاج مقدس را بالای عمامه نهادند که با جواهر شاداب مرصع بود. آنگاه از چوب شمشاد تخت ها بطول ده ذراع و بعرض یکذراع و نیم بود با پشتیبانها بساختند. و مذبحی که ده تخت از برای سمت شمال مسکن و ده برای سمت جنوب از هر طرف یکذراع بود برای بخور آماده کردند. و جمله این سیم و زر را بنی اسرائیل برای رضای خداوند بحضرت موسی آورده و هدیه کردند. و آن بیست و نه قطار و هفتصد و سی مثقال قدس زر ناب. و یکصد و سی قطار و یک هزار و هفتصد و هفتاد و پنج مثقال سیم سپید بود و هفتاد و سی قطار و دو هزار و چهارصد مثقال (شبهه - برنج) بود. علی الجملة - در غره ماه اول از سال دوم (خیمه مجمع) را برپای کردند و پرده دروازه (مسکن) را بپاویختند. و آن آلات و ادوات را که گفتیم مرتب داشتند. آنگاه آثار جلال خداوند بیچون از آن سراپرده پدید آمد. بدان سان که موسی را طاقت درون شدن آن خیمه نبود. و ابری فرود شده آن سراپرده را فرو گرفت. و هرگاه ابراز سر مسکن برخواستی بهر جانب که حرکت کردی بنی اسرائیل از دنبال آن حرکت می کردند. و شبها بنظر آتش می نمود و روزها ابر بود. و چون باز می ایستاد مردم از سفر باز می ایستادند و خیمه مجمع را برپای می کردند. و ابر خیمه را می گرفت. علامت حرکت و سکون ایشان بود. [در تاریخ سوریه عدد (۱۹۹) رجوع و مطالعه شود] در کتاب مقدس (توراة) ص خروج ۳۵ تا ۴۰ و در کتاب ۹ (تواریخ ایام) ف ۱ (ه) مذکور است. در قرآن مجید مکرر (و ظللنا علیکم الغمام) نازل شده است و در کتاب (تاریخ

۱- ادیب الممالک در حاشیه رساله اش توضیح می دهد: سینه بند هرون - سدره کتی زردشتیان پیش بند م. همه راجع بیک امر است.

سوریه) شرح مزبور بایعنی اختلافات مرقوم است و آن نسخه در کتابخانه موجود.  
 ۲- بصلئیل بن اوری بن حود زرگراز نژاد یهودا بود که حضرت موسی به فرمان  
 خدا ساختن ادوات و آلات زرینه و سیمینه قبه المعصر را بوی مقرر داشت بصلئیل  
 پسر با و فتح صلو و سکون لام متصل به ایل که نام خداست می شود .

۳- اھولیا - اھالیا - اھولیا - اھولیا - اھولیا - اھولیا - اھولیا - اھولیا - اھولیا - اھولیا  
 اھلک - اھلی ساماخ از خاندان (دان) که او نیز در ردیف بصلئیل بود . صحیح  
 ال (احالیا بن اھلی ساماخ) است .

۴- دو تمثال فرشته بود از زر ناب ساخته در بالای تخت مر حمت بر سر صندوق  
 نهادت نهاده بودند . و حضرت سلیمان نظیر آنرا ساخته در خانه اندرون بیت المقدس  
 به خانه (تابوت عهد رب) بود بر نهاده .

ناسخ التواریخ ج ۱ [آنکاه دو فرشته از چوب بساختند دوده ذراع طول و  
 ده ذراع ارتفاع هریک بود و در پهلوی هم استوار کردند چنانکه بالهای ایشان که  
 گسترده داشتند بیست ذراع عرض داشت تا تابوت رب را در زیر بال آن فرشتگان  
 بجای دهند و هر دو فرشته را در ذهب خالص پوشیده کردند] . (در توریقه مذکور  
 است کتاب دوم تواریخ ایام) در دعای سمات باین تمثال مقدس با لفظ «کرویین»  
 اشارت شده است... به زبان عبری این تصویر مجسم را «کارویم» و به فرانسه «شروبن»  
 Cherubim گویند .

صاحب (تاریخ سوریه) میگوید . بنی اسرائیل در غیبت موسی گوساله  
 زرین را از روی «ابلیس» مصریان ساختند . و دانشمند (مولو) در کتاب خود که  
 برای تبرئه و تزکیه هرون مینویسد دلایل بسیار اقامه میکند . منجمله میگوید  
 [همان صنم مسبوك را شبیه «کارویم کرویین» در وقتی که خدا بر او جلوس فرموده  
 و در کوه «سینا» تجلی فرموده است ساخته بود] .

در دعای مقدس «سمات» در ذیل فقره که نام بردیم با (واو عاطفه) میفرماید

۰۰ [و فی طور سیناء و فی جبل حوریت فی الواد المقدس فی التقیه المبارکه من جانب الطور الایمن من الشجرة] ۰۰

مؤلف کتاب «گنج دانش» صفحه ۱۷۷ از کتاب خود که به طبع رسیده است در تحقیق «بیستون» آورده است که خسرو پرویز هفت گنج داشت :

۱ - گنج باد آورد ۰۰ : گنج گاو که خزانه افراسیاب بوده در مکانی وسیع و سر پوشیده در و دیوار سقفش مزین به طلا و لاجورد ۰۰ : اخورها در اطراف آن ساخته مملو از جواهر بر سر هر آخوری گاو بسته از طلا و نقره که شاخها و چشمهایشان از جواهر و شکمشان پر از انار و سیب ... و به زرین مرصع ۰۰ : و در اطراف آن جانورهای چرنده و در بالا مرغان پرندۀ گوناگون از مینا و جواهر ساخته بودند [ ۰۰ : صاحب «فرهنگ انجمن آرای ناصری» گوید ] نام جمشید بر این کاوان نقش بوده [ ( نگارنده محمد صادق الحسینی الفراهانی ادیب الممالک ) گوید از مرقومات صاحب گنج دانش چنان استفاده میشود که این بنا از روی بنای حضرت سلیمان و حضرت موسی ساخته شده چنانکه از وجود (گاوها که در نمره ۱۰) ذکر خواهد شد و از (انار زرین) و از تصویر مرغان که تمثال ( کاروبیم ) بوده است ظاهر می شود ۰۰ : و مؤید این قول نام جمشید است که پارسیان بر حضرت سلیمان اطلاق کرده اند چنانکه شاعر گوید ۰۰ :

يعقوب را نشاط ز يوسف فروده اند

داود را بشارتی از جم نموده اند

دیگری گفته است ۰۰ :

کی نشستی دیو وارون چون نگین بر تخت جم

کس نوشتی نام تو جمشید بر انگشتی

و نیز مظلون نگارنده آن است که سلاطین اشکانی (سکه عقاب دوسر)

را که در مسکوکات آنها دیده شده است از تصویر ( کاروبیم ) برداشته اند ۰۰ : و دولت

روس در این نقش اقتدا بآنها کرده است ۰۰ :

۵- خیمه عهد همان قبه المعضر است که مشروحاً در نمره يك تذكر شد .

۶- کشتی «نقل از گلدسته چمن آئین زرتشت»

[در بیان آئین نوروزی]

(۱۱۷) فرمان است که هر فرزند زرتشتی باید مابین هفت و پانزده سالگی

سدره پوشیده (گستی) بر میان بندد . چه که سدره و گستی میان کیش بهی میباشد .

سدره پوشیدنی است از پارچه سپید و بر صدر قطعه مخصوصه دارد که نامزد به

بیان بوده . در پائین یقه وصل شده است . پارچه سدره باید سپید باشد که

پهیدی نشان پاکی و نظافت است .

چنان چون در آیه ۱۲۶ (مهریشت) وارد است . بیاض علامت دین (مازدیسنی)

باشد .

کشتی قسمتی از نواری یا رسته است که بطور خاص از ابریشم یا کرک یافته .

تعداد دو نخ دارد . سه لای بگرد کمربستیده . چهار گره دو از پیش روی و دو

از پس پشت بر آن زنند . شبانه روز فرض است که کشتی بر میان باشد سه لائی که

بنام کمر پیچند متذکر سه پایه کیش . یعنی «همت» «هوخت» «هورشت» باشد .

چهار گره که بکشتی زنند علامت چهار صفاتی است که باید هر شخص زرتشتی

دارا باشد .

نخست «مازدیسنی» ۲ «زرتشتی» ۳ «دشمن - دیوان» ۴ «هرمزدی کیش»

باشد . کرکی که از آن گستی بافند باید از آن گوسپند باشد . و این دلیل آن

است که دارای گستی را شایان است که چون گوسپند سلیم و بی آزار بوده و همیشه

په پاکی و پرهیزگاری زیستن کند . آئین سدره پوشی و گشتی بندی موسوم به

(اوزودی) است . که معنی آن (پرستش نخست و عبادت جدید) می شود . و

باید این رسم را یک عوید در حضور جماعت مؤبدان و بهدینان ادا سازد . طفلی

که اصول کیش راعم (اوستای ابتدائی) آموخته است تن شسته به لباس مخصوص

در موقع حاضر می شود . مؤبد در حضور جماعت حضار طفل را سه بار «گروش

۱- ادیب السالك كلمه گستی و کشتی با ضم (که) را در هر دو صورت نقل کرده

نامه پازند \* که ترجمه اش ذیلاً نگاشته می شود میخواند \* ( از نگارش و نقل ترجمه صرف نظر کردیم )<sup>۱</sup>

طفل آستین جامه مؤبد را گرفته بسوی «خورشید» نموده باو ( نیرنگ کشتی ) میسراید \* و مؤبد کشتی را به میان طفل پیچیده چهار گره بر آن میزند \* و «گروشنامه اوستائی» که «مزده بسنوا» همی باشد همی خوانند \* از آن هنگام طفل قانوناً داخل امت پیغمبر میشود \*

( نگارنده محمد صادق الحسینی همی گوید این دو نکته را مذکور میداریم که برادران متذکر شوند یکی ۳ لائی بودن کشتی و ۴ گره زدن بر او که مجموع هفت میشود \* دوم «سدره» که بسیار شبیه است به «سینه بند هرون در موقع دخول به مجمع مقدس» شاید «پیشگیر» نمونه و یادگار این هر دو باشد ) \*

۷ - پنج گات \* نقل از کتاب گلدسته چمن آئین زرتشت ( ۱۸ ) «اوستا» متضمن بر مواد آتیه می باشد \* ۱ - گاتها ( که مسلماً از تصنیفات و بیانات خاصه حضرت زرتشت علیه السلام است ) \* ۲ - ویسپردو \* ۳ - وندیداد \* ۴ - خورده اوستا \* پنج گات به معنی پنج سرود پاک است که هر يك را نامی خاص باشد \* ۱ - اهنود ۲ - اشتود ۳ - سپنتمد ۴ - وهوخشتر ۵ - وهشتویشت \*

اسم هر يك را از کلمه اول هر مجموعه بر آورده اند \* زبان این سرودها بسیار کهن و باستان ترین کتب پارسیان شمرده می آید عبادت ذات احدیت و تحصیل اخلاقی حمیده و آداب حسنه از آنها آموخته میشود \* از خواص عمده این سرودهای بهشتی این است که در هر مصرعی یکبار یا دو بار نام خداوند یکتا که (اهوره مزده) یا اسماء صفات خداوند که نامزد و بهفت امشاسپند است می آید \* [گاه گاه اسم ذات احدیت به معیت اسماء صفات الهی آمده است] \*

۸ - پنج فرجود ( فرجود ) به زبان پارسی معجزه و خارق عادت است  
 ۹ - هفت امشاسپند برادر معاصر نامور ما «کیخسرو شاهرخ» که از وکلای پارلمان و مردی دانشمند و بزرگوار است در نامه موسوم به «فروغ مازدیسنی» که  
 ۱ - این جمله از آن ادیب الممالک است و خود او از آوردن ترجمه دریغ کرده است .

سختی از آن بیادگار برای این بنده فرستاده است .<sup>۱</sup>

۱۰ - اقیانوس - استان Ocean<sup>۲</sup>

۱۱ - پر خیده مر موز .:

۱۲ - مصرح .:

۱۳ - ستاره مشتعل - کوكب درخشان - اختر تابناك Etoile Flamboyante

۱۴ - شرق اعظم فرانسه Le Grand Orient بعد از آنکه « محفل قدیم »  
 « واسطه تأسیس » « محفل اعظم وطنی » بر هم خورد « دوک شارترس » که در محفل  
 « مقام » « استادی اعظم » داشت به واسطه مشاجرات میشه و بی احترامی که نسبت  
 به وی شده بود از برادران رنجید و از ل .: کناره گزید .: برادران نادم شدند در  
 مقام اعتذار بر آمده در روز بیست و دوم اکتبر مطابق سنه ۱۷۷۳ میلادی و سنه  
 ۱۱۸۷ هجری جشنی بزرگ آراسته و ریاست وی را به سمت استاد اعظمی تصویب  
 نمودند .: در همان روز نام « محفل اعظم وطنی » را منسوخ کرده و به جای آن  
 « شرق اعظم فرانسه » را اعلان کرد .: و با کمال جدیت و فعالیت به تنظیم قواعد  
 و شئون اداره ف .: پرداخت .: نخستین کاری که کرد این بود که موظفین بخدمت  
 ل .: را در سر شغل خود بر قرار کرده و لوایح قرارات کلیه را به خاتم خود امضاء  
 فرمود .: و تصویب کرد که هیچ يك از محافل اقلیمی بدون داشتن اعتبار نامه از  
 شرق اعظم دارای رسمیت نخواهد بود .: و نیز محفلی برای تعیین درجات عالیه  
 که مافوق درجات سه گانه رزیه میباشد بر قرار نمود .: در دهم ماه حریزان سنه ۱۷۷۴ م  
 ۱۱۸۸ هـ از طرف شرق اعظم محافلی که خوانین را به خواهری به پذیرد تأسیس شده .:  
 .: شرق اعظم - تادیر گاهی در خانه های برادران دور میزد .: تا در دوم ماه  
 « آب الحسطنس - اوت » سنه ۱۷۷۴ م سنه ۱۱۸۸ هـ عمارتی عالی را که مدرسه ژر ویتها  
 بود اجاره کرده و بدانجا انتقال نمودند .:

لژ بیداری ایران .: افتتاح این محفل مبارك و معبد مقدس در دار الخلافه

۱ - ادب المالک فضل یازدهم این کتاب را عیناً نقل میکند که تکرار آن بنظر ضروری نیامد .

۲ - نویسنده اقیانوس را بشرحی که در نسخ التواریخ آمده عیناً نقل کرده است .

طهران به طور رسمی و با اجازه «شرق اعظم فرانسه» و «شوری عالی ماسنی فرانسه» در شب سه شنبه ۱۹ ربیع الاول سنه ۱۳۲۶ هـ. ۲۱ ماه آوریل ۱۹۰۸ م - ۸ ماه اپریل روسی و ۸ نisan روسی - ۲ ماه اردیبهشت جلالی سنه ۱۳۳۰ - ۱ - ماه تور تأسیس یافت. و نخستین کسی که درین ل. پذیرفته شد این بنده نگارنده بود. مزبور بعد از بمباردهاں مجلس ملی شیدالله ارکانه که مطابق سه شنبه ۲۳ شهر جمادی الاول سنه ۱۳۲۶ هـ بود تعطیل شد. و بعد از استقرار مشروطیت ثانوی در لیله سه شنبه شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۲۷ هـ ۱۴ دسامبر ۱۹۰۹ - ۱ کانون - ۱ دکانر روسی - ۳ مردادماه قدیم ۱۲۷۹ - ۲۹ آذر ماه جلالی ۱۳۱۱ مجدداً افتتاح شد.

۱۵ - اصحاب کُفّ. هفت تن بودند از رؤسای مملکت و وزراء و امرای بزرگ که به مخالفت مذهب بت پرستی اتفاق کرده و با کاهنان معبد «افس» ضدیت نموده و غاری را که در آن نواحی بود اختیار نموده و در آنجا به عبادت و اعتزال پرداخته بودند. سگ ایشان را نام «قمطیر» بود. در حکایت ایشان سورة خامس در قرآن نازل شده.

و غار اصحاب کُفّ در چند موضع به نظر میرسد. یکی در جبال افس از بلاد آسیای صغیر که وجود آن در آنجا به صحت نزدیکتر است. دوم در کوهستان ممالک افغانستان. سوم در بلاد قفقاز در کوهسار نزدیکی ایروان.

۱۶ - در تفسیر صافی و مجمع البیان می فرماید اینها ستارگان رونده هستند که در روز مخفی و در شب آشکارند و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده که خنس و کنس عبارت است از زحل. مشتری. مریخ. زهره. عطارد. و نگارنده آنها را بضیمه شمس و قمر کنایه یا تشبیهاً نماینده ارکان سبعة ل. م. دانسته که سیارات فلک بشریت و انسانیت و عاملان و اساتید کارخانه حق پرستی و عدالتند.

۱۷ - حرون - سرکش و غالباً در چهارپایان استعمال می شود. نفس اماره چون به بهائم و انعام تشبیه کرده اند مجازاً حرون می گویند.

۱۸ - تو بالکن Toubalcaïn «توبال قالین» از احفاد قایل است که مخترع

آلات از فلزات شده.

۱۹- سفر نکوبین، مراد کتاب اول توریة است.

۲۰- در کتاب مقدس توریة (کتاب اول ملوک) فصل هفتم آیه ۲۱ [و آن

ستونها را در رواق هیکل برپا نمود و ستون طرف راست را برپا نموده اسمش را «یاکین» گذاشت و ستون طرف چپ را برپا نموده و اسمش را «بوغر» نهاد]  
کتاب «دوم تواریخ ایام» فصل سوم آیه ۱۷ [و آن ستونها را در برابر هیکل بر  
پا نمود یکی بدست راست و دیگری بدست چپ و اسم دست راستی را «یاکین» و اسم  
دست چپی را «بوغر» نهاد]

اما «یاکین» «یاخین» بزبان عبری (یعنی خدا حفظ کند) و بوغر بزبان  
عبری یعنی (در اوست مدد الهی)

و شاید که لفظ «یاسین» در قرآن مجید همان «یاکین» باشد بر حسب تبدیل  
کاف به سین از تداول السنه و خطوط مختلفه یا نظر تعرب صورت کتبی «خ» به  
«س» در خط عبری و این هر دو نام دو تن از معارف بنی اسرائیل بوده. چنانکه  
«بوغر» در کتاب «روث جوابیه» که کتاب سوم مورخان است در توریة بشرح  
آمده است نام «یاکین» هم در چند جا مذکور است.

۲۱- زینت. گویند این کلمه از عربی مأخوذ است و بمعنای اقصی نقطه  
شمس الرأس استعمال می شود.

۲۲- نادیر. این کلمه را نیز مأخوذ از لغت عرب دانسته و بر منتهی نقطه  
نحو القدم اطلاق نمایند.

۲۳- عوج - کژکوزی امت - ناهمواری و پست و بلند در سطح.

۲۴- وجوب - افتادن و پنهان شدن يقال (وجبت الشمس) یعنی پنهان شد و  
ظهور رفت آفتاب.

۲۵- چون قطب شمال که منتهی به نقطه می گردد تنگترین نقاط ارض است  
و این معنی در قطب شمال یافت بشود زیرا که برآمدگی در قطب شمال است و  
ظهور رفتگی از قطب جنوب. در حاشیه کتاب تاریخ ایران از مرحوم میرزا آقا

خان شهید کرمانی صفحه ۶۸ مرقوم است [در عبری شرق را پیش و غرب را پس و جنوب را راست و شمال را تاریک یا پوشیده گویند. از سه لفظ اول وضع پرستش و شمس و لفظ آخر کاشف عقیده ایست که مردم اوائل در مخوف بودن شمال کره داشته اند و ظلمات را در انجامی پنداشتند.].

۲۶- از دلوك تا بنسق - آیه هشتم در سوره مبارکه بنی اسرائیل نظر به روایت «عیاشی» از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام مذکور است که فرمودند (دلوك) عبارت از زوال شمس است (ظهر) و (بنسق) کنایه از نیمه شب. ظهر آید بکار خود. معمار نیمه شب دست می کشد از کار حضرت زراتشت علیه السلام که یکی از مؤسسين این اساس و مخترعین این رموز است شاگردان خود را در موقع انعقاد مجلس از اول ظهر پذیرفته در نیمه شب مرخص می کرد. بعد از ضیافت و بوسه برادرانه که منتهی بختم عمل می شد. زراتشت بنسگر چه دین پرور است

که در شهر علمش ره از (صدر) است  
[صدر - نام کتاب مؤبدی (آذر پترو) نام است که آئین زرتشت را در آن گرد آورده و صذاب است.].

۲۷- قبلادرین باره شرحی مذکور شد.

۲۸- هاماوران - مملکت حجاز و نجد و یمن را گویند.

۲۹- کنگک دژ هوخت پارسیان خانه اورشلیم را بدین نام خوانده اند چنانکه فردوسی گفته است:

بخشکی رسیده سر جنگجوی	به بیت المقدس نهادند روی
بتازی زبان خانه پاك دان	بر آورده ایوان ضحاک دان
چو بر پهلوانی سخن راندند	همی «کنگک دژ هوختش» خواندند

۳۰- حیرام - پادشاه مملکت (تیر - صور) است که با حضرت سلیمان همد اتحاد و موافقت بسته و در بتای مسجد اقصی آن بزرگوار را بفرستادن نخته و چوب با کشتی معاونت نمود. حیرام پسر (مصورا) که پدرش سوری و مادرش

الیهایی بود. در فن زرگری و نقاشی و مهندسی و معماری مهارت داشت. وی نیز حیرام ملک صور برای عمارت اورشلیم بخدمت سلیمان فرستاد و این استاد بزرگ در قدس الاقداس بجاهاد و اسرار مومنانجا متخزون ساخته. همراه بشرحی که نگارش آن را اجازه ندارم در دست شاگردان خود که مظهر آن و ددان بودند شهادت یافت (وی اول کسی بود که سرداد و سرنداد) و دوری که آیه شریفه (و لقد فتنا سلیمان علی ملک و القینا علی کرسیه جداً ثم) اشاره بدین خیانت باشد.<sup>۱</sup>

۳۹- ابن کمونه از فلاسفه یهود و تلامذه شیخ ابوالفتوح شهاب الدین ریحی سن السهروردی بوده است.

این شبهه را که قدما هم متعرض شده اند متذکر گردیده و گفت چه ضرر که دو ماهیت باشند بسیط و مجهول الکنه و امتیاز هر یک از دیگری تمام باشد و مفهوم وجوب وجود بر آنها عرضی صدق نماید چه مابه الاشتراک عرضی الامتیاز نمی خواهد چنانکه مقولات تسعه مثلاً کم و کیف دو ماهیت بسیطند که از هر یک از آنها بتمام داشت و مفهوم عرضی بر آنها صدق نمی کند به صدق هیچ مابه الامتیاز لازم ندارند و مرکب هم نیستند. این اعراض مدت چهار سال متجاوز بیجواب و لاینحل ماند لهذا آن را «شبهة الشیطان» می نامیدند. آن فیلسوف اعظم صدر المتألهین صدر الدین محمد بن ابراهیم از اعظم رجال یازدهم هجری آن بزرگوار شبهه مزبوره را دفع فرمود.<sup>۲</sup>

۱- نویسنده سیس دلائل زیادی از ثورات و کتاب لغت تاریخی و جغرافیائی احمد در ناپید نظر خویش می آورد.

۲- ادیب الممالک در حاشیه اضافه می کند:

این کمونه - سعد بن منصور یهودی مؤلف کتاب «الکاشف» که نسخه خطی آن در کتابخانه اسلامبول موجود است (ج ۱۱ - سنه ۲ - قاهره م ۶۰۰) در کتاب (تلویحات) نیز که آن شیخ اشراق است شرحی نوشته است که نسخه آن در کتابخانه مرحوم حاجی میرزا بن اوری بنظر رسیده و نسخه (تلویحات) در مدرسه خان موری در کتابخانه آنجا موجود

۳۲ - مصدر خلقت و حیات و هلاك. بمعنی هندوان «مهادیو» خدای بزرگ آنها است چه (مه - مه) به معنی بزرگ است در لغت (سانسکریت) و «دیو» به معنی خدا میباشد و رفته رفته مهادیو را «مخادیو» و «خدییو» و «خدا» کرده اند. گویند: از ناف مهادیو شاخه نیلوفری رسته که سه شعبه دارد:

۱ - برهما یعنی ذات موجود کل.

۲ - ویشنو یعنی حافظ و نگهدار کل.

۳ - سیفا یعنی مهلك و معدوم کل.

بعضی بر آنند که این هر سه از «براهم» که رب الارباب است به وجود آمده اند.

۳۳ - «هرمخیس» است آن گهی «رع» و «توم» اولاً - باید دانست که مثلثات الهیه مصریان یا الهه مثلثه آنها که منضات خدای بزرگند و (مثلث متصف) از آن تشکیل میشود عبارت است از (اوزیریس) و (ایزس) و (هوروس) ولی در ضمن معتقد به الهه و خدایان عظیم و قدیمی بوده اند که اعظم و اقدم آنان «فتاح» است یعنی خالق اعظم هیکل آن در شهر منوف بوده. دیگر «رع» به معنی آفتاب زیرا که شمس را مصریان قدیم تمثال و نمایندگوار حقیقی میدانستند. هیکل «رع» در شهر «تب» - طیبه اقصی بوده است. نیز از برای شمس نظر به اختلافات مواقع و مطالع آن اسماء مختلفه و مظاهر متعدده وضع و تصور کرده اند از آن جمله تمثال (هرمخیس) است که به یونانی (اسفنگس) (ابوالهول) و بفرس قدیم «خورمنحی» گویند و «هرمخیس» مأخوذ از زبان پارسی میباشد. و این تمثال نمایندگوار آفتاب است در اول طلوع و شرق آن دوم (رع) مظهر و نمایندگوار شمس است در نیمروز و هنگام ظهر. سوم «توم» تمثال خورشید است در وقت غروب.

علاوه بر این سه تمثال دیگری از برای بودن شمس در عالم سفلی و ظلام شب تصور کرده اند بنام (اوزیریس). اما (الهه مثلثه منف) که عبارت از «اوزیریس» و «اوزیس» و (هوروس) باشد نخستین را بصورت مردی ساخته اند و دوم را بصورت زنی و سوم را بشکل کودکی با تریبات و کلاهها یا تاجهای مخصوص

که هر يك آلتی در دست دارند .

۳۴ - رمز زرتشت شد بگات و بیشت - همت نيك و هوخت با هورشت از این بیت دانسته شد که پایه آئین «مزدیسنی» بر سه چیز است:

۱ - همت نیکو ۲ - هوخت نیکو ۳ - هورشت نیکو . و اسبیت باستواری نامات عالیہ انسانیت بر این سه پایه در کلمه شهادت زرتشتیان می آید . استوارم نيك اندیشی و استوارم به نيك گفتاری و استوارم بنيك کرداری . و ضد این هر سه همت و دژ هوخت و دژ هورشت باشد چه دژ در پارسی افاده معنی زشت و بد را نمایند چون (دژمن) که (دشمن) است و (دژیل) که (دشیل) است و امثال آن . این معنی را نیز نگارنده در نامه (پیوسته فرهنگ پارسی) بنظم آورده ام.

۳۵ - دو ستون میان تہی زفلز (الی آخر) شرح آن در ترجمه علامت (۲۰) قوم افتاد .

۳۶ - يك لغت - گزاست و در اینجا مراد از آن چکش سنگ تراشی باشد .  
۳۷ - سال میلاد ده یازده رفت ... یعنی ده روز از ماه نوامبر که ماه یازدهم هجری مسیحی است رفته بود از سنه ۱۹۰۷ - م .

۳۸ - قمر در دوم درجه برج «جدی» و آفتاب در هفدهم درجه برج «عرب» بود .

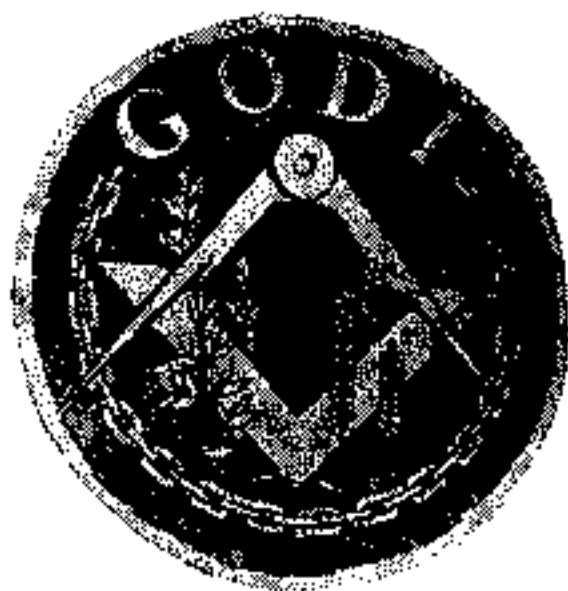
انتهی بخط مصنف در ۲۱ رقمده

۱۳۲۹ مطابق ۲۱ عقرب

ادیب‌العمالک در صفحه ۹۴ رسالہ خطی آئین ماسونی مینویسد:

«در سنه ۶۲۰ میلادی چون جماعات فراماسیون اهتمام کامل در ترویج شرایع قانون بجای آورده و مرکز اجتماعات خود را در معابد و کنایس قرار میدادند لهذا برادران ف . و . رئیس انجمن خود را و . (V) خطاب کردند که به معنی (محترم) باشد . و ما در ل . ب . ا . این کلمه را به لفظ Ardjamind [ارجمند] تفسیر کردیم . [امضاء]

ضمیمه سوم  
قانون اساسی گرانداوریان



ترجمه کامل لژی بیداری ایران

ترجمه کامل قانون اساسی شرق اعظم (گرانداوریان) فرانسه ، نخستین بار در سال ۱۳۳۰ هـ (۱۹۱۲) بوسیله سه تن از استادان لژی بیداری ایران ترجمه و چاپ شد . این سه استاد ماسونی بیداری ایران : میرزا محمدعلیخان ذکاءالملک ، حاجی سید نصرالله تقوی و میرزا حسین خان دبیرالملک ، بودند که به اتفاق متن کامل قانون اساسی را که در سال ۱۹۰۸ (۱۳۲۴ هـ) از مرکز گرانداوریان در اختیار آنان گذاشته شده بود ، ترجمه کردند .

سه استاد مذکور نه تنها متن کامل قانون اساسی را ترجمه کردند ، بلکه نظامنامه عمومی شرق اعظم ، نظامنامه خصوصی لژ که هیولانس و ویزیوز و دکتر مرل نوشته بودند و همچنین مواد الحاقی به قانون اساسی را نیز ترجمه و چاپ کردند . در مقدمه چاپ اول قانون اساسی مذکور ، شرحی از طرف افسران کرسی لژی نوشته شده و سه استاد مترجم را تقدیر کرده اند . در تقریظ لژی از میرزا حسینخان (دبیرالملک) که « در این کمک برادرانه از بذل مال و صرف وقت و فراهم ساختن وسائل انجام کار ، دقیقه ای فرو گذار نکرده ، بیش از سایرین فدردانی شده است . اینک برای نخستین بار متن ترجمه کامل این قانون اساسی را در اختیار افکار عمومی میگذاریم :

# فهرست کتاب اول و دوم قانون اساسی گرانند اوریان

## قسمت اول

فرانماسنری<sup>۱</sup> و اصول آن صفحه ۵۰۲

## قسمت دوم

فرانماسنها و کارخانههای ماسنی

فصل اول - فرانماسنها ۵۰۳

فصل دوم - کارخانههای ماسنی ۵۰۵

## قسمت سوم

قوای ماسنی:

فصل اول - شرق اعظم فرانسه ۵۰۷

فصل دوم - مجمع عمومی ۵۰۸

فصل سوم - شورای طریقت ۵۱۰

## قسمت چهارم

ترتیب محاکمات:

فصل اول - قوای قضائیه ۵۱۲

فصل دوم - هیئت منصفه کارخانهها و مجالس استیناف ۵۱۳

فصل سوم - مجلس تمیز ۵۱۳

## قسمت پنجم

روابط خارجی ۵۱۵

## قسمت ششم

تجدید نظر و تغییر قوانین ماسنی ۵۱۵

قرارداد موقتی ۵۱۵

۱ - همین کلمه در ترجمه قانون اساسی گرانند اوریان در ایران به کار برده شده که نقل گردیده است.

## نظامنامه عمومی

## کتاب اول کارخانه

## فصل اول

کارخانه‌های متنوعه و آئینهای متفاوت

## فصل دوم

تأسیس و استواری کارخانه‌ها

قسمت اول- تأسیس لژها

قسمت دوم- تأسیس خانقاهها

قسمت سوم- تأسیس کنگاهاستان

قسمت چهارم- استواری کارخانه‌ها

## فصل سوم

سالاران و وظایف ایشان

قسمت اول- سالاران

قسمت دوم- وظایف سالاران

قسمت سوم- منافات مشاغل بایکدیگر و جمع آنها

قسمت چهارم- مراقبت و مواظبت سالاران

قسمت پنجم- خادم

## فصل چهارم

انتخاب و نصب سالاران:

قسمت اول- انتخاب و حق انتخاب

قسمت دوم- انتخابات عمومی

قسمت سوم- انتخابات جزوی

قسمت چهارم- پذیرفته شدن رؤسا در شرق اعظم

قسمت پنجم- نصب سالاران

## فصل پنجم

پذیرفته شدن و دریافت پایه‌ها :

صفحه ۵۳۶	قسمت اول- پذیرفته شدن پیاپی اول
۵۴۱	قسمت دوم- ارتقاء رتبه در لژها
۵۴۲	قسمت سوم- دریافتن پایه‌های خانقاهی
۵۴۴	قسمت چهارم- دریافت پایه‌های فلسفی
۵۴۴	قسمت پنجم- معرفی برای پایه‌های آخری
۵۴۵	قسمت ششم- ترتیبات مشترک برای قسمت‌های قبل
۵۴۵	قسمت هفتم- پیوستگی
۵۴۷	قسمت هشتم- آداب تنظیم

### فصل ششم

ترتیبات درون کارخانها:

۵۴۹	قسمت اول- اعضاء کارخانها
۵۵۰	قسمت دوم- جلسات و ترتیب کارها
۵۵۳	قسمت سوم- واژه‌های ششماهه و سالیانه
۵۵۴	قسمت چهارم- میهمانان
۵۵۵	قسمت پنجم- تکریمات و حق تقدم و نشانیها
۵۵۷	قسمت ششم- نظامات
۵۵۹	قسمت هفتم- مالیاتها و محو کردن اسامی بواسطه عدم تأدیه
۵۶۱	قسمت هشتم- مرخصی و استعفا
۵۶۳	قسمت نهم- اداره کارخانها
۵۶۴	قسمت دهم- میهمانیها
۵۶۵	قسمت یازدهم- سوگواری و تشییع جنازه
۵۶۶	قسمت دوازدهم- نظامنامه خصوصی کارخانها

### فصل هفتم

روابط کارخانه‌ها با شرق اعظم:

۵۶۶	قسمت اول- وظیفه و حق نماینده داشتن
-----	------------------------------------

- قسمت دوم وظایف نقدی  
صفحه ۵۶۷
- قسمت سوم مکاتبات  
» ۵۶۸
- قسمت چهارم فهرست‌های سالیانه و صورت‌هایی که کارخانها  
باید بدهند  
» ۵۶۹
- قسمت پنجم مطالبه فرامین شخصی  
» ۵۷۰
- قسمت ششم تفتیش کارخانها  
» ۵۷۱
- فصل هشتم**
- نمایندگی قضاوتی  
» ۵۷۲
- فصل نهم**
- روابط کارخانها با یکدیگر  
» ۵۷۳
- فصل دهم**
- روابط کارخانها با هر هیئت غیر هیئت ماسنی  
» ۵۷۴
- فصل دهم مکرر**
- امتزاج کارخانها و انتقال و تغییر اسامی آنها  
» ۵۷۵
- فصل یازدهم**
- خواب رفتن و بیداری کارخانها  
» ۵۷۵
- فصل دوازدهم**
- تنظیم کارخانه‌ها  
**فصل سیزدهم**
- کنگره‌های محلی  
» ۵۸۰
- کتاب دوم**
- هیئت اتحادیه**
- فصل اول**
- مجمع عمومی شرق اعظم  
» ۵۸۲

## فصل دوم

۵۸۶ &gt;

شورای طریقت

## فصل سوم

۵۸۹ &gt;

مجلس نمیز

## فصل چهارم

بارگاه بزرگ آئینها:

۵۹۰ &lt;

قسمت اول- تشکیل و ترتیب آن

۵۹۲ &gt;

قسمت دوم- وظایف بارگاه

۵۹۳ &gt;

قسمت سوم- اتصال آئینهای تازه

۵۹۴ &gt;

قسمت چهارم- تقاضای جمع آئینها

۵۹۵ &gt;

قسمت پنجم- اعطای پایه های عالی

## فصل پنجم

۵۹۷ &gt;

نشانه های اعضای شرق اعظم

## فصل ششم

۵۹۸ &gt;

جشنها و مهمانیها و مراسم سوگواری شرق اعظم

## فصل هفتم

۵۹۹ &gt;

دستگیری ماسنی

## فصل هشتم

۶۰۳ &gt;

پادشاهای ماسنی

## فصل نهم

محاکمه ماسنی:

۶۰۳ &gt;

قسمت اول- تقصیر و مجازاتهای ماسنی

- صفحه ۶۰۳ جزء اول- تفصیرات فراماسنها
- » ۶۰۵ جزء دوم- تفصیرات کارخانها
- قسمت دوم- نظلمات و اصلاح ذات البین:
- » ۶۰۵ جزء اول- نظالم از فراماسنها
- » ۶۰۷ جزء دوم- شکایت از کارخانها
- » ۶۰۸ جزء سوم- مدعی شدن شورای طریقت با فراماسنها و کارخانها
- » ۶۰۹ قسمت سوم- محاکمه ابتدائی بتوسط لژ
- » ۶۱۲ قسمت چهارم- استیناف
- » ۶۱۲ جزء اول- مجالس استیناف
- » ۶۱۲ جزء دوم- ترتیب استیناف نسبت به احکام لژ
- » ۶۱۶ قسمت پنجم- هیئتهای منصفه کارخانها
- » ۶۱۷ قسمت ششم- رجوع بتعمیر
- » ۶۱۸ قسمت هفتم- اختراج بالطبیعه بدون مداخله هیئت منصفه
- » ۶۱۹ قسمت هشتم- ورشکستگان
- » ۶۱۹ قسمت نهم- اعاده شرف

### فصل دهم ترتیبات مالیه عمومی

- » ۶۲۰ قسمت اول- عایدات مالیه و مخارج کارخانها
- » ۶۲۱ قسمت دوم- عایدات شرق اعظم
- » ۶۲۲ قسمت سوم- مخارج شرق اعظم
- » ۶۲۳ قسمت چهارم- بودجه شرق اعظم
- » ۶۲۳ قسمت پنجم- دفتر داری و محاسبه شرق اعظم

### فصل یازدهم

- » ۶۲۴ صحیفه اعمال و سالنامه و سایر مطبوعات
- فصل دوازدهم
- » ۶۲۶ دارالانشاء شرق اعظم



# قانون اساسی

## شرق اعظم فرانسه

که برای فرانسه و مستملکات آن شورای عالی میباشد مصوب مجمع عمومی در دوره اجلاسیه (۱۸۸۴) و مصدق اثرها در (۱۵) فوریه (۱۸۸۵) رسمیت یافته از جانب شورای طریقت در (۲۷) آوریل (۱۸۸۵) با تصویباتیکه مجمع عمومی تا (۲۵) سپتامبر (۱۹۰۹) در آن نموده است.

## قسمت اول

### فرانماسنری و اصول آن

#### بند اول

فرانماسنری شالوده نوع دوستی و فیلسوفی و طلب ترقی است. مقصودش جستجوی حقیقت و تهذیب اخلاق و بکار بردن همبستگی است. کارش اصلاح امور مادی و معنوی و تکمیل قوای عقلیه و مدینه عالم انسانیت. شیوه اش برد باری از یکدیگر و حفظ شرف خود و سایرین و آزادی مطلق وجدان و عقیده است. چون ادراک حکمت های فوق الطبیعه را منوط بفهم شخصی اعضایش میداند

لهذا فراماسنری در صدد تحمیل احکام و سنن مذهبی نیست .  
شعارش : آزادی ، برابری ، برادری .

### بند دوم

فراماسنری مکلف است رشته اخوتی که همه برادران این طریقترا در گره  
ش یکدیگر پیوسته میدارد بنام افراد بشر برساند .  
بگروندگان خود سفارش میکند که بواسطه سرمشق نیکوکاری و گفتن و  
شنیدن این مسلک را انتشار دهند با رعایت راز داری ماسنی .

### بند سوم

فراماسن مکلف است در هر موقعی راهنمایی و همراهی و حمایت از برادر  
بود کند اگر چه زندگی خود را هم بخطر بیندازد و باید از برادر خود در برابر  
ظلم مدافعه کند .

### بند چهارم

فراماسنری کار کردن را یکی از تکالیف خاصه انسان میدانند کارهای دماغی  
پازوئی را یکسان گرامی میشمارد .

## قسمت دوم

فراماسنها و کارخانههای ماسنی

## فصل اول

فراماسنها

### بند پنجم

فرمانروائی ماسنی متعلق بعموم ماسنهاست که رسماً در کار هستند و تابع  
این قانون اساسی میباشند این فرمانروائی بواسطه رای عموم اجرا میشود .

### بند ششم

قبول هر کس در فرانماسنری بموجب رانیست که تمام فرانماسنهای حاضر هرگاه منظم باشند حق شرکت در آن دارند .  
شرایط منظم بودن ماسنها در نظامنامه عمومی معین شده است .

### بند هفتم

فرانماسنری دارای نشانها و رموزیست که معنای رمز عالی آنها نباید بر کسی آشکارا گردد مگر بواسطه سیر .  
این نشانها و رموز بشکلهای معین پیشوای کارهای فرانماسنها میباشد و فرانماسنها در تمام گره بواسطه آنها میتوانند همدیگر را بشناسند و یکدیگر کمک نمایند .

سیرهای ماسنی دارای چندین پایه یا مقامات است .

سه پایه اول : شاگردی ، یاری ، استادی است .. و تنها استادی انسانرا دارای همه حقوق ماسنی مینماید .

هیچکس از مراتب آزمایشهاییکه در آئین نامه دستور داده شده معاف نیست .

### بند هشتم

هیچکس نمیتواند برای سیر ماسنی پذیرفته شود و ۶۰ برخورداری از حقوق ماسنی حاصل نماید مگر آنکه :

- ۱- سنش بیست و یکسال تمام باشد .
- ۲- شهرت و اخلاقی که مورد سرزنش است نداشته باشد .
- ۳- وسایل معاش با شرف باندازه داشته باشد .
- ۴- سواد بقدر دریافت تعلیمات ماسنی داشته باشد .
- ۵- لااقل از ششماه در قلمرو ( Département )

لژی که خود را بآن معرفی کرده بادر مسافت صدکیلومتر ( ۱۶ فرسخ ) متوطن

با مفیم باشد لیکن برای ساکنین محلی که در آنجا هیچ لژیست استئنا ممکن است. از شرط سن معافند پسرهای فرانسمنها و صغیرانی که لژها منظمآ آنها را پرزندی قبول کرده باشند این قبیل اشخاص با رضای پدر یا مادر یا قیمشان در سن هجده سالگی ممکن است بسیر پایه شاگردی پذیرفته شوند لیکن پیش از اكمال سن بیست و یک یا کبیر شدن نمیتوانند بپایه یاری و استادی برسند.

اهل نظام و بحریه و مستخدمین دولتی و کسانی که بواسطه کار و شغل خودشان مجبورند غالباً اقامتگاه خویش را تغییر دهند از شرط توطن و اقامت معافند.

### بند نهم

عنوان ماسنی و حقوق و امتیازات مخصوصه بآن سلب میشود :

۱- بواسطه رفتار بیشر فانه .

۲- بواسطه اجرای پیشه و شغلی که در انظار عامه زشت باشد .

۳- بواسطه تخلف از قراردادهای ماسنی که هنگام سیر تعهد کرده است .

هیچکس را نمیتوان از عنوان فرانماسنی محروم کرد مگر بواسطه محاکمه که در حق او موافق شرایط و ترتیبات قانون اساسی و نظامنامه عمومی فرانماسنی بعمل آید .

## فصل دوم

### کارخانه های ماسنی

#### بند دهم

فرانماسنها در حوزه هائی گرد می آیند که بطور کلی کارخانه نامیده میشود

کارخانه های مخصوص سه پایه اول لژ نام دارد .

کارخانه های مخصوص پایه های بالاتر تا پایه سی ام.

( خانقاه ) ( Chapitre ) و ( کنگاشستان ) ( Conseil ) نامیده میشود .

کارخانه بالا ترازی ام که تنها حق دارد سیرهای پایمهای آخری فرانماسنری را بدهد بارگاه سترک آئین ها نامیده میشود (Grand College Desrites)

### بند یازدهم

کارخانه ها در حد قواعدیکه بموجب این قانون اساسی و نظامنامه عمومی برقرار شده در اداره خود آزاد میباشند.

برای امور راجع بمنافع عمومی ماسنی باید با کارخانهها مشاوره شود.

### بند دوازدهم

در درون محفلهای ماسنی همه فرانماسنها کاملاً یکسان و برابرند و امتیازی مابین ایشان نیست مگر امتیاز مراتب سالاری.

### بند سیزدهم

تمام مشاغل ماسنی انتخابی و موقتی است و در مواقع مخصوصه که نظامنامه عمومی معین کرده ممکن است در مقابل مشاغل مزبوره وظیفه داده شود.

هر سال کارخانه ها سالاران خود را انتخاب میکنند.

عنوان و شماره سالاران و وظایف هر يك و شرایط انتخاب ایشان و موقع و طریق انتخاب در نظامنامه عمومی مصرح است.

### بند چهاردهم

تنها اعضای رسمی کارخانه بسالاری آن کارخانه می توانند انتخاب شوند.

تنها اعضای رسمی در انتخاب سالاران حق رأی دارند.

شرایط عضویت رسمی ماسنی در نظامنامه عمومی معین شده است.

### بند پانزدهم

کارخانهها بر اعضای خود و همه فرانماسنهای حاضر در هنگام کار حق حفظ

نظم دارند کارخانهها مباحثه در اعمال حکومت و مداخله ماسنی در کشمکشهای احزاب سیاسی را بر خود ممنوع می دارند.

سالاری که ریاست دارد حافظ نظم جلسه است.

### بند شانزدهم

چند کارخانه از يك شرق یا از شرقهای متعدد میتوانند پس از آنکه لااقل از هشت روز پیش بشورای طریقت اعلام کرده باشند برای مذاکرات در مسائل راجعه به منافع عمومی ماسنی گرد آیند و ممکن است در این جلسات عموم اعضای هر کارخانه حاضر شوند یا نماینده بفرستند .

آرائیکه در این جلسات اتخاذ می شود بهیچوجه نباید منافی قانون اساسی یا قوانین ماسنی بوده باشد .

## قسمت سوم

قوای ماسنی

## فصل اول

شرق اعظم فرانسه

### بند هفدهم

کارخانهای که تابع این قانون اساسی و نظامنامه های عمومی و خصوصی مشتقه از آن می باشند يك هیئت اتحادیه تشکیل می دهند .

این هیئت اتحادیه موسومست به : ( شرق اعظم فرانسه که برای فرانسه و مستملکات آن شورای عالی می باشد ) .

مقر شرق اعظم پاریس است .

### بند هیجدهم

هر فرانماسنی از يك کارخانه شرق اعظم فرانسه میتواند عضویك یا چند کارخانه تابع هیئت دیگر ماسنی باشد مشروط براینکه قوانین آن هیئت ماسنی هم رعایت این تسهیل را در باره اعضای خود نسبت به هیئت اتحادیه شرق اعظم فرانسه بشماید لیکن در یکسال شرکت در تقنین دو هیئت مختلف ممنوع است .

### بند نوزدهم

شرق اعظم که برای فرانسه و مستملکات شورای عالی کارخانهای را که در کارهای خود یکی از دو آئین مقبول هیئت کار می کنند جزو هیئت اتحادیه خود می پذیرد .

### بند بیستم

مخارج عمومی شرق اعظم را لژها و فرانماسنها بوسیله يك مالیات سرشمار و عوارض مخصوصه تحمل می نمایند .

## فصل دوم

### مجمع عمومی

### بند بیست و یکم

مجمع عمومی شرق اعظم فرانسه مرکب است :

(اولاً) از تمام نمایندگان لژهای هیئت اتحادیه که به رأی مخفی انتخاب می شوند .

(ثانیاً) از اعضای شورای طریقت لیکن این اعضا در مجمع عمومی نمی توانند سمت نمایندگی کارخانه را با عضویت شورای طریقت معاً دارا باشند .

هر لژی در مجمع عمومی يك نماینده بیشتر ندارد مدت نمایندگی هر نماینده تا وقتیست که جانشین او انتخاب شود .

### بند بیست و دوم

هرگاه نماینده لژی برای حضور در مجمع عمومی مانع پیدا کند لژ بجای او یک نفر نایب تعیین می کند و برای این کار باید مخصوصاً جلسه تشکیل دهد .

هیچ فرانماسنی نمی تواند در مجمع عمومی نماینده زیاده از يك لژ باشد .

### بند بیست و سوم

نمایندگان باید همیشه از میان اعضای رسمی لژ که لااقل از دو سال یایه

استادی و لااقل از یکسال در آن لژ عضویت داشته باشند انتخاب شوند شغل ارجمندی باشغل نمایندگی لژ منافات ندارد

لژهای الجزایر و مستملکات فرانسه و ممالک خارجه که جزو شرق اعظم فرانسه می باشند می توانند نمایندگان خود را از اعضای لژهای دیگر هیئت شرق اعظم انتخاب کنند مشروط براینکه نماینده منتخب لااقل از دو سال استاد و لااقل از یکسال عضو رسمی لژ منظمی باشد .

لژهاییکه کمتر از دو سال برقرار شده اند همین حق را دارند در صورتیکه هیچیک از اعضای آنها در مدت دو سال استادی نداشته باشد .

#### بند بیست و چهارم

مجمع عمومی هر سال در روزیکه نظامنامه عمومی معین کرده جلسه متعارفی تشکیل می دهد .

#### بند بیست و پنجم

هرگاه شورای طریقت پس از مذاکره باکثريت نامه اعضاء بسبب مهم فوری انعقاد مجمع عمومی را لازم بداند بطور فوق العاده تشکیل می شود . شورای طریقت باید مجمع عمومی را دعوت بانعقاد فوق العاده کند هرگاه اکثر لژها نظر به مقصود واحد معین این امر را تقاضا کنند .

#### بند بیست و ششم

مجمع عمومی بموجب رأی اوراقی یکرئیس و دو نگهبان و يك خطیب و يك نویسنده و يك ممیز بزرگ از میان اعضاء خود انتخاب می کند . سالاران دیگر مجمع بطریق قرعه انتخاب می شوند .

#### بند بیست و هفتم

مجمع عمومی شرق اعظم قوه مؤسسه و قوه مقننه هیئت اتحادیه است و در باره پیشنهاد لوایح قانون اساسی یا قوانین دیگر که به او تقدیم می شود حکم

نمی‌کند مگر پس از آنکه از لژها کسب رأی کند .

حکم درباره رایورت اداری که شورای طریقت پیشنهاد می‌کند نیز با مجمع عمومی است .

تصفیه حسابهای دوره منقضیه و تعیین بودجه جمع خرج دوره آتیه با مجمع عمومی است .

هر يك از اعضای مجمع عمومی حق استیضاح دارند .

مجمع عمومی می‌تواند بر حسب پیشنهاد شورای طریقت یا مجازات یا حکم طرد را که درباره کار م - خانه‌ها هیئت یا فراماسنها داده شده باشد تخفیف دهد .

## فصل سوم

### شورای طریقت

#### بند بیست و هشتم

شورای طریقت مرکب است از سی و سه عضوه مجمع عمومی شرق اعظم فرانسه آنان را از میان خود انتخاب می‌کند .

اعضای شورا برای سه سال انتخاب می‌شوند انتخاب بوسیله اوراق خطی واقع می‌شود که رئیس نظار انتخاب آن اوراق را می‌دهد در دو نوبت اول نتیجه باکثرت نامه آرا و در نوبت سیم باکثرت نسبی حاصل می‌شود در صورت تساوی آرا قدمت ماسنی در پایه استادی قاطع نتیجه انتخاب است .

هر سال یکثلث اعضای شورا جدیداً انتخاب می‌شوند در باره اعضای منفصل تجدید انتخاب نمی‌توان کرد مگر به فاصله یکسال .

#### بند بیست و نهم

همه ساله بعد از تجدید انتخاب مذکور در اصل سابق شورای طریقت رئیس و دو لایب رئیس و دو نویسنده برای خود و یکمفر مهرداد و تمبردار شرق اعظم فرانسه را تعیین می‌کند .

نظامنامه شورای طریقت را هم خود او ترتیب می‌دهد .

### بند سی ام

شورای طریقت نگهبان قانون اساسیت و اجرای قوانین ماسنی و آراء مجمع عمومی و احکام عدلیه ماسنی با اوست .  
روابط شرق اعظم با ادارات دولتی و هیئت‌های ماسنی فرانسه و خارجه به دست اوست تعیین ضامتهای دوستی شرق اعظم در نزد هیئتها با اوست .

### بند سی و یکم

شورای طریقت امور طریقترا اداره می‌کند قواعد اداری صادر می‌کند و آراء مجمع عمومی را رسمیت می‌دهد و احکام و مقررات اداراتی را که صلاحیت داشته‌اند اخطار می‌کند .

هر سال شورای طریقت راپورت اعمال خود را بمجمع عمومی می‌دهد .  
بودجه سالیانه را آماده کرده دو ماه لااقل پیش از انعقاد مجمع عمومی به لژها پیشنهاد می‌کند .

یک‌ماه پیش از انعقاد مجمع عمومی راپورت اعمال خود را به لژها می‌فرستد .  
اعضای شورا منفرداً در مقابل مجمع عمومی مسئول اجرای مأموریت خود می‌باشند .

### بند سی و دوم

شورای طریقت در باره کلیه تقاضاهای راجع به تأسیس یا تجدید و بیداری کارخانها و نظامنامه‌های خصوصی یا صحت انتخابات رأی می‌دهد .

تأسیس لژهای تازه یا بیداری لژهای خوابیده را دعوت و تشویق می‌کند .  
کارخانهای را که خارج از هیئت شرق اعظم از روی قاعده تشکیل شده و این قانون اساسی و نظامنامه عمومی را پذیرفته و نظامنامه خصوصی آنها مخالف نظامنامه عمومی شرق اعظم نباشد .

منشورها ( Diplomes ) توقیعات ( Breve ) و طغراهای ( Patentes ) را که کارخانه‌ها می‌طلبند امضا و اعطا میکند .

### بند سی و سوم

شورای طریقت مأمور اصلاح اختلافات میان کارخانه‌ها و فراهاسنها میباشد . شکایتهائی که نسبت به برادران یا کارخانه‌ها میرسد دریافت میکند و بمواقع مقتضیه ارجاع می‌نماید .

تشکیلات نسبت به حکم مجالس استیناف ماسنی را دریافت کرده به مجلس تمیز ارجاع می‌کند همچنین شورای طریقت میتواند مبادرت به تقاضای محاکمه یا رجوع به تمیز بنماید .

### بند سی و چهارم

شورای طریقت در مواقع استثنائی فوق‌العاده و به علت‌های راجع به عموم ماسنها حق دارد کارخانه‌ها را تعطیل و فراهاسنها را محروم کند و مسئولیت این اقدام را در مقابل مجمع عمومی بر عهده خود بگیرد تعطیل و محرومیت فوق تا روزی است که محکمه ماسنی صالحه حکم خود را بدهد .

به محکمه مزبوره باید بغوریت رجوع شود آنهم باسرع وجوه حکم دهد .

### قسمت چهارم

### ترتیب محاکمات

## فصل اول

### قوای قضائیه

### بند سی و پنجم

قوة قضائیه مجری میشود :

بدایه به واسطه لژها به وسیله هیئتهای منصفه برادرانه که از میان اعضاء تعیین می‌شود استینافاً بواسطه مجلسهای استیناف مرکب از نمایندگان لژها .

این جمله خارج از عمل حفظ نظم است که متعلق به کارخانه‌ها است و موافق نظامنامه عمومی مجری می‌دارند.

## فصل دوم

هیئت منصفه کارخانه‌ها و مجالس استیناف

### بند سی و ششم

کارخانه‌هایی که طرف دعوا واقع میشوند بواسطه یکپشت منصفه مرکب از ائمه‌دگان محاکمه میشوند.

### بند سی و هفتم

احکام لژها و مجالس استیناف و هیئتهای منصفه کارخانه‌ها باید متضمن دلایل مندرک باشد.

### بند سی و هشتم

احکام مجالس استیناف و هیئتهای منصفه قابل تمیز است و ارجاع به تمیز این حکمرا معوق می‌دارد.

### بند سی و نهم

طریق محاکمه و اصول محاکمات و مجازاتها را نظامنامه عمومی معین میکند. ۲۷۵ و مابعد

## فصل سوم

### مجلس تمیز

### بند چهارم

يك مجلس تمیز برقرار است که در صورت عدم مراعات مراسم قانونی و در صورت عدم الطباق با قوانین قضائیه یا مخالفت با قوانین خمیرا که به او رجوع

شده است نقض می‌کند و ماهیت دعوا را به مجلس استیناف دیگر یا هیئت منصفه دیگر ارجاع می‌کند.

### بند چهل و یکم

مجلس تمیز مرکب است از پانزده عضو که در مجمع عمومی به رأی مخفی برای سه سال انتخاب می‌شوند و هر سال ثلث آنها تجدید میشود و انتخاب ایشان بعد از انتخاب اعضای شورای طریقت و بهمان ترتیب و با همان شرایط واقع می‌شود.

### بند چهل و دوم

مشاغل عضویت محکمه تمیز با مشاغل نمایندگی قضائی یا عضویت شورای طریقت منافات دارد. اعضای مجلس تمیز در تمام مدت عضویت خود که در بند چهل و یک مذکور شد به مشاغل عضویت شورای طریقت قابل انتخاب نیستند.

### بند چهل و سوم

مقر مجلس تمیز در پاریس در شرق اعظم است. در موقع انعقاد مجمع عمومی اجباراً منعقد است و هر وقت احتیاجات اقتضا کند رئیس مجلس تمیز آنرا دعوت به انعقاد میکند اما در جلساتی که حکم داده میشود عدده اعضای دعوت شده هفت نفر خواهد بود که به حکم قرعه در جلسه شورای طریقت در حضور رئیس مجلس تمیز یا نماینده او معین میشوند برای اینکه آرایشان معتبر باشد لااقل باید پنج نفر حاضر باشند.

### بند چهل و چهارم

هر سال مجلس تمیز در دوره اجلاسیه ماه سپتامبر بعد از تجدید ثلث اعضا رئیس و نایب رئیس و نویسندۀ خود را انتخاب میکند. در قسمت رسمی صحیفه اعمال شرق اعظم این امر مذکور می‌شود.

## قسمت پنجم بند چهل و پنجم

در ممالك خارجه كه هيئت ماسنى منظمى هست و با شرق اعظم رابطه برادرانه شرق اعظم فرانسه در آنجا تشكيل كارخانه نمى دهد .  
در وضع لژهاى كه فعلا در ممالك خارجه موجود است تغييرى داده نمى شود .  
شرق اعظم در فرانسه و مستملكات آن كارخانه را كه به واسطه هيئت ماسنى تشكيل شده باشد تصديق نمى كند .

## قسمت ششم

تجديد نظر و تغيير قوانين ماسنى

## بند چهل و ششم

هرگاه پيشنهادهى متضمن تجديد نظر كلى يا جزئى قانون اساسى يا نسخ يا يكى از قوانين ماسنى يا نظامنامه عمومى بوده باشد بايد به مجمع عمومى و قابل توجه شود و در ظرف سه ماه با رأى شورائى طريق بلسرها فرستاده كه مطرح مذاكره قرار دهند .

مجمع عمومى در دوره اجلاسيه آينده در آن باب رأى مى دهد .

لايحه كه مجمع عمومى رأى داد بلسرها فرستاده ميشود بايد بر رد يا قبول آن دهند .

## بند چهل و هفتم

ممکن است پيشنهادهای قانونى از طرف شورائى طريق به مجمع بشود .  
باید آن پیشنهاد در جلسه تام شورائى طريق تصویب شده و در ظرف پانزده  
بعد از اختتام همان دوره اجلاسيه كه در آن پيشنهادهای مذکور قبول شده  
بلسرها فرستاده شود كه مطرح مذاكره قرار دهند .

## قرارداد موقتى

## بند چهل و هشتم

این قانون اساسی بتصویب لژهای هیئت اتحادیه باید برسد .

تصدیق این قانون اساسی وقتی صورت میگیرد که اکثر لژهای شرق اعظم تصویب کرده باشند لژهایی که در ظرف سه ماه پس از آن که این قانون اساسی رسماً به آنها اخطار شده جواب نداده باشند جزو تصویب کنندگان قانون اساسی محسوب خواهند بود .

## نظامنامه

### عمومی شرق اعظم فرانسه

که برای فرانسه و مستملکات آن شورای عالی می باشد مصوب مجمع عمومی در دوره اجلاسیه سنه ۱۸۸۵ و رسمیت یافته از جانب شورای طریقت در نهم نوامبر ۱۸۸۵ با تصرفاتی که مجمع عمومی تا ۲۵ سپتامبر سنه ۱۹۰۹ در آن کرده است .

### کتاب اول کارخانها

#### فصل اول

کارخانههای متنوعه و آئینهای متفاوته

۱- کارخانه ابتدائی لژ است و این کارخانه است که بیگانه را به زندگی ماسنی آشنا می کند . (خالفاهها) (Chapitre) و (کنکاشستانها) (Conseil) بلژها متکی است .

هیچ خانقاهی نمی تواند موجود باشد مگر به رضای لژی که بنیان اوست همچنین هیچ کنکاشستانی موجود نمی شود مگر اینکه متکی بر خانقاهی باشد . این کارخانها عنوان دیگری نمی توانند داشته باشند مگر عنوان لژی که

بر او متکی می‌باشند .

در هر ناحیه که وحدت خانقاه بواسطه امتزاج حاصل شده باشد آن خانقاه احد می‌تواند با اجازه شرق اعظم فرانسه عنوانی اختیار کند غیر عنوان لژهای وجود در آن مکان لیکن باید ناچار متکی بر اقدام لژها باشد و اگر لژ اقدام دایر شد متکی بر لژی باشد که از روی ترتیب قدمت بلاواسطه بعد از لژ اقدام است .  
۲- قبول در خانقاهها و کنگاشستانها باید بموجب استحقاق غیرتمندی و ائیت ماسنی یا بواسطه خدمات طریقتی حاصل شود .

۳- میان آئینهای متفاوتی که شرق اعظم فرانسه تصدیق دارد مزیتی نیست چه عده پایهای آنها مختلف باشد .

هیچ کارخانه نمی‌تواند بموجب پایهای عالی که عطا می‌کند بر کارخانه دیگر به تفوق داشته باشد .

هیچ کارخانه که بر یک آئین تأسیس شده نمی‌تواند آئین دیگر اختیار کند مگر اینکه از شرق اعظم مطابق آنچه برای جمیع آئینها دستور داده شده اجازه حاصل کند و گرنه از هیئت اتحادیه اخراج خواهد شد .

## فصل دوم

تأسیس و استواری کارخانهها

قسمت اول

تأسیس لژها

۴- هیچ لژی تأسیس نمی‌تواند شد مگر اینکه هفت نفر استاد در یک شرق آیند و دارای منشورهای باشند که شرق اعظم صحت آنها قبول کرده باشد .

۵- برادران مؤسس لژ را موقتاً تشکیل می‌دهند و یکبار از میان خودشان است داده عنوان ارجمندی می‌دهند و دیگران مشاغل نگهبان اول و دوم و طبیب و نویسند و خزانه دار و امین خیریه و اگر باز باشند همیز بزرگ و معمار و

دربان و رئیس تشریفات اختیار می‌کنند .

۶- لژ موقتی عنوان ممتازی اختیار می‌کنند که با عنوان هیچ لژ دیگر از هیئت اتحادیه مشارک نباشند و اختیار قطعی عنوان موقوف به تصویب شورای طریقت خواهد بود آن گاه از شورای طریقت تقاضای اجازه تأسیس رمزی مینماید و این تقاضا باید مطابق نمونه که ملحق باین نظامنامه است نوشته شده و چراغهای پنجگانه لژ امضا کرده باشند .

لژ موقتی تا هنگامیکه استواری یابد بکار دیگر نمی‌تواند بپردازد و از سیر دادن بیگانگان ممنوع است .

۷- با تقاضای لژ موقتی باید همراه باشد :

۱- صورتی در دو نسخه مطابق نمونه که منضم باین نظامنامه است از اسامی و القاب و مکان تولد و تاریخ آن و مکن و صفات مدنی و ماسنی اعضای مؤسس با تعیین لژهاییکه در آنجا بماسنی پذیرفته شده‌اند و این صورت را باید تمام اعضا امضا کرده و چراغهای پنجگانه تصدیق کنند .

۲- مشورهای اعضای مؤسس و همچنین سندهای مشعر بر اینکه مؤسسين مذکور نسبت به کارخانهائی که عضو آن بوده یا هستند مدیون نیستند .

۳- صورت مجلس جلسه مؤسسين که در آن عزیمت تشکیل لژ و اختیار عنوان ممتاز و آئین نموده‌اند .

۴- تصدیق انتخاب ارجمند موقتی با پیمان نامه او به تمامه و آدرس برای مکاتبات .

۵ - نقش مهر یا تمبر لژ .

۶- تعیین مکانی که به جهت کار کردن لژ اختیار شده و اگر ممکن باشد نقشه و بیان تفصیلی آن .

۷- وجوه لازمه برای اعطای فرمان تأسیس و آئین نامه ها و سه نسخه از

ملاون اساسی و نظامنامه عمومی و اوراق چایی لازمه و اگر موقع داشته باشد باج مالیانه .

۸ - پس از دریافت نوشتجات مذکور در ماده قبل و وجوه گر لازم باشد به پیش لژ موقتی و بازدید آن اقدام میشود آن گاه شورای طریقت اجازه تأسیس لژی را اعطا یا رد میکند.

در صورتیکه رد کند نوشتجات شخصی و جوهرات به صاحبانش مترد میدارد و نوشته تفریغ ذمه میگیرد سایر نوشتجات در دفتر شرق اعظم ضبط میشود.

### قسمت دوم

#### تأسیس خانقاه

۹ - خانقاه پس از مذاکره و موافقت لژی که بر او باید متکی شود تأسیس می تواند شد مگر به واسطه هفت نفر (شو . رزکروا) Chev. & Rosecroix به عضویت رسمی لژهای هیئت اتحادیه را دارا بوده و توقیعات شرق اعظم یا توقیعات جنوبه شرق اعظم را داشته باشد .

۱۰ - مؤسسين خانقاه موقتی تشکیل داده سالاران موقتی انتخاب میکنند لژیوان لژ یا نام ناحیه را عنوان ممتاز خود قرار میدهند و از شورای طریقت تقاضای اعطای فرمان خانقاهی میکنند و آن تقاضا را چراغهای پنجگانه امضا کرده به مهر لژ نیز میرسانند .

تا هنگامی که خانقاه استواری نیافته به هیچ کار دیگر نمیتواند بپردازد.

۱۱ - بتقاضای خانقاه موقتی باید منضم باشد :

۱ - مذاکرات لژ با امضای چراغهای پنجگانه و مهر، مهردار.

۲ - صورتی در دو نسخه از اسامی و القاب و مکان تولد و تاریخ آن و مسکن و صفات مدنی و ماسنی اعضای مؤسسه با تعیین لژهایی که در آنجا سمت رسمیت دارند و این صورت باید با امضای تمام اعضا رسیده و چراغهای پنجگانه تصدیق کرده باشند .

۳- توقیعات اعضای مؤسسه و اگر لازم باشد نوشتجات مشعر بر منظم بودن ماسنی ایشان.

۴- صورت مجلس مذاکرات اعضای مؤسسه.

۵- تصدیق انتخاب (زیرک ساز) (Treas Sage) موقتی با پیمان نامه او به تمامه و آدرس مکاتبه.

۶- نقش مهر یا تعبیر خانقاه.

۷- وجود لازمی برای اعطای فرمان خانقاهی و آئین نام‌ها و سه نسخه از قانون اساسی و نظامنامه عمومی و اوراق چاپی لازمه و آیین نامه سالیانه صحیفه اعمال شرق اعظم و اجرت پستی مکاتبات.

تمام نوشتجات صادره از خانقاه باید به مهر لژی که بر آن متکی است رسیده باشد.

۱۲- شورای طریقت پس از استشاره از بارگاه در باب این تقاضا رأی می‌دهد هرگاه رد کند نوشتجات اشخاص و پولها را مسترد می‌دارد و قبض رسیده و تفریغ زده می‌گیرد سایر نوشتجات در دفتر شرق اعظم ضبط می‌شود.

### قسمت سوم

#### تأسیس کنگاشستان

۱۳- کنگاشستان پس از مذاکره و موافقت لژی و خانقاهی که بر آنها باید متکی باشد تأسیس نمی‌تواند شد مگر به واسطه هفت نفر (شو. کاد. .) (Chev. kad) که عضو رسمی لژها و خانقاههای هیئت اتحادیه بوده دارای طغرای شرق اعظم یا طغراهای تصویب شده او باشند.

۱۴- مؤسسين کنگاشستان موقتی را تشکیل می‌دهند و سالاران موقتی را انتخاب می‌کنند و عنوان لژی و خانقاه یا اسم ناحیه را بطور عنوان ممتاز اختیار می‌نمایند و از شورای طریقت تقاضای فرمان تأسیس به اعضای چراغهای پنجگانه و مهر خانقاه می‌نمایند.

کنگاشستان موقتی ناهنگامی که استواری نیافته نمی تواند به کارهای دیگر پرداختد.

۱۵ - به تقاضای کنگاشستان موقتی باید منضم باشد:

۱ - مذاکرات لژی به ترتیب صحیح.

۲ - مذاکرات خانقاه .

۳ - صورتی در دو نسخه از اسامی و القاب و مکان تولد و تاریخ آن و مسکن و صفات ملی و ماستی مؤسین با تعیین لژها و خانقاههایی که در آنجا عضویت رسمی دارند و این صورت باید به اعضای تمام اعضاء رسیده و چراغهای پنجگانه آن را تصدیق کرده باشند .

۴ - طفرای اعضای مؤسسه و گر موقع باشد نوشتجات مشعر بر منظم بودن انسانی ایشان.

۵ - صورت مجلس مذاکرات مؤسین .

۶ - تصدیق انتخاب رئیس موقتی با پیمان نامه او بتمامه و آدرس برای کتابیات .

۷ - نقش مهر با تمبر کنگاشستان .

۸ - وجوه لازمه برای اعطای فرمان تأسیس و آئین نامه ها و سه نسخه قانون اساسی و نظامنامه عمومی و اوراق چاپی لازمه وجه آئینه سالیانه صحیفه اعمال شرق اعظم و اجرت پستی سالیانه مکاتبات .

۱۶ - شورای طریقت در باره تقاضا پس از استشاره از بارگاه رأی میدهد . هرگاه رد کنند نوشتجات اشخاص و وجوه نقدی را مسترد میدارد و قبض رسید و فریغ ذمه میگیرد سایر نوشتجات در دفتر شرق اعظم ضبط می شود .

### قسمت چهارم

### استواری کارخانه ها

۱۷ - استواری کارخانه ها به توسط مأمورینی میشود که از طرف شورای

طریقت تعیین شده باشد .

برای استواری يك كارخانه يك یاچند نفر مأمور معین تواند شد .

مأمورین استواری يك كنگاشستان باید لااقل پایه شو . . . كاد . . . داشته باشند

مأمورین استواری خانقاه باید لااقل پایه شو . . . رزکروا داشته باشند و در هر دو صورت بهتر است که از اعضای بارگاه باشند .

در مواقعیکه امکان داشته باشد شورای طریقت يك یاچند نفر از اعضای خود را به مأموریت استواری تعیین میکند .

روز استواری را شورای طریقت به موافقت كارخانه موقتی معین میکند آداب استواری از روی آئین مخصوصی است که شورای طریقت ترتیب داده هرگاه در ظرف سه ماه پس از رسیدن اجازه از شورای طریقت مراسم استواری به عمل نیامد آن اجازه بالطبع باطل است در این صورت شورای طریقت نوشتجات شخصی و وجوه نقدی را به صاحبانش مسترد و قبض رسید و تفریغ ذمه میگیرد سایر نوشتجات در دفتر شرق اعظم ضبط میشود .

۱۸ - ممکنست كارخانه را اجازه دهند که گر ضرورت داشته باشد خود به مراسم استواری خود قیام کند در این صورت مأمورین استواری همان رئیس و دو نگهبان خواهند بود در موقع استواری دیگری را به جای خود برقرار میکنند .

## فصل سوم

### سالاران ووظایف ایشان

#### قسمت اول

#### سالاران

۱۹ - سالاران لڑها به آئین فرائسه ازاینقرارند :

ارجمند

نگهبان اول و دوم

خطیب

نویسنده

معیز بزرگ

خزانه‌دار

امین خیریه

مهردار

کتابدار و دفتردار

رئیس اول و دوم تشریفات

معمار

معیز دوم و سوم

دربان

خوانسار

بیرق‌دار

سالاران پنجگانه اول عنوان خاص چراغ را دارند شماره اسامی سالاران  
آئینهای دیگر تفاوت دارد و این تفاوتها در آئین نامه هائیکه در موقع استواری  
نای لژها می‌فرستند معین شده است.

۲۰- در خاتماها و کنگاشتها همین سالاران هستند و در آنجا اسامی  
دیگر دارند.

۲۱- کارخانه‌ها می‌توانند برای خطیب و نویسنده و خزانه‌دار و امین خیریه  
معاون معین کنند.

معاونین سالاران در انجام وظایفشان کمک می‌کنند و در موقع غیبی یا  
اشتغال آنان جانشین ایشان واقع می‌شود.

هر وقت معاون بجای سالاری می‌نشیند همان حقوق و امتیازات و پرا دارا  
می‌باشد. همچنین است حال هر برادری که فی المجلس بواسطه غیاب سالاری موقتاً به

جای او برقرار می‌شود.

۲۲- در کارخانه‌هایی که کار بعضی از سالاران بواسطه کثرت جمعیت و کثرت جلسات زیاد می‌شود ممکنست برای ایشان کمک خرج معین کنند .  
این کمک خرج باید پس از آنکه در دعوت نامه‌ها جزو دستور کارها گذاشته شد در کارخانه رسماً مطرح مذاکره گردد و قرار آنرا برای بیش از یک سال نمی‌توان داد و هر سال پس از انتخاب عمومی مبلغ کمک خرج معین می‌شود.

### قسمت دوم

#### وظایف سالاران

#### رئیس

۲۳- رئیس اعضای کارخانه را دعوت می‌کند و هنگام جلسات کارها را اداره می‌نماید در مراسم تشریفات و برای روابط خارجی نماینده کارخانه است .  
در هر کمیسیون و هر هیئت مأموریتی رئیس حق رأی است دارد لیکن می‌تواند از این حق خود استفاده نکند .

در هنگام جلسات هیچیک از حضار نمی‌تواند بر او اعتراض کند فقط درباره او اظهار نظریات ممکنست .

مراسلات شرق اعظم را رئیس دریافت کرده باز می‌کند و به خطیب می‌دهد تا در جلسه قرائت کند .

نوشتجات رسمیرا رئیس امضا می‌کند .

۲۴- وظیفه رئیس در جلسات :

- ۱- آغاز کردن و پایان بردن کارها .
- ۲- پیشنهادها را تحت مذاکره در آوردن .
- ۳- دعوت بمذاکره در موضوعاتی که بمتافع خصوصی کارخانه یا عمومی فراماسنری راجع باشد .
- ۴- خلاصه کردن آراء و تحصیل نظر خطیب .

۵- اعلام نتایج مذاکرات.

۶- اقدام به سیر بیگانگان و اعطای پایه‌های ماسنی.

رئیس حق دارد هر برادری را که از نظم خارج می‌شود ساکت کند حتی می‌تواند او را از مزکت خارج سازد.

رئیس اختیار حفظ نظم را بواسطه مجازات در حدود مواد ۱۳۲۵ و ما بعد آن دارد.

رئیس می‌تواند هرگاه بی‌نظمی واقع شود و اقتدار او رعایت نشود جلسه را معوق بدارد و حتی بدون هیچ‌یک از آدابی که لازمه پایان کارهاست جلسه را ختم کند و در اینصورت جلسه را در تحت ریاست دیگری از اعضا نمی‌توان منعقد نمود.

۲۵- ترتیب اداری امور کارخانه با رئیس است و باین سمت باید کارنویسنده خزانه دار را نظارت و نوشتجات را امضا نماید و مراسلات را ترتیب دهد و در محاسبات تفتیش کند و مخارج را که کارخانه اجازه داده است حواله دهد.

۲۶- در صورتی که رئیس غایب یا مشغول باشد جای او را در مشاغل مختلفه که دارد نگهبان اول یا نگهبان دوم یا عمیز بزرگ بترتیب رتبه اشغال می‌کند.

هرگاه سالاران مذکور حاضر نباشند یکی از رؤسای قدیم کارخانه یا یکی از قدیم‌ترین اعضای رسمی که دارای بالاترین پایه آن کارخانه باشد بجای رئیس قرار می‌گیرد.

### نگهبان

۲۷- نگهبانان هر يك ستونهای خود را باید اداره نماید و هر يك از برادران که اجازه سخن می‌خواهند باید باو رجوع کنند.

نگهبانان به اشاره چکش اجازه سخن می‌خواهند و به استثنای خطیب بر همه برادران دیگر حق تقدم در سخن گفتن دارند.

ابلاغات رئیس را هر يك از نگهبانان بستونهای خود می‌رسانند و در آن ستونها حافظ نظم و سکوت می‌باشد و اگر برادری بدون تحصیل اجازه سخن بگوید

نگهبانان می‌توانند از او جلوگیری کنند .

در جلسه غیر از رئیس کسی حق ندارد از نگهبانان جلوگیری کند .

### خطیب

۲۸- خطیب نگهبان قانون اساسی و نظامنامه عمومیست و باید از هر مذاکره که مخالف آن باشد ممانعت نموده تقاضا کند که ممانعت او را یادداشت کرده بشورای طریقت بفرستند .

همچنین مراقب اجرای نظامنامه خصوصی کارخانه و مانع تخلف از آن می‌باشد و کارخانه در باب صحت و سقم ممانعت او نمی‌تواند رأی دهد مگر در جلسه بعد .

خطیب در مشرق جا دارد و بلاواسطه از رئیس در موضوع مباحثات اجازه سخن می‌خواهد و هرگاه بعنوان اخطار قانونی اجازه بخواهد باید فوری باو اجازه داده شود .

همینکه مباحثه ختم شد خطیب خواه در مباحثه شریک باشد یا نباشد نظر خود را بدون ذکر دلیل اظهار می‌دارد تا موضوع رأی معلوم باشد مگر اینکه موضوع پیشنهاد خود خطیب باشد پس از آن که خطیب نظر خود را اظهار داشت هیچ برادری نمی‌تواند اجازه سخن بخواهد مگر برای تقاضای رأی اوراقی یا مخفی و رئیس باید موافق نظر خطیب رأی بگیرد .

در صورتیکه قبل از اظهار رأی خطیب تقاضای رأی مخفی یا اوراقی قبول شده باشد نظر خطیب لازم نیست .

خطیب در استخراج آرا و تعیین حاصل کیسه خیریه باید شاهد باشد .  
خطیب مخصوصاً مأمور وظایف ذیل است :

۱- بکساییکه تازه سیر داده می‌شوند پایه‌های تازه آنها را توضیح کند .

۲- در هر جشن و مهمانی طریقتی خلاصه‌ای از کارهای کارخانه از زمان جشن سابق تا آن هنگام بیان کند و صورت آنرا بشرق اعظم بفرستد .

۳- در موقع جشن ها و مجالس عزاداری انشاء خطابه کند .

۴- در جلسات نوشتجات رسمی شرق اعظم را قرائت کند .

نوشتجات رسمی کارخانه را خطیب باید امضاء کند .

۲۹- معاون خطیب یا برادریکه بجای خطیب قرار می گیرد باید کار را که

در مدت غیبی خطیب شروع شده انجام دهد و رأی خود را اظهار نماید گرچه در بین مذاکرات خود خطیب حاضر شده باشد .

### نویسنده

۳۰- جای نویسنده در مشرق و بروی خطیب است.

نویسنده مانند خطیب اجازه سخن را بلاواسطه از رئیس می خواهد .

یادداشت کارها را بر می دارد و از روی آن یادداشتها صورت مجلسی که باید در

جلسه بعد برای کارخانه خوانده شود ترتیب می دهد همیشه آن صورت مجلس پذیرفته شد در دفتر صورت مجلس نوشته به اعضای خود رئیس می رساند.

نویسنده باید دفتری داشته باشد که اسامی تمام اعضای کارخانه بترتیب ورودشان

باالقباب و صفات مدنی و زمان و مکان تولد و مسکن و پایه ماسنی ایشان در آن ثبت شده باشد .

نویسنده در تحت ریاست رئیس مأمور مراسلات و دعوت نامه هاست .

همچنین مأمور است فهرست هائیکه بشرق اعظم باید فرستاده حاضر کند

اویسنده مانند خطیب در استخراج آرا و تعیین حاصل کیسه خیریه باید شاهد باشد.

حاصل کیسه خیریه را در هر جلسه باید در صورت مجلس قید کنند .

قرائت نوشتجاتی را که از شرق اعظم می رسد نیز باید در صورت مجلس ذکر

کند نوشتجات رسمی کارخانه را نویسنده باید امضاء کند .

### مهمیزین

۳۱- مهمیز بزرگ در موقع لزوم جانشین یکی از نگهبانان و حتی رئیس می-

شود. مهمیز بزرگ مخصوصاً مأمور وظایف ذیلست :

- ۱- تحصیل اطمینان از صفات ماسنی مهمانان و ممیزی آنان و خبر دادن نتیجه تحقیق خود را به رئیس .
- ۲- تهیه لوازم آزمایشها .
- ۳- جمع آوری مهرها یا ورقه‌های رأی و شاهد بودن در استخراج آن . هرگاه ممیز بزرگ غایب باشد ممیزهای دیگر در هر کار جای او را می‌گیرند مگر در ریاست کارخانه . ممیزین متکلفند که حفظ نظم و سکوت را در درون و بیرون مزکت بنمایند و آنچه رئیس فرمان دهد مجری دارند .

### رؤسای تشریفات

- ۳۲- رؤسای تشریفات مأمورند برای اداره تشریفات و وارد کردن مهمانان به فرمان رئیس و جا دادن آنها و توزیع گلوله و ورقه‌های رأی و گرداندن کیسه اظهارات و همراهی کردن با مهمانان و تازه سیر یافتگان و سالاران تازه منصوب در هبک .

### خزانه دار

- ۳۳- خزانه‌دار مأمور وظایف ذیلست:

- ۱- وصول و ضبط مالیاتهای سرانه سالیانه و حق الورودها و حقوق ارتقاء رتبه و کلیتاً هر وجهی که بهر عنوان عائد کارخانه باید بشود .
  - ۲- حفظ نقود و اشیاء نفیسه و اسناد نقدی متعلق بکارخانه .
  - ۳- پرداخت مخارج کارخانه بموجب حواله رئیس .
- هر مبلغی که وارد صندوق می‌شود خزانه‌دار قبض از دفتر قبوض ته و ورق دار می‌دهد .

همه عایدات و مخارجیکه خزانه دار می‌کند باید بتدریج در دفتری که اوراق آن بدو آن نمره دار ممضی به امضای رئیس و نویسنده باشد ثبت نماید . هر سال در جلسه بعد از انتخابات عمومی باید محاسبات خزانه‌دار تفتیش

و تفریغ شود .

همچنین هرگاه در عرض سال خزانه‌دار بواسطه استعفا یا علت دیگر تغییر کند باید اینکار صورت گیرد .

خزانه‌دار باید هر شش ماه خلاصه‌ای از عایدات و مخارج ترتیب داده بکارخانه بدهد تا وضع مالی کارخانه معلوم شود .

خزانه‌دار مسئول پرداخت تمام وجوه پرداختنی بشرق اعظم است چه از بابت باج سالیانه چه از بابت‌های دیگر .

### امین خیریه

۳۴- امین خیریه مأمور وظایف ذیلست :

۱- گرداندن کیسه خیریه .

۲- ضبط وجوهی که در هر جلسه در کیسه خیریه جمع می‌شود همچنین وجوهی که از اعانه‌های راجع بامور خیریه عاید می‌گردد

۳- رسانیدن اعانه‌ها از طرف کارخانه بعد از حواله رئیس .

امین خیریه بتدریج تمام وجوهی را که ضبط می‌کند یا عی پرداخت در دفترى مانند دفتر خزانه دار ثبت می‌نماید محاسبات او هم مثل محاسبات خزانه‌دار باید تفشیش و تفریغ شود .

### مهردار

۳۵- مهردار نقش مهر را بر تمام نوشتجاتی که از کارخانه صادر می‌شود پس از امضای رئیس و خطیب و نویسنده قرار می‌دهد و نزدیک نقش پس از نوشتن این کلمات «مختوم بتوسط مهردار» امضاء می‌کند .

در غیاب مهردار نویسنده می‌تواند اینکار را انجام دهد .

### کتابدار و دفتردار

۳۶- دفتردار مأمور حفظ و ترتیب تمام اسناد و دفاتر و نوشتجات و کتب متعلق

بکار خانه است و باید فهرست این اشیاء مختلف را همیشه کاملاً داشته باشد مخصوصاً مراقب امور ذیلست :

- ۱- حفظ سه نسخه قانون اساسی و نظامنامه عمومی را که هر کارخانه باید در جلسات برای رئیس و خطیب و نویسندگان داشته باشد .
  - ۲- حفظ مجموعه صحیفه اعمال شرق اعظم .
  - ۳- حفظ سالنامه شرق اعظم .
  - ۴- حفظ آئین نامه ها .
- آخر هر سال و هر نوبت که دفتر دار عوض می شود دفتر و کتابخانه باید تفتیش و راپورتی از تفتیش نوشته شود .

### معمار

۳۷- ائانه متعلق به کارخانه در تحت مراقبت معمار است و باید نشی از آن داشته باشد .

هر سال و در هر موقع که معمار عوض می شود باید اشیاء ثبت شده در دفتر به توسط دو نفر مأمور که رئیس آنها را تعیین می کند تفتیش شود و راپورتی از تفتیش بنویسند .

مرمت یا خرید ائانه و تعمیر مکان را در صورت لزوم معمار تکلیف می کند .  
نقشه و طرح ساختمان و تعمیرات و تزینات را پیشنهاد و اجرای آنها را نظارت می نماید و صورت حساب مباشرین را ضبط و تفتیش کرده ترتیب می دهد و گر خود بقدر کفایت بصیرت نداشته باشد بتوسط دیگری اینکار را انجام می دهد .

### خوانسالار

۳۸- خوانسالار ناظم مهمانی ها و تزینات آن بعهده اوست .

### دربان

۳۹- دربان در آنچه راجع به امنیت کارهای داخلی است بمیزین کمک می کند .  
زردیک درب مزکت می نشیند و در برابر باز می کند مگر بفرمان نگهبان دوم .

هنگام قرائت صورت مجلس و مباحثات و وقت رأی دادن خطیب هرگاه کسی بخواهد وارد شود بواسطه دق الباب درونی معلوم می‌کند که در اینموقع نمی‌تواند وارد شد.

هرگاه بپیرقداری علیحده انتخاب نشده باشد در موکبهای ماسنی دربان را می‌توان بپیرقدار کارخانه قرارداد.

### قسمت سوم

#### منافات مشاغل بایکدیگر و جمع آنها

- ۴۰- هیچکس نمی‌تواند در آن واحد در دو کارخانه یکپایه رئیس باشد.
- ۴۱- مقام ریاست باهر سالاری دیگری در یک کارخانه منافات دارد.
- ۴۲- بین مقامهای نگهبان و خطیب و نویسنده و ممیز و خزانه‌دار و امین خیریه و رئیس تشریفات و دربان منافات است.
- لیکن صاحبان این مقامات و معاونین سالاران می‌توانند مقام مهردار دفتردار معمار خوانسالار و بیرق‌دار را بامشاغل خود ضمیمه کنند.

### قسمت چهارم

#### مراقبت و مواظبت سالاران

- ۴۳- سالاران از اعضای رسمی دیگر بیشتر مکلفند که در جلسات کارخانه مراقبت حضور باشند.
- هر سالاری که در سه جلسه متوالی بدون عذری که کارخانه آنرا موجه بداند غائب شود در حکم مستعفی است و به جای او انتخاب میشود.

### قسمت پنجم

#### خادم

- ۴۴- خادم فراماسنی است منظم که کارخانه برای اجرای احکام رئیس و سایر سالاران راجع بخدمت کارخانه تعیین میکند و از کارخانه مواجب میگیرد.

خادم نمیتواند هنگام کار داخل مزکت شود مگر اینکه پایه را که در آن کار میکند دارا باشد.

## قسمت چهارم

انتخاب و نصاب صاحب منصبان

### قسمت اول

#### انتخاب و حق انتخاب

۴۵ - تمام اعضای رسمی که لااقل سه ماه عضو کارخانه بوده و در وقت انتخابات به صندوق خزانهدار مدیون نباشند حق انتخاب دارند.

کسانی که قانوناً حقوق ماسنی در باره آنها توقیف شده با وجود دارا بودن شرایط مذکور حق شرکت در انتخاب ندارند.

قبل از اقدام به انتخاب باید خزانهدار اسامی مدیونین را روی تیز ریاست بگذارد و رئیس بکارخانه اطلاع دهد.

۴۶ - شرط قابلیت انتخاب برای سالاری غیر از ریاست اینست که شخص دارای حق انتخاب بوده و در کارخانه شش ماه قدمت داشته باشد و بالاترین پایه کارخانه را دارا باشد.

لیکن در لژها یاران بلکه شاگردان نیز ممکن است به معاونت چهار نفر سالاری که معاون می تواند داشته باشند انتخاب شوند بدون اینکه مجاز باشد که در پایه بالاتر از پایه خودشان شرکت در کار کنند.

۴۷ - اعضای افتخاری کارخانه نیز برای تمام مشاغل قابل انتخابند اما برادران مذکور که قبول سالاری کنند مجدداً عضو رسمی میشوند و باید مالیات بدهند

۴۸ - برای اینکه شخص قابل انتخاب بر ریاست باشد شرایط ذیل ملحوظ است

۱ - لااقل از دو سال بالاترین پایه کارخانه را دارا باشد.

۲ - لااقل از یکسال عضو رسمی کارخانه باشد.

۳ - در محوطه ۵۰ کیلو متری از شرق یا ناحیه که کارخانه در آنجا واقعست ساکن یا مقیم باشد.

فرانماسنی که از روی محاکمه مرتب محکوم بمجازات زیاد از سه ماه توقیف هاسنی شده باشد نمی تواند به ریاست انتخاب شود مگر اینکه بحکم مجمع عمومی شرق اعظم نکات او جبران گردیده باشد.

## قسمت دوم انتخابات عمومی

۴۹ - لژها باید هر سال در عرض ماه نوامبر به انتخابات عمومی سالاران خود اقدام کنند خائقاها و کنگاشستانها در ماه دسامبر انتخاب میکنند.

این انتخابات باید جزء دستور کارها در اوراق دعوت که برای هر يك از اعضاء رسمی کارخانه میفرستد ذکر شود و جلسه انتخابات باید همیشه در اقل پایه کار کارخانه وقوع یابد.

۵۰ - انتخابات برای رئیس و نگهبانان و خطیب و نویسندگان و ممیز بزرگ و خزانه دار و امین خیریه برای مخفی اوراقی واقع میشود.

برای سایر سالاران و معاونین به قیام و قعود میتوان رأی گرفت.

۵۱ - انتخاب به رأی مخفی بوسیله اوراق است انتخاب رئیس فردی و انتخاب سایر سالاران ممکن است جمعی باشد.

رئیس پس از آنکه در موقع ضرورت دیر آمدگان را به دادن رأی دعوت کرد ختم جمع آوری آراء را اعلان و اوراق را در حضور خطیب و نویسندگان و ممیزین بزرگ به آواز بلند می شمارد هر گاه شماره اوراق زیاد به شماره اعضاء رسمی حاضر باشد فوراً رأی تجدید می شود.

اوراق را رئیس در حضور خطیب و نویسندگان و ممیز بزرگ باز کرده به آواز بلند میخواند دو نفر ناظر نتیجه را به تدریج تحقیق کرده مینویسند و آن دو نفر

را در ابتدای کار رئیس از میان اعضا رسمی کارخانه تعیین می کند .

گر نظر در باب نتیجه آرا باهم موافق نبودند فوراً رأی تجدید می شود.

۵۲ - در دوره اول و دوم منتخب کسی است که اکثریت آرا را دارا است یعنی زائد بر نصف شماره اوراق رأی درباره او باشد .

اگر در دوره دوم هیچکس اکثریت ناعه نداشته باشد نوبت سوم اکثریت نسبی قاطعست .

اگر در دوره سوم برای چند نفر تساوی آراء حاصل شد قدمت هاسنی قاطع انتخابست گر هر دو در يك روز هاسن شده باشند کبر سن قاطع خواهد بود.

### قسمت سوم

#### انتخابات جزوی

۵۳ - هرگاه جای یکی از سالاران در ششماه اول بعد از انتخابات عمومی خالی شود باید بموجب انتخابی که در قسمت قبل دستور داده شده به جای او انتخاب کنند .

اگر در ششماه دوم جای او خالی شود کارخانه می تواند حکم کند که به جای او انتخاب نشود در این صورت اگر سالاری که از میان رفته رئیس باشد یکی از نگهبانان یا ممیز بزرگ به ترتیب رتبه جای او را می گیرد اگر سالار دیگر از میان رفته باشد تا موقع انتخابات بعد رئیس بکنفر را به جای او تعیین می کند .

### قسمت چهارم

#### پذیرفته شدن روسا در شرق اعظم

۵۴ - انتخاب رئیس هر کارخانه باید در ظرف یکماه به شرق اعظم اعلام شود.

برای این مقصود رئیس که هنوز در کار است باید اوراق ذیل را برای شرق

اعظم بفرستد :

۱ - سوادى از صورت مجلس جلسه از آنچه راجع به انتخاب رئیس است

مطابق نمونه به انتخاب منضم به نظامنامه عمومی با امضای رئیس و خطیب نویسنده و مهر کارخانه.

۴ - پیمان نامه تمام مطابق نمونه منضم به نظامنامه عمومی که رئیس تازه منتخب نوشته و امضاء کرده باشد مشعر بر تبعیت او از قانون اساسی و نظامنامه عمومی طریقت کارخانه‌هایی که نوشتجات فوق را در موقع بصری اعظم و نرسانند و ازدهای ششماهه یا سالیانه دریافت نخواهند کرد.

۵۵ - هرگاه نوشتجات به قاعده و کارخانه منظم و منتخب جدید شرایط لازمه را دارا باشد شورای طریقت امر به ثبت اسم رئیس در نامه زرو ضبط نوشتجات در دفتر می‌کند.

### قسمت پنجم

#### نصب سالاران

۵۶ - هیچ سالار تازه نمی‌تواند به وظایف خود قیام کند مگر بعد از آنکه از روی ترتیب نصب شده باشد.

قبل از آنکه نصب شوند باید جلو رئیس که او را نصب می‌کند رسماً تعهد نمایند که کاملاً قانون اساسی و نظامنامه عمومی طریقت را رعایت خواهند کرد.

۵۷ - پس از انتخاب سالیانه باید بلافاصله در جلسه آئیه سالاران تازه نصب شوند.

رئیس تازه منتخب را رئیس منفصل نصب می‌کند و اگر او غائب باشد سالاری که از روی رتبه از همه بالاتر و منفصل باشد اینکار را انجام می‌دهد.

رئیس جدید بلافاصله پس از نصب شدن به نصب سایر سالاران که با او منتخب شده‌اند می‌پردازد. ابتدا دو نگهبان را يك مرتبه نصب می‌کند و به این سمت می‌شناساند.

سایر سالاران را هم يك باره نصب می‌کند و خطیب از جانب همه قسم یاد می‌کند.

گر رئیس جدید حاضر نباشد نصب سایر سالاران از روی ترتیب رتبه واقع می شود.

۵۸- در مواقع انتخابات جزئی منتخب جدید را می توان فی المجلس نصب کرد.

۵۹- در صورتی که انتخابات کارخانه ابطال شود سالاران پیش مشاغل خود را موقتاً حفظ می کنند و به انتخابات جدید امر می دهند و این انتخابات باید در نزدیکترین جلسات واقع شود.

## فصل پنجم

پذیرفته شدن دریافت پایه ها

قسمت اول

پذیرفته شده به پایه اول

۶۰- هر بیگانه که شرایط مذکور در اصل هشتم قانون اساسی را دارا باشد و بخواهد فراماسن شود باید يك يا چند نفر از اعضاء لژی که می خواهد استادوارد آن شود او را معرفی کنند.

کسانی که او را معرفی میکنند پیشنهاد خود را کتباً در کیسه اظهارات مینهند ورقه معرفی بیگانه باید متضمن اسم و القاب و سن تحقیقی خواستار و مکان ولادت و مسکن و شغل با صفات مدنی او باشد و نوشتجات ذیل ضمیمه آن می شود:

(اولاً) يك نوشته به امضای خواستار مشعر بر اینکه سابقاً بلژی معرفی شده یا نشده.

(ثانیاً) سواد آخرین نامه اعمال او یا اگر نداشته باشد نوشتجاتی که به منزله آن باشد.

هرگاه بیگانه که معرفی شده در مکانی ساکن باشد که لژ دیگری در آنجا

۱- این ماده در مجمع عمومی ۱۹۱۱ تغییر کرده و ضمیمه قانون اساسی شده است.

باشد ارجمندی که معرفی به او می‌رسد باید ارجمندی آن نزدیک‌تر آگاه سازد و در باره آن بیگانه استمراج کند اگر در آن مکان لژ نباشد ارجمندی باید به ارجمندی نزدیک‌ترین لژ به اقامتگاه بیگانه رجوع کند اگر بیگانه در ولایتی ساکن و در ولایت دیگر مشاغل انتخابی داشته باشد ارجمندی لژی که تقاضای ورود باورسیده از ارجمندی نزدیک‌ترین لژ بمسکن بیگانه و هم چنین از ارجمندی یکی از لژهای ولایتی که بیگانه در آنجا مشاغل انتخابی دارد در باب آن بیگانه تحصیل اطلاع می‌کند.

استفسارهای مزبور و نتیجه آن باید بکارخانه اعلان شود.

همینکه ورقه معرفی و نوشتجات منصفه آن را ارجمندی از کیسه اظهارات بیرون آورد قرائت می‌کند اما اسم معرفی کنندگان را نمی‌گوید پس از آن لااقل سه نفر از اعضای لژ را مأمور می‌کند که درباره بیگانه تحصیل اطلاعات نمایند بدون آنکه مأمورین را بشناساند.

هر يك از این مأمورین باید راپورت خود را در ظرف یکماه کتباً به ارجمندی بدهند.

۶۱- در صورت فوریت ممکن است ورقه معرفی بیگانه در فاصله بین دو جلسه مستقیماً به ارجمندی داده شود و ارجمندی تواند مأمورین تفتیش تعیین کند تا راپورت‌های خود را در جلسه آتی بدهند.

در این صورت لازمست که در دعوت‌نامه‌های این جلسه معرفی آن بیگانه ذکر شود.

۶۲- تمام لژهای هیئت اتحادیه باید صورت تحقیقی بیگانگانی را که به آنها برای ورود معرفی میشود بیایی بشورای طریقت بفرستند.

همچنین لژها باید بیگانگانی را که پذیرفتن ایشان را به تعویق می‌اندازند یا رد می‌کنند به مرکز اطلاع دهند و هر نوبت باید بیگانه را به درستی معرفی کنند و حتی الامکان علل رد را هم بیان نمایند.

لرهای و را بحری یا واقع در ممالك خارجه باید علاوه بر این همان اطلاعات را مستقیماً به لرهای مجاور خود که تابع شرق اعظم هستند برسانند .

نمی توان بیگانه را سیر داد مگر به فاصله یکماه پس از رسیدن خبر از دارالانشاء طریقت که آن بیگانه در لژ دیگری به تعویق افتاده ورد شده و یا نشده است در صورت لزوم استثنائاً لرهای مستملکات و ممالك خارج از اروپا می توانند مطابق مواد آئیه به پذیرفتن بیگانه بپردازند بدون انتظار وصول جواب دارالانشاء به اعلام معرفی او مشروط بر اینکه بیگانه از زمان بلوغ هیچوقت از مملکت خود بیرون نرفته باشد و لااقل پنج نفو عضو رسمی کارخانه او را بشناسند .

هرگاه لژی از هیئت اتحادیه آگاه شود بر اینکه بیگانه معرفی شده به او در لژ دیگر منظمی رد یا فقط معرفی شده باید از آن لژ کسب اطلاع کند و اقدامی نکند مگر پس از تحقیق کامل اگر چه آن لژ جزء هیئت اتحادیه نباشد .

۶۲ مکرر - لرها باید در عرض پانزده روز بعد از سیر صورت اسامی بیگانگانی که در پایه شاگردی پذیرفته شده با صورت نامه اعمالی که بموجب ماده ششم نظامنامه عمومی هر خواستاری باید ابراز کند و تعهد نامه که تازه واردی در حین ورود خود امضاء می کند بشرق اعظم بفرستد و اگر نه از قانون ماسنی تخلف کرده اند و ممکن است سالاران لژ در تحت مؤاخذة در آیند .

۶۳ - برای اینکه لژ بتواند در پذیرفتن بیگانه به آزمایش رأی دهنده ارجمند باید رایورتهایی را که مأمورین قفتیش داده اند بدون شناساندن صاحبان آنها و همچنین نوشته شرق اعظم را مشعر بر اینکه بیگانه در کارخانه دیگر معرفی شده یا نشده قرائت کند آن گاه باید از خطیب سؤال کند در باب پذیرفتن به آزمایش بموجب هیچیک از قوانین ماسنی مخالفتی می بیند یا نه ؟

هرگاه خطیب مخالفتی موجه داشت امر را محول به جلسه دیگر می کند و فوراً بشورای طریقت اعلام می نماید .

گر چنین مخالفتی نباشد بامهره سیاه و سفید رأی مخفی گرفته می شود تنها استادان و یاران می توانند رأی بدهند .

لیکن قبل از اخذ رأی در خصوص راپورت ها ممکنست بیگانه راجشم بسته بدون ترتیبات ماسنی در تحت استنطاق در آورند و در ایجاب رأی اکثریت استادان و یاران مناط است .

اعضای لژ و برادران مهمان متعلق به هیئتهای ماسنی که حق مبادله در رأی را قبول کرده باشند حق دارند در رأی شرکت کنند مشروط بر اینکه استاد یا یار بوده و هنگام قرائت راپورتها حاضر بوده باشند .

اگر از استخراج آراء معلوم شد که تمام مهره ها سفید است یا اینکه عده ای از مهره ها سفید است یا اینکه عده مهره های سیاه کمتر از خمس عده کلیه مهره ها است پذیرفته شدن به آزمایش اعلان می شود .

هرگاه عده مهره های سیاه خمس عده کل یا زیاده بر آن باشد آزمایش تعویق می افتد و تفتیش جدیدی بتوسط سه نفر مأمور قاز که مثل دفعه اول معین می شود باید بعمل آید .

لیکن اگر بی ثمر بودن این تفتیش جدید معلوم باشد لژ می تواند حکم بعدم وقوع آن کند در این باب رأی لژ با اکثریت دو ثلث استادان و یاران حاضر معتبر خواهد بود و این مذاکره را در عرض یکماه بشرق اعظم باید اطلاع داد .

در حساب مذکور فوق شماره زاید بر مضرب پنج در عده کل مهره ها بجای پنج محسوب می شود .

۶۴- پس از تفتیش جدید مثل ماده سابق رفتار می شود لیکن گر راپورتها متفقاً مساعد باشند و استخراج آرا باز نتیجه رد دهد اعضای مخالف باید پنهانی دلایل مخالفت را به ارجمند بگویند . و ارجمند اگر عقید بدانند حکم بتفتیش سوم می کند کارخانه در نتیجه آن باید به ورقه های با امضا رأی بدهد اگر عده اوراق مخالف پس از تفتیش سوم به حسابی که سابقاً گفته شده خمس یا زاید بر خمس عده

رأی دهندگان بود تعویق اعلام می شود .

۶۵- هرگاه خواستار به آزمایش قبول شده و در تحت آزمایش در آمده باشد ارجمند پس از گرفتن رأی خطیب در باب پذیرفتن قطعی بیگانه در مجمع به قیام و قعود رأی می گیرد .

اعضای لژ و مهمانان متعلق بهیستهای ماسنی که حق مبادله در رأی را قبول کرده باشند می توانند در رأی شرکت کنند مشروط بر اینکه یار یا استاد باشند و هنگام آزمایش حاضر بوده باشند .

در این موقع فقط اکثریت آرا اظهار شده معتبر است اگر اکثریت بر قبول باشد نورسینه را باز وارد مزکت می کنند تا پس از تعهد پیمان بر روشنائی برسند و اگر نه تعویق ورود اعلام می شود و در خارج مزکت به بیگانه خبر می دهند .

۶۶- در صورتیکه تعویق اعلام شود در مورد مذکور در فقره آخر دو ماده سابق بیگانه تعویق افتاده را نمی توان دوباره معرفی کرد مگر بعد از یکسال . پس از دو نوبت تعویق اگر دفعه سوم باز بیگانه رد شد محرومیت او قطعیست و نمی توان او را بار دیگر معرفی کرد .

۶۷- يك لژ در موقع فوریت به تقاضای لژ دیگر می تواند از جانب آن لژ بیگانه معرفی شده را سیر دهد این تقاضا باید مکتوب و مختوم و به امضای ارجمند و خطیب و نویسند لژ خواستار باشد و در دفتر لژ پذیرنده ضبط شود و جوهی که از بیگانه اخذ می شود متعلق به لژ سبت که از جانب او سیر داده می شود . ارجمند لژی که از جانب او سیر داده می شود یا یکی از شش سالار دیگر به ترتیب درجات باید با دو نفر دیگر از اعضای کارخانه اش لا اقل در جلسه حاضر باشند در صورتی که آن دو لژ در يك شرق یا از یکدیگر به فاصله کمی دور باشند . حضور این مأمورین را در صورت جلسه قید می کنند .

۶۸- سیر دادن زیاد از پنج بیگانه در آن واحد در جلسه منظم لژ ممنوع

است .

هر لثری باید بهر تازه واردی يك نسخه قانون اساسی و نظامنامه عمومی بدهد .

۶۹ - سیر هر بیگانه که برخلاف ترتیبات مقرر در قانون اساسی و نظامنامه عمومی واقع شود باطل است .

## قسمت دوم

### ارتقاء رتبه در لژها

۷۰ - شاگرد نمی‌تواند به پایه یاری رسد مگر اینکه لااقل هشت ماه در شاگردی بوده و در حضور جلسات لژ مراقبت نموده و معلومات ماسنی خود را امتحان داده باشد در مورد فرزندان ماسن و پسر خوانندگان ماسن که قبل از سن بلوغ موافق اصل هشتم قانون اساسی به پایه شاگردی سیر یافته‌اند پس از گذشت هشت ماه از سن بلوغ می‌توانند به پایه یاری برسند .

۷۱ - یار نمی‌تواند استاد شود مگر اینکه لااقل هشت ماه در پایه یاری بوده باشد و در جلسات مراقبت کرده معلومات ماسنی را بفراخور پایه که دارد امتحان داده باشد .

۷۲ - هرگاه مسافرت فوری طولانی یا عزیمت جنگی برای خواستار در پیش باشد ممکن است مدت معین در دو ماده سابقه تخفیف داده شود بلکه هر دو پایه در یکروز عطا گردد .

فوریت ارتقاء رتبه باید بتوسط سه نفر استاد یا از روی قول شرف اظهار شود و اکثریت دو ثلث آراء استادان و یاران آنرا قبول کند قول شرفی برادران و اسامی ایشان و مذاکره مخصوص لژ در این باب باید در کتابچه صورت مجلس ثبت شود .

۷۳ - شورای طریقت می‌تواند لژها را اجازه دهد که مدت لازمه ارتقاء رتبه را تخفیف دهند در صورتیکه عده استادان لازم برای مشاغل سالاری کافی نباشد .

۷۴- هر شاگردی که دارای شرایط لازم برای دریافت پایه یاری باشد باید تقاضای ارتقاء رتبه را کتباً بنماید.

این تقاضا در جلسه شاگردی مطرح مذاکره میشود بطوری که شاگردان بتوانند در مذاکرات شرکت کنند آنگاه رأی گرفته میشود.

اگر رأی مساعد بود بجلسه یاری رجوع و در انجا هم اخذ رأی میشود.

۷۵- هر یاری که شرایط لازم ارتقاء رتبه ثانی را داشته باشد باید کتباً از مجمع یاران تقاضا کند.

هرگاه رأی مساعد بود به کاخ بنایان رجوع می شود تا استادان رأی دهند.

۷۶- پایه های یاری و استادی اعطا نمی تواند شد مگر بترتیبات رهزی مخصوصه هر آئین.

۷۷- فرانماسنی می تواند در یک لژ بیایه یاری و استادی سیر یابد مگر در همان لژ یا بر حسب مأموریت آن لژ.

هرگاه لژی از جانب لژ دیگر مأمور سیر دادن شود بترتیب ماده ۷۶ باید رفتار کند.

اگر لژ اصلی از مأموریت دادن برای ارتقاء رتبه شاگردی یا یاری که به لژ دیگر رفته دریغ کند این لژ می تواند پس از مطلع شدن از مضایقه لژ دیگر به موجب مذاکرات مخصوص صرف نظر از مأموریت یافتن از او کرده خود اقدام به اعطای ارتقاء رتبه نماید.

لیکن اگر فرانماسنی بواسطه تغییر مسکن از روی ترتیب از لژ اصلی کسب اطلاعات نمود می تواند بدون تحصیل مأموریت ارتقاء رتبه به او بدهد. در این دو صورت اخیر وجوه متعلق به لژیست که ارتقاء رتبه می دهد.

### قسمت سوم

### دریافتن پایه های خانقاهی

۷۸- استاد نمی تواند بیایه های خانقاهی برسد مگر اینکه عضو رسمی یکی

از لژهای هیئت اتحادیه باشد و لااقل از سه سال استاد باشد و بواسطه خدماتی که به طریقت کرده یا اعمالی که برای نوع بشر سودمند بوده سزاوار این ارتقاء رتبه شده باشد.

۷۹- کسی که خواستار پایه‌های خانقاهی است باید بواسطه لژی که متعلق به آن است یا بواسطه پنج عضو رسمی خانقاه به آن خانقاه معرفی شود. در صورتیکه لژ بخواهد معرفی کند باید در آن باب در جلسه استادی مذاکره شود.

به معرفی نامه لژی که باعضای خطیبی و نویسنده و ارجمند رسیده است یا به معرفی نامه پنج عضو خانقاه باید اوراق ذیل ضمیمه شود:

۱- منشور استادی خواستار.

۲- تقاضای کتبی او با اعضاء.

۸۰- رئیس خانقاه دو نفر از کارخاندها معین می‌کند که معرفی مزبور را در تحت ملاحظه در آورده مطالب آنرا تحقیق کرده و در خصوص خواستار اطلاعات تحصیل نموده راپورت کتبی به خانقاه بدهند.

در صورتیکه خواستار را پنج نفر عضو خانقاه معرفی کرده باشند رئیس از لژ خواستار بواسطه نوشته مخصوص تقاضا می‌کند که رأی خود را در باره شایستگی آن برادر اظهار دارد اگر رأی لژ نامساعد بود خانقاه حکم بتعویق می‌دهد اگر در ظرف سه ماه از لژ جواب نرسید خانقاه می‌تواند از رأی او صرف نظر کند.

۸۱- خانقاه پس از شنیدن قرائت معرفی نامه و راپورتها بقیام و قعود در باب پذیرفتن خواستار بازمایش رأی می‌دهد مگر اینکه سه نفر از اعضاء کارخانه تقاضای رأی مخفی نمایند.

مهمانان هیئت ماسنی دیگر که حق مبادله رأی را قبول کرده باشند می‌توانند شرکت در رأی کنند.

پذیرفتن به آزمایش و پذیرفتن قطعی به اکثریت آراء رأی دهندگان حاصل

می شود .

۸۲- پایه های وسط ممکن است بواسطه اعطاء شود پایه «زرکر.» که مطابق پایه هجدهم است باید ناچار با مراسم مقرر آئین نامه اعطا شود .

### قسمت چهارم در یافت پایه های فلسفی

۸۳- «زرکر.» نمی تواند پیاده های فلسفی برسد مگر اینکه عضو رسمی يك لث و يك خانقاه هیئت اتحادیه باشد و يكسال لااقل در پایه هجدهم مانده باشد.  
۸۴- هر خواستار پایه های فلسفی باید به توسط خانقاهی که متعلق به آن است به کنگاشستان معرفی شود و باید توفیق خواستار و تقاضای او به معرفی نامه ضمیمه شود .

۸۵- در باب معرفی که باین طریق می شود مطابق دستور فقره اول از ماده ۸۰ و ۸۱ رفتار شود .

۸۶- پایه های متوسط ممکنست بواسطه اعطاء شود پایه «کاد.» که مطابق پایه سیام است ناچار باید با مراسم مقرر آئین نامه ها اعطا شود .

### قسمت پنجم معرفی برای پایه های آخرین

۸۷- «شود.» «کاد.» نمی تواند پیاده های آخری که «۳۹» و «۳۲» و «۳۳» باشد برسد مگر اینکه عضو رسمی يك لث و يك خانقاه و يك کنگاشستان هیئت اتحادیه باشد و لااقل يكسال در پایه سیام مانده باشد .

۸۸- خواستار پایه های آخرین باید بتوسط کنگاشستانی که متعلق آن است به بارگاه معرفی شود .

طفرای او باید به تقاضا و معرفی نامه ضمیمه شود .

### قسمت ششم

#### ترتیبات مشترک برای قسمتهای قبل

۸۹- منتخب شدن در جلسه عمومی به عضویت شورای طریقت شخص را از معرفی های لازمه در مواد «۷۹» و «۸۴» و «۸۸» مستغنی می سازد.

بنابراین این هر کس عضو شورای طریقت باشد در مدت عضویت خود هرگاه شرایط مقتضیه در مواد «۷۸» و «۸۳» و «۸۷» را دارا باشد، می تواند مستقیماً ارتقاء رتبه خود را از پایه سوم تا پایه سی و سوم به ابرار منشور یا توقیع یا طعراى خویش تقاضا کند.

۹۰- نظر به تسهیل تشکیل خانقاهها یا کنگاشتهانها در خاک فرانسه و ماوراء بحار یا در ممالك خارجه خانقاهها یا کنگاشتهانهای داخلی فرانسه می توانند به موجب مذاکره مخصوص موجه اجازه دهند تا به فرانماسونهاییکه در ممالك مذکور ساکنند و دارای شرایط مقتضیه مواد «۷۸» یا «۸۳» هستند پس انجام مراسم مذکور در مواد «۷۹» و «۸۰» و «۸۱» یا مواد «۸۴» و «۸۵» بوسیله واسطه ارتقاء رتبه بیابانه های خانقاهی یا فلسفه داده شود.

این مذاکرات نمی تواند نتیجه داشته باشد مگر پس از تصویب شورای طریقت به موجب اظهار بارگاه سیر پایه های خانقاهی یا فلسفی که بطریق مذکور مجاز باشد نمی تواند واقع شود مگر در يك مكان ماسنی بواسطه يك یا چند مأمور که دارای همان پایه ها باشند مأمورین مذکور صورت جلسه ترتیب داده به اعضای لازم سیر یا فتگان می رسانند و برای بارگاه می فرستند.

### قسمت هفتم

#### پیوستگی

۹۱- هر عضو کارخانه می تواند بيك یا چند کارخانه از همان پایه پیوستگی یابد. هر فراماسنی که از روی ترتیب پذیرفته شده باشد گرچه پذیرفتن او در کارخانه خارج از هیئت اتحادیه بوده باشد هرگاه از رسمیت خارج شود می تواند دوباره رسمیت

باید با این طریق که بکار خائیکه در پایه او کار می کند پیوسته گردد .

برای اینکه شخص به خانقاهی پیوستگی باید باید عضو رسمی يك لژ هیئت اتحادیه باشد .

برای این که شخص بکنگاشستانی پیوندد باید عضو رسمی يك لژ و يك خانقاه باشد .

## ۹۲- تقاضای پیوستگی باید کتباً بعمل آید .

تقاضای پیوستگی باید متضمن اسم و القاب و سن تحقیقی خواستار و مکان ولادت و شغل و صفات مدنی و مسکن و صفات ماسنی و موقع پذیرائی او و لژی که اصلاً در آنجا پذیرفته شده و کارخانه همپایه که در آن عضویت دارد یا اخیراً عضویت داشته بوده فرمان ماسونی خواستار باید ضمیمه تقاضای او بوده باشد و اگر هنوز به استادی نرسیده سندی دلیل بر فراغ ذمه خود نسبت به لژ ابراز کند هرگاه عضو رسمی کارخانه نباشد بایستی نامه اعمال خود را هم تقدیم کند ضمیمه سندی دلیل بر این که از لژی که اخیراً عضو آن بوده از روی ترتیب مفارقت نموده است .

تقاضا بانوشتجات منضمه آن مستقیماً توسط خواستار به رئیس کارخانه داده می شود و تأیید معرف هم ضرورت ندارد .

۹۳- اگر خواستار عضو رسمی لژی باشد رئیس یکنفر از اعضای کارخانه را معین می کند تا معلوماتی را که در باره او داده می شود ممیزی نماید و کتباً راپورت دهد .

اگر خواستار عضو رسمی نباشد رئیس سه نفر از اعضاء کارخانه را معین می کند تا هرگونه اطلاعات در باره او تحصیل نموده راپورت های کتبی بدهند .

در هر دو صورت رئیس باید تقاضای پیوستگی را بر رئیس کارخانه که خواستار مربوط به آن بوده یا هست اطلاع دهد و طلب کند که برادرانه ملاحظات خود را اظهار دارد .

اگر کارخانه خواهیده باشد یا اینکه خواستار جزو لژی باشد خارج از شرق اعظم

فرانسه رئیس باید به‌شودای طریقت رجوع کند.

۹۴ - برای اینکه کارخانه بتواند در خصوص تقاضای پیوستگی رأی دهد رئیس باید اول خواستار را وادارد که از مزکث خارج شود در صورتیکه بطور مهمانی حاضر باشد.

اگر خواستار عضو رسمی لژی باشد رئیس طلب نامه و نوشتجات منضمه آن را با راپورت مفتشی که معین کرده می‌خواند و مراجعه به رئیس کارخانه را که خواستار جزو آنست نیز اظهار می‌دارد.

اگر خواستار عضو رسمی نباشد رئیس راپورتهای سه نفر مفتشی که معین کرده با اتمام اسنادی که خواستار اظهار داشته می‌خواند.

آنگاه پس از اظهار رأی خطیب به قیام و قعود در باره تقاضای پیوستگی رأی گرفته میشود مگر اینکه پنج نفر از اعضای کارخانه رأی مخفی تقاضا کرده باشند.

در موقع رأی تنها اعضای کارخانه حق شرکت در رأی دارند نه مهمانان. قبول پیوستگی منوط به اکثریت آراء رأی‌دهندگان است. پیوستگی هر کس باید در ظرف یکماه پس از قبول بشرق اعظم اعلام شود.

### قسمت هشتم

### آداب تنظیم

۹۵ - هر یگانه که بخلاف ترتیب سیر داده شده باشد یا هر ماسنی که بخلاف ترتیب ارتقاء رتبه یافته باشد ممکنست تنظیم شود و در کارخانه که او را تنظیم می‌کند بعنوان عضو منظم پذیرفته شود در صورتی که شرایط ذیل بعمل آید.

(اول) به اسناد متقن مکان و زمان و کیفیات پذیرفته شدن خود را بنمایند و به همیزی که درباره او باید بکار رود نمکین کنند.

(دوم) بطلب نامه خود تعهد نامه کتبی با امضاء منضم سازد که با قانون اساسی و نظامنامه عمومی موافقت خواهد کرد.

(سوم) تقاضای او بتوسط سه نفر از اعضای کارخانه که پایه استادی یا باری داشته باشند با نوشته کتبی یا امضاء تأیید شود.

۹۶- هر فراماسنی که در کارخانه غیر منظمی پذیرفته شد می تواند تنظیم شود و به طور عضو منظم قبول شود هرگاه فرمان ماسنی خود را « منشور یا توقیع یا طعنه » بطلب نامه خود منضم نماید یا اگر نداشته باشد سند یا امضائی ابراز کند دلیل بر اینکه ملفوفه فرمان به او داده نشده است علاوه بر این خلاصه از نامه اعمال خود بدهد و بعهده نامه او را سه نفر از اعضای کارخانه چنانکه در ماده قبل گفته شد تأیید نمایند.

پس از تنظیم سند غیر منظمی که برادر تنظیم یافته تسلیم کرده است بشورای طریقت فرستاده می شود و او آن را باطل کرده سند جدید می دهد و در آن ذکر سند قدیم را هم می کند.

۹۷- فراماسنی که اصلاً منظم بوده لیکن بواسطه باقی ماندن در کارخانه که غیر منظم شده یا بواسطه بیوستگی یا فتن بکارخانه غیر منظم از نظم خارج شده میتواند به واسطه موافقت بادستور ماده قبل باز تنظیم شود.

لیکن نمی تواند اگر لازم داشته باشد فرمان جدید بگیرد مگر پس از آنکه یکسال عضو رسمی بوده باشد.

۹۷- مکرر - در صورتی که فراماسنی بموجب ماده (۲۷۷) از نظم خارج شود نمی تواند تنظیم شود مگر اینکه قبلاً شورای طریقت بنا بر ترك خطای او اجازه تنظیم او را داده باشد.

۹۸- هر وقت کسی تقاضای تنظیم کند رئیس کارخانه باید لااقل سه نفر مقتض تعیین نماید که در باب سوابق ماسنی خواستار و اخلاق و سایر صفات او تحصیل اطلاعات نمایند.

پس از قرائت راپورت و اظهار رأی خطیب استادان و یاران در باب تنظیم پذیرفتن خواستار به قیام و قعود رأی می دهند مگر اینکه سه نفر از اعضاء کارخانه

تقاضای رأی مخفی کنند و مهمانان در رأی شرکت ندارند .  
تنظیم و پذیرفتن خواستار به اکثریت آراء رأی دهندگان منوط است.

## فصل ششم

### ترتیبات درون کارخانه‌ها

#### قسمت اول

#### اعضاء کارخانه

۹۹ - کارخانه‌ها مرکب است از اعضای رسمی و می‌توانند اعضای افتخاری هم داشته باشند .

۱۰۰ - اعضای رسمی کسانی هستند که بواسطه سیر یا پیوستگی یا تنظیم پذیرفته شده‌اند و مالیات سالیانه را می‌دهند .

هر عضو رسمی لژ باید مسکن اصلی یا مقر فعلی او در شرقی باشد که لژ در آنجا واقعست یا در حوزه صد کیلومتری آن مگر در موقعی که در آن حوزه لژی از شرق اعظم موجود نباشد .

لیکن هر ماسنی که تغییر منزل دهد بهر فاصله که باشد می‌تواند به عضویت رسمی لژ باقی بماند اگر چه در لژ دیگر نیز عضویت رسمی اختیار کند .

۱۰۱ - هیچکس نمی‌تواند عضو افتخاری کارخانه شود مگر اینکه مدت « ۱۵ » سال متوالی عضو رسمی آن بوده باشد .

عضویت افتخاری حاصل نمی‌شود مگر بموجب مذاکره رسمی و رأی مساعد کارخانه .

۱۰۲ - هیچکس نمی‌تواند عضو رسمی يك خانقاه شود مگر اینکه عضو رسمی يك لژ باشد برای اینکه شخص عضو رسمی يك کنگاشستان باشد باید در يك لژ و يك خانقاه عضویت رسمی داشته باشد .

۱۰۳ - تنها اعضای رسمی دارای تمام حقوق ماسنی می باشند.  
اعضای رسمی مکلفند که با مراقبت در کارهای کارخانه خود شرکت کنند مگر این که عذر موجهی داشته باشند.

۱۰۴ - اعضای افتخاری از مالیات معافند. حق حضور در تمام کارها دارند.  
واژه های شش ماهه و سالیانه بایشان تلقین می شود.  
در همه مسائل حق مذاکره و رأی دارند مگر در امور مالیه.  
در انتخابات حق رأی ندارند لیکن قابل انتخاب هستند بشرط اینکه عضویت رسمی اختیار کنند.

۱۰۵ - عضویت رسمی لژ مبنای قابلیت هر شغلی است که بطور عموم مربوط بطریقت باشد.

برای نمایندگی در جلسه عمومی و مشاغل شورای طریقت و مجلس تمیز و مشاغل بارگاه و مأموریت برای استواری و تفتیش عضویت رسمی لازمست.

۱۰۶ - اعضای رسمی و اعضای افتخاری لژها تنها فرانسمنهای منظم هیئت اتحادیه می باشند.

هرگاه لژی که شخص در آن عضو است برهم خورد یا اینکه شخص از عضویت آن خارج شود باید در ظرف يك سال به لژ دیگر پیوند و اگر نه در کارخانه های هیئت اتحادیه نمی تواند بطور مهمان ورود کند.

## قسمت دوم

### جلسات و ترقیبات کارها

۱۰۷ - کارخانه ها دو قسم جلسه دارند. جلسات متعارفی و جلسات کمیته:  
جلسات متعارفی بالوازم ماسنی همراهست و حضور مهمان در آنها ممکنست.  
جلسات کمیته که جزاعضاء کارخانه و کسی در آن حاضر نمی شود مخصوص برای کارهای اداری و اعمال خیریه و اقدامات تهیه آنست.

در هیچ صورت در آن جلسات نمی توان بیگانگان را سیر یا برادران را ارتقاء رتبه داد .

۱۰۸- هر ماه هر لژی باید لا اقل يك جلسه متعارفی اجباری داشته باشد لیکن کارخانه ها می توانند اگر مقتضی بدانند دو ماه یا بیشتر تعطیل کنند . لیکن در مدت مزبور ذمه آنها از اداء وجه نقدی نسبت بشرق اعظم بری نمی شود .

هر خانقاهی در سال باید چهار جلسه اجباری داشته باشد .

هر کنگاشستانی سالی سه جلسه باید داشته باشد .

جلسات کمیته بر حسب احتیاج کارخانه واقع می شود اگر لزمه ای يك جلسه متعارفی داشته باشد ماهی يك جلسه کمیته هم باید منعقد کند .

۱۰۹- در هر جلسه حضوراعضاء کارخانه به واسطه امضائی که در دفتر مخصوص می کنند معلوم می شود در آخر جلسه ورقه آن روز را رئیس پس از آنکه مطمئن شود که کسی از امضاء غفلت نکرده است می بندد .

مهمانانی که در جلسات می خواهند حاضر شوند در دفتری که در دهلیز مزکت گذاشته شده امضاء می کنند .

۱۱۰- کارهای يك جلسه متعارفی آغاز نمی تواند شد مگر لا اقل با حضور هفت نفر اعضاء کارخانه در لژها حضور چهار استاد و سه یار لا اقل لازم است . هیچکس نمی تواند در کار شرکت کند مگر اینکه نشانهای ماسنی خود را داشته باشد .

۱۱۱- کارها به ترتیب ذیل واقع می شود :

آغاز کارها بترتیب آئین .

قرائت و قبول صورت کارهای کمیته .

ورود مهمانان .

قرائت و قبول صورت جلسه قبل .

قرائت نوشتجات وارده از شرق اعظم و سایر مکاتیب .

کارهایی که جزو دستور است .

گردش کیسه خیریه و کیسه اظهارات .

انجام کار مطابق آیین .

همینکه کارهای دستور تمام شد کارخانه می تواند مشغول مطالبی شود که خارج باشد از آنچه در دعوت نامه اعلام شده است .

۱۱۲ - هیچکس نمی تواند از جای خود خارج شود بدون اجازه نگهبان ستون خود مگر آنکه شغل او مقتضی باشد .

هیچ کس نمی تواند بدون اجازه رئیس یا نگهبان ستون خود و بدون اداء وجه کیسه خیریه از مزکت خارج شود .

هیچ برادری غیر از رئیس نمی تواند بدون تحصیل اجازه سخن گوید .

برادرانی که در شرق هستند بلا واسطه از رئیس اجازه می خواهند و سایرین از نگهبانان ستون خودشان رئیس و خطیب و مخبر امری مادام که مباحثه ختم نشده است همه وقت حق سخن گفتن دارند .

هیچ برادر دیگر بیش از سه مرتبه در يك مطلب حق سخن گفتن ندارد .

کسی که سخن می گوید اگر از نظم یا از موضوع خارج شود رئیس حق دارد قطع سخن او را بنماید

مذاکره هر مطلبی پس از اظهار و رأی خطیب ختم می شود و پس از آن سخن نمی توان گفت مگر برای تقاضای رأی با اوراق یا بامهره اگر موقع داشته باشد .

هر گاه ده نفر از اعضاء ذیحق در رأی تقاضا کنند رأی علنی با اوراق اجباری است .

هر گاه پنج نفر از اعضاء ذیحق در رأی تقاضا کنند رأی مخفی اجباریست .  
تنها استادان حق دارند در مسائل راجع به تفسیر مواد قانون اساسی یا نظامنامه عمومی رأی دهند .

۱۱۳ - نمی‌توان در باب پیشنهاد جدیدی راجع به نافع عمومی در همان جلسه که پیشنهاد شده است رأی گرفت.

پیشنهاد مزبور را یا باید برای جلسه آتی گذاشت یا به جلسه کمیته یا به کمیسیونی رجوع نمود که رایورتی در آن باب بدهد در هر صورت باید آن را در دعوتنامه‌ها اعلام کرد.

در جلسه که بر مطالبی رأی داده شد می‌توان آن را تغییر داد مشروط بر این که هیچ يك از برادران حاضر و ذیحق در مشاوره از مزکت خارج نشده باشند. در جلسه بعد نمی‌توان رأی مزبور را تغییر داد مگر این که پیشنهاد آن در دعوتنامه اعلام شده باشد.

۱۱۴ - صورت جلسات پذیرفته نمی‌شود مگر بعد از اظهار رأی خطیب.

اشتباهاتی که پس از قبول شدن در صورت مجلس معلوم میشود نمی‌توان تصحیح کرد مگر بموجب رأی مخصوص و آن تصحیح هم در همان صورت مجلس قید نمیشود بلکه فقط در حاشیه صورت جلسه مزبور اشاره به تصحیح و در صورت مجلس دیگر مصححاً نوشته می‌شود.

۱۱۵ - در جلسه کمیته نمی‌توان رأی گرفت. مگر آنکه لااقل هفت نفر از اعضاء حاضر باشند جز در اقداماتی که فقط برای تهیه یا به جهت اعطای اعانه باشد.

صورت مجلس جلسات کمیته در جلسات متعارفی قرائت و پذیرفته میشود.

۱۱۶ - هر مکتوبی از کارخانه در هر موضوع که باشد باید مصدر به این عبارت باشد «به نام و توجه شرق اعظم فرانسه»

### قسمت سوم

#### واژه‌های ششماه و سالیانه

۱۱۷ - در هر يك از دو انتصاب فصلی رئیس شورای طریقت واژه‌های ششماه می‌دهد که برای تمام لژها فرستاده میشود.

در ماه آوریل وازمه‌های سالیانه می‌دهد که جز برای خانقاه‌ها فرستاده نمی‌شود.

در ماه اکتبر وازمه‌های سالیانه دیگر برای کنکاشستانها می‌دهد.

تنها کارخانه‌هایی که حسابشان با صندوق شرق اعظم صاف است و فهرستهای خود را منظم‌آرسانیده‌اند وازمه‌های ششماهه یا سالیانه دریافت می‌دارند.

این وازمه‌ها برای اینست که منظم بودن فراماسونهای اتحادیه‌ها هنگامی که بطور مهمانی بکارخانه‌هایی که عضو آن نیستند می‌روند معلوم کند..

۱۱۸ - وازمه‌های ششماهه و سالیانه هر دفعه در ورقه‌سربسته ممهور فرستاده میشود ورقه‌مزبور را در کارخانه نمیتوان باز کرد مگر در جلسه متعارفی و به دست سالاری که ریاست دارد.

رئیس اعضای رسمی و افتخاری کارخانه را میان مزکت جمع میکند و وازمه‌ها را آهسته به ایشان تلقین مینماید و این تلقین به مهمانان نمیشود.

پس از آن ورقه را می‌سوزاند اعضای کارخانه که هنگام گردش وازمه‌ها غائب بوده‌اند تك تك از رئیس آن را دریافت میکنند.

### قسمت چهارم

#### مهمانان

۱۱۹ - هر فراماسونیکه می‌خواهد بطور مهمان در کارهای کارخانئیکه سابقاً به آنجا وارد نشده حضور پیدا کند باید سند معتبر منظمی در دست داشته باشد مگر اینکه سه نفر اعضاء کارخانه که در جلسه حاضر باشند شخصاً او را بشناسند و صفت ماسنی او را تصدیق کنند در اینصورت شهادت آن سه برادر و اسامی ایشان در صورت مجلس ثبت می‌شود.

اگر سندی که ابراز می‌شود فقط غیر منظم باشد پذیرفته نشده فوری به حامل آن رد می‌شود و گرنه نظر معمول آید یا متعلق به ماسنی باشد که اسم او

حاکم شده است آنرا ضبط می کنند و بشرق اعظم می فرستند تا حکم آنرا بنمایند.  
۱۲۰- هر مهمانی باید پایه را که در آن پایه کار می کنند دارا باشند و درمیزی  
آنرا ثابت نماید .

همینکه کاری پایه بالاتر از پایه او شروع شد یا این که کارخانه جلسه کمیته  
منعقد کرد باید مهمان از مزکت خارج شود .

۱۲۱- مهمانانیکه فرانکسن هیئت اتحادیه شرق اعظم فرانسه میباشند پس  
از آنکه میزی شدند باید آخرین واژه های سالیانه یا شش ماهه را یا اقل واژه قبل  
آنرا بگویند والا اجازه ورود به مزکت به ایشان داده نمی شود .

هرگاه مهمان از هیئت اتحادیه دیگری باشد واژه های شش ماهه یا سالیانه را  
می توان از او مطالبه کرد .

در صورتیکه سالاریکه ریاست دارد آن واژه ها را بداند و اگر نه به موجب  
ترتیباتی که در دو ماده قبل ذکر شد مهمان پذیرفته می شود .

۱۲۲- مهمانان در جلساتی که پذیرفته می شوند حق مذاکره و مشاوره دارند  
لکن حق رأی ندارند مگر در باب سیر بیگانگان .  
مهمانان نیز در بین کار تابع نظام کارخانه هستند .

### قسمت پنجم

#### تکریمات و حق تقدم و نشانها

۱۲۳- در جلسات کارخانه ها رئیس شورای طریقت را ۱۵ نفر از اعضاء که  
پیشاپیش ایشان یک نفر رئیس تشریفات وارد می کنند و از زیر سقف فولادی  
می گذرند در حالیکه چکش پیایی زده می شود تا بمقام ریاست و آنجا رئیس چکش  
را به او تسلیم می کند .

نواب رئیس شورای طریقت را بهمین روش ۹ نفر از اعضاء وارد می کنند .  
در صورتی که رئیس یا نمایان رئیس شورای طریقت چکش را نگاه ندارند

باز به صندلی ریاست می‌نشینند و رئیس کارخانه در دست راست او قرار میگیرد. هرگاه رئیس شورای طریقت با نایبان رئیس همراه باشد آنان در دست راست او می‌نشینند و رئیس کارخانه در دست چپ او.

اعضای شورای طریقت و مفتشینی را که از جانب شورای طریقت مأموریتی دارند بروش سابق الذکر هفت نفر از اعضاء کارخانه وارد می‌کنند و چکش ریاست را به دست نمیگیرند مگر این که رئیس کارخانه مخصوصاً از ایشان تقاضا کند و هرگاه رئیس کارخانه بجای خود بماند ایشان در دست راست او می‌نشینند.

هیستهای مأمورین کارخانه‌ها را سه نفر از اعضاء پذیرایی میکنند همچنین است حال رئیس کارخانه هرگاه دیگری کارها را آغاز کرده باشد.

کارخانه‌هایی توانند از رعایت تکریمات مذکوره صرف نظر کنند مگر آنکه برادرانی که ذیحق آن تکریمات هستند خودشان تقاضا کنند که صرف نظر شود. ۱۲۴ - بزرگان هیستهای دیگر باید مطابق رتبه یا تکریماتی پذیرفته شوند تکریماتی که برای بزرگان شرق اعظم در ماده قبل مذکور شد لیکن ایشان را دعوت نمی‌کنند که بمقام ریاست بر آیند.

۱۲۵ - رئیس کارخانه بزرگان کارخانه‌ها یا مفتشین و هیستهای مأمورین مهمانان را پذیرائی کرده درود می‌گویند و برای پذیرایی ایشان رسم هبک به جا می‌آورد.

۱۲۶ - رؤسای کارخانه‌های دیگر که بمهمانی می‌روند و رؤسای قدیم کارخانه در شرق جا می‌گیرند.

۱۲۷ - پایه‌های ماسنی بخودی خود حق تکریم و تقدیم بکسی نمی‌دهند.

۱۲۸ - هیستهای مأمورین کارخانه‌ها یا فراماسنهائی که مفرداً به مهمانی می‌روند نمی‌توانند تقاضا کنند که کارخانه با ایشان کار کنند مگر اینکه کارخانه در اجرای آئین مزبور مجاز باشد.

۱۲۹ - در مجامع ماسنی ممنوع است داشتن حمایلها و نشانها جز آنچه در موارد غیر نظامی جایز است و مگر نشانها و حمایلهای متعلق بجایزه‌های ماسنی یا مقامات و مشاغل ماسنی یا نشان و حمایلیکه در آئینهای متنوعه مصوبه شرق اعظم علامت پایه‌ها محسوب میشود .

۱۳۰ - حمایلهای پایه‌های مختلفیه برای فرانماسنهای هیئت اتحادیه بتفاوت رنگ تمیز داده میشود در پایه استادی «آبی» است در پایه‌های خانقاهی «قرمز» است در پایه‌های فیلسوفی «سیاه» است در پایه‌های بالائر «سفید» است .  
از این پس فرانماسنهای هیئت اتحادیه ممنوعند از اینکه بر حمایلهای خود نشان‌های سلطنتی یا مذهبی یا خانوادگی از قبیل (کالور) و «عقاب دوسر» و «تاج» بیاویزند .

قاعده مذکور جاری نیست مگر در فرانسه و مستملکات آن .

۱۳۱ - سالاران نمی‌توانند نشان‌های شغل خود را بیاویزند مگر در هنگام اشتغال بوظایف خود یعنی در جلسات و در مواقعی که در درون مکانهای ماسنی رسماً جزو هیئت مأمورین باشند .  
رئیس هرگاه در خارج کارخانه نمایندگی کارخانه را داشته باشد نشان خود را می‌آویزد .

### قسمت ششم

#### نظامات

۱۳۲ - خطاها و تقصیرهای خارج از نظم عبارت است از قطع سخن و غوغا و نافرمانی از سالاران در اجرای مشاغل خودشان و کلیتاً همه افعال مخالف ادب یا نظم در کارخانه .

۱۳۳ - مجازات‌های انتظامی که نسبت به بزرگی تقصیر مجری تواند شد از این قرار است :

۱ - اخطار .

۲ - اخطار با قید در صورت مجلس .

۳ - توبیخ با قید در صورت مجلس .

۱۳۴ - اخطار با قید یا بی قید در صورت مجلس را رئیس می تواند امضاء بکند بدون استمراج از کارخانه .

۱۳۵ - توبیخ مجری نتواند شد مگر به موجب رأی کارخانه.

رئیس برادری را که خطا کار است از مزکت خارج میکند و کارخانه در مقام مذاکره بر می آید .

هرگاه رأی به توبیخ داده شد برادر خطا کار حاضر می شود و باید مابین دو ستون قرار بگیرد تا رأی کارخانه به او اعلام شود و رئیس برادرانه با سرزنش نماید.

۱۳۶ - گر برادری از تمکین رانیکه درباره او داده شده امتناع کند کارخانه می تواند پس از آنکه او را دعوت بدفاع خود نمود در باره او رأی به اخراج موقتی از جلسات بدهد .

این اخراج زاید بر دو ماه نمیتواند باشد .

هرگاه آن برادر در مورد خود پایداری کند راپورت در این خصوص نوشته می شود و آن برادر موافق موادی که پس از این خواهد آمد در تحت محاکمه نباید در آید .

۱۳۷ - اگر مهمانی مرتکب خلاف نظم شود میتواند بر حسب بزرگی خطای او سرزنش برادرانه به او بکند یا او را از مزکت خارج نماید.

در مورد دوم کارخانه میتواند بر رئیس خود اجازه دهد تا از کارخانه که مهمان عضو آن است تقاضا کند که مجازاتی در باره او معمول دارند با این تقاضا باید همراه باشد سواد قسمتی از صورت مجلس که آن واقعه را به تفصیل حکایت میکند.

## قسمت هفتم

### مالیاتها و محو کردن اسامی بواسطه

#### عدم تأدیه

۱۳۸ - کارخانه‌ها مخارج خود را بوسیله عوارض و مالیاتهاییکه از اعضای خودشان اخذ می‌کنند می‌پردازند و به مخارج شرق اعظم نیز کمک میکنند مبلغ این مالیاتها را کارخانه‌ها خودشان معین مینمایند لیکن از آنچه در ذیل مذکور است تنزل نمیتوانند بکنند.

۱۳۹ - کمتر مبلغی که برای اعطای پایمه‌ها گرفته میشود از اینقرار است:  
برای پایه شاگردی «۲۵» فرانك.  
برای پایه استادی «۱۵» فرانك.  
برای پایه یاری «۱۰» فرانك.

برای پایمه‌های خانقاهی تا پایه رزکروا «۳۰» فرانك.

برای پایمه‌های فیلسوفی تا پایه شو. ک. «۳۰» فرانك.

این وجوه را خزانهدار پیش از ورود بمقام آزمایش دریافت کنند.

این وجوه غیر از وجوهی است که برای دریافت منشور و توقیع و طغراباید بشرق اعظم داده شود و قیمت يك نسخه قانون اساسی و نظامنامه عمومی که باید به هر شاگردی در وقت ورود داده شود خارج از این وجوه است.

کارخانه‌ها میتوانند در باره پسران ماسن و اهل نظام بحر و بر و معلمین چه داخل خدمت و چه در مرخصی مبالغ سابق الذکر را نصف تخفیف دهند.

۱۴۰ - برای پیوستگی در صورتی که باعث تجدید رسمیت شود لا اقل ده فرانك دریافت می‌شود.

برای تنظیم لا اقل «۲۵» فرانك دریافت میشود.

مبالغ مذکور پیشکی دریافت خواهد شد.

۱۴۱ - مبلغ مالیات سالیانه در لژها کمتر از «۱۸» فرانك و در خانقاه‌ها و

کنگاشستان ها کمتر از «۱۰» فرانك نمیتواند باشد.

قیمت مهرهای حضور سهمیه هر يك از اعضاء برای مهبانی های اجباری جزو مبالغ مذکور است.

مالیاتها سه ماه به سه ماه پیشکی گرفته میشود.

۱۴۲ - اهمال طولانی یا امتناع از پرداختن مالیات موجب محو اسم میشود و فرانماسنی که ذمه نقدی خود را نسبت به کارخانه بری نمی کند بنا بر این غیر منظم می شود.

۱۴۳ - اهمال طولانی و امتناع پرداختن مالیات بطریق ذیل مسلم می شود پس از سه ماه تأخیر در ادای وجه رئیس کارخانه به توسط خزانه دار دو نوبت بفاصله يك ماه برادر عقب افتاده را دعوت می کند که نسبت بصندوق کارخانه ابراء ذمه کند و نتیجه امتناع او را هم یادآوری مینماید.

دعوتنامه مذکور به توسط پست سفارشی فرستاده می شود یا خادم به منزل او می برد.

۱۴۴ - اگر برادری که به طریق مزبور مطلع شد پس از دعوت دوم هم جواب نداد یا اظهار کرد که نمیخواهم ادای وجه کنم خزانه دار به فاصله یکماه بکارخانه راپورت می دهد.

پس از این راپورت رئیس سؤال می کند که آیا کسی از برادران این کارخانه هست که بخواهد ذمه برادر عقب افتاده را بری کند و اگر مناسب بدانند این سؤال را در کمیته خواهد کرد هرگاه کسی جواب نداد خطیب در همان مجلس تقاضا میکند که اسم برادر عقب افتاده از دفتر کارخانه محو شود همینکه محو اسم اعلام شد برای محو شدن از حقوق لازمه تنظیم ماسنی محروم خواهد بود.

محو اسم باید در ظرف يك ماه به برادر مذکور و برؤسای کارخانه هایی که آن برادر جزو آن می باشد اعلام شود بترتیبی که در ماده قبل مذکور شد.

همچنین محو اسم و اعلام آن در ظرف همان مدت به شورای طریقت راپورت

داده می شود و شورای طریقت پس از آن که اطمینان حاصل کرد که آداب لازمه در این مورد بعمل آمده محواسم را در روز نامه مخصوص شرق اعظم درج می کند .

۱۴۵ - برادری که بواسطه عدم تأدیه اسمش محو شده می تواند در صورت رضایت کارخانه ئیکه اسم او را محو کرده بواسطه ادای تمام آنچه در وقت محواسم مدیون بوده جزء اعضا رسمی گردد .

رسومیکه در این موقع باید بعمل آید اعم از اینکه این برادر عضو رسمی کارخانه دیگر از همین پایه باشد یا نباشد همانست که مواد «۹۳» و «۹۴» در خصوص پیوستگی مذکور است تجدید عضویت برادر محو شده بشورای طریقت اعلام می شود .

برادر محوشده هر گاه معتقد باشد که محواسم او بی ترتیب بوده است می تواند به شورای طریقت نظم شود .

۱۴۶ - هر برادری که اسم او از روی ترتیب محو شود نمی تواند در کارخانه دیگری که در همان وقت عضویت آنرا داشته باقی بماند یا بواسطه پیوستگی یا تنظیم در کارخانه دیگر قبول شود مگر اینکه نسبت بکارخانه ای که اسم او را محو کرده ادای دین کند اگر برای ادای دین حاضر شود و قبول نیفتد بواسطه پرداختن تمام مبلغ دین خود به صندوق شرق اعظم بری الذمه می شود .

### قسمت هشتم

#### مرخصی و استعفا

۱۴۷ - هر گاه عضو رسمی که طالب مرخصی باشد باید کتباً از کارخانه آنرا تقاضا کند کارخانه مذاکره می کند و اگر مرخصی نامه در بین دو جلسه رسمی رسیده باشد در جزء دستور مذاکرات قید می شود .

مرخصی را زاید بر یکسال نمی توان داد لیکن بعد از این مدت یا همان آداب تجدید مرخصی می توان کرد .

هر برادری که بصندوق کارخانه ادای دین نکرده باشد مرخصی به او داده نمی شود.

مرخصی شخص را از ادای کلیه مالیاتها معاف نمی دارد مگر اینکه کارخانه مخصوصاً همه یا جزئی از آنرا تخفیف دهد.

اعضای رسمی که مرخص شدند در جزو حساب باج سالیانه که باید لژها بشرق اعظم بدهند مثل سایرین محسوب می شوند.

۱۴۸- هر کس از عضویت رسمی استعفا می دهد باید بنویسد و امضاء کند و در کیسه اظهارات بگذارد یا برای رئیس بفرستد.

اگر کارخانه مناسب بداند هیئتی مرکب از سه نفر اعضاء مأمور می کند که نزد برادر مستعفی رفته او را دعوت کنند که استعفای خود را پس بگیرد.

اگر قبول نکرد استعفا پذیرفته والا کالعدم انگاشته می شود.

برادر مستعفی برای استرداد استعفای خود یکماه مهلت دارد لیکن باید کتباً استرداد کند و استرداد استعفا در دفتر صورت جلسات ثبت می شود.

هر کس استعفا می کند باید آنچه بکارخانه مدیون است ادا کند اگر امتناع نماید استعفای او قبول نمی شود و برتریبیکه در قسمت سابق مذکور شد به محو اسم او اقدام می نماید.

هر استعفائی که منظمأ واقع شده باید در ظرف يك ماه به ضمیمه رأی ارجمند و دلائلی که مستعفی برای استعفای خود ذکر کرده بشرق اعظم اعلام شود.

۱۴۹- هر يك از اعضای رسمی که زیاده برشش ماه از مسکن خود دور شده و مقر خود را معین نکرده و مرخصی نخواست است ممکنست مستعفی محسوب شود و اسم او از دفتر کارخانه محو گردد.

۱۵۰- هر برادری که به استعفای منظم کارخانه را ترك کند در صورتیکه خارج از تنظیم شده باشد به موجب رأی کارخانه می تواند دو باره عضو شود و کفایت می کند که تجدید عضو او در دعوتنامه ها جزء دستور ذکر شود.

## قسمت نهم اداره کارخانه‌ها

۱۵۱- گذشته از مراقبت‌هایی که هر يك از سالاران در دایره وظایف خود نسبت به منافع عمومی دارند کارخانه نیز در موقع لزوم به موجب آرائی که در جلسات متعارفی و یا جلسات کمیته می‌دهد آن منافع را اداره می‌کند .  
دو کمیسیون دائمی باید مخصوصاً مراقب باشد یکی برای منافع مالی کارخانه دیگری برای اجرای امور خیریه .

هرگاه کارخانه مختار است که آن امور را بطوریکه می‌خواهد ترتیب دهد ترتیب و کارهای آن دو کمیسیون در ذیل معین شده مگر اینکه در نظامنامه خصوصی کارخانه ترتیبات دیگری داده شده باشد .

کمیسیونهای مخصوص دیگر دائمی یا موقتی ممکن است تعیین شود تا برای بعضی امور آرای کارخانه را تهیه کند یا مجری نماید .

۱۵۲- کمیسیون مالییه مرکب است از دو نگهبان و نویسنده و خزانه دار و سه نفر اعضاء که هر سال بعد از انتخابات عمومی در جلسه اول منتخب می‌شوند .  
این کمیسیون مراقب وصول مالیات‌هاست در هر سه ماه صورت عقب افتادگان را ترتیب داده به اطلاع کارخانه می‌رساند .

این کمیسیون تمام محاسبات و صورت خرج مباشرین یا مقاطعین را تفتیش می‌کند در اول هر سال يك بودجه پیش بینی برای مخارج و عایدات ترتیب می‌دهد .

رأی خود را درباره مخارج فوق‌العاده اظهار و یا مخارجیکه ممکن است میزان بودجه را بهمزند مخالفت می‌نماید .

وضع مالییه صندوق را هر ششماه راپورت می‌دهد حساب خزانه دار را قبلاً ممیزی می‌کند .

۱۵۳- کمیسیون نقاضاهای اعانت را ملاحظه و هر ماه حال صندوق خیریه

را معین می‌کند .

رای خود را در باب اقداماتی که برای ازدیاد مالیه صندوق خیریه مناسب است همچنین در باب معاونت‌هایی که به بعضی مصیبت زدگان باید بشود اظهار میدارد .  
نیز مراقب جمع‌آوری اعانه‌ها و جشن‌های خیریه می‌باشد .  
حساب امین خیریه را قبلاً ممیزی می‌کند .

۱۵۴- کارخانه‌های هیئت اتحادیه می‌توانند وجوه و اسنادیکه در صندوق دارند در شرق اعظم امانت بگذارند و در آنجا حساب مخصوص نگاه داشته می‌شود .

### قسمت دهم

#### مهمانی‌ها

۱۵۵- کارخانه‌ها باید هر سال يك مهمانی طریقتی یا مهمانی غیر طریقتی داشته باشند .

هر يك از اعضا رسمی خواه حاضر باشد خواه غائب باید سهمیه خود را ادا کند .

۱۵۶- کارهای مهمانی طریقتی همان ترتیبی را که در کارهای متعارفی منظور است لازم دارد و لژها آن کارها را همیشه در پایه اول رمزی بجای آورند سایر کارخانه‌ها مختارند که پایه را که مناسب می‌دانند برای اینکار اختیار کنند .  
در این کارها سالاران مشاغل خود را دارند و تمام برادران باید نشانهای خود را دارا باشند .

به این کار نمی‌توان پرداخت جز در مکان ماسنی محفوظ از نظر بیگانگان مگر اینکه شورای طریقت اجازه بدهد و اگر نه کارخانه توقیف می‌شود .

۱۵۷- شادخوریهای اجباری از این قرار است :

۱- سلامتی جمهوری فرانسه در کارخانه‌های ممالك خارجه می‌توان شادخواری اول را سلامتی وطن نوشند .

۲- سلامتی شرق اعظم و هیئتهای ماسنی دیگر .

۳- سلامتی رئیس کارخانه .

۴- سلامتی نگهبان و سالاران و کارخانه‌های پیوسته و برادران مهمان .

۵- سلامتی تمام فراماسنهای خوشبخت یا بدبخت که روی کره هستند .

### قسمت یازدهم

#### سوگواری و تشییع جنازه

۱۵۸- همینکه رئیس کارخانه از فوت یکی از برادران کارخانه مطلع شد

باید فوراً تمام اعضاء را برای تشییع جنازه خبر کند .

برای تمام اعضاء حضور در تشییع جنازه فرض است مگر بعلت مانع عمده .

۱۵۹- برادران باید در موكب و قبرستان دنبال رئیس جمع شوند .

نشانهارا نباید بیاورند مگر در قبرستان در صورتیکه کشیش نباشد یا رفته

باشد داشتن نشانهای رمزی در معابر عمومی ممکنست بتوسط رئیس اجازه داده

شود در صورتیکه شخصاً تعهد مسئولیت آنرا بنماید .

۱۶۰- کارخانه ها هر سه سال یکمرتبه لااقل باید مراسم سوگواری برای

ذکر خیر برادران متوفی بجا آرند .

خطیب یا برادر دیگر که رئیس معین می‌کند بیاد برادران وفات یافته

خطابه می‌خواند .

### قسمت دوازدهم

#### نظامنامه عمومی کارخانه‌ها

۱۶۱- هر کارخانه می‌تواند بواسطه يك نظامنامه خصوصی ترتیب داخلی

خود را تفصیلاً معین کند مشروطه براینکه آن نظامنامه چیزی مخالف قانون

اساسی و نظامنامه عمومی نداشته باشد .

۱۶۲- هر مطلبی در نظامنامه خصوصی مخالف قانون اساسی یا نظامنامه عمومی باشد کان لم یکن محسوب است.

## فصل هفتم

### روابط سارخانه‌ها با شرق اعظم

#### قسمت اول

#### وظیفه و حق نماینده داشتن

۱۶۳- فرانسمنهای رسمی هیئت اتحادیه که در لژهای خود مجتمعند هر سال در مجمع عمومی شرق اعظم نماینده دارند.

۱۶۴- انتخاب نماینده لژ برای مجمع عمومی بر حسب اقتضا با انتخابات عمومی سالاران یا پس از آن واقع می‌شود در صورت دوم باید لااقل دو ماه پیش از موقع جلسه سالیانه متعارفی مجمع عمومی واقع شود. نایب نماینده ممکنست باخود او انتخاب شود.

یابعد از او ولژ می‌تواند دو نایب انتخاب کند ولی هرگاه بنا باشد که نایب بجای نماینده اصلی حاضر شود تصریح می‌کند کدام يك از دو نایبان مقدمست. هر کدام از این انتخابات باید جزو دستور در دعوتنامه‌ها ذکر شود و انتخاب باید با اوراق و برای مخفی ماندن انتخاب سالاران هفتگانه عمده واقع شود.

۱۶۵- اختیارات نماینده در ورقه رسمی لژ معین می‌شود و آن ورقه باسواد صورت مجلس جلسه انتخابات برای شرق اعظم فرستاده می‌شود در آن صورت باید ذکر شود که منتخب شرایط مذکور در اصل بیست و سوم قانون اساسی را دارا می‌باشد و ترتیب ذکر آن موافق نمونه ایست که به نظامنامه عمومی منضم است. يك نسخه از این ورقه را بنماینده یا نایب او می‌دهند و او پیمان نامه کامل خود را که تبعیت از قانون اساسی و نظامنامه عمومی خواهد کرد به آن منضم می‌کند و این هر دو را در موقع رسیدگی اعتبار لاعد ابراز می‌نماید.

۱۶۶- نماینده يك لژ در مجمع عمومی قبول نمی شود مگر اینکه آن کارخانه نسبت به صندوق شرق اعظم مدیون نباشد و نتیجه انتخابات عمومی خود را اعلام کرده و فهرست سالیانه که در ماده « ۱۷۴ » مذکور است به موقع فرستاده باشد .

## قسمت دوم وظایف نقدی

۱۷۶- در تمام لژهای هیئت اتحادیه بواسطه باج سالیانه متناسب با عده اعضاء رسمی خود به مخارج شرق اعظم کمک می نماید .

مبلغ این مالیات سرانه برای هر عضو رسمی از طرف مجمع عمومی هر سال تعیین می شود و شورای طریقت مقدمات تعیین مبلغ را به مجمع عمومی تقدیم می کند تعیین این مبلغ برای سنه مالیه است که ابتداء آن از اول ژانویه آتی است. مبلغی را که هر لژ باید ادا کند شورای طریقت از روی آخرین فهرست منظمی که لژ داده است تعیین می کند .

۱۶۸- لژهای ایلت « سن و سن و آواز » « Seine et Seine et - oise » باید حق الورود نمایندگان خود را بمهمانی شرق اعظم که بعد از مجمع عمومی واقع می شود بپردازند .

برای لژهای دیگر حق الورود مهمانیرا از اجرتی که نمایندگان ایشان داده می شود کسر می نمایند .

۱۶۹- خانقاهها و کنگاشستانها سالیانه به صندوق شرق اعظم فقط « ۲۵ » فرانك باید ادا کنند برای اجرت پستی مراسلات و مخارج متفرقه و « فرانك برای آبونمان صحیفه اعمال شرق اعظم .

۱۷۰- تمام مالیاتهایی که کارخانه های هیئت اتحادیه باید بدهند سالیانه محسوب می شود و کس بر نمی دارد .

باید مبالغ مذکور در دو ماه اول سنه مالیه جدید تماماً پرداخته شود یعنی پیش از اول ماه مارس .

تعویق در تأدیه ممکنست باعث ته قیف کارخانه شود و امتناع از آن باعث تخریب گردد .

لژی که وظایف خود را در مدت مذکور ادا نکرده نمی تواند در مجمع عمومی نماینده داشته باشد .

## قسمت سوم

### مکاتبات

۱۷۱- کارخانه ها نمی توانند از جواب سئوالاتی که بواسطه متحد المال رسمی از شرق اعظم صادر شده امتناع نمایند .

هر کارخانه که در ظرف مدت تعیین شده در متحد المال جواب نداده باشد شورای طریقت بوسیله نامه پستی سفارشی شده که ذکر آن در صحیفه اعمال شرق اعظم هم می شود او را مخیر بسازد .

اگر باز کارخانه تا مدت دو ماه بعد از ارسال آن کاغذ سکوت کرد (۲۵) فرانک جریمه می دهد و این مبلغ به صندوق مرکزی همبستگی تسلیم می شود .

بعلاوه کارخانه از حق پیشنهاد دادن به مجمع عمومی آینده محروم می گردد لیکن مجمع می تواند بتقاضای کارخانه توضیحات آنرا استماع کند و محرومیرا از او باز دارد .

۱۷۲- اوراق و متحد المال و نوشتجات دیگری که از شرق اعظم می رسد هم چنین صحیفه اعمال شرق اعظم بدقت در دفتر هر کارخانه ضبط می شود .

۱۷۳- تمام نوشتجاتیکه کارخانه ها بشرق اعظم می فرستند باید به امضای رئیس و خطیب و نویسنده رسیده و مهور باشد و اگر نه رسمیت ندارد و محل اعتبار نخواهد بود .

## قسمت چهارم فهرست سالیانه

و صورتهائیکه کارخانه‌ها باید بدهند .

۱۷۴- باید قبل از اول ماه مارس صورت صحیحی هر سال از اعضای رسمی خود بطوری که در تاریخ اول ژانویه سال جاری ترتیب داده شده به شرق اعظم بفرستند .

این صورت باید بترتیب قدمت موافق دفتر اصلی که ناچار در هر کارخانه باید باشد نوشته شود .

رئیس و خطیب و نویسنده آنرا تصدیق و امضاء کرده موافق ترتیب مذکور در ماده «۱۷۳» به مهر می‌رسانند .

صورت مزبور نوشته می‌شود روی ورقه چایی که دارالانشاء طریقت برای کارخانه‌ائیکه طلب کرده‌اند فرستاده و نمونه آن منضم به نظامنامه عمومیت یا روی ورقه شبیه آن .

هر کارخانه که صورت سالیانه را در مدت معین بفرستد به ۱۰۰ فرانک جریمه محکوم می‌شود .

هر کارخانه که صورت تقلبی بدهد ۵۰ فرانک جریمه از او دریافت می‌شود علاوه بر آنکه در تحت مأخذ می‌آید و مبالغی را که مکثوم داشته نیز باید ادا کند .

جریمه‌های مزبور را شورای طریقت حکم می‌کند و حاصل آنها بصندوق مرکزی همبستگی تسلیم می‌شود .

۱۷۵- هر کارخانه بعلاوه فهرست صورت سالیانه مزبور هر سال باید صورتی از اعضاء رسمی قدیمی که در عرض سال گذشته اعضاء افتخاری شده یا وفات کرده یا استعفا داده و یا به موجب عدم تأدیه یا محاکم از عضویت محو شده‌اند بدهد .

## قسمت پنجم

### مطالبه فرامین شخصی

۱۷۶- هر کارخانه همينکه بالاترين پايه خود را بيکي از اعضاء مي دهد بايد فرمان شخصي آن پايه را از شرق اعظم براي او بخواهد .

همين تکليف وارد است بر کارخانه هرگاه پيوستگي دهد به فراماسني که آن فراماسني سند پايه را که در آن پايه پيوستگي يافته دارا نباشد .

همين تکليف وارد است بر کارخانه هرگاه فراماسني را که بخلاف تنظيم به پايه سير داده شده تنظيم دهد و آن پايه بالاترين پايه کارخانه باشد .

فرمان در همان ماهي که پايه يا پيوستگي يا تنظيم داده شده بايد مطالبه شود رئيس و نويسنده مسئول اجراي اين ترتيب هستند .

۱۷۷- مطالبه فرمان بايد باقيمت آن همراه باشد از اينقرار :

براي منشور استادي ۱۰۰ فرانك

براي توقيع رزگر ۱۰۰ فرانك

براي طغراي كار ۱۵۰ فرانك

براي طغراي بزرگ ۲۰ فرانك

۱۷۸- فراماسنهای شرق اعظم براي کارخانه هاي که مطالبه مي کنند فرستاده مي شود .

هيچ فرماني بگيرنده آن داده نميشود مگر بعد از آنکه به امضاي چراغهاي پنجگانه و بمهر کارخانه رسيده باشد .

در وقت گرفتن فرمان گيرنده بايد امضاي خود را هم در آن بنويسد .

۱۷۹- هيچ کارخانه و هيچ رئيس يا سالاري و هيچ فراماسني نمي توانند فرمان ماسني بدهند نه سندي که بجاي فرمان پايه محسوب شود .

مخالفت اين منع از جانب يك کارخانه او را بر حسب بزرگي خطا محكوم به توقيف يا تخریب مي کند .

در خصوص امضای فرمان‌هایی که از روی عدم صحت داده شده این مخالفت جنایت ماسنی محسوب و بر حسب بزرگی خطا باعث توقیف ماسنی یا اخراج او از فرمان ماسنی خواهد شد.

لیکن کارخانه‌های و راه‌آب‌جری می‌توانند از شورای طریقت اجازه بگیرند که مطابق نمونه که بآنها دستور داده می‌شود تصدیق‌نامه بدهند مشعر بر اینکه منشور استادی از شرق اعظم خواسته شده است.

### قسمت ششم

#### تفتیش کارخانه‌ها

۱۸۰ - مأمورینی که شورای طریقت برای تفتیش کارخانه‌های هیئت اتحادیه معین می‌کند مکلف بوظائف ذیل می‌باشند :

- ۱ - معلوم کردن که قانون اساسی و نظامنامه عمومی رعایت می‌شود یا نه.
  - ۲ - حاضر شدن در جلسات هر یک از کارخانه‌هایی که جزو حوزه تفتیشیه آنهاست و هم‌اکنون حضور یافتن در موقع سیر.
  - ۳ - تحقیق اینکه دفتر صورت مجلس تا موقع خود نوشته شده یا نه.
  - ۴ - تفتیش دفتر خزانه دار و امین خیریه.
  - ۵ - ملاحظه دفتر کارخانه برای تحصیل اطمینان از اینکه نوشتجات صادره از شرق اعظم و نسخه‌های قانون اساسی و نظامنامه عمومی و مجموعه صحیفه اعمال شرق اعظم و سالنامه و آئین نامه‌ها بقدر کفایت محفوظ و در تحت مراقبت هست یا نه.
  - ۶ - دریافت تمناهای کارخانه و رسانیدن آنها بشورای طریقت با ملاحظات یا پیش‌نهادهای خود در آن خصوص.
- مأمورین مزبور حق دارند تقاضای انعقاد فوق‌العاده کارخانه‌ای که مأمور تفتیش آن هستند بکنند.

هیچکس نمیتواند مأمور تفتیش کارخانه‌ای که عضو آن است بشود.

مأمورین تفتیش خانقاهها و کنگاشتها حتی الامکان باید از اعضای بارگاه باشند و اگر نه از برادرهایی که دارای پایه‌هایی باشند که این کارخانه‌ها بآن پایه‌ها کار می‌کنند.

## فصل هشتم

### نمایندگی قضاوتی

۱۸۱ - تمام لژهای فرانسه و الجزایر باید هر سال در موقع انتخاب عمومی سالاران خود نمایندگان قضاوتی هم انتخاب کنند تا جزو هیئت‌های منصفه کارخانه و مجالس استیناف باشند.

هر لژ سه نفر نماینده از میان استادان انتخاب می‌کند و مدت مأموریت آنان یک سال است و با هیچیک از مشاغل کارخانه منافات ندارد و انتخاب ایشان مثل انتخاب هشت سالار اول کارخانه واقع می‌شود.

۱۸۲ - نمایندگان قضاوتی که بطور عضو هیئت منصفه یا مجلس استیناف در شرق دیگر باید کار کنند حق دارند برای هر ده کیلو متر که طی می‌کنند چه برای ایاب و چه برای ذهاب یک فرانک و صد و بیست و پنج میلیم دریافت دارند. این اجرت از صندوق شرق اعظم پرداخت می‌شود.

۱۸۳ - هر لژی که نمایندگان قضاوتی خود را در موقع معین نکرده باشد ۵ فرانک جریمه می‌دهد.

همین جریمه دریافت می‌شود از هر نماینده قضاوتی که بدون عذر موجه در جلسه هیئت منصفه یا مجلس استینافی که از روی ترتیب برای آن دعوت شده تغلف کند.

لژ نماینده خطا کار مسئول این جریمه است و باید آن را پس‌داد و از نماینده خود اخذ کند.

جریمه‌هایی که لژها می‌دهند بصندوق مرکزی همبستگی تسلیم می‌شود.  
جریمه‌هایی که از نمایندگان خطا گرفته می‌شود همین لژهایی که  
نمایندگان آنها حاضر شده‌اند تقسیم می‌شود و عایدات آن به صندوقهای خیریه  
ایشان می‌رسد.

شورای طریقت مأمور وصول این جریمه‌ها می‌باشد.  
هر لژ یا نماینده که محکوم بجریمه شد يك‌ماه مهلت دارد که بشورای طریقت  
متظلم شود و آن امر راجع به مجمع عمومی می‌گردد و در آن مجمع رأی قطعی  
داده میشود.

۱۸۳ مکرر - نماینده قضاوتی که از حضور خود غفلت کرده و هیئت منصفه  
یا مجلس استیناف را مختل گذارده باشد ممکنست بعلاوه جریمه سابق‌الذکر برای  
مدت يك‌الی پنجسال از حق منتخب شدن بریاست کارخانه و نمایندگی مجمع عمومی  
و نمایندگی قضاوتی محروم شود.

همین مجازات ممکنست درباره هر برادری که بشهادت طلبیده شده و بدون عذر  
موجه حاضر نشود بعمل آید.

حکمی که بموجب یکی از دو فقره سابق‌الذکر داده شد در شورای طریقت در  
تحت ملاحظه درمی‌آید و شوری در باب موجه بودن عذرهای رأی می‌دهد.  
فقره پنجم ماده «۱۸۳» شامل بموارد مذکوره در این ماده نیز هست.

## فصل نهم

### روابط کارخانها با یکدیگر

۱۸۴ - کارخانها به آزادی با یکدیگر مکاتبه می‌کنند.

لیکن اگر بخواهند برای خاطر يك برادر بینوا یا خانواده يك برادر متوفی  
طلب همبستگی کنند لژی که اقدام به این امر می‌کند تقاضای خود را به شرق اعظم  
می‌فرستد.

۱۸۵ - کارخانه‌های همپایه اگر چه از آئینهای مختلف باشند میتوانند یکدیگر پیوستگی یابند و ضامن دوستی مبادله نمایند برای اینکه هابین آنها مرتبتی را برقرار باشد.

ضامنهای دوستی در نزد يك کارخانه بطور قطع معتبر نیستند مگر بعد از آن که آن کارخانه ایشان را پذیرفته باشد.

این پیوستگیهای لژها یکدیگر باعث تکلیف نقدی نمیشود و به کارخانهها را حق دخالت در اداره امور یکدیگر نمیدهد.

## فصل دهم

### روابط کارخانه‌ها

#### با هر هیئتی غیر از هیئت ماسنی

۱۸۶ - هیچ کارخانه نمی تواند مستقیماً با هیئت و مقام دیگری غیر از هیئت ماسنی طرف شود مگر اینکه از شورای طریقت اجازه حاصل کند.

۱۸۷ - کارخانه‌ها باید از بروزات و نمایشها درملاء عام احتراز نمایند.

## فصل دهم مکرر

### امتزاز کارخانه‌ها و انتقال و تغییر اساسی آنها

۱۸۷ مکرر - برای اینکه دو یا چند کارخانه همپایه یکی شوند باید هر کدام آنها در جلسه‌ای که امتزاز آنها جزو دستور کار قرار داده شده به اکثریت دوثلث از اعضاء حاضر رأی به امتزاز دهند و مذاکرات باید با دلیل باشد و اسمیرا که کارخانه واحد اختیار خواهد کرد معین کنند.

هر يك از کارخانه‌هایی که می‌خواهند ممزوج شوند باید برای مصدق شدن کارخانه واحد طلب نامه به امضای چهره‌های پنجگانه کارخانه باسواد صورت مجلس

که حاکی مذاکرات این امر است به اعضای همان پنج نفر بشرق اعظم بفرستند.  
 ۱۸۷ ثالث - هر کارخانه که می خواهد مقر خود را بمکان دیگر منتقل کند یا عنوان ممتاز خود را تغییر دهد باید این مسئله را جزو دستور کارها قرار دهد و در جلسه باکثرت دواثلت اعضاء حاضره تصویب شود و رائیکه اتخاذ میکنند مقرون بدلیل باشد .

پس از آن کار طلب نامه اجازه به اعضای چراغهای پنجگانه باسوادى از صورت مجلس که متضمن این مذاکرات است به اعضای همان اشخاص بشرق اعظم میفرستند .  
 ۱۸۷ رابع - امتزاج کارخانها باتغییر اسم یا نقل مکان آنها پس از آن که شورای طریقت رأی موافق داد اعطای فرمان تأسیس جدیدی می نماید و در آن فرمان ذکر می شود که این کارخانه بجای کدام کارخانه است اسناد قدیمه در دفاتر کارخانه میماند و تاریخ قدیمترین اسناد تاریخ قدمت کارخانه خواهد بود .

کارخانه برای مخارج فرمان جدید باید بیست و پنج فرانك بپردازد .  
 کارخانه ای که فرمان جدید می گیرد باید موافق مواد ۱۷ و ۱۸ نظامنامه عمومی استواری باشد .

## فصل یازدهم

### خواب رفتن و بیداری کارخانه ها

۱۸۸ - هر کارخانه که کارهای خود را ترك می کند یا معوق می دارد باید بوسیله ارسال سواد مذاکرات مخصوصه این امر که ذکر دلایل ترك یا تعویق را هم شامل باشد بشورای طریقت اعلام کند و اگر بصندوق شرق اعظم مدیون باشد کلیه وجوه عقب افتاده و مبلغ مالیات سال جاری را بپردازد .

به این اعلان باید منضم باشد فهرست اسامی اعضای رسمی و افتخاری کارخانه که در همان تاریخ ترتیب یافته و به اعضای رئیس و خطیب و نویسنده رسیده و مهر شده باشد .

کارخانه که میخواهد باید فرمان تأسیس و تعمیر یا مهر و آئین نامه ها و دفاتر صورت مجلسها و دفاتر محاسبات و تمام نوشتجات دفتر خود را در شرق اعظم امانت بگذارد نقدیته و اسنادی را هم که در خزانه موجود است باید در شرق اعظم بسپارد.

تنها شورای طریقت میتواند رأی بدهد که اسباب و اثاثیه کارخانه را غیر از آنچه متعلق بدیگران است چه باید کرد.

۱۸۹ - پس از انجام شرایط مذکور در ماده قبل از شورای طریقت جواب منضم کارخانه را اعلام می کند.

کارخانه که بطریق مذکور کارهای خود را معوق نمود از تکلفات نقدی نسبت به شرق اعظم معاف میشود تا وقتی که دوباره شروع بکار کند.

۱۹۰ - هر کارخانه که بدون رعایت ترتیبات مذکور در ماده ۱۸۸، کارهای خود را معوق کند از هیئت اتحادیه خارج میشود. فرمانش باطل و اعضایش غیر منظم خواهد بود.

ابطال فرمان را شورای طریقت اعلام می کند و این رأی را نمی تواند بدهد مگر پس از آنکه کار خطا کار آگاه ساخته مهلت کافی برای او معین کند تا رعایت ترتیبات ماده ۱۸۸ را بنماید.

۱۹۱ - هر فرماناسنی که بعنوانی چیزی از اشیاء متعلق بکارخانه خوابیده را که باید به شرق اعظم تسلیم شود بدست آردمکلف است در ظرف سه ماه شورای طریقت را آگاه سازد و بلاعوض آنرا تسلیم کند و اگر چنین نکند مقصر ماسنی محسوب شده در تحت محاکمه درمی آید.

۱۹۲ - از طرف شورای طریقت بکارخانه خوابیده دوباره کار داده نمی شود مگر بتقاضای امضاء شده لااقل هفت نفر برادر که دارای بالاترین پایه آن کارخانه بوده و اسامی ایشان در فهرستی که همراه اعلان خواب کارخانه بوده ثبت باشد از امضاء کنندگان مزبور کسانی که عضو افتخاری کارخانه بوده اند باید اظهار کنند که

می‌خواهند عضو رسمی بشوند .

رای بیدارشدن کارخانه در فرمان تأسیس کارخانه درج و در کتاب صورت مجلس مذکور میشود .

فرمان تأسیس مزبور با تمام آنچه که زمان خوابیدن کارخانه بشرق اعظم رسیده سپرده شده بود باعضاکنندگان تقاضا مسترد می‌شود .

کارخانه بیدار شده مدیون مالیاتهای شرق اعظم نیست مگر از روز اول ژانویه آتیه در صورتی که تقاضای بیداری در شش ماه دوم سنه مالیه شده باشد .

هرگاه تقاضا در شش ماه اول قبول شده باشد تقاضاکنندگان باید قبلاً تمام مبلغ مالیات سنه جاریه را بصندوق طریقت بپردازند .

۱۹۳ - خوابیدن لژ یا تعویق غیر منظم کارهای او حقاً باعث خوابیدن کارخانهای بالائری می‌شود که بر آن متکی هستند اما خوابیدن کارخانهای بالائری یا تعویق غیر منظم آنها اثری بر صحت عمل لژ اصلی ندارد .

همچنین خوابیدن خانقاه موجب خوابیدن کنگاشستانی که متکی بر آن است می‌شود .

لیکن خانقاه و کنگاشستان پس از موقوف شدن کارهای لژی که مبنای آنها بوده است می‌توانند در ظرف يك سال خود را بلژ دیگری از همان شرق بارضای آن لژ متکی سازند .

## فصل دوازدهم

### عدد تنظیم و تنظیم سازمانها

۱۹۴ - کارخانهای ذیل غیر منظم محسوب می‌شود :

۱ - آنهایی که مدت يك سال در داخله فرانسه و دو سال در جاهای دیگر با شرق اعظم ترك مكاتبه کرده باج نداده‌اند .

همچنین آئینائی که پیش از انعقاد مجمع عمومی انتخابات عمومی سالیانه سالاران خود را بجا نیاورده باشند .

۲ - آنها که به هیئت‌های ماسنی غیر منظم می‌پیوندند .

۳ - آنها که عمداً در میان خود فراماسنهای غیر منظم را نگاه میدارند .

۴ - آنها که بکارهائی میپردازند غیر از آنچه برای آن تأسیس شده‌اند یا در آئینی کار می‌کنند که اجازه آنرا نگرفته‌اند .

۵ - آنها که جلسات خود یا جشن‌های ماسنی خود را در مکان‌های غیر ماسنی انجام می‌دهند یعنی در مکان‌هایی که شورای طریقت منظم بودن آنها را اعلام نکرده است .

۱۹۵ - در مورد اول مذکور در ماده قبل شورای طریقت پس از تفتیش که بتوسط یکی از اعضای خود در همان مکان می‌کند عدم تنظیم را اعلام مینماید .

در موارد دیگر به محاکمه باید رجوع شود .

۱۹۶ - هرگاه شورای طریقت درباره کارخانه‌ای بعلمت ترك مكاتبه یا اعتناع از ادای باج حکم عدم تنظیم داده باشد ممکن است آن کارخانه اگر از روی تریب تقاضا کند و لا اقل مبلغ باج یکسال عقب افتاده را علاوه بر باج سنه جاریه بپردازد دوباره منظم می‌شود .

اما این تقاضا باید منضم باشد بواحد صورت مجلس مشعر بر اینکه به این مسئله به اکثریت آرا در جلسه مخصوص این کار رأی داده شده است .

۱۹۷ - کارخانه‌هایی که بتوسط هیئت‌های ماسنی دیگر تأسیس شده ممکن است بتوسط شورای طریقت در هیئت اتحادیه شرق اعظم فرانسه قبول شود هرگاه نوشتجات زیر را بتقاضای خود منضم کند :

۱ - فرامین تأسیس خود را .

۲ - صورت اعضای خود را با تعهدنامه باعضای هر يك از آنها که با قانون اساسی

و نظامنامه عمومی طریقت موافقت نمایند .

۳ - يك نسخه از نظامنامه خصوصی خود كه آن هم باید با قانون اساسی و نظامنامه عمومی طریقت منافی نباشد .

كارخانه كه به این طریق داخل در هیئت شد اگر در ششماه اول داخل شده باشد كل مبلغ باج سالیانه را مدیونست اگر در ششماه دوم قبول شود مدیون باج نخواهد بود مگر از اول ژانویه آتی .

هیچ كارخانه نمیتواند در آن واحد هم جزو هیئت اتحادیه شرق اعظم فرانسه و هم جزو هیئت ماسنی دیگر باشد در صورتی كه بیایه های خانقاهی یا فیلسوفی باشد موجب همان تكلفاتی میشود كه برادران یا كارخانه های تابعه شرق اعظم دارند لیكن در باب عناوین ممتاز كارخانه ها هر گاه هیئتی كه تابع آن بوده اند قواعدی متفاوت با قواعد شرق اعظم فرانسه راجع به انكاه یا مشابیهت عناوین ممتاز داشته باشند كارخانه پیوسته میتواند بعنوان ممتاز سابق خود را انكاه دارد با این شرط كه در نوشتجات رسمی خود اسم لژ شرق اعظم را كه انكاه یا ترا قبول کرده است ذكر كند .

۱۹۷ مكرر - پیوستگی شخص فرانسها با پیوستگی كارخانه های شرق اعظم فرانسه .

انكاه مزبور باید در ظرف يك سال از تاریخ اتصال بشرق اعظم واقع شود و شورای طریقت آن را تصدیق كند اما در پیوستگیهای شخصی توقیعات و طفرها بشرق اعظم سپرده شده و در عوض آن فرامین جدیدی گرفته می شود كه در آن تاریخ اصلی پذیرفته شدن بیایه و تاریخ پیوستگی را ذكر میكند برای تبدیل فرمان چه شخصی چه جمعی تنها سه فرانك حق گرفته میشود .

## فصل سیزدهم

### کنگره‌های محلی

۱۹۷ - ثلث :

۱ - سالی یکمرتبه لااقل مابین لژهای شرق اعظم فرانسه کنگره‌های محلی تشکیل خواهد شد .

۲ - توزیع کارخانه مابین نواحی مختلفه برای تشکیل کنگره بموجب نظامنامه مخصوص خواهد بود که شورای طریقت از روی اعمال سابقه و تقاضاهای شرقهای مختلفه و در موقع لزوم از روی احکام مجامعهای عمومی ترتیب میدهد .

۳ - کنگره‌های محلی حق خواهند داشت که مطالعه و مذاکره و رأی رادر مسائلی که مجامعهای عمومی سالیانه یا شورای طریقت بلژها رجوع کرده اند جزء دستور خود قرار دهند .

۴ - کنگره‌ها می‌توانند تمام مسائلی را که بواسطه کارخانههای محلی یا نماینده‌های منظم آنها یا کارخانههای محلی دیگر که پیشنهاد آنها میشود و مسائل فلسفی باشد چه اجتماعی چه ماسنی و غیره در تحت مطالعه در آورند اما اکیداً ممنوع هستند از اینکه در انتخابات سیاسی مداخله کنند یا اینکه به تأسیسات سیاسی و اقتصادی یا هر نوع دیگر که در عالم بیگانگان تشکیل یافته ملحق شوند

۵ - همچنین میتوانند هر سال مطرح کنند :

«اولاً» مسائلی را که میل دارند در جزو دستور مجمع عمومی آینده گذاشته شود .

«ثانیاً» تمناهایی را که شایسته بدانند از شورای طریقت بشود در باره هر امری را جمع بمنافع ماسنی بخصوص در باب مسائل نفع محلی یا پیشه و غیره که قابل توجه باشد لیکن آن مسائل عمومیتش به حدی نباشد که توجه مجمع عمومی را لازم داشته باشد .

۶ - تمام این مسائل را کنگره‌ها مطالعه میکنند و رأی میدهند اما رأی آنها قطعی نیست و شورای طریقت از مجمع آنها انتخاب میکند.

مسائلی را که باید در دستور مجمع عمومی سالیانه قرار داد علاوه بر مسائلی که بموجب رأی مجمع عمومی برای مطالبه بلژها رجوع شده و مسائلی که شورای طریقت مستقیماً پیشنهاد کرده و مسائلی که بطور لزوم از کارهای هیئت اتحادیه تولید شده است.

شورای طریقت در انتخاب مسائل حتی الامکان باید رعایت عدم آرائی را که در کنگره‌های محلی بجهت آن مسائل داده شده و ملاحظه منافع عمومی ماسنری را بنماید.

۷ - تمام مسائلی که بطرز مزبور بعنوان ماسنی از کنگره‌های محلی جزو دستور مجمع عمومی می‌آید باید بلافاصله در دنباله مسائلی که برای مطالعه بلژها فرستاده شده و مسائل ماسنی و بودجه و راپورت‌های سالیانه راجع بامور اداری و ترویجی مطرح شود.

تمام مسائل دیگر که کنگره‌های محلی مطرح قرار داده پس از گذشتن از کمیسیون فقط مختصراً ذکر میشود تا در يك جلسه جزء راپورت‌های کلی واقع شود.

۸ - چون فرمانروائی ماسنی مخصوص مجمع عمومی سالیانه است کنگره‌های محلی ماسنی میتوانند برای طریق کار خودشان تعیین محل کنگره سال بعد نظامات داخلی برقرار کنند اما خارج از این مواد نمیتوانند رأی بدهند که اجرا کردنی باشد یا اینکه برای کارخانه‌ها و سالاران و نماینده‌های آنها در مجمع عمومی مجبوری قرار دهد یا آنکه در امور اداری و مالی شورای طریقت متضمن رد یا قبول باشد.

برای نماینده بودن در کنگره‌های محلی باید لااقل پایه سوم ماسنری را دارا باشد.

چون منزلت يك فرد ماسنی را الزاماً می باشد در كنگره های محلی شماره آ را بر حسب شماره كارخانه ها است .

۹ - در هر كنگره محلی شورای طریقت يك نماینده رسمی می فرستد كه جزو هیئت رئیس آن قرار می گیرد وظایف عمده او از این قرار است:

«اولاً» توضیحات مفیده داده به كنگره برای كارهای آن و سخن گفتن در موقع لزوم بعلمت مخصوص برای منافع ماسنری .

«ثانیاً» یادداشت برداشتن مسائلی كه بنظر او با اهمیت می آید تا بشورای طریقت راپورت بدهد .

نماینده مزبور حق شركت در هیچ رأی ندارد .  
جلسات كنگره های محلی و آداب ماسنی بپایه استادی واقع میشود .  
سالاران آن در جلسه اول مانند سالاران لژها انتخاب میشوند .  
چراغهای پنج گانه و خزانه دار تشكيل هیئت رئیس كنگره را داده و تا كنگره بعد بشغل خود باقی هستند .

۱۰ - هیئت رئیس هر كنگره باید لا اقل از يك ماه پیش مسائلی را كه توضیحات مستند و احضائی و مالی لازم دارد به شورای طریقت برساند منتها بفاصله دو ماه پس از كنگره باید راپورت اعمال را بشورای طریقت بدهد .

۱۱ - همه كنگره های محلی باید منتها تا پانزدهم ماه ژون هر سال ختم شود تا شورای طریقت بتواند بموقع راپورتها و درخواستها و چیزهای دیگر ایشان را دریافت کرده برای جلسه عمومی حاضر کند .

# کتاب دوم

## هیئت اتحادیه

### فصل اول

#### مجمع عمومی شرق اعظم

۱۹۸ - مجمع عمومی شرق اعظم هر سال در ماه سپتامبر در پاریس در عمارت خود کوچه کاده نمره ۱۶ (Rou Cadet No 16) در روزی که شورای طریقت معین میکند در تحت اداره موقتی او منعقد میشود.

۱۹۹ - پیش از افتتاح مجمع اعتبارنامه نمایندگان را شورای طریقت رسیدگی میکند در صورتی که شکایت یا اختلافی باشد حکم آن با مجمع عمومی است.

پس از آنکه اسامی نمایندگان خوانده شد و نمایندگی آنها قبول شد مطابق تقسیماتی که مجمع معین کرده تشکیل شعب میدهد.

اعضای شورای طریقت بترتیب حروف تہجی میان شعبہ‌ها توزیع میشود تا اینکه به نمایندگان توضیحات و اطلاعات لازمہ را بدهند لیکن رئیس و نویسندہ و مأمور نمیتوانند بشوند.

اعضای منفصل شورای طریقت پس از انتخاب جانشین ایشان تا آخر دورہ اجلاسہ بعزویت مجمع عمومی باقی هستند.

۲۰۰ - مجمع همینکہ تشکیل شد به انتخاب سالاران کہ باید مشاغل انتظامی را در مدت تمام کارهای مجمع دارا باشند می‌پردازد سالاران مذکور از این قرار اند:

يك رئيس

يك نگهبان اول

يك نكهبان دوم

يك خطيب و يك معاون

يك نويسنده و يك معاون

يك مميز بزرگ

دو مميز

يك امين خيريه

دو رئيس تشریفات

انتخاب به ورقه خطی واقع می شود.

۲۰۱- انتخاب رئيس فردی و در نوبت اول باکثريت تمامه رأی دهندگانست  
پنج سالاريکه بترتيب رتبه بعد از رئيس می آیند بامعاون خطيب به انتخاب جمعی  
و اکثريت نسبی رأی دهندگان منتخب می شوند.

دو مميز و امين خيريه و دو رئيس تشریفات به قرعه معين می شوند.

معاون نويسنده کسيست که در وقت انتخاب نويسنده بعد از او دارای  
اکثريت باشد در صورت تساوی آراء در باره چند نفر کبر من قاطعست.  
وظائف سالاران لرها در جلسات متعارفی.

رئيس می تواند رئيس دارالانشاء شرق اعظم را یا اگر او نباشد هر مستخدم  
ديگر اداری شرق اعظم را برای کمک کارهای مجمع بطور معاون نويسنده بطلبد و  
در شرق جا دهد مشروط بر اینکه ماسن منظم و استاد باشد.

۲۰۲- اخذ رأی در مسائليکه در مجمع مطرح می شود به قیام و قعود است  
اگر نتیجه مشکوک شد با ورقه شخصی و ذکر اسامی اخذ رأی می شود.  
رأی با اوراق ضروريست هرگاه بیست نفر از اعضا تقاضا کنند.  
رأی مخفی اکیداً ممنوعست.

نتیجه آراء اکثريت تمامه اعضا حاضره است در پیشنهادهاییکه بمجمع شده  
علناً رأی گرفته می شود اکثريت اعضا حاضره مناط اعتبار است.

لیکن رأی معتبر نیست مگر اینکه لااقل ثلث نمایندگان لژها در مجمع حاضر باشند.

۲۰۳- ترتیب کارهای دوره اجلاس به یکماه لااقل پیش از انعقاد مجمع عمومی بتوسط شورای طریقت به لژهای هیئت اتحادیه پیشنهاد می شود .  
مجمع در هر صورت مختار دستور خود می باشد .

۲۰۴- صورت مجلس کارهای هر جلسه در ابتدای جلسه بعد خوانده می شود.  
در هر جلسه پیشنهادها و تمناهای نمایندگان لژها قرائت می شود تا اینکه مطابق آنچه در بندهای ( ۴۶ ) و ( ۴۷ ) قانون اساسی مذکور است در باره آنها عمل شود .

هر پیشنهاد تازه باید ارجاع بشعب یا کمیسیون مخصوصی شود در همان جلسه که آن پیشنهاد شده نمی توان بر آن رأی گرفت .

۲۰۵- جلسات مجمع عمومی بطور جلسه منظم بپایه استادی واقع می شود.  
تمام فراماسنهای رسمی یا افتخاری که دارای پایه استادی باشند حق دارند بطور مهمان در آنجا حاضر شوند و مکانی مخصوص علیحده از مکان اعضاء مجمع دارا می باشند اظهار علامت رد یا قبول از ایشان ممنوعست در صورتیکه از طرف مهمانان بی نظمی شود رئیس می تواند ایشانرا از مزکت خارج کند .

مجمع حق دارد در هر موقع بموجب رأی جلسه خصوصی تشکیل دهد .

### نمایندگان در مجمع عمومی

۲۰۶- تمام لژهای هیئت اتحادیه باید در مجمع عمومی نماینده داشته باشند.  
هر لژی که مطابق ماده « ۱۶۳ » به مجمع عمومی نماینده نفرستد دفعه اول ۱۰۰ فرانک جریمه می دهد در صورت تکرار بدون عذر مقبول ممکنست مجمع عمومی علاوه بر اخذ جریمه در دوره اجلاسیه بعد پس از تفتیش شورای طریقت لژ مفسر را تعطیل یا خراب کند ولیکن لژ مزبور در عین اینکه مسئول ادای جریمه می

باشد حق دارد ادای آنرا بر عهده نماینده خود یا نایب او بگذارد که او از حضور در مجمع مانع پیدا کرده و غفلت نموده از اینکه به موقع شورای طریقت را آگاه سازد تا عذر کارخانه به مجمع عمومی رسیده باشد .

حضور نمایندگان لژها در جلسات مجمع عمومی اجباریست و در هر جلسه محقق می شود بواسطه ورقه که منقسم بدو قسمت است و هر کدام از آن دو قسمت يك نمره ترتیبی دارد يك قسمت از ورقه را نماینده در وقت ورود اطاق در ابتدای جلسه به میز می دهد و قسمت دیگر را در آخر کارها در وقت خروج تسلیم می کند .

غیبتهای بدون عذر و دلیل در صحیفه اعمال شرق اعظم درج می شود .  
 ۲۰۷- نمایندگان لژهای داخله فرانسه غیر از لژهای ایالات سن و سن او از همچنین اعضای شورای طریقت که در خارج از این دو ایالت مسکن دارند حق دارند مخارج مسافرتی برای رفتن و برگشتن به میزان یکفرانک و صد و بیست و پنج میلیم برای هر ده کیلومتر دریافت کنند کسور ده کیلومتر که از چهار کیلو متر کمتر باشد محسوب نمی شود .

این خرج مسافرت را صندوق شرق اعظم می دهد .

## فصل دوم

### شورای طریقت

۲۰۸- شورای طریقت هر سال پس از تجدید پنج کمیسیون دائمی انتخاب می کند از اینقرار :

- ۱- کمیسیون اموراداری .
- ۲- کمیسیون روابط خارجی .
- ۳- کمیسیون محاکمات و امور قضائیه و مستدعیات .
- ۴- کمیسیون مالیه و انبیه .

۵- کمیسیون صحیفه اعمال و دفتر و کتابخانه.

۲۰۹- هیئت رئیس شورای آرای شور را مجری می نماید .

کار دارالانشا را مرتب می کند .

مستخدمین شرق اعظم را اداره می کند .

۲۱۰- منشیان شورای طریقت در کار دارالانشاء کل نظارت می کنند .

۲۱۱- شورای طریقت هر ماه دو جلسه متعارفی دارد .

در اعتدال ربیعی جلسه کلی منعقد می کند .

۲۱۲- جلسات کلی شورای بطریق ماسنی به پایه استادی واقع می شود .

برای فرانسمنهای منظم هیئت اتحادیه آن جلسات علنی است .

لیکن شورا می تواند رأی بدهد که جلسه خصوصی منعقد کنند .

۲۱۳- در جلسات متعارفی لااقل حضور هفت نفر از اعضاء لازمست تا مذاکرات و آراء معتبر باشد .

برای اعضای شوری که در ایالات سن و سن اواز ساکنند حضور در این جلسات اجباریست غیبتهای بدون دلیل در صورت مجلس درج می شود .

۲۱۴- اعضای شورای طریقت یا برادرانیکه از جانب آن به تفتیش یا استواری کارخانه ها یا مأموریت دیگر مأمور می شوند حق دارند مخارج سفر و اقامت خود را دریافت نمایند .

اعضای شورا که خارج از ولایات سن و سن اواز مسکن دارند حق ندارند مگر بدریافت مخارج مسافرت برای حضورشان در جلسات عمومی کلی در اعتدال ربیعی .

۲۱۵- منشورها و توقیعات و طفرهای شخصی باید به امضای رئیس شورای طریقت و یکی از نویسندگان و لااقل دو نفر اعضای دیگر برسد .

فرامین تأسیس کارخانجات را رئیس و نویسنده و لااقل چهار نفر از اعضاء امضا می کنند .

فرامین تأسیس خانقاهها و کنگاشستانها بعلاوه باید بامضای اشخاص مذکور در ماده ۲۳۲ برسد .

تمام این فرامین را مهرداد باید مهر کند .

۲۱۶- در صورتیکه اعضای شورای طریقت استعفا داده باشند دو باره همان اعضا قابل انتخابند لیکن فقط برای مدتیکه عضویت ایشان باقیست .

۲۱۶ مکرر- شورای طریقت می تواند در خارج خاک فرانسه از شرقهای مهم از میان برادرانیکه قابلیت و خدمتگذاری فوق العاده ظاهر می گردد باید برای شرق اعظم سالاران افتخاری تعیین کند .

سالاران افتخاری بموجب نمایندگی مخصوص از طرف شورای طریقت می تواند مأموریتهاییکه عادتاً مختص اعضای شوری می باشد انجام دهند . هرگاه اعضای شوری به سبب بعد مکان از انجام آنها ممنوع باشند .

در صورتیکه در پاریس اقامت داشته باشند می توانند در شورای طریقت حاضر و داخل مذاکره شوند اما حق رأی ندارند .

نصب ایشان هر سال پس از تجدید ثلث اعضای شورای طریقت باید تصدیق شود .

نشانه های ایشان حمایتیست شبیه بحمایل اعضای شورای طریقت با این تفاوت که مزین بیک شاخه عقاقیا و یکشاخه بلوط گلپتون دوزی نقره باشد .

۲۱۶ ثالث - هر موقع که در خارج خاک فرانسه برای ایجاد و نگهداری و بسط کارخانه های شرق اعظم فرانسه مقتضی شود شورای طریقت می تواند برای صحت مذاکرات کارخانه ها و اعطای پایه ها و فرامین ماسنی اجازه دهد که از دستور مقرر نظامنامه طریقت انحراف جسته شود .

این انحراف باید بموجب احکام مدال مخصوص بهر موقع خاص اضطراری واقع شود که نظامنامه عمومی تواند پیش بینی کند .

هرگاه راجع بمذاکرات لژها باشد نباید هیچ وقت حال دائمی پیدا کنند و بیش

از شش ماه جریان نماید .

برای تشکیل کارخانه‌های جدید شورای طریقت اختیار دارد که يك يا چند نفر فراماسن را نمایندگی دهد تا پایه‌های ماسنی اعطا کنند مشروط بر اینکه آن فراماسن ها منظم باشند و دارای پایه که لا اقل معادل پایه‌ای که می‌خواهد اعطا کند باشد و مشروط بر این که در آن مکان کارخانه مشابهی تابع شرق اعظم وجود نداشته باشد .

فرامین ماسنی راجع به این اعطای پایه مستقیماً بتوسط شورای طریقت به تقاضای مخبرشورا بصاحبان آن داده میشود ولی گیرنده باید مکلفات مقرر را ادا کند و قبل از انقضای يك سال عضو رسمی یکی از کارخانه‌های شرق اعظم بشود .

## فصل سوم

### مجلس تمیز

۲۱۷ - اعضای مجلس تمیز را هر سال مجمع عمومی پس از انتخاب اعضای شورای طریقت بهمان ترتیب انتخاب میکند .

ابتدا پس از انتخاب قضاة پانزده گانه از میان ایشان پنج قاضی به قرعه معین میشود که مشاغل آنها در رأس يك سال و پنج قاضی دیگر که در رأس دو سال مشاغلشان منتقضی میشود .

۲۱۸ - رئیس و نایب رئیس و نویسندة مجلس تمیز هر سال در ابتدای دوره اجلاسیه ماه سپتامبر انتخاب میشوند ذکر این امر در جزو رسمی صحیفه اعمال شرق اعظم میشود .

۲۱۹ - اعضای مجلس تمیز که خارج از ولایات سن و سن آواز ساکنند حق دارند برای خرج مسافرت و حضور در جلسات در ازای هر ده کیلومتر ایاباً و ذهاباً يك فرانك و صد و بیست و پنج میلیم دریافت کنند .

این مخارج از صندوق مرکزی طریقت تأدیه میشود .

۲۲۰ - مجلس تمیز جلسات خود را بطریق ماسنی به پایه شاکردی تشکیل

میدهد .

کارهای آن صحت ندارد مگر اینکه پنج نفر از قضاة لا اقل حاضر باشند .

مباحثات علنی و مشاورات که منتهی به رأی می شود خصوصی است .

۲۲۱ - کار دفتر داری مجلس تمیز بتوسط دارالانشاء شرق اعظم انجام می یابد

و يك نفر از مستخدمین آن در جلسات نویسنده مجلس تمیز را معاونت میکند .

## فصل چهارم

### بارگاه بزرگ آئین ها

#### قسمت اول

#### تشکیل و ترتیب آن

۲۲۲ - بارگاه بزرگ آئین ها مرکب است از فرانماسنهائی که دارای پایه

«سی و سوم» باشند و عده ایشان کمتر از نه و بیشتر از سی و سه نفر نمیتواند باشد .

مقرآن یاریس است .

۲۲۳ - اعضای رسمی بارگاه باید در داخله فرانسه سکنا داشته باشند .

هر يك از ایشان باید عضو رسمی يك لژ و يك خانقاه و يك کنگاشستان

باشند .

اعضای مزبور مکلف هستند که در تمام جلسات بارگاه حاضر شوند مگر

اینکه عذر موجه داشته باشند .

هر عضو رسمی که بدون عذر موجهی که بارگاه آن را بپذیرد و سه جلسه در

يك سال غیبت کند مستعفی محسوب میشود .

۲۲۴ - برای اینکه شخص عضو رسمی بارگاه شود باید لا اقل در شش ماه به

پایه سی و سوم سیر یافته و سه نفر از اعضای رسمی بارگاه او را معرفی کرده باشند

این معرفی باید در رقعہ دعوت با اسامی معرفیین جزو دستور گذاشته شود .

پذیرفتن او به اکثریت آراء رأی دهندگان به رأی مخفی اعلام میشود .

۲۲۵ - بارگاه میتواند اعضای افتخاری داشته باشد .

این اعضا اعضای رسمی قدیمی بارگاه خواهند بود که شایستگی داشته باشند و اجرای وظایف عضویت رسمی برای آنها غیر مقدور یا مشکل شده باشد .  
سمت عضو افتخاری بموجب رأی مخصوص بارگاه حاصل میگردد و اخذ این رأی پس از آن است که در دعوتنامه ها جزو دستور مذکور شده باشد .

اعضای افتخاری هر وقت در جلسات حاضر باشند برای سیر دادن و اعطای پایه ها حق رأی و برای سایر امور حق مذاکره دارند .  
اعضای افتخاری که در داخله فرانسه سکنا دارند دعوت نامه برای آنها فرستاده میشود .

۲۲۶ - بارگاه منقسم میشود بیک عدد شعب معادل عدد آئین هائی که شرق اعظم فرانسه آنها را تصدیق دارد .

سالاران بارگاه بزرگ آئین ها از این قرارند :

۱ « فرمان فرمای بزرگ

۲ « نایب اول فرمان فرما

۳ « نایب دوم فرمان فرما

۴ « خطیب بزرگ

۵ « دبیر بزرگ

۶ « خزانه دار بزرگ

۷ « امین خیریه بزرگ

۸ « مهر دار بزرگ

۹ « رئیس نشریات بزرگ

۱۰ « رئیس بزرگ پاسبانان

خطیب بزرگ و دبیر بزرگ هر يك معاون هم میتوانند داشته باشند .  
این سالاران برای مدت يك سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند .

۲۲۸- بارگاه بزرگ آئینها هر سال چهار جلسه متعارفی در موقع انقلابین و اعتدالین دارند، در موقع لزوم بطور فوق‌العاده نیز منعقد تواند شد .  
انتخابات عمومی آن هر سال در نزدیکترین جلسه به مجمع عمومی شرق اعظم واقع می‌شود .

۲۲۹- بارگاه بزرگ آئینها نمی‌تواند از روی صحت کار کند مگر اینکه اعضای حاضر در جلسه ثلث عده کل بوده باشند لیکن اگر عده کل کمتر از بیست و يك باشد عده اقل حضار کمتر از هفت نفر نتواند بود .  
۲۳۰- مخارج بارگاه بوسیله حق‌الورود و مالیات سالانه که اعضاء آن می‌دهند و مبلغ آنرا هم خود بارگاه معین می‌کند پرداخته می‌شود .

## قسمت دوم

### وظایف بارگاه

۲۳۱- بارگاه بزرگ آئینها نگهبان آداب و رسوم محفوظه و ناظم ترتیبات ماسنیست برای کارهای همه پایه‌ها آئین نامه‌ها درست می‌کنند که رعایت آنها از طرف شرق اعظم به کارخانه‌ها توصیه می‌شود و تصرفات در آئین نامه‌ها هم بتوسط او می‌شود .

تعلیمات پایه‌های متنوعه را انشاء می‌کند یا تصویب می‌نماید .  
به‌استشاره شورای طریقت رأی خود را در مسائل راجع به آداب و رسوم و محفوظه و ترتیبات ماسنی اظهار می‌کنند .

۲۳۲- بارگاه درباره تقاضای نامه‌های خاتقاهی و طفرایهای اساسی برای تأسیس خانقاه‌ها و کنگاشته‌ها چنانکه در مواد «۱۲» و «۱۶» مذکور است بشورای طریقت اظهار رأی می‌کند .

فرمانهای تأسیس این کارخانه‌ها باید به اعضای فرمانفرمای بزرگ و دبیر بزرگ برسد.

۲۳۳- بارگاه در باب تقاضای اتصال و جمع آئینها چنانکه بعد از این در قسمت سوم و چهارم توضیح می‌شود اظهار رأی می‌کند.

۲۳۴- تنها بارگاه حق دارد اشخاص را به بلندترین پایه‌های فرمانماری یعنی پایه ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ آئین اسکانلندی و پایه‌های معادل آنها از آئینهای دیگر مصوبه شرق اعظم سیر دهد پایه‌های مطابق این درجات را موافق ترتیبات قسمت پنجم که بعد خواهد آمد عطا می‌کند.

۲۳۵- بارگاه نمی‌تواند بهیچوجه در آنچه که راجع به حکومت و اداره طریقتست مداخله کند.

### قسمت سوم

#### اتصال آئینهای تازه

۲۳۶- مجامع ماسنی که دارای آئینی باشند که شرق اعظم فرانسه آنها را پذیرفته و می‌خواهند پذیرفته شوند باید مخصوصاً این تقاضا را بشرق اعظم اظهار کند و فرامین اصلی و نظامنامه های خود را هم بفرستند.

این نوشتجات را شرق اعظم به بارگاه می‌فرستد و او به اکثرین نامه آرا به رأی مخفی کمیسیون مرکب از پنج عضو معین می‌کند که مأمور ملاحظه آن نظامنامه‌ها و آئین نامه‌ها و ممیزی فرمان تأسیس تقاضا کنندگان باشد.

این کمیسیون راپورت خود را کتباً می‌دهد چه در باب کیفیت آئین چه در مجموع آن.

اگر آن آئین چیزی مخالف اخلاق و اصول کلیه طریقت نداشته باشد بارگاه موقتاً حکمی می‌دهد هرگاه آن حکم مساعد باشد فوراً به آن مجمع اطلاع داده می‌شود و او صورت اعضاء خود را بشرق اعظم می‌فرستد و تعهد می‌کند که از هر حیث باقانون اساسی و نظامنامه طریقت موافقت کند.

۲۳۷- خطیب بزرگ بارگاه رایورتی به شورای طریقت می‌دهد و او حلقه قطعی می‌کند.

همینکه آئین پذیرفته شد فرامین و نظامنامه‌ها و آئین نامه‌ها را در دفتر شرق اعظم ضبط می‌کند و نسخه‌ای از حکمی که ضبط آن اسناد در آن مذکور است برای مجمع فرستاده می‌شود.

همه کارخانه‌هایی که در آن آئین تأسیس شده‌اند پس از تبدیل فرمان اولیه خود به فرمان تازه که از شرق اعظم فرانسه صادر شده باشد جزو هیئت اتحادیه محسوبند.

۲۳۸- در صورتیکه کارخانه تقاضا کند که به آئین جدید القبول تأسیس شود باید مطابق قواعدی که برای تأسیس کارخانه‌ها مقرر است رفتار کند.

اگر شرق اعظم آن آئین را نپذیرفت اسناد اصلی و نظامنامه و آئین نامه‌ها را به مجمع تقاضاکننده مسترد می‌دارد.

### قسمت چهارم

#### تقاضای جمع آئینها

۲۳۹- هرلژی که در تحت توجه شرق اعظم فرانسه تشکیل شود اساس آن بر آئین فرانسه نهاده می‌شود لیکن می‌تواند بر حسب تقاضای خود اجازه جمع آن آئین را به آئین دیگر بگیرد.

هیچ کارخانه عالی نمی‌تواند اجازه جمع آئین بگیرد مگر اینکه این اجازه به لژی که بر آن متکیست قبلاً داده شده باشد.

۲۴۰- هر کارخانه که تقاضای جمع آئینها را می‌کند باید نوشتجات ذیل را بشرق اعظم فرانسه بفرستد:

۱- سواد رائی که در این بابت گرفته شده است به اکثریت دوثلث رأی دهندگان پس از دعوت مخصوص تمام اعضاء.

۲- صورت اعضا به امضای ایشان .

۳- منشورهای هفت عضو که دارای آئین مذکور هستند .

۴- فرمان تأسیس آئینی که کارخانه بآن آئین تأسیس شده .

۵- باجهای مقرر .

در صورتیکه کارخانه نتواند توشیجات مذکور در فقره سوم را ابراز دارد بجای آنها تصدیقنامه از کارخانه دیگر که دارای همان آئین است می آورد مشعر بر اینکه هفت نفر از اعضای آن به آئین مذکور پذیرفته شده اند .

۲۴۱- اگر جمع آئینها یکی از کارخانه های شرق اعظم پاریس اعطا شود بهوسیله سه نفر مأمور که شورای طریقت حتی الامکان ایشانرا از اعضای خود انتخاب می کند به افتتاح آن آئین اقدام می شود .

اگر کارخانه از شرق دیگری غیر از پاریس باشد شورای طریقت افتتاح آن را معین می کند .

۲۴۲- کارخانه که تقاضای جمع آئین می کند می تواند مهمان پذیرد اما قبل از آنکه آن آئین افتتاح شده باشد نمی تواند اقدام بسیردادن یا پیوستگی بآئین مزبور بنماید .

### قسمت پنجم

#### اعطای پایه های عالی

۲۴۳- پیشنهادهای کنگاشتونها مشعر بر تقاضای اعطای پایه های عالی به بعضی از اعضای خود باید بفرمانفرمای بزرگ بارگاه اظهار شود .

و همچنین است تقاضای اعضای شورای طریقت بموجب ماده ۸۹۶ .

برای هر يك از این پیشنهادها یا تقاضاها فرمانفرمای بزرگ بکنفر از اعضای بارگاهرا مأمور می کند که آنها را ملاحظه کرده و مرقومات آنها را معیزی نموده اطلاعات لازمه تحصیل کرده ببارگاه راپورت کتبی بدهد .

۲۴۴ - بارگاه پس از آنکه قرائت راپورت و پیشنهاد یا تقاضا را استماع کرده اول رأی میدهد در این که آیا ارتقاء رتبه باید داده شود یا نه هرگاه رأی برای خواستار مساعد بود بارگاه رأی می دهد و یا باید او را فوراً پیاپی های سه گانه عالی پذیرفت یا فقط بدو پیاپی یا تنها پیاپی اول .

هرگاه ارتقاء رتبه فقط برای پایه «۳۱» عطا شود برای دو پایه دیگر عطا نمیشود مگر برای هر کدام بفاصله یکسال .

اگر برای دو پایه «۳۱» و «۳۲» در آن واحد قبول شده باشد برای پایه «۳۳» قبول نمیشود مگر بفاصله یکسال .

۲۴۵ - اگر برادری که پایه «۳۱» یا «۳۲» قبول شده دور از پاریس و در خاک فرانسه ساکن باشد سیر او ممکن است واقع شود بتوسط سه برادر که دارای پایه اعطا گردنی باشند و مخصوصاً از طرف بارگاه مأمور شده باشند .

اگر آن برادر در خاک فرانسه یا ورا بحر یا ممالک خارجه ساکن باشد سیر او ممکنست بتوسط دو نماینده بلکه يك نماینده تنها واقع شود .

نماینده ها را باید در مکان ماسنی سیر بدهند و صورت مجلس آنرا بنویسند و به امضای تازه سیر یافته رسانیده ببارگاه بفرستند .

۲۴۶ - سیر پایه «۳۳» واقع نمیشود مگر در جلسه بارگاه ولیکن بعضی ملاحظات راجع بمزاج یا دوری پذیر رفتار بارگاه میتواند بموجب رأی مخصوص بادلیل حکم کند که سیر موافق ماده «۲۴۵» داده شود .

۲۴۷ - اعطای پایه های عالی مستلزم هیچ گونه تکلفات نقدی نمیشود .

۲۴۷ مکرر - پایه های عالی ممکنست به عنوان افتخاری بتوسط بارگاه داده شود بموجب اجازه شورای طریقت بفرانماسنها یکی که جزو هیئت شرق اعظم فرانسه نیستند و تابع هیئت های ماسنی هستند که مقر آنها در خارج فرانسه است . اجازه این امر را شورای طریقت بنا بر راپورت کمیسیون روابط خارجه میدهد شرایط مقتضیه اعطای این پایه ها باعضای هیئت اتحادیه در این صورت معجزی

یست فقط و خلیفه‌ای که پذیرفتار باید بجا آورد اینست که سندی ابراز کند که پایه‌شو  
 «کاد» یا بالائر را منظمأ دارا می‌باشد.

بارگاه می‌تواند بموجب رأی مخصوص بسبب بعد مکان خواستار را از آداب  
 مقرر در مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ معاف دارد.

اهلای طراه‌های بزرگ بعنوان خارجه مستلزم تکلف مقرر در ماده ۲۴۷  
 نظامنامه عمومی است.

مخارج این فرامین در جزو اعتباراتی است که در بودجه سالانه برای روابط  
 خارجی منظور میشود.

## فصل پنجم

### نشانهای اعضای شرق اعظم

۲۴۸- نشانهای اعضای شورای طریقت از این قرار است :

۱- يك حمایل بعرض ۱۱ سانتیمتر از نوار موجودار نارنجی رنگ با حاشیه  
 سبز که بطور صلیب قرار داده شده و چنانکه در ماده بعد مذکور است زردوزی  
 شده باشد.

۲- يك گلچة مرکب از يك نواری از همان رنگ مزین به ریشة طلا که به  
 آویز آن کلمات شورای طریقت زردوزی شده باشد.

۲۴۹- حمایل رئیس بعرض ۱۳ سانتیمتر مزین است بیک زنجیر یکانگی  
 و سه شاخه عفاقیای درهم پیچیده وسط آن مثلثی است درخشان با علامت مقدس و  
 تمام آن زر دوزیست.

حمایل نابیان رئیس شبیه بآلست با این تفاوت که دو شاخه عفاقیای طلا و  
 يك شاخه بلوط نقره دارد.

حمایل سایر اعضای شورای طریقت مزین بدو شاخه عقاقیا دوخته شده از نقره بایک منگله سبز نقره دروسط .

۲۵۰ - قضاة مجلس تمیز يك گلچه سبز دارند باحاشیه نارنجی مزین بیک رشته نقره که باویز آن این کلمات «مجلس تمیز» زردوزی شده است .

۲۵۱ - اعضای بارگاه حمایلی دارند بعرض ۱۱ سانتیمتر از نوار موجودار سفید بایراق طلا از هرطرف بشکل صلیب که وسط آن مزین است بیک مثلث درخشان با عدد «۳۳» ودرچپ وراست آن سه ستاره بطورمثلث قرار داده شده واین جمله باطلازردوزی شده است .

۲۵۲ - درجلسات مجمع عمومی اعضای شورای طریقت باید نشان های خود را داشته باشند .

نماینده های لژها باید حمایل استادی بیاویزند لیکن آنها که ارجمند هستند میتوانند بجای این حمایل یا با این حمایل شغل خود را بیاویزند .

## فصل ششم

### جشنها و مهمانیها و مراسم سوگواری

#### شرق اعظم

۲۵۳ - هر سال شرق اعظم يك جشن طریقتی دارد که در دنباله آن مهمانی طریقتی میدهد و این امر پس از ختم مجمع عمومی است .

يك جشن هم حتی الامکان در نزدیکی انقلاب شتوی دارد .

۲۵۴ - ترتیب جشن و مهمانیها با شورای طریقت است .

مهمانی ها را بشکل ماسنی بیایه شاگردی مجری میدارند .

در مهمانی که بعد از مجمع عمومی است شادخواری های اجباری از این قرار است :

- ۱ - سلامت جمهوری فرانسه .
- ۲ - سلامت شرق اعظم فرانسه و سایر هیئت‌های ماسنی .
- ۳ - سلامت کارخانهای هیئت اتحادیه .
- ۴ - سلامت رئیس مجمع عمومی
- ۵ - سلامت رئیس شورای طریقت و رئیس مجلس تمیز و رئیس بارگاه بزرگ آئین‌ها .
- ۶ - سلامت مهمانان و تمام فرانماسنهای خوشبخت یا بدبخت که در دو روی زمین هستند این شادخوار بهار را رئیس جلسه عمومی یا سالار که جانشین او است فرمان میدهد مگر چهارمی را که رئیس شورای طریقت فرمان میدهد .
- ۲۵۵ - هر سه سال شورای طریقت هنگام جلسات کلی خود يك جلسه سوگواری برای ذکر خیر فرانماسنهای متوفی باید داشته باشد .

## فصل هفتم

### دستگیری ماسنی

- ۲۵۶ - درباريس يك کمیسیون مرکزی دستگیری ماسنی موجود است که مقر آن عمارت شرق اعظم فرانسه میباشد .
- این کمیسیون مرکب است از ۹ نفر که مجمع عمومی از میان اعضای خود انتخاب می‌کند انتخاب اعضای کمیسیون مرکزی دستگیری ماسنی بهمان طریق انتخاب اعضای شورای طریقت واقع می‌شود تجدید انتخاب اعضای منفصل جایز است اعضای کمیسیون در تمام مدت مأموریت خود به‌عشاعل عضویت شورای طریقت و مجلس تمیز نمی‌توانند منتخب شوند .
- هر سال در ماه سپتامبر کمیسیون يك رئیس يك نایب رئیس يك نویسنده انتخاب می‌کند و این امر در صحیفه اعمال شرق اعظم ذکر می‌شود .

این کمیسیون در تحت مراقبت شورای طریقت با نظارت سالیانه مجمع عمومی صندوق همبستگی مرکزی ماسنیرا اداره می‌کند .

اعضای کمیسیون دستگیری ماسنی که در مجمع عمومی نمایندگی ندارند می‌توانند در جلسات مجمع عمومی حاضر شده برای مسائلی که راجع به دستگیری ماسنیست فقط داخل مذاکره شوند .

۲۵۷- به این کمیسیون امنای خیریه لژهای ولایت سن بنوبت منضم می‌شوند. هر لژی که امین خیریه نتواند بفرستد باید یکی دیگر از اعضای خود را به این شغل معین کند برادران مذکور بعد از شش نفر در کارهای کمیسیون شرکت کرده بعد از سه ماه تبدیل به شش نفر دیگر می‌شوند بشرطی که اسامی لژها در سالنامه شرق اعظم مذکور است این اشخاص هم حق رأی در مسائل دارند .

برادران منفصل پس از انقضا مدت سه ماه در سه ماه بعد باز در کارهای کمیسیون شرکت دارند لیکن حق رأی ندارند .

۲۵۸- دستگیری ماسنی شاملست هر امری را که راجع به احسان باشد از سه نقطه نظر بدنی اخلاقی عقلائی از این قرار :

۱- دستگیری فقرا بواسطه تقسیم خوراک و لباس و اعانه نقدی .

۲- اعانه برای پزیشان روزگاری آشکار .

۳- کمک برادرانه به فراماسنها در بدبختی و کمک و حمایت بیوه ها و یتیمان آنان .

۴- تأسیسات ماسنی از قبیل دارالعجزه و دارالفقرا و دارالاطفال و مدرسه و دارالایتام و دارالضعفا تعلیم مجانی و کتابخانه های عمومی .

۲۵۹- عایدات صندوق مرکزی همبستگی از قرار ذیل است :

۱- سهام شرکت بی اسم غیر منقوله و دیون مختلفه .

۲- حاصل جشنها و کنسرت هر نوع مجالس و محافل که لژها برای جمع

و جزء خیریه ماسنی فراهم کنند همچنین اعانه‌ها و احسانها که فراماسنها در تحت توجه خود به‌اجازه شرق اعظم فراهم می‌نمایند .

۳- بخشش‌های اختیاری کارخانها و فراماسنها .

۴- بخشش‌های پولی یا جنسی از قبیل تخت خواب و لباس و پارچه و کفش و

ماکولات و غیره .

۵- عایدات کیسه خیریه شرق اعظم .

۶- عایدات جریمه‌ها که باین مقصد بکار می‌رود .

۷- عایدات مالیاتهایی که لژهای هیئت اتحادیه برای اعضای رسمی خود به

همان شرایط مالیات سرانه می‌پردازند بموجب ماده (۱۶۷-۱۷۰) .

۲۵۹ مکرر - وقتی که لژی در هیئت اتحادیه می‌خواهد اعانه برای یکی

از اعضای خود یا خانواده برادر متوفی مطالبه کند باید طلب نامه بامضاء سالاران موافق ماده «۱۷۳» بشرق اعظم بفرستد .

این مطلب نامه عبارتست از سواد صورت مجلس جلسه منظمی که در آن

جلسه این رأی گرفته شده و باید متضمن باشد :

اولا- بیان اموری که لژ را مجبور کرده از اینکه بصندوق مرکزی همبستگی

ماسنی متوسل شود و ذکر مراتب و خدمات ماسنی برادریکه برای او یا خانواده او بطور موقت یا مقرر استعانت می‌کند .

ثانیا - مبلغ موجود صندوق امین خیریه آن کارخانه .

هرگاه دوسیه این طلب نامه کامل و منظم باشد شورای طریقت آنرا بضمیمه

رأی خود بکمیسیون دستگیری ماسنی می‌فرستد و کمیسیون در جلسه اول خود

رأی می‌دهد در صورتیکه اعانه راجع به فراماسن یا خانواده فراماسنی باشد که

جز لژی از هیئت اتحادیه بوده که فعلا موجود نیست شورای طریقت لژی را که

باید این طلب نامه را بفرستد تعیین می‌کند .

۲۵۹ ثالث - کمیسیون دستگیری ماسنی لاقفل هر « ۱۵ » روز در عمارت شرق اعظم فرانسه يك جلسه می‌کند که در آن جلسه در باب تمام استعانت‌هائی که از شرق اعظم شده رأی می‌دهد .

آرای خود را فوراً بشورای طریقت اعلام می‌کند و شورا در ظرف يك هفته آراء را جمع باستعانت‌هائی که مطابق ماده قبل شده بلژهای مربوطه اطلاع می‌دهد در همین ضمن شورای طریقت مبلغ اعانه را که رأی داده شده می‌فرستد و از وجوه صندوق مرکزی همبستگی ماسنی که منحصرأ برای این استعانت‌ها معین شده اخذ می‌نماید .

مخارج ارسال از مبلغ رأی داده شده کسر می‌شود در صورت کارهای شرق اعظم اعانه‌هائی که داده شده ذکر می‌کنند .

لژ خواستار در ظرف یکماه پس از دریافت اعانه مصرف وجه را بشورای طریقت راپورت می‌دهد و شورا ملاحظه می‌کند که آن مصارف بقاعده بوده یا نبوده است .

ممکن است لژها از مجمع عمومی بعد در آراء کمیسیون دستگیری ماسنی تقاضای تجدید نظر کنند .

درباره این تقاضا باید در جلسه منظم رأی داده باشند و با بیان دلائل تقاضا را بشرق اعظم بفرستند .

کمیسیون مخصوص هر سال مأمور خواهد شد که محاسبات و مصرف وجوهی را که منحصرأ برای صندوق مرکزی همبستگی ماسنی معین شده تفتیش کنند .

۲۶۰ - شبیه بترتیبات دستگیری ماسنی پاریس ممکن است ترتیباتی فراهم شود در شرق‌هائی که چندین لژ دارد لیکن نمی‌توانند آنها در ترتیبات و کارهای صندوق مرکزی همبستگی ماسنی طوریکه در نظامنامه عمومی دستور داده شده دخل و تصرف بکنند .

۲۶۱- منسوخست .

۲۶۲- منسوخست .

۲۶۳- هر فرانماسن بدبختیکه مقیم پاریس باشد یا از آنجا عبور کند و درخواست مهمان نوازی یا هر نوع دستگیری کند باید بدازالانشاء کل رجوع نماید و توجّهات لازمه برای تحقیق صفت ماسنی و هویت خود بطلب نامه خود منضم کند .

۲۶۴- منسوخست .

۲۶۵- منسوخست .

## فصل هشتم

### یادداشت‌های ماسنی

مواد «۲۶۶» تا «۲۷۴» در جلسه عمومی پانزدهم سپتامبر ۱۸۹۲ منسوخ و یادداشت‌های ماسنی برای فرانماسنهای هیئت اتحادیه موقوف شده است .

## فصل نهم

### مخاطبه ماسنی

#### قسمت اول

#### تقصیر و مجازات‌های ماسنی

#### جزوه اول

#### تقصیرات فرانماسنها

۲۷۵- هر کاریکه موجب وهن فرانماسن یا فرانماسنری شود تقصیر ماسنی محسوب است از قبیل تخلف از تمهیدات ماسنی اعطای پایه درینهایی و تعارف گرفتن

در ازای آن و هر کاری که در هیئت اجتماعی شرف شخصی را لکه دار کند یا موجب بد نامی باشد و خسارت عمدی وارد کردن بجان یا آبرو یا مال و خسارت عمدی وارد کردن بجان یا آبرو یا مال دیگران دائم النصری عربده صحبت‌های بی ادبانه ناشایسته با آواز بلند نافرمانی ماسنی مقرون بوقایع ناگوار تکرار مخالفت با نظام داخلی.

۲۷۶- تفصیلات مزبوره را بر حسب اقتضا مجازات می‌دهد بوسیله سلب حقوق ماسنی و اخراج از فرانماسنری یا توقیف موقتی حقوق و مشاغل ماسنی برای مدتی که کمتر از یکماه و بیشتر از پنجسال نتواند بود لیکن ممکنست بموجب رأی با دلیل حکم شود که در اجرای مجازات مهلت داده شود اما در صورتیکه ثانیاً شخص محکوم گردد بدو مجازات اولی مجری می‌شود و مجازات دومی هم بجای خود است.

۲۷۷- سرآمد همه تعهدات از جانب فرانماسن هائیکه بنام توجه و بموجب اختیارات عطا شده از شرق اعظم فرانسه بهر درجه از درجات سیر ماسنی یافته‌اند تعهد متابعت شرق اعظم فرانسه است که برای فرانسه و مستملکات شورای عالی می‌باشد و تعهد اطاعت از آنچه راجع بمسائل فرانماسنری بین المللی می‌باشد و در این خصوص تصریح لازم نیست.

فرانماسنهای هیئت اتحادیه شرق اعظم فرانسه باید از مشارکت با مجامع ماسنی یا مدعی ماسن بودن که شرق اعظم از تصدیق آنها امتناع کرده یا روابط خود را بآنها قطع نموده احتراز جویند.

هر کس مخالفت کند حقاً غیر منظمست مگر اینکه در ظرف هشت روز از وقتی که باو اخطار می‌شود از آن مجمع غیر منظم کناره گرفته باشد.

عدم تنظیم را شورای طریقت اعلام می‌کند.

بعلاوه ممکنست برای اجرای مجازات‌های مذکور در ماده «۲۷۶» مقرر از جمیع طرق قانونی تعاقب شود.

## جزوه دوم تقصیرات کارخانها

- ۲۷۸- هر کارخانه که قانون اساسی را غیر معتنا قرار دهد یا مخالفت با نظامنامه عمومی کند یا با تقصیری که رئیس یا سالاران مرکب شوند مشارکت نماید توقیف یا از هیئت اتحادیه اخراج می شود.
- ۲۷۹- هر کارخانه که بواسطه نمایشهای خارجی امنیت عمومی را مختل کند توقیف یا از هیئت اتحادیه اخراج می شود.
- ۲۸۰- هر کارخانه که امتناع کند از محاکمه و رسیدگی بتظلمی که از طرف شورای طریقت باورجوع شده یا مستقیماً با اظهار شده یا آنکه آراء یا دستورالعملی را که مجمع عمومی یا شورای طریقت یا هیئت قضائیه در حد اختیارات و ظایف خود داده باشند محل اعتبار قرار ندهد توقیف یا از هیئت اتحادیه اخراج می شود.
- ۲۸۱- توقیف کارخانه از دوماه کمتر و از يك سال بیشتر نتواند بود.

## قسمت دوم تظلمات و اصلاح ذات البین جزوه اول تظلم از فراماسنها

- ۲۸۲- هر فراماسن رسمی حق دارد شکایت کند از فراماسن دیگر که رسمی است یا از رسمیت خارج شده و جزو هیئت اتحادیه بوده یا باشد.
- اصل شکایت نامه را باید شاکی اعضا کنند.
- شکایت نامه باید بمعهده مدعی علیهم بعلاوه دوتسخه به ارجمند لژیونیکه برادر مدعی علیه جزو آن هست یا اخیراً بوده داده شود.
- اگر مدعی علیه جزو چند لژیونیکه بوده یا هست صلاحیت محاکمه با نزدیکترین

لتر بمنزل او می باشد و اگر جزو چند لتر هم ردیف باشد صلاحیت بالزی است که قدمت عضویت رسمی او در آن بیشتر است.

ارجمند نسخه های شکایت نامه را ملاحظه کرده ملاحظه شد می نویسد و یکی را برای محاکمه نگاه می دارد و یکی را بشاکی و به هر يك از مدعی علیهم نیز يك نسخه می دهد.

همینکه محاکمه شروع شد شکایت نامه را استرداد نمی توان کرد مگر کتباً و ممکنست همینکه مسترد شد دیگری آنرا اختیار کند.

هرگاه چندین شکایت نسبت به برادران متعدد بیک کارخانه برسد بترتیب قدمت باید محاکمه شود.

هرگاه چندین شکایت نسبت بیک برادر برسد در آن واحد محاکمه می شود. در صورتیکه لتر برادر مدعی علیه خوابیده باشد شورای طریقت کارخانه را که باید به آن رجوع شود معین می کند.

۲۸۳- در شکایت نامه باید معین شود که شکایت فقط نظر به منافع عمومی فرانماسری است که بواسطه رفتار مقصر متضرر شده یا تنها نظر به منافع خصوصی شاکیست که شرف یا مال او از طرف مقصر زیان یافته است.

۲۸۴- ارجمند همینکه شکایت نامه به او رسید فوراً به کارخانه اطلاع نمی دهد بلکه هر چه زودتر چراغهای پنجگانه را بطور کمیته جمع می کند و به موجب مکتوب سفارشی برادران مدعی و مدعی علیه را دعوت می کند تا موضوع شکایت و جواب طرف را مختصراً بشنود شاید اصلاح ذات البین به عمل آید.

اگر درباره شکایت از جهت منافع خصوصی موافقت حاصل شود یا شکایت از جهت منافع عمومی موافقت حاصل شود یا شکایت از جهت منافع عمومی ترك شود صورت مجلس موافقت را نویسند کمیته می نویسد و برادران متصالح و اعضای حاضر کمیته فوراً اعضاء می کنند يك نسخه از صلح نامه بهر يك از طرفین داده و

سواد آن در کتاب صورت جلالت ثبت می‌شود و درجسه قرائت نمی‌شود مگر اینکه یکی از طرفین تقاضای قرائت آنرا بنماید .

اگر اصلاح واقع نشد ارجمند اکتفا می‌کند به این که در پای شکایت نامه بنویسد که موافقت حاصل نشد .

کمیته مزبور نمی‌تواند کار کند مگر اینکه سه نفر از اعضا حاضر باشند .

۲۸۵- شکایت نامه که ارجمند بدهد یا از دست ارجمند داده شود موافق ترتیب ماده (۲۸۲) به نگهبان اول داده می‌شود .

۲۸۶- اگر شکایت از طرف یکی از چراغهای پنجگانه یا نسبت به آنان باشد ارجمند یا کسیکه بجای اوست ممیز بزرگ را و اگر ممکن باشد قدیمترین استاد های رسمی را که اسامی ایشان در صورت اعضا لژ ثبت است برای تکمیل کمیته اصلاح دعوت می‌کند .

## جزوه دوم

### شکایت از کارخانه‌ها

۲۸۷- کارخانه طرف شکایت واقع نمی‌شود مگر از طرف کارخانه دیگر یا از طرف شورای طریقت یا هفت نفر فراماسن منظم .

شکایت نامه باید ممضی باشد و در دو نسخه به دارالانشاء شرق اعظم داده شود .

شکایت نامه که از طرف کارخانه باشد ارجمند و خطیب و نویسنده آنرا امضاء می‌کنند و مهر کارخانه هم دارد .

هیئت رئیسه شورای طریقت آن دو نسخه را ملاحظه شد نوشته یکبار به شاکی می‌دهد و دیگری را برای محاکمه نگاه می‌دارد .

شکایاتی که نسبت به کارخانه می‌شود بنوسط کمیسیون محاکمه می‌شود مرکب از يك نفر عضو مجلس تمیز که رئیس تمیز آنرا معین کند و خطیب های دولتر از لژ های نزدیک که به قرعه معین شود و به این اشخاص منضم می‌شود دو برادر استاد

که عضو رسمی هیئت اتحادیه باشد به اینگونه که یکی از آن دو را مدعی تعیین کند و دیگری را کارخانه مدعی علیه خارج از اعضای کارخانه خود.

شکایتها باید بترتیب قدمت محاکمه شود.

در صورتی که چندین شکایت از يك کارخانه شود شورای طریقت می تواند حکم کند که آنها را ضمیمه یکدیگر نماید تا باهم رسیدگی و محاکمه شود.

۲۸۸- کمیسیون مزبور شاکي و ارجمند و خطیب کارخانه مدعی علیه و شهود را اگر باشند حاضر کرده مطالب آنها را گوش می دهد و فی المجلس صورتجلسه ترتیب داده نوشتجات را نمره و نشان گذاشته دسته دسته می کند رئیس دوسیه را ظرف هشت روز بشورای طریقت می رساند و اگر غیر از این بعمل می آید شورای طریقت باید رسید بفرستد.

پس از آن چنانچه در ماده ( ۳۰۲ ) در فقره اول و سوم مذکور است رفتار می شود.

نماینده های قضاوتی که جزء لزم مدعی علیه هستند نمی توانند جزء هیئت منصفه کارخانه بشوند.

یازده نماینده و چهار نایب برای ایشان بقرعه معین می شود و فقط نه نفر از ایشان بترتیبی که از قرعه بیرون آمده و پس از جرحی که درباره ایشان بعمل آمده دعوت می شوند.

### جزوه سوم

#### مدعی شدن شورای طریقت با فراماسنها یا کارخانه

۲۸۹- شورای طریقت می تواند برای منافع ماسنی راساً اقدام بمحاکمه يك فراماسن یا يك کارخانه نماید.

همچنین می تواند از حکم هر لژ یا هر هیئت منصفه کارخانه استیناف کند با حکم مجلس استیناف را به تمیز رجوع کند.

و قتیکه شورای طریقت حق شکایت یا استیناف یا رجوع بشمیز را مجری می‌کند می‌تواند بتوسط نماینده خود یا بموجب ورقه کتبی ملاحظات یا آراء خود را به هیئت قضائیه صالحه اظهار دارد .

در ازای ورقه هائیکه شورای طریقت بسمت سابق الذکر بکارخانه‌ها می‌فرستد که بمنزله احضار محکمه است در ظرف سه روز پس از رسیدن آن ورقه‌ها باید رسید داده شود .

### قسمت سوم

#### محاکمه ابتدائی بتوسط لژ

۲۹۰- ارجمند لژ لااقل هشت روز پیش مدعی و مدعی علیه را بجلسه رسمی که در آن جلسه هیئت منصفه را قرعه می‌کشند دعوت می‌کند تا اینکه بتوانند حق جرح را شخصاً بجا آرند یا اگر مانعی داشته باشند از میان استادان اعضای رسمی یکی از کارخانه‌های هیئت اتحادیه برای این کار از جانب خود وکیل تعیین کنند .

۲۹۱- در روز معین هفت نفر از اعضا قرعه کشیده می‌شود ابتدا از میان استادان و اگر ممکن نشد از میان یاران والا از میان شاگردان که لااقل ششماه عضویت رسمی داشته باشند برای اینکه هیئت منصفه برادرانه تشکیل داده بدایه در موضوع شکایت حکم دهند .

همچنین سه نفر نایب منصفین در میان فراماسن هائیکه در شرق محل نزاع ساکن باشند بقرعه معین می‌شوند تا جای اشخاصی را که بواسطه عذر یا ناخوشی غائب می‌شوند بگیرند .

هرگاه يك یا چند نفر از اشخاص معین شده جرح شوند بواسطه تجدید قرعه هیئت منصفه تکمیل می‌شود و پس از آن دیگر شکایت معتبر نخواهد بود .

۲۹۲- اعضای هفت گانه هیئت منصفه و سه نفر نایبان ایشان منتهی تا هشت

روز به موجب دعوت عضوی که در استادی نسبت بسایرین اقدمت جمع می شوند تا يك رئیس و يك نویسنده انتخاب کنند و یکی از این دو نفر باید رسید دوسیه شکایت را به ارجعند یا نمایند او بدهد.

۲۹۳- هیئت منصفه هر چند جلسه را که لازم بداند منعقد می نماید تا نوشتجات محاکمه را ملاحظه کند و مدعی و مدعی علیه یا دفاع کنندگان ایشان را و همچنین شهادت شهود طرفین را علیحده یا باهم استماع کند هر سؤالی و جوابی که می شود یا هر شهادتی که داده می شود صورت آن نوشته برای گوینده قرائت می شود و اوفی المجلس امضاء می کند اگر از امضاء امتناع کند وی بادلیلی که اظهار کرده باید ذکر شود.

شهود که فراماسن هستند نمی توانند از اجابت دعوتی که نویسند هیئت منصفه به موجب مکتوب سفارشی از ایشان می کند امتناع ورزند و الامورد مجازات مذکور در ماده (۱۸۳- مکرر) می شوند لیکن در صورت بعد مکان یا مانع مقبول می تواند شهادت خود را کتباً بفرستد منصفین و نایبان آنها که مدعی و مدعی علیه انتخاب کرده اند بموجب کاغذ سفارشی پنجروز تمام از پیش بجلبه خارج شوند نمی توانند بعد حضور پیدا کنند.

۲۹۴- مدعی می تواند مادامیکه رئیس هیئت منصفه محاکمه را ختم نکرده شکایت خود را مسترد نماید مگر اینکه مدعی علیه مانع شود یا آنکه هیئت منصفه به اکثریت نامه رأی دهد که منافع ماسنی مقتضی دنبال کردن محاکمه می باشد. در صورتیکه از محاکمه صرف نظر گردد این امر در نزدیکترین جلسه اعلام و در صورت مجلس ذکر می شود. اگر مدعی علیه بدون دفاع کننده حاضر شد و ضمن محاکمه اظهار میل بداشتن آن کرد برای او رسماً تعیین می شود و باید فراماسن منظم باشد هر فراماسن منظمی می تواند در جلسات هیئت منصفه حاضر شود.

۲۹۵ - همینکه ختم محاکمه به واسطه رئیس هیئت منصفه اعلام شد شکایت ممکن نیست مسترد شود و اگر هیئت شکایت را مبنی بر افترا اظهار داشت مدعی را میتوان بر حسب تقاضای مدعی علیه به رأی الذمه در تحت محاکمه در آورد.

۲۹۶ - هیئت منصفه در کمیته خصوصی مشاوره می کند و با اکثریت تامه آرا حکم می دهد و هیچ يك از اعضاء حاضر هیئت منصفه نباید امتناع از رأی بکنند. رأی رئیس علیه ندارد تماوی آراء به مساعدت مدعی علیه حمل میشود.

حکم باید با ذکر دلیل باشد و ابتدا شخص بتقصیر یا عدم تقصیر مدعی علیه و اگر مقصر بوده به اجرای مجازات امر دهد برای اینکه حکم معتبر باشد باید لا اقل پنج نفر قاضی که از تمام مباحثات مسبوق و در همه جلسه ها حاضر بوده اند رأی دهند.

۲۹۷ - همینکه حکم داده و انشاء شد و اعضای هیئت منصفه امضاء کردند رئیس به ارجمند لژ اطلاع می دهد و او قرائت آنرا در دستور نزدیکترین جلسه رسمی میگذارد و این قرائت باید در دعوت نامه ها ذکر شود.

۲۹۸ - همینکه روز اینکار رسید نویسنده هیئت منصفه در لژ راپورت مختصری دائر بر نقل موضوع شکایت و جواب و سؤال طرفین قرائت می کند آن گاه یکی از نمایندگان هیئت منصفه حمرا قرائت کرده سواد آنرا با دوسیه کار روی میز ارجمند قرائت می گذارد و ارجمند رلوا میدارد این مسئله را در صورت مجلس درج کند.

ارجمند کارخانه حمرا بدون مباحثه از نماینده هیئت منصفه قبول می کند. ۲۹۹ - در ظرف يك هفته بعد از سپردن حکم نویسنده لژ به موجب کاغذ سفارشی آنرا بمدعی و مدعی علیه و شورای طریقت اعلام می کند.

نوشتجات محاکمه در ظرف همان مدت از طرف ارجمند کارخانه که نوشتجات متعلق به اوست بشورای طریقت فرستاده میشود و اگر چنین نکند حقوق و مزایای

سالاری او در مدت مأموریتش ممکن است توقیف شود و این توقیف را شورای طریقت حکم میکند .

در صورتی که استیناف منظم بعمل نیاید پس از انقضای مدت مهلت مضمون حکم به تمام کارخانه های هیئت اتحادیه بتوسط جریده مخصوص اطلاع داده میشود .

### قسمت چهارم

#### استیناف

#### جزء اول

#### مجالس استیناف

۳۰۰ - محاکمه استینافی بتوسط نمایندگان قضائی که موافق شرایط مواد ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ نظامنامه عمومی برای این مقصود تعیین گشته واقع می شود .

#### جزء دوم

#### ترتیب استیناف نسبت با احکام لژ

۳۰۱ - هر فراماسنی که به موجب حکم لژ خود محکوم شده باشد حق استیناف دارد همچنین برادر مدعی در صورت بری الذمه شدن مدعی علیه و خطیب لژ و شورای طریقت نیز حق استیناف دارند .

این استیناف باید در فرانسه و الجزایر و تونس و ممالک اروپا در ظرف یک ماه بعد از اخطار بعمل آید برای ممالک خارج اروپا برای مستملکات و برای بحری فرانسه در ظرف سه ماه .

استیناف بدارالانشاء شرق اعظم عنوان میشود و استیناف کنند باید اعضا کرده باشد در صورتی که عرض حال استینافی شخصاً داده شده باشد هیئت رئیس شورای طریقت رسید میدهد اگر به توسط پست فرستاده شده باشد در ظرف سه روز رسید باید فرستاده شود .

باهمان چاپارو همان راه هیئت رئیسه شورای طریقت بطرف استیناف وارجمند لژی که حکم داده است اطلاع می دهد .

همین مهلت ها و رسومات بغیر از رسید فرستادن درباره استینافی که از جانب شورای طریقت بعمل آید نیز جاریست .

۳۰۲ - در جلسه ای که بعد از دریافت عرض حال استیناف واقع میشود شورای طریقت لژی را که مجلس استیناف آنجا باید منعقد شود تعیین می کند کسانی را که باید مجلس استینافی را تشکیل دهند از میان نمایندگان قضائی هفت لژ که با شرق مقر مجلس استیناف وسائل مرأوده سریع کم خرج داشته باشند به قرعه همین می کند .

این نمایندگان هفت نفر بالا صاله و چهار نفر نایب ایشان خواهند بود حضور پنج نفر برای صحت حکم لازمست .

در يك مجلس استیناف از يك لژ بیش از دو نفر نماینده نباید باشد .

نمایندگان لژی که از حکم او استیناف کرده اند نمیتوانند جزء مجلس استیناف شوند .

شورای طریقت حتی الامکان از میان اعضای لژ مقر مجلس استیناف يك نفر مأمور تعیین خواهد کرد که دوسیه کار را مطالعه کند و در ابتدای جلسه محاکمه در آن باب راپورتی بدهد و از طرف طریقت رأی اظهار کند .

۳۰۳ - در ظرف هشت روز پس از اینکه نمایندگان قضائی تشکیل دهنده مجلس استیناف به قرعه معین شدند هیئت رئیسه شورای طریقت بتوسط کاغذ سفارشی اسامی آنها را و اسم شرقی که جزء آن هستند به مستأنف و طرف اعلام میکند و هر يك از آنها حق جرح دو نفر را دارند .

این جرح باید به واسطه کاغذ سفارشی در ظرف پانزده روز از رسید اعلام بدارالانشاء هیئت اتحادیه اطلاع داده شود اگر نه سلب این حق می شود .

مهلت جرح که گذشت شورای طریقت تاریخ محاکمه را معین میکند .

نمایندگان غیر مجروح در ظرف یک هفته از روز تعیین موقع محاکمه و لااقل یازده روز پیش از روز محاکمه باید از مأموریتی که بآنان داده شده و روزی که برای محاکمه تعیین شده مسبوق شوند .

همان وقت با رجمندهای لژهای آنها هم اطلاع داده می شود .

۳۰۴ - دوسیه کار را هیئت رئیسه شورای طریقت چنانکه در ماده « ۳۰۲ » گفته شد به ارجمند لژ معین میدهد و تاریخی که برای افتتاح محاکمه معین شده به او معلوم می کند همچنین مستألف و طرف را به واسطه کاغذ سفارشی آگاه می سازد .

ارجمند اقدامات لازمه را برای اینکه طرفین و مأمور شورا و نمایندگان قضائی بتوانند از دوسیه مطلع شوند بمسئولیت شخص خود می کند .

در ولایت سن ارجمندی که در این ماده ذکر شده به رئیس دارالانشاء عمومی طریقت یا نماینده او تبدیل می شود همین ترتیب در مورد ماده (۳۱۰) نیز مجری است .

۳۰۵ - در روز معین نمایندگان قضائی مدعو باید در شرف معین حاضر شوند و مسن ترین نمایندگان رئیس موقتی می شود ارجمند لژ که نوشتجات با اوست یا برادری که از جانب او تعیین شده به جلسه می آید و پس از تعیین هیئت رئیسه دوسیه را تقدیم می کند .

همینکه پنج نفر نماینده حاضر شوند بطور کمیته خصوصی جمع می شوند رئیس و نویسنده خود را تعیین می کنند .

این انتخاب به رأی مخفی و در نوبت اول به اکثریت قاعده و در نوبت دوم بکثرت نسبی واقع می شود .

همینکه هیئت رئیسه معین شود کارهای پایه شاگردی شروع می شود .

۳۰۶ - مأمور شورای طریقت را پورت خود را میدهد آنگاه نوبت سخن طرفین یا نمایندگان یا دفاع کنندگان می‌رسد.

در جلو مجلس استیناف امور تازه نمی‌توان ابراز کرد.  
پس از محاکمه مأمور شورا رأی خود را شفاهاً می‌گوید.  
مدعی علیه حق دارد ملاحظات آخری خود را اظهار کند.  
رئیس مباحثات را ختم می‌کند و تمام برادران حاضر را از مزکت خارج می‌کند.

ممکنست در يك جلسه دیگر مباحثات اعاده شود در اینصورت دوسیه بکسی که به او به موجب ماده (۳۰۲) و (۳۰۴) سپرده شده بود مسترد میشود.  
همینکه ختم مباحثات اعلان شد مشاوره و اظهار رأی باید بدون طفره واقع شود.

۳۰۷ - مجلس استیناف در جلسه خصوصی مشاوره می‌کند در اظهار رأی امتناع نباید بشود و نتیجه بکثرت نامه حاصل می‌شود و رأی رئیس علیه ندارد.  
۳۰۸ - صورت مجلس حکم فی المجلس انشاء شده تمام نمایندگان که در حکم شرکت داشته اعضاء می‌کنند.

این حکم باید بازکر دلیل باشد.  
پس از آنکه مفاد حکم در دهلیز اعلام شد کارها دوباره مسترد شود تمام برادران بروش میایستند و رئیس حکم را قرائت مینماید آنگاه رئیس محکمه کار را ختم می‌کند. [کذا]

۳۰۹ - اگر در روزی که برای محاکمه مجلس استیناف معین شده مستأثف یا وکیل او حاضر نشد در صورت مجلس این مسئله را قید می‌کنند و استیناف را باطل می‌نمایند.

مجلس استیناف درباره مستأثف خطا کار مجازات‌های ماسنی مذکور در ماده

(۲۷۹) را حکم میدهد .

۳۱۰ - نوشتجات دوسیه و سواد حکمرانی المجلس رئیس به ارجمند لژ مقر مجلس استیناف یا به برادری که او معین کرده می دهد و او در ظرف سه روز بدارالانشاء عمومی هیئت اتحادیه می فرستد و مسئولیت این مأموریت را دارد مجازات مذکور در ماده (۲۹۹) درباره او در صورت تهاون مجری می شود .

هیئت رئیسه شورای طریق در ظرف يك هفته از دریافت نوشتجات و سواد حکم هر چه باشد به واسطه کاغذ سفارشی آنرا بمستأنف و طرف و خطیب لژی که برادر مدعی علیه جزو آنست اخطار میکند .

### قسمت پنجم

#### هیئتهای منصفه کارخانه

۳۱۱ - در ظرف يك هفته از جلسه ای که نمایندگان قضایی برای تشکیل هیئت منصفه کارخانه به قرعه معین می شوند هیئت رئیسه شورای طریقت اسامی آنان را به واسطه کاغذ سفارشی به شاکی و ارجمند کارخانه مدعی علیه اطلاع می دهد و ایشان حقدارند هر کدام دو نفر از منصفین را جرح کنند .

۳۱۲ - رسوم مقرر در فقره آخر ماده (۳۰۴) و مواد (۳۰۵) و (۳۰۶) و (۳۰۷) در باره هیئتهای منصفه کارخانه مجریست .

۳۱۳ - نمایندگانیکه هیئت منصفه کارخانه را تشکیل می دهند همینکه بعده هفت نفری جمع شدند موافق مقررات ماده ( ۳۰۵ ) هیئت رئیسه خود را تعیین می کنند .

۳۱۴ - هیئت رئیسه که تشکیل یافت کارها بیابنه شاگردی آغاز می شود لیکن به اقتضای کیفیت تفسیر رئیس می تواند یاران و شاگردان یا فقط شاگردان را از مزکت خارج کند .

۳۱۵ - ارجمند و خطیب کارخانه شاکی و کارخانه مدعی علیه یا دو نفر از برادران که بجای ایشان معین شده باشند در موقع محاکمه حاضر خواهند بود.

ترتیبی که باید معمول داشت همان است که در ماده (۳۰۶) مذکور است.

۳۱۶ - هیئت منصفه در جلسه خصوصی مشاوره میکند و متوالیاً در باب تحقیق تفصیر و اجرای مجازات اگر باشد حکم می دهد.

احکام باید با کثرت نامه آراء معین شود بدون امتناع ورأی رئیس هم برتری ندارد.

۳۱۷ - مواد (۳۰۸) تا (۳۱۰) درباره هیئت های منصفه کارخانه نیز مجری است.

مواد (۳۱۷) تا (۳۲۳) منسوخ است.

### قسمت ششم

### رجوع به تمیز

۳۲۴ - رجوع به تمیز بهمان شکل و با همان مهلت استیناف واقع می شود.

۳۲۵ - منسوخ است.

۳۲۶ - رجوع به تمیز استیناف چون حکم را توقیف می کند فرا نماسن یا کارخانه

محکوم تا وقتی که حکم تمیز بیرون آید حقوق ماسنی خود را دارا می باشد.

۳۲۷ - يك نفر از اعضاء مجلس تمیز که رئیس از میان مدعوین برای حکومت

تعیین می کند در جلسه مجلس تمیز رایورت عرض حال تمیزی را می دهد.

دعوتها را ادارالانشاء کل طریقت از روی صورتی که رئیس باو می دهد می نویسد

و باید لااقل پانزده روز پیش فرستاده شود.

در صورتی که اعضاء دعوت شده نتوانند مأموریت خود را بجا آورند باید

همینکه مانع برایشان معلوم شد دارالانشاء کل را مطلع سازند.

شورای طریقت میتواند در بارهٔ اعضاء مجلس تمیز مواد (۱۸۳) و (۱۸۳ مکرر) را مجری دارد.

۳۲۸ - تا ۳۲۹ - منسوخ است.

۳۳۲ - اگر بسبب معذرت‌هایی که بشرق اعظم رسیده عدهٔ قضاة اصل از پنج نفر کمتر شود از میان اعضاء مجلس تمیز که ساکن پاریس یا نزدیک آن باشند بدل برای آنها تعیین میشود.

۳۳۳ - هیئت رئیسه شورای طریقت بواسطهٔ کاغذ سفارشی پانزده روز پیش روز وساعت جلسهٔ مجلس تمیز را بطرفین اطلاع می‌دهد.

۳۳۴ - مجلس تمیز بیایهٔ شاگردی کار میکنند و جلسات آن برای تمام برادران استاد منظم علنی است مشاورات در کمیتهٔ خصوصی واقع میشود.

احکام در جلسه علنی داده میشود با ذکر دلیل دفتر داری دارالانشاء شرق اعظم انجام می‌دهد و یکی از مستخدمین آن در جلسه بنویسند و مجلس تمیز کمک میکند اعضای مجلس تمیز اگر چه مدعو نباشند مثل مدعو می‌نوانند در جلسه حاضر شوند.

در صورتیکه عدهٔ اعضای حاضر زوج باشد رأی رئیس غالب است.

### قسمت هفتم

#### اخراج بالطبیعه و بدون مداخله هیئت منصفه

۳۳۵ - هر فراماسنی که در بارهٔ او حکم حضوری متضمن مجازات عقوبتی یا سلب شرف (ترهیبی و ترذیلی) یا فقط سلب خوف (ترذیلی) داده شده باشد چنین کس با بیعه از فراماسنی خارج است.

ممکن است همین امر واقع شود برای کسی که از حقوق سیاسی و مدنی یا فامیلی محروم شده باشد یا ورشکسته که فراری در باب دیون داده نشده باشد.

۳۳۶ - این اخراج را شورای طریقت از روی دلایلی که لژ برادر محکوم

ایراز میکند حکم میدهد .

۳۳۷- حکم اخراج در ظرف ۵۱ روز برادر محکوم و لژی که به او متعلقست  
اخطار می شود .

۳۳۸- هر برادر یکی به موجب مواد سابقه محکوم باخراج شد در ظرف  
یکماه از اخطار حکم می تواند تقاضا کند که لژی او در باره وی محاکمه نماید در  
آن صورت موافق دستور این نظامنامه در باره او عمل می شود .

۳۳۸ مکرر - در صورتیکه محکومیت مذکور در ماده (۳۳۵) بواسطه قانون  
عرف ۱۶ مارس ۱۸۹۱ توقیف شود کارخانه برادر محکوم باز می تواند او را تحت  
محاکمه در آورد .

### قسمت هشتم

#### ورشکستگان

۳۳۹- هر برادر ورشکسته یا مهجور علیه از روز صدور حکم ورشکستگی  
یا از ابتدای حجر حقوق ماسنی او توقیف می شود مگر اینکه لژی که عضو آن  
است مخالف این امر اظهار کند .

۳۴۰- پس از ختم ورشکستگی یا حجر برادر ورشکسته یا مهجور باید از  
طرف لژی که جزء آن بوده یا هست در تحت محاکمه در آید .  
میز بزرگ اقامه دعوی خواهد نمود .

این ماده به هیچوجه مقررات فقره دوم ماده (۳۳۵) را باطل نمی کند .

### قسمت نهم

#### اعاده شرف

۳۴۰ مکرر- در صورتیکه فراماسنی بعلت محکومیت عرفی اخراج شده  
باشد پس از آن که اعاده شرف او بشود می تواند در کارخانه ای که عضو آن بوده  
تحصیل اعاده عضویت ماسنی کند یا اگر عضو چند کارخانه بوده در کارخانه ای که مدت

عضویت او بیشتر بوده است تجدید عضویت یا بد در خصوص چنین تقاضائی همانطور که در باره تظلم رفتار می شود رسیدگی و محاکمه می شود هر برادر یکی که گمان کند که این اعاده عضویت ممکن است بطریقت ماسنی و هن وارد آورد حق دارد استیناف کند .

۳۴۰ ثلث - در صورتیکه فرانماسنی بعلت ماسنی اخراج شود می تواند پس از ده سال مطابق ترتیب فوق مطالبه اعاده عضویت کند .

در این صورت و همچنین در مورد ماده سابقه اگر کارخانه ای که عضو آن بود خوابیده باشد آن برادر طلب نامه خود را بشورای طریقت می فرستد و او لثرا که باید بتقاضای اعاده عضویت رسیدگی کند معین می کند .

## فصل دهم

### ترتیبات مالیه عمومی

#### قسمت اول

#### عایدات مالیه و مخارج کارخانه ها

۳۴۱- کارخانه ها مخارج خود را بوسیله مالیاتها و عوارضی که در مواد ۱۳۸ و ما بعد ذکر شده تهیه می کنند .

۳۴۲- هر کارخانه ترتیب مالیه خود را می دهد و مصرف آنرا اداره می کند لیکن مبلغ مالیاتها و عوارض را نمی تواند از حد اقلی که در این نظامنامه معین شده تخفیف دهد و باید بتواند در کارهای خیریه فرانماسنری و مخارج اداری عمومی طریقت شرکت کند .

۳۴۳- چون هیچ فرانماسنی به یکی از مشاغل ماسنی قابل انتخاب نیست و حق انتخاب کردن ندارد مگر اینکه مدیون صندوق کارخانه هائیکه عضو آن است

نباشد لهذا هر انتخابی که مخالف این ترتیب واقع شود پس از تفتیش بنا بر حکم شورای طریقت باطل می گردد و این حکم در صحیفه اعمال شرق اعظم مطرح می شود.

## قسمت دوم

### عایدات شرق اعظم

۳۴۴- شرق اعظم مخارج خود را بوسیله مالیات سرشمار و عوارض مذکوره در مواد ۱۶۷ و ما بعد تهیه می کند. بعلاوه برای حقوق تأسیس کارخانه و جمع آئینها و اعطاء فرامین عوارضی را که ذیلاً معین می شود اخذ می نمایند.

### تأسیس کارخانه

۳۴۵- تأسیس کارخانه برای هر يك از آئینهای متنوعه که شرق اعظم تصدیق دارد «۱۰۰» فرانك.

نامه های خانقاهی هر يك از آئینهایی که شرق اعظم تصدیق دارد «۱۰۰» فرانك.

طغراها برای هر يك از آئینهای صدقه «۱۰۰» فرانك.

بعلاوه لژها و خانقاهها و کنگاشستانها برای اوراق چاپی مختلفه «۵۵» فرانك بشرق اعظم می پردازند.

بموجب پرداخت این وجه هر کارخانه نوشتجات ذیل را بلا عوض دریافت می کند.

يك كتاب دفتر.

يك دفتر حساب بزرگ

يك دفتر صندوق.

يك دفتر قبوض ته ورق دار.

سه نسخه قانون اساسی و نظامنامه عمومی

سه نسخه آئین نامه .

يك نسخه از هريك از دستورهای مختلفه كه معمول به شرق اعظمست .

### جمع آئینها

۳۴۶- برای لژ «۷۵» فرانك .

برای خانقاه «۴۰» فرانك .

برای كنگاشستان «۲۵» فرانك .

### فراهمین شخصی

۳۴۷- قیمتی كه شرق اعظم برای فراهمین شخصی اخذ می كند از این قرار معین شده :

منشور استادی «۱۰» فرانك .

توقیع رزكر . . . «۱۰» فرانك .

طفرای شو . . . كاد . . «۱۵» فرانك .

طفرای بزرگ بالا «۲۰» فرانك .

### قسمت سوم

#### مخارج شرق اعظم

۳۴۸- مخارج شرق اعظم مخصوصاً عبارتست از حقوق اجزاء دارالانشاءكل

و مخارج عمومی دفتر و مطبوعات و فراهمین ماسنی حقوق تقاعدی اشخاصی كه در عهده هیئت اتحادیه می باشند مخارج مسافرت نماینده های مجمع عمومی و اعضاء شورای طریقت و اعضاء مجلس تمیز و كتابخانه شرق اعظم مشاركت در شركت غیر منقوله و غیره مخارج روابط با هیئت های ماسنی داخله و خارجه روابط با هیئتهای ماسنی داخله و خارجه و كلیه مخارج اداری و غیره كه مجمع عمومی اجازه دهد .

## قسمت چهارم بودجه شرق اعظم

۳۴۹- رایورت شورای طریقت در باب سنه ماضیه و پیشنهادهای بودجه او برای سنه آتیله دو ماه پیش از دوره اجلاسیه متعارفی مجمع عمومی برای لژهای هیئت اتحادیه فرستاده می شود .

سنه مالیه در اول ژانویه شروع و سی و یکم دسامبر ختم می شود .  
۳۵۰- شورای طریقت هیچ مخارجی را نمی تواند تعهد کند غیر از پیشنهاد های بودجه که مجمع عمومی تصویب نماید .

## قسمت پنجم دفتر داری و محاسبه شرق اعظم

۳۵۱- دفتر داری شرق اعظم دو بهره است .  
هر کارخانه حساب خود را در دفتر کبیر روز بروز باید بنویسد که حال بدو و بستان خود را با هیئت اتحادیه ظاهر نماید .  
همچنین است برای کمیسیون دستگیری ماسنی و برای شرکت غیر منقوله و هر جمع آوری اعانه که در شرق اعظم می شود و هر کار خیری که موجب ادای وجه باشد .

۳۵۲- تمام عایداتی که صندوقدار شرق اعظم وصول می کند به ترتیب تاریخ روی دفتر قبوض ته و رقدار مفید می نماید و یکی از اعضای کمیسیون مالیه شورای طریقت آنرا نمره و نشان باید گذاشته باشد .

صندوقدار ممنوع است از اینکه وجهی دریافت کند بدون اینکه در مقابل آن قبضه از دفتر قبوض بدهد اگر خلاف این قاعده رفتار کند ممکن است فوراً معزول شود .

۳۵۳- مخارج شرق اعظم جز در مواردی که بعد استتفا میشود نمی تواند

پرداخته شود مگر پس از آن که کمیسیون مالیه روی ورقه های امضا شده رئیس دارالانشاء حواله کرده باشد .

يك صندوق مالیه محض مخارج مختصر فوری برای رئیس دارالانشاء تهیه می شود که در حدود حداکثری که شورای طریقت معین میکند از آن بردارد مخارجی که باین طریق می شود بعد بتصویب کمیسیون مالیه می رسد .

۳۵۴ - تمام مخارج پرداخته شده باید به موجب قبوض منضم به حواله جات شود .

مخارج مزبور بترتیب تاریخ در دفتر صندوق ثبت می شود .

## فصل یازدهم

### صحیفه اعمال سالیانه و سایر مطبوعات

۳۵۵ - شورای طریقت کارهای شرق اعظم را بواسطه يك صحیفه اعمال تمام کارخانهای هیئت اتحادیه اطلاع می دهد .

این صحیفه اعمال شامل است قوانینی را که مجمع عمومی رأی می دهد و احکام و قواعد و دستورهای شورای طریقت و مراسلاتی که با هیئت های ماسنی دیگر در موضوعات نفع عمومی رد و بدل میشود و صورت جلسات مجمع عمومی و جلسات شورای طریقت همچنین جشنهای طریقتی و مهمانیهای شرق اعظم و اخطارها و متحدالاعمالهای مرکز و عوادی که درج آنها را نظامنامه عمومی مقرر کرده است .

این صحیفه ممکن است يك قسمت غیر رسمی هم داشته باشد .

۳۵۶ - مراقبت و مسئولیت صحیفه اعمال شرق اعظم در تحت اختیار هیئت رئیس شورای طریقت بر عهده رئیس دارالانشاء کل است .

قسمت غیر رسمی صحیفه اعمال مفوض به کمیونی است مرکب از دو نویسنده شورای طریقت و سه نفر از اعضاء دیگر آن که هر سال شورای طریقت ایشان را

معین می‌کند .

هیچ‌نمره از این صحیفه اعمال بطبع نمی‌رسد مگر آنکه قبلاً بامضاء رئیس شورای طریقت رسیده باشد .

۳۵۷ - صحیفه اعمال شرق اعظم برای تمام لژهای هیئت اتحادیه و همچنین برای هیئتهای ماسنی دیگر که با شرق اعظم رابطه دارند و برای ضامنهای دوستی که از طرف شرق اعظم نزد آن هیئتها مأمورند مجاناً فرستاده میشود .

و همچنین برای اعضای شورای طریقت و اعضاء مجلس فرستاده میشود .  
برای خانقاه‌ها و کنگاشتهای و بارگاه بزرگ آئینها به موجب آئینان اجباری فرستاده می‌شود .

آئینان سالیانه است و کرسال قبول نمیشود قیمت آنرا مجمع عمومی معین می‌کند اشتراك اوراق یا صحیفه یا مطبوعات دیگر ماسنی و فروش و توزیع آن لوشجات نباید واقع شود مگر بتوسط لژها .

۳۵۸ - هر سال بلافاصله پس از تجدید سال ماسنی يك سالتامه ماسنی در تحت ریاست شورای طریقت با معاونت کمیسیون صحیفه اعمال به مباشرت رئیس دارالانشاء کل در تحت مسئولیت او طبع میشود .

يك نسخه از آن مجاناً برای هر يك از کارخانه‌های هیئت اتحادیه و هر يك از هیئتهای ماسنی و هر يك از برادران مذکور در دو فقره اول ماده قبل فرستاده می‌شود .

قیمت فروش آنرا شورای طریقت معین می‌کند .

۳۵۹ - شرق اعظم مستقیماً بکارخانهای که تقاضا کنند به مجموعه‌ها از آئین نامه‌ها با تعلیم نامه‌ها بقیمتهای ذیل می‌فرستد .

برای پایه‌های سه‌گانه اول (۱۵) فرانك

برای پایه‌های خانقاهی (۲۰) فرانك

برای پایه‌های فیلسوفی (۲۵) فرانك

## فصل دوازدهم

### دارالانشاء شرق اعظم

۳۶۰- رئیس دارالانشاء سمت معاونت نویسنده شورای طریقت را دارد و باین سمت حمایتی دارد شبیه به حمایت اعضای شورای طریقت اما بدون زردوزی .

۳۶۱- رئیس دارالانشاء در تحت اختیار رئیس شورای طریقت مدیر کار سایر مستخدمین شرق اعظم است .

صندوقدار نباید قبل از اعضاء رئیس ترتیبی خود وجه هیچ صورت حسابی را بپردازد .

۳۶۲- در موقع وفات یکی از اعضاء شورای طریقت یا مجلس تمیز یا بارگاه رئیس دارالانشاء پس از اخذ دستور العمل از رئیس شورای طریقت مخصوصاً مأمور است بدعوت برادرانی که باید مراسم تشییع برای متوفی بجای آورند .

۳۶۳- تمام نوشتهجات مکاتبه و تمام اسنادی که بدارالانشاء میرسد باید بترتیب ورود با تاریخ و نمره ترتیبی در يك دفتر واردات ثبت شود .

تمام نوشتهجات صادره از دارالانشاء باید همین طور در يك دفتر خروج ثبت شود .

۳۶۴- دارالانشاء يك دفتر مخصوص نگاه می دارد که در آن اسامی و القاب و منازل بیگانگانی را که از سیر داشتن آنها امتناع میشود بهمان ترتیب که از لژها خبر می رسد ثبت کنند و صورت مخصوصی به ترتیب حروف تهجی از آن درست کنند

همینکه از لژی خبر رسید که بیگانه به او معرفی شده است فوراً تفحص میشود و اگر آن بیگانه در لژ دیگر رد شده باشد فوراً به لژی که باو معرفی شده است خبر داده شود .

هر سال يك صورتی بترتیب حروف تهجی از بیگانگان رد شده و از ماسنهای

اخراج شده از هیئت اتحادیه طبع و بکارخانها فرستاده میشود.

۳۶۵ - در تمام آنچه که نظامنامه عمومی پیش بینی نکرده یا مجمع عمومی مخصوصاً رأی نداده شورای طریقت ترتیب کاردارالانشاء و دفتر و کتابخانه را بموجب قواعد معین می کند .

۳۶۶ - هر يك از مستخدمین دارالانشاء پس از بیست و پنج سال خدمت حق دارد که مرخص شده حقوق تقاعدی معادل نصف متوسط مواجب او در سه سال اخیر خدمتش بگیرد لیکن در هر حال این حقوق تقاعدارسانی سه هزار فرانك زیاده نمیتواند بشود. پس از پانزده سال خدمت حق دارد حقوق تقاعدی بگیرد متناسب مأخذ مذکور در صورتی که مستخدمی فوت شود نصف حقوق تقاعدی که داشته یا آن ذیحق بوده بعیال او داده می شود .

اگر عیال نداشته باشد نصف حقوق تقاعد بصفیرهای مشروع وی یا صغیرانی که قانوناً مشروع شده باشند داده میشود .

اگر عیالی که نصف حقوق تقاعد درباره او برقرار شده فوت شود آن حقوق به صغیرهای مشروع یا قانوناً مشروع مستخدم متوفی می رسد .

در مواردیکه اطفالی ذیحق بر نصف حقوق تقاعد شوند تا موقع بلوغشان بطور تساوی تقسیم میشود و پس از بلوغ سهم آنان بین ادران یا خواهران ایشان که هنوز صغیرند می رسد .

هر مستخدم که مستعفی یا بنا بر مجازاتی معزول شود حق تقاعد از او سلب می شود .

۳۶۷ - آدرس شرق اعظم .

پاریس . در کوچه کاد نمرة ۱۶ عمارت او - شرق اعظم فرانسه .

Au Grand orient de france, rue

Cadet N° 16 s' paris

مکاتب و تلگرافات و ارسال وجوهی که باین آدرس می شود باید اجرت پستی آن داده شده باشد .

برائهای پستی یا حواله جات دیگر باید به اسم شرق اعظم فرانسه یا حواله گرد آن باشد .

هر ارسال وجهی باید مستقیماً به اسم شرق اعظم فرانسه بشود .

نظامنامه خصوصی ل.ب.ا. - مصوبه جلسه ۱۷ جمادی الثانیه ۱۳۳۰ مطابق

۴ ژون ۱۹۱۲

پایان

## آئین نامه لژیوناری ایران

### فصل اول

#### ترتیب قبول بیگانگان

۱ - علاوه بر ترتیباتی که برای قبول بیگانگان در نظامنامه عمومی مقرر است در ل.ب.ا. ترتیبات ذیل نیز باید مراعات شود .

اولاً - هرگاه یکی از برادران بیگانه را لایق آشناسدن بسیر ماسنی بدانند قبل از آنکه با آن بیگانه هیچ گونه صحبتی از وجود لژ در ایران بنمایند از لژ تحصیل اجازه کند .

ثانیاً - تحصیل اجازه برای مذاکره با بیگانه باید بمضی یا معضای سه نفر استاد باشد و گرنه ارجعند موافق آئین نامه ورقه را می سوزاند و معرفین مزبور حق ندارند معرفی خود را برادران دیگر معلوم کنند .

ثالثاً - اسامی بیگانگانی که معرف شده اند باید بتوسط ب.نویسنده در لوحه مخصوص بخط جلی یا معرف کامل پانزده روز قبل از آنکه بخواهند برای تحصیل

اجازه رأی بگبرند نوشته و اعلام شده باشد .

رابعاً همه برادران حاضر حق مذاکره دارند اما حق رأی فقط برای استادان و یاران است هرگاه عدد مهره های سیاه کمتر از خمس عدد کلیه مهره های سفید بوده باشد اجازه داده میشود .

۲ - هرگاه يك ورقه از اوراق تفتیش مقرر در نظامنامه عمومی در جواب یکی از سئوالات ساکت یا مبهم باشد از چمنند آن ورقه را بتوسط برادر دیگر تجدید کرده پس از اكمال آن رأی گرفته می شود .

۳ - در ورقه تفتیش مخصوصاً در باب سابقه اعمال و ترجمه احوال باید بسط و تحقیق کامل بعمل آید که تا برادران از اعمال گذشته بیگانه بتوانند عقیده روشن حاصل نمایند .

## فصل دوم

### غیبت اعضاء رسمی

۴ - در موقعیکه برای ارتقاء رتبه یکی از برادران در ل . . رأی گرفته می شود باید صورت غیبتی که آن برادر در ششماه اخیر بدون عذر موجه نموده در جلسه قرائت شود تا برادران در موقع رأی منظور دارند .

۵ - غیبت هر يك از اعضاء رسمی در صورت مجلس قید و هر سه ماه يك مرتبه در ل . . اعلان می شود .

۶ - صورت غیبت سالیانه هر يك از اعضاء رسمی ل . . باید در موقع انتخابات عمومی قرائت شود تا برادران دقت کرده در موقع انتخاب سالاران برادران مراقب را ترجیح دهند .

## فصل سوم

### سالاران

۷ - برادرانی که از سالاران در اجرای وظایف ماموحه و غفلت یا تقصیری مشاهده می کنند حق دارند ارجمند را متذکر سازند تا ایشان را متنبه نماید .

۸ - ارجمند همینکه از یکی از سالاران ماموحه و غفلت یا تقصیری احساس کند در صورتی که خطای او طوری نباشد که محتاج به محاکمه باشد ابتداء برادرانه او را بادای وظایف خود دعوت می کند هرگاه پس از این یادآوری سالار مذکور متنبه نشد ارجمند یکدفعه هم در جلسه کله و شکایت برادرانه بنماید .

## فصل چهارم

### روابط برادرانه و همبستگی

۹ - هر برادری که نسبت برادری سوء ظن یا شکایتی در امور شخصی یا نوعی داشته باشد باید بدو ارجمند اظهار نماید تا اقدامات برادرانه در آن باب بنماید هرگاه ارجمند اقدامی نکرد می تواند به ل . . شکایت خود را اظهار دارد تا ل . . در این خصوص قراری بگذارد و این ترتیب غیر از تظلم ماسوفی است که به موجب آن برادران می توانند یکدیگر را در تحت محاکمه در آورند و آن ترتیب به جای خود باقی و منظور تواند بود .

## فصل پنجم

### مجازات و مکافات

۱۰ - برادرانی که رعایت مواد این نظامنامه را نمایند مانند برادرانی مجازات خواهند شد که رعایت مواد نظامنامه عمومی را نکرده باشند .

۱۱- هر برادر یکد خدمتی را رسماً در ل. ب. میدهد گرفت و باند داشتن عذر موجه آن خدمت را بانجام نرساند سرزنش خواهد شد و ذکر آن در نامه اعمال ماسنی او میشود.

۱۲- هر برادر یکد بواسطه خدمات شایان مستحق اظهار قدردانی از طرف ل. ب. بشود بر حسب درجات خدمت مکافات برادران ذیل در باره او مینول میشود.

۱- هیک شادی بنام آن برادر.

۲- قید در صورت مجلس.

۳- قید در نامه اعمال ماسنی.

۴- شادخواری بنام آن برادر در مهمانی ماسنی.

## فصل ششم

### وظایف مخصوصه

۱۳- اموری که اعضای ل. ب. ا. ب. مخصوصاً طرف توجه قرار داده بیشتر اهتمام و اقدام خود را مصروف آن قرار میدهند از این قرار است:

۱- تکمیل و تهذیب خود و ابناى وطن بوسائل ذیل:

«۱» کنفرانس دادن در لژ و خارج.

«۲» طبع و نشر مقالات در روزنامه‌جات.

«۳» تألیف و ترجمه کتب اخلاقی قدیم و جدید و تفحص از کتب اخلاقی کثیر- النفع و طبع و نشر آنها.

«۴» حق‌گذاری و تمجید از مساعی اشخاصی که در اصلاح عموم میکوشند و مکارم اخلاق بروز میدهند و تقبیح از مساوی اخلاق.

۵۵- تمرین اصول ماسنی و قانون اساسی و مواد نظامنامه عمومی و خصوصی  
لر بواسطه تشخیص دادن بعضی جلسات لژ بتدککار این وسائل و سعی در فراهم کردن وسائل  
حسن تربیت اخلاقی اطفال در مدارس و غیرها .

۲- تکمیل و تعمیم و ترویج معارف بوسائل ذیل :

۱- طبع کتب مفیده .

۲- معاونت در هر نوع تأسیسات علمی و ادبی .

۳- کوشش در اصلاح و تکمیل مکاتب و مدارس .

۴- امداد از محصلین که وسائل تحصیل ندارند .

۵- تشویق مشتغلین بامور علمی و صنعتی و توقیر و تجلیل آنها و سعی در  
بهبودی حال آنها و سعی در تکمیل و احیای زبان و ادبیات فارسی .

۳- سعی در تکمیل و بسط آزادی بوسائل ذیل :

۱- تشریح فلسفه آزادی و تمیز مفهوم این کلمه از تصورات واهی هوسناکانی  
که از این کلمه استفاده معقول نکرده اند بواسطه کنفرانسه‌های مفصل و مقالات مشروح  
و وسائل مبرهن .

۲- تمرین آزادمنشی بمجاملت و بردباری و اغماض از افراد برادران و  
یگانگان و اعتیاد بکشف عقاید مکنونه بطور آزادی و تشجیع عموم برادران در  
خصوص این خصلت حمیده تا آنکه بدون هیچگونه اندیشه و هراس و شرم و حیای  
بی موقع بتوانند تمام ملکات و خطرات قلبی خود را در مجمع برادران هویدا و آشکارا  
کنند .

۴- سعی در ایجاد اتفاق و اتحاد بین عموم مردم و رفع اختلاف و بغضا و عصبیت  
از میان طبقات و احزاب سیاسی و ارباب ادیان به واسطه ترویج و اصول و عقاید  
ماسنی .

۵ - تعلیم و تعلم کیفیت تعاون و کار کردن بطور اتفاق و اجماع .

۶ - تشویق و ترغیب مردم خصوصاً برادران بکار و تحصیل معاش از معرکار و احترام از بیکاری و تنبلی .

## فصل هفتم

### وظایف نقدی

۱۴ - وجوهی که به موجب مقررات قانون اساسی و نظامنامه عمومی در مواقع مختلفه اعضای ل. ب. ا. ب. هیپردازند از این قرار است :

- ۱» برای سیر پایه اول ۱۰ تومان
- ۲» برای سیر پایه دوم ۵ تومان
- ۳» برای سیر پایه سوم ۱۰ تومان
- ۴» برای پیوستگی ۱۰ تومان
- ۵» برای مالیات سرشمار سالانه ۱۰ تومان

ماده شصتم از نظامنامه عمومی به موجب تفسیری که مجمع عمومی ۱۹۱۱ در آن داده است .

ماده ۶۰ - هر بیگانه که شرایط مذکور در اصل هشتم قانون اساسی را دارا باشد و بخواهد فرانماسن شود باید يك یا چند نفر استاد از اعضاء لژی که می - خواهد وارد آن شود او را معرفی کنند .

کسانی که او را معرفی می کنند پیشنهاد خود را کتباً در کیسه اظهارات می - دهند ورقه معرفی بیگانه باید ممضی و متضمن اسم و القاب و سن تحقیقی خواستار

و مکان ولادت و مسکن و شغل با صفات مدنی او باشد و نوشتجات ذیل ضمیمه آن می شود .

اولاً يك نوشته به امضای خواستار مشعر بر این که سابقاً به لژی معرفی شده یا نشده .

ثانیاً - سواد آخرین نامه اعمال او یا اگر نداشته باشد نوشتجاتی که بمنزله آن باشد .

هرگاه بیگانه که معرفی شده در مکانی ساکن باشد که لژی دیگری در آنجا باشد ارجمندیکه معرفی به او می رسد باید ارجمند آن لژی دیگر را آگاه سازد و درباره آن بیگانه سه راپورت تقاضا کند .

اگر در آن مکان لژی نباشد ارجمند باید به ارجمند نزدیکترین لژی به اقامتگاه بیگانه رجوع کند اگر بیگانه در ولایتی ساکن و در ولایت دیگر مشاغل انتخابی داشته باشد ارجمند لژی که تقاضای ورود باورسیده از ارجمند نزدیکترین لژی به مسکن بیگانه و همچنین ارجمند یکی از لژیهای ولایتی که بیگانه در آنجا مشاغل انتخابی دارد در باب آن بیگانه سه راپورت تقاضا کند .

اگر ارجمند لژی که تقاضای سیر بیگانه به او رسیده در ظرف دو ماه راپورت ها را دریافت نکند به موجب کاغذ سفارشی شورای طریقت را مطلع می سازد و پس از یکماه دیگر از آن صرف نظر می کند .

در هر صورت تقاضا را باید به کارخانه اطلاع داد و راپورتهای را در جلسه رسمی قرائت کرده و همچنین راپورتهایی که در فقره آتی مذکور است .

همینکه ورقه معرفی و نوشتجات منضمه آنرا ارجمند از کیسه اظهارات بیرون آورد قرائت میکند اما اسم معرفی کنندگان را نمی گوید پس از آن لااقل

سه نفر از اعضای لژ را مأمور میکنند که دربارهٔ بیگانه تحصیل اطلاعات نمایند بدون آنکه مأمورین را بشناساند .

هر يك از این مأمورین باید راپورت خود را در ظرف يك ماه کتباً به ارجحند بدهند .

## ضمیمه چهارم

معرفی ۱۳۶۰ جلد کتاب فراماسونری

از دویست و پنجاه سال قبل تا کنون که فراماسونری سیاسی، جانشین سازمان صنفی «بنایان» در انگلستان شد، چند هزار کتاب «موافق» و «مخالف» درباره این فرقه در جهان نوشته شده است. هر قدر تشکیلات ماسونیک در جهان گسترش می‌یافت، به همان نسبت هم کتب و رسالات مختلف درباره این فرقه، منتشر می‌گردید. انتشارات منظم فراماسون‌ها چه آنهایی که در دسترس عموم قرار می‌گیرند، و چه نشریات سری و بسیار محرمانه‌ای که گراند لژها و لژهای جهان برای ماسون‌ها چاپ می‌کنند، صدها بار افزون‌تر از نشریات «نویسندگان غیر ماسون» و «آزاد» می‌باشد. زیرا بطوریکه قبلاً یادآور شده‌ایم، اطلاع از افعال و اعمال ماسون‌ها، برای کسانی که در درون لژها راه ندارند، کاری بس مشکل و در بعضی موارد از محالات است. اصول پنهانکاری و راز داری که افراد این فرقه در سراسر جهان بکار می‌برند، سبب می‌شود که «غیر ماسون‌ها» به دشواری بتوانند از قسمتی از اسرار درون سیاه چال‌ها و لژها سردر بیاورند. بدین لحاظ در کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌های بزرگ جهان کتاب مخالفان فراماسونری و تحقیقات «غیر ماسون‌ها» کمتر وجود دارد. در عوض بیشتر آثار فراماسون‌هایی که از لژها اجازه نوشتن و چاپ تاریخ فراماسونی، تشریفات و سوابق این فرقه را دارند، ضبط و نگهداری می‌شود.

در تحقیقات چندین ساله‌ای که ما درباره فراماسونری نمودیم، بیشتر از منابع و مدارکی که در کاتالوگ‌ها و فیش‌های این مؤسسات بود، بطور دقیق صورت برداری کردیم. آنچه که بعداً بنظر خوانندگان عزیز می‌رسد، بیشتر از فیش‌ها

و کاتولوگ‌های کتابخانه‌های موزه بریتانیا، کتابخانه دانشگاه‌های لندن، اکسفورد، کمبریج، کتابخانه بادلین - کتابخانه برلین و فرانکفورت و بالاخره کتابخانه ملی پاریس استفاده شده است.

در کتابخانه‌های انگلستان آن مشخصات و اطلاعات دقیق و کاملی از کتب فراماسونری ضبط و نگهداری شده که در اختیار همگان می‌باشد. ولی در کشورهای اروپائی بخصوص آلمان و فرانسه پس از تسلط ارتش هیتلری بر این دو کشور، نه تنها مراکز ماسونیک اشغال و نابود شده، بلکه اسامی کتب ماسونیک از فیش‌ها و کاتالوگ‌های کتابخانه‌های اروپائی تحت اشغال نازیها، حذف گردیده، و حتی در بسیاری از کتابخانه‌های آلمان، فرانسه، هلند و بلژیک، بدستور اشغالگران نازی کتب موجود خارج و آتش زده شده است.

بطوریکه در جلد اول نوشتیم، در کشور آلمان فراماسونری سیاسی تشکیلات وسیعی داشت و چون سازمان سنگتراشان و بنایان آلمانی، چند قرن قبل از ماسونی سیاسی آغاز فعالیت نمودند، از این رو زمینه مساعدی فراهم شد که موجب گردید، گروهی از مردم آلمان از این تشکیلات استقبال نمایند و کتب زیادی بزبان آلمانی منتشر نمایند. هم چنین عده زیادی از طبقات عالیّه آلمان از جمله فردریک کبیر پادشاه پروس عضو فرقه فراماسونری شد و بمقام معمار بزرگ نائیل آمد. پس از فردریک کلیه سلاطین آلمان تا ویلهلم دوم آخرین امپراطور آن کشور عضو فرقه فراماسونری بودند و بعد از جنگ جهانی اول هم فراماسون‌ها توانستند در حکومت جمهوری آلمان نفوذ زیادی بنست آورند. و این نفوذ تا هنگام روی کار آمدن هیتلر در سال ۱۹۳۲ ادامه داشت. اما پس از اینکه هیتلر صدراعظم آلمان شده، اثرهای فراماسونری را در این کشور منحل کرد. او بارها در نطق‌های آتشین خود اثرهای ماسونیک را «سلول‌های جاسوسی خارجیان و مرکز فعالیت جهودها» معرفی نمود و از هیچ اقدامی برای نابودی لژها و ماسونها دریغ نورزید.

با وجودیکه هیتلر و یارانش همه جا سلول‌های ماسونیک را تعطیل کردند،

با اینحال بطوریکه بعد از سقوط رایش سوم اعلام شد، گروهی از اعضای فعال لژهای مزبور بطور پنهانی جلسات خود را تشکیل می‌دادند. منتها از بیم پلیس مخفی و اس - اس‌های هیتلری، می‌کوشیدند، بدون تشریفات و علائم ظاهری دور هم جمع شوند. بموجب ادعای لژهای متحده آلمان، درین اعضای فراماسونری این کشور، حتی رجال نظامی جنگ دوم جهانی مانند «فن کلوک» و «مارشال رومل» که هر دو از سرداران بزرگ جنگ دوم بشمار می‌روند، وجود داشتند. شاید علت سوءظن هیتلر نسبت به مارشال رومل معروف به «روباه صحرا» نیز همین بود که می‌پنداشت وی فراماسون می‌باشد.

پس از اینکه در یستم ماه ژوئیه سال ۱۹۴۴ به هیتلر سوءقصد شد و افسران مخالف او خواستند وی را بوسیله بمب ساعتی بقتل برسانند، ولی او کشته نشد، اندکی بعد معلوم گردید عده کثیری از کسانی که در آن توطئه شرکت داشتند عضو لژهای فراماسونری آلمان بودند. مارشال رومل سردار معروف آلمانی نیز - که لژهای متحده فعلی آلمان مدعی ماسون بودن او هستند - چون مورد سوءظن قرار گرفت و هیتلر پنداشت که وی فراماسون است، از این رو برای او پیام فرستاد که اگر نمی‌خواهد مانند شرکای توطئه از جنگ‌های دکان قصابی آویخته شود، انتحار کند. بطوریکه در کتاب سقوط رایش سوم نوشته شده، افسران اس - اس بعد از حادثه، متهمان و توطئه‌گران را به قلاب‌ها و جنگ‌های دکانهای قصابی آویزان کرده و سپس می‌کشتند. رومل نیز بموجب ادعای نویسنده کتاب «فراماسونی جدید» و به نقل از روایات شفاهی فراماسونهای جدید با خود کشی بزندگی خود خاتمه داد تا با آن طرز فجیع کشته نشود.

این شواهد تاریخی را بدان جهت نقل کردیم، تا علت عناد و دشمنی هیتلرها در محو و نابودی همه آثار ماسونیسیم از جمله کتب و نشریات آنان را بیان کرده باشیم. بدین سبب در اکثر از کتابخانه‌های کنونی آلمان، مشخصات کتب فراماسونری به زبان آلمانی از بین رفته است. در فرانسه نیز، چنین وضعی حکمفرماست. منتها

بعد از شکست آلمان نازی، فراماسون‌های فرانسه سعی کردند، این نقیصه را جبران کنند. با وجود این هنوز مشخصات همه کتب چاپ شده بزبان فرانسه، در کتابخانه ملی پاریس که معتبرترین و مهمترین کتابخانه‌های فرانسه است، وجود ندارد. بدین جهت در معرفی کتب فراماسونری، تا آنجا که مقدور بوده، مشخصات کتب آلمانی و فرانسه را نقل کرده‌ایم.

بعلاوه در تنظیم این مجموعه سعی شده است از کتبی که بعضی فصول یا برخی از صفحات آن به بحث درباره فراماسونری اختصاص داده شده، استفاده بعمل آید و هر يك از اطلاعات مزبور در جای خود نقل شود. در این مجموعه اسامی و مشخصات ۱۳۶۰ کتاب ماسونيك را که از کاتالوگ‌ها و فیش‌ها و فهرست‌های کتب ماسونيك اقتباس شده، نقل می‌کنیم. در اینجا توضیح این نکته لازمست که پس از اینکه این مجموعه را تهیه کردیم مشخصات ۷۵۲ کتاب دیگر را نیز که بیشتر آنها بزبان‌های آلمانی و فرانسه نوشته شده است بدست آوردیم که امیدواریم در چاپ‌های بعدی اسامی آنها را ضمیمه مجموعه ذیل بنمائیم.

در فصول مختلف سه جلد کتاب تقدیمی، هر جا که از کتب السنه مختلف استفاده شده، در زیر صفحات، ماخذ و منابع آن را ذکر کرده‌ایم، و نقل بقیه مشخصات و اسامی کتب صرفاً بمنظور استفاده عمومی است. ما چنین می‌پنداریم که چاپ و انتشار این مجموعه نفیس برای محققان و پژوهندگان دانش و بخصوص، فارسی زبانان، اثر ارزنده‌ای باشد و آیندگان بتوانند از مشخصات و متون کتب یاد شده استفاده کنند. امیدواریم این پندار ما درست باشد و خدمت ناچیزی که انجام داده‌ایم مورد قبول دانش پژوهان و محققان قرار گیرد. اینک به معرفی ۱۳۶۰ جلد کتاب فراماسونی و ذکر مشخصات آنها می‌پردازیم:

- 1 **ABBOTT (G. B.)** HISTORY of FREEMASONRY in HARTFORDSHIRE, with 5 portraits, 1893 15/-
- 2 ——— LARGE PAPER COPY, impl. 8vo, roxburgh, 1893 41/8/-
- 3 {**ABBOTT (W. H., Jr.)**} LYRICS AND LAWS BY "PIPS," call, Calcutta, 1857 41/5/-  
Contains four Masonic Poems: "The Masonic Dinner," "Our Visiting Brethren,"  
"The Entered Apprentice's Toast," "The Tyler's Toast."
- 4 **ABRAHAM (ANTOINE FIRMIN)** L'ART DU THUILLEUR, dédié à tous les Maçons des deux hémisphères, 24 pages (last 2 blank), unbound, Paris, [1804] 42/-/-  
Kloss, 1955.
- 5 ——— MIROIR DE LA VÉRITÉ, dédié à tous les Maçons, 3 vols., half calf gilt, Paris, Chez le F. Abraham, 1800-02 47/10/-  
Wolfstieg, 518. Kloss, 31.  
Abraham was Master of the Lodge "Les Elèves de Minerve." He came into collision with the Grand Orient and the Supreme Grand Council of France about the year 1811.
- 6 **ADAMSON (H.)** THE MUSES THEODIE; or MIRTHFUL MOURNINGS on the DEATH of MR. GALL, . . . with the Most Remarkable ANTIQUITIES of SCOTLAND, especially of PERTH, [originally] printed at Edinburgh 1638; NEW EDITION with Explanatory Notes and Observations . . . compiled from Authentic Records by JAMES CANT, 2 vols. In one, old half roan, Perth, 1774 42/18/-  
Part one, page 84 contains the following important reference connecting Freemasonry with the Rosicrucians  
"For we brethren of the rose cross,  
We have the Mason word and second sight."
- 7 **AFTER THE LODGE IS CLOSED**, REVISED and ENLARGED EDITION, by Bro. P.M. [Speeches, Toasts, Replies], 1948 7/6
- 8 **ALBURY MS. (The)** THE AMALGAMATED GUILD of FREEMASONS and MASONS, wrappers, 1875 10/-
- 9 **ALFORD (Rev. L. A.)** MASONIC GEM: CONSISTING OF ODES, POEM AND DINGH, Being a Miniature Sketch of Esoteric and Exoteric Masonry, SECOND EDITION, frontispiece and text-illus., New York, 1868 12/-
- 10 **ALLIED MASONIC DEGREES.**—CONSTITUTIONS OF THE ALLIED MASONIC DEGREES, published under the Authority of the Grand Council by C. FITZGERALD MATIER, wrappers, 1902 18/-
- 11 **ALMANACH DES FRANCS-MAÇONS** pour l'Anée 1757 (probably wanting engraved frontispiece) 48 pages, paper boards, Imprimé pour L'Usage des Freres, MMMMMDCCLVII (1757) 41/8/-
- 12 ——— ANOTHER EDITION for 1766, spelling altered to "FRANCS-MAÇONS," with engraved frontispiece by N. A. Mier, 48 pages, paper boards, *ibid* MMMMMDCCLXVI (1766) 42/2/-
- 13 ——— ANOTHER EDITION, pour l'Anée Bissextile 1776. Imprimé pour L'Usage des Freres, engraved emblematic frontispiece, 48 pages, contemporary olive green morocco, the sides elaborately tooled in gilt, centre device of lozenge shape composed of flowers, circles enclosing dots, scrolls, etc., board floral borders, gilt panelled back, marbled endpapers, g.e., Amsterdam, Jean Schreuder, 1776 45/10/-  
Wolfstieg, 783. Apparently sold as a duplicate from the Grand Lodge Library, England, having the library stamp on title and verso of frontispiece. Carries the bookplate of F. O. Irwin.
- 14 **ALMANACK.**—THE TOWN AND COUNTRY ALMANACK FOR 1799 [Containing a List of the Officers of the G.L. of Scotland and the dates of meetings of the 15 subordinate lodges in Edinburgh], contemp. sheep, Edinburgh: Thomas Ruddiman [1799] 42/10/-
- 15 ———: THE ORIGINAL EDINBURGH ALMANACK AND UNIVERSAL SCOTS REGISTER for 1815 [Containing a List of the Officers of the G.L. of Scotland, and the dates of meetings of the 17 subordinate Lodges in Edinburgh, contemp. sheep (back strip defective; apparently lacks Index at end), *ibid*. Printed at the Caledonian Mercury Press, 1815 43/-/-
- 16 **ANCIENT AND ACCEPTED (SCOTTISH) RITE.**—OXFORD (A. W.) THE ORIGIN and PROGRESS of the SUPREME COUNCIL 33° of the ANCIENT and ACCEPTED (SCOTTISH) RITE for England, Wales, the Dominions and Dependencies of the British Crown, 1933 12/6
- 17 **ANCIENT AND PRIMITIVE RITE.**—[YARKER (John)] HISTORY OF THE ANTIQNTY AND PRIMITIVE RITE IN FRANCE, AMERICA, GREAT BRITAIN AND IRELAND, with an HISTORICAL INTRODUCTION (recovered-wrappers), without place, printer or date [1876] 41/6/-

- 18 [ANDERSON (JAMES)] : CHARGES of a FREEMASON of 1723, FACSIMILE REPRINT, reduced to three-quarters of the original size, of the Frontispiece, Title-page, Dedication, and CHARGES of ANDERSON'S CONSTITUTIONS, with French translation on the opposite pages, translated by MAURICE PAILLARD, 32 pages, wrappers, 1947 6/-  
 ——— vide CONSTITUTIONS, post.
- 19 ARLEQUIN FRANC-MAÇON, Comédie inédite en deux actes, représentée au XVIII<sup>e</sup> siècle, suivie d'une étude sur les FRANCS-MAÇONS au THÉÂTRE, [Auteur Inconnu], buckram, (orig. wrappers bound in), Paris, 1919 12/6
- 20 ARMITAGE (FREDERICK) THE MASONIC LODGES OF THE WORLD, frontispiece and 5 illus., (binding and some lower blank margins damp soiled), 1913 10/-
- 21 ——— THE OLD GUILDS OF ENGLAND [Religious, Merchant and Trade], frontispiece and 8 illus. (binding a little damp soiled and top blank margins of some leaves frayed), 1918 18/-
- 22 ARMSTRONG (JOHN) A HISTORY of FREEMASONRY in CHESHIRE, being a RECORD of all EXTINGUISHED and EXISTING LODGES, CRAFT and MARK, and R. A. CHAPTERS, PROVINCIAL GRAND LODGES [etc.], frontispiece, 1901 £1/5/-  
 Limited to 500 numbered copies. Out of print.
- 23 ——— THE TIME IMMEMORIAL LODGE at CHESTER, of which Randle Holme was a Member (1650) . . . received a Constitution from Grand Lodge 1739; and name "ROYAL CHESTER" in 1787; its remaining members uniting in 1838 with the remaining members of the "LODGE OF INDEPENDENCE" and "LOYAL BRITISH" Lodge, to form the CESTRIAN Lodge, No. 615 [now No. 425], warranted 17th Dec. 1834, wrappers, Chester, 1900 £1/-/-  
 ARS QUATUOR CORONATORUM vide QUATUOR CORONATI LODGE PUBLICATIONS, post.
- 24 ASHE (Rev. J.) THE MASONIC MANUAL; OR, LECTURES ON FREEMASONRY; containing the Instructions, Documents and Discipline of the Masonic Economy, FIRST EDITION, LARGE PAPER COPY, boards, uncut, 1814 £1/15/-
- 25 ——— SECOND EDITION, boards, uncut, 1825 £1/1/-  
 Wolfstieg, 953.
- 26 ASHMOLE (ELIAS) : MEMOIRS OF THE LIFE OF THAT LEARNED ANTIQUARY, ELIAS ASHMOLE, Esq.; drawn up by himself by way of Diary, with an APPENDIX of original Letters, published by CHARLES BURMAN, FIRST EDITION, modern half calf, Printed for J. Roberts, . . . 1717 £3/3/-
- 27 ——— : THE LIVES of those EMINENT ANTIQUARIES ELIAS ASHMOLE, Esquire, and MR. WILLIAM LILLY, written by themselves; containing first, WILLIAM LILLY'S HISTORY of his LIFE and TIMES, with Notes by Mr. ASHMOLE; secondly LILLY'S LIFE and DEATH of CHARLES the FIRST; and lastly the LIFE of ELIAS ASHMOLE, Esq., by way of Diary, with SEVERAL OCCASIONAL LETTERS by CHARLES BURMAN, frontispiece containing two portraits, half calf, Printed for T. Davies, 1774 £4/-/-
- 28 ATHOLE (GEORGE AUGUSTUS F. J.), Sixth Duke, K.C., M.W. Grand Master of Scotland) IN MEMORIAM [a Record of the Funeral Service, Letters of Condolence, Lodge Mourning, etc.], Privately Printed, 1864 10/-
- 29 [AULD (WILLIAM)] THE FREE-MASONS POCKET COMPANION, containing the HISTORY of MASONRY from the Creation to the Present Time; THE INSTITUTION of the GRAND LODGE of SCOTLAND, LISTS of the OFFICERS of the GRAND LODGES in ENGLAND and SCOTLAND; with a COLLECTION of CHARGES, CONSTITUTIONS, ORDERS, REGULATIONS, SONGS, etc., SECOND EDITION, contemp. mottled calf gilt, blue edges with gaufered floral design, Edinburgh: Printed by Alexander Donaldson, 1763 £12/10/-  
 Wolfstieg 785 (ii).  
 Almost identical (apart from the re-wording of the title-page) with the first editions of Auld, Edinburgh, 1761.  
 An error in the 'History' regarding the presence of Pompey at the battle of Actium has been correctly replaced by Antony.  
 None of the editions of Auld had frontispieces.
- 30 [——] THE HISTORY of MASONRY or the FREE MASON'S POCKET COMPANION: THIRD EDITION. To which is added, a Large Collection of Songs, Prologues, Epilogues, &c. Old calf (some stains), Edinburgh: Printed by William Auld, 1772 £6/15/-  
 Wolfstieg, 3889.  
 This third edition follows Auld's Second Edition of Edinburgh 1763, but there are some variations by omissions and additions.

- 31 **ATTIC MISCELLANY** (The) or **CHARACTERISTIC MIRROR** of MEN and THINGS, including the **CORRESPONDENTS MUSEUM**, with 47 (should be 39) folding and other plates, 3 vols., contemp. calf, joints weak, Vols. 1 and 2 Printed for Bentley & Co.; vol. 3 Printed by and for W. Loehe, 1791-192] £3/15/-  
This periodical is very seldom found complete. It consists of 36 numbers from Oct. 1789 to Aug. 1792. Vol. 1 is the Third Edition; vols. 2 and 3 First Editions. Includes notices or anecdotes relating to the Societies of the Burks, Odd Fellows, Samsonic Society etc. No. XV (vol. 2) "A Dissertation on Freemasonry, addressed to the Prince of Wales, Grand Master of England." The editorship of this periodical is attributed to Thomas Holcroft.
- 32 **AUTHOR'S LODGE**, No. 3456.—**TRANSACTIONS, COMPLETE SET** [Edited by A. P. CALVERT and WILLIAM F. SPALDING, containing Contributions by SIR JOHN COCKBURN, JOHN T. THORP, J. A. SHERREN, EDMUND POOLE, Rev. F. De P. CASTELS, SYDNEY T. KLEIN, OCTAVIUS C. BEALE, W. W. COVEY-CRUMP, A. F. CALVERT, and many other Important Writers], profusely illus., 8 vols, 1915-55 £10/-/-  
Vols. 1 to 4 consist of a variety of lectures; Vol. 5. The History of the Lodge; Vol. 6. The History of the Author's [Lodge R.A.] Chapter; Vol. 7. Recounts the proceedings of the Lodge from the 128th to 167th regular meeting, and covers a period of eight years; Vol. 8. Proceedings of the 168th to the 210th regular meetings 1939-1947.
- 33 ——— Vols. 1 to 3 only, 1915-19 £8/15/-  
34 ——— Vol. 1 only, 1915 £2/5/-  
35 ——— Vol. 3 only, 1913 £2/-/-  
Vol. 2 cannot be sold separately.
- 36 ——— Vol. 7 only, 1945 £1/-/-  
37 ——— Vol. 8 only, 1955 £1/5/-  
These "Transactions," containing the substance of important lectures on almost every phase of Freemasonry, will be found to be indispensable to those interested in research.
- 38 **BACON** (W. A.) **EAST LANCASHIRE MASONIC WORTHIES** [14 Short Biographies], with portraits, 1913 10/-
- 39 **BAIN** (G. W.) **REPRINTS**: No. 1.—The **SECRET HISTORY** of the **FREEMASONS**; known as the "BRISCOE" Copy of the **OLD CHARGES**, reproduced in Facsimile from the original edition of 1724, edited with an Introduction by W. J. HUGHAN, 1896; No. 2.—The **PREFACE** to **LONG LIVERS**: a Curious History, reproduced in Facsimile from the original edition of 1722, edited with an Introduction by R. F. GOULD; 2 vols. in one, impl. Bvo, half morocco [Published by the Quatuor Coronati Lodge], 1891 £4/4/-
- 40 **BANCKS** [or **BANKS**] (JOHN) **MISCELLANEOUS WORKS**, in Verse and Prose, consisting of Odes, Songs, etc.; Tales and Fables; Epistles, Epigrams, Essays in Literature, etc., Illustrated with Notes, **SECOND EDITION**, frontispieces engraved by Van der Gucht, 2 vols., old calf, rebaked, 1739 £2/15/-  
Repair to title-pages; vol. 2 having pages 269-272 badly defective.  
Contains (Vol. 1—pages 33-39) "Of Masonry: an Ode" with explanatory footnotes, one of which says that the Author is a Brother of the Craft.  
This Ode was incorporated in Reid's Pocket Companion, Edinburgh 1754.
- 41 [**BARBEGUÈRE** (J. E.)] **LA MAÇONNERIE MESMÉRIENNE, ou Les Leçons Prononcées** par Fr. MOCET, RIALA, TIREMOLA, SECA, et CÉLAPHION, de l'Order des F. de L'Harmonie, en LOGE MESMÉRIENNE de BORDEAUX, l'an des Influences 5784 et du Mesmérisme le 1<sup>er</sup> jour MR. J. B. B\*\*\*\*, D.M., unbound, Amsterdam, 1784 £2/-/-  
Wolfstieg, 33622; Kloss, 3721.
- 42 **BARRUEL** (L'ABBE A.) **MÉMOIRES pour servir a L'HISTOIRE du JACOBINISME, PREMIÈRE ÉDITION**, 4 vols, calf (labels missing and one cover detached), Londres, 1797 £1/10/-  
Wolfstieg, 6367.
- 43 ——— **QUATRIÈME ÉDITION**, 5 vols. in 2, contemp. calf, Ausbourg, 1799 £2/10/-  
Wolfstieg does not give this Ausbourg edition. Kloss, 3506 includes it among other editions but says 5 vols ? indicating that he had not seen it.  
——— vide [CLIFFORD (HON. R.)] post.
- 44 **BATAILLE** (Le Docteur, pseud. of CHARLES HAGES) **LE DIABLE au XIX<sup>e</sup> SIÈCLE, ou les MYSTÈRES du SPIRITISME, la FRANC-MAÇONNERIE LUCIFÉRIENNE (etc.)**, illus., roy. 8vo, half roan, Paris [1894] £1/5/-  
Wolfstieg, 30057  
Although not indicated on title-page, and appears to be complete in itself, a second volume was issued.

- 45 **HATES (A.)** THE HISTORY of FREEMASONRY in GRIMSBY from its Introduction to 1892, comprising "The SPURN and HUMBER," "The APOLLO," "The PELHAM PILLAR," "The ST. ALBANS," and "The SMYTH" Lodges; the "ALETHEA" and "OLIVER" R.A. Chapters; and the "SUTCLIFFE MARK LODGE," *portrait, Grimsby, 1892* 18/-
- 46 **BAZOT (ETIENNE-FRANÇOIS)** MORALE de la FRANCHE-MACONNERIE, et Esprit, Pensées et Maximes des Francs-Maçons les plus distingués [etc.], PREMIÈRE ÉDITION, rebound half sheep, Paris, 1827 42/-  
Wolfstieg, 24831; Kloss, 763.
- 47 ——— VOCABULAIRE des FRANCS-MAÇONS, TROISIÈME ÉDITION, revue et Considérablement augmentée par E. F. BAZOT, old half calf (broken), Paris, 1810 41/10/-  
Wolfstieg 1294 (iv); Kloss, 1968.  
This is really a work by J. L. Laurens of which the first two editions of 1805 and 1808 were published anonymously—vide [Laurens (T. L.)] post.
- 48 **(BEAUMONT (—))** L'ADEPTE MODERNE, ou Le VRAI SECRET des FRANCS-MAÇONS. Histoire Intéressante, boards, Londres, aux dépens de L'Auteur [1777] 44/4/-  
Wolfstieg, 41487 (ii); Kloss, 3950.  
This is a translation from the German work entitled: Der Neue Goldmacher oder das wahre Geheimnis der Freymaurer, 1770.
- 49 **BECKETT (JAS. A.)** ONE HUNDRED YEARS of FREEMASONRY in the TOWN of HOOSICK, [New York], 58 pp., Albany, 1894 15/-
- 50 **BEDFORD (REV. W. K. RILAND)** THE MORAL TEMPLE: A Sermon preached . . . before the Rt. Hon. and Rt. W. The Lord Leigh, and the Grand Lodge of Freemasons of the Province of Warwickshire, Published by Request, wrappers, Birmingham, 1858 10/-
- 51 **BEESEY (E. B.)** FREEMASONRY in LANCASHIRE, from the Earliest Times down to the partition of the Province into two Divisions in 1825-26, with 4 plates, Manchester, 1932 15/-  
One of 500 numbered copies printed for Private Circulation.
- 52 ——— THE HISTORY of the WIGAN GRAND LODGE (LANCASHIRE), with 18 illus., *ibid.*, 1920 15/-  
Recording the Career of this independent body which existed in Lancashire from 1823 to 1866. One of 500 numbered copies.
- 53 ——— A RECORD of ANTIQUITIES, and ARTICLES of MASONIC INTEREST, belonging to the CRAFT LODGES and R. A. CHAPTERS of the PROVINCE of EAST LANCASHIRE, with 74 plates, *ibid.*, Private Subscription Edition, 1919 18/-  
Limited to 300 numbered copies.
- 54 **BEGEMANN (WILHELM)** VORGESCHICHTE und ANFÄNGE der FREIMAUREREI in ENGLAND, ZWEITES BUCH: Gründung und Weiterentwicklung der Londoner Grossloge, die Ancient Masons und die Vereinigung der beiden Grosslogen, with 4 reproductions of title-pages, etc., plain half calf, Berlin, 1910 41/5/-  
Wolfstieg, 5693.  
The first volume was printed in 1909 and dealt mainly with the Operative and Transitional period.
- 55 **BEGUE-CLAVEL (F. T.)** DISCOURS prononcé à la loge ÉCOSAISE D'ÉMETIC, O. de PARIS, dans la Séance du 5 Nov. 1824, à l'occasion de la MORT de S. M. LOUIS XVIII, et de l'AVÈNEMENT au TRÔNE de S. M. CHARLES X. 12 pages, wrappers, Paris, 1824 18/-  
Kloss, 5317.
- 56 ——— L'ORIENT, REVUE UNIVERSELLE de la FRANC-MACONNERIE, rédigé par les sommités de la littérature française et étrangère sous la direction du Frère CLAVEL, (title-page mounted to size), roy. 8vo, boards, linen back, Paris, 1844-45 41/10/-  
Wolfstieg, 563.
- 57 **BERARD (V.)** LE POÈME SYMBOLIQUE [contenant L'Apprenti, Le Compagnon, Le Maître, Le Souverain Prince Chevalier Rose-Croix, et Chevalier Kadosch], half morocco, Or[ient] D'Alger [Paris] 1856 41/15/-  
Not in Wolfstieg.
- 58 **BETBUCH FÜR FREYMAURER**, with engraved emblematic title, the text of the prayers reproduced from the written script, with headings in ordinary type, 292 pages, calf, g.c. [Prague] Schönbeld [1784] 43/3/-  
Wolfstieg, 39520; Kloss, 457.  
The volume is lettered "Reines Gebethbuch."

- 59 **BETHAM** (SIR W.) **ETRUSCAN LITERATURE AND ANTIQUITIES INVESTIGATED**; or, The Language of that Ancient and Illustrious People Compared and Identified with the Ibero-Celtic, and both shown to be Phœnician, 63 plates and text-illus., 2 vols, 1842 £2/15/- The list of plates mentions one entitled "British Coins" facing page 140, in Vol. 2 which was not published.  
Contains a chapter on "The Cabiri and Freemasonry" in Vol. 2, pages 85-97.
- 60 **[BEYERLE (J. L.)]** **ESSAI SUR LA FRANCO-MAÇONNERIE, ou Du But essentiel et fondamental de la F. M. ; de la possibilité et de la nécessité de la réunion des différents Systèmes ou Branches de la M. ; du Régime convenable à ces Systèmes réunis, et des Loix Mm.** 2 folding tables, 2 vols., contemp. calf, gilt backs (binding a little worn), Latamopolis [Paris] 1784 £3/18/-  
Wolfstieg, 1378 ; Kloss, 170.
- 61 **BLACKHAM** (Col. R. J.) **APRON MEN, The Romance of Freemasonry**, 16 plates, (binding slightly faded), 1933 £1/15/-
- 62 **BLAKE** (MRS. [EDITH OSBORNE, afterwards Blake]) **THE REALITIES OF FREEMASONRY**, £1/-/-  
Although written in a satirical vein it contains some useful and important extracts.  
This is one of the copies which were bound up without the frontispiece of Mason's Marks.
- 63 **BOETHIUS** (A. M. TORQUATUS SEVERINUS) : **LA CONSOLATION PHILOSOPHIQUE de HOËCE, NOUVELLE TRADUCTION, avec la Vie de L'AUTEUR, des Remarques HISTORIQUES et CRITIQUES, et Une DEDICACE MASSONNIQUE** : par un FRERE-MASSON (JOS. DUPRÉ de FRANCHVILLE), 2 vols, contemp. French calf, gilt backs, La Haye, 1744 £3/2/-  
Wolfstieg, 2412a (in "additions" to vol. 2, page 1029) ; Kloss, 288.
- 64 **[BONNEVILLE (NICOLAS DE)]** **LES JÉSUITES CHASSÉS de la MAÇONNERIE, et leur POIGNARD BRISÉ par les MAÇONS.—Première Partie : LA MAÇONNERIE ÉCOSOISE COMPARÉE avec les Trois Professions et Le Secret des Templiers du 14e Siècle, frontispice, 1788 ; Seconde Partie : MÉMÉTÉ des QUATRE VŒUX de la COMPAGNIE de S. IGNACE, de la MAÇONNERIE de S. JEAN** (to which is added a Reprint of the 21st Edition of PRITCHARD (SAMUEL) **MASONRY DISSECTED**, as Printed for Byfield and Hawkesworth in [1777], with Notes in French appended) 1788, in one volume, half morocco, Orient de Londres [Paris, Holland], 1788 £15/-/-
- 65 ——— **ANOTHER COPY**, in the two original parts, wrappers not uniform, uncut, *ibid.*, 1788 £12/-/-  
Wolfstieg, 35728, Kloss, 1927.
- 66 **BORDER LODGE OF INSTALLED MASTERS, No. 5372 CARLISLE TRANSACTIONS, VOL. 1 [1932-1936]** Edited by JOHN JARDINE and E. CRAIG DUNLOP, wrappers, 1936 10/-
- 67 **BOUBÉE (J. S.) SOUVENIRS MAÇONNIQUES, . . . précédés d'une Notice Historique sur l'ORIGINE de la FRANCO-MAÇONNERIE**, half morocco, gilt back, Paris, Lebon, 1866 £1/5/-
- 68 **BOWERS** (ROBT. W.) **SOME NOTES on the HIDDEN MYSTERIES of NATURE and SCIENCE**, *illus.*, wrappers, 1909 10/-
- 69 **BRAD** (JEAN-LOUIS) **LES MAÇONS de CYTHÈRE, Poème**. [Contenant Vénus Maçonne ; Les Grâces Maçonnées ; L'Amour Maçon ; et Le Banquet des Maçons] with engraved frontispice, half calf, Paris, 1813 £2/2/-  
Wolfstieg, 39945.
- 70 ——— **VÉNUS MAÇONNE, Poème**, wrappers, Paris, 1810 £1/1/-  
Wolfstieg, 41269 ; Kloss, 2133.  
This work was afterwards incorporated with other pieces under the title "Les Maçons de Cythère," 1813.
- 71 **BRADLAUGH** (CHARLES) **WHAT FREEMASONRY IS, WHAT IT HAS BEEN, and WHAT IT OUGHT TO BE**, 12 pages, unbound, *Freethought Publishing Co.* 1885 12/6
- 72 **[BRAMSTON (JAMES)]** **THE MAN OF TASTE**, occasion'd by an Epistle of MR. [ALEXANDER] POPE's on that Subject [i.e., that to the Earl of Burlington, 1731], by the Author of the Art of Politicks, FIRST EDITION, frontispice engraved by G. Van der Gucht, 20 pages, folio, sewn, Printed by J. Wright for Lawton Gulliver . . . 1733 £8/10/-  
This satire holds an honourable place in eighteenth-century verse. It was reprinted in volume one of Dodsley's "Poems by several Hands."  
On page 10 occurs allusions to Christopher Wren and Inigo Jones, and on page 14 the following lines relative to freemasonry :  
"Next Lodge I'll be Free-Mason, nothing less,  
Unless I happen to be F.R.S."

- 73 **BRAMSTON (JAMES)** *THE MAN OF TASTE*, FIRST OCTAVO EDITION, *frontispiece*, 20 pages, modern wrappers, *ibid.*, 1733 £3/10/-  
In this issue the figures shown in the frontispiece are transposed, and the List of Books printed for Lawton Gilliver (given on page 20 of the folio edition) are omitted.  
The references to Christopher Wren and lines relating to Freemasonry are on pages 9 and 13 respectively
- 74 **BRASDOR (JACQUES)** *FRAGMENTS POÉSIES* [including MASONIC POEMS], wrappers (backstrip defective), *Paris*, 1868 16/-  
Author's presentation inscription on half-title.
- 75 **BRESCANI (C. P. ANTOINE, S.F.)** *LE JUIF DE VÉRONE ou les SOCIÉTÉS SECRÈTES en ITALIE*, CINQUIÈME ÉDITION, 2 vols., half morocco, *Paris*, [1860] £1/10/-  
Wolfstieg, 41733; Callet, 1630.
- 76 **[BREWSTER (SIR DAVID)]** *THE HISTORY of FREE MASONRY* drawn from Authentic Sources of Information; with An Account of the GRAND LODGE of SCOTLAND, from its Institution in 1736, to the Present Time, compiled from the Records; and an Appendix of Original Papers, FIRST EDITION, boards, cloth back, with paper label, entirely uncut, *Edinburgh*, 1804 £6/8/-  
Wolfstieg, 6156; Kloss, 2828  
Often, though wrongly, attributed to the publisher Alex. Lawrie, the G.S. of the Scottish Grand Lodge. It contains the first published Laws and Regulations of the Grand Lodge of Scotland.
- 77 **BROMWELL (H. P. H.)** *RESTORATIONS of Masonic Geometry and Symbolry* being a Dissertation on the Lost Knowledge of the Lodge, with *frontispiece* and 30 *illus.*, 4to, half morocco (rubbed), *Denver, Colorado*, 1905 £2/5/-
- 78 **BROOMIELAW BRIDGE, GLASGOW.**—An ACCOUNT of the GRAND MASONIC PROCESSION, at the LAYING the FOUNDATION STONE of the BROOMIELAW BRIDGE [with some ACCOUNT of FREEMASONRY in SCOTLAND] 82 pages, wrappers, *Glasgow* [1833] 12/6
- 79 **BUCKS.**—A CANDID ENQUIRY into the PRINCIPLES and PRACTICES of the MOST ANCIENT and HONOURABLE SOCIETY of BUCKS, together with Some Thoughts on the Origin, Nature, and Design of that Institution, dedicated to the Brethren of the Order by P. D., Esq., *engraved emblematic frontispiece*, contemp. wrappers, entirely uncut, *Printed for the editor, by C. Kiernan, in Fulkwood's Rents, Holborn*, 1770 £10/10/-  
The authorship is unknown but the Dedication is signed P.D. . . . M.N.G. of the Royal Mocklinburgh Lodge, with his address at foot of the page as No. 3 Bury-Street, St. James.  
An account of this Order is given by W. H. Rylands in A.Q.C., Vol. 3, pages 140 to 162, under the title "The Noble Order of the Bucks, a Forgotten Rival of Freemasonry."
- 80 **[BURDIN (F. A.)]** *REMARQUES d'un PROFANE sur Deux HOMÉLIES MAÇONNIQUES*, prononcées dans la R... L... de . . . O... de . . . , le 27<sup>e</sup> du 10<sup>e</sup> mois de l'An de la Vérité Lumière 5820, half parchment, [*Paris*] A. Besançon 1822 £2/10/-  
Apparently not in Wolfstieg or Kloss.
- 81 **[BURGEAUD (J., de Calais)]** *POÈME PHILANTROPIE-MAÇONIQUE*, dédié à la R... L... de L'AMITIÉ, O... de BOULOGNE, wrappers, *Boulogne*, 1823 £1/10/-  
Wolfstieg, 37378, Kloss 755.
- 82 **BURNS (ROBERT): HARVEY (William)** *ROBERT BURNS as a FREEMASON*, with 7 *illus.*, boards, cloth back, *Dundee*, 1921 10/-
- 83 **BURTON (WILLIAM)** *THE DESCRIPTION of LEICESTERSHIRE: Containing MATTERS of ANTIQUITY, History, Armoury, and Genealogy*, FIRST EDITION, with a folding map of the County as it was in 1602, and numerous cuts of the coats of arms on the letterpress, (original title-page missing but a reprint on old paper substituted), folio, old russia (a little worn) *Printed for John White . . . 1622* £5/-
- 84 ——— SECOND EDITION, corrected, the folding map brought up to date, and 2 plates containing over 100 illustrations of armorials, folio, contemp. russia, gilt back (joints partly cracked; a few pages with some MS. scribbles). *Lynn: Printed and Sold by W. Whittingham*, 1777 £3/-  
In the description of the parish of Woodhouse in the Hundred of West Goscott is a reference to the repair to Chapel of Ashler Stone and the new building of a steeple, with a deed of Covenant "made between Robert Farnham of Quadron, of the one part, and a certain free-mason of the other."  
In the original edition this reference occurs on page 315 and in the revised edition on page 294.

- 85 [CADET-GASSICOURT (C. L.)] *Le TOMBEAU de JACQUES MOLAI, ou Histoire Secrète et Abrégée des Initiés, Anciens et Modernes, des TEMPLIERS, FRANCS-MAÇONS, ILLUMINÉS, etc., SECONDE ÉDITION, (engraved frontispiece and first few pages slightly waterstained), wrappers, uncut, Paris, 1797* £1/18/-  
 Wolfstieg, 6311 (ii); Kloss, 3493.
- 86 CAGLIOSTRO (COUNT): ALMÉRAS (Henri d') CAGLIOSTRO (JOSEPH BALSAMO) *LA FRANC-MACONNERIE et l'OCCULTISME au XVIII<sup>e</sup> SIÈCLE, d'après des documents inédits, portrait, half morocco, Paris, 1904* £1/8/-  
 Wolfstieg, 14383.
- 87 CAIGNART-DE-MAILLY (P.) *RECHERCHES sur L'ORIGINE, L'ESSENCE, Le BUT et les RAPPORTS MUTUELS des divers RITES MACONNIQUES, 64 pages, orig. wrappers, Paris, 1810* £1/8/-  
 Wolfstieg, 33179; Kloss, 738b.  
 The authors name and date of publication appear on the wrapper; both are omitted from the title-page.
- 88 CALCOTT (WELLING) *A CANDID DISQUISITION of the PRINCIPLES and PRACTICES of the Most Ancient and Honourable SOCIETY of FREE and ACCEPTED MASONS; . . . Dedicated, by permission to the most Noble and most Worshipful Henry Duke of Braufort, Grand Master. FIRST EDITION, LARGE and FINE PAPER ISSUE, contemp. calf, gilt back, Printed for the Author by Brother James Dixwell, 1769* £5/15/-
- 89 ——— ROYAL [and thick] PAPER ISSUE, contemp. calf gilt, square and compass tooled in gilt in each corner on covers (joints cracked), *ibid.*, 1769 £7/10/-  
 Wolfstieg, 1363.  
 This work appeared in three sizes, small octavo and octavo both printed on ordinary paper, and large octavo on thick Royal paper.
- 90 ——— AMERICAN REPRINT, with List of Subscribers and a List of Lodges held in the Town of Boston, New York, 1855 £1/8/-
- 91 ——— ANOTHER EDITION, . . . with Copious Notes by The Rev. George Oliver, half calf, 1847 16/-  
 This is Vol. 2 of "Oliver's Golden Remains of the Early Masonic Writers" and is so lettered on binding.
- 92 ——— THOUGHTS MORAL and DIVINE, Collected and intended for the better Instruction and Conduct of Life, SECOND EDITION with Improvements: Dedicated by permission to the Rt. Hon. the Earl of Powis, old half calf, entirely uncut, Birmingham: Printed for the Author, by T. Warren Jun. 1758 £2/15/-
- 93 CALVERT (A. F.) *THE GRAND LODGE of ENGLAND 1717-1917, being an ACCOUNT of 200 YEARS of ENGLISH FREEMASONRY, with 280 portraits and other illus. (mostly from old prints), 1917* £2/18/-
- 94 ——— THE GRAND STEWARDS' and RED APRON LODGES, with 75 illus., 1917 £1/8/-
- 95 ——— OLD ENGRAVED LISTS of MASONIC LODGES, 1723-1777, with 162 plates of facsimiles, roy. 8vo, 1920 £1/15/-
- 96 CAMA (K. R.) FREEMASONS' JAMSHEDI NAOROZ FESTIVALS [New Year's Day of the Ancient Persian Empire] LECTURES at the SCOTTISH MASONIC HALL, GOWALLIA TANK ROAD, BOMBAY, for the years 1874-75-77, boards, cloth backs, Bombay, Duffer Ashkama Press, as under:—  
 (a) DISCOURSE ON JAMSHEDI NAOROZ (1874) 24 pages, 1875 10/-  
 (b) DISCOURSE ON MITRAIC WORSHIP (1875) 28 pages, 1876 12/6  
 (c) DISCOURSE ON FREEMASONRY AMONG THE NATIVES OF BOMBAY (1877) 24 pages, 1877 12/6
- 97 ———: THE CAMA MASONIC JUBILEE VOLUME: containing Papers on Masonic Subjects written by various Free-Masons in Honour of K. R. CAMA, on his completing 50 Years of Masonic Life in the year 1904, and edited by Jivanji Jamshedji Modi, frontispiece and 2 other plates (loose in case), Bombay, 1907 18/-
- 98 CAMPBELL-EVERDEN (W. P.) FREEMASONRY and its ETIQUETTE, with which is incorporated "THE ETIQUETTE of FREEMASONRY" by "AN OLD PAST MASTER" [i.e. FRANKLIN THOMAS], LAST EDITION, 1948 11/8

- 99 **CARBONARI**—INSTRUCTION, ou CATÉCHISME des BB... CC... FF... CHARS..., contenant la Manière d'Initier et de donner les différens grades dans cet Ordre, avec des Discours Propres à ces cérémonies, *folding plan, half roan, Imprimé . . . Au D La V.-L. 5835, [1835]* £3/10/-
- 100 ——— : PALMIERI de MICCICHÈ (MICHEL) Les CARBONARI, ou NAPLES en 1821, *Drame Historique en cinq actes en prose, avec un Choeur de CARBONARI, précédé d'une Notice Historique, unbound, Paris, 1833* £1/5/-  
Not in Wolfstieg or Kloss. The Prefatory note is signed L. L\*\*\*.
- : vide GRÉ (L'Abbe), post.
- 101 **CARMICHAEL** (WALTER SCOTT) MISCELLANEA POSTICA (Dedicated to the Masonic Brethren), *Printed for Private Circulation, Edinburgh, 1883* 10/-
- 102 **CARR** (H.) THE MASON and the BURG : AN EXAMINATION of the EDINBURGH REGISTER of APPRENTICES and the BURGESS ROLL [with a Foreword by G. S. DRAFFEN, Grand Librarian, Scotland], roy. 8vo, 1934 15/-  
Brother Carr's researches would seem to have settled finally what has hitherto been a vexed question—"When did the Apprentice become an Entered Apprentice?"
- 103 **CARWITHEN** (REV. WILLIAM, *Dep. Prov. G.M., afterwards, Grand Chaplain of Devon*) BROTHERLY LOVE EXPLAINED and ENFORCED. A Sermon preached in the Parish Church of ST. PETER, in TIVERTON, DEVON, at the Dedication of the Hall of the FREE and ACCEPTED MASONS, in that Town, on Wednesday, Sept. 3rd 1834. 16 pages, unbound, *Exeter, Printed for the Devon Provincial Grand Lodge, by Brother Spark [1834]* £1/1/-
- 104 ——— A SERMON preached in the PARISH CHURCH of CHUDLEIGH, DEVON, in aid of the Funds of the Bell Schools in that Town, on the day of the Consecration of the LODGE of UNION, No. 650, November 15th, 1838. 18 pages, unbound, *ibid. [1838]* £1/1/-  
Both Sermons are Dedicated to the R. W. Lord Viscount Ebrington, M.P., Prov. G.M.; Officers, and Members of the Prov. Grand Lodge.
- 105 **CARSON** (E. T.) THE ARCHAEOLOGICAL CURIOSITIES OF FREEMASONRY, No. 4—Facsimile Reproduction of the ENGRAVED LIST of REGULAR LODGES for 1736, by J. PINE, (with an Introduction by the Editor), wrappers, *Cincinnati, 1889* 15/-  
Only 200 copies printed for private circulation.
- 106 **CARTWRIGHT** (E. H.) A COMMENTARY on the FREEMASONIC RITUAL, together with Notes on the CEREMONIAL WORK of the OFFICERS, 1947 £1/1/-  
An important work for the student of the ritual. The author makes an analysis of the various systems and challenges the claims made by the Emulation Lodge of Improvement for its system of working.
- 107 **CASPARI** (OTTO) FREEMASONRY, its Meaning and Significance, an Exposition of its Ethics, Religion and Philosophy, AUTHORIZED ENGLISH TRANSLATION of the SECOND EDITION, 1914 15/-
- 108 **CASTELS** (REV. F. DE P.) THE APOCALYPSE of FREEMASONRY, a constructive scheme of Interpretation of the Symbolism of the Masonic Lodge, Re-issue of the SECOND EDITION, 1943 8/6
- 109 ——— ARITHMETIC of FREEMASONRY, SECOND EDITION, 1941 5/-
- 110 ——— ENGLISH FREEMASONRY in its PERIOD of TRANSITION, A.D. 1600-1700, cloth, 1931 15/-
- 111 ——— THE GENUINE SECRETS in FREEMASONRY prior to A.D. 1717, cloth, 1930 15/-
- 112 ——— ORIGIN of the MASONIC DEGREES, (1941) 12/6
- 113 ——— OUR ANCIENT BRETHREN the ORIGINATORS of FREEMASONRY, AN INTRODUCTION to the HISTORY of ROSICRUCIANISM, dealing with the period A.D. 1300-1600, cloth, 1932 15/-
- 114 **CHADWICK** (THOMAS) ANALYTICAL EXAMINATION of the FELLOW CRAFT, or Second Degree of Freemasonry. A LECTURE delivered in the Worshipful and Worshipful LODGE of VIRTUE, 177, MANCHESTER, Sept. 21st, 1852 . . . Dedicated, by permission, to the Right Hon. The EARL of YARBOROUGH, 28 pages, wrappers, 1852 15/-
- 115 **[CHAPPRON (E. J.)]** NÉCESSAIRE MAÇONNIQUE, PREMIERE EDITION, *frontispiece, modern buckram, Paris at Amsterdam, 1812* £3/10/-  
Wolfstieg, Supp. No. 8693; Kloss, 1988.  
Chappron was the author of "Les Secretes de la Maçonnerie Dévoilés," published in 1814.

- 116 **ALNWICK MANUSCRIPT** (THE)—*SOCIETAS ROSICRUCIANA in ANGLIA, PROVINCE of NORTHUMBERLAND and DURHAM: THE ALNWICK MANUSCRIPT, No. E 10, Reproduction and Transcript [with an Introduction by WILLIAM J. HUGHAN], 4to, stitched (wrappers missing), Privately Printed, Newcastle-upon-Tyne, 1895* £2/10/-  
Only a limited number were printed, each copy having its number printed on its title-page. The date of the original MS. is ascribed to the year 1701. It belongs to the "Sloane" family of Old Charges.
- 117 **BEAUMONT MS.**—WATSON (William) Reproduction of the "H. F. BEAUMONT MS." A.D. 1690 (or ante), with valuable Commentaries by DR. G. E. W. BEGEMANN and W. J. HUGHAN, and AN APPENDIX containing HISTORICAL NOTES on FREEMASONRY, more especially with reference to the PROVINCE of WEST YORKSHIRE, boards, cloth back, *Leeds*, 1901 10/-
- 118 ——— LARGE PAPER COPY, 4to, cloth, *ibid*, 1901 15/-
- 119 **CARMICK MS.**—SACISE (Julius F., Compiler) The CONSTITUTIONS of ST. JOHN'S LODGE: a Facsimile Copy of the THO. CARMICK MS., A.D. 1727, reproduced under the direction of the Committee on Library at the request of Brother GEORGE B. ORLADY, R.W. Grand Master of Pennsylvania [accompanied by a Printed Transcription], 4to, cloth (binding stained), *Philadelphia*, 1908 £1/10/-  
Only 500 numbered copies printed.
- 120 **[COLE (BENJAMIN)]** A BOOK of the ANTIEN'T CONSTITUTIONS of the FREE & ACCEPTED MASONS [THIRD ISSUE], engraved throughout, the text to the Charges ending on page 51, the four Songs being on pages 52 to 57, the catchwords on all pages except 50 and 51, Publisher's name on engraved title omitted (in this copy is a paste-on slip: *Printed and Sold by B. Creake*) [1729] bound with [DRAKE (Francis)] Speech . . . at a Grand Lodge, held . . . in the City of York, on St. John's Day, December 27th 1726 . . . By the JUNIOR GRAND WARDEN (and includes, although not noted on title): SPEECH . . . at a Lodge held at the Carpenters Arms . . . 31st of Dec. 1728 by the Rt. Wor. EDWARD OAKLEY, late Prov. Senior Grand Warden in Carmarthen; also a PROLOGUE and EPILOGUE, 40 pages, *Printed in the year 1729*; in one volume, contemp. calf (neatly rebacked) 1729 £30/-/-  
This copy of Cole's Constitutions does not have the engraved Dedication to Lord Kingston usually placed before the title-page.  
In all probability B. Creake took over the unsold sheets of the second issue and would account for the paste-on slip on the title-page. In 1731 he produced a further engraved edition to which he added a Printed Title-page bearing the words "Second Edition." In this 1731 edition of the engraved text, the four songs which were formerly engraved on pages 52 to 57 are incorporated in a separately printed "Curious Collection of the Most Celebrated Songs," dated 1731 and Drake's Speech, differently set up, bearing B. Creake's imprint, carried a later date of publication mostly called Second Edition, and dated 1734.
- 121 [——] THE ANTIEN'T CONSTITUTIONS of the FREE and ACCEPTED MASONS, *nearly engraved on [51] copper plates*, with a SPEECH [by FRANCIS DRAKE] deliver'd at the Grand Lodge at York, also a SPEECH of EDWARD OAKLEY . . . To which is added, a CURIOUS COLLECTION of the most CELEBRATED SONGS in HONOUR of MASONRY . . . ; SECOND EDITION, 1731. Reproduced in EXACT Facsimile, together with an Introductory Sketch by WILLIAM JAMES HUGHAN, boards, cloth back, *Leeds*, 1897 £2/2/-  
Only 200 copies of this excellent facsimile were printed. The original MS. from which the text of the Constitution (or Old Charges) is reproduced is known as the "Spencer MS."  
Although Drake's Speech is included in the contents on the 1731 general title-page, the Second Edition dated 1734 was bound up (as was nearly always the case) in the original copy from which the facsimile was produced.  
—— vide HUGHAN (Wm. J.)
- 122 **COOKE (MATTHEW)** The HISTORY and ARTICLES of MASONRY (now first published from an [early 15th century] MS. in the British Museum), with a facsimile reproduction and modernized transcript on opposite pages, half calf, 1861 [SOLD]  
A reproduction of the second oldest of the manuscript charges, or traditional histories of the Craft.

- 123 **HUGHAN** (WILLIAM JAMES) CONSTITUTIONS of the FREEMASONS [Comprising a Lithograph Facsimile of BENJAMIN COLB'S ENGRAVED CONSTITUTIONS, SECOND ISSUE [1728], with an Historical Account of the Old Manuscript Constitutions or Charges, down to the First Constitutions of the Grand Lodge, 1723] orig. boards (back strip a little worn and cracked), 1869 £10/-/-  
Only 75 copies were printed, now very scarce.
- 124 ——— THE OLD CHARGES of British Freemasons including a Reproduction of the "Haddon Manuscript," and particulars of All the Known Manuscript Constitutions from the Fourteenth Century, Second and Best Edition, with Illustrations (binding waterstained), 1895 £2/15/-  
Only 250 copies printed.
- 125 **KNOOP** (DOUGLAS) and **JONES** (G. P.) A HANDLIST of MASONIC DOCUMENTS, 1942 8/-
- 126 ——— THE NOMENCLATURE of MASONIC MSS. and HANDLIST of the MSS., wrappers, Printed for Private Circulation, 1941 12/6
- 127 **KNOOP** (DOUGLAS), **JONES** (G. P.), and **HAMER** (DOUGLAS) THE TWO EARLIEST MASONIC MSS.—The Regius MS. (B.M. Bibl. Reg. 17 A1) and The Cooke MS. (B.M. Add. MS. 23198), transcribed and edited with Introductory Accounts, wrappers, Manchester, 1938 15/-
- 128 **NEWCASTLE COLLEGE ROLL**.—SOCIETAS ROSICRUCIANA in ANGLIA, Province of Northumberland and Durham: THE NEWCASTLE COLLEGE ROLL, D.37, Reproduction and Transcript [with an Introduction by WILLIAM J. HUGHAN], 4to, wrappers, Privately Printed, Newcastle-upon-Tyne, 1894 £2/10/-
- 129 ——— ANOTHER COPY, neatly bound in half brown morocco, buckram sides, *ibid.*, 1894 £3/10/-  
Only a limited number were printed, each copy having its number printed on the title-page.  
The Newcastle College Manuscript is the only known copy of the Old Charges (excepting the two Rolls at York) which begins with "An Anagram upon the Name of Masonrie."  
The date of the original MS. is ascribed to the first half of the 18th century.
- 130 **POOLE** (REV. H.) PRESTONIAN LECTURE for 1933: THE OLD CHARGES in EIGHTEENTH CENTURY MASONRY; together with the Text of the FORTITUDE MS. [Q.C. Pamphlet No. 3], wrappers, Margate, 1934 15/-
- 131 ——— THE OLD CHARGES [Classification, Uses, Legends, etc.], 1924 8/6
- 132 ——— TWO VERSIONS of the OLD CHARGES; with an Introductory Note on the SPENCER FAMILY [Q.C. Pamphlet No. 2], wrappers, Margate, 1933 10/-
- 133 **POOLE** (REV. H.) and **WORTS** (F. R.) THE "YORKSHIRE" OLD CHARGES of MASONS, with some facsimile illustrations, Leeds, 1935 £1/12/6  
Only 500 copies printed, now out of print.
- 134 **REGIUS** or **HALLIWELL MS.**—"CONSTITUTIONES ARTIS GEOMETRIÆ SECUNDUM EUCLYDEM": A Facsimile [accompanied by a Transcript] of the Early Poem on Freemasonry from the Original MS. presented by King George II to the English Nation in 1757, now in the British Museum [Bibl. Reg. 17, A.1], Edited with Introductory Remarks by H. J. WHYMPER, calf, royal arms and monogram on sides (binding rubbed and spine defective), 1889 £1/0/-
- 135 ———; **HALLIWELL** (JAMES ORCHARD) THE EARLY HISTORY of FREEMASONRY in ENGLAND [being a transcript of the MS. Poem on the Constitutions of Masonry (Bib. Reg. 17a. 1 ff 32) edited with notes and an Introductory Essay, SECOND (and BEST) Edition, [to which is added a GLOSSARY of OBSOLETE WORDS], 1844 £1/8/-  
'The Regius Manuscript of the XIVth Century is the earliest of the known "Old Charges."
- 136 **[ROBERTS (J.)]** THE OLD CONSTITUTIONS belonging to the ANCIENT and HONOURABLE SOCIETY of FREE and ACCEPTED MASONS, taken from a Manuscript wrote about Five Hundred Years since, Printed and Sold by J. Roberts... 1722; Verbatim Reprint, vi + 26 pages, cloth, roan back, Richard Spencer, 1870 12/6
- 137 ——— PHOTOGRAPHIC FACSIMILE REPRINT from the Original Edition in the Library of the Grand Lodge of Iowa, together with a Foreword by JOSEPH FORT NEWTON, Iowa, 1917 18/-  
Limited to 1000 numbered copies.

## Old Charges—continued.

- 138 [TODD (J.) and WHYTEHEAD (T. B., Editors)] ANCIENT MASONIC ROLLS of CONSTITUTIONS, copied exactly from the Original MSS. in the possession of the YORK LODGE, No. 236, with a Preface by the Editors and an Introduction by W. J. HUGHAN, with 8 plates, Hull, 1894 £1/5/-
- 139 ——— REPRINT; with An APPENDIX by JAMES B. BRADWELL, of 110 pages, containing 50 half-tone illustrations of Masonic Scenes in York, and portraits of Prominent Members of Ancient Ebor Preceptory No. 101, etc., Chicago, 1895 £1/13/-
- CHARGES (OLD) vide BAIN (G. W.) REPRINTS, ante.**
- 140 C[HEMIN]-DUPONTÈS (JEAN-BAPT.) COURS PRATIQUE de FRANC-MAÇONNERIE, CAHIER 1-5, D'Apprenti; Compagnon; Maître; Grades Capitulaires; et Instruction sur les Grades Philosophiques, wrappers, Paris, 1841 £1/10/-  
Wolfsstieg, 33197; Kloss, 2687.
- 141 CHÉREAU (ANTOINE GUILLAUME) EXPLICATION de la PIERRE CUBIQUE, 1806, with folding plate, showing the four faces of the cubic stone: "Grade Ecossais du Régime du G. Or. de France, 20 pages, wrappers, [Paris, 1806] £1/10/-  
Wolfsstieg, 32708; Kloss, 1970.
- 142 [——] ANOTHER EDITION, with folding plate, 20 pages, wrappers, Paris, 1839 £1/-/-  
This edition is not given in Wolfsstieg or Kloss.
- 143 CHURCHWARD (ALBERT) THE ORIGIN and EVOLUTION of FREEMASONRY connected with the ORIGIN and EVOLUTION of the HUMAN RACE, 1920 £1/8/-
- 144 CLARE (MARTIN) THE MOTION of FLUIDS, Natural and Artificial; in particular that of AIR and WATER, . . . FIRST EDITION, with 9 copper-plates engraved by J. COLE, contemporary calf, Printed for Edward Symon, 1735 £8/10/-  
Contains a 4 page Dedication "To the Rt. Hon. Thomas Thynne, Lord Viscount Weymouth, Baron of Warminster, Grand Master of the Ancient and Honourable Society of Free and Accepted Masons, &c." with his Arms engraved as headpiece.  
It is interesting to note that in 1735 Viscount Weymouth became Grand Master and Martin Clare was appointed Junior Grand Warden; In the Dedication, Martin Clare refers to his Lordship's acceptance of the Grand Mastership and his own appointment. Only the first edition of "The Motion of Fluids" contains a Masonic Dedication.
- 145 ——— THE MOTION of FLUIDS, Natural and Artificial; in particular that of the AIR and Water [etc.], THIRD EDITION, corrected and improved, with 9 folding plates, old calf (upper cover detached) Printed for A. Ward, J. P. Knapton, S. Birt . . . 1747 £2/-/-
- 146 ——— YOUTH'S INTRODUCTION to TRADE and BUSINESS, SIXTH EDITION, Corrected, Augmented, New-Modell'd, and Considerably Improved, old calf (binding shabby) Printed for R. Hart . . . 1748 £1/15/-
- 147 CLARET (G.) MASONIC GLEANINGS, containing a DISQUISITION on the ANTIQUITY, EXTENT, COMPREHENSIVENESS, EXCELLENCE and UTILITY of FREEMASONRY [etc.], FIRST EDITION, Printed by Br. G. Claret . . . 1844 £4/10/-  
**CLAVEL, vide BÈGUE-CLAVEL (F. T.), ante.**
- 148 [CLELAND (JOHN)] THE WAY to THINGS by WORDS, and to WORDS by THINGS; being a Sketch of an Attempt at the Retrieval of the Ancient Celtic, or Primitive Language of Europe . . . ; also TWO ESSAYS, the one "On the Origin of the Musical Waits at Christmas," the other "On the REAL SECRET of the FREEMASONS;" FIRST EDITION, marbled boards, calf back, tall copy, entirely uncut, Printed for L. Davis and C. Reyners, 1761 £12/12/-  
Wolfsstieg, 29990.  
The Essay "On the Real Secret of the Freemasons" (on pages 108 to 123) contrives to show that the Masonic Obligation was derived from the Druids.
- 149 [CLEMENT (PIERRE, de Genève)] LES FRI-MAÇONS: HYPERDRAME, FIRST ISSUE of the FIRST EDITION, ornamental vignette on title, iv + 87 (verso blank) + 2 leaves "Divertissement" etc. unnumbered, wrappers, Londres, Chez J . . . T . . . dans le Strand, 1740 £10/-/-  
In this issue, on the second page of the 'Divertissement' at end is a verse L'Amour reçu Fri-Maçon, the first line commencing "Charmant Amour" which in later issues was altered to "Fils de Vénus". The alteration has been made in this copy by crossing through with a pen and adding the substituted words.

- 150 **CLEMENT** (PIERRE, de Genève) **LES FRI-MAÇONS: HYPERDRAME, SECOND ISSUE** of the FIRST EDITION, with a variant vignette design on title, revised rendering "Fils de Vénus" to the first line in *L'Amour reçu Fri-Maçon* [iv] + 76 pages, unbound, Londres, Chez J... T... dans le *Strana*, 1740 £7/-/-  
 Wolfstieg, 41900, cites these two issues with date of 1740 and another also published with imprint Londres, 1741, and suggests that the publisher in each case was Jacob Tonson but on this point John T. Thorp, who produced an English translation by R. E. Wallace James in No. iv of *Masonic Reprints*, disagrees and says that the imprint is probably false and more likely to have been printed on the continent. It is one of the first, perhaps the very first, of a long series of dramas, comedies, romances, and other works of fiction which were written by French and German authors during the eighteenth century, all dealing with the various phases of Freemasonry as practised or supposed to be practiced on the Continent of Europe during that period.
- 151 **CLÉMENTE AMITIÉ LOGE, PARIS.**—**LA LOGE FRANÇAISE de La CLÉMENTE AMITIÉ**, Q... de PARIS, à tous les maçons réguliers (*Observations du 28, 12, 5826 sur la dernière circulaire du sénat maç du 1<sup>er</sup> févr. 1826*) 20 pages, [1826]; **MÉMOIRE JUSTIFICATIF** de la rev CHAPITRALE de la CLÉMENTE AMITIÉ, dans son affaire avec de Gr. O. de FRANCE (*Arrêté du 21 Nov. 1826 de se séparer du Gr. Orient*) 30 pages, 1826; **COMPLAINTES** sur l'horrible CATASTROPHE de la demolition de la CLÉMENTE AMITIÉ en punition der ses forfaits épouvantables (en Vers) 4 pages, [1826]; **De L'INCOMPÉTENCE** du G. O. dans L'APPAREIL du la CLÉMENTE AMITIÉ (par le Fr LEBLANC de MARCONNAY, 9 Jan. 1827) 24 pages, 1826/27; together 4 items, unbound, Paris, 1826-7 £3/10/-  
 Kloss, 4746—4750—4751—4752.  
 The Lodge la Clémente Amitié in Paris, distinguished for its works and talented authors, separated itself from the Grand Orient, and on January 7th 1827 received a Constitution from the rival Suprême Conseil of the A and A Rite.
- 152 [CLIFFORD (HON. ROBERT)] APPLICATION of [the Abbe] BARRUEL's MEMOIRS of JACOBINISM, to the SECRET SOCIETIES of IRELAND and GREAT BRITAIN, by the translator of that work, FIRST EDITION, xxii + 50 pages, sewn, 1798 £1/10/-
- 153 **COCKBURN** (HON. SIR JOHN) **FREEMASONRY: WHAT, WHENCE, WHY, WITHER,** [1923] 5/-
- 154 **COLE** (JOHN, P.M.) **ILLUSTRATIONS OF MASONRY**; to which is prefixed, *The Funeral Service*, and a Variety of other Masonic Information, FIRST ISSUE, with stipple portrait, contemporary sheep, the sides ornamented with gilt tooling of later date, broad gilt floral borders, centre panel with 3 masonic emblematic devices (joints cracking), Printed at the Masonic Printing Office, No. 18 Fore Street, Cripplegate, 1801 £18/10/-  
 This work was issued in a variety of forms. The first issue appears with a black and white portrait of the Author, having in the particulars printed beneath, the address of the publisher and its then published price. These copies had no other illustrations or sheets of music. The original text on pages 38 to 40 contain an account of "Jephtha's Decisive Battle over the Ephraimites," suppressed in later issues.
- 155 ——— ANOTHER ISSUE, the portrait printed in Colours (the address of the publisher and published price omitted); 4 plates, comprising the figure of a Mason formed by the materials of his Lodge, and the three Tracing Boards; also 12 double-page engraved Song and Music, sheep, *ibid.*, 1801 £14/-/-  
 The sheets of music carry the imprint of the publisher's change of address, i.e., St. Agnes Circus, City Road. The letterpress formerly on pages 38 to 40 is now substituted by a Lecture on the Working Tools taken from Hutchinson's *Spirit of Masonry*. This necessitated the reprinting of two leaves, pages 37 to 40.  
 In his article on John Cole in A.Q.C., Vol. 20, pages 6 to 14, Brother Songhurst, although pointing out that the "Illustrations of Masonry" appeared to have been issued in several forms, did not mention the suppression of the original reading on pages 38 to 40.
- 156 [COLLIN DE PLANCY (JACQUES)] **JACQUEMIN le FRANC-MAÇON, Légendes des Sociétés Secrètes** by JEAN de SEPTCHÈNES [pseud], TROISIÈME ÉDITION, revue, augmentée et ornée de 6 gravures, hf. roan, Paris [1847] 18/-  
 Wolfstieg, 41732.
- 157 **CONNAUGHT and STRATHEARN** (H.R.H. the Duke of): **A LIFE and INTIMATE STUDY** by MAJOR-GEN. SIR GEORGE ASTON, with the Assistance of EVELYN GRAHAM, illus., 1929 10/-

- 158 **CO MASON (THE)** afterwards the **SPECULATIVE MASON**: a QUARTERLY JOURNAL devoted to the INVESTIGATION of FREEMASONRY and its CONCORDANT ORDERS, Vols. 1 to 38, Jan. 1909, to Oct. 1946, 38 vols. roy. 8vo, Vols. 1 and 7 to 16 in cloth, the rest in the original parts, wrappers), 1909-46 £10/10/-  
Vols. 1 to 5, 11, and 34 are without title-pages. The early volumes went out of print soon after publication and are now scarce. With the April number of volume 17 in 1924 the title was changed to "The Speculative Mason."
- 159 ——— Vols. 5 to 19 (part 1) Jan. 1913 to Jan. 1927 (wanting Vol. 5, part 2, April 1913; and Vol. 16, part 1, Jan. 1924), 15 vols. bound in 8, various bindings (as under), 1913-27 £8/-/-  
Vols. 5 to 7 in 1 vol., limp red roan; 8 to 11 in 1 vol., half blue roan; 12 to 15 in 4 vols., publisher's cloth; Vols. 16 to 17 in 1 vol., half black morocco; Vols. 18 and 19, part 1, in 1 vol., half black morocco. All volumes are bound without the title-pages.
- 160 ——— Continuation as **SPECULATIVE MASON**, Vols. 18 to 34, part 3, Jan. 1926 to Oct. 1942, all (with exception of vol. 34) with Title-pages and Indexes, 17 vols. bound in 9, binders' cloth, 1926-42 £9/10/-
- 161 **COMPLETE FREE MASON (THE)**, or **MAULTA PAUCIS** for **LOVERS** of **SECRETS**, engraved vignette title designed by Bro. POWISS, engraved by Bro. LARKIN, tall copy in the original marbled boards, calf back (cracked at joints), Very Rare, without place, printer or date, [ca. 1764] £80/-/-  
Wolfstieg, 3882 (viii); Vibert. Rare Books of Freemasonry, page 29.  
One of the gems of Masonic literature.  
The writer, whoever he was, takes an independent view of the origin of Grand Lodge. He considers that more lodges took part therein than Dr. Anderson admits. The List of Lodges in the work is somewhat similar to the engraved List by Cole put out in 1763. The "Collection of Masons Songs" with which the work concludes occupies pages 131 to 176.
- 162 **CONDER (EDWARD, Junior, Master of the Masons Company)** **RECORDS** of the **HOLE CRAFT** and **FELLOWSHIP** of **MASONS**, with a **CHRONICLE** of the **HISTORY** of the **WORSHIPFUL COMPANY** of **MASONS** of the **CITY** of **LONDON**, collected from **Official Records** in the possession of the Company, the **MSS.** in the **British Museum**, the **Public Record Office**, the **Guildhall Library**, &c. with folding frontispiece "**Charter and Arms**," and numerous illustrations in the text, roy. 8vo, buckram, 1894 £10/-/-  
One of the most important of the works giving the connection between the "Operative" and "Speculative" Masons. It gives evidence of an inner circle in the Masons company which is of great importance. Very few copies of this book now occur for sale.
- 163 **CONNECTICUT GRAND LODGE PROCEEDINGS** from 1915 to 1938 (except for 1922) being the 127th to the 150th ANNUAL COMMUNICATIONS, 23 vols., half roan, cloth slides, Hartford, 1915-38 £8/-/-
- 164 **CONSTANTINE THE GREAT.—THE LIFE OF CONSTANTINE**, in Four Books, written in Greek by EUSEBIUS PAMPHILUS, done into English from that edition which was Printed in Paris in 1659 and as printed in the Second English Edition of London 1709, with 9 plates (including 6 portraits of Masonic Celebrities), 1874 £1/10/-  
To this edition is added a Prefatory Note by Robert Wentworth Little, Grand Treasurer of the Masonic Order of Constantine, and a Preface to the translation by A. F. A. Woodford.
- 165 **CONSTANTINE ORDER OF ST. GEORGE (IMPERIAL)**, in Two Parts: (1) A REVIEW of MODERN IMPOSTURES, (2) A SKETCH of its TRUE HISTORY; by his Imperial Highness the PRINCE RHODOPHANAKIS, with 2 plates, 32 pages, 4to, wrappers, 1870 18/-
- 166 **CONSTITUTIONS.**—COX (REV. JOHN EDMUND) The OLD CONSTITUTIONS belonging to the ANCIENT and HONOURABLE SOCIETY of FREE and ACCEPTED MASONS of ENGLAND and IRELAND, Four Reprints of the FIRST EDITIONS published in London, 1722; 1723; MS. 1726; Dublin, 1730; with 2 frontispieces reproduced in facsimile by the Woodbury process, and facsimile woodcuts, 1871 £1/5/-  
The originals of These Constitutions are respectively known as the "Roberts," "Anderson," "Cole," and "Pennell" Constitutions.

# CONSTITUTIONS ARRANGED ACCORDING TO JURISDICTION.

(See also OLD CHARGES, ante).

## 'ANTIENS' OR ATHOLL GRAND LODGE

(in CHRONOLOGICAL ORDER).

- 167 **DERMOTT** (LAURENCE) **AHIMAN REZON**, or a Help to all that are (or would be) Free and Accepted Masons, containing the Quintessence of all that has been Publish'd on the Subject of Free Masonry, with many additions, which renders this work more Useful, than any other Book of Constitutions, now extant, **SECOND EDITION**, engraved title and frontispiece containing the Arms of the Fraternity and of the Operative Stone Masons, modern half calf, Printed for the Author and Sold by Br. Robert Black, 1764 £25/-/-

Wolfsburg, 20442 (ii).

This edition is almost as rare as the first edition of 1756. It is the first to have the frontispiece containing the Arms of the Grand Lodge.

- 168 ——— **ANOTHER COPY**, somewhat shorter and wanting the engraved frontispiece, old calf rebaked, *ibid.*, 1764 £12/-/-

- 169 ——— **THIRD EDITION**, with many additions, with a new frontispiece being a design of a prostyle temple of the Doric order, with figures representing the three great masters of the tabernacle in the wilderness, and engraved dedicatory plate to John, third Duke, Marquis and Earl of Atholl, contemp. calf, rebaked, Printed for James Jones, Grand Secretary; and Sold by Peter Shatwell, 1778 £15/-/-

In all probability it was intended to issue this edition earlier; the Dedication to the 3rd Earl of Atholl who was Grand Master 1771 to 1774 seems to support this.

- 170 ——— **[FOURTH EDITION]**, engraved frontispiece (tear in inner blank margin of title), old rebaked calf, Printed for the Benefit of the General Charity, and sold by Brother John Perkins, Grand Treasurer, Earl-Street, Blackfriars, 1787 £18/-/-

This edition is even rarer than the third edition of 1778. It is virtually the sheets of the former edition with a new title-page. The engraved Dedicatory plate is omitted, a new Dedication being printed on verso of title and the Explanation of the Frontispiece is re-set with a footnote respecting Lord Viscount Dunluce . . . now (1787) Earl of Antrim, &c. and Grand Master of the Ancient Craft in England. The List of Errata has been corrected.

Whilst Dermott's name as Deputy Grand Master is retained on title-page he had surrendered his proprietary rights of publication to the Grand Lodge.

- 171 **AHIMAN REZON**.—The CONSTITUTION of FREEMASONRY; or AHIMAN REZON: to which is added a Selection of Masonic Songs, Prologues and Epilogues, and an Oratorio entitled Solomon's Temple; **[SIXTH EDITION]**, Revised, Corrected, and Improved, with Additions, from the Original of the late LAWRENCE (sic) DERMOTT, by THOMAS HARPER, Deputy Grand-Master, engraved frontispiece, also the engraved Dedication to John, 4th Duke, Marquis and Earl of Atholl, old red morocco (repaired at joints, re-cased). Printed by T. Burton, 1801 £8/15/-

Virtually a re-issue of the Fifth Edition of 1800 with a redrawn frontispiece having some slight alterations.

- 172 ——— **SEVENTH EDITION**, revised and corrected [the third of the Editions issued by THOMAS HARPER, D.G.M., and the first to contain a List of Lodges] engraved frontispiece and Dedication, old calf, rebaked, Printed by Brother T. Harper, Jun. . . . For the Editor, 1807 £5/15/-

This is the first of the editions since the Third to have the number of the edition on the title-page. The frontispiece remains unchanged, but its 'Explanation' has been reworded. The Dedication is unchanged, but the Atholl Arms at its head have been re-engraved and slightly altered. A thorough revision has taken place in the General Regulations. The List of Lodges, 16 pages has separate title and pagination.

- 173 ——— **EIGHTH EDITION**, revised and corrected with considerable additions . . . by THOMAS HARPER, engraved frontispiece and Dedication, neatly rebound in old style sheep, *ibid.*, 1813 £6/10/-

This is the last edition of the Antients' Constitutions. Intended for publication in 1812, it was not ready until February 1813, the same year in which the Union with the Moderns Grand Lodge took place. The List of Lodges, 16 pages with separate title and pagination is extended from the former No. 339 to No. 354 Tenth Battalion Royal Artillery, Cape of Good Hope.

## (in CHRONOLOGICAL ORDER)

- 174 **PENNELL (J.)** *The CONSTITUTIONS of the FREEMASONS. Containing the History, Charges, Regulations, &c. of that Most Ancient and Right Worshipful FRATERNITY . . . Dublin, In the Year of Masonry 5730 A.D. 1730. Reprinted for Richard Spencer, 1870 18/-*
- 175 **SPRATT (EDWARD)** *The NEW BOOK of CONSTITUTIONS of the MOST ANCIENT and HONOURABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS, containing their History, Charges, REGULATIONS, &c. Also Some Rules to be observed by the Committee of Charity, not published before; together with a CHOICE COLLECTION of MASON'S SONGS (separately paged); PUBLISHED by the ORDER, and with the SANCTION of the GRAND LODGE, Collected from the Book of Constitutions published in England, in the year 1738 by JAMES ANDERSON, for the Use of the LODGES in IRELAND, (wanting the engraved frontispiece but having a modern facsimile in place), contemp. calf, Dublin, Printed by J. Butler, on Cork Hill, for the Editor, 1751 121/-*  
*Wolfstieg, 20415 (3v)*
- This is the Second Irish Constitutions, the first edition of which was edited by J. Pennell in 1730. Whilst based upon Anderson's New Book of Constitutions of 1738 the Code of Laws was adapted for Irish use.
- In the 1751 edition, which is almost as rare as the earlier edition, the Grand Secretary's name: Edward Spratt is given but Pennell's name is omitted.
- Apart from the missing frontispiece the above is a very good copy with the Dedication to Lord Kingsborough G.M. of Ireland, 8 pp., List of Subscribers 4 pp., and the 40 pages of songs free from the usual thumbing.
- 176 **DERMOTT (LAURENCE)** *AHIMAN REZON: or a Help to a Brother, shewing the Excellence of Secrecy, and the first cause of the Institution of Free-Masonry . . . The Old and New Regulations . . . Collection of Masons Songs [etc.] FIFTH EDITION (the RARE FIRST BELFAST EDITION), modern boards, cloth back (some pages soiled and cut close) Belfast: Printed for the Editor, 1782 66/15/-*
- From Spratt's edition of 1751 until Downes' authorised edition of 1804 the Grand Lodge of Ireland used no authorised editions of the Book of Constitutions. The Craft in Ireland during that period used Dublin or Belfast reprints of the successive editions of Dermott's Ahiman Rezon as their text-book, supplemented by the Regulations of 1768. The reason was probably because Dermott's original code of Laws was based on Spratt's Irish version.
- The enumeration of the edition stated on title-pages of these Irish editions is in some cases fictitious.
- 177 **FRATIMONIUM EXCELSUM, a NEW AHIMAN REZON: or a Help to a Brother, . . . shewing the Excellency of Secrecy; and the first Cause of the Institution of Freemasonry [etc.]; THE ANCIENT MANNER of CONSTITUTING NEW LODGES, with all the CHARGES, &c., likewise the Prayers used in Jewish and Christian Lodges; also the Old and New Regulations, . . . with a LIST of all the MASTERS and WARDENS of the different Lodges in DUBLIN, By a WORTHY BROTHER, with the folding engraved frontispiece seldom found in copies of this edition, contemp. sheep, joints cracked, Dublin: Printed for all the Lodges in England, Ireland, and America, and sold by Thomas Wilkinson: (1790) 112/12/-**
- If we omit from the enumeration the undiscovered Second and Third Dublin editions of Ahiman Rezon, this is the Seventh of the Irish, and Fifth of the Dublin editions. Its contents have been copied mainly from the Belfast edition of 1782 and not from the previous Dublin edition.
- 178 ——— *ANOTHER COPY, wanting the frontispiece, boards, cloth back, uncur, ibid., (1790) 67/-*  
*Wolfstieg, 29991.*
- 179 **AHIMAN REZON; or a HELP to a BROTHER, collected from the Best Editions Extant (to which is added, the CHOICEST COLLECTION of MISCELLANEOUS MATTER ever before published [Incorporating a reprint of STEPHEN JONES' MASONIC MISCELLANIES, in Poetry and Prose, with separate title and pagination, dated 1800, the engraved frontispiece to which precedes the General Title], contemp. sheep (joints weak; name cut away from top blank margin of title), Dublin: Printed by Brother Joseph Hill, 1803 68/18/-**
- 180 ——— *ANOTHER COPY, some waterstains and wanting the frontispiece, rebound calf, gilt back, m.c., ibid., 1803 64/10/-*
- This is mainly based upon the Dublin edition of 1790 but the Irish Regulations of 1768 are brought up to date. The Songs were omitted as many of them are given in Jones' Masonic Miscellanies, the inclusion of which (being a Modern's publication) made this edition of Ahiman Rezon objectionable to the Grand Lodge of Ireland and resulted in the sanctioned Downes' edition of 1804.

- 181 **DOWNES (CHARLES)** *THE CONSTITUTION OF FREE-MASONRY, or AHIMAN REZON*; to which is added a Selection of Masonic Songs, Prologues and Epilogues, and an Oratorio, entitled, Solomon's Temple, published by permission of the Grand Lodge of Ireland, **SECOND EDITION**, revised, corrected and improved, with Additions, xii + 220 pages, *Dublin, printed by Brother C. Downes, P.M. 141 (Printer to the Grand Lodge of Ireland), 1807*—**HOLDEN (S.)** *A SELECTION OF MASONIC SONGS, &c.*, arranged with Choruses in Parts [Words and Music], title + 100 pages, engraved throughout, *Dublin, printed by S. Holden [ca. 1802]*—**LIST OF LODGES** . . . held under the sanction of the Right Worshipful **GRAND LODGE OF IRELAND**, arranged numerically and Alphabetically according to their respective Counties; also a **LIST OF MILITARY WARRANTS** . . . and a **LIST OF LODGES** held under the **SANCTION** of the **GRAND LODGE OF ENGLAND** (according to the Old Constitutions, &c.), **SCOTLAND, AMERICA, the EAST and WEST INDIES, LIST OF OFFICERS of the GRAND LODGE of ENGLAND, INDEX, &c.**, 67 pages, *Dublin, 1804*—the 3 items in one vol., XIXth cent. calf gilt (restored at joints), *Dublin, 1802-07* £12/-/-

The list of lodges was not published with the second or third editions of Downes' Constitutions, but is added from the first edition of 1804.

Holden's songs is also a distinct publication.

Pertinent portions of Downes' second edition of the Ahiman Rezon are reproduced in *Crawley's Caementaria Hibernica*, Part 3, in which the writer says: "Thus Bro. C. Downes' Second Edition remains the last authoritative utterance of the days when the Grand Lodge of Ireland found itself compelled to refuse admission to Modern Masons."

- 182 ——— **THIRD EDITION**, Revised, Corrected and Improved, with Additions, contemp. calf (sprung in sewing) *ibid.*, *Printed by Brother C. Downes (P.M. 141) Whitefriars-Street, (Printer to the R.W. the Grand Lodge of Ireland) 1817* £5/15/-

- 183 ——— **FOURTH EDITION**, Revised, Corrected and Improved, with Additions, old calf (text a little thumbed), *ibid.*, *Inprint as before but having added thereto: Sold by William F. Graham and Son, . . . 1820* £5/5/-

Wolfstieg does not appear to have seen or examined Downes' editions.

An interesting association copy, inscribed on the half-title: *St. Patrick's Lodge, Newry, No. 77 May 8th 18—*; lettered in gilt on upper cover *Saint Patrick's Lodge, Newry, No. 77.*

## "MODERNS" GRAND LODGE CONSTITUTIONS.

Pre Union.

DR. WILLIAM DODD'S COPY?

- 184 [**ANDERSON (JAMES)**] *THE CONSTITUTIONS OF THE FREE-MASONS. THE RARE FIRST EDITION*, with the engraved frontispiece by JOHN PINE, waterstained throughout, 4to, original panelled calf, neatly rebacked, *Printed by William Hunter, for John Senex . . . and John Hooks . . . 1723* [SOLD]

An interesting full-page MS. note in a late XVIIIth century hand, on fly leaf suggests that this copy once belonged to Dr. William Dodd (Grand Chaplain in 1776).

A bookplate which may well have been that of Dr. Dodd has been cut out from the inside front cover.

The book evidently passed in turn to two other owners: George Chapman George of Clements Inn [Deputy G.M. Province of Cornwall] whose bookplate is pasted on verso of the half-title and again on inside front cover along with that of Mr. John Tomas Stanton.

On the title-page, on either side of the printer's ornament, is a MS. key to the eight celebrities depicted in the foreground of the engraved frontispiece. Some MS. stanzas alluding to the Royal Arch have been added at foot of the Master's and Warden's Songs, also the verse complimentary to the Ladies in the E.A.'s Song. Several blank leaves of old paper have been bound in at the end of the volume for notes; the first four being occupied by copies of official forms: Petition to the Committee of Charity; Petition for a Constitution; Copy of Dispensation to certain Brothers authorizing them to form the Lodge of the Three Grand Principles, at the Golden Lion, Market Street, Penryn, Cornwall—Warranted 21st April, 1799. Signed by George C. George, Dep. G.M. for Cornwall.

- 185 ——— **ANOTHER COPY, FIRST EDITION**, interleaved throughout, wanting the engraved frontispiece but having a reduced photographic reproduction inserted, old rebacked calf, *ibid.*, 1723 £17/17/-

- 186 [ANDERSON (JAMES)] The CONSTITUTIONS of FREEMASONS, 1723, reproduced in facsimile from the original edition, with an Introduction by LIONEL VIBERT, I.C.S. (Rtd.), Past Master of the Lodge of the Quatuor Coronati, and a Foreword by E. H. DRING, 4to, half canvas, out of print, 1923 £2/10/-  
Even though one may possess the original edition of 1723, this facsimile should be obtained for the important introduction (46 pages), which is prefixed.
- 187 ——— REPRINT of the FIRST EDITION of ANDERSON'S CONSTITUTIONS of 1723 and of the WILSON MS. Constitution [subsequently proved to be PHILLIPS No. 2 MS. of the second half of the 17th Century] Edited by the Rev. A. F. A. WOODFORD; Kenning's Archaeological Library, 4to, 1888 £1/6/-
- 188 ——— AMERICAN REPRINT of the FIRST EDITION of ANDERSON'S CONSTITUTIONS of 1723, edited with Analytical Indexes prepared by ALBERT G. MACKEY, fcap. 8vo, New York, 1859 18/-
- 189 ——— REPRODUCTION of the CONSTITUTIONS of the FREE-MASONS or ANDERSON'S CONSTITUTIONS of 1723 in ENGLISH and FRENCH on parallel pages [The Translation into French; and the Foreword and Introduction, also in French and English (42 pages) by MAURICE PAILLARD], 4to, calf with gilt panel on sides, in imitation of the contemporary binding style of the original constitutions, 1952 £9/10/-  
Limited to 1000 copies.
- 190 ——— CONSTITUTIONEN-BUCH der ALTEN EHRWÜRDIGEN BRÜDERSCHAFT der FREY-MAURER, Worin die Geschichte, Pflichten, Regeln u. derselben auf Befehl der Grossen Loge, aus ihren alten Urkunden, glaubwürdigen Traditionen und Loge-Büchern, zum Gebrauch der Logen verfasst worden, von JACOB ANDERSON, D.D. aus dem Englischen übersetzt, DRITTE vermehrte AUFLAGE. Folding plate and 6 folding tables [with APPENDIX, separate title and pagination] 2 vols. in one, sm. 8vo, boards, Frankfurt am Mayn: Andrea, 1762 £10/10/-  
Wolfstieg, 20416 (vii); Kloss, 139  
A Rare German edition of Anderson's Constitutions from the text of the Second Edition of 1738.
- 191 ——— [THIRD EDITION]—THE HISTORY and CONSTITUTIONS of the MOST ANCIENT and HONOURABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS: containing An Account of Masonry . . . to the present Time [etc.], sm. 4to, contemporary calf (joints weak), Printed and Sold by J. Robinson . . . 1746 £12/10/-  
This is a re-issue of the Second Edition, the same sheets being used, a new title only being substituted. Small paper copies of the Second and Third Editions were issued without the frontispiece. Has the "Sanction" and "Corrigenda" leaves. It is certainly rarer than the small paper 1738 edition: Hughan traced only 19 copies known to be in Libraries and Private collections.
- 192 ——— LARGE PAPER COPY, wanting the frontispiece, 4to, contemporary red roan, *ibid.*, 1746 £10/-/-
- 193 ——— ANOTHER COPY, LARGE PAPER, having both the SECOND and THIRD EDITION TITLE-PAGES (name in ink on upper blank margin of the latter; some stains; and, as usual, without the frontispiece), 4to, old rebaked calf, *ibid.* [1738]-1746 £24/-/-  
Two blank leaves, apparently for MS. additions, have been inserted before the songs.  
On flyleaf is an early note written by Ralph Robson (probably Master of a Lodge) requesting the return of a copy of 'Ahiman Rezon' bearing the name of John Taylor on the book.
- 194 ——— [ENTICK'S FIRST EDITION] CONSTITUTIONS of the ANCIENT and HONOURABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS, . . . carefully revised, Continued and enlarged, with many additions by JOHN ENTICK, engraved frontispiece by BOTTARD after COLA, 4to, contemporary calf, rebaked, Printed for Brother J. Scott, 1756 £12/-/-
- 195 ——— ANOTHER COPY, shorter in size, washed throughout by the Binder, old calf, neatly rebaked, *ibid.*, 1756 £7/10/-  
The title-page laid down to strengthen; some slight waterstains.  
Entick used the enlarged History that Anderson had written for his 1738 edition but the Regulations were entirely recast. This is the first of the Constitutions to contain a List of Regular Lodges.

"Moderns" Grand Lodge Constitutions—continued.

WITH THE RARE APPENDIX.

- 196 **ANDERSON (JAMES) CONSTITUTIONS [ENTICK'S SECOND EDITION]**, NEW EDITION, with Alterations and Additions, by a Committee appointed by the Grand Lodge, with engraved frontispiece by BOTTARD, also the **EXTREMELY RARE APPENDIX** [compiled by WILLIAM PRESTON], LXXVI pages, dated 1776, in one volume, 4to, contemp. calf, neatly rebacked, *Printed for Brother W. Johnston, 1767-[1776]* £35/-/-  
The Appendix is in its original state before the references to the Rev. William Dodd, Grand Chaplain was erased by pen as were all copies sold later than the current year. Small tear in the top blank margin of one leaf repaired.
- 197 ——— [UNAUTHORISED ISSUE of the FOURTH EDITION], NEW EDITION, carefully revised and continued to the Present Time, 8vo, contemp. calf, neatly rebacked, *Printed for G. Kearsly, 1769* £14/-/-  
Although bearing Anderson's name on the title he had nothing to do with it. This is a word for word reprint of Entick's second edition of 1767; to which has been added: an appendix continuing the historic incidents relative to the Fraternity of Masons, from 1767 up to the Grand Fear, held by His Grace, Henry, Duke of Beaufort, Grand Master . . . on Friday, the 5th of May, 1769.  
It was in all probability the appearance of this rival to the recognized constitutions that caused the delay between the production of Entick's Second Edition of 1767 and Noorthouck's First Edition of 1784, and necessitated Preston's Appendix of 1776 to the 1767 Constitutions as a temporary measure. Copies of the unauthorised edition are now seldom met with.
- 198 ——— [NOORTHOUCK'S FIRST EDITION], a NEW EDITION, revised, enlarged, and brought down to the year 1784, under the direction of the Hall Committee, by JOHN NOORTHOUCK, [with Abstract of the Laws relating to the General Fund of Charity (4 pages); also the fine engraved frontispiece after CIRRIANI and SANDBY by BARTOLOZZI (dated 1786)], 4to, tall copy, contemp. undressed panelled calf, old but neat reback, *ibid.*, 1784 £9/-/-  
The first authorised Constitution to have an index.  
With regard to this edition it should be noted that most copies are without the Abstract of the Laws relating to the General Fund of Charity.  
The frontispiece rightly belongs to the re-issue of 1786, for although the 1784 edition has a leaf "Explanation of the Frontispiece," the engraving was not ready until two years later. The book then had a new title-page, dated 1786, substituted, and the engraving inserted.

**POST-UNION CONSTITUTIONS.**

- 199 **CONSTITUTIONS [SEVENTH EDITION]**, PART the SECOND [all published] containing the Charges, Regulations &c. published by the Authority of the United Grand Lodge, by WILLIAM WILLIAMS, Prov. G.M. for the County of Dorset, **The Genuine First Edition** with the Sanction Leaf dated December 12th, 1815 (some very slight stains; top outer blank corners of the last five leaves repaired) 4to, rebound cloth, fore and lower edges entirely uncut, *Printed by W. P. Norris, 1815* £21/-/-  
The first constitutions issued by the United Grand Lodge subsequent to the Union of 1813.  
Notwithstanding the fact that the Introductory note states that "The First Part, containing the History of Masonry from the earliest period to the end of the year 1815 . . . will be printed with as little delay as possible," the "History" was never published.
- 200 ——— **SECOND ISSUE** of the SEVENTH EDITION, with the Original Title-page and Sanction leaf both dated 1815, but with the addition of a leaf: "Preface to the Corrected Edition," dated Feb. 1819 and some parts of text revised, necessitating substitute pages for the cancellations, 4to, orig. boards, entirely uncut (spine renewed with a different material) *ibid.*, 1815 [1819] £8/18/-  
Copies of this issue are sometimes found with the distinguishing leaf of Preface removed making it appear to be the rare 1815 edition.
- 201 ——— **THE EXTREMELY RARE SIXTEENTH and FIRST POCKET EDITION**, published by the Authority of the United Grand Lodge, by WILLIAM GRAY CLARKE, as Grand Secretary, 12mo, orig. cloth, *Printed by Ford and Tilt, 32 Long Acre, W.C., 1865* £10/-/-  
Vibert, *Rare Books of Freemasonry*, says: "This is so rare that its very existence was doubted until quite recently, and it is only within the last year [i.e. 1922] that Grand Lodge has become possessed of a copy."
- 202 ——— [THIRTY-SIXTH EDITION], *frontispiece and 69 illus. on either side of 18 plates*, (with Amendment Slips to Dec. 1954 inserted), -1940 18/-

## AMERICAN CONSTITUTIONS.

Octavo Editions

- 203 **IOWA GRAND LODGE.**—The CONSTITUTION and CODE [6th Edition] ; to which are added the "Charges of a Freemason," prepared and annotated by CHARLES T. GRANGER, Iowa, 1915 12/6
- 204 **NEW YORK.**—THE TRUE AHIMAN REZON : or a HELP to all that are, or would be FREE and ACCEPTED MASONS, with many additions, THE FIRST AMERICAN from the THIRD LONDON EDITION [of 1778] by LAU. DERMOTT [to which is appended] : THE CONSTITUTIONS of the ANCIENT and HONORABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS in the STATE of NEW YORK ; collected and digested by Order of the Grand Lodge (separate title, pagination, and Signatures) ; engraved frontispiece, contemporary calf, rebucked, New York : Printed by Southwick & Hardcastle, 1805 £10/10/-  
A good tall copy of this scarce edition.
- THE FIRST OF THE AMERICAN EDITIONS.
- 205 **PENNSYLVANIA.**—AHIMAN REZON ABRIDGED and DIGESTED : as a Help to all that are, or would be Free and Accepted Masons. To which is added a SERMON preached in Christ-Church, Philadelphia, at a General Communication, Celebrated, agreeable to the Constitutions on Monday, December 28th, 1778, as the Anniversary of St. John the Evangelist. Published by Order of the GRAND LODGE of PENNSYLVANIA, by WILLIAM SMITH, D.D. (without the frontispiece : some slight waterstains), contemporary sheep, Philadelphia : Printed by Hall and Sellers, 1783 £12/10/-  
A rare edition. The text of this edition is derived from the English second edition of Dermott, 1764, and is dedicated to General George Washington. An interesting account of this edition, together with facsimiles is given in Barratt and Sachse, "Freemasonry in Pennsylvania, 1727-1907," Vol. 2, pages 4 to 11.
- 206 ——— : THE AHIMAN REZON, Containing a View of the History and Policy of Free Masonry : together with RULES and REGULATIONS of the GRAND LODGE, and of the GRAND ROYAL ARCH CHAPTER of PENNSYLVANIA, compiled for the GRAND LODGE (title and some pages foxed), contemp. red straight-grained morocco gilt, m.c., Philadelphia, Printed for the Grand Lodge of Pennsylvania, 1825 £4/10/-  
Some copies have a portrait of Joseph Chandler, the editor, but it is absent from this copy. It was compiled for the Grand Lodge by a Committee comprising the Grand Master, James Harper ; the Past Grand Master, Joseph Randall ; and Thomas Gordon. Issued under the authority of Samuel H. Thomas, Grand Secretary.
- 207 **WASHINGTON GRAND LODGE.**—WASHINGTON MASONIC CODE 1930. The Code of Laws in force June 20th 1929, Annotated from 1858 to 1929 inclusive. Compiled and Edited by W. H. GORHAM, Washington, 1930 10/-
- 208 ——— SECOND EDITION, Annotated to 1931 inclusive, *ibid.*, 1932 15/-
- 209 **COOPER-OAKLEY (ISABEL)** TRACES of a HIDDEN TRADITION in MASONRY and MÆDIAEVAL MYSTICISM : Five Essays, 1900 £1/5/-  
An essential book for those desiring light on the subject of the transmission of the occult teachings.
- 210 **COPIN-ALBANCELLI (?)** Le DRAME MAÇONNIQUE : La Conjuración Juive contre le Monde Chrétien, TREIZIÈME ÉDITION, wrappers, Paris, 1909 10/-
- 211 **COSGRAVE (E. MACDOWEL)** and **ROWLAND (T. B.)** CHESS with LIVING PIECES : THE DUBLIN CLUB of LIVING CHESS at the MASONIC F.O.S. CENTENARY FETE, *illus.*, Dublin [1892] 10/-
- 212 **COULTON (G. G.)** SOCIAL LIFE in BRITAIN from the Conquest to the Reformation, with frontispiece, Cambridge, 1918 £2/5/-  
Section XIII Architecture and the Arts, pages 481 to 491, includes : Masonic Legend and Fact ; York Cathedral Masons ; Wyclif on Freemasonry ; Freemasons and Trade-Unionism.
- 213 **[COURET DE VILLENEUVE (MARTIN)]** L'ECOLE des FRANCES-MAÇONS, PREMIÈRE ÉDITION, engraved frontispiece, vignette on title, modern boards, leather label, Jerusalem (Paris) 1748 £3/15/-
- 214 ——— ANOTHER COPY, bound with [ANONYMOUS] RECUEIL de POÉSIES MAÇONNIQUES, PREMIÈRE ÉDITION, vignette on title, *ibid.*, 1748 ; in one volume, contemp. mottled calf, gilt back, 1748 £8/8/-

Wolfstieg 925 and 39696 respectively.

- 215 **COUSTOS (JOHN)** THE SUFFERINGS of, for FREE-MASONRY, and for His refusing to turn Roman Catholic, in the INQUISITION at LISBON; . . . To which is annex'd The Origin of the Inquisition . . . [with a Prefatory Discourse on Occasion of the Present Rebellion, by the Editor], FIRST EDITION, portrait of Coustos (nearly always missing) and 3 engraved folding plates of tortures, engraved by Boitard, contemporary calf (rebacked; very small portion of lower blank corner of title-page torn away), Printed by W. Strahan, for the Author, 1746 £8/15/-
- 216 ——— ANOTHER COPY, lacks portrait and blank fore-margin of one plate defective, shabby half calf, *ibid.*, 1746 £5/15/-  
Wolfstieg, 14566.
- 217 ——— ANOTHER EDITION [with title:] FREE-MASONRY—UNPARALLELED SUFFERINGS of JOHN COUSTOS, who nine times underwent the most Cruel Tortures ever invented by Man . . . in order to extort from him the SECRETS of FREE-MASONRY, the engraved folding portrait of Coustos in this edition shewing him in Masonic regalia, and having in addition to the 3 plates of tortures, three other plates not in the former edition, contemp. calf, Birmingham, Printed by M. Swinney, for J. Sketchley . . . [1790] £12/-/-  
Wolfstieg 14566 (iii).
- A much rarer edition than the first of London 1746.  
To this edition has been added Sermons and Orations, and List of Regular Chapters of the Royal Arch, held under the Constitutions from the Grand and Royal Chapter, with their Places and Times of Meeting.
- 218 **COVEY-CRUMP (REV. W. W.)** THE HIRAMIC TRADITION, a Survey of Hypotheses concerning it [1937] 7/0
- 219 **COWLISHAW (WILLIAM)** The MASONIC TREATY between the UNITED GRAND LODGE of ENGLAND and the SUPREME COUNCIL of the ARGENTINE REPUBLIC, lambskin, [Buenos Aires], 1937 10/-
- 220 ——— NOTES on the HISTORY of the DISTRICT GRAND LODGE of SOUTH AMERICA (SOUTHERN DIVISION), *ibid.*, 1931 10/-
- 221 **COXE (PETER)** TO SIR JOHN SOANE, Royal Academician; Professor of Architecture to the Royal Academy; Architect to the Bank of England; . . . GRAND SUPERINTENDENT of the WORKS of the UNITED FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS of ENGLAND . . . the following lines are addressed, by his Sincerely Respectful Friend [POEM on the HONOUR of KNIGHTHOOD having been conferred upon SIR JOHN SOANE], 16 pages, old calf (rebacked); 1832 £1/10/-
- 222 **CROSS (JEREMY L.)** THE TRUE MASONIC CHART, or HIEROGLYPHICAL MONITOR; containing all the Emblems explained . . . ; to which are added Illustrations, Charges, Songs, &c., with additions and emendations; also a HISTORY of FREE MASONRY, by a BROTHER, frontispiece and 53 pages of illus., amateur rebinding half roan, New York, 1859 18/-
- 223 **CRUKSHANK (JAMES)** SKETCH OF THE INCORPORATION OF MASONS; AND THE LODGE OF GLASGOW ST. JOHN: With much curious and useful information regarding the 'Trades' House, etc., Glasgow, 1879 £1/5/-
- 224 **CUNHA-BELLEM (A. M. DA)** LE FRANC-MAÇON; Drame en Quatre Actes . . . traduit de Portugais, par le Capitaine ERNEST SEGUN, 86 pages, wrappers, Dieppe, 1879 10/-  
Wolfstieg, Supp. 10642.
- 225 **CUNNINGHAM (JOHN)** POEMS, chiefly Pastoral, FIRST LONDON EDITION, frontispiece engraved by ISAAC TAYLOR, calf gilt, m.c., Printed for the Author: and sold by J. Dodsley, . . . J. Almon [&c.], 1766 £2/15/-
- 226 ——— ANOTHER COPY, having 2 portraits and some newscuttings relating to the Poet, inserted, contemp. calf, rebacked, *ibid.*, 1766 £3/5/-  
This edition was printed simultaneously at Newcastle, 1766. In the Second Edition of 1771 twenty-six pieces were omitted.  
Contains "An Eulogium on Masonry, spoke by Mr. Diggs, at Edinburgh," pages 159-160. It consists of five verses, commencing "Hail sacred Masonry, of source divine."  
A revised version of this appeared as Ode I. in Preston's Illustrations of Masonry (Fourth Edition), 1781.
- 227 ——— POETICAL WORKS, BELL'S EDITION of the BRITISH POETS, with portrait and engraved title, 12mo., contemporary morocco, Edinburgh: Apollo Press, 1781 18/-  
The "Eulogium" and "a Petition to the Worshipful Free Masons" occur on pages 74 and 79 respectively.

- 228 **DA COSTA** (HIPPOLYTO JOSEPH) : A NARRATIVE of the PERSECUTION of H. J. DA COSTA PEREIRA FURTADO de MENDONÇA, a native of Colonojado-Sacramento, on the RIVER LA PLATA; IMPRISONED and TRIED in LISBON, by the INQUISITION, for the PRETENDED CRIME of FREEMASONRY; to which are added, the Bye-Laws of the Inquisition of LISBON, both Ancient and Modern (never before published), portrait, 2 vols, contemporary half calf, 1811 £9/15/-  
Small library stamp on titles but a good copy. Wolfstieg, 14600; Kloss, 3179.
- 229 **DAKEYNE** (REV. J. OSMOND) FREEMASONRY : A SERMON preached in the PARISH CHURCH of ST. MARTIN, LINCOLN, on Thursday, August 31st, 1843 before the PROVINCIAL GRAND LODGE . . . LINCOLNSHIRE, 38 pages, unbound, 1843 15/-
- 230 **DALCHO** (FREDERICK) ORATIONS of the ILLUSTRIOUS BROTHER, reprinted by permission of the Author under the sanction of the . . . COLLEGE of KNIGHTS of K.H., and the ORIGINAL CHAPTER of PRINCE MASONS of IRELAND [with Anthems, performed in the Grand Lodge of South Carolina, 1807], FIRST EDITION, vignette title, modern boards, entirely uncut (some stains), Dublin, 1808 £8/15/-  
Wolfstieg, 1045.  
These orations were delivered at Charleston, South Carolina, in 1801 and 1803.  
The leaf containing a list of members of the Illustrious College of the Knights of K.H., and of the original chapter of Prince Masons, is in the first state. In most copies this leaf has been revised and is dated 1817 at foot.
- 231 **DALLAWAY** (REV. JAMES) A SERIES of DISCOURSES upon ARCHITECTURE in ENGLAND from the Norman Aera to the Close of the Reign of Queen Elizabeth, with an Appendix of Notes and Illustrations and AN HISTORICAL ACCOUNT of MASTER and FREE MASONS, roy. 8vo, 1833 £1/-
- 232 [DARMAING (JEAN BAPTISTE)] LA NOUVELLE TOUR D'UGOLIN et les CATACOMBES, ou Les FRANCES-MAÇONS VENGÉS; . . . Précédé d'un Epître dédicatoire aux Dames, du Secret dévoilé, de L'Histoire d'un Grand homme, et d'anecdotes curieuses; Par JEAN qui PLEURE et qui RIT, recovered in plain black cloth, Paris, 1821 £1/15/-  
Wolfstieg, 41664; Kloss, 3994.
- 233 **DARUTY** (J. EMIL) RECHERCHES sur Le RITE ECOSSAIS Ancien [et] Accepté; Précédées d'un Historique de l'Origine et l'Introduction de la Franc-Maçonnerie en Angleterre, en Ecosse et en France, roy. 8vo, wrappers (back wrappers missing; sewing loose), Paris, 1879 £1/18/-  
Wolfstieg, 35752.
- 234 **DAVIES** (J. J.) HAND BOOK of DISTRICT GRAND LODGE of the PUNJAB; With Proceedings of District Grand Lodge and District Grand Chapter, and A Short Account of the Punjab Masonic Institution, Lahore, [ca. 1888] 10/0
- 235 **DAYNES** (GILBERT W.) THE BIRTH and GROWTH of the GRAND LODGE of ENGLAND, 1717-1926, illus., 1926 10/6
- 236 ——— THE UNTRODDEN PATHS of MASONIC RESEARCH, 1924 5/-
- 237 [D'CRUZ (ANDREW)] The HISTORY of FREE-MASONRY in BENGAL, from the Period of its Introduction in the Province, about 1728, to the date of the Constitution of the present District Grand Lodge of Bengal, in 1840; compiled chiefly from original MSS. and Records, half calf, Calcutta, 1866 £2/2/-  
Author's presentation inscription on fly-leaf.
- 238 **DE LALANDÉ** [or DELALANDE] (JOSEPH JÉRÔME, one of the Founders of the Grand Orient de France) ABRÉGÉ de L'HISTOIRE de la FRANCHE-MAÇONNERIE, précédée et suivie de quelques Pièces en Vers & en Prose, & d'Anecdotes qui la concerne; D'un ESSAI sur les MYSTÈRES et le VÉRITABLE OBJET de la CONFRÉRIÉ des FRANCES-MAÇONS, auquel on a joint un RECUEIL COMPLET des CÉRÉMONIES . . . Rédigé par UN MEMBRE de cet ORDRE, contemporary French mottled calf, gilt back, Londres, et se trouve à Lausanne, chez François Grasset & Comp, 1779 £3/10/-  
Wolfstieg, 3892.
- 239 ——— ANOTHER EDITION, wrappers, *ibid*, 1783 £2/10/-  
Wolfstieg, 3892 (ii); Kloss, 2819.  
This Abrégé is practically a literatim reprint of Lalandé's article "Franco-Maçons" in the third volume of the Supplement to the Grande Encyclopædie, published in 1777 but with additional matter, including a reference to the initiation of Voltaire.

- 240 [DE L'AULNAYE (FRANÇOIS H. S.)] *THULEUR des TRÈNTE-TROIS DEGRÉS de L'ÉCOSSE* du Rite Ancien, dit Accepé ; NOUVELLE ÉDITION, corrigée et augmentée, frontispiece and 20 plates (some waterstains), wrappers, uncut, Paris, 1821 £3/15/-  
Kloss, 1992.
- 241 DENSLOW (RAY. V.) FREEMASONRY and the PRESIDENCY, U.S.A. [from Washington to the "Anti-Mason" John Quincy Adams ; together with Notes on later Presidents], illus., Trenton, Missouri, 1952 £1/10/-
- 242 ——— FREEMASONRY in the EASTERN HEMISPHERE [Gr. Britain and countries in Scandinavia, Europe, the Near and Far East and Australasia], illus., *ibid.*, 1954 £1/10/-
- 243 ——— FREEMASONRY in the WESTERN HEMISPHERE [Alaska, Canada, United States, Mexico, Central and South America], illus., *ibid.*, 1953 £1/10/-
- 244 ——— MASONIC RITES and DEGREES [Alphabetically arranged from Aaron's Band to Zurrinith], illus., *ibid.*, 1953 £1/10/-  
——— vide ROYAL ARCH, post.
- 245 DERMOTT (LAURENCE) : BYWATER (WITHAM M.) NOTES ON DERMOTT and his WORK, with a reduced facsimile of title-page to the FIRST EDITION of ADAMAN REZON, and other illus. in the text, 1884 £1/-/-  
Original edition, only a limited number privately printed.
- 246 DES QUERSONNIÈRES (FRANÇOIS-MARIE-JOSEPH NOEL) : LE CENTENAIRE de NEUILLY.—BIOGRAPHIE de M. NOEL DES QUERSONNIÈRES, âgé de 117 ans [Maçon à Brest, en 1764 ; Affilié à la R. L. des Trimosophes, Or. de Paris, 1844] Publiée sous le auspices de la Loge des Trimosophes, avec portrait et facsimile, boards, Paris, 1845 £1/5/-  
Not in Wolfstieg.
- From the Collection of Julius Kiener, with his autograph surname signature at end.
- 247 DESAGULIERS (JOHN T.) : THE MOTION OF WATER and other FLUIDS, being a TREATISE of HYDROSTATICS, written originally in French, by the late Mons. [EDMUND] MARRIOTTE . . . and translated into English ; together with a Little Treatise of the same author giving Practical Rules for Fountains or Jets d'Eau. [Preface by Mons. DE LA HIRE], 7 folding plates, old calf, neatly rebounded, Printed for J. Senex . . . 1718 £5/5/-  
The book is dedicated to James Brydges, 2nd Earl of Carnarvon, to whom Desaguliers was Chaplain. The latter was G.M. of the Freemasons in 1719 and the former held the Office in 1754-56.  
Senex, the publisher of this work, was also the publisher of the First Edition of the Constitutions of 1723.
- 248 ——— LECTURES of EXPERIMENTAL PHILOSOPHY, wherein the Principles of Mechanics, Hydrostatics and Optics, are demonstrated and explained . . . To which is added, A Description of Mr. Rowley's Machine, called the Orrery . . . [Edited by PAUL DAWSON] FIRST EDITION, with 10 folding plates, sm. 4to, contemp. calf, rebounded, Printed for W. Mears, . . . B. Creak, . . . and J. Sackville, 1719 £10/10/-  
Fine tall copy with the advertisement leaf before title-page, the two leaves of Publishers' Announcements and leaf of errata.
- 249 ——— ANOTHER ISSUE, [with title] A SYSTEM of EXPERIMENTAL PHILOSOPHY, prov'd by Mechanics, wherein the Principles and Laws of Physics, Mechanics, Hydrostatics, and Optics, are demonstrated and explained . . . To which is added, Sir ISAAC NEWTON'S COLOURS : The Description of the Condensing Engine, with its Apparatus ; and ROWLEY'S HORARY, . . . [Edited by PAUL DAWSON] with 10 folding plates, sm. 4to, contemp. panelled calf, neatly restored at joints, Printed for B. Creak . . . and J. Sackfield . . . and Sold by W. Mears . . . 1719 £7/-/-  
This issue does not have Desaguliers' Preface [iv pp.] or the Errata leaf, otherwise the text and plates are identical. Some slight waterstains.
- 250 ——— : HURST (W. R.) AN OUTLINE of the CAREER of JOHN THEOPHILUS DESAGULIERS, Rector of Whitchurch, 1719-1744 ; Grand Master of England 1719-1720 ; D.G.M. 1722-23 and 1725 ; to which is appended A Short History of the Edgware Lodge, No. 3866, from 1918-1928, with a Foreword by Dr. JOHN STOKES, 4to, 1928 £1/10/-  
Only 100 copies printed.
- 251 DE-SÉGUR [LOUIS GASTON] LES FRANCS-MAÇONS ce qu'ils sont—ce qu'ils font—ce qu'ils Veulent, DIXIÈME ÉDITION, wrappers, 1867 ; LES FRANCS-MAÇONS : REPONSE à M. DE-SÉGUR, par Un Franc-Maçon, wrappers, 1867. Two items, Paris, 1867 £1/5/-  
Wolfstieg 2969 cites various editions and the replies to the work by anonymous and other writers.

- 252 [DIBDIN (CHARLES)] SONGS, DUETTS, GLEES, CATCHES, &c., with an Explanation of the PROCESSION in the PANTOMIME of HARLEQUIN FREE-MASON, as performed at the Theatre-Royal in Covent-Garden [The Pantomime contrived by Mr. MISSINK, the Songs, etc. written by C. DIBDIN] FIRST EDITION, 24 pages, modern boards, morocco back, Printed for G. Kearsly, 1780 £10/10/-  
 Wolfstieg, 39757 does not give the authorship which is according to Halkett & Laing.  
 In the account of the Procession, towards the end will be found the following early reference to K.T.: "XVIIIth Banner. Two, bearing Insignia.—Six Knights Templars."
- 253 DIXON (JOHN) The ADDRESS GIVEN IN COMMEMORATION OF THE CENTENARY of the MOUNT-LEBANON LODGE No. 73, Founded 1760, on January 15th, 1878, limp cloth [1878] 19/-
- 254 [DIXON (THOMAS P.)] A COLLECTION of MASONIC POETRY, &c., consisting of ODES, SONGS, ANTHEMS, EULOGIES, &c., selected from the works of BURNS, JONES, GAVIN, WILSON, SWIFT . . . OLIVER, PRESTON, WESLEY, and other celebrated MASONIC WRITERS; To which are added, MASONIC DISCOURSES; LISTS of LODGES and ROYAL ARCH CHAPTERS in the PROVINCE of CORNWALL; and a variety of MASONIC TOASTS and SENTIMENTS, half calf, emblematic gilt back, Falmouth, 1854 £1/10/-  
 Not recorded in Wolfstieg.
- 255 DIXON (WM.) A HISTORY of FREEMASONRY in LINCOLNSHIRE: being a Record of all Extinct and Existing Lodges, Chapters, &c.; a CENTURY of the WORKING of PROVINCIAL GRAND LODGE and the WITHAM LODGE; together with Biographical Notices, Introduction by W. J. HUGHAN, Lincoln, 1894 £1/10/-
- 256 DODD (REV. WILLIAM, Grand Chaplain 1776): AN ACCOUNT of the RISE, PROGRESS, and PRESENT STATE of the MAGDALEN CHARITY, to which are added, the Rev. Mr. DODD'S SERMONS; and the ADVICE to the MAGDALENS, with the Hymns, Prayers, Rules, and List of Subscribers, frontispiece (hand-coloured), unbound, Printed by W. Faden for the Charity and sold by J. Whiston [etc.], 1761 £2/10/-
- 257 ——— BEAUTIES OF HISTORY, or, PICTURES of Virtue and Vice, frontispiece, engraved title, Manchester, 1842 10/-
- 258 ——— AN ORATION DELIVERED at the DEDICATION of FREE-MASONS' HALL, Great Queen-Street, Lincoln's-Inn-Fields, on Thursday, May 23rd, 1776, published by general request, under Sanction of the Grand Lodge, FIRST EDITION, iv + 16 + iv pages, 4to; original grey wrappers, uncut, Printed for the Society, and sold by G. Robinson . . . Richardson and Urguhart . . . and at Free-Masons' Hall, 1776 £15/-/-  
 Some slight discoloration in margins partly caused by a damp stain.  
 The last 4 pages are devoted to "Proposals for Printing by Subscription, Freemasonry: or a General History of Civilization . . . by William Dodd, Grand Chaplain," but the work did not materialize.
- 259 ——— A SERMON on ST. MATTHEW, Chap. IX, Verse 12, 13, Preached at the PARISH CHURCH of ST. LAURENCE, near GUILD-HALL, April the 26th, 1759, before the President, Vice-Presidents, Treasurer, and Governors of the MAGDALEN HOUSE for the RECEPTION of PENITENT PROSTITUTES, FIRST EDITION, 24 pages, sm. 4to, unbound [1759] £2/10/-
- 260 ———: AN ACCOUNT of the LIFE and WRITINGS of WILLIAM DODD, LL.D., FIRST EDITION, viii + 78 pages, unbound (small piece torn from top blank margin of title-page which is dust-soiled), Printed for the Author, 1777 £5/-/-  
 Cambridge Bibliography of English Literature says that the authorship of this work is attributed to either Isaac Reed or John Duncombe.
- 261 ———: [COMBE (WILLIAM)] A DIALOGUE in the SHADES between an UNFORTUNATE DIVINE [DR. WILLIAM DODD] and a WELSH MEMBER of PARLIAMENT, lately deceased [CHASE PRICE], FIRST EDITION, 20 pages, 4to, unbound, Printed for J. Bew . . . and Sold by B. Bristow [1777] £2/10/-  
 Small piece from top inner corner of blank margins of title and first 4 leaves torn away.
- 262 DORMAN (THOMAS P.) HISTORY of the PROVINCIAL GRAND LODGE of NORTHAMPTONSHIRE and HUNTINGDONSHIRE, with a Preface by HARRY MANFIELD, illus., Northampton, 1912 £1/-/-
- 263 DORSET MASTERS' LODGE, NO. 3368.—TRANSACTIONS, for the years 1909/10 to 1943/5, being Vols 1 to 33, illustrated, 33 vols, wrappers, Weymouth, 1910-46 £18/10/-  
 The editors were as follows: Vols 1 to 12, J. A. Sherren; 13 to 20, F. G. Hawes; 21 to 26, F. W. Burt; 27, C. H. Howie; 28 and 29, O. Meredith Sanderson; 30 to 33, the Rev. T. H. Flynn.

- 264 **DORSET MASTERS' LODGE, NO. 3360.**—TRANSACTIONS, for the years 1912/13 to 1930/31 (except for 1928/29; being vols. 4 to 18, 20 & 21) in 18 vols, wrappers (one wrapper defective), *ibid.*, 1912-31 £3/-/-
- 265 ——— TRANSACTIONS, for the years 1915/16 to 1926/27 (except for 1919/20; being vols 7 to 10, and 12 to 17, in 10 vols (4 vols backstrips defective), wrappers, *ibid.*, 1915-27 £4/4/-
- 266 [**DOUMIE (MAX)**] **LE SECRET de la FRANC-MACONNERIE**, half morocco, Paris, 1905 £1/-/-
- Wolfsueg No. 5688 does not give the author.
- The book attributes to Francis Bacon the origin and plan of Political and International Masonry.
- 267 **DRAKE (FRANCIS [Grand Master of the York Grand Lodge]) EBORACUM: or the HISTORY and ANTIQUITIES of the CITY of YORK**, . . . collected from Authentick Manuscripts, Public Records, Ancient Chronicles, and Modern Historians, with 2 maps and 58 plates (many double-page), comprising fine views of the City, Architecture, Antiquities, Coats of Arms, Monuments, etc., and 52 other engravings on the letter-press, fine mezzotint portrait of the Author (dated 1771) inserted, folio, contemp. russia gilt (one joint partly cracked, repairs to spine), Printed by Wm. Bowyer for the Author, 1736 £5/-/-
- 268 ——— **LARGE PAPER COPY**, also having the mezzotint portrait of the Author inserted; the map of the Roman Roads, and another of the boundaries of the City of York nicely coloured by hand, also a number of the 58 plates (those of Armorial and Stained Glass Windows) very finely coloured, roy. folio, contemp. mottled calf gilt, extra, neatly rebound and fully gilt, *g.c.*, *ibid.*, 1736 £10/10/-
- An exceptionally good copy, from the Hiersley Collection.
- The author is said to have been initiated into Freemasonry at York on Sept. 6th 1725, at a private Lodge, Star Inn, Stonegate. He was chosen as Grand Junior Warden of the Grand Lodge of All England [usually called the York Grand Lodge] in Dec. 1725, and on the 27th Dec. 1726 delivered his famous "Speech" to the Grand Lodge. He does not however mention masonic matters in his "Eboracum."
- 269 **DUGANNE (AUGUSTINE J. H.) "The Great American Masonic Poem" KING SOLOMON'S TEMPLE** [Reprinted from the American Freemason of July 15th, 1870], 12 pages, wrappers, *Bros. Tweedell & Sons, Yorkshire*, 1870 15/-
- 270 **DUNCKERLEY (THOMAS): HIS LIFE, LABOURS, and LETTERS**, including some Masonic and NAVAL MEMORIALS of the 18th CENTURY, by HENRY SADLER, *illus.*, 1891 £1/2/6
- 271 **DUPANLOUP (MONSEIGNEUR, Bishop of Orleans) A STUDY of FREEMASONRY** [Original Edition of the English Translation], 104 pages, unbound, 1875 £1/-/-
- 272 **ECKERT (ED.-EMIL) LA FRANC-MACONNERIE dans sa veritable signification, ou son Organisation, son But et son Histoire**, traduit de L'Allemand, . . . et considérablement augmenté de documents authentiques sur la FRANC-MACONNERIE BELGE et FRANÇAISE, par L'Abbe [JEAN GUILL.] GYR, *frontispiece: Alphabets et Hiéroglyphes Maçonniques*, 2 vols in one, half roan (rubbed), Liège, 1854 £2/10/-
- Wolfsueg, 1435 (2).
- Eckert was an advocate at Döbeln in the Kingdom of Saxony. He unjustly attacked Freemasonry bitterly as the source of all evil and all revolution in the World.
- 273 **ECOSSAIS PHILOSOPHIQUE (RIT)—COMMANDEURS du TEMPLE du MONT-THEBOR, Rit Ecossais Philosophique**, a. L. de Paris, 32 pages, wrappers, Paris, C. Pougens, 1810 £1/10/-
- Kloss, 4410 gives an issue with imprint of Porthmann.
- 274 **EDWARDS (DR. (BOGDAN EDWARD JASTRZEBSKI)).—BATESON (DR. VAUGHAN) MASONIC SECRETS and the ANCIENT MYSTERIES: A Memorial Lecture to the Late Arch-President, Brother Doctor Edwards**, Delivered to the Garuda Temple the August Order of Light, Autumnal Equinox . . . 1923, at Bradford, *portrait*, 2 plates, 1923 18/-
- Only 200 copies printed.
- 275 **EDWARDS (LEWIS) GUIDE to MASONIC SPEECHMAKING**, 1954 6/8
- 276 ——— **The LAW and CUSTOM of FREEMASONRY**, 1948 15/-
- 277 ——— **RULE and TEACH**, a Practical Handbook of Masonic Law and Custom, 1956 10/-
- 278 **EGAN (P.) WALKS through BATH**, . . . including WALCOT and WIDCOMBE, and the SURROUNDING VICINITY . . . a Complete Guide to the Visitors of the above City, *frontispiece and 20 plates*, boards, cloth back, Bath, 1819 £1/-/-
- Contains a Description of the Masonic Hall in York Street, Bath, with an engraved plate, pages 129-132.

- 279 **ELLIS** (EDWARD S.) **LOW TWELVE . . . A Series of Striking and Truthful Incidents illustrative of the Fidelity of Free Masons to one another in times of distress and danger, publishers' reline, New York, 1920** 12/0
- 280 ——— **HIGH TWELVE, a Sequel to Low Twelve, publisher's reline, ibid. 1920** 12/0
- 281 **ENGRAVED LISTS OF LODGES.**—**COLE** (BENJAMIN, *Engraver*) **LIST of REGULAR LODGES according to their Seniority & Constitution, 1764** [the Rt. Hon. WASHINGTON SHIRLEY EARL FERRARS, VISCOUNT TAMWORTH, Grand Master]: **FACSIMILE made from the Original** [for W. J. HUGHAN, by C. SACRETEUR of New York, narrow fcap. 8vo, [New York], 1886] £11/1-
- 282 ———: **PINE** (J., *Engraver*) **LIST of LODGES 1735** [Lord Weymouth Grand Master]; **FACSIMILE from the Original in the Bodleian Library, Oxford, Printed at the University Press, Oxford, for E. L. Hawkins, wrappers, 1907** £11/0-  
Printed on handmade paper and limited to 25 numbered copies, signed by E. L. Hawkins and dated 9 Dec. 1907.
- 283 ——— Another facsimile from the Original in the possession of the Bodleian Library, Oxford (from blocks lent by W. BRO. J. ELSTON CAWTHORNE), stitched, *Leeds* [193-] 10/6  
This facsimile is printed on ordinary paper and a larger number were issued.  
——— vide CALVERT (A. F.), and CARSON (E. T.), ante; HUGHAN (WM. J.), post.
- 284 **ESSAY** (AN) on the **ORIGIN of FREE MASONRY** by a **NATIVE of NORFOLK** [a Reprint of the Original Edition of 1818], 32 pages, wrappers, *Dist.*, 1880. 18/-  
Only 250 Copies printed.
- 285 **ESSEX MASTERS LODGE, No. 3256, TRANSACTIONS, Vols. 1 to 6, 1927/28 to 1934/35** (wanting Vol 5, 1931/32), 7 vols., roy. 8vo, stitched, 1929-36 £2/2-
- 286 **ESTOC** (MARTIAL D') **LA FRANC-MAÇONNERIE sa POLITIQUE et son ŒUVRE** [Partie 1. HISTORIQUE; Partie 2. DOCUMENTAIRE], binders half cloth, Paris, [1899] 18/-  
Wolfstieg, No. 27795.
- 287 **EVERGREEN** (THE) **A MONTHLY MAGAZINE devoted to MASONIC CULTURE, UNIFORMITY, and PROGRESS, FIRST SERIES, Edited by E. A. GILBERT, 3 vols, 4to., 1868-70; SECOND SERIES, Edited by T. S. PARVIN and W. R. LANGBRIDGE, 2 vols, 8vo., 1871-72; (all published), 5 vols. in 3, uniform half roan, Iowa, 1868-72** £3/10/-  
Wolfstieg, 615.  
The first series bound in one volume lacks the Index.
- 288 **EVERY** (GEO. W. P.) **ONE HUNDRED and ONE YEARS of CRAFT HISTORY in the TOWN of WHITBY [ONTARIO], Whitby, Ontario [1927]** 12/0

## EXHIBITIONS AND BAZAARS.

- 289 **ABERDEEN MASONIC BAZAAR**—**BOOK of the MASON CRAFT in connection with the Bazaar held . . . on the 8th to the 10th of October 1896, [with literary items of interest on the Craft], illus., Aberdeen, 1896** 12/0
- 290 **BELFAST.**—**KELLY** (W. REDFERN, *Editor*) **YE BOOK of ye GRANDE FAYRE & BAZAAR . . . holdene at ye GREATE ULSTER HALL, 15th-17th October, 1883, in ayde of ye BELFAST MASONIC CHARITIES, illustrated, roy. 8vo., half roan, Belfast, 1883** 15/-
- 291 **DEVON and CORNWALL.**—**EXHIBITION held in the HUTCHES MASONIC TEMPLE, PLYMOUTH, June 27th to July 1st 1887: Catalogue of Exhibits, edited by WILLIAM JAMES HUGHAN, 4to., 1887** 10/-
- 292 **EDINBURGH.**—[MCINNES (MRS. D. M., *Poetess and Compiler*)] **GRAND MASONIC BAZAAR at EDINBURGH, December, 1890—GREENOCK SOUVENIR** [with Preface by JOHN BARCLAY, also Poetical contributions by JOHN STUART BLACKIE, COLIN RAE BROWN, MRS. D. M. INNES, and others], 8 portraits and 5 other illustrations, Greenock, 1890 10/-
- 293 ——— **STEVENSON** (W. GRANT, *Editor*) **POT POURRI of GIFTS, Literary and Artistic, contributed as a SOUVENIR of the GRAND MASONIC BAZAAR in aid of the ANNUITY FUND of SCOTTISH MASONIC BENEVOLENCE, illustrated, 4to., parchment wrappers, Printed for the Lodge Dramatic and Arts, No. 757, Edinburgh, 1890** £1/-/-  
Includes literary contributions by J. M. Barric, W. E. Henley, Jerome K. Jerome, Sir Noel Paton, and other known writers.
- 294 **HAMPSHIRE and the ISLE of WIGHT, MASONIC EXHIBITION held at SHANKLIN, September 9th and Following Days, 1886: CATALOGUE of EXHIBITS, edited by ALFRED GREENHAM, with Archaeological Notes by WILLIAM JAMES HUGHAN, 4to., wrappers, Shanklin, 1886** 10/-

## Exhibitions and Bazaars—continued.

- 295 **WORCESTER**: MASONIC SOCIETY & EXHIBITION, held at the Guildhall, Worcester, August 27th, 1888 and following days . . . CATALOGUE of EXHIBITS, edited by GEORGE TAYLOR, with ARCHAEOLOGICAL NOTES by W. J. HUGHAN, 4to., Kidderminster [1884] 10/-
- 296 ——— ANOTHER COPY, bound with PROVINCE of HAMPSHIRE and ISLE of WIGHT: MASONIC EXHIBITION, held at Shanklin, with CATALOGUE of EXHIBITS, edited by ALFRED GREENHAM and ARCHAEOLOGICAL NOTES by WM. J. HUGHAN, *Shanklin*, 1886—DEVON and CORNWALL: held in the Huyshe Masonic Temple, Plymouth, 1887: CATALOGUE of EXHIBITS, edited by WM. J. HUGHAN, the three items bound in one vol. 4to., half calf (joints rubbed), 1884-7 £15/-
- 297 **YORKSHIRE**.—The MASONIC RECEPTION at YORK, Sept. 5th, 1881, under the Auspices of the York and Eboracum Lodges, with Report on Documents and Relics exhibited (&c.), by T. E. WHITEHEAD, York, 1881—SOCIETAS ROSICRUCIANA in ANGlia: Province of Yorkshire, Masonic Conversazione and Exhibition, held 20th Feb., 1884, with a catalogue of Exhibits, York, 1884, the two items bound in one vol. 4to., 1881-4 16/-
- 298 [F. (N.)] ANTI-SARSENA, für FREYMAURER und NICHT-FREYMAURER, xii + 244 pp., unbound, Sondershausen: B. F. Voigt, 1897 £2/-  
Wolfsburg, 30004; Kloss, 1998.  
This should not be confused with a work by Gerlach entitled Sarsena, which appeared at Bamberg in 1817.
- 299 **FAYEN** (—) REFLEXIONS PHILOSOPHIQUES. French Manuscript (so lettered) legibly written on 160 pages and comprising Eight Essays on Humanitarian or Moral Subjects, each signed at end by the writer (four of them variously dated between October 1868 and January 1869), the last and only Masonic Essay being "REFLEXION PHILOSOPHIQUE sur la FRANC-MACONNERIE, ses PRINCIPES, et ses ACTES" (28 pages, dated Jan. 1869, signed and marked with symbol of Masonic rank), half morocco, masonic emblem of square and compasses in five panels on back, 1868-69 £4/10/-
- 300 **FELLOWES** (JOHN) AN EXPOSITION of the MYSTERIES, or RELIGIOUS DOGMAS and CUSTOMS of the ANCIENT EGYPTIANS, PYTHAGOREANS, and DRUIDS; also an INQUIRY into the Origin, History and Purport of Freemasonry, FIRST EDITION, frontispiece and woodcuts, 8vo., contemp. half calf, gilt emblematic tooling on spine (corners rubbed), New York: printed for the Author, 1835 £3/10/-  
Wolfsburg, 4938.
- 301 ——— ANOTHER COPY, top outer corners waterstained, half calf (rubbed), *ibid*, 1835 £2/10/-
- 302 ——— ANOTHER EDITION, fcap. 8vo., cloth [ca. 1908] 10/-
- 303 **FINCH** (W.) AN ELUCIPATION on the MASONIC PLATES, consisting of Sixty-four Different Compartments—viz., 46 in the first plate; 9 in the second; and 9 in the third; comprising the following Degrees in Masonry, 1st, 2nd and 3rd, in Craft; R.A.; A.M.; K.T., &c. (text complete but having plate 3 only), 70 pages, unbound, Printed and published for the Author . . . 1802 £5/5/-
- 304 ——— ANOTHER ISSUE, having plates 2 and 3 only, the text now occupying 80 pages, unbound, Printed and Published by the Author, and Sold by H. D. Symonds . . . Theodore Page, Printer [1802] £6/10/-
- 305 ——— LECTURES on FREEMASONRY [the three Craft Degrees], issued without title-page but having Finch's name and address on p. 29 and imprint: *Jaguer, Printer, Lower Staines-Street* on last page; 30 pages [ca. 1811]; bound with THE FREEMASON'S LOOKING GLASS [a Masonic Lecture, issued without title-page, the last page having Finch's autograph signature], 20 pages [ca. 1805]; both items interleaved, in one volume, contemp. calf (one joint cracked) [1805-11] £12/10/-  
Six of the interleaved pages are occupied with MS. additions as follows: "Declaration to be assented to by every Candidate previous to his initiation"; "Opening 1st Degree"; and "Prayer for a Candidate." Bound at the beginning of the volume is an engraving probably taken from one of the 18th Cent. Masonic Magazines, also a leaf containing on one side "Dedicated by Permission to God, the Grand Architect of the Universe" dated at foot Sept. 1807 and having Finch's name.—On verso is a portrait of the Rt. Hon. Thos. Boothby-Parkyns, Lord Ranelife of Ireland, Supreme G.M. of K.T. and G.M. of R.A. Masons.

- 306 **FINCH (W.)** LECTURES ON FREEMASONRY [the THREE DEGREES of CRAFT MASONRY] with the "KEY," issued without title-page, 32 pages with imprint at foot of last page, *Finch, Printer, 5 Lower Lambeth, March* [1811] £7/10/-  
On page 16 of this issue is a printed note stating that about the month of February 1812 W. Finch will have ready for delivery Lectures on the 22 degrees as named.  
Inscribed on fly-leaf "Lodge of Instructions Feby 1814 from Lodge No. 391." This was Concordia Lodge, meeting at Oisten's Town, Barbadoes, warranted 27 Sept. 1797, named in 1803, erased 2nd Oct. 1829.
- 307 ——— A MASONIC TREATISE, with an ELUCIDATION on the RELIGIOUS and MORAL BEAUTIES of FREEMASONRY, *Ziydvixypix, Zqjigam, Wxixjin*, [Architecture, Astronomy, Geometry], etc. RA—AM—RC—KT—MP—M. &c. for the Use of Lodges and Brothers in general, dedicated by permission to William Perfect, Prov. G.M. for the County of Kent, SECOND EDITION, with many valuable additions, *Printed by J. Arkinton, Deal*, 1802; AN ELUCIDATION on the MASONIC PLATES, . . . comprising the following degrees in Masonry, 1st, 2nd, and 3rd, in Craft; R.A. A.M. K.T. &c. [without the separately published 3 plates], *Printed and Published for the Author . . .* [1807]; bound together with JACHIN and BOAZ; or An Authentic Key to the Door of Free-Masonry, both Ancient and Modern . . . with a Correct List of all the Regular Lodges in Scotland, engraved frontispiece and a woodcut plan of the Drawing on the Floor of a Lodge, *Printed for the Booksellers*, 1814; The Three items in one volume, half calf, m.e., 1802-14 £15/18/-  
Wolfstieg, 35917, 35916 (ii), and 20983 (xxvii) respectively.
- 308 **FINDEL ([Jos.] G[ABR.]** GESCHICHTE DER FREIMAUEREREI von der Zeit ihres Entstehens bis auf die Gegenwart, ZWEITE AUFLAGE, half calf, *Leipzig*, 1866 £2/10/-  
Best German Edition. Wolfstieg, 3972 (iii).
- 309 **FENMORE (W. L.)** HISTORY OF PROVINCIAL GRAND LODGE OF HAMPSHIRE and ISLE of WIGHT, 1832-1932, with Foreword by the Rt. Hon. the EARL of MALMESBURY, *illus.*, *Portsmouth*, 1939 12/8
- 310 **FLAMBEAU (Le) du Maçon**, divisé en deux parties, contenant : Les Catechismes des Trois premières Grades . . . Les Constitutions générales de l'Ordre des Francs-Maçons . . . des pièces de poésie, et le Tableau des Loges et Souverains Chapitres, constitués à l'O. : de Bordeaux [etc.], *Bordeaux*, 1811; bound with **PLUCHRONNEAU** Ainc. Physiologie du Franc-Maçon, avec dessins de JOURNAL, gravés par MAURISSET, *Paris* [ca. 1875], 2 vols in one, half calf, 1811-75 £2/18/-  
The first item is not in Wolfstieg. The second item is No. 23727.
- 311 **FLOHR (August)** GESCHICHTE DER GROSSEN LOGE VON PREUSSEN, genannt ROYAL YORK zur Freundschaft im Orient von Berlin, 1798-1898 . . . als Manuscript für Brüder Freimaurer gedruckt, *Berlin* [1898] £1/8/-  
Wolfstieg, 7871.
- 312 **FONTAINE-BORGEL (CLAUDIUS)** RELATION HISTORIQUE SUR L'ÉTABLISSEMENT des PREMIÈRES LOGES MAÇONNIQUES à GENÈVE et leur DISSOLUTION 1736-1796, suivie d'une Nomenclature des Loges Genevoises de 1736-1810, 32 pages, wrappers, *Geneve*, 1874 £1/10/-  
Wolfstieg, 6701 quotes an issue with a different imprint, dated 1877.
- 313 **FORSHAW (C. F.)** MASONIC POEMS [Introduction by W. J. HUGHAN], 1900 8/-
- 314 **FOWLES (E. W. H.) and WHITE (E. G.)** The JUBILEE REVIEW of ENGLISH FREEMASONRY in QUEENSLAND, 1859-1909: 74 Lodges, issued under the Supervision and Approval of the District Grand Master, ALFRED J. STEPHENSON, with 200 *illus.*, *Brisbane*, *Printed for Private Circulation*, 1909 £1/-
- 315 **FOX (THOMAS LEWIS)** FREEMASONRY: AN ACCOUNT of the EARLY HISTORY of FREEMASONRY in ENGLAND with Illustrations of the Principles and Precepts advocated by that Institution, 1870 10/-
- 316 ——— Re-issue, 1872 8/8
- 317 **FOX-THOMAS (Rev. EGBERT)** HISTORY of FREEMASONRY in WHITBY [YORKSHIRE], from 1764 to 1897, with an Introduction by W. J. HUGHAN, *illus.*, *Whitby*, 1897 10/-  
Only 250 copies printed.
- 318 ——— ANOTHER COPY, with APPENDIX, comprising An Account of the Centenary Celebrations of the Lion Lodge, No. 312, Whitby, and the Meeting of the Prov. Grand Lodge . . . July 1897, paged in continuity with the 'History,' 2 vols; cloth, and unbound (stitched), *ibid.*, 1897-98 £1/8/-

- 319 **FRANCE** (**SUPRÊME CONSEIL** de ; **RITE ÉCOSAIS ANCIEN ACCEPTÉ**) **RÈGLEMENTS GÉNÉRAUX de la MAÇONNERIE ÉCOSAISE pour la FRANCE et ses DÉPENDANCES**, half roan, O.: de Paris, 1863 £1/-/-  
 Wolfstieg (Supplement) 6523 lists editions of 1846, 1867 and 1877.
- 320 ——— : **GRANDE LOGE SYMBOLIQUE ÉCOSAISE. RITUEL des TRAVAUX MAÇONNIQUES**, printed on hand-made paper, 410, wrappers (a little frayed) [ca. 1885] £2/-/-  
 The Grande Loge Symbolique Écossaise was formed on 4th April 1883.
- 321 **FRANCIS (T.) FREEMASONRY at HAVANT : A PAGE in the HISTORY of FREEMASONRY in HAMPSHIRE [1763-1892]**, 46 pp., unbound, Portsmouth [1892] 10/-
- 322 ——— **HISTORY of FREEMASONRY in SUSSEX ; containing a Sketch of the Lodges . . . the Provincial Grand Lodge . . . ROYAL ARCH MASONSRY, etc. ; also A HISTORY of the HOWARD LODGE of BROTHERLY LOVE, No. 56, Arundel, 1736-1878, with frontispiece and 4 plates in colour**, Portsmouth, 1883 £1/-/-
- 323 ——— **ANOTHER COPY** (binding waterstained), *ibid.*, 1883 18/-
- 324 **FRANKLIN (BENJAMIN) : PROCEEDINGS of the R. W. GRAND LODGE of PENNSYLVANIA . . . at its CELEBRATION of the BI-CENTENARY of the BIRTH of RIGHT WORSHIPFUL PAST GRAND MASTER, BROTHER BENJAMIN FRANKLIN, held in the Masonic Temple, in Philadelphia, March 7th, 1906, containing Reproductions in facsimile, of ANDERSON'S Constitutions of 1723, re-printed in Philadelphia by BENJAMIN FRANKLIN in 1734 ; title-pages of books with Franklin Imprints, and numerous other illus., roy. 8vo, Philadelphia, 1906** £1/15/-
- 325 (**FREDERICK WILLIAM III, King of Prussia**) **ERIKT wegen VERHÜTUNG und BESTRAFUNG geheimer VEREINIGUNGEN, welche der allgemeinen SICHERHEIT nachtheilig werden könnten, de dato Berlin, den 20 October 1798, 8 pages, folio, unbound, [Berlin] Gedruckt bei Georg Decker [1798]** £2/10/-  
 In 1798 the King of Prussia issued this order against Secret Societies, but exempted from its operation the three Grand Lodges at Berlin. All other Lodges not under them were to be closed.
- 326 **FREEMASON (THE), a WEEKLY JOURNAL of FREEMASONRY, LITERATURE, SCIENCE and ART, from the Commencement in March 1869 to December, 1910, being vols 1 to 49, folio, cloth and roan, 1869** £15/-/-  
 Vols 1 to 43 in brown cloth (about 3 vols need recasing and several vols binding discoloured by damp) ; vols 44 and 45 blue cloth ; vols 46 to 49 publisher's roan (vol 45 without title, back strip of vol 48 missing). The early volumes of this periodical are now difficult to obtain.
- 327 **FREEMASONS' MAGAZINE or GENERAL and COMPLETE LIBRARY (THE)** vols 1 to 7 (of 11 vols), with numerous engraved plates including portraits, 7 vols, half calf (last vol not uniform), 1793-96 £8/8/-  
 It seems probable that William Preston, through his circle of friends in the Lodge of Antiquity, and elsewhere, was much interested in the production and promotion of this magazine. There are liberal extracts from his "Illustrations of Masonry" and numerous references to him, which could scarcely have been made without his full knowledge and consent.
- 328 **FREEMASONS' MONTHLY MAGAZINE (THE)** by **CHARLES W. MOORE, Q.S.** of the Grand Lodge of Massachusetts, Vol 18 (Nov. 1st 1858 to Oct. 1st 1859), half calf, Boston (U.S.A.) 1859 15/-
- 329 **FREE-MASON'S POCKET COMPANION**, containing I. AN ODE by Mr. BANKS, on MASONRY ; II. The HISTORY of MASONS and MASONRY ; III. The CHARGE given to a FREE-MASON ; IV. GENERAL REGULATIONS for the Use of LODGES ; V. The MANNER of CONSTITUTING a NEW LODGE ; VI. CHARGE given, to a NEW BROTHER ; VII. A COLLECTION of FREEMASONS' SONGS, &c. ; VIII. PROLOGUES and EPILOGUES . . . ; IX. A LIST of all the REGULAR LODGES in SCOTLAND ; X. A List of all the REGULAR LODGES in ENGLAND ; XI. A DEFENCE of MASONRY, occasioned by a Pamphlet called Masonry Dissected ; (lacks frontispiece), contemporary calf (cracked at joints), Edinburgh: Printed by W. Chayns . . . 1752 £10/10/-  
 Wolfstieg, 778, gives entry but without particulars, not having seen a copy or obtained a collation, which is : Title ; [viii] + 150 pages.  
 The first Scottish edition of the Pocket Companion and follows closely the text of William Smith's London Edition of 1738, but his name is omitted from title. This copy is printed on thick paper. There is a separate title to the Collection of Songs but pagination is continuous.

- 330 **FREE-MASON'S POCKET COMPANION** [RE-ISSUE of the **EDINBURGH 1752** EDITION], fcap. 8vo., contemp. calf (neatly rebacked), *Edinburgh, Printed for James Reid, Bookseller in Leith, 1754* £0/0/-  
No frontispiece was published with this issue.  
The Title-page to the "Collection of Songs" retains the imprint of W. Clayne and date 1752.
- 331 ——— [THIRD GLASGOW EDITION], containing the ORIGIN, PROGRESS and PRESENT STATE of that ANTIEN FRATERNITY; the INSTITUTION of the GRAND LODGE of SCOTLAND; LISTS of the GRAND MASTERS and other OFFICERS of the GRAND LODGES of SCOTLAND and ENGLAND; their Customs, Charges, Constitutions, Orders and Regulations: for the Instruction and Conduct of the Brethren; to which is added a COMPLETE COLLECTION of FREE MASON SONGS, PROLOGUES, EPILOGUES [etc.], old calf rebacked, *Glasgow, Printed by Robert and Thomas Duncan, 1771* £1/-/-  
Wolfstieg, 788.  
First issue. This edition appeared with an alternative imprint: Printed for Peter Tait, James Brown, and John Tait, 1771. Whilst this is the third of the Glasgow editions it is the second of them to be based upon Jonathan Scott's Pocket Companion of 1754. The first Glasgow edition of 1754 was based upon the Belfast edition of 1751 which in turn was derived from that of William Smith.
- 332 ——— ANOTHER EDITION [Only Edition Printed at Ayr] . . . To which is now added, a Collection of the Most Approved English, Scotch, and Irish Songs, old rebacked calf (upper joint chafed), *Ayr [Ayr]: Printed by John and Peter Wilson, 1792* £5/15/-  
Wolfstieg, 801.  
This edition was derived from and closely resembles the Second Glasgow edition of the Pocket Companion of 1771. No frontispiece was done.
- FREE-MASON'S POCKET COMPANIONS**, *vide* AULD (Wm.), ante; MANT (W.), SCOTT (J.) and SMITH (W.), post.
- 333 **FREEMASON'S QUARTERLY REVIEW** (The) continued successively as **FREEMASON'S QUARTERLY MAGAZINE and REVIEW**; **FREEMASON'S QUARTERLY MAGAZINE**; **FREEMASON'S MONTHLY MAGAZINE**; and finally **FREEMASON'S MAGAZINE and MASONIC MIRROR**, Commencing in April 1834 and ending with the completion of the octavo series in June 1859, with numerous illustrations, 28 vols, various bindings half calf and cloth (some bindings rubbed or worn; spines of three vols broken), 1834-59 £15/-/-  
Contents: First Series, 9 vols, 1834-1842; Second Series, 7 vols, 1843-1849; Freemason's Quarterly Magazine and Review, 3 vols, 1850-52; Freemason's Quarterly Magazine, 2 vols, 1853-54; Freemason's Monthly Magazine Vol 1, Jan.-Oct., 1855, then a new and independent publication "The Masonic Mirror, a Journal of Freemasonry" having commenced Nov. 1854 to Dec. 1855, a Union of the two periodicals took place and from Vol 2, Jan.-June 1856, to Vol 6, Jan.-June 1859, was continued as "Freemason's Magazine and Masonic Mirror," 6 vols, 1856-1859.  
The above set does not include the independently published volume of "Masonic Mirror" for Nov. 1854 to Dec. 1855.  
Vol 3 of Freemasons Magazine and Masonic Mirror (1857) lacks pages ix-xxi of Index.
- 334 **FRÉER (ARCHDEACON LANE) MEMOIR, EXTRACT of SPEECHES, DIARY of JOURNEY to AMERICA, &c.**; IN MEMORIAM [Edited by H. F.], with photo-portrait and plate, morocco (rubbed), *Issued for Private Circulation, Hereford, 1866* 10/-  
Archdeacon Freer was one time Deputy Provincial Grand Master of Herefordshire.
- 335 **FRÈRES RÉUNIS.—RÈGLEMENT PARTICULIER de la T. R. L[oge] de SAINT JEAN D'ÉCOSSE, sous le titre distinctif des FRÈRES RÉUNIS, établie et constituée à L'O, du Tournay, . . . 5770 [1770], limp boards, Tournay, 1818** £1/10/-
- 336 **GABANON (LEONARD) i.e. LOUIS TRAVENOL] NOUVEAU CATÉCHISME des FRANCS-MAÇONS, engraved frontispiece, 64 pages, contemporary French red morocco gilt in a Derome style, g.e., fine copy, L'Orient, 5779 [? Paris, 1775]** £10/10/-  
From the Library of Cortlandt F. Bishop with his engraved bookplate.
- 337 ——— ANOTHER ISSUE, the engraving previously a separate plate and used as frontispiece now printed on verso of title-page, vellum, uncut, *L'Orient, 5783 [ibid.; 1779]* £4/15/-  
Wolfstieg does not give either of these editions although he does describe (No. 29960) an edition of a larger work entitled "Nouveau Catéchisme" published at Paris 1749, which contained some historical matter in addition to the Catechism itself. This reprint of the Catechism only, is practically textual, with a few minor changes, with two addresses added as the conclusion to the book.

- 338 GARDNER (F. LEIGH) BIBLIOTHECA MASONICA: a CATALOGUE of LODGE HISTORIES (ENGLAND) with a Preface by W. WYNN WESTCOTT, 1912 £2/10/-  
This is the third and concluding volume (complete in itself) of a Series entitled "A Catalogue Raisonné of Works on the Occult Sciences." Only 300 copies of this volume were printed.
- 339 GAREY (WM.) REFLECTED RAYS of LIGHT upon FREEMASONRY; or the Freemason's Pocket Compendium, edited by JAMES STEVENSON, SECOND EDITION, folding frontispiece of Masonic Emblems, Aberdeen, 1870 10/-
- 340 ——— FOURTH EDITION, with folding frontispiece, Kenning, 1874 8/-
- 341 GARGANO (MICHAEL di) IRISH and ENGLISH FREEMASONS and their FOREIGN BROTHERS: Their System, Oaths, Ceremonies, Secrets, Grips, Signs, and Passwords, with Official Lists of Names, FIRST EDITION, 5 plates (4 in colour), 3 parts, sm. 4to., orig. wrappers, Dublin, 1876 £3/-
- 342 ——— SECOND AND BEST ISSUE, with identical illustrations in one volume, sm. 4to., original boards, cloth back, *ibid.*, 1877 £4/10/-  
In this issue is now added, a leaf of Contents and List of Illustrations, also the Supplementary pages 83 to 108 comprising an Official List in Alphabetical Order, of the Freemasons of the City and County of Dublin, as well as the Masonic Officials of every County in Ireland. This was discontinued in later issues.
- 343 ——— FOURTH ISSUE, the Plates of the E.A. and F.C. degrees omitted and those of Master Mason, and Mark Master Mason substituted, 4to., original boards, cloth back, *ibid.*, 1879 £3/10/-  
The leaf of contents and List of Illustrations, together with the Supplementary Pages, are omitted from this issue.
- 344 GARLAND (MATTHEW, Prov. Grand Orator for the County of Kent) MASONIC EFFUSIONS, MORAL and RELIGIOUS, arranged with his MEMOIRS, by F. C. DANIEL, and published under Masonic Patronage, portrait, old cloth (recovered with paper), uncut, Printed by Br. T. Harvey . . . [1820] £4/15/-  
Wolfsstieg, 24830; Kloss, 605. Both give date as 1819. The book is undated and was probably not published until 1820. The Memoir by Daniel is dated Dec. 1819.
- 345 GAULLEUR-L'HARDY (le F. : L. EUS. II.) PLANCHE tracée dans la R. : LOGE des Vrais Frères Unis, du REGIME RECTIFIE ECOSSAIS, Or. : du Locle, à la Fête patronale d'hiver, de St.-Jean le 10e jour du 11e mois, de l'an de V. L. 5819, publiée au dépend de la loge, 40 pages, wrappers [Paris, 1819] 18/-  
Not in Wolfsstieg or Kloss.
- 346 GAUTRELET (FR. XAV.) LA FRANC-MAÇONNERIE et LA REVOLUTION, half morocco, Lyon, 1872 £1/5/-  
Wolfsstieg, 6387.
- 347 GAYNOR (R. H.) HINTS on MASONIC ETIQUETTE, SECOND EDITION, [1936] 7/6
- 348 GEDENBOEK van de VERRECHTELBAARJ in NEDERLANDSCH OOST-INDIË, 1767-1917, Uitgegeven door de Oudste drie Werkplaatsen of Java . . . illustrated, roy. 4to., 's-Gravenhage [1918] £2/-
- 349 GENTLEMAN'S MAGAZINE (THE) ODD VOLUMES CONTAINING MASONIC ARTICLES or REVIEWS of MASONIC BOOKS: Vol. 3 (no covers, 1733); Vol. 5 (1735); Vols. 7 to 10 (1737-1740); Vol. 13 (1743); Vols. 21 to 24 (1751-1754); Vol. 28 (1756); Vol. 32 (1762); Vol. 36 (1766); Vol. 39 (1769); Vol. 55, part two, (1785); Vol. 56, part two (1786); Vol. 69, part one (1799); Vol. 85, part one, unbound (1815); Vol. 88, part one (no back strip) 1818, old half calf, 1733-1818 per volume 10/-  
A detailed account of the Masonic Articles which appeared in the above volumes will be found in A.Q.C. Volume XXVII, pages 185 to 216.
- 350 GIBSON (REV. JOHN GEORGE) MASONRY AND SOCIETY, A Series of Essays of Social Interest, wrappers, 1923 10/-
- 351 GIRAUD (FRANCIS F.) FREEMASONRY IN FAVERSHAM, 1763 to 1899, compiled chiefly from Lodge and Chapter Minutes, frontispiece, 56 pp., wrappers, Margate: for private circulation, 1900 18/-  
This work was first published at Faversham in 1887, and consisted of 28 pages. The history is now brought down to 1899, but no indication of the former edition is given.
- 352 GOLDENBURG (DR. JULIUS) MAURERFIBHEL: BILDER aus dem FREIMAUERLEBEN, wrappers, Leipzig, 1897 10/-

- 353 **GLOVER** (CHARLES R. J.) A HISTORY of the FIRST FIFTY YEARS of FREEMASONRY in SOUTH AUSTRALIA, 1834-1864 [embracing the period when the Grand Lodge of South Australia was formed], illus. [Adelaide, 1885] £1/8/-  
Designated as Vol. 1 in anticipation of a latter period being written but so far it remains all that has been published.
- 354 **GOLBY** (F. W.) A CENTURY of MASONIC WORKING: being a History of the Stability Lodge of Instruction, 4 portraits, Bath, 1921 18/-  
The author claims that the Stability Lodge of Instruction founded in 1817 has lineal descent from the Lodge of Reconciliation.
- 355 **GOLDEN FLEECE** (ORDER OF THE)—LA TOISON D'OR ou RECUEIL des STATUTS et ORDONNANCES du NOBLE ORDRE de la TOISON D'OR, leurs Confirmations, Changements, Additions, Ceremonies, Imunités, Exemptions, Pré-éminences, Honneurs et Bulles Papales depuis L'Institution jusques à présent, avec les Remarques sur le contenu de leurs Statuts et Ordonnances, contemporary call, Cologne, chez Pierre Stenitzer, 1689 £2/18/-  
Pasted below imprint on title is a printed slip "Chez les T. Serstevens, Imprimeurs MDCCXIII."
- 356 **GOLDNEY** (F. H.) A HISTORY of FREEMASONRY in WILTSHIRE: . . . Provincial Grand Lodge and its Subordinate Lodges . . . Grand Royal Arch Chapter [etc.], 1880 £1/8/-  
Only a limited number were privately printed for presentation only.
- 357 **GOODWIN** (S. H.) MORMONISM and MASONRY: A UTAH POINT OF VIEW, buckram, (original wrappers bound in), Salt Lake City, 1925 10/-
- 358 **GORDON** (W., Teacher of Mathematics) EVERY YOUNG MAN'S COMPANION, FOURTH EDITION, corrected with large additions, and great improvements [including for the first time "The MYSTERY of FREEMASONRY EXPLAINED" pages 413-426], engraved frontispiece, modern half brown morocco, Printed for J. Rivington, H. Woodfall, J. Newbery . . . 1765 £10/10/-  
"The Mystery of Freemasonry Explained" is, virtually, a reprint of one of the so-called 'Exposures' entitled Jachin and Boaz, first printed in 1762.
- 359 **GORHAM** (A., 8<sup>th</sup> Rosicrucian Society) INDIAN MASONS' MARKS of the MOGHUL DYNASTY, numerous diagrams and other illustrations, thin 4to., [1911] 18/-
- 360 **GOULD** (ROBERT FRERE) THE ATHOLL LODGES, their AUTHENTIC HISTORY: being a Memorial of the GRAND LODGE of ENGLAND, "according to the Old Constitutions," compiled from Official Sources, 1879 £1/10/-  
The best sketch of the junior rival Grand Lodge of A.D. 1751 to 1813.  
Contains at end a list of Lodges to 1807 from Abimian Rezon which was the earliest list published by the "Ancients."
- 361 ——— THE HISTORY of FREEMASONRY: its ANTIQUITIES, SYMBOLS, CONSTITUTIONS, CUSTOMS, &c., embracing an Investigation of the Records of the Organisations of the Fraternity in ENGLAND, SCOTLAND, IRELAND, BRITISH COLONIES, FRANCE, GERMANY, and the UNITED STATES, derived from Official Sources, ORIGINAL EDITION, illustrated with 40 portraits, 2 coloured and 7 other full-page plates, 3 vols. 4to, publisher's half morocco gilt, g.e. (binding a little rubbed at joints), 1884 £2/18/-
- 362 ——— ANOTHER EDITION, revised, edited, and brought up to date by DUDLEY WRIGHT, with 15 coloured plates of regalia, &c., and 47 other full page plates many reproduced from old prints, 5 vols., 4to, [1931] £4/10/-
- 363 ——— THE CONCISE HISTORY of FREEMASONRY, LAST and BEST EDITION, revised and brought up to date by FREDERICK J. W. CROWE, 8vo, 1951 £1/10/-
- 364 ——— MILITARY LODGES: The APRON and the SWORD, or FREEMASONRY under ARMS; being an ACCOUNT of LODGES in REGIMENTS and SHIPS of WAR, and of FAMOUS SOLDIERS and SAILORS (of all Countries) who have belonged to the Society [1899] 18/-
- 365 **GOYDER** (D. G.) LECTURES on FREEMASONRY, Exhibiting the Beauties of the Royal Art, THIRD EDITION, 1835 10/-
- 366 ——— FOURTH EDITION, 1875 12/6
- 367 **GRAHAM** (REV. JOHN) A HIEROGLYPHICAL REPRESENTATION of MESSIAH; being the leading features of a Sermon 'preached in ST. PAUL'S CHAPEL, ARBROATH, 27th Dec. 1826, before the PANMURE LODGE of FREE MASONS'; dedicated to the HON. WILLIAM MAULE of Panmure, M.P., P.G.M. 28 pages, wrappers, Montrose, 1827 £1/10/-  
Not in Wolfstien or Kloss.

- 368 **GRAHAM (ALEXANDER)** HISTORY of FREEMASONRY in the PROVINCE of SHROPSHIRE, and of the SALOPIAN LODGES, 262, with an Introduction by W. J. HUGHAN, *Shrewsbury*, 1892 £1/-/-
- 369 **GRAND ORIENT DE FRANCE.**—CALENDRIER MAÇONNIQUE pour l'an 5838 [1838] wrappers, *Paris*, 1838 15/-
- 370 ———: CONSTITUTIONS, Statuts et Règlements Generaux du G.O. de France, 1849-1875, being nine issues bound together in one volume, 1849-75 £3/10/-
- 371 ———: DOCUMENTS pour servir a L'HISTOIRE de la FRANCO-MAÇONNERIE au XIXe SIECLE [recueillis et publiés par le GRAND ORIENT de FRANCE], half calf, *Paris*, 1866 £1/10/-  
Wolfstieg, 23441.
- 372 ———: L'INSTALLATION de la Rév. L. des ARTISTES a L'O de PARIS. Discours qui ont été prononcés dans le Temple, précédés du procès-verbal, et suivis des morceaux d'architecture et des couplets qui ont embellis le banquet fraternel, wrappers [*Paris*, 1797] £1/10/-  
Kloss, 4770.  
Collation: Title+15 (verso blank) +12 pages (Poésies).
- 373 ———: Les MENEURS du G. O. Jugés d'après leur oeuvres, ou Leçons de Grammaire, de Géographie, de Mythologie, D'Histoire et Même de Morale, a L'Usage de ces Messieurs, 16 pages, wrappers, O. D'Isis, Imprimerie du Seidat Ecossais [*Paris*], 1827 18/-
- 374 ———: SOLSTICE D'ETE (24 Juin 1831) PROCÈS-VERBAL de la FÊTE de L'ORDRE célébrée par le G. O. de FRANCE, Avec Tableau du Comte rendu, wrappers, *Paris*, 1831 18/-  
Kloss, 4249.
- 375 ———: SAINT-JEAN D'HIVER, 5812: Fête de L'Ordre, présidée par le Sér. Grand-Maitre, . . . PRINCE CAMBACÉRÈS, le 28e jour du 10 mois de l'an 5812 (1812) 34 pages, 4to, wrappers, *Paulet*, 1812 £1/10/-  
Kloss, 4213.
- 376 **GRANGER (CHARLES T., Past Grand Master of the G.L. of Iowa)**: MEMORIAL VOLUME, compiled by NEWTON R. PARVIN, Grand Secretary, wrappers, *Iowa*, 1917 10/-
- 377 **[GRAVES (RICHARD)]** The REVERIES of SOLITUDE: Consisting of Essays in Prose, a new Translation of the Musipula, and Original Pieces in Verse, by the Editor of *Columbia*, *Eugenius*, etc. FIRST EDITION, boards, modern calf back, entirely uncut, *Bath*, Printed by R. Cruthwell for G. G. J. and J. Robinson . . . London, 1793 £2/10/-  
A piece entitled "The Grand Procession (pages 73-82) of a Society called "The True and Respectable Taylors" in which the subject of Freemasonry is introduced.
- 378 **GREENLAW (COL. ALEXANDER JOHN)** MASONIC LECTURES delivered in Open Lodge, Chapter, &c.; published at the request of Brethren in ENGLAND, INDIA, and BURMAH, (name in ink on title; front end-paper missing), scarce, *Madras*, 1870 £5/5/-  
Wolfstieg gives the publisher as Trubner, but they only published as London Agents for the Madras firm of Higginbotham and Co. Vibert in his *Rare Books of Freemasonry* evidently saw an imperfect copy as he gives the collation as pp. viii + 240, whereas a Concluding Lecture occupies pages 241 to 244.
- 379 ——— REPRINT, *ibid.*, 1905 £2/10/-
- 380 **GRIFFITH (T. LL., Prov. Grand Chaplain Eastern Province of South Wales)** A SERMON preached in the PARISH CHURCH at NEATH, at the PROVINCIAL GRAND MEETING of FREE and ACCEPTED MASONS, on Friday, October 1st, 1852, pamphlet, 22 pages, unbound, *Gardiff*, 1852 12/6
- 381 **GROSVENOR-SMYTH (REV. F. A.)** MASONIC PAMPHLETS (as under), wrappers, Printed for Private Circulation, *Derby*, 1941-42 each 5/-  
(1) The Masonic Apron; (2) Masonry and Symbolism; (3) Masonry and its Symbolic Origin.  
—— vide ROYAL ARCH, post.
- 382 **[GUERRIER de DUMAST (AUGUST PROSPER FRANÇOIS)]** LA MAÇONNERIE, Poème en trois Chants, avec des Notes Historiques, Etymologiques et Critiques, with 2 plates by P. ADAM after LEVERIA, and 7 vignettes, contemporary half morocco, uncut, c.e.g., *Paris*, 1820 £3/10/-  
Wolfstieg, 1404

- 383 **GUERRIER de DUMAST (August Prosper François) LA MAÇONNERIE, ANOTHER** Issue, Printed on a superior paper, the plates in two states (one state being proofs before letters), 7 vignettes, contemp. mottled calf gilt, sprinkled edges, Paris, 1820 £6/-/-  
This issue is not mentioned by Wolfstieg.  
Fine copy with the author's presentation inscription to Madam Adier, on half-title.  
The book was issued for sale by the author and it is said that he destroyed most of the unsold copies.
- 384 **[GUILLEMAIN DE ST. VICTOR (Louis)] LA VRAIE MAÇONNERIE D'ADOPTION** | Précédée de quelques Réflexions sur les Loges irrégulières & sur la Société civile, avec des notes critiques & philosophiques ; Dédiée aux Dames, par un Chevalier de tous les Ordres Maçonniques, PREMIERE ÉDITION, half calf, Londres [? Paris], aux dépens de L'Auteur, 1779 £3/3/-  
Wolfstieg, 43213 (ii) Collation : Preliminaries comprising half-title, title, advertisement and table (viii pages but incorrectly numbered as xii), + 172 + 1 leaf for errata.  
The title of this work was later changed (see next item) and a few songs were then added.
- 385 [—] **MANUEL des FRANCHES-MAÇONNES ou LA VRAIE MAÇONNERIE D'ADOPTION** | Précédée de quelques Réflexions sur les Loges irrégulières et sur la Société civile, avec des notes critiques et philosophiques ; et suivie De Cantiques Maçonniques dédiés aux Dames, Par un CHEVALIER de tous les ORDRES MAÇONNIQUES, rebound half cloth, Philadelphie [Paris], 1787 £1/10/-  
Wolfstieg, 43213 (viii). This work was also incorporated with "Recueil Précieux" to which it formed the third part.
- 386 — **ORIGINE de la MAÇONNERIE ADONIRAMITE ou Nouvelles Observations critiques et raisonnées, sur la Philosophie, les Hieroglyphes, les Mystères, la Superstition et les Vices des Mages [etc.], PREMIERE ÉDITION, contemp. wrappers, uncut, Helyopolis [Paris], 1787 £2/10/-**  
Wolfstieg, 33383. Collation [iv] + 164 pages.
- 387 — **ORIGINE de la MAÇONNERIE ADONIRAMITE (sic) ou Nouvelles Observations, [etc.], with folding Table, Helyopolis [Paris] 1810 ; bound with RECUEIL de CHANSONS de la Très-Vénérable Confrérie des Francs-Maçons, précédé de plusieurs Pièces de Poésie Maçonne. NOUVELLE ÉDITION augmentée, Jerusalem [Paris], 1803 ; two vols. in one, contemp. French calf, emblematic gilt back, Paris, 1803-10 £2/15/-**  
Wolfstieg, 33383 (iv) and 39697 (vi) respectively.
- 388 [—] **RECUEIL PRÉCIEUX de la MAÇONNERIE ADONIRAMITE, Par un CHEVALIER DE TOUTS les ORDRES MAÇONNIQUES : PREMIERE PARTIE contenant le CATÉCHISME de QUATRE, PREMIERES GRADES, [etc.] ; SECONDE PARTIE, contenant les TROIS POINTS de la MAÇONNERIE ÉCOSSOISE, le CHEVALIER de l'ORIENT & le VRAI ROSE-CROIX [etc.] ; TROISIEME PARTIE, LA VRAIE MAÇONNERIE D'ADOPTION, [etc.] ; Three Parts in one volume, boards, Philadelphie [Paris], Chez Philarethe, 1783 £2/10/-**  
Wolfstieg, 33380 (ii) ; Klass 1919 (ii).  
This, the Second Edition had no plates. Collation Part 1 [iv] + 116 (last blank) ; Part 2 [iv] + 149 + iii (unnumbered) ; Part 3. 142 (the half-title, title and Dedication though unnumbered being pp. 1-5) + 1 leaf of Table.
- 389 — **ANOTHER EDITION, Parts 1 and 2 only, 2 vols., wrappers, uncut (some waterstains), ibid., 1786 £1/5/-**  
Wolfstieg, 33380 (iv) Collation of the two parts as for the 1783 edition. No plates were done.
- 390 — **ANOTHER EDITION, wanting plates to Part 1, the plate to Part 2 brought forward as frontispiece, 3 parts in 1 volume, old calf (worn) ibid., 1787 £2/-/-**  
Wolfstieg, 33380 (vi) Collation : Part 1, 118 + Table, 2 pp., unnumbered ; Part 2, 151 + Table, 3 pp., unnumbered ; Part 3, 142 + Table, 2 pp. unnumbered.
- 391 — **NOUVELLE ÉDITION ornée de figures, corrigée & augmentée de plusieurs Chansons etc. [containing 3 folding plates in Part 1 and one in Part 2] 3 parts in one volume, contemp. French mottled calf, emblematically tooled back (defective at headband), ibid., 1787 £4/-/-**  
Wolfstieg, 33380 (vii)  
Collation : Part 1 [iv] + 128 ; Part 2 [iv] + 149 + Table [iii] ; Part 3, 142 (including preliminaries).

- 392 **GUILLEMAIN DE ST. VICTOR (LOUIS)** RECUEIL PRÉCIEUX de la MAÇONNERIE ADONHIRAMITE, NOUVELLE ÉDITION, ornée de figures, corrigée, et augmentée de plusieurs Chansons, etc. (*folding table to the second part only*), 3 vols., *Philadelphie [Paris]* Chez *Philarethe*, 1787; bound with *ORIGINE de la MAÇONNERIE ADONHIRAMITE, ou Nouvelles Observations . . . Héliopolis [Paris]* 1787; together in 2 vols., modern half calf, m.e. £3/18/-
- Wolfsstieg, 33380 (xiii) and 33383 respectively.
- Collation: First Work, Part 1, 144; Part 2, 166 + Table, 3 pages (unnumbered); Part 3, 150 + Table, 2 pages (unnumbered). Second Work, First Edition, (iv) + 164 (including Table).
- 393 ——— NOUVELLE ÉDITION; revue, corrigée & augmentée, suivant ce qui s'observe dans les Loges régulières, présidées par les V. M. Constituant le GRAND ORIENT de FRANCE, with *folding plate of emblems*. Part 1 with imprimi Au grand Orient de France, sous le Vestibule du Temple de Salomon 5789 [1789]; Parts 2 and 3, *Philadelphie [Paris]* Chez *Philarethe*, 1787, in 1 volume, contemp. calf, emblematic gilt back, [Paris], 1787-89 £3/-/-
- Wolfsstieg, 33380 (xv).
- This issue does not have the 3 plates to part 1, and unlike all earlier editions, this part has the authors' name on title.
- Collation: Part 1, (iv) + 140 (last page blank); Part 2, 154; Part 3, 142 + leaf of Table.
- 394 **[GUTIERREZ (VALENTIN LLANOS)] SANDOVAL**; or THE FREEMASON, a Spanish Tale, by the AUTHOR of "DON ESTEBAN," FIRST EDITION, 3 vols., contemp. half calf (one joint cracked), 1826 £2/-/-
- 395 ——— ANOTHER COPY, FIRST EDITION, 3 vols., orig. boards, with paper labels, entirely uncut (spines a little defective), 1826 £3/-/-
- An interesting review of this novel is contained in the Quarterly Review, Vol. 24, pages 488-506. Wolfsstieg, 41676 attributes the work to Telesforo de Trucba y Cosla.
- 396 **GYR (L'ABBÉ) LA FRANC-MAÇONNERIE en ELLE-MÊME et dans ses RAPPORTS avec les AUTRES SOCIÉTÉS D L'EUROPE, notamment avec la CARBONARI ITALIENNE**, half cloth, *Liège et Paris*, 1859 £2/-/-
- Not in Wolfsstieg. Caillot "Sciences Occultes," No. 4908 says "Ouvrage important."
- 397 **HALLETT (H. HIRAM) A SHORT ACCOUNT of the LODGES of PROMULGATION, RECONCILIATION, STABILITY and EMULATION, REVISED EDITION**, 56 pages, wrappers, *Margate*, 1932 10/6
- 398 **HAMILTON (J. LAWRENCE) LES RITUELS des TROIS PREMIÈRES GRADES dans la MAÇONNERIE ALLEMANDE Comparés avec les RITUELS FRANÇAIS et ANGLAIS [Extrait du Journal La Chaîne d'Union de Paris]** thin 8vo, cloth, *Paris*, 1873 18/-
- 399 **HAMMOND (WILLIAM) MASONIC EMBLEMS and JEWELS: Treasures at Freemason's Hall**, London, with 18 coloured and 42 half-tone plates, 1917 15/-
- 400 **HANOVER GRAND LODGE.—STATUTEN der Grossloge des Königreichs Hannover und der unter ihrer Direction arbeitenden St. Johannislogen. Angenommen im Jahr 1839, Hannover, [1839]** 12/6
- Wolfsstieg 20763; Kloss 200.
- 401 **HARRINGTON (GEORGE F.) DESIDERATUM for the AGE, a Masonic Work, wherein the First Principles which constitute Nature are explained [etc.]**, 1851 £1/5/-
- "That the Universalists ideas are very modern is proved to some extent by a small book called 'Desideratum for the Age' published in 1851. In this work, Masonic Universalism is fully discussed."—Whymer's Religion of Freemasonry, page 216 (note).
- 402 **HARRIS (THADDEUS, F.G. Chaplain G.L. of Massachusetts) DISCOURSES, delivered on Public Occasions, ILLUSTRATING the PRINCIPLES, DISPLAYING the TENDENCY, and VINDICATING the DESIGN, of FREEMASONRY, FIRST EDITION, engraved frontispiece**, contemp. calf, rebound, *Charlottesville*, 1801 £8/10/-
- Wolfsstieg, 1389; Kloss, 1131.
- 403 **HART (J. P.) The FREEMASON; or the SECRET of the LODGE ROOM: a Domestic Drama, in Two Acts as performed at the Queen's Theatre. FIRST EDITION, woodcut frontispiece**, 34 pages, orig. wrappers, *J. Pattis* (1839) £1/15/-
- Wolfsstieg, 41952; A.Q.C. vol. 21, page 158 gives an account of this play.
- 404 **HAUTE GRADES.—INSTRUCTIONS des H. G. [ÉLU, ÉCOSAÏS, CHEV. D'ORIENT, ROSE-CROIX] tels qu'ils se confèrent dans les Chapitres de la Correspondance du G. O. de France, avec les Discours Analogues aux Réceptions, Paris, 1835 bound with MANUEL PRATIQUE du FRANC-MAÇON, Angers, 1845, two vols. in one, leather with flap, fastener missing, 1835-45 £1/15/-**

- 405 **HAWKINS** (E. L.) **A CONCISE CYCLOPEDIA of FREEMASONRY**, . . . compiled from various sources, 1947 11/6
- 406 **[HAYE** (ANTHONY O'NEAL, Fourth Poet Laureate of the Lodge Canongate, No. 2)] **SONGS and BALLADS** by the Poet Laureate of the Lodge 'Canongate Kilwinning,' FIRST EDITION, half roan (orig. wrappers bound in) binding rubbed, *Edinburgh*, 1861 18/-
- 407 ——— **ANOTHER COPY**, without the wrappers, 1861, bound with *The MIRAGE of LIFE* and other Poems, SECOND EDITION, *Edinburgh*, 1860; 2 vols. in one, half calf (rubbed) *Edinburgh*, 1860-61 21/5/-

The author's name appears on title-page of the second item.

- 408 "**HAZLITT**" P.M. (—) **UNWRITTEN LAWS in FREEMASONRY**, 1922 7/6
- 409 **HENDERSON** (J. A.) and **ANDERSON** (C. W.) **HISTORICAL RECORDS of FREEMASONRY** in **STOCKTON-ON-TEES**, edited by W. NEWTON, with facsimiles and other illustr., thin 4to, wrappers, 1928 10/-
- 410 **HILLS** (S. M.) **FIVE MINUTE TALKS on FREEMASONRY**, REVISED and ENLARGED EDITION, 1948 7/6
- 411 **HIRAM**: or **The GRAND MASTER-KEY to the DOOR of both ANCIENT and MODERN FREE-MASONRY**: Being an Accurate Description of every Degree of the Brotherhood, as authorized and delivered in all good Lodges [etc.], By a MEMBER of ROYAL ARCTIC, SECOND EDITION, with folding plate (often missing) "The Ceremony of Making a Free-Mason" (in the Second State, i.e. Showing the Candidate), modern half calf, Printed for W. Griffin, 1766 £20/-

Wolfsieig, 29986.

In the 'Exact List of all the Lodges under the Authority of the Grand-Master of England' the London Lodges are arranged under the days of meeting in the month.

The folding plate has been neatly backed on old paper to strengthen, and skilful repairs to half-title and title-page. It is however a good copy of a rare work, seldom found complete.

- 412 ——— **ANOTHER COPY**, wanting the half-title and the Exact List of Lodges; the engraved folding plate in the Second State, modern boards, *ibid.*, 1766 £12/10/-
- 413 ——— **THIRD EDITION**, With an **APPENDIX**, Disclosing the other Secrets of Free-Masonry; not divulged by the Author, 72 pages, (some stains; fore margins a little frayed) Printed for Mess. Griffin and Telf in London, and Mr. J. Hoey, Junior in Parliament Street, Dublin, 1773 £8/15/-
- This edition did not have the List of Lodges, and in order to make room for the Appendix, the Songs were omitted. There is no engraving. It is not in Wolfsieig and is not mentioned by Vibert who does however refer to a Belfast edition of 1765.
- 414 **HISTOIRE et STATUTS de la SOCIETE des FRANCES-MAÇONS**, la Maniere de les recevoir, avec leur Serment, puisés dans les Mémoires secrets du Grand-Maitre de France, le 14 Juin, 1743, contemp. calf, *Londres*, [? Paris], Chez Isaac Pastollet 1743 £4/15/-
- The Dedication is signed le Frere Vrilminiack. Wolfsieig No. 20412 (vi) gives a short title entry but no collation. It would appear that he had not examined a copy. Collation: Title; Epitre (iv pp., unnumbered); Preface commences on p. 3 and the text ends on p. 258; Table 2 pp. (unnumbered).

- 415 **HISTORY of the ANCIENT and HONORABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS**, and **CONCORDANT ORDERS**, illustrated, written by a Board of Editors: **HENRY LEONARD STILLSON**, Editor-in-Chief; **WILLIAM JAMES HUGHAN**, European Editor; thick roy. 8vo, half roan (binding worn and shabby) *The Fraternity Publishing Co., New York*, 1891 £1/10/-
- 416 **HISTORY** (The) and **ILLUSTRATION of FREE MASONRY**, Compiled from an Ancient Publication, contemporary half calf, Published by Baldwin, Craddock, and Joy; and G. B. Whittaker . . . 1826 £3/15/-
- There is no clue as to the authorship but the work is "Dedicated by permission to the Worshipful Master, Officers, and Brethren of the Lodge of Unity, No. 214, [now No. 132] Ringwood, Hants." The imprint at end is "Wheaton, Printer, Ringwood."
- 417 **HISTORY OF MASONRY** (The) From the CREATION of the WORLD to the PRESENT TIME [including a History of Masonry in Britain . . . to the Norman Conquest, The State of Masonry in Scotland . . . to the Present Time, and A Short Charge to be given to New Admitted Brethren], limp cloth, Printed for the Booksellers, [ca. 1850] £1/1/-

- 418 **HOBBS (J. WALTER)** **LODGE and AFTER-DINNER SPEAKING**, a Collection of Chapters compiled with a View to improve Masonic Speaking, with an Introduction by **LIONEL VIBERT**, Third and Revised Edition, 1949 5/-
- 419 ——— **MASONIC RITUAL : Described, Compared, and Explained**, 1923 5/-
- 420 ——— **MASONIC SPEECH MAKING**, a Series of complete speeches compiled to aid Brethren in making appropriate remarks on Masonic occasions, **FIFTH and LAST EDITION**, 1948 8/6
- 421 **HOLLAND (THOMAS)** **FREEMASONRY from the GREAT PYRAMID of ANCIENT TIMES . . .** to which is added the Practical Working, Construction, and Probable Geometrical Draft or Plan of the Pyramid, with 5 plates, *Printed for the Author*, 1885 £1/15/-
- 422 **H[OLME] (R[ANDLE])** **THE ACADEMY of ARMORY : or a DISPLAY of HERALDRY**, being a more easy way to attain the Knowledge thereof, than hath been hitherto published by any . . . [Second & Best Edition], with 47 pages of devices engraved on copper (and the two insets in Book III, between pages 414/15), folio, old panelled calf (joints broken), 1701 £9/8/-
- Has the printed title but lacks the engraved title-page; marginal repair to page 353/4 and small defect in lower blank margin of page 447/8 in Book II; lower corner of page 305/6 in Book III torn away; a few marginal stains.
- The portions of Book III, relating to Freemasonry were reprinted in Gould's History of Freemasonry (original edition, Vol. 2, p. 180/181). These included "Terms of Art used by Free Masons," and "Masons Tools," which commenced with the following paragraph: "I cannot but Honor the Fellowship of the Masons because of its Antiquity; and the more, as being a Member of that Society, called Free-Masons."
- 423 **HOLMES (EMMA)** **TALES, POEMS, and MASONIC PAPERS**, 1877; [SECOND SERIES] **AMANEL VAUGHAN** and other **TALES**, 1878; with Biographical and Masonic Memoirs of the Author, by **G. M. TWEDDELL**, 2 vols. (binding of vol. one damaged) 1877-78 18/-
- Wolfstieg, 1183 gives the first series only.
- 424 **HOLMES (JOHN)** **The ART of RHETORIC made easy . . . In Two Books : the First** comprehending the Principles of that excellent Art . . . the Second containing the Substance of Longinus's celebrated Treatise on the Sublime, **THIRD IMPRESSION**, (Index at end incomplete), old calf, panelled back, emblematic tooling of the square and compass alternating with the Sun Moon and Stars, *Printed for and sold by L. Hawes, W. Clarke, and R. Collins* 1766 £1/15/-
- 425 **HOLMES-DALLIMORE (A.)** **THE FREEMASON'S ALL in ALL—The Master—A Manual of Reference and Instruction on Law, Office and General Procedure : Constitutional, Official, Miscellaneous**, *Printed for Private Circulation*, [1936] 18/-
- 426 ——— **MASONIC SIDE-LINES : Historical—Symbolical—Humorous**, [1936] 9/-
- 427 ——— **THE THREE CONSTITUTIONS : England, Scotland, and Ireland : Laws, Regulations and Decisions of the Craft**, 1927 8/-
- vide **ROYAL ARCH**, post.
- 428 **HOLTSCHMIDT (FRIEDRICH)** **LICHT und SCHATTEN in der FREIMAUREREI**, *Braunschweig*, 1903 10/-
- 429 **HUDDERSFIELD and DISTRICT INSTALLED MASTERS' ASSOCIATION**, **TRANSACTIONS**, Vol. 1, 1926/27, compiled by **FRANK GREENWOOD**, wrappers, 1928 10/-
- 430 **HUDSON (THOMAS)** **POEMS on SEVERAL OCCASIONS**, in Two Parts, **FIRST EDITION**, rebound in old style boards, *Newcastle upon Tyne : Printed by I. Thompson and Company*, 1752 £3/10/-
- Contemporary autograph of E. Harrison on title.
- Contains: "Ode on Masonry, inscribed to the Rt. Hon. Lord Ward, late Grand Master [of England (1742-44)] occupying with its sub-title, pages 39-52; "A Free Masons' Song by Mr. H. Jackson, commencing: Begin O ye muses! pages 226-228.
- 431 **HUGHAN (WM. JAMES)** **HISTORY of the APOLO LODGE, YORK**, in relation to **CRAFT and ROYAL ARCH MASONRY**; with Brief Sketches of its Local Predecessors and Contemporaries; the Grand Lodge of all England (York Masons); the Provincial Grand Lodge, and various Lodges from 1705 to 1805, with valuable appendices, *frontispiece*, (binding a little damp soiled at fore-edges), 1889 £1/15/-
- Only 300 copies printed.
- 432 ——— **The ENGRAVED LIST of REGULAR LODGES for A.D. 1734 in facsimile**, with an Introduction and Explanatory Notes, 1889 £1/1/-

- 433 **HUGLIAN** (WM. JAMES) **THE JACOBITE LODGE at ROME, 1735-7, with a complete Reproduction of the Minute Book and 2 facsimiles, 4to, Torquay, 1910** £1/5/-  
Founded by English Freemasons in Rome with the Earl of Wintoun as Master. It had no warrant from England or elsewhere. Never numbering more than two dozen members it became extinct in August 1737.
- 434 ——— **MEMORIALS of the MASONIC UNION of A.D. 1813, consisting of an INTRODUCTION on FREEMASONRY in ENGLAND; the ARTICLES of UNION, CONSTITUTIONS of the UNITED GRAND LODGE of ENGLAND, A.D. 1815, and other OFFICIAL DOCUMENTS; a LIST of LODGES on the Roll of the United Grand Lodge of England, A.D. 1814, with their Numbers immediately before and after the Union; also an Exact Reprint of DASSIGNY'S "SERIOUS and IMPARTIAL ENQUIRY into the Cause of the present Decay of Free-Masonry in the Kingdom of Ireland," Dublin, 1744, which contains the Earliest known Reference to Royal Arch Masonry [SECOND] REVISED and AUGMENTED EDITION [with a Facsimile of ATTWOOD'S MASONIC GLEE, 1813, now first added], frontispiece, 4to, Leicester, 1913** £2/-
- 435 ——— **ANOTHER COPY, binding damp soiled, *ibid.*, 1913** £1/10/-
- 436 ——— **A NUMERICAL and NUMISMATICAL REGISTER of LODGES which formed the United Grand Lodge of England: containing the Numbers of such Lodges during 1813, and as altered in 1814, 1832, and 1863; Years of Constitution under the "Moderns," and "Ancients," Roll of Distinguished Lodges, Special and Centenary Medals, Historical and Numismatrical Sketches, with 6 coloured plates, 4to, (binding badly waterstained), 1878** £1/5/-
- 437 ——— **ORIGIN of the ENGLISH RITE of FREEMASONRY, New and REVISED EDITION, edited by JOHN T. THORP [and an Index now added], facsimile of the Royal Arch Record of 1753, and 3 plates (some marginal annotations and underlinings in ink; binding a little soiled) Leicester, 1909** £2/5/-  
One of the best works on Freemasonry. This edition is corrected and revised to accord with the later studies of the author.
- 438 ——— **THIRD and LAST EDITION (a reprint of the second edition, with a revised preface by John T. Thorp), *ibid.*, 1925** £2/15/-
- 439 ——— **The Worshipful Company of GOLD & SILVER WYBE DRAWERS (Reprinted from "The Freemason," Nov. 21st, 1891) 16 pages, wrappers, 1891** [SOLD]  
—— vide **CHARGES (Old)**, ante.
- 440 **HUMBER INSTALLED MASTERS LODGE, No. 2494, TRANSACTIONS, Parts 1 and 2, Feb. 1894 to April, 1903, 2 vols., (wrappers rather frayed) Hull, 1894-1903** £1/1/-
- 441 ——— **TRANSACTIONS, Part 6, Feb. 1917 to Dec. 1921, wrappers, *ibid.*, 1922** 8/-
- 442 **HUNT (CHARLES CLYDE) MASONIC SYMBOLISM, illustrated, wrappers, Ioma, 1939** £1/10/-
- 443 **HUTCHINSON (WILLIAM) The SPIRIT of FREEMASONRY in Moral and Elucidatory Lectures, FIRST EDITION, with engraved plate, contemp. panelled calf neatly rebacked, Printed for J. Wilkie and W. Goldsmith, 1775** £6/15/-
- 444 ——— **ANOTHER COPY, contemp. half calf, *ibid.*, 1775** £8/15/-  
Wolfsieg, 21609.  
Has the following interesting inscription on fly-leaf "This Book is the property of John Edward Reynolds of Hampstead and Grays Inn, both in the County of Middx., Gent. Atty. at Law, who passed the Office of Grand Steward to the Grand Lodge of Masons for England in the year 1805" (Signed) J. E. Reynolds, 27th Novr. 1807  
The writer's name and appointment is recorded by Henry Sadler in his "Memorials of the Globe Lodge, No. 23" in the Chronological List of the Grand Stewards from that Lodge.
- 445 ——— **SECOND EDITION [containing an addition to the former XIV Lectures, a number of additional CHARGES, ORATIONS, DISCOURSES, and ADDRESSES, together with Lists of LODGES under the GRAND LODGES of ENGLAND and SCOTLAND] contemp. calf, neatly rebacked and emblematically tooled, Carlisle: Printed by F. Jollie, 1795 [altered by pen to appear as 1797]** £5/5/-
- 446 ——— **ANOTHER COPY, boards, spine renewed, entirely uncut, *ibid.*, 1795** £5/0/-
- 447 ——— **THIRD EDITION, with Additions [but omitting the Lists of Lodges], with medallion portrait on title and engraved frontispiece; contemp. calf, rebacked, *ibid.*, 1802** £3/15/-
- 448 ——— **ANOTHER COPY, contemp. calf, joints weak, *ibid.*, 1802** £4/15/-  
This copy has inscribed on end-papers (1) "Motto of Lodge No. 2" [Canongate Kilwinning]; (2) "To all Brother Masons" written by "Edward Frederic Kelam, Past Master of the Edinburgh Kilwinning Lodge, Companion of the Royal Arch Holy Order of Free-Masons."

- 449 **HUTCHINSON** (WILLIAM) *THE SPIRIT OF FREEMASONRY* [FIRST GERMAN EDITION, translated from the First English Edition, with title]: *Der Geist der Maurerey, in Moralischen und erlütternden Vorlesungen, aus dem Englischen übersetzt*, contemp. half calf, *Berlin, L. L. Stahlbaum, 1780* £7/10/-
- 450 ——— [FIRST AMERICAN EDITION], with the plate of a Masonic Jewel, contemporary sheep, *New York: Printed by Isaac Collins, . . . for Coram & Stewart, . . . 1800* £5/15/-  
This edition follows closely the first English edition of 1775 but the Appendix (separately pagged) is followed by four Masonic Songs (pages 17 to 22).  
Lower outer corner of page 17/18 (first leaf of the Songs) is torn away affecting part of two words of text.
- 451 **ILLUMINATI**.—A LETTER to the REVEREND JOHN ERSKINE, D.D. . . . on the Dangerous Tendency of his late "Sketches of Church-History" by his Countenancing the Authors, and Promoting the Designs of the INFAMOUS SECT of the ILLUMINATI, 22 pages, binder's cloth, *Edinburgh, 1798* £1/10/-  
Probably by the Hon. R. Clifford.
- 452 ——— : [LUCHET (JEAN PIERRE LOUIS de la ROCHE du MAINE, Marquis de)] *ESSAI sur la SECTE des ILLUMINES*, PREMIERE EDITION, wrappers, uncut, *Paris, 1789* £2/15/-  
Wolfstieg, 42769; Kloss, 2675.  
This is the original edition. It was afterwards issued with imprint "Londres" 1789, as the third volume of Micabeau's "Histoire Secrete de la Cour de Berlin."
- 453 ——— : STAUFFER (Vernon) *NEW ENGLAND and the BAVARIAN ILLUMINATI* (vol. LXXXII No. 1, of *Columbia University Studies in Political Science*), wrappers, *New York, 1918* £1/-/-
- 454 ——— : UEBER FREYMAURER, ERSTE WARNUNG, 64 + [iv] pages, wrappers, without plate or printer, 1784 £1/10/-  
Wolfstieg, Supplement, No. 10777, says 78 pages. The tract itself is complete (ending at page 64), followed by 4 unnumbered pages.  
——— : vide [Lombard de Langres (V.)], and MOUNIER (J. J.), post.
- 455 **INDIAN JOURNAL OF FREEMASONRY** (The) Vols. 1 and 2 (all published) from April 1865 to March 1867, in one volume, half cloth, *Bombay, 1865-67* £2/-/-
- 456 **INDIAN FREEMASON** (The) A MONTHLY JOURNAL published under the sanction of the DISTRICT GRAND LODGES of INDIA and BURMAH, Vols. 1 to 3; with numerous autotype portraits, 3 vols., roy. 8vo, half roan, *Calcutta, 1894-96* £4/10/-
- 457 ——— Vols. 1 and 2 only, half roan, *ibid.*, 1894-95 £3/-/-
- 458 **INMAN** (HERBERT F.) *EMULATION-WORKING EXPLAINED*, a Practical Handbook for the Guidance of Officers in Craft Lodges under the jurisdiction of the United Grand Lodge of England, TENTH EDITION, 1953 12/6
- 459 ——— *MASONIC PROBLEMS and QUERIES* (One Thousand and One items of Information), 1950 11/6
- 460 **INTRODUCTION TO FREEMASONRY** (AN): being a General Outline of that Ancient and Venerable Institution, pointing out the Dignity of its Design and the means for attaining it, by A. BROTHER, FIRST EDITION, Second Issue (the sheets of the former issue with title-page dated a year later) old half calf, *Sold by Longmans, Hurst, Rees, Orme, and Brown; and by W. Hodgetts, Birmingham, 1820* £3/10/-  
Wolfstieg, 1405, gives this issue only, and says 118 pages. Both issues have xviii + 118 pages.
- 461 **INWOOD** (REV. JETHRO, *Prov. Grand Chaplain for County of Kent*) *SERMONS* (1793-1799), in which are explained and enforced the RELIGIOUS, MORAL, and POLITICAL VIRTUES of FREEMASONRY, preached upon several Occasions, before the PROVINCIAL GRAND OFFICERS, and other BRETHREN, in the COUNTIES of KENT and ESSEX, portrait, boards, rebacked, entirely uncut, *Printed for the Author, . . . [1799]* £3/3/-  
Kloss, 1123; Wolfstieg, 21703 (ii)  
This work is dedicated to William Perfect, Esq., Provincial Grand Master for the County of Kent.  
It consists of eleven sermons each with a separate title-page, pagination continuous.  
The above copy was one of the earliest to leave the press being bound up without the title-page to the eleventh sermon, preached 27th June, 1799. Pages 281/2 were omitted from the numeration to allow for the later insertion of its title-page.

- 462 **IOWA GRAND LODGE.**—MORECOMBE (J. E.) and CLEVELAND (W. F.) HISTORY of GRAND LODGE of IOWA 1844 to July 1912, to which is added a BRIEF HISTORY of the MOTHER GRAND LODGE of ENGLAND and an INTRODUCTION of FREEMASONRY into NORTH AMERICA, together with Portraits and Sketches of the Grand Masters, 2 vols. in 3, Iowa, 1900-15 43/10/-
- 463 **IOWA MASONIC LIBRARY.**—MISCELLANY, Numbers 12 and 13; in one volume, boards, roan back, Iowa, 1924 16/-  
Contents: The Holy Saints John, by W. D. Nesbitt and C. C. Hunt; Again the Roll is called, and The Hour Glass and Scythe, by E. G. Williams.
- 464 **IRELAND.**—CRAWLEY (W. J. CHESTWODE) CEMENTARIA HIBERNICA: being the Public Constitutions that have served to hold together the Freemasons of Ireland: Fasciculus Primus, 1726-30; Fasciculus Secundus, 1735-44; Fasciculus Tertius, 1751-1807; with numerous facsimiles, 3 vols. in one, strongly bound in buckram, or half vellum, roy. 8vo, VERY SCARC, Dublin, 1895-96-1903 415/18/-  
Only 300 copies printed and sold only to Brethren of the craft.  
"Ireland stood void of any serious Masonic historical works until the advent of our distinguished Brother W. J. Chestwode Crawley, but his brilliant talents have amply removed the stigma. His three volumes of Irish Masonic Reprints are difficult to procure but cannot possibly be omitted from any list of books for Masonic students."—R. H. BAXTER, "Suggestions for a Course of Masonic Reading."
- 465 ———: LEEPER (JOHN HERON) and CROSSLE (PHILIP) HISTORY of the GRAND LODGE of FREE AND ACCEPTED MASONS of IRELAND, Vol. I. (all published), *profusely illustrated*, thick roy. 8vo, Dublin: Lodge of Research, 1925 43/8/-  
CONTENTS:—The Early Craft in Ireland; The Genesis of the Grand Lodge of Ireland; The Status of Freemasonry in Ireland, 1725-68; The Grand Lodge Officers, 1725-88; Notable Events in Irish Freemasonry, 1725-89; Evolution of Laws and Regulations, 1725-89; The Donoughmore Era—General Events, 1789-1801; The Seton Secession; The Donoughmore Period, 1801-13; The Grand Lodge Officers, 1789-1812; Appendices and Index.
- 466 ———: LODGE of RESEARCH, No. CC. TRANSACTIONS 1914 to 1923, being Vols. 1 to 3, edited by PHILIP CROSSLE, 3 vols., wrappers, Dublin, 1922-29 41/18/-  
———: Vide CONSTITUTIONS (G. L. Ireland), ante
- 467 **JACHIN and BOAZ:** or an AUTHENTIC KEY to the DOOR of FREE-MASONRY, calculated not only for the Instruction of every New-made Mason, but also for the Information of all who intend to become Brethren . . . By a GENTLEMAN belonging to the JERUSALEM LODGE . . . , EARLY EDITION, *illustrated with an accurate Plan of the Drawing on the Floor of a Lodge*, iv + 42 pages, modern half calf, London: Printed for W. Nicoll and Dublin: Reprinted for, and sold by Thomas Wilkinson . . . [ca. 1777] 414/0/-  
The first of the Dublin Editions. The text is based upon the First London Edition, which was the only one of the many English and Scottish editions not having the transposition of certain words applicable to the first two degrees.  
Wolfstieg, 29983 attributes the authorship to S. Gosnell but on what authority he does not say.
- 468 ———: NEW EDITION, greatly Enlarged and Improved . . . to which is now added, A NEW and ACCURATE LIST of all the ENGLISH REGULAR LODGES in the World . . . engraved frontispiece (as for the 1776 edition), modern boards, Printed for W. Nicoll . . . and B. Newbery, 1790 410/10/-
- 469 ———: TWENTY-THIRD EDITION, greatly enlarged and improved; to which is added A NEW and ACCURATE LIST of all the ENGLISH regular LODGES in the WORLD, according to their Seniority . . . engraved frontispiece (as for the 1797 edition), vi + 74 pages, calf, rebacked, Printed for Grosby and Co., . . . and J. Harris 1809 47/10/-  
The List of Lodges includes particulars of those erased for not conforming to the laws of the Society, or discontinued on being united to other Lodges, since the Alteration of numbers in 1792.
- 470 ———: ANOTHER EDITION, . . . to which is added a SELECT COLLECTION of SONGS, and a LIST of TOASTS and SENTIMENTS, proper for the SOCIETY of FREE-MASONS; with a COMPACT LIST of all the REGULAR LODGES in SCOTLAND, engraved frontispiece (as for the 1776 edition), 64 pages (last blank), modern boards, Printed for the Booksellers, 1809 48/10/-
- 471 ———: TWENTY-FOURTH EDITION, greatly enlarged and improved . . . the LIST of all the ENGLISH regular LODGES in the WORLD (brought down to 1809), engraved frontispiece (as for the 1797 edition), calf, rebacked, *ibid.*, 1811 48/10/-

- 472 **JACHIN and BOAZ**, ANOTHER EDITION, with a CORRECT LIST of all the REGULAR LODGES in SCOTLAND, engraved frontispiece (as for the 1776 edition), 64 pages (last blank), modern boards, *ibid.*, 1811 £5/-
- 473 ——— ANOTHER EDITION, with a CORRECT LIST of all the REGULAR LODGES in SCOTLAND, engraved frontispiece (as for the 1797 edition), neatly bound in old style sprinkled calf, *ibid.*, 1812 £5/10/-  
The last of the series issued prior to the Union of the "Antients" with the "Moderns."
- 474 ——— ANOTHER EDITION, with a CORRECT LIST of all the REGULAR LODGES in SCOTLAND, with the engraved frontispiece as for the 1797 edition (which varied considerably to that as first issued for the 1776 edition), 56 pages, modern boards, *ibid.*, 1814 £5/10/-  
With regard to the editions of 1809, 1811, 1812, 1814, and in fact, all the editions "Printed for the Booksellers" and intended for Scottish use, having the List of Scottish Lodges, there is an important change in the "steps" shown on the "Plan of the Drawing on the Floor at the Making of a Mason."  
None of the London editions, even those published in the same years as those intended for Scottish use have this variation.
- 475 ——— NEW EDITION, Improved, with a CORRECT LIST of the LODGES (ending with No. 744 "Temple of Harmony, Osterode, Hanover), engraved frontispiece, 56 pages, 8vo, contemp. half roan, *Maidstone* [ca. 1821] £4/15/-
- 476 ——— ANOTHER EDITION, with CORRECT LIST of LODGES as for the *Maidstone* Edition and engraved frontispiece with some variations, 56 pages, unbound, *Printed for T. Hughes*, 1822 £4/10/-  
——— *vide GORDON (W.)*, ante.
- 477 **JACQUES (D.)** The PIC-NIC, a Collection of RECITATIONS, and COMIC SONGS, TOASTS, SENTIMENTS, &c., engraved frontispiece (hand coloured), modern boards, *B. Reynolds, D. Jacques, and J. Stacey*, 1816 £2/5/-  
Part 1.—Recitations, contains 4 relating to Freemasonry. Part 2.—Songs, etc., contains Masonic Toasts and Sentiments.
- 478 **JAMES (F. HUBERT)** FREEMASONRY in MONMOUTHSHIRE from 1764 to 1923, with 17 illustrations (covers and edges ink-splashed), *Newport*, 1924 12/-
- 479 **JAMIAT RAI (R. B. WAN)** A BRIEF HISTORY of FREEMASONRY in QUETTA [PAKISTAN], with a Preface by the Hon. Sir HENRY MCMAHON, *Bombay*, 1906 18/-
- 480 **[JEBB (JOHN)]** AN ADDRESS to the FREEHOLDERS of MIDDLESEX, assembled at the Free Masons Tavern in Great Queen Street, upon Monday the 20th of December 1779 being the day appointed for a Meeting of the Freeholders, for the purpose of establishing meetings to maintain and support the Freedom of Election (lacks half-title), 20 pages, unbound, without place or Printer, [1799] £1/10/-
- 481 **JOHANNE a MATRE DEI (P. FR.)** ADUMBRATIO LIBERORUM MURATORUM, seu FRANCIS-MASSONS vi cujus eorum societas, Origo, Ritus, Mores, &c. deteguntur, [xvi] + 136 pages (last page blank), contemporary calf, *Matriti [Madrid], Antonii Marin*, 1751 £4/10/-
- 482 ——— ANOTHER COPY, some slight water-stains, contemporary vellum, *ibid.*, 1751 £3/15/-  
*Wolfstieg*, Supp. 693. A violent invective against the Freemasons.
- 483 **JOHNSON (THOMAS)** A BRIEF HISTORY of FREE MASONS, collected from the most approved Authors: Containing many of the most material occurrences, and an Account of Grand Masters, Buildings, &c., from the Creation of the World to the Present Time, to which is added the Design of a Monument to the Memory of a Great Artist, well-known to the Craft, and a CONCISE SYSTEM of CHRISTIAN MASONRY . . . Concluding with a MASONIC POEM on the FOUR PARTS of the DAY, &c., SECOND EDITION, embellished with twelve aquatints applicable to the several subjects, contemporary sheep, *Printed by J. Moore for the Author*, 1784 £15/15/-  
*Wolfstieg*, 3893 gives incorrect collation. It is Title + viii. + leaf announcing the G.L. permission to publish, with ERRATA on verso, plus xviii. + leaf of adverts. + 164 pages.  
The Author was Grand Tyler also Tyler to the Somerset House, Friendship, Britannic, and Royal Lodges, and Janitor to the Grand Royal Arch Chapter.
- 484 ——— ANOTHER COPY, wanting leaf of adverts. and one leaf of Songs (pages 161/2); having 5 of the 12 plates rather crudely coloured and some scribbles, old sheep, binding shabby, *ibid.*, 1784 £8/-

- 485 **JOHNSON (G. Y.) and BRAMWELL (F. H.)** A CATALOGUE of MASONIC POTTERY, The Freemasons' Hall, Duncombe Place, York; in the possession of the Province of Yorkshire North and East Ridings and the York Lodge, No. 236; with 13 illus., York, 1951 10/-
- 486 **JOHNSON (REV. JOSEPH)** The LURE of FREEMASONRY, with a Foreword by the Rev. Dr. JOSEPH FORT NEWTON, 1936 10/-
- 487 **JOHN BULL MAGAZINE and LITERARY RECORDER (THE)**, Volume 1 (July to Dec. 1824, all published), old half calf (worn), 1824 £2/2/-  
Pages 63 to 68 contain, under the heading "Freemasonry," a castigation (interspersed with verse) of those of the craft who (like the writer) spent too much time at the festive board.
- 488 **JONES (BERNARD E.)** FREEMASONS' GUIDE and COMPENDIUM, with a Foreword by J. HERON LEPPER, NEW and REVISED EDITION, illustrated with 31 half-tone plates and 37 illustrations in the text, 1956 £1/10/-  
Based as far as possible on modern research, this is one of the most useful masonic books published in recent years.
- 489 **JONES (STEPHEN)** MASONIC MISCELLANIES, in POETRY and PROSE, in 3 parts—viz., The MUSE of MASONRY: comprising One Hundred and Seventy Masonic Songs; The MASONIC ESSAYISTS; and the FREE-MASON'S VAND-MECUM; First Edition, engraved frontispiece, contemporary morocco gilt (small stain in top blank margins but a good copy), Printed for Verner and Hood, 1797 £3/3/-  
Wolfstieg, 939.  
The List of Lodges, pages 309-328, corrected to Oct. 1st, 1797; is arranged according to Countries and includes the Foreign Lodges.
- 490 ——— NEW EDITION [SECOND], enlarged and improved, engraved frontispiece, old calf, rebounded, Printed by W. Wilson for Verner, Hood, and Sharpe . . . 1811 £2/2/-  
Wolfstieg, 939 (iv.).  
The List of Lodges in this edition is in numerical order down to No. 621, "Torridzonian." Gold Coast (constituted 11th April, 1810, erased in 1862).  
Brother Jones was a Past Master of the Lodge of Antiquity, an intimate friend and the executor of William Preston, after whose death he filled the office of Prestonian Lecturer.
- 491 **JOUX de la CHAPELLE (PIERRE de, Orateur de la Loge de la Fraternité)** Ce Que C'est que la FRANCHE-MACONNERIE, wrappers, Genève, An X de la République [1802] £2/10/-  
Wolfstieg 2956; Kloss 3517.
- 492 **[JUBÉ (CHARLES)]** RECUEIL des ACTES du SUPRÊME CONSEIL de FRANCE, ou Collection des Décrets, Arrêtés et Décisions de cet illustre Corps de 1806 à 1830. Précédés des GRANDES CONSTITUTIONS de 1762 et de 1786, et du CONCORDAT passé le SUPRÊME CONSEIL et le GRAND ORIENT de FRANCE (wants binding) wrappers missing, Paris, 1832 £1/10/-  
Wolfstieg, Supp. 6521; Kloss, 4648.
- 493 **JUGE (LOUIS-THÉODORE)** Le GLOBE, ARCHIVES générales des SOCIÉTÉS SECRÈTES non politiques [et des INITIATIONS], publiées par UNE SOCIÉTÉ de FRANCS-MaçONS et de TEMPLIERS, sous la direction principale du Frère JUGE, with 28 portraits, 4 vols, roy. 8vo, calf (spines defective), Paris, 1839-42 £2/10/-  
Wolfstieg, 551.
- 494 **KAUFFMANN (WILHELM) et CHERPIN (JOHANN)** HISTOIRE PHILOSOPHIQUE de la FRANCO-MACONNERIE, ses Principes, ses Actes et ses Tendances, frontispiece and 3 plates, roy. 8vo., half morocco, m.c., (title and a few pages foxed), Lyon, 1850 £1/15/-  
Wolfstieg, 24132 (iii).
- 495 **KELLY (CHRISTOPHER)** SOLOMON'S TEMPLE SPIRITUALIZED; setting forth the Divine Mysteries of the Temple, with an Account of its Destruction, engraved title, rebound boards, cloth back, uncut, (title-page soiled and some waterstains), Dublin: printed by Brother William Folds, for the Author, under the sanction and patronage of the Grand Lodge of Ireland, 1803 £4/15/-  
It has been said that the Author plagiarized his work from Samuel Lee's "Orbis Miraculum; or the Temple of Solomon portrayed by Scripture Light," &c.  
Whatever may be Kelley's faults in this respect, all such works seem to be founded more or less on John Bunyan's "Solomon's Temple Spiritualized."

- 496 **KELLY** (Wm., 30<sup>th</sup>) **FIFTY YEARS' MASONIC REMINISCENCES** briefly told: An Address to the brethren of St. John's Lodge, No. 279 Leicester, with 2 autotype portraits, Printed for Presentation only, 1888 10/-
- 497 **KENNING** (GEORGE) **MASONIC CYCLOPEDIA and HANDBOOK of MASONIC ARCHAEOLOGY, HISTORY and BIOGRAPHY**, edited by the Rev. A. F. A. WOODFORD, 1878 £1/10/-
- 498 **KINGSTON MASONIC ANNUAL** (The) for 1871, edited by LL. W. LONGSTAFF [containing Articles by the Editor, W. J. HUGHAN, J. G. FINDL, C. JAMES TODD, and others], half calf (binding broken), Hull, 1871 18/-  
Includes Hughan's "History of Freemasonry in York," afterwards republished as No. 1 of his "Masonic Sketches and Reprints."
- 499 **KIPLING** (RUDYARD) **THE SEVEN SEAS**, First Edition, 1896 12/8  
The well-known poem "The Mother Lodge" appears on pages 196-199.
- 500 **KLOSS** (GEORG) **GESCHICHTE der FREIMAUREREI in ENGLAND, IRLAND und SCHOTTLAND aus ächten Urkunden dargest. (1685 bis 1784) nebst einer Abhandlung über die Ancient Masons**, half roan, Leipzig [1847] £3/10/-  
Wolfstieg, 5657.
- 501 ——— **DIE FREIMAUREREI in ihrer wahren BEDEUTUNG aus den alten und ächten Urkunden der STEINMETZEN, MASONEN und FREIMAURER nachgewiesen, frontispiece containing four armorial illustrations, boards, Leipzig [1846] £2/15/-  
Wolfstieg, 3946.**
- 502 **KNEISNER** (FRIEDRICH) **GESCHICHTE des PROVINZIAL-ORDENS-KAPITELS von NIEDER-SACHSEN "INVIOLABILIS" in HAMBURG von 1834 bis 1934, frontispiece and 19 illus., roy. 8vo., Hamburg 1934 15/-**

### KNIGHT TEMPLARS.

- 503 **ADDISON** (C. G.) **THE KNIGHTS TEMPLARS**, Third Edition, vignette title and 3 lithograph plates, 1854 £1/-
- 504 **BARD of AVON PRECEPTORY**, **PRIORY of MIDDLESEX BY-LAWS and REGULATIONS**, thin sm. 4to., 1873 10/-
- 505 **BOTHWELL-GOSSE** (A.) **THE KNIGHTS TEMPLARS** [Transaction No. 1 of the No. 21, Co-Masonry], ca. 1920 10/-
- 506 **ILLINOIS.—HISTORY of the GRAND COMMANDERY of KNIGHTS TEMPLAR of the STATE of ILLINOIS**, Volume 2 (in 3 parts), covering the period from October 25th, 1881, to June 1st, 1907, with a Digest of Events of the First Quarter of a Century, from October 27th, 1857, profusely illus., 3 vols. (bindings damp-stained), Published by order of the Grand Commandery [Bloomington, Illinois], 1908 £1/8/-
- 507 **KENDRICK** (REV. JOHN) **A SELECTION of PAPERS on SUBJECTS of ARCHAEOLOGY and HISTORY COMMUNICATED to the YORKSHIRE PHILOSOPHICAL SOCIETY**, 1864 £1/5/-  
The first chapter deals with "The Rise, Extinction and Suppression of the Order of Knights Templar in Yorkshire" (68 pages).
- 508 **RAYNOUARD** (FRANÇOIS JUSTE MARIE) **LES TEMPLIERS**, tragédie; représentée pour la première fois sur le Théâtre Français par les Comédiens ordinaires de l'Empereur, le 24 floréal an XIII (14 mai, 1805), Précédée d'un précis historique sur les Templiers, frontispiece, 1805; bound with [GROUVILLE (PHIL)] **MEMOIRES HISTORIQUES sur les TEMPLIERS, ou Eclaircissemens Nouveau sur leur Histoire, leur Procès, [etc.]**, frontispiece, 1805. The 2 items in one volume, contemporary half calf, Paris, 1805 £3/-  
Wolfstieg, 41947 and 5152; Kloss, 2257 and 2267.
- 509 **ROYAL GLOUCESTER PRECEPTORY.—[FREEMAN (P. T., Compiler)] A HISTORY of the ROYAL GLOUCESTER PRECEPTORY and PRIORY No. 32 of the United Religious and Military Orders of the Temple, and of St. John of Jerusalem, Palestine, Rhodes and Malta, 1845-1945, with 8 illus. on 6 plates, Southampton [1946] 15/-**
- 510 **ST. GEORGE PRECEPTORY.—MATIER** (C. FITZGERALD) **THE ORIGIN and PROGRESS of the PRECEPTORY of ST. GEORGE, 1795-1895**, with Roll of Members and Preceptors carried down to 1910 [Foreword by WILLIAM JAMES HUGHAN], with 6 illus., [1911] 12/8
- 511 **STATUTES for the GOVERNMENT of the ROYAL EXALTED RELIGIOUS and MILITARY ORDER of MASONIC KNIGHTS TEMPLAR in ENGLAND and WALES, as resolved and agreed on at the Grand Conclave, May 19th, 1853, frontispiece and 4 plates, 1853 15/-**

- 512 **STATUTES** . . . as resolved and agreed on at the Grand Conclave held on the 9th of December, 1864, with frontispiece and 4 plates, 1864 10/-
- 513 **TEMPLE PRECEPTORY, LONDON.**—The OFFICERS of The PRECEPTORY of THE TEMPLE at LONDON, with abstracts of The History of the Order, of its Preservation in Scotland, and of The Rules of the Preceptory, with The Roll of its Members. A.T. 732-A.D. 1850, roy. 8vo., vellum, gilt, [1851] 18/-
- KNIGHTS TEMPLARS**, vide DIBDIN (CHARLES), ante.

- 514 **KNOCKER** (GEORGE STODART) FREEMASONRY in JERSEY [1762-1929], frontispiece, chart, 21 plates and 19 text-figures, Lowestoft, 1930 £1/10/-
- 515 **KNOOP** (DOUGLAS) and **JONES** (G. P.) THE GENESIS OF FREEMASONRY: An Account of the Rise and Development of Freemasonry in its Operative, Accepted, and Early Speculative Phases, Manchester, 1947 £1/8/-
- 516 ——— A HANDLIST of MASONIC DOCUMENTS [arranged in Alphabetical Order and Summarizing their history, date, etc.; comprising CATECHISMS, CONSTITUTIONS, OLD CHARGES, POCKET COMPANIONS, etc., whether printed or MSS.], *ibid.*, 1942 6/-
- 517 ——— AN INTRODUCTION to FREEMASONRY [the Origin of Freemasonry and the Connection between operative and speculative Masonry], *ibid.*, 1937 7/6
- 518 ——— THE MEDIAEVAL MASON, An Economic History of English Stone Building in the Later Middle Ages and Early Modern Times, *Re-issue*, *ibid.*, 1949 £1/5/-
- 519 ——— THE SCOTTISH MASON, and the MASON WORD, [Two Studies], with a Sketch map, *ibid.*, 1939 8/6
- 520 **KNOOP** (DOUGLAS), **JONES** (G. P.), and **HAMER** (DOUGLAS) EARLY MASONIC PAMPHLETS [1638-1736], Manchester, 1945 £4/-/-
- Only 500 copies were printed. It is a companion volume to "Early Masonic Catechisms." Both works are out of print and now very scarce.

- 521 [KÖPPEN (KARL FRIEDRICH)] ESSAY on the MYSTERIES and the TRUE OBJECT of the BROTHERHOOD of FREE MASONS, translated from the Second French Edition of Amsterdam, 1774, by W. H. REECH, 1862 18/-

- 522 [——] LES PLUS SECRET MYSTERES des HAUTS GRADES de la MAÇONNERIE DÉVOILÉS, ou LE VRAI KOST-CROIX, traduit de L'Anglois; suivi DU NOUVEAU, traduit de l'Allemand [par-BERAGE], NOUVELLE EDITION augmentée, frontispiece and a folding plate, original boards, entirely uncut, Jerusalem [Berlin: Haude & Spencer], 1774 £8/6/-
- Wolfstieg, 29989 (v); Kloss, 1898.

The frontispiece having extra large margins is folded and placed with the other plate after the Table (page xvi).

This is the only edition to contain (pages 153 to 163) "Sublime Assemblée des Maçons Africains, which under the sub-heading Les Loix, on page 159 says "La Société qui se nomme Maçons Africains ou Gormergons,"—possibly one of the allusions to the "Gormogons."

[——] ANOTHER EDITION, [Berlin] 1788, refer to [LA TIERCE (Le FAIRE DE)], post.

- 523 **KUHNE** (F. GUSTAV) DIE FREIMAUERER, Eine Familiengeschichte aus dem vorigen Jahrhundert, [in 3 parts: GROSSVATER ERLEUCHT; XAVIER DUBOIS; and GRAF GIUSEPPE della TORRE], half roan, Frankfurt a. M. 1855 £1/10/-

Not in Wolfstieg.

Although a separate and complete work in itself it forms the fifth of a series entitled: Deutsche Bibliothek; Sammlung auserlesener Original-Romane, von Otto Muller.

- 524 **L.** (E. H.) GUIDE and HINTS for the SECRETARY of a MASONIC LODGE, 1952 8/6
- 525 **LAFFITE** (J. B. PIERRE) LES SYMARIOTES ou les FRANCES-MAÇONS de FLORENCE, Drama Lyrique en Trois Actes, 56 pages, unbound, Paris, 1831 £1/1/-
- Wolfstieg (Supp.) 10640.

- 526 [LAMBERT (GEORGE)] OUR TRIP to WEYMOUTH in the SUMMER of '66 [MASONIC VERSES, issued for Private Circulation to Brethren and printed at the Writer's own press], [1866] £1/-/-

The author was S.W. of Percy Lodge No. 198 at this time. An Account of his Masonic Services will be found in Cowell's "Some Account of the Percy Lodge of Freemasons."

- 527 LAMONBY (W. F.) UNITED GRAND LODGE OF VICTORIA [S.E. AUSTRALIA]: A Record of the Proceedings in Connection with its Inauguration, March 20th and 21st, 1889, Morocco, Printed for Private Circulation, 1894 15/-
- 528 LANE (JOHN) CENTENARY WARRANTS and JEWELS: comprising an Account of all the Lodges under the Grand Lodge of England to which Centenary Warrants have been granted; together with *Illustrations of all the Special Jewels*, with Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, coloured frontispiece and 11 plates, 1891 £1/5/-
- 529 ——— A HANDY BOOK to the STUDY of the ENGRAVED, PRINTED, and MANUSCRIPT LISTS of LODGES of Ancient Free and Accepted Masons of England ("MODERNS" and "ANCIENTS") from 1723 to 1814, with an Appendix and Valuable Statistical Tables, 1889 £1/15/-
- 530 ——— MASONIC RECORDS, 1717-1886, comprising a LIST of all the LODGES at HOME and ABROAD warranted by the FOUR GRAND LODGES and the UNITED GRAND LODGE of ENGLAND, with the dates of Constitution, Places of Meeting, Alteration in Numbers, etc. . . . Also Particulars of all Lodges having Special Privileges, Centenary Jewel Warrants, &c., with Introduction by WILLIAM J. HUGHAN, 4to., (lower corners of covers slightly waterstained), 1886 £3/10/-
- 531 ——— SECOND and BEST EDITION, brought down to 1894, 4to, 1895 £5/15/-
- 532 L[ANGLEY] (B[ATTY]) The CITY and COUNTRY BUILDER's and WORKMAN's TREASURY of DESIGNS: or the Art of Drawing and Working the Ornamental Parts of Architecture, illustrated by upwards of 400 grand designs, neatly engraved on 186 copperplates . . . with an Appendix of 14 plates . . . 4to, contemp. sheep, rebaked, Printed for John and Francis Rivington, 1770 £8/10/-
- 533 LANGLEY (BATTY and THOMAS) ANCIENT ARCHITECTURE, RESTORED and IMPROVED, by a great variety of Grand and Useful Designs, entirely new in the Gothick Mode for the Ornamenting of Buildings and Gardens . . . exquisitely engraved on 64 copperplates, 4to., original sheep, Printed by the Editors [1742] £9/15/-  
Dedicated to His Grace Charles, Duke of Richmond and to His Grace John, Duke of Montagu [Past Grand Masters of the Craft].
- 534 ——— The BUILDER'S JEWEL: or the YOUTH's INSTRUCTOR, and WORKMAN'S REMEMBRANCE, explaining Short and Easy Rules, . . . for Drawing and Working, (I) The FIVE ORDERS of COLUMNS . . . (II) BLOCKS and CANTALIVER CORNICES [etc.], TENTH EDITION, fine emblematic frontispiece of the three pillars: Wisdom, Strength, and Beauty, with appendages of the Working Tools, etc., and 99 Copperplates, sq. 12mo., neatly rebound in antique style calf, Printed for C. and R. Ware, 1763 £4/4/-
- 535 [LARUDAN (L'ABBÉ)] LES FRANCS-MAÇONS ÉCRASÉS suite du livre intitulé L'Ordre des FRANCS-MAÇONS TRAHIS, traduit du Latin [FOURTH EDITION], frontispiece engraved by S. FOKKE, and 5 folding plates, contemporary calf gilt, Amsterdam, 1762 £5/5/-  
Wolfstieg, 29969 (iii).
- 536 ——— [SIXTH EDITION], engraved frontispiece but with only 4 of the 5 plates (plate 5 at page 299 missing), old calf (joint cracked; spine a little defective), *ibid.*, 1778 £2/10/-  
Wolfstieg, 29969 (vi).
- 537 [LA TIERCE (Le Frere De)] HISTOIRE OBLIGATIONS et STATUTS de la tres venerable CONFRATERNITE des FRANCS-MAÇONS tirés de leur archives et conformes aux traditions les plus anciennes: approuvés de toutes les Grandes Loges . . . PREMIERE EDITION, engraved frontispiece, and 5 plates of music, contemporary calf gilt, g.c., Francfort sur le Main, 1742 £6/-/-  
Two leaves of "Discours Preliminaire" and 1 plate of music are misbound.
- 538 ——— ANOTHER COPY, orig. boards (rebaked), entirely uncut, *ibid.*, 1742 £8/-/-  
Wolfstieg, No. 20412.  
This was reprinted in 1745 under the title "Histoire des Francs-Maçons."  
There are some curious variations from Anderson whom the author professes to translate.
- 539 ——— ANOTHER COPY, FIRST EDITION, *ibid.*, 1742; bound with [PERAT (GABRIEL LOUIS C.)] L'ORDRE des FRANCS-MAÇONS TRAHIS, et Leur Secret Révélé, with 2 folding plans and a plate of cipher, A L'Orient [Paris], chez G. De L'Étoile, [ca. 1780]; [KOPPEN (KARL F.)] LES PLUS SECRETS MYSTERES des HAUTE GRADES de la MAÇONNERIE DÉVOILÉS ou Le VRAI ROSE-CROIX, traduit de L'Anglois; Suivi Du Noachite, traduit de L'Allemand [par M. BÉRAGE] with frontispiece and folding plate, Jerusalem [Berlin] 1788; The Three items in one volume, contemp. French mottled calf (binding defective at spine), 1742-88 £12/-/-  
Wolfstieg, Numbers 20412 (iv); 29963 (xv); 29989 (iii) respectively.

- 540 **LASCELLES** (VISCOUNT): RECORD of his INSTALLATION as RT. WOR. PROVINCIAL GRAND MASTER of WEST YORKSHIRE, at the Town Hall, Leeds, 8th Oct., 1926, edited by Charles E. Frobisher, *illus.*, morocco, 1926 18/-
- 541 **LATOMIA**. FREIMAURERISCHE VIERTELJAHR-SCHRIFT, Vols I to XII, with 6 portraits and 22 plates (of which 4 are in colour), bound in 6 vols, shabby half calf, spines damaged, Leipzig, 1842-48 £4/10/-  
Wolfsieg, 559.  
Withdrawn from the Guildhall Library London. Several pages and most of the plates having the library stamp.  
This is the scarce portion of this periodical. It was continued as 'Freimaurerisches Jahrbuch.'
- 542 **LAURENS** (J. L.) ESSAI HISTORIQUE et CRITIQUE sur la FRANCHE-MACONNERIE, ou Recherches sur son Origine, sur son Systeme et sur son But, PREMIERE EDITION, boards, Paris, 1805 £3/-  
Wolfsieg 3909; Kloss, 726.
- 543 [—] VOCABULAIRE des FRANCES-MAÇONS suivi des CONSTITUTIONS générales de l'ORDRE de la FRANCHE-MACONNERIE, d'une INVOCATION MACONNIQUE à DIEU, et de quelques pièces de Poésie inédites, par UN FRANC-MAÇON, DEUXIEME EDITION, revue et augmentée, wrappers, uncut, Paris, 1808 £2/10/-  
Wolfsieg 1294 (iii); Kloss, 1968. A later edition of this work, published in 1810 came out under the name of Bazot.—*vide* Kenning's Cyclopaedia.
- 544 **LAURIE** (WILLIAM A.) THE HISTORY of FREE MASONRY and the GRAND LODGE of SCOTLAND, with Chapters on the KNIGHTS TEMPLARS, KNIGHTS of ST. JOHN, MARK MASONRY, and R.A. DEGREE; to which is added an Appendix of valuable papers, emblematic title-page, 11 plates and numerous other illustrations (lacks portrait, some wormholes), half roan, Edinburgh, 1859 £1/10/-
- 545 **LAWRENCE** (Rev. JOHN T.) THE PERFECT ASHLAR and other MASONIC SYMBOLS, 1951 11/6
- 546 ——— THE KEYSTONE and other ESSAYS on FREEMASONRY, with a portrait [Memoir] of Sir EDWARD LEITCHWORTH, G.S., 1947 11/6
- 547 ——— HIGHWAYS and BY-WAYS of FREEMASONRY, a Series of Essays . . . New and REVISED EDITION, 1954 11/6
- 548 ——— SIDELIGHTS on FREEMASONRY (Craft and Royal Arch), New and REVISED EDITION, *illus.*, 1948 11/6
- 549 ——— MASONIC JURISPRUDENCE and 'SYMBOLISM, as interpreted by Grand Lodge Decisions, with an Introduction by CANON J. W. HORSLEY, 1912 8/6
- 550 **LAWRENCE** (SAMUEL) THE MORAL DESIGN of FREEMASONRY, Deduced from the OLD CHARGES of a FREEMASON, to which is added: THE VISION of ACHMED, A Masonic Allegorical Poem, Atlanta and New York, 1860 18/-
- 551 **LEADBEATER** (C. W.) THE HIDDEN LIFE in FREEMASONRY, with a Foreword by ANNIE BESANT, SECOND EDITION, with 11 plates (3 in colour) and 16 text-illustrations, T.P.H., Madras, 1928 £1/5/-
- 552 ——— FOURTH EDITION (a re-issue of the Second Edition), boards, cloth back, *ibid.*, 1955 £1/1/-
- 553 **LECTURES ON FREEMASONRY**, delivered at the LODGE of INSTRUCTION held under the Warrant of the VICTORIA LODGE, No. IV., DUBLIN, in the months of January, February, and March 1857, Comprising: TOWNSEND (J. F., Deputy G.M. of Ireland) THE DUTY of a MASTER in the GOVERNMENT of a MASONIC LODGE; LONGFIELD (ROBERT) THE ORIGIN of FREEMASONRY; MORRISON (Rev. G. S.) THE ETHICS of FREEMASONRY; each Lecture 24 pages, the three items in one volume, Dublin, 1857 £1/10/-
- 554 **LEE** (Rev. CHARLES) FREEMASONRY: Its Antiquity and Excellence, A SERMON-LECTURE Delivered before the Provincial Grand Lodge of Staffordshire, May 17th, 1878, at St. Mary's Church, Stafford, 18 pages, boards (original wrappers bound in), Wolverhampton, [1878] 10/-
- 555 **LEE** (HENRY) POETIC IMPRESSIONS, a Pocket Book, with Scraps and Memorandums, boards, uncut (one cover detached), 1817 £1/5/-  
Contains two poems of Masonic interest: "Faith, Hope, and Charity, a Masonic Ode" and "All's Right, a Masonic parody."

- 556 **LEEDS INSTALLED MASTERS' ASSOCIATION, TRANSACTIONS**, Vols 5 to 12, 1908/9 to 1915/16, 8 vols, wrappers, *Leeds*, 1910-17 £3/10/-
- 557 ——— **TRANSACTIONS**, Vols 9 to 12, 1912/13 to 1915/16, 4 vols, wrappers, *ibid.*, 1914-17 £1/10/-
- 558 **[LE FRANC (Abbé FRANÇOIS)] LE VOILE LÉVÉ pour les CURIEUX, ou LE SECRET de la REVOLUTION [FRANÇAIS] révélé à L'aide de la FRANCO-MAÇONNERIE, PREMIÈRE ÉDITION**, boards [*Paris: Valade*] 1791 £4/10/-  
 Top blank margin of half-title cut away.  
 Wolfstieg, 6362; Kloss, 3445.
- Thory ["*Acta Latomorum*" Vol 1 page 192] says that the Author was massacred at the "Prison des Carines," and that a generous Freemason, Brother Ledhui, who attempted to save him, also underwent the same fate.
- 559 **LEICESTER LODGE of RESEARCH, No. 2429.—TRANSACTIONS**, Vols 3 to 45, 1894/95 to 1936/37 (wanting vols 12, 1903/4; 15, 1906/7; and 16, 1907/8), with numerous illustrations, 40 vols, (first 22 vols wrappers; the last 18 vols bound in 6, half roan), *Leicester*, 1895-1938 £22/10/-  
 This is one of the most important of the Transactions issued by Lodges of Research. From its Commencement until 1930 it was edited by John T. Thorp, and thereafter by A. L. Macleod.
- The above set includes the Supplementary Papers afterwards issued as separate items: "Masonic Papers," 5 parts, 1900-15; "Early History of the Knights of Malta Lodge, Hinckley," 1899; "Irish Masonic Certificates," 1903; "Memorials of Lodge No. 91 (Antients) Leicester," 1898; "Freemasonry in Ashby-de-la-Zouch," 1909; and "Lodge No. 47, Macclesfield," 1930.
- 560 ——— **TRANSACTIONS**, Vols 20 to 34, 1911/12 to 1925/26 (wanting vol 26, 1917/18), 14 vols, wrappers, *ibid.*, 1912-27 £5/5/-
- 561 ——— **TRANSACTIONS**, vols 21 to 25, 1912/13 to 1916/17, 5 vols, (2 vols binders' cloth edges damp stained; other vols, wrappers), *ibid.*, 1914-18 £1/17/8
- 562 ——— **TRANSACTIONS**, vols 27 to 30, 1918/19 to 1921/2, 4 vols, wrappers, *ibid.*, 1920-23 £1/10/-
- 563 **LEICESTERSHIRE AND RUTLAND PROVINCIAL GRAND LODGE, BY-LAWS**; to which is added a HISTORY of FREEMASONRY in the PROVINCE and a ROLL of GRAND LODGE OFFICERS, &c., from 1775 to 1870, wrappers, *Leicester*, 1870 18/-
- 564 **LENNHOFF (EUGENE) DIE FREIMAURER**, mit 107 abbildungen, *Leipzig*, 1932 £1/10/-
- 565 ——— **THE FREEMASONS: The History, Nature, Development and Secret of the Royal Art**, translated from the German by BINAR FRAME, with 63 plates and 15 illus. in the text, good ex-libris copy, 1934 £2/10/-
- 566 **LENNING (C. [really C. Hesse]) ALLGEMEINES HANDBUCH der FREIMAUREREI**, Zweite völlig umgearbeitete Auflage von Lennings's Encyclopädie der Freimaurerei [Herausgegeben die FRIEDRICH MOSSDORF], 3 vols, roy. 8vo., half roan, *Leipzig*, 1863 £2/-
- 567 ——— **BEST EDITION**, 2 vols stout roy. 8vo., half roan (a little rubbed), *ibid.*, 1900 £3/10/-
- 568 **L'ESPÉRANCE LOGE—INSTALLATION de la LOGE de L'ESPÉRANCE, à L'Or. d'ARRAS, au RIT ÉCOTSAIS ANCIEN, accepté pour la France . . . (29 Juin, 1835)**, 22 pages, wrappers, *Arras*, 1835 £1/-/-  
 Kloss, 5341.
- 569 **[LESSING (GOTTHOLD EPHRAIM)] ENTRETIENS sur la FRANCO-MAÇONNERIE**, par un Philosophe bien digne d'en être, vignette en tête, 82 pages, modern boards, cloth back (amateur binding, orig. front wrappers bound in), *Rotterdam*, 1784 £1/10/-  
 Wolfstieg 1373.
- The above copy is printed on handmade paper with watermark J. Honig and has the appearance of being a later reprint.
- 570 ——— **MASONIC DIALOGUES**, translated from the German, with Introduction and Annotations by the REV. A. COHEN, 1927 7/6
- 571 **LE STRANGE (HAMON) HISTORY of FREEMASONRY in NORFOLK**, 1724 to 1895, portrait, *Norwich*, 1896 £1/5/-
- 572 **LESUEUR (ÉMILE) La FRANCO-MAÇONNERIE ARTÉSIENNE au XVIII<sup>e</sup> SIÈCLE: Thèse pour le Doctorat Es-Lettres, présentée à la Faculté des Lettres de l'Université de Besançon**, illus., roy. 8vo., boards, cloth back (original wrappers bound in), *Paris*, 1914 £2/2/-

- 573 LINNECAR (RICHARD, of Wakefield) MISCELLANEOUS WORKS, FIRST EDITION, half calf gilt, *uncut*, nice copy, *Leeds*, Printed by Thomas Wright, 1789 £2/18/-  
Inscribed in ink on top blank margin of title-page: "Eliza Linneear to Henry Jackson, Feb. 24th, 1817."
- 574 ——— ANOTHER COPY, old calf (binding a little worn), *ibid.*, 1789 £2/18/-  
Includes a Song 'On the Constituting of the Lodge No. 238, at Wakefield' (This is now the Lodge of Unanimity No. 154), pages 233-35; 'An Hymn on Masonry,' pages 239-40; and 'Strictures on Masonry,' pages 245-62.
- 575 [LIOY (Felix de)] HISTOIRE de la PERSÉCUTION intentée en 1775 aux FRANCS-MAÇONS de NAPLES, suivie de Pièces Justificatives, with 2 engraved plates, wrappers, *uncut*, *London*, 1780 £3/18/-  
Kloss, 3181. This work was re-issued under the title: "Mémoires des Francs-Maçons de Naples," 1790 and again, translated into English, 1793 and probably later.  
Apparently the French edition was unknown to Wolfstieg.
- 576 LITTLE MASONIC LIBRARY, published by the MASONIC SERVICE ASSOCIATION of the UNITED STATES, being a republication of STANDARD WORKS by BRITISH and AMERICAN WRITERS, 20 vols, *Washington, D.C.*, 1924 £3/18/-  
Includes Anderson's Constitutions of 1723; Landmarks of Freemasonry, by S. H. Shephard, 2 vols; Masonic Jurisprudence, by R. Pound; Comacines, by W. Ravenscroft; Modern Masonry, by J. Fort Newton; The Morgan Affair, by J. C. Palmer; Mormonism and Masonry, by Goodwin; History of the York & Scottish Rites, by H. R. Evans, etc.
- 577 LIVRE-D'OR.—EXTRAIT du LIVRE-D'OR du S. Chap. Métropolitain, sous le Rit le plus ancien connu et pratiqué en France, 14 pages, unbound, *Paris*, 1807 £1/5/-  
The Livre-D'or was the Minute Book of one of the high grades in France
- 578 [LOFTUS (G. W. F.)] REMINISCENCES of TWENTY SIX YEARS of FREEMASONRY [1864-1890]: By a Past Provincial Grand Officer of Norfolk, 1890 12/6
- 579 [LOMBARD DE LANGRES (VINCENT)] LA VÉRITÉ sur les SOCIÉTÉS SECRÈTES en ALLEMAGNE, à l'occasion de l'ouvrage ayant pour titre: Des Sociétés Secrètes en Allemagne et en d'autres Contrées . . . etc., par UN ANCIEN ILLUMINE, wrappers, *Paris*, 1819 £2/-/-  
Wolfstieg, 3808 (ii); Kloss, 3539; Caillot, 6771.  
A sequel to the author's "Des Sociétés Secrètes en Allemagne" 1819.
- 580 LONDON RANK ASSOCIATION.—LONDON RANK in FREEMASONRY, A RECORD of the APPOINTMENTS made by the M. W. the GRAND MASTER of ENGLAND [in 1906 and 1909], with SKETCHES of the MASONIC CAREERS of RECIPIENTS, *illus.*, 1910; YEAR BOOK, 1921; BLUE BOOK, 1921-1925; the 3 items in one volume, boards, roan back, 1910-25 £1/1/-
- 581 LOTHIAN and BERWICKSHIRE MASTERS' and PAST MASTERS' ASSOCIATION, PROCEEDINGS, for 1913/14 to 1941/42 being numbers 1 to 87 (except 15 and 86, 1916/17 and 1940/41), 85 parts, wrappers, *Edinburgh* 1914-42 £4/-/-  
Each part consists of approximately 8 pages with one or more articles on various aspects of Freemasonry.
- 582 L'UNION PARFAITE.—OUVERTURE des TRAV. pour L'Install. de la R. L. L'UNION PARFAITE, Régulièrement Constituée à L'OR. de CHOLLET, le 22e J. du 3e M. de L'An de la V. L. 5829, et Installée le 6e J. du 5e M.: 5829, par les PP. MANQIN, DESSAY, et DUMONT, représentant la L. MARS et les ARTS, OR. de NANTUA, 24 pages, wrappers, *Nantes* [1829] £1/8/-  
Apparently not in Wolfstieg or Kloss.
- 583 L'UNIVERS MAÇONNIQUE, REVUE GÉNÉRALE des PROGRÈS et ACQUISITIONS de L'ESPRIT HUMAIN, dans toutes les Branches des CONNAISSANCES MAÇONNIQUES, HISTOIRE — LITTÉRATURE — POÉSIE — BIOGRAPHIE et BIBLIOGRAPHIE, . . . avec L'Autorisation Spéciale du GRAND-ORIENT de FRANCE, par UNE SOCIÉTÉ de FRANCS-MAÇONS, . . . dirigée par CÉSAR MOREAU de Marseille [Numbers 1 to 4, 1835-6, all published], rebound cloth, *Paris*, 1837 £1/18/-  
Wolfstieg, 546.
- 584 MACBEAN (EDWARD) ON SYMBOLISM, 30 pp., wrappers, *Printed for Private Circulation*, [1888] 10/-
- 585 [McDONOUGH (Capt. FELIX)] TRAITS and STORIES of SCOTTISH LIFE, 3 vols., original boards, cloth backs (binding a little worn), 1836 £1/-/-  
Vol 1, pages 155-161, consist of a sketch entitled "A Masonic Lodge."

- 586 **MACDONALD** (GEORGE) ORATION delivered at the FUNERAL LODGE of MASTER MASONS, held by the brethren of ST. DAVID'S LODGE, EDINBURGH, in Freemasons Hall, on Tuesday, 31st Oct. 1837, in honour of the memory of Sir P. WALKER, of Coates [late J.W. of the Grand Lodge of Scotland], 30 pages, wrappers, *Edinburgh*, 1837 15/-
- 587 [—] A View of the ORIGIN, OBJECTS and UTILITY of FREEMASONRY, by the W. SUBSTITUTION MASTER of ST. DAVID'S LODGE, EDINBURGH, 24 pages, stitched, *ibid.*, 1830 10/-
- 588 — ANOTHER COPY, cloth, *ibid.*, 1830 11/5/-  
Wolfstieg, 409B.
- 589 **MACKENZIE** (KENNETH R. H.) THE ROYAL MASONIC CYCLOPAEDIA of History, Rites, Symbolism and Biography, containing upwards of Three Thousand Subjects; together with Numerous Original Archaeological Articles on Topics never before treated in any similar Work, publisher's half roan (binding worn), 1877 14/15/-  
An important work of reference, containing special features not common to any other cyclopaedia. It has become very scarce.
- 590 **MAÇONNERIE SYMBOLIQUE**.—RITS FRANÇAIS et ÉCOSAIS: Apprenti, Compagnon, et Maître, 3 parts, each 8 pages, wrappers, [*Paris*, ca. 1870] 11/5/-
- 591 — : MAÇONNERIE SYMBOLIQUE, suivant le régime du GRAND ORIENT de FRANCE, [Comprend trois Grades: Apprenti, Compagnon, et Maître], with plate of Masonic Alphabet, and another of Numbers, 32 pages, wrappers [*Paris*], 1809 11/1/-
- 592 **MAHHABONE**: or, THE GRAND LODGE DOOR OPEN'D. Wherein is Discovered the Whole Secrets of Free-Masonry, both Ancient and Modern, containing An Exact Account of all the Ceremonies and Mysteries belonging to Masonry, from an Entered Apprentice to a Pass'd Master, . . . as authorized and delivered in all good Lodges . . . To which is Annex'd A Collection of Masons' Songs, Toasts, Sentiments [etc.] . . . by Jxxx Gxxxxx, FIRST DUBLIN EDITION, engraved frontispiece, 66 pages, modern boards, *Dublin: Printed, and to be had at Thomas Wilkinson's* [1778] 18/18/-
- 593 **MALDEN** (REV. C. H.) A HISTORY of FREEMASONRY (under the English Constitution) on the COAST of COKOMANDEL; together with Histories of the OLD MADRAS LODGES which were founded before the Union; together with Appendices and a map; with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, *Madras*, 1895 11/8/-
- 594 — ANOTHER COPY, (binding badly waterstained), *ibid.*, 1895 10/-  
"A reliable, complete, and ably digested account of the Craft in Madras from 1752 to date."—HUGHAN.
- 595 **MALDEN** (HENRY, Chapel-Clerk) AN ACCOUNT of KING'S COLLEGE-CHAPEL, in CAMBRIDGE; . . . Including a Character of Henry VI. and a Short History of the Foundation of his two Colleges, King's and Eton, and containing . . . [under heading No. IV. of the Contents] An Accurate Description of whatever is worthy of Notice within the Chapel—WONDERFUL STRUCTURE of the STONE ROOF: which occasions a MENTION of the ORIGINAL SECRET of FREE-MASONS, and some few particulars concerning that Society . . . embellished with a plate of the Chapel, and a print of the Author, executed by a Gentleman of the University, half calf, *Cambridge, Printed for the Author, by Fletcher and Hudson* . . . 1769 13/15/-  
According to Upcott the Topographer, the real author was Dr. James, one of the Fellows and Master of Rugby College. Not given in the United Grand Lodge Library Catalogue.
- 596 **MANCHESTER ASSOCIATION for MASONIC RESEARCH**, TRANSACTIONS for 1909/10 to 1953, being Vols 1 to 43 with numerous illustrations, 43 vols in 41; vols 1 to 3 in one volume half roan, the remainder in orig. wrappers, *Manchester*, 1910-1954 121/-/-  
The early volumes of these important transactions are now scarce.  
Each volume contains at least four interesting papers, the contributors including such well-known writers as C. P. Noar, R. H. Baxter, John T. Thorp, Rev. W. W. Covey Crump, James O. Manton, R. E. Wallace-James, Charles Gough, Eustace B. Beesley, F. L. Pick, Norman Knight, and Arthur Sharp.
- 597 — Vols 6 to 40, 1915/16 to 1950 (wanting vols 18, 1927/8; 21, 1931; and 39, 1949), 32 vols, wrappers (spine of 1 vol damaged), *ibid.*, 1916-51 112/-/-
- 598 — Vols 1 and 2, 1909/10 and 1910/11, wrappers, *ibid.*, 1911-12 12/-/-
- 599 — Vols 8 to 16, 1917/18 to 1925/6 (wanting vol 10, 1919/20), 8 vols, wrappers, *ibid.*, 1919-29 13/8/-
- 600 — Vols 11 to 15, 1920/21 to 1924/25, 5 vols, wrappers, *ibid.*, 1921-26 12/-/-
- 601 — Vols 14 and 15, 1923/24 to 1924/25, 2 vols; Vol. 20, 1929/30; Vols 23 to 25, 1933 to 1935, 3 vols; Vols 27 to 29, 1937 to 1939, 3 vols; Vol 31, 1941; Vol 34, 1944; Vols 36 and 37, 1946-47, 2 vols. All in wrappers, EACH UNIT AT PER VOLUME 8/-

- 602 **MANCHESTER ASSOCIATION for MASONIC RESEARCH**: PICK (FRED. L.) **MORE MASONRY INTO MEN**: The Story of the Manchester Lodge and Association for Masonic Research, with suggestions for a Course of Masonic Reading and an index to the first forty volumes of the Transactions (1909-1950); with a foreword by Sir Edward Rhodes, wrappers, *Oldham*, 1951 7/6
- 603 **{MANT (WALTER, Bp.)} FREEMASON'S POCKET COMPANION**; containing a Brief Sketch of the History of Masonry, a Chronology of Interesting Events, etc., by a BROTHER of the **APOLLO LODGE**, 711, Oxford, 12mo., 1831 £2/2/-  
Wolfstieg, 828.
- 604 **MANTON (JAMES D.) EARLY FREEMASONRY in DERBYSHIRE** with especial reference to the **TYRIAN LODGE**, No. 253, *with facsimiles of documents*, wrappers, 1913 10/-  
Manchester Association for Masonic Research: Monograph No. 1.
- 605 **MARGOLIOUTH (REV. MOSES) GENUINE FREEMASONRY** Indissolubly connected with **REVELATION**: A Lecture delivered in the Worthy and Worshipful Lodge of Virtue, 177, [now No. 152], Manchester, 46 pages, wrappers, 1852 18/-

### MARK MASONS.

- 606 **CHELMER LODGE**, No. 342, **CHILMSFORD, Essex.**—**CRATE (REV. F. E.) The CHELMER LODGE of MARK MASTER MASONS, 1884-1933**, *with 2 portraits*, stiff wrappers, *Colchester*, [1934] 10/-
- 607 **CONSTITUTIONS of the Grand Lodge of Mark Masters of England and Wales, and the Colonies and Dependencies of the British Crown**: being the Regulations for the Government of the Order of Mark Masters, &c., 1870 18/-
- 608 ——— Ditto for 1871 16/-
- 609 ——— Ditto for 1872 18/-
- 610 ——— Ditto for 1877 18/-  
Bound at end is the Reprint of the Roberts' Constitutions of 1722 published in 1870.
- 611 ——— Ditto for 1882 [interleaved copy] 10/-
- 612 ——— Another Copy (with Reprint of the Roberts' Constitutions of 1722, dated 1882) 18/-  
All of the above editions were issued by Frederick Binckes, Grand Secretary. Each contains a preliminary essay on the "Origin of the Grand Lodge of M.M.M. of England," omitted in later editions.  
The editions of 1870-1877 and 1890 are not shown in the United Grand Library catalogue as being in the Library.
- 613 ——— Ditto for 1890. 10/-  
A reprint of the edition of 1886, that date being retained on cover.
- 614 ——— Ditto for 1895. 6/-  
This and the previous edition were issued by Charles Fitzgerald Maier, Grand Secretary.
- 615 **GRANTHAM (J. A.) AN INTRODUCTION TO MARK MASONRY**, a Survey of Masonic Evolution in the British Isles, **FIRST EDITION**, *frontispiece and 10 plates*, *Duxton (Devonshire)* 1934 £1/8/-
- 616 ——— **SECOND (ENLARGED) EDITION**, with a Foreword by G. E. W. BRIDGE, *frontispiece and 15 plates*, *ibid.*, 1935 £1/8/-
- 617 **SPRINGETT (B. H.) The MARK DEGREE, its Early History, its Variations in Ritual, its Symbolism and Teaching**, 1931 8/-
- 618 **{MARRYAT (THOMAS)} The PHILOSOPHY of MASONS** in several Epistles from Egypt, to a Nobleman, **FIRST EDITION**, nearly rebound in old style sprinkled calf, *Printed for J. Ridgway*, 1790 £12/-  
Wolfstieg 24123; Kloss 520.

Dedicated to the French National Assembly. The biographer of Marryat in the Dictionary of National Biography says of this book: "A work so heterodox in opinion and licentious in language as to offend his best friends."

- 619 **MARTIN (GEORGE M., Compiler) BRITISH MASONIC MISCELLANY** [a Series of 132 Short Essays on the OLD CHARGES, ORIGIN and ANTIQUITY of FREEMASONRY, SYMBOLISM, RITUAL, LEGENDS, etc., of CRAFT MASONRY, by R. H. BAXTER, J. T. THORP, H. C. de LAFONTAINE, REV. W. W. COVEY-CRUMP, W. B. HEXTALL, REV. JOSEPH FORT NEWTON, A. E. WAITE, and other well-known writers], 20 vols, *Dundee*, [ca. 1935] £5/10/-
- 620 ——— **ANOTHER SET**, 20 vols, blue leatherette, *ibid.* [ca. 1935] £6/15/-

- 621 **MARTIN** (GEORGE M.) and **CALLAGHAN** (JOHN W.) **THE TREASURY OF MASONIC THOUGHT** [a Series of 58 Essays on various aspects of Freemasonry, by the foremost writers], out of print, Dundee, 1924 £1/5/-
- 622 **MASON** (FRANCIS) **CUI BONO? MASONRY: What's the Use of it? or, The Last Secret of Freemasonry Revealed**, being FIVE LECTURES on the Utility of FREEMASONRY, edited by E. G. MAN, [ca. 1875] 15/-
- 623 **MASON'S MISCELLANIES** (The) or **FIRST and LAST STONE of the JERUSALEM CHURCH**, Vol 1 [all published and complete in itself] Consisting of about three hundred Questions and Answers on the first degree of Masonry, for the Society of Free Masons, by the Author of "The Free Mason's Guide," etc., *frontispiece*, 24mo., Edinburgh, Printed for J. E. Fisher . . . 1830 £2/10/-
- Not in Wolfstieg and not given in the United Grand Lodge Library Catalogue.
- 624 **MASONIC ENQUIRE WITHIN**, a GLOSSARY or EXPLANATION of 1001 QUESTIONS relating to ENGLISH FREEMASONRY, Alphabetically Arranged, 1925 10/-
- 625 **MASONIC MAGAZINE** (The) A MONTHLY DIGEST of FREEMASONRY in all its branches (Supplemental to "The Freemason") Vols 1 to 9, July 1873 to June 1882; New Series: The MASONIC MONTHLY, July to December, 1882 [all published]; in all 10 vols (9 vols roy. 8vo., half morocco and half calf, bindings worn; 1 vol 8vo. half roan), *Kenning's*, 1874-1882 £12/10/-
- 626 ——— ANOTHER SET, FIRST SERIES Complete, 9 vols, half roan (spines of 3 vols missing; bindings worn), *ibid.*, 1874-82 £7/10/-
- 627 **MASONIC OBITUARIES**.—PROVINCE of WEST YORKSHIRE: IN MEMORIAM [A Record of the more prominent Services rendered by departed brethren of eminence, each of the 117 Obituary Memoirs accompanied by a portrait] from its Commencement in October, 1901 to April 1911, 18 numbers, together with an Index covering the years 1901-1909, in one volume, roan, 1901-11 £1/-
- 628 **MASONIC PORTRAITS: A SERIES of [62] SKETCHES of DISTINGUISHED BRETHREN**, FIRST SERIES, edited by J. G.; SECOND SERIES, by G. B. ABBOTT; 2 vols, 1876-79 15/-
- 629 **MASONIC RECORD** (The) An ILLUSTRATED MONTHLY, from the Commencement in December, 1920, to July, 1941, being Vols 1 to 22, 4to., vols 1-7 in cloth, the rest in parts, wrappers, 1920-41 £8/-
- Wants Title-pages and Index of Contents to Vols 9 and 19 to 22.
- 630 ——— Vols 1 to 8, December 1920 to November 1928, strongly bound in 4 vols, buckram, 1920-28 £4/10/-
- 631 ——— Vols 1 to 6, December, 1920, to November, 1927, 6 vols, cloth, 1920-27 £3/-
- 632 **MASONIC STAR** (The) A WEEKLY JOURNAL and RECORD of FREEMASONRY at HOME and ABROAD [Edited by JAMES STEVENS] From August 23rd 1888 to August 15th, 1889, being Vols 1 and 2 (Title-page and Index to Vol 2 missing), 2 vols, folio, binders' cloth, 1888-89 £1/10/-
- This periodical ceased with the first number (August 29th 1889) of an intended Vol. 3.
- 633 **MASSACHUSETTS GRAND LODGE**.—REPORT of the COMMITTEE on the RELATIONS of FREEMASONRY to SECTARIANISM, 18 pages, wrappers, Boston [1871] 10/-
- 634 **MASTERS' & PAST MASTERS' LODGE NO. 130, CHRISTCHURCH, NEW ZEALAND**, TRANSACTIONS, Vols 1 and 2, from January 1909 to September, 1916, 2 vols, Christchurch, 1912-16 £1/15/-
- Contains about 58 short but interesting papers on various aspects of Freemasonry, many by S. Clifton Bingham, W. Cumming, J. A. Frosie, and T. W. Rowe.
- 635 **MEAD** (Col. JOHN) A FEW FACTS concerning FREEMASONRY in ST. HELENA, from A.D. 1798, with facsimiles, boards, cloth back, Printed for Private Circulation, 1889 £1/5/-

## MEDALS.

- 636 "CROWE" & "HODGKIN" COLLECTIONS of MASONIC JEWELS as exhibited [at the Q.C. Lodge Conversazione held at the Holborn Restaurant] November 1896; together with Typescript LIST of the "CROWE" MASONIC MEDALS, not then shown and other "HODGKIN" acquired in 1928-31 etc., with a specially printed title-page, the Q.C. List mounted to size, 4to, cloth, parchment back [1933] £1/10/-
- 637 **HAMBURGISCHE ZIRKEL-CORRESPONDENZ**. ABBILDUNGEN FREIMAURERISCHE DENKMÜNZEN und MEDAILLEN mit Beschreibung und erläuterndem Text historischen und biographischen Inhalts. BAND I. DEUTSCHLAND, with 22 plates, 1898; BAND II. SCHWEDEN, NEDERLAND, BELGIEN, DEUTSCHLAND, PETERSBURG und KOPENHAGEN, with 18 plates, 1899; 2 vols, 4to., Hamburg, 1898-9 £4/-

- 638 **MARVIN** (WILLIAM T. R.) **THE MEDALS of the MASONIC FRATERNITY DESCRIBED and ILLUSTRATED, frontispiece of the Arms of the Freemasons in colour and 17 other plates**, 4to, half roan (binding repaired), Boston, 1880 £14/-/-  
Wolfsstieg, 19891.
- Only 150 copies printed for private circulation, now very scarce.
- 639 **POOLE** (REV. H., Editor) **A CATALOGUE of MASONIC MEDALS in the MUSEUM of the PROVINCIAL GRAND LODGE of WORCESTER** (including the Collection made by the late Wor. Bro. G. L. SHACKLES), containing 1252 entries, *illus.* with 48 plates, 4to, Worcester, 1939 £1/15/-
- 640 **SHACKLES** (GEORGE L.) **The MEDALS (Commemorative or Historical) of BRITISH FREEMASONRY: a Photographic Reproduction of Medals struck by British Lodges and Freemasons, 12 plates, containing 175 illustrations; together with an Accurate Description of each Specimen and a Full Account of the Person or Event thereby Commemorated, with an Introduction by W. J. CHETWODE CRAWLEY**, 4to, 1901 £1/8/-
- 641 ——— **ANOTHER COPY**, shabby half roan (needs rebacking), 1901 18/-  
Published conjointly by the Literary Committee of the Grand Lodge of Hamburg and the Quatuor Coronati Lodge of London.
- 642 **[ZACHARIAS (ERNST)] NUMOTHECA NUMISMATICA LATOMORUM**, Complete in the eight parts, engraved titles to each part, with 6 plates to each, in all 48 plates, 4to., roan, Dresden [1840-46] £10/10/-
- 643 ——— **ANOTHER COPY**, Parts 1 to 7 only, with 42 plates, half roan, binding defective, *ibid.*, 1840-44 £6/10/-  
Wolfsstieg, 19882. Very seldom found complete. Marvin, in the Preface to his "Medals of the Masonic Fraternity" referring to this work by Zacharias says: "The book was rare, and I could learn of no complete copy."
- 644 **MELVILLE** (HENRY) **IGNORANT LEARNED; or Researches after "The Long Lost" Mysteries of Free-Masonry, also The Eleusinian Mysteries as they relate to Royal Arch-Masonry**, 1863 18/-
- 645 **MERSEYSIDE ASSOCIATION (or MASONIC RESEARCH, TRANSACTIONS, Vols 1 to 5, 1922; 3 to 1927, illustrated, 5 vols, wrappers, Liverpool 1924-28** £2/15/-
- 646 ——— **TRANSACTIONS, Vols 8 and 9, 1930-31; Vols 12 and 13, 1914-15; Vol 24, 1916, orig. wrappers, each per volume** 10/-
- 647 **MILLER** (JAMES) **HISTORY, NATURE and OBJECTS of MASONRY**, wrappers, 1853 10/-
- 648 **MILNER** (REV. J.) **FREEMASONRY OLDER than the ANCIENT MYSTERIES: Its Symbols not borrowed from the Gnostics or the Indian Mystæ, An Address delivered . . . 1880, Published by special request [ca. 1880]** 12/6
- 649 ——— **PROOF COPY**, without the Dedicatory leaf, printed wrappers [ca. 1880] 10/-
- 650 **[MINTY (GEORGE)] A DISCOURSE upon MASONRY, as spoken by the Author when Master of a Lodge in England, in the Year 1772 [sic] . . . to which is added [RILEY (WILLIAM)] FRATERNAL MELODY, adapted for the Members of the Royal Arch and Knights Templars, consisting of Original Odes, Cantatas, and Songs, for the Use of the Members of the Most Ancient and Honourable Fraternity of Free and Accepted Masons, 64 pages, modern boards, Dublin: Printed for the Author, and sold by T. Wilkinson [ca. 1772]** £15/-/-  
Wolfsstieg, 3884 (u).

The actual Discourse by Minty was delivered in 1742, the date given on the title-page of the Original edition of Dublin 1757. Riley's Fraternal Melody first appeared with this [Second Edition] and was separately published with additions, London, 1773.

- 651 **[MIRABEAU (HONORÉ GABRIEL RICQUETTI, Comte de)] HISTOIRE SECRÈTE de la Loge de BERLIN, ou CORRESPONDANCE d'un Voyageur FRANÇOIS, depuis le mois de juillet 1786 jusqu'au Janvier 1787, Ouvrage Posthume, 3 vols, in 2, contemp. calf [Ateng. Malassis le jeune] 1789** £4/10/-  
Caillet, 7588 quotes an edition in 2 vols without place, of the same date. There exists another edition of 1789 in which the third volume has a separate title: Essai sur la secte des Illuminés, but this was really by Jean Pierre Louis de la Roche du Maine, Marquis de Luchet.

Of the 'Histoire Secrète' Caillet says: "Contient des revelations fort curieuses sur la Franc-Maçonnerie au XVIII<sup>e</sup> siècle et particulièrement en Prusse."

- 652 **MILNOR** (JAMES, *Grand Master*) **OKAYION ON MASONRY**, Delivered at St. John's Church, in the City of Philadelphia, at the Request of the Right Worshipful Grand Lodge of Pennsylvania, on St. John's Day, June 24, 1811, to which is prefixed An Account of the Procession, and of the Ceremonies attending the Consecration and Dedication of the New Masonic Hall, 41 pp., half morocco, gilt back, *Philadelphia*, [1811] £4/10/-
- 653 **MISCELLANEA LATOMORUM**, or **MASONIC NOTIS and QUERIES**, A Serial intended to facilitate Intercommunication between Masonic Students on matters of interest in connection with Freemasonry, New SERIES, edited by F. W. LEVANDER continued by LIONEL VIBERT, and afterwards by Col. F. M. RICKARD, Vols. 1-31, August 1913 to June 1947; (first 17 vols. half calf, a little rubbed, the rest in parts, all but three of the volumes with cloth binding cases), 31 vols., 1914-47 £35/-/-  
Complete sets seldom occur for sale. With the publication of vol. 31 (issued without Title-page and Contents leaves) the series was discontinued. The eleven volumes which have the parts loosely inserted in their binding cases need the volume numbers added to the lettering on spines when bound.
- 654 ——— Vols. 2 to 25, August 1914 to June 1940 (Vols. 2, and 4 to 17 with cloth cases, other vols. in parts), 24 vols., 1914-40 £16/10/-  
Vols. 24 and 25 have the outer wrappers removed from the parts ready for sewing and binding.
- MIZRAIM** (RITE of) vide **VERNHES** (J. F.), post.
- 655 **MODI** (JIVANJI JAMSHEDJI) **MASONIC PAPERS** [comprising: The Legendary and the Authentic History of Freemasonry; Zoroaster and Euclid; King Solomon's Temple and the Ancient Persians; Charity], with portrait of M. Cursetjee, *Bombay*, 1913 £1/5/-
- 656 **MOGAS** (PIETRO) I LIBERI MURATORI SCHIACCIATI. Origine, Dottrina ed avanzamento della setta filosofica ora dominante, Opera composta da uom praticissimo delle Loggie, ora tradotta dall' edizione di Amsterdam dal Sig. Abbate Don PIETRO MOGAS sacerdote spagnuolo confermata con note relative alle presenti rivoluzioni e novita di Europa dal Pietro SAVERIO CASSEDA. Coll' aggiunta di un' Appendice in sostegno della Cattolica Religione, with engraved plate, 4to, wrappers, *Assisi, per Ottavio Scarigli*, 1793 £5/10/-
- 657 **MONDE** (Le) **HEBREUX et FRANÇOIS ou Parallele des Bons et des Méchantes a la Gl... du G... Arch... de L'U... Dédie aux Enfants de la V... L'U... Ap... Comp... & M... Par le F... de..... Membre de la R... L... des NEUF SOEURS à L'O... de PARIS**, 16 pages, wrappers, Imprimé en la Chambre des Réfect... Se trouve aux Colonnes J. & B. . . 5789 (*Paris*, 1789) £2/-/-  
Not traced in Wolfstieg or Kloss.
- 658 **MONSELET** (CHARLES) **La FRANC-MAÇONNERIE des FEMMES**, illus. with woodcuts, impl. 8vo, wrappers (slightly frayed), *Paris* [1867] £1/-/-  
Wolfstieg, 41750.
- 659 **MOODY** (J. J.) **THE ORIGIN of FREEMASONRY**; a Lecture, delivered in the Lodge of Virtue, 177, [now No. 152] Manchester, 56 pages, unbound, 1852 12/6
- 660 **MOORE** (CHARLES W.) **THE NEW MASONIC TRESTLE-BOARD**, adapted to the Work and Lectures as practised in the Lodges, Chapters, Councils, and Encampments of Knights Templars in the United States, STEREOTYPE EDITION, BOTH PARTS, with 9 plates, 2 vols. in one, (binding soiled and torn), *Boston*, 1856 £1/5/-  
This work was originally published in 1846-50.
- 661 ——— **MASONIC TRESTLE BOARD PART II**, [Containing the American Capitular and Encampment Degrees], FIRST EDITION, frontispiece, 1850 15/-
- 662 **MORGAN** (WILLIAM): **FREE MASONRY EXPOSED**: a NARRATIVE of the SEDUCTION and MURDER of WILLIAM MORGAN for threatening to divulge the Pretended Secrets of Free Masonry; with an Account of the Trials, Acquittal, and Condemnation of many of those implicated in the horrible transaction, 1836 15/-
- 663 **MORRIS** (ROB.) **MASONIC ODES and POEMS**, SECOND EDITION, *New York*, 1864 15/-
- 664 **MOUNIER** (JEAN JOSEPH) **ON the INFLUENCE attributed to PHILOSOPHERS, FREE-MASONS, and to the ILLUMINATI, on the REVOLUTION of FRANCE**, FIRST ENGLISH EDITION, translated from the Manuscript, and corrected under the inspection of the Author, by J. WALKER, old marbled boards, plainly rebacked with calf, 1801 £3/-/-  
Wolfstieg, 6374.

A reply to the attacks of Harriel and Robison.

- 665 **MURATORI**—**DICHIARAZIONE** dell' **ISTITUTO**, e **SCOPO** de' **LIBERI MURATORI**, Dove si prende a consi-  
dere il **Candeliere acceso** de' **LIBERI MURATORI** eretto di fresco, tradotta  
dal Latino nel Vulgare Idioma da C. B. D. C. B. [**CLEMENTI BARONI** de' **Marchesi Chvili-**  
**cabo**], modern boards, **Rovereto**, 1749 £2/10/-  
Wolfstieg, 1351 (iii) says that there is 1 plate but it is not present in this copy.
- 666 **MYLNE** (REV. R. S.) **THE MASTER MASONS** to the **CROWN** of **SCOTLAND**, and their **Works**,  
**frontispiece in colour**, 37 plates and 50 other illus., folio, buckram, **Edinburgh**, 1893 £3/10/-  
The Office of Principal Master Mason to the Crown was one of the Offices of the Court  
from the time of James V. to the Death of Queen Anne.  
Only a limited number of copies were published and the type distributed.
- 667 **NAPOLEON**: **CORSICAN'S DOWNFALL**, (The) . . . Shows most clearly to have been  
predicted by the Prophet Daniel, 2,400 years ago . . . In a **SERIES** of **LETTERS** from **ONE**  
**FREE MASON** to **ANOTHER**, . . . illustrated with **Notes**, **Quotations**, **Odes**; the **FORM** of a  
**PROCESSION** of **FREE MASONS**, and **COMPARATIVE ANECDOTES** of **NAPOLEON** the **DISTROYER**,  
and **ALEXANDER** the **SAVIOR** of **EUROPE** . . . by a **ROYAL ARCH MASON**, amateur binding of  
cloth with the original front and back wrappers mounted on outside covers, **Manuscript**  
[1814] £2/10/-
- 668 **NASH** (JOEL) **LEBANON**: Or, A 'Light' from the **Lebanon Lodge** at **Gloucester**; **Being**  
**EXPLANATORY LECTURES** on the **SPIRITUALITY** of **FREEMASONRY**, wrappers, uncul,  
**Colchester**, [1836] £1/5/-
- 669 [**NAUDOT** (JEAN JACQUES)] **APOLOGIE** pour l'**ORDRE** des **FRANCS-MAÇONS**, par **M. N\*\*\*\***  
membre de l'**Ordre**, avec deux **Chansons** composés par le **Frère Américain**,  
**PREMIERE EDITION**, engraved frontispiece, rebound half morocco, **La Haye, chez Pierre**  
**Gosse**, 1742 £6/10/-  
Lacks the second song at end (the second of two unpagged leaves following page 118).  
Wolfstieg, 23736 gives collation as 118 pages + 3 pages of music, with 1 plate, but it  
should be Title + [xii] + 118 + [iv] pages, and frontispiece.  
The work is sometimes erroneously attributed to F. Nogaret.
- 670 ——— **ANOTHER EDITION**, with the following variation on title-page: avec deux  
**Chansons**, composées par le **Frère \*\*\***, modern boards, *ibid.*, 1744 £3/15/-  
Wolfstieg, 23736 (ii).  
This edition does not have a frontispiece. The collation of this copy is Title + pages  
[vi] + 62 + [ii] for songs.  
——— vide **SONGS**, post.
- 671 **NAYLOR** (REV. M. J., *Prov. Grand Chaplain, West Riding of York*) **SERMONS** on various  
**MASONIC OCCASIONS**, to which are attached **Some Occasional Addresses**, and **Ceremonies**  
observed on particular Celebrations, 1842; bound with **KILBY** (REV. THOMAS) **SERMONS**  
(Non-Masonic) preached at **St. JOHN'S CHURCH, WAKEFIELD**, 1866. Two vols. in one,  
half calf, 1842-66 £2/2/-
- 672 ——— **SERMON** [based upon Proverbs. VIII. 35, 36.] Preached at the **PARISH CHURCH** at  
**BRADFORD**, on Monday, August 13th, 1810, before the Brethren . . . assembled there to  
celebrate the Birthday of H.R.H. George Prince of Wales, G.M., 16 pp., wrappers,  
**Halifax**, 1811 £1/8/-  
Dedicated to the Master, Wardens, and Brethren of the Lodge of Hope, No. 539 [now  
302, Bradford].
- 673 [**NEALE** (REV. E.)] **STRAY LEAVES** from a **FREEMASON'S NOTE-BOOK**, by a **SUFFOLK**  
**RECTOR**, 1846 10/-
- 674 **NÉCESSAIRE MAÇONNIQUE**, contenant: Le **CATECHISME D'APPRENTI**, un **FOUR-**  
**ULAIRE** pour les **TRAVAUX** de **BANQUETS**, pour les **AFFILIATIONS**, {etc.}, half calf, **Paris**, 1834  
18/-  
Wolfstieg, 33209.
- 675 **NEUT** (AMAND) **ATTENTATS** de **LA FRANCO-MAÇONNERIE** & **L'ORDRE SOCIAL**, roy. 8vo,  
wrappers, **Gand**, 1868 15/-  
Wolfstieg, 27976.
- 676 {———} **LA FRANCO-MAÇONNERIE** soumise au **GRAND JOUR** de la **PUBLICITÉ**: « l'uide de  
**DOCUMENTS AUTHENTIQUES**, **DEUXIÈME ÉDITION**, 2 vols., roy. 8vo, half roan, **Gand et**  
**Bruges**, 1866 £2/10/-
- 677 ——— **ANOTHER COPY**, wrappers (back wrapper of vol. 2 missing), *ibid.*, 1866 £1/15/-
- 678 **NEWTON** (JOSEPH FORT) **THE BUILDERS**, a **Story** and **Study** of **MASONRY**, 1953 10/-
- 679 ——— **BROTHERS** and **BUILDERS**: **The Basis** and **Spirit** of **FREEMASONRY**, [1924] 5/-

- 680 **NEW SOUTH WALES.**—PROCEEDINGS of the UNITED GRAND LODGE, held at the Town Hall, SYDNEY, on Monday, the 20th July, 1903, in Commemoration of the Dawn of FREEMASONRY in AUSTRALIA, 1803, and for the Installation of M.W. Bro. John Cochrane Remington as Grand Master for the Fifth Year, and Investiture of the Grand Lodge Officers, with 8 plates, 4to, Sydney, 1903 18/-
- 631 **NEWNHAM** (REV. P. H., *Prov. Grand Chaplain, Dorset*) GOD'S LAW of SOCIAL LIFE: A Sermon Preached in St. Mary's Church, Weymouth, May 29, 1871, with An Appendix on the Ancient Fraternity of the Essenes, and the possible connexion of St. Paul therewith, Weymouth, [1871] £1/8/-  
Presentation Copy to W. J. Hugh...
- 682 **NEW YORK.**—Collection made by Committee on Antiquities of the Grand Lodge of Free and Accepted Masons, of the State of New York, 1905; with Addenda for 1906 and 1908, illustrated, in one volume, limp boards, cloth back, New York, 1905-08 £1/8/-
- 683 **NICHOLSON** (REV. P. C.) The SYMBOLISM of FREEMASONRY; From Whence its Archetype? The Hieroglyphics of the Craft, and of the world in General, From what Source Derived, where and how Developed? A Lecture delivered in the Lodge of Virtue, 177 (now No. 152) Manchester, . . . 1852, 32 pp., wrappers, 1852 18/-
- 684 **NOBLE** (REV. MARK, *Rector of Barning in Kent, and Domestic Chaplain to George [Townshend], Earl of Leicester*: author of "Memoirs of the Protectorate House of Cromwell," etc.) ORIGINAL AUTOGRAPH MANUSCRIPT (Signed), entitled "SOME OBSERVATIONS respecting RICHARD, an ILLEGIMATE SON of RICHARD III, who, though the CHILD of a MONARCH, became a MASON," title-page, Preface + 14 pages, neatly and legibly written, with 66 pages of blanks bound up at end, thin folio, half calf, Barning Parsonage, 1807 £8/8/-  
Carries the Author's bookplate inside front cover.
- 685 **NORMAN** (GEORGE) FREEMASONRY: PROVINCIAL GRAND LODGE of GLOUCESTERSHIRE, with some Account of the Older Lodges of the Province, portrait and 23 illustrations, 4to Cheltenham, 1911 £1/2/6
- 686 ——— ANOTHER COPY, strongly bound in half morocco gilt, *ibid.*, 1911 £1/10/-
- 687 **NORTH** (C. N. MCINTYRE) WISDOM, STRENGTH and BEAUTY [being Sketches illustrating the Building of the Temple of Solomon from Dimensions as given in the Bible], 6 plates, with Descriptive Text, thin folio, 1890 £1/10/-
- 688 ——— ANOTHER COPY, binding shabby, 1890 £1/5/-
- 689 **NOTTS. INSTALLED MASTERS LODGE, No. 3585, TRANSACTIONS, vols. 3-5** (in 2 vols.) 1913-16, Vol. 17 1928/9; Vols. 21 and 22 1935-1939; together 6 vols. in 5, wrappers, Nottingham, 1917-40 £2/-/-
- 690 **NORFOLK INSTALLED MASTERS' LODGE, No. 3905, TRANSACTIONS, Vols. 1 to 12, 1919 to 1936/37** (wanting Vol. 11, 1935/36) 11 vols., wrappers, 1920-38 £3/10/-  
Vols. 1 and 2 edited by H. Cooper Pattin; Vols. 3 to 6 by G. W. Daynes; and Vols. 7 to 12 by R. H. Teasdel.
- 691 **O'BRIEN** (HENRY) The ROUND TOWERS of IRELAND; or the MYSTERIES of FREEMASONRY, of SAMARITISM, and of BUDDHISM, for the first time unveiled, FIRST EDITION, re-cased and repaired at joints, 1834 £3/-/-  
Wolfstieg 4959.  
This copy has the "Preface" 36 pages which are often lacking.
- 692 **ODIORNE** (JAMES C.) OPINIONS on SPECULATIVE MASONRY, relative to its Origin, Nature, and Tendency. A Compilation embracing recent and important documents on the subject, and exhibiting the views of the most distinguished [Anti Masonic] writers respecting it (name clipped from top outer corner of title-page), boards, cloth back, Boston [Mass.], 1830 £3/3/-  
Wolfstieg, 4099.  
One of the spate of anti-masonic publications which arose from the William Morgan affair in America.
- 693 **OLIVER** (REV. GEORGE) AN APOLOGY for the FREEMASONS, respectfully submitted to the Consideration of those Clergymen who doubt the propriety of allowing the use of their Churches for Masonic Celebrations, 36 pages, unbound, 1846 15/-
- 694 ——— The BIBLE, The Great Source of Masonic Secrets and Observances; A SERMON Preached . . . before a Provincial Grand Lodge of Free and Accepted Masons [Lincolnshire], 24 pp., unbound, Louth, 1834 15/-

- 695 OLIVER (REV. GEORGE) THE BOOK of the LODGE, or OFFICER'S MANUAL, FIRST EDITION, 1849 8/-
- 696 ——— [SECOND EDITION] To which is added, A Century of Aphorisms, calculated for General Instruction, and the Improvement of a Masonic Life, emblematic frontispiece, 1856 10/6
- 697 ——— THIRD EDITION, [with two additional Chapters], frontispiece, 1864 12/6
- 698 ——— FOURTH (Last and Best) EDITION [to which is added a History of Modern Masonry and origin of its Symbolism], 1879 18/-
- 699 ——— A CENTURY OF APHORISMS, for General Instruction and the Improvement of a Masonic Life, 1882 10/-
- 700 ——— The Existing Remains of the Ancient Britons, within a small district lying between Lincoln and Skeaford, described and illustrated, in a letter to Sir Edward French Bromhead, wrappers, 1846 18/-
- 701 ——— THE HISTORICAL LANDMARKS and other Evidences of Freemasonry, Explained; in a Series of Practical Lectures, with Copious Notes, portrait, plan, 17 plates and numerous text-illus., 2 vols., (binding of Vol. 1 somewhat worn and shabby) 1845-6 £2/18/-
- 702 ——— THE HISTORY OF INITIATION, in Twelve Lectures; comprising a detailed Account of the RITES and CEREMONIES, DOCTRINES and DISCIPLINE, of all the SECRET and MYSTERIOUS INSTITUTIONS of the ANCIENT WORLD, NEW EDITION, binding shabby, 1841 £1/5/-
- 703 ——— INSTITUTES OF MASONIC JURISPRUDENCE, . . . together with a SUMMARY VIEW of the LAWS and PRINCIPLES of the ROYAL ARCH, BEST EDITION, revised and corrected, 1874 17/6
- 704 ——— ANOTHER COPY, strongly bound in half morocco, 1874 £1/5/-
- 705 ——— MASONIC INSTITUTES, by Various Authors, with an Introductory Essay and Explanatory Notes, binding shabby, 1847 12/0  
Forms the first volume of "Remains of Early Masonic Writers."
- 706 ——— A MIRROR for the JOHANNITE MASONS, in a Series of Letters to the Right Hon., the Earl of Aboyne, half calf, emblematically tooled in gilt on spine, 1848 15/-
- 707 ——— THE MORAL and RELIGIOUS TENDENCY of FREEMASONRY ASSERTED, in a SERMON Preached . . . before the Right Honorable Charles Tennyson M.P., Provincial Grand Master for Lincolnshire, and the Officers and Brethren of the County Lodges, 24 pp., unbound, Lincoln, 1833 15/-
- 708 ——— AN ORATION ON . . . FREEMASONRY, and FAREWELL ADDRESS to the {LINCOLNSHIRE} PROVINCIAL GRAND LODGE, 10th May, 1866, with photo-portrait, 1866 10/-
- 709 ——— THE PYTHAGOREAN TRIANGLE; or, the Science of Numbers, with diagrams (Title-page and few other pages wormed), cloth, morocco back, 1875 18/-
- 710 ——— THE REVELATION of a SQUARE; exhibiting a Graphic Display of the Sayings and Doings of Eminent Free and Accepted Masons, from 1717 to 1813, FIRST EDITION, illus. (top corners of some pages grease stained), 1855 15/-
- 711 ——— A SERMON preached at ST. PETER'S CHURCH, BARTON-UPON-HUMBER, at a PROVINCIAL MEETING of the UNITED GRAND LODGE of FREE and ACCEPTED MASONS; Aug. 14th, 1816, 28 pages, unbound, Barton, 1816 15/-
- 712 ——— SIGNS and SYMBOLS illustrated and explained, in a Course of TWELVE LECTURES on FREE-MASONRY, FIRST EDITION, half roan, uncut, Grimsby: Printed by the Author, 1826 £1/8/-
- 713 ——— NEW EDITION [Revised], half calf, gilt emblematic tooling on spine, n.e., 1837 £1/15/-
- 714 ——— THE THEOCRATIC PHILOSOPHY of FREEMASONRY, in Twelve Lectures on its Speculative, Operative, and Spurious Branches, FIRST EDITION, cloth (a little worn; name erased from title), 1840 18/-
- 715 ——— ANOTHER COPY, FIRST EDITION, 8vo, half calf, emblematic tooling in gilt on spine, 1840 £1/12/-
- 716 ——— : An Account of the Proceedings attending the "MASONIC OFFERING" to Brother the REV. GEORGE OLIVER, Presented at LINCOLN, May 9, 1844, with the Various Addresses delivered on the Occasion, frontispiece, 26 pp., wrappers [1844] 12/6
- 717 OVERTON (REV. JOHN) THE BUILDING and DEDICATION of THE SECOND TEMPLE: A Scaronian Prize Poem, 16 pp., unbound, Cambridge, 1825 £1/-/-

- 718 **ORME** (REV. THOMAS, W.M. Lodge 510 and *Prov. Grand Chaplain for the County of Lincoln*) A SERMON preached in the Church of Louth, at the ANNIVERSARY GRAND PROVINCIAL MEETING of FREE and ACCEPTED MASONS, August 13th, 1804 [to which is added: GENERAL OBJECTIONS against FREE MASONRY ANSWERED] 20 pages, unbound, Louth [1804] £1/5/-

The sermon based upon I. Peter, ii, 17.

- 719 **PAILLARD** (MAURICE) The THREE FREEMASONRIES (OPERATIVE—SPECULATIVE—DOGMATIC) or Evolutional History of Freemasonry, 1955 £1/8/-

— vide **ANDERSON** (JAMES), also CONSTITUTIONS, ante

- 720 **PAINE** (THOMAS) [WORKS] Part the Fourth, Containing a Letter to the HON. T. ERSKINE . . . A DISCOURSE delivered to the SOCIETY of PHILANTHROPISTS . . . LETTER to CAMILLE JORDAN . . . AN ESSAY on the ORIGIN of FREE-MASONRY [etc.] modern boards, R. Carlile, 1819 £2/2/-

- 721 ——— AN ESSAY on the ORIGIN of FREE-MASONRY, FIRST LONDON EDITION, 14 pages, unbound, Printed and Published by R. Carlile, 1818 £1/1/-

Wolfstieg, 4092.

- 722 ——— RE-ISSUE, 14 pages, wrappers, *ibid.*, 1826 15/-  
The author suggests that Freemasonry was derived from Sun Worship and is the remains of the religion of the Ancient Druids.

- 723 **PARKER** (GEORGE) LIFE'S PAINTER of VARIEGATED CHARACTERS in PUBLIC and PRIVATE LIFE, FIRST EDITION, portrait, half calf, *uncut*, e.g., Printed for James Ridgway, 1789 £3/10/-

Chapter xviii (pages 227-234) contains "A Dissertation on Freemasonry . . . inscribed to H.R.H. the Duke of Cumberland, Master of the Grand Lodge of England."

- 724 **PARKER** (REV. M. A.) A SERMON, preached before a PROVINCIAL GRAND MEETING of FREEMASONS, at ST. PETERS' CHURCH, MARLBOROUGH, October 23rd, 1827, Published by Request of the Grand Lodge, 20 pages, half calf, *finer* [1827] £1/10/-

The text of the sermon was based upon the Proverbs of Solomon, xii, 19.

- 725 **PARVIN** (THEODORE SUTTON, *Grand Secretary of the Grand Lodge of Iowa*) LIFE and LABOURS, by JOSEPH E. MORCOMBE, *illus.*, Iowa, 1906 15/-

- 726 **[PASCALLET (E.)]**: MOREAU (CÉSAR, *Souverain Grand-Inspecteur Général 55ème*) PRÉCIS sur la FRANG-MACONNERIE, son Origine, son Histoire, ses Doctrines, etc., et Opinions Diverses sur cette Ancienne et Célèbre Institution, etc., *portrait* (slight water-stain on upper blank margins) Paris, 1855; bound with the First and Second Parts of REVUE GÉNÉRALE HISTORIQUE, BIOGRAPHIQUE, NECROLOGIQUE, SCIENTIFIQUE et LITTÉRAIRE; et MÉMORIAL MUNICIPAL de FRANCE [etc.], 1854-55; in one volume, roy. 8vo, half roan (worn), Paris, 1854-55 £2/-/-

The first item is Wolfstieg, 3958.

The second part of the 'Revue Générale' contains some references to French Freemasonry.

- 727 **PATHETIC ADDRESS** (A) to FREE and ACCEPTED MASONS by a DECEASED BROTHER [to which is added a Sermon on the Death of a Deceased Brother] 16 pages, 12mo, wrappers, York: Printed by Bro. M. W. Carratt, *Walngate*, [ca. 1818] £2/10/-  
Written with the view to the Address being published after the Anonymous Authors' death.

Not in Wolfstieg.

- 728 **PATON** (CHALMERS I.) FREEMASONRY and its JURISPRUDENCE, according to the Ancient Landmarks and Charges and the Constitutions, Laws and Practices of Lodges and Grand Lodges, 1872 18/-

- 729 ——— FREEMASONRY IN RELATION TO CIVIL AUTHORITY and the FAMILY CIRCLE. 35 pp., wrappers, 1867 15/-

The author's earliest published work.

- 730 ——— FREEMASONRY: its SYMBOLISM, RELIGIOUS NATURE, and LAW of PERFECTION, 1873 £1/5/-

- 731 ——— FREEMASONRY: its TWO GREAT DOCTRINES, the Existence of God and a Future State, 1878; Freemasonry: The Three Masonic Graces, Faith, Hope, Charity, 1878; the two works in 1 volume, 1878 £1/5/-

- 732 ——— The ORIGIN of FREEMASONRY: The 1717 Theory Exploded, Original Issue, unbound [1870] 10/-

- 733 ——— Re-Issue, cloth [ca. 1900] 7/8

- 734 **PEACH** (R. E. M.) A BRIEF HISTORICAL SKETCH of CRAFT MASONRY in the CITY of BATH [1732-1882], with a portrait of Dunkerley, 34 pp., Bath, 1894 15/-
- 735 **PEACHAM** (HENRY) THE COMPLETE GENTLEMAN . . . [SECOND EDITION, with the SECOND PART] : THE GENTLEMAN'S EXERCISE, or an Exquisite practise, as well for drawing all manner of Ruises . . . as also the MAKING of all KINDS of COLOURS to be used in LIMBING, PAINTING, TRICKING, and BLAZON of COATES and ARMES, . . . as also serving for . . . divers TRADESMEN and ARTIFICERS, as namely PAINTERS, JOINERS, Free-Masons, CUTTERS and CARVERS, &c. . . wants engraved general title-page, 2 parts in one vol., sm. 4to, rebound in old style sheep, Printed for Francis Constable . . . 1634 £8/15/- S.T.C., No. 19504. Some of the woodcuts of ARMES in the section relating to "The Practice of Blazonry" have been coloured by a contemporary hand and the names of the persons whose arms are depicted are noted in the margins. The second Part which has separate title-page, pagination and signatures carries the imprint : Printed for J. M., and are to bee sold by Francis Constable . . . 1634.
- 736 ——— THIRD IMPRESSION much enlarged, especially in the ART of BLAZONRY, by a very good Hand, engraved title (slightly defective in upper left hand corner ; trimmed to plate line ; and laid down to size), sm. 4to, contemporary calf, neatly rebacked, Printed by E. Tyler, for Richard Thrale . . . 1661 £7/- Wing, P. 943. From the library of the Earl of Ellenborough, with his book-label. In this edition the Second Part has a separate title-page but pagination and signatures are continuous.
- 737 **PENNECUK** (ALEXANDER, Burgess and Guild Brother of Edinburgh) AN HISTORICAL ACCOUNT of the BLUE BLANKET : or CRAFT-MENS BANNER containing the Fundamental Principles of the Good-Town, with the Powers and Prerogatives of the Crafts of Edinburgh, etc., FIRST EDITION, old half roan (some margins cropped close to text), Edinburgh : Printed by John Morman and Company, and sold by him and the Author, 1722 £4/-
- 738 ——— SECOND EDITION, enlarged and adorned (for the first time), with the Fourteen Incorporations' Arms (including that of the Masons), on 14 plates, calf, Edinburgh : printed by Alexander Robertson, Sold at his Printing Office, in Nidderly's Wynd, 1780 £4/15/-
- 739 ——— ANOTHER EDITION [reprinted with slight alterations from that of 1780], with the fourteen Incorporations' Arms, on 7 plates, morocco, Edinburgh, 1832 £2/10/- "Blue Blanket.—An old property of the Edinburgh Guilds, and now in the possession of the Lodge of Journeymen in that good old city . . . In 1482 King James III gave to the craftsmen their 'Blue Blanket' as the rallying flag of the Edinburgh craftsmen. In all Masonic Processions it is carried by the Lodge Journeymen . . ."—*Cyclopædia of Freemasonry*.
- 740 ——— : AN HISTORICAL SKETCH of the MUNICIPAL CONSTITUTION of the CITY of EDINBURGH ; including the Set of the Burgh as established in 1583, and amended in 1730 ; with the Acts of Parliament and Council relating thereto . . . to which is added AN HISTORICAL ACCOUNT of the BLUE BLANKET . . . by ALEX. PENNECUK, illus. with the arms of the city, the Merchant Company, and the fourteen Incorporations' Arms, on 9 plates, original boards, entirely uncut (upper cover loose), ibid., 1826 £2/2/- "The Historical Account of the Blue Blanket is printed verbatim from the original edition, with the addition only of some few notes."—*Preface*.
- 741 **PERAU** (GABRIEL L. C.) LE SECRET des FRANCES-MAÇONS, NOUVELLE ÉDITION, revue, corrigée et augmentée, x + 126 (last page blank) + 22 pages, contemporaine marbled boards, without place or printer [Genève], 1744 £2/2/- Wolfstieg, 29956. (iii). Watermark in paper is Montarvis 1742. The Songs at end which have separate pagination lacks the last leaf and the lower half of the previous leaf has been torn away affecting the end verses.
- 742 [——] ANOTHER EDITION, avec un RECUEIL de leurs CHANSONS, précédé de quelques Pièces de POÉSIES, x + 160 pages, half cloth, ibid., [? Paris] 1744 £3/10/- Wolfstieg, 29956 (iv.). The Songs have a separate title-page but pagination is continuous.
- 743 [——] ANOTHER EDITION, x + 136 pages, wrappers, toment, En France, MDCCXIV [? 1744] £4/15/- A rare issue. Though purporting to be printed in 1714 it is a false date, the watermark date in the paper is Rovergue 1743. The first edition being published at Geneva, 1742. Neither Wolfstieg or Kloss mention this issue and it was unknown to Thorp whose "Bibliography of Masonic Catechisms and Exposures" mentions various dates from 1742-1752.

- 744 [PERAU (GABRIEL, L. C.)] *L'ORDRE des FRANCES-MAÇONS TRAHIT, et LE SECRET des MOSES REVELÉ*, FIRST EDITION, vignette on title, plate of ciphers, 8 plates of ceremonies, emblems, etc. (5 folding), and 5 sheets of music, contemporary calf, neatly rebacked, Amsterdam [Cutasse, Haage: Neaume], 1745 £10/10/-  
Wolfstieg, 29963 (i); Kloss, 1860.  
First issue, plates 3 and 6, have the engraver's initials and plate 7 signed in full "S. Fokke, Sc." All other issues have the plates unsigned. Collation: Title + xxviii + 240 + 40, last page blank.
- 745 [—] — SECOND ISSUE of the FIRST EDITION, plates as in the former but all unsigned and having misprint "Secret" for Secret on sub-title at page 113, and a variant series of ornamental head and tail pieces (same collation), contemp. calf, neatly rebacked, *ibid.*, 1745 £8/-/-  
Wolfstieg, 29963 (i) variant.
- 746 — ANOTHER ISSUE, vignette on title, plate of ciphers, 8 other plates, and 5 sheets of Music, xvi + 176 pages (last blank), half mottled calf gilt, Amsterdam, 1745 £8/-/-  
Wolfstieg, 29963 (iv). In this issue the "Chansons" at end are not separately paged.
- 747 — [THIRD EDITION], with similar plates, good impressions, contemporary mottled calf, gilt back, *ibid.*, 1758 £6/15/-  
Wolfstieg, 29963 (vi). Collation: xxii + 195 (verso blank) + 32 pages. The "Chansons" at end are again separately paged.
- 748 — [FOURTH EDITION], with similar plates, contemporary mottled calf gilt, *ibid.*, 1763 £5/5/-  
Wolfstieg, 29963 (vii). Same collation as third edition.
- 749 — [FIFTH EDITION] with similar plates save for plates 3, 6 and 7 which have been re-engraved with more pronounced backgrounds than formerly, contemp. calf, gilt back (a little worn), *ibid.*, 1766 £4/10/-  
Wolfstieg, 29963 (viii). Same collation as for third and fourth editions.  
L'Ordre des Francs-Maçons Trahi is a compilation of four separate treatises. (1) Perau (L'Abbe) Le Secret des Francs-Maçons, originally published in 1742; (2) Gabanon (Leonard, otherwise Louis Travenol) Catechisme des Francs-Maçons, originally published, ca. 1743; (3) Perau (L'Abbe) Le Secret des Mopses (published for the first time in the 1745 edition of his L'Ordre des Francs-Maçons Trahi); (4) Naudot (Fr.) Chansons de la Tres-Venerable Confrerie des Francs-Maçons, precedees de Poésie, originally published in 1737.  
— ANOTHER EDITION, [ca. 1780] refer to LA TIERCE (Le Frere DE), 301c.
- 751 PERCY (REV. W. J.) THREE SERMONS, preached at SHAFTESBURY, 1841: MELCOMBE REGIS, 1842: and SHERBORNE, 1843: before the PROVINCIAL GRAND LODGE of DORSET, 1844 15/-  
The subjects of these sermons were: "The Chief Corner Stone," "The only Foundation," and "The Spiritual Temple."
- 752 PHOENIX BRITANNICUS: being a MISCELLANEOUS COLLECTION of SCARCE and CURIOUS TRACTS, Historical, Political, Biographical, Satirical, Critical, Characteristical, &c., Prose and Verse. Only to be found in the Cabinets of the curious. Interspersed with Choice Pieces from Original MSS. Collected by J. MORGAN, VOL. 1 (ALL PUBLISHED), containing Numbers 1-6, with Index, FIRST ISSUE, 4to, old calf (worn), Printed for the Compiler and T. Edlin, 1731 £9/-/-
- 753 — SECOND ISSUE, 4to, modern calf, m.c., Imprint having the addition of J. Willford, 1732 £7/15/-  
Dedicated to His Grace Charles, Duke of Richmond and Lennox, and mentioning his connection as Grand Master of the Freemasons.  
Morgan gave vent to his scorn for the Society of Gormogons in this dedication.  
Edmund Hunt Dring, in his English Masonic Literature before 1751, makes no mention of Phoenix Britannicus, the masonic interest in which he was undoubtedly at that time [1913] unaware, but there are two interesting articles on the work, see A.Q.C. transactions, vol. 19, pages 127 to 136, and vol. 26, pages 71 to 82.
- 754 PICK (FRED. L.) and KNIGHT (G. NORMAN) The POCKET HISTORY of FREEMASONRY, 1954 18/-
- 755 — The FIREMASON'S POCKET REFERENCE BOOK, 1955 16/-

- 756 **PILLON-DUCHEMIN** (A. A. FÉRMIN) *Essai sur la Franc-Maçonnerie, poëme en trois chants, dédié à son A. S. le PRINCE CAMBACÉRÈS*, wrappers, Paris, 1807 £2/8/-  
Both Wolfstieg, 1393, and Kloss, 730, give date in brackets as though the work was undated. There may have been a counterfeit undated edition as there is a precautionary notice regarding this signed by the printers on verso of half-title.
- 757 **PLAIN DEALER** (The): being **SELECT ESSAYS** on Several Curious Subjects, relating to Friendship, Love and Gallantry, Marriage, Morality, . . . and other branches of Polite Literature (by **AARON HILL** and **WILLIAM BOND**, assisted by **RICHARD STIMBL**) *FIRST COLLECTED EDITION, engraved frontispiece by J. PINE*, 2 vols., old calf, neatly rebound, Printed for S. Richardson, and A. Wilde . . . 1730 £8/10/-  
Vol. I, pages 427 to 433 contains an article on the Freemasons concluding with the celebrated letters on the Gormogons. Portions of this article were printed in "The Grand Mystery" 2nd edition, 1725.
- 758 ——— **SECOND EDITION**, Vol. I only, 8vo, old calf (broken) Printed for J. Osborn, 1734 £2/10/-  
The reference to Freemasonry and the Gormogons occurs on the same pages as in the first edition.
- 759 **PLANCHES, DISCOURS et CANTIQUES**, à l'Occasion de la Réunion des deux GG. OO. de FRANCE et Fête de l'Ordre [28 Juin, 1799], 100 pages, unbound, Paris, Au VII de la République [1799] £2/10/-  
Not in Wolfstieg. There is a copy in the Charles Morison Collection bequeathed to the library of the G.L. of Scotland.
- 760 **PLATTS** (REV. I.) *THE BOOK OF CURIOSITIES; or WONDERS of the GREAT WORLD* . . . engraved frontispiece, contemp. calf [1822] £1/10/-  
Chapter LXXVII: "Free and Accepted Masons" relates to the Antiquity of the Craft and quotes various authors' opinions relating to the subject.
- 761 **PLETTI** (A.) *RÉSUMÉ HISTORIQUE de la Loge Chap. La "FRATERNITÉ" à L'OR de GENÈVE* (Suisse) *CENTIÈME ANNIVERSAIRE, 1798-1898*, boards (Grand Orient de France) [Paris, 1898] 10/-
- 762 **PLOT** (ROBERT) *THE NATURAL HISTORY of STAFFORD-SHIRE*, imperfect but cheap copy [having the EARLY and IMPORTANT REFERENCE to FREEMASONRY, pages 316/318 intact], plates, folio, old calf, shabby, Oxford, 1686 £6/-+  
In this work the author alludes to the existence of Masonic Lodges in Staffordshire and to their custom of reading the Charges—he speaks of a vellum roll.
- 763 **POPE** (ALEXANDER) *THE NEW DUNCIAD: as it was Found in the year 1741, with the Illustrations of SCRIBLERUS, and NOTES VARIORUM* (FIRST EDITION of BOOK IV of the DUNCIAD), [vii] + 40 pages (the recto of half-title pasted to blank fly-leaf), 4to, contemp. wrappers, entirely uncut, Printed for T. Cooper at the Globe in Peter-nasier Row, 1742 £4/10/-
- 764 ——— **ANOTHER COPY**, smaller, with the half-title, unbound, enclosed in a specially made cloth protective folder, *ibid.*, 1742 £3/10/-  
Griffiths Bibliography of Alexander Pope, No. 546. In this fourth part of the Dunciad the following lines occur:  
"Some deep Free-Masons, join the Silent race  
Worthy to fill Pythagoras's place;  
Some Botanists, or Florists at the least;  
Or issue Members of an Annual feast,  
Nor past the meanest unregarded, one  
Rose a Gregorian, one a Gormogon."
- 765 **POWELL** (MAJOR ARTHUR E.) *THE MAGIC of FREEMASONRY*, [1924] 7/6
- 766 **POWELL** (ARTHUR CECIL) and **LITTLETON** (JOSEPH) *A HISTORY of FREEMASONRY in BRISTOL*, compiled at the Request of the Provincial Grand Lodge, with an Introduction by Wm. JAMES HUGHAN, 57 illus., many reproduced from old prints, thick roy. 8vo, buckram, Bristol, 1910 £2/10/-  
A handsome and voluminous work, nothing being spared on the part of its historians to publish a book wholly worthy of the local fraternity.
- 767 **POWER** (THOMAS) *AN ORATION [on the PRINCIPLES of FREEMASONRY] delivered before MONITOR LODGE [constituted by the Grand Lodge of Massachusetts], June 25th, A.D. 1821, FIRST EDITION*, 22 pages, modern boards (some stains), Boston, Mass., 1821 £1/10/-  
Thomas Power was the Author of the well-known "Masonic Melodies," which was published at Boston, 1844.

- 768 **POMPE FUNEBRE**, célébrée dans la R. L. du POINT-PARFAIT, 64 pages, wrappers, O. de Paris, 1802 15/-
- 769 "**PRECEPTOR**." YOUR LODGE WORK [the Duties of the respective officers at meetings and Ceremonies of Craft Masonry], 1926 5/-
- 770 **PRESTON (WILLIAM)** ILLUSTRATIONS OF MASONRY, the RARE FIRST EDITION, with Plan of the Free Masons' Gala, contemporary calf, Printed for the Author; and Sold by Brother J. Williams, 1772 £15/-  
A famous Masonic classic. The account of "A Grand Gala in Honour of Free Masonry held at the Crown and Anchor Tavern in the Strand, 21st May, 1772" was omitted from subsequent editions.
- 771 [—] FACSIMILE REPRINT OF THE RARE 1772 EDITION, with Biographical Notice by WILLIAM WATSON, plan of the Grand Gala as frontispiece, orig. boards, 1887 £3/10/-  
Only a small number of copies were printed.
- 772 [—] SECOND EDITION, corrected and enlarged, contemporary sheep (name of former owner, in ink, on title-page), Printed for J. Wilkie, 1775 £10/10/-  
This edition contains a Commendatory letter from the Master and Wardens of King's Arms Lodge, Falmouth, No. 116 [now known as the Lodge of Love and Honour, No. 75], also a Collection of Odes, Anthems, and Songs, now first added.  
Both this, and the first edition carry the "Sanction" leaf, afterwards omitted.
- 773 [—] [FOURTH, or SECOND GERMAN EDITION]: Erläuterung der Freymaurerey. Aus dem Englischen des Bruder Preston übersezt von J. H. C. MEYER, with engraved plate, post 8vo, contemp. calf, Stendal, D. C. Frommen und J. E. Grasse, 1780 £6/-  
The Third, or First German Edition was published in 1776.
- 774 [—] NEW [FIFTH, or THIRD LONDON] EDITION, with Additions, contemp. calf, neatly rebacked, Printed for G. Wilkie, 1781 £4/10/-
- 775 [—] NEW [SEVENTH, or FOURTH LONDON] EDITION, with Alterations and Additions, contemp. calf, Printed for G. and T. Wilkie, 1788 £3/10/-  
The author's name appears on the title-page of this and subsequent editions.  
This is the first of the editions to contain the author's "Introduction" dated from Dean-Sireet, Fetter Lane, Jan. 18th, 1788.
- 776 [—] EIGHTH EDITION, with Additions and Corrections, newly rebound in old style sheep, tall copy, *ibid.*, 1792 £4/-  
The numeration of the edition on the title-page which had been discontinued after the Second Edition, is now resumed.  
The advertisement to this edition contains an account of Preston's reconciliation with Grand Lodge.
- 777 [—] NINTH EDITION, with considerable ADDITIONS, newly rebound in old style sheep, *ibid.*, 1796 £4/10/-  
In this edition Burns' song "To the Brethren of St. James's Lodge, Tarbolton," appears for the first time amongst the Songs.  
The first to the ninth editions were dedicated to the Rt. Hon. Lord Petrie, first as Grand Master, then as Past Grand Master.
- 778 [—] TENTH EDITION, with considerable Additions, contemp. calf, joints cracked, Printed by A. Strahan for G. and T. Wilkie, 1801 £2/10/-
- 779 [—] LARGE PAPER COPY, 8vo, contemporary half calf, *ibid.*, 1801 £4/10/-  
In this edition appears for the first time, a Refutation of Robison's "Proofs of a Conspiracy" which had been first published in 1797.  
This, and the eleventh edition, are dedicated to the Earl of Moira, Acting Grand Master.  
The tenth edition was the only one printed on Large Paper.
- 780 [—] FIRST AMERICAN EDITION, from the Tenth London Edition [of 1801] contemp. calf, Alexandria [Virginia] Printed by Cotton & Stewart . . . 1804 £8/15/-  
Wolfsstieg, 1365 (x). A Rare Edition.
- 781 [—] ELEVENTH EDITION, with considerable additions, contemporary sheep (joints weak), Printed for G. Wilkie [by Strahan and Preston], 1804 £1/15/-
- 782 [—] TWELFTH EDITION, with considerable additions, portrait engraved by RIDLEY, fcap. 8vo, half calf, *ibid.*, 1812 £2/10/-
- 783 [—] ANOTHER COPY, entirely uncut (slight waterstain on portrait; title and first few pages but a good copy) modern blue calf, *ibid.*, 1812 £3/-  
This is the first edition to contain the portrait, and the last edition published during the author's lifetime.

- 784 **PRESTON (WILLIAM)** *ILLUSTRATIONS OF MASONRY, THIRTEENTH EDITION*, with CUTOCCATIONS and Additions by STEPHEN JONES, *portrait*, contemp. calf, *Printed for G. and W. B. Whittaker, 1821* £2/10/-  
This is the first edition to contain the additions by Stephen Jones, a Past Master of the same Lodge as the late Author [i.e. Lodge of Antiquity]. The Dedication to the Earl of Moira is retained, but an additional Dedication is now addressed to H.R.H. the Duke of Sussex. This later Dedication was continued in all editions up to the Seventeenth.
- 785 ——— *FOURTEENTH EDITION*, with additions to the present time, and copious notes, illustrative and explanatory, by the Rev. GEORGE OLIVER, half calf, *Printed for Whittaker, Treacher and Co., 1829* £2/10/-  
This is the first edition to be edited by Oliver.
- 786 ——— *FIFTEENTH EDITION*, the SECOND with OLIVER'S NOTES, *Whittaker & Co., 1840* £1/15/-
- 787 **PRINCIPLES and PRACTICE (The)** of the MOST ANCIENT and HONOURABLE SOCIETY of FREE and ACCEPTED MASONS together with the Duties enforced in several Charges, &c., selected from the best Authors [also A CORRECT LIST of the COUNTY LODGES, under the CONSTITUTION of ENGLAND, pages 175 to 184], half calf (rubbed), *Printed and Sold by the Editor, 1786* £8/18/-  
Attributed to Jonathan Scott. This rare work should not be confused with others bearing a similar title.  
It is mentioned in Lane's Handy Book to the List of Lodges, page 104.
- 788 **PRITCHARD (SAMUEL)** *TUBAL-KAIN; Being the SECOND PART of SOLOMON in all HIS GLORY, or MASTER MASON; Containing an Universal and Genuine Description of All its Branches, from the Original to the Present Time; As it is delivered in the Constituted Regular Lodges, both in City and Country, according to the Several Degrees of Admissions: . . . viz. I. Enter'd Prentice; II. Fellow Craft; III. Master. With a new and exact List of Regular Lodges, according to their Seniority and Constitution. To which is added, The Author's Vindication of Himself . . . Likewise, a Collection of Free Masons Songs, Toasts, and Sentiments, &c., 32 pages, modern boards, London: Printed for W. Nicoll. And Dublin: Reprinted for, and Sold by Thomas Wilkinson . . . [ca. 1777]* £21/-/-  
Wolfstieg, 29975 (viii) and Vibert. "Rare Books of Freemasonry," page 28, both show that no earlier edition was known to them. The United Grand Lodge Library Catalogue illustrate this title-page as the edition which is in the library but suggest the date of publication as circa 1760.  
The work is virtually Pritchard's 'Masonry Dissected' (the running headlines being so designated), with the addition of the List of Lodges and the Songs. Wilkinson the Dublin Printer probably used the text of an edition of 'Masonry Dissected' previously put out by W. Nicoll, the introduction of his name in the imprint misleading readers into thinking that there was a London edition of Tubal-Kain.
- PRITCHARD (SAMUEL)** *MASONRY DISSECTED*, vide [BONNEVILLE (N. de)], ante
- 789 "**PROTEUS.**" A Dissertation on The Celestial Sign of the Rainbow, in connection with the Sacred "Oath of the Seventh," being an exposition of its expansive significance in accordance with the teachings of Transcendental Masonry, *Dublin, 1879* 18/-

## QUATUOR CORONATI LODGE. TRANSACTIONS AND PUBLICATIONS.

- 790 **ARS QUATUOR CORONATORUM:** being the TRANSACTIONS of the LODGE QUATUOR CORONATI, No. 2076, London, edited by G. W. SPETI, W. H. RYLANDS, W. J. SONGHURST, F. M. RICKARD, REV. H. POOLE, and J. R. DASHWOOD, from the commencement in 1888 to 1956 with the St. John's Cards, *profusely illustrated with many full-page plates (some illuminated and coloured), besides numerous text-illustrations*, 68 vols., imp. 8vo, half red roan, and original parts, 1888-1956 £02/-/-  
This set has the original issue of volume one (in the publishers half blue morocco), which because of its scarcity was reprinted in 1895; Volumes 2 to 46 are in half red roan; 47 to 68 in the original parts.
- 791 ——— *ANOTHER SET*, with the Original Issue of Vol. 1, 1888-1954, Vols. 1 to 27 publishers half morocco (about 12 vols rather rubbed and worn at head and foot of spines); vols. 28 to 66 in the original parts, 1888-1954 £74/-/-  
No Masonic library should be without this valuable work of research, the earlier volumes of which are extremely difficult to obtain.

- 792 **QUATUOR CORONATI LODGE** : BAXTER (R. H.) *The QUATUOR CORONATI LODGE*, No. 2076 [a DATED MEMOIR and CLASSIFIED INDEX to the Publication, Lodge Proceedings, Papers and Essays, Notes and Queries, Illustrations, &c., in the Volumes of *Ars Quatuor Coronatorum* I to XXX], thin roy. 8vo, cloth, Rochdale, 1918 £12/8
- PAPERS and ESSAYS**, off-printed from "*ARS QUATUOR CORONATORUM*," roy. 8vo, original wrappers, unless otherwise noted, various dates, as under :—
- 793 **ADAMS** (Cecil) *ASHMAN REZON*, the Book of Constitutions, 16 facsimiles, 70 pages, 1933 15/-
- 794 ——— *The FREEMASONS' POCKET COMPANIONS* of the 18TH CENTURY, 10 facsimiles, 68 pages, 1932 15/-
- 795 ——— *NOTES* on some EIGHTEENTH CENTURY MASONIC HANDBOOKS, 42 pages, 1937 12/6
- 796 **CRAWLEY** (W. J. CHETWOOD) *THE OLD CHARGES* and the PAPAL BULLS, in 3 parts, with 2 plates, 53 pages, buckram (original wrappers bound in) [1911] £11/-
- 797 **DRING** (E. H.) *THE EVOLUTION and DEVELOPMENT* of the TRACING of LODGE BOARD, with 28 pages of illus., 78 pages, 1916 18/-
- 798 **ELKINGTON** (GEORGE) *SOME NOTES* on the "*FREEMASONS' MAGAZINE or GENERAL and COMPLETE LIBRARY*," a Masonic Periodical at the end of the Eighteenth Century, 24 pages, 1929 8/-
- 799 **FIRMINGER** (REV. W. K.) *THE MEMBERS* of the LODGE at the BEAR and HARROW (ST. GEORGE and CORNER STONE, No. 5), with 2 plates, 36 pages, 1935 8/-
- 800 ——— *STUDIES* in CONTINENTAL XVIIIth CENTURY FREEMASONRY and FREEMASONRY SO-CALLED. II.—FREEMASONRY in SAVOY, 30 pages, 1933 7/-
- 801 **ROGERS** (NORMAN) 200 YEARS of FREEMASONRY in BURY [S.E. LANCASHIRE], 48 pages, cloth, 1945 10/-
- 802 **RYLANDS** (W. HARRY) *THE ALNWICK LODGE MINUTES* [with a List of the Members from 1748 to 1756], 24 pages, 1901 7/-
- 803 ——— *CHARTER* INCORPORATING the TRADES of GATESHEAD, 1671, 12 pages, 1902 6/-
- 804 ——— *NOTES* on the SOCIETY of GREGORIANS, with 4 plates, 50 pages, 1908 10/-
- 805 ——— *NOTES* on SUSSEX MASONRY, with 2 plates, and illustrations in the text, 14 pages, 1898 8/-
- 806 **WILLIAMS** (W. J.) *THE KING'S MASTER MASONS* [England], 4 pages of facsimiles, 64 pages, 1930 10/-
- 807 **WONNACOT** (W.) *THE COUNTRY STEWARDS' LODGE* and the GREEN APRON, 31 pages, cloth, roan back, 1955 14/-
- 808 ——— *MARTIN CLARE* and the "*DEFENCE* of MASONRY (1730)," 34 pages, 1915 10/-
- 
- 809 **QUATUOR CORONATORUM ANTIGRAPHA** : MASONIC REPRINTS [of Scarce Manuscripts and Books, including the MS. Old Charges, Constitutions, and Early Pamphlets, etc.], edited for the LODGE QUATUOR CORONATI, by G. W. SMITH and W. J. SONGHURST, COMPLETE SET, with plates, facsimiles of title-pages and other illustrations, 10 vols., 4to, various bindings, half roan (a little rubbed) and cloth, and not quite uniform in size, Margate, 1889-1913 £32/10/-
- Vols. 1 to 6 are principally devoted to reprints of the "*Old Charges*;" Vol. 7 is a reproduction of the Constitutions of 1738; Vol. 8 Masonic Certificates from the earliest to the present time; Vol. 9 Constitutions of the Philo Musici et Architecturæ Societas, 1725-1727, whose members were all Freemasons; Vol. 10 Reproduction of the Minutes of Grand Lodge from 1723 to 1739, with numerous facsimiles of entries, etc.
- Complete Sets seldom occur for sale. Most of the volumes are scarce as only 250 copies were printed.
- H10 ——— Vol. VI.—FACSIMILE of the "*INIGO JONES MS.*," with Introduction; FACSIMILE of the "*WOOD MS.*," with Introduction; and FACSIMILE of the "*LECUMBER MS.*," with Introduction and Transcript, 4to (wanting back wrapper), *ibid.*, 1895 £11/15/-
- H11 ——— Vol. IX.—BOOK of the FUNDAMENTAL CONSTITUTIONS and ORDERS of the PHILO MUSICI et ARCHITECTURÆ SOCIETAS, LONDON, 1725-1727, with Introduction and Notes by W. H. RYLANDS, illustrated with plates and facsimiles, 4to (wanting back wrapper), *ibid.*, 1910 £11/12/-
- QUATUOR CORONATI LODGE PUBLICATIONS**, vide BAIN (G. W.), ante; STURKLEY (REV. W.), post.

- 812 **RAGON** (J. M.) **FRANCMACONNERIE: RITUELS du GRAND-INSPECTEUR INQUISITEUR, COMMANDEUR, 31 Degré, et du PRINCE de ROYAL SECRET, 32 Degré; et du PRINCE de ROYAL SECRET, 32 Degré; RITUAL du SOUVERAIN GRAND INSPECTEUR GÉNÉRAL, 33 et Dernier Degré; in one volume, Paris [ca. 1860]** 42/-
- 813 **RAMSAY** (Chevalier Andrew Michael) **THE TRAVELS of CYRUS; in which is annex'd a DISCOURSE upon the THEOLOGY and MYTHOLOGY of the ANCIENTS, First OCTAVO EDITION, of the ENGLISH TRANSLATION, 2 vols., old calf (joints broken) 1727** 42/-
- 814 ——— **FOURTH EDITION, much enlarged, with engraved frontispieces (not done for the first edition) 2 vols., contemp. calf, 1730** 43/-  
 Wolfstieg, 41478; Kloss, 3935.  
 The author's best known work and one that is of interest to R. A. M.'s  
 Cyrus was King of Persia when the Jews returned from Babylon to rebuild the Temple, under the leadership of Zerubbabel, Joshua, and Haggai.
- 815 **RANKIN** (G. J. V.) **SOME ACCOUNT of the Ritual authorised and prescribed by The United Grand Lodge of England now generally known as Reconciliation Working together, with some account of Emulation Lodge of Improvement, 1925** 10/-
- 816 **RAWLINSON** (REV. HENRY) **A SKETCH of FREEMASONRY, PAST and PRESENT, in ITS RELATIONS to SOCIETY—A SERMON Preached, . . . August 11th, 1859; on the occasion of the Installation of the Right Worshipful JOSEPH GUNDRY, Esquire, as Prov. G. M. for the County of Dorset, 20 pp., wrappers, 1859** 18/-
- 817 [**RAY** (J., of Liverpool)] **THE GRAND ORDER of MASONRY EXPLAINED; or the VIRTUOUS MASON'S COMPANION, illustrated by several Lectures, Observations and Charges, delivered by Eminent Brethren, with Rules and Directions for Masons, at the Various Ceremonies in Lodges . . . etc., original printed boards (back strip defective), uncut, Dublin: Printed by J. Charles, 1813** 40/-  
 A rare edition, unknown to Wolfstieg, and not mentioned by Vibert. It is the Third or First Dublin Edition of Ray's Elements of Free Masonry Delineated, being the eighth of the Second Edition with a new title-page substituted, but omitting the frontispiece.
- 818 [———] **THE ELEMENTS of FREE MASONRY DELINEATED, SECOND EDITION, with additions, engraved frontispiece, boards, old leather back. Belfast: Printed for Brother R. J. Farrington, 1808** 42/-
- 819 ——— **ANOTHER COPY, taller, but wanting pages 1 to 12 which contained "General Objections against Freemasonry" and the "Design and Nature of the Society," half calf, m.e., ibid., 1808** 40/-  
 Wolfstieg, 1384 (ii).  
 This work received the Sanction of the Grand Lodge of England. The first edition was published at Liverpool in 1788.
- 820 **READE** (W. WOODWARD) **THE VEIL of ISIS; or THE MYSTERIES of the DRUIDS, half calf, gilt, scarce, 1861** 43/10/-  
 Includes "Vestiges of Druidism in the Emblems of Freemasonry," pages 166-181.
- 821 **REBOLD** (EMANUEL) **HISTOIRE des TROIS GRANDES LOGES de FRANCS-MAÇONS en FRANCE: Grand Orient [depuis sa Fondation en 1772, jusqu'en 1862]; Suprême [1804, jusqu'à la fin de 1862]; Grande Loge Nationale [1848 jusqu'à L'Interdiction de ses Réunions en Janvier 1851]; précédée d'un Précis Historique de la FRANCMACONNERIE ANCIENNE depuis sa FONDATION jusqu'à transformation en INSTITUTION PHILANTHROPIQUE en 1717 [etc.], half morocco, Paris, 1864** 44/15/-  
 Wolfstieg, 6421.
- 822 ——— **LA FRANCMACONNERIE PHILOSOPHIQUE son importance morale et sociale: EXPOSE HISTORIQUE. . . les COLLÈGES de CONSTRUCTEURS ROMAINS jusqu'aux CORPORACTIONS des FREE-MASONS de la GRANDE-BRETAGNE, dont est issue en 1717, la Franc-maçonnerie moderne, 48 pages, unbound, Paris, [1859]** 41/-  
 Wolfstieg, 24134.
- 823 **RECTANGULAR REVIEW** (The) **A QUARTERLY COMMUNICATION on PHILOSOPHY, FREEMASONRY, ARCHAEOLOGY, SCIENCE, and the FINE ARTS, July, October, 1870; January, April 1871 (all published), binder's cloth, 1871** 41/10/-
- 824 **RECUEIL de POÉSIES MAÇONNES [composé des Pièces en Vers, Cantates, et Chansons] PREMIÈRE ÉDITION, modern boards, leather label, Jerusalem (Paris), 1748** 40/-  
 Wolfstieg, 39596.  
 This work is sometimes bound with l'Ecole des Francs-Maçons by Martin Courat de Villeneuve and may have been written by him.

- 825 **RED CROSS of ROME and CONSTANTINE**—STOKES (JOHN) HISTORY of the WHITE ROSE of YORK CONCLAVE No. 120, SHEFFIELD, from 1875 to 1929, wrappers, 1929 12/6
- 826 **REES COPESTICK (F. D.)** THE MANOR of ANDREWES and LE MOTTE (HERTFORDSHIRE), the present Home of the GRESHAM LODGE No. 869 of FREEMASONS. Being an HISTORICAL ACCOUNT of CHESHUNT GREAT HOUSE from the Fourteenth Century, with a View of the Banqueting Hall, 30 pages, 1884 16/-
- 827 **REPRESENTATIVE BRITISH FREEMASONS**: A Series of 275 Biographies of Early Twentieth Century Freemasons, with 180 portraits, thick imp. 4to, publisher's roan gilt, 1915 £1/15/-
- 828 **REPRINT OF MASONIC PAPERS (A)** [Comprising The Science of Lux: The Four Periods of Light; Observations on Masonry; A Sermon by the Rev. Wm. Brook Jones, P. Grand Chaplain, Essex, May 15th 1797] 76 pages, wrappers, Madras, 1842 £1/5/-  
Privately Printed and not for sale.  
Wolfstieg, 882.
- 829 **RÈGLEMENT de la LOGE de la CONCORDE** (arrêté le 1 Fructidor an XI) 40 pages, wrappers, Dijon, 1810 18/-  
Kloss, 5111.
- 830 ——— de la R.: L.: de la CONCORDE, dument constituée a L'O.: de STRASBOURG, wrappers, without printer, place or date [Strasbourg, 1806] £1/8/-  
This copy was apparently used as a model for prospective rules for Lodge "Triple Lumière" a L'O.: de Huningue (adopted 14.10.1808 vide Kloss No. 5130) as it has corrections and remarks showing the adoption of some of the regulations.
- 831 ——— pour la tres respectable Loge LA CONSTANCE COURONNÉE a I. D. ANGERS (small holes in title (not affecting text) 24 pages, wrappers, Angers, 1838 12/6  
——— vide STATUTS, post.
- 832 **REID (JAMES)** THE FREE-MASON'S POCKET COMPANION, containing [amongst other matters included under nine headings] An Ode, by Mr. Banks, on Masonry; History of Masons and Masonry; Collection of Freemasons Songs (with separate Title-page); List of all the Regular Lodges in Scotland; List of all the Regular Lodges in England; and a Defence of Masonry, occasioned by a Pamphlet called Masonry Dissected. FIRST EDITION, contemp. calf, joints cracked, Edinburgh, Printed by James Reid, 1754 £8/10/-  
The text of this edition follows closely that of Edinburgh, Printed by W. Cheyne, 1752, but no frontispiece was done for Reid's edition.
- 833 **RÉTIF DE LA BRETONNE (L.)** VADE MECUM du PREMIER DEGRÉ de L'ORDRE MAÇONNIQUE au RIT ÉCOSAIS, 112 pages, (lower blank corner of title torn away), unbound, Paris: A. Lebon, 1853 £1/10/-  
Wolfstieg, 35741 cites an edition of 50 pages, Paris: Labegue, 1840.
- 834 **REY (E. C.)** ITANOKO, Drame Mac.: en six époques, précédé de la Salle des Pas Perdus, Prologue symbolique en un acte; par ENB... C... REY, R.: t. Dédié aux Francs-Maçons (Rosicrucian device of the pelican feeding her young, and the cross on title), boards, Paris, 1835 £3/10/-  
"La scène se passe dans une Salle de Pas Perdus d'une Loge de Francs-Maçons, à Paris."  
Not in Wolfstieg or Kloss.

## RITUALS.

(We reserve the right to refuse orders for any of these items from unauthorized persons.)

- 835 **[ALLYN (AVERY)]** A RITUAL, and ILLUSTRATIONS of FREE-MASONRY, and the ORANGE and ODD FELLOWS' SOCIETIES, accompanied by numerous engravings, and a KEY to the PHI BETA KAPPA, also an ACCOUNT of the KIDNAPPING and MURDER of WILLIAM MORGAN... By a TRAVELLER in the UNITED STATES, FIRST ENGLISH EDITION, rebound boards, cloth buck, uncut, Devon: S. Thorne, 1835 £5/5/-  
First published in Boston (U.S.A.) 1831. The English edition contains, in addition to the "Orange" and "Odd Fellows' Societies," the degree of Mediterranean Pass, and the Account of the Morgan affair, now first added. Allyn's name is omitted from the title-page.  
Not in Wolfstieg.
- 836 ——— ANOTHER EDITION, illustrated, rebound cloth, with addition to imprint: Sold in London by Partridge and Oakley, 1851 £2/10/-

- 837 **CARLILE (RICHARD) FREEMASONRY, a Manual** [of the CRAFT, ROYAL ARCH, and several of the HIGHER and so called SIDE DEGREES], Part 1, SECOND EDITION, revised and enlarged, 1843; Parts 2 and 3, FIRST EDITIONS, 1836-37, the 3 vols., 1843 and 1836-37 £3/18/-  
Imprints: Part 1, N. Bruce, 84 Farringdon Street; Part 2, Alfred Carlile, 183 Fleet Street; Part 3, Alfred Carlile, Water Lane, Fleet Street.
- 838 ——— **FREEMASONRY** [Part II.] **MANUAL of MASONRY**; containing the ROYAL ARCH and KNIGHTS TEMPLAR DEGREES: with an Explanatory Introduction to the Science. FIRST EDITION, *Alfred Carlile, 183 Fleet Street, 1836* £1/6/-
- 839 ——— **MANUAL of FREEMASONRY, THIRD** [and FIRST COLLECTED] EDITION, revised and enlarged, *Printed and Published by R. Carlile, Fleet Street, Reprinted and published by W. Dugdale, Holborn St. 1845* £2/10/-
- 840 ——— **FOURTH EDITION**, binders cloth, printed title-label on cover, *Richard Carlile, 2 Lovell's Court, Paternoster Row; and Murry Street, Hoxton [ca. 1850]* £2/-  
Both the Third and Fourth Editions have separate titles, pagination, and signatures—each of the three parts, but the type-setting is distinctive in each edition.
- 841 ——— **ANOTHER EDITION**, the general title-page setting out the contents of the three parts, no separate titles, the pagination continuous, *Reeves & Turner, 196 Strand, W.C. [1876]* £1/6/-
- 842 ——— **RE-ISSUE**, *Reeves & Turner, 5, Wellington St., W.C. [1898]* £1/6/-  
Imprint on verso of title: Printed by the New Temple Press, 185 Fleet Street, London E.C.
- 843 ——— {STEREOTYPE ISSUE} *William Reeves, 83 Charing Cross Road, W.C. ca. 1908* £1/6/-  
Publisher's catalogue at end having books "just published" dated 1908.
- 844 **COMPLETE WORKINGS (THE) of CRAFT FREEMASONRY**: being a Practical Guide in the Three Degrees in Blue Masonry, including the LECTURES and INSTALLATION CEREMONY, *Privately Printed for A. Lewis, 1883* £1/-/-
- 845 ——— **RE-ISSUE**, 1902 10/-
- 846 ——— **LATER EDITION** (numerous MS. corrections in pen and ink) omitting the Ceremony of Opening and Closing a Board of Installed Masters, 1909 10/-
- 847 **EASTERN STAR.—RITUAL of the ORDER of the EASTERN STAR**, published by Authority of the General Grand Chapter, **SECOND EDITION**, *Chicago, 1913* 12/6
- 848 **EMULATION WORKING.—LECTURES of the THREE DEGREES in CRAFT MASONRY**, the CEREMONY of INSTALLATION, and an Appendix (including OPENING and CLOSING of a BOARD of INSTALLED MASTERS) with illustrations of the tracing boards, leatherette, *Privately Printed for A. Lewis, 1876* 18/6
- 849 ——— **ANOTHER EDITION** [to which is added the Ceremony of Constituting and Consecrating a New Lodge] leatherette, *ibid.*, 1899 18/6
- 850 ——— **ANOTHER EDITION**, Installation omitted, but with the FUNERAL CEREMONY, and the MASONIC MUSE (or Songs) added, *ibid.*, 1906 10/-
- 851 **KNIGHT TEMPLARISM ILLUSTRATED (REVISED) a FULL and COMPLETE ILLUSTRATED RITUAL of the SIX DEGREES of the COUNCIL and COMMANDERY**, wrappers, *Chicago, 1925* 10/-
- 852 **MONITOR of the WORK, LECTURES and CEREMONIES of ANCIENT CRAFT MASONRY in the JURISDICTION of the GRAND LODGE of NEW YORK**, cloth, *New York, 1904* 10/-
- 853 **"PAST MASTER (A)" The WORKING of the THREE DEGREES of CRAFT-MASONRY and the INSTALLATION CEREMONY**, with 3 plates of tracing boards, interleaved for notes, 1879 18/-
- 854 **PERFECT CEREMONIES (THE) of CRAFT MASONRY** according to the most approved forms as taught in the Unions Emulation Lodge of Improvement for M.M.'s, with the most recent Corrections, with woodcut "Dance of Death" borders, **FIRST ISSUE** of this edition, binding soiled, *Privately printed, 1871* £3/18/-
- 855 ——— **NEW EDITION**, with Numerous Alterations and Additions [including Test Questions... put to a M.M. who goes as a visitor; Ceremony of Calling-off and Calling-on], with the "Dance of Death" borders, *ibid.*, 1874 £1/8/-
- 856 ——— **PERFECT CEREMONIES (THE) of CRAFT MASONRY**, 2 vols.; **THE ESOTERY of BOARD of INSTALLED MASTERS**, 1 vol. Specially Prepared in Braille for the National Institute for the Blind, 3 vols., 4to, wrappers, *ibid.* [ca. 1936] £4/10/-

Rituals—continued.

- 857 **REVISED FREEMASONRY ILLUSTRATED**, The COMPLETE RITUAL of the FIRST SEVEN MASONIC DEGREES, by JACOB O. DOESBURG, *profusely illustrated* . . . EIGHTEENTH EDITION, Chicago, 1925 15/-
- 858 **REVISED RITUAL (THE)** of CRAFT FREEMASONRY, including the Lectures, Installation Ceremony etc. . . . by AN OLD PAST MASTER [FRANKLIN THOMAS], FOURTH EDITION, revised, *Privately Printed*, 1915 10/-
- 859 **RICHARDSON (JAMES) MONITOR of FREEMASONRY**; being a Practical Guide to the Ceremonies in All The Degrees conferred in Masonic Lodges etc. . . . The Ineffable and Historical Degrees are also given in full, *numerous text-illustrations*, Philadelphia [ca. 1890] 12/6
- 860 **RITUAL (A)** and ILLUSTRATIONS of FREEMASONRY, *accompanied by numerous engravings (on 30 plates)*, and A KEY to the PHI BETA KAPPA, EARLY ISSUE, rebound half cloth, *Reeves and Turner, 5, Wellington Street, W.C.* [ca. 1898] £1/10/-
- 861 ——— LATER ISSUE, *W. Reeves, 83, Charing Cross Road, W.C.* [ca. 1905] £1/5/-  
This ritual is based upon the work by Avery Allyn.
- 862 **RONAYNE (EDMOND) HAND-BOOK of FREEMASONRY**, with APPENDIX, revised, enlarged, complete, wrappers, Chicago, 1928 10/-
- 863 **ROYAL ARCH.—PERFECT CEREMONIES (THE)** of the ROYAL ARCH DEGREE, to which are added the LECTURE [etc.] SECOND and REVISED EDITION, *woodcut of Tracing Board*, board, *Privately Printed for A. Lewis*, 1877 15/-
- 864 ——— : NEW and REVISED EDITION [with the Ceremony of Consecrating a Chapter], boards, *ibid.*, 1888 10/-
- 865 **SCOTTISH CRAFT RITUAL (COMPLETE)**: The SCOTTISH RITUAL of the THIRTY DEGREES of ST. JOHN'S MASONRY, with the Lectures, Consecration and Installation Ceremonials [etc.] *A. Lewis* [1876] 12/6
- 866 **TEXT BOOK (THE)** of ADVANCED FREEMASONRY: Containing . . . the Complete Rituals of the Higher Degrees . . . by the Author of "The Text Book of Freemasonry" (Craft), FIRST EDITION, 1873 £1/5/-  
**RITUAL**, vide CARTWRIGHT (E. H.), HOBBS (J. W.), RAGON (J. M.), and RANKIN (G. J. V.), ante; ROWBOTTOM (Wm.), and SANDERSON (M.), post.
- 867 **ROBBINS (SIR ALFRED) ENGLISH-SPEAKING FREEMASONRY**; *out of print* [1930] 18/-
- 868 **ROBERTSON (J. ROSS) THE HISTORY of FREEMASONRY in CANADA** from its Introduction in 1749, embracing . . . more particularly a HISTORY of the CRAFT in the PROVINCE of UPPER CANADA, now ONTARIO, in the DOMINION of CANADA. Compiled and written from official Records and from MSS. covering the Period from 1749-1858, in the possession of the Author [with an Introduction by W. J. HUGHAN], *profusely illus.*, 2 vols., stout roy. 8vo, Toronto, 1899 £3/8/-
- 869 ——— TALKS with CRAFTSMEN and PENCILINGS by the WAYSIDE, *ibid.*, 1890 10/-
- 870 **ROBIN HOOD SOCIETY.—THE HISTORY of the ROBIN HOOD SOCIETY** in which the Origin of that Illustrious Body of Men is traced; the Method of Managing their Debates is shewn; The Memoirs of the Various Members that Compose it are given; and Some Original Speeches, as Specimens of their Oratorical Abilities are Recorded; Chiefly compiled from Original Papers, contemp. mottled calf, rebound, *Printed for James Fletcher and Co.* . . . 1764 £3/15/-  
James Prior, in his Life of Goldsmith refers to this work as evidence that the famous writer was a member. An entry on page 193 is headed "MR. G\*\*\*D\*\*\*TIL".
- 871 ——— : [LEWIS (RICHARD)] THE ROBIN HOOD SOCIETY: a SATIRE, with Notes Variorum, by PETER POUNCE, Esq., *engraved frontispiece of a meeting in progress*, contemp. mottled calf, *Printed for E. Withers and W. Reeve [etc.]* 1756 £3/-  
The Dedication to the Rev. Mr. Romaine is signed Richard Lewis.  
For reference to the Robin Hood Society see Article by W. B. Hexall in A.Q.C., vol. 27, pages 31/32.
- 872 **ROBISON (JOHN) PROOFS of a CONSPIRACY** against all the RELIGIONS and GOVERNMENTS of EUROPE, carried on in the SECRET MEETINGS of FRIAR MASONS, ILLUMINATI, and READING SOCIETIES, collected from good Authorities, SECOND EDITION, corrected; to which is added a POSTSCRIPT, old calf (worn), *Printed for T. Cadell, Jun. and W. Davies, Strand; and W. Creech, Edinburgh*, 1797 £1/5/-  
The Second, and all subsequent editions contain the Postscript.

- 873 **ROBISON** (JOHN) *THOUGHTS OF A CONSPIRACY*, SECOND EDITION, boards (cloth back a trifle frayed) entirely uncut, *Printed for T. Cadell, Jun. and W. Davies, Strand, and W. Creech, Edinburgh, 1797* £1/15/-
- 874 ——— *THIRD EDITION*, corrected (top blank corner torn from title), *contemp. half morocco gilt* (worn at headband), *ibid.*, 1798 £1/10/-
- 875 ——— *ANOTHER ISSUE* of the *THIRD EDITION* (and the *FIRST AMERICAN*), *sm.* piece of top blank margin of title-page cut away, old rebuffed sheep, *Philadelphia: Printed for T. Dobson . . . and W. Corbét, 1798* £3/10/-  
 Wolfstieg gives the New York issue with the Fourth edition imprint but does not mention this, which although printed in the same year, being based on the Third English, is the first of the American issues.
- 876 ——— *FOURTH EDITION*, with corrections and additions, old rebuffed calf, *Printed for T. Cadell, Jun. and W. Davies; and W. Creech, Edinburgh, 1798* £1/15/-
- 877 ——— *ANOTHER ISSUE* of the *FOURTH EDITION* (and the *SECOND AMERICAN*), 8vo, rebound buckram, *New York: Printed by George Forman, . . . for Cornelius Davis, 1798* £2/10/-
- 878 ——— *FIFTH EDITION*, corrected [*SECOND DUBLIN EDITION*], *contemp. half russia, m.c.* (slight waterstain on some pages), *Dublin: Printed by W. Watson and Son, 1798* £2/10/-  
 Wolfstieg, 3806 gives particulars of the first to the fourth London Editions but not the two Dublin editions designated as "Fourth" and "Fifth" which both appeared in 1798.
- 879 **ROEBUCK** (GEORGE EDWARD) *THE TEACHINGS OF FREEMASONRY*, by "ESSEX MASTER," ORIGINAL EDITION, 1928 10/-
- 880 ——— *NEW AND REVISED EDITION*, 1938 5/-
- 881 **ROSE** (ALGERNON) *THE DIRECTOR OF CEREMONIES: HIS DUTIES AND RESPONSIBILITIES*, *NEW AND REVISED EDITION*, 1932 8/-

## ROSICRUCIANS.

- 882 **BATESON** (CAPT. VAUGHAN) *FOUR PAPERS* read before the METROPOLITAN COLLEGE S.R.I.A. between 1909 and 1921, and 4 other addresses to Non Masonic Societies, lambskin, lettered "Lectures," 1909-21 18/-
- 883 **BROWN** (ARTHUR, M.A.) *THE FOURTH GOSPEL AND THE EIGHTEENTH DEGREE*, a Correlation of Two Systems of Symbolism, 1956 £1/1/-  
 The first comprehensive interpretation of this specifically Christian Masonic degree. The author argues that the degree can only be fully understood by studying St. John's Gospel and by examining what the evangelist has to say about the many symbols which are common to the gospel and the ritual of the Masonic ceremony.
- 884 **GARDNER** (F. LEIGH) *A CATALOGUE RAISONNÉ* of WORKS on the OCCULT SCIENCES, Vol. 1.—*ROSICRUCIAN BOOKS* [a Bibliography of 761 items with collations, etc.], with an Introduction by Dr. W. WYNN WESTCOTT, SECOND [and REVISED] EDITION, *Privately Printed*, 1923 £1/5/-  
 Limited to 500 numbered copies.  
 The second volume of this Series: "Bibliotheca Astrologica," published in 1911 can be supplied for £1/5/-
- 885 **KING** (WILLIAM, *Principal of St. Mary Hall, Oxford*) *THE DREAMER* [a Collection of Essays, including "The ROSICRUCIANS or KNIGHTS of the ROSE CROSS"] FIRST EDITION, boards, cloth back, uncut, *Printed for W. Owen, 1754* £2/10/-  
 Wolfstieg, 4255k.
- 886 **MOUNT CALVARY CHAPTER ROSE CROIX**, No. 3.—WILES (H. V.) *ONE HUNDRED YEARS, 1848-1948*, compiled to commemorate the centenary of the Chapter on June 11th, 1948, *illus.*, boards, 1948 12/-
- 887 **SOCIETAS ROSICRUCIANA IN ANGLIA: METROPOLITAN COLLEGE—CLAVICULA ROSICRUCIANA**, numbers I to V, being Lectures by W. R. WOODMAN, and MACGREGOR MATTERS, each number consisting of 4 pages, unbound, 1884-88 £1/10/-
- 888 ———: *Quarterly Notes of the Metropolitan Study Group, S.R.I.A.*, Numbers 30, 31, 42, 43, 60, 65, 66 and 70, 71, the 6 parts, 1930-40; also 4 Supplements, being the DIRECTORIES for the years 1926, '28, '30 and 1940; together 10 parts, 8vo, stitched, 1926-40 £1/5/-

- 889 **SOCIETAS ROSICRUCIANA IN ANGLIA** ; METROPOLITAN COLLEGE TRANSACTIONS 1885 to 1890 (wanting 1889) 5 numbers, (without the wrappers which bear the title-page) in one volume, binders' cloth, 1885-90 £2/10/-  
These were the first of the Transactions of the Metropolitan College to contain the Proceedings of the Convocations in addition to Lectures. Its fore-runner was the "Rosicrucian" published from 1868 to 1879.
- 890 ——— : ——— TRANSACTIONS 1897/8 and 1899/1900, 2 parts, wrappers 12/6
- 891 ——— : ——— TRANSACTIONS, 1906, wrappers 8/-
- 892 ——— : ——— TRANSACTIONS, 1915, half roan 7/6
- 893 ——— : ——— TRANSACTIONS, 1944-1953, 9 parts, wrappers £2/18/-
- 894 ——— : PROVINCE of HALLAMSHIRE : TRANSACTIONS for 1910/11, wrappers, *Sheffield*, 1912 10/-
- 895 ——— : PROVINCE of YORKSHIRE—RULES and REGULATIONS of the YORK COLLEGE, approved Feb. 16th 1895, with List of Members to Nov. 1895, thin 4to, cloth, *York*, [1895] 10/-
- 896 ——— [SECOND EDITION], with LIST of MEMBERS to Nov. 1898, thin 4to, cloth, *ibid.*, [1898] 12/6
- 897 **SOCIETAS ROSICRUCIANA in SCOTIA**.—ALLAN (J. Mason) METROPOLITAN COLLEGE, 1873-1923, a Brief History of the College and its Antecedents, wrappers, *Edinburgh*, 1923 10/-
- 898 ——— : METROPOLITAN COLLEGE—AD LUCEM, being some Papers read by Fraires of the College, wrappers, *ibid.*, 1930 10/-
- 899 [VAUGHAN (THOMAS)] The FAITH and CONFESSION of the FRATERNITY of R. C. commonly of the ROSE CROSS . . . by EUGENIUS PHILALETHES, originally printed in 1652 and now reprinted in facsimile, together with an Introduction, Notes, and a Translation of the LETTER of ADAM HASLEMEYER, . . . by F. N. PRYCE, *Printed for the Societas Rosicruciana in Anglia*, 1923 £3/-/-
- 900 WESTCOTT (DR. WM. WYNN) HISTORY of the SOCIETAS ROSICRUCIANA in ANGLIA, *Privately Printed*, 1900 £1/5/-
- ROSICRUCIANS**, vide CASTELLS (REV. F. de P.), ante.

- 901 ROSS (ALEXANDER) FREEMASONRY in INVERNESS : being an ACCOUNT of the ANCIENT LODGES of ST. JOHN'S OLD KILWINNING, No. 6 and ST. ANDREW'S KILWINNING, No. 31, both of Scotland, compiled from the Minute Books, *Printed for Private Circulation, Inverness*, 1877 14/-
- 902 ROWBOTTOM (WM.) The ORIGIN of MASONIC RITUAL and TRADITION as manifested by the Geometrical Design and Symbolism of the Great Pyramid, FIRST EDITION, with 3 plates, *Alfreton*, 1880 15/-
- 903 ROYAL AND SELECT MASTERS.—CONSTITUTIONS of the GRAND COUNCIL of MASSACHUSETTS, and General Regulations for the Government of Councils under its jurisdiction, wrappers, *Mass.*, 1877 12/6
- 904 ROYAL ARK MARINERS.—STATUTES and REGULATIONS . . . with a Sketch of the ORIGIN and PROGRESS of the ORDER . . . compiled and issued under the Authority of the GRAND LODGE of ROYAL ARK MARINERS of ENGLAND and WALES . . . FIRST EDITION, 1871 18/-

## ROYAL ARCH

- 905 CASTELLS (REV. F. de P.) ANTIQUITY of the HOLY ROYAL ARCH, the Supreme Degree in Freemasonry, 1927 11/6
- 906 ——— HISTORICAL ANALYSIS of the HOLY ROYAL ARCH RITUAL, 1929 11/6
- 907 CYRUS CHAPTER No. 21.—CALVERT (ALBERT F.) The RECORDS of the CYRUS R.A. CHAPTER, 1811 to 1918, cloth, 1919 10/-
- 908 DASSIGNY (FIFIELD) A SERIOUS and IMPARTIAL ENQUIRY into the CAUSE of the present DECAY of FREE-MASONRY in the KINGDOM of IRELAND, *Dublin* : *Printed by Edward Bate* . . . 1741, *Reproduced in Facsimile* ; to which is prefixed : INTRODUCTORY SKETCH on ROYAL ARCH MASONRY, 1743-1893, by WILLIAM J. HUGHAN, impl. 8vo, wrappers, *Leeds*, 1893 £1/10/-
- 909 ——— ANOTHER COPY, neatly bound in half morocco, *ibid.*, 1893 £2/5/-  
Dassigny's work contains the earliest typographical reference to the Royal Arch.

- 910 **GENERAL REGULATIONS** for the GOVERNMENT of the ORDER of ROYAL ARCH MASONS of ENGLAND, established by the Grand Chapter (W. H. WHITE, Grand Scribe E.), with 24 illustrations on 14 plates (spotted), 1843 8/-
- 911 ——— The SAME for 1852 (W. H. WHITE, Grand Scribe E.), with identical plates, 1932 8/-
- 912 ——— The SAME for 1864 (WILLIAM GRAY CLARK, Grand Scribe E.), with identical plates, 1864 8/-
- From now onwards the prefix "Supreme" is added to "Grand Chapter."
- 913 ——— The SAME for 1869, 1875, 1879 (JOHN HERVEY, Grand Scribe E.) with identical plates, 1869-79 each 8/-
- 914 ——— The SAME for 1886 (COL. S. H. CLERGE, Grand Scribe E.), with 28 illustrations on 7 plates, 1886 8/-
- 915 ——— ANOTHER COPY, 1886; bound with PROVINCIAL GRAND CHAPTER, EAST LANCASHIRE, BY-LAWS, 12 pages, *Bury*, 1886. 10/-
- 916 **GROSVENOR-SMYTH** (REV. F. A.) The FOUR PRINCIPAL BANNERS of the ROYAL ARCH CHAPTER, a Paper read at the Godson Chapter, 2385, April 10th 1942, mimeographed, 16 pages, stitched, *Printed for Private Circulation, Derby*, 1942 7/6
- 917 **HOLMES-DALLIMORE** (A.) SUPREME ORDER of the HOLY ROYAL ARCH: THE PRINCIPAL, a full and complete guide to the Law, Procedure and Etiquette, (1930) 12/6
- 918 **INMAN** (HERBERT F.) ROYAL ARCH WORKING EXPLAINED, 1923 12/6
- 919 **JERUSALEM CHAPTER** No. 8, NEW YORK.—TWISS (CHARLES VICTOR) The Centennial History of Jerusalem Chapter 1799-1899, 53 illus., New York [1900] £1/5/-
- 920 **LAWS and REGULATIONS** for the ORDER of ROYAL ARCH MASONS, revised and amended, by the SUPREME GRAND CHAPTER, 5th Feb., 1823, with 7 plates, wrappers, 1823 £1/10/-
- This copy has the printed slip accompanying the plates which lays down the rule regarding Jewels for private Chapters.
- 921 **MOUNT HOREB R.A. CHAPTER, LOWELL, MASS.**—CHARTER, BY-LAWS, and LIST of MEMBERS; together with the Constitution of the GRAND R.A. CHAPTER of MASSACHUSETTS, mss., g.d., Lowell, Mass., 1871 12/6
- 922 **NEW ZEALAND.**—WILLIAMS (HERBERT J.) A HISTORY of the SUPREME GRAND ROYAL ARCH CHAPTER of NEW ZEALAND for a period of Twenty-one Years, from Jan. 1892 to Jan. 1913, illus., Wellington, 1913 12/-
- 923 **POLLOKSHAW'S R.A. LODGE, No. 153, SCOTLAND.**—BRYCE (William) HISTORY of the LODGE, 1783-1919, frontispiece, Glasgow, 1920 10/-
- 924 **PROVIDENCE [RHODE ISLAND] ROYAL ARCH CHAPTER, No. 1** [1793 to 1893]: ONE HUNDREDDTH ANNIVERSARY of the CONSTITUTION, Sept. 3rd and 4th, 1893, with 4 illus., Providence, R.I., 1894 18/-
- 925 **ST. GEORGES CHAPTER, No. 140.**—FLOKE (Geo. Benj.) HISTORY of the CHAPTER . . . formerly called The Chapter of Hope, No. 49, 1786-1936, illus., 1936 18/-
- 926 **SCOTLAND.**—GENERAL REGULATIONS for the GOVERNMENT of the ORDER of ROYAL ARCH MASONS of SCOTLAND, FIRST EDITION, 6 illus. on 4 plates (Colours of sashes, collars, and ribbons painted in by hand), Edinburgh, 1845 £1/8/-
- 927 ——— : ——— SECOND EDITION, with portrait and 7 plates (the additional illustration being of Jewels for Provincial Grand and Subordinate Chapters), *ibid.*, 1861 18/-
- 928 ——— : ——— ANOTHER EDITION, with 19 plates, *ibid.*, 1915 10/-
- 929 **STOKES (JOHN) and FLATHER (DAVID)** The HISTORY of ROYAL ARCH MASONRY in SHEFFIELD, Sheffield, 1922 15/-
- 930 **SUPREME GRAND CHAPTER: PROCEEDINGS** of the SUPREME GRAND CHAPTER of ROYAL ARCH MASONS of ENGLAND, OCTAVO SERIES, Vol. 1, from Aug. 1868 to Nov. 1885, half calf (binding rubbed), 1895 15/-
- 931 **TURNBULL (E. R.) and DENSLOW (RAY V.)** A HISTORY of ROYAL ARCH MASONRY, illustrated, 3 vols., Issued under Authority of the General Grand Chapter R.A.M., Trenton, Missouri, 1956 £3/12/6

Vol. 1 is confined largely to the beginnings of the Rite, the development of its ritual, the formation of Grand Chapters; Vol. 2, The Story of the Grand Chapters other than the British Isles (which are included in the first volume); Vol. 3 continues the stories of the Grand Chapters, biographies of Past General Grand High Priests, and an extensive index.

Royal Arch—continued.

- 932 **TOPLEY (W. H.)** *The CRAFT and the ROYAL ARCH*, with a Foreword by the Rev. Canon COVEY-CRUMP, 1945 7/6
- 933 **UNITED STATES GENERAL GRAND CHAPTER**—FOX (C. G., *General Grand Secretary*) *PROCEEDINGS* of the General Grand Chapter of Royal Arch Masons of the United States, from its organization, in 1797, up to and including the Triennial Convocation of 1856, *illus.*, Buffalo, 1877 41/1/-
- 934 **WAKEFIELD CHAPTER No. 495**—RYLANDS (JOHN RICHARD) *The WAKEFIELD CHAPTER of ROYAL ARCH MASONS, 1848-1949, illus.*, boards, *Printed for Private Circulation*, Wakefield, 1949 41/10/-
- 935 **WEST YORKSHIRE PROVINCIAL GRAND CHAPTER BY-LAWS**, FIRST EDITION, Wakefield, 1887 8/-
- ROYAL ARCH**, *vide* FINCH (WM.), RAMSAY (*Chevalier A. M.*), and *RITUALS*, *ante*.
- 936 **RUNTON (P. T.)** *The KEY of MASONIC INITIATION [The Three Degrees] [1946]* 8/-
- 937 **RUSSELL (GEORGE)** *FIRST TWENTY-FIVE YEARS of FREEMASONRY in NATAL*, compiled from the Records of the PORT NATAL LODGE, No. 736, [with LIST of LODGES in NATAL to the end of the year 1883], (binding damp soiled), Durban [1884] 18/-
- 938 **SADLER (HENRY)** *MASONIC FACTS and FICTIONS: comprising a New Theory of the Origin of the "Ancients" Grand Lodge, founded on Official Records and recently discovered Documents [with Introduction by Thomas Penn], 5 illus.*, scarce, 1887 43/16/-
- This work is noteworthy as propounding a new theory as to the origin of the "Ancients" or "Atholl" Masons. Brother Sadler sets out to prove that the Grand Lodge of the Ancients was formed in London by some Irish Freemasons who had never, prior to the Union, owed allegiance to the Grand Lodge of England.
- 939 ——— *MASONIC REPRINTS and HISTORICAL REVELATIONS*, including Original Notes and Additions, with an Introductory Chapter by W. J. CHETWODE CRAWLEY, 1898 42/5/-
- The introductory chapter deals with early Irish Freemasonry and Dean Swift's connection with the Craft. The "reprints" consist of "A Letter from the Grand Mistress of the Freemasons to George Faulkner, Printer," and "A Defence of Freemasonry, London, 1765." To these valuable reprints is added Sadler's defence of Laurence Dermott and the "Ancients."
- 940 ——— *NOTES on the CEREMONY of INSTALLATION*, portraits, 1889 8/-
- 941 **ST. PIERRE DES VRAIS EXPERTS LOGE—AMITIE, UNION, FORCE: INSTALLATION** du FR. DE FOURNELLE, âgé de 119 ans, en qualité de Vénérable d'honneur dans la R.L. de ST. PIERRE, sous le titre distinctif des FRÈRES du VRAI EXPERT (le 2.2.5809), 42 pages, unbound, Paris, 1809 18/-
- Kloss, 4961.
- 942 **[SAMBER (ROBERT)] LONG LIVERS: a Curious History of such Persons of both Sexes who have Liv'd several Ages and grown Young again, with the Rare Secret of Rejuvenescency of Arnoldus de Villa Nova, and a great many Approv'd and Invaluable Rules to prolong Life; as also how to Prepare the Universal Medicine, by EUGENIUS PHILALETHES, F.R.S., contemporary calf (joints cracked), Printed for J. Holland . . . and L. Stokoe, 1722 412/10/-**
- Wolfstieg, 5916. Although attributed to Robert Samber the work is really a translation of a work by Harouet de Longeville.
- This work is dedicated "To the Grand Master, Masters, Wardens and Brethren, of the Most Antient and Most Honourable Fraternity of the Free Masons of Great Britain and Ireland, Brother Eugenius Philalethes sendeth greeting."
- The introductory pages abound with mystical and hermetic lore. "And now, my Brethren, you of the higher Class, permit me a few Words, since you are but few; and these few Words I shall speak to you in Riddles, because to you is given to know those Mysteries which are hidden from the Unworthy" (page xlix. of Dedication).
- 943 [———] : "BAIN" REPRINTS, No. 2.—*THE PREFACE to LONG LIVERS: a Curious History, being a Facsimile Reprint of the Original Title-page and the Dedication, liv pages, [containing the pertinent passage relating to Higher Degrees], from a copy in the possession of George W. Bain (edited with an Introductory Note by R. F. GOULD), roy. 8vo., 1891 42/2/-*
- 944 ——— *ANOTHER COPY*, unbound (wrappers missing), 1891 41/10/-

- 945 [SALENGRE (A. H. DB)] *ENPHETATIS ENCOMIUM; or The PRAISE of DRUNKENNESS . . . confirmed by the Examples of Heathens, Turks, Infidels . . . Free Masons, Gormogons, and other top-eing Societies, and Men of Learning in all Ages. By BONIFACE ODONOPHILUS de Monte Fiascone, A.B.C., SECOND [ENGLISH] EDITION [translated by ROBERT SAMBER], engraved frontispiece, old calf, restored at joints, Printed for E. Curll, 1743* £10/-/-  
Chapter XV. "Of Free Masons, and other learned men, that used to get drunk."
- 946 SANDERSON (MEREDITH) *AN EXAMINATION of the MASONIC RITUAL [with an Introduction by J. S. M. WARD], THIRD and ENLARGED EDITION, [1926]* 7/6
- 947 SANDERSON (REV. R. N.) *SOLOMON and HIRAM, or The TEMPLE of FREEMASONRY: A SERMON preached before the Provincial Grand Lodge of Suffolk . . . 1861, on the Installation of Col. ROBERT ALEXANDER SHAFTO ADAIR, M.W.P.G.M., 16 pages, wrappers, Ipswich [ca. 1861]* 18/-
- 948 SANDYS (WILLIAM) *A SHORT VIEW of the HISTORY of FREE-MASONRY, [From times anterior to the formation of Grand Lodge until the Union of 1813], 1829* 18/-
- 949 [SCHENCK (F.) and M'FARLANE (?)] *The BOOK of ORNAMENTAL, ARCHITECTURAL, and MONUMENTAL DESIGNS, RARE ALPHABETS, etc., containing also [4] DRAWINGS of the JEWELS in use by the GRAND LODGES of ENGLAND and SCOTLAND (2 of the plates in colour); with Explanatory Index, 36 lithograph plates in all, 4to. boards, cloth back (binding cracked and soiled), Edinburgh [ca. 1870]* £11/15/-
- 950 SCHMIDT (EUGEN W.) *VADEMECUM FÜR FREIMAURER; Zugleich ein beiträg zum Freimaurerischen Fakt, Leipzig, 1925* 10/-
- 951 [SCOTT (JONATHAN)] *THE POCKET COMPANION and HISTORY of FREEMASONS, containing their Origins, Progress, and Present State: An Abstract of their Laws, Constitutions, Customs, Charges, Orders and Regulations, for the Instruction and Conduct of the Brethren [etc.], FIRST EDITION, frontispiece after the design of the author, engraved by I. P. BORTARD, old calf (repaired at joints), Printed for J. Scott . . . and Sold by R. Baldwin, 1754* £10/10/-  
Wolfstieg, 781.
- The History written for this edition is said to be the work of the Rev. John Entick and is almost identical to that which appeared in the 1756 edition of the Constitutions compiled by him.
- 952 [—] *SECOND EDITION, Revised, corrected and greatly enlarged throughout, and continued down to this time in all its Parts, engraved frontispiece, old rebacked calf (inner joints strengthened with linen; some scribbling on verso of frontispiece), Printed for R. Baldwin, P. Davey and J. Scott, 1759* £7/-/-  
Wolfstieg, 781 (ii).
- This is the first of Scott's Pocket Companions to have the List of Lodges.
- 953 [—] *THIRD EDITION, Revised and Corrected [etc.], engraved frontispiece, old rebacked calf, Printed for R. Baldwin, W. Johnston, B. Laro and Co. and J. Scott, 1764* £8/15/-  
Wolfstieg, 781 (iii).
- This edition varies but little from the second edition. The Dedication, Preface and Advertisements are omitted but the List of Lodges now continues down to No. 307 warranted 28th Nov. 1763.
- : vide PRINCIPLES and PRACTICE (The), ante.
- 954 SCOTT (LEADER [pseud. of LUCY E. BAXTER]) *THE CATHEDRAL BUILDERS, the STORY of a GREAT MASONIC GUILD, with 80 illus., roy. 8vo. 1899* £3/3/-
- 955 — *SECOND and BEST EDITION (with a New Preface), identical illus., roy. 8vo, 1899* £3/15/-
- The best work on the Comacines.
- 956 *SECRET REVEALED !! (THE) and the MYSTIC BEAUTIES of FREEMASONRY DEVELOPED !!, by an ANCIENT BROTHER, boards, uncut (spine defective), Printed for G. & W. B. Whittaker, 1820* £4/10/-
- 957 — *ANOTHER COPY, a little shorter, and some slight stains, contemp. roan, ibid., 1820* £3/10/-
- This work appeared with alternate titles as "Beauties of Freemasonry," London, 1820 and as "The Mystic Beauties of Freemasonry Developed !!," printed at Salem (America) 1822, and are entered under those titles by Wolfstieg, No. 3614. All issues have 108 pages plus title.

- 958 **SCOTLAND** (GRAND LODGE) CATALOGUE of BOOKS and MANUSCRIPTS in The Library at Freemasons' Hall Edinburgh, [Compiled by the Rev. Dr. GLASSE, Chairman of the Library Committee], *Edinburgh*, 1906 18/-
- 959 **SCOTT** (CHARLES) THE ANALOGY of ANCIENT CRAFT MASONRY to NATURAL and REVEALED RELIGION, with portrait and 4 plates (unnewhat foxed), (binding shabby, front cover detached), *Philadelphia*, 1849 15/-
- 960 **SECRETS** (The) of the FREE-MASONS REVEALED by a DISGUSTED BROTHER, containing An ingenious Account of its Origin, their Practices in the Lodges, their Signs and Watch-words, their Proceedings at the Making of a Mason, . . . to which is added the favorite Song of the Masons as Sung in every Lodge, EARLY XIXTH CENTURY MANUSCRIPT transcription from the rare mid-eighteenth century publication. Title and 25 pages, legibly written, the paper with water-mark date of 1806, sm. 4to, wrappers [ca. 1810] [SOLD]
- Vibert notes only a second edition of the published book Printed by J. Scott in 1759; the United G.L. Library Catalogue records having only a sixth Edition, same printer, ca. 1762. Not in Wolfstieg.
- SEPTCHÈNES** (JEAN DE), *vide* COLLIN de FLANCY (JACQUES), ante.
- 961 **SETHOS**.—[TERRASSON (L'ABBE JEAN)] SETHOS, HISTOIRE ou VIE tirée des MONUMENTS ANECDOTES de l'ANCIENNE EGYPTÉ, traduite d'un Manuscrit Grec, PREMIERE EDITION, 2 folding maps, 3 vols., contemporary French calf, gilt backs, *Paris*, 1731 £3/10/-
- 962 ——— NOUVELLE ÉDITION, revue et corrigée sur l'exemplaire de l'Auteur, 2 vols., *ibid.*, 1767 £2/-
- This work is mentioned in Kenning's *Masonic Cyclopaedia*. It also forms the subject of an article by R. E. Wallis-James in the *Transactions of the Manchester Association for Masonic Research*, vol. 15, pages 43 to 60.
- 963 **SICKELS** (DANIEL) THE GENERAL ARTIFAN REZON and FREEMASON'S GUIDE: containing Monitorial Instructions in the Degrees of E. A., F. C., and M.M., with Explanatory Notes, etc., Page 405/6 of Appendix Imperfect, portrait and illus. (binding a little worn), *New York*, 1873 15/-
- 964 **SIMONS** (JOHN W.) A FAMILIAR TREATISE on the PRINCIPLES and PRACTICE of MASONIC JURISPRUDENCE (backstrip frayed), *New York*, 1864 12/6
- 965 ——— ANOTHER EDITION, with a portrait, *ibid.*, 1873 15/-
- 966 [SKETCHLEY (JAMES)] THE FREE MASONS REPOSITORY, containing a Selection of Valuable Discourses, Charges, Rules, Orders, Aphorisms, and Letters: particularly one from Omdit ul Omrah Bahauder, son of the Nabob of Arcot, and other Pieces belonging to the Fraternity: to which is added, a Variety of Anthems, Odes, Songs, Poems, . . . also the SECRET WAY of WRITING used AMONG MASONS, engraved frontispiece (a little frayed in outer blank margin and backed: wrongly inserted between pages 16/17 of the Songs which are separately paged at end), modern boards, cloth back, *Birmingham*: Printed by and for J. Sketchley . . . [ca. 1786] £10/10/-
- For a reference to this scarce work and the date of its publication see the note by S. J. Fenton, in *A.Q.C.*, Vol. 50, page 183. Vibert, "Rare Books of Freemasonry" gives date as [? 1794].
- 967 **SLADE** (ALEXANDER) THE FREE-MASON EXAMIN'D, or the World brought out of Darkness into Light . . . FIFTH EDITION, with Additional Notes [ca. 1758], reprint, 24 pages, boards [1907] £1/-
- This work is, in a sense, a parody of the spurious rituals, set out in catechism form, and intended as a counter to Pritchard's "Exposure," and such works.
- "The date of the fifth edition is given on the cover of this reprint as 1740, but this is an error . . ."—Vide article by John T. Thorp, page 95, Vol 20, "A. Q. C."
- 968 **SMITH** (CAPT. GEORGE, Prov. G.M. for the County of Kent) THE USE and ABUSE of FREE-MASONRY; a Work of Great Utility to the Brethren of the Society, to Mankind in General, and to the Ladies in Particular, FIRST EDITION, calf, rebounded, *Printed for the Author*, 1783 £7/10/-

Wolfstieg, 37237; Kloss, 453.

The Grand Lodge of the period would not give official sanction to the work, but nevertheless it had a large sale.

It includes accounts of the History and Progress of Freemasonry in the continents of Europe, Asia, Africa, and America.

This learned treatise taken in conjunction with Pritchard's "Masonry Dissected" is supposed to have furnished Tom Paine with materials for his notorious "Essay on Freemasonry."

- 969 **SMITH** [J. F.] *AMY LAWRENCE, the FREEMASON'S DAUGHTER* [A Novel], illus., roy, 8vo, [1863] £1/-/-
- 970 **SMITH** (W., a Free Mason) *THE FREE MASON'S POCKET COMPANION: Containing the History of Masons and Masonry; the Charges given to a Free Mason; General Regulations for the Use of Lodges; the Manner of Constituting a new Lodge; Charges given to a new Brother; a Collection of Free Masons Songs, &c.; Prologues and Epilogues spoken at the Theatres to Entertain Free Masons; An Exact List of Regular Lodges. SECOND ISSUE of the FIRST LONDON EDITION, frontispiece by T. WORLINGS engraved by J. CLARK, contemp. calf, neatly rebacked, Printed for John Torbuck . . . 1736* £28/-/-  
 Wolfstieg, 768. Collation: (vi) + 116 pages, plus two leaves of adverts dated December 12th, 1734 and which are necessary to the collation as they complete signature Q. The first issue of the first London edition was printed for E. Rider, 1735, and in the same year an edition was printed at Dublin.
- 971 ——— *SECOND EDITION, with large Additions, Containing [in addition to the former contents] AN ODE, by MR. [JOHN] BANKS, on MASONRY; and A DEFENCE of MASONRY, Occasioned by a PAMPHLET [by SAMUEL PRITCHARD] call'd MASONRY DISSECTED; neatly rebound in old style sheep, ibid., 1738* £18/-/-  
 Wolfstieg, 769. Collation: Title + 120 pages (last blank). This edition, the second published by Torbuck is the third of the London editions. No frontispiece was done. Two issues of 1738 appeared. The above is the first of these having on title the misprint XI for IX in the List of Contents.
- 972 **SMITH** (WILLIAM, M.A., *Provost of the College and Academy of Philadelphia*) *A SERMON, preached in CHRIST-CHURCH, PHILADELPHIA before the Provincial Grand Master [the Right Worshipful W. ALLEN], and General Communication of FREE and ACCEPTED MASONS, on Tuesday the 24th of June, 1755, being the Grand Anniversary of St. John the Baptist, 16 pages, unbound, Philadelphia Printed: London, Reprinted for R. Griffiths . . . [1755]* £9/8/-  
 The Sermon was based upon 1 Peter, ii, 17 "Love the Brotherhood, Fear God, Honour the King."  
 An account of this Sermon is contained in the Franklin Bi-Centenary Celebration Memorial Volume published by the Grand Lodge of Pennsylvania, 1906, page 146.
- 973 **SOANE** (GEORGE) *THE CURIOSITIES of LITERATURE and the BOOK of the MONTHS, SECOND EDITION, with frontispieces, and vignettes on titles, 2 vols, 1849* 18/-  
 Contains a Chapter on Rosicrucianism and Freemasonry. Vol 2, pp. 35/95.
- 974 **SOMERSET MASTERS LODGE, No. 3746.—TRANSACTIONS, Edited by G. Norman, E. Lewis, and H. Hiram Haller, from 1915/16 to 1937, parts 1 to 23 (wanting parts 16, 17, and 20, for 1930, 31, and '34), illustrated, 20 parts, wrappers, Bath, 1916-38 £8/10/-**
- 975 ——— *TRANSACTIONS, part 9, 1923; part 11, 1925; part 21, 1935; and part 30, 1944, wrappers* each 8/-

## SONGS.

- 976 **AGAPES DE LA PALESTINE: RECUEIL de CHANSONS** [a Collection of 33 Songs (without music) preceded by a List of "Membres fondateurs et autres"], lithographed, wrappers, [Paris] 1841 £1/5/-
- 977 **ANSCHUETZ** ([JOHANN] A[NDREA]) *MARCHE des FRANCES MAÇONS à COBLENCE, composée par, title and 1 leaf music, oblong 4to, unbound, Bonn et Cologne [ca. 1780]* £1/1/-
- 978 **BRETHREN'S COMPANION** (THE) or the *MASONIC SONGSTER: CHOICE SONGS* [64 Songs, with Index], unbound (remains of front wrapper; waterstains and some corners dog-eared), Edinburgh; Printed by and for Oliver & Boyd, Netherbow [ca. 1820] £1/10/-
- 979 **COLLECTION** of 84 Songs, composed by Dr. ARNE, Mr. JEFFERYS, GEORGE SHERRILL, Mr. TRAVERS, G. A. STEVENS, GEORGE KIRSHAW, Mr. DIBDIN, Mr. DUPUIS, R. TAYLOR, THEODOR SMITH, Mr. LOCKMAN, Wm. YATES and others, margins of a few songs defective, in one volume, folio, half morocco, [ca. 1780 etc.] £6/15/-  
 Includes "A Mason's Song" commencing: Arise and sound thy Trumpet Fame, Freemasonry aloud proclaim; "An Ode to Masonry, or the Fellow Crafts Song"; "A New Bucks Song."

- 980 **CLARK** (RICHARD, *Compiler*) **THE FIRST VOLUME** of POETRY; Revised, Improved, and Considerably enlarged, containing the Most Favorite Pieces as performed at The Noble-men and Gentlemen's Catch Club, the Glee Club . . . THE LODGE of ANTIQUITY, THE SOMERSET HOUSE LODGE, THE LODGE of INVERNESS, and the LODGE of PRUDENCE, [etc.], binder's cloth, 1824 £1/5/-  
The Masonic Songs comprise "An Ode," p. 32; "Glee," p. 91 and "Glee," p. 330. Although designated "First Volume" the book is complete, with Index, xxviii pages, the text ends on page 512 with the word "Finis" and having the imprint at foot of the page.
- 981 ——— **RE-ISSUE** [to which is added] A CONTINUATION of the WORDS of the GLEES, CATCHES, ROUNDS, &c., not inserted in Mr. CLARK'S SECOND VOLUME; chiefly selected from the MS. and Printed Collection belonging to the Glee Club, edited by MR. LESTER 1833 (Separate title with different imprint but continued as pages [513] to 766), followed by XL page Index covering both parts, 2 vols. in one, old calf, g.c. (1824)-33 £1/15/-  
The first part although retaining date 1824 on title, being a verbatim reprint, was published with the continuation in 1833.
- 982 **COLLECTION** (A) of FAVOURITE SONGS adapted for the Voice, Harpsichord, Violin, Guitar or German Flute; to which is added a Duett for Two Violins, composed by W. SHIELD; Title + Leaf of Subscribers' Names + 18 pages of Songs with Music, followed by 18 pages of Another Collection of Music and Songs, and a MS. Song at each end of the volume, in all 20 Songs, thin folio, contemporary half calf, *Printed for the Author, at Mr. Thorne's, Durham* . . . [ca. 1795] £3/10/-  
Contains a 2-page "Eulogium on Masonry, the words by Brother Hartley."
- 983 **CROGER** (F. JULIAN) **THE MASONIC MUSE: Amusement with Music**, . . . written and composed, for the Use of the Craft, thin roy. 8vo, 1880 10/-
- 984 **DRESSLER** (ERNST CHRISTOPH) **LIED allen Brüdern und LOGEN der STRICKTEN OBSERVANZ** (Words and Music), 4 pages, unbound, *Cassel*, 1778 £1/5/-  
Wolfstieg, 33440.
- 985 **FREE-MASONS' MELODY** (The), being a General COLLECTION of MASONIC SONGS, . . . (chiefly adapted to Familiar Tunes) containing the largest number hitherto published, and many that have never before been printed. To which are added, The Royal Free-Masons' Charities, a LIST of the OFFICERS of the UNITED GRAND LODGE, with the REMARKABLE OCCURRENCES in MASONRY, and a LIST of LODGES down to the PRESENT TIME, By the BRETHREN of PRINCE EDWIN'S LODGE No. 209 [now No. 128] Bridge Inn, Bury, Lancashire, neatly rebound in old style sheep, *Bury: Printed and Sold for the Society, by R. Hellaway*, 1818 £5/5/-  
Has the Errata leaf but lacks the half-title.
- 986 **GARFORTH** (W.M.) **THE MASONIC VOCAL MANUAL**, comprising SONGS, DUETS, GLEES, &c., together with valuable Masonic Information, publisher's morocco, emblematically gilt, *Hebden-Briggs [Yorks]*, 1852 £1/10/-
- 987 ——— ANOTHER COPY, (spine defective), *ibid.* [1852] 18/-
- 988 **GARLAND** (A) of New SONGS; THE STORM, by MRS. ROBINSON; A FREE MASON'S SONG; MY BYE and BETTY MARTIN, *woodcut vignette on title*, folded sheet of 8 pages, 12mo, *Newcastle upon Tyne: Printed by J. Marshall* [ca. 1812] £1/1/-
- 989 [GOETZ (WILHELM FRIEDRICH)] **AUSWAHL von LIEDERN für die FREIMAURER-LOGE BALDWIN zur LINDE in LEIPZIG**, boards [Leipzig] 1824 £1/10/-  
Wolfstieg, 40014.
- 990 **GOOCH** (RICHARD) **THE NEW MASONIC MELODIST; or, FREEMASON'S VADE-MECUM** of ORIGINAL and SELECT SONGS, &c., &c., adapted to popular tunes, FIRST EDITION, *Bolton*, 1836 £1/-/-  
The author was a member of Anchor and Hope Lodge, No. 44 (now No. 37).
- 991 **HALE** [or rather HALL] (THOMAS, of Darnhall, Cheshire) **SOCIAL HARMONY: a Collection** of Songs and Catches, in two, three, four and five parts, from the Works of the most eminent Masters [PURCELL, MORLEY, HAYES, &c.]; to which are added several Choice Songs on Masonry, FIRST EDITION, in Three Parts and a Supplement (each with separate pagination), engraved title skilfully re-margined, roy. 8vo, half calf, *No place or printer*, 1763 £10/10/-  
A good copy with the 18 page List of Subscribers and leaf of Errata. The Third Part has been misbound before Part Two.
- 992 ——— ANOTHER COPY, FIRST EDITION, with the List of Subscribers and Errata but wanting Contents leaf to part 3, contemp. sheep (binding worn), *ibid.*, 1763 £7/10/-

- 993 **HALE (THOMAS) SOCIAL HARMONY, SECOND EDITION, engraved title and text somewhat soiled from use, old calf, Printed and Sold by James Lister . . . Moorfields [176—] £8/-**  
This is the edition, with the imprint, which Wolfstieg, 39706 dates as 1763 but gives up collation. It is virtually the sheets of the First Edition, omitting the List of Subscribers and the Errata leaf, although the errata remain unaltered, but with a new title-page which is undated.
- Both first and second editions have six Masonic Songs.
- 994 ——— **THIRD EDITION, with Additions and Alterations, engraved title, neatly rebound in half calf, Printed and Sold by Longman and Broderip [ca 1770] £8/-**  
In this edition the Supplementary Songs are now incorporated into the Three Parts and the pagination is continuous. The six Masonic Songs are now together in Part One. Previously the first three were in Part One and the last three were contained in the Supplement. There is also now added a seventh Masonic Song: A Masons Song for 2 voices, commencing "Check the growing idle passion" [author not given].
- 995 **HERZOG von KURLAND (KARL).—MAURERISCHES FREUDENLIED. Zur glücklichen Genesung Sr. Königl. Hoheit des HERZOGS CARL zu CURLAND, von den beiden G. u. V. Logen zu den 3 Schwerdtern und wahren Freuden in Dresden, 4 pages and folding sheet of Music, sm. 4to, unbound [Dresden], 1788 £2/10/-**  
Wolfstieg, 16545.
- 996 **HOBBS (J. W.) MONODY (composed expressly for, and performed at, a Morning Concert at Watford, for the Benefit of the Orphans) Set to Music and PUBLISHED for the BENEFIT of the FOUR ORPHAN CHILDREN of Bro. JOHN WILSON, late a Member of the WATFORD LODGE of FREEMASONS, Dedicated to the Members of the Lodge, vignette title, 8 pages, folio, wrappers [ca. 1875] £1/10/-**  
Probably relates to Lodge No. 404, then and now meeting at Watford.
- 997 **HOLDEN (S.) A SELECTION of MASONIC SONGS &c., arranged with Choruses in Parts [with the Music], respectfully dedicated to the Brethren of the Most Ancient & Honourable Fraternity of Free and Accepted Masons, FIRST EDITION, title, plus 100 pages, engraved throughout, contemp. half sheep, Dublin, Printed by S. Holden [ca. 1802] £0/10/-**  
Wolfstieg, 39632; Kloss, 1686.  
This copy has as engraved frontispiece the trade card of James Brush & Son, Masonic Jewellers to the G.L. of Ireland. It is evident that they acted as retail agents for the sale of this work.
- 998 **[HOLTROP (W.) GEZANBOEK VOOR VRIJMETSELAAREN, frontispiece, original blue boards, gilt (slightly rubbed at joint), Amsterdam, by J. S. Van Ervelde Holtrop, 1806 £1/15/-**  
The dedication is signed W. Holtrop. Wolfstieg (Supplement), 10092.
- 999 **JACQUELIN (JACQUES ANDRÉ) La LYRE MAÇONNIQUE, EPREUVES aux FRANCS-MAÇONS et a leurs SOEURS pour l'An. 5812 [1812] QUATRIEME ANNEE (title-page dust soiled), wrappers, uncut, Paris, 1812 £1/-**  
Wolfstieg, 39924.  
Complete in itself, although one of a series which came out over four years, 1809-1812.
- 1000 ——— **Le CHANSONNIER FRANCO-MAÇON, composé de Cantiques de Banquet, Échelles D'Adoption, Rondes, Vaudevilles, Chansons, et Couplets. PREMIER EDITION, wrappers, uncut, ibid., 1816 £1/15/-**  
Wolfstieg, 39985; Kloss, 1677.
- 1001 **JOUENNE (F. T.) CANTIQUES MAÇONNIQUES, imprimée par ordre de la [loge] de Thémis, suivi d'un Appendice et d'un ESSAI HISTORIQUE sur la FRANCO-MAÇONNERIE à CAEN, CINQUIEME EDITION, wrappers, Caen, 1859 12/6**
- 1002 **LYRE MAÇONNE ou RECUEIL CHOISI des Plus JOLIES CHANSONS, Dédiées à M. Le M—— de G—— Grand-Maitre des Loges Jaunes dans les Pays-Bas, contemp. calf (worn), Jerusalem chez Raphael, a L'Enseigne de la Ville de Nazareth, [? Paris], 1762 £3/3/-**  
Wolfstieg, 39713, says that the work is rare and was published without music to the songs.
- 1003 **MASQUE (THE) A NEW and SELECT COLLECTION of the BEST ENGLISH, SCOTCH, and IRISH SONGS . . . NEW EDITION, frontispiece engraved by GRAVELOT, old sheep (binding shabby), Printed for Richardson and Urquhart [ca. 1765] £1/6/-**  
Ends with Song No. 331; lacks the list of Toasts and Sentiments. Has all the 10 Masonic Songs which appeared in this publication.

- 1004 **MELODIA MASONICA**: Four Songs and a Trio, viz. "The Entered Apprentice," "The Secret," "Let Masonry from Pole to Pole," "Now Brothers, Lets with One Accord," and "Hail Mysterious Glorious Science," partly composed and arranged by Bro. CHARLES H. PURDAY, 12 pages, roy. 8vo, wrappers, *Bloombury* [ca. 1860] £1/10/-  
Wolfstieg, 39666 who had not seen this item cites it from an entry in "A Catalogue of Valuable Collection of Books" apparently undated.
- 1005 **NAUDOT (JEAN JACQUES) CHANSONS NOTÉES** de la très vénérable CONFRÉRIE des FRANCES MAÇONS; Précédées de quelques Pièces de POÉSIE convenables au sujet, et d'une Marche. Le tout recueilli et mis en ordre par FR<sup>re</sup> NAUDOT, PREMIÈRE ÉDITION, engraved title, 96 pages, contemp. French calf [Paris], 1737 £8/10/-  
Wolfstieg, 39684 quotes two issues of 1737. The first with separate pagination to the two parts (40 and 51 pages); the second (as described above) also with 91 pages but pagination continuous. Following page 91 there is a Table, 2 pp.; Music to the Marche des Franches Maçonnes, 2 pp.; and 1 page blank. These five unnumbered pages are not mentioned by Wolfstieg.  
Perau copied extensively from this work for the "Chansons" appended to his "L'Ordre des Francs-Maçons Trahi.
- 1006 ——— Manuscript Copy of 4 CHANSONS notées de la TRÈS VÉNÉRABLE CONFRÉRIE des FRANCES-MAÇONS, précédées de quelques pièces de poésie convenables au sujet, et d'une marche le tout recueilli et mis en ordre par frère NAUDOT, 1737 "neatly written on 106 pages, followed by two other songs written by another hand, on 4 pages, contemporary sheep, little worn, [1737] £8/-/-  
The MS. is most probably contemporary.  
It has a pencilled signature of the Rev. A. F. A. Woodford, editor of Kennings Masonic Cyclopaedia, where under article Naudet (J. F.) this MS. is mentioned.
- 1007 **PARRY (JOHN) HAIL to the CRAFT!** a Masonic Glee, Written, Composed, and respectfully Dedicated to M. W. Grand Master of the Order [H.R.H. the DUKE of SUSSEX], the R.W.M., Officers, and Members of the LODGE of ANTIQUITY, engraved with the Music, 4 pages, thin sm. folio, boards, cloth back, [ca. 1826] £1/5/-  
The watermark date in the paper is 1824.
- 1008 **PONTEUIL (T.) HYMNE MAÇONNIQUE**, Imitation d'un HYMNE GAULOIS, composé et arrangé pour le Piano-Forté par J. A. ANSCHUTZ et dédié à la Loge de COBLENZ par les Auteurs, 22 pages, engraved throughout (last page blank), 4to, unbound, Bonn [ca. 1790] £1/15/-
- 1009 **RAMSAY (ALLAN) THE TEA-TABLE MISCELLANY**: a COLLECTION of CHOICE SONGS, SCOTS and ENGLISH, EIGHTEENTH EDITION, 2 vols. in one (pagination continuous), old sheep (cracked through spine), *Edinburgh*, 1793 £1/-/-  
The Second volume commences at page 225 without a separate title-page. This section contains four Masonic Songs, viz—pages 346; 362/64; 427; and 443/44.
- 1010 **RAUTERT (FR.) MAURER-LIEDER** [a Collection of 32 Songs], wrappers, *Eilen*, 1819 £2/-/-  
Wolfstieg, 39990; Kloss, 1584.
- 1011 **RECUEIL DE CHANSONS** de la TRÈS-VÉNÉRABLE CONFRÉRIE des FRANCES-MAÇONS, précédé de plusieurs pièces de POÉSIES MAÇONNES, NOUVELLE (5e) ÉDITION, augmentée, wrappers, uncut, *Jerusalem* [Paris] 1772 £1/8/-  
Wolfstieg, 39697; Kloss, 1512.  
This work went through six editions, the last being in 1803.
- 1012 **RECUEIL DE CHANSONS**, pour la MAÇONNERIE des HOMMES et des FEMMES; [avec SUPPLÉMENT] augmenté de plusieurs Vaudevilles nouveaux, old calf, *Sophomople* [Paris] l'An de la Renaissance de Vertus, 3.5.7. [1750?] £2/10/-  
Wolfstieg, 39668.
- 1013 **RECUEIL CHOISI** de CHANSONS et de POÉSIES MAÇONNES, sm. 8vo., contemp. French calf, gilt back, a *Jerusalem* [Paris] Aux dépens de la Loge de St. Jean [ca. 1760] £2/10/-  
This edition is not given in Wolfstieg.
- 1014 ——— ANOTHER EDITION, revu, corrigé et augmenté des POÉSIES et des CHANSONS du GRAND ORIENT, et de DIFFÉRENTES LOGES, contemp. marbled paper wrappers, entirely uncut, *A L'Orient, chez Le Silence* [Paris, 1787] £2/-/-  
Wolfstieg, 39802; Kloss, 1582.

- 1015 **SMITH** (JOHN, *Grand Organist to the G.L. of Ireland*) **LYRA MASONICA**, engraved title illuminated in Gold and Colour, and 30 Masonic Songs, thin folio, cloth (worn) [ca. 1840] £3/-/-
- 1016 **STEPHEN** (A. C., *Compiler*) **MASONIC SONGS and POEMS** by Bards chiefly of the XIXth and XXth Centuries [1903] 8/8
- 1017 **TOLPUITT** (W. B., *Prot. Grand Organist for Kent*) **THE FREEMASONS' FESTIVAL MARCH and MASONIC HYMN**, Dedicated to the Rt. Hon. the Earl of Zetland . . . Grand Master of England, engraved emblematic title-page, 8 pages, folio [ca. 1865] 15/-
- 1018 **UNIVERSAL SONGSTER** (The); or **MUSEUM of MIRTH**: forming the most Complete, Extensive and Valuable Collection of Ancient and Modern Songs in the English Language, with a Copious and Classified Index [containing EIGHTY MASONIC SONGS, Serious and Humorous], **FIRST EDITION**, with 3 etched frontispieces and 84 woodcuts after George and Robert Crickshank, 3 vols. old half calf (worn and joints cracked), 1828 £2/-/-
- 1019 ——— **REPRINT**, 3 vols. cloth, gilt backs, Routledge [ca. 1880] £1/15/-
- 1020 **VIGNOLES** (J. J. [i.e. JEAN JOSEPH JONJOT]) and **DU BOIS** (?) **LA LIBRE MAÇONNIE**, ou **RÉCUEIL de CHANSONS des FRANCES-MAÇONS**, Revu, Corrigé, mis dans un nouvel ordre, et augmenté de quantité de Chansons, qui n'avoient point encore paru, avec les *Airs* Notes, mis sur la bonne Clef, tant pour le Chant que pour le Violon et la Flûte, Nouvelle Edition, Revue, Corrigée et Augmentée, vignette on title, contemp. calf, gilt panelled sides (spine a little worn and defective at head band) g.e., La Haye, chez R. van Laak, 1775 £3/15/-
- Wolfstieg, 39707 (iii); Kloss, 1515.
- In this and subsequent editions the matter which was formerly published as a supplementary volume to the 1763 edition [printed in 1765]; is now incorporated in the body of the work. Where formerly there was a frontispiece, a half-title is now substituted.
- 1021 ——— **NOUVELLE EDITION**, Revuë, Corrigée et Augmentée, vignette on title, *ibid.*, 1787; [ANONYMOUS] **RÈGLE MAÇONNIQUE**, à L'Usage des Loges Réunies et Rectifiées arrêtée au convent Général de Wilhelmsbad, **SECONDE EDITION**, 24 pages, La Haye, 1797; 2 vols. in 1, old calf (spine defective), *ibid.*, 1787-97 £4/-/-
- Wolfstieg, Nos. 39707 (vii) and 25035 respectively.
- 1022 **YATES** (EDWIN) **HYMNS, ANTHEMS, &c.** Selected by a Committee of the Brethren of St. JAMES'S LODGE, No. 482, Birmingham, 1873 12/8
- SONGS**, *vide* [DIBDEN (C.)], [GUILLEMAIN de ST. VICTOR (LOUIS)], and JACQUES (D.), *ante*.
- 
- 1023 **SPETH** (G. W.) **BUILDERS' RITES and CEREMONIES**. Two Lectures on the Folk-Lore of MASONRY, ORIGINAL EDITION, wrappers, Margate, 1893 £1/5/-
- Only a small number of copies were printed. This copy has the Author's presentation inscription on title-page.
- 1024 ——— **RE-ISSUE** by the QUATUOR CORONATI LODGE as Q. C. PAMPHLET No. 1, wrappers, *ibid.*, 1931 10/-
- 1025 ——— **Later Reprint**, wrappers, *ibid.*, 1947 5/-
- 1026 **STAPLETON** (G. H.) **THE HAND-BOOK of FREE MASONRY**: adapted for the use of Lodges, Chapters, and Conventions, and the Instruction of Individual Members of the Craft, compiled from various Authors, **FIRST EDITION**, portrait and 18 plates (those of the Tracing Boards and some of insignia nicely coloured), rebound cloth, Calcutta, 1847 £3/15/-
- Some of the blank margins have been affected by Indian insect but does not affect the text or surface of the plates.
- 1027 **STATUTS et RÉGLEMENS de la R. L. de ST.-JEAN D'ÉCOSSE**, sous le titre distinctif de JERUSALEM, Constituée à l'O.: de Paris le 11. 2. 1. 5807, 64 pages, wrappers [Paris] 1807 £1/5/-
- Kloss, 4557.
- 1028 **STATUTS et RÉGLEMENS de la R. L. de ST. JEAN** sous le titre distinctif de la RÉUNION des AMIS d'HANOVRE, élevée à L'OR. d'HANOVRE le 23. 7. 5803 (arrêtée le 30 Oct. 1803), 96 pages, wrappers [Paris] 1803 £1/-/-
- Kloss, 5297.

**STATUTS**, *vide* LA TIERCE, and **RÉGLEMENS**, *ante*.

- 1029 **STEARNS (JOHN C.)** AN INQUIRY into the NATURE and TENDENCY of SPECULATIVE FREE-MASONRY : with AN APPENDIX : to which is added, PLAIN TRUTH ; a Dialogue ; and the AUTHOR'S REASONS, FIFTH EDITION, revised and corrected, old rebounded sheep, *Utica (New York)*, 1829 £2/-
- Wolfstieg, 21687.
- The author claims that he was a member of the Champion Lodge, No. 146 and left the craft on his becoming a Christian.
- 1030 **STEVENS (JAMES)** CHIPS from a ROUGH ASHLAR "Knocked off" by the Gavel of Common Sense ; a DISCOURSE on the RITUAL and CEREMONIAL of FREEMASONRY, *portrait*, 1885 15/-
- 1031 ——— MASONIC MAP and DIRECTORY of LODGES and CHAPTERS in ENGLAND and WALES, in Colour, strongly mounted on linen and folded into a board case (little worn), 1881 12/-
- 1032 ——— UNIFORMITY of MASONIC RITUAL and OBSERVANCE, Correspondence and Opinions, with Notes and Addenda of interesting Masonic Information, 1879 10/-
- 1033 **STEWART (REV. JOHN)** MASONIC SERMON, Preached in the Parish Church, Lochlath, to the Brethren of St. Andrew's Lodge (No. 282), Tarfside, Lochlee, on the 13th December 1896, 16 pages, wrappers, *Brackin*, 1897 10/-
- 1034 **STEWART (DR. T. M.)** THE SYMBOLISM of the GODS of the EGYPTIANS and the LIGHT they throw on FREEMASONRY, with 10 plates and 7 other illus., 1927 18/-
- 1035 **STOKES (JOHN)** and **ILIFFE (J. W.)** PORTRAITS in the MASONIC HALL, SHEFFIELD, with Titles and Short Descriptions ; frontispiece and 26 portraits reproduced from the original paintings, roy. 8vo, *Sheffield Past Masters' Association*, [1928] 18/-
- 1036 **STRACHAN (JOHN)** NORTHUMBRIAN MASONRY and the DEVELOPMENT of the CRAFT in ENGLAND, with 2 plates and 4 pages of music, 1898 18/-
- 1037 ——— ANOTHER COPY, Printed wrappers, 1898 15/-
- Commencing with British, Roman, and Saxon Masonry to A.D. 1068, and followed by a Record bearing upon Craft Masonry in the Province, from 1725 to 1875.
- 1038 **STRANG (JOHN)** GLASGOW and its CLUAS : or Glimpses of the Condition, Manners, Characters, and Oddities of the City, during the past and present centuries, Second Edition, Revised, Corrected, and Enlarged, half morocco, 1857 £1/8/-
- Contains articles on Freemasonry including a chapter on "Music and Masonry in Glasgow."
- 1039 **STUKELEY (REV. WILLIAM)**, *Sometime Master of the Lodge held at the Fountain Tavern in the Strand* OF the ROMAN AMPHITHEATER at DORCHESTER [a reprint of the Original tract of 16 pages, and folding plate of Geometrical Ground plan, published, 1723 ; edited with an INTRODUCTION by E. H. DRING], thin folio, 1925 £1/6/-
- One of 200 copies, reprinted in facsimile from the Original in the British Museum for the Quatuor Coronati Lodge.
- 1040 **SUMNER (CHARLES PINCKNEY, Sheriff of Suffolk County ; Ex-Freemason)** A LETTER on SPECULATIVE MASONRY : Being an Answer to a LETTER addressed to him on that subject by the [Anti-Masonic] SUFFOLK COMMITTEE, 20 pages, *Boston, [Mass.]*, 1829 £1/10/-
- 1041 **SUPPLÉMENT** aux VRAIS JUGEMENTS sur la SOCIÉTÉ MAÇONNE. En réfutation de l'Inimulé : Le SECRÉT des FRANCES-MAÇONS, avec un Recueil de leurs Chansons, précédé de quelques Pièces de Poésie. Ouvrage Dogmatique et Moral sur différents sujets de religion, contre l'incrédulité et le dérèglement de notre siècle, PREMIÈRE EDITION (top blank margin cut away from title), wrappers, *Bruxelles*, 1754 £2/10/-
- Wolfstieg, 3594 ; Kloss, 338.
- A Refutation of the Abbe Perau's work.
- 1042 **SUSSEX (H.R.H. PRINCE AUGUSTUS FREDERICK, Duke of, Grand Master)** : MASONIC OFFERING to H.R.H. [in COMMEMORATION of COMPLETING 25 YEARS as GRAND MASTER, 1813-1838], with 2 lithograph plates illustrating the offering, 1838 15/-
- 1043 **SUTHERLAND (HENRY)** NOTES on the HISTORY of FREEMASONRY, FIRST EDITION, [*Privately Printed for the Author*], 1877 18/-
- 1044 ——— FIRST PUBLISHED EDITION [Enlarged and with an Index now added], 1881 15/-
- 1045 ——— [SECOND EDITION], 1887 10/-
- 1046 **SWANSON (PETER)** THE HISTORY of CRAFT MASONRY in BRAZIL [1834-1928] sanctioned and supervised by the Grand Council, *Rio de Janeiro* 1928 15/-

- 1047 SYDNEY LODGE OF RESEARCH, No. 290 N.S.W., TRANSACTIONS, Vols. 1, 2, and 4, 1914-15-17, *illustrated*, 3 vols., wrappers, Sydney 1915-18 £1/-/-
- 1048 TABLEAU DES FRÈRES composant la T. R. L. ÉCOSSAISE LA PARFAITU, et L'ORIENT de NANTES, (with MS. signatures of the 4 principal officers responsible for the publication) 8 pages, wrappers, Nantes 5807 [1807] £1/-/-  
Apparently not in Wolfstieg or Kloss.
- 1049 TATSCH (J. HUGO) SHORT READINGS in MASONIC HISTORY: a Concise Account of the Rise and Development of Ancient Craft Masonry, FIRST SERIES, FIRST EDITION, wrappers, Torch Press, Iowa, 1926 12/6
- 1050 TATLER (THE) or LUCUBRATIONS of ISAAC BICKERSTAFF, ESQ. [Edited by RICHARD STEELE], 4 frontispieces, 4 vols., old calf (joints weak), Printed for R. and J. TONSON . . . 1764 £1/15/-  
Contains two references to Freemasonry: their Sigas and Tokens.
- 1051 TAXIL (LEO [i.e. GABRIEL JOGAND-PASGÈS]) DER MEUCHELMORD in der FREIMAUREREI, Einzig autorisierte deutsche Uebersetzung, half cloth, Salzburg 1891 £1/5/-  
Wolfstieg, 30053 (H).  
A translation of "Les Assassins Maçonniques" 1889.
- 1052 ——— LES MYSTÈRES de la FRANC-MAÇONNERIE, *profusely illus.* by P. MÉJANEL, roy. 8vo., Paris, [1887] £2/5/-  
Wolfstieg, 30049.
- 1053 ——— YA-T-IL des FEMMES DANS La FRANC-MAÇONNERIE, ÉDITION ILLUSTRÉE—Scènes et portraits des principales sœurs maçonnées de Paris, wrappers (repaired at spine), *ibid.* [ca. 1890] 18/-
- 1054 TAYLOR (REV. GEORGE) MASONIC GATHERINGS, containing RECORDS of FREEMASONRY from the EARLIEST to the PRESENT TIME, &c., 1871 10/-
- 1055 TAYLOR (REV. ROBERT) LECTURE on FREEMASONRY, in 4 parts (being Nos. 16 to 19 of the Devils Pulpit), binder's cloth [1831] £1/-/-
- 1056 TAYLOR (SYDNEY) HISTORY of FREEMASONRY in BUXTON and LONGNOR [DERBYSHIRE], with 5 plates, roy. 8vo., Buxton, 1906 £1/-/-  
TERRASSON (Abbe JEAN) *vide* SETHOS, ante.
- 1057 TEW (THOMAS WILLIAM, J.P.) MASONIC ADDRESSES, with Some Account of his Life and Career by J. MATTHEWMAN, with 17 *illus.*, Wakefield, 1892 18/-
- 1058 ——— MASONIC MISCELLANEA: Comprising a Collection of Addresses and Speeches, also a Series of Papers by various Masonic writers; with Introduction, Explanatory and Historical Matter, Notes, &c. &c. by J. MATTHEWMAN, with 7 portraits, *ibid.*, 1895 18/-
- 1059 ——— RECORD of his INSTALLATION as Right Worshipful P.G.M. of the West Riding of Yorkshire, at Leeds, April 24th, 1885 [with Notes on Leeds Lodges], Preface and Appendix by CHARLES LETCH MASON, Leeds, 1885 10/-
- 1060 [THOMAS (FRANKLIN)] THE ETIQUETTE of FREEMASONRY, a Handbook for the Brethren treating of the right things to do upon all Occasions, Official and Social, by AN OLD PAST MASTER, FIRST EDITION, 1890 £1/1/-
- 1061 ——— SECOND EDITION, Revised, 1902 12/6  
This should not be confused with a later work by W. P. Campbell-Everdon.
- 1062 THORP (JOHN T.) FRENCH PRISONERS' LODGES: A Brief Account of Twenty-six Lodges and Chapters of Freemasons, established and conducted by French Prisoners of War in England and elsewhere, between 1756 and 1814, with 18 plates, facsimiles of original documents, seals, &c., 8vo, half calf, Leicester, 1900 18/-
- 1063 ——— SECOND and BEST EDITION, with Brief Accounts of Fifty Lodges and Chapters . . . with 41 plates, 4to, cloth, *ibid.*, 1935 £2/5/-
- 1064 ——— HISTORY of FREEMASONRY in ASHEY-DE-LA-ZOUCH, 1809-1909, being an Account of all the Masonic Bodies which have been established there during the Past Century, with 5 plates, wrappers, *ibid.*, 1909 10/-
- 1065 ——— MASONIC PAPERS; Parts 1 and 3 to 5, containing 22 Articles [comprising Biographical Accounts of Eminent Freemasons, Historical Records of Famous Lodges, and Traditional Accounts of Important Events in the Annals of Freemasonry], with 16 plates, 4 parts bound in one vol. with original wrappers bound in, cloth, *ibid.*, 1901-15 £1/15/-

1066 **THORP (JOHN T.) MASONIC REPRINTS:** Reproductions of Masonic Manuscripts, Books and Pamphlets, edited with Notes, COMPLETE SET, 14 vols., wrappers, Leicester, 1907-31 £7/18/-

Contents: (I) Pritchard's "Masonry Dissected" 1730, and "A Defence of Masonry," 1730; (II) "Bruin in the Suds," 1751; (III) "The Freemasons Accusation and Defence," 1726; (IV) "Les Fri-Maçons Hyperdrame," 1740, a translation by R. E. Wallace-James; (V) "Free-Masonry the Highway to Hell," 1768, and "Masonry the Turnpike-Road to Happiness," 1768; (VI) "The Secrets of Free-Masonry Revealed by a disgusted Brother," 1759; (VII) "The Complete Freemason, or Multa Paucis for Lovers of Secrets," 1763-64; (VIII) "A Master Key to Free-Masonry," 1760; (IX) "Rite Ancien de Bouillon," an old English Ritual, 1740?; (X) Stade, "The Free Mason Examined," 1754; (XI) "Solomon in all his Glory," 1768; (XII) Pritchard "Masonry Dissected Second Edition, 1730 (full text); (XIII) "The Cherwode Crawley MS.," circa 1720; (XIV) "Reception d'un Franc-Maçon," translation of "The Secrets of Masonry made known to all men," circa 1737.

1067 ——— Vols. 1 to 13, strongly bound in 2 vols., cloth, *ibid.*, 1907-30 £7/18/-

1068 ——— Vols. 2 to 13, wrappers, *ibid.*, 1919-30 £8/8/-

1069 ——— Vol. 2, 1919, Vol. 4, 1921; Vol. 5, 1922; Vol. 6, 1923; Vol. 11, 1928, wrappers each 10/6

1070 **THOUGHTS ON MASONRY**, being a SUMMARY on which this COMPACT is founded, by a BROTHER MASON, 8 pages, bound between a number of blank leaves for protection, old calf, rebacked, Printed at Concord N[ew] H[ampshire] by Brother M. Davis, for the Author [ca. 1796] £25/-/-

Extremely Rare unrecorded item.

Apart from its Masonic interest in the fact that freemasonry had made little progress in New Hampshire (being restricted to one Lodge at Portsmouth from 1735-1780) until 1789 when an independent Grand Lodge was formed, it is also one of the earliest books published in Concord, N.H.

1071 **THREE DISTINCT KNOCKS** (The), or the Door of the Most Ancient Free-Masonry, opening to all Men, Neither Naked nor Cloath'd, Bare-foot nor Shod, &c. . . by W— G—v—n [said to be WILLIAM O'SULLIVAN], Member of a Lodge in England at this time, 52 pages, modern boards, Dublin: Printed and sold by Thomas Wilkinson . . . [ca. 1777] £15/-/-

Page 12 carries an advertisement for the Dublin edition of Jachin and Boaz by the same publisher which appeared in 1777.

Title-page a little soiled and strengthened in lower blank margin.

The authorship of this work has been attributed alternately to W. O'Sullivan and W. Otto Vernon but there is no certainty in the case of either.

Both Kloss, 1888 and Wolfstieg, 29981 attribute the authorship to Daniel Tadpole on the strength of a sarcastic appellation made by Laurence Dermott in his second edition of the Ahimim Rezon in speaking of the unknown author.

1072 ——— **ANOTHER EDITION** (small stain on last few pages), 44 pages, stitched, uncut (small slit at inner margins caused by sewing), Printed by and for A. Cleugh, T. Hughes, B. Crosby [ca. 1805] £6/-/-

Some copies of this edition have been seen with a frontispiece as in the edition of ca. 1811, but in black, but it is absent in the above copy. Neither Wolfstieg or Thorp (Bibliography of Masonic Catechisms and Exposures) mention a frontispiece to this edition.

1073 ——— **ANOTHER EDITION**, with a frontispiece printed in blue (frayed in blank margins), 44 pages, sewn, London: Sold by the Booksellers; A. Napier, Printer (on foot of last page: A. Napier, Printer, Trongate, Glasgow) [ca. 1811] £5/-/-

1074 ——— **ANOTHER EDITION**, title plus 39 pages, modern boards, cloth back, Maidstone: Printed for C. Brown [ca. 1830] £5/5/-

The Master's Song which terminates former editions is omitted. Both this and the editions of ca. 1805 and ca. 1811 omit the third or Master's step in the diagram of the drawing of the lodge.

1075 **TREVILIAN (M. C.) A LETTER on the ANTI-CHRISTIAN CHARACTER of FREEMASONRY to the REV. WM. CRAWTHORN, D.D., Deputy-Provincial G.M. for the County of Devon; together with an APPENDIX addressed to the PUBLIC, 1849** £1/-/-

The Freemasons' Quarterly Magazine for June 1850 contains a 34-page refutation and reply to this work.

- 1076 **TOLAND (JOHN)**—**LANTOINE (ALBERT)** Un Précurseur de la Franc-Maçonnerie ; JOHN TOLAND, 1670-1722, suivi de la traduction française du PANTHEISTICON de TOLAND, wrappers, Paris, 1927 12/6
- 1077 **[TRAVENOL (LOUIS, sometimes called LEONARD GABANON)]** NOUVEAU CATECHISME des FRANCES-MAÇONS, contenant tous les MYSTÈRES de la MAÇONNERIE, éparés et réunis dans l'ancien Catechisme, dans le livre intitulé le SECRET dans FRANCES-MAÇONS, etc., . . . précédés de l'HISTOIRE d'ADONISRAË architecte du temple de Salomon ; avec de nouveaux dessins des loges de L'Apprentis, Compagnon, et du Maître. . . TROISIÈME EDITION, revuë, corrigée et augmentée des Observations de L'Auteur sur L'Histoire des Frances-Maçons, d'un Extrait critique de L'Anti-Macon [etc.], engraved frontispiece and 7 plates (including the degree ceremonies, plan of the Lodge, etc.), contemp. French calf, gilt back, Jerusalem [Paris] Pierre Mortier, MCCCC.XL Depuis le Déluge [1749] £12/-/- Wolfstieg, 29960 (iii).
- This work was later incorporated in "L'Ordre des Frances-Maçons Trahi," by Gabriel L. C. Perou.
- 1078 ——— **OUVRAGES MÉLÉES du SIEUR \*\*\***, Ouvrage en Vers et en Prose, Contenant des Remarques curieuses sur les MYSTÈRES de la CONFRATRIE des FRANCES-MAÇONS [etc.], wrappers, uncut, Amsterdam, 1775 £4/10/- Wolfstieg, 1004 ; Kloss, 299 ; Catalogue de la Bibliothèque de Grand Orient de France (1880), No. 1054.
- 1079 **[TREWMAN (R.)]** THE PRINCIPLES of FREE-MASONRY DELINEATED, FIRST EDITION [with a CORRECT LIST of the REGULAR LODGES under the CONSTITUTION of ENGLAND, alphabetically arranged under two headings "London and its Neighbourhood," and County Lodges], with plate of the medal of the Union Lodge, Exeter, old rebacked calf, Exeter : Printed (and Sold) by R. Treuman . . . 1777 £7/10/-
- 1080 ——— **ANOTHER COPY**, a little cropped in lower blank margins, frontispiece trimmed to plate line and backed to size, old rebacked calf, *ibid.*, 1777 £5/10/- Wolfstieg, 25033.
- 1081 **[TSCHOUDY (THÉODORE HENRI, Baron de)]** L'ETOILE FLAMBOYANTE, ou la SOCIÉTÉ des FRANCES-MAÇONS, considéré sous tous les aspects, 2 vols., wrappers, uncut [Paris] à L' Orient, chez le Silence [ca. 1812] £2/5/- Wolfstieg, 1288 (viii) ; Kloss, 1896.
- 1082 **TUCKETT (J. E. S.)** NOTES on FREEMASONRY in the TOWN of MARLBOROUGH [Wiltshire] 1768-1834, 42 pp., boards, Marlborough, 1910 8/-
- 1083 **TUFNELL (REV. S. JOLIFFE, Deputy Prov. G.M. Sussex)** The MASONIC DISCOURSE, delivered at the PARISH CHURCH of BRIGHTON, on Thursday, July 24th, 1823, before His Grace the DUKE of RICHMOND, P.G.M. and the Provincial GRAND LODGE of SUSSEX ; with the Prayers, and the Ode and Hymn, performed on the occasion, 48 pages, sm. 4to, unbound, Chichester, 1823 £2/10/-
- 1084 **[TURNOUGH (JOHN)]** The INSTITUTES of FREE MASONRY ; to which are added, a Choice Collection of Epilogues, Songs, &c. Addressed to the SEA CAPTAINS' LODGE, neatly rebound in old style half calf, Liverpool : Printed and Sold by Thomas Johnson, . . . 1788 £12/10/-
- 1085 ——— **ANOTHER COPY** (some stains ; blank fore-margins of three leaves defective), old calf, rebacked, *ibid.*, 1788 £9/10/-
- The book is along the lines of the Pocket Companions but with additional matter. Vibert "Rare Books of Freemasonry" does not give the Author but his name appears at the end of the Dedication.
- The Sea-Captains' Lodge was constituted at Liverpool on the 15th April, 1755, ceased 3rd Sept., 1823.
- 1086 **TWEDDELL (GEORGE MARKHAM)** A HUNDRED MASONIC SONNETS, illustrative of the Principles of the Craft, for Freemasons and Non-Masons, Stokenley, published by the Author, 1887 10/-
- 1087 **TWO CENTURIES OF FREEMASONRY** : June 24th 1717 to June 24th 1917 ; containing the Facts, Principles, Men and Literature of Freemasonry, profusely illus., wrappers, Berne, 1917 15/-
- 1088 **ULBACH (LOUIS)** PHILOSOPHIE MAÇONNIQUE, wrappers, Troyes, 1853 15/- Wolfstieg, 24133.

- 1089 **UNITED GRAND LODGE of ENGLAND** : CATALOGUE of BOOKS in the LIBRARY at FREEMASON'S HALL, London, Compiled by Order of the Grand Lodge, 48 pages, 8vo, 1888 10/-
- 1090 ——— ANOTHER COPY, with SUPPLEMENTARY CATALOGUE containing the Additions made from June, 1888, to Dec., 1895, compiled by HENRY SADLER; 48 and 94 pages, 2 vols. in one, 1888-95 15/-
- 1091 **UNITED GRAND LODGE of ENGLAND** : TUDOR CRAIG (MAJOR SIR ALGERNON, Compiler) CATALOGUE of the MUSEUM and LIBRARY at FREEMASONS HALL, UNITED GRAND LODGE of ENGLAND : Vol. 1. MUSEUM [containing the Regalia, Furniture, Jewels, Pottery and Porcelain], with 14 plates in colour, and 46 in monotone; Vol. 2. PORTRAITS and PRINTS, coloured frontispiece, with 52 plates in monotone; Vol. 3. LIBRARY, containing Books, Broad-sides and Manuscripts, with 3 coloured plates and 40 plates in monotone; printed on hand made paper, 3 vols., 4to, buckram, uncut, i.e.g., 1938 £4/10/-
- 1092 ——— Vol. 2 only, buckram, 1938 £1/10/-
- 1093 ——— Vol. 3 only, buckram, 1938 12/-
- 1094 **UNIVERSAL JOINT FREEMASONRY**.—TRANSACTIONS of the DHARMA LODGE of the Supreme Council of Universal Joint Freemasonry: Outline of the History of Modern Freemasonry and an account of the formation of the Supreme Council of Universal Joint Freemasonry, 24 pp., wrappers, Benares, 1903 12/6
- 1095 **VALLENTINE (S.)** GOSSIP about FREEMASONRY; Its History and Traditions, a Paper read to the Brethren of the Albion Lodge of Instruction, 2nd November, 1889 (reprinted from the "Freemason's Chronicle"), 42 pp., 1889 10/-
- 1096 **VERNHES (J. F.)** DEFENSE de MISMAL, et Quelques Aperçus sur les divers rites Maçonniques en France, 28 pages, wrappers, Paris, 1822 £1/15/-  
Not in Wolfstieg; Kloss, 5379.
- 1097 **VERNON (W. FRED)** HISTORY of FREEMASONRY in the PROVINCE of ROXBURGH, PERBLES and SELKIRKSHIRES, from 1674 to the Present Time, with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, portraits and other illustrations, 1893 £1/8/-
- 1098 "**VINDEX.**" LIGHT INVISIBLE, the FREEMASON'S ANSWER to "DARKNESS VISIBLE," 1952 10/6
- 1099 **WADIA (P. N.)** The POETRY of FREEMASONRY, 28 pp., wrappers, Bombay, 1893 12/6
- 1100 **WALLIS (RICHARD, A. M.)** DECENCY and ORDER the CEMENT of SOCIETY: Being a Discourse delivered before the SOCIETY of FREE and ACCEPTED MASONS, in the English Chapel at Kelso, June 24, 1769, FIRST EDITION, 32 pages, unbound, Newcastle, 1769 £2/15/-  
Not in Wolfstieg or Kloss.
- 1101 **WARD (J. S. M.)** FREEMASONRY and the ANCIENT GODS, with an Introduction by the Hon. Sir JOHN A. COCKBURN, [An APPENDIX on the BORA CEREMONY, and a BIBLIOGRAPHY], ORIGINAL EDITION, coloured fronts and 50 illus. on 48 plates, 1921 £5/10/-  
This edition contains the names of the Members of the Supreme Council 33°, pages 226-228, omitted in the later edition.
- 1102 ——— An Interpretation of our Masonic Symbols, 1948 11/6
- MASONIC HANDBOOK SERIES**, as under :—
- 1103 ——— No. 1 THE E. A.'s HANDBOOK, 1947 5/6
- 1104 ——— No. 2 THE F. C.'s HANDBOOK, 1946 5/6
- 1105 ——— No. 3 THE M. M.'s HANDBOOK, 1929 5/0
- 1106 ——— No. 4 AN OUTLINE HISTORY of FREEMASONRY, 1924 5/6
- 1107 ——— No. 5 HIGHER DEGREES HANDBOOK, 1924 5/0
- 1108 ——— The MASONIC WHY and WHEREFORE, illus. [1926] 7/6
- 1109 ——— The MORAL TEACHINGS of FREEMASONRY, 1926 5/0
- 1110 ——— The SIGN LANGUAGE of the MYSTERIES, with illuminated marginal borders to the commencement of each chapter, 136 illus. on 119 plates and 20 text-illus., 2 vols., 4to, 1928 £4/4/-
- 1111 ——— TOLD THROUGH the AGES: A SERIES of MASONIC STORIES, with 6 illus., 1926 15/-
- 1112 ——— WHO WAS HIRAM ABIFF? 1925 15/-

- 1113 **WARD** (J. S. M.) and **STIRLING** (W. G.) **THE HUNG SOCIETY** or the **SOCIETY OF HEAVEN and EARTH** [with an Introductory Essay by A. C. Haddon], *frontispieces in colour, 64 plates, and 55 tail-pieces and other designs in the text*, 3 vols., 4to, 1925-26 £6/6/-
- 1114 **WASHINGTON** (GEORGE) **PROCEEDINGS** of the **GRAND LODGE** of **PENNSYLVANIA** at its Celebration of the **SESQU-CENTENNIAL ANNIVERSARY** of the **INITIATION** of **BROTHER GEORGE WASHINGTON** into the **FRATERNITY** of **FREEMASONS**, held in the **Masonic Temple**, **Philadelphia**, 5th Nov., 1902, with numerous illus., roy. 8vo, **Philadelphia**, 1902 £1/10/-
- 1115 **WATKINS-PITCHFORD** (MAJ. R.) **THE PREDOMINANT WISH**, a **MASONIC STUDY**, *Privately Printed for the Author*, [1948] 7/6
- 1116 **WEISSE** (JOHN A.) **THE OBELISK and FREEMASONRY** according to the Discoveries of **Belzoni** and **Commander Gorringe**; also **Egyptian Symbols** compared with those discovered in **American Mounds**, coloured and other illustrations, &c., **New York**, 1880 £1/10/-
- 1117 ——— **ANOTHER COPY**, wrappers, *ibid.*, 1880 £1/1/-  
The Hieroglyphs of the American and English Obelisks, and translations into English are by Dr. S. Birch.
- 1118 **WESLEY** (SAMUEL [Eldest Brother of the Methodist Divine]) **POEMS** on **SEVERAL OCCASIONS**, **FIRST COLLECTED EDITION**, 4to, old calf, *Printed for the Author by E. Say* . . . 1736 £3/10/-  
Contains two stanzas relating to Freemasonry; the first consisting of five lines in "The Bondsmen": a Satyr, the second consisting of three lines, in "The Mastiff": a Tale. This work appears to have been unknown to E. H. Dring when he published his "English Masonic Literature before 1751."
- 1119 **WHADCOAT** (J. H.) **AN ACCOUNT** of the **WEST-YORKSHIRE EDUCATIONAL and BENEVOLENT INSTITUTION**, from its inception in **March 1896**, to **March 1906**, illustrated, 4to, *Printed for Private Circulation* [1906] 15/-  
Only 225 copies printed.
- 1120 **WHARTON** (PHILIP, Duke of) **LIFE and WRITINGS** [Comprising **The TRUE BRITON**, and **SPEECH** in the **HOUSE OF LORDS**, on the **Third Reading** of the **Bill to Inflict Pains and Penalties** on **FRANCIS [ARTERBURY]**, **Lord Bishop of Rochester**, **May the 15th, 1723**] portrait, 2 vols., contemp. calf, 1732 £2/2/-  
Wolfstieg, 19247; Kloss, 4080.  
The Duke of Wharton was the sixth G.M. of the Freemasons but only actually reigned for about 6 months in 1722.
- 1121 **WHITEHEAD** (PAUL) **POEMS and MISCELLANEOUS COMPOSITIONS**; with **Explanatory Notes** on his **Writings**, and **His Life**, written by **CAPTAIN EDWARD THOMPSON**, engraved portrait, 4to, half calf, 1777 £4/4/-  
Whitehead designed a humorous print, "Mock Procession of Masonry." In the "Life" of Whitehead by Capt. Edward Thompson this is referred to, and concludes: "So powerful was the laugh and satire against that secret Society, that the anniversary parade was laid aside from that period."
- 1122 **WHITMAN** (REV. BERNARD) **AN ADDRESS** delivered **May 30th, 1832**, at the **DEDICATION** of the **MASONIC TEMPLE** in **BOSTON [MASSACHUSETTS]**, 44 pages, binders' cloth, **Cambridge [Mass.]**, 1832 £1/8/-
- 1123 **WHO'S WHO IN FREEMASONRY** (1913-14) 1,600 entries of **Notable British Freemasons**, numerous illus., roy. 8vo, (loose in case) [1914] 10/-
- 1124 **WHYMPER** (H. J.) **THE RELIGION of FREEMASONRY**, with an introduction by **Wm. J. Hughan**, edited by **George W. Speth**, cloth (front cover chafed), 1888 £1/5/-
- 1125 ——— **ANOTHER COPY**, wrappers, 1888 18/-
- 1126 ——— : **MINUTES** of the **PROCEEDINGS** of **LODGE "ALBERT VICTOR," No. 2370, E.C.** . . . Meeting held on **31st January, 1891** [Containing an Article on **MASONIC CATALOGUES and BIBLIOGRAPHY**, by **H. J. WHYMPER**, pp. 7 to 48] 52 pages, unbound, **Lahore**, 1891 £1/5/-
- 1127 ——— **ANOTHER COPY**, boards, cloth back, *ibid.*, 1891 £1/10/-
- 1128 **WILLMORE** (FREDERIC W.) **A HISTORY of FREEMASONRY** in the **PROVINCE of STAFFORDSHIRE**, with 10 portraits, impl. 8vo, 1905 £1/5/-
- 1129 **WILLOX** (DAVID) **POEMS and SKETCHES**, with portrait, **Glasgow**, 1898 12/-  
Many of these Poems and Sketches first appeared in the pages of the "Freemason"; the book is dedicated to **W. J. Hughan**.

- 1130 WILLIAMSON (HARRY A.) NEGROES and FREEMASONRY, 24 pp., wrappers [1920] 10/-
- 1131 WILMSHURST (W. L.) The CEREMONY of INITIATION and the CEREMONY of PASSING, Two Lodge Papers prepared for Members of the Lodge of Living Stones, No. 4957, 2 vols. [1925] 10/-
- 1132 ——— The MEANING of MASONRY, TENTH EDITION, 1951 15/-
- 1133 ——— The MASONIC INITIATION, a Sequel to "The Meaning of Masonry," reprint of the original edition, 1948 15/-
- 1134 [WILSON (THOMAS)] DER ENTDECKTE MAURER, oder des Wahre Geheimniss der FREY-MAURER . . . [Title and text on opposite pages in French: LE MAÇON DÉMASQUÉ, etc.] with a plate of the Masonic Alphabet in Ciphers, contemp. half calf, Frankfurt and Leipzig [München: Strobl] 1786 69/-/-  
 Wolfstieg, 29974 (iii) gives the collation as 374 pages but does not mention the plate or the (vi) preliminary pages. This is the first German translation from the French of this exposure.
- 1135 ——— Le MAÇON DÉMASQUÉ, ou Le VRAI SECRET des FRANCES-MAÇONS, mis au jour toutes ses parties avec sincérité et sans déguisement, with 3 folding plates (few small stains but a good copy), modern half calf, gilt back, r.c., Londres [1751] 412/-/-  
 Wolfstieg, 29975; Kloss, 1882.  
 The Second Edition in French. It was first published in Berlin, 1743, translated into German as "Der entdeckte Maurer," Frankfurt & Leipzig, 1786 and into English as "Solomon in all his Glory" 1766.
- 1136 ——— SOLOMON in all his GLORY: or THE MASTER MASON, being a True Guide to the Inmost recesses of Free-Masonry, both Ancient and Modern; a minute Account of the Proceedings from an Entered Apprentice to a Past-Master, with the different Signs, Words, and Grips [Fifth Edition], illustrated with 4 copperplates . . . To which is added a Complete List of all the English Regular Lodges in the World; also Lists of Scotch and Irish Lodges . . . viii + 72 pages (some wormholes, a few slightly affecting a few letters of text), modern boards, London Printed, and Dublin reprinted for T. Wilkinson, 1777 412/10/-  
 Wolfstieg, 29975. The First Dublin Edition, a reissue of the Third London Edition of 1771. It is a translation of "Le Maçon Démasqué" published at Berlin 1743 and Londres [1751].
- 1137 ——— ANOTHER EDITION, printed in double-columns, 16 pages, cov. 8vo, unbound Glasgow: Gage & Gray [ca. 1880] 41/15/-
- 1138 [WIMPFEN (FELIX)] LE MANUEL de XÉROTIUS, wrappers, uncut, au Grand Orient [Paris], 1788 44/10/-  
 Wolfstieg, 1289; Kloss, 716.  
 Cailler, Bibliographie des Sciences Occultes, No. 11551, says "Edition originale Imprimée à 60 exemplaires. Cet ouvrage, attribué à Felix Wimpfen guillotiné en 1793, est un exposé de principes en concordance remarquable avec ceux du Spiritisme—L'auteur appartenait à la secte des théosophes, qui en ont été les précurseurs les plus directs."
- 1139 WINDISCH-GRAETZ (Le Comte Jos. NICOL de) OBJECTIONS aux SOCIÉTÉS SECRÈTES, modern half cloth, [Londres], 1789 43/3/-  
 Wolfstieg, 42784; Kloss, 3257.  
 A German edition of this work appeared in the same year. Both editions are now scarce.
- 1140 [WONDERFUL MAGAZINE and MARVELLOUS CHRONICLE or the NEW WEEKLY ENTERTAINER] An Imperfect Volume One (of 2 vols. published 1793-94) containing amongst other articles a satirical "NEW HISTORY of FREEMASONRY, from the First Grand Master the D—, to the present Time" being a parody of the Opening Ceremony, Initiation, and Entered Apprentices' Song, comprising pages 112 to 116 continued on pages 210 to 213, old calf, rebound, 1793 41/10/-
- 1141 WOODFORD (A. F. A.) A DEFENCE of FREEMASONRY (against the many and varied attacks on the Craft), First EDITION, 1874 41/5/-
- 1142 ——— SECOND EDITION, (a reprint), 1896 18/-
- 1143 ——— "FREEMASONS' SECRETS" [Early XVIIth Century Catechism], being one of the Miscellaneous Papers contained in the SLOANE MS. No. 3329, in the British Museum Third EDITION [revised with a New Preface and corrections by the Editor] with a lithograph facsimile of part of the MS., 1885 41/1/-

- 1144 **WRIGHT (DUDLEY) ENGLAND'S MASONIC PIONEERS** [Sir Robert Moray, Elias Ashmole, Dr. Richard Rawlinson, Dr. J. T. Desaguliers, Dr. J. Anderson, Martin Folkes, Dr. William Stukeley, Martin Clare, and the Hon. Charles Dillon], with 2 facsimiles and a diagram, [1925] £1/-
- 1145 **WRIGHT (JAMES [Grand Chaplain, G.L. Scotland]) A RECOMMENDATION OF BROTHERLY LOVE**, upon the principles of Christianity; to which are subjoined (pages 287-331) **AN INQUIRY INTO THE TRUE DESIGN OF THE INSTITUTION OF MASONRY**, rebound in old style boards, uncut, Edinburgh, 1786 £0/10/-  
Wolfstieg, 26222; Kloss, 495.
- 1146 ——— **THE UNION OF LOVE TO GOD AND LOVE TO MAN**, a Sermon, preached in St. Andrews Church, New Town, Edinburgh, to the Fraternity of ACCEPTED MASONS, and other hearers, assembled there on the 30th of November 1786, being the Anniversary of St. Andrew, viii + 56 pages, modern cloth, entirely uncut, Edinburgh, 1786 £6/-/-  
Not in Wolfstieg or Kloss.  
Dedicated to Francis Charteris, G.M. of the Grand Lodge of Scotland.
- 1147 **WYLIE (WILLIAM) A FEW WORDS ABOUT FREEMASONS**, 12 pp., wrappers, Haslingden, 1856 12/6  
Dedicated to Thomas Wylie, P.G.S. for West Lancashire.
- 1148 **YARKER (JOHN) THE ARCANES SCHOOLS: a Review of their Origin and Antiquity, with a GENERAL HISTORY OF FREEMASONRY and its relation to the Theosophic, Scientific and PHILOSOPHIC Mysteries**, scarce, 1909 £0/10/-  
A comprehensive view of the whole fabric of the Arcane Mysteries and their affinity with the Masonic system. The chapters dealing with the "Archaic Legends" and "Mystic Schools in Christian Time" are notable.  
—— vide ANCIENT and PRIMITIVE RITE, ante.
- 1149 **YORKSHIRE PROVINCE.—VIBERT (Lionel) YORK and the CRAFT through the CENTURIES; MAKINS (W. R.) The Founding and Early Years of the Union Lodge, No. 504 (now York Lodge No. 236); Two papers read at the 150th Anniversary of the Founding of the York Lodge No. 236**, 40 pages, wrappers, York, 1927 15/-
- 1150 ——— (NORTH and EAST RIDINGS) **MASONIC YEAR BOOKS for 1945-46-47**, 3 vols., wrappers, 1945-47 10/-
- 1151 ——— (West Riding).—**STOKES (JOHN) SOME ACCOUNT of the PROVINCIAL GRAND MASTERS of the PROVINCE of YORKSHIRE (WEST RIDING) and of YORKSHIRE from 1738-1933** with portrait of William Horton, [ca. 1934] 10/-  
**YORKSHIRE**, vide NAYLOR (REV. M. J.), ante.
- 1152 **ZABROCKI (J. COUNT DE BRODY) THE ORIGIN OF FREE-MASONRY; its mission and the epoch of its material institution**, boards, Edinburgh, 1847 £1/-/-
- 1153 **ZACCONE (PIERRE) HISTOIRE ILLUSTRÉE des FRANCES-MAÇONS**, illustrated with woodcuts, impl. 8vo, wrappers, Paris, 1867 18/-  
Wolfstieg, 3881.

## LODGE HISTORIES

(including a few By-Laws)

### ENGLISH CONSTITUTION.

(ANCIENTS AND MODERNS).

- 1154 **AIREDALE LODGE NO. 367 SHIPLEY.—POWER (THOS. E.) HISTORY of the LODGE, 1827-1927** Compiled from the Minute Books and other Records of the Lodge, publishers morocco, Bradford, 1928 £1/5/-
- 1155 **ALBANY LODGE NO. 369.—[DRURY (Dr. E. G. Dru)] RECORDS of the ALBANY LODGE, meeting at GRAHAMSTOWN, S. AFRICA, from 1828 to 1928, with 26 plates**, wrappers, Privately printed, Grahamstown, 1928 18/-
- 1156 **ALL SOULS' LODGE, NO. 170, WEYMOUTH.—MILLIDGE (Zillwood) HISTORIC NOTES of ALL SOULS' LODGE, 1767-1895**, with Preface and Introduction by Wm. J. HUGHAN, 34 plates, cloth, roan back, Weymouth, 1896 £1/5/-
- 1157 **ANCHOR AND HOPE LODGE, NO. 37, BOLTON.—NEWTON (JAMES) and BROCKBANK (F. W.) A Revised HISTORY of the "ANCHOR & HOPE" Lodge of FREEMASONS (warranted 23rd October, 1732), together with a Complete Roll of its Members from 1765**, cloth, Bolton, 1896; **SUPPLEMENTARY HISTORY, 1895 to May 1907**, wrappers, 1907; **EPITOME of the LODGE HISTORY 1732-1932**, wrappers 1932, both pamphlets by F. W. BROCKBANK, together 3 items, Bolton, 1895-1932 £1/5/-

Lodge Histories—continued.

- 1158 **ANERLEY LODGE NO. 1397.**—[DALZELL (J. G.) and LECKY (H. S.)] SIXTY-FIVE YEARS OF FREEMASONRY: A HISTORY of the ANERLEY LODGE and CHAPTER, 48 pages, roy. 8vo, wrappers, [1937] 10/-
- 1159 **ANNESLEY LODGE NO. 1435.**—BRISCOE (J. Potter) and BRADLEY (Frank) THE SEMI-CENTENARY HISTORY of the "ANNESLEY" LODGE, 1873-1923, illus., Printed for Private Circulation, Nottingham, 1923 10/-
- 1160 **ANTIQUITY LODGE NO. 2.**—RYLANDS (W. H.) and FIREBRACE (Capt. W.) RECORDS of the LODGE ORIGINAL, No. 1, now the LODGE of ANTIQUITY, No. 2. . . acting by Immemorial Constitution, with frontispieces and 17 plates, 2 vols., 4to, Privately Printed, 1928-26 £7/10/-  
Vol. 1 is the Second and revised edition limited to 200 copies; Vol. 2 was not reprinted or revised and was limited to 300 copies.
- 1161 **ANTIQUITY LODGE, NO. 178.**—BROWN (J.) MASONRY in WIGAN, being a BRIEF HISTORY of LODGE of ANTIQUITY, No. 178, originally No. 235 [warranted 26th May, 1786], with references to other Lodges in the Borough at the Close of the Last, and Beginning of the Present Century, 2 coloured plates and facsimile of summons, Wigan, 1882 18/-
- "APOLLO" LODGE, YORK [Extinct] vide HUGHAN (W. J.) ante
- 1162 **BANK OF ENGLAND LODGE, NO. 263.**—FOPE (STEPHEN A.) THE BANK of ENGLAND LODGE, its HISTORY and the LIFE WORK of its MEMBERS in PROMOTING the WELFARE of the CRAFT, 1788-1931, with 45 illus., 1932 18/-
- 1163 **BARD OF AVON LODGE, NO. 778.**—PARKINSON (J. C.) THE BARD of AVON LODGE, a RECORD [1859-1872], photo-portrait, (name cut from half-title), Printed for Private Circulation, 1872 £1/5/-  
Includes Essay "Shakespeare a Freemason." This Lodge was held at Stratford-on-Avon from 1859 to May 1872, whence it was removed to the Province of Middlesex. Now meets at Hampton Court.
- 1164 **BENEVOLENCE LODGE, NO. 336.**—ANDREW (RALPH) A CENTENARY SOUVENIR and SHORT HISTORY Constituted [under the "Antients" 1759; ["Moderns" Warrant 1790]; resuscitated at Marple, 1809; illus., roy. 8vo, [1909] £1/-
- 1165 **BOROUGH LODGE, NO. 424.**—STORY (THOMAS OLIVER) A BRIEF HISTORY of the BOROUGH LODGE and its ANCESTORS, 1834-1934, with 6 plates, roy. 8vo, Newcastle upon Tyne, 1934 12/6
- 1166 **BRITANNIC LODGE, NO. 33.**—SANDERSON (WILLIAM) TWO HUNDRED YEARS of FREEMASONRY: a HISTORY of the BRITANNIC LODGE, 1730 to 1930, with 61 illustrations, many reproduced from old prints, documents, &c., roy. 8vo, 1930 £1/10/-
- 1167 **BRITISH UNION LODGE, NO. 114, IPSWICH.**—SADD (A. H.) and MARTIN (R. L.) THE MINUTE BOOKS of the LODGE, Part 1. 1762 to 1874, compiled from the Original Records, 1932 12/6
- 1168 **BROTHERLY LOVE, NO. 329.**—COLLINS (W. BEALE, Editor) CENTENARY HISTORY, 1810-1910, An Epitome of 100 Years' MASOTIC Work of LODGE of BROTHERLY LOVE, No. 329, YEovil [with Contributions by W. J. NOSWORTHY, H. F. RAYMOND and NORMAN BUCHANAN], 18 illus. from photographs by S. G. WITCOMB, Yeovil [1910] 15/-
- 1169 **CALEDONIAN LODGE, NO. 204.**—INGHAM (ALFRED) CENTENARY RECORDS, 1802-1902, compiled and Edited from Minute Books, Manuscripts and other Sources, illus., Manchester, 1903 15/-
- 1170 **CALLENDER LODGE, NO. 1052.**—JUBILEE SOUVENIR 1865-1915: Extracts from Lodge Books, etc., illus., roy. 8vo, Manchester [1916] 10/-
- 1171 **CASTLE LODGE OF HARMONY, NO. 28.**—[MORRISON (H. W.)] A SHORT HISTORY of the LODGE . . . (constituted 22nd January, 1724/5), 1725-1925, with 6 illus., roy. 8vo, Privately printed, 1925 12/-
- 1172 **CASTLEBERG LODGE, NO. 2001, SETTLE.**—PEARSON (T. E.) FIFTY YEARS of MASONRY: Being the HISTORY of the CASTLEBERG LODGE, 1885-1935, with 3 plates of portrait groups, [ca. 1935] 10/-  
One of 100 numbered copies.
- 1173 **CAVEAC LODGE, NO. 176.**—SIMPSON (JOHN PERCY) THE ORIGIN and HISTORY of an OLD MASONIC LODGE "THE CAVEAC" [1768-1904], with 15 illus., [1906] 10/-
- 1174 **CHIGWELL LODGE, NO. 488.**—GOUGH (C.) HISTORY of the CHIGWELL LODGE, [Essex], 1838-1914, 6 plates, Privately Printed, 1914 15/-

Lodge Histories—continued.

- 1175 **CHRISTCHURCH LODGE, NO. 91.**—Sketch of the HISTORY of the LODGE No. 91 on the Register of the G.L. of New Zealand, during the First 21 years of its existence, Dec. 3rd 1893—Nov. 23rd, 1914, *illus.*, *Christchurch*, 1915 12/-
- 1176 **CONSTITUTIONAL LODGE, NO. 204.**—The RECORDS of the CONSTITUTIONAL LODGE [1793-1893], giving one or more Extracts from the Minutes in each year, from the Foundation of the Lodge, and the details of the Centenary Celebration, 37 pp., roy. 8vo, wrappers, *Beverly*, 1893 10/-
- 1177 **COPE LODGE, NO. 1357.**—[RUMSEY (WILLIAM)] CHRONICLES of the LODGE, 1871-1913 [Compiled from the Minute Books], [1913] 10/-
- 1178 **EGYPTIAN LODGE, NO. 27.**—HALE (Major M. H.) HISTORY of the LODGE, 1811 to 1911, [with Extracts from the Minutes], 1916 12/6
- 1179 **ELEANOR LODGE, NO. 1707.**—FLAMBOROUGH (PERCY W.) HISTORY of the FIRST FIFTY YEARS of the LODGE (1877-1927) [with an Introduction by A. F. CALVERT], 30 *illus.* many from old prints, wrappers, *Edmonton*, 1927 10/-  
Issued for Private Circulation at the Jubilee Meeting.
- 1180 **ELEUSINIAN MYSTERIES LODGE, NO. 103, NORWICH.**—BY-LAWS, 8 pp., wrappers, *Norwich*, 1823 15/-  
The Lodge ceased to function in 1835; erased 1853.
- 1181 **EMULATION LODGE, NO. 21.**—SADLER (HENRY) HISTORY and RECORDS of the LODGE of EMULATION, from 1723 to 1906, with 45 *illus.*, 1906 £1/15/-  
An old "Moderns" Lodge, originally meeting at the Griffin in Newgate Street. In 1769 it was named "Mourning Bush" Lodge; amalgamated with the Constitution Lodge [then No. 255] in 1780, and in 1783 became the Lodge of Emulation No. 12. It has borne its present number since 1832, and is one of the "Red Apron" [or Grand Stewards] Lodges.
- 1182 **EMULATION LODGE OF IMPROVEMENT, NO. 256.**—SADLER (HENRY) ILLUSTRATED HISTORY of the EMULATION LODGE OF IMPROVEMENT, from 1823 to 1903, with BRIEF HISTORICAL SKETCHES of its BRANCHES and OFFSHOOTS [Introduction by ROBERT CLAY SUNLOW], with 60 portraits and 8 other plates, 1904 £1/10/-  
This important Lodge of Instruction was founded on the 2nd October, 1823, by 23 Pupils of Peter Gilkes, and worked under the sanction of the Lodge of Unions No. 256, at that time No. 481.
- 1183 **EVERTON LODGE, NO. 823.**—[DAVEY (L. C.)] A HISTORY of the EVERTON LODGE, 1860-1910, with numerous Appendices, *Liverpool*, 1911 12/6
- 1184 **FELICITY LODGE, NO. 58.**—[SMITHETT (WILLIAM)] HISTORY of the LODGE of FELICITY, from 1737 to 1887, with Comments on Contemporary Events, 4 portraits and 2 facsimiles, impl. 8vo., parchment gilt, 1887 £1/15/-  
Only 200 copies printed. One of the Red Apron Lodges.
- 1185 **FIDELITY LODGE, NO. 289 [LEEDS].**—SCARTH (ALFRED) and BRAIM (C. E.) HISTORY of the LODGE, from 1792 to 1893, including a SHORT ACCOUNT of FREEMASONRY in LEEDS during the EIGHTEENTH CENTURY, and of the PROV. GRAND LODGES of the COUNTY of YORK and of the WEST RIDING of YORKSHIRE, *illus.*, roy. 8vo., *Leeds*, 1894 £1/10/-  
Only 250 numbered copies were issued.
- 1186 **FIDELITY LODGE, NO. 445, TOWCESTER, NORTHAMPTON.**—DORMAN (THOMAS P.) HISTORY of the LODGE, 1837-1908, 54 pages, wrappers, *Northampton*, 1909 10/-
- 1187 **FORTITUDE LODGE, NO. 281, LANCASTER.**—LONGMAN (H.) RECORDS of the LODGE, 1789-1889, compiled from the Minutes, viii + 90 pages, wrappers, *Lancaster*, 1895 10/-
- 1188 **FRATRES CALAMI LODGE, NO. 3781** [a Digest or Précis of the Work accomplished during 19 years], 1917-1936, by a PAST MASTER [with REPORTS of SOME of the LECTURES delivered in the LODGE, by SIR ALFRED ROBBINS, REV. J. FORT NEWTON, A. F. CALVERT, and others], binding a little waterstained, 1937 12/0
- 1189 **FREDERICK LODGE OF UNITY, NO. 452.**—MONEY (REV. W. T.) HISTORY of the LODGE, from Lodge Records and from Records in the Custody of the Grand Lodge, prepared for the Centenary, 1838-1938, *illus.*, 1938 12/0

## Lodge Histories—continued.

- 1190 **FRIENDSHIP LODGE, NO. 8.**—PLATT (WILLIAM) *The CENTENARY of the LODGE: Abstracts and Brief Chronicles of the Time, gleaned from the Genealogies, Memoirs and Correspondence of the Eighteenth Century and embodied in an Address to the Lodge*, 38 pages, roy. 8vo., [*Privately printed at the Chiswick Press*], 1867 12/6
- 1191 **GALLERY LODGE, NO. 1828.**—RECORD and REVIEW 1881-1931, JUBILEE CELEBRATION, July 18th, 1931, half morocco, 1931 10/-
- 1192 **GARDNER (F. LEIGH) BIBLIOTHECA MASONICA: a CATALOGUE of LODGE HISTORIES (ENGLAND) with a Preface by W. WYNN WESTCOTT**, 1912 62/10/-  
This is the third and concluding volume (complete in itself) of a Series entitled "A Catalogue Raisonné of Works on the Occult Sciences." Only 300 copies of this volume were printed.
- 1193 **GLOBE LODGE, NO. 23.**—SADLER (HENRY) *SOME MEMORIALS of the GLOBE LODGE [from 1723 to 1903], with a SKETCH of the ORIGIN and HISTORY of the RED APRON, with 22 illustrations*, 1904 16/-
- 1194 ——— RE-ISSUE, together with REMINISCENCES of TWENTY YEARS, 1904-1923, by W. J. K. CHANDLER, with 10 additional illus., 1904-23 61/5/-
- 1195 **GODERICH LODGE, NO. 1211, LEEDS.**—WORTS (F. R.) *HISTORY of the LODGE, the First Seventy-five Years (1868-1943), with Foreword by M. E. CLARK*, 1943 41/-
- 1196 **GRAND MASTERS LODGE, NO. 1.**—BELTON (CHARLES) *RECORD of MEMBERS from 1759 to 1897, with a BRIEF HISTORY of the LODGE compiled from the Minutes and from other Sources, SECOND EDITION, with 14 autotype portraits from photographs*, cloth, 1897 10/-
- 1197 **GRAND STEWARDS'.**—CALVERT (ALBERT F.) *The GRAND STEWARDS' and RED APRON LODGES, profusely illus.*, 1917 41/8/-
- 1198 **GRAND STEWARDS' LODGE.**—CALVERT (ALBERT F.) *The GRAND STEWARDS' LODGE, 1735-1920 [with Appendices containing List of Masters, By-Laws, &c.]*, 1920 12/6
- 1199 **GRESHAM LODGE, NO. 869 [CHESHUNT].**—GOMPERTZ (WALTER E.) *A REVIEW of the PAST TWENTY-ONE YEARS [of the LODGE], with Notes from Minutes, 1861-1881, illus., Privately Printed*, 1882 18/-
- 1200 **GREY FRIARS LODGE, NO. 1101, READING.**—PHILLIPS (G. THORNE) *HISTORY of the LODGE [1866-1910], with a Preface by EDWARD MARGRETT, with 2 plates and facsimile of the Warrant, Reading*, 1910 10/-
- 1201 **GUY'S LODGE, NO. 395, LEAMINGTON SPA.**—MELLOWS (STEPHEN) *THE HISTORY of GUY'S LODGE, 1829-1929, with 18 illus., roy. 8vo., half blue calf, Leamington Spa*, 1929 41/10/-  
Warranted 14th Feb. 1829 as No. 828 then meeting at the Bedford Hotel, Leamington.
- 1202 **GWYNEDD LODGE, NO. 5068.**—[CECIL-WILLIAMS (J. L. C.)] *THE STORY of the LODGE [1929-1949], with 6 illus. [1949]* 15/-  
Only a limited number printed for private circulation.  
This London-Welsh Lodge was formed primarily for those who hailed from North Wales.
- 1203 **HALSEY LODGE, NO. 1479.**—[DEBENHAM (E. P.)] *HISTORY of the "HALSEY" LODGE, from 1874 to 1904*, 32 pp., boards, 1904 10/-
- 1204 **HENGIST LODGE, NO. 195, BOURNEMOUTH.**—NEWNHAM [(REV. F. H.)] *HISTORY of the LODGE, 1770 to 1870; a Paper read at the Centenary Festival*, 38 pages, wrappers, Bournemouth 1870 10/-
- 1205 ——— : WHITTING (C. J.) *HISTORY of the LODGE of HENGIST, BOURNEMOUTH; ROYAL ARCH and R. CROSS CHAPTERS; MARK, BOSCOMBE, and Horsa LODGES, with numerous illus. and appendices*, 1897 18/-
- 1206 **HENRY MUGGERIDGE LODGE, NO. 1678.**—BOYCE (WILLIAM) *HISTORY of the LODGE, with an Introduction by ALFRED SLACK, illus.*, 1904 10/-
- 1207 ——— : WRIGHT (DUDLEY) *HISTORY of the HENRY MUGGERIDGE LODGE 1877 to 1927, illus., roy. 8vo., wrappers, Privately issued for Members of the Lodge*, 1927 15/-
- 1208 **HIGH CROSS LODGE, NO. 784.**—ORDISH (F. W.) *A BRIEF RECORD of the LODGE, formerly No. 1056, from 1858-1926, SECOND EDITION, revised and enlarged, with 8 illus. [1926]* 10/-
- 1209 ——— *THIRD EDITION, revised and enlarged and brought down to 1948* 15/-

- 1210 **HOPE LODGE, NO. 302, BRADFORD.**—GOTT (CHARLES) SHORT HISTORY of the LODGE of HOPE, 1794-1894, written for the Proceedings in Celebration of the Centenary, from Extracts and Particulars prepared and Compiled from Minute Books and other documents, by THOMAS C. HOPE, and CHARLES J. SCHOTT, thin 4to., wrappers, *Bradford*, 1894 12/8
- 1211 **HUMBER LODGE, NO. 57 (HULL).**—SHAW (GEORGE A.) A HISTORY of the HUMBER LODGE [1809-1909], with a CATALOGUE of the LODGE LIBRARY, compiled by WILLIAM F. LAWTON; *illus.* [1910] £1/-  
This Lodge took over by transfer an endorsed warrant of the Atholl Lodge No. 53 originally issued in 1775 consequently obtaining its "Centenary Warrant" in 1877.
- 1212 **INDEFATIGABLE LODGE, NO. 237.**—JONES (WILLIAM HENRY) HISTORY of INDEFATIGABLE LODGE, and of the Advancement of Freemasonry in Swansea, [1777-1923] with 9 plates, *Carmarthen*, 1923 18/-
- 1213 **INDUSTRY LODGE, NO. 186.**—BRADY (S. E. J.) HISTORY of the LODGE of INDUSTRY, 1788-1938, compiled in connection with the Celebration of the 150th Anniversary of the Constitution of the Lodge, 4to., [1938] 18/-
- 1214 **INTEGRITY LODGE, NO. 163.**—BEESLEY (EUSTACE B.) A REVIEW of RECORDS and FACTS relating to the LODGE, from 1766 to 1909, roy. 8vo., *Printed for Private Circulation, Manchester* [1909] 12/8
- 1215 **ISRAEL LODGE, NO. 1474, WARWICKSHIRE.**—LEVY (E. LAWRENCE) HISTORY of the "LODGE of ISRAEL," with some Impressions and Reminiscences (1874-1916), with a Foreword by the REV. A. COHEN, *frontispiece and 32 portraits* [1916]; and VOL. II, JUBILEE ISSUE (1874-1924), Foreword by the REV. A. COHEN, *frontispiece and 7 portraits* [1924], 2 vols. [*Birmingham*, 1916-1924] £1/10/-
- 1216 **JOHORE ROYAL LODGE, NO. 3946.**—BY-LAWS and HISTORY of LODGE JOHORE ROYAL, with portrait and 5 plates of facsimiles, [*Singapore*, 1922] 10/-
- 1217 **JOPPA LODGE, NO. 188.**—BIRTLES (ERNEST W.) ANNALS of the LODGE, 1789-1933, *illus.*, roy. 8vo., wrappers, *Printed for Private Circulation*, 1933 10/-  
Printer's "Advance copy," left unbound.
- 1218 **JORDAN LODGE, NO. 1402, TORQUAY.**—LANE (STANLEY H. N.) JORDAN LODGE ... 1872 to 1922, a Record of the First Fifty years of the Lodge, together with a Complete List of Members [etc.], with 14 *illus.*, *Torquay*, 1923 12/8
- 1219 **JOHNSON (G. Y.)** The SUBORDINATE LODGES CONSTITUTED by the YORK GRAND LODGE [Reprinted from A.Q.C. vols LII and LIII] 144 pages, impl. 8vo., wrappers, *Margate*, 1942 15/-
- 1220 **KENT LODGE, NO. 15.**—BUCKERIDGE (E. H.) HISTORY of the LODGE [1752-1914] SECOND EDITION, with Notes from Masonic Historians, (front end-paper missing) 1914 £1/-
- 1221 **KING HENRY THE EIGHTH LODGE, NO. 1757.**—[TOMLINSON (R. A.)] HISTORY of the LODGE, from 1678 to 1928, with a Foreword by CHARLES EDWARD KEYSER, [1928] 10/-
- 1222 **LEINSTER MARINE LODGE OF AUSTRALIA, NO. 2, U.G.L., N.S.W.**—PHILLIPS (G. W. S.) The First Hundred Years (1824-1924) of LEINSTER MARINE LODGE of AUSTRALIA, formerly No. 266, I.C., *illus.*, *Sydney*, 1924 15/-
- 1223 **LION and LAMB LODGE, NO. 182.**—ABBOTT (GEORGE) HISTORY of the LION and LAMB LODGE, 1789 to 1889, written in Commemoration of the Centenary of the Lodge, [1890] 10/-
- 1224 ———: HUGHAN (WILLIAM JAMES) HISTORY of the LION and LAMB LODGE, 192, London [1789-1894], with 31 *illus.*, [1894] £1/8/-
- 1225 **LONDON RIFLE BRIGADE LODGE, NO. 1962.**—[YATES (C. FISHER)] AN HISTORICAL RECORD of Events in The LONDON RIFLE BRIGADE LODGE, 1882-1932, with 5 *illus.*, roy. 8vo., half calf, g.e., [*Privately Printed*] [1932] 15/-
- 1226 **MOIRA LODGE, NO. 92. (CONSTITUTED 17TH JUNE 1755).**—MOIRA LODGE LEAVES, a COMPLETE SET of the 13 numbers, Commemorating the 111th to the 115th ANNIVERSARY FESTIVALS and SPECIAL MEETINGS of the LODGE, with Historical Notes, Lists of the Past Masters, Facsimiles of important entries in the Minutes, Lists of Masonic Exhibits, etc., 13 parts, forming vols 1 to 5 (all published in this series), 4to., wrappers, 1915-19 £5/5/-  
The first nine numbers were issued 7th Dec. 1915 to 23rd Oct. 1917, under the direction of and during the Mastership of Brother Robert J. Soddy, who contributed to the later numbers as a P.M.

Lodge Histories—continued.

- 1227 **MOIRA LODGE, NO. 92.** ANNIVERSARY FESTIVALS: Souvenirs of the 128th to the 135th Anniversary Festivals to Commemorate the Birthday of the Earl of Moira, from the 6th Dec., 1932, to the 5th Dec., 1939; Also SOUVENIR of an ESPECIAL MEETING to WELCOME WALTER S. HERRINGTON, G.M. of the GRAND LODGE OF CANADA (ONTARIO), 26th July, 1933; together 9 Souvenirs 8vo and roy. 8vo, unbound, 1932-39 £1/10/-
- 1228 **MOUNT EGMONT LODGE, NO. 670, NEW ZEALAND.**—WHITE (P. J. H.) SEVENTY-FIVE YEARS OF MOUNT EGMONT LODGE, NEW PLYMOUTH, NEW ZEALAND (1853-1928), with Foreword by A. DE BATHE BRANDON, and Reminiscences by ALEXANDER BLACK, Wellington, N.Z., 1929 10/6
- MOUNT LEBANON LODGE, NO. 73,** vide DIXON (JOHN) ante.
- 1229 **MOUNT MORIAH LODGE, NO. 34.**—HOWKINS (F.) The MOUNT MORIAH LODGE: being a Short Account of its History, compiled from the Minutes; together with Complete Alphabetical Lists of Members from 1783, with map, facsimile of the original warrant and 14 other illus., Leicester, 1915 £1/-/-
- An old "Atholl" Lodge originally No. 31, constituted Jan. 9th, 1754; twice defunct and revived; commencing its continuity of working from March 6th, 1783.
- 1230 **NEPTUNE LODGE, NO. 22.**—GOLBY (F. W.) HISTORY of the NEPTUNE LODGE, 1757-1909, portrait and 10 plates, Privately printed, 1910 £1/-/-
- 1231 **NEWSTEAD LODGE, NO. 55,** [now No. 47] **NOTTINGHAM.**—BYE LAWS; with Selections from the Star in the East, a Sketch of the History of Masonry, Masonic Songs and Anecdotes, etc., [Compiled by J. SMART, P.M.], frontispiece, 60 pp., Nottingham, 1839 15/-
- 1232 **NINE MUSES LODGE, NO. 235.**—AN ACCOUNT of the LODGE . . . , from its Foundation in 1777 to the Present Time, Compiled from the Minute Books and other Sources, by a Past Master of the Lodge, with 12 plates (2 of Jewels in colour), 1940 £1/-/-
- 1233 **NORTH KENT LODGE, NO. 2498.**—JENKINS (SIDNEY A.) A MASONIC JUBILEE, 1895-1944, being the Story of the first fifty years of the Lodge, illus., Printed for Private Circulation, 1944 10/6
- 1234 **OAK LODGE, NO. 180.**—TYSSEN (F. D.) The HISTORY of the OAK LODGE [1789-1870], 48 pp., boards, Printed for Private Circulation [ca. 1896] 15/-
- 1235 **OLD KING'S ARMS LODGE, NO. 28.**—[CALVERT (ALBERT)] SOUVENIR of the BI-CENTENARY MEETING, 1725-1925, by a Past Master, with Introduction by [WILLIAM WONNACOTT], Librarian of the Grand Lodge, illus., roy. 8vo., 1925 10/6
- 1236 **PEACE AND HARMONY LODGE, NO. 80.**—BELL (H. S.) A HISTORY of the LODGE, 1738-1938, illus., 1938 12/6
- 1237 **PEACE AND UNITY LODGE, NO. 314.**—BERRY (A. J.) The LODGE of PEACE and UNITY: Its History and the Significance Thereof [1797-1923], with 2 illus. and 2 folding facsimiles, [1923] 15/-
- 1238 **PERCY LODGE, NO. 108.**—COWELL (GEORGE) Some Account of the PERCY LODGE of FREEMASONS [1791-1902], printed on hand-made paper, with 6 plates, parchment boards, 1902 12/6
- 1239 **PHENIX LODGE, NO. 257, PORTSMOUTH.**—HOWELL (ALEXANDER) HISTORY of the PHENIX LODGE, 1786 to 1893—CHAPTER of FRIENDSHIP, No. 257, Originally No. 3, 1769 to 1893—and ROYAL NAVAL PRECEPTORY of KNIGHTS TEMPLAR, No. 2, 1791 to 1893, illus. with 6 colotype plates and 4 photo-blocks, 4to., Portsmouth, 1894 £2/10/-
- One of 150 numbered copies, privately printed.
- 1240 **PHILANTHROPIC LODGE, NO. 107, KING'S LYNN.**—GLASTER (J. S. B.) HISTORY of PHILANTHROPIC LODGE [1810-1910], with 22 plates, roy. 8vo., Privately printed, King's Lynn, 1911 £1/-/-
- 1241 **PHILANTHROPIC LODGE, NO. 304, LEEDS.**—MASON (CHARLES LETCH) The HISTORY of PHILANTHROPIC LODGE, 1794 to 1894, with 23 illus., roy. 8vo., Leeds [1895] £1/10/-
- One of 200 numbered copies.
- 1242 **PHENIX LODGE, NO. 84, SUNDERLAND.**—TODD (THOMAS O.) The HISTORY of the LODGE, from the Consecration 1755 to the 150th Anniversary, 1905, illus., lambskin, little rubbed, Printed for the Subscribers, 1906 16/-
- The senior Lodge of Freemasons in Sunderland. A "Matters' Lodge" from 1780-1813.

Lodge Histories—continued.

- 1243 PHOENIX LODGE, NO. 173.—[HERBERT (W. H.) and others] THE PHOENIX LODGE, 1785-1909, a Retrospect, with 4 illustrations, morocco (binding rubbed), Printed for Private Circulation [1910] 12/6  
Founded under warrant granted by the Atholl Grand Lodge.
- 1244 POMFRET LODGE, NO. 360, NORTHAMPTON.—DORMAN (THOMAS PHIPPS) A HISTORY of the 'POMFRET LODGE,' [1818-1910] with Preface by Rev. Canon S. J. W. SANDERS, with frontispiece and 19 portraits, Northampton [1910] 12/6
- 1245 PRINCE EDWIN'S LODGE, NO. 125, HYTHE.—[STANTON (E. W., compiler)] HISTORIC RECORDS, 1771-1918, Hythe [1919] 10/6
- 1246 PRINCE GEORGE LODGE, NO. 308.—CRAVEN (J. E.) AN OLD STORY RE-TOLD [An Account of Events leading to the formation of PRINCE GEORGE LODGE and its subsequent History], a Paper read before the Lodge, 30 pages, wrappers, Privately Printed, Tadmorden, 1914 12/6
- 1247 PRINCE of WALES'S LODGE, NO. 258.—[FENN (T., compiler)] LIST of MEMBERS, from the TIME of its CONSTITUTION [1787], with Notes on the Proceedings and Circumstances of Interest in connection with the Lodge and its Members—[THIRD EDITION], photo-portrait, 16 autotypes from old prints and a coloured plate, 1890 15/-
- 1248 ——— [FOURTH EDITION], with 21 autotypes and a coloured plate, 1910 £11/-
- 1249 ——— : REPORT of the INSTALLATION of His Royal Highness the DUKE of YORK as MASTER of The PRINCE of WALES'S LODGE, on the 22nd of March, 1823; to which is prefixed A Short Statement of the Origin of the Lodge, 16 pp., unbound [1823] £1/1/-
- 1250 PROBITY LODGE, NO. 61.—CROSSLEY (HERBERT) HISTORY of the LODGE [1738-1888]; together with AN ACCOUNT of the FORMATION of the PROVINCIAL GRAND LODGE of WEST YORKSHIRE and the LODGE of PROMULGATION, with 10 plates, roy. 8vo., Published by the Lodge, 1888 £1/-
- 1251 ——— : HANSON (T. W.) THE LODGE of PROBITY, 1738-1938, with a Foreword by the EARL of HAREWOOD, P.G.M., with 30 illus., Halifax, 1939 £1/15/-
- 1252 PROSPERITY LODGE, NO. 85.—FERRY (C. E.) A HISTORY of the LODGE of PROSPERITY [1810-1884], portrait, 1884 10/-
- 1253 ——— SECOND (AND BEST EDITION), with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, illus., Published by the Author, 1893 18/-  
This lodge was warranted in 1810, purchasing the old "Atholl" warrant which had been issued to Lodge No. 68 on the 15th February, 1758, and ceased to exist in 1762.
- 1254 ——— : SOUVENIR of the One Hundred and Twenty-Fifth Anniversary of The LODGE of PROSPERITY, 1810-1935, with folding facsimile of the Warrant, 32 pp., rosiné gilt, [1935] 10/-
- 1255 RAVENSCROFT LODGE, NO. 2331, HERTFORDSHIRE.—MCREA (SIR CHARLES J. H.) A RESUMÉ of the FIRST FIFTY YEARS [1889 to 1939], with Foreword by SIR LIONEL HALSEY, P.G.M., illus., 4to., 1939 15/-
- 1256 RICHMOND LODGE, NO. 2032 [SURREY].—[JONES (J. G.)] The RICHMOND LODGE, founded 25th March, 1884: Record of Fifty Years [and Early Masonry in Richmond], illus., 48 pp., [Richmond, 1934] 10/-
- 1257 RILEY (J. RAMSDEN) THE YORKSHIRE LODGES: A CENTURY of FREEMASONRY [with an Introduction by W. J. HUGHAN], with 5 plates of Lodge and Chapter Seals, and a facsimile of Provincial Grand Lodge Quarterly Communication, 4to., cloth, g.e., Leeds, 1885 £1/5/-
- 1258 ——— ANOTHER COPY, red morocco gilt, g.e., ibid., 1885 £1/15/-  
Contents: Part 1. The Yorkshire Lodges, 1729-1829; Part 2. A Complete List of Yorkshire Lodges, 1729-1884, and a List showing the Changes of Number from 1740 to the last enumeration in 1863.
- 1259 ROYAL LODGE, NO. 207, Dist. No. 1, KINGSTON, JAMAICA.—LEON (EML. X.) The HISTORY of The ROYAL LODGE, Constituted on the 3rd September, 1789, No. 699, by the Grand Lodge of Ireland; Re-constituted on the 10th May, 1794, No. 283, by the Grand Lodge of the "Ancient" Freemasons of England, 46 pp., wrappers, Jamaica, 1894 12/6
- 1260 ROYAL ALPHA LODGE, NO. 16.—CLERKE (COL. SHADWILL) HISTORY of the LODGE [tracing its descent from the five old Lodges which at different periods since 1722 amalgamated] with List of Masters and Members since 1818, [Privately Printed], 1930 12/0

Lodge Histories—continued.

- 1261 **ROYAL BRUNSWICK LODGE, NO. 296, SHEFFIELD.**—KNOOP (DOUGLAS) STORY of the LODGE, 1793-1943, printed for the 150th Anniversary of its First Meeting, illus., 52 pages, roy. 8vo., boards, cloth back, 1943 12/6
- 1262 **ROYAL KENT LODGE of ANTIQUITY, NO. 20, CHATHAM.**—WHYMAN (HERBERT F.) HISTORY of the LODGE, [1723-1909], with an Introduction by W. J. HUGHAN, illustrated, 4to., Maidstone, 1910 11/-
- 1263 ——— ANOTHER COPY, binding waterstained, *ibid.*, 1910 15/-  
The senior Lodge of the Provinces, by date of constitution and enumeration.
- 1264 **ROYAL SOMERSET HOUSE AND INVERNESS LODGE, NO. 4.**—OXFORD (REV. ARNOLD WHITAKER) An Introduction to the History of the Lodge, acting by Immemorial Constitution, with 22 illustrations, 4to., buckram, 1928 11/18/-  
Only 320 numbered copies issued.  
This old Lodge originally meeting at the "Rummer and Grapes" in 1717 was one of the four old Lodges which founded the "Moderns" Grand Lodge. It was named the Old Horn Lodge in 1767; Somerset House Lodge in 1774; and received its Present title in 1828.
- 1265 **ROYAL SUSSEX LODGE, NO. 402, NOTTINGHAM.**—[COLE (G.)] A HISTORY of the ROYAL SUSSEX LODGE, 1829-1937, with coloured frontispiece and 11 plates (including 4 photographic facsimiles), [1937] 12/6  
Limited Edition, each copy numbered, printed for Private Circulation.
- 1266 **ROYAL SUSSEX LODGE OF EMULATION, NO. 355, SWINDON.**—REYNOLDS (HERBERT WILLIAM) THE ANNALS of the ROYAL SUSSEX LODGE of EMULATION, 1818 to 1919, with frontispiece, [Printed] for presentation only, 1919 10/-
- 1267 **ROYAL UNION LODGE, NO. 246, CHELTENHAM.**—NORMAN (GEORGE) A SKETCH of the HISTORY of the LODGE 1813-1888, compiled from the Lodge Minutes and Contemporary Sources, with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, illus., roy. 8vo., [Cheltenham, 1888] 18/-
- 1268 **ROYAL YORKSHIRE LODGE, NO. 265, KEIGHLEY.**—RILEY (J. RAMSDEN) HISTORY of the LODGE, [1788-1888], including an Account of the Centenary Celebrations in 1888, frontispiece, Keighley, Privately Printed, 1889 10/-
- 1269 **RURAL PHILANTHROPIC LODGE, NO. 291, HIGHBRIDGE [SOMERSET].**—NORRIS (THOMAS F.) HISTORY of the LODGE 1793-1893, with Introduction by W. J. HUGHAN, Taunton, 1893 15/-
- 1270 **ST. ALBAN'S LODGE, NO. 29.**—CALVERT (A. F.) SOUVENIR of the BI-CENTENARY MEETING, [1728-1928], with 14 plates (including 6 pages of reproductions from Pine's engraved List of Lodges, 1729-64), [Privately Printed], 1928 10/-
- 1271 **ST. GEORGE'S LODGE, NO. 242, DONCASTER.**—DELANOY (WILLIAM) THE RECORDS of the LODGE [1780-1880] giving every Minute of importance from the Foundation of the Lodge and details of the CENTENARY CELEBRATIONS [with Introduction by W. J. HUGHAN], 4to., Doncaster [1881] 10/-
- 1272 "ST. GEORGE" of BOMBAY LODGE, NO. 549.—SHIELDS (ISAAC M.) HISTORY of the LODGE, 1848 to 1898, compiled from Original Sources and published by the Lodge on the occasion of its Jubilee, [Bombay, 1898] 12/6
- 1273 **ST. JAMES'S UNION LODGE, NO. 180.**—SLINGO (F. O'CONNOR) HISTORY of ST. JAMES'S UNION LODGE (1787 to 1907); with a Supplementary Chapter by R. GRAHAM MARGETSON (1907 to 1920), with 6 illus., roy. 8vo., Printed and published for the Lodge [1921] 18/-  
Originally on the roll of the 'Antients' Grand Lodge.
- 1274 **ST. JOHN'S LODGE, NO. 89, SUNDERLAND.**—MITCHELL (WILLIAM CRANMER) HISTORY of the LODGE, from 1761 to 1906, with 6 illus., Sunderland, Printed for the Subscribers [1907] 15/-  
Originally consecrated as No. 94 "Fifty First Regiment" in 1761, it remained on the Atholl List until 1804 being established in Sunderland the following year, and constituted 1806.
- 1275 **ST. JOHN'S LODGE, NO. 279, LEICESTER.**—WILLIAMS (W. MAURICE) A SKETCH of the PROCEEDINGS in Connection with the CENTENARY CELEBRATION of St. JOHN'S LODGE, and a Brief Historical Account of the Lodge from 1790 to 1890, with 4 photographic plates, Leicester, 1892 18/-

**Lodge Histories—continued.**

- 1276 ST. JOHN'S LODGE, NO. 328, TORQUAY.**—CHAPMAN (JOHN) HISTORY of the LODGE, 1810-1894, 32 pages, wrappers, [1894] 10/-
- 1277 ST. JOHN'S LODGE, NO. 579, NEWFOUNDLAND.**—EDGAR (W. J.) EXTRACTS from the RECORDS of ST. JOHN'S LODGE, No. 579, from 1848-1908; with Synopsis of the Proceedings of the Celebration of the SIXTIETH ANNIVERSARY, November 1908, by A. J. W. McNEELY, wrappers, *St. John's*, 1909 10/-
- 1278 ST. LAURENCE LODGE, NO. 2330, YORKSHIRE.**—[WEBSTER (NELSON) and SWALES (ALLISON)] HISTORY of the LODGE, 1889 to 1949, *illus.*, [1949] 12/6  
One of 300 numbered copies.
- 1279 ST. LEONARD LODGE, NO. 1768.**—AMES (JOHN) MY MOTHER LODGE, being the History of ST. LEONARD LODGE, 1878-1928, typescript, 63 pages, 4to., wrappers, [1928] 15/-
- 1280 ST. MARY'S LODGE, NO. 63.**—WINDSOR (F. A.) CHRONOLOGICAL RECORD, from the Constitution in 1757 to the Centenary Festival in 1857, continued to 1882 by WILMER HOLLINGWORTH; with a SERIES of OBSERVATIONS [in THREE LECTURES] on FREEMASONRY in GERMANY, by ERNEST E. WENDT; the whole edited and revised by GEORGE KELLY and W. HOLLINGWORTH, roy. 8vo., 1883 £1/-  
The Lectures on Freemasonry by Ernest E. Wendt were omitted in the new edition.
- 1281 ———** ANOTHER EDITION, continued to the 150th ANNIVERSARY FESTIVAL in 1907 by COLE A. ADAMS, with 6 illustrations [now first added], roy. 8vo., 1908 15/-  
Warranted 14th April, 1757 as an "Atholl" Lodge.
- 1282 ST. MARY'S LODGE, NO. 707, BRIDPORT.**—BROADLEY (A. M.) A HISTORY of ST. MARY'S LODGE (1857-1907); together with some Account of the Rise and Progress of Speculative Freemasonry in West Dorset, with 8 plates, *Bridport*, 1907 12/6
- 1283 ST. MICHAEL'S LODGE, NO. 211.**—[MORGAN (W. W., Compiler)] HISTORY of ST. MICHAEL'S LODGE, compiled from such Minute Books as have been preserved, 1881 12/6  
Warranted September 11th, 1795, as an Atholl Lodge, No. 290.
- 1284 ST. OSWALD LODGE, NO. 910.**—LORD (EDMUND) FREEMASONRY in PONTEFRAC, from Feb. 1862 to Feb. 1902, being the HISTORY of the LODGE of ST. OSWALD, No. 910, for forty years, and of the ROYAL ARCH CHAPTER ST. OSWALD, from 1893, and some Contemporary Events, *illus.*, *Leeds*, 1902 12/6
- 1285 ST. THOMAS' LODGE, NO. 992.**—JUBILEE SOUVENIR 1863-1913: Extracts from Lodge Books, etc. and Complete Roll of the Members, roy. 8vo., *Manchester* [1913] 10/-
- 1286 SALISBURY LODGE, NO. 435.**—WATSON (DR. J. H.) A HISTORY of THE SALISBURY LODGE [1836-1936], [*Privately Printed*, 1936] 10/-
- 1287 SCIENTIFIC LODGE, NO. 439, BINGLEY.**—WADE (HAROLD R.) and WRAGG (CHARLES W.) HISTORY of the FIRST HUNDRED YEARS of the LODGE, 1836-1936, *illus.*, 1936 12/6
- 1288 SCOTS LODGE, NO. 2319 [ENGLAND].**—CHANDLER (JOHN EDWIN) HISTORY of the LODGE: 1889 to 1938, 64 pp., roy. 8vo., wrappers, 1938 10/-
- 1289 SHAKESPEARE LODGE, NO. 99.**—EBBLEWHITE (ERNEST ARTHUR) HISTORY of the LODGE, 1757-1904 [with Biographical List of Members from the time of its Constitution, By-Laws, etc.], 19 *illus.*, 1905 £1/15/-  
Privately printed and limited to 150 copies.  
This old "Moderns" Lodge received the Freemasons' Hall Medal 1783; a "Red Apron" Lodge since 1798; named in 1805; Warrant of Confirmation, April 1841; Centenary Warrant (Special Jewel), Feb. 1857.
- 1290 SINCERITY LODGE, NO. 174.**—NEWTON (JOHN) HISTORY of the LODGE, compiled from the Minutes, 1784 to 1887, portrait and facsimile of Lodge Certificate, 1858 18/-  
The Lodge was warranted 23rd April, 1768, as No. 423; a "Masters' Lodge" 1793-95.
- 1291 SOUTH SAXON LODGE, NO. 311.**—GRANTHAM (IVOR) RECORDS of the LODGE, 1796 to the Year 1879, printed on hand-made paper, *Printed for Private Circulation*, 1930 10/-
- 1292 STAR of BURMAH LODGE, NO. 614 [E.C.].**—BATLIVALA (J. C.) FIFTY YEARS Record of the LODGE, 1853-1903, with 3 *illus.*, *Rangoon*, 1911 10/-

Lodge Histories—continued.

- 1293 **STABILITY LODGE OF INSTRUCTION.**—GOLBY (F. W.) A CENTURY of MAJONIC WORKING: being a History of the Stability Lodge of Instruction, 4 portraits, Bath, 1921 15/-  
The author claims that the Stability Lodge of Instruction founded in 1817 has lineal descent from the Lodge of Reconciliation.
- 1294 **STEWART LODGE, NO. 1960.**—LESLIE (MAJOR J. H.) HISTORY of the "STEWART" LODGE (ENGLISH CONSTITUTION), holding at RAWAL PINDI and MURREE, under the District Grand Lodge of the PUNJAB [1881-1896; with an Introduction by R. F. GOWAN], portrait, reproduction of warrant and 2 coloured plates, 1896 12/6
- 1295 **SURREY LODGE, NO. 416.**—LEES (JOHN, Compiler) THE HISTORY of the SURREY LODGE, No. 416, formerly No. 603, established at Reigate 1834; to which is prefixed a Sketch of Masonry... Compiled as a Memorial of the Fiftieth Anniversary of the Lodge, with 7 illus. [ca. 1895] 12/6
- 1296 **SYDNEY LODGE, NO. 829, KENT.**—HUTTON (ALFRED H.) THE HISTORY of the SYDNEY LODGE, Province of Kent: 1860-1935; with 4 illus., roy. 8vo., stiff wrappers, 1935 10/-
- 1297 **TEMPERANCE LODGE, NO. 189.**—BEZZANT (REG.) A STORY of an "ANTIENT" LODGE [being a HISTORY of the LODGE of TEMPERANCE, 1784-1917], illus., [1918] 10/-  
An "Ancients" Lodge, No. 223 on their roll.
- 1298 **TILBURY LODGE, NO. 2006.**—[FREEMAN (JOHN G.)] RECORD of the HISTORY of the TILBURY LODGE [1884-1934] Compiled for the occasion of its Jubilee, with plan and 12 illus. [1934] 10/-
- 1299 **TRANQUILLITY LODGE, NO. 165.**—CONSTABLE (JOHN) HISTORY of the LODGE, from its ORIGIN to the PRESENT TIME [1787-1874], with Appendices containing a Complete List of Members, Rules and Orders, etc.; and a Preface by W. J. HUGHAN, with facsimiles, 1874 12/-  
Warranted as an Atholl Lodge, originally No. 244. It was named in 1816.
- 1300 ———: KRUSIN (HENRY M.) HISTORY of the LODGE of TRANQUILLITY, written for the 150th Anniversary Celebration [1787-1937], Printed for Presentation to the Members, 1937 15/-
- 1301 **TYRIAN LODGE, NO. 253, DERBY.**—BYE-LAWS of the TYRIAN LODGE, No. 315 [now 253], Constituted in 1785, as originally published in 1847 with MS. corrections and printed additions to the List of Initiated and Joining Members down to Sept. 1855, sewn, Derby 1847[55] 10/-
- 1302 **UNION LODGE, NO. 129, KENDAL.**—POOLE (REV. H.) SOME CHAPTERS from the FIRST HUNDRED YEARS of the LODGE, 1764-1864, with 3 illus., roy. 8vo., [ca. 1940] 10/-
- 1303 **UNION LODGE, NO. 247, GEORGETOWN, BRITISH GUIANA.**—MAGGS (CHARLES J.) THE CENTENARY of the UNION LODGE, 1813-1913, being a Brief History of the Lodge as far as can be compiled from existing documents, 1913 12/6
- 1304 **UNIONS LODGE, NO. 256.**—DAVIS (REUBEN ROBERT) ANNALS of the LODGE of UNIONS, from 1785 to 1885, compiled from the Minute Books, portrait and 4 plates, 4to, Printed for private circulation, 1885 £1/-/-  
This lodge was the Parent of the Emulation Lodge of Improvement.
- 1305 **UNITED FRIENDS LODGE, NO. 313, GREAT YARMOUTH.**—TEASDEL (ROBERT HENRY) THE HISTORY of UNITED FRIENDS LODGE, 1797 to 1930, with 3 illus., Gr. Yarmouth 1930 12/6
- 1306 **UNITED MARINERS' LODGE of INSTRUCTION, NO. 30.**—[DICKSON (R. A.)] NOTES for a HISTORY of UNITED MARINERS' LODGE of INSTRUCTION No. 30; PRIMUS; Centenary 1927, with 2 illus., 48 pp., roy. 8vo., wrappers [1927] 10/-
- 1307 **UNITY LODGE, NO. 69.**—[REECE (R. J.)], CARTWRIGHT (E. H.) and MARSHALL (G. F.) HISTORY of the LODGE of UNITY (founded 1742), together with BY-LAWS and a Note on FREEMASONRY in the EIGHTEENTH CENTURY [Written by G. W. SPETH], parchment, 1901 18/-
- 1308 **UNITY LODGE, NO. 183.**—SPETH (GEORGE W.) THE HISTORY of the LODGE of UNITY (formerly 441, 376, 289, 290, 242, 305, 215), extracted from the Minutes and other Documents of the Lodge and from the Records and Register of Grand Lodge, with 3 folding tables, 1881 12/6  
A 'Moderna' Lodge, warranted in 1769.

**Lodge Histories—continued.**

- 1309 **WESTMINSTER and KEYSTONE LODGE, NO. 10.**—GODDING (J. W. SLIGH) HISTORY of the LODGE from the date of its Constitution, 28 January, 1722, to the year 1905, *frontispiece and 17 plates, Privately printed, Plymouth, 1907* £1/5/-  
Only 250 copies printed, each numbered and signed; An old "Moderns" Lodge, warranted 1722, as the "Tyrian" Lodge, No. 7; changed its name in 1792 when its number was No. 5; At the Union and thereafter held its present number.
- 1310 **WHITCHURCH LODGE, NO. 1, SALOP.**—GRAHAM (ALEXANDER) HISTORY of the LODGE [originally No. 478, afterwards No. 388] Founded in the year 1785 by Major Charles Shirreff [down to its last meeting in 1803], *Shrewsbury, 1902* £1/-/-  
According to Lane's Masonic Records the lodge was erased in November, 1801 but apparently the lodge occasionally met during the years 1802-3.
- 1311 **WORCESTER LODGE, NO. 280.**—GRIFFITHS (C. C. WHITNEY) REMINISCENCES of the WORCESTER LODGE of FREEMASONS, [1769-1869] and of other MASONIC INSTITUTIONS in the PROVINCE and CITY of WORCESTER, *frontispiece, wrappers, cloth back, Published by the Lodge, for presentation only, 1870* 18/-  
**LODGE HISTORIES (ENGLISH CONSTITUTION)** vide General Alphabet: CALVERT (A. F.); GOULD (R. F.); HUGHAN (W. J.); LANE (J.); Q. C. PAPERS and [ESSAYS]; and THORP (J. T.).

**IRISH CONSTITUTION.**

- 1312 **FIRST VOLUNTEER MASONIC LODGE of IRELAND, NO. 620.**—GEOGHIGAN (WILLIAM) THE HISTORY and ANTIQUITIES of the LODGE, 1783-1920, from Original Records, with 5 *illus.*, wrappers, *Dublin, 1921* 12/6
- 1313 **ST. PATRICK'S LODGE, NO. 77, NEWRY.**—PARKINSON (R. E.) HISTORICAL SKETCH of the LODGE, 1737-1937, [with List of the Masters to 1936 and Officers Elect for 1937], *Newry, 1936* 15/-
- 1314 **TEMPLE LODGE and CHAPTER, NO. 51.**—LEIGHTON (SAMUEL) A SHORT HISTORY of the LODGE from 1849 and the CHAPTER from 1851, together with Lists of Members, etc., *Belfast 1893*; SECOND EDITION to which has been added a HISTORY of the PRECEPTORY, with Lists of Past Masters and Past Preceptors, *Belfast 1929*; in one volume, wrappers, 1893-1929 18/-

**SCOTTISH CONSTITUTION.**

- 1315 **ABERDEEN 1ter.**—MILLER (A. L.) NOTES on the EARLY HISTORY and RECORDS of the LODGE ABERDEEN, No. 1ter, on the Roll of the GRAND LODGE of SCOTLAND, with 13 *illus.*, *Aberdeen [1920]* £1/5/-  
Besides many interesting notes on early Masonic records of Scotland, this work contains valuable photographic reproductions of old minutes and other documents.
- 1316 **ANCIENT STIRLING LODGE, NO. 30.**—BAIN (JAMES) THE LODGE of STIRLING, Part I. [all published], Prior to 1741, 24 pages, wrappers, *Stirling, 1927* 10/-
- 1317 **EDINBURGH DEFENSIVE BAND, NO. 151.**—MURRAY (A. A.) HISTORICAL SKETCH of the LODGE [from 1782 to 1901], the Continuation Years 1902 to 1922 by WILLIAM ALSTON, with an Appendix: SKETCH of the CHAIR MASTER LODGE; *illus.*, roy. 8vo., [Edinburgh, 1923] 15/-
- 1318 **EDINBURGH (MARY'S CHAPEL), NO. 1.**—LYON (DAVID M.) HISTORY of the LODGE of EDINBURGH (MARY'S CHAPEL), No. 1 . . . embracing an Account of the RISE and PROGRESS of FREEMASONRY in SCOTLAND, with numerous portraits and facsimiles, roy. 8vo. (front end-paper missing), 1873 £1/5/-
- 1319 —: BLACKBURN (THOMAS, and others) [A Resumé of important events in the] HISTORY of the LODGE, 1599-1949, published to mark the 350th Anniversary of the Oldest Minute, *illustrated, Edinburgh, [1949]* 12/6
- 1320 **ELGIN LODGE, NO. 81.**—MIDDLETON (HARRY B.) HISTORICAL SKETCH of the LODGE for 150 years, (8th February, 1763 to 6th February, 1913), 48 pages, wrappers, 1913 10/-
- GLASGOW ST. JOHN, NO. 3, BIS.**—vide CRUIKSHANK (JAMES) in General Alphabet, ante.
- 1321 **HOLYROOD HOUSE (ST. LUKE'S), NO. 44.**—LINDSAY (ROBERT STRATHAIRN) A HISTORY of the MASON LODGE of HOLYROOD HOUSE (ST. LUKE'S) No. 44, holding of the GRAND LODGE of SCOTLAND, with Roll of Members, 1734-1934, with *frontispiece map showing known meeting-places of the Lodge (in pocket of cover), and 12 plates, 2 vols, 4to., buckram, t.e.g., Edinburgh, 1935* £2/15/-

Only 500 copies of this sumptuous Lodge History were printed.

The first volume includes much useful information on the Scottish System of Freemasonry from the earliest times to 1734.

- 1322 **JOURNEYMEN MASONS, EDINBURGH, NO. 8.**—ARTICLES of the LODGE of JOURNEYMEN MASONS, EDINBURGH, 24 pages, sewn, *Edinburgh*, 1854 10/-
- 1323 ——— : HUNTER (WILLIAM) INCIDENTS in the HISTORY of the LODGE of JOURNEYMEN MASONS, EDINBURGH, No. 8, *Edinburgh*, 1884 18/-
- 1324 **MOTHER LODGE, KILWINNING.**—KER (REV. WILLIAM LEE) MOTHER LODGE, KILWINNING, "The Ancient Lodge of Scotland": Discussions of an Old Historical Question, *portrait*, 1896 41/6/-  
Since 1807 the Grand Lodge of Scotland has placed Mother Lodge, Kilwinning in the exalted position of priority over the Lodge of Edinburgh (Mary's Chapel) No. 1.
- 1325 **POLLOK LODGE, NO. 772, POLLOKSHIELDS.**—HALLIDAY (DR. R. T.) A HISTORY of the LODGE [1890-1940], *illus.*, roxburghie, *Glasgow*, 1940 10/-
- 1326 **ST. DAVID LODGE, NO. 78, DUNDEE.**—GRANT (JAMES) The HISTORY of LODGE ST. DAVID, from 1759 to 1912, *illus.*, *Dundee*, 1913 12/6
- 1327 **ST. JAMES'S LODGE, DOUNE, NO. 171.**—[WILLIAMS (REV. GEORGE)] A HUNDREN YEARS' HISTORY [1789-1889], boards, *Stirling*, 1890 10/-
- 1328 **ST. JOHN LODGE, NO. 18.**—JOHNSTON (THOMAS) The OLD MASONIC LODGE of FALKIRK, now known as LODGE ST. JOHN, [From the year 1736], *Falkirk*, 1887 15/-
- 1329 **ST. JOHN'S LODGE, NO. 111, HAWICK.**—KER (THOMAS) SHORT HISTORICAL SKETCH of HAWICK ST. JOHN'S LODGE of FREEMASONS, [1768-1892], compiled from the Old Books of the Lodge and other Sources; A Paper read before the Members of the Lodge on 11th September, 1891; together with A Complete List of the Members of the Lodge and also a List of Masters, *Hawick*, 1892 10/-
- 1330 **ST. MICHAEL'S KILWINNING, NO. 63, DUMFRIES.**—SMITH (JAMES) HISTORY of the LODGE [1755-1894], *frontispiece and text-illus.*, *Dumfries*, 1895 15/-
- 1331 **ST. NICHOLAS LODGE, NO. 93.**—BENSON (JAMES SPED) HISTORY of the LODGE [1763-1908], compiled from Records, *Aberdeen*, 1910 10/-
- 1332 **ST. STEPHEN'S LODGE, EDINBURGH, NO. 145.**—SIMPSON (WILLIAM) HISTORY of the LODGE, written and compiled to commemorate its Ter-Jubilee (1777-1927), *illus.*, [Edinburgh, 1928] 10/-
- 1333 **SCOON AND PERTH, NO. 3.**—SMITH (D. CRAWFORD) HISTORY of the ANCIENT MASONIC LODGE of SCOON and PERTH, No. 3 (the LODGE of SCOON), with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, with 17 *illus.*, including *facsimiles*, 4to., (binding a *Rule* soiled and worn at joint), *Perth*, 1898 41/10/-
- 1334 **STONEHAVEN LODGE, NO. 65.**—MURRAY (ALFRED A. ARBUTHNOT) HISTORY of the LODGE of STONEHAVEN No. 65 (formerly No. 78), *illus.*, roy. 8vo, *Edinburgh*, 1922 15/-
- 1335 ——— ANOTHER COPY, wrappers, *ibid.*, 1922 10/-  
The first minute book dates from 1738. There is an interesting record relating to the Mark Degree, 1792 to 1833.
- 1336 **UNION and CROWN LODGE, NO. 307.**—THOMSON (ROBERT) Brief HISTORY of the LODGE during the past HUNDREN YEARS, 1824 to 1924, *Paisley*, 1924 12/6

#### UNITED STATES AND CANADIAN CONSTITUTIONS.

- 1337 **BRISTOL LODGE, NO. 25, PENNSYLVANIA.**—By-Laws of BRISTOL LODGE, Held in the Borough of Bristol, Bucks County, Pa., by Warrant dated March 15, 1780, adopted upon their Reconstitution, March 18, 1848, and approved by the Grand Lodge . . . of Pennsylvania, 16 pages, *Bristol, Pa.* [1852] 15/-
- 1338 **GOLDEN RULE LODGE, NO. 5, STANSTEAD, QUEBEC.**—MOORE (REV. ARTHUR HENRY) HISTORY of GOLDEN RULE LODGE, being a Sketch of a Century of Freemasonry (1803-1903) in the Jurisdiction of that Lodge, *illus.*, *Toronto*, 1905 18/-
- 1339 [LANCASTER, PENNSYLVANIA] LODGE, NO. 43.—WELCHANS (GEORGE R.) HISTORY of LODGE No. 43, F. & A.M., being the RECORDS of the FIRST CENTURY of its EXISTENCE [1785-1885]; also a REPORT of the PROCEEDINGS of the CENTENNIAL CELEBRATION, BIOGRAPHICAL SKETCHES of its CHARTER MEMBERS, PAST MASTERS, and PRESENT OFFICERS, and a COMPLETE LIST of MEMBERS of the LODGE, *Lancaster, Pa.*, 1885 18/-

- 1340 LOS ANGELES LODGE, NO. 42.—[ELLIS (ARTHUR M.)] HISTORICAL REVIEW of the LODGE [1854-1929], Seventy-Fifth Anniversary, May 5th 1929, illus., Los Angeles, 1929 12/6
- 1341 ST. ANDREW'S LODGE, NO. 16, CANADA.—SMITH (HENRY T.) HISTORY of the LODGE, 1822-1922, illus., Toronto, 1922 18/-
- 1342 SCOTIA LODGE, NO. 634, NEW YORK.—ROSS (PETER) The BOOK of SCOTIA LODGE: 1867-1895, with 10 portraits, New York, 1895 12/6

## MASONIC ENGRAVINGS.

(In each case the height is given before the width in the measurements).

- 1343 ASPERNE (JAMES, Bookseller in Cornhill; Past Master of the Foundation Lodge, No. 96, and St. Peter's, No. 249; P.S.D. of the Lodge of Antiquity, No. 1, and Grand Steward for 1814) Proof STIPPLE PORTRAIT after S. DRUMMOND, engraved by T. BLOOD, 12 x 10 inches, to plate line (with good margins) [ca. 1820] £1/1/-
- 1344 BLAYNEY (RT. HON. CADWALLADER, Lord, Grand Master, 1764-66) Proof three quarter length MEZZOTINT PORTRAIT in MASONIC REGALIA (unsigned) 15½ x 11 inches to plate line, overall 16 x 12½ inches, with stout card framed mount, [ca. 1800] £2/10/-
- 1345 CAGLIOSTRO ([JOSEPH BALSAMO], Count of): A MASONIC ANECDOTE. Caricature group representing COUNT CAGLIOSTRO and others at LODGE of ANTIQUITY MEETING on the 1st Nov., 1786, line engraving [by JAMES GILLRAY], engraved surface 13½ x 17½ inches, nicely coloured by hand, with verses in French and English, above and below the engraving, overall 20 x 18½ inches, Published for the Proprietor, by H. Humphrey, New Bond Street, Nov. 21st, 1786 £3/3/-
- 1346 FRANCES MAÇONS FLAMANDS EN LOGE (LES) Line engraving after DAVIN TENIERS by LÉPICIÉ, engraved surface 14½ x 20 inches with caption beneath, overall 16½ x 20½ inches (soiled and small marginal tear), 1747 £1/5/-
- 1347 FREEMASON'S HALL (Interior) Line Engraving by F. BARTOLOZZI and JAMES FITLER, after G. B. CIPRIANI and P. SANDBY, 12 x 10 inches to plate line, overall 17½ x 11½ inches, with watermark T. Dupuy, Published . . . by the Society of Free Masons at their Hall . . . 1786 £1 10/-
- 1348 ——— ANOTHER, PROOF before letters, on slightly thinner paper, sizes as above, [1786] £2/-/-
- This engraving was afterwards used as a frontispiece to some copies of Noorthouck's edition of Anderson's Constitutions of 1784.
- 1349 FREE-MASONS SURPRIZ'D (The), or the SECRET DISCOVER'D. A TRUE TALE from a MASONS LODGE in CANTERBURY. Caricature, line engraving, 7½ x 13 inches to plate line, verses beneath in four columns, overall 9½ x 13½ inches (very small defect in right hand margin hardly affecting the engraving), Printed for Robt. Sayer, in Fleet Street [1754] £3/10/-
- 1350 "FREE-MASSONS (LES)" depicting a MASONIC CEREMONY in progress, above which is a CALENDAR of LODGES numbered 1 to 129 with their tavern or meeting-place signs, also a Medallion portrait of Sir RICHARD STEELE, and the arms of THOMAS, 2nd Viscount WEYMOUTH, Grand Master in 1735. Line engraving by L.F.D.B. after J.F. [re-engraved by BERNARD PICART], 13½ x 16½ inches to plate line with good margins, stout card framed mount, [ca. 1737] £3/10/-
- 1351 MOIRA (RT. HON. FRANCIS RAWDON, Earl of [afterwards Marquess of Hastings] Acting Grand Master of the most Ancient and Honourable Society of Free and Accepted Masons) FINE STIPPLE PORTRAIT, three-quarter length, seated in the G.M.'s chair, wearing regalia, drawn by F. BARTOLOZZI, engraved by H. LANDSEER, 18½ x 14½ inches to plate line, overall 22 x 17½ inches, laid down on stout card ready for framing, Published by C. Wilkinson [etc.], Cornhill, 1804 £1/10/-
- 1352 ——— MEZZOTINT PORTRAIT, three-quarter length seated in G.M. Chair, wearing regalia with the V.S.L. opened before him, cut to plate line, 17½ x 13½ inches, and laid down to provide ruled border having caption "THE MARQUESS OF HASTINGS" [engraved by CHARLES TURNER after JAMES RAMSAY], with framed mount, [1811] £1/10/-

## Masonic Engravings—continued.

- 1353 MYSTERY OF MASONRY BROUGHT TO LIGHT** BY YE GORMAGONS (The). CARICATURE, line engraving, EARLY IMPRESSION, drawn and engraved by (WM.) HOGARTH,  $8\frac{1}{2} \times 13\frac{1}{2}$  inches, to plate line, with Title in the centre of the four columns of verses beneath, overall  $9\frac{1}{2} \times 13\frac{1}{2}$  inches, *Printed for Robt. Sayer . . .* [ca. 1760] £8/8/-  
This is a genuine early impression of the engraving and not one of those re-engraved by Thomas Cook many years later. The eprints can be identified by being on a whiter paper and having larger margins.
- 1354 "ON MASONS AND MASONRY,"** commencing "By MASONS ART ye ASPIRING DOME," set to Music, vignette head-piece, engraved by G. BICKHAM, with Dedication beneath, to the RT. HONBLE. [JOHN CAMPBELL] the EARL of LONDON, GRAND MASTER, [in 1736], 13 by 8 inches to plate line, folio sheet [ca. 1740] 15/-
- 1355 PRESTON** (WILLIAM, *Past Master of the Lodge of Antiquity, No. 1* [now No. 2]; *Author of "Illustrations of Masonry"*) Bust portrait, wearing Masonic regalia, line engraving by JAMES THOMSON after SAMUEL DRUMMOND, cut to bordered plate line,  $13\frac{1}{2} \times 9\frac{1}{2}$  inches, with stout card framed mount, [ca. 1810] £1/5/-
- 1356 PRINCE OF WALES** (GEORGE AUGUSTUS FREDERICK; [aft. GEORGE IV] *Grand Master*) Three-quarter length PORTRAIT in MASONIC REGALIA, seated in the Grand Master's Chair, fine stipple engraving by EDMUND SCOTT, engraved surface  $18\frac{1}{2} \times 15$  inches, overall  $19\frac{1}{2} \times 16$  inches, 1802 £2/5/-
- 1357 [ROYAL MASONIC INSTITUTION FOR GIRLS: FESTIVAL 1800—Children being presented to the Trustees and Governors on their Anniversary, at Freemasons Hall].** Fine Stipple engraving from the painting by BROTHER [THOMAS] STOTHARD, R.A., engraved by BROTHER [FRANCESCO] BARTOLOZZI, R.A., engraved surface 19 by  $24\frac{1}{2}$  inches, overall  $21\frac{1}{2} \times 25\frac{1}{2}$  inches (backed to strengthen; some small marginal tears), *Published by WM. JEFFRIES, June 1, 1802* £2/10/-  
Inscribed: "To the Grand Lodge of England, this Print representing the Distinguishing Characteristic of Masonry, Charity Exerted on Proper Objects, is by Permission most respectfully Dedicated by their Obedient Servant and Brother, Wm. Jeffries."
- 1358 SUGG** (CHRISTOPHER LEE, [an Irish Mason]; *Ventriloquist*) Full-length etched portrait, wearing P.M. badge, engraved by W. MATHEWS,  $10\frac{1}{2} \times 8$  inches to plate line (overall  $12 \times 9\frac{1}{2}$  inches) with stout card framed mount, [ca. 1830] £1/-
- 1359 SUSSER** (H.R.H. PRINCE AUGUSTUS FREDERIC . . . *Grand Master* [1813-1842]) Half-Length PORTRAIT in HIGHLAND DRESS, PROOF LINE ENGRAVING after Sir WILLIAM BUCHER by WILLIAM SKELTON,  $20 \times 15\frac{1}{2}$  inches to plate line, overall  $23\frac{1}{2} \times 16\frac{1}{2}$  inches, 1816 £1/15/-
- 1360 VANITY FAIR CARTOONS** of CELEBRATED FREEMASONS by "SPY" [Leath Ward] in Colour. (1) "The Pro Grand Master" [WILLIAM, 3rd Earl AMHERST], 1904; (2) "The Grand Secretary" [E. LITCHWORTH], 1903; (3) "The Most Worshipful Grand Master" [EARL of ZETLAND], 1869, in stout card framed mounts each 18/-

# فهرست نام کسان

## «آ»

ارباب کیو زردشتی ۱۷۹  
 ابوالحسن - حاجی سید ۷۳-۴۴۸  
 ابوالضیاء ۳۰۹  
 ابوالفتح خان - حاجی ۷۳-۴۴۸  
 ابوالفتح زاده - اسداله خان ۱۸۵-۲۵۳-۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ابوالقاسم آقا - حاجی میرزا ۸۲  
 ابوالقاسم خان - میرزا سید ۷۳-۴۴۸  
 ابوالقاسم فروش ۴۴۸  
 ابوطالب ۳۶۹-۳۷۰  
 ابومسلم ۴۳۶

آخونداف ۴۶  
 آخوند زاده - میرزا فتحعلی خان ۱۶۰  
 آخوند طالقانی ۱۷۱  
 آدم ابوالبشر ۱۱۵  
 آدمیت - عباسقلی خان ۴۰-۴۶-۸۳-۲۷۸  
 ۲۸۵-۳۲۳  
 آقا بالا خان سردار ۳۰۳  
 آقا خان کرمانی - میرزا ۱۶۰-۳۲۷-۳۳۴  
 آلب - سرهنگ ۴۳۵

## «الف»

احتشام الملك - محمد نفی خان ۷۳  
 احتشام السلطنه - میرزا محمد خان ۲۰۹ -  
 ۲۷۷-۲۹۹  
 احمد خان - حاج میرزا آقا بیگ زاده ۷۳ -  
 ۴۴۸  
 احمد - سید ۲۴۵  
 احمد شاه ۳۱-۱۴۳-۲۸۳-۳۴۶  
 ادرین لویس ۷۹  
 ادرار فتح اله ۳۸۸  
 ادوارد هفتم ۳۴

ابراهیم آقای تبریزی - حاج میرزا ۱۸۲ -  
 ۲۵۵  
 ابراهیم بگ ۲۴۲-۲۴۴  
 ابراهیم خان - حاج ۲۳۶  
 ابراهیم خان - میرزا ۱۷۸  
 ابراهیم خان - میرزا سید ۷۳  
 ابراهیم و یحان ۳۸۷-۳۸۸  
 ابراهیم سرنیپ نویخانه ۴۴۸

اصفهانى - سيد عبدالرحيم ۱۸۰

اصفهانى . مجلسى

اصفهانى - ملك المتكلمين ۲۴۰

اصفهانى - ميرزا آقاى ۲۳۱

اصفهانى - ميرزا عباس ۴۳۵

اصفهانى - ميرزا محمود ۱۸۰ - ۲۵۳

اصفهانى خواجوى - ميرزا مرتضى خان ۲۴۰

اعتبار الدوله - عبدالرزاق ۲۷۳

اعتناء الحكماء - ميرزا محمد حسين ۱۷۹

اعتقاد ديوان - لطفعليلخان ۴۳۷

اعتقاد الملك - ميرزا نصراله خان ۷۳

اعتماد الدوله شيرازى - حاج محمد ابراهيم خان

۴۴

اعتماد الملك ۴۴۸

اعزاز تقى - حسين ۲۶۵ - ۳۵۴

اعلم الدوله تقى - دكتور ۲۵۶

افتخار التجار - حاج ميرزا على ۷۳ - ۴۴۸

افتخار الملك - دكتور ميرزا على قليخان ۷۳

افجه - سيد مهدى ۳۰۶

افشار - رضا ۲۱۱

افتار - يار محمد خان ۱۸۵

افلاطون ۴۲۱

افندى - عكر ۳۱۰

اقبال السلطنه ماکوفى ۳۱۱

اقبال - عباس ۳۷ - ۲۸۱

اقتدار الدوله - ميرزا عيسى خان ۷۳

اقتدار السلطنه ۳۱۰

اگوست كنت ۱۵۹

الفت - محمد باقر ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۱ -

۴۳۲

المرت ۲۲۰

امان اله خان - على خاقان ۷۳

امام جمعه - ميرزا ابوالقاسم ۳۰۱

امامى - سيد حسين ۳۰

اديب السلطنه ميرزا حسنخان ۷۳ - ۸۲ - ۸۳ -

۱۸۲ - ۴۴۸

اديب الممالك فراهاى - ميرزا صادق خان ۴۸

۴۹ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹

۶۰ - ۷۰ - ۷۳ - ۸۵ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹

۹۹ - ۱۰۰ - ۱۸۶ - ۱۸۹ - ۱۹۹ - ۲۰۰

۲۵۰ - ۳۴۵ - ۴۴۵ - ۴۴۷ - ۵۴۸

اديب بهبهانى - حسينلى ۲۴۱

ارباب كيشرد - شاهرخ ۱۴۲

اردبيلى - سيد خليل ۱۸۲

اردشير جى زردشتى ۷۳ - ۱۷۹ - ۴۴۸

اردلان - عز الملك ۴۹ - ۵۰

ارسطو (ارسطا طالبس) ۴۲۱

ارستجاني - دكتور حسن ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲

ارستينى ۳۴

ارشد الدوله ۳۱۰ - ۳۱۲

ارفع الدوله - حاج سيد ابوالحسن ۴۴۸

ارفع السلطنه - (دكتور فرخ) ۲ - ۳

ارغون - سرهنك ۳۷۷

اسنالين ۳۰۶

اسدآبادى - سيد حسن ۳۰۳

اسداله ميرزا ۲۰۹

اسفنديارى محشم السلطنه - حسن ۲۷۳

اسكندر - منصور ۳۸۷

اسكندرى - عباس ۴۱۱

اسماعيل خان منشى (ميرزا) ۲۰۰

اشراق - محمدرار - ۴۸ - ۷۰ - ۴۴۷

اشميت ۴

اصفهانى - آقا بختى ۴۲۸ - ۴۲۹

اصفهانى - جناب ۱۷۹

اصفهانى - حاج محمد باقر ۴۳۳ - ۴۳۴ -

۴۳۵

اصفهانى - حمزه ۴

اصفهانى - سيد جمال واعظ ۱۸۱

الکار - حمد ۸ - ۱۱ - ۲۷ - ۲۹  
 اورنگ رحمانی - محمود ۶۷ - ۴۴۸  
 ابوانف - ۲۲۷ - ۲۳۱  
 ایوبی - حاجی سید ۴۵۰

### «ب»

بالفور ۶۹  
 بابون - لرد ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۴۲۷  
 بای بی کامیل دمولن ۲۲۱  
 بتن - مسیو ۴۴۹  
 بحرالمیوم ۳۴۱  
 بحرالمیوم کرمانی ۱۷۹  
 بختیاری - امیر مجاهد ۳۸۴  
 بختیاری - سردار بهادر جعفر قلی خان ۷۵ - ۴۵۰  
 بختیاری - مرتضی قلیخان ۴۵۲  
 بختیاری - سردار اسعد - حاج علی قلی خان ۱۷۹  
 ۳۱۵ - ۳۱۲ - ۴۵۰  
 برادون - ادوارد ۱۵۸ - ۳۰۱ - ۳۰۴ - ۳۱۳  
 برتانو - فولک ۱۸۴  
 برزین - ابوالحسن خان ۲۴۰  
 برنارد - مسیو ۷۰ - ۷۹  
 بقاء الملك ۴۴۸  
 بنان الملك ۴۱۳  
 بنیامین غراکلین ۱۱۵  
 بونن ۷۹  
 بهاء دکتر ۲۵۳  
 بهار - محمد تقی ملک الشعرا ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲  
 ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۳۱  
 ۳۵۲ - ۴۳۸  
 بهبهانی - آقا سید عبدالله ۲۱۵ - ۲۴۰ - ۲۴۱  
 ۲۴۴  
 بهبهانی - حاج محمد علی ۳۷۵ - ۳۷۷

امیراعلم - دکتر امیرخان ۴۹ - ۵۷ - ۷۳  
 ۸۰ - ۲۰۹ - ۴۴۸  
 امیرالمومنین ۳۴۶  
 امیر بهادر - ۲۴۹ - ۳۰۷ - ۳۱۰ - ۳۱۲  
 امیرخان بولدی ۴۲۷  
 امیرکبیر - میرزا تقی خان ۱۵۷ - ۳۱۰ - ۳۳۴  
 امیر نظام گروسی - حسین قلیخان ۵۵ - ۵۸  
 امین الاطباء رشتی ۱۷۹  
 امین الدوله ۴۷ - ۱۶۸ - ۳۳۱ - ۳۳۳ - ۳۳۵  
 امین الدوله استهبانی - میرزا حسنخان ۴۵  
 امین السلطان (میرزا علی اسفرخان) ۳۰ - ۳۱  
 ۳۲ - ۳۶ - ۴۰ - ۱۷۵ - ۲۳۶ - ۲۹۱  
 ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶  
 ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳  
 ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹  
 ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۵  
 ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۹۹ - ۳۰۱ - ۳۰۲  
 ۳۰۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۲۷ - ۳۳۴  
 ۴۳۷ - ۴۳۵  
 امین الضرب - حاج حسین آقا ۷۳ - ۱۹۵  
 ۱۹۸ - ۲۰۰ - ۴۳۷  
 امین الملك ۳۳۹  
 امین خلوت ۴۴۸  
 امین خلوت - حنفی خان ۷۳  
 امین خلوت - حسین قلیخان ۷۳  
 امین حمایون ۱۶۷  
 امینی - دکتر علی ۲۱۰  
 انتظام الحکماء ۲۴۰  
 انتظام السلطنه - میرزا سید محمد خان ۷۳  
 ۲۵۱ - ۴۳۸ - ۴۴۸  
 اندرس - دکتر ز ۱۱۴ - ۱۱۶ - ۱۱۸  
 ۱۵۴  
 انصاری - زکریا ۳۸۸

بهبهانی - حاجی مشیر ۳۷۷

بیموری - نیکلر ۳۵۹

## «پ»

پالین جولین ۷۹

پاسلی ۱۱۹

پاله نی پر - ام - ۱۷

پرتو اعظم - دکتر علیخان ۸۳-۷۶-۴۵۱

پژوه - احمد ۳۰۴ - ۳۱۳

پر کینر ۸

پرلی - میو ۷۹ - ۱۲۰ - ۲۰۲ - ۲۰۳

پر دیز (مدیر کتابخانه تهران) ۱۸۱

پر دیز - حسین آقا ۱۸۲

پولا کا ۲۸۵

پهلوی - رضاشاه ۲۱۸ - ۳۲۱ - ۳۸۳ - ۳۸۴

۳۸۵ - ۴۱۶

پر یجار - ساموئل ۳۶۱

پر یسو ۲۲۱

## «ت»

العمیر - موریس ۱۶۲ - ۲۲۰

تبریزی - حاج میرزا آقا فرشچی ۷۳

تبریزی - حاج میرزا ابراهیم آقا ۷۳

تبریزی میرزا محمد علیخان ۷۳

تربت - میرزا محمد علیخان ۴۷ - ۱۹۹

۴۵۲

ترو سکا نیان - سر کیس ماژتین ۲۹۱ - ۴۲۳

۴۲۵ - ۴۶۴ - ۴۶۵

تقوی - جمال ۴۴۸

تقوی - حجاج سید نهر الله ۴۹ - ۵۰ - ۵۴

۶۷ - ۶۸ - ۷۴ - ۸۳ - ۸۶ - ۱۱۲

۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۷۸ - ۱۹۵ - ۲۰۰

۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۸ - ۲۳۱ - ۲۳۲

تقی زاده - سید حسن ۳ - ۷۳ - ۸۳ - ۱۸۱

۱۸۲ - ۱۹۰ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷

۱۹۸ - ۲۰۰ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۳۲

۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۸۰ - ۲۸۲ - ۲۸۶

۳۰۴ - ۳۱۶ - ۳۲۶ - ۳۴۱ - ۳۵۷

۴۴۷

نیمور تاش ۱۸۵

تنکابنی - عبدالله میرزا ۴۵۱

تنکابنی - میرزا طاهر ۲۴۰

نور کر ۲۲۰

نوری ۵

توفیق نقیب ۳۸۷ - ۳۸۸

## «ث»

ثقة الاسلام - میرزا اسماعیل خان ۷۱

ثقة الملك - میرزا اسماعیل خان ۷۱ - ۷۴

۴۴۹

ثقة الملك - میرزا محمد علی خان ۷۱

ثقی - حسین ۲۸۴

## «ج»

جابر - حاجی محمد شیخ ۳۸۸ - ۳۹۰

جاسب - شیخ ۳۷۷

جرجی زیدان ۴۳۰

جعفر - ملا ۱۶۵

جلال الدوله ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۷ - ۳۴۱

۳۴۹ - ۳۴۲

جلال الملك - ابرج - ۱۷۸

جلال الممالك - حاج ۲۵۳

جم - محمود ۱۴۶

جمال زاده - سید محمد علی ۷۲ - ۳۳۷

جمال الدین اسد آبادی - سید (سید جمال واعظ)

۱۹ - ۲۲ - ۲۳ - ۷۲ - ۷۴ - ۸۲

حسن خان مذوی - میرزا ۱۷۹  
 حسن شیرازی - میرزا ۱۵۱  
 حسن عکاس - میرزا ۲۳۶  
 حسنعلی خان ۲۰۹

حقی - حبیبه جی ۳۸۷

حکیم الملک حکیمی - ابراهیم ۳۰ - ۳۱ - ۳۲

۳۴ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۲

۵۸ - ۷۰ - ۷۴ - ۸۰ - ۸۳ - ۸۹

۹۲ - ۱۴۶ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲

۱۸۳ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۳۲۶ - ۳۳۶

۳۵۷ - ۴۵۲ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۹

حکیم الملک - محمود ۲۸۲

حکیم الهی - میرزا فضل الله ۵۴

حکیمی ساعت ساز - میرزا علی اکبر ۱۷۸

حسین آقا - حاج ۴۳۸

حسین (ع) - امام ۲۴۵

حسینخان - میرزا ۴۹ - ۲۳۶ - ۲۳۸ - ۴۳۳

حسینی - شیخ غلام ۱۸۰

حیدر عمو اوغلی ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳

۲۸۴ - ۲۸۶

## «خ»

خان بابا خان ۲۳۶

خان خاها - حسنعلیخان ۷۴

خان شوکت ۱۸۰

خان ملک سامانی ۵۹ - ۱۱۱ - ۱۶۵ - ۲۵۰

۲۸۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۷ - ۳۴۵

۳۴۷ - ۳۴۹ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۶۳

خرقانی - سید اسدالله ۱۷۷ - ۱۷۸

خرزل - احمد فیصل ۳۸۲ - ۳۸۶ - ۳۸۷

۴۴۸

خرزل - شیخ ۳۴۸ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵

۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۸۱ - ۳۸۳

۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸

۸۲ - ۱۵۸ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۴

۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۷۳ - ۱۷۴

۱۷۵ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۸۲ - ۲۱۱

۲۱۴ - ۲۲۵ - ۲۳۶ - ۲۳۸ - ۲۶۳

۲۸۰ - ۳۰۳ - ۳۲۷ - ۳۳۱ - ۳۳۵

۳۳۷ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۹ - ۴۳۳

جیمی - آلبرت ۷۹

جهانبانی - سیهد ۶۱

جهانگیر خان صور اسرافیل - میرزا ۱۷۹

۱۸۱ - ۱۸۲ - ۳۴۱

جواد ۳۲۵

جواد خان - میرزا ۴۴۸

جواد خان (معلم خان) - میرزا ۲۰۱

جواهر الکلام - میرزا حسین خان مخاברالملک

۳۴۶

جوئر - برنارد ۴

جونس - اوان ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰

جونس - سر هارد فورد ۱۸

## «ج»

چرچیل جرج - ۱۷۱ - ۲۸۵

چرول - سروانتین ۲۶۵

## «ح»

حاجی نایب ۳۳۲

حامد الملک - شیرازی ۱۸۰ - ۳۰۹

حامد الملک - حسین خان ۳۳۲

حن آقا ۲۸۱ - ۳۶۴ - ۳۶۶ - ۳۶۷

۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲

حسن - شیخ ۶

حسن خان - میرزا ۷۴ - ۲۵۳

حسنخان - میرزا سید ۳۷۷

۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴

خصبری - سامی ۳۸۸

خصبری - سامی هاشم ۳۸۸

خصبری - عبدالکریم ۳۸۸

خصبری - قوری ۳۸۷ - ۳۸۸

خلخالی - آقا سید برهان ۲۴۱

خلخالی - سید عبدالرحیم ۱۸۲ - ۱۸۸

خلتیری - ارسلان ۲۰۷

خیرالله آذر بایجانی - ۳۵۲

خیربه - حاجیه ۳۹۹ - ۳۸۰

## ﴿ ۵ ﴾

دادبان - یرنس ۳۶ - ۳۴

داف گرامت ۳۷

دالگورکی - یرنس ۳۳۴

داشن ۲۲۱

دانتون مارا ۲۱۳

دان سوتندرف ۱۰

داود خان - آقا میرزا ۱۸۲ - ۲۰۹

داور ۴۳۲

دالالور ۲۱۳

دیدور - ۲۲۰

دیر اکرم - ۳۴۴

دیر السلطان ۲۸۳

دیر العوله - جلیل خان ۲۵۶

دیر الملك - میرزا حسنخان ۷۴

دیر الملك بدر - میرزا محمد حسین خان ۲۳

۳۰ - ۳۳ - ۴۷ - ۴۹ - ۵۰ - ۸۶ - ۹۹

۱۲۱ - ۲۲۲ - ۱۸۲ - ۴۴۹

دیر الملك شیرازی ۴۹ - ۵۰ - ۵۴

دیر حضور ۷۴

دیر مخصوص - میرزا حسنخان ۸۴

در بندی - سید علی ۱۶۹

درک - زول ۵۹ - ۶۰ - ۶۳

دریا بیگی - مرحوم احمد خان ۴۴۱

دزاگولیه ۱۱۴ - ۳۶۲

دزفولی شیخ محمد علی ۱۶۸

دشان ۲۲۲

دقت الملك - محسن خان ۷۴

دلبر ۱۱۹

دملین ۴۴۹

دوادمکر ۳۸۲

دوبروگ ۴۴۹ - ۸۰

دوبرنس - کاردینال ۲۲۲

دورمان - بارون ۱۸۶

دولت آبادی - حاجی میرزا علی محمد ۱۷۵ -

۱۷۸

دولت آبادی - حاجی میرزا مهدی ۱۷۸

دولت آبادی - حاجی میرزا یحیی ۷۱ - ۱۷۴

۱۷۷ - ۱۷۸

دووارنون - درک ۱۱۴ - ۳۶۳

دومر بیگ ۷۹

دهخدا - میرزا علی اکبر خان (دخو) ۴۵ -

۷۴ - ۱۷۲ - ۱۸۲ - ۴۵۱

## ﴿ ۶ ﴾

ذکاء الملك - میرزا محمدعلیخان ۵۴ - ۵۷ -

۷۴ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۲۰۳ - ۲۰۸ -

۴۴۹

ذوالریاستین ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۵ - ۲۴۷

## ﴿ ۷ ﴾

رابوسن - اتین ۲۲۱

رایس - سیسل اسپرینسک ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۵

۲۷۶ - ۲۷۷ - ۴۵۲

زور درز - میرزا حیدر علی ۱۷۸

زملین ۸۰

زنجبانی - آقا شیخ ابراهیم ۴۹ - ۵۰ - ۵۴ -

۷۵ - ۴۴۸

زین العابدین مراغه‌ای - حاج ۱۶۰ - ۱۶۱

### «ژ»

ژاکویک ۲۱۳

ژان ژورس ۲۵۶

### «س»

ساعده الوزراء - میرزا حسن خان ۷۵ - ۴۵۰

سالار الدوله ۳۴۱ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ -

۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۱ -

۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۷

سالار - رضا قلیخان ۴۴۱

سپهدار تنکابنی ۳۱۰ - ۱۹۶

سیهر - علی ۱۵۲

سپهسالار - میرزا حسنخان ۱۵۱ - ۱۵۸

سدهی کبوه درز - میرزا عبدالخالق ۱۷۵

سردار ارفع ۳۷۸

سردار اسعد - علی قلیخان ۵۴ - ۷۵

سردار امجد - نصرت اله خان ۷۵

سردار ظفر - حاجی خسرو خان ۷۵

سردار محی ۳۱۰

سردار منصور - میرزا فتح‌اله خان ۷۰ - ۷۵

سرکیس ۴۲۷

سرکیس - جوهانس ۴۱۸

سودش - میرزا ابوالقاسم ۷۵

سعادت - شیخ محمد حسین ۴۴۱

سعادت اوری - حسین ۳۲۷ - ۳۳۱ - ۳۳۲

رجبعلی خان ۷۴ - ۴۴۹

رحیم خان ۳۱۱

رزق الله الحاج ۳۷۵

رؤق سیقا ۳۸۲

رسول زاده - محمد امین ۳۰۶

رشتی - دکتر اسمیل خان ۷۴

رشتی - حاج میرزا اسمیل ۷۱

رشدیه - حاج میرزا حسن ۱۸۰ - ۳۰۳ - ۳۰۴

رضاخان - میرزا - منشی وزارت خارجه ۷۴

رضا قلیخان ۳۹ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ -

۳۶۹ - ۳۷۱

رضا قلی خان رئیس ۴۴۹

رضای گرمانی - میرزا ۱۹ - ۲۲ - ۱۶۴ -

۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۲۲۷ - ۲۳۶ -

۲۳۸ - ۲۶۳ - ۳۳۱ - ۳۳۵ - ۳۴۹

رضا یوف - میرزا محمد ۵۰ - ۷۴

رضوی - سید نصراله تقوی رجوع به تقوی -

حاج سید نصرالله

رفیع - حاجی شیخ محمد ۱۷۹

رنه - هانری ۶۹

روسیپر ۲۱۳ - ۲۲۱

رومی - شیخ احمد ۳۲۷

رومی گرمانی ۱۸۹

روزی اسائی ۴۲۶

رسو - ژان ژاک ۲۱۳

رومبو - دکتر ۴۹ - ۵۴

رباضی - غلام حسینخان ۷۴

رباضی - غلام علیخان ۴۵۱

ربز - دابیل ۳۵۸ - ۳۶۰

رئیس التجار - میرزا غلامرضا ۷۴

### «ز»

زادون ۴۲۸

زاهدی - سپهد فضل اله ۳۸۵ - ۳۹۳ - ۴۱۸

شاهکهای شیرازی - میرزا محمد نقی ۴۱۲ -  
 ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶  
 شاهرخ - ارباب کیخسرو ۴۹ - ۵۰ - ۵۴ -  
 ۴۵ - ۱۴۷ - ۴۵۱  
 شاهکار - دکتر محمد ۲۰۴  
 شبستری آذربایجانی - سید محمود ۳۰۶  
 شریف العلماء ۴۳۵  
 شریف کاشانی - مهدی ۱۷۸  
 شعاع السلطنه - شاهزاده ملک منصور میرزا  
 ۷۵ - ۲۵۳ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۲ -  
 ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۶ - ۳۳۶ - ۳۳۷ -  
 ۳۳۹ - ۳۴۲ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ -  
 ۳۴۸ - ۳۴۷ - ۴۳۶ - ۳۵۲ - ۳۴۹  
 شکوه الدوله ۲۹۹ - ۳۰۱  
 شکوه الملك - حسین خان ۴۹ - ۵۷ - ۷۵  
 شنبه ۲۲۱  
 شومر ۳۴۷  
 شوکت الوزراء ۲۵۳  
 شیخ الرئيس - ابوالحسن میرزا ۳۷ - ۳۸ -  
 ۱۷۷ - ۱۷۸  
 شیخ الملك کرمانی ۴۳۶  
 شیخ الملك - محمد حسن ۷۵  
 شیدفر ۴۱۲  
 شیرازی - میرزا قاسم ۷۵ - ۴۵۱  
 شیرازی - میرزا محمود ۱۸۰  
 شست ۱۱۵

### «ص»

صاحب اختیار - غلامحسین خان ۲۷۲  
 صاحب دیوان - میرزا فتحعلی خان ۱۴۴  
 صادق خان ۲۸۵  
 صادم الدوله ۴۷۲  
 صباح - حسن ۳  
 صدرا لاشراف ۲۳۲

سعد الدوله - میرزا جواد خان ۴۷ - ۱۴۹ -  
 ۱۹۵ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۲۰۰ - ۲۰۱ -  
 ۲۱۶  
 سعد العلماء ۲۴۵  
 سعید - محمد ۴۳۱  
 سعید خان - میرزا ۵۴  
 سعید نفیسی ۴۴  
 سراط ۳۹۹  
 سکن - مسیو ۷۹ - ۴۵۰  
 سلطان المتکلمین - شیخ مهدی ۲۴۱  
 سلطان العلماء زواره ای ۱۷۹  
 سلطان عبدالعزیز ۳۱  
 سلطان للمحققین واعظ اصفهانی - حاج شیخ محمد  
 سلیمان - حضرت ۲ - ۱۱۶ - ۳۹۵ - ۴۰۸  
 سلیمان پاشا ۷  
 سعیم - مسبو ۴۴۱  
 سنجری - محمد ۴۳۱  
 سنگلجی ۵۴  
 سوریل - دکتر ۳۳۶  
 سونیه ۴۶  
 سهام الدوله - جعفرقلی جلیلود ۲۷۳  
 صباح - خانم ۸۰  
 صباح - حاج ۵۰ - ۱۷۹ - ۲۳۸ - ۳۳۱ -  
 ۳۳۵ - ۴۳۸  
 صباح - حاج محمد علی ۷۵  
 صباح - کاظم خان ۷۱  
 صباح - میرزا همایون ۴۹ - ۵۰ - ۵۵ - ۵۹  
 ۷۵ - ۸۰

سیرجانی - سید یوسف ۳۴۱  
 سیف اله خان ۲۵۳  
 سیف اله میرزا ۶۱

### «ش»

شاپشال ۳۳۸ - ۳۳۹

طباطبائی - میرزا سید محمد ۳۰ - ۴۵ - ۵۴  
 ۷۶ - ۲۱۵ - ۲۳۰ - ۲۳۹ - ۲۴۰ -  
 ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ -  
 ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۴ - ۲۶۳ - ۳۳۶  
 طباطبائی - میرزا سید محمد صادق ۳۰ - ۷۶  
 ۸۲ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲  
 ۲۵۳ - ۳۳۹ - ۳۵۶ - ۳۶۹ - ۴۵۲

## «ظ»

ظل السلطان - شاهزاده، سلطان مسعود میرزا  
 ۵۴ - ۷۱ - ۷۶ - ۲۳۸ - ۳۱۹ - ۳۲۲  
 ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ -  
 ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ -  
 ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ -  
 ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۹ -  
 ۳۵۶ - ۴۱۳ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۸  
 ۴۳۲

ظهرالدوله میرزا علیخان صفا علیشاه ۵۴ -  
 ۷۶ - ۸۴ - ۱۴۶ - ۱۷۳ - ۲۹۳ - ۳۰۴  
 ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۴۶ - ۴۳۸

ظهرالاعیان - مهدی خان ۷۶

ظهرالسلطان - محمد ناصر خان ۷۶ - ۴۵۰

## «ع»

عالم کامل - حاج ۳۸۸  
 عاملی - دکتر باقر ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸  
 عباس - آقا ۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲  
 عباسعلی واعظ - حاج ۲۴۱  
 عباسقلی خان - میرزا ۳۲۹  
 عبدالاحکماء - میرزا ابراهیم خان ۴۵۱  
 عبدالحمید - سلطان ۱۶۶  
 عبدالمعاق سندهی - میرزا ۱۷۹  
 عبدالرحیم - میرزا ۷۶۱

صدرالعلماء - آقا میرزا محمدتقی محرر ۱۷۷  
 ۱۷۸ - ۱۷۹

صدرالعلماء خراسانی - آقا میرزا یعقوب ۷۵ -  
 ۴۵۰

صدرالمالک - ۷۵ - ۴۵۰

صدیق حرم ۳۰۹

صدیق حضرت - میرزا محمد خان ۲۰۹

صفائی - ابراهیم - ۴۰ - ۳۴۰

سمرعلی ۲۰۰

صالح شیرازی - میرزا ۱۵۶ - ۱۶۰

صلاح الدین ایوبی ۳

صمصام السلطنه بختیاری ( علیقلی خان  
 بختیاری ) ۴۵۰

صمصام السلطنه نجف قلیخان ۷۵

صنیع الدوله - مرتضی قلی خان ۷۵ - ۲۰۱ -  
 ۲۰۸ - ۲۸۵ - ۴۵۰

صنیع حضرت ۳۱۴

صبور اسرافیل رجوع به جهاتگیر خان سور  
 اسرافیل

## «ض»

ضیاءالبوله - امان الله میرزا ۷۱ - ۷۵ - ۴۴۸

ضیاءالدوله - میرزا علیخان ۷۵

ضیاءالملک - حسنعلی خان ۷۵

ضیاءالملک فرمند - ۴۴۷

ضیاءالملک قراکوزلو ۴۱۲

ضیاء الله خان قراکوزلو ۴۵۰

ضیاء السلطنه - میرزا علیخان ۴۵۰

## «ط»

طالوف - ملا عبدالرحیم ۱۶۰ - ۱۶۱

طباطبائی - سید ضیاء الدین ۳۸۴

طباطبائی - میرزا رضا خان ۲۰۳

عبد الرحیم خلغانی ۴۵۱  
عبدالمظلم - حاجی میرزا آقا حسین زاده ۷۶  
عبدالمطی - حاج ۴۳۵  
عبدالقادر - درباری اعیان - شیخ ۳۸۷ - ۳۸۸  
عبدالکریم - شیخ ۳۸۶  
عبدالمجید میرزا ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸  
عبد الوهاب استغنائی - سید ۱۷۹  
عبد الوهاب زاده ۳۰۶ - ۳۰۷  
عبد الوهاب نعمه ۳۸۷  
عبداله - آخوند ملا ۲۵۳  
عبداله میرزا ۶۱ - ۸۰  
عبداله میرزا عکاس ۶۱ - ۷۶  
عرفان - محمود ۵ - ۵۴ - ۶۳ - ۱۴۴ - ۱۷۰  
۱۷۲ - ۲۰۹ - ۲۳۴ - ۲۳۷ - ۲۴۸  
عزالملك - عزت اله خان ۷۶  
عزالملك كردستانی ۴۹ - ۵۰ - ۵۰  
عبدالسلطنه ۳۳۹  
عبدالملك - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۴۶  
عبدانی - ملا حسین ۱۶۵  
عسکرخان - میرزا ۶۱ - ۱۷ - ۴۱۱  
ملا - حسین ۲۱۱  
علاء الدوله ۲۹۹ - ۳۱۴  
علاء السلطنه - محمد علی ۲۲۲  
علاء الملك ۲۶۴  
علم - اسدالله ۲۱۰  
علی (ع) ۴۱۹  
علی - سید ۳۷۸  
علی اسفرخان اتابك رجوع شود به امین السلطان  
(میرزا علی اسفرخان)  
علی اکبر - میرزا ۲۸۱ - ۳۱۰  
علی اکبر فال اسیری ۳۳۳  
علی بیك - ۳۳۹ - ۴۳۵  
علی آبادی میرزا عیسی خان ۴۵۱

## «غ»

غریب - دکتر جورج ۳۸۸  
غفاری - مهدی ۲۵ - ۲۷۳  
غفوری تبریزی ۴۳۵

## «ف»

فای ۱۱۷ - ۱۵۵ - ۳۶۳  
فتودی - یونس ۳۶۷  
فتحعلی شاه ۴۱ - ۲۹۱ - ۲۲۷ - ۴۱۱  
۴۱۲ - ۴۲۹ - ۴۳۶  
فتحعلی خان صاحب دیوانی ۲۳۵  
فتحعلیخان فانی - میرزا ۲۳۶  
فخر الواعظین کاشانی - سید احمد ۳۰۲ - ۳۰۳  
فرا سکینا ۴۵۱  
فراکیان - دکتر الفرد ۷۹  
فرا مرزیه احمد ۳۱۶  
فرا تکلین ۳۵۸  
فراهانی - میرزا احمد حسینی ۳۳  
فرید کربستو فرازاك ۲۹  
فرخ - سنانور سید مهدی ۶۷ - ۶۸

قائم مقام غفاری ۴۵۱

قائم مقام - میرزا مهدی خان ۷۹

قریب - عباسقلی ۴۹ - ۵۰ - ۴۵۱ -

قریشی - آقاسید ۲۵۳

قزوینی - حنوخان ۳۳۹

قوام الدوله ۲۰ - ۲۱ - ۲۳ - ۲۴ - ۷۰ - ۲۶۴ -

۳۲۳ - ۳۸۳ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ -

۴۵۱

قوام الدوله - میرزا محمدعلیخان ۷۰ - ۷۶ - ۳۲۳ -

قوام السلطنه - میرزا احمدخان ۶۷ - ۷۹ - ۴۳۵ -

۴۳۸ - ۴۵۱

### «ک»

کادوش - میواریسینی ۳۳

کارل - دکتر ۱۶۰

کاشانی - سیدحسن ۲۴۱

کاشانی - سیدعبدالرحیم ۱۸۰

کاشانی - شیخ یحیی ۲۳۳ - ۲۴۱ - ۳۰۳ -

کارومیناسبان ۳۷۶

کاشف السلطنه محمد میرزا ۷۶ - ۸۰ - ۸۷ -

۴۵۱

کاظمی - دکتر پرویز ۳۳ - ۲۰۶ -

کاظمی - سیدمصطفی خان ۳۳

کاوه - میرزا عبدالله ۳۶۴

کتابچی خان - ادوار ۷۶

کتابچی خان - یل ۷۶ - ۴۵۱ -

کحال - دکتر حسینخان ۵۰ - ۷۱ - ۷ -

۴۴۹

کرزن - لرد ۴۳۶

کرمالی - میرزا حنوخان ۱۶۸

کردمر - لرد ۲۶۶

کسروی - احمد ۱۴۸ - ۲۳۲ - ۲ - ۲۴۴ -

۲۷۷ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۱۳ - ۳۰ -

کرم الله خان - میرزا ۲۳۶ - ۲۳۸ -

کردوسی ۴۳۶

کرد ۸۱

کرزین ۵۴

کرمانفرما - عبدالحمید میرزا ۲۷۳

کرمانفرما - عبدالمجید میرزا ۳۲۷

کرمان - موریس ۱۱۹

کردوسی ۸۹ - ۲۳۲ - ۳۲۶ -

کردوسی - ذکاءالملک ۴۷ - ۴۹ - ۸۱ - ۱۱۲ - ۲۰۲ -

۴۴۱ -

کردوسی - ذکاءالملک - محمدعلی ۴۹ - ۵۰ - ۵۳ -

کردوسی - مهندس ۴۴۱

کردوسی - میرزا ابوالحسن ۴۹ - ۵۰ - ۷۹ -

۳۳۹ - ۴۴۸

کردوس - ابوالقاسم ۷۰ -

کردوس - غلامحسین ۷۰ -

کرهادر - ۲۵۱ - ۳۳۹ -

کریمالملک ۴۷

کرمان - جیجز ۱۸

کریم الله - حاج شیخ ۲۵۳

کریم الملک ۴۵۱

کریم الدوله - مصطفی قلبخان ۷۶ - ۴۵۲ -

کرکردی ۲۲۱

کرکه ۲۲۱

کروریه - دکتر ۳۷

کریمالمرث ۳۹۹

کریمسوف - شیخ محمدتقی ۴۴۲ - ۴۴۰ -

### «ق»

قاپول ۱۱۵

قاسمی - ابوالفضل ۴۳۵ - ۴۳۸ -

قاسمی - احمد ۴۳۶

قاسمی قزوینی ۱۷۹

قائم مقام ۳۳

کمان کلیمی - دکتر ۷۷  
 لکفر - مسیو ۷۹-۱۲۰-۴۵۲  
 لمبتن - میس ۱۶۹-۱۷۰-۲۲۵-۲۲۷-۲۳۱  
 ۲۴۰-۲۴۹  
 نین ۳۰۶  
 لواء الدوله - میرزا فضل الله خان ۷۱-۷۷-۱۷۹  
 ۲۵۲  
 لوبلان ۲۰۲  
 لونی بلان ۱۸۴  
 لونی شانزدهم ۱۶۲-۱۶۳-۱۹۹  
 لیاخف ۳۳۸  
 لیث الدوله ۳۱۰  
 لیری ۲۲۰

کمانی - میرزا حسینخان ۲۰۹  
 کشمیری - محمد خلیل ۴۱۹  
 کشیکچی باشی امیر نظام - محمد رحیم خان ۲۹۹  
 کلوب - میرزا محمد علیخان ۷۷-۳۱۰-۴۵۲  
 کمال - سید ۳۱۵  
 کماله - میرزا حسنخان ۵۴  
 کمال الملك نقاش ۵۴-۵۰  
 کمال الملك - محمدخان غفاری ۴۹-۷۶-  
 ۴۵۱  
 کیمو - دکتر ۲۹-۴۵۱  
 کنت دیوموت فورس ۳۳۵  
 کندورسه ۲۲۰-۲۲۱  
 کوشی - سید ۴۳۵

### «ک»

«م»  
 مار تیر دوراند - سر ۲۶۵  
 مار تیروس - سر کیس ۴۱۸-۴۱۹  
 مارنیز سر کیس رجوع به تروسکافیان  
 مالک - دکتر سعید (لقمان الملك) ۴۵۲-۴۴۷  
 مجتهد - سید عبدالله ۲۸۱  
 مجد الاسلام کرمانی ۱۷۸-۲۴۱  
 مجد الملك ۳۴۰

کارا ۲۲۱  
 کاردر - آلفرد جان ۴۴۳-۴۴۰  
 کاوولد ۱۴-۱۳-۶-۵  
 کلپایگانی - میرزا محمد ۲۳۱  
 گرمی - سرادوار ۶۸-۱۹۲-۱۹۳-۲۷۳  
 گشتاسب - فریدون میرزا ۴۵۲

### «ل»

مجلد السلطان ۳۰۷-۳۱۰-۳۱۲-۳۱۵  
 مجل السلطنه ۳۰۷  
 محسن خان - شیخ ۴۳۳  
 محقق الدوله ۱۹۵  
 محمد امین باش اعیان - شیخ ۳۸۷  
 محمد امین خان خیوه ۵۸  
 محمد باقر - شیخ ۴۳۰  
 محمد تقی - آقا سید ۲۴۱-۲۴۴  
 محمد حسینخان - میرزا ۷۷-۴۴۹  
 آقا محمد حسین تاجر (معروف به خیاط) ۱۷۹

لاس - ریزوز ۵۴-۷۹-۸۲-۹۹-۱۰۰-  
 ۱۲۰-۱۲۱-۲۰۲-۴۵۲  
 لاهارب ۲۲۰  
 لاهوایون ۲۲۰  
 لسان الحکماء - بحیی میرزا ۲۰۹  
 لسان الملك - میرزا اسمعیل خان ۷۷  
 لقمان الممالک دوم - دکتر صالح خان ۷۷  
 لقاد الملك - میرزا عیاس خان ۷۷  
 لقمان حکیمی نهورای - دکتر ۴۵۲

مدحت السلطنة ۳۰۹

مدحت الممالك عباس قلی خان ۸۷ - ۴۵۲

مدحت پاشا ۱۵۱

مدرس - سید محمد حسن ۲۰۲ - ۲۰۳

مدعی العموم - سید حبیب الله ۳۳۲

مدیر الدوله ۲۳۶

مرآت السلطان ۳۱۰

مرقضوی - حاجی میرزا احمد ۱۹۷

مرغی قلی خان ۷۷

مرشد آقا ۱۷۴ - ۱۷۹

مرل - دکتر ۷۲ - ۱۲۰ - ۱۸۵ - ۱۸۷

مزل - شیخ عبدالکریم ۳۸۶ - ۳۸۸ - ۳۹۰

مساعدا السلطنة ۷۷ - ۷۸

مناوات - سید محمد رضا ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۸۱

۱۸۲

مستشار الدوله - میرزا صادق خان ۷۷

مستشار الدوله - میرزا یوسف خان ۱۴ - ۲۰۰

۳۴۱

مستعان السلطان - میرزا کاظم خان ۲۵۳

مستعان الملك ۳۰۹

مستمر الملك ۳۰۳

مستوفی الممالك - میرزا حسن خان ۴۵ - ۵۴ - ۳۴۰

مستوفی الممالك - میرزا حسین خان ۷۸

مسعود السلطنة شیرازی ۲۳۵ - ۲۳۸

مشار الملك ۲۰۰

مشاور الملك - میرزا محمود خان ۵۴ - ۷۸

مشکوة الممالك ۲۵۵

مشیر الدوله ۳۱ - ۳۲ - ۳۴ - ۶۷ - ۶۸ - ۲۰۲

۲۰۳ - ۲۳۹ - ۳۲۵ - ۳۴۱

مشیر الدوله بیرابا ۵۴ - ۲۰۶

مشیر الدوله - میرزا حسن خان ۷۷

مشیر الدوله - میرزا محمد حسن خان ۲۲ - ۲۳ - ۲۷

۳۰ - ۱۶۶

مشیر الدوله - میرزا ابراهیم خان ۱۹۳ - ۱۹۸

محمد حسین میرزا ۳۸۴

محمد رضا خان (مشتی وزارت خارجه) ۷۷ - ۴۵۲

محمد رضا میرزا ۴۳۳

محمد رضا - سید ۸۳ - ۳۴۰

محمد رفعت ۳۷۸

محمد شیرازی - شیخ ۲۴۴

محمد علی پاشا ۳۴۸

محمد علی خان - سید ۲۰

محمد علی - شیخ ۲۵۶

محمد مازندرانی - آقا شیخ ۲۵۳

محمد علی شاه (محمد علی میرزا) ۷۱ - ۷۲ - ۸۴

۱۴۳ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۸۱ - ۱۸۲

۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۹۳ - ۱۹۹ - ۲۰۱ - ۲۰۸

۲۱۹ - ۲۳۳ - ۲۴۷ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۶

۲۷۲ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۸۲ - ۲۸۳

۲۸۵ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۷

۳۰۸ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۶

۳۱۷ - ۳۲۰ - ۳۲۲ - ۳۳۵ - ۳۳۷ - ۳۳۸

۳۳۹ - ۳۴۲ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۹

۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۴ - ۳۵۳

میرزا جم - میرزا ۷۷

میرزا - دکتر ۷۷

میرزا - میرزا ۷۷

میرزا محمود ۱۸ - ۱۴۶ - ۱۴۹ - ۱۶۳ - ۱۷۱

۲۲۱ - ۲۶۴ - ۲۶۶ - ۲۸۲ - ۲۸۴

میرزا امینی - شیخ ۳۱۵

میرزا طباطبائی ۴۶ - ۱۲۱ - ۱۴۸ - ۱۶۹ - ۱۹۵

۲۱۹

الدوله - حسین قلی خان ۷۷

الدوله - علینقی خان ۲۰۰

السلطنة - رجوع به هدایت

السلطنة مهدی قلی خان ۷۷ - ۴۵۲

السلطنة ۳۳۶

الملك - صبا ۲۰۸

مظفر السلطنة - ميرزا احمد خان ۲۷۳ - ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 مشیری - علی ۲-۱۳-۷۲  
 مصباح السلطان - حاج میرزا عباس ۷۷  
 مصطفی اسفندی ۴۳۳  
 مصطفی خان ۳۹۳  
 مصطفی طه سلمان ۳۷۸  
 مظفر احمد ۳۸۸  
 مظفر الدینشاه ۵۴-۱۴۳-۱۴۵-۱۶۸-۱۷۱  
 ۱۹۲-۱۹۳-۲۱۵-۲۱۶-۲۳۷-۲۳۸  
 ۲۴۷-۲۴۹-۲۶۲-۲۶۵-۲۶۶-۲۹۹  
 ۳۰۰-۳۰۱-۳۰۴-۳۱۴-۳۱۹-۳۲۰  
 ۳۳۵-۳۴۲-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۷-۳۴۹  
 ۳۵۲-۴۲۸-۴۳۶  
 مظفر الملك - حاج میرزا محسن ۷۱-۷۸  
 معاضد السلطان - ۱۸۶  
 معاضد السلطنة بیریا ۴۵۲  
 معاضد السلطنة - میرزا ابوالحسن خان ۷۲-۷۸  
 معاون الدوله - ایراهیم خان غفاری ۲۶-۲۵۲  
 ۴۵۲  
 معاون الدوله - میرزا حسنخان - ۷۷  
 معتمد التجار - میرزا محسن خان - ۷۷  
 معتمد الدوله ۳۳۹-۳۳۲  
 معتمد السلطنة ۶۸  
 معتمد الممالك - میرزا حسنخان ۲۰۹  
 معتمد خاقان - شکر الله خان ۳۱۶  
 معتمدی ۷۲-۱۳۸  
 معز السلطنة - میرزا محمد علی خان - ۷۷  
 معز الملك - میرزا ابوالحسن خان - ۷۲  
 معظم السلطنة ۳۰۸-۳۰۹  
 معیر الممالك - دوست محمد خان ۷۱-۷۸  
 معین الدوله - حاجی ۲۹۹  
 معین العلماء - سید عبدالوهاب ۱۷۹  
 معین نظام ۱۸۰  
 ممتاز ای - حاج محمد اسماعیل ۱۹۷-۱۹۸  
 مظفر الملك ۳۰۷-۳۱۵-۳۳۹  
 مظفر السلطنة ۳۸۳  
 مفید - شیخ عبدالله ۱۸۰  
 مقدم - معسن ۷۱  
 ملك المتكلمين ۱۷۳-۱۷۵-۱۷۷-۱۷۸  
 ۱۸۱-۱۸۲-۲۳۱-۲۸۰-۳۳۷-۳۴۵  
 ۳۴۱-۳۴۴-۳۴۵-۳۵۱-۳۵۲  
 منكراده ۱۴۸-۱۵۹-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۸  
 ۱۸۱-۱۸۳-۱۸۴-۲۳۲-۳۱۴-۳۲۰  
 ۳۳۷-۳۵۱  
 ملكناه ۱۰  
 ملك منصور - میرزا ۲۲۰-۳۴۴-۳۵۲  
 ملكم خان - فریدون ۲۵۶  
 ملكم - لبو ۴۴۳-۴۴۴  
 ملكم خان - میرزا - ۱۱-۲۲-۲۸-۳۰-۴۳  
 ۴۴-۴۵-۴۷-۵۴-۱۲۲-۱۵۲-۱۵۸  
 ۱۵۹-۱۶۰-۱۶۸-۱۶۹-۲۰۷-۲۱۱  
 ۲۱۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۳۸  
 ۲۴۳-۲۵۶-۲۶۲-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹  
 ۳۱۳-۳۱۹-۳۲۲-۳۲۳-۳۷۲  
 ۴۲۰-۳۵۵-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۶-۳۶۷  
 ۳۵۱-۴۲۱-۴۲۲-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۶  
 ممتاز الدوله - میرزا اسماعیل خان ۷۷-۴۵۲  
 ممتاز السلطنة - احمد خان ۲۰۲  
 منتخب الدوله - میرزا رضا خان ۷۷  
 منشی زاده ۱۵۸-۲۵۵  
 منصور الملك - رجعی خسان (منصور فعلی)  
 ۴۴۷  
 منصور - حسین علی ۳۸۸  
 منقح ۱۷۸  
 مؤمن الملك ۶۸  
 مؤمن الممالك - میرزا جواد خان ۷۴  
 مؤمن لشکر نوری - میرزا سید محمد ۳۰۳  
 مؤمن نظام - ۲۴۰

مظفر الدوله ۳۳۷-۳۳۷  
 ۳۳۸  
 مشیری - علی ۲-۱۳-۷۲  
 مصباح السلطان - حاج میرزا عباس ۷۷  
 مصطفی اسفندی ۴۳۳  
 مصطفی خان ۳۹۳  
 مصطفی طه سلمان ۳۷۸  
 مظفر احمد ۳۸۸  
 مظفر الدینشاه ۵۴-۱۴۳-۱۴۵-۱۶۸-۱۷۱  
 ۱۹۲-۱۹۳-۲۱۵-۲۱۶-۲۳۷-۲۳۸  
 ۲۴۷-۲۴۹-۲۶۲-۲۶۵-۲۶۶-۲۹۹  
 ۳۰۰-۳۰۱-۳۰۴-۳۱۴-۳۱۹-۳۲۰  
 ۳۳۵-۳۴۲-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۷-۳۴۹  
 ۳۵۲-۴۲۸-۴۳۶  
 مظفر الملك - حاج میرزا محسن ۷۱-۷۸  
 معاضد السلطان - ۱۸۶  
 معاضد السلطنة بیریا ۴۵۲  
 معاضد السلطنة - میرزا ابوالحسن خان ۷۲-۷۸  
 معاون الدوله - ایراهیم خان غفاری ۲۶-۲۵۲  
 ۴۵۲  
 معاون الدوله - میرزا حسنخان - ۷۷  
 معتمد التجار - میرزا محسن خان - ۷۷  
 معتمد الدوله ۳۳۹-۳۳۲  
 معتمد السلطنة ۶۸  
 معتمد الممالك - میرزا حسنخان ۲۰۹  
 معتمد خاقان - شکر الله خان ۳۱۶  
 معتمدی ۷۲-۱۳۸  
 معز السلطنة - میرزا محمد علی خان - ۷۷  
 معز الملك - میرزا ابوالحسن خان - ۷۲  
 معظم السلطنة ۳۰۸-۳۰۹  
 معیر الممالك - دوست محمد خان ۷۱-۷۸  
 معین الدوله - حاجی ۲۹۹  
 معین العلماء - سید عبدالوهاب ۱۷۹  
 معین نظام ۱۸۰  
 ممتاز ای - حاج محمد اسماعیل ۱۹۷-۱۹۸

میانسان - دکتر کارر ۲۹۱-۲۹۲-۴۲۳  
 میمندهی نژاد - دکتر محمد حسین ۱۷۰-۳۲۵-۳۵۶

### ۴۳۵

نایلتون بنایارت ۲۴-۲۹۰-۲۸۹-۴۱۱  
 نایلتون سوم ۳۳  
 نادر ۴۳۶  
 ناصر الا بالله ۴۳۵  
 ناصر الدین شاه ۱۹-۲۲-۲۳-۳۱-۳۷-۴۰-۶۴  
 ۷۱-۱۳۴-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۹  
 ۱۵۷-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳  
 ۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۷۰  
 ۱۸۶-۲۲۴-۲۲۶-۲۲۷-۲۳۱-۲۳۴  
 ۲۳۶-۲۶۳-۲۳۸-۲۳۹-۲۶۴-۲۷۵  
 ۲۸۵-۲۹۲-۳۲۷-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵  
 ۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۷۱-۴۲۲-۴۳۶  
 ناصر الملک - میرزا ابوالقاسم خان ۷۸-۲۶۴-۲۷۳-۳۳۳-۳۳۷  
 ناصر الملک قراگوزلو ۲۷۲-۲۶۲-۲۸۲  
 ناطق المله - شیخ علی زرنندی ۱۸۰  
 ناظم الاسلام کرمانی ۲۳۰-۲۴۱-۲۴۲  
 ۲۴۳-۲۴۴-۲۴۶-۲۴۷-۲۵۰-۲۵۳  
 ناظم الدوله دریا ۳۷-۳۹-۴۰-۷۲  
 ناظم الشریعه کرمانی - سید احمد ۳۴۱  
 ناظم السلطنه - میرزا موسی خان ۷۸-۲۹۹-۳۱۷-۳۱۴  
 ناظم العلوم محمد تقی خان ۷۸-۸۰  
 ناظم العلوم - نصرالله خان ۱۷۹  
 ناظم الهام - میرزا جبار ۲۰۰  
 ناظم دفتر تبریزی ۱۸۰  
 نظام - ۳۹۳  
 نظام السلطنه ۳۱۰-۳۳۷-۴۴۱  
 نظام السلطنه مافی ۳۹۳

۷۹-دول - یل هنری-۷۹  
 موریه - جیمز ۸-۸-۱۸  
 مولر السلطان ۱۹-۲۰-۱۴۴-۳۱۱-۳۱۳  
 ۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷  
 مولر السلطنه ۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳  
 ۳۰۴-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰  
 ۳۱۲-۳۳۹  
 محمد مجید ۳۹۴  
 میرزا حسین زرنندی ۳۹۴  
 میرالدوله - شاه طهماسب میرزا ۵۸  
 نایب الملک ۲۳۶  
 نایب الاسلام - کرمانی ۱۶۸-۱۶۹-۲۴۱  
 نایب السلطنه حاج میرزا صادق خان (کرمانی) ۱۴-۷۸-۲۴۰-۳۴۱-۴۵۲  
 نایب کل - شیخ عبدالعلی ۳۰۴  
 نایب کبیر ۲۱۳  
 نایب سیاسی - میرزا عباس خان ۷۸  
 نایب المالک - نظام الدین ۲۷۳  
 نایب حاج شیخ ۱۷۵  
 نایب ۲۱۳-۲۲۱  
 نایب - میرزا یوسف خان ۴۲۷  
 نایب آقا حاج ۸۳  
 نایب شلیخ ۴۴  
 نایب عبدالله طبیب ۲۳۸  
 نایب محسن ۱۷۵-۱۷۷-۱۷۸  
 نایب محمد تقی ۳۱۰  
 نایب محمد حسین ۳۳  
 نایب محمود خان (سناتور جم) ۴۴۷  
 نایب محمد خان ۴۴۹  
 نایب - آقا ۲۵۳  
 نایب محمد خان سردار ۲۴۸  
 نایب - یوسف ۷۷  
 نایب - میرزا سلیمان خان ۱۷۳-۱۷۴-۱۷۷-۱۷۸  
 نایب - دکتر ۲۸۳-۴۲۷

نظام الملک ۱۰

نظام - حشمت ۳۰۹

نظر آقا سوری ۲۸

نظم الدوله - ابونراب خان ۳۳۵-۵۴

نایب السلطنه - کامران میرزا ۲۷۳

نایب الصدر شیرازی - حاجی ۱۷۹

نبیل الدوله ۱۵۲

نجم آبادی - آقا شیخ مرتضی ۴۹-۵۰-۵۴

۷۸-۵۰۲

نجم آبادی - آقا میرزا محسن ۱۸۲-۳۰۹

نجم آبادی - حاج شیخ هادی ۵۴-۱۶۷-۱۶۸

۳۰۴-۳۱۱

نجم الدوله ۳۳۲

نجات - میرزا محمد ۱۸۲

نديم السلطان - میرزا محمد ۷۸

نریمان خان ۲۸

نصرا اللہ اخوی - حاج سید ۴۷-۱۲۲-۲۵۳

نصرا اللہ خان - میرزا ۲۳۶-۲۳۸

نصرا اللہ شیرازی - میرزا ۳۳

نصر الملک - حسنعلیخان مخبري ۷۸-۴۴۹

نصر الملک هدایت ۲۳

نصرت الدوله - ۳۴۰-۳۴۱

نصرت السلطان ۱۷۷-۱۷۸-۱۸۲

نصرت السلطنه ۲۳۱

نسر - دکتر ولی اللہ خان ۷۸

نصیر الملک شیرازی ۳۴۴

نفسی - سعید ۴۵

نمازی - حاج محمد حسن ۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸

۴۱۸

نواب - حسین علی خان ۸۲-۲۰۸-۳۲۶

۳۳۲-۴۴۹

نواب - حسین قلیخان ۷۸

نواب - عباس قلیخان ۷۸

نواب - میرزا سلیمانخان ۱۸۲

نور الدوله ۳۴۴

نور الله خان مزوی - میرزا ۱۷۹

نوری - آقا میرزا مهدی ۳۰۹

نوری شیخ فضل الله ۲۵۳-۳۰۰-۳۱۴

نوری - میرزا محمد علیخان ۳۰۳-۳۰۴

نوز - مسبو ۲۱-۱۹۸-۲۴۷-۲۴۸

نیر الملک ۵۷

## ﴿ ۵۵ ﴾

واکنر ۳۳۴

ونوق الدوله - میرزا حسنخان ۶۶-۶۷-۶۸

۷۸-۹۹-۱۲۰-۲۰۹

ونوق نظام ۳۱۱

وحید الملک - حاجی میرزا عبدالحسین خان

۲۰۹

ولایر همایون - میرزا مهدیخان ۲۰-۳۰۳

وصال - وقار السلطنه ۴۹-۵۰

وصالی - میرزا یوسف خان ۷۲-۷۸

وکیل السلطنه - محمد قاسم ۲۷۸

وکیل الملک - محمد اسماعیل خان ۱۹۵

ولامف ۲۶۲-۲۶۶

ولز ۱۸۳-۲۱۳

ولف - جوزف ۷-۱۵۸

ویلغرد - اسکول بلانت ۱۶۸

وید ۷۹

## ﴿ ۵۵ ﴾

هایل ۱۱۵

هاذیخان - دکتر ۲۴۰

هاردینگکس - آرتور ۱۹-۲۶-۲۷-۲۸-۲۶۵

۲۶۶-۲۶۷

هاشمی حائری - حسین ۴۸-۷۰

هایس - کارل تون ۲۱۹

هرالکتیوس ۶۶

هدایت ۴۰۹

## «ی»

پیرم خان - مسیو ۷۱-۷۳ - ۱۹۸ - ۳۶۳ -  
۴۳۸

یحیی - شیخ ۳۰۴

یحیی میرزا ۱۷۸

یحیی میرزا (اسکندری) شاهزاده ۲۰۹

یزدالبان حسین ۹۳-۱۲۱

یزدی - محمدحسین ۲۰۸

یعقوب ساد ۳۸۸

یعقوب صدرالعلماء ۴۱۲

یعقوب میرزا ۲۲۴-۲۳۸-۴۲۰-۴۲۱

یعقوب خان - میرزا ۳۶۳

یگانه - دکتر ۲۰۷

یمین السلطنه ۱۷۸

یمین الملك ۷۸

هدایت - حاج مخبر السلطنه ۱۹۹-۲۰۶-۲۶۲-

۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۷۶ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۳۲۶

هدایت - رضاقلیخان ۷۸

هدایتدکتر کریم خان (سرلشکر کریم هدایت)

۷۸-۱۱۷

هدایت فخر السلطنه - مهدیقلی ۲۷۳

هدایت محمود ۲۰۶

هدایت - مسعود ۲۰۷

هدایت - هدایت قلیخان ۷۸

هدایتی - دکتر ۳۱۲

هرمز - احمد ۳۱۳

هشترودی ۴۳۵

هتری بیو - ۳۸۸

هولباخ - یارون ۲۲۰

هولمز ۶

هویدا ۲۰۷

هیتلر ۱۵۳